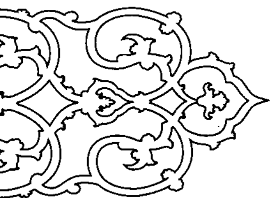
کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۶

دفاع و سیاست

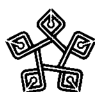
به اهتمام:
علیرضا هاشمی

دفتر
نشر معارف انقلاب



دفاع و سیاست

به اهتمام:
علیرضا هاشمی



دفتر
نشر معارف انقلاب
۱۳۸۹

سر شناسه	:هاشمی رفسنجانی ، اکبر ۱۳۱۳-
عنوان و نام پدید آور	:هاشمی رفسنجانی : کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۶ : دفاع و سیاست / به اهتمام علیرضا هاشمی .
مشخصات نشر	:تهران : دفتر نشر معارف انقلاب ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	:۸۰۰ ص .: مصور (بخشی رنگی).
شابک	:۱۲۰۰۰۰ ریال : ۲-۲۵-۷۱۹۳-۹۶۴-۹۷۸
وضیعت فهرست نویسی	:فیپا
موضوع	:هاشمی رفسنجانی ، اکبر ۱۳۱۳---خاطرات
موضوع	:هاشمی رفسنجانی ، اکبر ۱۳۱۳---یادداشت ها طرح ها و غیره
موضوع	:جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات
شناسه افزوده	:هاشمی بهرمانی ، علیرضا ۱۳۶۶-
شناسه افزوده	:دفتر نشر معارف انقلاب
رده بندی کنگره	:۳۱۳۸۶ آ ۲ه/ ۱۶۷۰
رده بندی دیویی	:۹۵۵/۰۸۴۲۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:۱۶۹۴۸۲۰

هاشمی رفسنجانی
دفاع و سیاست
کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۶

به اهتمام: علیرضا هاشمی
ویراستار: قادر باستانی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
طراحی جلد و صفحات: کارگاه گرافیک سپهر
لیتوگرافی چاپ و صحافی: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

تیراژ: ۱۸۰۰ نسخه
چاپ پنجم: ۱۳۸۹
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال



تهران ـ خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، خیابان سوده،
کوچه شهید امیدیان تلفن: ۲۲۲۸۴۰۰۷ فاکس: ۲۲۲۸۵۷۶۰



فهرست مطالب

عنوان	صفحه

حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

دفاع و سیاست

سال ۶۶ هم مثل سال‌های دیگر دوران دفاع مقدس، تحت تأثیر جنگ بود. بر اساس نظر امام و خواست مردم و مسئولان و اقتضای شرایط، اولویت از هر جهت به دفاع داده می‌شد. گرچه با همین سیاست هم نیازهای دفاع، آن گونه که شایسته بود، امکان تأمین کامل نداشت و با دستور امام، در سال ۱۳۶۵ نهادی به نام شورای عالی پشتیبانی جنگ با عضویت سران سه قوه و نخست وزیر تشکیل شد که حق تصمیم‌گیری برای تأمین نیازهای جنگ را داشت.

در جبهه جهانی هم، سیاست و دیپلماسی در مورد جنگ تشدید شد و دیپلماسی ایران در این سال، بخش مهمی از تلاش‌های سیاسی برای جلوگیری از تحمیل صلح غیرعادلانه در پایان جنگ تحمیلی و گنجاندن حقوق ایران و کیفر صدامیان متجاوز در قطعنامه شورای امنیت بود.

شروع و پایان خوب

به دنبال پیروزی چشمگیر رزمندگان اسلام در عملیات کربلای ۵ در روزهای آخر سال ۱۳۶۵، تفوّق ایران در میدان زمینی و دریایی جنگ، مورد قبول و توجه داخلی و

خارجی بود و بعد از چند عملیات موفق در جنوب، از خیبر تا کربلای ۵ روشن شده بود که هدف رزمندگان ایران در بخش جنوب عراق است، لذا بعث عراق با هدایت حامیان و مشاوران غربی، شرقی و منطقه‌ای، امکانات نظامی خود را علاوه بر بغداد، در جنوب متمرکز کرده بود.

فرماندهان سپاه پس از عملیات محدود کربلای ۸ در منطقه شلمچه در ۱۸ مرداد ۱۳۶۶ که توفیق چندانی نداشت، تصمیم گرفتند ضمن حضور موثر در جنوب، برای دفاع و آمادگی و مشغول نگه‌داشتن نیروهای موثر دشمن، موقتاً عملیات را به مناطق میانی و شمالی جبهه ببرند.

قسمت‌هایی از میدان‌های نبرد مرکزی را ارتش به عهده گرفت و نیروهای سپاه به تناسب امکانات، شمال غرب را منطقه فعال‌تر نبرد قرار دادند؛ گرچه در جبهه‌های دیگر هم تهاجم‌های کوچک و متعددی را انجام دادند.

علی‌رغم قرار انجام عملیات مهم که از اول سال در دستور بود و دو سه مورد هم برنامه‌های نسبتاً مؤثری تحقق یافت، اما برای تهیه مقدمات لازم و مناسب جهت نبرد بزرگ والفجر ۱۰ که در منطقه حلبچه و دربندیخان درنظر گرفته شده بود، وقت زیادی صرف شد که در عمل به اواخر سال ۶۶ افتاد.

شناسایی منطقه، اقدامات مهندسی برای عبور نیروها از کوه‌های سربه فلک کشیده و پربرف و جمع‌آوری نیرو در منطقه، با توجه به آلوده بودن آن از لحاظ افراد نفوذی دشمن که می‌توانست عنصر غافلگیری را که از ضرورت‌های عملیات سپاه بود، از ما بگیرد و رساندن تجهیزات و نیازهای ضروری یک عملیات بزرگ در سرزمین دشمن، از جمله مهمترین عوامل بودند که زمان زیادی را مطالبه می‌کرد و سرانجام در پایان سال، عملیات بزرگ موعود به نام والفجر ۱۰ انجام گرفت.

حجم عملیات آفندی

برای اینکه خوانندگان برداشت بهتری از وضع جنگ در سال ۱۳۶۶ داشته باشند، تابلو کوچک و گویایی از میدان نبرد در اینجا ترسیم می‌کنم. در طول این سال، حدود پنجاه عملیات آفندی توسط نیروهای مسلح در جبهه‌های زمینی انجام یافت که کلیات آنها عبارتند از:



۱ - عملیات موسوم به کربلای۸، ۹ و ۱۰ که سومی نسبتاً بزرگ و وسیع بود و بخشی از سرزمین عراق در منطقه ماووت به تصرف نیروهای سپاه درآمد.

۲ - آفندهای فتح ۵ تا ۱۰ که همه آنها در داخل خاک عراق و در منطقه کردستان عراق، توسط سپاه تحقق یافت و در مواردی از آنها، نیروهای مبارز کرد عراق هم همدوش رزمندگان ایرانی می‌جنگیدند و همه آنها عملیات کوچک به حساب می‌آیند.

۳- چند عملیات موسوم به نصر که در این رشته آفندها در سال ۶۶ به تعداد نه مورد عملیات انجام شد که پنج عملیات را سپاه و جهاد و چهار عملیات را ارتش انجام دادند که دو مورد در داخل خاک عراق و ۷ مورد در اطراف مرز بود.

۴- سلسله عملیات ظفر که تمام هفت مورد آنها در کردستان عراق و توسط سپاه انجام شد و در اکثر آنها نیروهای عرب و کرد عراقی به رزمندگان ما کمک می‌کرده‌اند.

۵- عملیات بیت‌المقدس ۲، ۳ و ۴ که در منطقه دربندی خان و ماؤوت توسط مجاهدان اسلام انجام یافت.

٦ - بقیه عملیات از نوع ایذایی و مواردی شناسایی یا پارتیزانی بود که عمدتاً در شمال عراق و یک مورد در جنوب، علیه پایانه‌های نفتی البکر و الامیه در خلیج فارس بود که توسط نیروهای سپاه تحقق یافت.

۷- سه مرحله عملیات قادر که توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه مرکزی و شمالی انجام یافت.

۸- نهایتاً عملیات بزرگ والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه بود که ضربه کاری را بر ارتش بعثی عراق وارد کرد. این عملیات آن چنان کوبنده، برق‌آسا و موثر انجام گرفت که بعث عراق و حامیانش، تعادل خود را از دست دادند و بزرگترین جنایت جنگی را با بمباران بی‌سابقه شیمیایی شهر حلبچه، مرتکب شدند و هزاران نفر از هموطنان کرد مظلوم خود را شهید و مصدوم کردند و ننگ تاریخی در پرونده جنگی خود ثبت نمودند. چشم‌پوشی و حمایت مستکبران غرب و شرق نیز باعث بدنامی آنها در تاریخ شد. این جنایت به نام سیاست معروف «زمین سوخته» بود که شرح مبسوط آن به همراه بی‌سابقه‌ترین موشک‌اندازی عراق علیه شهرها و مردم غیرنظامی ما را در این کتاب می‌خوانید.

در واقع آخرین و حساس ترین مرحله جنگ شهرها، که حمله موشکی عراق به تهران و شهرهای مرکزی ایران بود، از تاریخ دهم اسفندماه سال ۱۳۶۶ با موشک باران تهران

آغاز شد و تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این مدت، عراق متجاوز از ۱۸۰ موشک میان برد استفاده کرد و تلفات جانی و آسیب های مالی زیادی وارد نمود. در این مرحله نیز، ایران بار دیگر برای توقف حمله های عراق به اقدام متقابل روی آورد و از موشک های میان برد بر ضد آن کشور استفاده کرد.

صدام که جنگ شهرها را به امید ایجاد تشنج و نارضایتی در بین مردم مسلمان ایران راه انداخته بود، اصلا انتظار نداشت که با عمل متقابل جمهوری اسلامی ایران رو به رو شود. شروع جنگ شهرها که در ایران با به شهادت رسیدن صدها نفر و در عراق با انهدام بخشی از تاسیسات نظامی و دفاعی و تجهیزات شهری همراه بود، توانست نقش مهم دفاع مناسب ما را نشان دهد. حملات موشکی عراق به تهران که با حجم انبوه موشک‌های تهیه شدۀ "اسکاد" صورت می گرفت، هر چند با پاسخ متقابل ایران مواجه شد، ولی به دلیل کمبود موشک در ایران، تعداد کمتری به بغداد شلیک می شد ولی بسیاری از موشک های عراق یا در فضا منفجر می‌شد و یا بر نقطه های کم خطر اصابت می کرد.

سایر بخش‌های جنگ

۱- بخش دیگری از نبردهای این سال، جنگ‌های پدافندی است که در مقابل تهاجم دشمن انجام شد؛ چه آفندهای ابتدایی دشمن و چه آفندهایی که پس از عملیات نیروهای رزمنده ما برای بازپس گیری مواضع از دست رفته خود و جبران عقب‌نشینی و شکست انجام دادند.

۲- نبردهای دریایی که عمدتاً به صورت حمله به کشتی‌ها یا بنادر و یا تجهیزات ساحلی و بندری و مراکز صنایع نفتی اتفاق افتاد.

در این بخش، بیشتر نیروهای دشمن یا حامیان او شروع کننده بودند که با سیاست محروم کردن ایران از درآمدهای فروش نفت یا ممانعت از ورود کالاهای مورد نیاز، به امید ایجاد مشکل اقتصادی که باعث تضعیف اقتصاد و بنیه مالی دفاع شود، انجام می شد و رزمندگان ما با هدف بازدارندگی و مقابله به مثل، جواب دشمن یا حامیان آن را می دادند.

***

البته این بخش از جنگ پس از عملیات والفجر ۸ در سال ۶۴ و عبور اعجازآمیز رزمندگان از اروند و تصرف فاو و استقرار نیروهای ما در آن منطقه و محدود شدن رابطه

عراق با خلیج فارس، اشراف ما بر خور عبدالله و هم مرز شدن با جزیره بوبیان که قبلاً مورد استفاده ارتش عراق بود، اوج گرفت و پس از عملیات غرورآفرین کربلای ۵ در آخر سال ۶۵ که بصره را در تیررس توپخانه ایران قرار داد، شدت بیشتری یافت.

این شرارت‌ها با همکاری ارتش عراق و حامیان غربی‌اش، به خصوص آمریکا و بعضی از کشورهای جنوب خلیج‌فارس انجام می‌شد و ایران در دفاع و مقابله به مثل تنها بود، امّا با شیوه‌های ابتکاری و امداد الهی، تجاوزها بی‌جواب نمی‌ماند.

سیاست اعلان شده ایران این بود که خلیج‌فارس باید برای همه امن باشد و اگر بخواهند آن را برای ایران ناامن کنند، برای همه ناامن می‌شود و این ناامنی برای کشورهای غربی هم که بخش عمده‌ای از نیازهای نفتی‌شان را از طریق این آبراه تأمین می‌کردند، سنگین بود.

مقاومت جانانه ایران، کار را به جایی رساند که آمریکا ناچار شد از پشت پرده بیرون بیاید و رسماً علیه ایران وارد عمل شود. ابتدا به صورت به عهده گرفتن حفاظت از کشتی‌های عازم بندرهای جنوب خلیج فارس با کمک ناوگان جنگی خود و سپس با نصب پرچم آمریکا بر روی کشتی‌های موردنظر دیگران به منظور ارعاب رزمندگان اسلام و پس از مأیوس شدن از تأثیر این اقدامات غیرمتعارف تجاوزگرانه، علناً و رسماً وارد جنگ شد. تعدادی از شناورها و سکوهای نفتی و پرنده‌های ایران را هدف قرار داد و خسارت‌های عمده‌ای وارد کرد و با تصرف کشتی "ایران اجر" و بازداشت سرنشینان آن و سرانجام انفجار کشتی پیش رفت و با سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایرباس ایرانی در سال ۶۷، عمق کینه و قساوت و خوی تجاوزگری‌اش را برملا کرد و با دادن جایزه به کاپیتان جنایت‌گر ناو «وینسنس» که حدود ۲۹۰ نفر انسان بی‌گناه را در دریا غرق کرده بود، عمدی بودن این جنایت را به عهده گرفت. در این کتاب نمونه‌های فراوانی از این گونه موارد در جنگ‌های دریایی را می‌خوانید.

در اوایل سال، پیشنهادی در مورد آتش‌بس در دریا مطرح شد و ایران آن را پذیرفت، اما صدام و حامیانش که امید زیادی به بخش نبرد کشتی‌ها برای کوتاه کردن دست ایران از پشتوانه مالی بسته بودند، نپذیرفتند و پذیرش آن را مشروط به پذیرش آتش‌بس در کل جنگ کردند و ایران هم پذیرش آن را مشروط به شروطی کرده بود که آنها آماده پذیرش آن نبودند.

نکته مهم دیگر اینکه شوروی هم برای اینکه از آب‌های جنوب بی‌نصیب نماند، در مقطعی در رقابت با آمریکا به عنوان حفاظت از کشتی ها در خلیج‌فارس حضور پیدا کرد، ولی با موشک خوردن دو کشتی‌اش، زود متوجه شد که در این میدان، شانس موفقیت ندارد و متوقف شد.

جالب تر اینکه آمریکا هم کم‌کم به این نکته پی برد که بدون ورود رسمی و علنی به جنگ و در پوشش حفاظت از کشتی‌های تجاری، موفق نخواهد بود و دلیل آن را می‌توانید در مصاحبه رئیس جمهور وقت آمریکا که پس از هشت ماه سکوت در این باره انجام داد، ببینید. در این مصاحبه آثار ناکامی در اقدامات ناوگان آمریکا موج می‌زند، به خصوص مسئله موشک خوردن ناو استارک آمریکا توسط هواپیماهای عراق و تلفات و خسارات مادی و حیثیتی آن که مایه شرمندگی دو طرف بود، امکان توجیه و دفاع نداشت.

همچنین شکست کاروان نظامی آمریکا برای اسکورت کشتی غول پیکر بریجتون کویت با پرچم آمریکا که به اعتراف نمایندگان کنگره آمریکا به جای اینکه نمایش قدرت باشد، نمایش ضعف آمریکا و قدرت ایران شد.

در سه روزی که کاروان نظامی آمریکا، از جلو و عقب دو کشتی نفتکش، همراه با خبرنگاران، از دریای عمان تا شمال خلیج‌فارس در حرکت بودند، نفس محافل سیاسی و نظامی در سینه‌ها حبس بود که نمی‌دانستند اقدام ایران چیست و پس از اقدام ایران، چه پیش خواهد آمد؟

آن لحظه‌ای که در حوالی جزیره فارسی، کشتی بریجتون با مین منفجر شد، برای آمریکا لحظه شرمندگی و برای رزمندگان لحظه فخر و مباهات بود[1].

خوانندگان عزیز در این کتاب موارد متعددی از مقابله رزمندگان اسلام با تجاوزهای دریایی آمریکا را می‌بینند. در هر مورد از برخورد ایران و آمریکا در خلیج‌فارس، نگرانی‌های فزاینده در مراکز اقتصادی جهان در اثر ترس از فراگیر شدن جنگ رخ می‌داد و زلزله بر ارکان بورس‌های نیرومند غرب به وجود می‌آمد که باعث سقوط ارزش سهام آنها می‌شد. طبق ارزیابی خودشان، اینگونه سقوط سهام در بازار سرمایه، بعد از سال ۱۹۲۹

---

۱ - در روز دوم مرداد ۱۳۶۶، انفجار مین، شکاف بزرگی در بدنه کشتی بریجتون ایجاد کرد و در چهار مخزن از ۳۱ مخزن آن آب وارد شد.

سابقه نداشت و طبیعتاً باعث شرمندگی دولت آمریکا و فشار شرکای آمریکا برای خاتمه دادن به دخالت نظامی در خلیج فارس بود.

شرارت‌های هوایی و بمباران مناطق غیرنظامی

با احساس عجز ارتش بعث در جبهه‌ها و جنگ‌های زمینی، همراه با شرارت‌های دریایی، بمباران و موشک باران شهرها و مراکز جمعیتی غیرنظامی و مراکز اقتصادی و زیربنایی ایران در طول جنگ در دستور آنان بود و در این سال پس از شکست سخت در عملیات کربلای ۵ و هراس از عملیات سرنوشت‌ساز که ایران در برنامه داشت، این حمله‌ها اوج گرفت.

حامیان بعث عراق، کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و تبلیغاتی غیرقابل توجیهی در اختیارش قرار دادند: موشک‌های دوربرد، هواپیماهای بسیار پیشرفته و بلند پرواز، بمب‌های لیزری فوق‌العاده دقیق‌زن و سلاح‌های شیمیایی خطرناک که فقط در اختیار تعدادی از قدرت‌های بزرگ است و امکانات تولید سلاح‌های میکروبی و حتی هسته‌ای، همراه با جواز هرگونه جنایت و ارتکاب تخلف‌هایی که جنایت جنگی شناخته می شدند، ازجمله آنهاست.

صدامیان در طول سال ۶۶ بدون اینکه نگران بازخواست جدی و عملی مراکز مسئول جهانی یا اخم قدرت‌های مستکبر باشند، این گونه جنایات جنگی را بسیار مرتکب شدند و ایران مظلوم در مقابله به مثل، با مراعات مسائل انسانی و اعلام و اخطار از قبل، اقدام می‌کرد و به محض اینکه دشمن یک روز از تداوم شرارت دست برمی‌داشت، مقابله را متوقف می‌نمود. در سراسر کتاب موارد این تجاوزها را می‌خوانید.

صنایع نظامی

کار طراحی و ساخت سلاح و مهمات و تجهیزات نظامی و دفاعی که از سال‌های اول جنگ شروع شده بود، در سال های آخر جنگ به ثمر نشست. به خاطر تحریم‌ها و عدم قدرت مالی، تهیه سلاح از خارج بسیار مشکل شده بود، اما ابتکارات نیروهای متخصص، مخلص و دلسوز توانست در مواردی نیازها را تأمین نماید.

توسعه کارخانه‌های صنایع نظامی، سلاح‌های فراوانی از قبیل قبضه‌های توپ، انواع خمپاره انداز و موشک‌انداز و سلاح انفرادی و مسلسل‌ها را به وفور تهیه می‌کرد و اکثر نیازهای مهمات مصرفی مثل انواع گلوله‌ها، مین‌های زمینی و دریایی، موشک‌های سبک، قطعات سلاح‌ها، تعمیرات هواپیماها، بالگردها، توپخانه‌ها، تانک‌ها و وسائل حمل و نقل و رادارها و تولید وسایل دفاعی در مقابل شرارت‌های شیمیایی و همچنین ابزار اطلاع‌رسانی و رمزکننده‌ها توسط نیروهای داخلی، تأمین و انجام می‌شد.

در نهایت، با پیشرفت صنایع موشکی که در سال‌های آخر جنگ نقش استراتژیک پیدا کرده بود، در ماه‌های آخر این سال تعدادی از آنها در جبهه‌ها بکار گرفته شد و دقت اصابت و افزایش برد آنها روزافزون بود.

ابتکار و ساخت شناورهای جنگی سبک که در جنگ‌های درون خلیج‌فارس بسیار کارآمد بود و تهدیدهای جدی برای شناورهای بزرگ و پیشرفته دشمنان به شمار می رفت، باعث غافلگیری متجاوزان می شد. آنها که تاکنون برای این گونه مقابله تجربه‌ای نداشتند، چنین تجهیزاتی عامل مهم در ناکامی دشمن در جنگ کشتی ها محسوب می شد.

طراحی و ساخت مین‌های دریایی و زمینی هم قابل توجه بود و خوشبختانه بعد از جنگ، این تلاش‌ها در شرایط بهتری ادامه یافت که امروز شاهد ساخت انواع نیازهای زرادخانه دفاعی خود هستیم و با افتخار می‌توانیم بگوییم امکانات دفاعی کاملاً به روز و مستقل و بدون وابستگی دیگران داریم.

در کنار صنایع نظامی، تعدادی از واحدهای صنعتی غیرنظامی هم به یاری دفاع برخاستند و انبوهی از قطعات و مهمات پرمصرف جبهه را تولید کردند و این گونه کارخانه‌های غیرنظامی با استفاده از ظرفیت‌های خالی خود و استفاده از تجارب واحدهای صنعت نظامی تکامل یافتند.

پشتیبانی و مهندسی جنگ

در این سال، مهندسی دفاع مقدس در سطح قابل قبولی تکامل یافت. رزمندگان جهاد سازندگی که عنوان افتخارآمیز "سنگرسازان بی‌سنگر" را بدست آوردند، در کنار مهندسی جنگ سپاه و ارتش کارآیی ارزشمندی داشتند. ظرفیت حمل و نقل تجهیزات و نیازها و نیز انتقال نیروها از هوا و زمین هم در سطح مطلوبی قرار گرفته بود. ناوگان عظیم

هلی‌کوپتری کشور که در کل جهان رتبه بالایی داشت، با تلاش نیروهای فنی تا آخر جنگ آماده به خدمت و در عملیات آفندی و پدافندی و حراست از فضای عملیات در مقابل دشمن، بسیار کارآمد بود و هنوز هم این سرمایه عظیم که بیش از سی و پنج سال عمر دارد، به روز، کارا و حلّال مشکلات است.

در این میدان، خلبانان و کادر فنی هواپیماها و بالگردها افتخارات عظیمی در تاریخ خود ثبت کرده‌اند و کمک وسائل غیردولتی و مردمی در حمل و نقل جبهه‌ها، مثال‌زدنی است.

در بخش بهداشت و درمان جنگ و رسیدگی به مهاجران و آسیب‌دیدگان و جراحی مجروحان جنگ، کادر پزشکی نظامی و کشور، حقیقتاً سنگ‌تمام گذاشتند و سرعت و دقت عمل آنها رکورد تحسین برانگیزی در تاریخ ایران است و باعث پیشرفت سریع قدرت عمل جراحی کشور شد.

مقایسه دو طرف جنگ

مقایسه وضع دو طرف جنگ از ابتدا تا انتها، به روشنی لیاقت رزمندگان و مدیریت درست صحنه دفاع و سیاست را نشان می‌دهد.

هنگام شروع جنگ، ایران در حال تصفیه ارتش باقی مانده از رژیم سابق بود و سپاه و بسیج هنوز دوره نوجوانی خود را می‌گذراندند و با همه توان خود درگیر با ضدانقلاب مسلح داخلی بودند. ارتش با رفتن امرای ارشد و مستشاران آمریکایی و قطع رابطه با منابع لجستیک خود، آماده جنگ نبود. اما در مقابل رژیم بعثی عراق، ارتشی آماده، پای کار و مورد حمایت کامل اردوگاه شرق داشت و برای شروع تجاوز به ایران، تعهد کمک‌های اردوگاه غرب و ارتجاع منطقه را هم داشت و از لحاظ مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، تبلیغاتی و حمایت جهانی کمبودی نداشت، تا آنجا که وعده رسیدن به اهداف تجاوزگرانه خود و نتیجه‌گیری و پیروزی در یک هفته را داده بود.

در چنین شرایط نابرابر، ایران با راهنمایی امام راحل و تکیه بر حمایت کامل نیروهای مومن و فداکار و امدادهای غیبی الهی، علی‌رغم کمبودهای فراوان، توانست با هشت سال دفاع تحسین برانگیز، هم در صحنه نظامی و هم در صحنه سیاسی، پیروز جنگ باشد. رژیم بعث عراق پس از پذیرش قطعنامه و شروع آتش، بلافاصله دچار آثار سوء عملکرد غلط و

جابرانه خود شد و ایران توانست به سرعت ویرانه‌های فراوان جنگ را بازسازی کند و یک دوره سازندگی جامع کشور را به خوبی انجام دهد و عقب‌ماندگی‌های دوران رژیم سابق و عقب‌افتادگی‌های دوران جنگ را جبران نماید.

رژیم بعث زیر بار بدهی‌های سنگین مالی و نارضایتی‌های مردم عراق و خرابی‌های فراوان دوران جنگ و روحیه ضعیف ناشی از شکست و مسئولیت پرداخت غرامت یکصد میلیارد دلاری، دچار فلاکت بی‌سابقه‌ای بود و همین وضع منجر به قیام وسیع مردم عراق علیه بعثی‌ها شد و کشتارها و بی‌رحمی‌های حکومت، آن رژیم ستمگر را از درون به فلاکت و نابودی انداخت. حامیان شرقی و غربی و ارتجاع هم که آینده‌ای برای رژیم بعثی نمی‌دیدند، از او روی گرداندند و صدام برای حل این مشکلات، چاره را در اشغال کویت دید تا با ثروت عظیم آن، بتواند از باتلاق خودساخته نجات یابد.

این اشتباه، کار صدامیان را یکسره ساخت و منجر به اشغال کشور عراق توسط آمریکا و متحدانش شد و پس از سقوط بغداد، مردم عراق به جای حمایت از دولت خود، جشن سقوط رژیم بعثی را برپا کردند و ما تحقق وعده‌های حق الهی را با همه وجود احساس کردیم و حقانیت وعده «اِن تَنصرُوالله یَنصرکُم وَ یُثَبت اَقدامَکُم[1]» را با چشم خود دیدیم که «لَئِن شَکَرتُم لَاَزیدَنَّکُم[2]» هم پس از آن آمد؛ والحمدالله رب العالمین.

سیاست در جنگ

پس از پیروزی چشمگیر رزمندگان اسلام در عملیات فاو و شلمچه - والفجر ۸ و کربلای ۵ - تحرکات سیاسی برای ختم جنگ اوج گرفت. صدامیان و حامیانش، کار را با تبلیغات از سوئی و شرارت بمباران شهرها و حمله به کشتی‌ها از سوی دیگر و توسل به شورای امنیت، سرعت دادند. ایران هم در کنار فعال‌تر کردن جبهه، از دیپلماسی متکی به دست بالای خود در جنگ، به سراغ شورای امنیت رفت و جنایات جنگی عراق را در استفاده از سلاح شیمیایی و حمله به شهرها و مردم غیرنظامی و زدن کشتی‌ها و سکوهای نفتی در دریا که باعث آلودگی محیط‌زیست می‌شد، با ارائه اسناد و مدارک متقن در سازمان‌های ذی‌ربط بین‌المللی و کشورهای دیگر افشا کرد که نتیجه آن صدور بیانیه

---

۱ - سوره محمد – آیه ۷

۲ - سوره ابراهیم – آیه ۷

شورای امنیت در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۶ علیه عراق بود که با صراحت استفاده از سلاح شیمیایی و بمباران شهرها و کشتی‌ها را محکوم کرد و ایران را آلوده به این جنایات ندانست.

قبل از صدور این بیانیه با خواست ایران، هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل به منطقه آمد و پس از بررسی اوضاع در ایران و عراق، گزارش خود را به شورای امنیت داد که شورای امنیت، با مشاهده ادله و موارد تخلف‌ها، این بیانیه را صادر کرد که از نظر سیاسی، پیروزی ارزشمندی برای ایران بود و از نظر شورای امنیت هم گامی در جهت جلب اعتماد ایران برای رسیدن به آتش‌بس ارزیابی شد.

همزمان بسیاری از کشورهای غربی و بعضی از کشورهای قدرتمند جهان، در جهت نجات صدام از باتلاق خودساخته‌اش تلاش می‌کردند و بسیاری از کشورهای غیرمتعهد هم برای نجات جهان از شرّ جنگ، به جهت نگرانی از توسعه دامنه آن، فعال بودند و آمریکا هم با حضور بی سابقه نیروهای نظامی خود در منطقه، هم فشار نظامی و عمدتاً جنگ روانی برای ترساندن ایران داشت.

نتیجه مجموعه تلاش‌های سیاسی، صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۶ به اتفاق آراء برای آتش بس شد. عراق بدون درنگ آن را پذیرفت و ایران پس از بررسی محتوای قطعنامه و بیان اشکالات آن، پس از مشورت‌های فراوان و استفاده از راهنمایی‌های کارساز امام راحل، تصمیم گرفت که قطعنامه را نه رد کند و نه بپذیرد.

ایران برای تغییر محتوای قطعنامه، در درجه اول میدان نبرد را فعال‌تر کرد و با بسیج نیرو و امکانات جنگ، عملیات سرنوشت‌ساز را مطرح نمود و در مقابل شرارت‌های نظامی صدامیان، سیاست مقابله به مثل را پیش گرفت که در سراسر کتاب، موارد اینها را می‌خوانید. در درجه بعد، با تکیه بر قدرت رزمی و دست بالای رزمندگان در میدان نبرد، فعالیت دیپلماسی را پیش گرفت و وزارت امور خارجه، مأموریت تلاش‌های سیاسی را به عهده گرفت و سران قوا و امام راحل در همه مراحل، نتایج هر دو بخش را زیرنظر داشتند. در جریان مذاکرات، نقطه اساسی خواست ایران یا خواست طرف مقابل و شورای امنیت مشخص شد؛ آنها اصرار بر آتش‌بس قبل از هر اقدام دیگری داشتند و ایران اصرار بر تعیین طرف متجاوز و آغازگر جنگ قبل از آتش‌بس را داشت.

سفرهای زیاد و مذاکرات و چانه‌زنی‌های فراوانی در این مسیر رخ داد که جزئیات آن را در کتاب می‌خوانید. دبیرکل سازمان ملل، آقای خاویر پرز دکوئیار، در بیستم شهریور این سال به ایران آمد و مذاکرات مبسوطی با سران و مقامات ذیربط داشت و خوشبختانه از همه مسؤولین ایرانی یک حرف شنید: «معرفی متجاوز قبل از آتش بس».

در ملاقات خصوصی دبیرکل سازمان ملل با اینجانب به عنوان مسئول جنگ، روی عبارت متنی برای گزارش ایشان به شورای امنیت، به عنوان گامی در جهت قبولاندن نظر ایران توافق شد، ولی ایشان پس از مراجعت، آن متن را با تغییراتی اعلام کرد و ایران فوراً آن را تکذیب نمود، اما مجموعه تلاش‌ها و نگرانی آنها از وضع جبهه و خیرخواهی شخص دبیرکل سازمان ملل نتیجه داد.

در این فاصله، برای وادار کردن ایران به پذیرش قطعنامه از سوی حامیان صدام، جنگ روانی شدیدی با استفاده از زمینه حضور نیروهای بیگانه در منطقه، دائماً به شایعات خطر ورود قدرت‌های جهانی به نفع عراق در جنگ یا حضور ناتو و وضع تحریم‌های شدید علیه ایران، در اجرای عمل به بند ۶ قطعنامه که طرف متخلف از قطعنامه را مستحق مجازات می‌دانست، در جریان بود، ولی سرانجام ایران در سایه دست بالا در جبهه‌ها و دیپلماسی حساب شده، موفق شد خواست خود را به شورای امنیت بقبولاند و حکم متجاوز بودن صدام را قبل از آتش بس بگیرد.

یکی از مواردی که در چانه زنی‌های نمایندگان وزارت امور خارجه با نمایندگان شورای امنیت سازمان ملل انجام شد، درخواست جابجایی دو بند قطعنامه بود؛ زیرا در یک بند، آتش بس و بلافاصله در بندهای دیگر آن، برگشت به مرزهای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر آمده و تأکید شده بود که در حالت آتش بس، نقض کننده، متجاوز شناخته می شود.

ایران می‌گفت، بر اساس این دو بند، بعد از پذیرش آتش بس، اگر عراق مدت ها به مرز باز نگردد، کاری از ما ساخته نیست، بنابراین اصرار بر این بود که بند برگشت به مرزها، قبل از بند آتش بس قرار گیرد.

مجلس شورای اسلامی

در مجلس هم اختلاف نظر بین دو جناح رادیکال و محافظه‌کار و بحث و جدال بر سر مسائل مختلف، پست‌ها، مسئولیت‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی کم نبود که معمولاً

در لوایح، طرح‌ها و انتخابات بروز می‌کرد. اکثریت مجلس طرفدار دولت بود و من به عنوان رئیس، می‌بایست نقش وزنه تعادل را ایفا کنم که معمولاً انجام می‌دادم و در مواردی هم به مشکل برمی‌خوردم، به خصوص در مواردی که پای شورای نگهبان به میان می‌آمد.

در این گونه موارد سعی می‌شد در جلسات سران، حل مشکل شود و گاهی هم به ناچار از نفوذ امام برای حل مشکل و بازکردن بن‌بست بهره می‌گرفتیم. موارد زیادی از این گونه مسائل را در سراسر کتاب می‌خوانید.

در اواخر سال، پیش لرزه‌های انتخابات مجلس، هم در مجلس و هم در سطح جامعه بروز کرد که بر تشنج‌ها و اختلافات می‌افزود.

حزب جمهوری اسلامی

شبیه همان مسائل مجلس و دولت، در حزب جمهوری اسلامی هم وجود داشت. در حزب سه بخش رادیکال، محافظه‌کار و معتدل وجود داشتند. اختلاف‌نظرها در شورای مرکزی و بدنه، وقت و انرژی حزب را تلف می‌کرد و مانع تصمیم‌گیری می‌شد. طبعاً این وضع از دید امام مخفی نمی‌ماند و ایشان را هم نگران می‌کرد.

از یک سو نمایندگان مجلس و اعضای دولت هم که عمدتاً به حزب مرتبط بودند، تحت تأثیر یکدیگر بودند و از سوی دیگر گروه‌ها و احزاب و اشخاص دیگر، حزب را به عنوان انحصارگر مورد انتقاد قرار می‌دادند. سرانجام کار به جایی رسید که از سوی امام، محدودیت‌هایی برای حزب به وجود آمد و شورای مرکزی هم به این نتیجه رسید که حزب کارآیی تأثیرگذار خود را از دست داده و تصمیم گرفتند با اجازه امام فعالیت‌های حزبی را متوقف کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای دبیرکل حزب و من به عنوان عضو شورای مرکزی، در این خصوص خدمت امام رفتیم و با تشریح وضع حزب و آثار سوء اختلافات، درباره انحلال حزب یا پایین کشیدن فتیله حزب، از ایشان نظر خواستیم و ایشان دومین حالت را مرّجح دانستند و در نتیجه فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی متوقف شد.

حزبی که در مدت کوتاه عمر خود، آثار مهمی در تربیت نیروهای سیاسی در سراسر کشور و نقش درجه اول در برگزاری انتخابات متعدد برای مجلس، ریاست جمهوری و

رفراندوم قانون اساسی داشت، قربانی اختلافات خطی درونی و بیرون از خود شد که شاید سیاست وجود همه سلیقه‌ها در درون حزب، عامل مهمی در این پیشامد باشد.

سفرها

در این سال، سفرهای زیادی عمدتاً به خاطر مسائل جنگ داشتم: تعداد شش سفر به جبهه‌ها در جنوب و مرکز، شمال و دو سفر در داخل خاک عراق یعنی ماؤوت و فاو که در تصرف نیروهای ما بود. سفرها با هدف مشاهده وضع جبهه‌ها و مذاکره با نیروهای رزمنده و فرماندهان میانی و تقویت روحیه رزمندگان و آشنایی با نیازها و امکانات انجام می‌شد که به خاطر ناامن بودن فضا، عمدتاً زمینی و به صورت ناشناس می‌رفتیم.

سفرهای زیادی هم به استان‌های مختلف داشتم که عمدتاً برای سخنرانی در اجتماع نیروهای عازم جبهه و اطلاع از وضع مردم و امور جاری و دولتی بود، از جمله سفر به مازندران، خراسان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، جزایر خلیج‌فارس و مراکز ساحلی که جزایر به خاطر درگیری‌ها در خلیج فارس آسیب‌پذیر بودند و نیاز به سرکشی و حل مشکلات داشتند.

نرخ‌گذاری و کنترل قیمت‌ها

در اثر جنگ و کمبود ارز و محدود شدن تولیدات داخلی و واردات، تعادل عرضه و تقاضا به هم خورده بود؛ گرچه با سیستم جیره‌بندی و کوپن، بسیاری از کالاها با یارانه و قیمت ارزان به مردم می‌رسید، اما به هر حال بسیاری از نیازهای مردم از بازار آزاد تهیه می‌شد و تفاوت بین قیمت‌های دولتی و آزاد بسیار زیاد بود و بخشی از کالاهای یارانه‌ای سر از بازار آزاد در می‌آورد و سوءاستفاده‌ها از رانت هم که عاملی برای تبعیض و فاصله زیاد طبقاتی می‌شد، وسعت گرفته و باعث رنجش مردم بود.

بحث نرخ‌گذاری روی کالاها به صورت اجباری پیش آمد. موافقان و مخالفان هم در مجلس، هم در حوزه‌ها، هم در دولت و هم در سطح جامعه اظهارنظر می‌کردند و سرانجام با بررسی‌های زیاد و با کسب‌نظر مساعد امام، نرخ‌گذاری و تعزیرات شکل گرفت.

طبعاً خود این تصمیم و آثار منفی اجرای آن، مشکلات خاص خود را در جامعه به وجود آورد و در کنار نرخ‌های رسمی، بازار سیاه شکل گرفت که از این رهگذر عده‌ای از افراد بی‌تعهد، سودهای گزاف می‌بردند و برای مسئولان هم بسیار وقت‌گیر و نیروبر بود.

ادغام

در این سال، بحث ادغام نهادهای موازی و یا متداخل از مسائل پرحاشیه کشور بود. در سال‌های اول پیروزی انقلاب، به ضرورت، تعدادی نهاد موازی نهادهای موجود به وجود آمده بودند که بسیاری از آنها هنوز هم به کار خود ادامه می‌دهند. اما در مواردی از جمله در نیروهای مسلح و جهاد کشاورزی و نهادهای امدادی و وزارتخانه‌های دیگر، تداخل و موازی کاریِ و هرز رفتن نیروها و بروز اختلافات و زیاد بودن هزینه‌ها، بحث ادغام‌ها را پیش آورد.

در نیروهای مسلح، به خاطر اهمیت وحدت فرماندهی جنگ، این موضوع بیش از موارد دیگر خود را نشان می‌داد و جلسات بحث و کارشناسی هم بیشتر بود که در نتیجه، امام در حکم جانشینی فرماندهی کل قوا به اینجانب که در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ صادر کردند، دستور ادغام نیروهای موازی و تداخلی را هم در وظایف من گنجاندند.

بعد از جنگ دو وزراتخانه دفاع و سپاه ادغام شدند و در سال‌های بعد، در دوران ریاست جمهوری من، با ادغام سه سازمان شهربانی، کمیته‌های انقلاب و ژاندارمری، نیروی انتظامی (ناجا) واحد شکل گرفت که هنوز پا برجاست که کار آسانی هم نبود.

لایحه ادغام دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی هم به مجلس آمد که به خواست جهاد بود. بحث‌های مجلس در این لایحه خواندنی است و هیجان زیادی در سطح مجلس و در وزارتخانه‌ها داشت، ولی عاقبت مجلس مخالفت کرد و رد لایحه باعث رنجش بخشی از نیروهای جهاد و حتی استعفای وزیر جهاد شد که استعفای ایشان پذیرفته نشد؛ البته بحث‌های ادغام نهادهای امدادی هم به جایی نرسید و هنوز هم ادامه دارد.

حضور رئیس جمهور در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل

بحث و مشورت زیاد و مکرری در جلسات سران قوا و نیز در جلسات دوجانبه، درباره سفر آیت‌الله خامنه‌ای به نیویورک و مطالب سخنرانی ایشان داشتیم. بالاخره تصمیم گرفته

شد که ایشان در این اجلاس شرکت کنند. ورود ایشان به نیویورک، با تحرک وسیع آمریکا در خلیج‌فارس به نفع عراق و علیه ایران و حمله آمریکا به کشتی "ایران اجر"، گروگان گرفتن کشتی و سرنشینان آن و شهادت سه تن، همزمان شد. رئیس جمهور به عنوان دومین سخنران اجلاس، مطالب مهمی را مطرح کردند و به خصوص سیاست ایران را در مورد جنگ تحمیلی و حضور نیروهای بیگانه در منطقه به خوبی تبیین کردند که تأثیر زیادی در روشن شدن وضع منطقه و سیاست ایران و دفاع مظلومانه مردم ایران در جنگ تحمیلی و... داشت.

در جلسه سران تصمیم گرفته شد که هنگام مراجعت ایشان از این سفر موفق، به عنوان قدردانی در فرودگاه از ایشان استقبال شود. و من در سخنان پیش از دستور جلسه دوم مهر، از محتوا و آثار سخنان ایشان تمجید کردم که برای معرفی اصول و مبانی انقلاب، منطق برحق ایران در دفاع مقدس، و اقدام و روش خلاف صدامیان، و شرارت‌ها و جنایات جنگی متجاوزان، ستم‌های قدرت‌های استعماری نسبت به انقلاب ایران، و کجروی رسانه‌ها و امپریالیسم خبری، مظلومیت و تنهایی ایران در دفاع مقدس و صلابت انقلاب و امام و رزمندگان، بسیار سودمند بود.

تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

اختلافات لاینحل بین مجلس و شورای نگهبان، تعدادی از طرح‌ها و لوایح مهم را معطل می‌کرد که در مواردی با دخالت امام مشکل حل می‌شد و در مواردی به بن‌بست می‌رسیدیم. پس از بحث‌های فراوان به این نتیجه رسیدیم که در این گونه موارد نیاز به داور داریم و باخبر شدیم که امام هم در همین فکرند.

به همین خاطر در نامه‌ای که در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۶۶ و با امضای سران قوا و نخست‌وزیر نوشته شد، از امام درخواست گردید که اگر به تصمیم رسیده‌اند، بجاست که این تصمیم مهم، دچار تأخیر نشود و امام در جواب نامه‌ها، در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ فرمان تأسیس نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر فرمودند و اعضای آن را هم مشخص کردند و دستور تدوین آئین‌نامه را دادند.

پیش‌نویس آئین نامه را تهیه کردیم و برای تصویب خدمت ایشان فرستادیم و پس از تصویب ایشان، مجمع کار خود را آغاز کرد که از آن وقت تاکنون، مشکل اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان رفع شده است.

علاوه بر این، موارد مهم دیگری هم بود که مشخص بود شورای نگهبان نمی‌تواند با آن موافقت نماید، امام آنها را به مجمع احاله می‌کردند؛ از قبیل قانون تعزیرات و قانون مبارزه با مواد مخدر؛ البته یکی از دلایل این اقدام، شرایط جنگی و اضطراری کشور بود و قرار بود بعد از عادی شدن وضع، این گونه مصوبات از طریق عادی در مجلس اصلاح شود. متاسفانه بعضی از آنها هنوز برجا مانده است؛ البته مقام معظم رهبری اجازه داده‌اند تا مجلس این گونه قوانین را اصلاح کند.

در بازنگری قانون اساسی که از زمان حیات امام و به دستور ایشان آغاز شد و در ابتدای مسئولیت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای ادامه یافت، مجمع در قانون اساسی گنجانده شد و بخش سیاست‌های کلی و مواردی دیگر، به وظایف مجمع اضافه گردید.

قانون کار

یکی از بحث‌های داغ مجلس، لایحه قانون کار بود که سرانجام در بیشتر موارد اختلاف، خواست جریان چپ رای آورد، ولی اکثر آنها از سوی شورای نگهبان رد شد و مجلس هم برای تأمین نظر شورای نگهبان، اقدام موثری نداشت. سرانجام پس از تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، این لایحه به مجمع احاله شد و مجمع با اختیاراتی که از سوی امام داشت، با اصلاحاتی در مصوبات مجلس، آن را در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۶۶ تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ کرد.

برای حل مشکل اجازه اخراج کارگران که از موارد داغ اختلافات بود، با پیشنهاد وزارت کار، استخدام با قرارداد موقت گنجانده شد که کارفرما از ترس عدم امکان اخراج کارگر، از استخدام کارگران خودداری نکند. موج بیکاری آن زمان که در اثر جنگ پیش آمده بود و به حدود ۱۵ درصد نیروی کار رسیده بود، چنین تصمیمی را هم برای کارفرما و هم برای کارگران و هم برای وزارت کار قابل قبول نموده بود، ولی در سال‌های بعد، بخشی از کارگران از این مصوبه ابراز عدم رضایت کردند و خواستار اصلاح آن شدند و

کارفرماها هم از مواد دیگر قانون کار ناراضی بودند و خواهان اصلاح قانون کار شدند و تاکنون دولت‌ها و مجالس، نخواسته‌اند وارد این اقدام چالش‌زا شوند.

گروگان‌ها در لبنان

در ادامه حوادث مربوط به حل مشکل گروگان‌ها در لبنان که از سال ۱۳۶۵ ، ایران با هدف حل مشکل و ملاحظات انسانی و نیز مطالبه حقوقی که بر کشورهای صاحب گروگان‌ها داشت، با تلاش زیاد با کمک نیروهای هوادار جمهوری اسلامی سرنخی از جریان گروگان‌گیری بدست آورد که داستان طولانی دریافت سلاح از آمریکا در مقابل شفاعت جهت رهایی گروگان‌ها در خاطرات سال گذشته و کتاب مجزایی که منتشر شده[1]، آمده که منجر به سفر مک‌فارلین به ایران شده بود و پس از افشای این مبادلات، کار ناتمام ماند. کشورهای دیگر غربی هم وارد گفت‌وگو با ایران و لبنان و سوریه شدند که ضمن نجات چند گروگان، بعضی از مشکلات بین ایران و آن کشورها هم برطرف شد.

از جمله این کشورها، فرانسه بود که چند مسئله گره خورده با هم داشتیم، از قبیل حضور منافقین و تحرکات آنها در فرانسه و تخلف‌های فرانسه از قراردادهای هسته‌ای و عدم توجه به حقوق سهام ما در شرکت‌های غنی‌سازی اورانیوم [اورودیف و نپرداختن طلب یک میلیارد دلاری ایران که رژیم شاه به فرانسه وام داده بود؛ البته از این رهگذر توانستیم بخشی از مطالبات ایران را بگیریم و کمک کنیم تا افراد اسیر و گروگان در لبنان آزاد شوند.

آیت‌الله منتظری

آیت‌الله منتظری در سال ۱۳۶۴ از سوی مجلس خبرگان به عنوان قائم مقام رهبری انتخاب شدند. ایشان با اتکاء به این مقام و شخصیت علمی و جهادی که داشتند، در بسیاری از مسائل ابراز نظر می‌کردند و در مواردی حالت انتقادی داشتند که گاهی هم با نظر امام ناسازگار بود.

---

۱ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان‌ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

رسانه‌ها، از جمله رسانه ملی، اظهارات ایشان را در مسایل جنگ، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضائی، سیاسی و ... پوشش می‌دادند. از طرفی نظرات آقای سیدمهدی هاشمی قهدریجانی، برادر داماد ایشان و از افراد مورد اعتمادشان از پیش از انقلاب، در افکار و مشی آقای منتظری مؤثر بود که بخشی از افکار او شبیه فرزند شهید آیت‌الله منتظری، آقای محمد منتظری، تند و فراانقلابی بود.

رفته رفته بخشی از رفتارهای آقای منتظری، باعث رنجش امام شد و تذکرات و نصایح ایشان و مذاکرات ما هم نتوانست تغییری در رفتار ایشان بوجود آورد.

وزارت اطلاعات بخش مهمی از اشکالات را زیر سر آقای سیدمهدی هاشمی می‌دید و پیشنهاد جدایی او را از بیت آقای منتظری داد و امام هم پذیرفتند و فشارها نتوانست آقای منتظری را قانع نماید. حتی پیشنهاد دادن سمت سفارت با هدف دور شدن از ایشان را هم به معنای قصد تبعید تفسیر کردند.

وزارت اطلاعات آقای مهدی هاشمی را بازداشت کرد که با توجه به مسائلی که قبل و بعد از انقلاب داشت، محاکمه و اعدام شد. این اقدام به جای اینکه باعث نجات آقای منتظری شود، بر خشم و عدم رضایت و انتقادات ایشان افزود و سرانجام منجر به عزل ایشان از سمت قائم مقامی امام گردید. در سراسر کتاب به ترتیب بروز حوادث و تصمیمات به این مسئله برخورد می کنید.

اصلاح وصیت‌نامه امام

امام سال‌ها قبل در تاریخ ۲۶ بهمن سال ۱۳۶۱ وصیت‌نامه‌ای نوشته بودند و یک نسخه از آن در گاوصندوق دفتر من در مجلس و نسخه‌ای را نزد تولیت آستان قدس امام رضا(ع) به امانت گذاشته بودند.

در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۶ ایشان، سران و مدیران ارشد کشور را دعوت کردند و در حضور سران و حاج‌احمدآقا و جمعی دیگر، متن جدید وصیت‌نامه را در پاکت سربسته به ما دادند و بار دیگر دستور دادند که متن جدید به محل سابق برگردد. اینجانب و همراهان بدون اینکه از متن سابق و جدید اطلاعی داشته باشیم، آن را در گاوصندوق مجلس خبرگان گذاشتیم و متن دیگر تحویل آستان قدس رضوی شد.

مسایل و موارد دیگر

در کنار مسایل مهمی که به آنها اشاره شد، در طول سال ۱۳۶۶ موارد دیگری هم در سطوح داخلی و خارجی رخ داد که بر اساس ترتیب تاریخی در روزهای مربوطه با این موارد برخورد می کنید. مسایلی که در صورت نیاز در پانویس‌ها، توضیحات تکمیلی آمده و اگر نیاز نبوده، به همان متن خاطرات بسنده شده است.

یکی از حوادث بسیار تلخ در این سال، فاجعه درگیری نظامیان سعودی در مکه مکرمه با حجاج بی دفاع جمهوری اسلامی است که منجر به شهادت حدود ۴۰۰ حاجی و جراحت بیش از هزار نفر زائر بیت الله الحرام گردید و باعث قطع روابط دو کشور و آثار زیانبار دیگر شد مطالب مربوط به این فاجعه را در متن و حواشی و ضمایم می خوانید

* * *

در خصوص سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، جلسات و دیدارهای خارجی فراوانی که در طول سال داشتم، در پانویس صفحات، نکات مهم آنها آمده است و همراه انتشار این خاطرات، مشروح سخنرانی ها، مصاحبه‌ها، پیام ها و نطق‌های قبل از دستور و مشروح مذاکرات بعضی از جلسات که اسناد دیداری و شنیداری آنها موجود است، در کتاب های جداگانه‌ای می‌آید. در بخش ضمائم هم علاوه بر شرح کامل چند عملیات، نکات مهم تاریخی برای استناد خاطرات آمده است که مطمئناً بر غنای کار می‌افزاید.

حرف آخر

این جلد از خاطرات، دهمین کتاب خاطرات من است. کتاب "دوران مبارزه" مربوط به قبل از انقلاب و بقیه مربوط به بعد از پیروزی انقلاب می باشد. خاطرات قبل از انقلاب با شیوه مصاحبه تهیه و تنظیم شده و سال‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ هم با مصاحبه و از روی اسناد تنظیم گردیده است. در آن سال‌ها یادداشت روزانه نداشتم، ولی سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و مصاحبه‌های فراوانی داشتم که به اندازه کافی سند معتبر برای نوشتن خاطرات در اختیار می گذارند.

اما از اول فروردین سال ۶۰ هر روز در یک صفحه از سررسید همان سال، یادداشت هایی

درباره کارهای خودم و حوادث مهم داخلی و خارجی می نویسم و این کار تاکنون ادامه دارد و عملاً برای هر سال یک کتاب آماده در یک تقویم [سررسید] بزرگ موجود است و بنا داریم هر سال یک جلد از آن توسط دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شود.

در چاپ و نشر خاطرات، تقریباً عین عبارات مکتوب دستی من می آید، جز در مواردی که اشتباهی باشد و یا نشر آن ضرری داشته باشد و یا به کسی توهین شود. سعی می شود مطالب مربوط به دیگران در صورتی که احتمال عدم رضایت طرف داده شود، با خود او در میان گذاشته شود و در صورت عدم موافقت، نوشته نمی‌شود.

در موارد بسیار نادری، اگر چیزی هنوز از اسرار نظام باشد، چاپ نمی شود اما چون هنگام نوشتن، توجه داشته ام که موارد سری را ننویسم، بنابراین موارد حذف، نزدیک به صفر است. معمولاً قبل از چاپ، نسخه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای می‌دهم و نظر ایشان را می‌خواهم. ایشان در موارد کمی اظهار نظر می کنند.

دفتر نشر معارف انقلاب در کنار انتشار کتاب خاطرات، چند کتاب دیگر شامل مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌ها، مجموعه خطبه‌های جمعه، مجموعه مصاحبه‌ها و مجموعه نطق های پیش از دستور مجلس شورای اسلامی، مربوط به همان سال را ضمیمه کتاب اصلی منتشر می کند که این کتاب ها می توانند مستندات مطالب خاطرات یا توضیحات بیشتر و یا مستقل از آن باشند.

در پاورقی کتاب خاطرات نیز، ویراستار توضیحاتی راجع به مطالب مبهم می نویسند که معمولاً با کسب نظر خود من است. به هر حال سعی و وقت زیادی می شود که اصالت و صحت مندرجات تضمین شود و تغییرات، بسیار جزیی و معمولاً لفظی است و اگر در ویراستاری کلمه‌ای اضافه شود، در داخل کروشه می‌آید.

خوشبختانه دفتر نشر معارف انقلاب متن تمامی خاطرات نگاشته شده را به لوح فشرده هم منتقل کرده است که در صورت آسیب دیدن یادداشت ها، نسخه های دیگری وجود داشته باشد.

از خداوند متعال شاکرم که توفیق ثبت تاریخ مشعشع انقلاب را تا آنجا که به خود من مربوط است و نیز توفیق نشر بخشی از آن را عطا فرموده است. از تمام کسانی که در این راه مساعدت دادند، متشکرم.

براساس خاطرات روزانه‌ای که می‌خوانید، در کنار موارد نگران‌کننده، به خاطر پیروزی‌های مشعشع نظامی و مقدمات پیروزی‌های سیاسی و همچنین تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که نشان از پویایی فقه شیعه با اجتهاد به روز است، سال ۱۳۶۶ در مجموع، سال موفقی برای نظام اسلامی ایران بود.

اکبر هاشمی رفسنجانی
۱۳۸۸/۱۰/۱۷



آیت الله هاشمی رفسنجانی - ۱۳۶۶

یادداشت ناشر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خدای بزرگ را شکر می‌گذاریم که بر ما توفیق داد تا بتوانیم فراز دیگری از تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی را به زیور طبع بیارائیم و صحنه‌های زیبا و پرشکوه سال‌های عظمت و افتخار و جان فشانی بهترین و شایسته‌ترین فرزندان این مرز و بوم در دوران دفاع مقدس را برای آیندگان جاودانه سازیم.

دفتر نشر معارف انقلاب به خود می‌بالد که توفیق آن را یافته است که سهمی ولو اندک در این کار سترگ داشته باشد و صفحاتی بر تاریخ زرین انقلاب اسلامی و یادمان روزهای دفاع مقدس بیفزاید. تشویق و ترغیب فرهیختگان و ملت شریف و فهیم ایران اسلامی و دلباختگان راه امام(ره) ما را در ادامه مسیر، مصمم‌تر ساخته است تا تلاش خود را برای انتشار کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی افزون‌تر کنیم.

اینک دفتر نشر معارف انقلاب بر اساس قول خود، صحیفه دیگری از خاطرات روزنوشت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی را تقدیم فرهیختگان، تاریخ پژوهان و

علاقمندان تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌نماید.

در این کتاب نیز همانند کتاب‌های خاطرات پیشین شامل دوران مبارزه، انقلاب و پیروزی، انقلاب در بحران، عبور از بحران، پس از بحران، آرامش و چالش، به سوی سرنوشت، امید و دلواپسی و اوج دفاع، خاطرات یک سال آمده است. در سال ۱۳۶۶ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشینی فرمانده کل قوا و فرماندهی جنگ را عهده‌دار بودند. همچنین ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام خمینی(ره) در شورای عالی دفاع را برعهده داشتند و به دلیل نزدیکی به امام، عملاً در تصمیم گیری های مربوط به سیاست‌های کلان کشور، نقش برجسته‌ای ایفا می کردند.

بنابراین مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها به صورت روز نوشت به رشته تحریر در آمده است، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهنده بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سال ها می باشد و قطعاً این خاطرات در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی، دستمایه مفید و ارزشمندی برای پژوهشگران و مورخان خواهد بود.

انتخاب نام کتاب ها مانند همه کتاب های قبلی توسط خود آقای هاشمی انجام شده است. ایشان با توجه به کلیات خاطرات یک سال، نامی را انتخاب می کنند و خوشبختانه این نام‌ها با استقبال دست‌اندرکاران عرصه کتاب و کتابخوانی مواجه شده است.

در این کتاب تغییراتی نسبت به کتاب‌های خاطرات قبلی مشاهده می کنید که حاصل توجه به دیدگاه‌ها و نظرات شما عزیزان می‌باشد که در نامه‌ها و یا تماس‌های تلفنی و یا در نمایشگاه های کتاب ابراز کرده‌اید. سعی ما بر آن بوده که پاورقی و توضیحات کتاب را پرمحتواتر کنیم. بخش تصویری کتاب را غنی تر کرده‌ایم و از صفحه آرایی جدیدی برای زیبایی بصری صفحات استفاده نموده‌ایم. تقاضا می کنیم نظرات خود را مانند قبل با ما در میان بگذارید که نقایص و ایرادات موجود را برطرف نمائیم.

دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ـ که اکنون همکاری و مساعدت‌های شایسته ای دارند ـ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما خوانندگان محترم به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکس ها، نقشه ها و مستندات تاریخی انتشار دهد. در این مسیر

نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

همچنین تشکر ویژه دارم از همکاری و مساعدت ارزشمند برادر و دوست عزیزم حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب آقای حمید انصاری و همکاران تلاشگرشان در دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) که قبول زحمت کردند و کتاب های دفتر از جمله این کتاب را مطالعه کردند و نظرات صائب و مفیدی را ارائه دادند. امیدوارم این همکاری استمرار داشته باشد.

از درگاه خداوند سبحان مسئلت می نمائیم، توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم.

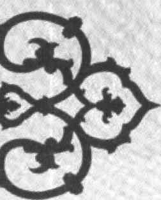
در پایان لازم می دانم از تلاش‌های همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب جناب آقایان متین جنتیان، سید علی نقی موسوی، داریوش باریکانی، شهرام اصغرنیا، جلال خیمه کبود، مجید اسدی، مسعود هاشمی، حمزه خلیلی، حبیب‌الله حمیدی، اشکان هاشمی، عباس باقی و سرکار خانم کاشانی‌زاده و همچنین ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفترنشر معارف انقلاب

محسن هاشمی

زمستان ۱۳۸۸





فروردین ۱۳۶۶

بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه ۱ فروردین | ۲۰ رجب ۱۴۰۷ | ۲۱ مارس ۱۹۸۷

ساعت پنج و نیم صبح بیدار شدم. بعد از نماز، بچه ها را برای نماز و دیدن مراسم سال تحویل بیدار کردم. به اخبار فارسی [رادیو] صدای آمریکا گوش دادم؛ [مطلب] مهمی نداشت. هنوز رسوائی کاخ سفید [در ماجرای مک فارلین][1] و مسایل ایرانیان و لبنان در رأس اخبار است.

صبحانه را با حضور فاطی، فائزه، مهدی، یاسر، سعید، سارا و مونا[2] پای تلویزیون صرف کردیم. پیام امام [خمینی] و آیت الله خامنه‌ای[رئیس جمهور] را گوش دادیم. به حضار

---

۱ - در سال ۶۵ با افشا شدن سفر مک فارلین به تهران و تلاش دولت وقت آمریکا (رونالد ریگان) برای آزادی گروگان‌هایش در لبنان از طریق برقراری رابطه با ایران، این کشور با رسوائی بزرگی رو به رو شد و ضمن تحقیر شدن، اعتبار خود را در بین کشورها و مجامع بین‌المللی تا حد زیادی از دست داد. در یک سوی این ماجرا ایران قرار داشت که به منظور دستیابی به مهمات و سلاح های ویژه، در کنار ملاحظات انسان دوستانه، به رهائی گروگان‌های غربی کمک کرد و در سوی دیگر، دولت آمریکا بود که کوشید با هدف آزاد ساختن گروگان‌های مذکور، به ایران سلاح انباری بفروشد و عواید آن را صرف کمک به کنتراها – مخالفان دولت انقلابی نیکاراگوئه – سازد و در میانه نیز واسطه‌ها با هدف کسب سود وارد صحنه شدند. تبعات ماجرای مک فارلین، ماه ها ادامه داشت و تحلیلگران از زوایای مختلف، این واقعه مهم تاریخی را مورد توجه قرار می دادند. در بخش ضمایم این کتاب، خلاصه ای از ماجرای مک فارلین درج شده است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب.

۲ - بانو عفت مرعشی همسر آقای هاشمی و فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر فرزندان و دکتر حمید لاهوتی و دکتر سعید لاهوتی دامادهای ایشان و اعظم هاشمی پور، فرشته هاشمی و مریم سالاری عروس های آقای هاشمی هستند. سارا ، مونا، حسن و علی لاهوتی و عماد ، علیرضا ، احسان، فواد، یاسین و لیلی هاشمی نوه های ایشان هستند.

هر یک دویست تومان عیدی دادم. آنها هم به من یک خودکار دادند؛ جای عفت و محسن خالی بود. تلفنی از آنها احوالپرسی کردیم.

فاطی رفت و خانم نقاش و دخترش آمنه [پناهنده عراقی و خانواده شهید] را آورد که به زیارت امام بروند. آمنه که دانشجوی سال اول رشته علوم پزشکی دانشگاه تهران است، از حضور بعضی دانشجویان ناصالح در دانشگاه شاکی بود. به او هم هزار تومان عیدی دادم.

چند نفر از پاسداران برای عید دیدنی آمدند. از ستاد مشترک خواستند که افسران ارتش و فرماندهان بیایند و از وزارت نفت خواستار آمدن جمعی از وزرا شدند؛ عذرخواهی کردم.

آقای محسن رضایی [فرمانده کل سپاه پاسداران] با قرار قبلی آمد. اطلاع داد که عملیات را یک هفته به تاخیر انداخته و به نیروها مرخصی داده‌اند. گفت عملیات داخل عراق هم به این زودی نیست؛ قبلاً [علی] آقامحمدی [از مسئولان قرارگاه رمضان] گفته بود که به همین زودی است. قرار شد مسؤولان پائین‌تر برای ارائه توضیح بیایند[1].

عصر آقایان [فریدون] مهدی نژاد، [سید علی‌اصغر] حجازی و [حسین] شیخ‌الاسلام، به ترتیب از [اطلاعات] سپاه و وزارتخانه های اطلاعات و امور خارجه آمدند و اولین جلسه شورای مشاورت درباره هدایت مسأله رفتار با آمریکایی ها و سیاست اجرایی و تبلیغی جریان مک فارلین و گروگان ها و ... را تشکیل دادند. قرار شد آقای [علیرضا] معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] هم به این جمع اضافه شود. محورهای حرکت آینده و ضوابط این شورا تعیین شد.

یکشنبه ۲ فروردین | ۲۱ رجب ۱٤۰۷ | ۲۲ مارس ۱۹۸۷

تمام روز در منزل بودم. پیش از ظهر، احمدآقا [خمینی] آمد. گفت امام با اینکه قبول ندارند دو ارتش داشته باشیم، ولی نظر صریحی درباره آینده سپاه و ارتش نمی‌دهند. گفتم اگر سیاست کار در زمان امام روشن نشود، بعداً این مشکل لاینحل می‌ماند و مسائلی دیگر

---

۱ - صدام حسین و ارتش عراق که در سال ۱۳٦۵، نگرانی های زیادی از عملیات سرنوشت ساز داشتند، با طرح شعار «ناموفق ماندن سال سرنوشت ساز» به جشن و پایکوبی در عراق پرداختند.

مثل ترکیب شورای نگهبان، حق تفسیر قانون اساسی، تعداد نمایندگان مجلس و مطالبی از این قبیل که احتیاج به تغییر آنها روشن شده، باید توسط امام حل شود.

قرار شد در این موارد، نامه‌ای خدمت امام بنویسم. از اظهارات رئیس جمهور در نماز جمعه پریروز انتقاد داشت. ایشان توصیه به عدم عکس‌العمل از طرف دوستان خود، در مقابل انتقاد علیه خودشان کرده بودند. با عفت تلفنی صحبت کردیم. حالش بهتر است و فردا از بیمارستان مرخص می‌شود.

عصر دکتر [علی اکبر] ولایتی [وزیر امور خارجه] آمد. گفت به پاکستانی‌ها پیشنهاد داده است که در مقابل گرفتن نیازهای خودمان، هواپیمای سی - ۱۳۰ و هلی‌کوپتر به آنها بدهیم و فرانسوی‌ها نامه دیگری نوشته‌اند که برای نجات گروگان مورد نظرشان [در لبنان] کمک کنیم. لبنانی ها می خواهند او با انیس نقاش[1] عوض شود و خبر مرگ او را داده‌اند. عراق به نیروگاه رامین حمله کرده؛ این شروع درگیری‌ها در سال نو است[2].

دوشنبه ۳ فروردین | ۲۲ رجب ۱٤۰۷ ۲۳ مارس ۱۹۸۷

از منزل بیرون نرفتم. به آشنایان، بستگان و دوستان هم، که به عنوان دیدار عید می‌خواستند بیایند، جواب منفی دادم. بچه‌ها برای سفر به کیش و رفسنجان، صبح زود به فرودگاه رفتند، اما به خاطر بی نظمی که اسم آنها را به پرواز نداده بودند، بعد از دو سه ساعت معطلی برگشتند و مجدداً بعد از ظهر رفتند.

به نیروی هوایی سپاه در مورد فعال کردن سایت قم و تبریز تاکید کردم. به سرهنگ [مصطفی] ترابی [رئیس سازمان حفاظت اطلاعات ارتش] گفتم، موضوع امکان مبادله هلی‌کوپتر با پاکستانی ها را بررسی کند.

عصر آقای [فخرالدین] حجازی نماینده تهران آمد. گلدانی هم آورد. گزارشی از وضع هند، پاکستان و بنگلادش داد. گفت توده مردم هوادار انقلاب ایرانند، اما بعضی از

---

۱ - انیس نقاش در سال ۱۳۵۸ به اتهام مشارکت در ترور نافرجام شاپور بختیار- آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی - در فرانسه دستگیر و به حبس ابد محکوم شد. او پس از ده سال، با عفو رئیس جمهور آن کشور آزاد گردید.

۲ - در ساعت ۱۲ امروز هواپیماهای عراق نیروگاه رامین اهواز را بمباران کردند. در این حمله از پنج موشک شلیک شده، سه راکت به نیروگاه اصابت کرد که ضمن خسارت به نیروگاه، سه تن از کارکنان آن مجروح شدند.

عوامل، آنها را از سیاست جدا می کنند. از سفیرمان در هند هم شاکی بود. خواستار تقویت خانه فرهنگ و دادن ارزش به دانشجویان اسلامی و اعزام یک روحانی مؤثر به آنجا شد. از من خواست که به نفع جناح خودشان در مقابل جناح مقابل موضع بگیرم. ایشان را دعوت به اتحاد کردم و گفتم نقش من باید ایجاد وحدت باشد، نه دامن زدن به تفرقه. از عدم کمک من به خودش، مطابق معمول گله کرد و توصیه به دلجوئی از آقای سید هادی خامنه‌ای داشت.

عراقی‌ها بعد از مدتی توقف، شرارت را در خلیج‌فارس شروع کرده‌اند و به نیروگاه رامین هم حمله شده است. احتمالاً بی ارتباط با تحرک آمریکا در منطقه نیست؛ با درایت باید برخورد شود.

اول شب مهدی و من، با عفت و محسن صحبت کردیم. عفت از معالجه‌اش راضی است و دکتر گفته هشتاد درصد امید به رفع کسالت دارد. ما هم خوشحال شدیم؛ محسن عجله دارد که بیاید، ولی تأکید کردم تا حصول اطمینان به نتیجه معالجه بماند.

سه‌شنبه ٤ فروردین | ۲۳ رجب ١٤٠٧ | ۲٤ مارس ۱۹۸۷

تا ساعت هشت و نیم صبح در خانه مطالعه کردم. مهدی برای درس خواندن به منزل دوستش رفت. همراه محافظان به بیمارستان فیروزگر رفتیم. دکتر جزایری معاون پارلمانی وزارت بهداشت و درمان هم آمده بود. حدود ۴۵ مجروح جنگی در بخش خوابیده بودند. از همگی احوالپرسی کردم. پسته و گل هدیه دادم. وضعشان بد نبود. اکثراً از مجروحان عملیات کربلای پنج بودند. برای کارکنان بیمارستان در محل آمفی تئاتر صحبت کوتاهی کردم[1].

با رادیو تلویزیون درباره مسائل خلیج‌فارس و اظهارات آمریکاییان در خصوص استقرار موشک‌های ما در تنگه هرمز و دادن یادداشت درباره تنگه و گروگان ها در لبنان و شایعه استقرار ایستگاه استراق سمع شوروی‌ها در ایران، در مقابل تحویل ۲۰۰ موشک اسکاد- بی،

۱- آقای هاشمی ضمن قدردانی از پزشکان معالج و کادر پرستاری بیمارستان، خطاب به آنان گفت: «این عزیزان سرمایه های اصلی انقلاب هستند و شما باید تمام سعی و کوشش خود را برای سلامت آنان به کار ببرید.»

به طور مفصل مصاحبه کردم و آن شایعه را تکذیب نمودم[۱].

چند روزی است که اسمی از من در رسانه ها نبود و حدس زده شده که به جبهه رفته‌ام و به زودی عملیات انجام می دهیم. معمولاً این روزها غیبت که داشته باشیم، این جور تفسیر می‌شود. لازم بود در رسانه‌ها ظهور کنم[۲]. قاعدتاً عیادت از مجروحان و انجام مصاحبه کافی است.

عصر آقای [علی] رحمانی، پاسدارم که در کربلای پنج مجروح شده است، همراه چهار پاسدار دیگر روی ویلچر به منزل آمد و شرح حادثه مجروح شدنش در پشت کانال ماهی همراه چند فرمانده دیگر سپاه را داد. یک قواره پارچه که استاندار هرمزگان برایم فرستاده بود، به او هدیه دادم. جراحتش سخت بوده است.

تا آخر شب به تماشای تلویزیون نشستم. دکتر ولایتی، [در یک برنامه] تلویزیونی خواستار آزادی گروگان مریض فرانسوی شد. با [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر تلفنی صحبت کردم. از حمله عراق به آذر پاد خبر داد و گفت امام فرموده‌اند فعلاً به خاطر احتراز از برخورد آمریکایی ها اقدام عملی در خلیج‌فارس نشود و فقط زبانی اخطار کنید. قرار شد آقای [علیرضا] معیری در جلسه [فریدون] مهدی نژاد [درباره ماجرای مک

---

۱ - در این مصاحبه آقای هاشمی درباره استقرار موشک های ایران در سواحل شمالی خلیج فارس گفت: «عدم اطلاع آمریکایی ها از وجود موشک های ساحل به دریای ایران در منطقه خلیج فارس، حاکی از استیصال این کشور است، زیرا این موضوع تازگی ندارد» ایشان همچنین در مورد ادعای غرب مبنی بر احداث دو ایستگاه استراق سمع شوروی در ایران در برابر تحویل موشک گفت: «هیچ کشوری در دنیا از جمله شوروی نمی تواند ادعا کند که در ایران کوچک ترین مرکزی دارد و اصولاً ابرقدرت ها در آینده هم در ایران جایی نخواهند داشت.» ایشان تحویل موشک از شوروی را رد کرد و گفت: «مدت هاست که در منطقه به عنوان یک قدرت موشکی مطرح می‌باشیم و نیازی به اینکه از شوروی ها موشک بگیریم، نداریم. ما وقتی اولین موشک خود را به بغداد زدیم، به دنیا اعلام کردیم که از این به بعد روی ایران به عنوان یک قدرت موشکی حساب کنید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - روزنامه واشنگتن پست در روز ۲ فروردین ۱۳۶۶ در گزارشی به قلم "تایلر" آورده است: «قریب به ۴۰ تا ۵۰ هزار بسیجی پیاده نظام ایرانی برای حمله جدیدی به سوی هدف استراتژیک بصره - دومین شهر بزرگ عراق - موضع گرفته اند.» این مقاله از تقویت لجستیکی عمده نیروهای ایران نیز خبر داده و افزوده است:« اسلحه، مهمات و دیگر تدارکات در شهرهای اهواز و دزفول - که برای نیروهای ایران در جنگ خلیج فارس نقاط عمده آغاز عملیات بوده اند - گرد آورده می شوند. منابع دیپلماتیک می گویند حرکات حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران و یکی از مشاوران عمده آیت الله خمینی در امور جنگی نیز از یک تهاجم جدید حکایت می کند. اکبر هاشمی رفسنجانی طی سه هفته قبل دو بار ناپدید شده است و در این مورد منابع گفته اند که وی در این مواقع در مقر فرماندهی سپاه پاسداران در اهواز سرگرم نظارت بر طرح های مربوط به حمله نظامی آتی بوده است. این مقام ایرانی که نماینده [امام] خمینی در شورای دفاع می باشد، پیش از سایر تهاجمات از قبیل کربلای ۴ و کربلای ۵ در اواخر سال گذشته و در ماه فوریه نیز به همین ترتیب از نظرها ناپدید شده بود.»

فارلین]شرکت کند[1].

چهارشنبه ۵ فروردین | ۲۴ رجب ۱۴۰۷ ۲۵ مارس ۱۹۸۷

در منزل بودم. مهدی برای درس خواندن به منزل دوستش رفت. به اخبار رادیو صدای آمریکا و رادیو بی بی سی گوش دادم. هنوز افتضاح کاخ سفید در صدر اخبار است و مسائل خلیج‌فارس به آن اضافه شده است. اخبار مربوط به انقلاب ایران، جاذبه زیادی در رسانه‌ها دارد.

خاطرات را نوشتم. امسال هم یک دفترچه خاطرات مختصر، برای راه گم کردن ترتیب دادم. عفت و بعضی از بچه‌ها برای اینکه در جریان امور کشور قرار داشته باشند، علاقه زیادی به دیدن خاطرات من دارند. اگر آنها را نامحرم به حساب آورم، ناراحت می شوند و اگر در جریان همه رخدادهای محرمانه قرار دهم، مصلحت نیست. به ناچار سال گذشته و امسال، در یک دفتر دیگر، حوادث بی اهمیت و غیرحساس را می نویسم که ببینند[2].

پیش از ظهر احمدآقا آمد و سلام و محبّت امام را ابلاغ کرد. نامه ای خدمت امام نوشتم مبنی بر ضرورت حل بعضی از مشکلات که غیر از ایشان، کسی نمی‌تواند آنها را حل کند: اصلاح قانون اساسی، تعداد نمایندگان، گزارش مذاکرات مجلس، ترکیب شورای نگهبان، مدیریت قوه قضائیه، سنت های دست و پاگیر شرعی و عرفی بی اساس، تعدیل سیاست خارجی و مشکل ارتش و سپاه و سیاست خارجی و افراط کاری ها به نام دین و انقلاب. ظهر ناهار از دفتر امام آوردند. به تنهایی غذا خوردم.

ظهر آقای [خسرو] عروج [مسئول سپاه حفاظت انصارالامام] آمد. گزارش خودش و وضع سپاه حفاظت را داد. عصر دو نفر از تیپ زرهی ۲۰ رمضان سپاه آمدند. توضیحاتی درباره امکانات زرهی سپاه دادند و برای حل مشکل پرونده یکی از آنها استمداد کردند. از آقای [غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] درباره خسارت وارده به اسکله آذرپاد و دو کشتی

---

۱ - شورای مشاورت درباره هدایت مسأله رفتار با آمریکایی‌ها و سیاست اجرایی و تبلیغی جریان مک فارلین، با حضور مسئولین اطلاعات سپاه، وزارت امور خارجه، کمیسیون امور دفاعی و امنیت مجلس شورای اسلامی تشکیل شده بود.

۲ - در تنظیم خاطرات از هر دو دفترچه استفاده شده و موارد تکراری حذف گردیده است.

دنا و اوج پرسیدم؛ خیلی زیاد نبوده است.

پنجشنبه ٦ فروردین | ٢٥ رجب ١٤٠٧ ٢٦ مارس ١٩٨٧

تا ساعت نه صبح در منزل، [ترجمه] گزارش کمیسیون سنای آمریکا [= کمیسیون تاور] درباره مسأله مک فارلین و افتضاح آمریکا را خواندم[1]. به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم. رؤسای بانکها آمدند. سیاست‌های پولی و بانکی را توضیح دادند. تأکید کردم که از امکانات بانک‌ها برای کارهای تولیدی و طرح‌های بزرگ، مثل متروی تهران و احداث شاهراه‌ها استفاده کنند. خواستار جواز استخدام برای توسعه شبکه بانک ها شدند.

"کاروان میثاق باشهدا"، مرکب از نمایندگانی از لشکرهای ۵ نصر و ۲۱ امام رضا(ع) و ویژه شهدا از استان خراسان آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. سرهنگ صیاد شیرازی برای امور جبهه و ارتش آمد.آقای جعفری اصفهانی آمد و از امام جمعه حوزه انتخابی اش شاکی بود.

عصر با [آقای آنتونی اندینگا] وزیر خارجه کنگو ملاقات داشتم[3]. خواستار کمک نفتی بود. دکتر ولایتی و [حسین] لواسانی [مدیر کل وزارت امور خارجه] که عازم جنوب خلیج‌فارس هستند، آمدند و در مورد برخورد با حکام جنوب خلیج‌فارس و درباره

---

۱ - برای آگاهی از محتوای گزارش کمیسیون سنای آمریکا (کمیسیون تاور) رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح ـ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب.

۲ - در این سخنرانی، دستاوردهای رزمندگان اسلام در سال ۶۵ تشریح شد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اینکه فاو و قلاویزان و حاج عمران دست ماست، اینکه از شلمچه عبور کردیم و الان در نه کیلومتری بصره هستیم، اینکه در کنار ابوالخصیب هستیم و ساحل حساس اروند رود را گرفتیم و بغداد در تیررس موشک ایران قرار دارد و امسال هزاران نیروی کیفی عراق را اسیر کرده ایم و تربیتشان می‌کنیم و صدها تانک و نفربر و ابزار سنگین و توپ را در میدان جنگ به غنیمت گرفته و به کار گرفتیم، اینها دستاوردهای روشن حرکت سال گذشته شماست.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۳ - در این ملاقات آقای هاشمی ضمن خوشامدگویی اظهار داشت: «این برای ما مایه خوشحالی است که می بینیم کشورهایی که وابستگی سیاسی ندارند و مستقل هستند، به جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی دل می بندند.» وزیر امور خارجه کنگو نیز ضمن ابلاغ سلام ریاست جمهوری کشور متبوع خود گفت: «ما همواره به وضعیت سیاسی کشور شما توجه داشته ایم، به خصوص در مورد جنگ آن را مورد بررسی قرار داده ایم. ما مایل به داشتن روابط اقتصادی و سیاسی با شما هستیم و امیدواریم از تجربیات پژوهشی فنی و نفتی شما بتوانیم استفاده کنیم.»

مسائل فرانسه و لبنان مشورت کردند. قرار شد از عربستان به خاطر عبور نفت زیاد عراق از خطوط لوله سعودی گله شود و به کویت از فشار زیاد بر مؤمنین بگویند و نسبت به عمان، به خاطر مواضع بهترش، سیاست نرم تری در پیش بگیریم.

در برگشتن به خانه، برای عیادت رفتم. آسیدهادی خامنه‌ای، در تظاهرات [۲۲ بهمن] مشهد با نارنجک منافقین مجروح و پایش معیوب شده است. شب به خانه آمدم. آقای [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] آمد. چند نامه از [منوچهر] قربانی‌فر آورده؛ او دست بردار نیست و طلبکاری می کند. به خاطر گران حساب شدن سلاح های آمریکا در جریان مک‌فارلین، مبلغی از طلب ادعائی آنها داده نشده و آقای قربانی‌فر می گوید از جیب خودش داده است[۱].

جمعه ۷ فروردین | ٢٦ رجب ١٤٠٧ ۲۷ مارس ۱۹۸۷

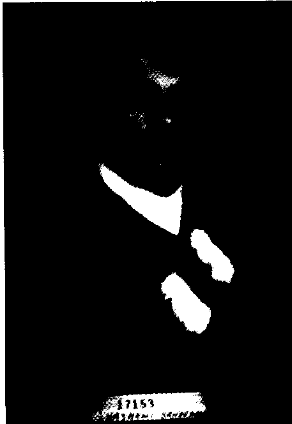
در منزل بودم. صبح زود بچه ها به کرمان و رفسنجان رفتند. مهدی برای درس خواندن پیش من ماند. نماز جمعه را آقای امامی کاشانی اقامه کرد؛ درباره مطالب سیاسی خطبه، با من مشورت نمود. احمدآقا تلفنی گفت، امام فردا در حسینیه [جماران] صحبت نمی کنند و از من خواست برای حضار صحبت کنم. جمعی از پزشکان سراسر کشور با امام ملاقات دارند.

عصر آقای محسن رضایی آمد. باز هم از تاخیر عملیات خبر داد و برنامه سه عملیات محدود را گفت. در مورد آینده ارتش و سپاه نظر داد که اختیارات و مسئولیت ها را تقسیم کنند؛ به این صورت که دفاع از نقاط حساس مرزی و غیر مرزی مثل خوزستان و عملیات برون مرزی برعهده سپاه باشد و ستاد فرماندهی کل قوا به جای فرماندهی ستاد مشترک تشکیل شود. دفاع از مرزها و نقاط غیر حساس نیز به ارتش واگذار شود.

---

۱ - منوچهر قربانی فر، عامل اصلی شروع کننده ماجرای مک فارلین بود. او در خارج از کشور به کار دلالی سلاح اشتغال داشت. برای اطلاع از نحوه ورود او به ماجرای مک فارلین رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، صفحه ۷۰

شنبه ۸ فروردین | ۲۷ رجب ۱۴۰۷ | ۲۸ مارس ۱۹۸۷



محسن هاشمی

بعد از نماز صبح پائین آمدم و احوال محسن را پرسیدم. دیشب ساعت دوازده آمده بود و ما را بیدار نکرده و خوابیده بود. زمستان سال ۵۸، قبل از حمله عراق به ایران و شروع جنگ تحمیلی، محسن برای تحصیل به خارج رفت و در این مدت، لیسانس را در بلژیک و فوق لیسانس را در کانادا تحصیل نمود و امروز با مدرک فوق‌لیسانس مهندسی مکانیک با تخصص در طراحی جامدات، شاخه پلاستیک ها و کمپوزیت ها، برگشته است. به پیشنهاد من، کار دوره دکترای خود را به خاطر کمک به صنایع موشکی که ضرورت فوری ما است، ناتمام گذاشت.

بحمدالله وضع روحیه و اخلاق و عقاید و تحصیلش خوب است. گفت حال عفت هم خوب است و قرار است به [منزل خواهرش در] بلژیک برود و تا یک هفته دیگر، بعد از اطمینان از نتایج معالجه برمی گردند. مقداری هم با محسن درباره برنامه آینده‌اش و مسائل جاری کشور صحبت کردیم. هنوز تصمیم نگرفته است که تحصیل را تا تکمیل دکترا در خارج ادامه دهد، یا بماند. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت تولید موشک، ماندن در کشور بهتر باشد. مهدی هم در بخشی از مذاکرات بود.

از دفتر امام تلفن کردند و گفتند برای صحبت در مراسم زیارت عید [مبعث] امام بروم. قرار بود امام صحبت نکنند و من به جای ایشان صحبت کنم. خدمت امام رفتم. قرار شد خودشان صحبت کوتاهی بفرمایند[1].

---

۱ - حضرت امام (ره) در این سخنرانی فرمودند: «امروز ایران ما این طور نیست که چنانچه فرض کنید که یک رئیس جمهور آمریکا بیاید اینجا، مردم عادی اینجا حاضر برایشان نیستند بروند تماشایش کنند! این طور نیست که خیال کنید که اگر یک کسی بیاید اینجا، چه خواهد شد، چه می شود، اگر چه بشود؛ نه خیر، این مسأله این نیست. مردم عوض شده اند. یک جور دیگری شده اند. اعتنایی به این مسائل ندارند، نه ما، آفریقایی ها هم ندارند. سایر جاها هم ندارند. فقط شماها هستید که چند نفری که یک مسائلی دستتان است و یک قدرت‌هایی دستتان است و خیال می‌کنید که اعمال نمی خواهید بکنید، می خواهید بگویید که ما اعمال می کنیم. و با همین، کار تمام

درباره نامه‌ای که دو سه روز پیش خدمتشان فرستاده بودم، صحبت کردم. امام از ابراز نظر واقعی شان در مورد ارتش و سپاه و همچنین از اقدام به تغییر قانون اساسی نگرانند، با اینکه قبول دارند، روزی بالاخره باید انجام شود. من تاکید کردم که این کار لازم را غیر از ایشان، کسی نمی‌تواند بدون عوارض سوء انجام دهد. به نظرم آمد که امکان اقدام امام وجود دارد؛ باید تعقیب کنیم.

آقای [محمدحسین] ملک زادگان [فرمانده نیروی دریایی ارتش]، تلفنی اطلاع داد که امروز یک کشتی کویتی موشک خورده، در حالی که ناو آمریکایی در فاصله ۷/۵ مایلی بوده است. عصر به ستاد ارتش رفتم و در مراسم یادبود شهدای ارتش، ژاندارمری و شهربانی شرکت کردم و سخنرانی نمودم[1]. جوایز را هم دادم. به منزل برگشتم و وقتم بیشتر به تماشای تلویزیون و خواندن گزارش‌ها گذشت.

یکشنبه ۹ فروردین | ۲۸ رجب ۱٤۰۷ — ۲۹ مارس ۱۹۸۷

صبح زود، محسن برای رفتن به رفسنجان به فرودگاه رفت و در اثر ناهماهنگی‌ها، از رفتن بازماند و برگشت. تلفنی احوال عفت را پرسیدیم. گفت هنوز سرفه می‌کند و منتظر دکتر هستند؛ متأثر شدم. با محسن سر میز صبحانه، درباره وضع دانشگاه ها و تحقیق صحبت کردیم.

دکتر [محمدعلی] هادی [نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت مجلس شورای اسلامی] همراه با آقای [سیروس] ناصری [رئیس اداره مجامع] از وزارت خارجه آمدند. پیشنهاد داشتند، برخورد با سازمان ملل و شورای امنیت، به گونه‌ای باشد که ما را

بشود. با این کار تمام نمی شود؛ اعمال هم بکنید، نمی شود.» رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲٤۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی، دستاوردهای جنگ درسال ۱۳۶۵را تشریح کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است. «پیروزی های کم نظیر سال گذشته مثل عملیات کربلای۵، ۶ و ۷، عراق را به جایی کشانده است که دیگر صحبت از پس گرفتن زمین های آزاد شده نمی‌کند، بلکه از اینکه بیش از این عقب نشینی نکرده خوشحال است و این یک پیروزی بزرگ برای ماست. صدام روز عید نوروز را جشن اعلام کرده و با پررویی گفته است که ایرانی ها امسال را سال سرنوشت نام نهاده بودند، در حالی که ما هنوز زنده هستیم. ببینید دشمن ما در چه ذلت و شکستی افتاده است که چند روز زنده ماندن خودش را جشن می گیرد!.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

محکوم نکنند. اجازه دهیم درباره پیدا کردن آغازگر جنگ بحث شود و برای بستن قرارداد عدم تعرض با همسایگان جنوب اظهار آمادگی کنیم و در شورای امنیت شرکت نمائیم؛ موافقت کردم. در مورد شورای امنیت قرار شد مشورت کنیم.

آقای [ابراهیم] سنجقی[1] و شمس فرمانده تیپ بدر- که از عراقی های پناهنده و اسرا تشکیل شده – آمدند و خواستار امکانات رفاهی و تدارک بهتر تیپ شدند؛ وعده کمک دادیم. گفتند خوب می جنگند. اسرای تائب، شهدا و مجروحان زیادی داده‌اند. امتحان خوبی است.

عصر و شب بیشتر به مطالعه و تماشای تلویزیون گذشت. شب اخوی احمد و خانواده آمدند. آنها از سفر مشهد برگشته‌اند.

دوشنبه ۱۰ فروردین | ۲۹ رجب ۱۴۰۷ ۳۰ مارس ۱۹۸۷

در منزل بودم. محسن، صبح زود به رفسنجان رفت. جمعی از فرماندهان لشکر ۲۷ رسول الله(ص) تهران، پس از زیارت امام به منزل آمدند. قرار شد عیدی به آنها بدهم. توصیه کردم که در عملیات سعی کنند فرماندهان گردان ها را حفظ نمایند. نقطه مثبت در عملیات، حضور فرماندهان در خط است و نقطه منفی این است که اگر آنها شهید شوند، گردان از هم می‌پاشد.

دکتر [حسن] روحانی آمد. وضع جنگ را بررسی کردیم و ترجیح دادیم که هنگام عملیات به منطقه برویم. اخوی محمد برای احوالپرسی آمد. قرار است برای دیدار حاجیه والده به رفسنجان و نوق برود. گفت همسرش به خاطر حمل دوقلو بستری و در استراحت مطلق است.

عصر آقایان [غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] و [حسین] کاظم پور [اردبیلی، معاون بین‌الملل وزیر نفت] آمدند. توضیحی درباره معاملات اسلحه با کره شمالی دادند. احتمال سوء استفاده بعضی از ماموران، در گرفتن حق دلالی در معامله اخیر دادند که قرار شد پیگیری شود. اطلاع دادند که در بمباران اخیر عراق علیه بندر گناوه، لوله‌های زیر آب در

---

۱ - آقای ابراهیم سنجقی رابط میان آقای هاشمی فرمانده جنگ با آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران بود.

دریا آسیب دیده‌اند. احتمالاً بمب‌های مخصوص به کار رفته باشد؛ قرار شد پیگیری شود.

مهندس [میرحسین] موسوی [نخست وزیر]، تلفنی از احتمال فوت گروگان فرانسوی در لبنان گفت و بعداً اطلاع رسید که حالش بهتر است. فرانسوی‌ها از ما انتظار کمک دارند و لبنانی‌ها هم بدون گرفتن آزادی انیس نقاش، شفاعت ما را نمی‌پذیرند.

سه‌شنبه ۱۱ فروردین | ۱ شعبان ۱٤۰۷ — ۳۱ مارس ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح به مطالعه و استماع اخبار گذشت[1]. پاسداران برای صبحانه کله‌پاچه تهیه کرده بودند. برای انجام کارها و ملاقات‌ها، به مجلس رفتم. ساعت نه به مجلس رسیدیم. در گزارش‌ها موضوع مهمی نبود.

جمعی از متخصصان موسسه [کشاورزی] حصارک آمدند. از مدیریت آنجا ناراضی بودند و با توسل به سوء مدیریت موجود ، از من خواستند لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد [سازندگی] تصویب شود، تا با مدیریت متعهدها، کارها رو به راه شود.

آقایان سید محمد باقر و سید عبدالصاحب حکیم آمدند. امکانات بیشتر برای تیپ بدر خواستند و خواستار توجه به نظرات مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق، در بکارگیری نیروهای عراقی شدند. از کمی تبلیغ [رسانه ای] عملیات اخیر تیپ بدر و عدم پیگیری مصوبات کنفرانس معارضان عراق و عدم اعزام هیأت به کشورهای دیگر، برای کار سیاسی در جهت آینده عراق گله داشتند. ضمناً به سقوط رژیم عراق امیدوار شده‌اند و تاثیر عملیات کربلای ۵ را جدی می‌دانند.

[آقای محمدجواد ایروانی] وزیر [امور اقتصادی] دارائی آمد. از اخلال صندوق‌های

---

۱ - در این روز خبرگزاری فرانسه در گزارشی از وضعیت اقتصادی عراق اعلام کرد: «رژیم بغداد به منظور رفع کمبود مالی خود، تغییراتی را آغاز کرده و در صدد افزایش میزان صادرات نفت خود است. عراق در حال حاضر روزانه ۱/۸ میلیون بشکه نفت صادر می کند. سایر اعضای اوپک انتظار داشتند تولید نفت این کشور از ۱/۶ میلیون بشکه در روز بیشتر نشود.» کارشناسان نفتی خارجی در بغداد نیز دربارهٔ صادرات نفت عراق گفته اند:« صادرات نفتی عراق طی هفته های اخیر با استفاده از ظرفیت کامل تسهیلات انتقال نفت از طریق عربستان سعودی، افزایش یافته است و این صادرات در حال حاضر ۱/۸ میلیون بشکه در روز فراتر است. عراق به طور متوسط ۳۰۰ هزار بشکه نفت از طریق خط لوله های نفتی «بندر ینبع» عربستان سعودی به دریای سرخ می رساند. عراق علاوه بر این خط لوله نفتی، از کامیون های ترکیه و اردن برای ارسال ۳۰۰ هزار بشکه نفت به سوی بندر«عقبه» اردن استفاده می کند.» از سوی دیگر، مذاکرات اخیر مسئولان اقتصادی عراق با وام دهندگان، اوضاع را برای تمدید مهلت باز پرداخت بدهی های این کشور مساعد می کند.»

قرض الحسنه و بنیاد مستضعفان، در سیاست پولی بانک ها گله داشت و از مشکلات ارزی سال جاری گفت و خواهان عدم بالا بردن قیمت اجناس دولتی بود. او خواستار تائید لایحه سهام بورس شد.

ظهر هیأت سیاست‌گذاری تبلیغی «ایران گیت» و بهره برداری از افتضاح آمریکا و مقابله با تبلیغات شیطانی آنها، آمدند و راجع به برنامه کارشان و سیاست کار مشورت کردند.

عصر گروهی از همافران آمدند. از سیاست سرهنگ [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی ارتش] در تضعیف جهاد خودکفائی نیروی هوایی و ارجاع بعضی از مسئولیت‌ها به جهاد گله داشتند و از مخالفت رئیس جمهور با آقای [رسول] منتجب‌نیا در خصوص مسئولیت سیاسی عقیدتی نیرو گفتند.

[علی] آقامحمدی، [ایرج] مسجدی و [عزیز] جعفری از قرارگاه رمضان آمدند. آقای جعفری [فرمانده قرارگاه قدس] که از داخل عراق آمده، شرحی از ضعف و تزلزل نیروهای عراقی گفت و برنامه عملیات آینده شمال [غرب] را شرح داد. به نظر می‌رسد موثر و موفق باشد؛ خیلی امیدوار است. برنامه های کردهای عراقی و درخواست حزب دمکرات ایران برای تفاهم با ما را هم گفت.

مصاحبه مفصلی با کیهان هوایی انجام دادم[1]. بعد از نماز آقایان [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] و محسن رضایی آمدند و قول گرفتند که از اختیاراتم در جهت تأمین نیازهای سپاه استفاده کنم. گفتم برنامه جنگی شان را بدهند، براساس آن قرار

---

۱ - در این مصاحبه برخی مسائل مهم کشور تشریح شد. ایشان در مورد خرید تسلیحاتی ایران از آمریکا در ماجرای مک فارلین گفت: «آمریکایی ها به ما هزار «تاو» دادند و چند هزاری هم قطعات ریز و درشت «هاک» [سیستم موشک ضد هوایی هاوک] را به ما دادند.» آقای هاشمی در ادامه گفت:« به محض اینکه ایران دریافت که آمریکایی ها می خواهند این سلاح ها را به قیمت بیشتر بفروشند، ما تصمیم گرفتیم ۱۴ الی ۱۴/۵ میلیون دلار از کل مبلغ را نپردازیم. آمریکایی ها به اسرائیل نقشی جهت ایفا در این معامله داده بودند تا بدین طریق بتوانند اعلام کنند که ما با اسرائیل رابطه داریم.» آقای هاشمی در مورد اقدامات قدرت های بزرگ در جنگ نیز گفت:« نه روس ها و نه آمریکایی ها و نه ارتجاع و نه صهیونیست ها، هیچ کدام حاضر نیستند که عراق از ما شکست بخورد که این خودش دو حالت می تواند داشته باشد: حالت اول این است که ما شکست بخوریم که برایشان خیلی مهم نیست. حالت دوم می تواند به این صورت باشد که جنگ باقی بماند با یک صلح نیم بند و آتش بس باشد و آتش زیر خاکستر همیشه وجود داشته باشد و ما همیشه مشغول باشیم. آنچه برای دنیا شاید اهمیت داشته باشد، این است که شکست عراق به عنوان یک پیروزی نظامی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی نشود، این اساسی‌ترین رکن حرکت اخیر آنهاست.» ایشان درباره مشکلات داخلی کشور نیز ، اختلاف مجلس و شورای نگهبان را جزئی خواند و گفت:« به طور معمول یعنی حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد با شورای نگهبان مشکلی نداریم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

می گذاریم. مطابق معمول از امکانات ارتش، برای نیروهای هوایی و دریایی سپاه خواستند. شب به منزل آمدم.

چهارشنبه ۱۲ فروردین | ۲ شعبان ۱۴۰۷ | ۱ آوریل ۱۹۸۷

در منزل بودم. آقای [علی] آقامحمدی آمد. درباره مسائل قرارگاه رمضان و به کارگیری نیروهای معارض عراقی صحبت شد. اظهارات جلال طالبانی قابل بررسی است[1]؛ گر چه از اقداماتش می توانیم استفاده کنیم. اگر روس ها و سوری ها در جریان کارهای او باشند، فعلاً قابل توجیه نیست؛ باید دقیق باشیم.

علی و محمد - فرزندان شهید مطهری - آمدند. از وضع تحصیل و کار خود و برنامه آینده تحصیلی شان گفتند. مادرشان مریض است. خواستند که در مراسم سالگرد پدرشان صحبت کنم. تاکید کردم که بین علوم دینی و دانشگاهی جمع کنند. عصر فائزه از رفسنجان آمد و خبر رسید که عفت امشب از آلمان می آید. فائزه وضع خانه را مرتب کرد. عصر و شب به تماشای تلویزیون پرداختم.

---

۱ - در روز ۴ فروردین ۱۳۶۶ جلسه ای با حضور آقای محمد باقر ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان و جلال طالبانی رئیس اتحادیه میهنی کردستان عراق در قرارگاه رمضان (فتح) در "یاغسمر" محل دفتر جلال طالبانی تشکیل شد و مسائل مربوط به عملیات مشترک مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه با توجه به محورهای عملیاتی نیروهای منظم (ماؤوت و چوارتا)، محورهای عملیات نامنظم از "قیوان" تا "کاریزه،" گلاله و "سفره" تعیین شد. در این جلسه آقای ذوالقدر گفت: «این اولین تجربه کار منظم می تواند باعث تداوم همکاری های ما و شما در زمینه کارهای برزگتر بوده باشد، چون ما تجربه خوبی در گذشته در رابطه با همکاری گروه های عراقی نداشتیم.» طالبانی نیز گفت:« من چهار نکته را به شما قول می دهم: ۱ ـ من ۴ الی ۵ هزار پیشمرگ جنگی آماده جنگ را بسیج می کنم. ۲ ـ ما راه قیوان و این مناطق خودمان همه را می گیریم. ۳ ـ ما استراحت نخواهیم کرد و ادامه خواهیم داد و این را گفته ایم که تا چهار ماه مرخصی و استراحت نیست و چهار ماه دائم می جنگیم. ۴ ـ ما تا آنجا که توان داریم، کار خواهیم کرد، لایکلف الله نفساً الا وسعها. البته یک سری نقصان ها در کار بوده است ولی در رابطه با همکاری جمهوری اسلامی با اتحادیه میهنی کردستان عراق سه تجربه فتح ۱ و ۲، مرحله کورک تجربیات موفقی بوده است، گذشته از یک نقصان هایی که در هر کاری هست.» جلال طالبانی سپس در مورد ضرورت اجرای عملیات گفت:« اگر ما بنشینیم، دشمن به همین جا هم حمله می کند. صدام استراتژی "دفاع متحرک" دارد، من می گویم که استراتژی "هجوم متحرک"، من عکس او را می گویم.» طالبانی همچنین پیشنهاد کرد که نیروهای ایرانی که قرار است علاوه بر ماؤوت، چوارتا را نیز تصرف کنند، چوارتا متوقف نشوند و به کمک اتحادیه میهنی کردستان تا ارتفاعات "ازمر" پیشروی کنند.» مأخذ: سند شماره ۱۴۴۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر چه ثبت جنگ راوی قرارگاه رمضان، محسن محمدی معین، صفحه ۴۰، نوار شماره ۲۴۶۴۱، بی سیم.

پنجشنبه ۱۳ فروردین | ۳ شعبان ۱۴۰۷ ۲ آوریل ۱۹۸۷

آقای عبدالله نوری [نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد. شرح مذاکراتش با آیت‌الله منتظری را داد که ایشان را تشویق به عادی‌تر کردن وضعشان کرده است و پیشنهادهایی از این جهت داشت؛ منجمله رفت و آمد بیشتر مسؤولان با ایشان. درباره تشکیل گروهی برای نظارت بر خرج بودجه جنگ، با ایشان مشورت کردم؛ قرار شد حکمی بدهیم.

آقای [سیدیحیی] جعفری امام جمعه کرمان آمد. در خصوص نحوه برخورد با جریان مخالف که در ۹۹ رأی مخالف دولت[1] و هشت نفر سئوال کننده درباره سفر مک‌فارلین - که مخالف نظر امام عمل کرده‌اند - پرسید. بیشتر مایل بود از من برای تبرئه آنان جوازی بگیرد که گفتم در شکل ظاهر، آنها به وظایف نمایندگی عمل کرده‌اند، ولی روح عمل آنها، حرکت در جهت خلاف نظر امام و بدون توجیه منطقی است.

عصر آقای [محمدحسن] اختری، سفیرمان در سوریه آمد. مسائل مهم مبتلابه لبنان و سوریه را گفت؛ هم نظر داد و هم مشورت کرد. تاکید داشت، در این مقطع مصلحت نیست که سوری ها را از خودمان جدا کنیم. من هم همین نظر را داشتم؛ بنا شده وزیر نفت سوریه را بپذیریم. شب به مطالعه و تماشای تلویزیون گذشت.

جمعه ۱۴ فروردین | ۴ شعبان ۱۴۰۷ ۳ آوریل ۱۹۸۷

در منزل تا ساعت ده و چهل وپنج دقیقه، برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. برای اقامه

---

۱ - در پاییز سال ۶۴ در جریان رأی اعتماد به مهندس میرحسین موسوی، تعداد ۹۹ نفر از نمایندگان، علی رغم اطلاع از نظر امام خمینی(ره) رأی موافق به نخست وزیر ندادند. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۴، امید و دلواپسی»، به اهتمام سارا لاهوتی، صفحه ۲۸۳. نمایندگان محافظه کار، پس از افشای ماجرای مک فارلین، با تنظیم نامه ای با امضای هشت نماینده، دکتر ولایتی وزیر امور خارجه را استیضاح کردند که با سخنرانی امام خمینی (ره) و نهیب ایشان، نامه استیضاح را پس گرفتند. این هشت نماینده عبارت بودند از آقایان سید احمد حسینی سیرجانی، جلال الدین فارسی، نیکروش، سید محمد خامنه ای، موسویانی، حسنعلی نجفی رهنانی، مرتضی فهیم کرمانی و ابراهیم اسرافیلیان. رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب.



نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. بحث جدیدی در [موضوع] استکبار و استضعاف شروع کردم[1]. عصر و شب بیشتر به تماشای تلویزیون و مطالعه گذشت. آقای [محسن] رضایی اطلاع داد که عملیات عقب افتاده است. قرار شد برای مذاکره و توضیح به تهران بیاید.

شنبه ۱۵ فروردین | ۵ شعبان ۱۴۰۷ | ٤ آوریل ۱۹۸۷

تا ساعت هشت و نیم صبح در خانه مطالعه می کردم. به قصر فیروزه - محل ستاد سپاه پاسداران - رفتم و در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح صحبت کردم. باران شروع شد. صحبت را کوتاه کردم[2]. دیشب و امروز باران زیادی در تهران باریده است. بیشتر وقتم

---

۱ - در خطبه اول در ادامه بحث عدالت اجتماعی که پیشتر مباحث رابطه غنی و فقیر، رابطه نژادها و رابطه زن و مرد به طور سلسله وار مطرح شده بود، بحث جدید استکبار و استضعاف آغاز شد. در این بحث دیدگاه مارکسیسم مورد نقد و بررسی قرار گرفت و خاطراتی از دوران مبارزه در ارتباط با زندانیان مارکسیست بیان شد. در خطبه دوم نیز درباره وضعیت جبهه های جنگ در سال ۶۵، وجود امدادهای غیبی، ارزیابی یکساله از انقلاب، وضع عراق و پیروزی های سیاسی ایران در عرصه بین الملل مطالبی مطرح گردید. آقای هاشمی در مورد وضعیت فعلی جنگ گفت:« دنیایی که پارسال به فکر تقویت دفاع به اصطلاح متحرک عراق بود و خودش را آماده می کرد برای اینکه تمام مراکز اقتصادی و مردمی ما را بزند و ایران را با زور به میز مذاکره بکشاند و آمریکا کاروان جلوگیری از فروش اسلحه به ایران در اطراف دنیا تشکیل می داد و کسانی که آن همه توطئه می کردند، امروز همه شان در روزنامه می نویسند فکری بکنید برای آینده منطقه و خاکریز بعد از صدام را از الان محکم بکنید. سدهای مقاومت در مقابل حرکت جنود اسلامی بعد از پیروزی بر عراق را الان دارند پایه‌ریزی می کنند. سرنوشت جنگ این جور تعیین شد.» ایشان درباره موضع ایالات متحده آمریکا در برابر جنگ ایران و عراق و کوششی که برای مداخله فعال در آن و بحرانی ساختن خلیج فارس می کند، با اشاره به فشارهای جهانی در سال گذشته علیه ایران، گفت:« روی نفت فشار آوردند، همه امکانات را شوروی ها و فرانسوی ها دادند، جاسوس های انگلیس[یعنی] منافقین داخلی، اطلاعات دادند، آمریکایی ها اطلاعات ماهواره ای دادند، ارتجاع منطقه فضایی را داد، فرودگاه دادند، امکانات دادند که قیمت نفت ما را بزنند و نفت ما را کم کنند، ولی از لحاظ قیمت خودشان ضرر کردند، مثل بچه رذلی که پستان مادرش را گاز می گیرد. ما که باعث شده بودیم قیمت نفت را بالا برده بودیم، برای اینکه ما را به زمین بزنند، خودشان را به ضرر انداختند که نفت ۲۷ دلار را برسانند به هفت هشت دلار. برای اینکه ما را شکست دهند، حاضر شدند کار خودشان را خراب کنند؛ برای اینکه خطر چیز دیگری برایشان بود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶،» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « نیروهای مسلح باید جنگ را به نقطه ای برسانند که امکانات کشور صرف زیربنای اقتصاد و تجهیز نیروهای مسلح کشور برای آینده شود.» آقای هاشمی با اشاره به نقش نیروهای مسلح در برابر تهاجم مستکبران افزود:« توجه رهبری، امت انقلابی، مجلس و دیگر مسئولان کشور به نقش نیروهای مسلح کشور دلیل اهتمام انقلاب به نیروهای مسلح است و در سال گذشته یک سوم بودجه کشور به مصرف نیروهای مسلح رسید و در سال ۱۳۶۶ علاوه بر بودجه جاری برای نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه، هفتاد میلیارد تومان که تقریباً یک چهارم از کل بودجه است، برای جنگ اختصاص یافت. همچنین یک سوم از امکانات ارزی کشور ←

به مطالعه اسناد تاریخ انقلاب، نوشته آقای [سید حمید] زیارتی [رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی] جهت آمادگی برای مصاحبه صرف شد؛ عصر آقای زیارتی [= روحانی] برای ادامه مصاحبه درباره تاریخ انقلاب آمد. حدود دو ساعت نوار ضبط کرد. جریان اعزام طلبه‌ها و خودم به سربازی در سال ۴۲ را گفتم[1].

آقای مهندس موسوی[نخست وزیر]، تلفنی خواستار تحویل هواپیماهای ۷۴۷ ارتش به هما [= هواپیمایی ملی ایران] برای استفاده شد. آقای [ابراهیم] سنجقی خواستار اختصاص سهمیه بیشتری از مشمولان به سپاه شد. آقای [حسین] حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش]، برای توضیح برنامه آینده جنگی نیروی زمینی وقت گرفت.

یکشنبه ۱۶ فروردین | ۶ شعبان ۱۴۰۷ ۵ آوریل ۱۹۸۷

اول وقت آقای رضایی آمد. درباره برنامه عملیات آینده گزارش داد و مشورت کرد. به مجلس آمدم. قفل نمره‌ای [رمزدار] در دفترم باز نمی‌شد. در اتاق مجاور با فرمانده نیروی زمینی ارتش ملاقات کردم. گفت به زودی حمله محدودی انجام می‌دهند؛ خواهان برگشت بخشی از توپخانه‌ها از دست سپاه بود.

تا ظهر در جلسه علنی ماندم. لایحه اراضی شهری مطرح بود. در تنفس مراجعات زیادی داشتم. آقای محسن رضایی گفت تعداد شش قبضه موشک [زمین به هوای] استینگر آمریکایی از یکی از گروههای [چریک] افغانی، به دست سپاه افتاده است[2].

را به جنگ اختصاص داده ایم و این نشان اهتمامی است که جامعه، مسئولان، مجلس و دولت برای نیروهای مسلح در این مقطع قائل است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - مجموعه خاطرات ایشان از دوران مبارزه، در کتاب «هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه» به اهتمام محسن هاشمی توسط دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شده و تاکنون به چاپ های متعدد رسیده است. این کتاب با استفاده از اسناد ساواک و همچنین نوارهای ضبط شده از ایشان تهیه و تدوین شده است.

۲ - در این خصوص «اخبار آمریکا و گزارش های جهان» چاپ آمریکا نوشت: «صدها میلیون دلار از کمک های آمریکا به مبارزان افغانی به وسیله برخی رهبران نامطمئن چریک ها یا به وسیله برخی سیاستمداران تبعیدی افغان مورد سوء استفاده قرار گرفته است. گفته می‌شود دو تن از فرماندهان مجاهدین تعداد ۱۶ دستگاه موشک استینگر را در مقابل دریافت یک میلیون دلار به پاسداران انقلاب اسلامی فروخته‌اند. مقامات آمریکایی اصرار دارند که بقبولانند این موشک ها به سرقت رفته اند.» رادیو بی بی سی نیز در این باره گفت: «گفته می‌شود که در دسترس قرار گرفتن این موشک ها این نگرانی را به وجود آورده که دیری نخواهد گذشت که از این موشک ها علیه

عصر [آقای شریف دربال] سفیر الجزایر آمد. تأکید بر سفر من به الجزایر داشت؛ قبول کردم. آقایان دکتر روحانی و سنجقی برای امور جنگ آمدند. آقای [غلامعلی] شهرکی [نماینده زاهدان و رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس] آمد؛ برای حل مشکلی که امروز در مجلس، در راه تصویب لایحه اراضی شهری با حذف لیست شهرهای مورد ضرورت پیش آمده است. آقای [سیداکبر] طاهائی [نماینده چالوس و نوشهر در مجلس] آمد و خواستار رفتن به تنکابن در سفر مازندرانم شد. آقای مهدی‌نژاد هم برای امور لبنان و اسرائیل آمد.

سران قوا، شب مهمان آیت الله خامنه‌ای بودیم. قرار شد رفت و آمد با آیت‌الله منتظری را بیشتر کنیم و نیز در بعضی جلسات سران، اعضای شورای نگهبان هم شرکت کنند، تا با نیازها و مشکلات کشور آشنا باشند. وضع جنگ و برنامه چهار عملیات آینده را گفتم. درباره شفاعت برای حل مشکل گروگان های لبنان بحث شد. بیشتر حضار، نظرشان این بود که ادامه گروگان بودن آنها مفید نیست و به نحوی باید پایان یابد. آمریکا و فرانسه نمی توانند امتیاز بدهند و ممکن است، بهانه‌ای برای اقدامات تند آنها شود. درباره آقای [محمدتقی] بانکی وزیر نیرو صحبت شد.

دوشنبه ۱۷ فروردین | ۷ شعبان ۱۴۰۷ ۶ آوریل ۱۹۸۷

در منزل بودم. تا ساعت ده صبح کارهای مجلس را که به منزل آورده بودم، انجام دادم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. آقای دکتر روحانی اطلاع داد که عراق حمله وسیعی به جزیره خارک و بندرگناوه کرده، ولی نتوانسته کاری انجام دهد و دو هواپیما از دست داده است[1].

عصر برای سخنرانی در جلسه اختتامیه [پنجمین دوره] مسابقات بین‌المللی حفظ و

نیروهای آمریکا استفاده خواهد شد. نقل می شود کنگره آمریکا از گزارش های اخیر درباره اینکه موشک های «استینگر» که در اختیار مجاهدین افغان گذاشته شده بود، به دست ایران افتاده، سخت نگران شده است.»

۱ - طبق گزارش ارتش جمهوری اسلامی، جنگنده های عراقی امروز ضمن تجاوز به حریم هوایی بندر گناوه، اقدام به پرتاب ۱۲ بمب تاخیری به سوی تأسیسات نفتی این بندر نمودند که در جریان این حمله، دو فروند از هواپیماهای دشمن هدف قرار گرفت و در آب های خلیج‌فارس سرنگون شد.



مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم

قرائت قرآن به حسینیه ارشاد رفتم[1]. آقای رسولی [محلاتی، نماینده امام در بنیاد مسکن]آمد. برای گنجاندن تبصره‌ای در قانون اراضی شهری به نفع بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استمداد کرد. شب همشیره فاطمه و همشیره زاده‌ها برای دیدن عید آمدند. آقای سنجقی اطلاع داد که امشب در منطقه شرق بصره عملیات آغاز می‌شود. نیروی اصلی سپاه در آنجا مستقرند.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «همه عزت جمهوری اسلامی و شخص امام که بزرگترین مرد زمان ما در جهان اسلام هستند، به این خاطر است که به قرآن اتکا دارند و رزمندگان ما نیز که داوطلبانه خون می دهند و این چنین می جنگند، تحقیقاً به خاطر قرآن این گونه عمل می کنند و مقاومت جمهوری اسلامی در برابر آمریکا، شوروی و ارتجاع نیز به لحاظ قدرتی است که از قرآن الهام می گیرد. وقتی انسان با خود در خلوت تدبّر می کند و به نعمت وجود قرآن می اندیشد، بی اراده در مقابل خداوند و آفریدگار جهان خضوع می کند که برا ی هدایت خلق و سعادت بشر چنین وسیله ای را قرار داده است، چه چیزی بهتر از کلام خداوند می تواند به انسان ها آرامش و اطمینان بدهد و مشکلات بشر را حل کند. کلامی که بی تردید جز حقیقت نیست. قرآن حل کننده اختلاف هاست، اما تصمیم گیرندگان در کشورهای اسلامی به دنبال حل اختلاف نیستند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

سه‌شنبه ۱۸ فروردین | ۸ شعبان ۱۴۰۷ | ۷ آوریل ۱۹۸۷

با زنگ تلفن آقای سنجقی بیدار شدم. اطلاع داد که دیشب در شرق بصره ساعت دو و نیم بامداد، حمله را آغاز کرده‌ایم و توفیقاتی بدست آمده است[۱]. ساعت هفت و نیم صبح در دفترم با آقای رحیم صفوی [قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه] در قرارگاه مقدم صحبت کردم. گفت در خط حمزه ۱، اولین خاکریز دشمن را گرفته‌ایم و به طرف خط بعدی پیش می‌رویم و راضی بود. گفت در محور فرعی پیشرفتی نداشته‌ایم؛ بعداً آقای [علی] شمخانی [جانشین فرمانده سپاه و فرمانده نیروی زمینی] گفت، در آن محور حدود سی اسیر هم داده‌ایم[۲]. قبل از شروع جلسه مجلس، خبر عملیات را به نمایندگان دادم.

به دفترم آمدم. با آقایان شمخانی و رضایی صحبت کردم. قرار شد اسم عملیات، کربلای ۸ باشد. نظر [سیدکمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] و [حسن] روحانی

---

۱ - در سحرگاه امروز عملیات "کربلای۸" با رمز مقدس "یا صاحب الزمان(عج)" در منطقه عمومی شرق بصره(شلمچه) با هدف تصرف کانال زوجی و عبور از آن، به همت یگان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با فرماندهی قرارگاه های کربلا و قدس آغاز شد. قرارگاه خاتم الانبیا(ص) دلیل اجرای این عملیات را پاسخگویی به شرارت های اخیر دشمن در حمله به منابع اقتصادی کشورمان و برهم زدن امنیت کشتیرانی در خلیج فارس اعلام کرد.

۲ - در ساعت ۲۴ نیمه شب نیروهای هفت لشکر و تیپ سپاه با تجهیزات کامل پشت خاکریزها منتظر دستور فرماندهان خود جهت حمله به دشمن هستند، با تدبیر فرماندهان در قرارگاه کربلا، همه یگان ها از دو ساعت پیش «جنگ الکترونیک» را علیه دشمن آغاز کرده اند، اما در خطوط دشمن هیچ گونه حرکتی که حاکی از حساس شدن او باشد، دیده نمی شود. در حالی که با تراکم ارتباطات بی سیمی یگان ها انتظار می رود دشمن واکنشی از خود نشان دهد. فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (آقای اسدی) در تماسی با قرارگاه کربلا اوضاع را غیر عادی و مشکوک توصیف کرد. هر چند این سکون و سکوت دشمن باعث تعجب مسئولان قرارگاه شد، ولی حساسیت خاصی را هم در آنها ایجاد نکرده است. به طوری که سه دقیقه قبل از شروع عملیات، فرمانده قرارگاه کربلا (آقای غلام پور) در پاسخ فرمانده نیروی زمینی (آقای شمخانی) که وضع را جویا شده بود، گفت:« وضع عادی است و خبری نیست.» با این حال، احساسی پنهانی از هوشیاری مرموز دشمن خبر می دهد، لذا مسئولان سپاه بر آن می شوند تا به منظور پیشگیری از تلفات و ضایعات بیشتر، به فرمانده عالی جنگ ـ آقای هاشمی رفسنجانی ـ پیشنهاد کنند در صورت عدم موفقیت در شب اول، از ادامه عملیات در شب های بعد جلوگیری و حرکت انجام شده به عنوان یک عملیات فریب تلقی شود. عملیات ۱۰ دقیقه قبل از موعد مقرر آغاز می شود؛ آغاز گر آن، لشکر ۱۹ فجر است که به دلیل مواجه شدن با هوشیاری دشمن، ناچار شده عملیات را پیش از موعد مقرر آغاز کند. قبلاً قرار شده بود که عملیات در ساعت ۱۵ : ۲ آغاز شود ولی در عمل از ساعت ۲:۵ بامداد آغاز شده است. با آغاز عملیات به سرعت آتش سلاح ها سرتاسر خطوط درگیری را فرا می‌گیرد. در طول همین چند دقیقه (۵ : ۲ تا ۲:۱۰)، دشمن به طور گسترده ای انواع مین را در جلو خاکریزش ریخته است به نحوی که نیروهای خودی ناچارند مین ها را همچون آب با دو دست کنار بزنند تا خود را به بالای خاکریز برسانند. در حالی که جنگی سخت بین نیروهای خودی و دشمن ادامه دارد، یگان ضدزره در نخستین ساعات ورود به منطقه عملیات موفق شد حداقل ۵۰ دستگاه تانک پیشرفته و خودروهای حامل نفرات دشمن را منهدم کند. منبع : سالنامه جنگ ایران و عراق، کتاب ۵۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

[رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس] هم همین بود. آقایان سنجقی و دکتر روحانی هم آمدند، برای امور جنگ. آقای رضایی برای عملیات شمال، توپخانه می‌خواهد.
جمعی از طلبه های مونث تهران آمدند. برای آنها صحبت کردم و تشویق به تحصیل نمودم[1]. ظهر ملاقات‌ها را برای رسیدن به امور جنگ حذف کردیم. عصر تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم که آماده سفر به جنوب بشویم. به آقای [مهدی]کروبی [نائب رئیس مجلس] توصیه‌های لازم را برای ادامه جلسه پنجشنبه - که به خاطر ماده ۱۰ اراضی شهری اهمیت دارد - نمودم. با آقایان رضایی، حسنی سعدی و شمخانی، تلفنی مذاکره شد که ترتیب تأمین توپخانه مورد نظر آقای رضایی را بدهند.
احمدآقا گفت، تلفنی با آیت الله منتظری صحبت کرده و ایشان را برای جلسه سران در منزلشان دعوت نموده است. ایشان سرد برخورد کرده و گفته معذورم.
اول شب به خانه رفتم. چمدان را برای سفر به جبهه بستم و زود خوابیدم. به مهدی گفتم که ساعت چهار صبح بیدارم کند. قرار بود بعد از نماز حرکت کنیم.

چهارشنبه ۱۹ فروردین | ۹ شعبان ۱۴۰۷   ۸ آوریل ۱۹۸۷

مهدی بیدارم نکرد. ساعت یک ربع به پنج بامداد، با زنگ پاسدارها بیدار شدم. گفتند که آماده حرکت هستند. فوراً بلند شدم، نماز خواندم، لباس بسیجی پوشیدم و ساعت پنج حرکت کردیم. آقایان [حسن] روحانی، [مصطفی] ترابی و [ابراهیم] سنجقی هم آمده بودند. یکسره تا نزدیک اراک رفتیم. صبحانه را در صحرا، کنار چاه آب و مزرعه‌ای صرف کردیم. محافظان، عسل و سرشیر از قم گرفته بودند. هوا هم‌سرد بود. از آنجا یکسره

---

۱ - در این دیدار که جمعی از خواهران طلبه مدرسه شهید مدنی وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی حضور داشتند، ابتدا گزارشی از روش تحصیلی مدرسه توسط یکی از خواهران ارائه شد، آنگاه آقای هاشمی با اشاره به ابهاماتی که در زمینه تحصیل بانوان مطرح می شود، اظهار داشت: « ابهاماتی بود مبنی بر اینکه خواهرانی که درس می خوانند در نهایت خواستشان چیست؟ آیا می خواهند خانم ها واعظ شوند؟ پیداست که در جامعه ما خانم های تحصیل کرده اگر تحصیلات دینی داشته باشند، به اندازه روحانیون مرد میدان ندارند. در شورای انقلاب فرهنگی راجع به این موضوع بحث شده است که راه برای خانم هایی که تحصیل می کنند باز باشد که اگر مایل هستند، به دانشگاه راه یافته و یا به عنوان معلم و دبیر وارد دبیرستان شوند و یا در رشته های معارف اسلامی ادامه تحصیل بدهند. اصل مساله که خانم‌ها درس بخوانند، بسیار خوب است. به هر حال نیمی از جمعیت کشور ما را زنان تشکیل می دهند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



رفتیم تا جنوب ملاوی، کنار رودخانه و مزرعه‌ای ماندیم. نماز ظهر را خواندیم و ناهار را که از ملاوی، چلوکباب برگ گرفته‌بودند، خوردیم. به سوی خوزستان حرکت کردیم و نزدیک غروب رسیدیم.

شب را در اهواز در جنگلی ماندیم. شام کاهو صرف شد و استراحتی نمودیم. سپس به قرارگاه خاتم یک بعثت رفتم. بنا بود فرماندهان سپاه، ساعت هشت آنجا بیایند. اطلاع دادند چون امروز عصر، دشمن قسمتی از تصرفات دیشب را پس گرفته، لازم است در مقر بمانند و تهاجم را برای پس گرفتن خط تصرفی دیشب هدایت کنند، نمی‌توانند بیایند[۱].

قرار شد ما جلو برویم. بعد از شام به سوی منطقه شلمچه حرکت کردیم. برق توپخانه‌ها و منّورها و صدای انفجارها از شدت جنگ خبر می داد. ساعت ده شب به قرارگاه امام علی(ع) رسیدیم فرماندهان قرارگاه‌ها و آقایان [علی] شمخانی و [یحیی رحیم] صفوی و [محمد] باقری [افشردی مسئول اطلاعات نیروی زمینی سپاه] و ... جمع بودند. گزارش کامل عملیات چند روز گذشته کربلای۸ را دادند.

با اینکه در ساعت اولی حمله موفق شده‌ایم گام محکمی به جلو برویم، دشمن برای پس گرفتن آن، سخت می جنگد و تاکنون دو سه بار، قسمتی از خط دست به دست گشته و از آن ساعت که ما در قرارگاه حضور داشتیم، لشکرهای ۲۷ رسول الله(ص) و نجف اشرف و علی بن ابی طالب(ع) که از لشکرهای نیرومند ما هستند، برای تکمیل خط و پس گرفتن نقاط از دست رفته، وارد جنگ شده بودند[۲]. تا ساعت دو بامداد که ما در آنجا

---

۱ - مرحله دوم عملیات کربلای ۸ با تدابیر جدید انجام شد. هدف از مرحله دوم، همان اهداف مرحله اول بود، براین مبنا که لشکر۳۳ می‌بایست با عبور از لشکر ۲۵ مجدداً اهداف خود و اهداف لشکر ۲۵ را تصرف می کرد و لشکر ۱۰ نیز به تکمیل اهداف مرحله اول خود می‌پرداخت. به لشکر ۲۷ نیز ابلاغ شده بود که در صورت موفقیت لشکر ۱۰، از آن عبور کند و پیش برود، اما در صورت توقف حرکت لشکر۱۰، به تکمیل اهداف این لشکر بپردازد. بدین ترتیب مرحله دوم عملیات کربلای ۸ در شب دوم آغاز شد. لشکر ۳۳ این بار چه در تصرف هدف و چه در کار مهندسی موفق بود، لکن دشمن دوبار به نیروهای این لشکر پاتک زد و در پاتک دوم که در ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح انجام شد، نیروهای لشکر ۳۳ ناچار عقب نشینی کردند، لذا در این مرحله نیز جناح چپ عملیات تأمین نشد.

۲ - دشمن که هم زمان با هجوم نیروهای خودی اقدام به ریختن مین در محورهای آسیب پذیر کرده، توانسته است با ایجاد سد و موانع تأخیری، تا صبح از سقوط کامل مواضع خود جلوگیری کند و متعاقب آن با وارد کردن نیروهای احتیاط و استفاده تدریجی از آنها به عنوان نیروهای بازدارنده، مهیای پاتک شود. دشمن که خط حمزه را از «نقره» تا نزدیکی تقاطع سیل بند « صوئیب» از دست رفته می بیند، در ساعت ۱۱:۳۰ صبح اولین پاتک خود را با پشتیبانی انبوه آتش توپخانه، حملات هوایی و هوانیروز، از جناح چپ لشکر ۲۵ آغاز کرد و در حالی که نزدیک بود مواضع از دست رفته را مجدداً تصرف کند، نیروهای لشکر ۱۹ به کمک لشکر ۲۵ آمدند و دشمن را به عقب‌نشینی واداشتند. در همین اثنا نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا که در تقاطع «طوطی» با دشمن درحال جنگ بودند، می بینند که تعدادی از نیروهای لشکر ۱۰ سیدالشهدا از خط «فدک۱» به عقب می روند، آنها با تصور اینکه این نیروها در حال عقب نشینی اند و ممکن است

بودیم، تقریبا همه اهداف را گرفته بودند[1]. چند گلوله توپ روی قرارگاه ما فرود آمد، ولی آسیب مهمی وارد نکرد.

قرار شده تعدادی از واحدها برای شرکت در عملیات به طرف شمال بروند. فرماندهان نوعاً معتقد بودند، عملیاتی که بناست قرارگاه حمزه در شمال غرب و رمضان انجام دهد، با توان موجود در دستشان، پیروزی کامل ندارد و فقط بعضی از اهداف را خواهد گرفت، ولی خوش بینی قرارگاه رمضان زیاد است. ساعت سه و نیم بامداد به اهواز رسیدیم و در گلف خوابیدیم[2].

پنجشنبه ۲۰ فروردین | ۱۰ شعبان ۱۴۰۷ ۹ آوریل ۱۹۸۷

ساعت پنج صبح برای نماز بیدارم کردند. باز هم تا ساعت هشت و نیم خوابیدیم. دیروز که از سحر تا ساعت سه و نیم بامداد امروز، یکسره در راه و در قرارگاه بودیم، خیلی خسته شده بودیم. از جبهه خبر گرفتیم. گفتند دشمن در یک نقطه پاتک کرده و لشکر ۸ نجف را کمی عقب‌زده، ولی [آقای احمد کاظمی] فرمانده لشکر، خودش در خط حضور یافته و مقاومت می کنند[3]. آقای صفوی گفت، دشمن با نیروی هوایی و استفاده از اسلحه

﴿دشمن دورشان بزند، موضع خود را ترک کرده و تا خاکریز فدک ۱ عقب آمدند. دشمن که مترصد باز پس گیری مواضع است، با پی بردن به مکان های آسیب پذیر خودی که ناشی از کمی نیرو است(براثر شدت آتش توپخانه دشمن، امکان رسیدن نیروهای کمکی میسر نشد) دومین پاتک خود را با تیپ ۴۲۱ پیاده و تعدادی تانک و نفربر در ساعت ۱۴ آغازکرد که توانست با تمرکز فشار شدید خود بر لشکر ۲۵، باقی مانده نیروهای این لشکر را به عقب براند.

۱ - نتایج نهایی عملیات کربلای ۸ در روز نخست بدین شرح اعلام شد: تصرف خط حمزه و حدود دو کیلومتر مربع از اراضی غرب کانال پرورش ماهی و نیز مقر گردان های ۱ و ۴ از تیپ ۴۱۷، کشته شدن حدود ۲ هزار تن از نفرات دشمن، انهدام ادوات زرهی و گردان‌های ۱،۲ و ۴ از تیپ ۴۱۷، به میزان ۸۰درصد تیپ ۶۵ نیروی مخصوص ۴۰ در صد و نیز آسیب دیدن تیپ های ۱۰۶ و ۴۱۸، اسارت بسیاری از نیروهای دشمن. همچنین دو فروند هواپیمای عراقی در منطقه عملیاتی کربلای ۸ و منطقه «حمیدیه» با آتش پدافند هوایی سرنگون شد.

۲ - "گلف" یا پایگاه منتظران شهادت، پیش از انقلاب، متعلق به شرکت نفت بود. در سالهای جنگ، از این محل که بیرون از شهر اهواز قرار داشت، به عنوان محل اعزام نیرو به جبهه و محل استقرار فرماندهان استفاده می شد. اغلب جلساتی که آقای هاشمی فرمانده جنگ، هنگام حضور در اهواز داشت، در این مکان برگزار می شد.

۳ - در سومین روز عملیات کربلای ۸ مرحله سوم عملیات نیز با طرح جدیدی انجام شد. فشار شدیدی که از سمت چپ منطقه عملیاتی روی لشکر ۱۹ فجر وارد می آمد، سبب گردید که تلاش عمده ای برای تأمین جناح چپ صورت گیرد. براین اساس، لشکر ۲۷﴾

شیمیائی فشار زیاد وارد می کند و خواست که نیروی هوایی ما مقابله به مثل کند و [موشک های] هاگ را برای دفاع بهتر جلوتر ببریم. قرار شد دکتر روحانی دستور بدهد. به آقای شمخانی و خرازی گفتم، اخبار جنگ را با سروصدای بیشتری پخش کنند و وضع رادیو را فوق‌العاده کنند. دیروز اخبار را ضعیف پخش کردند.

آقای سرهنگ حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش]، اطلاع داد که لشکر ۸۱ دیشب در منطقه قصرشیرین، روی ارتفاعات قراویز حمله کرده و ارتفاع باباهادی را گرفته و تاکنون ۲۵ اسیر از دشمن گرفته‌اند، ولی در قسمت دیگر همان جا، هنوز توفیق به دست نیامده و جنگ ادامه دارد.

از رادیو مذاکرات مجلس را گرفتم. نگران وضع لایحه اراضی شهری بودم؛ به بن بست رسیده و لایحه را ده روز مسکوت گذاردند. ساعت یازده صبح، آخرین وضعیت جبهه‌ها را گرفتم. هم در جنوب و هم در غرب، عراقی ها پاتک داشتند ولی نیروهای خودی قدرت‌دفع پاتک را در خود می‌دیدند[1].

ساعت یازده به سوی دزفول حرکت کردیم. در بین راه، بازدید کوتاهی از مزارع صیفی کنار جاده کردیم. گندم و جوهای خوزستان خوشه کرده و متمایل به زردی شده و به زودی می‌رسد. هوا خوب است. ساعت یک بعد از ظهر، وارد پایگاه هوایی دزفول شدیم. ناهار صرف شد و اطلاع از جبهه‌ها گرفتیم؛ هر دو جا خوب بود.

سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] اجازه خواست که نام عملیات

حضرت رسول(ص) ساعت ۲:۳۰ بامداد عملیات خود را شروع کرد و موفق شد تا ساعت ۸ صبح با نیروهای خود الحاق کند. این لشکر تا غروب منطقه تصرف شده را پاکسازی کرد و ضمن به هلاکت رساندن ۵۰۰ تن از نیروهای دشمن ۱۰۰ اسیر را نیز به عقب تخلیه کرد. امروز در منطقه عملیاتی کربلای ۸ آتش دشمن بسیار شدید و سنگین بود.

۱ - از اوایل صبح امروز پاتک های دشمن در منطقه عملیاتی کربلای ۸ آغاز شد. فشار دشمن از ساعت ۶:۵۵ صبح شروع شد که تا ساعت ۷:۳۰ ادامه یافت، لیکن تلفات فراوان دشمن، موجب قطع فشار گردید. فرماندهان لشکرها و مسئولین قرارگاه کربلا به حفظ موقعیت خودی در سیل بند صوئیب ـ خط حمزه با وجود فشارهای مکرر دشمن و نبودن نیروی کافی جهت حفظ آن تأکید داشتند. ضمن آنکه آقای هاشمی فرمانده جنگ که در اهواز ناظر وقایع و حوادث بود، دستور داد:« این تقاطع باید تا شب حفظ شود.» اما امکان حفظ موقعیت مقدور نبود. عصر روز سوم هواپیماهای عراقی به بمباران خطوط ارتباطی و عقبه یگان ها پرداختند. به میزانی که حفظ خط حمزه برای خودی اهمیت داشت، دشمن نیز می کوشید به هر ترتیب شده این خط را باز پس گیرد. براساس همین تحلیل، فشار گسترده و همه جانبه دشمن از دو محور غرب کانال ماهی و چپ سیل بند صوئیب بعد از ساعتی مجدداً آغاز شد و طی صبح و عصر ادامه یافت، اما آتش تانک‌ها، تیربارها و خمپاره اندازهای خودی که از پشت خط اجرا می شد، اقدامات دشمن را با شکست مواجه کرد. در جریان دفع یکی از پاتک‌های امروز دشمن، تیپ ۲ کماندوی ستاد کل ارتش عراق به محاصره نیروهای ایرانی در آمد و به میزان ۵۰ درصد متحمل ضایعات شد.

منطقه قصر شیرین را کربلای ۹ بگذارند؛ موافقت کردم. در اثر تاکید امروز صبح من به آقای خرازی و شمخانی ،تبلیغات رادیو برای عملیات خوب بود. صبح و عصر، رادیو برنامه فوق‌العاده جنگی داشت.

در مسیر از دشت عباس، عین خوش، دهلران، مهران و صالح آباد گذشتیم و ساعت نه شب وارد ایلام شدیم. دشت عباس، آباد و کلاً زیر کشت و اغلب دیم و کم محصول است. قابل بهره زیاد است. عین خوش در زمان اشغال عراقی ها منهدم شده و کاملاً مخروبه و خالی است. دهلران نیمه مخروبه است و خالی؛ ولی ادارات دولتی حضور سمبلیک دارند. جاده بین دهلران و مهران نظامی است و مردم در شمال جاده هستند. مهران کاملاً مخروبه است و خیابان‌ها در اثر بمب و گلوله‌ها خراب شده. مردم ایلام در شیارهای کوه‌ها و جنگل ها ساکن اند و امکانات زندگی و حتی اداری توسط ادارات و استانداری به آنها داده می‌شود. شهر خالی است، ولی اغلب خیابان‌ها روشن است و بعضی خانه‌ها مسکون.

در محل مهمانخانه استانداری منزل کردیم. فقط استاندار - آقای میرشاه ولد - و معاون سیاسی اش - آقای حسینی - از حضور ما مطلع شدند تا ساعت ده و نیم، اوضاع استان را استفسار کردیم. گفتند مردم شهر ایلام و کل استان، خیلی مقاوم و وفادار به انقلابند و از مشکلات بمباران و فشار جنگ به خوبی استقبال می کنند و خم به ابرو نمی آورند. عده‌ای سال‌هاست مهاجرند و در بیابان ها و زیر چادرها زندگی می کنند. استاندار گفت حدود پانصد تن سقز از درختان جنگلی جمع شده که می‌خواهند آن را صادر کنند. از وضع کشاورزی و دامداری راضی هستند. از آب ها خوب استفاده نمی شود و رودهای استان به عراق می روند. طرحی برای مهار آب‌ها دارند، اما اعتبار ندارند. مشکل مهم، بمباران‌های شهری اخیر و بیکاری کارگران فصلی است که با ۳۵ میلیون تومان وام قرض‌الحسنه، تا حدی جبران شده است.

آخر شب، آقای حسنی سعدی اطلاع داد که عراقی ها پاتک سنگینی به ارتفاع بابا هادی کرده اند و جنگ ادامه دارد. معمولاً عراق شب ها پاتک نداشت. نشان دستپاچگی و وحشت زیاد است[1]. شب تلویزیون عراق را هم گرفتیم. اخبارشان ضعیف و انفعالی است.

---

۱ - از آغاز عملیات کربلای ۸ تاکنون مکرراً هواپیماهای عراقی مناطق عملیاتی و عقبه و نیز برخی از مناطق و تأسیسات اقتصادی کشور را هدف بمباران های خود قرار دادند، از جمله امروز منطقه حسینیه و باغ رضوان بمباران شد. همچنین ارتش عراق در دو نوبت منطقه عملیاتی کربلای ۸ را بمباران شیمیایی کرد. در این بمباران ها که به وسیله هلی کوپترهای دشمن انجام شد، دو فروند از هلی کوپترهای نیروهای

با فیلم های مستجهن و ضداخلاق، مردم را مشغول کرده‌اند.

جمعه ۲۱ فروردین | ۱۱ شعبان ۱۴۰۷ ۱۰آوریل ۱۹۸۷

بعد از نماز استحمام کردم و خاطرات دیروز را نوشتم و به اخبار خارجی گوش دادم. آمریکا رذیلانه‌اخبار جنگ و پیروزی های ما را سانسور کرده است. آقای سنجقی از منطقه عملیاتی کربلای ۸ خبر گرفت. گفتند دیشب لشکر ۸ نجف پیشرفت کرده و سایر محورها تحکیم مواضع نموده‌اند. به نظر می‌رسد مقاومت و پاتک‌های عراقی ها از نفس افتاده است. خوب شد که رسیدم و نیروها را تشویق به مقاومت کردم. به نظرم رسید که روحیه‌ها قوی نبود[1].

همراه استاندار از نقاط بمباران شده شهر ایلام بازدید کردیم. ایشان معتقد است ۳۰درصد شهر آسیب دیده، ولی به نظر من کمتر آمد؛ حدود ۱۵درصد.

به طرف باختران [= کرمانشاه] حرکت کردیم. دو طرف جاده چادرهای زیادی است. مردم و ادارات مستقرند و خدمات شهری اینجا داده می‌شود. در منطقه‌ای به دو چادر خانواده شهید رفتیم و هفت خانواده شهید آمدند. با آنها مذاکره کردم. فیلمبرداری شد.

ادامه پاورقی از صفحه قبل: بعضی با آتش پدافند رزمندگان اسلام سرنگون شد. یک فروند هواپیمای مهاجم عراقی از نوع سوخو ـ ۲۲ نیز در منطقه عملیاتی کربلای ۸ سرنگون شد. به گزارش رسیده از قرارگاه خاتم الانبیا(ص)، خلبان این جنگنده عراقی نیز به اسارت رزمندگان اسلام درآمد.

۱ - آخرین مرحله عملیات کربلای ۸ با هدف حفظ نقاط تصرف شده و تکمیل اهداف قبلی و تحکیم و تثبیت مواضع خودی، شروع شد. لشکر ۸ نجف اشرف در یک اقدام تکمیلی، هدف قبلی خود (در مرحله سوم عملیات) را تصرف کرد و مأموریت مهندسی خود را آغاز نمود، اما این بار نیز بر اثر فشار دشمن نتوانست آن را به اتمام برساند لذا نیروهای این لشکر مجدداً تا چهاراه سیل بند« صوئیب» عقب نشینی کردند و در آنجا استقرار یافتند و خط پدافندی خود را در همان جا تشکیل دادند که تا پایان امروز به حفظ آن مشغول بودند، ضمن آن که توانستند طول خاکریز دو جداره خود را به ۲۴۰ متر برسانند. لشکر ۳۳ المهدی (عج) نیز ضمن حفظ موقعیت خود، توانست ۱۰۰ متر خاکریز پشت خط «حمزه» احداث کند و تعدادی از سنگرهای چهار راه را دوجداره سازد و یک خط عصا شکل نیز روی چهار راه احداث کند. لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) همچنان موقعیت خود را حفظ کرد و توانست تمام خط خود را دو جداره کند. لشکر ۳۱ عاشورا نیز که خط لشکر ۱۰ را تحویل گرفته بود، موقعیت خود را حفظ و کار مهندسی را شروع کرد. لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) هم ضمن حفظ منطقه خود، یک جاده دو جداره کشید و جاده پشت کانال پرورش ماهی را بغل بری کرد. همچنین یک خاکریز را دوجداره کرد و با ریختن مین ضد نفر در جلو خط خود، مواضع متصرفی را استحکام بخشید. با توجه به اینکه دیشب دشمن خطوط خود را مین گذاری کرده بود، آقای احمد غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا با اظهار رضایت از وضع موجود گفت" « باتوجه به مواردی که دیشب بود (مین گذاری عراق)، من فکر می کنم اگر تا امروز بعد از ظهر عراق فشار نیاورد، بعید نیست دیگر از خط حمزه دست کشیده باشد.»

چند سکه هدیه دادم. آقای سلطانی مسئول بنیاد شهید هم آمد. به اسلام آباد آمدیم و در داخل شهر با اتومبیل گشتیم. خرابی زیاد است. به نظر می رسد ۲۰درصد از شهر خراب شده، ولی نماینده شهر مدعی است، بیش از ۵۰ درصد شهر آسیب دیده است.

ظهر به شهر باختران رسیدیم. اینجا هم بر اثر بمباران، شهر آسیب دیده و بخشی از مردم به شهر برگشته‌اند. در محل سپاه مستقر شدیم. آقای محسن رضایی، برنامه و مانور عملیات شمال غرب را توضیح داد. هدف وسیع است، اما نیرو به اندازه کافی نیست. نیروهایی احضار شده‌اند. ممکن است مدتی بتوانیم ادامه بدهیم. از جنوب خبر دادند، امروز پاتک‌های دشمن، در غرب کانال ماهی شدید بوده ولی دفع شده است. فرماندهان ارشد عراقی برای هدایت عملیات در محل حاضر شده‌اند.

از غرب خبر رسید که نیروی زمینی ارتش، از ارتفاعات تصرفی خود عقب نشسته و عملاً عملیات کربلای ۹ شکست خورده است[1]. تردید پیدا کردیم که به تهران برگردیم و سفر مازندران را انجام دهیم یا به کردستان و آذربایجان سفر کنیم و سفر به مازندران را لغو نماییم.

عصر با دکتر روحانی، مدتی در محل سپاه قدم زدیم و درباره جنگ و مشکلات ادامه آن و نداشتن راهی برای ختم جنگ بحث کردیم. ایشان تقریباً معتقد است جنگ را باید از موضع قدرت خاتمه بدهیم و منتظر فتح سرنوشت ساز نمانیم، ولی چون برخلاف نظر امام است، صراحت ندارد.

شب فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. گزارش شکست و عقب‌نشینی از منطقه عملیاتی کربلای ۹ دادند. روحیه خوبی ندارند و شرمنده‌اند. درباره مقدار پشتیبانی که می‌توانند از عملیات شمال غرب بکنند، صحبت شد. آقای شمخانی از پاتک های آینده عراق، تلفنی اظهار نگرانی کرد؛ نیروی کافی ندارد. شب در همان محل سپاه خوابیدیم.

---

۱ - هم زمان با ادامه عملیات کربلای ۸ در جنوب، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران عملیات کربلای ۹ را در منطقه شمال شرقی قصر شیرین در ارتفاعات «قراویز» آغاز کرد. این عملیات را تیپ ۳ لشکر ۸۱ انجام داد. در ادامه این عملیات تا ساعت ۹ بامداد، ۱۰ پاتک دشمن دفع گردید و بقایای گردان های ۳،۲و ۴ تیپ کماندویی و نیروهای مخصوص گردان چهارم تیپ۳ لشکر دوم عراق بین ۴۰ تا ۶۰ درصد دچار تلفات و خسارات شدند. شمار کشته ها و مجروحان نیروهای دشمن در منطقه تا پایان عملیات به ۲۵۰۰ تن رسید و تعداد ۸ دستگاه تانک ، ۷ انبار مهمات و ۳۵ دستگاه خودرو آنها نیز منهدم شد. پس از این عملیات اگر چه پاتک های دشمن دفع شد، به سبب عدم هدایت صحیح نیروها و پراکندگی آتش توپخانه خودی و براثر آتش هماهنگ ارتش بعث، به جز ارتفاع ۵۴۲ و پاسگاه «باباهادی» سایر مناطق آزاد شده، تخلیه شد. در این عملیات از نیروهای خودی بیش از ۵۲۰ تن زخمی و ۲۳ تن شهید شدند، که به پشت جبهه انتقال یافتند.

شنبه ۲۲ فروردین | ۱۲ شعبان ۱۴۰۷ — ۱۱ آوریل ۱۹۸۷

خبر از جبهه جنوب گرفتم؛ گفتند از ساعت یک بامداد، فشار دشمن ادامه دارد[1]. ساعت هشت صبح با اتومبیل به سوی سنندج حرکت کردیم. دو اتومبیل حامل دوشکا برای حفاظت ما را همراهی می کردند. خیابان های سنندج را با ماشین گشتیم. بیرون شهر، معاون عمرانی استاندار به ما ملحق شد که در راه راهنمای ما باشد. استانداران برای سمینار در تهران هستند. توضیحات کافی از ایشان گرفتیم. از دیواندره، سقز و بوکان گذشتیم.

پاسداران [محافظ]، نگران از جاده‌ها بودند و اصرار داشتند که از راه بیجار - زنجان به تهران برویم، ولی ما ترجیح دادیم که به تبریز برویم. ناهار و نماز را در سقز در مهمانسرای فرمانداری خوردیم و انجام دادیم. آنجا آقای سنجقی اطلاع داد که در [منطقه عملیاتی] کربلای ۸ واحدهای سپاه از مواضع متصرفی عقب نشسته اند. سخت ناراحت و دمغ شدیم. از آقای رضایی توضیح خواستم، تایید کرد.

فرماندار سقز و رئیس اداره آموزش و پرورش، از اوضاع شهر گفتند و برای آب آشامیدنی و مدارس شهر کمک خواستند. ساعت سه وارد استان آذربایجان شرقی شدیم. از کردستان آبادتر است. از شهرهای میاندوآب، ملکان، بناب، عجب شیر و آذرشهر گذشتیم.

به ساحل دریاچه ارومیه، برای بازدید از جاده در دست ساختمان شهید کلانتری رفتیم. چندین سال است که مشغول احداث جاده‌ای در دریاچه - از شرق به غرب - هستیم که راه دو استان آذربایجان شرقی و غربی را نزدیک‌تر می کند؛ طرح مهمی است[2]. جزیره تماشائی و جالبی را در دریاچه تماشا کردیم و از مسئول طرح توضیحات گرفتیم.

شب ساعت هشت و نیم، وارد پایگاه هوایی تبریز شدیم. بعد از نماز و شام و گرفتن

---

۱ - عراق از بامداد امروز تلاش بی سابقه ای را برای باز پس گیری مناطق آزاد شده در عملیات کربلای۸ آغاز کرد. بعد از موفقیت عملیات کربلای ۸، به دستور مستقیم صدام حسین، سپهبد عدنان خیرالله وزیر دفاع، سپهبد ثابت سلطان رئیس ستاد ارتش، سپهبد اسماعیل تابه النعیمی جانشین رئیس ستاد ارتش و فرمانده سپاه یکم مأموریت یافتند برای بازپس گیری مواضع ارتش عراق در شرق بصره اقدام کنند. آنان نیز در پی این دستور برای هدایت پاتکی گسترده وارد منطقه شدند. از سوی دیگر، سپاه گارد جمهوری ارتش عراق هم با لشکرهای ۱ مدینه المنوره، ۲ بغداد و ۳ حمورابی وارد منطقه شد.

۲ - بزرگراه شهید کلانتری که دو سوی دریاچه زیبای ارومیه را به هم متصل می کند، بعد از گذشت سالها بالاخره، یک مسیر آن در سال ۱۳۸۷به بهره برداری رسید.

گزارش و توضیح از سرهنگ آذین، فرمانده پایگاه و نوشتن خاطرات امروز، خوابیدم. خیلی خسته و کوفته بودم. چند روز است که مرتباً در سفر هستم.

نگران جبهه جنوب بودم. اطلاع گرفتیم، گفتند آرام است. هنگام خواب، آقای محسن رضایی از سنندج تماس گرفت و خواستار تعدادی [توپ] اورلیکن و سایت هاگ برای دفاع ضدهوایی در عملیات آینده شد[۱]. گفتیم اورلیکن‌های پائین را بیاورند.

یکشنبه ۲۳ فروردین | ۱۳ شعبان ۱۴۰۷   ۱۲ آوریل ۱۹۸۷

اول وقت به دکتر روحانی گفتم، یک سایت هاگ برای عملیات شمال غرب ترتیب دهند. همراه با فرمانده پایگاه، برای بازدید، با اتومبیل گشتی در پایگاه زدیم. آقای انتظاری معاون سیاسی استانداری آذربایجان شرقی، برای توضیحات همراه ما آمد. از خیابانهای تبریز عبور کردیم. توضیحاتی از وضع مردم شهر، ضدانقلاب، حزب خلق مسلمان، سوخت، امکانات و مسؤولان استان داد و از روحیه مردم پس از بمباران تبریز گفت. چند نقطه از خرابی های بمباران را دیدیم. هنوز نتوانسته اند شیشه های شکسته شده را جبران کنند؛ کمبود شیشه دارند.

ساعت هشت و نیم به سوی اهر[۲] حرکت کردیم. جاده خراب و پر از دست‌انداز است. از شهر اهر عبور کردیم، جاده خاکی شد و تا مرز شوروی، جاده کوهستانی، خاکی و بد بود. ناهار را در محلی به نام پاسگاه که یک سیلو هم داشت، کنار رودی خوردیم. تازه دارد مراتع کوه ها و ارتفاعات سبز می‌شود. در خیلی جاها، هنوز برف باقی است. ساعت چهار بعد از ظهر، به یک پاسگاه مرزی در ساحل رود ارس در مرز شوروی رسیدیم. معاون رئیس پاسگاه، از اوضاع مرز مقابل خیلی کم اطلاع داشت. با دوربین تاسیسات و ساختمان های روس ها را تماشا کردیم. گفتند شهرک مقابل، "سلطانلی" نام دارد.

---

۱ - اورلیکن یک توپ ضد هوایی است که یدک کشیده می شود. اورلیکن از توپ های ۳۵ میلی متری اتوماتیک استفاده می کند و با رادار کنترل آتش هماهنگ می شود. ام آی ام یا هاگ نوعی سامانه موشکی زمین به هوا برای ارتفاعات بالاست. این گونه موشک، میان برد و ساخت شرکت آمریکایی ریتیون است.

۲ - "اهر" پنجمین شهر پرجمعیت استان آذربایجان شرقی پس از شهرهای تبریز، مراغه، مرند و میانه و بزرگترین شهر منطقه ارسباران و مرکز این منطقه شناخته می شود. این شهر در ۸۹ کیلومتری شمال شرقی تبریز واقع شده است.

از آنجا به طرف پارس آباد مغان حرکت کردیم. جائی در کنار رود [ارس] پیاده شدیم و تماشا کردیم. آب زیادی دارد. سپس به اصلان دوز رفتیم. آنجا که سدی انحرافی با شرکت روس ها زده شده و آب ارس را به سوی اراضی ایران و روسیه منحرف کرده است. گویا هر کشور سهمی حدود هشتاد متر مکعب آب در ثانیه، می‌تواند ببرد و ما اکنون حدود شصت متر مکعب در ثانیه می‌بریم و اراضی دشت مغان را می‌کاریم. آب عظیمی است و پروژه‌ای بزرگ.

سروان مظفری، فرمانده گردان مرزی اصلان دوز، توضیحات خوبی از وضع مرزهای دو طرف داد. روس ها وضع بهتری از ما دارند. هم آب هایشان را بهتر مهار کرده اند و هم جاده های وصولی به جاده مرزی، زیاد دارند؛ ما کم داریم، آنها نیروی زیادتر و هم سیم خاردار و هم شبکه تلفن برای پاسگاه ها دارند، که ما نداریم. از کانال عظیم انتقال آب بازدید کردیم. به شهر پارس آباد رفتیم. در اثر عمران دشت مغان[1]، به سرعت رو به گسترش است.

در اراضی منطقه دشت مغان و شرکت کشت و صنعت مغان گشتیم. شب به مهمانسرا رفتیم. جمعی مهمان در آنجا بودند. به خاطر ما، آنها را به منزلی منتقل کردند که من خیلی ناراحت شدم.

مهندس فتحی، معاون دکتر [عیسی] کلانتری [مدیر عامل شرکت کشت و صنعت مغان]، توضیحاتی درباره شرکت کشت و صنعت مغان، ارس، سد، اراضی، محصولات، باغ ها، کارخانجات، دام ها، مخارج، پرسنل و اراضی مردم داد. تلویزیون روسیه [= اتحاد جماهیر شوروی] در اینجا، بهتر از تلویزیون خودمان دیده می‌شود. دوش گرفتم و خوابیدم.

دوشنبه ٢٤ فروردین | ١٤ شعبان ١٤٠٧   ١٣ آوریل ١٩٨٧

بعد نماز و صبحانه، با آقای مهندس فتحی از قسمت های مختلف شهرک [کشت و صنعت مغان] بازدید کردیم. با اینکه با ماشین حرکت می کردیم و به جز دو سه جا پیاده نشدیم،

---

١ - دشت مغان که به انبار غله ایران شهرت دارد، در منطقه شمال غرب کشور واقع شده است و زمین های بسیار حاصلخیز دارد.

بازدید تا نزدیک ظهر طول کشید. طرح بسیار عظیم و مهمی است و باید پشتیبانی شود.

سپس به سوی اردبیل حرکت کردیم. از شهر گرمی گذشتیم و از یکی از پاسگاه‌های مرزی بازدید کردیم. به نظر می رسد اهتمام روس ها به مرز، خیلی بیشتر از ما است. باران می‌بارید. ساعت دو بعد از ظهر وارد اردبیل شدیم. بدون اطلاع قبلی به فرمانداری اردبیل رفتیم. فرماندار - آقای محمدی - از خوشحالی شوکه شده بود. خودمان در مسیر از کافه غذا خبرکرده بودیم ؛ ناهار و نماز و کمی استراحت و سپس حرکت به سوی تهران. سرم درد می کرد، دو قرص مسکن خوردم، آرام شد. در مسیر از [شهر] نمین و گردنه حیران و مرز شوروی در آستارا گذشتیم. معلوم بود که به همه پاسگاه های ژاندامری آماده باش داده بودند.

از آستارا تا رشت، همه روستاهای کنار جاده، برق دارند و خیابان هایشان به صورت شهر است و مغازه های پر جنس و خوش نما دارند. آن قدر زیاد است که گاهی چند روستا به صورت یک شهر بزرگ جلوه می کند. مناظر شمال واقعاً زیبا و اراضی زرخیز و جنگل‌ها خوش نما است. در آذربایجان هم اراضی حاصلخیز و رودها فراوان است. طبیعت بسیار غنی و ثروتمند جلوه می کند. از رود ارس استفاده کافی نمی‌شود و از آن، خیلی بیش از اینها باید بهره برد. تصمیم گرفتم اجرای طرح [احداث سد] خدا آفرین را که با روس‌ها مشترکیم، پیگیری نمایم.

بین بندر انزلی و رشت، در مسجدی نماز مغرب و عشاء را خواندیم. اطلاع دادند ژاندامری حضور ما را به آقای [صادق] احسانبخش، امام جمعه [رشت] اطلاع داده و ایشان در محل پلیس راه حضور پیدا کرده که ما را به منزلش ببرد. فکر کردم اگر متوجه عبور ما شود، بپذیرم و اگر نشد بگذریم؛ عجله داریم و باید زودتر به تهران برسیم. متوجه ماشین من نشدند، دور شدیم و ماشین‌های پشت هم دیگر به ما نرسیدند و از رشت عبور کردیم؛ لابد گله خواهد کرد. شام را که ساندویچ بود، در ماشین خوردیم. ساعت دو بامداد به منزل رسیدم. خسته بودم.

سه‌شنبه ۲۵ فروردین | ۱۵ شعبان ۱٤۰۷   ١٤ آوریل ۱۹۸۷

اول وقت آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب عملیات شمال غرب شروع شده و خبرهای

اولیه می گوید نیروهای ما به شهر ماؤوت در کردستان عراق رسیده‌اند. بناست پس از استقرار کامل عملیات را اعلان کنیم که فرماندهان در بالای عراق، نیروی عراق را در فشار برای پاتک نگذارند. بعضی معتقدند اگر ما اعلان نکنیم و تبلیغات زیاد نکنیم، تا دو سه روزی، حرکت دشمن ضعیف خواهد بود. هنوز اسم عملیات را انتخاب نکرده‌ایم. اگر وسیع باشد، کربلای ۱۰ و فتح ۵ خواهد بود؛ چون قرارگاه رمضان و کردهای عراقی هم با ما همکاری می کنند.

آقای [سیدحسین] مرعشی استاندار کرمان آمد. از پیشرفت کارها راضی است و مدعی است گروه آقای [مرتضی] فهیم [کرمانی] ، پس از سرزنش امام، مواضع خودشان را از دست داده و حرکت مهمی ندارند.

جمعی از فرماندهان لشکر ثارالله، پس از زیارت امام به ملاقات من آمدند. از آنها احوالپرسی کردم. آقای [حسن] عابدینی، استاندار آذربایجان شرقی آمد که بپرسد در سفر به آذربایجان، تذکر خاصی دارم یا خیر؟ محسن مشغول تنظیم اتاقی در زیرزمین برای خود و خانواده‌اش - اعظم و عماد - است.

بعد از ظهر جمعی از نمایندگان مازندران آمدند و اصرار داشتند که در مراسم اعزام به جبهه در گرگان شرکت کنم و اعلان کرده‌اند که من می‌روم. پذیرفتم، ولی بعد معلوم شد واحد حفاظت، نمی‌تواند فردا تامین امنیت کند؛ وقت بیشتری لازم دارد. از قم آقایان جعفری، واعظی و هاتفی آمدند و اصرار داشتند که فردا برای سخنرانی در سمینار مستضعفان به قم بروم. به دلیل گرفتاری در کار جنگ عذر خواستم؛ پذیرفتند.

احمدآقا آمد. گزارش جنگ را برای امام گرفت و از عدم شرکت آقای منتظری در جلسه فردا شب منزلشان و اظهارات کنایه آمیز ایشان، اظهار نگرانی کرد. آقای سنجقی چندین مرتبه از وضع عملیات جاری خبر داد، ولی مجموعاً از خبرها مطمئن نشدم؛ کم و زیاد داشت.

چهارشنبه ۲٦ فروردین | ١٦ شعبان ١٤٠٧ ۱۵ آوریل ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گزارش‌ها - که در سفر یک هفته‌ای ام، انباشته شده

است - گذشت. آقای رضایی از جبهه خبر داد که دیشب پیشرفت های جدیدی در منطقه ماؤوت داشته‌ایم و پاتک های دشمن هم آغاز شده و قرار شد، امروز بخشی از عملیات به نام فتح ۵ اعلان شود، زیرا قرارگاه رمضان می گوید، اتحادیه میهنی کردستان عراق که در این حمله شریک ما بوده، انتظار اعلان دارد و عملیات نیروهای منظم به نام کربلای ۱۰، فردا اعلان شود.

از آقای [علی] شمخانی[فرمانده نیروی زمینی سپاه] و آقای [محمد] فروزنده [رئیس ستاد کل سپاه]، درباره آثار به کارگیری اسلحه شیمیائی از طرف عراق در عملیات کربلای ۸ توضیح خواستم. گفتند حدود سیصد نفر شهید و حدود دوهزار مجروح شیمیائی داشته ایم و چون شب در عقبه میدان و در شهرهای خرمشهر و آبادان به کار برده است و نیروها فرصت دفاع نداشته‌اند، تلفات زیاد بوده است[1].

بچه‌ها ظهر مهمان خانواده اخوی مرحوم [قاسم هاشمی] بودند. عفت رفت تا کارنامه یاسر را بگیرد. از سخنرانی غیر انقلابی سخنران جلسه [مدرسه] نیکان ناراحت شده و اعتراض کرده بود.

شب سران قوا، مهمان احمدآقا بودند. [آقای محمدی ری شهری] وزیر اطلاعات و [آقای علی فلاحیان] جانشین او هم آمدند. امام در جلسه شرکت کردند. من گزارش جبهه ها را دادم و از کمی نیرو گفتم. امام نظرشان این بود که ارتش و سپاه، حرکت های سیاسی دارند که برای جنگ مضّر است و امکانات بیشتری که نسبت به گذشته بدست آمد، روحیه توکل در آنها را ضعیف کرده است. من گفتم در این میان رشد افراد و

---

۱ - دشمن به منظور بازپس گیری مواضع از دست داده خود، حداکثر توان شیمیایی و آتش توپخانه را پیشاپیش حرکت یگان های زرهی و پیاده گارد جمهوری و یگان های موجود در منطقه به کار گرفت، به این ترتیب که قبل از ساعت یک بامداد امروز با تعدادی هلی کوپتر به شلیک گلوله های شیمیایی در خط مقدم پرداخت و همان زمان با توپخانه نیز انبوهی از گلوله های شیمیایی را در سطح وسیعی از منطقه عقبه به خصوص شهرهای خرمشهر و آبادان و مناطق شلمچه و پنج ضلعی فرو ریخت. افزون بر این، هواپیماهای دشمن نیز مواضع نیروهای خودی را بمباران کردند. دشمن در این حمله ۴۰۰ راکت هواپیما و هلی کوپتر و شمار فراوانی گلوله های توپ و خمپاره شلیک کرد که بر اثر آن قریب به ۲۰۰ تن از رزمندگان اسلام شهید و ۳۰۱۹ تن نیز زخمی شدند. شدت حملات شیمیایی دشمن و صدمات انسانی آن را راوی لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) چنین توصیف کرده است:« تمام منطقه از عامل شیمیایی آکنده شده بود؛ گازها حالت خفگی ایجاد نموده بود به طوری که تنفس را به سختی امکان پذیر می ساخت و حتی در مواردی امکان آن را سلب می نمود. گاز شیمیایی مخلوطی از سیانور و گاز اعصاب و خردل بود که عوارضی همچون تنگی نفس، سردرد، سرگیجه، حالت تهوع و گرفتگی گلو توأم با فشار به مغز و چشم ها ایجاد کرده و همگان را آلوده ساخته بود، لذا صبح که نیروها از خواب بلند شده بودند یا منگ بودند یا اینکه از حال می رفتند و به شهدای دیگر حاصل از تک شیمیایی گسترده می پیوستند.»

امکانات ارتش عراق را نیز باید در نظر گرفت.

آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات]، مشکلات و محدودیت‌های وزارت اطلاعات در برخورد با ضدانقلاب را مطرح کرد. در این مورد به امام نامه نوشته است و امام به نظر سران سه قوه ارجاع داده‌اند. قرار شد اجازه داشته باشند که افراد ضدانقلاب را در صورت احراز جرم، قبل از اجازه دادستان، به مدت ۲۴ ساعت بازداشت کنند و برای این منظور، تا دویست نفر [نیروی] مسلح داشته باشند. به ایشان توصیه شد که با مردم و متهمان مدارا شود و دست افراد تندرو را باز نگذارند و نیروهای انتظامی، متهمان را در اختیار اطلاعات قرار دهند. دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۷ فروردین | ۱۷ شعبان ۱۴۰۷ ۱۶ آوریل ۱۹۸۷

تمام روز در منزل بودم. وقتم به مطالعه، پیاده روی و رسیدگی به امر عملیات جاری در جنوب گذشت. آخر شب فرماندهان خط مقدم باز هم خواستند که عملیات کربلای ۱۰ اعلام نشود، زیرا بدون اعلان، به خاطر عدم حساسیت و سردرگمی دشمن، پیشروی آسان‌تر است.

تلفنی با جبهه در تماس بودیم. دیشب پیشرفت داشته اند. خواستند که به نیروی هوایی و هوانیروز گفته شود که مقداری امکانات به منطقه طالبانی ها و قرارگاه رمضان منتقل کنند. در شمال شهر ماؤوت [در داخل خاک عراق] بر ارتفاعاتی مستقر شده‌اند[1].

جمعه ۲۸ فروردین | ۱۸ شعبان ۱۴۰۷ ۱۷ آوریل ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم در خانه مطالعه می‌کردم. برای اقامه [نماز] جمعه به دانشگاه تهران -

---

۱ - عملیات کربلای ۱۰، اولین عملیات گسترده در غرب کشور، بعد از انتقال میدان اصلی جنگ از جنوب به شمال بود، که به همت سپاه طراحی و اجرا شد. نکته برجسته این عملیات، اجرای هم زمان دو تک منظم و نامنظم بود. هماهنگ با تک نیروهای منظم درجبهه ماووت، نیروهای نامنظم قرارگاه رمضان و اتحادیه میهنی کردستان عراق، مستقر در یاغسمر(شمال سلیمانیه)، می بایست دو قرارگاه دشمن را منهدم می کردند و منطقه تحت نفوذ اتحادیه میهنی (طالبانی ها) را به منطقه ای که در عملیات منظم آزاد می شد، متصل می کردند. فرماندهی عملیات منظم را قرارگاه نجف و فرماندهی عملیات نامنظم را قرارگاه رمضان برعهده داشتند. در مراحل اولیه این عملیات، اغلب اهداف مورد نظر تصرف شد، لیکن در ادامه عملیات ـ که ده شبانه روز به طول انجامید ـ الحاق بین دو قرارگاه صورت نگرفت و هدف های عملیات ناقص ماند. در این عملیات فرمانده توپخانه سپاه، حسن شفیع زاده به شهادت رسید.



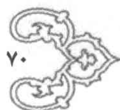
آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه در کنار فرمانده جنگ

رفتم. نظامی‌ها به مناسبت روز ارتش در نماز جمعه شرکت کرده بودند. در خطبه دوم احتمال دخالت ابرقدرت ها در خلیج‌فارس را مطرح کردم[1].

عصر آقایان [ابراهیم] سنجقی و [غلامعلی] رشید [معاون عملیات فرمانده سپاه] آمدند و گفتند تگرگ و سیل در منطقه عملیاتی کربلای ۱۰، پل ها و جاده‌ها را خراب کرده است. از کمبود مهمات و نیاز به هلی کوپتر، برای رساندن امکانات به قرارگاه -

---

۱ – در خطبه اول بحث استکبار و استضعاف از مجموعه مباحث عدالت اجتماعی در اسلام دنبال شد و درباره وظایف مستضعف و ابعاد مختلف استضعاف و لزوم کمک به مستضعفان، مطالبی بیان گردید. در خطبه دوم ایثارگری های رزمندگان اسلام در جبهه های جنگ و خدمات ارتش در سال های دفاع مقدس مورد تأکید قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «نیروی هوایی اطلاع داد یکی از هواپیماهای اکتشافی آمریکا، اخیراً وارد آسمان آب های ساحلی ما شده که با پرواز هواپیماهای جمهوری اسلامی ایران، فرار کرده است. آمریکا الان رسماً زمینه های تبلیغاتی این توطئه را فراهم می کند، در حالی که اگر کویت و عربستان واقعاً امنیت خلیج فارس را می خواهند، هیچ نیازی به درخواست کمک از شوروی و آمریکا وجود ندارد، بلکه کافی است که این کشورها به عراق اجازه ندهند که کشتی های نفتکش و تجارتی را مورد حمله قرار دهد، لذا هیچ مقابله به مثلی نیز از سوی ایران صورت نخواهد گرفت و امنیت خلیج فارس تأمین می باشد. با این توطئه روشن می شود که ابرقدرت ها دنبال بهانه می باشند، چون از اسلام و حرکت های اسلامی وحشت دارند، زیرا براثر این حرکت تفنگداران و نیروهای آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی در لبنان ضربه بزرگی خوردند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



رمضان در پشت خطوط گفتند. از صحبت هایشان، مشکل و ضعف احساس می‌شد.

شنبه ۲۹ فروردین | ۱۹ شعبان ۱۴۰۷ ۱۸ آوریل ۱۹۸۷

در منزل بودم. وقتم به مطالعه گزارش‌ها و رسیدگی به امور جنگ _ که در اثر بارندگی و تخریب پل‌ها در راه ها، درگیری متوقف شده - گذشت. آشیخ حسین هاشمیان - عموزاده - آمد. درباره رفتار خط راست صحبت کرد و برای منسجم کردن خط مورد نظرش و راجع به لایحه اراضی شهری و نظر آقای منتظری و مخصوصاً برای مجلس آینده، مشورت نمود.

عصر آقای محسن رضایی آمد. گزارش وضع عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ را داد و گفت طالبانی ها، تحت فشار و ناراحتند و بهانه جوئی می کنند و از مشکلات آینده جنگ و نیاز به قاطعیت در خصوص بسیج امکانات کشور و استفاده از امکانات ارتش گفت.

آقای حمید روحانی [= زیارتی] آمد. با من درباره تاریخ انقلاب و خاطراتم، حدود دو ساعت مصاحبه کرد. شب با فرماندهان نیروی زمینی، درباره استفاده از ساختمان نیمه تمام ارتش در سقز، برای سپاه، در جریان عملیات جاری صحبت کردم. آخر شب با جبهه تماس گرفتیم. نیاز به توپخانه و هلی کوپتر را گفتند.

یکشنبه ۳۰ فروردین | ۲۰ شعبان ۱۴۰۷ ۱۹ آوریل ۱۹۸۷

پس از دو هفته غیبت، امروز به مجلس رفتم. محسن هم همراه من به مجلس آمد. با او به این نتیجه رسیدیم که در ایران بماند و دکترا را در ایران بگیرد. از آقای [محسن] رضایی، اوضاع جبهه را گرفتم. تغییر مهمی نداشت. قبل از دستور، چند کلمه‌ای راجع به قطع پای فرزند آقای [مهدی] کروبی و شهادت فرزند آقای [سیدکاظم] اکرمی صحبت کردم.

مراجعات نمایندگان زیاد بود. در جلسه علنی، تا ساعت ده و نیم ماندم. اصلاحات قانون محاسبات، برای تأمین نظر شورای نگهبان، مطرح بود. آقای [غلامعلی] شهرکی به

دفترم آمد و پیشنهادی برای حل مشکل قانون اراضی شهری در جلسه آورد که بر اثر نظریه آقای منتظری به مشکل برخورد کرده است.

تا ظهر چند ملاقات داشتم. عصر خانم [مریم] بهروزی [نماینده تهران در مجلس] آمد. درباره سفر بین‌المجالس مشورت کرد و گزارشی از جامعه زینب داد. جمعی از اعضای اتاق بازرگانی آمدند. آنها از عدم همکاری وزیر بازرگانی گله دارند.

جمعی از مسؤولان دفتر تحکیم وحدت آمدند. خواستند با دانشگاه بیشتر رابطه داشته باشم و برای تقویت ایدئولوژی دانشجویان، وقت بگذاریم. قرار شد در سمینارشان شرکت کنم. آقای [اکبر] ترکان [رئیس سازمان صنایع دفاع] با هیأت همراه آمدند. گزارش سفر به لندن، اسپانیا و آرژانتین را دادند و گفتند همه آنها متمایل به معامله تسلیحاتی هستند؛ با احتیاط.

شب سران قوا مهمان من در دفترم بودند.[آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. برای دادن یک میلیون تن نفت مجانی به سوریه اجازه خواستند[1]. درباره جنگ هم مشورت کردیم. دیر وقت به خانه رفتم.

دوشنبه ۳۱ فروردین | ۲۱ شعبان ۱۴۰۷ ۲۰ آوریل ۱۹۸۷

تا ساعت هشت و نیم صبح در خانه بودم. نزدیک ساعت نه به مجلس رسیدم. آقای [فریدون] مهدی‌نژاد [= وردی نژاد] آمد. گزارش مختصری از کمیسیون مشورتی در مسأله رسوائی آمریکا داد و مشورت کرد. سلمانی برای اصلاح آمد.

[آقای خوانساری] سفیرمان در لیبی آمد و گزارشی از وضع لیبی و سردی روابط و عوامل سردی روابط داد و پیشنهاد کرد که از لیبی بیاید؛ دیگر نمی‌خواهد آنجا بماند. بالاخره به

---

۱ - سوریه در جنگ عراق با ایران، طرف جمهوری اسلامی ایران را گرفت و جلوی عبور نفت عراق - از طریق لوله ای که از خاک سوریه می گذشت - گرفت. به این ترتیب عراق درآمد مهمی را از دست داد و سوریه با این کار، برنامه صدام حسین را برای عرب - عجم کردن جنگ برهم زد. همچنین این کشور در خط مقدم جبهه جنگ با صهیونیسم از مواضع جمهوری اسلامی ایران حمایت نمود. ایران نیز برای قدردانی از مواضع سوریه مقداری نفت به صورت رایگان اهدا می کرد و مبلغ قابل توجهی وام بی بهره به این کشور داد. بعدها دولتمردان سوری این وام را به صورت تناوبی تسویه کردند. جمهوری اسلامی برای نگه داشتن کشور سوریه در کنار خود و در خط مقدم جهاد علیه اسرائیل و جبران خسارت های وارده، این مساعدت را انجام می داد.

این نتیجه رسیدیم که ما به سردی روابط دامن نزنیم و صبر و انتظار داشته باشیم[۱].

آقای [غلامعباس] زائری [نماینده بندرعباس، کارپرداز و عضو هیأت رئیسه مجلس] برای کارهای مجلس، از جمله مسأله قانون برای مستخدمان مجلس آمد. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] برای امور انرژی اتمی آمد و خبر از ساختن بعضی از لامپ‌های حساس داد.

فرماندهان نیروی دریایی و نیروی هوایی سپاه - آقایان [حسین] علائی و [موسی] رفان - آمدند. گزارشی از پیشرفت کار نیروهای خود دادند و برای جبران کمبودها و نیازها استمداد کردند. با ارتش، مشکل و مسأله دارند.

سرهنگ [منصور] ستاری فرمانده نیروی هوایی ارتش آمد. گزارشی از برنامه کار خود، از جمله کارهای تعمیراتی و بازسازی و استفاده از امکانات متروک و تصفیه نیروها داد؛ خوب است. ایشان را توصیه به همکاری با سپاه کردم.

عصر مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی مفصلی با خبرنگاران داخلی و خارجی داشتم[۲]. در بیشتر مسائل مهم ایران، منطقه، جنگ و جهان سئوال کردند. سپس آقایان [علیرضا] معیری، [محمدعلی] هادی، [سید علی‌اصغر] حجازی و [فریدون] مهدی‌نژاد،

---

۱ - "معمر قذافی" رهبر لیبی، در یک نطق تلویزیونی در ۱۹ فروردین این سال، ضمن حمایت از انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق را یک جنگ امپریالیستی اعلام کرد و خواستار پایان یافتن آن شد. وی گفت: «برای اینکه با ارتجاع عرب، آمریکا و صهیونیسم مقابله کنیم، رابطه انقلاب لیبی با انقلاب اسلامی ایران باید تثبیت شود. اتحاد ما به این معنی نیست که ما با دولت ایران علیه ملت برادر عراق هم پیمان شده ایم. می گوییم که جبهه ارتش عراق، آبادان و خرمشهر و دزفول نیست، بلکه جبهه واقعی ارتش عراق، فلسطین و بلندی های اشغالی جولان و بیت المقدس و رویارویی با امپریالیسم آمریکاست. ما با ایران در تمامی نبردها در داخل و خارج از ایران همراه هستیم. هنگامی که ما می گوییم با ملت و ارتش عراق هستیم، بدین معنی نیست که ما ضد انقلاب ایران هستیم،ما به انقلاب ایران خیانت نمی ورزیم. در صورتی که در عراق و ایران انقلابی باشد، امکان ندارد که میان آنها جنگی صورت بگیرد،امکان ندارد که انقلاب با انقلاب بجنگد، انقلابیون هم پیمان یکدیگرند.»

۲ - در این مصاحبه خبرنگاران مجله هورسو آلمان، تلویزیون ای بی سی آمریکا، نشریه اینکواری لندن، روزنامه دی ولت آلمان، روزنامه واشنگتن پست، روزنامه لس آنجلس تایمز، خبرگزاری فرانسه، مجله العالم، تلویزیون ان اچ کی ژاپن، روزنامه گونش ترکیه، روزنامه آساهی ژاپن، رادیو بی بی سی انگلیس، الموقف العربی چاپ قبرس، روزنامه سان گری ژاپن، و همچنین خبرنگاران داخلی خبرگزاری جمهوری اسلامی، روزنامه تهران تایمز، روزنامه ابرار، کیهان عربی، کیهان انگلیسی، روزنامه رسالت و صدای جمهوری اسلامی سوالات خود را در زمینه های مختلف جنگ، ماجرای مک فارلین، وضعیت منطقه خلیج فارس، روابط با سوریه، استفاده عراق از سلاح شیمیایی و آینده جنگ مطرح کردند. آقای هاشمی در این مصاحبه در پاسخ به خبرنگار آمریکایی واشنگتن پست گفت: «در مورد آمریکا ما فکر نمی کنیم تا قیامت باید روابط مان با این کشور قطع باشد. ما اگر مطمئن شویم که آمریکا قصد شیطنت ندارد، حاضریم روابط برقرار کنیم. آزادی اموال ایران در آمریکا، یک اقدام حسن نیت تلقی خواهد شد.» برای مطالعه متن کامل مصاحبه رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران

اعضای کمیسیون مشورتی مسائل آمریکا آمدند. گزارش کار و ترجمه جزوه [گزارش] تاور را آوردند و مشکل ادامه طرح تعمیر موشک های فونیکس را گفتند. قرار شد دوباره و با صراحت و توضیح، موضوع را از امام سئوال کنیم. آقای نخست وزیر سئوال مبهم کرده‌اند و جواب هم ابهام دارد و هم مشکل‌زا است.

آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب در اطراف ماؤوت عراق، عملیات داشته‌ایم و مراکزی را تصرف نموده و بیش از صد اسیر گرفته‌ایم. شب به خانه آمدم.

اردیبهشت ۱۳۶۶



سه‌شنبه ۱ اردیبهشت | ۲۲ شعبان ۱۴۰۷ | ۲۱ آوریل ۱۹۸۷

بعد از نماز به مجلس رفتم. تا ساعت هفت و نیم صبح، در دفترم گزارش ها را خواندم. اوضاع جبهه خوب است. قبل از دستور، وفات مرحوم [محمدتقی] شریعتی[1] [پدر دکتر علی شریعتی] را تسلیت گفتم. تا نزدیک ظهر یکسره در مجلس ماندم. بالاخره [لایحه اراضی شهری] رأی دوسوم را نیاورد. مخالفان از نامه آیت‌الله منتظری استفاده کردند و خواستار رأی علنی شدند که نمایندگان از مخالفت با نظر آقای منتظری بترسند[2].

ظهر فرماندهان ارتش آمدند. برنامه عملیات نیروی زمینی در سال جاری را آوردند و خواهان سرباز بیشتر و حمایت افزون تر بیشتر بودند. جلسه تا ساعت سه بعد از ظهر طول

---

۱ - مفسر عالیقدر استاد محمد تقی شریعتی، پدر دکتر علی شریعتی، در سال ۱۲۸۶ در مزینان سبزوار در یک خانواده اصیل و روحانی چشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات مقدماتی وارد حوزه علمیه مشهد شد و در محضر اساتید بزرگی چون مرحوم شیخ هاشم قزوینی، ادیب ثانی، حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس و مرحوم آیت الله سبزواری، سطوح مختلف علوم دینی را فراگرفت. وی از سال ۱۳۱۱ در کسوت تعلیم و تربیت به تدریس مشغول شد و در تحولات پس از شهریور ۲۰ که تبلیغات ضد اسلامی در سطح فرهنگیان، دانشجویان و دانش آموزان اوج گرفت، با شهامت و شجاعت منشأ گرفته از اسلام، جهاد خود را آغاز کرد. استاد محمد تقی شریعتی در سال ۱۳۳۶ در دوران خفقان ستم شاهی، دو بار به همراه دکتر شریعتی و دیگر همرزمانش به جرم مبارزات سیاسی به زندان افتاد. او در سال های ۴۵ و ۴۶ به دلیل دربند بودن آیت الله طالقانی، به جای ایشان در مسجد هدایت به تفسیر قرآن می پرداخت. استاد شریعتی در اوائل تأسیس حسینیه ارشاد، به دعوت استاد شهید مطهری، برای یک سلسله سخنرانی که چهار سال به طول انجامید، به تهران آمد. کتابهای «خلافت و ولایت» و «وحی و نبوت» از جمله آثار اوست. استاد شریعتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علی رغم بیماری و کهولت سن، همچنان به جهد و کوشش خود در راه اسلام ادامه داد و در ۳۱ فروردین ۱۳۶۶ در مشهد مقدس به دیار باقی شتافت.

۲ - در این جلسه نسبت به " فوریت " لایحه اراضی شهری رأی گیری به عمل آمد و دو سوم آرای لازم برای تصویب فوریت آن حاصل نشد اما به عنوان لایحه ای عادی با رای اکثریت نمایندگان مورد تصویب قرار گرفت تا پس از اعلام نظر شورای نگهبان قابلیت اجرایی بیابد. پیش از تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، براساس فرمان امام خمینی(ره)، در صورت مخالفت شورای نگهبان، مجلس می‌توانست با رأی دو سوم نمایندگان آن را تصویب نماید.

کشید. امروز ناگهان مبتلا به کمر درد شدم ؛ احتمالاً معلول سرماخوردگی است.

عصر به خاطر انجام کارهای معوق، به جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] نرفتم. اعضای هیأت عازم به امارات متحده عربی، برای نجات حدود سی نفر ایرانی که در آنجا گرفتارند، برای مشورت آمدند.

شب به خانه رفتم. آخر شب، آقای رضایی تلفنی وضع جبهه را گفت؛ خوب است. آقای [مصطفی] قادری [نماینده پیرانشهر] اطلاع داد که بارزانی ها عملیات وسیعی در داخل عراق علیه ارتش عراق انجام داده و جمعی را اسیر گرفته‌اند.

چهارشنبه ۲ اردیبهشت | ۲۳ شعبان ۱۴۰۷   ۲۲ آوریل ۱۹۸۷

محمد علی حسینی، کارگرمان آمد و اوضاع نوق را گفت. به بستگان او که خانواده شهید و مجروحند، کمک کردم. ساعت ده صبح برای سخنرانی در جلسه حرکت تقویت عقاید دینی دانشجویان به دانشگاه تهران رفتم[1]. محسن هم با من آمد.

ساعت یازده به دفترم رفتم. جمعی از پرسنل [صنایع] الکترونیک شیراز [وابسته به وزارت دفاع] آمدند. از مدیران شاکی بودند و به تعویض مسئول عقیدتی - سیاسی اعتراض داشتند. آقایان [مسیح] مهاجری، [جواد] اژه‌ای و [سید محمدرضا] بهشتی آمدند. درباره حزب و روزنامه جمهوری اسلامی صحبت کردند و کمک برای "موسسه تحقیقاتی تاریخ معاصر خاورمیانه" گرفتند.

ظهر آقای [سید کاظم] اکرمی، [وزیر آموزش و پرورش] آمد. از اشغال اردوگاه های آموزش و پرورش توسط سپاه گله داشت. عصر جلسه هیأت رئیسه [مجلس] داشتیم.

---

۱ - ایشان در سخنرانی افتتاحیه مجمع عقیدتی شهید مطهری که از سوی دفتر تحکیم وحدت - انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور - به مناسبت دهه انقلاب فرهنگی برگزار شده بود، ابتدا مساله عدم وجود بعد ایدئولوژیک در جامعه تحصیلکرده های دنیا را مورد اشاره قرار داد و با اظهار اینکه، ایدئولوژی مهمترین چیزی است که در محیط تحصیل لازم است و امروز در محیط های تحصیلی، جای آن خالی می باشد، گفت: «ایدئولوژی اگر چه نمی تواند به همه سوالات علمی پاسخ بگوید، ولی ارباب ایدئولوژی، راهی را انتخاب می کند که برای همه آنها معنا وجود داشته باشد و این کار باید در دانشگاه ها صورت بگیرد و این از وظایف قشر دانشجویی است که ضمن درس خواندن وارد مسایل اساسی شوند و در امور دخالت کنند و کارگردان باشند.» رجوع کنید ← کتاب« هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شب سران قوا مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودند. آقای [حسین] شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزارت امور خارجه]، گزارش مذاکرات با حافظ اسد را داد. معلوم شد از جریان شورای فلسطین در الجزایر ناراضی است و با قذافی اختلاف پیدا کرده و گفته در رابطه با ما تحت فشار است و اظهار صمیمیت با ما کرده و قرار است بعد از سفر به روسیه، کسی را به ایران بفرستند.

وزارت امور خارجه در مورد اجاره کشتی های نفتکش شوروی به کویت، پیشنهاد داشت که ما در درجه اول با سایر دولت های خلیج فارس وارد کار شویم و مقابله به مثل را روی سایر کشتی های عازم کویت انجام دهیم و در مرحله آخر، کشتی های شوروی را در نظر بگیریم.

پس از جلسه، آیت الله خامنه‌ای اطلاع دادند در مورد تردیدی که در خصوص فرمانده نیروی دریایی پیش آمده، قرار شده تحقیق بیشتری شود. برای خواب به مجلس آمدم و ساعت یازده و نیم خوابیدم.

پنجشنبه ۳ اردیبهشت | ۲۴ شعبان ۱۴۰۷ ۲۳ آوریل ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم صبح، مطالعه کردم و به اخبار گوش دادم. آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد، عراقی ها در شمال [شهر] ماؤوت، ارتفاعی را از ما پس گرفته‌اند؛ متاثر شدم.

تا ساعت ده و نیم در مجلس ماندم. قانون اراضی شهری به مشکل برخورده است. به دفترم آمدم. برای گروه تخریب تیپ امیرالمؤمنین(ع) صحبت کردم.

آقای شیرازی امام جمعه مشهد به دفترم آمد. تأکید به انحلال حزب جمهوری اسلامی داشت. ظهر حاج اکبر پوراستاد آمد. از مالیات سنگین که سال اول انقلاب بر او بسته اند، شاکی است. مدعی است آهن‌ها را بدون سود، برای شکستن بازار آهن، به دستور شورای انقلاب فروخته است.

عصر جمعی از [مسئولان] عقیدتی- سیاسی ارتش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. سپس [آقای ابراهیم یاسین] سفیر اندونزی آمد. سؤالاتی از او درباره اندونزی نمودم. سفیر لبنان آمد. خیلی حرف زد و خوب صحبت کرد. وضع لبنان و مسلمانان لبنان و نیازهایش و نوع کمک‌های ممکن ما را مطرح کرد. شبیه حزب‌اللهی‌های خودمان است. سفیر سوئیس آمد. حرف مهمی نداشت. درباره اهمیت مجلس صحبت کرد؛ دیدار با تعارف گذشت. تا ساعت هشت و نیم شب، در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

جمعه ٤ اردیبهشت | ٢٥ شعبان ١٤٠٧ ٢٤ آوریل ١٩٨٧

در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. به خاطر کمردرد ، بیشتر به استراحت گذشت. بچه‌ها ناهار در هتل مهمان بودند و من و عفت در منزل . از جبهه اطلاع گرفتم؛ درگیری در شمال ماؤوت ادامه دارد. محل قرارگاه عملیات ما بمباران شده و جمعی مجروح و شهید شده‌اند. از هوانیروز گله دارند. به وسیله سرهنگ ترابی تذکر دادم.

شنبه ٥ اردیبهشت | ٢٦ شعبان ١٤٠٧ ٢٥ آوریل ١٩٨٧

در منزل بودم. از احمدآقا خواستم که در منطقه حفاظتی جماران، منزلی برای محسن تهیه شود. آقایان [فریدون] مهدی نژاد و [ابراهیم] دشتی آمدند. گزارش کاملی از امکانات و

---

۱ - آقای صفائی نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به همراه روحانیون واحد های عقیدتی - سیاسی نیروی زمینی، در پایان سمینار دو روزه خود در تهران، با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار، ابتدا آقای صفایی گزارشی از سمینار و موضوعات مطرح شده در کمیسیون های مختلف ارائه کرد. آنگاه آقای هاشمی در سخنانی پیرامون نقش واحدهای عقیدتی - سیاسی اظهار داشت: «این مسئولیتی که عقیدتی - سیاسی به عهده گرفته، گرچه ممکن است انسان فکر کند با ارشاد، وظیفه اش را انجام داده است، اما عمق قضیه، بلاغ موثر و مبین و حجت لازم دارد و این خیلی کار دارد. شما در یک تشکیلاتی مسئولیت قبول کرده‌اید که بیشتر از همه تشکیلات کشور، نیاز به عقیده و ایمان دارد. شما می دانید که طی جنگ در حمله و دفاع، هیچ سرمایه ای به اندازه ایمان و عقیده محکم، در انسان موثر نیست. دشمنان ما بیشتر از ما می توانند ابزار تهیه کنند. کسی با ما امروز نمی جنگد، مگر اینکه متکی به ابر قدرت ها باشد. قدرت های استکباری، دشمن اصلی ما هستند و اگر ما مواجه می شویم با یک دولت فریب خورده ای همچون عراق، این تحریک آنهاست.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

برنامه خارج دادند و خواستار واگذاری کامل آن به سپاه بودند. بین سپاه و وزارت اطلاعات بر سر تصدی آن اختلاف است.

عصر آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] آمد. گزارش تدارکات جنگ را داد. پول بیشتری برای طرح های عمرانی سپاه می خواهد. آقای [سیدحمید] زیارتی[= روحانی] آمد. مصاحبه درباره تاریخ انقلاب را ادامه دادیم. به سال ۱۳۴۶ رسیدیم. آقای [محمدعلی] رحمانی، مسئول بسیج آمد. از برخورد فرماندهان سپاه ناراضی است و کاهش داوطلبان اعزام در هفته‌های اخیر را معلول همین اختلال امور بسیج می‌داند.

شب احمد و محسن - عموزاده ها - آمدند و وضع شرکت تعاونی پسته را گفتند و از مزاحمت‌های تجار بخش خصوصی در بازارهای خارجی گله داشتند.

بچه‌ها به مهمانی رفتند. مهدی و من در خانه ماندیم و تخم‌مرغ آب پز خوردیم. آخر شب، آقای رضایی از جبهه اطلاع داد که امروز درگیری در منطقه ماؤوت نبوده و پس از شکست دیشب، عراق امروز تحرکی نشان نداده است.

یکشنبه ٦ اردیبهشت | ۲۷ شعبان ۱٤۰۷ | ۲٦ آوریل ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس آمدم. ساعت یک ربع به هشت، به جلسه علنی مجلس رفتم. تا ده و نیم در جلسه علنی بودم. لایحه اراضی شهری به تصویب رسید. فقط در ۳۲ شهر، ضرورت قبول شد و در بقیه شهرها، زمین آزاد شد. باید منتظر عواقب آن بود؛ ممکن است مثبت یا منفی باشد. در تنفس برای جمعی از بسیجیان شهر بابک صحبت کردم.

آقای [محسن] رضایی، تلفنی گفت امروز عصر تبلیغات عملیات کربلای ۱۰ را شروع کنیم. به دلیل اینکه شهدای عملیات را به خانواده‌ها تحویل می‌دهند، نمی‌شود بیشتر به تاخیر انداخت. ظهر آقای [عبدالعلی] قنبری نماینده قائم شهر آمد و از آثار سوء اختلافات خطی ابراز نگرانی کرد. آقای [ابوالقاسم] وافی نماینده یزد هم در این خصوص گله آورد.

عصر طلاب مدرسه شهید شاه آبادی آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. آقای سعیدی

---

۱ - در این دیدار که طلاب حوزه شهید شاه آبادی، به همراه اساتید این حوزه حضور داشتند، آقای هاشمی ضمن قدردانی از خدمات شهید شاه آبادی اظهار داشت:« ایشان خیلی حق به گردن ما و مردم و انقلاب دارند. ایشان تقریباً تمام جوانی خود را در راه انقلاب ←

مسئول حفاظت [اطلاعات] سپاه آمد. از برخورد فرماندهی سپاه در اقدام به عزل ایشان گله داشت[1].

جمعی از مهندسان مشاور ساختمان سالن مجلس آمدند. خواستار مهلت برای مطالعه بیشتر برای تعیین محل و مختصات سالن شدند؛ موافقت کردم[2]. آقای [حمید] فروتن مسئول بنیاد تعاون سپاه آمد و برای امکانات بیشتر استمداد کرد.

مقداری برنامه فوق‌العاده تلویزیون را تماشا کردم و به جلسه سران‌قوا در دفتر [آقای موسوی] نخست وزیر رفتم. فرماندهان سپاه و مسؤولان وزارت اطلاعات آمدند و درباره حدود اختیارات و وظایف سپاه و وزارت اطلاعات در خصوص امور خارج از کشور گفت‌وگو شد؛ آنها اختلاف نظر دارند. قرار شد درجلسه بعد درباره آن تصمیم‌گیری شود.

آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه]، توضیحی از زبان [ناصر] میناچی در مورد بیست میلیون دلاری که پسر میناچی در آمریکا از ماموران ایران گرفته و مخفی شده است، نقل کرد. پول توسط وزیر سپاه، برای خرید اسلحه ارسال شده است. میناچی اظهار آمادگی کرده که برای تعقیب آن اقدام نماید[3]. آقای شمخانی گزارشی از عملیات جاری کربلای ۱۰ داد. حدود ۲۵۰ کیلو متر مربع از اراضی منطقه کوهستانی ماؤوت را گرفته‌ایم.

اسلامی صرف کرد و من از شهود این حقیقت هستم. ایشان شهید بزرگوار این انقلاب هستند که ارزش شهادت، علاوه بر شخصیت علمی ایشان، خود موقعیت ممتاز دیگری به تاریخ زندگی ایشان و این مدرسه می دهد. الان هم طلبه ها در استحکام این انقلاب خیلی مؤثر هستند. در جبهه ها یک طلبه در یک گردان نقش مهمی دارد، رزمندگان ما وقتی در جبهه ها در کنار خود یک طلبه را می بینند، با خیال آسوده می‌جنگند. این برایشان حجت است. طلبه ها درون روستاها و شهرها و ادارات و در واحدهای عقیدتی سیاسی و در مجلس و هرجائی که هستند، دارند خدمت می کنند و تعلیم می دهند. آن چیزی که حرکت لبنان را متحول نگه می دارد، حضور روحانیت است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - فرمانده کل سپاه در نامه ای به امام خمینی (ره)، آقای احمد وحیدی را به جای آقای سعیدی به عنوان سرپرست حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران معرفی کرد که مورد موافقت حضرت امام قرار گرفت. متن نامه آقای رضایی و پاسخ امام به این شرح است: «بسم‌الله‌الرحمن الرحیم، محضر مبارک رهبر عظیم الشأن، فرمانده معظم کل قوا، حضرت امام خمینی ـ روحی فداه ـ با سلام و عرض ادب، پیرو عریضهٔ قبلی پیرامون مسئلهٔ حفاظت اطلاعات ستاد کل سپاه، بدینوسیله برادر احمد وحیدی را که سابقهٔ مدت ها کار اطلاعاتی دارد و از عناصر قدیمی سپاه است، خدمت حضرتعالی معرفی می نماییم، تا ان شاءالله پس از تأیید حضرتعالی در مسئولیت حفاظت اطلاعات ستاد کل سپاه انجام وظیفه نمایند. با کمال معذرت، ملتمس دعا، محسن رضایی.» پاسخ امام خمینی: « بسمه تعالی - تأیید می شود. ۱۳۶۶/۱/۴ روح الله الموسوی الخمینی». مأخذ: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲۳۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - این ساختمان در میدان بهارستان در کنار ساختمان قدیمی مجلس شورای ملی ساخته شد و از مجلس هفتم به بعد، جلسات مجلس شورای اسلامی در آن برپا می شود.

۳ - دکتر ناصر میناچی از اعضای جبهه ملی ایران و وزیر ارشاد در دولت موقت مهندس بازرگان بود. او از یاران و همراهان دکتر علی شریعتی و از مؤسسان حسینیه ارشاد بود و هم اکنون عهده دار مدیریت این مرکز است.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره [illegible]
تاریخ ۱۳۶۶/۲/۶
پیوست ـــــ

بسمه تعالی

جناب آقای شیخ عبدالله نوری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه

پیرو مذاکرات حضوری، لطفاً جنابعالی و آقایان نجفی و جهانگیری و آقا محسن با قرارگاه خاتم الانبیاء برای مصرف صحیح بودجه جنگ و اعمال اختیارات مالی فرماندهی جنگ همکاری نمایید.

توضیحاً متذکر می‌شوم که هدف مصرف صحیح بودجه ارزی و ریالی جنگ با رعایت اولویت‌ها در امور جنگ با در نظر گرفتن مصلحت عالی دفاع همه‌جانبه است. مناسب است آیین‌نامه کار گروه را با مشورت با ستاد قرارگاه تهیه و برای تأیید به اینجانب بدهید.

اکبر هاشمی ۱۳۶۶/۲/۵

رونوشت جناب دکتر روحانی

دستخط نامه به رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

بعد از ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

دوشنبه ۷ اردیبهشت | ۲۸ شعبان ۱۴۰۷ ۲۷ آوریل ۱۹۸۷

تا ساعت هشت و نیم صبح در منزل کار کردم. ساعت نه به مجلس رسیدم. از جبهه سراغ گرفتم. [امر] مهمی روی نداده است. آقای صیاد شیرازی آمد. از [منطقه عملیاتی] کربلای ۱۰ می‌آید. گزارش مثبتی داد. راضی است که او را به مشورت گرفته‌اند[۱]. تأکید دارد که ارتش هم فعال شود.

اعضای کمیسیون خرید اسلحه آمدند. گزارش کار دادند و پیشنهادهای اصلاحی و تمرکزی داشتند. آقایان [موسی] خَیر و خسروی آمدند. خواستار اجازه سفر به «برنادو» شدند. [آقای خیّر] متهم است که با دادن بمب‌های ناقص، باعث سقوط هواپیمای جنگی ما در آزمایش بمب شد؛ پرونده‌اش در دادگاه است.

آقای ریاضی مدعی است که روس‌ها، فردی را برای مذاکره درباره آینده عراق بعد از صدام معرفی کرده‌اند و خواستار تضمین پرداخت بدهی‌های روس ها و حسن روابط با آنها هستند. این ادعا با عملکرد فعلی روس‌ها که در جهت ابقای صدام است، نمی‌سازد.

دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش وضع دانشگاه آزاد اسلامی را داد و خواست که من بیشتر به حزب جمهوری اسلامی برسم. گفتم دارد یک بعدی می‌شود و برای من مشکل است که در این وضع همکاری کنم.

عصر در مراسم بزرگداشت شهید مطهری در دانشگاه تهران شرکت کردم[۲]. پیش از -

---

۱ - شهید علی صیاد شیرازی تا سال ۱۳۶۵ فرمانده نیروی زمینی ارتش بود. در این سال به دنبال تشدید اختلافات سپاه و ارتش در زمینه نحوه انجام عملیات در جبهه های جنگ، امام خمینی (ره) در حکمی با تقدیر از زحمت های طاقت فرسای سرهنگ صیاد شیرازی، سرهنگ حسنی سعدی را به سمت فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی منصوب کردند و سرهنگ صیاد شیرازی نیز به عنوان نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع به خدمت پرداخت.

۲ - آقای هاشمی در سمینار بررسی افکار و آثار استاد شهید آیت الله مطهری که در تالار فردوسی دانشگاه تهران برپا بود، با طرح دیدگاه‌های علامه شهید و فیلسوف متفکر، در خصوص علل عظمت و انحطاط مسلمین، ضرورت بسط و گسترش بررسی در این مهم را مورد تأکید قرار داد و به ارائه نظرات خویش در زمینه نحوه تداوم این امر پرداخت. آقای هاشمی با استناد به نظرات شهید مطهری و با استفاده از آثار به جا مانده از ایشان، فهرستی از عواملی که در عظمت و انحطاط مسلمین مؤثر بوده اند، ارائه کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: «در شرایطی که با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، حاکمیت اسلام در کشور ما تحقق یافته است، ما قادریم عوامل انحطاط مسلمین را عمیق تر دریابیم و زمینه های تحقیقات وسیع تر در این زمینه را فراهم سازیم و این امر از ضروریات جامعه ←



سخنرانی در مراسم بزرگداشت استاد شهید مطهری

مغرب در منزل، [سرهنگ حسنی سعدی] فرمانده نیروی زمینی را پذیرفتم. برنامه عملیات نزدیک آینده ارتش را گفت. شب، وضع جبهه را تلفنی جویا شدم؛ تغییری پیش نیامده است.

سه‌شنبه ۸ اردیبهشت | ۲۹ شعبان ۱۴۰۷ | ۲۸ آوریل ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح در مجلس بودم. بسته شدن دفاتر فلسطینی ها در مصر، به خاطر موضع گیری شورای فلسطین در الجزیره علیه [قرارداد] کمپ دیوید، جزو اخبار مهم است

↲اسلامی است. پیشنهاد می کنم برای بررسی عوامل انحطاط مسلمین و جوامع اسلامی، مرکزی، جمعیتی و یا ستادی تشکیل شود. از جمله موارد مناسب تحقیق در این زمینه، انتخاب موضوعات در ابعاد مختلف علل انحطاط مسلمین به عنوان موضوع پایان نامه های دانشگاهی است. با این کار ضمن تأمین نیازهای جامعه، تحقیقات دانش پژوهان ایرانی را که با تحصیل آنان در دانشگاههای خارج از کشور، تنها در خدمت کشورهای پیشرفت قرار می گیرد، به سمت جامعه خود هدایت کرده ایم. مضافاً اینکه با جمع آوری تحقیقات انجام شده، ضمن بهره گیری در داخل کشور، می توانیم یاریگر دیگر کشورها و ملت های مسلمان جهان در ابعاد مختلف مذهبی ـ علمی و فرهنگی باشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸

و انعکاس محدود پیروزی های ما در عملیات کربلای ۱۰. پیش از دستور در مجلس درباره پیروزی های عملیات کربلای ۱۰ صحبت کردم[1].

ساعت ده و ربع از جلسه به دفترم آمدم. برای نمایندگان واحدهای پشتیبانی و امداد جنگ وزارت آموزش و پرورش درباره طرح شهید حسین فهمیده برای جذب دانش آموزان به سپاه و بسیج صحبت کردم[2]. برای دانشجویان دختر مرکز تربیت معلم قزوین که به مجلس آمده و هدایایی برای جنگ آورده بودند، صحبت کردم.

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است:« ما از رزمندگان عزیزمان که عملیات کربلای ۱۰ را با موفقیت و حماسه خاص و جدید انجام دادند و در حال پیشرفت هستند، تشکر می کنیم. این اولین تجربه در تاریخ جنگ از نوع همکاری جنگ های نامنظم با جنگ منظم بود که تجربه موفقی از آب درآمد. حدود ۲۵۰ کیلومتر مربع از یکی از نقاط حساس کردستان عراق، با سرعت تصرف شد و ارتفاعاتی در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت که حضور رزمندگان در آنجا می تواند، در آینده کردستان عراق و آینده کرستان ایران تأثیر چشمگیری داشته باشد. این عملیات عمدتاً به خاطر جواب به شرارت های اخیر عراق در خلیج فارس و مناطق صنعتی و فشار بی حد برمردم کرستان، البته در سلسله عملیات جاری ما بود. نکات قابل توجهی در این عملیات هست که من اشاره می کنم. اولین نکته مهم این است که چند روز این عملیات ادامه داشت و رزمنده های ما با شیوه پیاده روی به سوی اهداف پیش می رفتند و چون ما سر و صدائی راه نینداخته بودیم، عراقی ها سکوت کرده بودند. این نکته مسأله حساس و مهمی را نشان می دهد که عراقی ها بیش از آنچه که به مرز و خاکشان و امکاناتشان توجه دارند، به روحیه و تبلیغات ارج می گذارند. چطور می شود کشوری چند روز بخش عظیمی از خاکش تصرف بشود و سکوت بکند، چون ما سکوت کرده بودیم و هیچ چیز در این باره نگفتیم و حالا که ما اعلام کردیم، تنها می گوید که درگیری های مهمی در شمال وجود دارد و یک پاسگاه مورد تعرض ایرانی ها قرار گرفته و دفع شده است. خوب همین را اگر به صورت یک اعتراف در تاریخ ثبت بکنیم، معنایش این است که منطقه ای را که ما گرفتیم، عراق هیچ ادعائی روی آن ندارد. فردا که خبرنگاران آنجا حضور پیدا بکنند، من نمی دانم عراق چه جوابی برای مردم و حامیانش دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آقای هاشمی در این دیدار، ضمن برشمردن امکانات پیروزی ایران گفت: «پشتیبان این جهاد مقدس، به قدری قوی است که نمی توان به کمتر از پیروزی کامل قانع شد. به طوری که اطلاع داده اند، وقتی که طرح «پاسدار ـ دانش آموز» مطرح شد، برادرانی که از سوی ستاد امداد و پشتیبانی جنگ آموزش وپرورش در این سمینار شرکت داشتند، به طور یکپارچه پیشقدم شده و لباس سپاه پوشیدند. این حرکت، هم برای جنگ و هم برای آموزش و پرورش و سپاه، یک تحول محسوب می شود. اهمیت مسئله به این دلیل است که طرح مزبور، بین سپاه که سمبل جهاد و فداکاری در این انقلاب است و آموزش و پرورش که در آینده منبع اصلی تربیت نیروهای اسلامی این کشور به شمار می رود، پل می زند. تأثیری که طرح «پاسدار ـ دانش آموز» از لحاظ فرهنگی در سپاه می گذارد و تأثیری که سپاه از لحاظ روحیه ایثار و فداکاری در آموزش و پرورش گذارد ، تأثیری متقابل است و بازده بسیار خوبی خواهد داشت و مبتکر این طرح قابل تحسین است. بهتر از این تصمیم ، نام این طرح است که به نام شهید حسین فهمیده نام گذاری شده و این ، بسیار زیباست. شهید حسین فهمیده، سمبل یک جوان ایثارگر و نسل انقلاب است. حرکت شهید حسین فهمیده ، به جامعه و جوانان الهام داد که در برابر متجاوز، بایستی با تمام توان ایستاد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

دکتر [محمد علی] هادی آمد. درباره تعمیر فونیکس‌ها صحبت کرد[1]. آقای علوی لاری آمد. درباره شهرستان شدن لامرد حرف زد. دکتر کاشانی از بافت آمد. برای معالجه در انگلیس ارز خواست.

عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بیشتر بحث‌ها بر سر شیوه و محتوای کار خود شورا بود. از کم کاری و روزمره بودن دستورها و نرسیدن به کارهای مادر و اصولی انتقاد می‌شد. سپس با آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی جلسه داشتیم. درباره خبر آقای ریاضی در خصوص تمایل شوروی به مذاکره بر سر آینده عراق و مطالبات روس ها از عراق و روابط حسنه دولت آینده عراق با روس ها بحث شد؛ این حرف ها با عمل روس ها در تضاد است.

بعد از نماز مغرب، آقای [علی] فلاحیان قائم مقام وزیر اطلاعات آمد. از مشکلی گفت که با وزارت کشور و دادستانی، بر سر کنترل گذرنامه‌ها و ممنوع الخروج‌ها دارند. همچنین از بازجویی سعید - فرزند آیت‌الله منتظری - بر سر اسناد علیه دکتر هادی گفت که آقای منتظری نگران آینده سعید است و مشورت کرد و درباره دکتر محمود کاشانی که دکتر [مظفر] بقائی [رهبر حزب زحمتکشان] درباره او اعترافی کرده است[2]. شب به خانه رفتم*.

---

۱ - فونیکس موشک هوا به هوا است که مجهز به رادار بوده و برای اهداف دور استفاده می شود. این موشک بر روی جنگنده های اف - ۱۴ نصب می‌شود. فونیکس نخستین موشک دوربرد هوا به هوای ایالات متحده است که توانایی درگیری هم زمان با چند هدف مشترک را دارد.

۲ - دکتر مظفر بقائی رهبر حزب زحمتکشان - از احزاب دوره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - در فروردین ۱۳۶۶ در کرمان دستگیر شد. در خبر دستگیری دکتربقائی در روزنامه های سال ۱۳۶۶ چنین آمده است: « یک مقام آگاه گفت: در بازرسی از منزل وی مقادیر زیادی اسناد مربوط به حزب زحمتکشان و اشیاء و نشریات غیر مشروع که حاکی از انحرافات اخلاقی وی است، به دست آمده است. مظفر بقائی در دوره کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پس از آن، ارتباط نزدیکی با عوامل کودتا و بیگانگان داشته است. احتمالاً دستگیری مظفر بقائی در ارتباط با پرونده سید احمد کاشانی صورت گرفته است». سید احمد کاشانی نماینده مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۵ به اتهام تلاش برای ایجاد اختلاف میان سپاه و ارتش جمهوری اسلامی، بازداشت شده بود. شهید حسن آیت نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز از نزدیکان دکتر بقائی بود.

* - در این روز امام خمینی (ره) فرمانده کل قوا، با پیشنهاد ترفیع درجه ده تن از افسران ارتش جمهوری اسلامی که از سوی رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع تقدیم شده بود، موافقت کردند. به این ترتیب سرتیپ قاسمعلی ظهیر نژاد نماینده امام در شورای عالی دفاع به درجه سرلشگری، سرهنگ علی صیاد شیرازی نماینده امام در شورای عالی دفاع ، سرهنگ اسماعیل سهرابی ،رئیس ستاد مشترک ارتش، سرهنگ محمد حسین جلالی وزیر دفاع ، سرهنگ حسین حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی ، سرهنگ منصور ستاری فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ سلیمی وزیر دفاع سابق، سرهنگ معین پور فرمانده اسبق نیروی هوایی و سرهنگ عباس بابایی معاون عملیاتی نیروی هوایی، به درجه سرتیپی و ناخدا ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی به درجه دریا داری ارتقاء یافتند.

چهارشنبه ۹ اردیبهشت | ۳۰ شعبان ۱۴۰۷ | ۲۹ آوریل ۱۹۸۷

ساعت هشت صبح خدمت امام رفتم و وضع جنگ را گفتم. امام تاکید کردند که جنگ باید تا سقوط صدام ادامه داشته باشد. در مورد آمدن چند مهندس اروپائی برای تعمیر فونیکس ها توسط آلبرت حکیم پرسیدم[1]؛ موافقت کردند. قبلاً نخست وزیر سئوال را مبهم کرده بود و قرار شد در جلسه سران قوا مطرح شود و با رأی آنها عمل کنیم. می‌خواستم درباره حزب جمهوری اسلامی سئوال کنم که آقای [سید مرتضی] پسندیده، اخوی بزرگ امام آمد. حرف را قطع کردم و به وقت دیگری موکول شد.

در دفتر امام با آقای [حسن] صانعی [رئیس بنیاد پانزده خرداد] درباره سد عباس آباد برای قم و تردیدهایی که مطرح می کنند، صحبت کردیم. ساعت نه ونیم به دفترم رسیدم. گزارش‌ها را مرور کردم.

[آقای محمود صانعی پور] رئیس کل کمرگ ایران آمد. گزارش اصلاحات را داد و برای مبارزه با کارشکنان تایید خواست. آقای مجید انصاری آمد. درباره وکیل آینده زرند کرمان مشورت کرد.

آقای [سیدحسین] موسویان، سرپرست ادارات مجلس آمد. از همکاری بعضی از خبرنگاران غربی برای آوردن اطلاعات از داخل عراق در مقابل اجرت گزارش‌داد و از برنامه کارکنان دفترم گفت و نیازهای مالی مجلس که در اثر کم شدن یک پنجم بودجه درخواستی، مشکل خواهیم داشت. [آقای غلامرضا شافعی] وزیر صنایع و معاونان آمدند. خواستار استفاده از ارز دفاع برای کار راه اندازی بیشتر صنایع در جهت تأمین نیازهای جبهه شدند.

آقای سعیدی از روابط عمومی آمد و گزارش برنامه هفته مجلس را داد؛ تصویب کردم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس آقای آقامحمدی و آقای مقدم آمدند. مقدم از داخل عراق از قرارگاه رمضان آمد و گزارش عملیات فتح ۵ را داد. از عملکرد طالبانی‌ها راضی است و از اینکه نیروهای مسلح ما به وعده خود در خصوص الحاق به آنها و گرفتن مواضع تعیین شده عمل نکرده‌اند، ناراضی است. این کار باعث کم شدن اعتماد

---

۱ - آلبرت حکیم از جمله افرادی است که در ماجرای مک فارلین نقش داشته است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

آنها شده است بالاخره فکر می کنند ما نمی توانیم یا نمی‌خواهیم، بر ادامه عملیات تا الحاق که اولی درست است و برای کمک به آنها تاکید داشت.

جلسه سران قوا در منزل آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] بود. با دستور امام درباره استفاده از مهندسان معرفی شده از سوی آلبرت حکیم برای فونیکس ها بحث شد و به تصویب رسید. اختلاف نظر وزارت اطلاعات و شورای قضائی در مورد کنترل گذرنامه‌ها و خروج از کشور بحث و مشکل حل شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت | ۱ رمضان ۱۴۰۷ ۳۰ آوریل ۱۹۸۷

ساعت دو و نیم بامداد، با زنگ ساعت برای خوردن سحری بیدار شدیم. عفت و محسن و فاطی و مهدی و یاسر هم بیدار شدند. بعد از نماز تا ساعت شش و نیم خوابیدم و ساعت هفت به مجلس رسیدم. پیش از دستور درباره روز کارگر و روز معلم، کوتاه صحبت کردم[1]. تا ساعت یازده و ربع در جلسه بودم. بسیجی‌های خمین که عازم جبهه‌اند و پیاده از قم به تهران آمده‌اند، به مجلس آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[2].

---

۱ - در این نطق آمده است : «فردا روز جهانی کارگر است و پس فردا شنبه، روز شهادت شهید مطهری آیت الله بزرگوار و معلم عظیم‌القدر انقلاب است. کارگران ما قشر زحمتکش و قانع، ستون فقرات اقتصاد کشور و عمدتاً محروم و مستحق حمایت از طرف مقامات کشور، به خصوص مجلس شورای اسلامی هستند که انقلاب اسلامی ما رسالتش، ایجاد عدالت اجتماعی و رسیدگی به حقوق از دست رفته است که ان شاءالله کارگران و سایر محرومان در صدر اهداف این عدالت قرار دارند و ما تشکر می کنیم از کارگرانمان که در دوران جنگ و مشکلات پس از انقلاب، همیشه یار صمیمی انقلاب و در میدان ها و جبهه ها و در همه صحنه ها حضور انقلابی و اسلامی خودشان را حفظ کردند. به مناسبت شهادت شهید بزرگوارمان شهید مطهری، هفته آینده هفته معلم است، که قشر معلمان کشور یکی از اقشار مهم جامعه ما هستند و پایه فرهنگ، آموزش و ساخت نونهالان ما با همت والای این بزرگواران است که انتظار داریم ملت ما در هفته بزرگداشت مقام معلم، مراتب قدردانی خودشان را از این نیروهای عظیمی که درخدمت انقلاب و نسل جوان ما هستند و آینده کشور را اینها می سازند، حضور کافی در صحنه ها داشته باشند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:« حضور گسترده جوانان طی ماه رمضان در جبهه ها، یک درس برای کسانی است که فکر می‌کنند با تهدید و ارعاب، می توانند ما را از ادامه جنگ و احقاق حقمان بازدارند. برای جامعه ای که از کوچک و بزرگ آن، آمادگی جنگیدن با دشمنان انقلاب اسلامی را دارند، هراس از ناوگان جنگی آمریکا یا شوروی بی معناست و مسخره تلقی می شود. حرکت بسیار خوب شما که راه جبهه را با پیاده روی و با یک فاصله طولانی در مطلع ماه مبارک رمضان طی می کنید، بسیار بجاست. رمضان ماهی است که حضرت امام برای پاسخ به یاوه های دشمن اسلام، آن را ماه جهاد اعلام فرمودند. حرکت شما این است که طلایه داران حرکت نیرو های مرحله دوم صاحب الزمان(عج) در ماه رمضان شده اید و ما انتظار داریم، به دنبال حرکت شما، امواج خروشان نیروهای اعزامی ←



حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

ظهر سفیرمان در یوگسلاوی آمد. از وضع مسلمانان آنجا گفت. در دو جمهوری اکثریت دارند و جمعیت آنها حدود شش میلیون نفر است. اطلاع داد که دولت یوگسلاوی آمادگی فروش اسلحه به ما را دارد؛ ابتدا به واسطه دولت ثالث و سپس مستقیم.

عصر هیأت مشاور صرف بودجه جنگ آمدند. آئین نامه کار تصویب شد. عصر شورای عالی دفاع، در منزل ما جلسه داشت. آنها افطار مهمان ما بودند. مصوبات متعددی داشتیم.

آقای محسن رضایی بعد از جلسه به من گفت، [می خواهد] نامه‌ای خدمت امام بفرستد و از سمت فرماندهی سپاه به خاطر مشکلات اداره سپاه و عدم هماهنگی با رئیس جمهور و دکتر روحانی و ارتشی‌ها، استعفاء دهد؛ او را نهی کردم. گفتم امام نمی‌پذیرند و برای خود ایشان خوب نیست.

سایر شهرها و استان ها، جبهه ها را پرکنند و کار جنگ را به نقطه‌ای خواهند رسانید که دیگر دشمنان اسلام و دوستان صدام و حامیان حزب بعث را از ادامه حیات مایوس کرده و تسلیم حق کنند، تا با شکست این جرثومه فساد و حاکمیت ملت عراق، امنیت قابل قبولی در منطقه به وجود بیاید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳٦٦ | ۲ رمضان ۱٤۰۷ ۱ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. از ساعت نه صبح تا پنج بعد از ظهر،[آقای محسن رفیق دوست] وزیر سپاه، همراه با مسؤولان صنایع سپاه درباره صنایع نظامی و غیر نظامی توضیحات دادند. محسن هم برای اطلاع و انتخاب محل خدمت، در جلسه شرکت کرد. یکی از مسئولان ادعای مهمی درباره امکان ایجاد انفجاری عظیم و غیر قابل تصور در خاک دشمن دارد که قابل بررسی است. خسته شدم.

عصر احمدآقا آمد. گفت نامه استعفای آقای محسن رضایی به امام رسیده، ولی امام نمی‌پذیرند و تصور امام این است که اینها حرکات سیاسی دارند.

آقای [سرتیپ] حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش]، از آزاد نشدن تمام توپخانه‌های ارتش از تحت امر سپاه، تلفنی گله داشت؛ معمولاً این وضع را داریم. شب بعد از افطار و نماز زود خوابیدم. عفت و بچه‌ها به منزل همشیره فاطمه رفتند و دیر وقت آمدند.

شنبه ۱۲ اردیبهشت | ۳ رمضان ۱٤۰۷ ۲ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. قسمتی از ترجمه گزارش تاور را مطالعه کردم و در موارد لزوم حاشیه نوشتم. مطالب غلط زیاد دارد[1]. مراجعات تلفنی هم کم بود. به سپاه گفتم که توپخانه‌های ارتش را آزاد کند.

با آقای رفیق‌دوست درباره ساختن زاغه‌های مهمات از بودجه جنگ صحبت شد. قرار شد محسن از سه شنبه برای خدمت به صنایع سپاه برود. عصر خانم عباسی آمد. گزارش وضع جامعه زینب را داد که منشعب از کاروان زینب است. کمک خواست؛ مدعی است مسائل اخلاقی و خطی را مطرح نمی کنند.

تلگرافی از اعضای گروه بین المجالس از نیکاراگوئه آمد. درباره رأی به قطعنامه ای که در آن دعوت به صلح شده، کسب تکلیف کرده‌اند. این قطعنامه بیشتر خواسته‌های ما در

---

۱ - برای آگاهی بیشتر از گزارش تاور رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

خصوص جلوگیری از زدن کشتی‌ها، شهرها، مناطق غیر نظامی، استفاده از سلاح شیمیائی و ذکر نام خلیج‌فارس را دارد. آمریکا و اسرائیل به خاطر مطالب دیگر رأی مخالف دارند. جواب دادم، به شرط قید خلیج‌فارس و قید کیفر متجاوز، با دادن رأی موافق،موافقم[۱].
مراجعات زیادی نداشتم. عصر عفت و بچه ها برای افطار به منزل شهید مطهری رفتند و من و مهدی و یاسر در خانه ماندیم.

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت | ٤ رمضان ۱٤۰۷ ۳ می ۱۹۸۷

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا یازده و نیم درجلسه علنی بودم. طرح تعاونی‌ها در شور دوم تمام شد، ولی بی اشکال نیست.
ظهر اعضای کمیسیون اصل نود آمدند و خواستند برای رفع مشکلاتشان، در یکی از جلسات آنها شرکت کنم. یکی از سران عشایر کلهر آمد. از نماینده اسلام آباد شکایت داشت. عصر با خبرنگار [روزنامه] آبزرور [چاپ لندن] در مورد مسائل جهانی و بیشتر آمریکا، مصاحبه داشتم[۲].
مسئولان خانه کارگر آمدند. درباره انتخابات آینده و حدود همکاری با دفتر تحکیم

---

۱ - هیأت پارلمانی جمهوری اسلامی ایران که در هفتاد و هفتمین کنفرانس بین المجالس در پایتخت کشور نیکاراگوئه شرکت کرده بودند، به قطعنامه این کنفرانس، به جهت گنجاندن کلمه خلیج به جای خلیج فارس، رأی ممتنع داد.

۲ - آقای هاشمی در گفتگو با روزنامه آبزرور ، هرگونه ارتباط سیاسی و تجاری با دولت آمریکا را رد کرد و گفت:« هیچ گروهی جز گروه مک فارلین به ایران نیامده است و این گروه هم مخفیانه و غیر قانونی به ایران آمده بود. اما از زمانی که آمریکاییان دریافتند که نمی‌توانند انقلاب اسلامی را درهم بشکنند، با پیام ها و حقه ها کوشیده اند، جای پایی در ایران پیدا کنند. من طرف آنها نبودم و در مذاکرات شرکت نداشتم. آنها با نمایندگان خرید اسلحه ما ملاقات کرده اند و در ارتباط با آمریکاییان هم اینک روشن شده است، آن زمان که آنها می کوشیدند با ما رابطه برقرار کنند، دست از شیطنت ها و کلک های خود برنداشته بودند، حتی در رابطه با قراردادها نیز آنها ما را فریب دادند. گرانفروشی کردند و کوشیدند اسرائیل را هم در این قضیه وارد کنند . در حالی که می دانستند، ما از اسرائیلی ها نفرت داریم و حاضر نیستیم، آنها را به عنوان شرکای آمریکای بپذیریم.» ایشان در پاسخ به این سئوال خبرنگار آبزرور که چرا وقتی شوروی به عراق اسلحه می دهد ، باز هم آمریکا برای شما هدف اصلی است؟ گفت: «در این جنگ، مردم دست آمریکا را پشت سر کشورهایی مانند اردن، مصر و کویت می بینند که از عراق در جنگ حمایت کرده اند. پول سلاح هایی که شوروی به عراق می دهد، از محل پول هایی پرداخت می شود که کشور های عربی عوامل آمریکا، در اختیار عراق قرار می دهند. حتی امروز، دشمنان ما، ضدانقلابیون در آمریکا و در غرب، عمدتاً مورد حمایت این کشورها هستند، لذا مسئولیت سلاح های روسی هم به عهده آمریکا است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

[وحدت] و اعزام کارگران به جبهه مشورت کردند.

عصر به وزارت اطلاعات رفتیم. آقای خامنه‌ای همزمان رسیدند. با هم از نمایشگاه کالای قاچاق - که اخیراً از کارکنان سفارت کره شمالی گرفته‌ایم - بازدید کردیم می‌خواستند کالاها را در یک واگن باری قطار از مرز جلفا به عنوان محموله سیاسی عبور دهند. ۱۶۶ قالی نفیس و مقادیر زیادی طلا و جواهر آلات و نقره و اشیاء عتیقه است. می‌گویند حدود پنجاه میلیارد ریال ارزش دارد و اعتراف کرده‌اند که اینها از اموال سرمایه داران ایرانی است، مخصوصاً حکیمی‌ها، که با قراردادی به این صورت قاچاق شده است. کره‌ای‌ها سخت ترسیده‌اند و با اینکه سه روز توقیف بوده‌اند، اعتراض ندارند. پیشنهاد شد نمایشگاهی برای تماشای عموم به منظور نشان دادن ماهیت حکیمی‌ها برگزار شود[1].

افطار با دیگر سران قوا، مهمان [آقای ری شهری] وزیر اطلاعات بودیم. شخصی به نام علی بیات، از کارکنان ارتش را - که قدرت استفاده از هیپنوتیزم دارد - آوردند. دو نفر نوجوان همراه خودش آورده بود. او آنها را خواب کرد. آتش سیگار بر بدن آنها بی اثر بود. بدن آنها را مثل چوب، خشک و مقاوم می‌کرد، به گونه‌ای که سر آنها را روی یک صندلی و پای آنها را روی صندلی دیگر می‌گذاشت، مثل چوب می‌ماندند و خم نمی‌شدند. دو نفر روی آنها می‌ایستادند. آنها را در زمان به عقب و جلو می‌برد و درباره مقاطع مختلف تاریخ سئوالاتی می‌کرد؛ البته این موضوع خیلی اطمینان بخش نبود. مدعی است با امواج کار می‌کند و امراض عصبی را خوب می‌کند. باید بیشتر بررسی کنیم. برای اولین بار به چنین موردی برخورد کرده‌ام. دیر وقت به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت | ۵ رمضان ۱۴۰۷   ٤ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر، آقای محسن رضایی بعد از

---

۱ - ابراهیم حکیمی معروف به حکیم الملک، سیاستمدار و سه دوره نخست وزیر ایران بود. او پس از فوت پدرش، تحت سرپرستی برادر بزرگش نصرت الحکما از تبریز به پاریس رفت و طب خواند. در سفرهای مظفرالدین شاه، جزو ملتزمین رکاب بود و به مقام پزشک دربار ارتقاء یافت. در دوره اول به وکالت مجلس شورای ملی رسید و پس از به توپ بسته شدن مجلس به دستور محمدعلی شاه، به سفارت فرانسه پناهنده شد. بعدها در کابینه مستوفی الممالک به وزارت مالیه رسید. در سال ۱۳۲۳ به نخست وزیری برگزیده شد و پس از مخالفت مجلس با برنامه هایش، از قدرت کناره گرفت.

ملاقات امام آمد؛ امام استعفایشان را نپذیرفته‌اند. باز همان حرف های سال گذشته را مطرح کرد که امکانات کشور در خدمت جنگ نیست و باید یکپارچه وارد جنگ شد. پیشنهاد داشت که امام به خود ایشان، درجه امیری ارتش بدهد که بتواند بر امکانات ارتش دست داشته باشد و از موضع قدرت، همه چیز را در خدمت جنگ بگیرد و با ارتشی ها برخورد کند و برای اینکه بر تعصب سپاهی حمل نشود، از فرماندهی سپاه هم استعفاء نماید. اشکالات این طرح را گفتم، ولی قانع نشد. قرار شد طرحش را بنویسد و بیاورد.

عصر آقای [شیخ حسن] صانعی [رئیس بنیاد پانزده خرداد] و [آقای محمد تقی بانکی] وزیر نیرو و مسئولان طرح سد پانزده خرداد آمدند. توضیحات کافی درباره‌این سد - که به دستور امام، به منظور تامین آب شرب شهر قم ساخته می‌شود - دادند. این سد در شرایط فعلی، پس از تکمیل می تواند آب ۷۵۰ هزار نفر را بدهد. علاوه بر مشروب ساختن اراضی کشاورزی فعلی زیر سد، اگر آب سر شاخه های دز را با تونل به این طرف منتقل کنیم، به اندازه کافی برای قم، کاشان و شهرهای دیگر منطقه، آب خواهد بود. چهارسال دیگر سد کامل می‌شود.

درباره سد ساوه هم توضیح دادند که از رومانی ها گرفته و به پیمانکار ایرانی داده اند و در مورد سد لار گفتند، از نه متر مکعب در ثانیه آبی که از زیر سد نفوذ می کند، دو و نیم متر سد شده و تا تابستان، قسمت عمده آن سد می‌شود. توضیحاتی درباره تأمین آب تهران بزرگ از سد طالقان و سرشاخه‌های رود چالوس و آب‌های زیر زمینی تهران در آینده دادند.

افطار بچه‌ها مهمان فائزه بودند و من در خانه تنها بودم. آنها نزدیک ساعت دوازده شب آمدند. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. رسوائی آمریکا دوباره دارد تازه می‌شود[1].

سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت | ٦ رمضان ١٤٠٧ ـ ٥ می ١٩٨٧

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا نه و نیم در جلسه علنی ماندم. پیش از ظهر

---

۱ - در این روز، اولین اعلام جرم در ماجرای فروش سلاح های آمریکایی به ایران و ارسال پول آن به شورشیان نیکاراگوئه از جانب «لارنس والش» دادستان ویژه این پرونده، علیه «کارل چانل» رئیس بنیاد ملی حراست از آزادی صورت گرفت. چانل باید در مورد تقلب مالی انجام شده با کمک اشخاص شناخته شده و ناشناس پاسخ می داد. او سرهنگ نورث و ریچار دمیلر رئیس شرکت ارتباطات تجاری حبانی را به عنوان شریک جرم معرفی کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد مسئولان کمیته های فرعی کنگره آمریکا از ژنرال سکورد مقام بازنشسته نیروی هوایی آمریکا به عنوان اولین شاهد، سوالاتی کردند.

دکتر روحانی [رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس] آمد. درباره آینده جنگ، بودجه جنگ، مشکلات جاری بین ارتش و سپاه، پیشنهاد فرمانده سپاه برای یکپارچه کردن امکانات و طرح مهندس تکیه برای بصره مذاکره کردیم. مهندس تکیه از سپاه آمد. توضیحی بر طرح انفجار عظیم آورد. اگر این تئوری قابل اجرا باشد، می تواند تغییر عمده‌ای در جنگ به وجود آورد.

آقایان [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر خارجه] و[حسین] شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزیر خارجه] و [علیرضا] معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] و [محمد جواد] لاریجانی [معاون بین الملل و اقتصادی وزیر خارجه] آمدند. برنامه تحرک سیاسی در مقابل تلاش های اعراب[1] و در مجامع بین‌المللی برای پایان جنگ را گفتند و مشورت کردند. آقای بهرامی از لاهه تلفنی اطلاع داد که حکم محکومیت آمریکا در مورد پرداخت پانصد میلیون دلار به ایران صادر و امضاء شده است. اظهار خوش بینی کرد که آمریکا پول را پرداخت کند.

عصر آقای [محمدرضا] باهنر آمد. از عزل امام جمعه بافت توسط دبیر خانه ائمه جمعه شاکی بود. افطار با [اعضای جامعه] روحانیت مبارز، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. بعد از

---

۱ - رادیو بی بی سی، در گزارشی گفت:« دبیرکل جامعه عرب در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در تونس، از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست کرد که به مسئولیت های خود، جهت کسب یک صلح کامل و پایدار بین ایران و عراق از طریق انجام مذاکره عمل کند.» رادیو کویت هم به نقل از «شیخ صباح الاحمد» نایب نخست وزیر و وزیر خارجه کویت گفت: «کویت به خاطر مسئولیت عربی و نیز عضویت در کمیته هفت جانبه عرب، از طرف اتحادیه عرب مأموریت یافته است تا از پایتخت های پنج عضو دائم شورای امنیت، به منظور پیگیری کوشش های مبذول در جهت جلوگیری از جنگ و پایان دادن به نزاع دو کشور عراق و ایران از راه های مسالمت آمیز دیدن کند». به دنبال این اقدامات، وزیران خارجه کشورها ی عربی از ایران خواستند تا پیام صلح آنها را بپذیرد و با ایجاد راه حل مسالمت آمیز در جنگ با عراق، طبق موازین سازمان ملل و قوانین بین المللی، موافقت کند. شورای اتحادیه عرب همچنین در مورد ادامه این جنگ که به تمامیت ارضی یک کشور عضو این اتحادیه و تمامیت عربی آن کشور زیان وارد می سازد، اعلام خطر کرد. شورا جنگ ایران و عراق را یکی از مسائل خیلی مهم جهان عرب توصیف کرده و افزود که ادامه این جنگ، زیان بزرگی برای مسائل سرنوشت‌ساز این کشورهاست. خبرگزاری رسمی اردن گفت: شاه حسین ضمن ارسال پیامی به «لی شیانیان» رئیس جمهوری چین، از وی خواست تا با استفاده از نفوذ خود در مجامع بین المللی، ایران را برای پاسخ گفتن به درخواست های صلح و توقف تجاوزش علیه عراق، تحت فشار قرار دهد.» شاه حسین همچنین اعلام کرد که حمایت چین از تشکیل یک کنفرانس بین المللی صلح در خاورمیانه، با حضور اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل در خور قدردانی خواهد بود و نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت. «علی عبدالله صالح» رئیس جمهور یمنْ شمالی نیز در مصاحبه ای با روزنامه کویتی «الرأی العام» گفته که کشورش پیمان دفاع عربی مشترک را در مورد عراق، کاملاً به اجرا درآورده است. وی افزوده است :« یمن شمالی و مصر دو کشوری هستند که برای مقابله با تجاوزات ایران، پیمان دفاع مشترک عربی را در مورد عراق اجرا کرده اند... نیروهای یمن شمالی از چند سال قبل در یکی از جبهه های اعراب در راه قومیت عربی و اسلامی، همدوش برادرانی که از تمامی امت عربی دفاع می کنند، می جنگند.» وی نام این جبهه را ذکر نکرد.

افطار آقای موسوی اردبیلی در خصوص پرونده سوء استفاده [همایون] انصاری در فروش توپ‌های اتریشی مشورت کرد. سپس با آقایان مهدوی کنی، خامنه‌ای، [محمدعلی] موحدی کرمانی و [علی اکبر] ناطق نوری، تا ساعت ده و نیم جلسه‌ای داشتیم. در این جلسه درباره مجلس و آینده مجلس و ریاست جمهوری و نماز جمعه مذاکره شد.

به خانه رفتم. ساعت یازده شب احمدآقا آمد. درباره پیشنهاد وزیر سپاه برای اصلاح طرح ارتش نوین مذاکره شد که با موافقت امام، متنی برای توصیه حضرت امام به مجلس تهیه شده است.

چهارشنبه ١٦ اردیبهشت | ۷ رمضان ١٤٠٧   ٦ می ١٩٨٧

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد [سازندگی] با گروهی از مسئولان طرح ساخت موشک بالستیک زمین به زمین آمدند. مدعی اند موشک با برد بالاتر از صد کیلومتر تا آبان آماده تولید انبوه می‌شود. در مورد همکاری با سپاه برای تولید و کمک مالی تصمیم‌گیری شد.

در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ شرکت کردم[1]. از عدم همکاری قوه قضائیه و بعضی از دفاتر دولتی گله داشتند. گفتم اشکال ناشی از تندروی‌های کمیسیون و تیره شدن روابط کمیسیون با مجریان است، مخصوصاً موضع‌گیری‌های سیاسی و خطی و تأکید کردم برای موفقیت کمیسیون، لازم است کمیسیون برای مسائل سیاسی و خطی، بی طرف برخورد کند و متین و عادلانه عمل نماید. آنها پیشنهاد تقویت کمیسیون را داشتند.

آقای [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] آمد. وضع جنگ را گفت و طرح پیشنهادی برای جنگ امسال بر اساس مدیریت سپاه و استخدام امکانات ارتش و دولت را آورد. قرار شد نامه‌ای که به امام نوشته‌اند و ممکن است سوء ظن قدرت طلبی را باعث

---

١ - کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی به شکایات مردم از نهادها و ارگان های مختلف رسیدگی می کند. در دور دوم مجلس، آقای مرتضی فهیم کرمانی به عنوان رئیس و آقایان سید فضل الله حسینی برمائی و حسینعلی رحمانی نائب رئیس، فریدون استکی و سید حیدر جعفری، منشی و علی مطهری به عنوان مخبر فعالیت می کردند. اعضای این کمیسیون عبارت بودند از : آقایان محمد علی صاحب الزمانی، سلیمی، ابراهیم عباس‌پور، حجت الله زمانی، سید محمد کاظم موسوی، عباس رحیمی، سید غفار بحارنژاد، سید جواد حسینی، محمد باقر آخوندی و مرتضی شیرازی.

شود، عوض کنند و همراه با طرح، خدمت امام بفرستند.

آقای [ابراهیم] سنجقی هم آمد و از مشکلات سپاه با دکتر روحانی [رئیس کمیسیون دفاعی مجلس شورای اسلامی] گفت؛ توصیه‌به سازش کردم. یک کشتی کویتی امروز زده شده است. آقای [غلامعلی] رشید [معاون عملیات سپاه] اطلاع داد، بارزانی ها در داخل عراق عملیات مهمی داشته‌اند.

عصر هیأت رئیسه [مجلس] جلسه داشت. افطار، سران قوا با علمای شورای نگهبان، مهمان رئیس جمهور بودیم. اعضای [حقوقدان] شورای نگهبان هم بودند. درباره اراضی شهری بحث شد. به جایی نرسیدیم. آقای [علی] بیات، مدعی هیپنوتیزم آمد؛ کار مهمی نتوانست انجام دهد.

پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت | ۸ رمضان ۱۴۰۷ ۷ می ۱۹۸۷

ساعت هفت صبح به مجلس رفتم و تا ظهر در جلسه علنی ماندم. در جلسه علنی، طرح ارتش نوین مطرح بود. نامه وزیر سپاه به امام و توصیه امام در خصوص تأمین نظرات سپاه، توزیع شده بود. مسأله بدون اشکال حل شد. ظهر بعد از نماز خوابیدم. ملاقات را حذف کردم.

[آقای اسدالله بادامچیان] مخبر کمیسیون اقتصادی مجلس آمد. راجع به اختلافات مالی ما و فرانسه و ارجاع آن به داوری تذکراتی داد. عصر برای معلمان که به مجلس آمده بودند، سخنرانی کردم[1]. آقایان [غلامحسین] نادی، [مهدی] طیب و [علی رحم]

---

۱ - در این ملاقات که جمعی از آموزشیاران نهضت سواد آموزی، آموزگاران تهران، دانشجویان مراکز تربیت معلم و اعضای ستاد برگزاری مقام معلم حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به اهمیت بزرگداشت هفته معلم،ضمن تشریح مقام معلم از دیدگاه اسلام، با تأکید بر ضرورت توجه هرچه بیشتر به مسائل تعلیم و تربیت و رشد علمی، فنی اظهار داشت: «معلمان از شریف ترین و عزیزترین اقشار جامعه و سفیران علم و سوادند و با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و بعد گسترده معنوی آن، مسأله تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش از بالاترین درجه ارزش و اهمیت برخوردار است.» ایشان سپس به تشریح فعالیت های جمهوری اسلامی در مورد آموزش و پرورش و نارسایی‌ها و کمبودهای موجود در این زمینه پرداخت و با اشاره به تأثیر باز دارنده مشکلات ناشی از جنگ در حل مسایل آموزش و پرورش گفت: «آموزگاران ما به خوبی شرایط جنگی کشور را درک کرده اند و امروز فرهنگیان کشور جزو وفادارترین پشتیبانان انقلاب اسلامی هستند و حضور گسترده معلمان، دانش آموزان، کارکنان و دانشجویان تربیت معلم و نیز شهادت آنان، نشانگر آن است که محیط فرهنگی، با وجود محدودیت ها و کمبودها، ارزش‌های انقلاب اسلامی را فهمیده و با آن صمیمی است. یکی از حربه های کشورهای

یوسف‌پور آمدند. در مورد خریدهای نظامی پیشنهادهایی داشتند.

[سرتیپ محمد حسین جلالی] وزیر دفاع اطلاع داد که موردی برای فروش موشک فونیکس پیدا شده است؛ بعید می‌دانم انجام شود. آقای [مصطفی] ترابی و آقای [علی] یونسی آمدند و راجع به سازمان حفاظت اطلاعات ارتش مطالبی گفتند.

عصر به خانه رفتم. آشیخ حسین هاشمیان و جمعی از بستگان، افطار مهمان بودند. با تفریح و بذله گویی گذشت. او افراد حاضر را دست می‌انداخت.

جمعه ۱۸ اردیبهشت | ۹ رمضان ۱۴۰۷   ۸ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. احمدآقا آمد. درباره صادق طباطبائی گفت که می‌خواهد برای حل مشکل پرونده‌اش در آلمان اقدام کند. همچنین راجع به مسأله ارتش و سپاه که در قانون ارتش مشکل پیش آمده، صحبت شد.

آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. درباره تبلیغات جریان رسوائی آمریکا مذاکره کرد. پیشنهاد داشت برای منفعل کردن آمریکایی ها در رابطه با "ایران گیت" مصاحبه‌ای بکنم.

آقای سرهنگ جمالی آمد و برنامه عملیات آینده ارتش را گفت.

آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه]، تلفنی اطلاع داد که شوروی دیشب در مورد کشتی‌اش که زده شده است، یادداشت اعتراض داده است. برای جواب آن مشورت کرد. گفتم روشن کنید که ما نزده‌ایم.

شنبه ۱۹ اردیبهشت | ۱۰ رمضان ۱۴۰۷   ۹ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. پیش از ظهر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. درباره بنیاد تدوین تاریخ

↩استکباری، مساله فرار مغزها و جذب نیروهای کارآمد و متخصص جهان سوم توسط کشورهای صنعتی پیشرفته است. آنها با دادن امکانات، سعی دارند هر طور شده نیروهای متخصص جهان سوم را به سوی خود بکشانند و امروز، مراکز تحقیقاتی مهم آنان، بیشتر از محققان و متخصصان کشورهای جهان سوم استفاده می کنند. از این رو، چنانچه کشور ما بخواهد، خود را پا برجا نگه دارد، باید همان گونه که برای حفظ آثار با ارزش و عتیقه کشور، ممنوعیت ایجاد می کند، برای نگاهداری نیرو های متخصص و با ارزش نیز کوشش و چاره اندیشی کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

انقلاب صحبت کرد و پیشنهادهایی درباره بحث استکبار و استضعاف آورد. امروز ارتشی‌ها برای مقابله با تصویب پیشنهاد سپاه در طرح قانونی ارتش کمک خواستند. سپاه از امام خواسته که روی همکاری نیروهای سه گانه ارتش با نیروهای سه گانه سپاه تاکید شود و امام تایید کرده‌اند؛ ارتشی‌ها راضی نیستند. این از عوامل تثبیت سه نیروی سپاه است.

بالاخره آخر شب به منزل آمدند و حرف تازه‌ای جز آنچه در تلفن گفته بودند، نداشتند. نامه‌ای هم به امام نوشته‌اند و رئیس جمهور برای رسیدن آن به دست امام کمک کرده‌اند، ولی امام جواب مساعدی به آنها نداده و فرموده‌اند، در این باره چیز جدیدی نخواهند فرمود.

آقای صادق طباطبایی به منزل آمد و گزارش داد. مقامات آلمانی از او خواسته‌اند برای نجات گروگان هایشان در لبنان کمک کند. او هم خواسته، وی را از اتهام در پرونده تشکیل شده در آن کشور تبرئه کنند و پرونده را مختومه اعلام نمایند، تا وارد ماجرا بشود[1]. از من خواست اگر در این رابطه، فرستاده آنها با پیام رئیس مجلس و صدر اعظم آلمان به ایران بیاید، او را بپذیرم و کمک کنم. اطلاع داد که از بدهی فروشندگان متقلب تانک، حدود پنج میلیون دلار دیگر مانده و در دعوای با بیمه، در مرحله اول رأی به نفع بیمه صادر شده است.

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت | ۱۱ رمضان ۱۴۰۷   ۱۰ می ۱۹۸۷

اول وقت، دکتر روحانی به دفترم آمد. درباره کیفیت تأمین نظر امام راجع به طرح ارتش صحبت شد. نگران نتیجه اختلاف نظر سپاه و ارتش و کمیسیون [امور دفاعی مجلس] است.

آقای محسن رضایی هم از منطقه، در خصوص تأمین نظر سپاه، تلفنی تاکید نمود. آقای سنجقی هم آمد و در همین خصوص مطالبی گفت.

---

۱ - دکتر صادق طباطبایی در زمستان سال ۱۳۶۱ در دوسلدورف آلمان دستگیر شد. در دادگاه بدوی به سه سال زندان محکوم گردید، اما با مشخص شدن توطئهٔ ضد انقلاب و اینکه تریاک در ساک وی قرار داده شده بود، دادگاه عالی آلمان حکم برائت برای وی صادر کرد. امام خمینی(ره) در آن موقع از وزارت خارجه خواستند به طور رسمی اقدام کند و جلوی توطئهٔ احتمالی گرفته شود. آقای طباطبایی در آن سال ها در زمینهٔ تهیهٔ ملزومات تسلیحاتی جنگ فعالیت می کرد. وی در دورهٔ اول انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا بود.

تا ظهر در جلسه علنی ماندم و بالاخره با درایت، نظرات سپاه گنجانده شد و ارتشی ها هم ناراضی نبودند، چون خوف بیش از این را داشتند. گرچه ظهر آقای سنجقی آمد و اظهار نارضایی از طرف سپاه کرد.

آقای دکتر هادی آمد و گفت تبلیغات علیه آمریکا - که پیشنهاد هیأت خودشان بود - چند روزی به تاخیر بیفتد تا پول ایران وصول شود. با گروهی از اعضای لشکر المهدی(عج) که به مجلس آمده بودند، احوالپرسی کردم.

ظهر احمدآقا مرعشی و شیخ‌الرئیس برای [مشورت درباره] بازنشستگی سردفترها آمدند. خانم [مرضیه] دباغ آمد و گزارش سفر به سودان و لندن را داد؛ مثبت است. دکتر [محمد] فرهادی [وزیر فرهنگ و آموزش عالی] و فیض نماینده ما در یونسکو آمدند. درباره مدیرکل آینده یونسکو و موضع گیری ایران مشورت کردند. بیشتر نظر ما بر آقای "مختار امبو" مدیرکل قبلی است و احتمالاً جانشین او از پاکستان باشد[1].

آقای [حمید حاجی] عبدالوهاب استاندار گیلان آمد و وضع آنجا را گفت: ضعف قوه قضائیه، مخالفت بی مورد رئیس دانشگاه گیلان با امام جمعه و نیاز به مرزداری قوی تر در آب های خزر؛ تأکید کردم از سپاه استفاده شود.

آقای رفیق‌دوست برای گرفتن ارز و ریال بیشتر برای سپاه آمد. آقای دانش استاندار همدان آمد؛ حرف تازه‌ای نداشت. آقای [حبیب الله] عسگراولادی آمد. برای بودجه کمیته امداد [امام خمینی] استمداد کرد و خواست در جلسه حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کنم.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. درباره حمله به کشتی شوروی بحث شد. با اینکه بدون دستور بوده و دلیل بی نظمی است، اثرات آن تاکنون مثبت بوده است. درباره وضع جنگ و درخواست های سپاه برای مدیریت امر جنگ بحث و مخالفت شد. با آمدن افراد آلبرت حکیم برای تعمیر فونیکس‌ها مخالفت شد. قرار شد برای تبلیغات روانی علیه آمریکا، تا معلوم شدن وضع پرداخت ۴۵۳ میلیون دلار - بدهی آمریکا به حکم دادگاه لاهه - صبر کنیم. احمدآقا گفت امام اجازه نرخ گذاری دولت، برای کنترل قیمت ها را

---

۱ - با تلاش کشورهای غربی، "فدریکو مایور" وزیر فرهنگ اسپانیا به جای احمد مختار امبو مدیر کل سنگالی یونسکو، انتخاب شد. او برنامه های مستقل سازمان یونسکو را به سمت خواسته های غرب پیش برد. در دوره مختار امبو، آمریکا، انگلیس و سنگاپور در اعتراض به سیاست‌های یونسکو، از این سازمان خارج شده بودند.

داده‌اند. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت | ۱۲ رمضان ۱۴۰۷ ۱۱ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. به مشهدی رجب گفتم استخر را برای استفاده تابستان تمیز کند. عصر آقای [حسین] مهدیان آمد. راجع به خیریه [ابوالفضل] تولیت و خیریه ثلثی اخوان فرشچی مطالبی داشت و از فشار بعضی نمایندگان برصندوق‌های قرض‌الحسنه و سازمان اقتصاد اسلامی گله کرد.

آقای جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش]، تلفنی وضع جبهه را گفت. دیشب دشمن در ارتفاعات غرب سردشت تک محدودی داشته که شکست خورده است. منافقین [= اعضای سازمان مجاهدین خلق] هم همراه عراقی‌ها بوده‌اند که جنازه چهار نفر آنها بدست آمده است.

عفت، افطار مهمان همسر امام بود. محسن برای پسته کاری در زمین‌های البرز که قبل از انقلاب شروع شده و بعداً متوقف بود ، امروز به قم رفت و افطار برگشت.

سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت | ۱۳ رمضان ۱۴۰۷ ۱۲ می ۱۹۸۷

تا ساعت نه و نیم صبح در جلسه علنی مجلس بودم. به دفترم آمدم. آقای آقامحمدی برای توضیح برنامه‌های قرارگاه رمضان آمد. آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] برای ترتیب کارهای امور مالی جنگ آمد. ملاقات های ظهر را لغو کردیم. آقای [سیدمحمد] غرضی [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد و گزارش وضع مخابرات را داد؛ خیلی راضی است.

عصر [آقای فاروق الشرع] وزیر خارجه سوریه آمد و پیام آقای حافظ اسد و گزارش

مذاکرات با روس ها در سفر شوروی را آورد[۱]. مدعی است روس ها مایلند با ما روابط حسنه داشته باشند و آماده‌اند در عراق هم به تفاهم برسیم. احتمال قبول حذف صدام را می دهند. اجازه دادیم که حافظ اسد در این خصوص اقدام کند. به طور مبهم نوعی مذاکره بین عراق و سوریه را پذیرفت، ولی اطمینان داد که جهت سوریه، حفظ دوستی ایران است و جریان به نفع [ما] تمام می‌شود.

عصر به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی رفتم. افطار مهمان آیت الله خامنه‌ای بودیم. بعد از نماز با آقای خامنه‌ای درباره حزب [جمهوری اسلامی] و آینده آن بحث کردیم. قرار شد در جلسه بعدی شورای مرکزی شرکت کنم؛ مدتی است که به خاطر یک بعدی شدن حزب، شرکت نمی‌کنم[۲].

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت | ۱۴ رمضان ۱۴۰۷ ۱۳ می ۱۹۸۷

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر [امور اقتصادی و] دارائی آمد. از مشکلات احتمالی ارزی در سال جاری گفت و خبر داد که به همین دلیل از سهمیه ارزی دفاع هم کاسته‌اند. سفیر دانمارک، سفیر سوئد و سفیر کوبا جداگانه آمدند و راجع به توسعه روابط حرف زدند. سفیر دانمارک برای کانادا درخواست توسعه روابط

---

۱ - آقای فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه در این دیدار ضمن تشریح نتایج سفر حافظ اسد به کشور شوروی، مواضع سوریه در ارتباط با اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین در الجزایر را بازگو کرد. آقای هاشمی مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد مسایل منطقه و همچنین جنگ ایران و عراق را یادآورشد و گفت: «مهمترین مسئله ما با روس ها، حمایت آنها از عراق است. ما در مورد آینده عراق صریح هستیم و هیچ هدفی غیر از حاکمیت یکپارچه ملت عراق نداریم و امیدواریم بعد از صدام بتوانیم با کمک شما، شرایطی در منطقه بوجود آوردیم، تا آمریکا نتواند در منطقه جائی داشته باشد. فکر اینکه ما می خواهیم به کشورهای دیگر تجاوز کنیم، فکر دروغی است ولی باید کاری کنیم که منطقه از لوث وجود امپریالیسم پاک شود. در عراق یک عنصر حاکم است که آمریکا و شوروی به آن اطمینانی ندارند. در عراق هیچ اصول منطقی حاکم نیست، حتی در رابطه با مسایل اعراب و اسرائیل، با رفتن صدام مشکلی که برای شما و مردم لبنان است حل می شود و فلسطینی ها هم به همین دلیل الان چند پارچه اند. اگر ما، شما و عراق و لبنان با هم باشیم، مسئلهٔ فلسطین حل خواهد شد». آقای هاشمی از مواضع سوریه نسبت به مسلمانان لبنان تشکر کرد.

۲ - حزب جمهوری اسلامی دارای دو جناح عمده بود. جناح چپ که جناح غالب حزب بود شامل افرادی چون آقایان میرحسین موسوی، مسیح مهاجری، محمد رضا بهشتی، جواد اژه ای، ابوالقاسم سرحدی زاده، حسین کمالی، عبدالمجید معادیخواه و رسول منتجب نیا می شد. جناح راست حزب جمهوری اسلامی هم افرادی مانند آقایان عبدالله جاسبی، اسدالله بادامچیان، جواد منصوری، محمد رضا باهنر، مصطفی میرسلیم، اکبر پرورش، سید رضا زواره ای و مرتضی نبوی را در برمی گرفت.

داشت و در مورد همکاری بیشتر در صیادی صحبت شد[۱]. با سفیر سوئد[۲] در مورد توسعه روابط با انگلستان و کمک به نجات «تری ویت» و ربوده شدگان ایرانی در لبنان و با سفیر کوبا درباره حرکت جدید شوروی در خلیج فارس بحث شد[۳]. ظهر [مسئولان] روابط عمومی [مجلس شورای اسلامی] برای برنامه هفته مجلس آمدند.

اعضای هیأت بین‌المجالس آمدند و گزارش سفر و اقدامات در نیکاراگوئه را دادند[۴].

---

۱ - در این دیدار سفیر دانمارک به عنوان حافظ منافع کانادا در ایران، درخواست نمود که جمهوری اسلامی ایران نسبت به برقراری روابط با کانادا اقدام نماید. آقای هاشمی نیز موافقت خود را با بررسی مجدد روابط توسط وزارت امور خارجه اعلام کرد. ایشان درخصوص درخواست گسترش همکاری های اقتصادی در زمینه صید ماهی و صنعت صیادی در خلیج فارس گفت: «این همکاری مشروط بر این است که ملوانان دانمارکی، دیگر مطالب کذب و نادرست در رابطه با حمله سلاح به جمهوری اسلامی ایران را تکرار نکنند.»

۲ - در این دیدار، سفیر سوئد با ارائه گزارشی از وضعیت کشورش پس از مرگ اولاف پالمه در خصوص تقاضای اسقف اعظم کانتربری در رابطه با تری ویت - گروگان در لبنان - و همچنین نحوه فعالیت سازمان ملل در خصوص خاتمه جنگ، مطالبی را بیان نمود. آقای هاشمی نیز ضمن اشاره به شخصیت اولاف پالمه، وی را مردی منصف و واقع بین توصیف کرد و مرگ وی را یک توطئه قلمداد نمود و در ارتباط با تقاضای اسقف اعظم کانتربری اظهار داشت: «ما هنوز منتظر جواب از سوی ایشان هستیم. هر چند که فعالیت هایی نیز در جهت پیدا کردن سرنخی از تری ویت داشته ایم و زیاد هم نا امید نیستیم. ما قبلاً هم گفته ایم سازمان ملل می تواند خیلی کار کند ولی باید عادلانه و واقع بینانه و به عنوان یک ناظر بی طرف، با توجه به مظلومیت ایران برخورد نماید. شاید اقدامات سازمان ملل در جهت جلوگیری از تجاوز، امکان اجرائی نداشته باشد، اما برای این سازمان، امکان گفتن حقایق وجود دارد. سازمان ملل که می داند، رژیم عراق جنگ را آغاز نموده است، چرا آن را با صراحت اعلام نمی کند و تجاوزگر را محکوم نمی نماید. اگر سازمان ملل با صراحت و بدون ابهام اعلام کند که عراق آغازگر جنگ بوده است. در زدن شهرها پیشقدم بود، علیه مردم ایران و عراق سلاح شیمیایی به کار برده است، برخلاف قوانین بین المللی به هواپیماهای مسافربری حمله کرده، در زدن کشتی های تجاری و نفتکش ها نیز پیشقدم بوده است و محیط زیست را آلوده کرده و غیر نظامیان را نیز به امارات برده است، در خاتمه جنگ کمک زیادی کرده است.»

۳ - در این دیدار، سفیر کوبا ضمن اعلام سفر قریب الوقوع وزیر امور خارجه کوبا به ایران ابراز امیدواری کرد که سطح روابط تجاری و فرهنگی دو کشور در سطح روابط سیاسی گسترش یابد. آقای هاشمی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران، برای کشور کوبا و رهبر آن اهمیت ویژه ای قائل است، اظهار امیدواری کرد که روابط دو جانبه بیش از پیش توسعه پیدا کند. ایشان با اشاره به مواضع شوروی در مورد مسائل منطقه و خلیج فارس گفت:« ما برای این حرکات شوروی تعبیر منطقی و عاقلانه ای نمی بینیم. شوروی چگونه حمایت از یک رژیم دیکتاتور و تجاوزگر همچون رژیم بعث عراق را بر یک انقلاب عظیم ضدامپریالیستی ترجیح می دهد؟ سران شوروی اگر فکر می کنند که عراق به آنها وفادار می ماند، در اشتباهند. چرا که عراق اکنون از یک طرف در محاصره قدرت مالی عربستان سعودی و کویت است و از طرف دیگر از راه های تدارکاتی اردن و ترکیه، همچنین از همکاری مصر استفاده می کند و این کمک های همه جانبه به عراق هم با خواست و اراده آمریکا انجام می گیرد و این کشورها نیز منافعشان با شوروی در یک جهت نیست. کشورهای وابسته به آمریکا که حامی عراق هستند، چطور جرأت می کنند، بدون اجازه آمریکا، پای شوروی را در منطقه باز کنند، اگر اینها حضور شوروی در منطقه را خواسته اند، به معنای این است که آمریکا خواهان حضور شوروی در منطقه می باشد، بنابراین باید گفت که شوروی در این قضیه در دام آمریکا افتاده است.»

۴ - هفتاد و هفتمین کنفرانس بین المجالس، از تاریخ ۷ الی ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ در شهر ماناگوا پایتخت کشور نیکاراگوا برگزار شد. گروه پارلمانی جمهوری اسلامی ایران، هیأتی مرکب از دکتر موسی زرگر، احمد عزیزی، حسین سبحانی نیا، علی موحدی ساوجی، خانم مریم بهروزی، و خانم گوهرالشریعه دستغیب را جهت اعزام به کنفرانس مذکور تعیین نمود. با انصراف آقای احمد عزیزی و خانم‌ها

عصر هیأت رئیسه [مجلس] جلسه داشت. مطابق معمول در جلسات نشست هیأت رئیسه برنامه‌های هفتگی مجلس و امور مهم کارها بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود. امروز عراق به دو پالایشگاه اصفهان و تبریز حمله کرده است. خسارت کم بوده، ولی احتمالاً شروع حمله به مراکز غیر صنعتی است.

افطار با دیگر سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. امام بعد از افطار به جلسه آمدند. آقای رئیس جمهور و من گزارش سفر وزیر خارجه سوریه را دادیم. امام احتمال دادند اقدام شوروی از ترس توجه ما به آمریکا است. بمباران امروز عراق، عکس‌العمل صدام از ناراحتی پخش گزارش هیأت سازمان ملل درخصوص استفاده عراق از اسلحه شیمیائی و عدم دلیل بر استفاده ایران از شیمیائی است[1].

دستغیب از عضویت در هیأت اعزامی، به جای آنها افراد ذخیره آقایان اسماعیل فدائی و سید جلیل سیدزاده، جهت عضویت در هیأت اعزامی انتخاب شدند. سرپرستی این هیأت را آقای علی موحدی ساوجی به عهده داشت. برخلاف روال گذشته، هیأت ایرانی در این اجلاس، دارای یک نماینده زن بود تا بتواند در گردهمائی نمایندگان زن پارلمان های شرکت کننده در کنفرانس - که یک روز قبل از برگزاری هفتاد و هفتمین کنفرانس در ماناگوا برگزار شد - شرکت نماید. روز یکشنبه ۱۳۶۶/۲/۶ خانم مریم بهروزی در گردهمائی نمایندگان زن در ماناگوا شرکت کرد و در سخنرانی خود، مواضع ایران را در ارتباط با حقوق زن و پایگاه زن ایرانی از دیدگاه قرآن تشریح نمود. موضوع کنفرانس بین المجالس و تشریک مساعی پارلمان ها در چهارچوب اقدامات بین المللی به منظور تشکیل کنفرانس صلح خاورمیانه، اجرای تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون مسئله لبنان و پشتیبانی از تلاش های بین المللی به منظور پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق و تأثیر اینگونه تلاش ها در جهت برقراری صلح در منطقه، حوزه مدیترانه و جهان بود.
در رابطه با دستور کار، هیأت ایرانی یک قطعنامه به کنفرانس ارائه نمود که طی آن اشغال سرزمین های فلسطین و قدس را توسط اسرائیل محکوم و خواستار خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از این منطقه شده بود. در ارتباط با جنگ تحمیلی نیز هیأت ایران، ضمن محکوم کردن آغاز جنگ و استفاده مداوم سلاح های شیمیائی و بمباران مناطق مسکونی توسط رژیم عراق، از تلاش های دبیرکل مبنی بر اعلام آغاز گر جنگ و حل عادلانه آن استقبال نموده بود. در قطعنامه نهائی کنفرانس، موضوع منع استفاده از سلاح های شیمیائی، عدم حمله به مناطق مسکونی و لزوم تعهد به توافقنامه ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ سازمان ملل مبنی بر عدم حمله به شهرها و مناطق مسکونی، عدم دخالت مسلحانه در منطقه (که این امر در رابطه با دخالت ناوگان آمریکا در خلیج فارس مطرح شده است) درخواست شد. ضمناً از تلاش‌های دبیرکل، جهت یافتن راه حل عادلانه جنگ حمایت شده بود. در این مورد هیأت ایرانی اعلام نمود که این تلاش ها باید از مسئله تجاوز و خسارت های وارده توسط عراق در ایران آغاز شود. گروه پارلمانی جمهوری اسلامی ایران، به جهت گنجاندن کلمه خلیج به جای (خلیج فارس) در متن قطعنامه، به این قطعنامه رأی ممتنع داد.

۱ - شورای امنیت سازمان ملل در روز ۲۴ اردیبهشت، با صدور بیانیه ای استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ عراق با ایران را به شدت محکوم کرد. گرچه در گزارش هیأت تحقیق سازمان ملل تصریح شده است که عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرده، این بار نیز شورای امنیت، عراق را صریحاً محکوم نکرده بود. این سومین بار است که پانزده عضو شورای امنیت سال ملل، طی سه سال، دست به چنین اقدامی می‌زنند. در این بیانیه آمده است:« شورای امنیت از گزارش های کارشناسی چهار نفره سازمان ملل که استفاده مکرر از سلاح های شیمیایی به وسیله نیروی عراقی، علیه نیروهای نظامی و غیر نظامیان ایران را کشف کردند، عمیقاً وحشت زده شده است. اعضای شورا بار دیگر استفاده مکرر از سلاح های شیمیایی به عنوان نقض آشکار پروتکل سال ۱۹۲۵ ژنو، مبنی بر منع آشکار استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ را به شدت محکوم می کند. اعضای شورا، بار دیگر موکداً درخواست می کنند که مواد پروتکل ژنو، دقیقاً ملاحظه و رعایت

گزارش وضع جنگ را دادم. امام از وضع روحی ضعیف بعضی از فرماندهان ابراز تأسف کردند و بعضی را هم ستودند و قبول کردند که برای بسیج نیرو مطلبی بفرمایند. بحث جلسه درباره کمبودها و گرانی‌ها بود.

آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر، ضمن ارائه گزارشی از کمبودها و مشکلات، خواستار اختیارات فوق‌العاده برای کنترل نرخ ها و اصلاح وضع توزیع شد. آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی - مشروط به استفاده از گروه کارشناسی برای طرح و اجرا - موافقت کردند که نخست وزیر نپذیرفت و احمدآقا در نتیجه بخش بودن اقدامات، تردید داشت. بالاخره قرار شد از طریق تصویب مجلس، برای اختیارات نرخ گذاری و کیفر محتکران و گرانفروشان اقدام شود.

پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت | ۱۵ رمضان ۱۴۰۷   ۱۴ می ۱۹۸۷

نزدیک ساعت هشت صبح به مجلس رسیدم. قبل از جلسه، یکی از کارکنان سفارت ما در بلژیک، همراه آقای [سیدمحمود] دعائی آمد و گفت یکی از کاندیداهای انتخابات آینده ریاست جمهوری فرانسه، مایل است برای مسأله گروگانها به ایران بیاید و یک دیپلمات آمریکایی گفته که آنها مایل به ادامه مذاکره در باب گروگان ها و روابطند.

قبل از دستور، سخنان کوتاهی درباره بیانیه دبیرکل سازمان ملل در محکومیت عراق به علت استعمال اسلحه شیمیایی و تبرئه ایران داشتم[1]. تا ساعت ده در جلسه ماندم. پیش از

شود. اعضای شورای امنیت همچنین ادامه جنگ را که باعث ادامه تحمل تلفات زیاد نیروهای انسانی و خسارات سنگین مادی به طرفین گشته و صلح و امنیت را در منطقه به خاطره می اندازد، محکوم کردند اعضای شورا نگرانی شدید خود را نسبت به خطر گسترش جنگ به سایر کشورهای منطقه ابراز داشته و درخواست خود را برای احترام به حق حاکمیت کلیه کشورهای منطقه تکرار می کنند».

۱ - در این نطق آمده است: «کمیسیون مأمور تحقیق در کاربرد سلاح شیمیائی در ایران و عراق، اولین گزارش خود را داد و آنجا تصریح کرد که عراق اخیراً متوسل به استعمال وسیع اسلحه شیمیایی و گازهای سمی در ایران شده و برخلاف ادعای عراق که اخیراً مدعی شده بود، ایران هم علیه عراقی ها اسلحه شیمیائی بکار برده، آنها در عراق هیچ شاهد و دلیلی بر اینکه، ایران چنین اقدامی کرده باشد، ندیده اند. به نظر ما وقت این رسیده که سازمان ها و مراجع بین المللی از این بی تفاوتی و حالتی که همه اصول و مقررات بین المللی را به مسخره می‌گیرد و آنها را بدون متولی و بدون حامی گذاشته است، در بیایند و به اعمال این حزب بعث جسور، گستاخ و متجاوزی که این گونه جنایات را مکرراً مرتکب می شود برای توجیه اعمال خود به جمهوری اسلامی که مظلومانه در این صحنه از خود دفاع می کنند و

ظهر در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم.

[سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نیروی زمینی ارتش آمد. اطلاع دادکه اسرای عراقی گفته‌اند از محل و تاریخ حمله آینده ارتش عراقی‌ها خبر دارند. قرار شد قبل از عملیات، بیشتر بررسی بشود. نامه استعفای آقای [علی] شمخانی از فرماندهی نیروی زمینی سپاه را آوردند؛ نگران شدم. به نظر می‌رسد از آقای محسن رضایی ناراضی است؛ اگر سیاسی کاری برای گرفتن امتیازات بیشتر نباشد.

ظهر آقای حمید بهرامی آمد. گزارش وضع دادگاه لاهه را داد و متن حکم محکومیت آمریکا را آورد. از دیروز در بعضی از شهرهای استان سلیمانیه عراق، بین مردم و ارتش عراق، درگیری شروع شده و پیروزی از مردم است. نیروهای مسلح مردمی هم به مردم کمک می‌کنند؛ گویا عراق می‌خواهد مردم را به جای دیگر کوچ دهد. عصر در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم و افطار مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۵ اردیبهشت | ۱٦ رمضان ۱٤۰۷ ۱۵ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. آقای موسوی اردبیلی نماز جمعه را اقامه کرد. تا ظهر وقتم به مطالعه و انجام کارهای عقب مانده گذشت. اطلاع دادند که عراق به یونیت ۲ اهواز و یک کشتی حمله کرده است. دستور مقابله به مثل داده شد. عصر آقای ورزدار معاون تیم محافظم آمد. او از سرتیم گله داشت.

شنبه ۲٦ اردیبهشت | ۱۷ رمضان ۱٤۰۷ ۱٦ می ۱۹۸۷

مطابق معمول در منزل بودم. کمی به اصلاح کتابخانه پرداختم. به [آقای محسن رفیق دوست] وزیر سپاه تأکید کردم که در امر تولید موشک طراحی شده جهاد، اهتمام ورزد.

متوسل به این گونه موارد نمی شود، تهمت می زند و مرتکب دروغ می شود، توجه کنند». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

به محسن گفتم که برای بازدید از طرح موشکی ابتکاری آنها [= موشک مجتمع]، همراه تیمی از متخصصان موشکی سپاه به جهاد بروند.

آقای [محمدحسن] رحیمیان آمد. مصاحبه مفصلی درباره وضع موجود جنگ و افق آینده با مجله پاسدار اسلام انجام دادم[1]. با آقای سید عیسی طباطبائی که از لبنان آمده ملاقات داشتم. پیشنهاد داشت که نماینده امام در لبنان تعیین بشود و مؤسسه علمی و دینی در جنوب لبنان ساخته شود. ایشان در دوران محاصره اردوگاه های فلسطینی توسط سازمان امل، در اردوگاه راشدیه صور کنار فلسطینی ها مانده بود و آثار خوبی داشت. گزارش تلخی از مصائب، گرسنگی و امراض داد که خود ایشان هم مریض شده بود.

عصر [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نیروی زمینی ارتش آمد. وقت عملیات آینده را مورد مشورت قرار دادیم. افطار محافظانم مهمان ما بودند. بعد از افطار مشکلاتشان را گفتند. عفت به تنهائی خیلی زحمت کشیده بود.

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت | ۱۸ رمضان ۱۴۰۷ — ۱۷ می ۱۹۸۷

در جلسه علنی مجلس، لایحه ارجاع اختلافات با فرانسه در مورد وام ایران به داوری مطرح بود. قبل از جلسه به خواست [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر دارائی، تذکر دادم که ارقام در سخنان نیاید تا مورد سوء استفاده دشمنان قرار گیرد.

---

۱ - در این مصاحبه که با عنوان بررسی مسأله جنگ و مهمترین مسائل داخلی و خارجی، در شماره ۶۶ ماهنامه پاسدار اسلام (خرداد ۱۳۶۶) به چاپ رسیده است، درباره جنگ و افق آینده آن، بحران در خلیج فارس، برخورد با مشکلات ، ماجرای مک فارلین و سلاح آمریکایی، رابطه با آمریکا و مسأله رهبری آینده انقلاب مطالبی مطرح شده است. در بخشی از این مصاحبه آمده است: « جنگ برای هر دو طرف مشکل است. ما وقت زیاد، نیروهای زیاد و بودجه زیادی که الان داریم، خرج جنگ می کنیم و مشکلاتی که الان در کشورمان داریم، از گرانی گرفته تا کمبودها و شهادت‌ها و معلول ها و خسارت ها و امکانات زیادی که صرف جنگ می شود، باید تمام اینها صرف عمران می‌شد، ولی اهمیت این جنگ و تأثیرش در آیندهٔ منطقه و دنیا و کشور خودمان، آن قدر هست که در محاسبه، نتیجه برای ما مشخص است: ما باید این خسارت ها را تحمل کنیم، تا اینکه عواقب خوب پیروزی را برای منطقه و مردممان هدیه کنیم. مردم ما هم این مسئله را تشخیص داده اند و حاضر به فداکاری هستند، برای اینکه می فهمند که اگر این جنگ بدون حذف صدام و حزب بعث، بخواهد پایان پذیرد، تبعاتی که در آینده خواهد داشت، به مراتب بدتر از این خسارت‌هایی است که الان تحمل می کنیم و اگر با پیروزی اسلام، این جنگ خاتمه پیدا کند، آن قدر عواقب خوب و زیبا خواهد داشت که تمام این تلخی ها را شیرین می کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

قبل از دستور از سخنان آیت‌الله منتظری که با اعلان سالگرد مجلس به عنوان «روز قانون» موافقت کرده‌اند، تشکر کردم[1]. تا آخر در جلسه ماندم تا تصویب شد. ظهر چند ملاقات داشتم. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد [سازندگی] آمد و برای تصویب لایحه ادغام دو وزارت خانه جهاد و کشاورزی استمداد کرد.

عصر با [یوسف بن علوی بن عبدالله] وزیر مشاور در امور خارجه عمان ملاقات نمودم. از موضع برادر کوچک برخورد می کرد و نامه سلطان قابوس را آورده است. من هم مفصل درباره امنیت خلیج فارس و روابط کشورهای منطقه صحبت کردم و به عمل کویت اعتراض نمودم[2].

آقای [سیدمحمد علی] ابطحی مدیر رادیو [= صدای جمهوری اسلامی] آمد و گزارش عملکرد داد. درباره سخنرانی‌ها تذکراتی دادم. هیأت مرکزی واگذاری زمین

---

۱ - در این نطق آمده است:« تشکر می کنیم از مقام محترم قائم مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری که تأیید فرمودند، سالگرد مجلس شورای اسلامی به عنوان روز قانون مطرح بشود و این چیزی است که حق مجلس شورای اسلامی است که متولی قوانین کشور است و نیز از ایشان صمیمانه متشکریم که راهنمائی های ارزشمندی در مورد عمل به قانون و رسیدن به مستضعفان و جلوگیری از تجاوز به قانون و تعدی زورمندان فرمودند که ان شاء الله مجریان کشور و دستگاه های قضائی به این اندرزهای ارزشمند ایشان توجه خواهند کرد و منشاء اثر خواهد بود و رسانه های عمومی برای هفته مجلس و تثبیت این نامگذاری، وظایف خودشان را ان‌شاءالله انجام می دهند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آقای هاشمی در این ملاقات، در پاسخ به ابراز نگرانی وزیر خارجه عمان از وجود تشنج در روابط ایران و کویت، ضمن ننگ آور خواندن اقدام کویت در دعوت از ابرقدرت ها برای حضور در خلیج فارس گفت: «اگر روس ها با چند هزار سرباز توانستند در افغانستان کاری انجام دهند، در خلیج فارس نیز می توانند. حرکت بچه گانه ای که کویت اخیراً انجام داد، به مانند حرکت کشورهایی که در گذشته برای حفظ نوکری خود، زیر پرچم کشورهای استعمارگر و یا به تحصن در سفارتخانه آنها می پرداختند، شباهت دارد. مطمئناً ادامه چنین حرکاتی برای آنها سودی نخواهد داشت. ما از کویت انتظار داریم که شریک صدام در جنگ با ایران نباشد. در شرایطی که عراق از آسمان کویت برای حمله به کشتی ها در خلیج فارس استفاده می کند، ما نمی توانیم دست روی دست بگذاریم و به کسانی که این امکانات را در اختیار عراق بگذارند، چیزی نگوئیم. اگر امکانات کویت و برخی کشورهای منطقه نباشد، عراق نمی تواند چنین کاری انجام داد. ایران اهمیت صدور نفت برای کشورهای خلیج فارس را می داند و حاضر است از دشمنی های گذشته چشم پوشی کند و از امکانات خود به نفع کشورهای منطقه استفاده نماید، مشروط براینکه آنها از صبر و حوصله ایران سوء استفاده نکنند. تنگه هرمز جزو حساس‌ترین نقاط استراتژیک جهان است و ایران و عمان در دو طرف این تنگه هستند. دیگران نباید خودشان را در امنیت منطقه، به اندازه‌ای که ما ذیحق هستیم، ذیحق بدانند. ما و شما مسئولیت حفظ این دروازه را داریم». آقای یوسف بن علوی وزیر خارجه عمان نیز در این ملاقات با اشاره به روابط تاریخی دو کشور گفت: «در روابط دو جانبه، الحمدلله هیچ نکته ای که حاکی از عدم توافق بین دو کشور باشد، نبوده است، بلکه همه مسائل در راستای تفاهم و ارتباط دوستانه دو کشور می باشد. ما در ملاقات هایمان به همه ابلاغ کرده ایم که ممکن نیست در کاری که فشار به برادران ایرانی باشد، وارد شویم و اگر راه حلی هم برای جنگ در نظر است، باید ایران نظر خودش را اعمال کند.»

آمدند. از کندی پیشرفت کار فروش اراضی کشت موقت و عدم همکاری دستگاه قضائی و ارگان ها در مورد اجرای اصل ۴۹ گفتند.

اعضای کمیسیون کشاورزی [مجلس] آمدند و در مورد لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد مشورت کردند. قرار شد منابع طبیعی و شیلات، وزارتخانه جداگانه‌ای بشود و کشاورزی یکپارچه باشد. آقای [بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد [سازندگی] هم آمد و برای تصویب لایحه استمداد کرد. آقای [علیرضا] سالاری سفیرمان در آلمان آمد و درباره سیاست ما با آلمان، نظر خواست و از بستن [مؤسسه] گوته [در تهران] اظهار نگرانی کرد و پیشنهاد داشت که بماند و آن را کنترل کنیم.

عصر به خانه رفتم. هنگام افطار آقای سنجقی اطلاع داد که یک کشتی نفتی شوروی در نزدیکی سواحل کویت به مین برخورد کرده و آسیب دیده است. در اخبار هم آمد[1]. هم جالب است و هم نگرانی دارد. بچه‌ها برای [مراسم شب] احیاء به مرکز جامعه الصادق [= دانشگاه امام صادق(ع)] رفتند و من در خانه تنها ماندم.

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت | ۱۹ رمضان ۱۴۰۷ ۱۸ می ۱۹۸۷

صبح زود [دریادار ملک زادگان] فرمانده نداجا [= نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی] اطلاع داد که دیشب یک رزم ناو آمریکا بنام استارک مورد اصابت موشک عراق قرار گرفته و آتش گرفته است. تلفات انسانی زیادی داده و ناو کج شده و دارد می‌سوزد. آمریکا خبر را داده و کشتی‌های ما مراقب اوضاع هستند[2].

---

۱ - در این حادثه، نفتکش مارشال خنچوف در ۳۵ مایلی سواحل کویت با یک مین دریایی برخورد کرد که انفجار آن باعث ایجاد یک حفره بزرگ در قسمت انتهایی نفتکش شد اما به خدمه آسیبی وارد نیامد. نفتکش مزبور پس از این حادثه به سوی کویت یدک کشیده شد. پیش از این نیز یک کشتی باری شوروی به نام ایوان کوروتیف توسط راکت و آتش مسلسل از سوی یک کشتی ناشناس مورد حمله قرار گرفت.

۲ - دو فروند هواپیمای میراژ عراق با موشک اگزوسه به ناوچه استارک در ۸۵ مایلی شمال شرقی بحرین حمله کردند. این کشتی مجهز به موشک‌های هدایت شونده بوده و ۱۶۴ خدمه اعم از افسر و ملوان در آن حضور داشتند. در اثر این حمله هوایی سه تفنگدار آمریکایی کشته و ۳۰ تن زخمی شدند. در پی این حادثه صدام حسین رئیس جمهور عراق در پیامی به ریگان رئیس جمهور آمریکا، با ابراز تأسف عمیق خود گفت که هواپیماهای عراق به اشتباه به کشتی آمریکا حمله کرده اند. او خواستار انجام تحقیقات مشترک درباره این حمله هوایی شد.

تا ظهر مرتب در جریان اوضاع خلیج‌فارس بودم. به دنبال آسیب دیدن دو کشتی شوروی، این حادثه خیلی جالب است و تجسم امدادهای غیبی برای اسلام و انقلاب است.

عصر حاج احمدآقا آمد. راجع به همین موضوع و جنگ بحث کردیم. اطلاع داد که پیغام امام را به وزارت خارجه گفته است که اجازه بدهند یک مقام آلمانی، پیامی در ارتباط با گروگان ها برای مسئولان بیاورد؛ صادق طباطبائی دنبال آن است، به شرط اینکه او را تبرئه کنند. افطار، بچه‌ها مهمان آشیخ حسین [هاشمیان] عموزاده بودند و من تنها ماندم.

شب برنامه فارسی [رادیو صدای] آمریکا را برای اطلاع از مسائل ناو موشک خورده گرفتم. ریگان سخنرانی کرده و وعده سختگیری داده ولی پنتاگون عمل عراق را ناشی از اشتباه اعلان کرده است. پیداست که می خواهند سروصدا را بخوابانند. عراق مسئولیت را پذیرفته و قول جبران داده است.

سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت | ۲۰ رمضان ۱۴۰۷ ۱۹ می ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح، اخبار فارسی آمریکا و انگلیس را گرفتم. مطالب برنامه‌های دیشب را با کمی تفاوت تکرار می کردند. ناو استارک را به سوی بحرین یدک می کشند، ولی آتش هنوز خاموش نشده است. آمریکایی‌ها و عراقی‌ها، هر دو کلافه و سر درگم اند.

ساعت هفت و نیم به مجلس رسیدم. گزارش را گرفتم. با وزیر نفت و فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] صحبت کردم. مسأله ای پیش نیامده است.

قبل از دستور درباره آسیب دیدن کشتی های روس و آمریکا صحبت کردم[1]. تا ساعت

---

۱ - در این نطق تحلیلی آمده است: «معجزه طبس در خلیج فارس تکرار شد و ما بار دیگر شاهد امدادهای غیبی در حمایت از اسلام و انقلاب اسلامی ایران هستیم. قبلاً هم به ابرقدرتها تذکر داده بودیم که امواج آب های خلیج فارس از طوفان های طبس برای متجاوزین کمتر نیست و در ظرف دو روز گذشته، این اخطار ما را خداوند به مرحله واقعیت برای دشمنان اسلام و مردم مجسم کرد. منتهی این بار گویاتر از طبس و برای هر دو ابر قدرت با هم. مسلماً لحظات قابل توجهی قبل از حمله آمریکا، هم عربستان سعودی و هم رزم ناو آسیب دیده در جریان این حمله بوده اند. صریحاً گفته اند که هواپیماهای عراقی که از مرز بیرون آمدند و به طرف جنوب رفتند و تا مرز عربستان رسیدند و بعد راهشان را به طرف شرق منحرف کردند، در دید رادارهای آواکس های عربستان بودند که با هدایت خلبان های آمریکایی هم هدایت می شدند. اینجا ثابت شد که آواکس‌ها، اسماً از عربستان است، ولی در اختیار آمریکاست و صریحاً گفتند که آواکس ها به کاپیتان رزم ناو اعلام کردند که تو در معرض خطری و صریحاً گفتند که کاپیتان اخطار کرد به هواپیماها که خودداری کنند و همه هم ←

ده در جلسه ماندم و بعد به دفترم آمدم.

دکترهادی[نجف آبادی] آمد. اطلاع داد گروه مشاور با پیشنهاد آزادی یک گروگان آمریکایی برای فشار تبلیغاتی روی آمریکا که گفته است دادن پول ما مربوط به گروگان نیست، موافق هستند. برای عادی کردن وضع آقای منتظری تأکید داشت.

ظهر دو ملاقات داشتم؛ با نماینده سلسله ودلفان و نماینده خرمشهر. گزارش ها را گرفتم و خواندم، تازه مهمی نداشت. آقای موحدی ساوجی درباره سرنوشت شخصی بنام خاتمی که در لبنان مفقود شده است، برای رفع نگرانی خانواده‌اش، تلفنی استفسار کرد؛ گفتم دستور تحقیق داده شده است. وزارت اطلاعات گزارش داده، این شخص برای سوری ها جاسوسی می کرده و بازداشت شده است.

افطار به خانه آمدم. شب هم [رادیو] صدای آمریکا را گرفتم. حادثه آسیب دیدن ناو جنگی آمریکا همه چیز را تحت شعاع قرار داده است. باران شدیدی بارید، با رعد و برق، هوا هم بی‌موقع سرد شده است. عفت و بچه‌ها برای مراسم احیاء رفتند. یاسر به مسجد

می گویند که اینها دارای وسایل ضد حمله هستند و می توانند از خودشان دفاع کنند. قضیه چرا این جور اتفاق افتاده است. شاید بعداً در تناقضاتی که در درون حاکمیت آمریکا هست، این مسائل کشف شود. آیا با این آمادگی می شود قبول کرد که اشتباه و سردرگمی خلبان‌های عراقی است؟ آیا مسائلی که بین دو ابر قدرت از قدیم وجود داشته و مسابقه ای که اینها برای حضور در خلیج فارس دارند و تعارض منافعی که اینها در اینجا دارند، اینها نمی تواند جزو عوامل باشد؟ این کاملا تصادفی است که در ظرف چند ساعت، کشتی شوروی ها که با تبلیغات فراوان و تحت اسکورت رزم ناو شوروی، وارد آب های منطقه می شود، به مین می خورد و رزم ناو آمریکایی، به موشک بسته می شود؟ با سادگی می شود باور کرد که اینها هر دو تصادفی است؟ و مین هائی که سال های قبل گذاشته بودند و سردرگمی خلبان عامل اینهاست؟ این سؤال را باید پاسخ بدهند. ما احتمالا چنین نقشی را می بینیم. البته برای ما، قبل از همه چیز امداد غیبی و لطف خدا و دست الهی ، همان دستی که ابرهه را در اطراف کعبه به خاک و خون کشید و آمریکا را در طبس به ذلت انداخت، اینجا هم هر دوابر قدرت را به ذلت و خواری و نکبت انداخت که در مقابل یک انقلاب الهی و مردمی محرومی که از حقشان دفاع می کنند، این گونه حمایت الهی بروز کرد. ولی عوامل مادی و چیزهایی که در جریان بوده، باید در نظر گرفته شود. اگر دادگاه جدی بین المللی باشد، ما می‌توانیم شواهدی اقامه بکنیم که اینجا ارتجاع به عاملیت عراق، علیه ما می خواست توطئه کند که با هوشیاری نیروهای مدافع ما، این توطئه به خود آنها برگشت. منتها چون ما امیدی به چنین دادگاهی و مرکزی که قضاوت عادلانه بکند نداریم، به خودمان اجازه نمی‌دهیم که منابع اطلاعاتی مان را و ابزار رهگیری حوادث در خلیج فارس را به آسانی رو کنیم. اگر ملت های آمریکا و روس بخواهند و نوید چنین دادگاهی در دنیا را بدهند و سازمان ملل چنین آمادگی را داشته باشد، ما نشان می دهیم که تعمد فراوانی در کار بوده و دست آمریکا و دست عربستان ودست عراق، به عنوان عامل در جریان بوده و ما متشکریم از مأموران هوشیارمان که توانستند به آسانی فاجعه ای را که آنها برای ما طراحی کرده بودند و برای روز قدس، می خواستند یک مسأله ای مطرح کنند که حادثه عظیم راهپیمائی مسلمانان جهان را تحت الشعاع قرار دهند و اهداف خاص نظامی تعقیب می کردند، به خود آنها برگشت، یکی از نتایج مهم این حادثه که ما آن را به اراده الهی منتسب می کنیم، در پشت همه این مسائل ابهت ساختگی این رزم ناوها و ناوگان های جنگی هم به زمین ریخت». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جماران رفت و دیگران به مسجد بلال یا جامعه الصادق (ع).

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت | ۲۱ رمضان ۱٤۰۷ ۲۰ می ۱۹۸۷

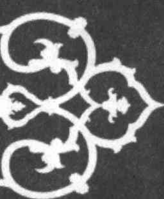
در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. باران شدید و زیادی بارید. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر می گفتند، بعضی از دانشمندان شوروی پیش بینی کرده‌اند که وضع هوایی ایران از این به بعد عوض شده و باران زیادی خواهد بارید که محیط و وضع طبیعی ایران را عوض خواهد کرد.

پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت | ۲۲ رمضان ۱٤۰۷ ۲۱ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. امروز مجلس را برای رسیدن نمایندگان به سخنرانی و شرکت در مراسم این روزها و شب ها تعطیل کرده‌ایم. چندین ملاقات در منزل انجام دادم.

عفت و محسن برای زیارت به قم رفتند. فاطی که چند روزی قهر کرده بود، به خانه خودش رفت و بهانه خوبی برای آشتی پیدا کرد. ما هم خوشحال شدیم. او برای درست کردن افطاری من و مهدی و یاسر آمد. عفت هم که عاجز شده بود، به هدفش رسید. به آقای انصاری برای تغییر منزلی که قرار است محسن اجاره کند، تأکید کردیم؛ گویا خرج زیادی دارد.

به سرهنگ جمالی در مورد استفاده از وضعی که در جبهه شمال در اثر قیام مردم منطقه رواندوز و تصرف شهر و پادگان و شکست بعثی‌های عراق پیش آمده است، تذکر دادم. خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. به کارها رسیدم. مسأله ناو موشک خورده آمریکا، هنوز در صدر اخبار است.



خرداد ۱۳۶۶

جمعه ۱ خرداد | ۲۳ رمضان ۱۴۰۷ ۲۲ می ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل مطالعه کردم. برای نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه دوم نماز خیلی طولانی شد. تحلیلی در مورد ناو آمریکایی که موشک خورده است، ارائه دادم[1]. شرکت مردم در راهپیمائی روز جهانی قدس چشمگیر و غیر منتظره بود.

عصر آقای [محمود] محمدی عراقی جانشین نماینده امام در سپاه آمد. شرحی از مشکلات سپاه در مدیریت و فرماندهی و قرارگاه ها گفت و خواستار دخالت بیشتر و مستقیم تر من در امور سپاه و جنگ شد.

شب بچه ها مهمان فاطی بودند. عفت با من ماند که افطار تنها نباشم. اخبار فارسی صدای آمریکا را گرفتم. بعد از اصابت ناو آمریکایی، مشکلات زیادی برای حاکمیت آمریکا پیش آمده و آنها سخت به انفعال افتاده‌اند.

---

۱ - در خطبه اول، ادامه بحث استضعاف و استکبار، از سلسله بحث های عدالت اجتماعی در اسلام، با موضوع جهت گیری اسلام و انبیاء دیگر الهی در این خصوص دنبال شد و مباحث اشراف و مترفین از دیدگاه قرآن،دسته بندی اشراف، نهضت حضرت موسی(ع) و ایستادگی استکبار در مقابل انبیاء مطرح گردید. در خطبه دوم، با توجه به آخرین جمعه ماه مبارک رمضان و روز قدس، بخش اعظم خطبه به مسائل فلسطین اختصاص یافت. همچنین تحلیلی در خصوص حضور ابر قدرت های بزرگ در منطقه خلیج فارس و وقایع مربوط به آن، به نمازگزاران جمعه ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است:« اصل مسئله، مسئله نفت نیست، این نفت صرف می کند که اینها از چاه‌های نفت بریزند در هواپیما و با هواپیما ببرند هر جا می خواهند، خالی بکنند، برایشان ارزان تر تمام می شود، تا اینکه ناوگان رزمی راه بیندازند. دنبال قضیه، مسئله جنگ با اسلام است. اینها دیدند که این دو سال اخیر هرچه فشار آوردند، ایران روی پای خودش ایستاد و محکم‌تر شد و مشکلات اقتصادی اش را حل کرد و مردم مشکلات اقتصادی را دیدند و خم به ابرو نیاوردند و توانشان را هر روز بالا بردند و یک صحنه درگیری را پیش آوردند و دارند یک پرده دیگری را نمایش می دهند. الان یک سال و نیم یا دو سال است که این سیاست، سیاست رسمی استکبار و کفر جهانی است. سیاست روشن است و آن این است که ایران باید از نقش محروم بشود. قدرت مادی اداره جنگ را نداشته باشد. عراق هم بتواند هم با نقش و هم با پول دیگران، خودش را اداره بکند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



شنبه ۲ خرداد | ٢٤ رمضان ١٤٠٧ ۲۳ می ۱۹۸۷

در منزل ماندم. بیشتر وقت به مطالعه گزارش تاور گذشت. با دکتر ولایتی، احمدآقا، [علیرضا] افشار، [علی] شمخانی، ری‌شهری و [سید علی‌اصغر] حجازی درباره امور جنگ و سیاسی و اعزام نیرو [به جبهه] مذاکره تلفنی داشتم. بنا بود افطار مهمان آقای اردبیلی باشیم، نرفتم.

آقای [محسن] رفیق‌دوست برای کارهای وزارت سپاه آمد. او فهرست محصولات سفارشی به صنایع نظامی سپاه را آورد و از کندی کار پرداخت بودجه و همچنین کار تکراری ساصد [= سازمان صنایع دفاع] گله داشت. درباره مشکلات پیش آمده در مدیریت سپاه بحث شد.

عصر آقای شمخانی [جانشین فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی زمینی] آمد. از علت استعفایش پرسیدم. حرف حسابی ندارد، جز اینکه خسته شده و آن گونه که میل دارند، به خواسته‌های آنها در رابطه با ارتش و امکانات جنگ توجه نمی‌شود. به مشکلات کشور توجه ندارند و فکر می کنند باید برای تأمین جنگ، بقیه امور کشور را مورد توجه قرار نداد.

بچه‌ها افطار مهمان بودند. با عفت ماندیم و خبر رسید که فائزه را برای وضع حمل به بیمارستان برده‌اند. عفت و فاطی هم رفتند.

یکشنبه ۳ خرداد | ۲۵ رمضان ١٤٠٧ ٢٤ می ۱۹۸۷

ساعت یک و نیم بامداد، خداوند پسری به دخترم فائزه و حمید لاهوتی داد. عفت و فاطی هم شب را در بیمارستان طوس به سر بردند. ساعت هفت و نیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش های جهانی هنوز مهمترین مسأله، اخبار اصابت کشتی آمریکایی در خلیج فارس است. آمریکایی‌ها کلافه‌اند. تفسیر به نفع ما است. تا ظهر در جلسه علنی ماندم.

ظهر پس از جلسه، برای تیپ هوابرد سپاه صحبت کردم[۱]. آنها از مأموریت داخل خاک عراق برگشته بودند. آقای شفق گزارش کاملی از وضع کردستان عراق و عملیات گذشته و برنامه آینده داد.

آقای سرهنگ ترابی [رئیس سازمان حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. کمک مالی برای ساحفاجا [= سازمان حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی] خواست و از ستاد مشترک اظهار نارضایتی کرد. آقای [عباسعلی] بهاری نماینده ساری آمد. توضیحی از جریان پس دادن کارخانه مصادره شده طاغوتیان داد که با دستگاه قضائی استان، به این جهت درگیری پیدا کرده است.

عصر آقای جزایری معاون پارلمانی وزارت بهداشت و درمان آمد. از برخورد تند آقای حسینی نماینده شاهرود با دکتر نوری معاون وزیر گله داشت. آقای اسدی لاری آمد و برای معلمانی که برای تعلیم رزمندگان به جبهه می‌روند، استمداد مالی کرد.

هیأت آلمانی آمد. نامه رئیس مجلس و پیام صدر اعظم و وزیر خارجه آلمان را آورد. او خواستار کمک ما برای نجات گروگان های آلمانی در لبنان شد. از موضع ضعف برخورد کرد. عراق را آغازگر جنگ دانست و به خاطر به کار بردن [سلاح] شیمیائی و زدن مراکز غیر نظامی، آن را محکوم کرد و از پخش فیلم اهانت آمیز به امام در آلمان عذر خواهی نمود[۲].

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اینکه ابر قدرت ها مجبور شده اند، ادعای بی طرفی را کنار گذارده، رسماً وارد عمل شوند و پرچم هایشان را روی کشتی کشور های حامی عراق نصب کنند، نشانگر وخامت اوضاع عراق و قدرت جمهوری اسلامی ایران است. ما باید باتوجه به حساسیت زمانی، با اراده ای راسخ، به راهی که انتخاب کرده ایم ادامه دهیم. اینکه ما پیروزی را برای مردم عراق تأمین کنیم، یا اینکه آنها خود در این پیروزی شریک و سهیم باشند، خیلی تفاوت دارد. اینکه در درون عراق و در مراکز حساس آن کشور، مردم محروم عراق به مبارزه علیه رژیم عفلقی حاکم بر عراق قیام کرده اند، به مبارزه و پیروزی شکل دیگری بخشیده است. این حرکت مردم عراق، از نظر جهانی نیز زبان کسانی را که ریاکارانه می خواهند جلوی حق و عدالت را بگیرند، می بندد. کاری که شما همگام با مردم عراق انجام می دهید، کاری مهم و حساس و تأثیر آن در پیروزی، بسیار زیاد است. چطور می شود، نظامی در کشور خود مقبولیت داشته باشد و در ظرف چند روز، چندین شهر این کشور بر اثر قیام مردم سقوط کند؟ رژیمی که برای مقابله با مردم و نجات خود به بمباران شهرها و روستاها و کوچ دادن مردم می پردازد و علیه مردم خود نیز از سلاح شیمیایی استفاده می کند، چگونه می توانند در کشورش مقبولیت داشته باشد؟» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - "هانس یورگن ویشنفسکی" از حزب سوسیال دموکرات آلمان غربی، در تلاش برای آزاد سازی دو گروگان این کشور در لبنان، به تهران آمده بود. او که به خاطر تماس هایش در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس شهرت داشت، در طول اقامت خود در تهران، با برخی مقامات کشور ملاقات کرد. ویشنفسکی پس از سفر به ایران، به همراه صادق طباطبایی عازم بیروت شد. رادیو کلن درباره این سفر چنین گفت:« دولت آلمان فدرال، درباره مأموریت سیاستمدار حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال "هانس یورگن ویشن فسکی" در ایران، ←

جمعی از پرسنل هوانیروز آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. [دکتر عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی و معاونان آمدند. ادله برای مخالفت با لایحه ادغام کشاورزی در جهاد ارائه کردند و از من کمک خواستند.

افطار سران قوا مهمان نخست وزیر بودیم. قرارشد اولین قسط نفت سوریه داده شود. در مورد اقدام دولت برای نرخ‌گذاری وکنترل بر توزیع - که امام به نخست‌وزیر اجازه داده‌اند - مذاکره و قرار شد بر اساس قانون شورای انقلاب که تاکنون عمل نشده، عمل شود[2].

دوشنبه ٤ خرداد | ۲۶ رمضان ۱٤۰۷ ۲۵ می ۱۹۸۷

در منزل بودم. پیش از ظهر آقای هدایت [لطفیان] فرمانده قرارگاه حمزه آمد. از انحلال

﴿برای آزاد ساختن دو گروگان آلمانی در لبنان، سکوت اختیار کرده است. یک سخنگوی وزارت خارجه آلمان فدرال درباره اظهارات آقای رفسنجانی رئیس پارلمان جمهوری اسلامی، اعلام کرده است که جمهوری فدرال آلمان، در جنگ ایران و عراق، بی طرفی کامل را حفظ خواهد کرد. رئیس پارلمان جمهوری اسلامی در ملاقات با "ویشنفسکی" در تهران اظهار داشته است که ایران می خواهد به تقاضای دولت آلمان فدرال ترتیب اثر بدهد و این امر بخصوص به خاطر اهمیتی است که دولت جمهوری اسلامی برای وزیر خارجه آلمان فدرال "هانس دیتریش گنشر" قائل است. "گنشر" وزیر خارجه آلمان فدرال، به عنوان اولین نماینده عالی رتبه یک دولت غربی، عراق را مسبب بروز جنگ ایران و عراق معرفی کرده بود. خبرگزاری آلمان با استناد به منابع قابل اعتماد، گزارش می دهد که "ویشنفسکی" در تهران با "عبدالهادی حمادی" یکی از رهبران حزب الله متمایل به ایران ملاقات کرده است.»

۱ - در سالروز فتح خرمشهر، گروهی از مسئولان عقیدتی ـ سیاسی، فرماندهان ، خلبانان و پرسنل فنی هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران، با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار، ابتدا گزارشی از وضع رزمی و فنی هوانیروز توسط فرمانده آن ارائه شد. آنگاه آقای هاشمی ضمن ابراز خرسندی از این دیدار، با اشاره به نقش هوانیروز در طول جنگ اظهار داشت:« در مورد هوانیروز، ما هر چه به پرونده ها و خاطره ها مراجعه می کنیم، جز شهامت و شجاعت و تلاش چیزی نمی یابیم. ناوگان هلی کوپتری ارتش جمهوری اسلامی ایران ، در دوران جنگ، نقشی را که از او انتظار می رفت، به خوبی ایفا کرده است و من شهادت می دهم که شما در میان همه واحدهای مؤثر در جنگ، از افتخار های بسیار بالایی برخوردارید. از افتخارهای شما در این هشت سال آن است که ما هیچ جایگزینی برای هلی کوپترها نداشته ایم. هشت سال جنگ بوده است. اگر این جنگ هم نبود، در شرایط عادی، حوادث و فرسودگی ها و عوامل تحلیلی، نیاز به جایگزینی را ایجاد می کرد. جنگ تا حدود زیادی به پشتیبانی شما متکی بوده است. حضور فعال شما در صحنه های گوناگون جنگ، با وجود اینکه ما را تحریم اقتصادی کردند، و حتی تعهدهای خود مبنی بر ارسال لوازم یدکی را زیر پا گذاشتند ، قابل تحسین است.» این سخنرانی بازتاب گسترده ای در رسانه های بین المللی داشت.

۲ - امام خمینی(ره) در مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۶ در پاسخ به نامه آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر که سوال کرده بود "آیا دولت می‌تواند به منظور جلوگیری از گرانفروشی کالاها و خدمات ضروری عامه مردم، صورت کالاهـا و خدمات ضروری مذکور را تعیین و برای آنها قیمت گذاری نمایند؟" و "آیا دولت می تواند، جهت اجرای مقررات خود، در زمینه قیمت گذاری، کنترل و نظارت لازم را به عمل آورد." چنین پاسخ دادند: «جناب آقای نخست وزیر –ایده الله تعالی، جنابعالی مجازید در هر دو مورد که مرقوم شده است عمل نمایید و در مصادیق با نظر و مشورت اکثریت رؤسای قوای سه گانه لازم است عمل شود. ان شاءالله موفق باشید. روح الله الموسوی الخمینی» مأخذ: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲۶۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

قرارگاه حمزه و تغییرات سریع در سازمان‌های سپاه و اختناق و اسراف و بد به کارگرفتن سربازان مشمول انتقاد داشت.
ظهر [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی] آمد. توضیح عملیات آینده را داد و برای تعمیر تانک ها و توپ ها و اتومبیل‌های نظامی اعتبار خواست و خواستار برگشتن توپخانه‌های مأمور به سپاه بود که قرار شد رسیدگی شود.
عصر آقایان [محمدجواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند. طرحی برای تحرک تبلیغ در خصوص موضع ایران در تامین امنیت خلیج فارس داشتند که براساس موضع مثبت و طرفداری از امنیت است؛ تذکراتی دادم. موقع افطار، آقای محسن طباطبائی آمد. او از زارعین مزرعه‌اش که درخت‌های آن را بریده‌اند، شکایت داشت.
شب در گوش نوزاد فائزه اذان و اقامه گفتم. به یاد امام حسن(ع) و پدر بزرگش آقای لاهوتی[1]، اسمش را "حسن" گذاشتیم و پشت قرآن، تاریخ ولادتش را نوشتم.

سه‌شنبه ۵ خرداد | ۲۷ رمضان ۱۴۰۷ ۲۶ می ۱۹۸۷

به مجلس رفتم. اول وقت آقای [احمد] جنتی [عضو فقهای شورای نگهبان] آمد و نظر من را در مورد طرح تعاونی ها خواست. به طور کلی از مواضع شورای نگهبان اظهار نگرانی کردم و گفتم می ترسم اینها قشر محروم و جوان ها را از اسلام و فقه و روحانیت دور کنند. خود ایشان هم این نگرانی را داشت و راه را در ارتباط بیشتر علمای شورا با مسئولان کشور می‌دانست که واقع بینانه نظر بدهند.
تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه بودم. عصر کارهای دفترم را انجام دادم. آقای [سید علی‌اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. از رکود کار گروه مشاور به خاطر کم

---

۱ - حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن لاهوتی از زمره روحانیون مبارز و انقلابی بود که سال های متمادی را در زندان های ستمشاهی سپری کرد و تلاش های بسیاری برای استقرار نظام جمهوری اسلامی انجام داد. آقای لاهوتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت های مهمی چون نماینده امام خمینی(ره) در استان گیلان و امام جمعه رشت، سرپرست سپاه پاسداران، نماینده امام خمینی(ره) در سپاه پاسداران و نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی بر عهده داشت. ایشان از همرزمان قدیمی آقای هاشمی رفسنجانی بود و دکتر سعید لاهوتی و دکتر حمید لاهوتی فرزندان این فقید، دامادهای آقای هاشمی هستند. آقای لاهوتی در ۷ آبان سال ۶۰ در اثر ضایعه قلبی در تهران درگذشت

توجهی شاکی بود و از احتمال توطئه سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلیس بر ما در خلیج‌فارس گزارشی آورد. در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. اسلامی کردن چهره دانشگاه‌ها مطرح بود. افطار به منزل رفتم.

با محسن، درباره منزل جدیدی که در منطقه حفاظت شده جماران اجاره کرده است، - به ماهی هفت هزار تومان - صحبت کردم.

چهارشنبه ٦ خرداد | ۲۸ رمضان ۱٤۰۷   ۲۷ می ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. گزارش‌ها را مرور کردم. اخبار مربوط به خلیج‌فارس در صدر اخبار و گزارش‌هاست. آقای [احمد] آذری قمی [نماینده قم] آمد. درخواست تعویض منزل و تهیه اتومبیل داشت. [مهندس بهزاد نبوی] وزیر صنایع سنگین و معاونان آمدند. گزارشی از وضع سازمان گسترش [و نوسازی] صنایع و راهکارهای جدید در شرایط مشکلات کمبود ارز دادند و گفتند که صنایع مجموعاً به طرف خودکفائی و استقلال پیش می‌روند؛ گر چه موقتاً کمبود تولید داریم.

آقای صیاد شیرازی آمد. گزارشی از وضع نیروهای دریایی سپاه و ارتش در جنوب و تهدیدها و امکانات و راهکارها را داد. آقای [حسین] علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه آمد. نیازهای نیرو و برنامه‌ها را گفت. هلی کوپتر و قایق بیشتر و همکاری ارتش را خواست و سیاست تعرض در مقابله به مثل دریایی را گفت[1].

[آقای محمد سعیدی کیا] وزیر راه [و ترابری] آمد. از وضعیت راه‌ها و بنادر و راه آهن و پل های در دست ساختمان و مخصوصاً پل تله زنگ و قطور - که عراقی ها به آنها آسیب رسانده‌اند - گفت و کمک مالی و ارزی خواست.

---

۱ - هفته نامه فرانسوی اکسپرس در این باره نوشت: «نیروی دریائی سپاه پاسداران انقلاب، رسماً در بندرعباس بزرگترین پایگاه دریائی منطقه خلیج [فارس]، مقر خود را دائر کرده است. علاوه بر بندرعباس، پاسداران از چندین جزیره کوچک و سکوهای شناور نفتی نیز به عنوان نقطه آغاز حملات خود علیه کشتی های حاصل کالا برای عراق، استفاده می کند. حسین علائی ۴۳ ساله فرمانده نیروی دریائی سپاه پاسداران، از افراد نزدیک به هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران به شمار می رود. تعداد نفرات نیروی دریائی سپاه پاسداران در حال حاضر ۱۰۰۰ تن است که تا سال آینده این تعداد به ۲۵۰۰ تن افزایش خواهد یافت. این نیرو مجهز به ۴۰ فروند قایق کشتی سریع السیر "ولوو" می باشدکه به موشک های سطح به سطح مجهز بوده و از سنگاپور خریداری شده است.»

گروهی از سران بازار [تهران] آمدند. از فشار آقای [حسن عابدی] جعفری وزیر بازرگانی گله دارند و خواستار به بازی گرفتن بیشتر در امور بودند و مخصوصاً از سیاست جدید دولت در مورد صادرات فرش شاکی هستند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] جلسه داشت. بیشتر بحث‌ها بر سر نرخ گذاری و کنترل قیمت ها و مبارزه با گران فروشی بود. [در این جلسه] قرار شد دویست میلیون تومان به صدا و سیما کمک شود.

پنجشنبه ۷ خرداد | ۲۹ رمضان ۱۴۰۷ ۲۸ می ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. قبل از دستور درباره سالگرد مجلس صحبت کردم[۱]. پیش از ظهر مصاحبه تلویزیونی برای سالگرد مجلس انجام دادم[۲]. آقایان [علی اکبر] ناطق [نوری] و [محمدعلی] موحدی کرمانی آمدند. برای حفظ آقای [محمد] یزدی در مقام نیابت رئیس مجلس در انتخابات آینده، چاره‌جوئی می کردند. در خصوص امکان معرفی شدن روحانیت و فقه و شورای نگهبان، به عنوان حامی سرمایه‌دار صحبت شد. از من خواستند چاره‌جوئی کنم.

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است:« فعلاً بعد از گذشت بیش از هشت سال از پیروزی عمر انقلاب و جا افتادن کل نظام، به نظر می رسد که یک حرکتی در جهت تحکیم و تثبیت حاکمیت قوانین و مقررات باید انجام شود و مناسب ترین مقطع برای این حرکت، سالگرد مجلس بود و مناسب ترین مرکز، برای هدایت این جریان هم مجلس است که متولی قوانین است. هم قانونگزار است و هم ناظر بر اجرای مقررات است. ما از امروز که روز اول سال هشتم عمر مجلس است، خودمان را آماده کنیم که در این جهت حرکت کنیم. ما هم از نمایندگان محترم این تقاضا را داریم و هم از جریان قوانین و هم از دستگاه قضائی که بخصوص در این قسمت، نقش زیادی را باید به عهده بگیرد، انتظار داریم که این حرکت شروع شود و تداوم پیدا کند. نکته ای که مهم است، این است که ما هنوز نیاز به قوانین زیربنائی مهمی داریم که باید دستگاه های اجرایی و قضائی، برای تهیه این قوانین و ارسال آنها به مجلس شورای اسلامی و به کمک کارشناسان در کمیسیون ها، برای تکمیل چنین پیشنهادهایی همکاری بکنند و نمایندگان محترم هم آماده باشند، برای کارهای مهمی که ما به عهده داریم. مهمتر اینکه ما از محضر مقدس رهبر عظیم الشأن مان، همیشه شاکر و سپاسگزار باشیم که با حمایتهای بی دریغ شان و راهنمائی های مؤثرشان، این مجلس را تحت حمایت خودشان گرفته اند و ما نقش ایشان را و نقش رهبری را در تحکیم موقعیت مجلس و رفع مشکلات نمایندگان، همیشه سپاسگزار خواهیم بود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطقهای پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عصر [آقای ایسیدرو مالمیرکا] وزیر خارجه کوبا به ملاقاتم آمد. درباره اشتباهات شوروی در مسأله جنگ و حمایت از عراق و ورود به خلیج فارس به نفع کشورهای جنوب، انتقاد کردم. سپس از وزارت ارشاد آمدند و راجع به نمایشگاه کتاب که بناست برپا کنند، توضیح دادند[1]. فردی از سپاه آمد و نابسامانی های درون سپاه را گفت. [آقای سید ضیاء میرعمادی] دادستان عمومی تهران آمد و توضیحی درباره پرونده‌های مهم داد. افطار به خانه رفتم.

جمعه ۸ خرداد | ۱ شوال ۱۴۰۷ ۲۹ می ۱۹۸۷

اول وقت آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که یک کشتی مشکوک به جاسوسی را در اطراف [جزیره] ابوموسی توقیف کرده‌اند. برای زیارت امام به مناسبت روز عید [فطر] به دفتر امام رفتم. سران دیگر قوا هم بودند. با هم به حسینیه جماران رفتیم. امام سخنرانی متین و نیرومندی انجام دادند[2]. حالشان خوب است. به دفتر برگشتم.

---

۱ - در این دیدار که اعضای ستاد برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران حضور داشتند، آقای صباح زنگنه مسئول ستاد، گزارش مبسوطی در زمینه کارهای انجام شده برای برپایی اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ارائه داد، آقای هاشمی نیز ضمن تشکر و قدردانی از تلاش های صورت گرفته برای برگزاری این نمایشگاه ، از آنان خواست در جهت هرچه بهتر برگزار شدن نمایشگاه بین المللی کتاب تهران کوشش کنند.

۲ - در بخشی از سخنرانی حضرت امام(ره) آمده است: «هیاهو؛ هیاهویی است که می کنند ما را با همان هیاهو بترسانند. آنها هم خیال می‌کنند که ملت ایران از اینکه یک وقت طیاره های آنها بیایند و بمباران کنند جایی را، می ترسند. امتحان خودشان را مردم داده اند. ملتی که دنبال شهادت است، ملتی که افرادش این است که دست و پایشان وقتی قطع می شود، گله می کنند که خدایا! چطور؟ مگر ما لایق نبودیم که جان ما را بگیری؟ یک همچو ملتی را نترسانید از اینکه ما چه می کنیم. شما هر غلطی می خواهید، بکنید و نمی توانید هم بکنید. اینهایی که می گویند باید سازش کرد، اینها می فهمند که ما اگر سازش کنیم، له می شویم. اینها راضی اند به اینکه سازش بشود. اینها می‌گویند مطیع باشید، هرچه ما گفتیم عمل کنید، خودتان دیگر قدغن است که فکر کنید، فکر خودتان را باید غلاف کنید. آنها می‌خواهند که آرامش حاصل بشود در دنیا، آرامش وقتی حاصل می شود پیش آنها، که همه تابع باشند. ملت ها باید به فکر باشند، ملت ایران باید به فکر باشد،اگر لحظه ای سستی کند تا ابدله است. الان که صدام رو به جهنم دارد می رود و ان شاء الله، خواهد رفت، وقت این است که شما جدیت تان زیادتر بشود، چه قوای مسلحه از هر صنف که هستند و چه ملت و چه این بسیج، اگر مهلت بهش بدهید ـ هر روزی که مهلت می دهید ـ او را تقویت می کنند و کار مشکلتر می شود. باید مهلت بهش نداد، سستی نباید کرد؛ مردم در اتصال به جبهه‌ها و جبهه ها در فعالیت. هر روزی که تعویق بیفتد، این قصه مشکل تر می شود. و شما باید فکر کنید و نگذارید کار مشکل بشود. به جای اینکه مناقشات لفظی بین خودتان باشد، رهاکنید. این وقتش نمی گذرد. اگر باشد، همه را رها کنید. یکصدا دنبال این باشید که نگذارید ←

آقای [عبدالعزیز] حکیم [رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] آمد و از کمبودها و نیازها گفت. به خانه برگشتیم. همراه با آقای اردبیلی به کرج رفتیم. ناهار در باغ تحریریان، مهمان آقای قدس محلاتی بودیم.

عصر آقای [علی] بیات - دارنده قدرت هیپنوتیزم - آمد. یکی از پاسداران به نام "حسین دانش راد" را خواب کرد. نتوانست "امید خدا" را خواب کند. دانش راد در خواب به مسائل قابل توجهی جواب می‌داد. مثلاً به اردوگاه‌های اسرا در عراق رفت و یا به منزل مادرم در نوق و یا به منزل آقای دکتر روحانی در سرخه سمنان و جواب سئوالات را مخلوطی از صحیح و غلط می داد. یک ماشین گم شده و چک گمشده‌ای از خود من را نشانی داد؛ قابل مطالعه بیشتر است. مدعی است امراض را با قدرت خاص از همین هنر معالجه می کنند. مدتی است کتف راستم به خاطر ضربه‌ای که در اثر پرتاب سنگ دیده، درد می کند. او ماساژ داد و از دستگاهی که اشعه‌ای را می‌تاباند، استفاده کرد؛ بی تاثیر نیست. می گوید دو سه جلسه لازم دارد.

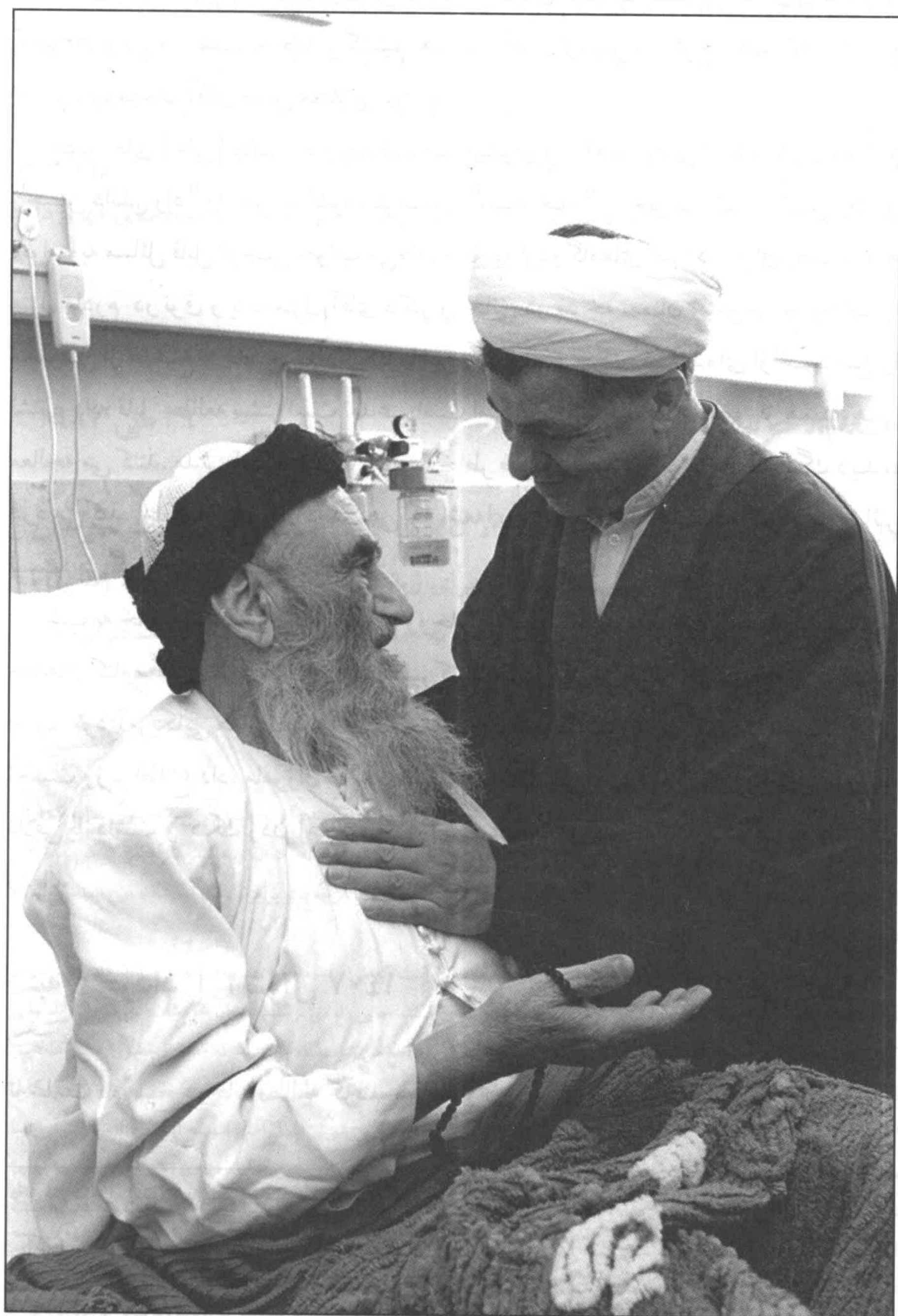
شب به خانه آمدیم. در بین راه دکتر روحانی به خاطر عدم هماهنگی سپاه با ایشان، خواهان کناره گیری از ستاد شد. گفتم صبر کنند. شب گزارش‌ها را خواندم. مسأله مهم، عقب گرد آمریکایی ها از تصمیم تحت حمایت گرفتن نفتکش های کویت است. آقای نخست وزیر اطلاع داد، ماموران ما یک دیپلمات انگلیسی [به نام ادوارد چاپلین] را به تلافی بازداشت و کتک زدن [علی قاسمی] دیپلمات ما در لندن، بازداشت کرده و کتک زده‌اند[1].

شنبه ۹ خرداد | ۲ شوال ۱٤۰۷ ۳۰ می ۱۹۸۷

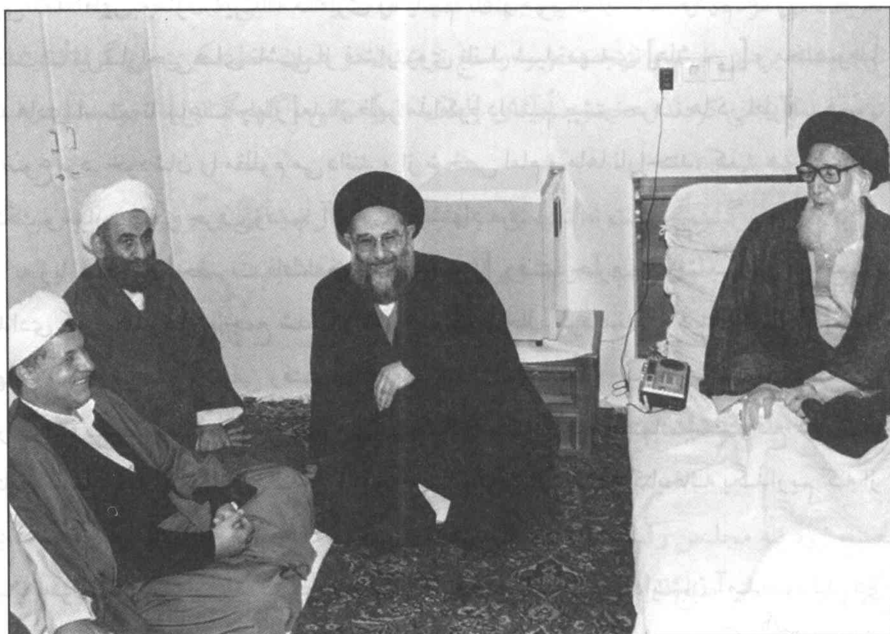
تا ساعت ده صبح درخانه مطالعه کردم. با پاسداران به سوی قم حرکت کردیم. عفت هم

ﷺابر قدرت ها در کشور شما دیگر دخالت کنند.» مأخذ: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲۷۰، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ - ماجرای جنگ دیپلمات ها از این قرار بود که مأمورین انگلیس، آقای علی قاسمی کارمند کنسولگری ایران در آن کشور را با توطئه‌ای به اتهام دزدی در یک فروشگاه، در منچستر بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار می دهند. در پی این امر، "ادوارد چاپلین" حافظ منافع انگلستان در سفارت سوئد در تهران، ربوده شده و پس از ضرب و شتم، بعد از یک روز پیدا می‌شود. دولت انگلیس در واکنش به آن، ایران را به اعمال تلافی جویانه تهدید کرده و اعلام می کند با بی صبری هرچه بیشتر، منتظر ادای توضیح و پوزش توسط ایران است.



ملاقات با آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی



ملاقات با آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی



با من آمد. ظهر به منزل آیت‌الله منتظری رسیدیم. ناهار مهمان ایشان بودیم. هنوز سخت تحت تأثیر ناراحتی‌های ناشی از فشار روی باند سید مهدی [هاشمی] و مخصوصاً سیدهادی است. تا ساعت چهار بعد از ظهر مذاکره داشتیم. بیشتر حرف ها در اطراف همین موضوع بود. خودشان را مظلوم می دانند و از شخص امام و ماها ناراحتند. کمی هم درباره جنگ و موارد دیگر حرف زدیم؛ آن هم با پیشنهاد من.

به زیارت حرم [حضرت فاطمه معصومه (س)] رفتم. حرم خلوت بود، ولی همان تعدادی که بودند، دورم جمع شدند و مانع زیارت با حال گردیدند. به دیدار آیت‌الله [سید شهاب الدین مرعشی] نجفی رفتم. حالشان بد نیست. با اینکه حدود هشت سال از امام بزرگترند، به نظر سالم‌تر از امام می‌آیند. خواست که ساختمان بیمه واقع در کنار کتابخانه اش را به کتابخانه واگذار کنیم و نیز موقوفه‌ای برای کتابخانه بگذاریم که از درآمد آن، بعداً کتابخانه اداره شود.

به منزل آقای منتظری برگشتیم. نمایندگان مجلس به ملاقات ایشان آمده بودند. در حسینیه اجتماع کردند. همراه ایشان به حسینیه رفتیم. من مختصر صحبتی کردم و ایشان مفصل حرف زدند و بیشتر نصحیت فرمودند[1]. ساعت شش و نیم خداحافظی کردیم.

به ملاقات آیت‌الله [سیدمحمدرضا] گلپایگانی رفتم. دیروز از لندن برگشته‌اند؛ به احتمال سرطان کیسه صفرا، برای معالجه رفته بودند. ۲۵ روز آنجا بوده اند. خودشان گفتند تشخیص اطباء این بوده که سرطان نیست. سنگ در کیسه [صفرا] تولید شده. سن زیادشان اجازه عمل نمی‌دهد و [سنگ را] خورد هم نمی شود کرد. ممکن است وارد خون شود. به ناچار با دارو آن را تحت کنترل می گیرند[2].

ایشان و اطرافیانش با خوشحالی و نشاط از سفر انگلستان و استقبال مسلمانان آنجا

---

۱ - آیت الله منتظری در سخنان خود درباره وظایف نمایندگی، لزوم حفظ حیثیت نمایندگان مردم، پرهیز از جو زدگی، توجه به رفع مشکلات مردم و نقدپذیری و لزوم وجود دیدگاه های مختلف مطالبی بیان کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است:« هشت سال از انقلاب می گذرد و دیگر خیلی شعار ندهید. اول برای جا افتادن انقلاب و برای مرعوب کردن دشمنان ، شعار زیاد لازم بود، اما شعارهایی که بی محتوا باشد،وعده هایی که معلوم نیست، بتوانیم عملی کنیم یا نه، به مردم ندهید . دادن شعارهای بی محتوا، خشک و خالی را دیگر باید کم کرد و بیش از همه به کار و فعالیت اهمیت داد. این هم نکته ای است که منحصر به مجلس نیست. همه ارگان ها باید از شعار دوری کنند. شعار مثل نمک آش می ماند، اگر بنا شود، همه اش نمک باشد و غذا نباشد، که نمی شود آن را خورد.» مأخذ: روزنامه کیهان، شماره ۱۳۰۴۰، مورخ ۱۰ خرداد ۱۳۶۶ ، صفحه ۲

۲ - آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی از مراجع عظام تقلید، روز ۱۳ اردیبهشت در بیمارستان کرامول لندن برای درمان سنگ کیسه صفرا بستری شدند و پس از ۲۶ روز به ایران باز گشتند. آیت الله گلپایگانی در سال ۱۳۷۲ رحلت کردند.

تعریف می کردند. معتقدند مسلمین جهان، فقط خواستار فقه سنتی هستند و از برداشت‌های نواندیشانه پرهیز دارند و نتیجه سفر را راسخ تر شدن در همان خط فکری می گرفتند و ما را توصیه به آن می کردند؛ مخصوصاً آقای [لطف الله] صافی [گلپایگانی]. نخواستم در این بحث درگیر شوم.

به تهران برگشتم. ساعت نه شب به منزل رسیدیم. نماز و شامی و مروری بر گزارش‌ها و سپس خواب. در طول [شب]، رعد و برق و بارش باران داشتیم.

یکشنبه ۱۰ خرداد | ۳ شوال ۱۴۰۷ ۳۱ می ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس رفتم. تا ساعت هشت صبح در دفترم گزارش‌ها را خواندم. در گزارش‌ها هنوز خلیج‌فارس را در صدر اخبار می‌بینم در جلسه علنی تا ساعت ده و نیم ماندم. در تنفس برای گردان امیرالمومنین(ع) لشکر عاشورا صحبت کردم. ظهر آقامحمدی آمد. برای خرج در جنگ های داخل عراق بودجه گرفت و خود ایشان عازم منطقه است.

سه نفر از نمایندگان اهل سنت آمدند و از اردوگاه آوارگان جدید کرد عراقی گزارش دادند. می گفتند اردوگاهی که برای علما و دوستان آنها در ثلاث باباجانی تخصیص یافته، جالب نیست و آنها ناراضی اند و مایلند با مردم دیگر در همان اردوگاه که مجهز تر هم هست، زندگی کنند. استاندار باختران برای [احتراز از] خطر بمباران عراق، نمی‌خواهد همه در یک جا جمع شوند. ضمناً علما می گویند امکانات بدهیم که مردم را مجهز کنند و به جنگ بفرستند. به شهر هم نمی‌خواهند بیانند.

دکتر عصمت آمد. گفت متخصص جراحی عروق و قلب است و ابتکاراتی دارد که می خواهد پیاده کند. از وزارت بهداشت شاکی است که همکاری نمی کند. با دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی] صحبت کردم. گفت آدم ناسازگاری است.

عصر آقای [اکبر] ترکان آمد. پیشرفت ها و نیازهای ساصد [= سازمان صنایع دفاع] را گفت و انتقادی به قانون در دست تهیه صنایع نظامی داشت که آنها را از تاسیس واحدهایی

که مشابه در صنایع عمومی دارد، منع می‌کنند.

آقای معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] آمد. گزارش سفر را داد و برای سفر به عربستان مشورت کرد. در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بحث بر سر انحلال حزب بود. امام با انحلال موافقت کرده‌اند، ولی خبر به صورت شایعهٔ "دستور انحلال حزب" پخش شده است. قرار شد نامه‌ای به امام بنویسیم و رسماً تقاضای موافقت با تعطیل و توقف فعالیت‌ها و یا انحلال کنیم.

شب سران قوا در دفتر آیت الله خامنه‌ای جلسه داشت. تصمیم گرفتیم که برای ۲۲ قلم کالای اساسی، نرخ تعیین شود و بر آن کنترل و نظارت گردد. خطر درگیری با آمریکا در خلیج‌فارس را خیلی جدی ندیدیم.

دوشنبه ۱۱ خرداد | ٤ شوال ۱٤۰۷ — ۱ ژوئن ۱۹۸۷

ساعت هشت صبح، همراه با آقای خامنه‌ای خدمت امام رفتیم. موافقت ایشان را برای جواب به نامه تقاضای توقف عملیات حزبی جلب کردیم. درباره عملیات جنگی در ماه‌های حرام پرسیدیم. فرمودند چون خطر تجهیز بیشتر دشمن و ضربه به اسلام وجود دارد، مانعی ندارد.

به دفترم آمدم. مهندس بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد. تقاضا داشت که در قانون ساصد [= سازمان صنایع دفاع]، محدودیت تأسیس صنایع قید شود؛ بر عکس نظر مهندس ترکان.

مسؤولان بنیاد مستضعفان آمدند. گزارش دادند و من هم صحبت کردم. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] برای امور هسته‌ای آمد. آقای [موسی] رفان [فرمانده نیروی هوای سپاه] آمد. گزارش وضع سایت های ضدهوایی و موشک ها را داد. از کمی امکانات و عدم همکاری نیروی هوایی ارتش گله داشت.

عصر در جلسه دانشگاه تهران شرکت کردم. به مناسبت هفته مجلس، چند دانشکده مراسمی را برای سه روز ترتیب داده‌اند. درباره قانونگذاری صحبت کردم و جواب

سئوالات را دادم[1]. عصر به خانه رسیدم.

نامه‌ای که به امضای خود و آیت الله خامنه‌ای بود، برای امام بردم که درباره متوقف کردن کارهای حزب جمهوری اسلامی، بر اساس مذاکراتی که صحبت کرده بودیم، کسب تکلیف کنیم. ساعت یازده شب جواب امام رسید؛ بد نبود[2]. جلوی مزاحمت‌های

---

۱ - در سمینار بزرگداشت هفته مجلس و روز قانون، ویژگی های نظام قانونگذاری جمهوی اسلامی ایران و تفاوت آن با دیگر نظام های سیاسی تشریح شد. آقای هاشمی در این سخنرانی ، در مورد سیستم قانونگذاری در دیگر نظام های سیاسی جهان گفت: «در نظام دیکتاتوری، سازمان قانونگذاری معنای چندانی ندارد، بلکه این شخص دیکتاتور است که تصمیم می گیرد و شیوه تدوین قوانین نیز به خصوصیات حاکم بستگی دارد. در نظام مارکسیستی نیز علیرغم ادعاهایی که می شود، قدرت از سوی حزب کمونیست حاکم بر جامعه اعمال می شود و به این ترتیب، دیکتاتوری حزبی، جای دیکتاتوری فردی را می گیرد. در سیستم غربی، عموم مردم، تابع هوا و هوس های سیاستمدارانی هستند که از طریق احزاب ، به مجلس راه می یابند. درنظام قانونگذاری اسلام، خدا به عنوان قیم بشر، برای زندگی آنها حدودی را ترسیم کرده، اما حق تعیین مرز برای زندگی مردم را حتی به شخص پیغمبر نداده است. جهان بینی مسلمانان و الهیون، راه را برای هدایت از طریق خدا باز می داند. قانونگذاری در جمهوری اسلامی ، عقل اروپا و کشورهای غربی نیست که برای هر موردی اگر نصف به علاوه یک آرا کسب شود، همان طور عمل گردد و آن طور هم نیست که اگر حزبی پیروز شد، هرگونه خواست، عمل کند. ما، حاکم بدون بیعت نداریم و این بیعت با انتخابات و آرای مردم انجام می پذیرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - نامه آیت الله خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی به محضر امام خمینی (ره) و پاسخ حضرت امام به این شرح است: [بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی مدظله العالی، همان طور که آن رهبر عزیز اطلاع دارند، تأسیس« حزب جمهوری اسلامی» از طرف هیأت مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی های انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای ادارهٔ کشور و خنثی کردن توطئهٔ گروهک ها و عوامل دشمن خارجی و ضد انقلاب داخلی، به شدت احساس می شد. این حزب در طول سال های گذشته در حد توان خود به منظور تثبیت نظام جمهوری اسلامی و انجام تکالیف بزرگی که بر دوش خود حس می کرد، از هیچ کوششی فروگذار نکرد؛ و در کوران توطئه های چپ و راست، با فداکاری و تقدیم شهدایی که بعضی از آنان چهره های برجسته و فراموش نشدنی انقلابند، از جمله شهدای هفتم تیر، نقاب از روی نفاق برانداخت و مظلومیت و حقانیت خط امام را به نمایش گذارد. در طول جنگ تحمیلی، حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور به وظیفهٔ اسلامی خود برای بسیج مردم و شرکت فعال در جبهه های نور عمل کرد، و جمعی از کادرها و اعضای آن در این جهاد مقدس به افتخار شهادت نایل آمدند. تعبد افراد این حزب به اسلام و اعتقاد راسخ آنان به ولایت فقیه، که خود عامل مهمی در کینه توزی ضدانقلاب بود، ایجاب می کرد که در مراحل و مقاطع مختلف انقلاب، با کسب رهنمودهایی از آن مقام معظم، حرکت حزب را تنظیم و سیاست های آن را پی ریزی نمایند. اکنون به فضل الهی، نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت انقلاب را از جهات عدیده آسیب ناپذیر ساخته و روشن بینی و توکل و قوّت ارادهٔ آن رهبر عالیقدر و فداکاری و آمادگی مردم حزب الله، توطئه های ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی اثر و کم خطر نموده است. لذا احساس می شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و بالعکس، ممکن است تحزّب در شرایط کنونی، بهانه ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انجام ملت گردد، و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی سازی یکدیگر کند. لذا، همان طور که قبلاً نیز کراراً عرض شد، شورای مرکزی پس از بحث و بررسی مبسوط و مستوفاً با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که «حزب جمهوری اسلامی» تعطیل و فعالیت های آن به کلی متوقف

بعدی بد خواهان را می گیرد. آن را برای نشر اول وقت فردا، به روزنامه جمهوری [اسلامی] رساندیم. نگران هستیم که اگر زودتر از طرف خود ما حقیقت اعلان نشود، به گونه دیگری از طرف بدخواهان منتشر شود. خیلی مایلند به این گونه منعکس شود که امام دستور انحلال حزب را داده‌اند و این در آینده، برای اعضای حزب و به طور کلی برای فکر "تحزب" مضر خواهد بود.

سه‌شنبه ۱۲ خرداد | ۵ شوال ۱۴۰۷ ۲ ژوئن ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. هنوز ناو استارک آمریکا و مسائل خلیج‌فارس در رأس مسائل است. تا ساعت دو و نیم در جلسه ماندم. اشکالاتی در برنامه دیدار نمایندگان با امام داشتیم که برای حل آن به دفترم آمدم.

ظهر خانم [مریم] بهروزی آمد و گزارش اجتماعات بانوان عضو بین المجالس در نیکاراگوئه را داد و از دست و پاگیر بودن چادر در آنجا گله داشت. آقای [سیدمحمد] کیاوش [نماینده آبادن] آمد. برای پادگان های سپاه و خوزستان کمک خواست. آقای علیزاده آمد و پیشنهادهایی برای پالایشگاه سیار و اسلحه آورد.

آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر به آفریقا و مسائل جاری بین ما و انگلیس را - که دیپلمات های دو طرف در دو کشور کتک خورده‌اند - داد.

عصر آیت‌الله خامنه‌ای آمدند. درباره روزنامه جمهوری اسلامی و سر و سامان دادن به دارائی های حزب بعد از تعطیلی مذاکره شد. با هم به جلسه مشترک سه قوه در سالن

گردد. مراتب برای استحضار و کسب رهنمود عالی معروض می گردد. والامرالیکم، و ادام الله بقائکم الشریف. سید علی خامنه ای، اکبر هاشمی رفسنجانی]،

پاسخ حضرت امام: «بسمه تعالی، جنابان حجتی الاسلام آقای خامنه ای و آقای هاشمی ـ دام توفیقهما، موافقت می شود. لازم است تذکر دهم که حضرات آقایان مؤسسین محترم حزب، مورد علاقهٔ اینجانب می باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیهٔ اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً تذکر می دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه برخلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است. والسلام علیکما و رحمه الله. ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ روح الله الموسوی الخمینی» مأخذ: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲۷۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

کتابخانه مجلس رفتیم.

در این جلسه شورای نگهبان، هیأت دولت، شورای‌عالی قضائی، احمدآقا، هیأت رئیسه مجلس، رؤسای کمیسیون ها و رئیس جمهور شرکت داشتند. جلسه پنج ساعت طول کشید. تورم و همکاری قوا و اجرای قانون اساسی در دستور بود و همه ما صحبت کردیم. شام مهمان مجلس بودند. ساعت ده و نیم شب به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱۳ خرداد | ٦ شوال ١٤٠٧ ۳ ژوئن ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح خدمت امام رسیدم. ایشان بنا نداشتند که در ملاقات نمایندگان مجلس صحبت کنند. تقاضا کردم صحبت کوتاهی بفرمایند که قبول شد. نمایندگان و خانواده هایشان به ملاقات امام رفته بودند. من صحبت کردم و از امام خواستم که در تصویب قوانین بنیادی از جهت انطباق با فقه، به مجلس کمک کنند[1]. امام هم سخنان کوتاهی فرمودند. به مجلس آمدم. تا ساعت یازده گزارش ها را می خواندم.

[سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نیروی زمینی ارتش اطلاع داد عملیات موفق و محدودی در میمک انجام داده اند. قرار شد نام آن «نصر ۲» باشد. ساعت یازده صبح، واحد مهندسی سپاه آمد. گزارش کار دادند، من هم صحبت کردم. [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد و خواستار [اختصاص] ارز بیشتر شد. به تصمیم گروه مشاور در تقسیم ارز ایراد داشت.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. در مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردم. خبرنگاران روی موضوع تعطیل حزب و اظهارات امروز من در خدمت امام، حساس شده

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « یکی از مشکلات موجود در مجلس که من با همه وجودم احساس می کنم و بقیه نمایندگان هم احساس می کنند، این است که در قانون گذاری و تدوین قوانین اساسی و بنیادی کشور که مورد توقع مردم و هم مسئولان است و دائماً در تریبون‌ها گفته می شود که مجلس قوانین بنیادی و اساسی بگذارند و ما هم چنین علاقه ای داریم و همچنین حالا هم تعدادی از قوانین بنیادی در اختیار ماست، به طور در بسته لازم است که در محضر جنابعالی در این جلسه اظهار بکنم، تحقیقاً ما نیاز به دخالت و کمک صریح جنابعالی داریم ... شرایطی که ما داریم غیر از شخص جنابعالی، هیچ کس زیر سقف این آسمان وجود ندارد که بتواند این مسائل را حل کند و امروز اگر غیر از جنابعالی، به داد این مقطع انقلاب نرسید و مشکلات قانون گذاری را صریح و روش، آن جوری که تشخیص خودتان هست و برای همه ماها حجت است، حل بفرمایید، ما نمی دانیم در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام دهد؟» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

بودند و اهمیت مسأله خلیج‌فارس هم مشهود بود[1].

آقای [فریدون] مهدی‌نژاد [= وردی نژاد] آمد. درباره فعالیت‌های خارج مشورت کرد و اسناد جریان خرید سلاح از آمریکایی ها را که نزد من بود، برای تدوین کتاب مورد نظر گرفت. آقای عبدالله نوری آمد و از آقای دکتر روحانی گله داشت.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. بنا شد برای ایجاد آرامش در لبنان کمک شود. درباره جنگ و اوضاع خلیج فارس صحبت شد و دولت خواستار بسیج کامیون های ارتش و سپاه، برای آوردن کالا از بنادر و فعال شدن بندر ماهشهر و اعزام کاروان کشتی ها به آنجا شد.

پنجشنبه ۱٤ خرداد | ۷ شوال ۱٤۰۷ — ٤ ژوئن ۱۹۸۷

قبل از دستور، درباره عملیات نصر ۲ و قیام پانزده خرداد صحبت کردم[2]. بعد از تنفس به

---

۱ - ایشان در پاسخ به سئوال یک خبرنگار کانادائی که پرسید:« علت انحلال حزب جمهوری اسلامی چه بود و آیا این به معنای آن است که در ایران، دیگر حزبی وجود ندارد؟» گفت:« احزاب در جمهوری اسلامی آزاد هستند و هر کس با شرایطی که در قانون آمده است، می‌تواند حزب تأسیس کند. هنگامی که حزب جمهوری اسلامی تأسیس شد، همه چهره هائی که نقشی در انقلاب داشتند، در آن شریک بودند و یک حزب همه جانبه ای بود که در آن اکثر وزرا، نمایندگان، ائمه جمعه و مسئولان سطح بالا عضو بودند و خطوط مختلف جامعه که دارای دیدگاه های متفاوت اقتصادی بودند، در آن حضور داشتند. آن موقع رسالت حزب مبارزه با مخالفان اسلامی شدن کشور بود و موفقیت های خوبی هم بدست آورد، خیلی ها هم در سراسر کشور عضو آن شدند. رفته رفته که مخالفان کمرنگ شدند، حزب هم رسالت خود را کم رنگ دید. حدود یک سال پیش خدمت حضرت امام رسیدیم و خواستیم یا من و یا آقای خامنه ای در حزب نباشیم. ایشان آن موقع اجازه ندادند و فقط اجازه محدود کردن فعالیت حزب را دادند و تقریباً نصف دفاتر حزب را تعطیل کردیم. حالا که انتخابات در پیش است، احساس کردیم که افراد مختلف در داخل حزب، راه‌های مختلفی را پیشنهاد می کنند، مثلاً خانه کارگر یکی از شاخه های حزب بود و مدت ها هم مانند واحدهای تابع حزب عمل می کرد، انجمن‌های اسلامی هم عموماً تابع حزب بودند که هر کدام تمایلات خودشان را داشتند و با محدودیت حزبی روبرو بودند. با حضرت امام راجع به این مسائل صحبت شد و ایشان موافقت کردند که ما کلیه فعالیت های حزب را متوقف کنیم . البته فقط فعالیت حزب متوقف شده و حزب منحل نشده است، فقط خواستیم که تحت نام حزب فعالیت نکنیم، ولی اگر یک روزی شرایط کشور مانند اوائل انقلاب شود، حزب می تواند فعالیتش را شروع کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آقای هاشمی در این نطق درباره عملیات نصر ۲ در جبهه میمک و بزرگداشت خاطره پانزده خرداد مطالبی اظهار داشت. ایشان ابتدا از رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی، به خاطر انجام عملیات بسیار خوب، سریع، قاطع و مهم تشکر کرد و سپس افزود: «منطقه ای که از دست عفالقه گرفته شد، آخرین ارتفاعات غرب میمک است که عراق را از این منطقه سوق الجیشی به یک دشت وسیع غیر قابل دفاع منتقل کرده و نقطه حساس میمک را از نفوذ احتمالی عراقی ها حفاظت می کند. عملیات، غافلگیرانه و سریع و با تلفات بسیار کم، از

دفترم آمدم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. به کارهای جنگ رسیدم. عصر مدیران و خانواده شهدای دانشگاه آزاد اسلامی آمدند و گزارش کار دادند. برای آنها صحبت کردم[1]. با وزارتخانه‌ها مشکل دارند، بعضی‌ها مخالفند و کمک نمی‌کنند. از جمله دانشگاه‌ها، از در اختیار گذاشتن آزمایشگاه‌ها خودداری می‌کنند.

[آقای کارلوس پاپولیاس] وزیر خارجه یونان به ملاقات آمد. خود را از زورگویی‌های غربی ها جدا می‌کردند[2]؛ ملاقات گرمی بود. در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. فرماندهان نیروهای دریایی سپاه و ارتش، گزارش وضع موجود و تهدیدهای احتمالی در صورت دخالت ابر قدرت ها و امکانات دفاعی را توضیح دادند. قرار شد طرح دفاعی را به طور مشترک تهیه کنند و برای دو هفته دیگر بیاورند. شب به خانه رفتم.

جمعه ۱۵ خرداد | ۸ شوال ۱۴۰۷ ۵ ژوئن ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح، در منزل برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. نماز جمعه را در دانشگاه

نیروهای خودی و ضربه کاری بر دشمنان انجام شد.» آقای هاشمی آنگاه ضمن دعا برای این بزرگمردان رزمنده، اظهار امیدواری کرد که این گونه اقدامات در آینده اوج بیشتری بگیرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:« هر ساله درصد عظیمی از متقاضیان ادامه تحصیل نمی توانند به دانشگاه ها راه یابند و با توجه به اینکه کشور در شرایطی نیست که بتوان افرادی را برای تحصیل به خارج از کشور بفرستد و به دلایل اخلاقی نیز مسئولین مایل نیستند که نوجوانان مملکت به خارج از کشور بروند، بهترین راه این است که جریان کنترل شده ای مثل دانشگاه آزاد اسلامی که حتی بیشتر از دانشگاه های دولتی علاقه دارد که ضوابط اسلامی، انسانی و انقلابی را حفظ کند، در کشور وجود داشته باشد. من اطمینان دارم که مخالفین روزی از مخالفتشان پشیمان خواهند شد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - وزیر خارجه یونان در این ملاقات گفت:« یونان خواهان گسترش جدی روابط با ایران است. آمریکا و شوروی نمی خواهند و نمی‌توانند بفهمند که این بازی که در خلیج فارس به راه انداخته اند، چقدر برای آنها خطرناک است. ما این موضوع را که به دو ابر قدرت گفته اید دستشان را از خلیج فارس کوتاه کنند، به خوبی درک می کنیم و کاملاً با شما موافقیم.» آقای هاشمی نیز گفت: «اعلام این مواضع از یک کشورهای اروپایی، برای ما و ملت انقلابی ما بسیار جالب است. زیرا مردم ما معمولاً از کشور اروپایی حرف های زور شنیده اند. توقع ما از شما که می دانید عراق آغاز گر جنگ است، این است که مواضع قاطع تری اتخاذ کنید. آمریکا شش در صد نفت خود را از این منطقه می برد و این را به عنوان منطقه حیاتی می خواهد برای خود حفظ کند، ولی ما را که صد درصد منافعمان اینجاست و صاحب خانه هستیم، می خواهند از حقوقمان محروم سازند. اینها باید بدانند که این افکار مغرورانه دیگر در دنیا پذیرفته نیست و لااقل در ایران اسلامی کسی به این حرف ها گوش نمی دهد.»

تهران اقامه کردم. در خطبه دوم در خصوص قیام پانزده خرداد، دانشگاه آزاد اسلامی، پیروزی ارتش و جنگ های داخل عراق و خلیج‌فارس بحث کردم. در خطبه اول درباره غرور و تکبر و اسراف مطالبی طرح شد[1].

عصر آقای [علی اصغر] مروارید آمد. برای حل مشکلش در بنیاد انقلاب - که با همکارانش به اختلاف افتاده‌اند - کمک خواست. آقای [موسی] خیّر آمد و پیشنهاد یک زیردریایی کوچک را از طرف کره‌ای‌ها داد، که می‌تواند ناوها را با موشک بزند. شب [آقای سید حسین مرعشی] استاندار کرمان آمد. درباره مسائل استان و [مبارزه با قاچاق] مواد مخدر و کنترل قیمت‌ها مطالبی گفت.

سرتیپ حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که عملیات شمال غرب به خاطر بیداری دشمن در زمان معین انجام نشده، با اینکه نیروها پای کار رفته اند، ولی آتش دشمن، نشان اطلاع آنها بوده است و تلفاتی هم داشته‌ایم. محسن[2] آمد و گزارش ملاقات دو تیم موشکی سپاه و جهاد را داد. تفاهم درمیان نبوده است.

---

۱ - در خطبه اول، ادامه بحث استضعاف و استکبار دنبال شد. در خطبه دوم نماز، تحلیلی درباره قیام ۱۵ خرداد ارائه گردید و سپس مسایل سیاسی روز از جمله مسائل منطقه ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم آمده است:« اکنون آمریکایی ها، دارند دنبال یک بهانه می گردند که این ادعاهایی که کرده اند، به یک نوعی پس بگیرند که خیلی برایشان فضاحت بار نباشد، ولی فضاحت هست. اصولاً این مانور برای این بود که دل نوکرانشان را در اطراف خلیج فارس محکم بکنند که قدرت ها با آنها هستند و این وضعی که پیش آمد، نوکران آنها در اطراف خلیج فارس فهمیدند که از دست ابر قدرت ها هیچ کاری ساخته نیست و اگر این حوادث پیش نمی‌آمد، شاید یک روزی اینها بیایند، ولی حالا که آمدند این طور سیلی خوردند و عقب نشینی کردند، بقیه آبروی احتمالی که برای آنها مانده بود، بعد از رسوایی مک فارلین آن را هم از دستشان گرفتند و در درون ناتو نیز وضع بد است و در کل، جریان آمریکایی ها دنبال فرار از منطقه هستند، به نحوی که صورت خودشان را با سیلی سرخ نگهدارند. شنیده شده و حتی قرائن و شواهدی داریم که دنبال این مسأله هستند که این طوری که اینها تحقیر شده اند و ناوشان آسیب دید، یک کسی پیدا بشود و ناو شوروی ها را هم به سرنوشت ناو آمریکایی‌ها دچار کند و گویا بر روی این مسأله، دارند کار می کنند. و شوروی ها هم متوجه شده اند و خیلی نزدیک نمی آیند، چون شوروی ها قبل از آن در خلیج فارس، یک چیزهایی را چشیده اند و عاقل تر از آمریکایی ها هستند و در مجموع این طور به نظر می آید که حادثه مهمی در خلیج فارس بعید است اتفاق بیافتد، ولی ما نمی توانیم مطمئن باشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - مهندس محسن هاشمی فرزند ارشد آیت الله هاشمی رفسنجانی، دانش آموخته رشته مهندسی مکانیک با درجه کارشناسی ارشد از دانشکده پلی تکنیک دانشگاه مونترال کانادا، بعد از اتمام تحصیلات در بخش صنایع موشکی سپاه به خدمت پرداخت. او تاکنون در سمت‌های سرپرست پروژه موشکی شهاب ۳، عضو هیأت مدیره صنایع دفاع، رئیس بازرسی ویژه رئیس جمهور، رئیس دفتر رئیس جمهور، عضو هیأت امنای سازمان جهاد دانشگاهی و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) به فعالیت پرداخته است.

شنبه ۱٦ خرداد | ۹ شوال ۱٤۰۷ — ٦ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. تا ظهر وقتم به مطالعه گزارش ها گذشت. دفتر تحکیم وحدت، درباره محتوا و شکل راهپیمائی علیه دخالت ابرقدرت ها در خلیج فارس و کویت مشورت کردند. گفتم به کویت اهمیتی ندهند و به شوروی خیلی بد نگویند و بیشتر به آمریکا حمله شود و در مقابل دفتر سازمان ملل، از شورای امنیت بخواهند که خواستار محاکمه صدامیان متجاوز شود.

احمدآقا آمد. از اینکه در جریان افشای زودرس تعطیل حزب به عنوان انحلال از طریق دفتر [امام]، مورد گلایه ما بوده است، دفاع کرد. درباره تلاش شورای نگهبان برای دفاع از فشارهای اخیر گفت و اطلاع داد که امام تا حدودی آمادگی برای اصلاح قانون اساسی دارند، ولی نظر خودشان مخالف بود، به این جهت که ممکن است تحت فشار محافظه کاران جنبه های مترقی قانون اساسی ضعیف شود. از من خواست که از امام تقاضا کنم، اجازه بدهند ایشان به ملاقات آقای منتظری برود. از زمان مسأله سید مهدی‌هاشمی، امام اجازه رفتن ایشان به ملاقات آیت‌الله منتظری را نداده‌اند.

ظهر بچه ها مهمان محسن بودند و من در منزل تنها بودم. عصر برای اولین بار از استخرخانه استفاده کردم. هنوز آب سرد و استخر هم خیلی کوچک است؛ دستور پزشک است.

آقای [سعید] رجائی خراسانی، نماینده [دائم] ایران در سازمان ملل آمد. مدعی است شورای امنیت در وضعی نیست که بتواند به تصمیم مهمی علیه ما برسد و نباید نگران باشیم، یا اظهاراتی حاکی از نگرانی بکنیم و نیز گفت آمریکایی‌ها از طریق نماینده الجزایر، پیغام داده‌اند که می‌خواهند مشکلشان با ایران را حل کنند. گفتم اول باید با آزاد کردن اموال ما، حسن نیت خود را نشان دهند و اجازه دادم که مستقیماً با آنها حرف بزنند.

آقای [سید محمد کاظم] خوانساری سفیرمان در لیبی آمد. اخیراً با [معمر] قذافی [رهبر لیبی] و [عبدالسلام] جلود ملاقات کرده و آنها بر دوستی خود با ایران تاکید کرده‌اند و خواسته اند که از سردی روابط کاسته شود و با پایان گرفتن مأموریت سفیر ما مخالفت کرده‌اند.

اخوان علم الهدی اهوازی آمدند. از مشکلات درون سپاه گفتند. همسر شهید بهشتی

آمد. درباره مدیریت مسائل مالی و کتاب ها و منزل صحبت شد و خواست که سخنرانی های آقای بهشتی، از رادیو بیشتر پخش شود. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. مسأله مهمی نداشتیم.

یکشنبه ۱۷ خرداد | ۱۰ شوال ۱۴۰۷   ۷ ژوئن ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس ماندم. در تنفس برای خواهران بسیج صحبت کردم[۱]. ظهر چند نفر از فرش فروش‌ها آمدند. درباره ضررهای بالا رفتن پیمان ارزی گفتند. دو نفر از داروسازان تجربی آمدند و از فشار دکترهای داروساز بر آنها شکایت داشتند.

عصر با [آقای جادالله عزوز الطلحی] وزیر خارجه لیبی ملاقات داشتم. پیغام آقایان[معمر] قذافی و [عبدالسلام] جلود را آورده و تاکید بر استحکام روابط داشت و نصیحت می کرد که جنگ را تمام کنیم. گفتیم بدون تأمین حقوق ایران، جنگ تمام نمی‌شود و نظر آنها که می گویند با تمام شدن جنگ، صدام ساقط می‌شود، درست نیست، بلکه او را با تبلیغات، قهرمان عرب می کنند[۲].

---

۱ - در این دیدار که گروهی از خواهران رده های مقاومت پایگاه مقداد، به همراه جمعی از خواهران ستادهای پشتیبانی امور تربیتی کرج حضور داشتند، آقای هاشمی ضمن آگاهی از عملکرد پایگاه مقداد و نقش این واحد در ارتباط با مسایل جبهه و پشت جبهه، درباره تأثیر فعالیت های اجتماعی زنان در پیشبرد جامعه، اظهار داشت:« زنان مسلمان در این مقطع تاریخی، یکی از مشکل ترین وظایف اجتماعی شان را انجام می دهند. نقشی که زنان مسلمان در انقلاب داشته اند، مایه افتخار جامعه و سند حقانیت اسلام است. در تظاهرات و اعتصاب هایی که رژیم گذشته را از پای انداخت، دنیا نقش زنان را خیلی روشن دید و بعد از انقلاب هم در مراسم عمومی که قدرت ملی مان را به رخ دشمنان مان می کشیم، حضور فعال خانم ها، دل دشمنان انقلاب را می لرزاند. حضور زنان، انصافاً چشمگیر است. نقشی که زنان متدین و حزب الله در خانواده، جهت تشویق شوهران و پسران و برادرانشان، برای ماندن در میدان های رزم دارند و تحمل مشکلات توسط آنها، اهمیت بسیاری در موفقیت ها دارد. کمک هایی که زنان در پشت جبهه در اهدای زینت آلات و امکانات خودشان به جنگ می کنند و نقشی که در اداره کردن خانه در غیاب شوهران و پسران خود دارند و کمک های امدادی که در بیمارستان ها انجام می دهند و همچنین کارهای ظریف و دشوار آنان، انسان را دچار تواضع می کند. خانمی که با احساسات لطیفی که دارد، این قدر روحیه قوی پیدا کرده که لباس خونین آن بچه های شهید یا مجروح را دوباره آماده استفاده درجبهه می کند، خیلی رشد کرده است. این افتخاری برای اسلام و انقلاب ماست.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - "آقای عزوز الطلحی" دبیر کمیته مردمی روابط خارجی لیبی، در این ملاقات گفت:« موضع لیبی نسبت به انقلاب اسلامی ایران، موضعی نیست که با آن سازش یا داد و ستد کنیم.» آقای هاشمی نیز با اشاره به این ادعا که اگر جنگ تمام شود، صدام خود به خود سقوط خواهد کرد، گفت:« استکبار جهانی با تبلیغات فراوان و کمک های زیاد، صدام را حفظ می کنند و به گونه ای تبلیغ می کنند که صدام

[اعضای] شورای‌عالی [سازمان همکاری های اقتصادی] اکو، به ملاقات آمد. حرف مهمی نداشتند و جلسه با تعارفات برگزار شد. جلسه ای با حضور آقایان روحانی، ری شهری، یونسی، صفائی و محمدی در حضور آقای خامنه ای داشتیم. بحث درباره ضعف های عقیدتی سیاسی ارتش و عدم صلاحیت بعضی از افراد بود. نادرستی در شیوه برخورد، اداری شدن و رسمی شدن روحانیون، ظهور در کنار فرماندهی و تظاهر به قدرت و جلال از نکات منفی به حساب آمد.

جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. مطالب وزیر خارجه لیبی را جمع بندی کردیم و قرار شد با لیبی مدارا کنیم. آقای [مهدی] کروبی آمد. مشکلات بنیاد شهید را گفت: کثرت شهدا و اسرا و مفقودان که مجموعاً در حدود یکصد و شصت هزار پرونده دارند و کثرت مجروحان و معلولان و کمی امکانات، کالا و وسیله نقلیه و بیمارستان و ارز، قرار شد در هر مورد کمک شود. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۱۸ خرداد | ۱۱ شوال ۱۴۰۷ — ۸ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. پیش از ظهر جمعی از فرماندهان قرارگاه‌های سپاه آمدند. طرح عملیات آینده را گفتند که چند روزی به تاخیر افتاده است. نیروی رزمنده کم داریم. برای آنها ناهار از بیرون گرفتیم. سرهنگ جمالی هم تلفنی از عملیات محدود نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] در غرب میمک خبر داد.

عصر، همسر شهید مطهری آمد. از بعضی دوستان شهید مطهری به خاطر اظهاراتشان گله داشت. [آقای محسن رفیق دوست] وزیر سپاه و [محمد نبی حبیبی] شهردار تهران در رابطه با برخورد سپاه و ماموران شهرداری، تلفنی مذاکره کردند.

گزارش ها را آورند. مسائل خلیج فارس در صدر اخبار دنیا است. شب، من و مهدی در خانه بودیم. از آشپزخانه دفتر امام شام آوردند.

حافظ مرزهای عربی است. همین حالا وقتی صدام در حمله های ما از رزمندگان اسلام شکست می خورد، اینها در تبلیغاتشان به عنوان پیروزی برای صدام جا می اندازند. الان موقعیتی است که کشورهای مترقی باید در کنار مبارزه مردم مسلمان عراق، وارد کارزار شوند.»

سه‌شنبه ۱۹ خرداد | ۱۲ شوال ۱۴۰۷ — ۹ژوئن ۱۹۸۷

بعد از نماز، مطابق معمول مقداری ورزش کردم و گزارش هایی از وزارت اطلاعات درباره وضعیت ضدانقلاب ایران در ترکیه خواندم. تا ساعت ده و نیم صبح، در جلسه علنی مجلس بودم. در تنفس دکتر روحانی آمد. درباره ارز جنگ، برای صنایع داخلی و عملیات آینده صحبت کردیم. آقای علوی نماینده گرگان آمد و از عملکرد بد مسؤولان در گرگان، در موقعی که قرار بود من به مازندران بروم، گفت.

[سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش عملیات نصر ۲ را ارائه کرد و طرح های عملیاتی آینده را توضیح داد. عصر به جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی رفتم. آیت الله خامنه‌ای نبودند. درباره لزوم تسریع در تصویب اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی صحبت شد. موضوعات قابل طرح در شورا را مشخص کردیم. مغرب به خانه رسیدم. شب به تماشای تلویزیون گذشت.

چهارشنبه ۲۰ خرداد | ۱۳ شوال ۱۴۰۷ — ۱۰ ژوئن ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به دانشگاه تهران رفتم. در سمینار جراحان که در جنگ خدمت کرده‌اند، صحبت کردم[1]. به جلسه مجلس نرفتم و در دفترم ماندم.

---

۱ - کنگره جراحان در زمینه تروماهای جنگ، صبح این روز با شرکت جمعی از مسئولین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، استادان، دانشجویان و با سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در محل کتابخانه مرکزی دنشگاه تهران آغاز به کار کرد. آقای هاشمی در سخنان خود، ضمن قدردانی از خدمات ارزنده پزشکان و جراحان گفت: «به دلیل اهمیت جنگ و علیرغم جلسه علنی مجلس، در این برنامه شرکت کردم تا مراتب تشکر خود، نمایندگان مجلس و حضرت امام را به شما ابراز دارم. همه بخش ها در رابطه با جنگ و تأمین نیازهای اساسی آن، خدمات شایانی کرده اند ، ولی خدمات شما پزشکان و جراحان، از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا در شرایطی که از نظر تعداد پزشک در مضیقه هستیم، تعداد بسیار زیادی مریض و مجروح مداوا شده اند و فشار کار بر روی اطباء زیاد بوده است. ارزش کار شما روشن است. این کار، ذاتاً مقدس است و هیچکس نمی تواند اهمیت آن را منکر شود. ولی زمینه کار شما به خاطر نجات مجروحان، ارزش فوق العاده ای دارد. زیرا اینها جزو انسان های کم نظیر تاریخ هستند. تحقیقاً پزشکانی که خود را آماده می کنند تا از مطب و دانشگاه به بیمارستان صحرایی، زیر بمباران های شیمیایی دشمن بروند، در شمار رزمندگان به شمار می روند. این کنگره، آثار علمی بسیاری به وجود خواهد آورد که باعث رشد کشور در این زمینه خواهد شد و محصولات فراوانی برای جراحی کشور به وجود خواهد آورد. آنچه بعد از جنگ جهانی دوم برای دنیا ماند، علوم و فنونی بود که به اجبار پیشرفت کرد و سهم زیادی در توسعه علوم زمان ←

آقای [قربانعلی] درّی[نجف آبادی] آمد. وضع مهاجران جدید عراقی را گفت. آقای دکتر روحانی آمد. از تصمیم کمیسیون مربوط در مورد واگذاری بیمارستان نیمه تمام نیروی هوایی به دولت انتقاد کرد. ارز برای خرید رادار می خواهد که نداریم. آقای سعیدی [رئیس روابط عمومی مجلس] آمد. از دادن حکم به آقای [سیدجلیل] سیدزاده [نماینده کرمانشاه] در مورد نمایندگی از طرف مجلس در کمیسیون تشکیل جلسات قوای سه گانه و عدم توجه به زحمات روابط عمومی، گله داشت.

جمعی از بسیجی ها و خانواده های شهدا آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. مهندسین، دست اندرکار ساختن سالن مجلس برای آینده آمدند و درباره ویژگی های مجلس مورد نظر مشورت کردند. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب جلسه سران قوا در دفتر [مهندس میرحسین موسوی] نخست وزیر بود. درباره مسأله ساختمان های نیمه تمام ارتش صحبت شد. قرار شد آقای نخست وزیر، مطلب را به امام گزارش نمایند. دکتر [عبدالله] جاسبی [رئیس دانشگاه آزاد اسلامی] آمد. اجازه گرفت که یک مورد از اموال مصادره ای به دانشگاه آزاد اسلامی داده شود. امام، دادن آن را مشروط به تجویز سران قوا کرده‌اند. موافقت شد، دانشجویانی که از خارج بر می گردند، به شرط تصویب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، در دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شوند.

آیت‌الله خامنه‌ای از اقدامات و پیشنهادهای گروه مشاور در امر مبارزه با شیطنت های

ما دارد. ثبت و انتقال این تجربیات و رساندن آنها به دانشجویان در غنی کردن این زمینه موثر خواهد افتاد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - آقای هاشمی در دیدار با جمعی از رزمندگان لشکر ۲۱ امام رضا(ع)، گروهی از رزمندگان لشکر ۵ نصر خراسان، گروهی از اعضای بسیج دانش آموزی شهرستان قم و جمعی از خانواده های شهدای قائم شهر، ضمن تأکید بر این نکته که انسان با دیدن رزمندگان پرشور، دچار نشاط می شود، اظهار داشت:« خانواده های شهدا می دانند که چه جواهری را در راه خداوند هدیه داده اند. بچه های خودشان را اینها می شناسند که چه انسان های شریفی بوده اند، ولی هرچه انسان در راه خدا و برای اسلام و قرآن هدیه بکند، ارزش دارد. برای ما راه روشن است و خوشبختانه در این راه انسان چیزی را از دست نمی دهد؛ زیرا هرچه بشود، چیزی بدست می آورد. آنهایی که در این راه نیستند، مغبون اند. خانواده شهدا احساس عظمت و حضور در تاریخ اسلام را می کنند. احساس همراهی با کاروان امام حسین(ع) می کنند. یک چنین حالتی در خانواده شهداست. بنابراین ما چیزی را از دست نمی دهیم و عظمتی که امروز اسلام و مسلمین دارند، در سایه همین روحیه‌هاست. به هر حال پیروز هستیم، چون تکلیف خودمان را انجام داده ایم و پیداست که خداوند، علاوه بر پیروزی های معنوی پیروزی‌های ظاهری نیز داده است. جمهوری اسلامی و نیروهای رزمنده ما، امروز به عنوان یک قدرت معنوی در کل دنیا مطرح هستند و مستکبرها در برابر این ملت مقاوم، خاضع هستند. من به شما به واسطه انتخاب این راه خوب، تبریک می گویم و به خانواده های شهدا نیز که صبورانه در فراق عزیزانشان، پشت جبهه و انقلاب را حفظ می کنند، نیز تبریک می گویم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

آمریکایی‌ها خبر داد و حدود مسئولیت و قلمرو کار آنها تعیین شد. درباره اداره کمیسیون تبصره ۲۸، در خصوص تحویل بعضی از پروژه‌های ارتش به دولت [مذاکره شد].

پنجشنبه ۲۱ خرداد | ۱۴ شوال ۱۴۰۷ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۷

تا ساعت ده و ربع، در جلسه علنی مجلس بودم. مراجعات نمایندگان زیاد بود. پیش از ظهر در دفترم گزارش‌ها را خواندم. عصر آقای [عباسعلی] اختری امام جمعه سمنان آمد. اوضاع آنجا را گفت و راجع به کیفیت برخورد با سید هادی هاشمی، داماد آیت‌الله منتظری - که در آنجا تبعیدی است - مشورت کرد. مشکل ملاحظه توقعات آقای منتظری و ترس از برخورد با سیاست نظام و نظر امام را دارد.

دکتر روحانی آمد. راجع به پشتیبانی از رزمندگان داخل کردستان عراق به وسیله هلی کوپترهای ارتش مذاکره شد. قرار شد تقویت شود. آقای [سیدمحمد حسین] عادلی سفیرمان در ژاپن آمد. برنامه خود را گفت و راجع به مسائل عمده کارش مشورت کرد.

آقای افشار و امین مسئول امور ش. م. ر [= پدافند شیمیایی، میکروبی، رادیواکتیو] از سپاه آمدند. گزارش وضع آفند پدافندی ش. م. ر. را دادند. آقای افشار از مشکلات اداره سپاه گفت. وزیر کار و معاونان آمدند. اوضاع کارگری و مشاغل کشور و کمبود آموزش برای کارگران را گفتند و یک اسلحه قلمی ابتکاری یک کارآموز را هدیه آوردند. سر شب گزارش‌ها را خواندم. مسائل خلیج‌فارس در رأس اخبار است. شب به خانه رفتم.

جمعه ۲۲ خرداد | ۱۵ شوال ۱۴۰۷ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. آقای [محمد حسن] زورق برای مشورت درباره انتشار ترجمه [گزارش] تاور آمد. قرار شده ایشان تنظیم کنند. نظرش این بود که این گزارش به تدریج در روزنامه‌ها منتشر شود. قرار شد به صورت کتاب باشد. مقدمه توجیهی و پاورقی برای بی اثر کردن سمپاشی های آمریکایی‌ها توصیه شد و پاورقی‌هایی

را که خودم زده‌ام، به او دادم.

ظهر از بستگان مهمان داشتیم. محسن نتیجه سفر به اراک و مازندران [و بازدید] از کارخانه‌های صنایع سنگین، برای همکاری در ساخت قطعات موشک را داد.

عصر آقایان مهدی نژاد و آقائی آمدند. آقائی معاون فرمانده سپاه در لبنان، اوضاع لبنان را گفت. از حضور گسترده مردم در جنوب لبنان در مراسم روز قدس راضی است و از فشار بر فلسطینیان، در اردوگاه رشیدیه صور، گله کرد.

شنبه ۲۳ خرداد | ۱٦ شوال ۱٤۰۷ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گزارش کمیسیون تاور گذشت. آقای [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران]، تلفنی گفت بانک مرکزی هنوز اعتبار خرید موشک از چین و شوروی را باز نکرده است. به رئیس بانک مرکزی گفتم جدی بگیرد. ممکن است در جنگ شهرها که احتمالاً در پیش داریم، نیاز شدید باشد.

عصر امیر عراقی آمد. برای انتشار سخنرانی از پدرش [شهید مهدی عراقی] که در پاریس درباره تاریخ انقلاب در ایران ایراد شده، مشورت کرد؛ قرار شد ببینم. برای مخارج بنیاد خیریه‌ای که در منطقه کوره پز خانه [در جنوب تهران] تاسیس کرده، کمک خواست.

شب محسن آمد. برای بررسی گرفتن امکانات فنی موشک از سوریه، جهت تحقیقات، عازم سوریه است. گزارش ها را آوردند. عراق به دو روستا در حومه سردشت حمله کرده است. به آقای [کمال] خرازی گفتم، خبر را برای استفاده از آن در عملیات آینده درشت کند. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه]، تلفنی خواست که با قائم مقام وزارت خارجه شوروی [آقای یوری ورنتسوف]ملاقات کنم؛ پذیرفتم.

یکشنبه ۲٤ خرداد | ۱۷ شوال ۱٤۰۷ ۱٤ ژوئن ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس رفتم. تا ساعت ده در جلسه ماندم. طرح ارتش تمام شد. انتخاب هیأت

رئیسه داشتیم. با ۱۸۳ رأی موافق و ۱۲ رأی مخالف و ۳۵ رأی ممتنع به ریاست مجلس انتخاب شدم. آقای [مهدی] کروبی برگشت به نایب دوم و آقای [محمد] یزدی رفت به نایب اول. آقای [سیدرضا] زواره ای، جای آقای هاشم زائی را گرفت؛ موفقیت محدودی برای محافظه کاران است[1].

پیش از ظهر چندین ملاقات داشتم و بیشتر در امور جنگ. ظهر آقای تاجیک استاندار هرمزگان آمد. از وضع استان گزارش داد. آقای موسوی نماینده امام در روحانیت غرب کشور آمد. خواستار تاسیس دانشگاه برای اهل سنت غرب بود. درمورد امور جاری و مخصوصاً مهاجران جدید مشورت کرد.

عصر با [آقای یوری ورنتسوف] قائم مقام وزارت خارجه شوروی ملاقات کردم. از موضع پائین و دوستانه حرف می زد و خواستار توسعه روابط بود. من هم بر لزوم بی طرفی شوروی در جنگ برای باز شدن راه توسعه روابط تاکید کردم[2].

مروجان کشاورزی همراه وزیر جهاد [سازندگی] آمده بودند. برایشان صحبت کردم[3].

---

۱ - در این رأی گیری، آقایان محمد یزدی با ۱۴۰ رأی و مهدی کروبی با ۱۳۶ رأی، به عنوان نواب رئیس و سید جلیل سیدزاده با ۱۴۷ رأی، غلامعباس زائری با ۱۳۶ رأی، سید رضا زواره ای با ۱۱۰ رأی به عنوان کار پرداز و محمد اسماعیل شوشتری با ۱۶۰ رأی، حسینی برمائی با ۱۳۸ رأی و محمد علی سبحان الهی با ۱۳۴ رأی، موحدی ساوجی با ۱۳۳ رأی، عزت الله دهقان با ۱۳۱ رأی و اسدالله بیات با ۱۱۰ رأی به عنوان منشی‌های جلسه انتخاب شدند.

۲ - آقای یوری ورنتسف قائم مقام وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی، در این دیدار، درباره رویداهای بین المللی، به ویژه منطقه خلیج فارس، نگرانی مسئولان کشورش از تحریکات نظامی آمریکا در منطقه را اعلام کرد و گفت: «اتحاد شوروی نمی خواهد، بیگانگان که متعلق به کشور های منطقه خلیج فارس نیستند، در اینجا حضور داشته باشند. زیرا حضور آنها تهدیدی برای منافع کشورهای منطقه است.» آقای هاشمی نیز اعلام کرد: «ملت ما مصم است، نسبت به هر گونه مداخله بیگانگان در خلیج فارس، به مقابله جدی بپردازد.»
آقای ورنتسف، ضمن ابلاغ درود های گرم مسئولان کشور متبوعش، از آقای هاشمی برای دیدار رسمی از مسکو دعوت کرد و اظهار داشت:« اعضای پارلمان ما، اشتیاق فراوان دارند و خوشحال خواهند بود که از هیأت پارلمانی جمهوری اسلامی ایران در مسکو، به گرمی استقبال کنند» او سپس با اشاره به مناسبات رو به رشد دو کشور خواستار گسترش باز هم بیشتر روابط ایران و شوروی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی شد. آقای هاشمی ضمن ابراز رضایت از فعالیت های مسئولان دو کشور برای بسط و توسعه روابط دو جانبه، اظهار داشت: «اگر طرفین مساعی خود را به کار ببرند، می توانند بیش از آنچه که تاکنون پیشرفت داشته ایم، با یکدیگر همکاری داشته باشند.»
ایشان ضمن تشریح مسئله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تحولات اخیر منطقه خلیج فارس گفت: «عراق ، جنگ را علیه ایران با حمایت آمریکا آغاز کرد و خاک کشور ما را اشغال نمود و ما مصمم هستیم که تا سقوط این رژیم، جنگ را ادامه دهیم. تشنجات اخیر در خلیج‌فارس برای حضور نظامی آمریکاست و آمریکا با همان حرکت کوچک شما، بهانه ای برای ماجراجویی به دست آورد و آن را بین افکار عمومی کشورش توجیه کرد.»

۳ - آقای هاشمی در این دیدار، ضمن آگاهی از عملکرد نیروهای معین در پیشبرد کار کشاورزی، کوشش در جهت دستیابی به خودکفایی تولیدی را از جمله هدف های عمده انقلاب اعلام کرد و در این باره گفت: « کشور ما نباید در مواد غذایی نیازمند دیگران باشد، بلکه باید برای دیگران منبع تولید مواد خوراکی باشد. اگر از امکانات به درستی استفاده شود، حتی زمین های کویری نیز قابل ☜

در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. موضوع بحث، تعیین تکلیف اموال و اسناد حزب بود. قرار شد از امام برای تولّی امور آن اجازه بگیریم.

جلسه سران قوا در دفتر آیت الله خامنه‌ای بود. [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، چون فردا عازم سفر به ترکیه است، در جلسه شرکت نداشت. بحران خلیج‌فارس را بحث کردیم. عقیده این بود که از شدت افتاده، گرچه وزارت اطلاعات توطئه را عمیق می داند. درباره توزیع و کنترل قیمت ها و مسائل جاری دیگر صحبت کردیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۵ خرداد | ۱۸ شوال ۱۴۰۷ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. تلفنی درباره بودجه ارزی جنگ با [محسن] رفیق‌دوست و بانک مرکزی صحبت شد. عصر آقای [علیرضا] افشار [رئیس ستاد سپاه] آمد. مشکلات جنگ و بسیج نیروها و مخصوصاً مشکل مدیریت سپاه و بسیج را گفت. آقای [محمود] محمدی عراقی [جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه] هم آمد و در همین زمینه صحبت داشت. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. مقداری وقت هم به ورزش و شنا و آبیاری باغچه گذشت.

سه‌شنبه ۲۶ خرداد | ۱۹ شوال ۱۴۰۷ ۱۶ ژوئن ۱۹۸۷

در جلسه علنی مجلس کم ماندم. بعد از نطق های قبل از دستور، هیأت رئیسه جدید مراسم

بهره‌برداری خواهد بود، همانطور که در رفسنجان، در کویرهای بسیار تند و خشن، محصولات عالی مصرفی و صادراتی به دست می آورند و کشاورزان منطقه کویری رفسنجان، در شمار کشاورزان نسبتاً مرفه کشورند.» ایشان شرایط رشد کشاورزی و تولید چند محصولی در بخشی از مناطق کشور را مساعد خواند و با تأکید بر لزوم بر نامه ریزی و اتخاذ سیاست هایی در جهت خود کفایی مواد غذایی، اظهار داشت: «نفت، یک منبع خدادادی ولی تمام شدنی است، در عوض زمین و هوا و نور و آب، تمام نشدنی است و طبیعتی را که خداوند در اختیار ما نهاده است، همیشه باقی است و از آنها بهتر هم می توان استفاده کرد، ولی با به کارگیری درست امکانات و پیش گرفتن سیاست درست، می توان بر حاصلخیزی خاک و افزایش میزان بارندگی افزود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

تحلیف را انجام داد.

برای ملاقات با [آقای تاتاشی کوداناری] وزیرخارجه ژاپن به دفترم آمدم[1]، مطابق معمول دکتر ولایتی قبل از ملاقات توضیحات لازم را داد. وزیر درباره جنگ، گروگان‌ها و شورای امنیت مطالبی را مطرح کرد و من هم در همین محدوده صحبت کردم. بیشتر برای فشار روی ما جهت پذیرفتن صلح آمده بود و اکیداً می گفت که دنیا از ترس صدور انقلاب، زیر بار پیروزی ایران نمی‌رود.



علی اکبر ولایتی وزیر خارجه

[آقای محمود صانعی پور] مسئول گمرگ آمد. از [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر دارائی به خاطر عدم همکاری گله داشت. آقای [سیدعلی اکبر] قره‌باغ نماینده سابق ارومیه آمد. تجدید دیداری بود.

[سرتیپ جلالی] وزیر دفاع و [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا آمدند و از نیازهای نیرو گفتند.

ظهر آقای [سیدجمال] ساداتیان کاردار سابقمان در لندن آمد. نگران بحران روابط با انگلیس بود و گفت انگلیس ها از کانال غیر رسمی گفته‌اند که نمی خواهند روابط بحرانی شود، ولی دکتر ولایتی اطلاع داد که آنها کاردارشان را برده‌اند. احتمال بحرانی تر شدن روابط هم هست. عصر عقد برای برادر پاسدارم بستم.

عصر به جلسه [شورای عالی] انقلاب فرهنگی رفتم. در جلسه ائمه جمعه استان تهران

---

۱ - در این دیدار، در مورد مسایل دو جانبه و موضوعات مورد علاقه بین المللی، بحث و تبادل نظر به عمل آمد. وزیر امور خارجه ژاپن، طی سخنانی، با بیان این مطلب که سفر تاریخی آقای هاشمی رفسنجانی به ژاپن، در تابستان سال ۱۹۸۵، فصل جدیدی در روابط ایران و ژاپن گشود، سلام های گرم و صمیمانه "ناکازونه" نخست وزیر ژاپن را ابلاغ کرد. آقای هاشمی نیز با اشاره به جنگ عراق با ایران گفت: «مردم ما بدون اجرای عدالت، اجازه نمی دهند که این جنگ پایان بپذیرد. اگر شورای امنیت سازمان ملل اعلام کند که عراق متجاوز است و یک دادگاهی برای بررسی این تجاوز و تنبیه متجاوز تشکیل شود، ما حکم آن دادگاه را قبول خوهیم کرد. ما می دانیم کشورهای بزرگ، چرا اصرار دارند که در این زمینه مانع اجرای عدالت شوند. عاقلانه ترین راه این است که حامیان صدام و کشورهای منطقه، کمک های خود به عراق را قطع کنند، تا مساله حل شود. ما بیشتر از همه خواهان امنیت در منطقه هستیم و این را عملا ثابت کرده ایم، ولی برای ملت ما این مساله مطرح است که چطور وجدان کسانی که رأی آنها در دنیا مؤثر است، در قبال قانون شکنی های مکرر و تجاوزات آشکار رژیم عراق آرام هستند و چرا ساکتند. به نظر ما این یک رسوایی بزرگ تاریخی است و تاریخ این را ثبت خواهند کرد. امیدوارم که ژاپن طرفدار عدالت باقی بماند و ایران اسلامی هم، غیر از اجرای عدالت، چیزی نمی خواهد.»

شرکت کردم. درباره وضع جنگ و مشکلات مجلس با شورای نگهبان بحث شد. اول شب به خانه رسیدم.

دکتر ولایتی اطلاع داد که انگلیس تمام کادر خودش را از ایران فراخوانده و از ما خواسته است که کادر خودمان را فراخوانیم و سوری ها به نخست وزیر اطلاع داده‌اند که چون نخست وزیر سوریه مریض و بستری است، یک هفته سفر به سوریه را به تاخیر اندازد؛ احتمال راست بودن هست و احتمالات دیگر هم می‌رود.

چهارشنبه ۲۷ خرداد | ۲۰ شوال ۱٤۰۷ ۱۷ ژوئن ۱۹۸۷

گزارش‌ها را قبل از رفتن به جلسه علنی خواندم. در جلسه علنی تا ساعت ده صبح ماندم. پیش از ظهر در دفترم آقای صیاد شیرازی را ملاقات کردم. گزارشی از خط مقدم جبهه و نظریه‌ای برای هلی کوپترهای لازم برای تدارک نیروهای داخل خاک عراق آورده بود. آقای سنجقی هم آمد. همین مضامین را به عنوان پیام از سوی آقای [محسن] رضایی آورد.

آقای نوری [شاهرودی] آمد. از وضع داخلی کویت و لزوم حمایت از مسلمانان دربند کویت گفت و برنامه تبلیغات مکه را توضیح داد. آقای رئیس زاده معاون روابط عمومی [مجلس شورای اسلامی] آمد و تحلیلی از وضع موجود و پیامدهای آن بر محور اظهارات من در روز زیارت امام، در خصوص دخالت امام برای حل مشکلات قانون گذاری و پیشنهادهایی برای مقابله با توطئه‌ها و مشکلات ارائه داد. آقای محسن رضایی اطلاع داد که عملیات فتح ۶ در منطقه "مرگ سور" در شمال اربیل انجام شده و موفق بوده است. قرار شد خبرش را فردا بدهیم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب سران قوا مهمان من در دفترم بودند. نخست وزیر از ترکیه برگشته و از سفر راضی است و مسأله آتاتورک آثار سیاسی سفر را برجسته کرده است. ایشان حاضر نشده به مقبره آتاتورک برود و مخالفان دولت سرو صدا راه انداخته‌اند. لغو سفر به سوریه هنوز در ابهام است. باید منتظر کشف علت واقعی آن باشیم.

دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] آمد. از تحویل یک بیمارستان به بنیاد شهید شکایت داشت. قرار شد بیمارستان دیگری را بدهیم که آموزشی

نباشد. دکتر ولایتی آمد. نتایج سفر به چین و مسأله تیرگی روابط با انگلیس را مطرح کرد.

پنجشنبه ۲۸ خرداد | ۲۱ شوال ۱٤۰۷ ۱۸ ژوئن ۱۹۸۷

بعد از نماز تا هنگام شروع جلسه در دفترم کار کردم. کمی تب داشتم. در جلسه علنی تا ساعت ده ماندم. بعد ازتنفس به دفترم آمدم. سرهنگ جمالی اطلاع داد که دیشب عملیات ارتش در ارتفاعات نزدیک زبیدات انجام شده و تمام اهداف را گرفته‌اند، ولی پاتک دشمن شدید است.

ظهر آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که عراقی ها مواضع از دست داده را پس گرفته اند، به جز یک نقطه که مانده است و حدود شصت اسیر از عراقی ها گرفته اند؛ متأسف شدم. با اینکه با غافلگیری کامل به اهداف رسیده‌اند، به این آسانی پس داده‌اند. با آقای روحانی برای تبلیغات آن مذاکره شد. قرار شد به نام نصر اعلام شود. تبلیغات عملیات فتح ۶ انجام شد.

ظهر [آقای محمود موحدی] سفیر جدیدمان در برزیل برای مشورت و خداحافظی آمد. عصر آقای [سیدمحمدباقر] حکیم [رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] آمد. مطابق معمول مقداری گله داشت. درباره استفاده از کردهای مهاجر بحث شد.

در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. پس از جلسه، آقای محسن رضایی برنامه آینده جنگ را توضیح داد. خبر کودتای بدون خونریزی از شارجه رسید؛ سلطان موافق ایران را کنار گذاشته‌اند[۱].

آقای [محمدی] ری‌شهری [وزیر اطلاعات] و آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] درباره جلوگیری از سفر آخرین دیپلمات انگلیسی مشورت کردند.

---

۱ - "شیخ سلطان بن محمد القاسمی" حاکم شارجه ـ یکی از امیر نشین های امارات متحده عربی ـ توسط برادر خود، "شیخ عبدالعزیز بن محمد"، از کار برکنار شد. او هنگام برکناری در لندن به سر می برد. حاکم جدید شارجه، فرماندهی گارد ملی این امیر نشین و ریاست اتاق های بازرگانی و صنایع امارات متحده عربی را عهده دار بود. در پی این کودتا، شورای عالی امارات با تشکیل جلسه ای، بازگشت مجدد شیخ سلطان به حکومت را تصویب کرد.

مصاحبه رادیو - تلویزیونی کردم[1] و به خانه آمدم.

جمعه ۲۹ خرداد | ۲۲ شوال ۱۴۰۷ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۷

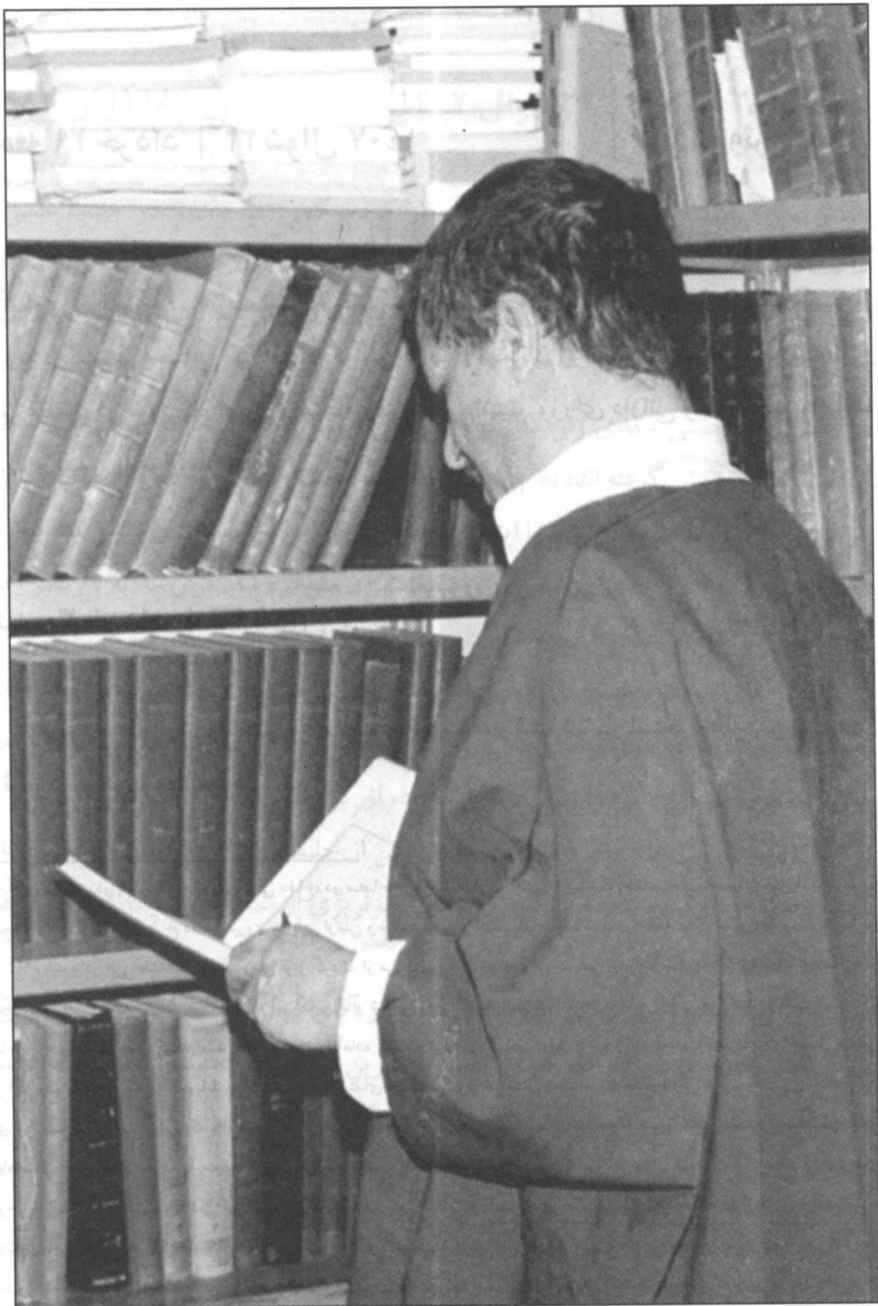
در منزل بودم. آقای موسوی اردبیلی نماز جمعه را اقامه کردند. استخر را کلر زدم و باغچه را آبیاری کردم. حالم خوب نیست، کمی تب احساس می شود. محسن هم نیمه شب از سوریه برگشت. احساس کرده بود که سوری‌ها با مهمانان ایرانی، گرم برخورد نکرده‌اند و از بی نظمی در فرودگاه تهران و هنگام رفتن گله داشت. وزرای دارائی و بازرگانی ما مانده بودند و سپس با هواپیمای فالکون رفته‌اند.

شنبه ۳۰ خرداد | ۲۳ شوال ۱۴۰۷ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. کمی تب داشتم. رفته رفته حالم مساعد شد. شنا در استخر خانه، در بهبودی موثر بود. وقتم به مطالعه گذشت.

---

۱ - آقای هاشمی در پایان جلسه شورای عالی دفاع، در مصاحبه با خبرنگاران گفت: « قسمت اعظم بحث اعضای شورا، مربوط به خلیج‌فارس بود و طی آن طرح دفاعی نیروی دریایی ارتش و سپاه بررسی و تصمیماتی اتخاذ شد. در جلسه قبلی شورا، مأموریت این دو نیرو ابلاغ شد و در این جلسه نیز مورد بررسی قرار گرفت. از مردم، نیروهای مسلح و دولت می خواهم برای هرگونه خطر احتمالی در خلیج فارس آماده باشند. به نظر می رسد که آمریکایی ها و شخص ریگان و اطرافیان او، تظاهر به ماجراجوئی می کنند و بعید است که آنها به حرف هایشان عمل کنند، اما ما باید خودمان را آماده کنیم و نیروهای مسلح دولت و مردم باید آماده باشند. با یک احتمال ضعیفی هم اگر چنین وضعی پیش بیاید، باید مواظب بود. ما از ابتدای جنگ تاکنون خواستار حفظ امنیت خلیج فارس بودیم و نیروی زیادی نیز برای این مهم گماردیم. آنهایی که با ادعای حفظ امنیت خلیج فارس، می خواهند در منطقه حضور داشته باشند، تحقیقاً برخلاف ادعاهایشان، قصد ایجاد بحران در منطقه دارند. راه تأمین امنیت خلیج فارس، این است که رژیم عراق شرارت نکند. آنها (نیروهای خارجی) بر خلاف ادعای خود عمل می کنند. ورود نیروهای بین المللی و کشورهای خارجی به منطقه، کاری از بیش خواهد برد. دورنمای بحران و این حرکت ها، تا اندازه ای سیاسی است و دشمنان ما با این کار، می خواهند به صدام روحیه بدهند و به خیال خود در اراده رزمندگان ما خللی ایجاد کنند، اما از این جهل و نادانی نتیجه ای نخواهند گرفت. بعد از گفت و گوهایی که روس‌ها با ما داشتند، به نظر می رسد که آنها راه عاقلانه ای را انتخاب کرده اند. شوروی ها متوجه شده اند که اقدام اولیه آنها، کار جالبی نبوده و قاطعانه به ما گفتند که با حضور آمریکا در منطقه مخالفند و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را تحمل نمی کنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که عراق یک کشتی حامل فرآورده ما را در راه خارک زده است. مدت یک ماه است که چنین حادثه‌ای نداشته‌ایم. ظاهراً ناامنی در خلیج‌فارس شروع شده است. دستور مقابله به مثل، به سپاه و ارتش دادیم.

ظهر همشیره طیبه و سایر بستگان مهمانمان بودند. شب مهمان محسن بودیم. برگشتنی تا منزل پیاده آمدم؛ راه کمی است.

یکشنبه ۳۱ خرداد | ۲٤ شوال ۱٤۰۷ ۲۱ ژوئن ۱۹۸۷

آقای [مجمد] فروزنده رئیس ستاد سپاه اطلاع داد که دیشب عملیات موعود در اطراف شهر ماؤوت انجام شده است. ارتفاعات قشن و ژاژیله را گرفته‌ایم و تعدادی اسیر و هنوز پیشرفت ادامه دارد. قرار بود شهر ماؤوت هم تصرف شود، اما هنوز تصرف نشده است[1].

به مجلس آمدم. برنامه ملاقات‌ها را دیدم. گزارش‌ها را خواندم. بحران سیاسی ایران و انگلیس فروکش کرده است. به نظر می‌رسد انگلیسی‌ها پشیمان شده‌اند. دستشان از ایران کوتاه شده و می ترسند بازار ایران را هم از دست بدهند. انتقاد به سیاست خارجی عجولانه انگلیس شروع شده است. کودتای شارجه به نفع حاکم قبلی - شیخ سلطان - دارد خاتمه می‌یابد و به نفع ماست؛ شورای‌عالی امارات تصویب کرده که وضع به صورت گذشته برگردد.

با جبهه تماس برقرار شد. معلوم شد که وضع خوب است و وارد شهر ماؤوت هم شده ایم و درگیری ادامه دارد. مایلند خبر عملیات در اخبار ظهر اعلان نشود و عصر با قطع برنامه اعلان شود؛ قبول کردم.

---

۱ - شهر ماؤوت در میان ارتفاعات بلند با یال های به هم پیوسته، صخره ای و صعب العبور واقع شده که تصرف آن با دشواری بسیاری همراه بود. ارتفاعات این منطقه از شمال به مرز سردشت و رودخانه زاب و از جنوب به شهرک ماووت و جاده آسفالته منتهی می شود. تسلط و اشراف ارتفاعات بر قسمت هایی از منطقه ماووت و پایگاه و پادگان و مواضع توپخانه در این منطقه، بر اهمیت و ارزش نظامی این ارتفاعات می افزود. ارتفاعات این منطقه شامل گامو، هزار کانیان، بالوکاوه، قشن، گلان، ژاژیله، بالوسه در شرق رودخانه چوکان و ارتفاعات گرده رش، یولان، قمیش، دولبشک، الاغلو و گوجار در غرب آن می باشد. جاده های موجود در منطقه، راه های وصولی به شهر ماؤوت را برای ایران از سردشت و بانه و برای دشمن از چوارتا و سلیمانیه تسهیل می کرد. در منطقه ماووت، شهر ماووت به لحاظ موقعیت و قدمت آن از اهمیت زیادی برخوردار است. با اجرای عملیات کربلای ۱۰ و درک دشمن از اهمیت این منطقه و شهر ماووت، افزایش حضور دشمن در منطقه منجر به تبدیل ماؤوت به یک شهر نظامی شد.

کارکنان دبیرخانه مجلس آمدند. نیازها را گفتند و از کثرت مراجعات مردم که روزانه به چند صد نامه و مراجعه شخصی می‌رسد - گفتند و راهنمائی خواستند.

ستاد برگزاری مراسم شهدای ۷ تیر آمدند. برنامه های بزرگداشت را گفتند. به خاطر تعطیل حزب، امسال رونق کمتری دارند. آقای [علی] خرم سفیر سابق در لیبی و چین آمد. هدایای مسجد جامع چین را آورد و از وزارت خارجه گله داشت.

[آقای محمد سعیدی کیا] وزیر راه و رئیس هواپیمائی کشوری آمدند. گزارش کار دادند و برای خرید هواپیما و اجاره هواپیمای باری از ارتش استمداد کردند و برای دادن دلار به خلبانان مشورت کردند. حقوق کم خلبانان نسبت به خلبانان کشورهای دیگر، مسأله ساز است. آقای رمضانی دادستان آمد. گزارش پرونده هاموراگ را داد که مورد نزاع کمیسیون اصل نود و وزارت بازرگانی است. در مورد پس گرفتن رباها از بانک ها به نفع اشخاص، بر اساس اصل ۴۹ مشورت کرد.

آقای [حسین نیلی] وزیر معادن آمد. گزارش وضع ذوب آهن اصفهان و تخلفات شوروی‌ها را داد و برای سفر به بلغارستان مشورت کرد. عصر گروهی از نیروهای اطلاعات عملیات سپاه آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1].

در جلسه مشورتی برای اصلاح عقیدتی سیاسی ارتش در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای شرکت کردم. بالاخره پس از دو جلسه مشورت، معلوم شد عیوبی در افراد و شیوه تبلیغ و محتوای برنامه‌ها هست. قرار شد آقای خامنه‌ای پیگیری و اصلاح کنند.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اطلاعات چراغ راه، چشم نیروهای رزمنده و راهنمای آنهاست و این نیروها، با وجود تعداد اندک، نقش مؤثری در بهره گیری از امکانات موجود در تاریخ جنگ داشته اند. یکی از کارهای مهمی که سپاه و بسیج در این دوره طولانی جنگ داشته اند، تلاشی بود که برای کسب اطلاعات لازم برای تهیه مقدمات عملیات انجام می دادند. وضع ما، مثل دشمن نیست که بتوانیم از منابع جاسوسی پیشرفته دنیا استفاده کنیم. دشمنان اسلام تمامی امکانات خود اعم از جاسوس، ماهواره و حتی گروهک‌های مزدور خود فروخته را در اختیار رژیم عراق قرار داده اند. ما باید متکی به روحیه و ایمان قوی باشیم و کمبود های امکاناتی را خود جبران کنیم. افتخارات نظامی که در این چند سال در میدان های جنگ پیش آمده است، اگر دنیا خالی از بغض و تعصّب به آن نگاه کند، می‌تواند این پیروزی های را در آینده در دانشگاه های جنگ تدریس کند. نیروهای که با امکانات محدود، ولی با ایمان و اراده و روحیه ایثار توانسته اند صحنه هایی چون عملیات "فتح المبین"، "بیت المقدس"، "والفجر" و "کربلای ۵" را پدید آورده و با عبور از باتلاق ها، کوهه های صعب العبور و موانعی که دشمن بر سر آنها ایجاد نموده، بتوانند در خاک دشمن نفود کنند. راه پیروزی ها را فراهم کرده اند و حق بزرگی بر گردان انقلاب و بر آینده تاریخ خواهند داشت. ما می توانیم مطمئن شویم که یکی از کارهای با ارزشی که شما می توانید در جنگ انجام دهید و پیروزی های متعددی را تأمین کنید، همین کاری است که انتخاب کرده اید. ما در حال حاضر در مقطع حساسی قرار گرفته ایم. هر چه که جنگ پیش می رود و ما جلوتر می رویم، دشمنان ما بغضشان بیشتر می شود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شب جلسه سران قوا در منزل احمدآقا بود. امام هم شرکت کردند. از پیروزی‌های عملیات نصر ۴ خوشحال بودند[1]. درباره خطر دخالت آمریکا در خلیج فارس هم بحث شد؛ نگران نبودند.

[آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد و برای استفاده از لوله گاز موجود بین ایران و شوروی برای صدور نفت در صورت احساس خطر بیشتر در دریای جنوب اجازه خواست. با روسها دارد مذاکره می‌شود. درباره دبیرکلی در اوپک و قیمت نفت هم مذاکره و تصمیم‌گیری شد. قرار شد با دبیر کل الجزایری ها موافقت کنیم و اگر نشد ونزوئلا را بپذیریم.

دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] هم آمد و گزارش سفر به چین را داد و گفت چینی‌ها در هر سطحی غیر از اتم، آمادگی فروش اسلحه به ما را دارند. دیر وقت به خانه برگشتم.

---

۱ - گرچه در عملیات کربلای ۱۰ و در چارچوب استراتژی جدید ایران، برخی از ارتفاعات از جمله ژاژیله، اسپیدار، گلان، شخ قشن و بالوسه آزاد شد، لیکن توقف عملیات از یک سو و تلاش های دشمن به منظور باز پس گیری مناطق متصرفه از سوی دیگر، سبب گردید تا عملیات نصر ۴ به منظور تداوم عملیات کربلای ۱۰ و با هدف تصرف شهرک ماووت عراق و ارتفاعات ژاژیله طرح ریزی شود. در واقع، عملیات نصر ۴ برای تکمیل اهداف عملیات کربلای ۱۰ انجام گرفت و این امیدواری وجود داشت که موفقیت حاصله در این عملیات، مقدمات تصرف ارتفاع گرده رش واقع در غرب رودخانه چولان را فراهم سازد. عملیات نصر ۴ از چهار محور شامل: یال غربی ارتفاع گلان (بزرگ) و ارتفاع ژاژیله، ادامه یال ارتفاع قشن تا آخر قله های ۱ و ۲ و ۳ شهر ماووت، یال میرآوه و یال بالوکاوه (ارتفاعات دو قلو) و از بالوسه تا یال غربی قشن، طرح ریزی می شد. با تأکید بر اهمیت تپه دو قلو و تصرف و حفظ آن، درباره نحوه عملیات روی ارتفاع ژاژیله و نیز تثبیت خطوط دفاعی در جلوی شهر ماووت بحث و بررسی شد. در این عملیات، قوای تحت امر قرارگاه نجف شامل ۹ یگان پیاده از نیروی زمینی سپاه بود. همچنین، تیپ زرهی ۳۸ ذوالفقار سپاه مأموریت پشتیبانی و اجرای تیر تانک را برعهده داشت. چنان که پیش از این اشاره شد، از مدت ها قبل دشمن نسبت به سمت اصلی تلاش رزمندگان اسلام در این منطقه حساس شده بود. به ویژه آنکه در این منطقه اقداماتی برای احداث جاده، همراه با افزایش تحرکات نظامی صورت می گرفت. در مقابل، دشمن نیز به موازات افزایش استعداد نیروهایش، آرایش آنها را تغییر داد. لذا با توجه به اقدامات و تلاش های دشمن، به خصوص اجرای آتش نسبتاً شدید روی ارتفاعات گلان و قشن – که نقش مهمی در طرح مانور عملیات نیروهای خودی داشتند – و همچنین حملات هوایی ارتش عراق، به نظر می رسید که دشمن در هوشیاری نسبی به سر می برد.

تیر ۱۳۶۶



دوشنبه ۱ تیر | ۲۵ شوال ۱٤۰۷ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. اول وقت از جبهه خبر گرفتم؛ معلوم شد دیشب عملیات نصر ۴ را تکمیل کرده و همه اهداف را گرفته‌اند و در جنوب شهر ماؤوت خط دفاعی تشکیل داده‌اند. رقم اسرای عراقی به پانصد نفر رسیده و یک چهارم آنها افسر و درجه دار هستند. یک گردان دیگر آنها در محاصره اند. کمک مهندسی و مهمات خواستند. با تلفات کم، عملیات خوبی انجام شد[1].

پیامی تلفنی به طلاب عضو هیأت رزمی، تبلیغی امام صادق(ع) - که امروز در [مدرسه] فیضیه قم مراسم داشتند - برای آقای [محمود محمدی] عراقی [جانشین نماینده امام در سپاه پاسداران] خواندم[2].

---

۱ - عملیات نصر ۴ در ادامه عملیات کربلای ۱۰ و با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران، در سه محور اجرا شد. هدف این عملیات، پیشروی به سوی سلیمانیه از شمال شرق با تصرف ماؤوت بود. در این عملیات، رزمندگان در دو شبانه روز موفق شدند به اکثر اهداف مورد نظر دست یابند. متقابلاً نیروهای ارتش عراق در روزهای بعد، چندین بار پاتک کردند که همه به شکست انجامید. در جبهه خودی نیز با اعزام یگان های تازه نفس به منطقه، چند عملیات به منظور رفع نواقص محورهای قشان و تپه دو قلو انجام شد. این عملیات پس از ۱۵ روز پایان یافت و نتایج آن چنین بود: آزاد سازی شهر ماؤوت و ارتفاعات ژاژیله، قشان، یال غربی ارتفاع گولان، تپه دوقلو(بالوکاوه) و دشت بالوسه و نیز ترمیم برخی خطوط پدافندی عملیات کربلای۱ .

۲ - در این پیام آمده است: «حضور گسترده و بی دریغ روحانیون در جبهه ها، جلوه ای بس زیبا به چهره پر فروغ روحانیت مجاهد و فداکار بخشیده است. در بسیاری از این نبردها پیروان صدیق خط سرخ آل محمد(ص) با هدایت روحانیت، پای از رکاب خاک درکشیدند و از کیان و شرف اسلام عزیز در مقابل هجوم حرامیان دفاع کردند. حضور نظامی، فرهنگی و معنوی روحانیون و طلاب در خیل رزمندگان جان برکف در جبهه های نبرد، علاوه بر حفظ و حراست از سنگرهای تبلیغ و ارشاد، نقش تعیین کننده ای در سرنوشت جنگ و بالا رفتن روحیه جنگاوری سپاهیان اسلام داشته است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه ها به انضمام پیام های سال ۱۳۶۶،» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عصر آقای صادق طباطبائی آمد. گفت آلمانی ها اصرار دارند در مقابل تعهد ندادن حمادی به آمریکایی‌ها، گروگان هایشان آزاد شوند. گفتم تا آنجا که من می‌دانم، چریک‌های لبنان قبول نمی کنند و فقط مبادله را می پذیرند؛ خودتان پیگیری کنید. شب در منزل تنها بودم. اخبار جنگ را گرفتم و زودتر خوابیدم.

سه‌شنبه ۲ تیر | ۲٦ شوال ١٤٠٧   ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷

ساعت شش و ربع به مجلس رسیدم. در جلسه علنی، قبل از دستور درباره عملیات نصر ۴ و شورای امنیت و شهادت امام صادق(ع) و شهادت [دکتر مصطفی] چمران صحبت کوتاهی کردم[1].

ساعت نه و نیم به دفترم آمدم. آقای [ابراهیم] سنجقی آمد. گزارش وضع جبهه را داد. آقای [فریدون] مهدی‌نژاد همراه با هیأت مرکزی یکی از گروه های مجاهد لبنان آمدند. گزارشی از وضع خودشان دادند و نمونه های جالبی از امداد غیبی در عملیات خود گفتند. به آنها دو هزار دلار پول و پنج نیم سکه بهار آزادی دادم.

ظهر آقای [اصغر] ابراهیمی مسئول متروی تهران آمد. گزارش پیشرفت کار و نیازها را داد و آمادگی برای ساختن تونل زیر کارون را اعلام کرد. عصر به جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی رفتم. اسلامی کردن چهره دانشگاه ها مطرح بود. مهدی آمد و برای انجام

---

۱ - در این نطق آمده است: «شرارتی که عفلقی های عراق در خلیج فارس بعد از مدتی آرامش شروع کردند، احتیاج به پاسخ جدی داشت. جنایاتی که عفالقه در کردستان عراق نسبت به مسلمانان عراق و روستائیان مظلوم و محروم که هیچ گونه کوشش حمایتی هم از دولت ندارند، مرتکب می شوند، به طوری که این مظلومان عراقی را فوج فوج به بیرون مرزها فراری می دهند، یا به اردوگاه های غرب عراق می برند و یا با بمب شیمیایی، آنها را مورد آزار قرار می دهند، احتیاج به یک جواب، آن هم در کردستان داشت. حرکاتی که به چشم می خورد و شورای امنیت در نظر دارد انجام بدهد، با اینکه طرف اصلی قضیه ما هستیم، ولی هنوز از محتوای آن خبر نداریم، احتیاج به یک اخطار جدی داشت و نیز ماجرا جویی هایی که هیأت حاکم آمریکا در نظر دارد که در خلیج فارس مرتکب بشود، احتیاج به یک اخطارجدی داشت. عملیات نصر ۴، هم پاسخی بود به آن شرارت ها و هم اخطاری بود به این کسانی که در صدد کار غیر عادلانه هستند. تأمین عدالت، تنها راه پایان دادن به جنگ است. این عَملیات اخطاری است که فکر نکنید اگر در جبهه ها، گاهی آرامش است، این از ضعف یا از عدم امکان است. موقعی که لازم باشد، اقدام می شود و هیچ راهی جز تأمین عدالت و دادن حق مظلوم وجود ندارد. بنابراین شورای امنیت و آمریکا و هرکسی که پشت قضیه است، اگر واقعاً صداقت دارند و می خواهند این فتنه در منطقه و دنیا خاموش بشود، به سراغ عدالت بروند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

سی تی اسکن پول خواست. هنگام کوهنوردی، از کوه پرت شده و گفته‌اند سه مهره کمرش ترک خورده است.

شب [جلسه] شورای [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] در دفتر من بود. درباره بهائی ها بحث شد. به نظر رسید، اگر سیاستی به ترتیب زیر در مورد آنها داشته باشیم، خوب است: ۱- اسم آنها را به عنوان بهائی در اسناد رسمی ثبت نکنند و جای مذهب را در ستون مربوط خالی بگذارند. ۲- به آنها حق استفاده از مواهب معمولی زندگی اجتماعی را بدهیم. ۳- به کارهای دولتی و سمت های مهم دیگر وارد نشوند. ۴ - اگر می خواهند به خارج [از کشور] بروند، اجازه رفتن بدهیم.

در جبهه، برخوردهای پراکنده داشته‌ایم. شب در مجلس خوابیدم.

چهارشنبه ۳ تیر | ۲۷ شوال ١٤٠٧ | ٢٤ ژوئن ١٩٨٧

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم و تا ده و نیم در جلسه بودم. پیش از ظهر آقای [علی] فلاحیان، قائم مقام وزیر اطلاعات و دادستان دادگاه ویژه روحانیت - منصوب امام - آمد[1]. درباره عملیات ویژه و کیفیت برخورد با روحانیون متخلف مشورت کرد.

جمعی از نمایندگان استان خراسان آمدند و برای انتخاب استاندار جدید که در خط خودشان و همفکر آقای [واعظ] طبسی باشد، استمداد کردند و از برخوردهای وزارت کشور شاکی‌اند. به خاطر کسالت، ملاقات‌های ظهر را تعطیل کردم.

عراق در خلیج‌فارس شرارتی کرده و گویا یک هلی کوپترش ساقط شده و یک کشتی ما نیز تیر خورده و یک کشتی حامل نفت کویت هم تیر غیب خورده است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. قرار شد روز هفتم تیر، به خانواده شهدا ناهار بدهیم.

در سمینار سازمان تبلیغات اسلامی در محل حظیره سابق بهائیان، [تالار اندیشه حوزه

---

۱ - آقای علی فلاحیان در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۶۶ از سوی حضرت امام (ره) به عنوان دادستان دادسرای ویژه روحانیت منصوب شد. همچنین امام خمینی (ره) آقای علی رازینی را نیز به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت منصوب کردند.

هنری سازمان تبلیغات اسلامی در خیابان حافظ تهران] سخنرانی کردم[۱]. درباره ضرورت تبلیغ حرف زدم. به دفترم برگشتم. کارهای دفتر را انجام دادم.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. آقایان [مهدی] کروبی [رئیس بنیاد شهید] و دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] آمدند و برای تحویل یک بیمارستان به بنیاد شهید مباحثه کردند. قرار شد بیمارستان نیمه تمام داده شود و از محل جنگ و بودجه دولت آن را تکمیل کنیم. درباره بحران خلیج‌فارس و احتمال درگیری با آمریکا هم بحث شد؛ واقعاً کمبود هست. یک سوم بودجه کشور صرف جنگ می‌شود.

پنجشنبه ٤ تیر | ۲۸ شوال ۱٤۰۷ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس آمدم و به کارهای جنگ پرداختم. عملیات نصر ۵ آغاز شده است و پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. مرحله سوم عملیات نصر ۴ هم دیشب انجام شده که موفق بوده است. قرار شد با غیر عادی کردن برنامه‌های صدا و سیما، آن را اعلان کنیم. در جزیره ابوموسی، ماموران ما پرچم شارجه را پائین آورده‌اند. بعد از مشورت با مسؤولان مربوط، قرار شد با تقاضای سلطان شارجه، دوباره پرچم نصب شود.

به جلسه علنی مجلس نرفتم. کارهای دفترم را انجام دادم. نمایندگان بجنورد آمدند. آنها از مسؤولان قضائی شهر گله داشتند. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد سازندگی برای استمداد درباره لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد آمد. آقای [عبدالواحد] موسوی لاری از وزارت ارشاد آمد و برای کارهای فرهنگی مشورت کرد. [مسئول] روابط عمومی [مجلس]، برای تدارکات مهمانان نیکاراگوئه‌ای مراجعه کرد.

---

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی خواستار تجهیز تمامی سازمان های تبلیغاتی کشور به پیشرفته ترین سیستم های ارتباط جمعی و استفاده از آخرین یافته ها و اطلاعات در ارتباط با فن و مهارت تبلیغ شد. ایشان پیشنهاد کرد که به منظور مقابله با سخن پراکنی خبرگزاری های امپریالیستی، یک خبرگزاری اسلامی تشکیل شود. ایشان تبلیغات را یک ضرورت در زندگی جمعی خواند و گفت: « رمز پیروزی انقلاب اسلامی، تبلیغات توأم با تماس با مردم و بیان واقعیت ها بود و این موضوعی است که دست اندرکاران تبلیغات در نظام جمهوری اسلامی، باید به آن توجه داشته باشند و اتکا به مردم را سرمایه کار خود بدانند. در کار تبلیغاتی در جمهوری اسلامی ایران و برای انقلاب اسلامی، باید ابلاغ واقعیت ها به مردمی که از وقایع خبر ندارند و زدودن القائات و شبهات گمراه کننده از اذهان را مد نظر قرار داد. نظام اسلامی ما در جوهره خود، حقانیت و حقیقت را که لازمه یک تبلیغات درست است، دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عصر مسؤولان حفاظت و اطلاعات نیروهای انتظامی آمدند. آقای [سیدعلی اکبر] محتشمی [وزیرکشور] گزارش داد و من صحبت کردم. آقای [سیدعلی‌اکبر] پرورش آمد و درباره فعال کردن حسینیه ارشاد مشورت کرد. این حسینیه بعد از انقلاب راکد است؛ موافقت کردم.

آقای گرانمایه رئیس کل بیمه [مرکزی ایران] آمد. گزارش کار بیمه را داد؛ راضی است. آقای مختار [کلانتری] معاون فرمانده کمیته انقلاب آمد[۱]. گزارش کار کمیته ها و وسعت شرکت در جنگ را داد. [آقای سعیدی کیا] وزیر راه و ترابری و کسانی که در بازسازی پل مهم تله زنگ - که عراق منهدم کرده - شرکت دارند، آمدند. از آنها تشکر کردم.

آقای [سید علی‌اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. گزارش های مستندی آورد که احتمال دخالت نظامی آمریکا، فرانسه و انگلیس در خلیج فارس، علیه ما را بیشتر نشان می‌دهد. بعد از اخبار، شب به خانه آمدم. در خانه کسی نبود. نتایج عملیات نصر ۵ اعلام شد؛ خوب است[۲]. شام خوردم و خوابیدم.

جمعه ۵ تیر | ۲۹ شوال ۱۴۰۷ — ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح، در منزل برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می کردم. یاسر همراه شاگردان مدرسه‌اش به کوه پیمائی رفته است. محسن آمد و گزارش کارش را داد. برای نیروهای متخصص موشک در رشته برنامه ریزی و نقشه کشی به کمک کامپیوتر و مواد مرکب در صنعت موشک تدریس و کار می کند[۳]. اطلاع داد که هنوز جهاد و سپاه بر سر

---

۱ - کمیته های انقلاب اسلامی، نهادی برآمده از انقلاب بود که در سال نخست پیروزی انقلاب تشکیل شد و وظیفه ایجاد امنیت و مبارزه با مفاسد اجتماعی را عهده دار بود. کمیته های انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۰ در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی، با شهربانی و ژاندارمری ادغام شد و "نیروی انتظامی جمهوری اسلامی" شکل یافت.

۲ - عملیات نصر ۵ در ساعت ۲ بامداد روز چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۶۶ با رمز یا زهرا (س) در ارتفاعات سردشت آغاز شد. در این عملیات چند ارتفاع مهم و دشت " بوجار" که راه نفوذ ضد انقلاب در منطقه محسوب می شد، به دست رزمندگان افتاد. همچنین با استقرار نیروها بر ارتفاعات استراتژیک منطقه، شهر قلعه دیزه و سد دوکان عراق تحت تسلط رزمندگان قرار گرفت. در عملیات نصر۵ یک گردان از تیپ ۹۷ پیاده کوهستانی عراق و یک گروهان مکانیزه از همین تیپ نابوده شدند و یک گردان نیروی دفاع الوطنی عراق نیز تارومار شد و ۲۴ کیلومتر مربع از نوار مرزی سردشت آزاد گردید.

۳ - در این زمینه از مهندس محسن هاشمی، کتابی با عنوان «آنالیز قالب های تزریقی به کمک کامپیوتر» در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است.

بازدید از پیشرفت تحقیقات جهاد در ساخت موشک به توافق نرسیده‌اند؛ ناراحت شدم. به آقای زنگنه تأکید کردم که ترتیب این بازدید را بدهد.

نماز و خطبه های جمعه را در دانشگاه تهران انجام دادم. در خطبه دوم آمریکا را از ماجراجوئی در خلیج‌فارس بر حذر داشتم[1]. عصر و شب هم به مطالعه گذشت.

آقای سنجقی اطلاع داد که عراق با نیروی فراوان از جمله لشکر گارد، در منطقه [عملیاتی] نصر ۴ پاتک کرده و متصرفات مرحله سوم نصر ۴ را پس گرفته و [بمب] شیمیائی به کار برده و شش [فروند] هواپیما از دست داده اما تلفات زیادی داشته است. عفت همراه خانواده شهید مطهری و شهید عراقی به اردو در بیرون کرج رفتند. این باغ را قبل از انقلاب، برای دست‌اندرکاران بنیاد رفاه خریدیم.

شنبه ٦ تیر | ۳۰ شوال ۱٤۰۷ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۷

در منزل بودم. آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب تیرهای غیب، دو کشتی حامل نفت

---

۱ - در خطبه اول بحث استکبار و استضعاف با موضوع آفات اشرافی گری و تکبر و عجب مطرح شد. در خطبه دوم، تحلیلی از واقعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر به نمازگزاران ارائه گردید و در ادامه مساله جنگ و آخرین وضعیت جبهه ها و نتایج عملیات های انجام شده در غرب و جنوب و همچنین آخرین وضعیت منطقه خلیج فارس و نتایج حضور آمریکا در این منطقه مطالبی بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است:« در حال حاضر آمریکا و شخص ریگان در شرایطی قرار دارند که همچون گرگ تیر خورده‌ای به هر چیزی می خواهند حمله کنند. سرشکستگی آمریکا نزد همپیمانانش و ارسال مقادیری اسلحه به ایران آن هم در شرایطی که ادعا می کردند خواستار تحریم تسلیحاتی ایران هستند، تمامی سیاست خارجی آمریکا را به زیر سئوال برده و دل کشورهای دوست آمریکا در خلیج فارس را لرزانده است. این ادعای آمریکا که ما برای حفظ امنیت خلیج فارس می خواهیم به کویت کمک کنیم، حرف پوچی است، چرا که مگر همین تعداد کشتی در خلیج فارس تردد دارند و مگر ما در مقابل حمله به کشتی های خود سکوت خواهیم کرد؟ ما خود را برای هرگونه احتمالی که ممکن است پیش بیاید، آماده کرده ایم و ملت ما باید برای هر احتمالی آماده باشند. آنها که می‌خواهند در خلیج فارس برای حیات خودشان امنیت داشته باشد، بدانند که قادر به اداره جنگ دراز مدت نخواهند بود و کشور ما که دارای همه گونه امکاناتی است، قابل قیاس با کشورهای جنوبی خلیج فارس نیست. آنها برای تأمین مایحتاج خود و آب خوردن، نیاز به خلیج فارس دارند و این چیزی است که باید آنها را به فکر وادارد. ما اعلام می کنیم که برای حکومت نمی جنگیم، چرا که انجام وظیفه برای ما هدف است و در صورت کشته شدن و کشتن، در هر دو صورت ما پیروزیم و ما فقط ادای تکلیف می کنیم و راه ما راهی است که جهاد در آن انجام وظیفه است. بنابراین دشمنان ما باید بفهمند که با چه کسانی وارد جنگ می شوند. شما وارد لبنان شدید و دیدید که چه اتفاقی افتاد و ما به غرب و شرق و مردم آمریکا اعلام می کنیم که اگر یک گلوله در خلیج فارس شلیک شود، شروع جنگ در اختیار آنهاست ولی پایان جنگ دیگر در اختیار آنها نیست و این واقعیتی است. چرا که با فرار آنها از منطقه نیز ما آنها را تعقیب خواهیم کرد و دوستان ما آنها را تعقیب خواهند کرد و ضربات خود را به آنها خواهیم زد. ما مایل به این نیستیم که چنین جنگی روی دهد، ولی اگر خونی در خلیج فارس توسط آنها ریخته شود، ما قطعاً در مقابل آنها خواهیم ایستاد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

کویت را زده‌اند. آقای روحانی اطلاع داد که یک کشتی بوده و غیر نفتی؛ بعداً معلوم شد که خبر سپاه درست است.

پیش از ظهر احمدآقا آمد. نظر امام را در خصوص ممنوعیت دخالت جریان ها در انتخابات آینده مجلس - از حوزه‌ای در حوزه دیگر - و همچنین ممنوعیت استفاده از اموال بیت‌المال و وجوه شرعی در تبلیغات انتخابات برای نامزدها را گفت و روی متن عبارت سئوال و جواب مشورت کرد و نیز ممنوعیت نامزدی ائمه جمعه در حالی که امامت جمعه را دارند، به جز ائمه جمعه در تهران[1]. عصر هم برای تکمیل مشورت آمد و گفت به زودی برای ملاقات آیت‌الله منتظری و دادن پیام امام در همین خصوص، به قم می‌رود.

عصر آقای روحانی آمد. گزارشی از پیشرفت کار لوله کشی گاز به غرب کشور داد که در مدیریت ایشان بوده و گله داشت که ایشان را به بخش پتروشیمی منتقل کرده‌اند؛ به خاطر اینکه از دوستان آقای [سید محمد] غرضی وزیر سابق نفت است.

عصر آقای سنجقی اطلاع داد که امروز دشمن، پاتک وسیع دیگری را شروع کرده است و اول شب اطلاع داد که پاتک دفع شده است. [آقای کارلوس نونز] رئیس مجلس نیکاراگوئه، قرار است نیمه شب وارد تهران شود. به خاطر نامناسب بودن وقت، به استقبال نمی‌روم و آقای [سیدجلیل] سید زاده از طرف من می‌رود.

یکشنبه ۷ تیر | ۱ ذیقعده ۱۴۰۷ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۷

از جبهه خبر گرفتم. گفتند [خبر] تازه ای پیش نیامده، ولی دشمن خود را برای پاتک دیگری آماده می کند. در جلسه علنی مجلس، قبل از دستور در فضیلت شهدای هفتم تیر صحبت کردم[2]. در تنفس به دفترم آمدم. دکتر روحانی آمد و برای رفتن به مکه اجازه

---

۱ - متن کامل نامه ستاد برگزاری نماز جمعه و پاسخ امام خمینی (ره) در ضمیمه همین کتاب درج شده است.

۲ - در این نطق آمده است: «در روز سالگرد شهادت بهترین دوستان و همراهان و همرزمانمان هستیم که در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به لقاءالله پیوستند و جمعی از آنها هم از شهدای زنده هستند که ما آنها را در میان خودمان داریم. این حادثه تلخ که توطئه ای بود برای نابود کردن انقلاب اسلامی، علیرغم تلخی های فراوانی که در ذائقه بهترین بندگان خدا، خانواده های عزیزشان و دوستانشان و امت حزب الله ما و مقام عظیم رهبری ایجاد کرد، برای سرنوشت انقلاب و اسلام تأثیر فراوانی در جهت تحکیم انقلاب داشت. گویی خداوند این وجودهای مقدس را برای چنین وضعی ذخیره کرده بود. خون های شریف آنها شجره طیبه انقلاب را عمیقاً

خواست.

دکتر ولایتی آمد. عازم سفر به اتریش و ایتالیا است. او برای مطالب قابل طرح مشورت کرد. گفتم از خطر ماجراجوئی آمریکا در خلیج فارس بگوید و اینکه روس ها در پشت پرده، آمریکا را برای افتادن در باتلاق خلیج فارس هل می‌دهند و می‌دانند که اگر بین ایران و آمریکا درگیری پیش آید، به این زودی روابط دو کشور عادی نمی شود. روس ها همین را می‌خواهند، اگر چه ابتدا آمریکایی‌ها با تحریک کویت، روس‌ها را دست انداختند که به قیمت آسیب دیدن دو کشتی روسی و ضربه خوردن به حیثیت آنها تمام شد.

نماز ظهر و عصر را با خانواده های شهدای هفتم تیر که مهمان مجلس بودند، خواندم و بین دو نماز برای آنها صحبت کردم[1].

عصر [آقای کارلوس نونز] رئیس مجلس نیکاراگوئه و هیأت همراه به مجلس آمد. بیشتر حرف های آنها روی نیاز به نفت بود و مدعی بودند از نیاز سالانه به ورود پانصد هزار تن نفت، حدود نصف آن را تأمین کرده‌اند و نصف دیگر بر زمین است و اگر دسترسی پیدا نکنند، ممکن است فعالیت های کشورشان، منجمله حمل و نقل و ارتش و دارو و بعضی صنایع بخوابد و فلج شوند و بعضی کشورها قول کمک داده‌اند و کمک نمی کنند[2].

اعضای ستاد برگزاری هفته جنگ آمدند که نظر خودم را در مورد برنامه آنها گفتم. سفیر چین آمد و از رهبران چین پیام آورد که ما در کاربرد موشک‌های سیلک ورم [کرم ابریشم] پیشدستی نکنیم و اینکه ممکن است در تحویل موشک های زمین به هوا تأخیر کنند. اگر چه نوعی از آن را هم در حد دو سری تحویل می دهند. گفتم با وزیر سپاه مطرح

آبیاری کرد و ما هنوز از ثمرات آن برخورداریم. به طوری که دشمنان اسلام را که شعارهای فریبنده آزادی می دادند، رسوا کرد که دیگر نتوانستند سربلند کنند و کمرشان را شکست. همچنین ملت را متوجه خطراتی کرد که در کمین انقلاب است و مسئولین را متوجه جنایتکاراتی نمود که در ارگان ها برای روزهای خاصی نفوذ کرده بودند و کم کم ریشه آنها را از ارگان های کشور کند. در این فاجعه، مجلس شورای اسلامی ۲۷ نماینده بزرگوار خود را و دولت جمعی از وزرا و معاونین وزرا را و شورای عالی قضایی، شخصیتی مثل دکتر بهشتی را و حزب جمهوری اسلامی جمعی از ارکانش را و کل انقلاب، جمع کثیری از دوستانش را از دست داد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در این ملاقات آقای هاشمی گفت: «وقتی کشف شد که آمریکا بنا دارد، سود حاصل از فروش سلاح را به کنتراها بدهد، ما بخشی از طلب آنها را ندادیم. بنابراین آنها چیز زیادی نداشتند که به کنتراها بدهند. آمریکا این روزها تا سر حد درگیری مسلحانه با ما پیش می‌رود، ولی ما نگران نیستیم و فکر می کنیم که حضور آمریکا در جنگ ، ملت ما را جدی تر خواهد کرد و ما مصمم هستیم که بایستیم و قطعاً پیروز خواهیم شد.»

و هماهنگ کنند و ضمناً گفتم ما از این انواع موشک، از منابع غیر چینی هم داریم و شما نگران نباشید که بتوانند ثابت کنند که مال شما به کار گرفته شده. مدعی است از طرف دولت های بزرگ و اعراب تحت فشار هستند.

آقای [علی] آقامحمدی آمد. او از داخل عراق آمده و تا عمق عراق و منطقه بارزانی‌ها در مرز ترکیه رفته و با سران بارزانی ها صحبت کرده است. نظرش این بود که آنها مایل نیستند که با دولت عراق زیاد درگیر شوند و اشتیاقی به زدن منابع مهم اقتصادی ندارند و می ترسند که عراق علیه آنها شدت عمل در پیش گیرد و در مجموع خیلی در اختیار ما نیستند و مخصوصاً شاخه چپ آنها، مواضع غیر اسلامی دارد؛ گر چه مردم منطقه به شدت مذهبی‌اند.

شب سران قوا در دفتر من بودند. درباره تقاضای مهمان نیکاراگوئه و همچنین در مورد امکان درگیر شدن با آمریکا در خلیج فارس بحث شد. عصر گردان حمزه از لشکر بدر - که اسرای تائب عراقند - و جمعی از لشکر ثارالله آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

بمباران شیمیایی سردشت که شهدا و مصدومان زیادی از مردم غیر نظامی به جای گذاشت، از نمونه های روشن خوی غیر انسانی صدامیان و بی وجدانی مدعیان حقوق بشر جهانی است.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:«حضور برادران لشکر ثارالله در جبهه ها، مایه دلگرمی و اطمینان ما است و افتخاری که این لشکر در این دو سال اخیر در جبهه ها آفریده است، انصافاً در تاریخ جنگ ها به عنوان فرازهای پرافتخاری باقی خواهد ماند. لشکر بدر و به خصوص گردان حمزه ، در یک سال اخیر و در عملیات کربلای ۴ و ۵ و همچنین در مکان های حساسی مانند جزیره صالحیه، پایداری و مقاومت شایسته ای از خود نشان داده است. حادثه ای در تاریخ ثبت شد که نشانگر قدرت و ایمان شما است. عراق، جایی نیست که بالای سر مردمش پرچم کفر افراشته باشد، مردم عراق مسلمان و با فرهنگ اند. تحقیقاً در این برهه تاریخ که حزب بعث، حاکم بر عراق است، به لحاظ ماهیت این حزب کثیف، مردم عراق از صمیم دل با این جریان کفر و طاغوت مخالف هستند. این ملت، به هرحال آزاد خواهد شد. امروز برادران ما که نمونه هایشان اینجا هستند و بقیه جوان های رزمنده ایرانی که داوطلب برای نجات مردم عراق هستند، باید دست در دست هم عراق را نجات دهند. اگر روزی عراق مثل ایران زیر پرچم اسلام اداره شود و این دو ملت با هم به جنگ کفار بروند، شر صهیونیست ها را از منطقه خواهند کند و کسی جرأت نخواهد کرد که در منطقه علیه اسلام اقدام کند. عراق آغاز گر جنگ بوده است. شما خود شاهد هستید که این ارتش عراق بود که به ایران حمله کرد ، ده شهر ما را اشغال کرد، هزار و ۴۰۰ روستای ما را ویران نمود و بخش عظیمی از امکانات صنعتی ما را ویران کرد و می دانید که هدف آن بود که حکومت اسلامی را ساقط و ایران را تجزیه کند. ما دفاع کردیم و تا به اینجا رسیدیم و در حال حاضر عمدتاً به خاطر مردم عراق می جنگیم و جهاد ما برای نجات مردم عراق است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

دوشنبه ۸ تیر | ۲ ذیقعده ۱٤۰۷ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷

شب در دفترم خوابیده بودم. بعد از نماز تا ساعت هفت صبح کار کردم. اعضای هیأت رئیسه مجلس خبرگان، صبحانه را در دفتر من صرف کردند و درباره دستور جلسات خبرگان بحث کردیم.

ساعت هشت به سالن مجلس رفتیم. با اعضای خبرگان احوالپرسی کردم. ساعت هشت و ربع، جلسه رسمیت پیدا کرد. آقای [علی] مشکینی [رئیس مجلس خبرگان رهبری] صحبت کوتاهی داشت و سپس انتخابات هیأت رئیسه و کمیسیون ها انجام شد که تمام وقت جلسه امروز را گرفت. من هم به صورت نایب رئیس اول باقی ماندم. تغییر عمده‌ای در افراد پیش نیامد.

ظهر ناهار را در سالن کتابخانه با خبرگان صرف کردم. امام جمعه نیشابور از تغییر فرماندار آن شهر به تلخی انتقاد داشت. ظهر آقای سنجقی آمد. اطلاعات بیشتری درباره بمباران شیمیائی شهر سردشت داد. حدود دو هزار نفر مصدوم شده اند و ده نفر هم شهید شده‌اند. این شهر دیروز بمباران شده است[1].

آقای [سیدجلیل] سید زاده آمد و پیش نویس تفاهم نامه با هیأت نیکاراگوئه را آورد. عصر آقای باریک بین آمد و از نماینده قزوین شکایت داشت و از عزل بی دلیل فرماندار قزوین گله‌مند بود. امام جمعه باختران [= کرمانشاه] آمد و خواستار تقویت پدافند شهر و توجه بیشتر به علمای مهاجر کرد عراق بود. آقای [واعظ] طبسی آمد و از عزل آقای کوپائی استاندار خراسان و عزل های دیگر خطی، سخت متأثر و شاکی است.

ضیافت شام را به افتخار مهمانان نیکاراگوئه در اقامتگاه آنها دادم. ساختمان مصادره‌ای است و برای مهمانان خارجی، در اختیار وزارت خارجه گذاشته شده است. در مذاکرات، توضیحات زیادی از وضع نیکاراگوئه گرفتیم و قول کمک نفتی دادیم. مصاحبه کردیم و تا داخل باند فرودگاه بدرقه کردیم. وزیر فرهنگشان مریض شده بود. نزدیک ساعت دوازده به منزل رسیدم.

---

۱ - در این بمباران وحشیانه، جنگنده های ارتش عراق، شش بمب حاوی گاز خردل در مناطق پرجمعیت شهر سردشت پرتاب کردند. در این حادثه تلخ ۱۲ نفر شهید و ۲۰۰۰ نفر مجروح شدند که حال ۶۵۰ نفر از مجروحان وخیم اعلام شد. آقای محمد جواد ظریف کاردار ایران در سازمان ملل در نامه ای به دبیرکل آن سازمان، خواستار اعزام هیأت کارشناسی جهت بازدید از جنایت بمباران شیمیایی سردشت شد

سه‌شنبه ۹ تیر | ۳ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۳۰ ژوئن ۱۹۸۷

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم به خواندن گزارش‌ها پرداختم. تا ده و نیم درجلسه علنی بودم. ظهر جمعی از نمایندگان برای اثبات مضر بودن ادغام وزارت کشاورزی در جهاد به دفترم آمدند. آقای سنجقی اطلاع داد، نیروهای ما در جنوب ماؤوت پیشرفت نداشته‌اند. عصر در جلسه [مجلس] خبرگان بودم.

اول شب آقای مهدی نژاد آمد. درباره فشارهائی که سوریه به حزب‌الله لبنان برای آزاد کردن خبرنگار آمریکایی وارد می‌کنند، گزارشی داد و مشورت کرد. گویا لبنانی‌ها می خواهند یک گروگان آلمانی را در مقابل خودداری آلمان از دادن حمادی به آمریکا آزاد کنند.

نخست وزیر، تلفنی گفت که فرانسوی ها فشار زیادی روی سفارت ما در پاریس گذاشته‌اند. پلیس سفارت را محاصره کرده و [وحید] گرجی را می‌خواهند. مقدمات مقابله به مثل فراهم است و خبرگزاری [جمهوری اسلامی] بنا دارد، خبر را در این باره روی تلکس ببرد. شب در مجلس ماندم.

چهارشنبه ۱۰ تیر | ٤ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۱ جولای ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. تا ساعت ده درجلسه علنی ماندم. بعد از تنفس در دفترم به امور جنگ پرداختم. آقای سنجقی گزارش مرحله چهارم عملیات نصر ۴ را داد؛ راضی است. لشکر سیدالشهدا(ع)، سه تیپ از لشکرگارد عراق را تارومار کرده است. آقای دکتر هادی آمد و از کثرت افراد توصیه شده از طرف نمایندگان برای حج، گله داشت.

عصر مجلس خبرگان جلسه داشت. اول شب پیامی برای سمینار فرماندهان سپاه که در بندر عباس تشکیل شده، تهیه کردم[1]. شب در ضیافت آیت الله خامنه‌ای به [نمایندگان

---

۱ - در این پیام ضمن تأکید بر حضور گسترده ملت قهرمان ایران و هجوم بی سابقه جان برکفان بسیج برای دفاع از آب های گرم خلیج‌فارس و رویارویی مستقیم با عوامل اصلی تجاوز و تشنج در منطقه اسلامی، آمده است:« جمهوری اسلامی ایران که همواره

مجلس] خبرگان شرکت کردم. سخنرانی کوتاهی داشتم[1].

بعد از شام سران قوا تشکیل جلسه داد. درباره پیام امیر شارجه و پیشنهاد تبعید برادرش به ابوموسی مذاکره شد. قرار شد تبعید برادرش به ایران را بپذیریم و پیشنهاد حفاظت از او بنماییم. نگران ترور خودش است.

عربستان سعودی پیغام داده و پیشنهاد کرده که کویت دعوت از آمریکا را پس بگیرد و به کشتی‌های کویت حمله نشود. قرار شد بگوئیم که شرارت عراق در خلیج‌فارس را محکوم کند و در صورت شرارت، کمک خودش را قطع کند. در مورد مسائل فرانسه، قرار شد مقابله به مثل کنیم و آقای [وحید] گرجی در سفارت بماند. در مورد فشار سوریه به حزب‌الله لبنان و سپاه، قرار شد سیاست صبر و انتظار داشته باشیم و قرار شد دو کارشناس بازداشت شده ایتالیا را با قید ضمانت آزاد کنیم. دیر وقت به خانه رسیدم[2].

خواهان تأمین امنیت خلیج فارس و تعمیم صلح و عدالت و قطع ریشه های ظلم و تجاوز و تشنج آفرینی در منطقه بوده، به شهادت تاریخ نشان داده که استقبال از خطرهای بزرگ و دفاع از آرمان های به حق ملت مظلوم خویش در صحنه های نبرد با استکبار جهانی، به امتیازات سیاسی و پیروزی های عمیق نظامی دست یافته است. هیاهوی تبلیغاتی دشمنان اسلام در منطقه خلیج فارس برای سرپوش نهادن به شکست‌ها، رسوائی ها و ناتوانی های آنان در رویارویی با انقلاب اسلامی در این برهه حساس از تاریخ انقلاب اسلامی و مجامع بین‌المللی، صاحب نظران و اندیشمندان منصف را در برابر تاریخ گواه می‌گیریم که جمهوری اسلامی ایران، علی رغم آنکه هیچ گاه دست به تشنج آفرینی در منطقه نزده و همواره مساعی خود را برای صلح و آرامش به کار برده، به دشمنان اسلام هشدار می دهد که در مقابل هر اقدام شروران در منطقه، پاسخ پشیمان کننده ای به عاملان شرارت خواهد داد.» آقای هاشمی در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای سمینار فرماندهان سپاه، اظهار امیدواری کرد مردم قهرمان جنوب، خاطرات شورانگیز روزهای نبرد و حماسه و مقاومت دلیران تنگستان را زنده کنند. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه ها و پیام های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در این مراسم ابتدا نماز جماعت به امامت آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان اقامه شد. سپس آیت الله خامنه ای رئیس جمهور، به نمایندگان مجلس خبرگان خیر مقدم گفتند و اظهار امیدواری کردند که ان شاءالله از این اجتماع علما و فقهای مجلس خبرگان، فرصت مغتنمی به منظور بحثی علمی برای رسیدن به نظرات فقهی مشترک شود. آنگاه آقای هاشمی پیرامون آخرین وضعیت جنگ تحلیلی ارائه نمود. در بخشی از این سخنرانی آمده است:« حضور تجاوز کارانه آمریکا با منظوری واهی برای تأمین به اصطلاح امنیت خلیج فارس، بهانه‌ای بیش نیست. ما با رهبری قاطع امام در برابر کلیه دسیسه های استکبار جهانی تا آخرین نفر خواهیم ایستاد تا ان شاءالله جنگ را به جایی برسانیم که ملت عراق نیز از دست رژیم ظالم و حاکم بر این کشور آزاد شود. با کمی توجه به مسایل خلیج فارس، قاطعانه درخواهیم یافت که تحقیر شدن آمریکا و شوروی در حساس ترین مقطع این زمان، یک معجزه الهی است. امروز حرکت قوی اسلامی مردم مقاوم ایران، وحشتی غیر متصور را برای استکبار جهانی فراهم آورده است.» در ادامه مراسم آیت الله مشکینی با استناد به آیاتی از قرآن کریم، به شرح صفات و خصوصیات متقین و مومنین پرداخت و مصداق بارز آن را ملت خاضع، فداکار و ایثارگر ایران دانست و گفت: «امروز الطاف خاصه خداوندی بر کشور ما نازل شده است و از این رو مسئولیت ما را در قبال مردم سنگین تر می کند.»

۲ - در این روز آقای هاشمی در دیدار با فرماندهان و مسئولان جنگ جهاد سازندگی استان ها با تجلیل از نقش مثبت نیروهای جهاد سازندگی در پیشبرد روند جنگ تحمیلی، اظهار داشت : « تلاش برادران جهاد در دفاع از میهن اسلامی، نهایت عشق و علاقه و فداکاری و روحیه گذشت در جهاد سازندگی را ثابت می کند. حضور شما در جبهه ها، مشکلات عملیات و دفاع را حل می کند و این، خیلی با

پنجشنبه ۱۱ تیر | ۵ ذیقعده ۱٤۰۷ | ۲ جولای ۱۹۸۷

ساعت هشت صبح به حسینیه جماران رفتم. [اعضای مجلس] خبرگان با امام ملاقات داشتند. آقای مشکینی و امام صحبت کوتاهی نمودند. به مجلس آمدیم و ساعتی در جلسه شرکت کردم، ولی مدیریت جلسه را آقای [محمد] یزدی برعهده داشت.

بعد از تنفس، سفیرمان آقای [علاءالدین] بروجردی از چین آمد و در امور مربوط مشورت کرد. ظهر آقای [ناصر جیرانی] نوبری سفیرمان در شوروی برای مشورت و گزارش آمد. گفتم شوروی را برای احتمال درگیری با آمریکا داشته باشیم. عصر هم خبرگان جلسه داشت و بالاخره اجلاسیه تمام شد.

ائمه جمعه آبادان، خلخال، مشهد و شیراز درباره اوضاع محل خود استمداد کردند. آقای سنجقی از کوتاهی ستاد تبلیغات جنگ در تبلیغ مرحله چهارم عملیات نصر ۴، تلفنی شاکی بود. بیانیه ای برای پایان اجلاسیه خبرگان تهیه کردم. اجلاسیه را ختم کردیم. آقای [غلامحسین] جمی [امام جمعه آبادان] آمد و اوضاع آبادان را گفت. شب به منزل رفتم. خسته بودم.

جمعه ۱۲ تیر | ٦ ذیقعده ۱٤۰۷ | ۳ جولای ۱۹۸۷

نماز جمعه را آیت الله خامنه‌ای اقامه کردند. تمام روز در منزل بودم. بیانیه مجلس خبرگان

↩ارزش است. این از قله های شرف و افتخار است که در تاریخ یک نهاد وجود دارد. ما نقش شما را در همین عملیات جاری نصر۴ و ۵ به خوبی می دانیم و اگر حضور شما نبود، عبور رزمندگان از موانع، تقریباً محال بود. دشمن هیچ تصور نمی کرد که نیروهای ما در مدت کوتاهی بتوانند ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر در داخل خاک عراق که جاده ای برای عبور امکانات نبود، نفوذ کنند و ما بتوانیم در یک خط سخت دفاع پیش برویم. حل کننده این دشواری ها، سرعت مهندسی زیر آتش است. مردم از فعالیت های شما مطلع هستند، چون شما فرزندان همین ملت هستید. اما برای دشمنان ما این مسائل یک مقداری حیرت انگیز است. این چه نیرویی است که در یک عملیات که به سرعت مواضع دشمن سقوط می کند، بلافاصله علیه خودش به کار گرفته می شود، جاده ها و خاکریز ها متناسب با نیاز های خودمان در می آید و استحکامات، شکل مطلوب دفاع خودمان را می گیرد؟ این برای دشمن حیرت انگیز است. در خلیج فارس و در جزایر برای ساختن استحکامات مناسب و برای دفاع، زمان و نیروی زیادی لازم بود و شما توانستید در مدت کمی، جزایر را آماده دفاع کنید. این خیلی قدردانی لازم دارد و شما آن را از خداوند انتظار داشته باشید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



همسر و والده آقای هاشمی رفسنجانی

را نوشتم[۱] و با آقایان خامنه‌ای و مشکینی مشورت کردم و برای پخش در پایان اجلاسیه فرستادم. نمایندگان خبرگان، به ما سه نفر وکالت دادند که بیانیه را تهیه کنیم. خستگی هفته پرکار گذشته را رفع کردم.

در گزارش ها مسأله خلیج‌فارس، اهمیت خود را حفظ کرده است. عصر محسن را فرستادم، حاجیه والده را آورد. به تازگی از نوق به تهران آمده‌اند. حالشان خوب است. آشیخ محمد هاشمیان [امام جمعه رفسنجان] آمد. اوضاع رفسنجان را گفت. ماجرای جسد تازه‌ای را که می گویند از قرن ها پیش در حومه رفسنجان دفن شده و اخیراً در اثر سیل، قبر باز شده و جسد کشف شده، تعریف کرد.

گفت خود ایشان جسد را دیده و لمس کرده. کفن سالم است و آیات سوره جمعه را دارد. گوشت و استخوان بدن به حال طبیعی مانده ولی خشک است . چند نفر مریض های بی علاج را شفا داده که تعدادی از آنها را خود ایشان می‌شناسند و این موضوع مورد توجه شدید مردم واقع شده است. جریان‌های سیاسی بر سر مسأله اختلاف دارند. جناح محافظه‌کار از من خواسته که به آشیخ محمد بگویم، زیاد سرو صدا نکند. قدسی، خواهر عفت، از بلژیک تلفنی خواست که مشکل کسانی را که تابعیت مضاعف دارند و می‌خواهند با پاسپورت ایرانی به کشور سفر کنند، حل کنم.

شنبه ۱۳ تیر | ۷ ذیقعده ۱۴۰۷ ــ ٤ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. وقتم به مطالعه گذشت. کارهای مجلس را هم آوردند، انجام دادم. شوروی‌ها اعلان کرده‌اند که کشتی‌های جنگی بیگانه از خلیج‌فارس بیرون بروند و ایران و عراق به کشتی‌های تجارتی تعرض نکنند؛ موضع خوبی است.
ما به آنها توصیه کرده بودیم که چنین موضعی بگیرند[۲]. به رئیس جمهور و نخست وزیر گفتم که خوب است، سریعاً پذیرش آن را اعلان کنیم. در اخبار ظهر، وزارت خارجه

---

۱ - در این بیانیه مداخله ابر قدرت ها در خلیج فارس محکوم شده و از سیاست عادلانه مقابله به مثل مسئولان و نیروهای مسلح حمایت گردیده است. همچنین از ملت های اسلامی خواسته شده تا دولت های خود را برای مبارزه با صهیونیسم و استکبار تحت فشار قرار دهند.

۲ - دولت اتحاد جماهیر شوروی در این بیانیه اعلام کرد: «کلیه کشتی های جنگی مستقر در خلیج فارس باید خارج شوند، مگر اینکه متعلق به کشورهای این منطقه باشند. شوروی دلیل موجهی برای استقرار کشتی های جنگی اش در خلیج فارس دارد.»

استقبال کرد.

عصر آقای [محمد حسن] زورق، برای مشورت در مورد حاشیه و مقدمه نویسی برای کتاب گزارش تاور آمد. قرار است ترجمه آن منتشر شود. ظهر بستگان مهمان‌مان بودند. خانه خیلی شلوغ بود. عفت دست تنها است و مستخدم ندارد. عصر آقارضا مرعشی از مدیریت توزیع گله کرد. شب بچه‌ها مهمان محسن بودند و من در منزل تنها بودم.

یکشنبه ۱۴ تیر | ۸ ذیقعده ۱۴۰۷ ۵ جولای ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس رفتم. هنوز مسأله خلیج‌فارس در صدر اخبار است. تا ساعت یازده در جلسه علنی ماندم. لایحه ادغام وزارت کشاورزی درجهاد سازندگی مطرح بود. بحث‌ها جدی بود. وقت را برای بحث بیشتر تمدید کردیم.

جمعی از افراد لشکر ویژه شهدا، با پدر شهید[محمود] کاوه آمده بودند. ظهر فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1].

[سرتیپ منصور ستاری] فرمانده نیروی هوایی ارتش آمد و گزارش پیشرفت تعمیرات را داد؛ خوب است. او را تشویق کردم و یک قرآن با ترجمه انگلیسی هدیه دادم. عصر [دریادار ملک زادگان] فرمانده نیروی دریایی آمد. گزارش مانور ذوالفقار را داد و خبر از

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی، آقای هاشمی در مورد پیام های واگذاری کشتی های کویت به آمریکا گفت: «به تائید همه سیاستمداران غربی و شرقی، این عمل از اشتباهات فاحش ریگان به حساب می آید. در حال حاضر رایجترین تعبیر درجراید غربی در مورد شخص ریگان، تعبیر "سیاستمدار سردرگم" است. به این ترتیب، برای ریاست جمهوری آمریکا، دیگر چه حیثیتی باقی می ماند؟ هدف ریگان، جبران قضیه رسوایی مک فارلین است. اگر آمریکا وارد این جریان شود و پرچمش را در اختیار کشتی های کویت قرار دهد و کشتی ها، چون گذشته هدف قرار گیرند، برای آمریکا چه سرافکندگی در پی خواهد داشت. همچنین اگر آمریکا وارد جنگ شود، چکار می توانند بکند، غیر از یک سری بمباران، کاری دیگر از آمریکا بر نمی آید. ما این بمباران ها را چند سال است که تحمل کرده ایم. عراق که هشت یا نه پایگاه زمینی و ایستگاه شنود و جاسوسی دارد، و این کار را می کند، چه نتیجه ای گرفته است؟ اینجا مثل ویتنام نیست که آمریکا پایگاه زمینی داشته باشد، بلکه باید از درون دریا با ما بجنگند، با تفاوتی که ملت ما با ملت ویتنام دارد و با توجه به اینکه دنیا به قدرت رزمی شما اعتراف دارد، آمریکا خیلی ضرر می کند. یعنی اینکه سرافکنده و شکست خورده در جنگ، باید از منطقه خلیج فارس برود. موضع گیری اخیر دولت شوروی در مورد خروج کشتی های جنگی خارجی از منطقه خلیج فارس ، موضع درمتی است. آنها می گویند عراق و ایران، در دریا یکدیگر را نزنند و کشتی های جنگی نیز از خلیج فارس بیرون بروند. این همان مطلبی است که ما همیشه گفته ایم. به عراق بگوئید هیچ کشتی را نزند، لذا هیچ اتفاقی نمی افتد و در حل حاضر بررسی ها به این نتیجه رسیده است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

تعمیر دو موشک هارپون داد.

[دکتر محمد فرهادی] وزیر فرهنگ و آموزش عالی آمد. گزارش کار دانشگاه‌ها را داد. از جذب اساتید جدید و توسعه دانشگاه ها و مقاطع فوق لیسانس و دکترا و پذیرش دانشجوی زیاد و خوابگاه‌ها و تحقیق راضی است.

[آقای محمد جواد ایروانی] وزیر دارائی و مسؤولان امور مالیاتی آمدند. گزارشی از وضع مالیات دادند و من هم درباره مالیات صحبت کردم[1]. کمیته تخصیص ارز و نخست وزیر و دکتر روحانی و گروه مشاوره فرمانده جنگ آمدند. درباره ارز دفاع صحبت شد؛ به نتیجه نرسیدیم. دولت می‌خواهد از ارز دفاع بکاهد.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. احمدآقا به خاطر اینکه در اثر درد پا، نمی تواند از پله‌ها بالا بیاید، قرار بود جلسه در طبقه پائین باشد و مأموران دم در مجلس این را نمی‌دانستند، قهر کرده و برگشته. در جلسه [سران قوا]، وزیر خارجه و وزیر اطلاعات آمدند. درباره حفاظت از حاکم شارجه و برخورد با فرانسه، بحث و اتخاذ تصمیم شد.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « آنچه از مجموع مطالعات و برخوردها برمی آید، به نظر می رسد، در گذشته بدآموزی مالیاتی در مردم بود و ریشه اساسی این بدآموزی، فاصله ای بود که در گذشته بین مردم مسلمان و نظام حاکم وجود داشت. در گذشته چون ملت‌ها، دولت ها را اسلامی نمی دانستند، فاصله عمیقی بین مردم و حکومت بود. مردم حکومت ها را غاصب می دانستند، افراد صالح، وارد نظام نمی شدند و اگر هم وارد می شدند، با اجازه خاص بوده است. اخیراً نیز که شکل مبارزه پیدا کرده بود، افراد به صورت نفوذی وارد می شدند. بنابراین، مسائل حکومتی با ملت انسجام نداشت، به ویژه در بعد مالی که مسلمانان این گونه می اندیشیدند و این ریشه فرهنگی بر مردم نفوذ کرد که نه تنها وظیفه مالیاتی را برای خودشان تشخیص نمی دادند، بلکه هر قدر می توانستند از مالیات فرار می‌کردند. تردید در پرداخت مالیات هنوز بین برخی از تحصیل کرده های دینی وجود دارد. برخی ها فکر می کنند، مالیات یک جریان شرعی نیست، حتی در نظام اسلامی و فکر می کردند که مالیات، همان خمس و زکات و موارد دیگر است. البته آنها جزو بودجه حکومت است، اما ماهیت آن متفاوت با مالیات است. زمانی که لایحه مالیات به مجلس آمد، به طور جدی در بین مراجع دینی بحث شد، تا اینکه امام مسئله را حل کردند، وگرنه می توانست فتنه ای پدید آورد. در حالی که در زمان حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی(ع) نیز مالیات وجود داشت. مشکل دیگر این است که هرکس مالیات می دهد، به شکلی آن را به جامعه منتقل می کنند. ممکن است دولت درآمدی داشته باشد و مالیات را از افرادی که مالیات می دهند بگیرد، ولی در عمل مالیات را مصرف کننده می پردازد. وضع در حال حاضر این طور است که اگر شما، مبلغی را از مستغلات بگیرید، دو سال دیگر این مالیات از مستأجر به شکل دیگری گرفته می شود. مردم وقتی مالیات می دهند، به نحوی آن را منتقل می کنند، به جز قشر حقوق بگیر که نمی تواند آن را انتقال دهد. اگر مالیات این گونه باشد، نه تنها هدف مالیاتی را تأمین نمی کند، بلکه ضد آن نیز هست. یکی از هدف های مالیات، آن است که درآمد و مصرف را به هم نزدیک کنیم و فاصله بین مردم را کم کنیم. اگر مردم مالیات را وظیفه ملی و دینی خود بدانند، مانند خمس و زکات، ریشه فکری و تربیتی در سطح جامعه لازم دارد. تحقیقاً در حکومت اسلامی، بین مالیات ندادن و خمس ندادن، تفاوتی نیست. این فتوای امام است. اکنون شما ابزار دینی را در اختیار دارید. فتوای مرجع تقلید موجود است و مبانی اسلامی هم گفته شده و نیز شیوه های تبلیغی هم برای آگاهی مردم بسیار مهم است و آنگاه ما می توانیم مدعی ارائه الگوی موفق مالیات اسلامی در دنیا باشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

درباره بنیاد انقلاب و آقای [علی اصغر] مروارید هم بحث شد. آقای محسن رضایی اطلاع داد که دیشب در جنوب ماؤوت، عملیات موفقی داشته‌اند. دیر وقت خوابیدم.

دوشنبه ۱۵ تیر | ۹ ذیقعده ۱۴۰۷ — ٦ جولای ۱۹۸۷

ساعت هفت و نیم صبح به جلسه علنی رفتم. تا ساعت ده در جلسه ماندم. ادامه بحث در لایحه ادغام وزارت کشاورزی و جهاد مطرح بود. بعد از تنفس به دفترم آمدم و به جلسه برنگشتم. با اینکه انتظار می رفت در چنین بحث مهمی در رأی گیری شرکت کنم، ولی به نظرم می‌رسد که لایحه رأی نمی آورد و من هم رأی نداشتم؛ ممتنع بودم. نتیجه روشن نیست و بحث ها، شبهه ها را بر طرف نکرد. اگر می ماندم و رای موافق نمی‌دادم، رد لایحه بی جهت به حساب رأی ندادن من گذاشته می شد. لایحه ادغام وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی رد شد؛ دولت و جهاد خیلی دمغ شدند.

ظهر امام جمعه شهر بابک آمد. برای افتتاح دانشگاه آزاد اسلامی، [تقاضای] تخفیف در پیش پرداخت کمک اهالی را داشت که قرار شد تقسیط شود و نیز برای دادن کارخانه شیشه به شهر بابک استمداد کرد. برای ماندن در آنجا، یا رفتن به قم مشورت کرد. عصر سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد. گزارش یک گروه خلبان ضدانقلاب را داد که با رضا پهلوی رابطه داشته و گیر افتاده اند. مشکل سربازان ضدانقلاب در جبهه ها و طرح حل مشکل را گفت.

آقای سعیدی مسئول حفاظت اطلاعات سپاه آمد. گزارش بعضی موارد کشف شده توطئه ها را داد و از عدم هماهنگی فرماندهان سپاه با حفاظت گله کرد و از طرح کنترل سربازان ضدانقلاب گفت. عصر در دفترم گزارش‌ها را خواندم. شب به خانه رفتم.

سه‌شنبه ١٦ تیر | ۱۰ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۷ جولای ۱۹۸۷

در گزارش ها و اخبار به مسأله مهمی بر نخوردم. قبل از شروع جلسه، درباره برنامه آخر

دیروز مجلس که باعث تشنج شده بود، توضیحاتی دادم. گزارش بیست و پنج نفری درباره اهانت هائی که در تریبون نسبت بهٔ افراد می شود، برای جبران اهانت، مورد اعتراض نمایندگان بود. مواردی آورده بودند که مشمول دستور امام نمی‌شد.

تا تنفس درجلسه ماندم. در دفترم آقای خیرخواه نماینده لاهیجان آمد. گزارشی از وضع صنعت چای در هند و سریلانکا داد و برای بهتر کردن وضع چای ایران - گران‌تر خریدن از کشاورز و بیشتر دادن مزد خشک کردن به کارخانه‌ها - کمک خواست.

ظهر نمایندگان اقلیت‌های دینی آمدند و برای سفر به خارج ارز می‌خواستند و مشورت نمودند. آقای خزاعی آمد. هدیه‌ای از یکی از حزب‌اللهی‌های لبنان که در ونزوئلا زندگی می کنند، آورد. متقابلاً گفتم یک دوره کتاب مهجه‌البیضاء از طرف من برایش بفرستد.

دکتر روحانی اطلاع داد که یک هواپیمای ترابری نظامی روسی در فرودگاه زابل به زمین نشسته و گروهی مسلح سرنشین دارد. گفتم تحت کنترل بگیرند و برخورد محترمانه کنند، تا وضع روشن شود. تصمیم گرفته شد که سرنشینان هواپیمای روسی را پیاده و سپس بازجوئی کنیم. عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۷ تیر | ۱۱ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۸ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. قبل از نماز با زنگ [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر بیدار شدم. گفت سپاه به وزارت اطلاعات اجازه نمی‌دهد از روس‌ها در زابل بازجوئی کند.آنها را از هواپیما با زور پائین آورده، ولی یک نفر از آنها کشته شده است. می گویند خودکشی کرده، ولی هنوز معلوم نیست، مسأله چگونه است. قرار شد مترجم روسی و محققان نیروی هوایی را برای بازدید از ابزار جاسوسی هواپیما ببرند. تلفنی با نخست وزیر و وزارت خارجه و سپاه، درباره نحوه برخورد با هواپیمای روسی و اطلاع به سفارت روس مشورت شد.

آقای ری شهری اطلاع داد که در پاکستان به حدود ده مقر منافقین حمله شده و ضربه کاری وارد کرده‌اند. درباره سیاست تبلیغی مشورت کرد.

احمدآقا آمد. گزارش ملاقات با آقای منتظری و خبر موافقت امام با برگشت آقای سید

هادی هاشمی از تبعید به قم، به شرط اظهار ندامت کتبی و تعهد عدم دخالت در امور بیت آیت الله منتظری و عدم ارتباط با گروه سید مهدی را داد. این شرایط را وزارت اطلاعات [تعیین] کرده و امام موافقت کرده اند[۱]. درباره جنگ، ارتش، سپاه، انتخابات، دولت و هواپیمای روسی صحبت شد. شام مهمان آقای جنتی - یکی از اعضای دفترم - بودیم که از کافه چلو کباب آوردند. محسن آمد. درباره شرکت در هیأتی که از سپاه به کره شمالی می‌رود، مشورت کرد.

پنجشنبه ۱۸ تیر | ۱۲ ذیقعده ۱٤۰۷   ۹ جولای ۱۹۸۷

برای ملاقات ها به مجلس آمدم. بنا بود فردا به لبنان برویم؛ منتفی شد. آقای سید هادی خسروشاهی آمد. از وزارت خارجه گله داشت. او می‌خواهد دوباره سفیر شود. قبلاً در واتیکان، سفیر بود.

آقایان [علی] رازینی و [علی] فلاحیان آمدند. برای امکانات دادگاه ویژه روحانیت استمداد کردند و از عدم همکاری شورای‌عالی قضائی گله دارند. آقای سراج [موسوی] آمد. برای کمیته کمک خواست و گزارش وضع را داد. ستاد نماز جمعه تهران برای تعیین تکلیف زمین مصلای تهران - که از طرف شهرداری تقدیم شده است - آمدند.

عصر جمعی از علمای کرد و سنی و مهاجر کردستان عراق، به رهبری شیخ عثمان آمدند. خواسته آنان این است که جمعیت مستقل اسلامی باشند و تحت فرمان مجلس اعلی نباشند و به عنوان حرکت اسلامی کردستان شناخته و کمک شود؛ پیشنهادشان معقول است.

در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم و سپس مصاحبه‌ای با تلویزیون در مورد مسائل خلیج‌فارس، هند، شوروی، آمریکا و هواپیمای روسی نشسته در زابل انجام دادم[۲].

---

۱ - متن نامه وزیر اطلاعات و پاسخ حضرت امام خمینی (ره) در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. مأخذ: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۳۰۳ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - آقای هاشمی در این مصاحبه ، به سوالات مطرح شده در زمینه هدف قرار گرفتن یک نفتکش در خلیج فارس، فرود یک هواپیمای روسی در فرودگاه زابل، بحرانی شدن روابط ایران با انگلیس و فرانسه، ارزیابی و مقایسه سیاست های آمریکا و شوروی در خلیج فارس و دستگیری امام جماعت مسجد دهلی نو هند پاسخ گفت. در بخشی از این مصاحبه آمده است:« اگر عراق شرارت نکند و کشتی های مال

اول شب جلسه ای با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر خارجه داشتیم و در مورد مشکل فرانسه و هواپیمای روسی و لبنان بحث و موضع گیری شد. شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۹ تیر | ۱۳ ذیقعده ۱٤۰۷ | ۱۰ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. به مطالعه گذراندم. در گزارش ها حمله به کشتی نفتی آمریکا از طرف ایران در صدر اخبار است و نگرانی ایجاد کرده است. کار زیادی نداشتم. عفت مهمان داشت و منزل شلوغ بود، از بستگان.

عصر آقای محسن رضایی آمد. وضع کلی جبهه‌ها و برنامه‌های جنگ، وضع خلیج فارس و امکانات تدافعی و تهاجمی سپاه را گفت. طرح بسیج و به‌کارگیری ۹۰۰ گردان نیرو در امسال را دارند و بهای زیادی برای عملیات داخل عراق و مخصوصاً کردستان قائلند و درباره نحوه به‌کارگیری اسرای تائب عراقی و حرکت اسلامی کردستان عراق - که به وسیله علمای مهاجر کرد پیشنهاد شده - مذاکره شد. سرشب، عفت همراه خواهرانش به تسلیت مادر آقای امینیان [باجناقم]- که دیروز فوت کرده - رفت.

شنبه ۲۰ تیر | ۱٤ ذیقعده ۱٤۰۷ | ۱۱ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. پیش از ظهر آشیخ محمد هاشمیان آمد. از اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] گله کرد. تصادفاً اخوی محمد هم برای چاره جوئی کمبود بودجه صدا و سیما آمد. گفتم که با هم برای رفع گله‌ها صحبت کنند.

عصر آقای کیانی معاون آقای [اکبر] ترکان در ساصد [سازمان صنایع دفاع] آمد.

↩را نزنند، از طرف ما تعرضی به هیچ کشتی نمی شود، خواه این کشتی پرچم آمریکا یا پرچم کشور دیگری را داشته باشد. البته ما این کار را کار زشتی می دانیم، مخالف خواهیم بود و کشوری را که پرچم آمریکا را برکشتی هایش نصب کند، محکوم می کنیم. همچنین کشوری را که کشورهای بیگانه را به خلیج فارس دعوت کند، محکوم می کنیم، منتها احتیاجی به دخالت ندارد و ما حق نداریم در کارهای دیگران دخالت کنیم، در عین حالی که تحت پرچم یک کشور بیگانه رفتن، کار اشتباهی خواهد بود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

گزارش پیشرفت کار مهمات سازی را داد و از مشکل کار دو شیفتی و نیاز به سه شیفت شدن و خریدهای غیر ضروری و امکان صرفه جوئی بیشتر گفت. آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. برای سفر به خارج اجازه گرفت. آقای سنجقی اطلاع داد که عراقی ها در جزیره مجنون، نهصد متر از پل غربی و سیصد متر از پل شرقی جزیره جنوبی را گرفته اند. عراق سروصدای زیادی به راه انداخته است.

آقای دکتر ولایتی وضع نتایج مذاکره با فرانسوی‌ها را تلفنی گزارش کرد و گفت [آقای فاروق الشرع] وزیر خارجه سوریه، فردا می‌آید و ملاقات می‌خواهد. گفتم لازم نیست در یک روز، با همه ما ملاقات کنند[1].

آقای فلاحیان اطلاع داد که دو نفر از مامورانشان در راه بازگشت از پاکستان، در تور ماموران مرزی پاکستان افتاده‌اند. یکی از منافقین، به اسم [جعلی] امام جمعه زاهدان، تلفنی در این باره تماس گرفت و خواست از من اطلاعات بگیرد. چون از اول متوجه شدم، او را دست‌انداختم، بدون ابراز توجه. گزارش‌ها را از مجلس آوردند. موضوع خلیج‌فارس و نصب پرچم آمریکا به کشتی‌های کویتی، مهمترین مسأله جهان است. دلهره‌های زیادی دارد و همه و بیشتر از همه خود آمریکایی‌ها نگرانند.

یکشنبه ۲۱ تیر | ۱۵ ذیقعده ۱۴۰۷ ۱۲ جولای ۱۹۸۷

در راه مجلس، از عملیات اجرای طرح مترو بازدید کردم. در منطقه عباس آباد که با روش ترانشه باز - خاکبرداری و ساخت مجدد - و از منطقه قورخانه که کارگاه مرکزی است و با ماشین حفّار، تونل حفر می‌شود، بازدید کردم. هنوز کار ماشین روان نیست، ولی

---

۱ - در آن روزها ملک حسین، پادشاه اردن، تلاش می کرد تا حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه را با صدام آشتی دهد و در این زمینه هم موفق شده بود، ملاقاتی میان عبدالحلیم خدام و طارق عزیز در خاک اردن فراهم سازد. همچنین نیروهای تحت امر سوریه در لبنان به درگیری با نیروهای حزب الله پرداخته بودند و ۲۵ نفر از اعضا و هواداران حزب الله در غرب بیروت به دست این نیروها قتل عام شده بود. رسانه های عربی گزارش هایی در خصوص بازگشایی خط لوله نفتی صادراتی عراق به مدیترانه توسط سوریه را نیز مطرح ساختند. همچنین اخباری در خصوص دیدار اسد و صدام در خاک اردن، با حضور شاه حسین و امیر عبدالله ولیعهد عربستان سعودی منتشر شد که با سکوت دمشق مواجه گردید. سیاست های حافظ اسد در این مقطع زمانی، باعث شد تا در روابط استراتژیک این کشور با جمهوری اسلامی، فراز و نشیب هایی پدید آید.

مهندسان رفته رفته مسلط می‌شوند. کارشناس خارجی ندارند.

برای رسیدگی به امور جنگ و کارهای متفرقه، در جلسه [مجلس] شرکت نکردم. مصاحبه ای درباره متروی تهران با صدا وسیما انجام دادم[1]. با آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] درباره تأمین نیاز مالی طرح ها در جبهه و صدا وسیما و با آقای آقامحمدی درباره کیفیت به‌کارگیری کردهای مسلمان عراقی و هماهنگی آنها با مجلس اعلای انقلاب عراق صحبت کردم.

ظهر آقای قزوینی، نماینده آیت‌الله منتظری در آمریکا آمد. گزارشی از وضع مسلمانان در آنجا و نیاز به تبلیغ را گفت و خواستار کمک بنیاد مستضعفان شد.

عصر مسؤولان نهادهای شهر مراغه آمدند. از نماینده مراغه در مجلس گله داشتند. آقای [اکبر] ترکان و آقای [حسین] نیلی آمدند. گزارش موفقیت های ساصد و مخصوصاً بخش الکترونیک را دادند. آقای [سیداحمد] زرگر، دادستان [مبارزه با] مواد مخدر آمد و از محدود شدن مجازات اعدام قاچاقچیان انتقاد داشت.

مسئولین تعاون سپاه و گروه انصار خانواده‌های رزمندگان آمدند. گفتند جسد یکی از رزمندگان مشهد در عملیات رمضان پنج سال پیش را، اخیراً بعد از عملیات کربلای ۵ یافته‌اند که تازه بوده. برای آنها صحبت کردم[2]. جمعی از مسؤولان جهاد گیلان آمدند. از

---

۱ - در این مصاحبه آمده است: «من از بازدید پیشرفت مترو، نسبتاً راضی هستم. البته دفعه قبل هم که برای بازدید رفته بودم، هنوز ماشین‌های حفار و بعضی قسمت ها مشغول کار نشده بودند، اما پیش بینی می شد که وضع خوب است، ولی اینکه آدم ببیند، کار شروع شده و مشکلات از سر راه برداشته شده و کارکنان و طراحان و مدیران، خودشان را موفق می بینند و در عمل نیز نشان می دهند، این اطمینان بیشتری به انسان می دهد. اهمیت مترو برای ترابری شهری، مثل راه آهن در کل کشور است. کشوری که راه آهن نداشته باشد، واقعاً حمل و نقل امروزی ندارد. در تهرانی که امروز ظاهراً با حدود شش میلیون نفر جمعیت و رشد چهار درصد دارد، چطوری می شود آن را بدون وسیله انتقال سریع اداره کرد. شاید تا مردم عملاً مترو را ندیده باشند، نمی توانند تصور کنند که چه تغییری در زندگی آنها پدید می آید. در شهرهای بزرگ مثل لندن، پاریس و مسکو، فاصله های دور را با یک حرکت سریع می روند. از لحاظ بهداشتی تأثیری که روی محیط زیست خواهد داشت و هوای تهران را از آلودگی نجات خواهد داد، مترو بعداً معلوم خواهد شد که چه مقدار به اعتبار و عظمت کشور کمک می کند و چه مقدار مشکلات را حل خواهد کرد. این برای انقلاب و کشور بسیار مهم است و ما نمی توانیم آن را نادیده بگیریم. امیدوارم رسانه های جمعی، منافع مترو و نیازهای مردمی را در حد کافی برای مردم توجیه کنند و ان‌شاءالله انتظار داریم در چهار ـ پنج سال آینده، چهار خط خوب مترو داشته باشیم که تهران را به کرج و بهشت زهرا و شهرهای اقماری که وزارت مسکن می‌خواهد در اطراف تهران بسازد، وصل کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در این دیدار که مسئولین تعاون نواحی پایگاه های سپاه پاسداران به همراه جمعی از اعضای ستاد های مردمی رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان حضور داشتند، آقای علیرضا افشار مسئول ستاد و سخنگوی سپاه پاسداران گزارشی ارائه کرد. آنگاه آقای هاشمی طی سخنانی خطاب به حاضرین، کار آنان را یکی از کارهای بسیار ضروری در دفاع مقدس کشورمان که پایه و رکن اصلی آن را رزمندگان و ←

عزل آقای قانع، مسئول جهاد گیلان شکایت داشتند. برای آنها صحبت کردم و دعوت به اتحاد و کار کردم.

آقای [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] آمد و مطالبی از [منوچهر] قربانی فر گفت که او هنوز هم دست برنداشته و می‌خواهد درجریان فرانسه و آلمان هم میانجی‌گیری کند. اسناد گذشته را هم آورد.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] بود. رئیس جمهور مطالبه آقای صادق طباطبائی در مورد مخارج محاکمه‌اش در آلمان، به اتهام حمل تریاک را مطرح کرد. او حدود دو میلیون مارک می‌خواهد. قرار شد تحقیق شود.

درباره اعزام آقای کنگرلو برای مسائل تهیه سلاح صحبت شد و قرار شد با تصویب گروه مشاور اقدام شود. درباره اجبار صادر کنندگان به تحویل ارزشان به بانک، به قیمت هر دلار ۳۵ تومان بحث شد. قرار شد در هیأت دولت مطرح شود. احمدآقا موضوع آزاد شدن آقای سید هادی هاشمی از تبعید را مطرح کرد؛ قرار است آزادی به طور مشروط انجام شود. خیلی دیر به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۲ تیر | ۱٦ ذیقعده ۱٤۰۷ ۱۳ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. ف- نداجا [= فرمانده نیروی دریایی ارتش] اطلاع داد که دیشب یک کشتی فرانسوی عازم کویت، موشک خورده و امروز جزیره فارسی توسط عراق بمباران شده است. در این بمباران دو نفر شهید داشته‌ایم.

آقای روحانی اطلاع داد "شیرنو" که دارد از معتادان خالی می‌شود و از [آن] نیروی هوایی است، توسط سپاه اشغال شده و مانع و ورود نهاجا [= نیروی هوایی ارتش] می‌شوند.

↩نیروهای مردمی تشکیل می دهند، خواند و گفت:« اگر تشکیلاتی در کشور نباشد که به خانواده، حوایج و مشکلات زندگی رزمندگان رسیدگی کند، ناسپاسی انقلاب نسبت به سربازان بزرگوارش است. هر کس به هر شکل در خدمت خانواده های شهدا و رزمندگان باشد، به نحوی با تاریخ سرنوشت این انسان های بالاتر از همه مخلوقات بستگی پیدا می کند. تا امروز هیچ عنصری ارزشمندتر از عنصر شهادت ـ که در ارتقاء انسان و جامعه نقش دارد ـ نداشته ایم. معنای شهادت این است که انسان به طور انتخابی ، عزیزترین موجودی خودش را در بهترین راهی که برایش تعیین شده است، فدا می کند. "رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شماره ۲۱/۹۹۸۱/ه
تاریخ ۲۴/۶/۱۳۶۶
پیوست

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] نمایندگان [illegible] در باره اصل [illegible] قانون اساسی [illegible]

[illegible] شورای محترم نگهبان [illegible]

لطفاً نظر آن شورا را در تفسیر اصل هفتادم قانون اساسی بفرمائید

که به رئیس جمهور و معاونان و وزرا حق داده مطالبشان را در

جلسات مجلس شورای اسلامی اظهار نمایند بفرمائید که:

آیا این حق مطلق است و در هر موردی که مطلبی دارند در جلسه در

اثنای جلسه مجلس [illegible] حق دارند بگویند

یا اینکه این حق محدود به مطالب مربوط به دستور [illegible]

اعم از اینکه در دستور باشد یا نباشد

و وزیر [illegible] محدود است آیا این حق شامل مواردی از قبیل

پیش نویس بخشی از نامه به شورای نگهبان

به آقای رضایی گفتم مانع نشوند و قرار شد، هم سپاه و هم نهاجا از آن استفاده کنند.
آقای [کمال] خرازی، [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] اطلاع داد به دستور نخست وزیر، یک هواپیما مجروحان شیمیائی سردشت را بدون هماهنگی تبلیغاتی، به خارج می برند. به نخست وزیر گفتم، صبر کنند تا هماهنگ شوند.
اخوی محمود، تلفنی گفت [آقای فاروق الشرع] وزیر خارجه سوریه، اصرار به ملاقات با من دارد. گفتم فردا به مجلس بیاید. شب سید جواد طباطبائی که در دوبی تجارت دارد، آمد و از وضع صادرات ایران، ابراز رضایت کرد.

سه‌شنبه ۲۳ تیر | ۱۷ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۱۴ جولای ۱۹۸۷

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. پرچم زدن آمریکا به کشتی‌های کویتی، یک هفته دیگر به تأخیر افتاده است. تا ساعت ده در جلسه علنی ماندم. در تنفس با جمعی از رزمندگان مازنداران و نوجوانان شهری ملاقات کردم و صحبت کوتاهی با آنها داشتم[۱].
سپس در جلسه قرارگاه خاتم برای بررسی طرح های دفاعی در خلیج فارس در صورت حمله آمریکا و درگیری در خلیج نیروهای دریایی ارتش و سپاه شرکت کردم. طرح‌هایشان را ارائه دادند و مقداری بحث شد. قرار شد یک گروه کار مرکب از نیروهای سه گانه ارتش و سپاه طرح را تلفیق و هماهنگ کنند و برای پس فردا به ستاد قرارگاه خاتم بیاورند.
عصر آقای احمدی از کویت آمد. گزارش داد که مسؤولان کویتی تمایل دارند که

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار با اعضای مرکز آموزش سپاه پاسداران المهدی (عج) چالوس در پاسخ به اظهارات ریگان مبنی بر اینکه «ما برنامه های خلیج فارس را به طور مبهم می گوئیم که ایرانی ها خواب راحت نداشته باشند و با اضطراب بخوابند» گفت: «انصافاً، این خیلی نادانی است که رئیس جمهوری کشوری مثل آمریکا، بعد از هشت سال ایرانی ها را نشناخته باشد و خیال کند وقتی اوضاع مبهم است، ما با اضطراب می خوابیم! ما متأسفیم که قدرت دنیا دست چنین افراد نادانی است. آنها با نادانی خود دنیا را به زحمت می اندازند و بحران و کانون نزاع پدید می آورند و مانع احقاق حق می شوند. نتیجه این کار، تنها طولانی شدن جنگ و نزاع است. آنها نمی توانند از شکست محتوم بعثی های رو به زوال جلوگیری کنند، بلکه تنها می توانند مقداری دوره جنگ، نزاع و آشوب را طولانی تر کنند که دود آن به چشم همه خواهد رفت. کاش دشمنان ما چشم حقیقت داشتند و این مظاهر انسانیت و شور و هیجان در راه خداوند را می دیدند و واقعیات را درک می کردند و دنبال شرارت نمی رفتند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

مسائلشان را با ما حل کنند. دو نفر از اداره آگاهی [شهربانی] آمدند. گزارش باند کلاّش باج گیر را دادند. قرار شد تا آخر تعقیب کنند.

عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. قرار شد تربیت مدرس در اختیار آموزش عالی بماند. [دکتر علیرضا مرندی] وزیر بهداشت از این تصمیم ناراضی است. بعد از جلسه با آقای رئیس جمهور در مورد کشتی کویتی - که قرار است اولین پرچم آمریکا روی آن نصب شود - مشورت کردم. نظر موافق داشتیم.

نماز مغرب و عشاء را با آیت الله خامنه‌ای در جمع فرماندهان نواحی و پایگاه مقاومت استان‌های مرکزی و تهران خواندیم و سپس آقای خامنه‌ای و من سخنرانی کردیم[1]. برنامه برای بسیج ۹۰۰ گردان در سال جاری تنظیم شده است.

در جلسه شورای مرکزی [جامعه] روحانیت [مبارزه تهران] شرکت کردم. درباره وضع مالی جامعه بحث بود. امام ماهانه پانصد هزار تومان می‌دهند که عمدتاً به روحانیون نیازمند داده می‌شود. قرار شد نصف آن صرف کارهای دیگر شود. دیر وقت به خانه رفتم.

چهارشنبه ۲۴ تیر | ۱۸ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۱۵ جولای ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس آمدم. تا ساعت ده در جلسه علنی بودم. در تنفس برای جمعی از ملاقاتی‌ها صحبت کردم.

ظهر ملاقاتی با آقای [ارسلان] صفائی نماینده باختران داشتم. از اسم باختران ناراضی

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:« استکبار جهانی پیشرفته ترین امکانات موشکی، هواپیما، هلی کوپتر، جنگ الکترونیک، اطلاعات آواکس ها و کشنده ترین مواد شیمیایی و خطرناک که در هیچ جای دنیا استفاده نشده بود را در اختیار عراق گذاشت و کاری از پیش نبرد. پس از اینکه مشاهده کرد ما در عملیات کربلای ۵ ضربه کاری به ارتش عراق وارد کردیم و چند استان شمالی عراق دستخوش تشنجات و قیام مردمی گردید، حال آخرین توطئه را در میدان آمدن خودش دیده است. آنها اولین قدم را در اولین قطعه از باتلاق خلیج‌فارس گذاشته اند و در باتلاق هم راه بازگشت مشکل است. ما آماده ایم که کشتی های آمریکایی را غرق کنیم و بنا به حکم قرآن، ارتش بیست میلیونی واقعاً آماده جهاد است و تداوم جهاد برای ما یک اصل می باشد. ما مایل نیستیم جنگ گسترش پیدا کند اما اگر دشمن دیوانگی کرد، ما آماده ایم با اعزام مرحله دوم ارتش بیست میلیونی، نمایش قدرت بدهیم و اگر استکبار جهانی درس نگرفت و در باتلاق وارد شد، آن روز برای ما روز تلخی نیست، در آن روز بخشی از لوله های توپ خودمان را به سوی یانکی ها خواهیم گرفت و اسرای آمریکایی را دست روی سر و با ذلت به سوی اردوگاه ها هدایت خواهیم کرد و این را دنیا خواهد دید و در آن روز دیگر برای آمریکا، بازگشتی وجود ندارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

است، می‌خواهد که به اسم سابق [کرمانشاه] برگردد . نمایندگان مازندران آمدند و خواستار سفر من به مازندران بودند؛ قبول کردم. لغو سفر گذشته، باعث ناراحتی اکثریت نمایندگان شده است.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. جلسه سران قوا هم در دفتر آقای نخست وزیر بود. تصمیم گرفتیم که به فرانسه، اولتیماتوم ۷۲ ساعته داده شود که اگر رفع محاصره از سفارت ما در پاریس نکنند و ضاربان آقای [محسن] امین‌زاده، مأمور سیاسی ایران را تنبیه نکند، قطع روابط می‌کنیم. از مذاکرات ژنو چنین به دست می‌آمد که فرانسوی‌ها می‌خواهند قطع رابطه کنند، لذا ما پیشدستی می‌کنیم که حرکت ما انفعالی تلقی نشود.

آقای موسوی اردبیلی اطلاع داد که امام اجازه داده‌اند خارج از تشریفات قانونی و اداری، پرونده توقیف‌ها و پرونده‌های پیچ وخم دار را به صورت ضربتی حل و فصل کنند. احمدآقا ماجرای ملاقات خود با آیت الله منتظری و ملاقات ایشان با امام و برنامه آزادی سید هادی [هاشمی] را با شرایط سه گانه، اظهار ندامت، تعهد عدم دخالت در بیت آقای منتظری و عدم ارتباط با عوامل سید مهدی را تعریف کرد. طرح زدن کشتی‌های کویتی در خور فکان مطرح شد. عنوان پیشدستی در مبارزه با برنامه نصب پرچم آمریکا تأیید شد.

علی - اخوی‌زاده - اطلاع داد که وزارت اطلاعات او را برای توضیح درباره تماس‌هایش با آمریکایی ها در جریان ایران گیت دعوت کرده است. گفتم برود و جزئیات را صادقانه بگوید. او را به خاطر اقدام در این باره، بدون اجازه و با منع اینجانب، ملامت کردم. گفتم همه چیز را راست بگوید. آقای اردبیلی اطلاع داد که دادگاه نظامی، احمد کاشانی [نماینده نطنز] را به دو سال حبس و سه سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم کرده است. برای خواب به مجلس آمدم.

پنجشنبه ۲۵ تیر | ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۷ ۱۶ جولای ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم صبح در دفتر کار کردم. در گزارش‌ها دیدم که آمریکا از فاش شدن زمان شروع اسکورت اولین کشتی کویتی - سه شنبه آینده - نگران شده و

می گوید ممکن است برنامه را عوض کند. تا ساعت نه در جلسه مجلس ماندم. آخرین جلسه قبل از تعطیل تابستانی بود.

در جلسه قرارگاه خاتم شرکت کردم. این جلسه تا ساعت یک بعد از ظهر طول کشید و در آن طرح‌های دفاعی و تهاجمی در خلیج‌فارس، در صورت درگیری با آمریکا مطرح بود. به تصمیمات خوبی رسیدیم و کار ناتمام ماند. ظهر ملاقات ها را لغو کردم. عصر هم به جلسه شورای‌عالی دفاع، به خاطر انجام کارهای دفتر نرفتم.

پاسداران انتظامات با خانواده‌هایشان آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. در گزارش ها، وضع حکام آمریکا در رابطه با خلیج فارس و ایران گیت مغشوش و سردرگم به نظر می رسد و کاخ سفید انفعالی و رو به ضعف حرکت می کنند. شب به خانه آمدم. بچه‌ها مهمان فاطی بودند. از آشپزخانه دفتر امام، برای من شام آوردند.

جمعه ۲۶ تیر | ۲۰ ذیقعده ۱۴۰۷ ۱۷ جولای ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح درخانه مطالعه می کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه

۱ - در این دیدار که کارکنان دفتر حفاظت مجلس شورای اسلامی به همراه اعضای خانواده هایشان حضور داشتند، آقای هاشمی با برشمردن اهمیت کار واحدهای حفاظت و انتظامات و تأثیر آن در محدود کردن فعالیت های ضد انقلاب در خصوص مسائل حفاظتی گفت: «کار برادران حفاظت بسیار پر اهمیت است و دشمنان انقلاب و اسلام به منطقه مورد حفاظت شما، نظر سوء داشتند و اینکه تاکنون نتوانسته اند، شرارتی کنند، نتیجه حضور فرد فرد شما در محل های مورد حفاظت بوده است. در مجموع شما توانسته اید جلوی بروز هر حادثه ای را در این منطقه بگیرید که این ثمره بسیار بزرگی است و به این خاطر، خدمت شما، خدمت مستمر و فعالی به انقلاب اسلام است. بعضی جوان های حزب اللهی و فداکار می گویند که همسران آنها نیز باید مثل آنان باشند، ولی در حالی که هرکس از زن و مرد در مبارزات انقلابی، باید شریک باشد، خشکی هم نباید کرد و تا حدی که مقدورتان هستند به خانواده خود برسید. همانطور که خداوند دوست دارد که ما تکالیف شرعی خود را انجام دهیم، همانطور هم دوست دارد که از موهبت های خدا استفاده کنیم. خداوند این مناظر طبیعی و تفریحگاه ها را آفریده است که اگر می توانیم استفاده کنیم و از آن بهره مند شویم. خانم های حزب اللهی باید مراعات کنند که به خاطر عدم تأمین بعضی توقعاتشان، همسرانشان را که باید در شغلشان دقیق باشند، تحت فشار قرار ندهند و لذا لازم است شما نیز با همسرانتان همکاری کنید که آسوده خاطر باشند و بتوانند هوشیاری خود را حفظ کنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

کردم[1]. پیش از ظهر بقیه گزارش تاور را خواندم و بعد از ظهر جزوه وضع اهل سنت شرق ایران را مطالعه کردم. پیش از ظهر و عصر گزارش‌ها را آوردند، خواندم. فرانسه اعلان کرده که روابط خود را با ایران قطع کرده است؛ ما دیروز اولتیماتوم داده بودیم که اگر تا ۷۲ ساعت محاصره سفارتمان در پاریس برطرف نشود و ضاربان [محسن] امین‌زاده تنبیه نشوند، روابط را قطع می کنیم. خوب شد که در اعلان پیش دستی کردیم. عصر هم وزارت خارجه ما اعلان قطع رابطه کرد.

عصر آقای سلامت آمد. کسالت قلبی دارد. عازم خارج برای معالجه است. پیش از ظهر هم آقای درویش آمد و کناره قالی برای پله های حال آورد. معصومه - مستخدمه سابقمان - آمد و قالیچه هدیه آورد. عفت هم به او هدایائی داد.

شنبه ۲۷ تیر | ۲۱ ذیقعده ۱٤۰۷ ۱۸ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. پیش از ظهر آقای [جلال الدین] طاهری

---

۱ - در خطبه اول، بحث عُجب و تکبر از مجموعه بحث های استضعاف و استکبار مطرح شد. در خطبه دوم موضوعات عوامل گرانی و تورم و لزوم مقابله با آن، لزوم حفظ تعادل در قیمت ها، لزوم همکاری مردم با دولت در اجرای برنامه های مبارزه با گرانی، شکست دسیسه‌های استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی، همدستی آمریکا، انگلیس و فرانسه در ایجاد جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی و تحلیلی درباره حضور کشورهای بیگانه در منطقه خلیج فارس مطرح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است:« اگر می بینید در دنیا اینها ابهت دارند، برای اینکه آن کشورها خیلی ضعیف هستند. برای اینکه آنها خیلی بدبخت و فلاکت زده هستند که از سایه خودشان می ترسند و آنها هیاهو راه می اندازند، و الا آمریکا، انگلیس و فرانسه در شرایطی نیست که بتوانند الان یک کار جدی در جایی مثل خلیج فارس انجام دهند، مگر اینکه دیگر کارد به استخوانشان برسد. الان جنگ روانی است. آمریکا از واترگیت صدمه خورده است، به قول خودشان از ایران گیت صدمه خورده است، در آنجا حزب جمهوری خواه دارد می پوسد، اصولی را که اعلام کرده بود معلوم شد دروغ می گویند. اینها این قدر بی صداقت هستند که در همین کار کوچکی که با ما انجام دادند، دائماً نشان دادند که قابل اعتماد نیستند. جنس را گران دادند، جنس را تقلبی دادند، دروغ گفتند، به موقع ندادند، در صورتی که اگر از سود این معامله کوچک سی چهل میلیونی صرف نظر می‌کردند، یک معامله سالمی انجام می داد. سود معامله سی چهل میلیونی مگر چقدر می شود که آدم این قدر باید درون فاسد خودش را نشان بدهد. ممکن بود گروگان هایشان آزاد می شد و حتی آن دروازه ای را که می خواستند باز کنند برای اینکه آن گذشته های تلخشان را با ایران یک مقدار جبران کنند، شاید داشت به سیاستشان نزدیک می شد، ولی آن باطن خبیث و فاسدشان که جنس مثلاً هزار دلاری را دو هزار دلار حساب بکنند، یا برای یک سوژه تبلیغاتی در آینده علیه ما داشته باشند، جنس را که از آمریکا برای ایران در حرکت بود، در اسرائیل به زمین نشاندند که فردا بگویند که این جنس از اسرائیل وارد ایران شده است، با این گونه شیوه های تلخ و نادرست نشان دادند که هیچ وقت اینها قابل اعتماد نیستند، حتی موقعی که التماس می کنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

اصفهانی [امام جمعه اصفهان] آمد. جریان مذاکرات با آیت‌الله منتظری را نقل کرد؛ تلخ است. او راجع به انتخابات آینده مجلس مشورت کرد.

عصر قسمتی از مقدمه کتاب اظهارات آقای منتظری درباره جنگ را نوشتم. [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که عراق دیشب در منطقه سومار به نیروهای ما حمله کرده و ابتدا مواضعی متصرف شده، ولی نیروهای لشکر ۸۸، قسمت اعظم آن را پس گرفته‌اند و قسمتی در ارتفاعات کهنه ریگ مانده که بناست بعداً بگیرند و ۶۷ اسیر گرفته‌ایم.

دکتر ولایتی تلفنی گفت که فرانسوی‌ها خواسته‌اند تعدادی از دیپلمات‌های دو طرف، به عنوان حافظ منافع در تهران و پاریس بمانند، از جمله [وحید] گرجی و [ژان پل] توری که گفتم خوب است ؛ معلوم است که پشیمانند.

یکشنبه ۲۸ تیر | ۲۲ ذیقعده ۱۴۰۷ | ۱۹ جولای ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل برای نوشتن مقدمه کتاب آقای منتظری صرف شد. ساعت هشت و نیم به مجلس آمدم. دکتر روحانی آمد. در امور جنگ و طرح ارتش مذاکره کردیم. در مورد پادگان شیرینو و جزیره ابوموسی و نظر آیت‌الله خامنه‌ای را درباره طرح‌های تهاجمی ما در خلیج‌فارس نقل کرد. سعیدالذاکرین [مسئول روابط عمومی مجلس] آمد. از کارپردازها گله داشت.

آقای قادری سفیرمان در سودان آمد. از عدم اجرای تفاهم نامه با صادق المهدی نگران بود. از مشکلات اقتصادی و سیاسی سودان گفت. آقای آصفی سفیرمان در آلمان شرقی آمد. از توسعه تجارت دو کشور راضی است و شرحی از اوضاع آلمان شرقی داد.

عصر [مسئولین] اتحادیه‌های تعاونی‌های تولیدی همراه [آقای حسن عابدی جعفری] وزیر بازرگانی آمدند. آنها بیش از هفت میلیون تومان کمک برای جنگ آورده بودند گزارش کار را دادند و من هم مفصلاً برای آنها صحبت کردم[1].

---

۱ – در این دیدار که وزیر بازرگانی، به اتفاق مدیران و اعضای تعاونی ها و اتحادیه های صنفی، صنعتی، تولیدی و خدماتی حضور داشتند، آقای هاشمی اظهار داشت: «مساله تعاونی ها، امری نگران کننده نیست که در آینده از پشتیبانی مجلس و دولت و نظام اسلامی، ☜

قرارگاه خاتم برای بررسی بحران خلیج‌فارس جلسه داشت که تا مغرب طول کشید و تصمیماتی اتخاذ شد. شب جلسه سران قوا در منزل احمدآقا بود. آقای خامنه‌ای در سفر آذربایجان شرقی است. آقای موسوی خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] و دکتر ولایتی هم شرکت داشتند.

امام در جلسه حضور یافتند. گزارش تصمیمات قرارگاه برای خلیج فارس و مراحل برخورد با وضع موجود، با فرض آمدن نیروی دریایی آمریکا را گفتم. قدم اول کشتی‌های تحت اسکورت آمریکا را می‌زنیم ولی با کمی بحث لازم ندیدند چنین کنیم. ولی پس از رفتن از جلسه، پیغام دادند که هر گونه مسؤولان مصلحت تشخیص دادند، عمل شود و جلسه سران همین را تصویب کرد و تلفنی از آیت الله خامنه‌ای هم نظر خواستم. ایشان هم همین نظر را تایید کردند. امام در این جلسه گفتند که دولت می توانند در مورد تنبیه محتکران و گرانفروشان اقدام کند.

دوشنبه ۲۹ تیر | ۲۳ ذیقعده ۱۴۰۷ ۲۰ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. آقای موسوی اردبیلی تلفنی گفتند که رأی خود را در یک مورد پس می گیرند. احمدآقا هم تلفنی اظهار تردید کرد. دوباره خدمت

↵برخوردار نباشد. تأکید بر تعاونی ها، ریشه در یک اصل اسلامی دارد؛ به خاطر تأمین عدالت و استفاده از نیروهای کار آمد که ممکن است در صورت نبود تعاونی، نتوانند در میدان خدمت به جامعه قرار گیرند. در قانون اساسی بر این مساله تأکید شده است که بخش تعاونی، مکمل بخش های خصوصی و دولتی است و عمده نیروهای خدمتگزار را شامل می شود. علت مهمی که ما از اول انقلاب این جهت را در نظر گرفته ایم، آن است که اگر در نظام ما تعاونی ها نبود، به علت اسلامی بودن نظام، نقص عمده ای به وجود می آمد و ما نمی توانیم مانند مارکسیست ها و کمونیست ها، همه کارهای تولیدی و توزیعی را به دولت بدهیم، چون این مساله با آزادی که اسلام برای انسان ها قائل شده است، سازگار نیست. انسان ها در انتخاب شغل و بکارگیری سرمایه و در خدماتی که می خواهند عرضه کنند، از دیدگاه اسلام و قرآن، به صورت ابزار یک نظام متمرکز دولتی نمی توانند باشند. اساس نظام اسلامی ما، اجازه نمی داد که برای تأمین عدالت، همه چیز را در اختیار دولت بگذاریم. ما وقتی اختیار را به دولت نتوانیم بدهیم، اگر تعاونی ها نباشد، راه دیگر این است که فقط به سرمایه داران عمده‌ای که می توانند از عهده یک کارخانه یا کارگاه برآیند، میدان فعالیت تولیدی یا توزیعی بدهیم، اما بخش عظیمی از مردم که با نیروی خودشان کار می کنند، اینها عملاً از کارهای اساسی کنار گذاشته می شوند. تنها راهی که وجود دارد، برای اینکه ما از نیرو های مبتکر، خلاق، علاقمند و دلسوز و کسانی که می خواهند با استقلال، کار و زندگی کنند، این است که باید متوسل به شرکت‌های تعاونی شویم که این راه را هم انتخاب کرده ایم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

امام رفت و امام همان [نظر] سابق را تایید کردند. آقای [حسین] علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه به منزل آمد. گزارش سفر به کره شمالی را داد. نظر امام و جلسه سران را ابلاغ کردم.

عصر هیأت تحریریه روزنامه اطلاعات برای مصاحبه آمد. نزدیک سه ساعت، مصاحبه طول کشید[۱]. درباره اطلاعات جبهه و مسائل جنگ و خلیج فارس و سیاست خارجی و سیاست اقتصادی و مطالب متفرقه و دیگر صحبت شد.

مهدی که به مشهد رفته بود، آمد. خوشحال است که در کنکور نمره خوبی آورده و هر جا که لازم باشد و بخواهد، می‌تواند انتخاب کند. یاسر هم همراه همکلاس هایش به مشهد رفت. آقا محمدی اطلاع داد که بارزانی‌ها از [عملیات] فتح ۸ راضی نیستند. آنها مایل نیستند در منطقه شان اوضاع بحرانی شود.

سه‌شنبه ۳۰ تیر | ۲۴ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۲۱ جولای ۱۹۸۷

از رادیو آمریکا، خبر تصویب قطعنامه [۵۹۸]شورای امنیت[۲] به اتفاق آرا مبنی بر آتش بس

---

۱ - در بخشی از این مصاحبه آمده است:« مسایل شورای امنیت، به اعتقاد من، جزئی از یک مجموعه اقدامات است که در حال انجام است. آنها هیچ وقت، به تنهایی زیاد امیدوار نیستند که بتوانند از این قطعنامه نتیجه ای بگیرند و این قطعنامه ، تکرار کمی متفاوت حرف های گذشته است. با مسایلی که در خلیج فارس در جریان است و مسایلی که در این زمینه ما تحت تحریم شدید آمریکایی ها قرار داشته ایم، حتی یک کمپانی ایتالیایی، خرید مربوط به چند سال قبل از انقلاب را که پولش را پرداخته بوده ایم، به خاطر اینکه تحت لیسانس آمریکایی ها فعالیت می کند، به خاطر عدم اجازه آمریکایی ها، از تحویل این تجهیزات به ما خودداری کرد. در مورد سلاح هایی هم که به ما دادند، این سلاح ها مربوط به ۱۰ تا ۱۲ سال قبل بود. بنابراین ما در تحریم تسلیحاتی آنها، کمتر ضربه پذیر هستیم و در حال حاضر هم قسمت مهم و اعظم تسلیحات جنگ را در داخل کشور خودمان تولید می کنیم و البته طبیعی است، عراق که شدیداً مستاصل است و از سال ۶۴ به این طرف، بیشترین ضربه ها را از جانب ما خورده است، ظاهراً از هرگونه پیشنهاد آتش بس، بازگشت به مرزهای گذشته و دیگر موارد استقبال می کند. در حقیقت برای دنیا روشن است که طرف متجاوز، کیست و این نکته ای است که حتی خود عراقی ها هم یکبار به آن اعتراف کرده اند، به این نحو که گفته اند تنها طرف آغاز کننده جنگ مهم نیست، باید طرف ادامه دهنده این جریان هم مشخص شود! و این اعترافی است که آنها داشته اند. بعید می دانم که کشورهای دیگری وارد این جنگ شوند، گرچه جریان سفارتخانه‌های ما در انگلیس و فرانسه، ادامه یک جریان کمک رساندن به عراق بود، اما واقعیت آن است که خیلی بعید به نظر می رسد کشور های دنیا، خود را مستقیماً وارد جنگ کنند. البته عراق با تمام امکاناتش تاکنون در مقابل ما ایستاده است و نبرده است. آنچه که مهم است از اول هم، این کشورها پشت سر عراق بوده اند و هرچه در توان داشته اند برای حفظ رژیم حاکم بر عراق، به کار بسته اند که برایشان ثمری نداشته است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - متن کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

در جنگ ایران و عراق را شنیدم. در این قطعنامه از آغاز حمله و تخلفات از موازین بین‌المللی که اشاره به تخلفات عراق است، اظهار تأسف شده است، ضمن اشاره به بایکوت طرفی که قطعنامه را نمی‌پذیرد[1].

به نخست وزیر و وزیر خارجه گفتم که بگویند اگر حسن نیت داشتند، به جای اینکه وعده بدهند، کمیته‌ای را که در آینده آغازگر جنگ را مشخص کند، قبل از صدور قطعنامه مشخص می کردند که راهی برای ختم جنگ باشد و نیز آمریکا هم اکنون با حضور نظامی در خلیج‌فارس، نقض بند پنجم این قطعنامه را کرده که می گوید، دولت‌های دیگر از کاری که باعث تشنج بیشتر و توسعه دامنه جنگ است، بپرهیزند[2].

آقای صیاد شیرازی آمد و درباره جنگ خلیج‌فارس حرف زد. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. مسأله مهم دنیا، حضور آمریکا در خلیج‌فارس و زده شدن پرچم آمریکا بر

---

۱ - اعضای شورای امنیت سازمان ملل به منظور برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق، قطعنامه ۵۹۸ را به اتفاق آراء تصویب کردند. این قطعنامه ـ که در آن اشاره ای به کشور آغاز گر جنگ نشده است ـ در چارچوب فصل هفت منشور ملل متحد تنظیم شده و اهمیت ویژه ای دارد. فشارهای دیپلماتیک آمریکا و سپس انگلیس مؤثرترین عوامل در تصویب قطعنامه ۵۹۸ بوده است؛ نظارت، اقدامات و مواضع مقامات این دو کشور نقش محوری آنها را در این زمینه نشان می دهد. رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا، ضمن یادآوری تعهدات این کشور در مورد امنیت و ثبات کشورهای دوست خود در منطقه، در مورد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت گفت: «شورای امنیت امروز گامی تاریخی در جهت پایان بخشیدن به جنگ فزاینده و مخاطره آمیز ایران و عراق برداشته است. من از تمامی اعضای سازمان ملل متحد درخواست می کنم که در جهت استفاده از نفوذ خود به منظور ترغیب دو کشور متخاصم در پایان دادن به نبرد تأسف بار، خود همگام شوند...» "جورج شولتز" وزیر امور خارجه آمریکا نیز با اعلام پشتیبانی کشورش از اجرای قطعنامه ۵۹۸ گفت: «در این قطعنامه بی‌طرفی دقیقاً رعایت شده و آمریکا مصمم است که نگذارد درخواست شورای امنیت در مورد توقف جنگ ایران و عراق به یک ژست توخالی تبدیل شود.» وی همچنین به بهبود احتمالی مناسبات تهران و واشنگتن اشاره کرد و افزود:« ایالات متحده آماده است که تحت شرایط مناسب، با دولت انقلابی ایران گفت و گو کند.» شولتز سپس گفت:« پاسخ مثبت ایران به قطعنامه سازمان ملل و پایان دادن به اقدامات تهاجمی علیه دیگر کشورها، به از سرگیری روابط کمک زیادی می کند.» در همین حال وی ـ که خطابش غیر مستقیم به ایران بود ـ تهدید کرد:« واشنگتن روشن ساخته که خواستار قطعنامه دیگری است که تحریم اسلحه را علیه هر یک از طرفین که تقاضای شورا را نپذیرد، اعمال کند.»

۲ - امروز وزارت امور خارجه ایران، درباره قطعنامه ۵۹۸ بیانیه ای منتشر کرد. در بخش هایی از این بیانیه ضمن ناعادلانه خواندن این قطعنامه ، به تناقض بندهای آن و خودداری از معرفی آغازگر جنگ و لشکرکشی آمریکا در خلیج فارس اشاره شده است: «در پایان هفتمین سالی که از شروع تجاوز وسیع و همه جانبه عراق به جمهوری اسلامی می گذرد، شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر با تصویب قطعنامه غیر عادلانه از ایفای مهم ترین وظیفه خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی عدول کرد. شورای امنیت قطعاً نمی توانند خطای خود را در نایده گرفتن مواد فصل هفتم منشور ملل متحد که ناظر بر اقدامات عملی شورا علیه هر نوع تجاوز و نقض صلح در آغاز تجاوز عراق می باشد، انکار نماید. اشاره به مواد ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور که مبنای بندهای اجرایی اخیر قرار گرفته، نه تنها خطای گذشته را جبران نکرد، بلکه در واقع مسئولیت عراق در کاربرد زور و شروع جنگ را نیز لوث نموده است. به همین جهت قطعنامه های اخیر کمترین اثر بازدارنده یا تخفیف دهنده بر جنگ تحمیلی ـ که مسئولیت آن صرفاً به عهده رژیم متجاوز عراق است ـ نخواهد داشت.»

کشتی های کویتی است؛ دلهره عجیبی در دنیا بر سر اینکه آیا بین ایران و آمریکا درگیری پیش خواهد آمد یا نه، وجود دارد.

سر شب محسن آمد. او به همراه تیم موشکی، عازم جنوب است که می‌خواهند از موشک ساحل به دریا استفاده کنند. خبر آورد که ساصد [= سازمان صنایع دفاع]، موشک با برد ۷۰ کیلومتر را آزمایش کرده و موفق بوده است. شیرینی آن را هم آورده بود. آقای نخست وزیر، تلفنی از دستگاه قضائی گله کرد که بعضی از مسؤولان وزارت بازرگانی را بازداشت کرده‌اند؛ از من خواست که کمک کنم.

چهارشنبه ۳۱ تیر | ۲۵ ذیقعده ۱۴۰۷ — ۲۲ جولای ۱۹۸۷

در اخبار صبح آمد که امروز اسکورت کشتی‌های کویتی حامل پرچم آمریکا شروع می‌شود و دنیا در دلهره به سر می‌برد[1]. آقای [محمد] فروزنده اطلاع داد که به علت

---

۱ - نخستین نفتکش های کویتی در حفاظت ناوگان جنگی آمریکا با فرمان ریگان رئیس جمهور این کشور در ساعت ۲۷ : ۷ صبح امروز حرکت خود را از بندر "خور فکان" امارات متحده عربی در دریای عمان به سوی کویت آغاز کردند. این نفتکش ها به هنگام ثبت شدن در آمریکا، به "بریجتون" و "گازپرنس" تغییر نام یافته اند و از سوی سه ناوشکن محافظ آنها، "کید"، "فوکس" و "کروملین" اسکورت می‌شوند. آمریکا برای انجام دادن مأموریت حفاظت از نفتکش ها، تاکنون ۱۱ فروند نفتکش کویتی را پرچم گذاری کرده و نیروهای خود را در خلیج فارس به حدود ۲۰ ناو جنگی افزایش داده است. یک نشریه داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هدف این عملیات را محک زدن توان نیروهای جمهوری اسلامی ایران ذکر کرد و در مورد چگونگی شروع حرکت و آرایش کاروان در مسیر خود، نوشت:« ناوشکن موشک انداز "فوکس" در جلو، ناوشکن موشک انداز "کروملین" با حفظ فاصله نیم مایل، مسئولیت تأمین جناح چپ کاروان را به عهده داشت و ناوشکن "کید" در سمت راست کاروان قرار گرفته و تأمین ناحیه شمالی آن را به عهده داشت. سوپر نفتکش "بریجتون" در وسط و در پشت ناوشکن "فوکس" و کشتی "گاز پرنس" با رعایت فاصله یک مایلی، در پشت "بریجتون" به شکلی قرار گرفتند که مجموعه کاروان شکل یک پیکان را به خود گرفته بود. سرعت تقریبی کاروان ۱۳ گره دریایی در ساعت و بر اساس حداکثر سرعت تقریبی نفتکش "بریجتون" تنظیم شده بود. وقتی کاروان به مقابل اولین نقطه سواحل ایران یعنی غرب "جاسک" رسید، در این لحظات به دلیل پرواز دو فروند جنگنده ایرانی از پایگاه هوایی بندر عباس، آماده باش پرسنل کشتی های تحت اسکورت، ۶۰ درصد به آماده باش ۱۰۰درصد تبدیل شد و پرسنل به کلاهخود، جلیقه نجات و ماسک ضدگاز مجهز شدند. همچنین علاوه بر فعال شدن سیستم موشکی ناوها، موشک های قابل حمل "استینگر" نیز برای مقابله با تهاجم احتمالی جنگنده های ایرانی در ارتفاع پایین ، در عرشه مستقر شدند. چند فروند جنگنده اف ـ ۱۴ نیز از فراز عرشه ناو هواپیمابر "کانستلیشن" چندین بار به منظور تأمین پوشش هوایی و مقابله با جنگنده ای ایرانی به پرواز در آمدند. در این هنگام دو فروند جنگنده ایرانی در فاصله حدود ۵۰ کیلومتری کاروان مذکور و برفراز سواحل ایران مورد رهگیری و اخطار هواپیماهای آمریکایی قرار گرفتند و با پاسخ خلبانان ایرانی مبنی بر انجام گشت عادی روزانه و تغییر مسیر این جنگنده‌ها، حالت فوق‌العاده در کاروان کشتی های آمریکایی لغو شد. در ادامه مأموریت، نیروهای آمریکایی به دهانه تنگه هرمز ←

طوفانی بودن دریا، قایق‌های اعزامی به کشتی‌های کویتی نزدیک نشده اند.

برای ملاقات‌ها به مجلس آمدم. آقای مقدم امام جماعت مسجد هامبورگ آمد و گزارش وضع خودش را داد. شیوه کار به گونه‌ای است که اهل سنّت هم شرکت کنند و به گونه ای تند نباشد که از طرف آلمان ایجاد مزاحمت شود؛ تأیید کردم. نگران انتقاد تندروها است.

سفیر جدید مان در رومانی آمد. راجع به منطقه مأموریتش مشورت کرد. [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران آمد. گزارش خدماتش را داد و از وزارت کشور که همکاری نمی کنند و تضعیف می کنند، گله داشت و از مدیریت مترو اظهار نارضایتی کرد. ضمن تأیید پرکاری، از بی ضابطگی آقای [اصغر] ابراهیمی [مدیر عامل شرکت متروی تهران] خائف است.

ظهر آقا [عبدالحسین] ساوه، نماینده کرمان آمد. مطابق معمول از خرابی اوضاع گفت. نماینده صنف آلومینیوم ساز آمد. یک میلیون تومان برای جنگ آورد و از نیازهای صنف گفت. عصر [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد و ارز بیشتر خواست. آقای قانع مسئول معزول جهاد گیلان آمد. خدماتش را گفت و از [آقای احسان بخش] امام جمعه [رشت] که او را عامل مهم عزل خودش می‌داند، گله کرد.

دکتر ولایتی آمد و برای سفر به آلمان که عازم است، مشورت کرد. آقای نیری از –

﴿نزدیک شدند. "ویلیام ماتیس" که مسئولیت فرماندهی ناوگان را برعهده داشت، با اعلام این امر به نیروهای خود که در شرایط عملیاتی واقعی قرار دارند، سعی کرد آمادگی لازم را برای مقابله با خطرات احتمالی، در رزم ناو ایجاد کند. هنوز یک ساعت از لغو آماده باش نگذشته بود که مجدداً با اعلام رسیدن کاروان به منطقه تحت پوشش عملیاتی موشک های ساحل به دریای نیروی دریایی سپاه موسوم به "خطر مرگ"، یک بار دیگر آماده باش کامل اعلام شد و آرایش ناوها تغییر کرد: ناوشکن "کروملین" از سمت چپ به سمت راست کاروان حرکت کرد تا به همراه ناوشکن "کید" از جناح شمالی کاروان محافظت کند. از سوی دیگر، پرواز هواپیماهای آمریکایی از عرشه ناو "کانستلیشن" به همراه هواپیماهای مخصوص جنگ الکترونیک موسوم به ECM برای ردگیری فعالیت راداری هدف یاب سیستم موشکی پایگاه مذکور(سپاه) مجدداً آغاز شد. همچنین سیستم های الکترونیک ناوها فعال شده و دیده بانان اضافی، مجهز به وسایل "الکترو اپتیک" و سیستم های اعلام خبر بر عرشه ناوها متمرکز شدند. در آرایش کاروان مذکور با آمدن ناوشکن "کروملین" به کنار ناوشکن "کید" در سمت راست، پس از عبور از محدوده چتر عملیاتی موشک های کرم ابریشم (خطر مرگ)، آماده باش کامل لغو و دوباره کاروان اسکورت در وضعیت آماده باش "الف ـ ۱" قرار گرفت... اکنون کاروان در وسط تنگه هرمز قرار داشته و ظاهراً موفق به پشت سر نهادن اولین خطر ـ از دیدگاه طراحان نظامی آمریکا ـ شده بود... خبر گزاری "یونایتدپرس" و روزنامه "اینترنشنال" در همان روز به نقل از سخنگوی پنتاگون، خوشحالی زایدالوصف دولت آمریکا را در عبور بی خطر اسکورت مذکور از مقابل سایت ایران و خارج شدن از میدان عملیاتی این موشک ها اعلام داشته و آن را مایه دلگرمی و امیدواری مقامات عالیرتبه نظامی کاروان اسکورت به خاطر عدم واکنش ایران در سایر مراحل و مناطق دیگر کاروان، اعلام کردند.



بازدید از نمایشگاه شهید مدرس در مجلس شورای اسلامی

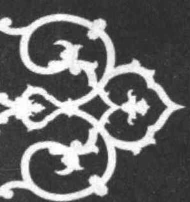


رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای اسلامی

کمیته امداد آمد. از نیاز مردم لبنان گفت و خبر تاسیس کمیته امداد در آنجا را داد و کمک خواست. آقای علوی تبار آمد و برای حفظ نخل‌های آبادان استمداد کرد. دستور دادم محافظت شود.

آقای نبوی نماینده بوشهر آمد. برای فعال شدن صدا و سیمای بوشهر که به خاطر کتک خوردن مسئولش، تولید برنامه‌های بومی آن تعطیل شده است، استمداد کرد. به اخوی [محمد] گفتم کمک کنند.

جلسه سران [قوا] در دفتر من بود و اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] آمد، برای تامین کسری بودجه صدا و سیما و آقای ری‌شهری گزارش مذاکره با امیر شارجه را داد که خواهان کمک ماست. احمدآقا از قول امام نقل کرد که قبل از انجام شرارت دریایی عراق، ما نزنیم. این دستور را به آقای [حسین] علائی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] ابلاغ کردم.



مرداد ۱۳۶۶

پنجشنبه ۱ مرداد | ۲۶ ذیقعده ۱۴۰۷ ۲۳ جولای ۱۹۸۷

کاروان اسکورت آمریکایی از تنگه هرمز عبور کرده است. اضطراب و دلهره در خیلی از جاهای دنیا وجود دارد. ما نگران نیستیم، چون کنترل کار به دست خودمان است. اگر ما درگیر نشویم، آنها درگیر نمی‌شوند؛ خیلی می ترسند. به سپاه و ارتش دستور [لازم را] داده‌ایم. در منزل بودم. شروع کردم به مطالعه تاریخ جنگ جهانی دوم.

در خراسان، نیشابور و ساوه سیل آمده و خرابی و تلفات داشته است؛ باران به این وسعت در تابستان کم سابقه است. امسال وضع جوی خیلی از جاهای دنیا منجمله ایران عوض شده است. در آتن - پایتخت یونان - در همین دوسه روز در اثر گرمای کم سابقه، حدود هفتصد نفر فوت کرده و چندین برابر مریض شده‌اند و وضع فوق‌العاده اعلام شده است.

آمریکایی ها تبلیغات زیادی برای بزرگ نمائی طرح اسکورت کشتی های نفتی کویت و ارعاب به ما راه انداخته‌اند. دویست خبرنگار برای پوشش خبری به کشورهای جنوب خلیج فارس آمده اند. خدا کند که سرافکندگی آنها و عزت اسلام پیش آید. ما به این گونه امدادهای غیبی امید داریم. همان گونه که در مورد ناو استارک و کشتی های شوروی پیش آمد.

جمعه ۲ مرداد | ۲۷ ذیقعده ۱۴۰۷ ۲۴ جولای ۱۹۸۷

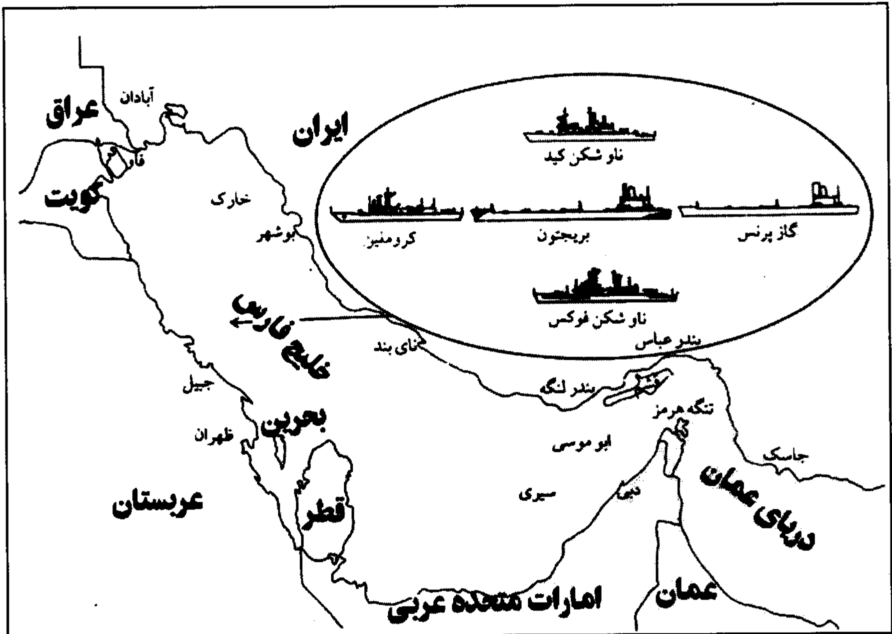
تا ساعت ده و نیم صبح در منزل مطالعه کردم. در نماز جمعه تهران درباره وضع

خلیج فارس و قطعنامه شورای امنیت صحبت کردم[1] و در اثنای خطبه خبر رسید که کشتی چهارصد و یکهزار تنی کویت با مین برخورد کرده است؛ به مردم اطلاع دادم. شور و هیجان فوق‌العاده‌ای ابراز کردند. بعد از ظهر سپاه خبر داد که کشتی دیگری هم به مین خورده که تایید نشد. حادثه فوق‌العاده مهمی است[2]. اعتبار سیاسی و نظامی آمریکا را به

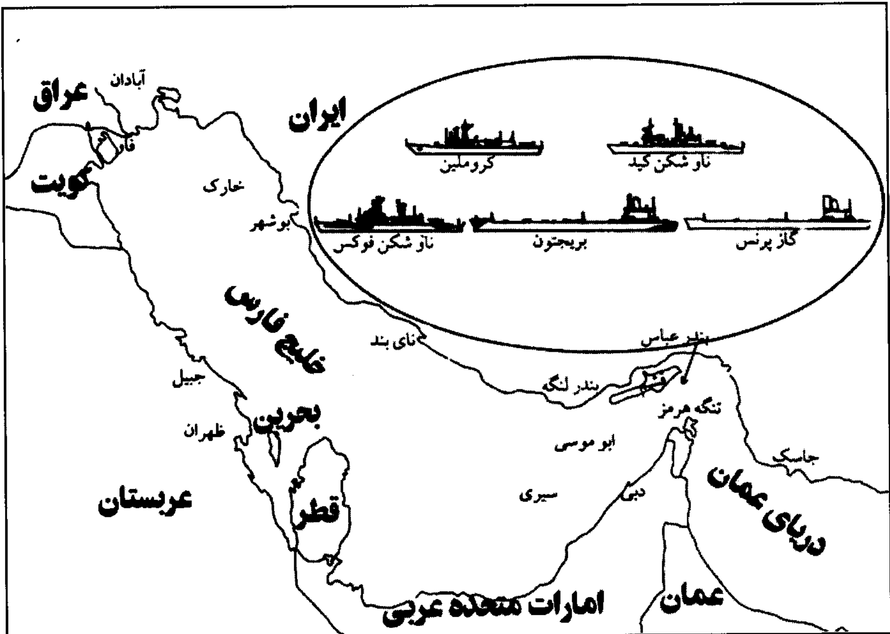
---

۱ - در خطبه اول ادامه بحث استکبار و استضعاف با موضوع ریشه استکبار و معنای کبر، منشاء کبر در جامعه و حالات استکباری دنبال شد. در خطبه دوم موضوعات اهمیت برپایی نماز جمعه ، وضعیت جبهه های جنگ، امنیت در منطقه خلیج فارس، تحلیل رفتار آمریکا در اسکورت کشتی های کویتی در خلیج فارس و شرایط پایان جنگ و لزوم محاکمه متجاوز برای نماز گزاران مطرح شد. هنگامی که آقای هاشمی مواضع جمهوری اسلامی در خلیج فارس و سیاست مقابله به مثل را تشریح می کرد، خبر برخورد نفتکش "بریجتون" با مین اعلام شد که نمازگزاران ابراز احساسات کردند و تکبیر گفتند. ایشان در مورد عاملان مین گذاری گفت: « واقعاً اینها از همان ملائکه های خداوند هستند که نازل می شوند و کار خود را به موقع انجام می دهند. این کار یک معجزه است و ما هیچ نامی غیر از معجزه نمی توانیم بر آن بگذاریم.» آقای هاشمی در ادامه با بیان این سیاست که یا همه ما از خلیج فارس استفاده می کنیم، یا هیچ کس افزود:« اگر کشتی ما مورد حمله قرار گرفت، به کشتی های شرکای عراق نیز حمله خواهد شد. البته ما نمی گوئیم که می زنیم، ما مسئولیت هیچ حمله ای را به عهده نمی گیریم، تیر غیب است و هستند کسانی که بزنند. ما به خاطر گستاخی کویت و به خاطر گستاخی آمریکا یک تصمیم جدی گرفتیم که سیاست جدید مقابله به مثل است و تا به حال اجرا نمی شد، ولی این بار تصمیم جنگی جمهوری اسلامی ایران است که اگر به مراکز و تأسیسات ما حمله کنید، تأسیسات و مراکز شرکای عراق مورد حمله قرار می گیرد. این هدیه ای است که آمریکا به کشورهای جنوب خلیج فارس داد. این جزای گستاخی یک ابر قدرت است که با پررویی ادعا می کند در جنگ بی طرف است، ولی از متجاوز حمایت می کند. در سیاست مقابله به مثل، میان کشورها تفاوتی قائل نیستیم وقتی که بنا باشد درگیر شویم، برای ما آمریکا، انگلیس، فرانسه، کویت، عراق و اینها فرقی نمی کند، هر کس که شریک عراق باشد و ما حق مقابله به مثل داشته باشیم. آن شریک را می زنیم، هرکس که می خواهد باشد. » خبرگزاری فرانسه در گزارشی از مواضع ایران در برابر تحولات خلیج فارس گزارش داد: « رئیس مجلس ایران با لحنی خشک، بی تفاوتی تهران را در برابر تهدیدات تلافی جویانه نیروی هوایی و دریایی آمریکا چنین ابراز داشت: "وقت فداکاری فرا رسیده است."» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

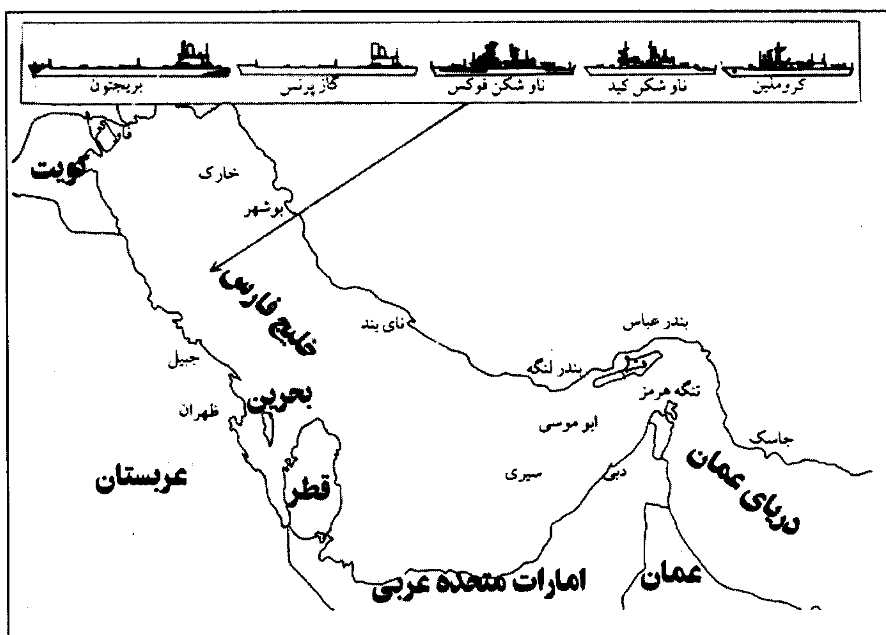
۲ - در سومین روز از حرکت کاروان نفتکش های کویتی، نفتکش غول پیکر "بریجتون" یکی از دو فروند نفتکش کاروان تحت حفاظت نیروهای آمریکا در آب های خلیج فارس، صبح امروز در نزدیکی جزیره فارسی با مین برخورد کرد. نفتکش "بریجتون" و "گاز پرنس" به همراه سه فروند ناوشکن پیشرفته آمریکایی به نام های "کید"، "فوکس" و "کروملین" در نخستین کاروان نفتکش های کویتی حفاظت شده، سفر دریایی خود را دو روز پیش از "جزیره خورفکان" در دریای عمان، آغاز کردند. این کاروان پس از عبور از تنگه هرمز با حوادث متعددی مواجه شد تا اینکه صبح امروز پس از پشت سرگذاشتن جزیره فارسی، در ساعت هفت صبح (به وقت محلی) در ۱۲۰ مایلی کویت، با یک مین دریایی برخورد کرد. با انفجار مین، در پهلوی چپ این نفتکش حفره ای به وسعت ۴۳ متر مربع پدید آمد و چهار مخزن از ۳۱ مخزن آن از آب پرشد. افراد روی عرشه نیز بر اثر انفجار و به هم خوردن تعادل نفتکش، به اطراف پرتاب شدند. در این هنگام فرمانده نفتکش و افسر آمریکایی همراه وی همزمان با بیسیم خطاب به ناوشکن های آمریکایی فریاد می زدند:« ما مورد اصابت قرار گرفته ایم، ما در میدان مین هستیم.» فرمانده کاروان پس از انفجار مین برای جلوگیری از وقوع حادثه ای مشابه برای ناوشکن های آمریکایی که مخازن آنها پر از مهمات و مواد منفجره بود، آرایش کاروان را تغییر داد، بدین گونه نفتکش آسیب دیده "بریجتون"را به جای یکی از ناوشکن ها که در جلو حرکت می کرد قرار داد. از این پس به جای اینکه ناوشکن‌های آمریکایی، نفتکش های کویتی را در برابر حوادث محافظت کنند، نفتکش های کویتی به سپری برای حفاظت از نیروهای آمریکایی تبدیل شدند.



نحوه آرایش و اسکورت نفتکش بریجتون هنگام انفجار



نحوه آرایش و اسکورت نفتکش بریجتون هنگام عبور از تنگه استراتژیک هرمز



نحوه آرایش و اسکورت نفتکش بریجتون بعد از انفجار



شکاف بدنه نفتکش بریجتون

کلی مخدوش می‌کند و موقعیت ایران را تحکیم می بخشد.

شب گزارش‌ها را آوردند خواندم[1]. غربی‌ها و اعراب خیلی دمغ شده‌اند. آمریکایی‌ها گفته‌اند تلافی نمی‌کنند. [خانم مارگارت] تاچر نخست وزیر انگلیس، آمریکا را به خویشتن‌داری دعوت کرده است.

امروز همسر محسن را برای وضع حمل به بیمارستان بردند. خداوند پسری عطا کرده است. عصر محسن او را آورد، اذان در گوشش گفتم[2].

شنبه ۳ مرداد | ۲۸ ذیقعده ۱٤۰۷ | ۲۵ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. پیش از ظهر احمدآقا آمد. گفت کار آزادی آسید هادی هاشمی [داماد آیت الله منتظری] به مشکل برخورده است. او حاضر نیست به سه شرط وزارت اطلاعات که امام هم پذیرفته‌اند، عمل کند و در تبعید مانده است. خبر داد که امام مخالفتی با ادغام وزارت سپاه و دفاع ندارند و به امام پیشنهاد شده که بعضی از وابستگان نظامی در خارج، از سپاه باشند.

عصر آقای [محمد حسن] اختری [سفیر ایران در دمشق] به منزل آمد. از فشار سوریه بر حزب‌الله در لبنان، برای آزادی [چارلز گلاس] خبرنگار آمریکایی - که اخیراً گروگان گرفته شده - گفت. با توجه به حضور جدید آمریکا در خلیج فارس، مصلحت نیست کمک کنیم که آمریکایی آزاد شود. برای ما هم درست نیست که به خاطر این مسأله، تسلیم فشار شویم. بهتر است وضع عادی شود و در شرایط مساعدی که در آینده به وجود

---

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس و رویتر در گزارش هایی مدعی شدند که این مین را نیروهای ایرانی کار گذاشته بودند. آسوشیتدپرس به نقل از کارشناسان نجات دریایی بحرین نوشت:« مینی که به سوپر نفتکش "بریجتون"اصابت کرد، ممکن است تنها دو ساعت قبل از انفجار در آب رها شده باشد. دو مین دیگر به وسیله کشتی های عبوری در آب های جنوبی خلیج فارس یعنی درست در محلی که "بریجتون"قبلا در آنجا بود، دیده شده است.» همچنین یک کارشناس دریایی دیگر گفت:« این احتمال وجود دارد که ایرانی ها با استفاده از قایق ماهیگیری یا بلم، دو ساعت قبل از عبور کاروان، با استفاده از لنگر، مین ها را رها کرده باشند.» همچنین خبرگزاری رویتر به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد: « احتمال دارد مین ها توسط کشتی های بازرگانی یا قایق های پاسداران انقلابی ایران، که گمان می رود نسبت به نیروی دریایی منظم ایران از استقلال بیشتری برخوردار هستند، کار گذاشته شده باشند.»

۲ - علیرضا هاشمی بهرمانی، در حال حاضر دانشجوی سال آخر رشته مهندسی شهرسازی دانشگاه تهران می‌باشد. وی دومین فرزند مهندس محسن هاشمی است.

می‌آید، کمک به آزادی شود. گویا بناست یک آلمانی آزاد شود. خوب است از طریق سوریه آزاد شود.

کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. مسأله مهم، افتضاح آمریکا و شکست طرح اسکورت کشتی های کویتی است و حمله عراق در سومار و میمک؛ مقاومت نیروی زمینی ارتش نسبتاً خوب است[1].

یکشنبه ٤ مرداد | ۲۹ ذیقعده ۱٤۰۷ ۲٦ جولای ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل مطالعه می‌کردم. از اخبار بر می‌آید که آمریکایی‌ها در اقدام اسکورت کشتی‌های کویتی، به مشکل جدی برخورده‌اند و ضعف‌های نیروهای آمریکا در خلیج فارس رو می‌شود.

برای جلسه قرارگاه خاتم به مجلس آمدم که تا ظهر ادامه داشت. درباره عملیات آینده و مسائل خلیج‌فارس بحث بود و تصمیماتی اتخاذ شد. آقایان حسنی سعدی و جمالی [فرمانده و جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] از میمک اطلاع دادند که عراق ارتفاع مهم منطقه را از ارتش گرفته و آنها برای پس گرفتن آن برنامه ریزی می‌کنند[2].

عصر [آقای فرمانبر] سفیر جدیدمان در بلغارستان برای خداحافظی و مشورت آمد. آقای [محمود] محمدی عراقی [مسئول نهاد نمایندگی امام در سپاه پاسداران] برای

---

۱ - ارتش عراق شب گذشته حمله محدودی را برای تصرف ارتفاعات میمک آغاز کرد. به گزارش نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دشمن در این حمله، از لشکر ۲۲ پیاده تیپ ۳۰ زرهی و حداقل ۲۴ گردان پیاده و تانک و ۱۳ گردان توپخانه استفاده کرد. حمله در ساعت ۲۲ : ۱۰ با اجرای آتش تهیه سنگین از دو سمت، یکی "دشت هلاله" و "ناف میمک" آغاز شد. نیروهای عراقی همزمان با حمله به ارتفاع اصلی میمک، ارتفاعات "سلمان کشته"، "سانواپا" و "کهنه ریگ" منطقه سومار را نیز مورد هجوم قرار دادند که نیروهای خودی موفق شدند این هجوم را در "سانواپا"، "کهنه ریگ" و میمک با وارد کردن تلفات و ضایعاتی به دشمن، دفع کنند ولی در غرب تپه ۴۰۲ درگیری همچنان ادامه دارد. دشمن در این حمله که از پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز برخوردار بود، یک فروند از هواپیماهای جنگی خود را از دست داد. خلبان این جنگنده عراقی ـ که با آتش پدافند هوایی سرنگون شده بود ـ با چتر به بیرون پرید و در خاک عراق فرودآمد.

۲ - حمله روز گذشته عراق در منطقه میمک، امروز با قوت بیشتری ادامه یافت. دشمن موفق شد "تپه شهدا" و شیار اصلی آن را تصرف کند. پس از این اقدام، نیروهای عراقی، تلاش دیگری را برای تصرف ارتفاعات جنوبی میمک سازمان دادند که تلاش دشمن ناموفق ماند و نیروهای خودی ۵۳ تن از افراد دشمن را که در این عملیات در منطقه پیاده شده بودند، محاصره کردند و سپس به اسارت درآوردند.»

شکایت از تخلف فرماندهان سپاه از ضوابط آمد. آقایان [حسین] محلوجی و [اسدالله] بادامچیان آمدند. گزارش وضع کارخانه نساجی را که با مشارکت پاکستان در آنجا داریم، دادند و با واگذاری آن به پاکستان مخالفند. مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره خلیج فارس و جنگ انجام دادم[1].

آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد. گزارش داخل کردستان عراق را داد و از سپاه و قرارگاه رمضان گله کرد. دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. موفقیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی و نیازها را گفت. امروز عصر باران شدید کم سابقه‌ای در شمال تهران بارید و سیل عظیمی راه افتاد. این سیل تلفات جانی و مالی داشته است[2].

---

۱ - آقای هاشمی در این مصاحبه، نتیجه نشست فرماندهان نظامی در جلسه پنج ساعته قرارگاه خاتم الانبیاء پیرامون تحولات منطقه خلیج فارس را تشریح کرد. همچنین موضع جمهوری اسلامی در قبال قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، روابط ایران و فرانسه و تحرکات عراق در منطقه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. ایشان در مورد تلاش های نظامی ارتش عراق در جبهه های جنگ(سومار و میمک) گفت: « در شرایطی که تلاش سازمان ملل، شورای امنیت و حضور آمریکا در منطقه و این گونه مسائل وجود دارد، برای عراق اهمیت دارد که تحرکی داشته باشد. به نظر ما این تحرکات مایه دار نیست و یک مقدار هم جنبه سیاسی دارد.» ایشان درباره سیاست جدید مقابله به مثل گفت: « تصمیم براین شد که از این به بعد سیاست مقابله به مثل، دقیقاً شبیه آنچه که عراق شرارت می کند، صورت بگیرد؛ یعنی اگر نفتکش ها را بمباران کرد، مقابله به مثل در مورد کشتی خواهد شد و اگر نفت را در اسکله ها و چاه ها زد، به همین ترتیب عمل خواهیم کرد. البته تفسیری که در دنیا شده و مسئله را به طور مطلق تلقی کرده اند به این معنی که گفته ایم "هرجا عراق به تأسیسات ما حمله کند، ما تأسیسات شرکای عراق را می زنیم،" ولی ما دریا را گفتیم، زیرا آنجاست که باعث گسترش جنگ می شود. در خلیج فارس خطر جهانی شدن جنگ وجود دارد، آنجا مسائل خاص بین المللی وجود دارد، اما در میدان های زمینی ، جنگ مسیر خودش را می رود.» سخنان آقای هاشمی در رسانه های خبری جهان بازتاب گسترده ای داشت و عمده بخش های آن با تأکید و تحلیل گزارش شد. خبرگزاری یونایتدپرس پس از مخابره سخنان فرمانده جنگ درباره ضعف های آمریکایی ها، افزود: « هنوز آمریکایی ها به اظهارات آقای رفسنجانی پاسخ نداده اند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - این سیل مهیب از ارتفاعات دربند شروع شد. غرش رعد و برق و پس از آن رگبار تند در گلابدره، سیل را آغاز کرد. این سیل کلبه‌های گلی مسیر رودخانه دربند را درهم کوبید و قسمتی از مغازه ها و نیز چادرهایی را که برای استفاده ییلاقی افراشته شده بود، خراب کرد و آب در حالی که خاک، شن و سنگ های بزرگ و کوچک را از دامنه سلسله جبال البرز می کند، با سرعت زیادی به طرف دربند و شمیران سرازیر نمود. کسانی که در خیابان های سعدآباد، ارم و دربند بودند، به طور ناگهانی با سیل مهیب روبرو شدند و عده زیادی از آنها طعمه سیل شدند. سیل در میدان تجریش، خودروهای زیادی را درهم کوبید و با خود برد. جریان سیل در خیابان مقصود بیک در میدان تجریش، بیش از سایر نقاط مشهود بود. در این محل، سیل خودروهایی را که طعمه خود قرار داده بود، در مسیل این خیابان می‌غلطاند و با خود به جلو می برد. در این محل مردم زیادی که بستگانشان برای خرید به بازار تجریش رفته بودند، با چشم گریان در جستجوی اعضای خانواده خود بودند. میدان تجریش پس از پایان سیل، مملو از سنگ های بزرگ و کوچک و شن و گل و لای بود. در این میدان تعداد زیادی خودرو در هم شکسته، درختان از ریشه کنده شده و نیز وسایل منزل در میان گل ولای دیده می شد. تعداد زیادی لنگه کفش در میان گل و لای مانده بود و جمعی در میان گل و لای باقیمانده از سیل، به دنبال گمشدگان خود می گشتند. بنا به اعلام وزیر کشور تلفات ناشی از حادثه سیل تجریش، تعداد ۱۶۰ نفر کشته، ۴۵۰ نفر مجروح و ۳۵ نفر مفقود بود. همچنین ۴۰۰ خودرو در ←

شب مهمان رئیس جمهور بودیم. خبر دادند بیش از صد نفر در اثر سیل جان خود را از دست داده اند. تصمیم گرفتیم برای مقدمات سفر نخست وزیر و حل مشکل فشارهای جاری سوری ها، آقای [حسین] شیخ‌الاسلام به سوریه برود. آقای [میرحسین] موسوی می‌گوید تا فشارها بر طرف نشود، به سوریه نمی‌رود.

وزارت خارجه از مهمان نوازی آلمانی ها نسبت به وزیر خارجه، خیلی راضی اند. آنها به نفع ما و علیه عراق موضع گرفته و اعلام کرده‌اند، عراق آغازگر جنگ و متخلف از موازین بین المللی است. تصمیم قرارگاه خاتم در مورد مقابله به مثل در صورت شرارت عراق در خلیج فارس، براساس رهنمود امام در جلسه سران [قوا] تصویب شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۵ مرداد | ۳۰ ذیقعده ۱۴۰۷ ۲۷ جولای ۱۹۸۷

اخبار رادیو فارسی آمریکا و لندن را طبق معمول گرفتم. از وضع خلیج‌فارس خیلی دمغ و منفعل اند[۱]. ساعت هشت صبح به طرف مجلس حرکت کردم. از طریق میدان تجریش آمدم که دیروز عصر، سیل آنجا را خراب کرده. خرابی زیاد است. خیابان دکتر شریعتی تا پل رومی را سیل گرفته و اتومبیل های زیادی را خراب کرده و درخت هائی را انداخته و خانه‌ها و مغازه‌هائی را خراب کرده است. امروز صبح هم دوباره باران گرفته و همان موقعی که ما عبور می کردیم، سیل راه افتاده بود. سیل کف خیابان را کنده و آسفالت‌ها خراب شده و به بازار تجریش ضرر زیادی زده است.

✎این سیل آسیب دید. دلیل آمدن سیل به میدان تجریش، بسته شدن مجرای زیر پل مسیر رودخانه توسط سنگ‌های بزرگ و انباشت زباله‌ها عنوان شد.

۱ - "گاسپار واینبرگر" وزیر دفاع آمریکا در یک موضع گیری محتاطانه که تعهد دیگری برای آمریکا به بار نیاورد، ضمن تهدید عامل مین گذاری گفت: «اگر معلوم شود که انفجار بر اثر برخورد مین بوده است و کشور مین گذار نیز معلوم شود، آمریکا توانایی انجام اعمال تلافی جویانه را دارد.» وی افزود که پیشاپیش برای اقدام تلافی جویانه هیاهو نخواهند کرد و برای اعلام آنچه می خواهند انجام دهند، کنفرانس مصاحبه مطبوعاتی تشکیل نمی دهند.» این در حالی است که رادیو بی بی سی گفت: «کارشناسان دریایی ایالات متحده آمریکا اظهار می دارند، منطقه شمالی خلیج فارس به بهشت مین گذاران موسوم شده است. راه های آبی آن منطقه که نفتکش های عظیم تنها در آن قادر به حرکت هستند، بسیار باریک و مشخص است و قایق های کوچک نیروهای ایران که گمان می رود مسئول کارگذاردن مین‌های آن منطقه هستند، می توانند به راحتی به آن قسمت از خلیج فارس برسند.»

در دفترم با آقای [سیدمحمود] هاشمی [شاهرودی] سخنگوی مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق ملاقات کردم. می خواهد به مکه برود و قرار است با مقامات سعودی ملاقات کند. درباره کیفیت برخورد، مطالب قابل طرح و مذاکره مشورت کرد. اظهار نظر کردم و چهار هزار دینار سعودی به ایشان دادم.

شورای عالی پشتیبانی جنگ در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشت. چند مصوبه برای تسهیل امور جنگ داشتیم. به دفترم برگشتم. رعد و برق و باران شدیدی در تهران داریم. دو سه ساعت است که ادامه دارد. قاعدتاً بدون سیل وتلفات نخواهد بود. از جبهه خبر دادند ارتفاع میمک را که عراق از ما گرفته بود و چند بار دست به دست شده است، از عراق پس گرفته‌ایم.

عصر با فرماندهان سپاه که از جبهه آمده بودند، جلسه داشتیم. رئیس جمهور و نخست وزیر هم آمدند. از ساعت چهار و نیم تا دوازده شب طول کشید. وضع ارتش عراق و نیروهای خودمان را گفتند و کمبودها و نیازها را مطرح کردند. قرار شد از منبع اعتبار فرماندهی جنگ کمک کنیم و چند صد میلیون دلار هم یوزانس شود. نزدیک ساعت یک بامداد به خانه رسیدم.

سه‌شنبه ٦ مرداد | ١ ذیحجه ١٤٠٧ — ٢٨ جولای ١٩٨٧

در منزل بودم. از ساعت هشت ونیم صبح تا چهار بعد از ظهر، یکسره با فرماندهان سپاه در ادامه جلسه دیروز گفت و گو داشتیم. وضع جبهه فاو، شلمچه، توپخانه، مخابرات و بهداری بررسی شد. نیازهای مهندسی، عمده ترین مسائل بود. برایشان ناهار را از بیرون گرفتیم.

عصر تا آخر شب به مطالعه گزارش‌ها گذشت. آمریکایی‌ها و متحدانشان در رابطه با اسکورت کشتی‌های نفتی کویتی و اصابت مین، سر خورده و منفعل‌اند.

امروز پیام امام به حجاج منتشر شد. خیلی جامع و جالب است[1]. آقای حسنی سعدی

---

۱ - پیام "فریاد برائت" امام (ره) بازتاب گسترده ای داشت. رسانه‌های غربی، آن را موجب تشدید جنگ در منطقه و پاسخ منفی و قطعی ایران به تلاش های صلح دانستند و به تفسیر آن پرداختند. رادیو لندن گفت:« آیت الله خمینی بار دیگر به آمریکا هشدار داد و گفت که

[فرمانده نیروی زمینی ارتش]، آخر شب تلفنی اطلاع داد که وضعشان بد نیست و امیدوار است بقیه ارتفاعات میمک را که از دست داده‌اند، پس بگیرند[۱].

چهارشنبه ۷ مرداد | ۲ ذیحجه ۱۴۰۷ ۲۹ جولای ۱۹۸۷

برای ملاقات‌ها به مجلس آمدم. تا ساعت نه و نیم صبح گزارش‌های خبری را خواندم. بعد از چند روز صبر و انتظار و خودداری از ملامت شدید آمریکا در مورد طرح اسکورت کشتی‌های نفتی، همان طور که انتظار می‌رفت، ملامت ها و نیش زدن ها دارد اوج می گیرد و در کنگره آمریکا و مجلس انگلیس، حرف های مهمی زده‌اند وحتی گفته‌اند ناوهای رزمی با نفتکش‌ها اسکورت می‌شوند، با ادعای عکس و گفته‌اند نمایش قدرت در حقیقت نمایش ضعف شده است. آنها مضامین حرف های ما را می گویند.

آقای [محمد جواد] لاریجانی [معاون بین المللی و اقتصادی وزارت خارجه] آمد و گزارش سفر به پاکستان و روسیه را داد. جالب توجه اینکه رئیس جمهور پاکستان موافقت کرده که ماموران ما از منافقان بازداشتی که در قضیه حمله به خانه های امن آنها در کراچی

☜آمریکا اگر نمی خواهد بیش از این مایه رسوایی و خفت خود شود، نباید در خلیج فارس مداخله کند. اسلام دماغ ابر قدرت ها را به خاک خواهد مالید و پوزه آمریکا را خواهد شکست.» روزنامه واشنگتن پست نیز نوشت:« آیت الله خمینی به تمام ابر قدرت های شرقی و غربی و به ویژه آمریکا و روسیه علیه دخالت و ماجراجویی هشدار داد و گفت که ایران و تمام مسلمانان در سراسر جهان باید مصمم شوند که دندان های آمریکا را در دهانش خرد کنند.» رادیو اسرائیل در تفسیری گفت: « در حالی که عراق از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت استقبال می کند، آیت الله خمینی پیشنهاد برقراری صلح بین ایران و عراق را به کلی رد کرد و گفت صدام گرگ زخم دیده‌ای است که حالا به خاطر ضعف خود خواستار صلح شده است.» رادیو آمریکا نیز گفت:« آیت الله خمینی هرگونه آتش بس با عراق پیش از سرنگونی صدام حسین را مردود اعلام کرده است. رهبر انقلاب اسلامی گفت: "هر کس که دارای عقل سلیمی باشد، از ادامه نبرد با دشمنی که به بهای چنین فداکاریهای بزرگی به حال احتضار افتاده است، دست برنخواهد داشت. آتش بس، تنها به عراق فرصت خواهد داد تا جان تازه ای بگیرد و در زمانی دیگر به ایران حمله کند. قدرت های سرکوبگر جهانی و در رأس آن آمریکا با تحمیل صلح به ایران، می‌خواهند مانع وارد آمدن ضربه نهایی ایران به عراق شوند. ایران در آستانه پیروزی کامل بر عراق است و عراق و حامیانش تنها برای جلوگیری از ضربه نهایی، مایل به صلح شده اند". رادیو کلن نیز در تفسیری از "پیام فریاد برائت" با عنوان "ترس و وحشت در منطقه خلیج فارس"، امکان تشدید جنگ را از سوی ایران در منطقه بعید دانست.

۱ - برای چهارمین روز پیاپی، درگیری شدید میان نیروهای خودی و ارتش عراق در منطقه "میمک" ادامه داشت و امروز دشمن به قصد تصرف ارتفاعات میمک و تثبیت موقعیت خود، دو حمله دیگر انجام داد. در این حملات که با پشتیبانی گسترده نیروی هوایی عراق و هلی‌کوپترهای این کشور همراه بود، تعدادی از نیروهای دشمن از جمله سرهنگ "حسین طارق" فرمانده تیپ کماندویی سپاه ۴ عراق کشته شدند.

و کویت دستگیر شده‌اند، بازجوئی کنند و قبول کرده که ماموران [دستگیر شده] ما را تحویل دهد. روس ها به طور اصولی پذیرفته‌اند که در جنوب ایران در مقابل آمریکایی‌ها وسائل پدافند بدهند، به شرط اینکه علیه عراق به کار نگیریم. دنبال فرمول اجرایی هستند.

[آقای موسوی] کاردارمان در کانادا آمد. درباره کیفیت عذر خواهی کانادا از کمک به فرار شش آمریکایی هنگام اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران پرسید. آقای خلیلیان فرماندار قم آمد. دو پایش در عملیات خیبر قطع شده و در عین حال فرماندار موفق و پر نشاطی است. گزارشی از خدمات خود در قم داد و از وسعت گرفتن طلاب مهاجر عراقی اظهار نگرانی کرد که بعضی از آنها با انقلاب نیستند. خواست که قم به صورت فرمانداری کل اداره شود.

خانواده‌های شهدای کارکنان صنعت نفت آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. بعضی از آنها حرف های خوبی زدند. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد. از مسائل انرژی اتمی گفت و از سازمان سرمایه گذاری گله داشت و در کارش مشورت کرد. عصر دانشجویان جبهه رفته و خارج از کشور آمدند. برای آنها سخنرانی مبسوطی کردم[2]. محسن هم همراه آنها بود. آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد. تأکید کردم که

---

۱ - آقای هاشمی در این دیدار با تجلیل از نقش دوران ساز مبارزات مردم خوزستان در جنگ تحمیلی گفت: « میهمانان امروز ما، از چند جهت برای ما گرامی هستند، اولاً به خاطر اینکه بازماندگان بهترین انسان ها و ذخیره های تاریخ این انقلاب هستند و ثانیا از استانی آمده‌اند که در طول جنگ تحمیلی مشکلات زیادی تحمل کرده است. استان خوزستان حق بزرگی به انقلاب و اسلام دارد و مسئولان کشور باید همیشه این حق را بشناسند. در دوران انقلاب و پیش از پیروزی نیز نقش خوزستان و شما پرسنل شرکت نفت خیلی بزرگ بود. اعتصاب صنعت نفت بود که کمر رژیم گذشته را شکست و عمدتاً پایه کار، بر دوش همین کارگران متعهد و مسلمان بود. در جنگ، عراقی ها بیشتر روی خوزستان سرمایه گذاری کرده اند و دلیل عمده آن، وجود منابع نفت خوزستان بوده است. همچنین اگر از طرف استکبار جهانی نیز عراق مورد حمایت بوده است، به خاطر آن است که این منطقه زرخیز و شریان اصلی تزریق خون به کشور را از جمهوری اسلامی جدا کنند و انقلاب را از منبع تغذیه خود محروم سازند. بنابراین، اهمیت نفت برای ما و شما روشن است. در سال های اخیر، عمده تلاش عراق و نوکران و حامیانش این بوده است که صادرات نفت ما را مختل سازند و اگر موفق می شدند، صدمه جدی به ما زده بودند." نماینده امام در شورای عالی دفاع سپس با اشاره به ایثارگری های نیروهایی که در جهت حفظ و بازسازی مناطق نفتی فعالیت می‌کنند، اظهار داشت: «پدافندی که مسئولان و نیروها آنجا احداث کرده اند، خیلی مهم بوده است و شما در شکست بزرگترین قدرت دنیا، شرکت مستقیم داشته اید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در این دیدار، آقای هاشمی ضمن آگاهی از نتیجه کار اردوی دانشجویان ایرانی خارج از کشور و طرح دانشگاه در جبهه، طی سخنانی اظهار داشت: «از زیارت برادران و خواهران دانشجو خوشحالیم، هم آنهایی که در جبهه حضور داشته اند و باعث افتخار و عظمت دانشگاه ها و ملت ما هستند و همچنین دانشجویانی که از خارج، جهت آشنایی بیشتر با ایران تشریف آورده اند که ان شاءالله، سوغات خوبی برای آنهایی که دستشان به اینجا نمی رسد، ببرند. تحقیقاً، دانشگاه و مخصوصاً قشر دانشجو، نقطه حساس جامعه است و امید همه مردم در هر مکان، به دانشجویان است که وارد جامعه شوند و جامعه را به جلو ببرند. ما می دانیم اگر تأکید شخص امام و مسئولان

خودش و بارزانی ها رضایت سپاه را جلب کنند.

جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] برای اموال حزب جلسه داشت. قرار شد من و آقای خامنه ای دو هیأت برای امول و اسناد حزب انتخاب کنیم. شب جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. درباره کنترل قیمت‌ها و نحوه توزیع مرغ بحث بود. من معتقدم نباید تولید را محدود به حد [سهمیه] دان [مرغ] دولتی کرد و باید برنامه به گونه ای باشد که افراد بتوانند از دانی که خودشان تهیه می کنند، برای تولید استفاده کنند. برنامه دولت برای کنترل قیمت غیر از این است.

پنجشنبه ۸ مرداد | ۳ ذیحجه ۱۴۰۷   ۳۰ جولای ۱۹۸۷

تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر در منزل بودم. فیلم «پرواز در شب» [ساخته آقای رسول ملا قلی پور] را که برنده جایزه [جشنواره فیلم] فجر است، دیدم و گریه کردم. مربوط به محاصره گردان کمیل در عملیات والفجر مقدماتی است.

آقای [محسن] رفیق دوست و جمعی از کادر موشکی آمدند؛ برای اینکه مانع دادن اعتبار زیاد به واحد موشکی جهاد سازندگی شوند، می خواهند امکانات آنها به سپاه انتقال یابد و اصولاً کار ساخت موشک، در سپاه متمرکز شود. آقای رفیق دوست یک میلیارد تومان از اعتبار فرماندهی جنگ برای سپاه گرفت. آقای [ابراهیم] سنجقی آمد و دستوراتی برای پشتیبانی عملیات آینده سپاه از ارتش گرفت. آقای حسنی سعدی، از میمک تلفنی اطلاع داد که مواضعشان در جبهه مستحکم است.

↩کشور، مبنی بر رفع نیازهای جامعه و حفظ سطح تحصیلات دانشگاهی نبود، ما کمتر از این جوان ها در دانشگاه داشتیم و اکثر آنها اکنون در جبهه بودند، ولی در عین حال، رابطه جبهه و دانشگاه در سطح مطلوبی است. اگر ما گرفتار جنگ نبودیم و مظاهر مادی پیشرفت را به نمایش می گذاشتیم و همت ما صرف ساخت بخش مادی کشور شده بود، شاید در یک مسافرت ۱۵ روزه خیلی چیزها آسانتر به چشم می خورد، اما آن چیزی که در حال حاضر پایه تحول و عظمت آینده است و حقیقت و هویت جامع را دگرگون کرده است و جامعه ای کاملاً جدید در دنیا به وجود آورده، دقت، کنجکاوی و پژوهش وسیع و همه جانبه ای را طلب می کند. اگر به گذشته دانشگاه نگاه کنیم، می‌بینیم وضع به گونه ای بوده که انسان به فکر آن بوده است که درس بخواند و فقط مدرکی دریافت کند و موقعیتی در جامعه کسب نماید و کلاً دانشگاه ها را به صورت یک پل در نظر می گرفتند. در حال حاضر، جامعه ما این طور نیست. کسی که مجاهدت و فداکاری می کند، نمی شود گفت برای مادیات تحصیل می کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عصر به مجلس آمدم. در راه از ویرانی های سیل در میدان تجریش بازدید کردم. خانواده‌های شهدای اهواز و کاروان زینب اهواز و خانم‌هایی که در اهواز لباس‌های رزمندگان را شسته و ترمیم می‌کنند، به مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم.

آقای [علیرضا] معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] اطلاع داد که فرستاده ترکیه از قول یک شخصیت عالی رتبه آمریکایی پیغام داده که آمریکا مایل است خود را از مسأله اخیر خلیج‌فارس نجات دهد و از ما همکاری خواسته است. گفتم در جلسه سران قوا مطرح می‌کنیم*.

جمعه ۹ مرداد | ٤ ذیحجه ۱٤۰۷ — ۳۱ جولای ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به قرائت گزارش ها گذشت. تلفنی با جبهه میمک و قرارگاه ارتباط داشتم. گفتند از دیروز تا امروز پنج حمله دشمن به ارتفاع ۶۷۰ میمک دفع شده و هنوز نیروهای عشایر خزل به میدان نرسیده‌اند. سپاه آنها را بکار می‌گیرد.

عصر آقای عباس ملکی - فرزند مرحوم مصطفی ملکی - آمد. گزارش تلفات سیل در منطقه مسجد همت [در میدان تجریش] را داد. خانه‌های زیادی در آنجا خراب شده. بخشی از مسجد هم خراب شده است. از من خواست برای تجدید بنای مسجد کمک کنم؛ قبول کردم[1].

---

* - امروز مقام های پنتاگون گفتند که ناو هواپیمابر "گوادال کانال" برای اجرای مأموریت راهی این منطقه خواهد شد. این ناو هشت فروند هلی کوپتر مین جمع کن "سوپراستالیون" را نیز با خود به خلیج فارس خواهد آورد. هلی کوپترهای مین روب در نزدیکی سطح آب پرواز می کنند و با وسیله ویژه ای طناب مهار کننده مین را قطع و پس از ظاهر شدن مین روی آب، با شلیک چند گلوله آن را منهدم می‌کنند.» دویست تن از پرسنل نیروی دریایی آمریکا این هلی کوپترها را اداره خواهند کرد.» رویتر به نقل از مقام های کاخ سفید در مورد هدف از اعزام ناو گوادال کانال به منطقه گزارش داد:« پنتاگون از آن جهت تصمیم به استفاده از گوادال کانال گرفت که کویت، عربستان و سایر کشورهای منطقه، نمی خواستند تسهیلات پایگاهی در اختیار هلی کوپترها قرار دهند.» همچنین یک فروند هلی کوپتر آمریکایی از نوع سی کینگ عصر پنج شنبه در آب های خلیج فارس سرنگون شد. رادیو آمریکا گفت:« این حادثه کاملا اتفاقی بود و این نظر که اقدام خصمانه ای علیه هلی کوپتر صورت گرفته باشد، منتفی است.»

۱ - یکی از مراکز فعالیت آیت الله هاشمی در دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی، مسجد همت تجریش بود. آقای هاشمی پیش از انقلاب در این مسجد، سخنرانی های روشنگرانه ای برای رشد و آگاهی سیاسی مردم ایراد می کرد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه،» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، جلد اول.

سقوط یک هلی‌کوپتر نظامی آمریکا در خلیج‌فارس که یک کشته، سه مفقود الاثر و چهار مجروح داشته، ضربه دیگری به کاخ سفید آمریکا و شخص ریگان است و موج انتقادات جدیدی را به راه خواهد انداخت و راستی که دست غیب، به نفع ما کار می‌کند.

اول شب احمدآقا اطلاع داد که در اواخر برنامه راهپیمائی حجاج ایرانی در مکه که امروز عصر انجام شده، نیروهای نظامی عربستان به حجاج حمله کرده و عده زیادی کشته و مجروح شده اند[1]. نخست وزیر از قول دکتر هادی نقل کرد که رقم شهدا حدود دویست نفر و مجروحان بیش از هزار نفر است. شورای‌عالی دفاع جلسه داشت.

---

۱ - راهپیمایی زائران ایرانی بیت الله الحرام، پس از آنکه به محاصره کامل از سوی نیروهای ویژه درآمد، با حمله پلیس عربستان سعودی به خاک و خون کشیده شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد:« گزارش های رسیده از مکه مکرمه حاکی است راهپیمایی اعلام برائت از مشرکین با حمله پلیس سعودی مواجه شد و چهارصد نفر از زائران به شهادت رسیده و تعدادی زخمی شده اند. حمله نیروهای عربستان به تظاهر کنندگان، پس از هجوم تعدادی از مزدوران مصری و عراقی در یک برنامه حساب شده به صفوف تظاهر کنندگان در نزدیک بیت الله الحرام آغاز شد. این عوامل پس از به آتش کشیدن چند دستگاه اتومبیل، زمینه را برای حضور و سرکوب راهپیمایان توسط نیروهای مسلح سعودی، آماده کردند.» مأموران امنیتی سعودی در حالی که از دو طرف، خیابان مسیر راهپیمایی حجاج بیت الله الحرام را در محاصره کامل داشتند، با گازهای خفه کننده و تیراندازی های مستقیم، به زائران حمله کردند که در اولین لحظات این حمله، تعداد بسیاری از زنان در اثر خفگی و جمعی دیگر در اثر اصابت گلوله به شهادت رسیدند...پس از این واقعه هولناک، وقتی آمبولانس ها و امدادگران ایرانی برای کمک به مجروحین و جمع آوری شهدا به خیابان‌ها آمدند، پلیس سعودی تعدادی از امدادگران را نیز به شهادت رساند. بسیاری از مجروحین به بیمارستان های سعودی منتقل شده اند ولی پلیس از عیادت مجروحین ممانعت نموده و از تحول اجساد شهدا خودداری می کند.»

آقای مهدی کروبی امیرالحاج ایران با اشاره به موافقت قبلی مقام های عربستان با برگزاری راهپیمایی برائت از مشرکین، درباره برنامه های از پیش طراحی شده این کشور برای حمله به صفوف راهپیمایان گفت: « راهپیمایی که شروع شد، یک مقدار جلو رفتیم، دقیقاً معلوم شد که برنامه تنظیم شده ای برای برخورد با حجاج ریخته شده است. اولاً بسیاری از راه ها را بسته بودند. ثانیاً پلیس‌ها بدون اونیفورم نظامی و مأمورین به صورتی هماهنگ با داشتن وسایل فراوان گمارده شده بودند و سنگ و چوب و شیشه های از قبل آماده شده را مثل باران بر روی جمعیت می ریختند. مردم هم بدون اینکه عکس العملی نشان بدهند فقط تکبیر می گفتند. در کنار این سنگ و چوب ها که مأمورین فرو می ریختند، پلیس هم با باتوم به راهپیمایان حمله کرد. پس از شروع تیراندازی، مردم ما قصد مقاومت نداشتند و دستور هم بود که مقاومت نکنند. جمعیت هم به خاطر اینکه مردم عادی و زن ها در فشار قرار نگیرند، شروع به عقب نشینی کردند. این عقب نشینی باز یک روزنه نجاتی بود، ولی سعودی ها راه های پشت سر را هم به شدت بسته بودند و با ضرب و شتم، فشار می‌آوردند و بدین گونه از سمت جلو که به حرم ختم می شد و همچنین از عقب که به سمت بعثه منتهی بود، جمعیت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به نظر تلفات در سمت جلو و عقب صف راهپیمایان خیلی زیاد بود.» سرپرست حجاج ایرانی در یک جمع بندی از وقایع قتل عام زائران خانه خدا به دست مأمورین امنیتی سعودی گفت: « اولاً باید گفت، راهپیمایی همانند راهپیمایی سال گذشته آرام شروع شد و قطعاً اگر عربستان تهاجم را شروع نکرده بود، هیچ حادثه ای رخ نمی داد. ثانیاً عربستان این برنامه را حساب شده شروع کرد و حتی نظرشان متفرق کردن جمعیت هم نبود، برای اینکه اگر می خواستند متفرق کند، آب می پاشیدند، تیراندازی هوایی می‌کردند و یا عده ای را از جلو می‌زدند و راه گریز برای جمعیت می گذشتند، اما جمعیت مورد تهاجم به هر طرف که می خواستند فرار کنند، می دیدند از آنجا هم محاصره شده اند و مأمورین سعودی آنها را می زنند.»

شنبه ۱۰ مرداد | ۵ ذیحجه ۱۴۰۷ — ۱ آگوست ۱۹۸۷

خبر درگیری [مأموران] عربستان سعودی با حجاج ایرانی، در رأس اخبار قرار گرفته است. تبلیغات ارتجاع و استکبار می خواهد قضیه را به دروغ به درگیری حجاج ایرانی با حجاج دیگر کشورها و سپس دخالت عربستان مربوط کنند؛ توطئه آمریکا و اجرای عربستان است.

در دفتر آیت الله خامنه‌ای، جلسه‌ای با حضور من و ایشان و نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی داشتیم. موضوع مکه و عکس‌العمل های ممکن از طرف ما را مورد بررسی قرار دادیم. جلسه فوق العاده دولت با حضور سران قوا تشکیل شد و پس از بحث، تصمیماتی اتخاذ شد. قرار شد سه روز عزای عمومی اعلان شود و فردا تعطیل و راهپیمائی عمومی در سراسر کشور باشد و رئیس جمهور مصاحبه کنند.

با عربستان تماس گرفته شد. آقای [مهدی] کروبی [نماینده امام و رئیس حجاج ایرانی] گفت پنجاه ویک جنازه به دست خودمان رسیده و تعدادی هم در دست سعودی‌ها است و به مجروحان که در دست سعودی ها است، اجازه ملاقات و عیادت نمی‌دهند.

شایعه‌ای هست که مرتضائی‌فر (وزیر شعار) شهید شده و آقای [عبدالله] جوادی آملی مجروح است. آقای کروبی گفته عده‌ای از شخصیت‌ها مجروح شده‌اند که بناست همراه جنازه ها به ایران بازگردانده شوند. قرار شد هیأتی برای بررسی امور به عربستان بروند که تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر، هنوز ویزا داده نشده است.

ظهر به دفترم آمدم. جمعی از نمایندگان با نگرانی برای کسب اطلاع و تکلیف آمدند. امروز در تهران، مردم به طور پراکنده تظاهرات داشته‌اند و به سفارتخانه‌های عربستان و کویت و بعضی جاهای دیگر حمله و آسیب‌هایی وارد کرده‌اند. کارگران کارخانه‌ها و دانشجویان به خیابان ها ریخته‌اند.

عصر در دفترم کار کردم. آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. اطلاعاتی از وضع مکه آورد. به گفته منابع او که از طریق تلفن از اروپا به ما می رسد، حدود ششصد نفر شهید داریم و جمعی از شخصیت ها مصدوم شده اند، از جمله آقایان کروبی، حجازی، غیوری و هاشمیان. گفتند آقای مرتضائی‌فر زنده است و درباره ضربه‌هایی که می‌توانیم به عربستان بزنیم، بررسی شد. توصیه شد کمک کنند یک گروگان آلمانی را از طریق سوریه آزاد

کنند.

دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به آلمان و سوئیس را داد و راجع به اقدامات علیه عربستان و همچنین در مورد عدم اجازه سعودی برای رفتن هیأت اعزامی ما صحبت کردیم. قرار شد بدون اجازه پرواز کنند. آقای حسنی سعدی اطلاع داد که در عملیات امروز، عراقی ها را از میمک تا حدود زیادی عقب رانده اند. به آقای [کمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] گفتم فردا اخبار جنگ را بزرگ کنند. آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] درباره مقصد راهپیمائی مشورت کرد: مجلس یا دانشگاه، گفتم هر جا باشد مانعی ندارد. اگر مجلس بیایند، من صحبت می کنم.

یکشنبه ۱۱ مرداد | ٦ ذیحجه ۱٤۰۷ — ۲ آگوست ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. در گزارش ها فاجعه مکه، در صدر اخبار قرار گرفته و خفت آمریکا در خلیج‌فارس در درجه دوم است[1].

ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشت. وضع خلیج‌فارس مورد بررسی قرار گرفت و تصمیماتی اتخاذ شد. راهپیمائی مردم در سراسر کشور برای اعتراض به جنایات سعودی ها نسبت به حجاج بود و در تهران مقابل مجلس آمدند. جمعیت خیلی زیاد بود و مسؤولان هم آمده بودند. من سخنرانی مفصلی ایراد کردم[2].

---

۱ - کشتار زائران بیت الله الحرام به دست مأموران عربستان سعودی، با واکنش شدید مردم و مسئولان جمهوری اسلامی روبروشد. آقای مهدی کروبی نماینده امام خمینی و سرپرست حجاج ایرانی در پیامی به محضر امام، با اشاره به مراسم راهپیمایی برائت از مشرکین و کشتار حجاج بیت الله الحرام به دست نیروهای امنیتی سعودی در حریم حرم امن الهی، نوشت:« حمله وحشیانه رژیم آل سعود که نمی تواند بدون هماهنگی و همفکری آمریکای جنایتکار باشد، دلیل روشنی است بر سرسپردگی این رژیم به رؤسای کاخ سیاه که این روزها برای جبران شکست های نظامی و رسوایی سیاسی خود، خون می طلبد.»

۲ - در این روز میلیون ها تن از مردم خشمگین در شهرهای ایران با راهپیمایی و سردادن شعارهایی چون "مرگ برآمریکا"، "مرگ بر آل سعود"، خشم خود را از کشتار بی رحمانه زائران خانه خدا نشان دادند. آقای هاشمی در اجتماع راهپیمایان تهرانی که در برابر مجلس شورای اسلامی گرد آمده و خواستار گرفتن انتقام خون این شهدا بودند و شعارهایی چون "تبت یدا ابی لهب، بریده باد دست فهد"؛ "هاشمی، هاشمی، انتقام، انتقام" سر می دادند، گفت:« اگر دنیاداران کم صبر و کم حوصله اند، خداوند و سربازان و رهروان راه خدا باید صبر و متانت داشته باشند و با برنامه ریزی لازم به اهداف مقدس اسلام برسند. ما با راندن حکام آل سعود در کوره راهی که این خبیث ها انتخاب کرده اند، آنها را به جهنم و مرگ حتمی می رسانیم. ما دست آل سعود را در این جنایت می بینیم و شکی نداریم که این فاجعه با دستور حامی آنها ابرقدرت آمریکا اتفاق افتاده است. ما ضمن آنکه ریشه اصلی را برای انتقام انتخاب خواهیم کرد ولی از جنایت

بعد از مراسم آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی به دفتر من آمدند و موضوع بحث کیفیت برخورد با سعودی‌ها و آمریکایی‌ها بود. عصر مصاحبه مفصلی با روزنامه دی ولت آلمان انجام دادم[1]. آقای [علی اصغر] پورمحمدی مدیر پخش گروه اجتماعی رادیو آمد. گزارش کار داد و مشورت کرد و از اختلافات آشیخ محمد [هاشمیان] در رفسنجان با [پدرش] آشیخ عباس پورمحمدی انتقاد نمود.

جمعی از [اعضای] شورای مرکزی جهاد سازندگی آمدند. از رد لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد گله دارند. از آنها دلجوئی کردم و قول دادم از جهاد دفاع کنیم. امروز عملیات دفاعی ارتش از میمک را بزرگ کردیم، برای نشاط دادن به مردم که در اثر فاجعه مکه دمغ شده‌اند و مؤثر افتاد.

سعودی‌ها هم به عنوان مجری صرف نظر نخواهیم کرد.» رئیس مجلس در بیان علت و ریشه های اصلی این اقدام قساوت آمیز گفت: « یکی از دلایل این اقدام که برای همه روشن است، شکست افتضاح آمیز آمریکا در خلیج فارس است. پس از رسوایی جبران ناپذیر سفر مخفیانه هیأت آمریکایی به ایران و قضیه ایران کنترا و آنچه را که آمریکا بر سر این مسئله از دست داد، اتفاق می افتد. این افتضاحات، آمریکا را به ایجاد حادثه ای بزرگ و فجیع در رابطه با ایران محتاج کرده بود، ولی این طرحی نیست که به نفع آمریکا تمام شود.» روزنامه جمهوری اسلامی نیز به نقل از خبرنگاران خود در نقاط مختلف کشور، گزارش داد که مردم شهرهای زنجان، رشت، اهواز، ایلام، رزن، ملایر، ساری، ارومیه، بروجرد، بابل، بندرعباس، بندرانزلی، خمینی شهر، تویسرکان، جهرم، تایباد، رامسر، نوشهر، ورامین، زاهدان، تبریز و ... با برگزاری راهپیمایی، انزجار خود را از اقدام پلیس عربستان در کشتار زائران خانه خدا اعلام کردند و از مقام های مسئول خواستند تا انتقام خون شهدای مکه را از خاندان آل سعود بگیرند.

۱ - آقای هاشمی در مصاحبه با روزنامه "دی ولت"چاپ آلمان غربی گفت: «در پی درگیری های مکه، تصمیمات محرمانه ای اتخاذ شده است و هنگامی که جنبه عملی پیدا کند، همه از آن اطلاع حاصل خواهند کرد. ایران اطلاعاتی را که در اختیار دارد، برای زیر سؤال بردن آمریکا متعاقباً به اطلاع همه خواهد رساند. اگر به نفوذ فراوان آمریکا بر عربستان سعودی توجه کنیم، در می یابیم که چنین اقدام خطرناکی هرگز بدون کمک آمریکا نمی توانسته صورت بگیرد.» ایشان ضمن اشاره به این مطلب که ژنرال "اولریخ وگنر" رئیس سابق کماندو های ویژه «گ - اس - گ - ۹» به زودی ریاست نیروهای امنیتی سعودی را به عهده خواهد گرفت، اظهار داشت:« ما امیدواریم که آلمان غربی نقشی در وقایع مکه نداشته باشد. اسلام مانند مسیحیت نیست که فقط به اصول معنوی متکی باشد، اسلام دارای احکام سیاسی، اقتصادی و رزمی است. من به خاطر می آورم که در جریان جنگ استقلال الجزایر در تظاهراتی که علیه فرانسه در مکه برگزار شده بود، شرکت کردم. این مساله که اکنون دولت عربستان سعودی می خواهد،تظاهرات را ممنوع نماید، ناشی از ترسش می باشد.» آقای هاشمی بار دیگر بر سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر باز بودن تنگه هرمز برای همه یا هیچ کس، تأکید کرد: « ما مطمئناً بسیار علاقه مندیم که تنگه هرمز باز باشد. موضع ما به راحتی قابل درک است. چنانچه ما نتوانیم از خلیج فارس جهت صادرات نفت خود استفاده کنیم، آن وقت آن را خواهیم بست.» ایشان درباره علت اتخاذ چنین موضعی گفت:« حرف ما این است یا آبراه برای همه باز خواهد بود و یا برای هیچ کس.» آقای هاشمی در پاسخ به این پرسش که در این روزها تحت چه شرایطی می تواند برخوردی با ناوگان آمریکا در خلیج فارس به وجود آید؟ و چنانچه چنین برخوردی حادث شود، آیا صحنه کارزار فقط در خلیج فارس خواهد بود؟ گفت:« ما نمی خواهیم اولین قدم در راه جنگ را با آمریکا برداریم و این شامل تمامی کشورهای جهان می شود، اما چنانچه آمریکا اولین قدم را برداشت، آن وقت ما مجبوریم به اقدامات متقابل توسل جوییم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شب سران قوا در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشت. درباره عکس‌العمل ما در مقابل جنایت سعودی ها نسبت به حجاج ایرانی بحث شد. قرار شد در حدی باشد که به جنگ منتهی نشود و تبلیغات ضدسعودی هم باشد. شب دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۱۲ مرداد | ۷ ذیحجه ۱٤۰۷ ۳ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. بعد از ظهر حاجیه والده و همشیره فاطمه آمدند. از مشهد برگشته اند. حالشان خوب است. آقایان [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه]، [محمدباقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان و [حمزه] حمیدی‌نیا فرمانده سپاه غرب [سپاه هشتم ثامن الائمه] آمدند. آقای حمیدی نیا از وضع ارتش در منطقه میمک گفت و مدعی است عراقی‌ها خیلی ضعیف حرکت می کنند و اگر ما محکم حرکت کنیم، آنها شکست سختی می خورند. به دکتر روحانی گفتم بررسی کند. ادعای نیروی زمینی ارتش، غیر از این است.

آقای ذوالقدر وضع شمال عراق و نیروهای ما و مخالفان عراق در آنجا را گزارش داد دورنمای امیدوارکننده‌ای ترسیم کرد و نیازها را مطرح نمود و سیاست ما را خواست. با پرداخت نیازها در تجهیز یک صدهزار نفر نیروی خودی وعراقی موافقت کردم و سیاست را در حال حاضر حذف صدام معرفی کردم و برای مسائل بعد از صدام، اصول کار را گفتم.

وزارت خارجه اطلاع داد که هنوز سعودی‌ها، جنازه‌هایی را تحویل نداده‌اند و در مورد هواپیمای اعزامی ایجاد مشکلات می کنند. خیلی موذیانه عمل کرده اند. تبلیغات وسیعی در سراسر دنیا از طریق رسانه‌های امپریالیستی و هم پیمانان آمریکا و ارتجاع، در جهت بی تقصیر نشان دادن سعودی‌ها و مقصر معرفی کردن ایران به راه انداخته‌اند. ولی مجامع مردمی و اسلامی غیر وابسته، به نفع ما حرکت کرده‌اند. شب مقداری از وقت را با احوال پرسی و دیدار با والده و همشیره صرف کردم.

سه‌شنبه ۱۳ مرداد | ۸ ذیحجه ۱٤۰۷ — ٤ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. دکتر روحانی آمد. از اداره سیاست خارجی انتقاد کرد که مرتباً دشمن اضافه می شود و درگیری جدید و مخصوصاً از مسائل جدید با انگلیس و فرانسه و سعودی نام برد و خلاصه مذاکراتش با فرماندهان سپاه در مورد مسائل اختلافی را نقل کرد. درباره جنگ مذاکره نمود[1].

والده و همشیره پیش ما ماندند. ظهر از بیرون غذا آوردیم. عصر اخوی احمد و خانواده آمدند و همراه والده رفتند. قرار است فردا به رفسنجان بروند. دکتر به والده گفته برای معاینه چشم و تهیه عینک یک هفته دیگر بمانند، ولی ایشان به خاطر پیدا شدن همسفر و ماشین و حضور عید قربان در نوق، تصمیم گرفتند که بروند[2]. مهدی مهمان داشت؛ دوستان مدرسه اش بودند. از آشپزخانه دفتر امام چیزی گرفتند. آقای سنجقی اطلاع داد که امشب عملیات نصر ۷ انجام خواهد شد.

چهارشنبه ۱٤ مرداد | ۹ ذیحجه ۱٤۰۷ — ۵ آگوست ۱۹۸۷

آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب عملیات نصر ۷ در غرب سردشت انجام شده و عمده هدفها را گرفته ایم. هدف اصلی ارتفاع مهم مرزی دوپازا بوده که عراقی ها از آنجا شهر

---

۱ - پاسخ "نه رد و نه قبول" جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، واکنش ها و ارزیابی های متفاوتی را در پی داشت. انگلستان، موضع ایران را تلاشی برای تغییر قطعنامه الزام آور شورا امنیت می دانست که از نظر این کشور پذیرفته نیست. سخنگوی وزارت خارجه انگلستان گفت:« انگلستان حاضر نیست تمایل ظاهری ایران را برای بحث درباره شورای امنیت در مورد قطعنامه ۵۹۸ بپذیرد. پاسخ تهران به دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد این قطعنامه، می تواند به مثابه تلاش ایران برای تغییر لحن آن به نحوی که موافق با خواسته این کشور باشد، تلقی شود.» این سخنگو افزود:« قطعنامه های الزام آور شورای امنیت، غیر قابل بحث اند و دولت انگلیس از انجام تلاش هایی برای سازمان دهی اعمال تحریم تسلیحاتی علیه ایران، شدیداً حمایت خواهد کرد.» وی سپس گفت:« در پاسخ ایران عناصر منفی وجود دارد، ولی یک رد کامل نیست.» رئیس کمیسیون دفاع مجلس ملی فرانسه با ناسازگار خواندن نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر تداوم حمایت های کشورش از عراق تأکید کرد:« فرانسه به زحمت می تواند از عراق سلب حمایت کند و اکنون نیز نمی‌تواند به انقلاب شیعه ایران اجازه دهد، خاورمیانه را شعله رو سازد.» وی افزود: « فلسفه مذهبی که مبنای اقدامات دولت ایران را تشکیل می‌دهد، با یک سیاست عادی همزیستی با دیگر کشورها که نظام سیاسی و فلسفی متفاوتی دارند، به هیچ وجه سازگار نیست.»

۲ - بانو ماه بی بی هاشمی مادر گرامی آیت الله هاشمی در سال ۱۳۷۵ درگذشت. مزار او در حرم حضرت فاطمه معصومه(س) در شهر مقدس قم می‌باشد.

سردشت را زیر دید و تیر داشته‌اند و با تصرف این ارتفاعات، قلعه دیزه عراق زیر دید و تیر ما می‌رود و عراقی‌ها توی دشت می‌افتند[1].

به مجلس آمدم. مصاحبه طولانی با صدا و سیما درباره مسائل مختلف جنگ به منظور جوابگوئی به ابهامات که با تبلیغات دشمنان ایجاد شده، برای سالگرد جنگ انجام دادم[2].
امام جمعه سابق و نماینده خرمشهر آمدند. از تصمیم بستن بانک ملی شعبه خرمشهر - که در تهران کار می کرد و وسیله کار خرمشهریها بود - شکایت داشتند.

آقای [علی اصغر] پورمحمدی سفیر جدید ایران در آرژانتین، برای خداحافظی و مشورت آمد. تاکنون در صدا وسیما کار می کرد. آقای [حسین] محلوجی آمد. در مورد سفر احتمالی فهد به پاکستان و فعال تر شدن ما در رابطه با مردم کویته پاکستان پیشنهادی داشت.

آقای سنجقی آمد. از روی نقشه، عملیات دیشب را توضیح داد و گفت اهداف کامل شده است. مهندس حبیب‌اللهی آمد. از مشکلات کار طرح و ساختمان سالن برای آینده مجلس در رابطه با عوض شدن کارپردازهای مجلس گفت و تقاضای وضع ثابت داشت.

با درخواست نیروهای عمل کننده، به دکتر روحانی گفتم ضدهوایی اورلیکن به منطقه اعزام کنند. به خاطر اهمیت ارتفاعات دوپازا، ممکن است عراق برای باز پس گیری آن

---

۱ - ساعت ۳۰ : ۲ بامداد امروز عملیات نیروهای خودی برای تصرف ارتفاع ۲۳۴۹ دوپازا و بلفت در غرب سردشت با رمز یا فاطمه الزهرا(س) آغاز شد. در این عملیات دو لشکر و دو تیپ مستقل از سپاه پاسداران شرکت دارند و قرارگاه قدس به فرماندهی آقای عزیز جعفری عهده دار هدایت و پشتیبانی عملیات است. آقای رحیم صفوی جانشین فرماندهی نیروی زمینی نیز با استقرار در قرارگاه تاکتیکی - که روبه روی ارتفاع دوپازا قرار دارد - نظارت و هدایت کل عملیات را بر عهده دارد. پیش از آغاز درگیری نیروها، توپخانه قرارگاه آتش سنگینی روی مواضع و عقبه اصلی عراق اجرا کرد و بلافاصله پس از آن، حمله نیروهای تک ور به سنگرها و مواضع دشمن آغاز شد. لشکر ۳۱ عاشورا که جناح راست عملیات را برعهده داشت، پیش از روشن شدن هوا پیشروی های تحسین برانگیزی انجام داد، ولی از سمت چپ خود نتوانست با لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) الحاق کند که با پیشروی گردان عمار از لشکر ۲۷ به سمت لشکر ۳۱، این مشکل حل شد. الحاق این دو یگان در حدود ساعت ۴ صبح صورت گرفت ولی تا روشن شدن هوا، هنوز دو هدف لشکر ۳۱ تصرف نشده بود. لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) نیز با وجود آن که توانسته بود تا ساعت ۴ بامداد قله اصلی را فتح کند و در سمت راست خود به لشکر ۳۱ عاشورا برسد، به علت برخی مشکلات، موفق به تصرف یکی از مقرهای دشمن در پشت قله اصلی دوپازا نشد و هنوز نیروهای عراق در کانال ها و سنگرهای آن مقاومت می کنند. در سمت چپ منطقه عملیاتی نیز تیپ ۱۸ الغدیر موفق شد اهداف خود را تأمین کند و در مواضع تصرف شده، مستقر شود. با روشن شدن هوا، لشکر ۳۱ عاشورا با راهنمایی فرمانده قرارگاه قدس، جاده را احداث کرد و با مستقر کردن یک دستگاه تانک و هدف قراردادن سنگرهای مقاومت دشمن، توانست تا ساعت ۲۰ : ۸ صبح باقی مانده اهداف خود را به تصرف درآورد و حتی با پیشروی به سوی بلندی های بلفت عراق، بخشی از اهداف مرحله دوم عملیات را که در مأموریت تیپ نبی اکرم بود، تأمین کند.

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

سرمایه‌گذاری کند.

عصر آقای [علی] رازینی رئیس عقیدتی سیاسی سپاه آمد. از برخوردهای فرماندهان سپاه شکایت داشت. استعفاء نوشته است. گفتم استعفاء ندهند. آقای یعقوبی سفیر ایران در الجزایر آمد. گزارش وضع آنجا را داد و گفت عناصر ارتشی را در پست های کلیدی می‌گذارند و در مورد حمایت صحرا استفسار کرد.

آقای [سیدمنصور] رضوی رئیس سازمان استخدامی آمد. از تحولات اداری و خدمات سازمان گزارش داد و طرح های اصلاحی را مطرح کرد. آقای [حسن] طباطبائی معاون وزیر کشاورزی آمد و گزارش سفر به کوبا و برزیل را داد و توصیه به توسعه روابط داشت و در مورد طرح نیشکر که بناست بانک‌ها به عهده بگیرند، از تأخیر کار شاکی است. سران مهمان نخست وزیر بودند.

پنجشنبه ۱۵ مرداد | ۱۰ ذیحجه ۱۴۰۷   ٦ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. مهدی و یاسر و فائزه به [روستای ییلاقی] جواهرده [رامسر]، منزل مرحوم لاهوتی رفتند و من در منزل تنها ماندم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. به پاسداران گفتم گوسفندی برای مرحوم والد قربانی کنند. گزارش‌ها را از مجلس آوردند، خواندم.

تلاش وسیعی از سوی امپریالیسم خبری، برای کم کردن آثار جنایت عربستان سعودی و مقصر نشان دادن ما می شود. مراکز خبری غربی و دولت های غربی و ارتجاع، عمدتاً در خدمت عربستان‌اند و مراکز اسلامی و مردمی با ما هستند. آیت الله خامنه‌ای برای نظارت بر مانور شهادت [به بندرعباس] رفتند.

از مجموع قرائن به دست می‌آید که استکبار غرب و ارتجاع عرب دست‌اندرکار زمینه‌سازی یک تهاجم نظامی و فشار سیاسی و اقتصادی علیه انقلاب اسلامی ایران است. خطر اسلام ناب برای استعمار جهانی را جدی گرفته‌اند و از تجدید حیات جهان اسلام نگرانند؛ باید خطر را جدی بگیریم.

جمعه ۱٦ مرداد | ۱۱ ذیحجه ۱۴۰۷   ۷ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه تاریخ جنگ جهانی دوم گذشت. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. فاجعه مکه، سایر اخبار را تحت الشعاع دارد، ولی خلیج فارس و مانور شهادت[۱] اهمیت خود را حفظ کرده است. بوی درگیری ما با آمریکا و متحدان غربی و عربی آن به مشام می‌رسد.

دیشب در منطقه [عملیات] نصر ۷ پیشرفت محدودی داشته ایم[۲] و در داخل عراق هم ضربه زده‌ایم. آقای رحیم صفوی [جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه] اصرار دارد نیروهای ارتشی که در خط غرب سردشت آزاد شده‌اند، بخشی از خطوط جدید را به عهده بگیرند، ولی ارتشی‌ها طفره می‌روند[۳]. در خانه تنها بودم. ناهار را از آشپزخانه دفتر امام آوردند و

---

۱ - مانور بزرگ دریایی "شهادت" با حضور آیت الله خامنه ای رئیس جمهور، به مدت چهار روز، در آب های خلیج فارس توسط نیروی دریایی سپاه انجام شد. در این مانور صدها فروند قایق جنگی و ناوچه رزمی نیروی دریایی سپاه، پس از عبور از تنگه هرمز به رژه از برابر ناو فرماندهی پرداختند. در همین حال هواپیماهای نیروی هوایی سپاه نیز بر فراز منطقه رژه، به مانور هوایی پرداختند. سپس ناوچه های سپاه پس از گرفتن آرایش جنگی در اطراف یک هدف دریایی، با توپ هدف را نابود کردند. همچنین غواصان نیروی دریایی سپاه با تعبیه مواد منفجره زیر یک هدف از پیش تعیین شده، این هدف را منفجر کردند. تسخیر پایگاههای فرضی دشمن در یک جزیره خلیج فارس که با پشتیبانی توپخانه ساحلی سپاه و به محاصره در آوردن آن انجام شد، بخش دیگری از مانور شهادت بود. همچنین در آخرین روز مانور یک قایق انفجاری سپاه که از راه دور کنترل می شد، پس از طی چندین کیلومتر در آب های منطقه خلیج فارس با دستور رئیس جمهور، به کشتی فرضی دشمنی اصابت و آن را منهدم کرد. عملیات پرواز هواپیماهای بدون سرنشین نیز بر فراز تنگه هرمز اجرا شد. در این مرحله از مانور، قایق های تندرو، ناوچه های توپدار، ناوچه های موشک انداز، ناوچه های مسلح به توپ و موشک ضد هوایی، قایق مواد منفجره به همراه نیروهای شهادت طلب، قایق های انفجاری و قایق های مجهز به رادار ویژه و مسلح به سلاح های ضد سطحی به کارگیری شد. در همین مرحله عملیات مین ریزی و نصب مین بر بدنه هدف های فرضی تمرین شد.

۲ - نیروهای عمل کننده در عملیات نصر ۷ توانستند بر اساس طرح مانور و در زمانی کوتاه به اهداف از پیش تعیین شده دست یابند. راوی لشکر ۳۱ عاشورا، وجود آرامش و اطمینان در نیروهای عمل کننده، معنویت حاکم بر افراد، سرعت بسیار، رعایت حفاظت و اطلاعات در انتقال نیرو و تجهیزات به خط و امدادهای غیبی را از عوامل مؤثر در کسب این موفقیت ذکر کرده و افزود: «امدادهای غیبی در تمام مراحل شامل حال رزمندگان اسلام بود. وزش تندباد از سوی دشمن به هنگام بازکردن معبرها، باعث شد تا با وجود دو مورد انفجار، سروصدا به گوش دشمن نرسد.»

۳ - نخستین پاتک دشمن در ارتفاع بلفت در ساعت ۸:۱۰ صبح از محور راست این ارتفاع آغاز شد. راوی قرارگاه قدس درباره چگونگی اقدام دشمن در این ضد حمله نوشت:« نیروهای دشمن به استعداد یک گروهان خود را به زیر ارتفاع رسانده و با استفاده از تخته سنگ های بزرگ در سینه کش کوه و با حمایت آتش سنگین و هم آهنگ توپخانه، ادوات، تانک و سه فروند هلی کوپتر، به طور دسته جمعی در یک خط بالا آمده و با مخفی شدن در پشت تخته سنگ ها، به صورت انفرادی خود را بالا کشیدند. آنها وقتی به نزدیکی کانال روی بلفت رسیدند، به صورت تک تک بالا آمده و به نیروهای خودی نزدیک تر شدند. نیروهای خودی برای تقویت مواضع خود، ضمن افزایش آتش توپخانه روی مواضع دشمن، تعداد ۲۰ نفر نیروی کمکی به خطوط درگیری اعزام کردند. نیروهای دشمن که تا نزدیکی ↲

شام را از جگر گوسفند قربانی، خودم درست کردم.

شنبه ۱۷ مرداد | ۱۲ ذیحجه ۱۴۰۷ — ۸ آگوست ۱۹۸۷

صبح برای شرکت در مراسم پایان دوره آموزشی افراد کمیته انقلاب، به پادگان پرندک رفتیم. این مراسم تا ظهر طول کشید[1]. پادگان پرندک مربوط به ارتش بوده و نیمه تمام تحویل کمیته شده است. بعد از مراسم ازچند مرکز نیمه تمام ارتش در همین منطقه بازدید کردم. با ماشین رفتیم و برگشتیم. ساعت یک بعد از ظهر به مجلس رسیدم.

عصر مسئول هماهنگی سپاه، برای ساخت مهمات در کارخانه های کشور آمد. از کم کاری کارخانه‌ها گله داشت که به [آقای بهزاد نبوی] وزیر صنایع سنگین گفتم. قرار شد نماینده‌ای برای بررسی علل کندی کار تعیین کنیم.

مجمع عمومی جهاد دانشگاهی آمدند. گزارش کار دادند. من هم برای آنها مفصلاً صحبت کردم[2]. مسؤولان روزنامه اطلاعات برای مصاحبه‌ای[1] که قرار است در مقدمه

کانال پیش روی کرده بودند، با مقاومت نیروهای خودی مواجه شده و پس از یک درگیری تن به تن با تحمل تلفاتی، ناگزیر به عقب نشینی شدند.» با اینکه تلاش اصلی دشمن برای بازپس گیری ارتفاع بلفت در همان ساعات نخست پایان یافت، ولی برخی اقدامات آنها از جمله، حملات محدود و ایذایی، اجرای آتش توپخانه و حمله هلی کوپترهای توپ دار تا ساعت ۱۵ ادامه داشت و هواپیماها نیز در شش نوبت عقبه های ورودی را بمباران کردند که در این حملات، یک فروند از هواپیماهای مهاجم سرنگون و خلبان آن کشته شد. رجوع کنید ← روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجاه، اسکورت نفتکش ها، محمود یزدانفام، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صفحه ۲۹۲.

۱ - مراسم اختتامیه ششمین دوره آموزش پاسداران وظیفه کمیته انقلاب اسلامی با حضور آقای هاشمی فرمانده جنگ، سید سراج الدین موسوی فرمانده کل کمیته های انقلاب اسلامی و جمعی از مسئولین لشکری وکشوری و مقامات محلی در پادگان شهید مصطفی خمینی برگزار شد. در این مراسم ابتدا ایشان از یگان های حاضر در پادگان سان دید و سپس مراسم سوگندنامه، رژه یگان ها و نمایش‌های رزمی به اجرا درآمد. سپس در سخنانی ضمن قدردانی از زحمات این نهاد انقلابی گفت:«کمیته انقلاب اسلامی از صفر و با جوشش درونی دلسوزان انقلاب، به عنوان اولین نهاد انقلابی فعالیت خود را در ابعاد مختلف شروع کرد و امروز با تکیه بر عنصر ایمان و تکنیک های رزمی، توانسته است گام های مؤثری در مقابل مسایل سیاسی، قاچاق مواد مخدر و دشمن بعثی بردارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - جمعی از مسئولان و اعضای جهاد دانشگاهی سراسر کشور، در پایان مجمع عمومی خود با آقای هاشمی دیدار کردند. پس از ارائه گزارش توسط رئیس شورای مرکزی جهاد دانشگاهی، آقای هاشمی گفت: «جهاد دانشگاهی از مکان هایی است که مسئولان کشور به نتایج کارهایش چشم دوخته اند. آن روزی که جهاد دانشگاهی به وجود آمد، براساس یک ضرورت خاص مقطعی بود که نقش مهمی را در یک برهه زمانی در دانشگاه ایفا کرد. طرح انقلاب فرهنگی دانشگاه ها و حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان و وفادار به خط امام، آن



مراسم پایان دوره آموزشی

ترجمه گزارش تاور چاپ شود، آمدند. این کتاب برای پاسخگوئی بـه تبلیغـات گمـراه کننده گزارش تاور تهیه می شود. به دکتر روحانی گفتم تلفنگرام به نیروی زمینی ارتش در خصوص تأخیر در تحویل خط در [منطقه عملیاتی] نصر ۷ مخابره کند.

چنان خیره کننده بود که هیچ کس، دورنمای آن را نمی توانست تصور کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در این مصاحبه علاوه بر موضوع ماجرای مک فارلین، پیرامون حادثه کشتار حجاج ایرانی در عربستان سعودی (جمعه خـونین مکـه)، خدمات ارزنده شهید عباس بابایی و مسایل مربوط به جنگ مطالبی بیان شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است:« در مورد سرلشگر شهید بابایی عمیقا متأثر شدیم. ایشان یکی از وفادارترین افسران ارتش جمهوری اسلامی ایران و در قبل از انقـلاب اسـلامی، از پیشتازان انقـلاب بودند. مشکلی که وجود داشت، این بود که ایشان نمی توانست خودش را از صحنه جنگ جدا کند. بـا اینکـه در مقـام معاونـت فرمانـدهی نیرو بود و صلاحیت فرماندهی هم داشت و در این رابطه پیشنهاد هم به ایشان شد، قبول نمی کرد. ایشان مایل بودند که همیشه در عملیـات و در میدان های جنگ شرکت کند. ایشان می گفت اگر من نروم احساس ضعف می کنم، زیرا هستی خودم را در میـدان جنـگ احساس می کنم. البته این منطق از نظر روانی قوی بود، ولی از لحاظ سیاسی و نظامی قابل قبول نبود و گهگاهی در مأموریت ها شرکت می کرد و بالاخره از آسیب هایی که در این مأموریت ها هست، نصیب ایشان شد و شهید گردید. ما جای ایشان را خالی می بینیم، منتها شـهید بابـایی یاران خوبی دارد و شاگردان خوبی را تربیت کرده است و آنها جای شهید بابایی را پرخواهند کرد.»

یکشنبه ۱۸ مرداد | ۱۳ ذیحجه ۱۴۰۷   ۹ آگوست ۱۹۸۷


شهید سرهنگ عباس بابایی

تا ساعت نه صبح در منزل مطالعه می کردم. در تاریخ جنگ جهانی دوم، شباهت هائی بین روزهای قبل از حمله آلمان به لهستان، با اوضاع امروز در خلیج فارس می بینیم. به دفترم آمدم و گزارش ها را خواندم. درگیری شدیدی در منطقه [عملیاتی] نصر۷ با عراق داریم.

در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. چند مصوبه در جهت حل مشکلات جنگ و رزمندگان داشتیم. ظهر دکتر روحانی به دفترم آمد. ناهار را با هم خوردیم.

در خصوص شهادت سرلشکر [عباس] بابائی[1] گفت. گویا در برگشت از مأموریت، هدف گلوله توپ ۲۳ در شمال سردشت قرار گرفته است. با آن موضع پدافند، هماهنگی نشده بوده. بنا شد هیأتی برای تحقیق برود. قرار شد به نیروی زمینی ارتش برای انجام عملیات تأکید کند.

عصر اعضای شورای مرکزی اصناف - که اخیراً انتخاب و رسمی شده‌اند - آمدند. از وزارت بازرگانی گله داشتند که علیرغم دستور امام، احکام را صادر نمی کند و نخست

---

۱ - سرتیپ عباس بابایی معاون عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به هنگام بازگشت از یک مأموریت برون مرزی، هدف گلوله ضدهوایی قرار گرفت و به شهادت رسید. تیمسار عباس بابایی صبح روز ۱۵ مرداد، همراه یکی از خلبانان نیروی هوایی - سرهنگ نادری - به منظور شناسایی منطقه و تعیین راهکار اجرای عملیات، با یک فروند هواپیمای آموزشی" اف -۵" از پایگاه هوایی تبریز به پرواز درآمد و وارد آسمان عراق شد. تیمسار بابایی پس از انجام دادن مأموریت، به هنگام بازگشت، در آسمان خطوط مرزی، هدف گلوله های تیربار ضدهوایی قرار گرفت و از ناحیه سر مجروح شد و بلافاصله به شهادت رسید. یکی از راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ درباره این واقعه نوشته است:« به دنبال اصابت گلوله به هواپیمای تیمسار بابایی و اختلالی که در ارتباط هواپیما و پایگاه تبریز به وجود آمد، پایگاه مزبور به رابط هوایی سپاه اعلام کرد که یک فروند هواپیمای خودی در منطقه مرزی سقوط کرده است، برای کمک به یافتن خلبان و لاشه آن هر چه سریع تر اقدام نمایید. مدت کوتاهی از اعلام این موضوع نگذشته بود که فرد مذکور مجدداً تماس گرفت و در حالی که گریه امانش نمی داد گفت: هواپیمای مورد نظر توسط خلبان به زمین نشست، ولی یکی از سرنشینان آن به علت اصابت تیر در داخل کابین به شهادت رسیده است.» راوی در مورد بازتاب شهادت تیمسار بابایی در جمع برادران سپاه نوشته است:« برخی از فرماندهان ارشد سپاه در جلسه ای مشغول بررسی عملیات بودند که تلفنی خبر شهادت تیمسار بابایی به اطلاع برادر رحیم [صفوی] رسید. با شنیدن این خبر، جلسه تعطیل شد و اشک در چشمان حاضرین به خصوص آنان که آشنایی بیشتری با شهید بابایی داشتند، حلقه زد.»

وزیر، وقت ملاقات نمی‌دهد و برای تصدی حل‌مسأله مغازه‌های بدون مجوز اعلان آمادگی کردند. به آنها توصیه کردم که از مخالفت با دولت دست بردارند و روحانیت و مذهب را در مقابل محرومان قرار ندهند.

آقای حمید بهرامی [داور ایرانی دادگاه لاهه] از لاهه آمد. از خطر محکومیت‌های بزرگ در لاهه اظهار نگرانی کرد و از آقای دکتر [گودرز] افتخار جهرمی و عدم تحرک و دلسوزی دفتر مربوط شکایت داشت. شورای عالی دندانپزشکان آمدند. خواستار حمایت از جامعه اسلامی دندانپزشکان در مقابل جامعه دندانپزشکان ایران شدند و از دادن امتیاز بیشتر به دندانسازان تجربی راضی نیستند و از اینکه اکثریت دانشجویان دندان پزشکی را دختران تشکیل می‌دهند که پس از تحصیل معمولاً به کار نمی‌پردازند و به خانه داری می‌روند، ناراضی اند و از تبعیض بین فارغ التحصیلان داخل و خارج به نفع خارجی‌ها گله دارند. گفتم [مشکلات خود را] به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بنویسند.

شب جلسه سران قوا در مجلس بود. قرار شد در حال حاضر علیه عربستان تبلیغ کنیم و دست به عمل نزنیم. آیت‌الله خامنه‌ای گزارش کارگروه تبلیغات در مقابل تبلیغات آمریکا را دادند و قرار شد به نحوی پای حزب دمکرات آمریکا را برای اهرم فشار در آینده بند کنیم. درباره خطر تهاجم آمریکا، فرانسه و انگلیس علیه ایران بحث شد. به اتفاق نظر احتمال وقوع آن قابل توجه است و قوی ترین احتمال تهاجم مثلث فوق و ضعیف ترین احتمال، تهاجم غرب و شرق و پس از آن تهاجم ناتو است. قرار شد درجلسه آینده در خدمت امام مسأله را مطرح و کیفیت مقابله را مشخص کنیم.

به [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر توصیه کردم که شورای اصناف را بپذیرند و اختلافات را کم کنند. دیر وقت به خانه رسیدم. همگی خوابیده بودند.

دوشنبه ۱۹ مرداد | ۱٤ ذیحجه ۱٤۰۷ ۱۰ آگوست ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. بعد از دیدن گزارش‌ها به جلسه قرارگاه خاتم رفتم که تا ظهر طول کشید. خبر دادند که عراق به پالایشگاه تبریز و چند مرکز نفتی در خوزستان حمله

کرده است. دستور مقابله به مثل دادیم؛ احتمالاً این شرارت ادامه خواهد یافت[۱].

نیروی دریایی ارتش اطلاع داد که نزدیک بندر فجیره مین گذاری شده است. عصر خبر رسید که یک کشتی مربوط به یک شرکت آمریکایی که نفت از ما گرفته بوده در همین جا به مین خورده و این شروع جریان جدیدی است[۲]. درباره مقابله با تحرک منافقین در جبهه‌ها بحث شد. درمورد جبهه‌های زمینی و دریایی هم بحث و اتخاذ تصمیم شد.

آقای محسن رضایی بعد از جلسه آمد و درباره طرح های مهمتر بحث شد. مخصوصاً از شهادت حدود بیست نفر از نیروهای هوابرد سپاه در جریان مانور اظهار تأسف شد که خیلی تلخ است.

عصر سفیر هند آمد. از فشار بر مسلمین در هند انتقاد دوستانه نمودم و نصحیت کردم که سیاست محبت به مسلمین را در پیش گیرند. سفیر اسپانیا آمد و گفت اسپانیا برای خودش تبلیغات مستقل دارد و تابع گروه ناتو نیست و بر همین اساس، وضع دخالت آمریکا در خلیج‌فارس را قبول ندارد. من هم در همین زمینه صحبت کردم[۳].

---

۱ - رژیم عراق در اطلاعیه نظامی خود، دلایل آغاز مجدد حمله به مراکز اقتصادی ایران را، مخالفت ایران با قطعنامه اخیر شورای امنیت، حوادث مکه مکرمه، ادامه تجاوز ایران به عراق و حملات پیاپی به مناطق مسکونی این کشور برشمرد و اعلام کرد: « در اجرای اراده ملت عظیم خود، در نابودی تأسیسات اقتصادی و حیاتی رژیم تهران، تأسیسات پالایشگاه تبریز، بی بی حکیمه، زرند، مارون، واحد شماره دو و سه گچساران، امروز بمباران شدند.» نزار حمدون سفیر عراق در آمریکا در گفت و گو با شبکه تلویزیونی سی . ان . ان آمریکا، درباره آغاز مجدد حملات هوایی عراق گفت: « از سرگیری این حملات در حالی صورت گرفت که عراق قطعنامه شورای امنیت را قبول کرد ولی ایران آن را رد کرده است و ما فکر می کنیم بدون قبول قطعنامه از سوی هر دو کشور درگیر در جنگ، برقراری آتش بس و تلاش برای حل و فصل جنگ دشوار خواهد بود.» حمدون تأکید کرد: «تا زمانی که جنگ به دلیل اصرار ایران ادامه دارد، عراق خود را مجاز به حمله به هر نقطه از خاک ایران می داند.» رادیو بی بی سی نیز در تفسیری از حملات عراق به تأسیسات نفتی ایران، گفت: «... عراق با بمباران چند میدان و تأسیسات نفتی ایران در شمال، مرکز و جنوب شرقی ایران، به وقفه ۲۵ روزه حملات هوایی خود پایان داده است. این حملات به دنبال تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل با درخواست آتش بس در جنگ ایران و عراق در روز بیستم ژوئیه (۲۸ تیر) متوقف شده بود.» رادیو بی بی سی افزود: «عراق در توجیه آغاز مجدد حملات خود می گوید قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل نتوانست ایران را مهار کند و حملات امروز به اراده مردم عراق که خواهان در هم شکستن توان اقتصادی ایران و جلوگیری از ادامه جنگ به وسیله ایران هستند، پاسخ گفته است.»

۲ - برای نخستین بار در خارج از خلیج فارس، یک فروند نفتکش ۲۷۴ هزار تنی دارای پرچم "پاناما" ـ که شرکت های آمریکایی آن را اداره می کنند ـ به مین برخورد کرد و یک حفره چهارمتری در قسمت عرشه آن ایجاد شد. سوپر نفت کش "تکزاکو کاریبن" که از پایانه نفتی ایران در" لارکُ" به مقصد "روتردام" بارگیری کرده بود، پس از برخورد با مین در ۱۳ کیلومتری شمال بندر "فجیره" و ۵۰ کیلومتری دهانه جنوبی تنگه هرمز، برای تعمیرات اضطراری و جلوگیری از نشت نفت آن، در بندر فجیره لنگر انداخت.

۳ - آقای هاشمی در دیدار با سفیر اسپانیا ضمن اشاره به برخورد خصمانه انگلیس و فرانسه با ایران و تلاش آمریکا در ایجاد بحران در خلیج فارس، گفت: « در مورد خلیج فارس ما فکر می کنیم اگر قدرت های بیگانه در اینجا سوء استفاده نکنند، امنیت به طور نسبی تأمین خواهد بود. سیاست ما به طور جدی این است که خلیج فارس برای دنیا امن باشد. گرچه عراق فکر می کند با بحرانی کردن خلیج‌فارس ☜

آقای سعیدی مسئول حفاظت اطلاعات سپاه آمد و اطلاع داد که سید مهدی هاشمی جدیداً راجع به افراد وابسته به خودش در سپاه اعترافات کرده و لیستی آورد. آقای [سیدحسین] موسویان سرپرست کل اداری مجلس آمد. از مشکلاتی که با روابط عمومی دارد گفت. قرار شد فکری برای حل مشکل بکنیم و توصیه به تفاهم کردیم.

شب به دفتر آقای خامنه‌ای برای دیدن فیلم "گزارش یک قتل" رفتیم. این فیلم حزب توده را نقد کرده است.

سه‌شنبه ۲۰ مرداد | ۱۵ ذیحجه ۱۴۰۷ — ۱۱ آگوست ۱۹۸۷

اول وقت با مهدی و پاسداران به کارخانه مهمات سازی شهید باقری سپاه درجاده کرج رفتیم. گلوله ۱۲۲ و موشک مینی کاتیوشای ۱۰۷ می سازند و طرح موشک روسی فراگ ۷ در دست تحقیق است. بازدید تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر طول کشید و مصاحبه‌ای انجام شد و صحبت کوتاهی برای کارکنان کردم[1].

پس از کمی استراحت به کارخانه دیگری [شهید جولایی] درجاده ساوه رفتیم که سپاه درآنجا قایق می‌سازد. در آنجا انواع قایق ها از فایبرگلاس ساخته می‌شود. این بازدید تا

﴿ با دخالت قدرت های بزرگ نجات خواهد یافت، ولی دیدیم که عراق موفق نشد و حالا هم آمریکا در صدد است همان کار را دنبال کند. فکر می کنیم آمریکا می خواهد القاء کند که جنگ به کشورهای جنوبی خلیج فارس توسعه یافته و خلیج فارس بحرانی است.»

۱ - آقای هاشمی از کارخانجات واحد تولید موشک و تسلیحات سپاه پاسداران بازدید کرد. ایشان طی سخنانی در جمع کارکنان این واحدها، با اشاره به برتری روحیه شهادت طلبی در خلیج فارس در برخورد با آمریکا، بر تولید سلاح در داخل کشور تأکید کرد و گفت:« جوان های ما با به کارگیری و ساخت انواع قایق ها و سلاح ها، امکانات خوبی در دریا به وجود آورده اند که برای آمریکا شناخته شده نیست، چرا که این امکانات را خود ما تولید کرده ایم. کلیه امکانات دریایی غرب در مقابله با گروه های شهادت طلب، عاجز خواهند ماند. اگر ما می خواستیم مین و یا سایر سلاح های دیگر را بخریم،کار ما به جایی نمی رسید، اما امروز با همین رشد در صنایع نظامی، می بینیم که آمریکا واقعاً عاجز مانده است.» رئیس مجلس درباره حادثه برخورد روز گذشته نفتکش پانامایی تکزاکو کاریبین ـ حامل نفت ایران ـ به مین در خارج از خلیج فارس که برای نخستین بار اتفاق افتاده است، گفت:« این مسئله برای ما قابل توجه است، چرا که محل اصابت مین به کشتی مذکور نقطه ای است که تمام کشتی ها از آنجا عبور می کنند. البته قضاوت در این زمینه هنوز زود است، اما یک احتمال این است که خود آمریکایی ها آن مین را کار گذاشته باشند. احتمال دیگر این است که عوامل آمریکا و آنهایی که از آمریکا برای حضور در منطقه دعوت کرده اند، این کار را کرده باشند. به هر حال تصادفی نیست که مین در نقطه ای کار گذاشته شده است که هم محل عبور کشتی آمریکایی و هم عبور نفت ما از آن منطقه است.» آقای هاشمی درباره اقدامات آمریکا در خلیج فارس خطاب به کشورهای غربی گفت:« کشورهای بلوک غرب مطمئن باشند که آمریکا نمی تواند سودی ببرد، به جز اینکه خلیج فارس را برای کشورهای غربی نا امن کند.»

ساعت پنج و نیم طول کشید و خسته شدم. با خستگی به خانه برگشتم. کمی خوابیدم. برای رفع خستگی در استخر شنا کردم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم.

مسأله به مین خوردن کشتی آمریکایی ها در بندر فجیره که حامل نفت ایران بوده خیلی سروصدا دارد. ناامنی از خلیج‌فارس به دریای عمان سرایت کرده و باعث وحشت آنها شده است. دستور داده شد که در تبلیغات مسئولیت را به گردن آمریکایی‌ها و عوامل آنها یا عراقی ها بگذارند و اعلان کنند که ایران آماده مین روبی است. به نیروی دریایی دستور اقدام به مین روبی داده شد. شب به خاطر خستگی زودتر خوابیدم.

چهارشنبه ۲۱ مرداد | ۱۶ ذیحجه ۱۴۰۷ ۱۲ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. ساعت هشت ونیم صبح سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش وضع عملیات در میمک و ۴۰۲ و برنامه‌های آینده را داد[1]. آقای محسن رضایی اطلاع داد که شنود سپاه در خارک، پیام استمداد یک نفتکش را از نزدیک کویت دریافت کرده است؛ احتمالاً از کشتی های تحت اسکورت آمریکا بوده که به مین

---

۱ - ارتش عراق در ساعات یک بامداد با اجرای آتش شدید توپخانه به روی ارتفاعات منطقه سردشت،پاتک سنگینی را برای تصرف بلندی های "بلفت" و "دوپازا" آغاز کرد. در این حمله که با شرکت گردان های ۲ و ۳ تیپ ۱۸ پیاده عراق ـ که دیروز وارد منطقه شده بودند ـ و دو گردان کماندویی، انجام شد، ابتدا نیروهای خودی با مقاومت نیروهای مهاجم، دشمن را در پشت مواضع خود متوقف کردند و تلفاتی بر آنها وارد آوردند، اما پس از ساعتی، دشمن با استعداد بیشتری وارد عمل شد و با جایگزین کردن سریع نیروهایش و فشار بر آنها برای پیش روی، از چند محور به سوی قله اصلی بلفت هجوم آورد و موفق شد تا ساعت ۵:۳۰ صبح ضمن تصرف نوک بلفت، نیروهای خودی را از این ارتفاع به عقب براند. در حالی که تلاش دشمن در این نقطه با تقویت مداوم نیرو و وارد کردن یک گردان دیگر برای پیش روی بیشتر ادامه داشت، توپخانه و ادوات خودی قله اصلی بلفت را هدف قرار دادند و آتش پرحجمی را روی دشمن اجرا کردند. از سوی دیگر، نیروهای پیاده خودی نیز در فاصله ای از قله بلفت متوقف شدند و به مقابله با دشمن پرداختند. در این حال، دشمن که با آتش گسترده و پایداری نیروهای خودی روبه رو شده بود، پس از طی مسافتی از قله اصلی، مجبور به توقف شد و در برابر نیروهای خودی آرایش گرفت. از سوی دیگر چون حفظ ارتفاع اصلی بلفت برای عراق بسیار مهم بود، فرمانده سپاه پنجم عراق با مشاهده فشارهای وارده بر نیروهای تحت امر خود، دستور شدیدالحنی را به فرمانده تیپ ۱۸پیاده ابلاغ کرد. ـ که این فرمان عینا به رده های پایین تر ابلاغ شد. ـ در بخشی از این دستور آمده است:« از فرماندهی سپاه دستور رسیده که پایین نیایید. اگر کسی از شما خواست عقب نشینی کند، قبل از آن که او را بکشیم، او خودش را بکشد.» در چنین وضعیتی برادران مسئول تیپ نبی اکرم(ص) با حضور در منطقه، به سرعت نیروهای خود را که تا حدودی دچار پراکندگی شده بودند سازمان دهی کردند و پس از هماهنگی با توپخانه های خودی، برای باز پس گیری منطقه وارد عمل شدند و پس از چند ساعت درگیری توانستند تا ساعت ۱۱ صبح، قله اصلی را بار دیگر آزاد کنند. دشمن در این حمله با تحمل تلفات سنگین و دادن ۳۰ اسیر، مجبور به عقب نشینی از منطقه شد.»

خورده است. وزارت نفت هم پیام را تایید کرده، ولی از جای دیگر تایید نشد. احتمالاً آمریکایی‌ها برای حفظ حیثیت خود سانسور کرده‌اند.

آقای [احمد] بورقانی [فراهانی] از خبرگزاری [جمهوری اسلامی – ایرنا]، شایعه درگیری هواپیماهای ایران و آمریکا و سقوط چند فروند از دو طرف را نقل و اجازه پخش خبر را می خواستند. از نیروهای هوایی و دریایی توضیح خواستم. گفتند دروغ است، ولی بالاخره به نقل از مقام نخست وزیری روی تلکس برده بودند که قرار شد تعقیب کنند. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها برای غیر عادی کردن مسأله، طالب پخش این گونه اخبارند. خودشان هم از منابع مبهم نقل کرده اند که اوائل هفته، دو موشک به طرف هواپیماهای ما شلیک کرده‌اند که [این خبر] دروغ است.

شب مهمان احمدآقا بودیم. آیت‌الله خامنه‌ای دیر آمدند. امام به دلیل دیر بودن، نمی خواستند در جلسه شرکت کنند که با اصرار ما آمدند، ولی کم نشستند. هنگام رفتن گفتند که از مرگ آسید کمال شیرازی که دوسه روز قبل در اثر تصادف در راه قم فوت کرده، متأثرند. ایشان اهل عرفان و سلوک بود؛ رحمت الله علیه.

با حضور امام و سران قوا پیشنهاد [منوچهر] قربانی فر مبنی بر مذاکره ما و نماینده تام‌الاختیار فرانسه در ترکیه، برای حل مشکلات فیمابین مطرح و تصویب شد. [قربانی فر] این پیشنهاد را از طریق کنگرلو داده است.

پس از رفتن امام، مسأله خطر درگیری با آمریکا در خلیج فارس مطرح شد. حضور ناوگان جنگی و مین روب های فرانسوی، انگلیسی و آمریکایی روز افزون و احتمال برخورد کم نیست. قرار شد ضمن بالا بردن آمادگی دفاعی از طریق سیاسی، برای جلوگیری از برخورد مسلحانه اقدام کنیم. به همین منظور قرار شد دکتر ولایتی به عمان و [محمد جواد] لاریجانی به روسیه سفر کنند و از طرق مناسب دیگر، کار سیاسی شود. درباره عادی کردن وضع سفارتخانه های کویت و عربستان تاکید شد. دیر وقت به خانه رفتم.

پنجشنبه ۲۲ مرداد | ۱۷ ذیحجه ۱٤۰۷ ۱۳ آگوست ۱۹۸۷

به مجلس آمدم. در گزارش ها تب خلیج فارس و همکاری فرانسه و انگلیس در مین روبی

با آمریکا داغ است. [شرکت کنندگان در] سمینار انجمن‌های اسلامی بانک ها که برای لبیک به پیام امام درخصوص حمایت از محرومان تشکیل شده، آمدند. برای آنها سخنرانی مفصلی کردم[۱]. آقای سرفرازی از اعضای [جامعه] روحانیت مبارز تهران آمد. حرف زیادی داشت؛ امامزاده داود با اوقاف مشکلی دارد و برای آقای میرزا جواد آقا تبریزی ماشین می‌خواست.

آقای عبدالله نوری آمد. او از مکه برگشته است. کمی از وقایع درگیری با سعودی‌ها را گفت. تردید دارد که همه تقصیرها از سعودی ها باشد. ضمن اینکه جنایت آنها را غیر قابل گذشت می داند. گفتم دیشب همین موضوع مطرح شد و قرار شد خود ایشان، موضوع را به صورت "سری" بررسی کند و گزارش نماید.

آقای کنگرلو آمد. گفتم که پیشنهادهایی در جلسه دیشب [سران قوا] تصویب شده و قرار شد خود ایشان همراه یک نفر از اطلاعات سپاه به ترکیه بروند و مواظب باشند که توطئه ای در مورد شخص خود ایشان اجرا نشود. اگر این پیشنهادهای فرانسه جدی باشد، معلوم می‌شود که حرکات در خلیج‌فارس از طرف غربی ها جدی نیست.

خبرنگار مجله آفریقای جوان آمد. مصاحبه مفصل و جامعی انجام شد[۲]. ظهر سلمانی برای اصلاح آمد. از قرارگاه کربلای سپاه آمدند و در مورد ضعف عمل مهندسی رزمی شکایت داشتند. به آقایان [محمد] فروزنده و [غلامرضا] فروزش تأکید کردم.

جمعه ۲۳ مرداد | ۱۸ ذیحجه ۱۴۰۷ | ۱۴ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. محسن آمد و برای کارهایش در تشکیلات موشکی مذاکره کرد.

---

۱ - در این دیدار آقای هاشمی ضمن قدردانی از برگزاری هفتمین سمینار شورای هماهنگی انجمن های اسلامی بانک های کل کشور و تأکید بر نقش و اهمیت بانک ها در سیستم پولی گفت:« یک طرز تفکر غلطی در بین بعضی از افراد جامعه وجود دارد که می گویند چه عیبی دارد که بگذاریم سرمایه دارها پول زیادتر داشته باشند و پولشان را صرف عمران و آبادی کنند و کار و مزد برای محرومان درست شود و ضمناً خمس و زکات و صدقات را هم از اینها بگیریم و به فقرا و محرومین بدهیم. این طرز فکر غلطی است که از رسوبات دوران گذشته و از زوائد نظام منحط سرمایه داری است که رفته رفته چنین افکاری در روحیه خیلی از افراد خوش نیت پیدا می شود. صاحبان این طرز تفکر، فکر نمی کنند که استعدادهای فراوانی در سایه این تبعیض ها از مردمی که فاقد ابزار کار هستند و ابزار ابتکار در اختیارشان نیست، از دست می رود. باید میدان به همه داده شود، زیرا اسلام می گوید منابع درآمد را در اختیار یک عده خاص نگذارید. بنابراین باید این طرز تفکر غلط را دور بیندازیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

همشیره‌زاده محمد آمد. برای امور ساخت منزل بچه‌ها صحبت شد. آقای سنجقی اطلاع داد، هواپیماهای عراقی به سایت موشکی سپاه در تبریز حمله کرده‌اند[1] و خساراتی به بار آمده است. خبر رسید که یک کشتی مین روب عربستان به مین خورده و آسیب دیده است. بعداً خبر به گونه‌ای دیگر اصلاح شد که انفجار مین در ساحل بوده و در این انفجار دو افسر عربستان کشته و مجروح شده‌اند.

دکتر ولایتی تلفنی اطلاع داد که قذافی گفته یک هواپیمای باری برای گرفتن امکانات جنگی بفرستیم. خبر خوبی است. حاکی از تغییر موضع لیبی دارد [قذافی] اواخر داشت تمایلی به عراق پیدا می‌کرد و اظهارات نامناسبی داشت. گفتم [هواپیما را] زود بفرستند.

شنبه ۲۴ مرداد | ۱۹ ذیحجه ۱۴۰۷ ۱۵ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. دکتر ولایتی برای سفر به عمان خداحافظی و مشورت کرد. آقای رفیق‌دوست برای گرفتن ارز برای خریدهای سپاه استمداد کرد. به رئیس بانک مرکزی گفتم و تأکید کردم ارز موشک‌ها را به حساب سپاه نگذارند.

تیمسار حسنی [سعدی فرمانده نیروی زمینی ارتش] از جبهه اطلاع داد که دیشب برای پس گرفتن ارتفاعات میمک، عملیات ناموفق انجام داده اند و آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب و امروز، دو پاتک عراق را در غرب سردشت دفع کرده‌اند و در جریان درگیری، خبرنگاران خارجی هم که برای دیدن جبهه به آنجا رفته‌اند، حضور داشته‌اند.

به مین خوردن یک کشتی در فجیره و غرق آن[2] و آتش سوزی در کارخانه گاز

---

۱ - در این روز مراکز اقتصادی و نظامی شهرهای تبریز، پیرانشهر و سردشت هدف حملات هوایی دشمن قرار گرفت. در ساعت ۸:۲۰ دقیقه، سه فروند از هواپیماهای عراق، سکوی موشکی پایگاه شهید باکری تبریز را بمباران کردند و یک فروند هواپیمای دیگر دشمن نیز که قصد حمله به پالایشگاه تبریز را داشت، هنگام گریز از برابر آتش پدافند هوایی، بمب های خود را در اطراف روستای "خلجان" فرو ریخت. در این حملات، یک فروند از هوپیماهای مهاجم هدف آتش توپ خانه ارتفاع پست در پایگاه شهید باکری قرار گرفت ولی توانست از مرز عبور کند.

۲ - امروز نیز یک کشتی در دریای عمان با مین برخورد کرد و منهدم شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، کشتی تدارکاتی آنیتا در ۱۸ کیلومتری بندر فجیره در ساعت ۱۰ به وقت گرینویچ با مین برخورد کرد که براثر آن، یک تن کشته شد و تعدادی از ملوانان آن ناپدید شدند. اکثر کارکنان این کشتی ـ که به شرکت فجیره تعلق دارد ـ هندی هستند و کاپیتان آن انگلیسی است. رادیو بی بی سی درباره این انفجار گفت: «این حادثه در نزدیکی فجیره در همان منطقه ای روی داد که چند روز پیش کشتی آمریکایی "تکزاکوکاراین" به مین ←

عربستان سعودی[1] مورد توجه مراکز خبری است و اشاره‌ای به ما هم می‌شود. رئیس جمهور آمریکا هم تهدید گونه حرف زده است. هر روز پرده جدیدی از وخامت اوضاع در منطقه رو می‌آید.

یکشنبه ۲۵ مرداد | ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۷ | ۱۶ آگوست ۱۹۸۷

بعد از نماز خاطراتم را نوشتم و برای شرکت در سمینار مدیران آموزش و پرورش به [اردوگاه] منظریه رفتم. سخنرانی مفصلی ایراد کردم[2]. بعد از ساعت نه صبح به مجلس

برخورد کرده و سوراخ شده بود. منابع کشتیرانی در فجیره گفته اند: « پنج تن از کارکنان کشتی آنیتا که در اثر انفجار جراحت برداشتند، نجات پیدا کرده اند. ولی در حدود چهار یا پنج نفر دیگر از جمله ناخدای بریتانیایی این کشتی، در دریا مفقود شده اند.» در همین حال، خبرگزاری امارات عربی متحده اعلام کرد:« دو مین جدید در نزدیکی بندرفجیره در "خورفکان"، کشف شده که تاکنون امکان خنثی کردن آن نبوده است.» خبرگزاری رویتر نیز به نقل از مقام های بندر فجیره گزارش داد:« به دنبال انهدام کشتی آنیتا و کشف دو مین تازه در سواحل امارات، آب های بندر فجیره، منطقه خطرناک اعلام و از تمامی کشتی ها خواسته شد، که از نزدیک شدن به این منطقه خودداری کنند. هلی کوپترها و قایق های گارد ساحلی امارات متحده عربی سرگرم ردیابی دو مین پیدا شده هستند و تمام پروازها برفراز آن از غروب ممنوع شده است. منابع کشتیرانی هم اعلام کردند که چند شرکت به کشتی های خود دستور داده اند، از نزدیک شدن به این منطقه خودداری کنند.» شرکت "گلف اجنسی" نیز اعلام کرد:« تمام عملیات دریایی خود را در ساحل شرقی امارات عربی متحده به حال تعلیق درآورده است.»

۱ - بخشی از تأسیسات نفتی شرکت آرامکو در "راس الجمعیمه" در ساحل عربستان، در پی وقوع دو انفجار، به آتش کشیده شد. به گزارش رادیو آمریکا، صدای انفجارها چنان شدید بود که در فاصله ۱۵ مایلی شنیده شد. در این انفجار پایانه بارگیری گاز طبیعی به شدت آسیب دید و حدود ۲۲ تن کشته و عده ای ناپدید شدند. خبرگزاری آسوشیتدپرس با اعلام این مطلب افزود:« در این ترمینال، تعدادی از اتباع آمریکا مشغول کار بودند.» "رادیو ریاض" و وزارت نفت و معاون عربستان در اطلاعیه ای، تنها وقوع آتش سوزی در "کارخانه جعیمه" را مورد تایید قرار دادند و علت آن را وجود اختلال در نوسانات برق اعلام کردند که بر اثر آن، چهار تن دچار سوختگی شدند. این دومین انفجار در پالایشگاه های بزرگ خلیج فارس در چند ماه گذشته است. رادیو آمریکا در گفتاری به نقل از روزنامه نیویورک تایمز، به اطلاعیه کوتاه عربستان در این مورد اشاره کرد و گفت: «در پی انفجار عظیمی که روی داد، خبرگزاری عربستان اطلاعیه کوتاهی صادر کرده و نوشت:« آتش سوزی کوچکی روی داد و به سرعت مهار شد.»

۲ - آقای هاشمی در جمع رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور در تهران گفت:« در صورتی که در خلیج فارس اتفاقی رخ دهد و منجر به قطع صدور نفت از این منطقه گردد، نفت منطقه حتی از طریق خطوط لوله نیز صادر نخواهد شد. ممکن است استکبار در منطقه خلیج فارس خطری ایجاد نماید، اما در نهایت چه کسی می تواند نفت از این منطقه خارج کند؟ جمهوری اسلامی ایران با تجهیزات و قایق‌های ساخت خودش می تواند خلیج فارس را برای همیشه نا امن نگهدارد و اگر اتفاقی رخ دهد، نه تنها جلوی صدور نفت کشور های منطقه از طریق خلیج فارس گرفته خواهد شد، بلکه نفت آنها از طریق خطوط لوله نیز صادر نخواهد شد. اگر دنیا امنیت خلیج فارس را می‌خواهد باید جلو شرارت های رژیم عراق را بگیرد.» آقای هاشمی خطاب به دولت های منطقه گفت:« کافی است که حتی چهار دولت کویت، عربستان،اردن و ترکیه به صدام بگویند که دیگر شرارت نکند و در صورت ادامه شرارت، حمایت های خود را قطع کنند. آن

رسیدم. آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد. گزارش وضع ارزی را داد و از نحوه بازرسی دیوان محاسبات گله داشت. آقای رفیق دوست آمد. حواله ارزی برای یوزانس و خرید موشکی گرفت.

سرهنگ [مصطفی] ترابی [رئیس سازمان حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. چهار روز در جبهه بوده. گزارش تلخی از وضع نیروی زمینی ارتش داد؛ ضمن اینکه تیمسار حسنی فرمانده نیرو [ی زمینی] را قبول دارد، پیشنهاد می کند که سرهنگ دادبین فرمانده نیرو شود، تا قشر جوان و انقلابی ارتش را سرکار بیاورد و تحولی در نیرو بشود. گفتم به دفتر امام و آیت الله خامنه‌ای و آقای روحانی هم گزارش نماید.

نمایندگان اعضای خانه کارگر آمدند. آقای [حسین] کمالی گزارش وضع و اقدامات را داد و من هم برای آنها مفصل صحبت کردم[1]. بیشتر تأکیدم در زمینه اجرای پیام امام در خصوص حمایت از محرومان بود. آقای [ابوالفضل] توکلی‌بینا آمد. گزارش فاجعه جمعه خونین مکه را داد. خود ایشان نزدیک کانون درگیری‌ها بوده و تا ساعت ده و نیم شب در

↲وقت امنیت در خلیج فارس بوجود خواهد آمد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در این دیدار که اعضای هیأت های اجرایی خانه کارگر سراسر کشور حضور داشتند ، آقای هاشمی با اشاره به پیام امام و نظر اسلام در حمایت از محرومین، اظهار امیدواری نمود تا شاهد اجرای عدالت اسلامی و الگو شدن جمهوری اسلامی به عنوان یک جامعه عادل در دنیا باشیم. ایشان با اشاره به اینکه حضرت امام(ره) در بخشی از پیام بسیار مهم و عمیق خود، توجه خاصی به کارگران و محرومین داشته و ایشان صالح ترین کارشناس اسلامی برای اظهار نظر در مسائل اسلامی در این دنیا می باشند، اظهار داشت: «فرمایشات ایشان چیزی نیست که ما بگوئیم چپ روی و یا افراطی تند است. پیام امام این نیست که ما بگذاریم دیگران فربه و چاق باشند و از آنها بگیریم برای انفاق به محروم بدهیم. این حمایت از طبقه محروم نیست. بعضی ها فکر می کنند که معنای حمایت از محروم این است که ما تبعیض در جامعه را حفظ کنیم و بعد، از پولدارها اضافاتی به عنوان خمس و زکات و مالیات و امثال اینها دائما بگیریم و به محرومین بدهیم.» آقای هاشمی ضمن رد چنین طرز فکری، اظهار داشت: «پولدارها از هر دستی که بدهند خیلی بیشتر و به اشکال گوناگون از دست دیگر باز پس می‌گیرند و تضمینی نیز وجود ندارد که بتوانیم پول را در صورتی که قدرت دست اینها باشد، بگیریم. امام فرمودند که نباید روزی مسئولان کشور ما روحیه استکباری و حمایت از مستکبران را داشته باشند. ما باید روی این خط حرکت کنیم که سرمنشاء تصمیم گیری در کشور، چه در مجلس دولت و دستگاه قضائی، این عدالت اجتماعی اسلام را بدون رسوبات چسبیده به آن بخواهد و این رسوبات که همیشه حاکمیت از آن مستکبران بوده و در افکار مسلمان نیز این گونه القاء کرده اند، به هم بخورد. باید کارگران و کسانی که برای مردم خدمت می کنند، در مدیریت جامعه حضور داشته باشند. اگر این سیستم تحقق پیدا بکند، دیگر خود به خود بقیه مسائل حل است و دیگر نیازی نداریم که فشار بر گرده دیگران بیاوریم که چه بکنند. قوانین مدیریت در مسیر صالح و سالم مردمی خواهد افتاد و مردم همه همان‌هایی هستند که به حاکمیت توجه می کنند و این حاکمیت راه را برای عدالت باز می گذارد و جلو تجاوز و سلطه ناحق را می گیرد؛ البته در چنین نظامی، منابع اسلامی طوری است که میدان فعالیت باز است و اگر عده ای بهتر فعالیت کنند، وضع بهتری پیدا می کنند و اگر کسی تنبلی کند، محرومیت هایی برای خودش فراهم می آورد، ولی راه را باید برای همه باز بکنیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

محل مانده است.

عصر آقای خلیلی، منشی کمیسیون دفاع آمد و در این باره [حادثه مکه] گزارش داد. او از مسؤولان کاروان جانبازان و خانواده‌های شهدا و در صف مقدم بوده و نیم ساعت اول را در درگیری حضور داشته است. نظر هر دو با اتکا به مشاهدات خود، این است که از پیش قرائنی وجود داشت که عربستان درگیری به وجود خواهد آورد و درگیری با پرتاب سنگ از پارکینگ طرف دست چپ جمعیت آغاز شده و سپس حمله با چوب و سپس تیراندازی و استعمال گاز [اشک آور] و عده‌ای از شهدا در زیر دست و پا شهید شده‌اند و از طرف ایرانی‌ها، دفاع متفرقه‌ای انجام شده است؛ چون دستوری نبوده و هر کسی با تصمیم خود عمل می‌کرده و از چوب و سنگ و میله‌های آهنی استفاده شده است.

عصر آقای سعید الذاکرین [از اداره روابط عمومی مجلس] آمد و برای برگزاری کنگره پنجاهمین سالگرد [شهادت سید حسن] مدرس کمک خواست و از شرکت امروز صبح من در مراسم تشیع جنازه یکی از کارکنان روابط عمومی مجلس که در مکه شهید شده، تشکر کرد[1].

اعضای فدراسیون تیراندازی آمدند. وضعشان را گفتند و برای امکانات بیشتر استمداد کردند. آقای [علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات]، همراه گروهی از نیروهای وزارت اطلاعات که در عملیات ویژه علیه منافقین حضور داشتند، آمدند و گزارش عملیات را دادند. آقای کنگرلو آمد و گفت با [منوچهر] قربانی فر، برای روز چهارشنبه در کشور همسایه [ترکیه] قرار گذاشته که همراه ماموران وزارت اطلاعات می‌روند.

جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. آقایان [حمید] میرزاده و [حسن عابدی] جعفری [وزیر بازرگانی] آمدند. گزارش موفقیت‌ها را در کنترل قیمت بعضی از کالاها دادند و برای موارد دیگری و مصادره اموال احتکاری اجازه گرفتند. بعد از شام درباره وضع نیروی زمینی ارتش، بر اساس گزارش سرهنگ ترابی مذاکره کردیم و قرار شد به نظر ایشان توجه شود. آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه نبودند.

دیر وقت به مجلس آمدم. مهدی آمد و از پاسداران بیت گله داشت که مزاحم مهمانانش شده بودند. در مجلس خوابیدم. عراق امروز به چند مرکز نفتی حمله کرده است.

---

۱ - آقای احمد شهریاری، رئیس اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی در جمعه خونین مکه به شهادت رسید. او از سال ۵۹ به استخدام مجلس درآمد و هفت سال مسئولیت امور تبلیغات و انتشارات روابط عمومی مجلس را عهده دار بود.

دستور مقابله به مثل داده شد.

دوشنبه ۲۶ مرداد | ۲۱ ذیحجه ۱۴۰۷ | ۱۷ آگوست ۱۹۸۷

بعد از نماز به کارهای دفترم و خواندن گزارش‌ها پرداختم. مهدی هم به مدرسه‌اش رفت. آقایان [محمدجواد] لاریجانی، [محمد جعفر] محلاتی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند. بنا دارند به سازمان ملل و روسیه سفر کنند. درباره مطالب مورد نظر برای مذاکره مشورت کردند. اجازه خواستند که در مذاکره محرمانه به دبیرکل سازمان ملل بگویند، اگر شورای امنیت عراق را به عنوان متجاوز و مسئول آغاز جنگ محکوم کند، ممکن است، به انتظار احکام دادگاه، آتش بس عملی به وجود آید. گفتم به نظر شخص من مانعی ندارد.

آقای [غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. از ضعف عملکرد پدافند گله داشت و برای پدافند غیر عامل میلگرد می خواست که به آقای [حمید] میرزاده تاکید کردم، بدهند و به دکتر روحانی تذکر دادم[1].

آقای آقامحمدی آمد و گزارش وضع عملیات قرارگاه رمضان را داد و اعلامیه جبهه جدید کردستان عراق را - که از ترکیب پنج گروه به وجود آمده - آورد. ما گفته‌ایم جبهه را قبول نداریم. عصر تا هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و سپس به منزل رفتم.

---

۱ - هواپیماهای عراق، امروز چند منطقه غیر نظامی و مرکز صنعتی، از جمله کارخانه کاغذ سازی "هفت تپه"، تأسیسات نفتی اهوز و کارخانه کشت و صنعت کارون را هدف حملات هوایی خود قرار دادند. کارخانه کاغذسازی پارس هفت تپه در ساعت های ۴۵ : ۱۶ و ۵۵ : ۱۶ مورد تهاجم پنج فروند هواپیما قرار گرفت که بر اثر آن، به دستگاه های شماره یک و دو تهیه مواد، انبارهای کارخانه و سنگرهای ساخته شده در محل، خسارت کلی وارد آمد و ۲۵ تن از کارگران کارخانه به شهادت رسیدند و ۳۵ تن نیز زخمی شدند. تأسیسات نفتی واحد بهره برداری شماره یک و دو اهواز نیز در ساعت ۱۴ هدف بمباران هواپیماهای عراق قرار گرفتند و آسیب دیدند. در این حمله، شش تن از کارکنان این واحدها زخمی شدند. این دو واحد، دیروز هم مورد حمله هواپیماهای دشمن قرار گرفته بودند. از سوی دیگر، دو فروند هواپیما عراقی با حمله به کارخانه کشت و صنعت کارون، پنج نقطه از تأسیسات این کارخانه را تخریب کردند. در این حمله چهار تن شهید و ۱۲ تن زخمی شدند. هواپیماهای عراق همچنین روستاهای "ورده"، "کلیته" و منطقه "تمرچین" در مرز سردشت را بمباران کردند. عراق همچون گذشته، منظور از حملات خود به مراکز صنعتی ـ اقتصادی را، ناتوان کردن و تحت فشار قرار دادن ایران برای پذیرفتن صلح اعلام کرد.

سه‌شنبه ۲۷ مرداد | ۲۲ ذیحجه ۱۴۰۷ ۱۸ آگوست ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح، بخش تصرف هلند، بلژیک و فرانسه و شکستن ارتش‌های فرانسه و انگلیس توسط آلمان در مدت کوتاه در [کتاب تاریخ] جنگ جهانی دوم را مطالعه کردم که باعث تعجب است.

در گزارش‌ها و اخبار، همچنان مقدمه سازی آمریکا برای حضور و دخالت در خلیج فارس در رأس اخبار است. دکتر روحانی آمد. گزارش وضع پدافند و نیازهای آن را گفت. قرار شد مراکز صنعتی بصره را به تلافی بمباران‌های دیروز عراق در خوزستان بزنیم[1]. با نخست وزیر هم مشورت کردم. با اینکه احتمال شروع جنگ شهرها می رود، ولی چاره‌ای نداریم، چون عراق زدن مراکز اقتصادی و صنعتی را با وسعت ادامه می دهد. درباره ضعف نیروی زمینی ارتش و لزوم توجه به گزارش و پیشنهاد سرهنگ ترابی صحبت کردم.

آقای [سید کمال] خرازی آمد. یک تلفن بی سیمی از آقای سالاری سفیرمان در آلمان آورد، که در حیاط منزل استفاده کنم. او از سوء ظن نخست وزیر به خبرگزاری [جمهوری اسلامی - ایرنا] گله داشت.

اخوی محمد، تلفنی اطلاع داد رادیو آمریکا اعلان کرده که عراق به پیشنهاد آمریکا در

---

۱ - امروز نیز چند مرکز صنعتی و منطقه عملیاتی هدف حملات هواپیماهای عراقی قرار گرفت. هواپیماهای مهاجم در ساعت ۱۶، تأسیسات بهره برداری شماره دو و سه گچساران را بمباران کردند که خسارت های فراوانی به آن وارد آمد و فعالیت این دو واحد صنعتی که روزانه بالغ بر ۴۴۰ هزار بشکه فرآورده‌های نفتی تولید می کردند، متوقف شد. در این حمله، چندتن از کارکنان این واحدها نیز زخمی شدند. در همین ساعت، نیروگاه برق رامین اهواز نیز هدف دو فروند راکت هواپیماهای دشمن قرار گرفت که ترانس نیروگاه آسیب دید و سه تن زخمی شدند. همچنین در ساعت ۱۶:۳۰ یک فروند هواپیمای دشمن از نوع میراژ، سه راکت به سوی تأسیسات گاز "ایران و ژاپن" در ۲۵ کیلومتری شمال غربی امیدیه پرتاب کرد که براثر برخورد دو راکت به ایستگاه توربین، خساراتی به آن وارد گردید. هم زمان با این حمله، دشمن تأسیسات نفتی کوره ۳۰ را نیز بمباران کرد که به بخشی از تأسیسات و توربین ها آسیب رسید. هواپیماهای عراق امروز در حمله دیگری، قصد داشتند دکل برق سراسری را در منطقه بادمک در ۳۰ کیلومتری مرکز بخش پلدختر در استان لرستان منهدم کنند، اما راکت های شلیک شده به کوه اصابت کرد و خسارتی در پی نداشت. شهرهای مهران، بستان، سوسنگرد و سردشت نیز مورد حمله جنگنده های دشمن قرار گرفتند. در این حملات شهر بستان سه بار بمباران شد و منطقه چنگوله و مهران، با بمب های آتش زا هدف قرار گرفتند که بر اثر آن، مقادیری علوفه خشک آتش گرفت. هواپیماهای دشمن همچنین اطراف سوسنگرد را در ساعت ۱۰:۱۰ و منطقه چزابه را در ساعات ۱۳ و ۱۸:۳۰ مورد حمله قرار دادند. همچنین به گزارش قرارگاه حمزه(ع) از جبهه‌های شمال غرب، هواپیماهای عراق با تجاوز به حریم هوایی سردشت، مناطق "زیرمرگ"، "بران"، "بردسپیان"، گسه تال"، "منجوه"، "رشکان" و "کوه لک لک" را بمباران کردند.

خصوص عدم حمله به ایران در خلیج فارس، جواب مثبت داده و درباره موضع گیری در اخبار مشورت کرد. نخست وزیر تلفنی گفت، گزارش رسیده [چارلز] گلاس - خبرنگار ربوده شده آمریکایی در لبنان - آزاد شده است[1].

عصر دکترولایتی آمد. گزارش سفر به عمان را داد. عمان را وسیله خوبی برای حفظ کانالی به غرب و مشتاق به ایفای این نقش می دادند. آنها گفته‌اند که آمریکا گفته است نمی‌خواهند با ایران درگیر شوند و انگلیس مایل است روابط را به حال گذشته برگردانند و مصر نمی‌خواهد تشنج را تشدید کنند. قرار شد به همسر و فرزند [ژان پل] توری - دیپلمات متهم فرانسوی- اجازه برگشت به فرانسه داده شود.

عصر و شب در دفترم کار کردم و شب در مجلس ماندم. پیش از ظهر و عصر، عراق به مراکز نفتی و صنعتی حمله کرده است. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم اعلان کند که مردم عراق از اطراف مراکز صنعتی عراق بیرون بروند که مقابله به مثل انجام شود.

ساعت یک و نیم آقای خرازی، تلفنی بیدارم کرد و درباره خبر حمله یک قایق به کشتی لیبریائی که منتشر شده مشورت کرد[2]. سپاه و نیروی دریایی می گویند، آنها نزده‌اند.

---

۱ - چارلز گلاس خبرنگار آمریکایی و همچنین فرزند وزیر دفاع لبنان که در ۲۷خرداد ماه گذشته به دست افراد مسلح ناشناس، با هم از بیروت ربوده شده بودند، ساعت ۲ بامداد امروز آزاد شدند و نیروهای امنیتی سوریه آنها را به دمشق منتقل کردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارشی از بیروت، به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد: « پس از ربودن چارلز گلاس که در منطقه تحت کنترل نیروهای سوری در بیروت صورت گرفت، فشارهای مختلفی از سوی سوری ها علیه مسلمانان آغاز شد و رفت و آمد روحانیون به مناطق بقاع با مشکلات عدیده ای مواجه و مرزها بر روی آنها بسته شد و در آخرین اقدام، دو ساعت قبل از آزادی چارلز گلاس، سه فروند موشک به پادگان امام علی (ع) در بعلبک که تحت کنترل نیروهای سپاه پاسداران و مجاهدین مسلمان لبنانی است، اصابت کرد. هر چند هویت عاملان این حمله موشکی اعلام نشده است، ولی تنها نیروهای سوری در این منطقه مسلح هستند و دره بقاع را کنترل می کنند.» طبق این گزارش، پس از آزادی چارلز گلاس، مرز سوریه و لبنان باز شده و فشار سوری ها بر منطقه کاهش یافته است. فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه در مصاحبه‌ای که پس از آزاد شدن خبرنگار آمریکایی انجام داد، گفت: « ربوده شدن خبرنگار آمریکایی در غرب بیروت که نیروهای سوری در آنجا حضور دارند، برای ما غیر قابل قبول بود، زیرا همه می دانند که سوریه مصمم به برقراری نظم در این ناحیه است.» وی افزود: « به این جهت سوریه از نخستین روز، کوشش های شدید و همه گونه فشار برای تأمین آزادی او به کار برد.»

۲ - امروز بعد از ظهر یک فروند نفتکش نروژی با پرچم لیبریا در دریای عمان مورد حمله قرار گرفت. این نفتکش "اوسکو سیرا" نام دارد، حامل مواد شیمیایی بود که مورد حمله دو قایق توپ دار قرار گرفت و در بدنه آن سوراخ کوچکی ایجاد شد. حمله امروز که نخستین تهاجم علیه کشتی‌ها در دریای عمان و در دهانه خلیج فارس به شمار می رود، با واکنش تند کشورها روبه رو شد. جمهوری اسلامی ایران این حمله را تقبیح کرد و سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ آن را اقدامی تشنج آفرین خواند و افزود:« جمهوری اسلامی ایران مادامی که عراق از حمله به کشتی ها خودداری کند، از اقدامات مقابله به مثل پرهیز خواهد کرد.» گفتنی است که غربی ها این حمله را به ایران نسبت دادند؛ از جمله، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ادعا کرد که حمله به کشتی نروژی در تنگه هرمز را نیرهای ایرانی انجام داده اند. خبرگزاری رویتر این حادثه را یک تغییر جهت و نشان وخیم تر شدن اوضاع دانست و به نقل از منابع کشتیرانی گزارش داد:«

احتمال می‌رود صحنه سازی برای بهانه جوئی علیه ما باشد. این احتمال را بعید دانستم و گفتم به طور مبهم به این احتمال در اعلان اشاره شود.

چهارشنبه ۲۸ مرداد | ۲۳ ذیحجه ۱٤۰۷   ۱۹ آگوست ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت نه صبح در دفترم مطالعه کردم و متن فارسی خطبه عربی جمعه را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. مصاحبه‌ای با خبرنگار ان. بی. سی آمریکا انجام دادم. خیلی مفصل و جامع بود و یک ساعت ونیم طول کشید[1].

قایق‌های گشتی ایران معمولا در دهانه خلیج فارس برای بازرسی کشتی‌های خارجی حامل ابزار جنگی برای عراق، به فعالیت مشغول هستند. رسانه های همگانی منطقه، حمله به این کشتی را مقدمه ای بر شروع احتمالی درگیری در خلیج فارس بین ایران و آمریکا دانستند؛

۱ - آقای هاشمی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "ان. بی . سی." آمریکا، به پرسش های گوناگونی پاسخ داد، از جمله درباره سیاست ایران در خلیج فارس، احتمال وقوع جنگ در منطقه، شرایط ایران برای پایان جنگ، پشتیبانی از گروه های مبارز لبنانی و فلسطینی و شیوه آزادی گروگان‌های غربی در لبنان. ایشان در مورد خلیج فارس و سیاست مقابله به مثل گفت: « ما در مورد امنیت خلیج فارس بیش از دیگران تلاش کرده و نیروهای زیادی هم آنجا به کار می گیریم. سیاست ما این است که یا همه دولت های اطراف خلیج فارس و دنیا از خلیج فارس استفاده کنند، از جمله ایران، و یا هر اندازه که ما را از خلیج فارس محروم کنند، ما هم نسبت به کسانی که در این کار مؤثر بوده‌اند، مقابله به مثل می کنیم و به همان اندازه آنها را محروم می کنیم. به طور کلی اگر ما را از خلیج فارس محروم کنند که نتوانیم از آن استفاده کنیم، ما هم تلاش می کنیم که دیگران نتوانند از خلیج فارس استفاده کنند.» ایشان در پاسخ به این پرسش که "آیا در حال حاضر بزرگ‌ترین مسئله منطقه، ناوهای جنگی آمریکا است؟ گفت:« بزرگ ترین مسئله نه، ولی یکی از مسائل مهم هستند اینکه ما چه کار می‌توانیم بکنیم و اینکه اگر ناوهای جنگی آمریکا در منطقه باشند، خود به خود تحریک آمیز و خصومت زا است و بهتر آن است که نباشند، با وجود این، اگر آنها کار خصمانه ای انجام ندهند، ما هم کار خصمانه‌ای انجام نخواهیم داد.» فرمانده جنگ همچنین در پاسخ به این سوال که آیا شما زمانی را پیش بینی می کنید که یک جنگ محدود در خلیج فارس به وقوع بپیوندند؟ گفت: « احتمال آن وجود دارد، البته نمی توانم صددرصد این احتمال را تعیین کنم. وقتی که در حال حاضر به این صورت نیروهای نظامی در مقابل هم قرار گرفته‌اند، ممکن است حتی با دخالت یک عنصر ثالثی که بخواهد این جا فتنه انگیزی کند، چنین وضعی پیش بیاید، البته اگر فرض کنیم که دو طرف نمی خواهند درگیری ایجاد کنند.» آقای هاشمی درباره تلاش های صلح و مذاکره برای آتش بس و پایان جنگ گفت: « احتمالا با وضع موجود، دبیرکل سازمان ملل برای این کار شانس بیشتری دارد و جای دیگری را برای مذاکره نمی بینیم.» ایشان در پاسخ به این پرسش که آیا هنوز پیشنهاد شورای امنیت را برای آتش بس رد می کنید؟ گفت:« انتظار می رفت آنها عادلانه برخورد کنند، ولی چنین نشد. به نظر ما، عنصر مهم برای رسیدن به صلح، این است که مسئول جنگ و جنگ افروز و آغازگر جنگ را معرفی کنند. بدون این، نمی شود و سازمان ملل تا روی این خط نیفتد، نمی تواند نتیجه ای بگیرد.» رئیس مجلس با تأکید براین مطلب که ایران خواهان شناسایی و تنبیه آغازگر جنگ و ایجاد امنیت در خلیج فارس و دنیا است، در مورد امکان مذاکره رسمی بین ایران و آمریکا، گفت: « با شیوه های غلطی که آمریکا عمل می کند و سوء ظنی که ما به آمریکا داریم، مشکل است؛ مثلا همان روش ارسال قاچاقی آقای "مک‌فارلین"، چرا به آن شیوه باشد؟ شما در ایران حافظ منافع دارید و می توانید هرچه می خواهید به ما بگویید، از طریق سوئیس بگویید و جواب آن را نیز بگیرید، یا از طریق کشورهای دوستی که در منطقه دارید، آنها با ما رابطه دارند؛ شما می توانید حرف تان را با ما بزنید و جواب هم از ما

آقای سجادی نژاد آمد. فردی را آورد که توضیحاتی درباره پرونده شرکت هاتوراماک که در دادستانی و کمیسیون اصل ۹۰ مطرح است، بدهد. آقایان محسن رضایی و شمخانی آمدند. برنامه‌های آینده سپاه برای جنگ را دادند. آنها را بررسی کردیم. ظهر عقد ازدواج دو نفر از دو خانواده شهید را خواندم و هدیه‌ای به آنها دادم.

عصر آقایان عبدالله نوری و دکتر هادی آمدند. توضیحاتی درباره جمعه خونین مکه دادند. معتقدند نفوذ گروه تندرو در بعثه در بروز حادثه بی اثر نبوده و مهار از دست در رفته بود. جمعی از بسیجیان به ملاقات آمدند. برای آنها درباره اهمیت نقش بسیج صحبت کردم[1]. آقای حسینی سفیر جدیدمان در چکسلواکی آمد و درباره ماموریت خود مشورت کرد.

آقای [سیدعلی اکبر] محتشمی وزیر کشور آمد. برای ساخت اردوگاه‌های آوارگان کرد عراقی از بودجه جنگ کمک خواست. مدعی است مذاکرات دولت در خصوص برنامه‌ریزی برای دوره اضطراری در صورت حمله آمریکا به گوش غربی‌ها می‌رسد و حمل بر ترس ما می کنند. گفتم ممکن است برعکس، حمل بر آمادگی ما برای مقابله با آمریکا بشود و مخصوصاً از اهرم احتمال نزدیکی ایران و شوروی در صورت درگیری با آمریکا، باید استفاده کنیم.

← بگیرید. وقتی که عملاً شما با ما دشمنی می کنید و خصومت در عمل تان هست، هر پیغامی هم که به ما می دهید، ما نمی‌توانیم آن را باور کنیم، فکر می کنیم در این پیغام شیطنت هست. آمریکا اول باید سیاست خصمانه خود را نسبت به اسلام و ایران کنار بگذارد.»
فرمانده جنگ در مورد زمان پایان جنگ گفت: « ما مایل نیستیم که جنگ طولانی باشد، حتی اگر امروز تمام شود، بهتر از فردا خواهد بود، ولی اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد، ما تا گرفتن حق مان مقاومت خواهیم کرد. از این وضع خوشحال نیستیم، اما چاره‌ای هم نداریم؟ فکر می کنیم راهمان منحصر به فرد است. جنگ اگر این طور تمام شود، بدون اینکه ریشه اصلی حل شود، این وضع برای ما بدتر از جنگ است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « طبقه جوان بخصوص جوانانی که هنوز گرفتاری های زندگی را ندارند، از دعوت امام استقبال کردند و شایستگی هایی که در میدان های جنگ و در پایگاه های مقاومت در داخل شهرها و روستاها از خود بروز دادند، نشان داد که یک نیروی جدید با یک حالت جدیدی پا به عرصه وجود گذاشته است و دنیا چنین تجربه ای ندارد و تازه اگر هم چنین نیرویی را قبلاً تجربه می کردند، با توجه به اینکه این نیروها از تبار انسان های شهادت طلب و فداکار و ایثارگر می باشند و از هیچ چیز نمی‌ترسند و تنها هراسشان این است که وظیفه شان را انجام نداده باشند، چه کاری می توانست انجام دهد. در شرایط کنونی، مشکل بزرگی برای دشمنان جمهوری اسلامی است که در مقابل کسانی قرار گرفته اند که به هیچ چیز، جز به اندازه اسلام و قرآن وابستگی ندارند. نقش مهم بسیج را محدود به جنگ این نیروها نوعاً در محله ها و مسجدها، در خانواده ها، در مدرسه و در کارخانه ها افراد مؤثری هستند و کل جامعه را اینها بیمه می کنند، اینان به مانند عطری نیرومند هستند که درون فضا پخش شده و همه جا را تحت نفوذ و تأثیر خودشان قرار می دهند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. درباره پیشنهاد حمله به کویت بحث شد؛ مخالفند. آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه نبودند، در مشهدند. درباره وضع خلیج‌فارس و حضور انبوه کشتی‌های جنگی آمریکا، فرانسه و انگلیس در منطقه مذاکره شد. خطر درگیری هست و راه مشخصی برای جلوگیری از آن به نظر نمی‌رسد. مگر کوتاه آمدن ما در جنگ که آن هم مصلحت دیده نمی‌شود و امام هم نمی‌پذیرند. کیفیت برخورد با عربستان هم مطرح شد و به جائی نرسیدیم. بحث در این خصوص به آینده موکول شد. شب در مجلس ماندم.

پنجشنبه ۲۹ مرداد | ۲۴ ذیحجه ۱۴۰۷ ۲۰ آگوست ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح تا ساعت نه مطالعه می کردم*. آقای صیادشیرازی آمد. گزارشی نسبتاً

* - سخنان آقای هاشمی در مصاحبه با تلویزیون ان. بی. سی آمریکا، بازتاب گسترده ای در رسانه های خبری جهان داشته است. در این روز، رادیو بی. بی. سی، در تحلیلی، سخنان آقای هاشمی درباره کمک به آزادی گروگان ها را پیشنهادی غیر قابل اجرا خواند که براثر بهبود روابط سوریه با آمریکا و عراق مطرح شده است. این رادیو همچنین لحن آقای هاشمی را در این مصاحبه با مصاحبه های قبلی وی، متفاوت دانست. رادیو کلن نیز در مصاحبه های با "شیرین هانتر" - یکی از کارشناسان مسائل ایران در غرب- ،با اشاره به سخنان آقای هاشمی، در خصوص پیام اصلی این سخنان به آمریکا پرسید که وی (هانتر) در پاسخ گفت:«آنچه که خیلی روشن بود این است که اولاً به نظر من مصاحبه آقای هاشمی معتدل و حتی خیلی منطقی بود. آنچه که به نظر من آقای رفسنجانی می خواست به آمریکایی ها بگوید، این است که ما نمی خواهیم که به اصطلاح با شما جنگ و جدال داشته باشیم، ولی خوب اگر برای اینکه ایران بتواند اقداماتی را بکند که شاید به اصطلاح به نفع آمریکا باشد، در مقابل آمریکا هم اقداماتی بکند که به منافع ایران نزدیک باشد و به اصطلاح او که اگر اهل معامله هستید، می شود صحبت کرد و اما اگر اینکه فقط صحبت این است که ایران بخواهد تمام گذشته ها را جبران بکند، این شدنی نیست.» رادیو سوئد نیز در تفسیری، سخنان آقای هاشمی را نشانگر سیاستی واقع بینانه برای شکستن انزوای جمهوری اسلامی ایران در جهان دانست: « این بیانات به روشنی نشانگر آغاز ورود ایران به خط مشی نرم تر سیاسی، پس از تهدیدات و سر و صداهای نظامی علیه آمریکا می باشد. از آغاز اسکورت اولین کشتی های کویتی توسط آمریکا، ایران طی یک ماه تبلیغات، کویت را مورد تهدید قرار می‌دهد. تغییر روش ناگهانی سیاست خلیج فارس ایران، هم زمان با پخش گزارش مصاحبه شبکه تلویزیونی ان بی سی آمریکا با رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، می باشد. رفسنجانی مرد قدرتمند ایران، در این مصاحبه نسبت به معاوضه گروگان ها آمریکا در لبنان با شیعیان زندانی شده در کویت و اسرائیل، اعلام آمادگی نمود. به نظر می رسد مهم ترین علت ابراز دو موضع از جانب ایران در این روزها و هم زمان با حضور خبرنگاران خارجی، تلاش ایران برای شکستن انزوای خود از جهان خارج می باشد. تغییر روش خصمانه ایران نسبت به پرچم گذاری بر نفتکش های کویتی در خلیج فارس، نشانه اتخاذ سیاست واقع بینانه از جانب ایران می باشد. آنچه قابل توجه و متناقض می‌باشد، این است که حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس حمایتی برای تردد نفت ایران است و تا زمانی که حضور ناوگان‌های آمریکا، عراق را نسبت به از سرگیری جنگ نفتکش ها می ترساند، ایران بدون مزاحمت می تواند نفت خود را از خلیج فارس صادر نماید و به این صورت راه منابع برای ادامه جنگ هفت ساله بازاست؛ چیزی که آمریکا با آن مخالف است.»

جامع از جمعه خونین مکه داد و طرحی برای یکپارچگی نیروهای رزمنده داشت؛ قرار شد در جلسه دیگری بحث شود.
دکتر [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] آمد گزارشی از وضع کشاورزی داد. از متغیر بودن سیاست‌های پایه کشاورزی در دولت و از کم توجهی نخست وزیر به ایشان بعد از رد لایحه ادغام در مجلس شاکی بود و از احتمال امتزاج بعضی از واحدهای وزارت کشاورزی نگران بود. آقای عزیزالله کریمی (ریخته گر) آمد و از تحسین روابط با وجوه بازار اظهار رضایت کرد و از نقش واسطه گری خویش گفت.
سفیر جدید در مالزی برای خداحافظی و مشورت درباره سیاست خارجی آمد و مشکل همکاری با دولت‌ها را مطرح کرد که شعار صدور انقلاب، میدان عمل را تنگ می کند.
محسن آمد. گزارش بررسی اختلاف وزارت سپاه و وزارت صنایع سنگین بر سر کندی پیشرفت ساخت مهمات را داد؛ به نقطه روشنی نیز نرسیده‌اند. فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد و گزارش عملیات میمک را داد و برنامه آینده را گفت و برای تعمیر توپ ها کمک خواست. بعد از نماز مغرب و عشاء به خانه رفتم.

جمعه ۳۰ مرداد | ۲۵ ذیحجه ۱۴۰۷ — ۲۱ آگوست ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل بودم. سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. هر دو خطبه را درباره مسائل روز بحث کردم[1]. عصر آقای صیاد شیرازی آمد. طرحی برای

۱ - آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه با اشاره به دلایل حضور آمریکا در خلیج فارس، علایم شکست و راه حل بحران منطقه را مورد بررسی قرار داد. ایشان اهمیت حزب بعث برای دولت های مستکبر جهان و حفظ آبروی سران آمریکا پس از قضیه مک فارلین را دلایلی دانست که آمریکا را به ماجرا جویی در دنیا واداشته است و گفت: «آمریکایی ها در جنگ تبلیغاتی کاملا شکست خورده اند؛ اگر هدف آنها بردن نفت بود، شکست خورده اند، چرا که ده ها کشتی دیگر بدون پرچم آمریکا نفت بردە اند و نیاز به هزینه های سنگین ـ به نقل خودشان ۴۰ میلیارد دلار ـ نیست. اگر هم منظور آنها امنیت بود، باز هم شکست خوردند، چرا که منطقه را نا امن تر کرده اند. حالا به تمام دنیا دست دراز کرده اند که مین روب بفرستند تا شاید کاری انجام دهند؛ این هم با شکست مواجه شد. از نظر سیاسی هم که منطقه را به کلی آلوده کرده اند و باعث شدند آل سعود انتحارکند. به خاطر اینکه بین ما و کشورهای جنوب خلیج فارس خون راه بیندازند و تفرقه ایجاد کنند، عربستان را وادار کردند که جنایت مکه را مرتکب شود. الان خلیج فارس انبار باروت است و یک کبریت لازم است که در خلیج فارس آتش افروخته شود. پیش بینی خاتمه هر جنگی ممکن است، ولی در خلیج فارس اگر جنگ شروع شود، کسی نمی‌داند که ابعاد این جنگ به کجا می کشد و چه زمانی جنگ خاموش می شود و در منطقه مسائل بسیاری به دنبال خواهد داشت. آمریکا در ←

منسجم کردن ارتش و سپاه در میدان جنگ آورده بود. مطالب قابل توجهی دارد، ولی بعید می‌دانم عملی باشد.



فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه

اطلاع دادند که عراق به چند مرکز اقتصادی ما حمله کرده و ویرانی زیادی بار آورده است؛ دستور مقابله به مثل دادیم. آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] اطلاع داد که فرانسه از طریق وزارت کشورش به سفیر ما در الجزایر، پیشنهادهایی در مورد حل و فصل موارد اختلافمان داده است. گفتم کلیت پیشنهاد قبول شود و بحث در جزئیات را به بعد از جلسه سران قوا موکول کنید.

با آیت‌الله خامنه‌ای که از مشهد برگشته‌اند تلفنی مذاکره کردیم؛ از جمله درباره پیشنهاد فرانسه.

شنبه ۳۱ مرداد | ۲۶ ذیحجه ۱۴۰۷ — ۲۲ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. عصر آقای [حسین] مهدیان آمد. راجع به اموال خیریه [مرحوم ابوالفضل] تولیت صحبت کرد. همشیره فاطمه و بستگان آمدند و شام را هم با ما خوردند. مسعود - همشیره زاده - که رفته بود در آلمان بماند، با تأکید من

خلیج فارس نمی تواند کاری بکند، چرا که ما متکی به خریدهایی که کرده‌ایم نیستیم و آمریکایی ها فقط قایق ها و مین ها را دیده اند و خیلی چیزهای دیگر را که داریم، ندیده و نمی دانند و چیزهایی هست که آمریکا پیش بینی نکرده است. ما خواهان درگیری با هیچ کشوری از جمله آمریکا نیستیم، در جنگ با عراق هم در حال دفاع هستیم و جنگ را ادامه خواهیم داد و آمادگی داریم با هر تجاوزگری به جنگ بپردازیم.» آقای هاشمی سپس به بررسی فاجعه کشتار مکه پرداخت و گفت:« آمریکا و عربستان با اقدام به این عمل ضرر کردند این واقعه زشت در تاریخ ثبت خواهدشد، مردم در سراسر دنیا این مطلب را بازگو خواهند کرد و در نهایت، ان شاءالله به زودی یکی از پایگاه های آمریکا در منطقه سقوط خواهد کرد. آل سعود با این کار ریشه خود را زد، اینها فرزندان یزید هستند و راه پدران‌شان را رفتند. با این عمل شنیع، هزاران دل در سراسر دنیا شکسته شد، مردم دنیا علیه آل سعود سند انتقام پیدا کردند و لازم نیست جمهوری اسلامی انتقام بگیرد، بلکه مردم جهان از آنها انتقام خواهند گرفت.»

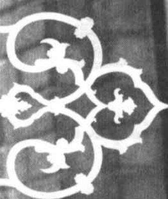
برگشته و حالا در مزرعه‌ای در قم کار می‌کند. او برای تعاونی‌شان استمداد کرد.

دکتر روحانی اطلاع داد که عراق با تعداد زیادی هواپیما به بندر امام حمله کرده، ولی چیز مهمی را نتوانسته بزند. ما هم دستور مقابله به مثل دادیم. با رئیس‌جمهور و نخست وزیر در مورد اینکه مقابله به مثل در مورد شرکای عراق انجام شود یا خیر، مشورت کردم. قرار شد در جلسه سران قوا بحث شود*.

* - پانزده کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد امروز در نشستی محرمانه، تحولات خلیج فارس را مورد بررسی قرار دادند. رادیو بی بی سی در گزارشی از این نشست گفت:« ظاهراً هدف از تشکیل جلسه شورای امنیت، مشورت با دبیرکل سازمان ملل درباره اقدام بعدی او و همچنین به تعویق انداختن تلاش های آمریکا برای اعمال تحریم علیه ایران، بوده است. جلسه شورای امنیت محرمانه و کوتاه بود. پس از ختم جلسه، آقای پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل، تأکید کرد که کوشش های شورای امنیت در این مرحله کاملا محرمانه است. اعضای شورای اصرار دارند که قطعنامه دربست[به طور کامل] مورد قبول واقع شود و اهمیت آن را در همین می دانند. ظاهراً ایران هفته گذشته با برخی از نکات قطعنامه موافقت کرده است، اما نه با تمام آن. شورا همچنین به آقای پرز دکوئیار فرصت داده است که مسئولیت خود را به انجام رساند. در حالی که ظاهراً آمریکا می خواهد شورا را تحت فشار بگذارد تا قطعنامه دیگری را به تصویب رساند و در آن، فروش اسلحه به ایران را تحریم کند.» بی بی سی افزود: «آمریکا که خواهان تحریم سریع ارسال اسلحه به ایران است، از حمایت چندانی برخوردار نیست؛ مثلا نماینده آلمان غربی که فعلا رئیس این شورا است، مصرانه می خواهد برای قبولاندن قطعنامه وقت بیشتری صرف شود.»

شهریور ۱۳۶۶





شهریور ۱۳۶۶

یکشنبه ۱ شهریور | ۲۷ ذیحجه ۱۴۰۷ ۲۳ آگوست ۱۹۸۷

در اولین جلسه بعد از تعطیلات تابستان به مجلس آمدم. قبل از دستور درباره حوادث مهم روزهای تعطیل مجلس صحبت کردم[1]. مهدی آمد و برای آقا جلال که برای منزل خرید

---

۱ - در این نطق آمده است: «در دوره تعطیلی تابستانی مجلس شورای اسلامی، حوادث مهمی اتفاق افتاد که نمایندگان محترم مجلس، طبعاً در بیاناتشان و برخوردهایی که دارند، مواضع لازم را اتخاذ خواهند فرمود. پیام تاریخی و بسیار مهم حضرت امام که به حق منشور جدید انقلاب لقب گرفت، از حوادث مهم و نقاط حساس تاریخ ما به حساب می آید که بعد از آن پیام، خشم استکبار جهانی و ارتجاع نسبت به اسلام و انقلاب بیشتر شد و دستپاچه، اقدامات زشتی را از خودشان بروز دادند. ما وظیفه داریم که این پیام را دائماً تجزیه و تحلیل کنیم و ابعاد گوناگون آن را زنده نگه داریم و به صورت یک دستور قاطع رهبری مورد توجه قرار بدهیم. عملیات بسیار موفق وقاطع نصر ۷ در منطقه کردستان که درآینده کردستان در ایران و در عراق، تأثیر قاطعی خواهد داشت و نزدیک شدن رزمندگان ما به شهر حساس مرزی در قلعه دیزه، حادثه مهم دیگری بود که برای ما ارزش بسیاری داشت و عراقی ها را به شدت وحشتناک کرد و آنجا نیروهای کیفی‌شان را آوردند، و صدمات فراوانی دیدند. جمعه خونین مکه در تاریخ اسلام برای ما، برای منطقه، برای دنیا یک حادثه ماندنی است که در اینجا چهره کریه ارتجاع منطقه و مخصوصاً آل سعود رو شد و دست آمریکا در این حادثه به خوبی روشن است. هدف از این جنایت، شکستن پل های بین انقلاب اسلامی و مردم جزیره العرب که برعکس، ما فکر می‌کنیم این جنایت پل بین مردم و ملت ما و ملت‌های اسلامی جزیره العرب را تقویت خواهد کرد. اگر پلی شکسته بشود بین دولت های مرتجع و نظام انقلاب اسلامی است که شکستن این به ضرر انقلاب نخواهد بود، به نفع انقلاب و علیه منافع استکبار است. ایجاد تفرقه در بین دولت ها است و راهی برای وحدت ملت هاست از طریق رو شدن چهره زشت و ضد اسلامی آنهایی که چنین حادثه ای را خواستند یا بعداً از آن دفاع کردند و مهمترین چیزی که در این روزها اتفاق افتاده، کشف نقاب از چهره امپریالیسم آمریکاست در رابطه با انقلاب اسلامی و جنگ جاری که سال ها ادعای بی‌طرفی کرده بوند و مدعی تلاش برای ختم جنگ بودند و مدعی امنیت در منطقه که هر سه ادعای آنها با حضور وسیعشان در منطقه حضور نظامی به زمین ریخت. روشن شد که اینها مخالف اتمام جنگ اند چون احساس کردند که رژیم صدام دیگر خیلی قدرت بقاء ندارد. آمدند که هم تقویت روحی کنند و هم در صورت لزوم تقویت نظامی و اعلان جنگ به جمهوری اسلامی، در صورتی که بعث عراق بنا باشد از میدان در برود و نشان دادند که برخلاف ادعایشان، تشنج در خلیج فارس را از امنیت خلیج فارس بیشتر طالب اند، به خاطر حضور مجدد در منطقه و ما می‌دانیم که امنیت را اینها مخدوش کردند، به جای اینکه امنیت را برای منطقه بیاورند. به هر حال ما ملتمان را، نمایندگان محترم مجلس را بار دیگر هشدار می دهیم که ما در مرحله حساسی زندگی می کنیم. آن قدر حساس است که عوام فریبی هشت سال گذشته را آنها زیر پاگذاشتند و تبلیغات هشت ساله خودشان را از دست دادند، به خاطر اینکه احساس کردند حضورشان

می‌کند پول گرفت؛ خودش همراه بچه‌های مدرسه عازم مشهد است. آقای کریمی نماینده مرند نسخه‌هائی از روزنامه‌های عربستان را آورد که تبلیغات شدیدی علیه ایران دارند.

عصر آقای دانش یزدی که قرار است به عنوان سفیر به سوئد برود، برای مشورت و خداحافظی آمد. [اعضای] هیأت مدیره شرکت پارس خودرو آمدند. آنها برای هماهنگ کردن با نیروهای مسلح، که به جای وارد کردن ماشین از خارج به اینها سفارش بدهند[1]، استمداد کردند. به آقای [اکبر] ترکان [رئیس سازمان صنایع دفاع] گفتم که در خرید و مونتاژ جیپ‌های کره‌ای که بناست انجام دهند، با اینها هماهنگ کنند.

آقای هادی غفاری [نماینده تهران] آمد. گزارش جمعه خونین مکه را داد. خودش هم ضربه دیده و شاهد مرگ چند نفر بوده است. مقدار قابل توجهی پول و زیورآلات از یک کاروان کویتی، برای جنگ و امور خیریه گرفته است. درباره مسائل مجروحان هم صحبت شد.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه ای بود. گروهی از دولت آمدند. توضیحی درباره آمار و عواقب درگیری با آمریکا دادند و قرار شد برنامه‌ای برای مواجه شدن با آن شرایط اضطراری تهیه کنند. لیبی از ما مقداری سلاح خاص خواسته است؛ موافقت شد که بدهیم. چون آنها هم بناست چیزهایی به ما بدهند. دکتر ولایتی آمد و پیشنهاد فرانسه را برای ادامه برنامه عادی سازی روابط آورد؛ قبول کردیم. قرار شد ماموری را به الجزایر بفرستند.

درباره مطالب سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در سازمان ملل صحبت شد. پیشنهادهایی ارائه گردید. تصمیم گرفتیم که در صورت ادامه حمله عراق به مراکز غیر نظامی، به بصره حمله

نظامی شان الان در منطقه لازم است. ما باید خیلی بیدار باشیم، خیلی باید هوشیار باشیم، انقلاب اسلامی به مرز بسیار حساسی رسیده و با بیداری و هوشیاری و آمادگی ملت ما، ان شاء الله این توطئه های جدید را هم در هم خواهیم شکست.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - کارخانه پارس خودرو، پیش از انقلاب اسلامی، در دهه سی به عنوان کارخانه مونتاژ خودروی جیپ، وارد گردونه صنعت سنگین کشور شد. کارخانه جیپ بعدها تغییر نام داد و با عنوان «جنرال موتورز» به مونتاژ خودروهای آمریکایی شورلت که در ایران به نام های "آریا" و "شاهین" تولید می شد، و همچنین خودروی "کادیلاک" پرداخت. این کارخانه بعد از انقلاب با قطع روابط با ایالات متحده، خودروهای ژاپنی مانند نیسان پاترول مونتاژ کرد و به تولید خودروی جیپ ادامه داد. بخشی از خودروهای جیپ تولید شده توسط پارس خودرو، در جبهه های نبرد استفاده می شد.

وسیع شود[۱]. دیر وقت به دفترم برگشتم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم و خوابیدم.

دوشنبه ۲ شهریور | ۲۸ ذیحجه ۱۴۰۷ ۲۴ آگوست ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. در گزارش‌ها مسائل خلیج‌فارس و بحران روابط عربستان و ایران در صدر اخبار است. در کنفرانس وزرای خارجه عرب در تونس، عربستان و بعضی کشورهای دیگر، حملات شدیدی علیه ایران کرده‌اند[۲].

به سمینار لبیک با امام در سالن کتابخانه مجلس رفتم. آیت‌الله خامنه‌ای، آقای محسن رضایی و آقای [سرتیپ اسماعیل] سهرابی [رئیس ستاد مشترک ارتش] هر یک سخنان کوتاهی ایراد کردند. اعضای سمینار به کمیسیون‌ها رفتند و من و آقای خامنه‌ای به دفترم آمدیم. راجع به نیروی زمینی ارتش و ضرورت تعویض‌هایی برای فعال کردن نیرو و

---

۱ - در این روز هواپیماهای عراق در یک حمله گسترده، مجتمع های شیمیای "رازی" و "ایران - ژاپن" در بندر امام خمینی، "کارخانه سیمان درود" در استان لرستان و یک واحد پست انتقال نیرو در تبریز را هدف قرار دادند. در ساعت ۱۱:۰۰ بیش از ۳۰ فروند هواپیمای دشمن، با حمله به دو مجتمع شیمیایی رازی و ایران - ژاپن، حدود یازده نقطه از کارخانه ایران - ژاپن، سایت و پادگان شهید بهشتی، پایگاه نگهبانی ژاندارمری، ریل راه آهن و "کارخانه ایران نئوپان" را بمباران کردند. در جریان حمله هوایی هواپیماهای عراقی به مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن، حدود چهار میلیارد ریال خسارت به این مجتمع وارد آمد. این حمله تلفات جانی نداشت و تنها شش نفر از کارکنان آن مجروح شدند.

۲ - اجلاس فوق العاده وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب با شرکت نمایندگان ۲۱ عضو این اتحادیه در تونس برگزارشد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این اجلاس به درخواست تونس و به منظور اتخاذ یک موضع واحد در مورد جنگ ایران و عراق و بحران خلیج فارس تشکیل شد و ریاست آن بر عهده "سعود الفصیل" وزیر امور خارجه عربستان بود. وزیر خارجه عربستان به عنوان اولین سخنران اجلاس، ضمن انتقاد شدید از ایران، آن را متهم کرد که امنیت تمامی کشورهای خلیج فارس را به خاطر انداخته و در خلیج فارس مین گذاری می کند. وی مسئولیت دخالت کشورهای خارجی در منطقه را متوجه ایران دانست و از کشورهای عرب خواست با اتخاذ یک موضع توأم با همبستگی، قطعنامه ای تصویب کنند که پاسخگوی خطر عمده ای باشد که جهان عرب به خاطر پافشاری ایران برای ایجاد بی ثباتی در کشورهای همسایه و در تمامی منطقه خلیج [فارس] با آن روبه روست. همچنین وزیر امور خارجه سعودی، از اعضای دائمی شورای امنیت خواست تا قطعنامه خود را در اعمال مجازات علیه کشور متخاصم آشتی ناپذیر، به اجرا در آورند.» دبیر کل اتحادیه عرب نیز در سخنان خود تهدیدهای ایران علیه کویت را محکوم کرد و وزیران خارجه عرب را به تصویب طرحی متحد در چارچوب اقدام دسته جمعی اعراب، جهت پایان دادن به جنگ خلیج فارس از طریق صلح آمیز، دعوت کرد. در نخستین دور مذاکرات غیرعلنی وزیران خارجه اتحادیه عرب که امروز در تونس به پایان رسید، سرپرستان ۱۳ هیأت شرکت کننده سخنرانی کردند. آنها بیشتر بر خطرهای ناشی از ادامه جنگ خلیج فارس برای جهان عرب تأکید داشتند و برخی از آنها از جمله لیبی و کویت نیز خواستار برگزاری اجلاس فوق العاده سران عرب شدند.

عملیات آینده و در ارتباط با کویت مذاکره کردیم و تصمیم گیری شد. آقایان کمالی، حائری و جاسبی را به عنوان هیأت اداره اموال حزب [جمهوری اسلامی] تعیین کردیم؛ همچنین با واگذاری دفتر حزب [جمهوری اسلامی در] مشهد به بنیاد قرآن - که آقای خامنه‌ای پیشنهاد کردند - موافقت شد.

آقای [سید جلیل] سید زاده آمد. برای اصلاح قفل رمز گاو صندوق دفترم که اخیراً خراب شده، کاری نتوانست بکند. به دکتر ولایتی گفتم از تعرض عراق به غیر نظامی ها، به سازمان ملل شکایت کنند؛ برای مقدمه حمله به مراکز غیر نظامی عراق، به منظور مقابله به مثل. عصر هم در سمینار [لبیک یا امام] شرکت و سخنرانی نمودم و پاسخ سئوالات را دادم و بسیج وسیع نیروها به حکم امام را پیشنهاد کردم[۱].

شب در محل اداره آموزش و پژوهش وزارت خارجه [در نیاوران]، جلسه‌ای در مورد بازسازی خرابی‌های سیل تهران داشتیم. [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران می گوید اصلاح مسیل در حد تضمین تحمل سیلاب های بزرگ، حدود پانصد میلیون تومان خرج بر می دارد. طرحی برای ایجاد میدان بزرگ در تجریش، در محل خانه های آسیب دیده و ایجاد یک بلوار وسیع در دو طرف رودخانه ارائه دادند که تصویب شد. دیر وقت به منزل رسیدم.

سه‌شنبه ۳ شهریور | ۲۹ ذیحجه ۱۴۰۷ | ۲۵ آگوست ۱۹۸۷

اخبار خلیج‌فارس کمی از تب و هیجان افتاده، ولی هنوز در صدر اخبار است[۲]. در

---

۱ - آقای هاشمی در این گردهمایی با اشاره به اوضاع خلیج فارس، اهداف و انگیزه های آمریکا را از اعزام نیرو به این منطقه مورد بررسی قرار داد و گفت: «حضور نظامی غرب در خلیج فارس، حمایت آشکار از رژیم عراق می باشد، ولی علی رغم لشکرکشی غرب در خلیج‌فارس، رزمندگان اسلام با هوشیاری کامل آماده مقابله در هر جبهه ای با دشمنان انقلاب اسلامی هستند». ایشان نشست اخیر وزیران خارجه عرب در تونس و فاجعه کشتار زائران خدا را مرتبط با سایر توطئه های دولت های مستکبر جهان در قبال انقلاب اسلامی دانست. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - امروز خبرگزاری های فرانسه و آسوشیتدپرس از بروز یک تنش بین ناوگان آمریکایی و یک قایق جنگی ایران خبر دادند. هرچند ا ین تنش منجر به درگیری نشد، ولی شواهد نشان می دهد که آمریکایی ها خطر را جدی گرفته و مصمم به درگیری نظامی بودند، حال آن که قایق جنگی مورد ادعای آمریکا چیزی جز یک لنج باری نبود و جالب آنکه وزارت دفاع آمریکا نیز درباره این حادثه اطلاعیه ای صادر و شرح ماجرا را رسماً منتشر کرد! خبرگزاری فرانسه در این باره گزارش داد:« کشتی جنگی ایران بدون توجه به اخطارهای نیروی دریایی آمریکا تا فاصله کمتر از یک مایل دریایی (۱۸۰۰ متر) به کاروان نزدیک شد و کشتی های آمریکایی ناگزیر شدند تا برای اقدام نظامی،

کنفرانس وزرای خارجه عرب، بحث‌های داغی در مورد ما مطرح است؛ سوریه بد نیامده[۱].

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی مجلس بودم.

جمعی از دانشجویان امامیه پاکستان به ملاقات آمدند. برای آنها صحبت کردم[۲]. عصر آقای [محسن] کنگرلو آمد. گزارش مذاکره با نماینده فرانسه - به نام استیفانی - را داد. او با منوچهر قربانی‌فر به ترکیه آمده بودند. روی مطالبی توافق داشته‌اند. حل مسأله سفارتخانه ها، کمک برای آزاد شدن گروگان های فرانسوی، پرداخت طلب ما، اخراج منافقین از فرانسه، دادن اسلحه به ما، محدود کردن فروش اسلحه به عراق و عادی شدن روابط. در الجزایر هم شبیه همین مسائل در جریان است.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. اول شب به خانه رفتم. فاطی از رفسنجان آمده بود. [دخترش] سارا مریض است.

چهارشنبه ٤ شهریور | ۱ محرم ۱٤۰۸   ۲٦ آگوست ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم. کارهای دفتر را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم.

آرایش حرکتی خود را بر هم زنند. در حالی که هلی کوپترهای جنگی که از ناو "گوادال کانال" به محل اعزام شده بودند، بر فراز کشتی ایرانی پرواز می کردند، کشتی ایرانی از کاروان دور شد.» آسوشیتدپرس نیز این واقعه را نخستین رویارویی مهم میان نیروی دریایی آمریکا و ایران از زمان حفاظت از نفتکش ها دانست و اعلام کرد:« گوادال کانال ، ناوچه ایرانی را که خیلی به کاروان بریجتون نزدیک شده بود، پیگیری کرده و آن را مجبور ساخت از محل دور شود. آنها گفتند، گوادال کانال یک یا چند هلی کوپتر توپ دار جهت مرعوب کردن این ناوچه به پرواز در آورد.»

۱ - خبرگزاری فرانسه گزارش داد:« شرکت کنندگان در اجلاس وزیران خارجه اتحادیه عرب، قرار است به ایران علیه هرگونه گسترش جنگ هشدار دهند و از شورای امنیت بخواهند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از وارد آمدن زیان از سوی کشوری که سرسختی می‌کند، به عمل آورد.» در ادامه این گزارش، درباره موضع اردن در این اجلاس آمده است: «اردن طرفدار یک موضع قاطع و روشن کشورهای عربی در مورد خلیج فارس است. به اعتقاد این کشور، اوضاع در خلیج فارس به آن درجه از وخامت رسیده است که کشورهای عربی نباید هیچ گونه تردیدی را تحمل کنند. در این حال، دمشق متحد ایران است و در جنگ این کشور علیه عراق، از ایران حمایت می کند. اردن معتقد است برگزاری یک اجلاس با شرکت کشورهای عربی، مستلزم حداقل تفاهم ممکن میان سوریه و عراق است.» رادیو دمشق نیز در برنامه ای به همین مناسبت گفت:« اگر عراقی ها واقعا نگران مصالح ملی اعراب بودند، هیچ گاه جنگی را علیه یکی از دوستان اعراب آغاز نکرده و از آمریکا نیز درخواست حمایت نمی کردند.» این رادیو افزود:« تنها، خروج تمامی ناوگان های خارجی از خلیج فارس ـ یعنی امری که توسط شوروی نیز تایید شده است ـ می تواند بازگشت امنیت به این منطقه را موجب شود.»

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸

آقای [حسین] شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزیر خارجه] آمد. درباره ملاقات با [آقای چی هوا یوان] معاون وزیر خارجه چین، تذکراتی داد که بلافاصله به ملاقات آمد. رهبران چین پیغام داده بودند که ما با سازمان ملل همکاری کنیم و با قطعنامه شورای امنیت مخالفت نکنیم[1]. جواب دادم، شورا ابتدا متجاوز را مشخص کنند و سپس ممکن است به انتظار دادگاه بنشینیم و بدون اعلام آتش بس، در جبهه ها تحرکی نباشد. از طرف کویتی ها گفت که می خواهند رابطشان را با ما صمیمی کنند و پیشنهاد داده‌اند که دعوتشان را از آمریکا پس بگیرند و متقابلاً ما کشتی های آنها را نزنیم. گفتم اعلان بی طرفی در جنگ کنند و چین آن را تضمین کند.

[آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد [سازندگی] آمد. استعفا داده است. از شکست طرح ادغام وزارت کشاورزی در جهاد ناراحتند. ایشان را نصیحت کردم که استعفایش را پس بگیرد. نگران آینده جهاد است. قول حمایت از جهاد را دادم. از آقای [عبدالله] نوری نماینده امام در جهاد گله داشت. گفتم با ایشان صحبت می کنم.

سرتیپ [محمد حسین] جلالی وزیر دفاع آمد. در مورد خرید موشک دریا به دریا و زمین به زمین از کره [شمالی] مشورت کرد؛ پذیرفتم. آقای [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه] آمد. درباره تولید مهمات در کارخانه‌های غیر نظامی مذاکره شد. قرار شد نماینده‌ای برای نظارت و هماهنگی تعیین کنم؛ از برنامه خیلی عقب اند. قرار بود از سال گذشته تا این تاریخ، حدود ده میلیون گلوله توپ و خمپاره تولید کنند که هنوز دو میلیون هم تحویل نداده‌اند؛ گر چه بعضی از کارها جلو است.

---

۱ - فرستاده ویژه دولت چین در این دیدار با تأکید بر این نکته که زیر فشار ابر قدرت ها هیچ کار مثبتی در خلیج فارس نمی توان انجام داد، درباره مسائل و تحولات منطقه خلیج فارس گفت: «چین مخالف حضور نیروهای خارجی در منطقه است و معتقد است امنیت خلیج‌فارس باید توسط کشورهای منطقه حفظ شود، زیرا حضور گسترده نظامی قدرت های خارجی در خلیج فارس، اوضاع را بسیار خطرناک کرده است. ما از ایران انتظار داریم مانند گذشته شکیبایی خود را حفظ کند.» آقای هاشمی نیز در این دیدار، حضور نیروهای بیگانه را نابود کننده فرصت حرکت های سازنده خواند: «ما حسن نیت، صداقت و دوستی چین را تصدیق می کنیم، شما شاهد هستید که در مسائل اخیر خلیج فارس، چقدر از خودمان صبر و بردباری نشان می دهیم که ناامنی توسعه پیدا نکند. ما به آسانی می توانیم آمریکا را به خوبی تحقیر کنیم یا کشورهایی را که آمریکا را به منطقه دعوت کرده اند، با یک ضربه تنبیه کنیم، ولی قصد تحریک نداریم و لذا درخواست شما را که در این گونه موارد پیش قدم نشویم، می پذیریم. نیروهای خارجی، یعنی آمریکا با حضور گسترده و فرانسه و انگلیس با حضور جزئی تر خود، فرصت هر حرکت سازنده را در منطقه از بین برده اند و هرگونه لشکرکشی نظامی آمریکا به منطقه به ضرر جهان سوم و ملت های منطقه است. تا زمانی که آمریکا پشیمان نشود و از منطقه خارج نشود، اقدام برای هیچ کار دیگری جز این مهم، در منطقه انجام نخواهد شد.»

آقای [ابراهیم] سنجقی آمد. عملیات نصر ۷ را توضیح داد. برای نیازهای جنگ مراجعاتی داشتم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. [آقای محمدی ری شهری] وزیر اطلاعات آمد و گزارش مذاکرات [محسن] کنگرلو در ترکیه را با جمع بندی آورد و دو مامور عالیرتبه اطلاعات که همراه او بودند، نظر دادند. قرار شد سناریوهائی تهیه شود و ادامه دهند و نیز اطلاع داد که سیدهادی هاشمی به دادگاه احضار شده است. او [از تبعید در سمنان] به قم فرار کرده و در بیت آیت‌الله منتظری متحصن شده و آقای منتظری گفته‌اند که محاکمه آسید هادی، محاکمه من است. توصیه کردیم که مسأله سازی نشود.

دکتر ولایتی گزارش آقای قریشی را مطرح کرد که یکی از شیوخ امارات توصیه کرده که سعی کنیم با آمریکا درگیر نشویم. پیام آقای [تورگوت] اوزال نخست وزیر ترکیه هم همین بود که توسط آقای [میرحسین] موسوی مطرح شد.

پنجشنبه ۵ شهریور | ۲ محرم ۱۴۰۸ ۲۷ آگوست ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم و تا ده و نیم در جلسه علنی بودم. ظهر آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] و معاونش آقای [محسن صفایی] فراهانی آمدند و از کارهای صنایع سنگین درباره صنایع نظامی از قبیل پل سازی و مهمات سازی گزارشی دادند.

عصر [دکتر علیرضا مرندی] وزیر بهداشت و درمان و جمعی از داروسازان آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. هیأت تحریریه [روزنامه انگلیسی زبان] تهران تایمز آمدند.

---

۱ - در این دیدار که به مناسبت سالروز تولد محمد ذکریای رازی انجام شد، آقای هاشمی ضمن آگاهی از وضعیت دارویی کشور گفت: «در مجموع صنعت دارو سازی در کشور ما رضایت بخش است و از این بهتر هم می توانند باشد. در بین رشته هایی که بعد از انقلاب پیشرفت قابل توجهی داشته، صنعت داروسازی است. صنعت دارو، پیچیدگی هایی زیادی دارد و متکی به دانش و مواد و امکانات فنی و صنعتی است. و از طرفی، یکی از پول سازترین و مهمترین حربه های جریان های استکبار و توسعه طلب دنیا است. استقلال در صنعت دارو، رکنی در استقلال کشور است. اگر بنا بود وابستگی ما به دارو در زمان جنگ، مثل بعضی از اقلام حساس باشد، چه مشکلاتی در کشور ما به وجود می آمد. به واسطه همین چند گام مؤثری که برداشته شده است، مردم ما امروز احساس اطمینان و آسایش می کنند و در بین اقلام مصرفی مردم، دارو توانسته است از ثبات بیشتر و از نظر قیمت، وضع مناسبتری داشته باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

مصاحبه‌ای انجام شد[1]. گزارش کار و وضع روزنامه را دادند و استمداد کردند.
مسؤولان آب و برق خوزستان آمدند. گزارش کار و پروژه آب آشامیدنی جنوب کارون را دادند و استمداد کردند. سرتیپ صیاد شیرازی آمد؛ دنبال طرح ستاد قرارگاه است. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه رفتم.

جمعه ٦ شهریور | ۳ محرم ۱۴۰۸ — ۲۸ آگوست ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه تاریخ جنگ جهانی دوم گذشت. آقای [علیرضا] افشار آمد. برنامه‌ای برای بسیج بیشتر مردم به جبهه‌ها ارائه داد. در این طرح، امام حکم می‌کنند که هر فردی بین ۱۷ تا ۳۵ سال، باید سه ماه در سال خود را در اختیار بسیج سپاه قرار دهد که برای جنگ خدمت کنند. برای داغ کردن میدان جنگ، چاره‌ای جز این نداریم.
اگر سالانه یک میلیون داوطلب به جبهه بروند، می توانیم چهار حمله بزرگ در سال

---

۱ - آقای هاشمی در مصاحبه با روزنامه تهران تایمز، استراتژی ایران در جنگ، شرایط پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، روابط ایران با آمریکا، شوروی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و موضع و عملکرد آمریکا و اروپا در بحران خلیج فارس را تشریح کرد. نماینده امام در شورای عالی با این فرض که ریشه جنگ در خارج از عراق قرار دارد، تخصیص کل امکانات کشور به جنگ را به صلاح مملکت ندانست و استراتژی نظامی ایران را برداشتن گام های بزرگ تر در جنگ اعلام کرد و گفت:« اگر بخواهیم سریعاً تکلیف جنگ را یکسره کنیم، باید کل امکانات کشور را بسیج کنیم و یک تهاجم طولانی و گسترده را سازمان دهیم. این از یک جهت ممکن است مثبت باشد و احتمال تمام شدن جنگ را سریع‌تر می کند، ولی باید توجه داشت که عراق به تنهایی علیه ما نمی جنگد و ریشه جنگ در جای دیگری است و در عراق نیست. تضمینی نیست که اگر عراق را شکست دادیم، جنگ تمام شود، ما نباید این خطر را بپذیریم که کل نیروهای کشور را از حال عادی در بیاوریم و برای جنگ بسیج کنیم. ممکن است باز هم جنگ طولانی بشود، ولی ما همین وضع فعلی را که داریم، ادامه می دهیم؛ یعنی اینکه یک مقدار از نیروهای مان را صرف عادی کردن زندگی مردم کنیم که تولید و کار کنند و پشتوانه جنگ باشند و بتوانند جنگ را تحمل کنند و پشت جبهه قوی باشد، در جبهه هم پیشروی هایی در سال می کنیم و چند ضربه ای هم می‌زنیم؛ ما در حال حاضر در سال، هشت عملیات جدی انجام می دهیم. شاید بین این دو شیوه، شیوه دیگری نیز باشد، یعنی اینکه یک مقدار از امکانات عمومی را کم کنیم و به جنگ بیشتر بپردازیم و این فرض سوم است؛ مثلاً اگر الان با هزار گردان در سال می جنگیم، بعد از این، بر فرض با دو هزار گردان بجنگیم.» آقای هاشمی اعلام کرد که معرفی متجاوز و تنبیه آن، دو شرط اساسی ایران برای پذیرش قطعنامه است:« در قطعنامه ۵۹۸ وعده داده شده که گروهی بنشینند و متجاوز را مشخص کنند. ما اعتقاد داریم که باید اول، این کار را انجام دهند و بعد از آنکه اعلام شود عراق متجاوز است، فکر می کنیم ما زیاد نیاز به جنگ نداریم، براین اساس که شورای امنیت هم تعقیب کند که متجاوز کیفرش را ببیند. بعد از این مرحله ما می توانیم قطعنامه ۵۹۸ را بپذیریم. شورای امنیت گفته است که ما بعداً متجاوز را معلوم می کنیم. ما می گوییم اگر شما سوء نیت و قصد فریب دادن ما را ندارید، چرا آن را برای بعد گذاشته اید؟ همین حالا نظرتان را اعلام کنید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

ترتیب دهیم و در این صورت قدرت، مقاومت عراق در هم می شکند و اگر بخواهیم پیروزی نظامی تحصیل کنیم، راه آن همین است.

شنبه ۷ شهریور | ٤ محرم ١٤٠٨ ۲۹ آگوست ۱۹۸۷

تا ساعت نه صبح در منزل مطالعه می کردم. برای مراسم شروع به ساخت مجتمع [شهرک] شهید محلاتی به لویزان رفتم. بناست طرح خانه سازی برای افراد سپاه اجرا شود. در فاز اول سه هزار و پانصد واحد ساخته می شود. زمین آن پانصد هکتار است؛ اینجا قبلاً "مشرق الاذکار" بهائیان بوده و جای خوش آب و هوایی در شمال شرقی تهران است. بهایی ها در ارتفاعات نزدیک آنجا، به جان ناصر الدین شاه سوء قصد کرده‌اند و بعداً آنجا را به عنوان مشهد انتخاب نموده‌اند و اراضی اطراف را خریده یا تصرف کرده‌اند. حدود بیست چشمه و قنات دارد. امام با پیشنهاد من، به بنیاد مستضعفان دستور دادند که آنجا را به سپاه بدهند[1]. جای خوبی است. مهندسان توضیحات دادند. برای حضار صحبت و مصاحبه کردم.

ظهر نخست وزیر اطلاع داد که عراق به جزیره لاوان و یک سکوی نفتی در خلیج فارس حمله کرده است. قرار شد برای مقابله به مثل مشورت کنیم. شب مهمان آقای [صادق] خلخالی [نماینده قم] بودیم. از مکه برگشته است. در فاجعه مکه حضور داشته، ولی آسیب ندیده است. با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر و محسن رضایی درباره مقابله به مثل مشورت کردیم. درباره درخواست حکم امام برای حضور مردم در جبهه‌ها نیز تصمیم گیری شد.

یکشنبه ۸ شهریور | ٥ محرم ١٤٠٨ ۳۰ آگوست ۱۹۸۷

به مجلس آمدم. تا ساعت ده و نیم در جلسه بودم و ظهر چند ملاقات داشتم. عصر قرارگاه

---

۱ - این منطقه اکنون "شهرک شهید محلاتی" نام گرفته است و اغلب ساکنین آن از اعضای سپاه پاسداران و همچنین آزادگان سرافراز جنگ تحمیلی هستند. برای آگاهی از مکاتبات مربوط به درخواست آقای هاشمی و موافقت حضرت امام(ره). رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۴، امید و دلواپسی، به اهتمام سارا لاهوتی، سال ۱۳۶۵، » دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۶.

خاتم جلسه داشت. گزارش های حملات دیروز و امروز عراق به مراکز اقتصادی از خشکی و دریا مطرح شد[1]. دستور مقابله به مثل در دریا و خشکی داده شد. عراق امروز چند بار به نیروگاه‌های تبریز، همدان و مراکز نفتی در گچساران حمله کرده است[2].

شب در جلسه سران قوا، طرح خلیج فارس تایید شد. قرار شد [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر]، مسئول مذاکره با فرانسوی ها با پشتیبانی وزارت اطلاعات باشد و سناریوی مبادلات تصویب گردید. آیت الله خامنه‌ای گزارش ها درباره موفقیت‌های جهاد خود کفائی را آوردند که مبالغه داشت و کارهای نیمه تمام را به ایشان تکمیل شده گزارش کرده بودند. با آقای موسوی اردبیلی درباره کیفیت مسأله خیریه مرحوم [ابوالفضل] تولیت که تحت مدیریت نهضت آزادی قرار گرفته، مذاکره کردیم. در مورد آقای سید هادی هاشمی [داماد آیت الله منتظری]، نظر جلسه این شد که مصلحت نیست به دادگاه احضار

---

۱ - هواپیماهای عراقی در دومین روز از آغاز مجدد حملات خود در خلیج فارس، امروز دو فروند نفتکش جمهوری اسلامی ایران را به نام های "شوش" و"سوسنگرد" که نفت خام را از جزیره خارک برای انتقال به مخازن شناور نفت (نفتکش های مادر) به جزیره سیری حمل می کردند، با موشک هدف قرار دادند. در این حمله به کسی آسیب نرسید ولی موتور خانه نفتکش شوش آتش گرفت که پس از مدتی، آتش سوزی مهار شد. در این حال نشریه "ساندی تلگراف" به نقل از آگاهان نظامی نوشت:« هواپیماهای عراقی پس از حمله به یک نفتکش ایرانی در ترمینال نفتی جزیره سیری، در فرودگاه های عربستان سعودی سوخت گیری مجدد کردند.» همچنین هواپیماهای دشمن امروز به منظور انهدام تأسیسات جزیره خارک، یک فروند موشک اگزوسه به سوی این جزیره پرتاب کردند که این موشک با آتش پدافند جزیره هدف قرار گرفت و منهدم شد. امروز بار دیگر چاه های نفتی لاوان ـ که روز گذشته مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته بودند ـ آتش گرفت که پس از چند ساعت تلاش مأموران آتش نشانی، مهار شد. در حادثه امروز، بر اثر آتش گرفتن مخزن شماره دو گازوئیل این جزیره، چهل تن از مأموران آتش نشانی دچار سوختگی شدند و یک تن نیز به شهادت رسید. چند فروند هواپیمای عراقی در ساعت ۱۵:۰۰ تأسیسات نفتی "تلمبه خانه گوره" در منطقه گچساران را بمباران کردند که خساراتی برآن وارد آمد. خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره اهمیت این واحد در صادرات نفت و گزارش داد:« تأسیسات نفتی گوره که مرکز عظیم پمپاژ نفت خام به جزیره خارک برای صادرات می باشد، به گفته یک منبع مطلع و مسئول، برآورد های اولیه نشان می دهد که در حال حاضر امکان پمپاژ ۶۰۰ هزار بشکه در روز نفت به مبادی صدور نفت، در این تلمبه خانه از بین رفته است که یقیناً در امر صادرات نفت خام جمهوری اسلامی ایران تأثیر به سزایی خواهد داشت. تلمبه خانه گوره در صورتی که ایران قصد افزایش صادرات نفت خام خود را داشته باشد، می تواند بیش از چهار میلیون بشکه در روز نفت را به سمت جزیره خارک پمپاژ نماید. این تلمبه خانه در چند کیلومتری بندر گناوه قرار دارد، محلی که قرار است در صورت فراهم نبودن شرایط صدور نفت از جزیره خارک، ایران، از آن به عنوان مرکز مهم صادرات نفت خود استفاده کند.»

۲ - امروز نیروگاه برق تبریز، پست انتقال برق همدان، ایستگاه مخابراتی اسدآباد، ارتفاعات سومار و منطقه فاو هدف حملات هواپیماهای عراقی قرار گرفتند. هواپیماهای دشمن سه بار، در ساعت های ۱۲ ، ۱۵ و ۱۶ با تجاوز به حریم هوایی تبریز، نیروگاه ۷۰۰۰ مگاواتی و رادار اردوگاه شهید باکری این شهر را بمباران کردند که در این حمله دو مخزن نفت کوره ـ هر کدام به ظرفیت دو میلیون لیتر ـ و مخازن سوخت نیروگاه دچار آتش سوزی شدند و خساراتی نیز به بخش های دیگر این نیروگاه وارد آمد. در همدان نیز دو فروند هواپیمای عراقی در ساعت ۱۲:۰۰ و سه فروند دیگر در ساعت ۱۶:۰۰ ، یک پست انتقال برق و ایستگاه مخابراتی ماهواره ای شهید قندی اسد آباد را بمباران کردند که قسمت کلیدهای قدرت در پست انتقال برق همدان آسیب دید.

شود. چون عکس‌العمل آیت‌الله منتظری، باعث خسارت و مشکلات برای نظام است. قرار شد این نظریه به امام گفته شود. وزارت اطلاعات به خاطر اعترافات جدید برادرش سید مهدی هاشمی، خواستار بازجوئی از ایشان است.

دوشنبه ۹ شهریور | ٦ محرم ۱٤۰۸ — ۳۱ آگوست ۱۹۸۷

زود به مجلس آمدم. تا ساعت ده صبح در جلسه علنی بودم. پیش از ظهر آقای [محسن] کنگرلو آمد. درباره ماموریت مذاکره با فرانسوی ها، توضیحاتی دادم. قرار است فردا به پاکستان برود. ظهر آقایان [محمد جواد] لاریجانی، [سعید] رجائی خراسانی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند و گزارش مذاکرات در سازمان ملل و آلمان و ایتالیا را دادند. گفتند [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل سازمان ملل گفته بنا دارد محکومیت عراق را به عنوان متجاوز از شورای امنیت، قبل از آتش بس بگیرد؛ خبر خوبی است.

عصر [آقای ویل بولدیرف] سفیر شوروی آمد. دعوت [آقای تولکنوف و آقای ورسف] دو رئیس دو مجلس شوروی [= شورای عالی اتحاد و شورای عالی صلح] را از من برای سفر به شوروی آورد. پذیرفتم و گفتم اعلان کنند. تأکید داشت که برای تأثیر روی غربی‌ها و مخصوصاً آمریکایی‌ها، آقای [محمد جواد] لاریجانی به شورای امنیت و سازمان ملل برود.

آقای [حسین] شیخ‌الاسلام با اخوی محمود آمدند. گزارشی از وضع مسلمانان مجاهد مصر دادند. جمعی از پرسنل ش. م. ر. [= پدافند شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو] سپاه آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. جمعی از طلاب شرق عربستان سعودی آمدند. مقاله ای

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار با رزمندگان مرکز آموزش و کارکنان صنایع "ش.م.ر." سپاه پاسداران، با اشاره به استفاده گسترده دشمن از سلاح های شیمیایی در جبهه های سردشت و کردستان عراق، تأکید کرد:« بر اساس یک محاسبه روشن، صریح، عقلی و دینی ، ما باید مجهز به پدافند سلاح شیمیایی باشیم و هر سلاحی که کفر جهانی بخواهد علیه مسلمانان به کار گیرد، مسلمانان باید مجهز به ضد آن اسلحه باشند. ما شکی نداریم که دشمنان ما وقتی اسلحه شیمیایی را وارد میدان جنگ کردند، محاسبه کرده بودند که این سلاح، جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم می کند، زیرا فکر می کردند این سلاحی است که ما در مقابلش قدرت دفاعی نداریم. به نظر ما (مسئولان) حرکت سپاه پاسداران خیره کننده بود که این سلاح را سریع از دست دشمن گرفت و هدفی را که آنان در نظر داشتند، نقش برآب کرد.» ایشان با اشاره به رویدادها و تحولات خلیج فارس گفت:« آنها (ابر قدرتها) به نام امنیت و به نام پیشگیری از گسترش جنگ و به بهانه حمایت از شریان اقتصادی جهان، خلاف ادعای خود حرکت می کنند و تشنج و نا امنی را شدت می بخشند.» آقای هاشمی با

خواندند و من برای آنها صحبت کردم[1].

سه‌شنبه ۱۰ شهریور | ۷ محرم ۱۴۰۸ ۱ سپتامبر ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس آمدم. یاسر هم همراه من آمد. دارد مقدمات رفتن به جبهه را فراهم می کند. می خواهد همراه آقای اعرابی - پاسدار سابقمان - برود. در گزارش ها مسأله خلیج‌فارس در صدر است؛ تجدید حملات عراق به احتمال مقابله به مثل ما و نگرانی از درگیری با آمریکا.

تا ساعت ده و ربع در جلسه علنی بودم. به دفترم آمدم. اطلاع رسید که عراق به ذوب آهن اصفهان و چند مرکز نفتی و صنعتی حمله کرده است. قرار شد مقابله به مثل شدید باشد[2]. از نیروی هوایی ما کار چندانی در زدن داخل عراق بر نمی آید. بیشتر با توپخانه می زنیم.

اشاره به حملات شیمیایی عراق و کشتار زائران خانه خدا در مکه معظمه، بر سیاست مقابله به مثل در همه زمینه ها تأکید کرد:« اعلام می‌کنیم که به هر نحوی که به ما تجاوز شود، مانند خودشان با آنها برخورد می کنیم و این حکم قرآن است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - آقای هاشمی در دیدار با گروهی از طلاب حجازی مقیم قم، با بیان این مطلب که امکانات حجاز در حال حاضر به جای اینکه در خدمت اسلام باشد، در خدمت کفر است، گفت:« هر کشوری که از صف مبارزه جدا می شود، تحت حمایت عربستان قرار می گیرد و با کمک عربستان مشکلات آن برطرف می شود و هر کشور که در منطقه به نفع اسلام و مردم انقلاب بکند، امکانات عربستان به کار می افتد تا او را از پای درآورد. در همین مسئله انقلاب اسلامی ایران، ما می دانیم که "کنفرانس طایف" مبدأ همه ناملایمات منطقه است؛ جنگ و خیلی چیزها از آنجا شروع شده است، چقدر از پول های جزیره العرب را برداشته و بمب تهیه کرده اند و به سر مسلمانان ایران ریخته اند، به جرم اینکه مسلمانیم و حاضر نیستیم به آمریکا باج بدهیم و یا می خواهیم با اسرائیل بجنگیم.»

۲ - امروز حملات هوایی عراق با شدت بیشتری ادامه یافت و علاوه بر مراکز صنعتی و تأسیسات نفتی در اصفهان و خوزستان ، سه فروند کشتی نیز در خلیج فارس مورد حمله هواپیماهای دشمن قرار گرفتند. در این روز دو نفتکش را نیز قایق های توپ دار مورد حمله قرار دادند، براساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در ساعت ۴۵ : ۱۰ چهار فروند هواپیمای مهاجم عراقی در ارتفاع پایین پس از عبور از شیار شمال ـ جنوب کوه های مشرف بر ذوب آهن اصفهان، این مرکز صنعتی ـ کارگری را بمباران کردند. در این حمله، به بخش هایی از انبار تجهیزات کارگاه ریخته‌گری، موتور آب رسانی از انبار ماشین آلات، کارگاه ماشین آلات ساختمانی و انبار تجهیزات ذوب آهن خسارت هایی وارد آمد. مهم ترین واحد آسیب دیده در این حمله، واحد فولاد سازی "کنورتو" بوده که یکی از شش بخش اصلی خط تولید ذوب آهن است. در این حمله ۲۵ تن شهید و حدود ۱۶۰ تن زخمی شدند. از سوی دیگر در حمله هواپیماهای دشمن به تلمبه خانه شماره ۲ خط لوله مارون ـ اصفهان ـ رامهرمز و تأسیسات تزریق گاز و تلمبه خانه نفتی "کرنج" واقع در شمال رامهرمز، خسارت هایی به این واحدها وارد شد. "کشت و صنعت کارون" در حومه شوشتر نیز صبح امروز دوبار مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. در این حملات، ۱۰ تن زخمی شدند و خسارت هایی براین واحد صنعتی وارد آمد. یکی از هواپیمای دشمن به هنگام بازگشت از مأموریت خود با آتش پدافند زمین به هوای نیروگاه رامین در رودخانه کارون سرنگون شد و خلبان آن به اسارت درآمد.

ظهر یکی از منشیان کمیسیون ها از [آقای سید حسین موسویان] مدیر کل ادارات مجلس گله داشت. آقای قدرت علیخانی آمد. از امام جمعه قزوین گله دارد؛ آنها در گذشته با هم بودند و اخیراً اختلاف پیدا کرده‌اند. توصیه به همکاری کردم.

عصر آقای [علیرضا] معیری معاون [سیاسی] نخست وزیر آمد. گزارش سفر به ترکیه، بلغارستان و چکسلواکی را داد. آقای [سعید] رجائی خراسانی [نماینده دائم ایران نزد سازمان ملل] آمد. با سفر رئیس جمهور به سازمان ملل اظهار مخالفت کرد و در مورد مصاحبه‌های من انتقاداتی داشت و برای سیاست تبلیغاتی در سازمان ملل مشورت کرد.

تا شب در دفترم کار کردم. از سرما خوردگی کمی تب داشتم. احمدآقا درباره درخواست سپاه برای تحویل هلی کوپتر از ارتش و داشتن سهمیه از وابستگان نظامی در سفارتخانه های ما در خارج، تلفنی صحبت کرد. از تاخیر مقابله به مثل در دریا و ضعف آن در خشکی گله داشت.

چهارشنبه ۱۱ شهریور | ۸ محرم ۱۴۰۸ ۲ سپتامبر ۱۹۸۷

مجلس را برای شرکت نمایندگان در مراسم [عاشورا و تاسوعا در] شهرستان ها تعطیل کردیم. در منزل ماندم. کارهای مجلس را به خانه بردم و انجام دادم. نیروهای دریایی ارتش و سپاه اطلاع دادند که دیروز و امروز، شش کشتی راهی کویت و عربستان آسیب دیده‌اند[1]. موشکی هم به سوی بندر احمدی کویت پرتاب شده است[2].

---

۱ - در ادامه حمله به کشتی ها در خلیج فارس ، امروز نیز سه فروند نفتکش مورد حمله قایق های توپ دار قرار گرفتند و آسیب دیدند. سه نفتکش "نیسین مارو"، "دایامون مارین" و "دافنی" به ترتیب با پرچم ژاپن، لیبریا و یونان حرکت می کردند. نفتکش ۱۸۰ هزار و ۲۰۰ تنی "نیسین مارو" که حامل نفت ایران به مقصد ژاپن بود، در جنوب خلیج فارس مورد حمله قایق های تندرو قرار گرفت و سه راکت به آن برخورد کرد. دومین کشتی نیز که "دایاموند مارین" نام دارد مورد حمله همین نوع قایق ها قرار گرفت و آسیب دید. این کشتی که ۲۷۷ هزار تن ظرفیت دارد، متعلق به شرکت ژاپنی "نیپون یوسکن کی" است. همچنین کشتی یونانی "دافنی" نیز که ۴۸۴ هزار و ۷۳ تن ظرفیت دارد، امروز مورد حمله قایق های توپ‌دار قرار گرفته و آسیب دید.

۲ - صبح امروز یک فروند موشک کرم ابریشم در ساحل کویت فرود آمد. این موشک در سه کیلومتری نفتکش های کویتی تحت حفاظت ناوهای آمریکایی در بندر الاحمدی کویت که در حال بارگیری بودند، برخورد کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس در این باره به نقل از یک مقام ارشد دولتی در خلیج فارس گزارش داد:« یک موشک ضد کشتی کرم ابریشم صبح امروز حدود ساعت چهار به وقت محلی از شبه جزیره فاو در انتهای جنوبی آبراه شط العرب [اروند رود] که به خلیج فارس منتهی می شود، شلیک شد.» این خبرگزاری افزود:« این موشک که به سمت پایانه نفتی کویت شلیک شده بود هیچ خسارتی به بار نیاورد.» کویت در واکنش به این حمله موشکی، ایران را به تجاوز علیه کویت متهم کرد و به کاردار و دیپلمات های ایرانی یک هفته فرصت داد تا خاک آن کشور را ترک کنند. معاون ☜

عصر آقایان محسن رضایی و [محمدباقر] ذوالقدر آمدند. برنامه های قرارگاه رمضان در داخل عراق را گفتند و درباره سیاست همکاری با معارضان عراقی بحث شد. اطلاع دادند که عراق به چند مرکز اقتصادی حمله کرده است؛ قرار شد مقابله به مثل ادامه یابد[1].

پنجشنبه ۱۲ شهریور | ۹ محرم ۱۴۰۸ ۳ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت و به مسائل جنگ پرداختم. عفت و مهدی برای زیارت و عزاداری به قم رفتند. گزارشی از جریان عملیات در پاکستان رسید[2]. عصر

نخست‌وزیر و وزیر خارجه کویت نیز در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد:« ایران با شلیک موشک به برخی از مناطق مسکونی و تأسیسات صنعتی جنوب کویت خساراتی به آنها وارد آورده است.» وی در این نامه اظهار امیدواری کرده است که دبیرکل سازمان ملل برای باز داشتن ایران از ادامه حمله به کویت بی درنگ با شورای امنیت مشورت کند.» معاون نخست وزیر کویت سپس افزوده است: «موشکی که به یک منطقه صنعتی در جنوب پایتخت برخورد کرد، از نوع سیلک ورم (کرم ابریشم) ساخت چین بوده و این مسئله از سوی کارشناسان مورد تایید قرار گرفته است.»

۱ - امروز پنج فروند هواپیمای دشمن پست انتقال نیروی "انجیرک" در ۲۰ کیلومتری شرق اراک و "کارخانه هپکو" را بمباران کردند. در این حمله به بخش هایی از پست انتقال نیرو و انبار کارخانه و کارگاه های تولیدی هپکو خسارت هایی وارد شد و یک نفر به شهادت رسید و حدود پانزده تن زخمی شدند. یک فروند از هواپیماهای دشمن با پرتاب چند پدافند منطقه سرنگون کرد. در منطقه آغاجاری نیز هواپیماهای دشمن با پرتاب چند راکت به تأسیسات واحد ان. جی. ال ـ ۲۰۰ ، زیان هایی به آن وارد کردند. در این حمله یک فروند از هواپیماها با آتش پدافند هوایی سرنگون شد. همچنین چند فروند هواپیمای عراقی در دو حمله جداگانه نیروگاه برق قدیم "آران" نهاوند و بخش "گروس" در جنوب شهر کنگاور در استان باختران را بمباران کردند که براثر آن تجاوز سه تن از کشاورزان روستای گروس شهید شدند و به نیروگاه برق آران نیز خسارت‌های جزئی وارد آمد. خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز گزارش داد که هواپیماهای دشمن در ساعت ۱۶:۳۰ سکوی "بهرگان۳" واقع در شمالی ترین نقطه خلیج فارس و شمال جزیره بهرگان را مورد حمله قرار دادند که براثر آن، چند تن زخمی شدند. افزون بر این، هواپیماهای دشمن دیوار صوتی را بر فراز شهرهای همدان و خرم آباد شکستند. در پاسخ به حملات هوایی دشمن، خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تأسیسات اقتصادی شهر سلیمانیه عراق را به شدت بمباران کردند.

۲ - وزارت اطلاعات پایگاه های استقرار سازمان مجاهدین خلق(منافقین) در خاک پاکستان را منهدم کرد. اما در این سو، نزدیک به ۳۰۰ تن از افراد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از حدود ساعت ۲۲ با پشتیبانی آتش توپخانه عراق، پایگاه گردان ۲۰۵ ژاندارمری را در منطقه "میمه" در شرق مهران مورد حمله قرار دادند و تصرف کردند. در این حمله که با بهره گیری از اطلاعات دقیق و جامع از پایگاه که پیش از حمله دریافت شده بود ـ و با کمک برخی افراد نفوذی انجام شد، شماری از نیروهای پایگاه به شهادت رسیدند و ۱۶ تن اسیر شدند. همچنین پایگاه روستای "سمان" در سنندج مورد حمله چته های "حزب دمکرات" قرار گرفت. افراد ضد انقلاب در حمله به این پایگاه یک نفر از نیروهای خودی را شهید و دو نفر را اسیر کردند. "مسعود رجوی" سرکرده سازمان مجاهدین خلق [منافقین] خواستار تحریم خرید نفت از ایران و صدور اسلحه به آن شد. وی با صدور اطلاعیه ای در مقر این سازمان در بغداد، اعلام کرد:« جامعه بین المللی باید قاطعانه ایران را در خصوص سلاح نفت تحریم کند، زیرا این رژیم مسئول اعدام ۷۰ هزار تن و ماجرا جویی های جنایتکارانه همچون

مسئولان شمیران آمدند و برای خانه و محل کار سیل زده‌های تجریش استمداد کردند. به نخست وزیر تأکید کردم که جدیت کنند.

از سواحل کویت صدای انفجاری شنیده شده، احتمالاً به جزیره فیلکه خورده است. قرار شد دو موشک دیگر از نوع ساحل به دریا و هدایت شونده که نود کیلو متر برد دارد، به اهدافی پرتاب کنیم. امروز عراق شرارت عمده‌ای نداشته و دستور داده شده است که مقابله به مثل متوقف شود.

جمعه ۱۳ شهریور | ۱۰ محرم ۱۴۰۸ ٤ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و ربع در منزل بودم. پیش از ظهر آقای [سیدعباس] کوثری [مداح اهل بیت] آمد. [به مناسبت روز عاشورای حسینی] ذکر مصیبت کرد.

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه ها را درباره عاشورا، جمعه خونین مکه و حضور آمریکا در خلیج‌فارس ایراد کردم[1]. عصر هم عمدتاً به مطالعه گذشت.

دکتر روحانی اطلاع داد که عراق به چند منطقه حمله کرده، ولی تخریب مهمی نداشته

ماجرای مکه است.» رجوی تحولات جنگ ایران وعراق، رویدادهای خلیج فارس و امکان آغاز جنگ جدید شهرها را انگیزه درخواست خود اعلام کرده است.

۱ - آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه امروز تهران به بررسی اهداف آمریکا در منطقه، تحولات و حوادث اخیر در خلیج فارس و سیاست ایران در مورد آنها پرداخت. ایشان تضعیف انقلاب اسلامی، حفظ شخص صدام، جلوگیری از وحدت جهان اسلام، حضور دوباره و قوی در منطقه و بالاخره حفظ اسرائیل را جزو اهداف آمریکا در منطقه برشمرد و گفت: «چرخش صحنه جنگ به نفع ایران و در خطر قرار گرفتن منافع، آنها (آمریکایی ها) را وادار کرده است تا خود در منطقه حضور یابند. آنها درخواست کمک رژیم های مرتجع همچون کویت و عربستان را بهانه این امر قرار دادند.» ایشان با اشاره به مین های پیدا شده در "خورفکان" و حمله قایق های تندرو به یک نفتکش ژاپنی که حامل نفت ایران بود و ورود قایق های تندرو آمریکا به منطقه و برخورد یک موشک سرگردان به سواحل کویت، وقوع این حوادث را در جهت برنامه های آمریکا برای گسترش نفوذ و حضور خود در منطقه دانست و افزود: «آمریکایی ها در تلاش هستند تا آن چنان خطر را برای کشورهای منطقه جدی کنند که آنها را وادار به دادن پایگاه و تسهیلات به ناوگان آمریکایی نمایند.» ایشان در مورد مواضع ایران در مورد آمریکا و بحران خلیج فارس گفت: «سیاست ما این است تا ضمن استفاده از همه امکانات خود برای مقابله به مثل، در عین حال با بردباری در مسایل، از چنین حوادثی اجتناب نماییم، اما در مقابل، هر اقدام خصمانه ای را با درایت پاسخ خواهیم داد تا بهانه‌ای به دست دشمنان اسلام ندهیم. من با صراحت می گویم با مجموعه اطلاعاتی که ما داریم و با مجموعه محاسباتی که می کنیم، این اتفاق ممکن است پیش بیاید که درگیری از حد ما و عراق تجاوز بکند؛ ما باید برای آن روز آماده باشیم. اگر چنین اتفاقی بیفتد، آمریکا، فرانسه، عربستان و کویت از همه بیشتر پشیمان خواهند شد. عقب نشینی دیروز ناوگان آمریکا به مراتب بهتر از امروز بود و عقب نشینی امروز بهتر از فرداست چرا که عقب نشینی ناوگان آمریکا ساده تر از بردن جنازه های سربازان آمریکایی با پرچم آمریکا از منطقه به کشورشان است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

و یک هواپیمایش ساقط شده است. درباره مقابله به مثل مشورت کرد. گفتم امشب صرف نظر کنیم. سپاه اطلاع داد که عملیات فتح ۱۰ در سیدکان عراق انجام شده است[1]. قرار شد خبرش را فردا بدهیم.

شب عفت به بدرقه خواهرش قدسی رفت و دیر وقت برگشت. بچه های دیگر هم رفتند و در مراسم عزاداری شرکت کردند.

شنبه ۱٤ شهریور | ۱۱ محرم ۱٤۰۸   ۵ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. تاریخ جنگ جهانی دوم و فیلمنامه «همفر» مأمور انگلیسی را خواندم که عبدالوهاب را تحریک کرد تا وهابیت را برای ایجاد تفرقه در مسلمین ایجاد کند. آقای محسن رضایی تلفنی خواست خبر عملیات جدیدی را که نیروها و معارضان داخلی در داخل عراق انجام داده‌اند، امروز اعلان کنیم[2]. اکبر آقا اعرابی آمد.

---

۱ - عملیات نفوذی فتح ۱۰ در ساعت ۱:۴۵ با رمز "یااباعبدالله الحسین (ع)" در شمال استان کرکوک عراق آغاز شد. نیروهای تیپ ۵۸ مالک اشتر، پیشمرگان حزب الله کرد عراق و مجاهدین عراقی با نفوذ به داخل عراق مواضع دشمن در منطقه سیدکان واقع در شمال استان اربیل را مورد حمله قرار دادند. نیروهای عمل کننده در نخستین ساعات عملیات، توانستند پنج ارتفاع را در این منطقه به تصرف درآورند و همه پایگاه های حفاظتی و کمین های دشمن را منهدم کنند. در این عملیات غافلگیرانه مقر فرماندهی گردان "الخفیفه" منهدم شد و همه نیروهای آن کشته یا زخمی شدند. به گزارش قرارگاه رمضان، در این عملیات دو دستگاه بولدوزر، پانزده دستگاه خودرو نظامی سبک و سنگین، دو قبضه ضد هوایی و مقادیری سلاح به غنیمت نیروهای خودی درآمد. همچنین بیش از پانصد تن از افراد دشمن کشته یا زخمی شدند. همچنین در این منطقه نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق در حمله به بخش "شوشین" توانستند این بخش را به مدت ۲۴ ساعت در اختیار کامل خود درآورند. در این حمله حدود ۲۰۰ تن از جاش های گردان خفیفه ۱۵۶ و ۱۵۳ کشته شدند که در میان آنها فرمانده گردان خفیفه ۱۵۳ به نام "حسین اسماعیل احمد" و سه افسر دیگر ارتش و استخبارات عراق دیده می شدند. ۴۰ تن از نیروهای نظامی عراق نیز به اسارت درآمدند و به مناطق آزاد شده انتقال یافتند. افزون براین، ۲۰ دستگاه انواع خودرو نظامی، یک دستگاه زره پوش و مقداری سلاح و بی سیم به غنیمت گرفته شد. توپخانه اتحادیه میهنی کردستان عراق به تلافی حمله شیمیایی ارتش صدام در روز گذشته به روستاهای کردستان عراق، سربازخانه "اسوس" و و "قلعه سربازخانه" در استان سلیمانیه را به شدت گلوله باران کرد که بر اثر آن، خسارت هایی به دشمن وارد آمد و یک انبار مهمات منهدم شد.

۲ - تکاوران تیپ ۷۵ ظفر سپاه و نیروهای مبارز کرد عراق تحت فرماندهی قرارگاه رمضان، همزمان با عاشورای حسینی موفق شدند در چهار عملیات نفوذی و جداگانه در استان کرکوک، اربیل، سلیمانیه و موصل ضرباتی به دشمن وارد کنند. نیروهای تیپ ۷۵ ظفر و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق ـ شاخه ۳، با اجرای کمین های گوناگون یکی از نیروهای سرشناس اطلاعاتی کرکوک به نام "محمد نامدار" را اعدام کردند و یک جاش به نام "عمرمحمد " از اهالی موصل را به اسارت گرفتند. همچنین این نیروها در کمین دیگری در جاده کرکوک، یک دستگاه تانکر سوخت رسان وزارت راه و ترابری عراق را همراه با سه سرنشین آن به غنیمت گرفتند و به مناطق آزاد شده انتقال دادند. دو تن از دستگیرشدگان اهل مصر و یک تن دیگر اهل سودان هستند. در جاده "طوز خرماتو" و "قادر کرم" نیز دو دستگاه خودرو عراقی به کمین نیروهای کرد برخورد کرد و هشت تن از سرنشینان کشته شدند. در همین حال فرمانده ←

گزارش وضع جبهه را داد و اجازه خواست که یاسر را با خود به جبهه ببرد؛ موافقت کردم.

عصر فرماندهان سپاه آمدند. برای برنامه بسیج عمومی اعزام به جبهه که بناست عملی شود، مذاکره و تصمیم‌گیری شد تا در طول ۱۵ ماه، دو میلیون ونیم بسیجی را به جبهه اعزام کنیم. برای مخارج آن اضافه بر بودجه موجود جنگ، پنجاه میلیارد تومان و یک میلیارد ونیم دلار لازم است.

آقای [محمدعلی] انصاری از طرف حضرت امام آمد و از وضع مقابله به مثل پرسید. آقای [محمد] فروزنده توضیح داد. امروز عراق شرارت عمده ای نکرده و تیر غیب هم به جای حساسی نخورده است[1]. احمدآقا گفت کویت از دست ایران به سازمان ملل شکایت

قرارگاه رمضان اعلام کرد:« یک فروند هلی کوپتر رژیم عراق در منطقه کرکوک و نزدیک شهر "چمچال" توسط پدافند نیروهای تیپ ۷۵ ظفر سرنگون شد و شش سرنشین آن به هلاکت رسیدند.» همچنین شهر "دینارته" عراق چهار ساعت در اختیار نیروهای مبارز کرد بود. پیشمرگان حزب الله کرد عراق در ساعت ۳۰ دقیقه نیمه شب در یک عملیات نفوذی در ۱۷۰ کیلومتری داخل خاک عراق به شهر دینارته از توابع استان موصل حمله کردند و با غافلگیر کردن دشمن، در مراکز مهم نظامی و اقتصادی این شهر مستقر شدند و تمام راه های ارتباطی شهر را به مدت چهار ساعت در اختیار خود گرفتند. در این عملیات نفوذی بیش از ۱۳۶ تن از افراد دشمن کشته یا زخمی شدند و بیش از ۱۳ دستگاه خودرو و مقداری سلاح سبک منهدم شد.

۱ - پس از یک هفته حملات گسترده به نفتکش ها و مراکز نفتی در خلیج فارس و برخورد یک فروند موشک به ساحل کویت، امروز عراق به حملات هوایی خود پایان داد و به این ترتیب آتش بس غیر رسمی در جنگ نفتکش ها برقرار شد. در طول یک هفته جنگ نفتکش ها، به ده فروند نفتکش، سه فروند کشتی بازرگانی و پشتیبانی و یک فروند یدک کش حمله شد که از این تعداد، هفت فروند مورد حمله هواپیماها قرار گرفتند. خبرگزاری فرانسه در گزارشی از مرحله جدید جنگ نفتکش ها گزارش داد:« به دنبال از سرگیری حملات عراق علیه نفتکش ها که از هفتم شهریورماه آغاز شد، این دوره سیاه ترین دوران در جنگ نفتکش ها لقب گرفت. در این مدت بیش از چهارده کشتی با شدت و ضعف مورد اصابت قرار گرفتند. امروز در خلیج فارس آرامش نسبی برقرار بود. این مرحله از درگیری ها با شلیک یک فروند موشک از سوی ایران به سمت کویت وارد مرحله جدیدتری گردید.» روزنامه تایمز لندن در ارزیابی حضور نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس و حملات عراق به نفتکش ها، با بیان این مطلب که "گمان می رود ایران در نخستین دور جنگ نفتکش ها پیروز شده است" نوشت :« با توجه به ماهیت حساب شده حملاتی که ایران به تلافی تهاجمات اخیر عراق صورت داده، به نظر می رسد ایرانی ها در دور اول جنگ تازه نفتکش ها برنده خواهند شد. تهران حضور روزافزون و پرقدرت آمریکا در منطقه را نا چیز شمرده و تجاوزات عراق را به گونه ای پاسخ داده است که عواقب سختی به همراه نداشته باشد. تهاجم جدید عراق به پیروزی تاکتیکی ایران منجر شده و نتیجه آن، مقاومت بیشتر آمریکایی ها و تشدید نگرانی متحدین عرب عراق بوده است.» آبزرور نیز در بررسی سیاست مقابله به مثل جمهوری اسلامی در بحران خلیج فارس نوشت:« عراق حتی الامکان می کوشد تا ایران را به حمله ای علیه یک کشتی آمریکایی تحریک کند تا آمریکا دست به حمله ای تلافی جویانه علیه ایران بزند. ایران تاکنون چه در جبهه نظامی و چه در صحنه دیپلماتیک با مهارت و احتیاط عمل کرده است به گونه ای که مخالفان ایران انتظار آن را نداشته اند، اما بزرگترین خطر ممکن است بر حسب تصادف پیش بیاید و پاسداران ایرانی مخصوصاً در شب به هدف هایی عوضی حمله کنند و آن وقت حوزه خلیج فارس به برخورد و درگیری شدیدتری گرفتار شود.»

کرده که به مراکز صنعتی و مسکونی موشک زده است[1].

یکشنبه ۱۵ شهریور | ۱۲ محرم ۱۴۰۸ ۶ سپتامبر ۱۹۸۷

یاسر همراه آقای [اکبر] اعرابی - پاسدار سابقمان - عازم جبهه بود. دعای سفر در گوش او خواندم. عفت او را بدرقه کرد و صدقه داد. قرار بود لباس بسیجی‌اش را به منزل بیاورند تا مادرش به اندازه او کوتاه کند، نرسید و مایه اندوه عفت شد.

در سر راه مجلس بازدیدی از دبیر خانه و مرکز مرمت و صحافی کتب مجلس کردم. مرکز مرمت [کتابخانه مجلس شورای اسلامی] مدرن و خوب است. مراجعات مردم برای حل مشکلاتشان به دبیرخانه [مجلس] خیلی زیاد است. ساعت نه و نیم به مجلس رسیدم. خانواده‌های اسرا و مفقودان آمدند. به مناسبت روز اسیر، بچه‌ها سرود حزن انگیزی خواندند. برای آنها صحبت کردم[2].

---

۱ - برخورد موشک به بندر الاحمدی کویت واکنش های گوناگون کشورهای منطقه را در پی داشته است. دولت کویت با تشکیل نشستی این حمله را با عنوان "عملیات تجاوزکارانه مکرر ایران علیه کویت" محکوم کرد و آن را خطر ناک ترین اقدام در وخیم تر شدن جنگ خلیج فارس خواند. راشد عبدالعزیز الراشد وزیر مشاور در امور هیأت دولت کویت، گفت:« تحقیقات حاکی از آن است که این موشک ساخت چین بوده و دارای بردی معادل ۸۰ مایل است.» وی افزود:« طبق گزارشات نقاط کنترل و نگهبانی جزایر "بوبیان" و "فیلکه"، این موشک توسط ایران شلیک شده است.» همچنین در این نشست در مورد اعزام یک هیأت سیاسی به شوروی تصمیم گیری شد. شیخ صباح الاحمد معاون نخست وزیر کویت ـ که وزیر خارجه این کشور نیز است ـ در پی یافتن راه حلی برای پایان دادن به جنگ خلیج فارس است.

۲ - در این دیدار که گروهی از خانواده های اسراء و مفقودین استان های کرمان، هرمزگان، بوشهر و سیستان و بلوچستان به همراه جمعی از فرزندان اسراء و مفقودین شهرستان مشهد حضور داشته اند، ابتدا سرودی توسط فرزندان اسراء و شهداء و مفقودین مشهد اجرا شد. آنگاه مسئول کمیسیون حمایت از اسراء و مفقودین ایرانی در شورای عالی دفاع، گزارشی از اقدامات انجام شده ارائه کرد. سپس آقای هاشمی ضمن خیر مقدم به حاضرین گفت: «ما آن موقع که در زمان رژیم سابقه مبارزه می کردیم و معمولا هم در زندان به سر می بردیم، کمتر در خانه هایمان بودیم. در آنجا یک اصطلاحی بود که می گفتیم زندان، قلک انقلاب و مبارزه است. یعنی افرادی که زندان می‌روند، مانند ذخیره ای برای مواقع ضروری که لازم باشد بیرون می آیند و مبارزه می کنند. حال می فهمیم قلک تعبیر کافی نیست. انسان‌ها آنجا ساخته می شوند. افراد در زندان خیلی رشد می کنند. بچه ها و برادران و شوهران شما و بستگان شما، آنهائی که در عراق اسیر هستند، شما فکر نکنید که اینها خسارت برای شما خواهد بود، اینها اجر نزد خداوند دارند و ثوابی که در نامه عمل آنها نوشته می شود و ثوابی که در نامه عمل شما به خاطر صبر و رنجی که در فراغ آنها می برید، نوشته می شود، همه اینها به جای خودش محفوظ است. به خاطر اینکه بیشترین ارزش را برای انسان دارد. شما اگر آن طوری که اسلام و قرآن خواسته است صبر بکنید، از خداوند شکوه نکنید، راضی باشید به رضای خداوند که مطمئناً شما شکوه نمی‌کنید این صبر جمیل است و این برای فرزندان و خود شما می تواند بسیار مفید باشد. انشاء الله وقتی که اسراء برگشتند و شما آنها را دیدید می بینید که چه مقدار اینها در دوران اسارت رشد کرده اند. انسان خیلی بیشتر از دانشگاه ها و جاهای دیگر به خودش می رسد. فکر می کند، عبادت می کند و فرصت احساس دارد که به خاطر خداوند اینجاست. یعنی هر وقت

سفرا و کارداران ما در کشورهای اسلامی و آفریقایی آمدند. برای آنها صحبت طولانی درباره لزوم تحکیم روابط با کشورهای اسلامی و آفریقایی کردم[1]. آقای مسیح مهاجری از روزنامه جمهوری اسلامی آمد. از اوضاع سیاسی و نظامی استفسار کرد. از اینکه گویا بناست اختیارات ایشان را در روزنامه محدود کنند، نگرانی دارد.

ظهر [آقای سیدمحمد کاظم خوانساری] سفیرمان در لیبی آمد و از توجه جدید لیبی به ایران و برگشت از سیاست انتقاد آمیز چند ماه پیش گفت و درباره دادن بعضی از امکانات نظامی و تعمیر هواپیماهای آنها برای جنگ چاد گفت و قرار شد در مقابل گرفتن بعضی چیزها، چیزهائی بدهیم. به آقای [اکبر] ترکان گفتم که همراهی کنند[2].

احساس غریب، تنهائی و جدایی می کند، توجه پیدا می کند که اینکار را به خاطر خداوند تحمل می کند و همین انسان را تصفیه و پاک‌تر می کند و رشد می دهد. من امیدوارم که جنگ به زودی با پیروزی اسلام تمام بشود و همه اسراء و مفقودان ما برگردند و دوباره خانه های شما را روشن بکنند و این هم دور نیست. خداوند می تواند این را در مدت کوتاهی نصیب ما بکند، ما تابع تقدیر الهی هستیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - آقای هاشمی در دیدار با اعضای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عربی و آفریقایی، پشتیبانی کویت از عراق و دعوت از آمریکا، سیاست جمهوری اسلامی ایران در برای بحران خلیج فارس و روابط با کشورهای اسلامی و کشورهای غربی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و در مورد نقش کویت در هفت سال جنگ ایران و عراق گفت:« کویت در این مدت به رژیم آتش افروز صدام که بمب بر سر مردم ما می ریزد و چاه های نفت را هدف می گیرد، کمک کرده است، اما ما در مقابل این شرارت صبر کرده ایم، ما هنوز هم به آنان می گوییم که اعلام بی طرفی کنند؛ آنان اگر این بی طرفی را اعلام کنند از گناه هفت ساله آنان می گذریم.» آقای هاشمی خطاب به سران کویت گفت:« شما قبول دارید که رژیم عراق جنگ را آغاز کرد، اما باز از این رژیم حمایت می‌کنید . اگر شما جانب حق و عدالت را رعایت کنید، می توانیم با هم دوست باشیم. در عرف بین المللی اگر کسی شریک جنگی شود، طرف مقابل حق دارد از شرکای جنگ انتقام بگیرد.» ایشان با اشاره به تحولات جاری خلیج فارس گفت:« مسئول حوادث خلیج فارس آمریکاست. ما فکر نمی‌کنیم که رژیم کویت با میل خود آمریکا را دعوت کرده باشد؛ به کویتی ها تکلیف شده است که به این کارها دست بزنند. ما اجازه نمی‌دهیم که کویت از این آشوب طلبی ها بهره گیری کند و دست ما را در خلیج فارس ببندد. اگر حاکمان کویت بد کنند، ممکن است سیلی بخورند. ما خود را برای اوضاع بحرانی آماده کرده ایم. خلیج فارس مانند لبنان نیست، در اینجا آمریکایی ها خسارت های زیادی را متحمل خواهند شد. آنان کشورهای حوزه خلیج فارس را به زحمت می اندازند. از لبنان بیرون رفتن آسان بود، اما بیرون رفتن از خلیج فارس آسان نیست.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - وزارت خارجه آمریکا با ارسال نامه ای تهدیدآمیز به دولت لیبی، این کشور را از تحویل مین های دریایی ساخت شوروی به ایران بر حذر داشت. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت:« واشنگتن به لیبی هشدار داده است که در پی دریافت سلاح های شیمیایی از ایران در ازای تحویل مین های دریایی پیشرفته، نباشد. واشنگتن در پیام هایی به لیبی که از طریق طرف های ثالث تسلیم شده، به طور جدی مواضع خود را در این مورد ابراز کرده است.» شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا نیز در توضیح این خبر گفت:«منابع جاسوسی آمریکا ماه گذشته متوجه شدند که "قذافی"رهبر لیبی، قصد دارد مین های پیچیده ساخت شوروی را جهت استفاده در خلیج فارس در اختیار ایران قرار دهد. این مدل مین ها دارای توانایی خنثی ساختن اقدامات مین یابی می باشد.» این تلویزیون ادعا کرد:« قرار بود ایرانی ها در مقابل، به لیبی تسلیحات کشنده شیمیایی جهت استفاده در جنگ لیبی با چاد تحویل دهند.» در حالی که دولت آمریکا به این گزارش تلویزیونی و ادعاهای دولت چاد مبنی بر استفاده لیبی از سلاح های شیمیایی، استناد می کند. شبکه تلویزیونی ای.بی.سی. آمریکا در

عصر آقای منصور [نادری] رهبر حرکت اسلامی افغانستان - آمد. تاکید بر اسلامی بودن و نه شرقی و نه غربی بودن سازمانش کرد و می گفت هفتاد هزار رزمنده دارند و مخالف تحمیل ظاهر شاه و مهره های شرق و غرب است و استمداد از ما دارند و سیاست ما را تائید می کنند؛ قول مساعدت دادم.

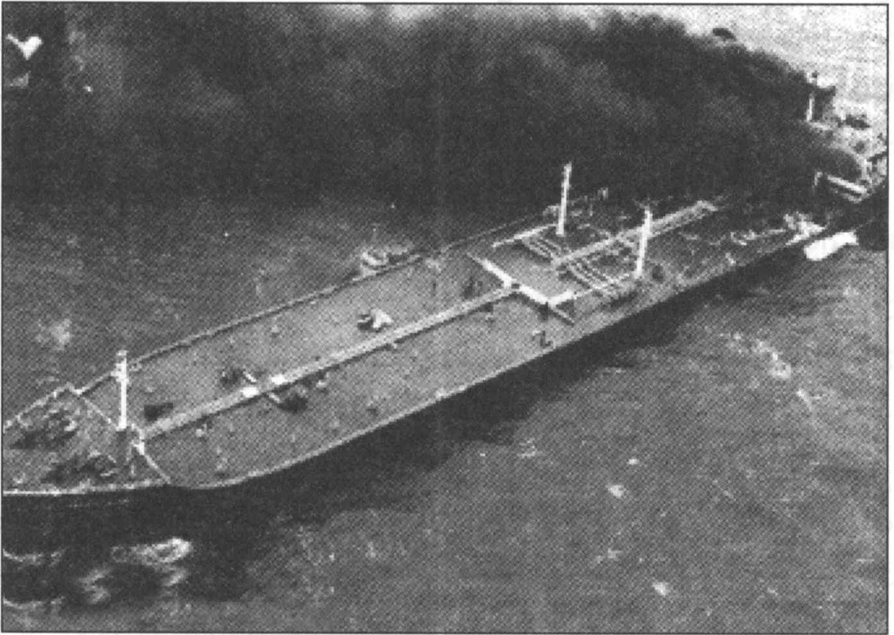
فرماندهان تیپ ۲ رمضان زرهی سپاه آمدند و گزارش وضع تیپ را دادند وکمک تبلیغی و مادی خواستند. آقای سید محمود هاشمی [شاهرودی] سخنگوی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق آمد. گزارش سفر هیأت مجلس به عربستان را داد. استقبال خوبی از آنها شده، ولی به خاطر حادثه جمعه خونین ابتر مانده و مذاکراتی انجام نداده‌اند و برای حرکت‌های مستقل در جنوب عراق قول کمک گرفت.

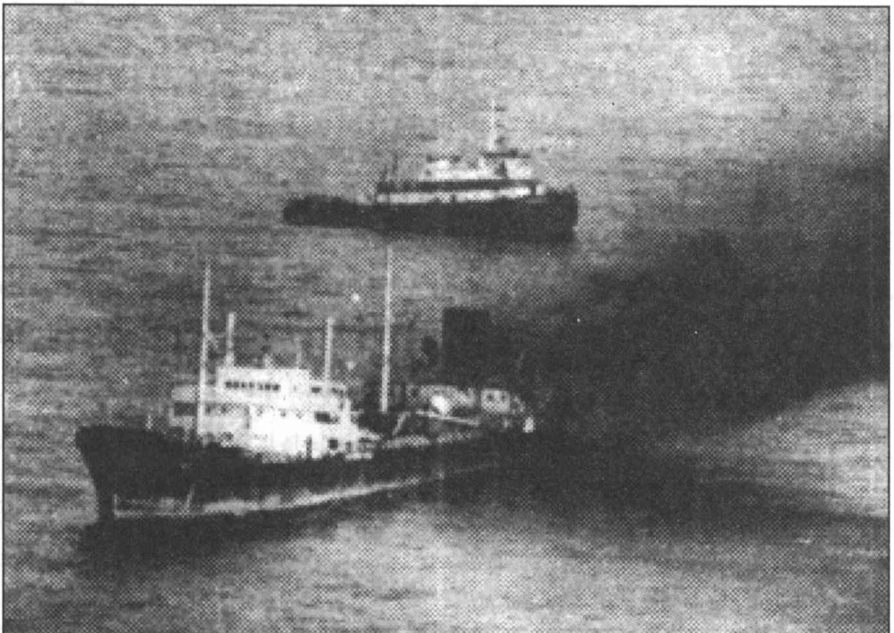
آقای بهرامی ساوجی آمد. کمک خواست. او برای معالجه عازم سفر آلمان است.
جلسه سران قوا در محل قرارگاه در مجلس بود. زیرا احمدآقا و آقای خامنه‌ای و آقای موسوی اردبیلی برای بالا رفتن پله‌های دفترم که در طبقه سوم است، با مشکل روبرو هستند.

در این جلسه در مورد بسیج عمومی برای جنگ صحبت کردیم و قرار شد دولت آن را از نظر امکان تهیه تدارکات بررسی کند، طرح مقابله به مثل در خلیج فارس تصویب شد. قرار شد جواب نامه آمریکا که از طریق [سفارت] سوئیس در خصوص مین ها نوشته و خواسته شده است که در راه کشتی‌های آمریکا مین نکاریم، داده شود و به سیاست آمریکا اعتراض شود.

آقای [محسن] کنگرلو از پاکستان تلفنی اطلاع داد که در همه موارد با فرانسوی‌ها به توافق رسیده‌اند، جز در مورد مبلغ پرداختی فرانسه که آنها می‌خواهند ۳۰۰ میلیون دلار از طلب ایران را بدهند و ما گفته‌ایم ۴۰۰ میلیون دلار. پیشنهاد لیبی در خصوص مین گذاری مشترک مطرح شد و رد شد. احمدآقا خبر نامه آقای منتظری به امام را داد که خوب است؛ ضمناً نامه سیدهادی را داخل آن برای امام فرستاده اند که سه شرط را برای آزادی از تبعید پذیرفته و قرار شد از طرف سه قوه به وزارت اطلاعات گفته شود که او را به دادگاه

←پایان گزارش خود افزود:« علی رغم اینکه آمریکا نسبت به اهداف ایران و لیبی از معامله مین در مقابل سلاح شیمیایی آگاه می باشد، اما نمی‌داند که آیا چنین معامله ای اصلاً صورت گرفته است یا خیر؟.»





حمله به نفتکش‌ها در آب‌های خلیج فارس

احضار نکنند[۱]. دیر وقت به خانه رفتم.

دوشنبه ۱٦ شهریور | ۱۳ محرم ۱٤۰۸ ۷ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. دو فیلمنامه برای اظهار نظر خواندم. یکی دربارهٔ مبارزات و زندگی حاج آقا نورالله اصفهانی[۲] و دیگری دربارهٔ ایجاد مسلک وهابی توسط ماموران انگلیسی، برای تفرقه بین مسلمانان. وضع جبهه های جنگ با عراق آرام بود. عراقی ها یا تحت فشار مقابله به مثل ما و یا فشار غربی ها، دست از شرارت در دریا و زمین برداشته‌اند.

عصر آقایان [ابوالقاسم] سرحدی زاده و گنجه ای آمدند. پیشنهاد داشتند از تضاد کشورها و جریان‌های متضاد داخلی غربی‌ها، با کانال زدن به بعضی از آنها بهره گیری کنیم. بیشتر برای کسب اطلاع از سیاست ما در خلیج فارس آمده بودند و توصیه داشتند از

---

۱ - متن کامل درخواست وزارت اطلاعات و پاسخ امام خمینی (ره) در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ - حاج آقا نورالله اصفهانی (مهدی)،فرزند شیخ محمد باقر نجفی و نوه دختری سید صدرالدین عاملی در سال ۱۲۷۸ قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. وی پس از آموختن مقدمات علوم دینی راهی عتبات عالیات شد و تا سال ۱۳۰۴ ق به تحصیل در آنجا ادامه داد و از محضر بزرگانی چون آیت الله میرزا حبیب الله رشتی و آیت الله میرزا حسن شیرازی استفاده کرد و پس از نیل به درجه اجتهاد به اصفهان مراجعت نمود. در سال ۱۳۰۷ ق به همراه برادرش آقا نجفی به قلع و قمع بابی ها اقدام کرد که موجب تبعید آن دو به تهران گردید. وی همچنین در جریان قیام تنباکو فعالانه شرکت داشت. در آستانه جنگ جهانی اول، حاج آقا نورالله به اصفهان بازگشت و در پی مهاجرت اغلب وکلای مجلس و سرشناسان آزادی خواه تهران به اصفهان به کمک آنان شتافت و با همدستی آنان و اداره ژاندارمری به قوای متفقین اعلام جنگ داد و مراکز و مؤسسات حساس انگلیسی ها را در اصفهان تصرف کرد، اما با هجوم قوای روس به اصفهان به عراق پناه برد تا اینکه پس از پایان جنگ دوباره به اصفهان بازگشت. مهاجرت حاج آقا نورالله اصفهانی و جمعی از علمای اصفهان و سایر نقاط کشور به قم و تحصن در مخالفت با نحوه اجرای قانون نظامی اجباری در سال ۱۳۰۶ آخرین حرکت سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی بود که به مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی دوره سلطنت رضا شاه تبدیل شد. در پی این حرکت ایشان به نام « هیأت علمیه و روحانیه مهاجرین قم» را تشکیل داد. حاج آقا در شب ۴ دی ماه ۱۳۰۶ به طور ناگهانی در گذشت. برخی معتقدند با توجه به کسالت ایشان، رضا شاه، اعلم الدوله - پزشک مخصوص خود - را برای به قتل رساندن حاج آقا به قم فرستاد. اعلم الدوله نیز با تزریق آمپول هوا وی را به شهادت رساند. با مرگ او« هیأت مهاجرین قم» نیز از هم پاشیده شد. حاج آقا نورالله اصفهانی علاوه بر فعالیت های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فعالیت های فرهنگی متعددی نیز انجام داد. در سال ۱۳۲۰ ق او به منظور خنثی کردن تبلیغات ضد اسلامی یکی از کشیش های اروپایی، جلسات بحث آزادی را در اصفهان دایر کرد که این جلسات به «انجمن صفاخانه» معروف شد. وی همچنین اقدامات مؤثر و چشمگیری در تداوم مشارکت های مردمی و صنفی و ایجاد مؤسسات علم المنفعه هم چون کتابخانه، قرائت خانه، بیمارستان و مدرسه انجام داد و برای اداره آنها بخشی از اموالش را وقف نمود و نیز با تشویق و حمایت های معنوی و مادی او روزنامه هایی چون اصفهان، جهاد اکبر، الجناب و انجمن اصفهان به منظور رشد آگاهی های سیاسی مردم انتشار یافت. حاج آقا با وجود اشتغال فراوان به امور سیاسی و اجتماعی از تدریس و تألیف غافل نبود. از آثار اوست : خصال الشیعه، تفسیر قرآن، مکالمات مقیم و مسافر.

نهضت‌های اسلامی، علیه دشمنان شرور بهره جوئیم .

سه‌شنبه ۱۷ شهریور | ۱۴ محرم ۱۴۰۸ | ۸ سپتامبر ۱۹۸۷

به مجلس آمدم. در گزارش ها، مطلب مهمی نداشتیم. آرامشی در جبهه های سیاسی و نظامی به چشم می خورد. قبل از دستور چند کلمه‌ای راجع به ۱۷ شهریور و مراسم جمعه آینده حرف زدم[1]. ساعت ده و نیم به دفترم آمدم و یازده و نیم به قرارگاه رفتم. درباره خطوط پدافندی و توپخانه ها بحث بود. حدود ۸۰۰ کیلومتر خطوط از ارتش و ۵۰۰ کیلومتر از سپاه است.

ظهر آقای صالحی سفیرمان در ونزوئلا آمد. وضع آنجا و شخصیت رئیس مجلس را که بناست به دعوت من به ایران بیاید، گفت. آقای [اسدالله] بادامچیان آمد. از انزوای نیروهای خط خودشان گله دارد. عصر اخوی محمود آمد. گزارشی از وضع پیشرفت کارهای اقتصادی و امدادی ما در لبنان داد و برای آوردن میوه های روی دست مانده شیعیان لبنان و همچنین در مورد ازدواج دخترش مرجان با نوه آیت‌الله خوانساری و حفر چاه در محل اکبرآباد مشورت کرد.

آقای [محسن] رفیق دوست آمد. گزارشی از معادن طلای مکشوفه اخیر داد. مدعی است اگر خوب عمل شود، منبع درآمد مهمی است و کیفیت آنها از معادن آفریقای جنوبی بهتر است. نخست وزیر هم موضوع را دنبال می کند.

آقای [شیخ اسماعیل] معزی ملایری آمد. توصیه داشت که برای ایجاد تفرقه بین غربی‌ها و نجات از وضع موجود، در جنگ موقتاً کوتاه بیائیم. عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. [انتخاب] ریاست دانشگاه شیراز تصویب شد و ادامه کار

---

۱ - در این نطق آمده است: «سالگرد حادثه خونین و سرنوشت ساز ۱۷ شهریور را گرامی می داریم و یاد شهدای عزیزی که خونشان سیلی شد و بنیان حاکمیت فاسد پهلوی را از میان برداشت، گرامی می داریم. خداوند به خانواده های معظم اینها اجر و صبر و به ارواح پاک آنها مقام عالی اولیاء الهی را عنایت بفرمائید. از ملت بزرگوارمان به خاطر حضور گسترده در مراسم عزاداری محرم و عاشورا و نشان دادن سیاست و جهت دار بودن عزاداری ها تشکر می کنیم و انتظار داریم از این ملت هوشیار و بیدار که در مراسم راهپیمایی روز جمعه آینده که از حوادث مهم تاریخ اسلام به حساب می آید، مسأله فاجعه خونین مکه را آن گونه که شایسته است، مورد توجه قرار بدهند و هتک حرمتی که نسبت به حرم مقدس الهی به دست حکام حجاز صورت گرفته، باید آن چنان در تاریخ اسلام مورد توجه و پیگیری قرار بگیرد که دیگر کسی جرأت نکند به این پایگاه مقدس، نظر سوئی داشته باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



گزینش دانشجو نیز تایید شد.

اول شب با آیت‌الله خامنه‌ای و [سید محمد] خاتمی وزیر ارشاد [اسلامی و نماینده امام و مدیر روزنامه کیهان] جلسه‌ای داشتیم. قرار شد [موسسه] کیهان در مطالبه طلب خود از روزنامه جمهوری اسلامی که حدود بیست میلیون تومان است، سخت گیری نکند، تا راهی برای پرداخت پیدا کنیم.

شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران جلسه داشت. درباره بسیج عمومی با حکم امام بحث شد. بعضی ها مخالف و بعضی ها موافق بودند. با فرض ادامه جنگ، مخالفان دلیل درستی ارائه ندادند. دیر وقت به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱۸ شهریور | ۱۵ محرم ۱۴۰۸ — ۹ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده صبح در جلسه علنی مجلس ماندم. برای شرکت در شورای‌عالی پشتیبانی جنگ به دفتر آیت الله خامنه ای رفتم. طرح فراخوانی عمومی با حکم حضرت امام مطرح بود. نخست وزیر گفت به خاطر بار مالی و تدارکاتی وسیع، نیاز به اعلان وضع فوق العاده و تفویض اختیارات دولت دارد. بعضی ها هم در مصلحت بودن صدور حکم امام که آخرین حربه ماست، برای این مرحله تردید دارند و بعضی‌ها هم در قدرت سپاه، برای آموزش و به کارگیری این همه نیرو تردید دارند که سرانجام به جائی نرسیدیم. قرار شد در جلسه دیگری، بحث ادامه یابد. جلسه تا ساعت دو بعد از ظهر طول کشید. ناهار خوردیم و به دفترم آمدم.

عراق به بیش از ده مورد مراکز اقتصادی ما حمله کرده و گفته به تلافی موشک زدن ما به کویت بوده است. دستور داده شد که مقابله به مثل شود[1]. ما با این گونه عملیات در

---

۱ - امروز حملات هوایی عراق بار دیگر شدت گرفت. در این حملات مراکز صنعتی - کارگری شهرهای کرمانشاه، درود، پیرانشهر، دزفول و اراک بمباران شد و یک فروند از هواپیماهای مهاجم عراق نیز در آسمان اراک هدف قرار گرفت و سرنگون شد. نیروی هوایی سپاه از اراک در این مورد گزارش داد:« در ساعت ۴۵ : ۹ دقیقه پنج فروند هواپیمای عراقی به آسمان اراک تجاوز نموده و چهار نقطه اراک از جمله شرکت هپکو و آذرآب را بمباران نمودند. در این حمله یک تن شهید و ۱۴ تن زخمی شدند. همچنین با آتش پدافند منطقه، یک فروند از هواپیماهای دشمن سرنگون شد و خلبان آن به اسارت درآمد.» عراق نیز در اطلاعیه نظامی ۲۸۱۸ به سرنگونی این هواپیما اعتراف کرد. استان کرمانشاه نیز دوبار مورد تهاجم قرار گرفت. در نخستین حمله سه واحد صنعتی - کارگری کارخانه قند←

جنگ مخالفیم، و در حد مقابله به مثل اکتفا می کنیم. به محض اینکه عراق دست از شرارت برمی‌دارد، ما هم از زدن اهداف خودداری می کنیم، ولی معمولاً دوره‌های آرامش، کوتاه است و در این موارد ابتکار عمل دست ما نیست.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد. برای سفر به چین مشورت کرد و پیام خواست. آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. از سفر روسیه برگشته است. روس ها آماده تحویل موشک سام ۵ هستند، ولی در مورد لوله نفت و خط آهن و پروژه های دیگر، بیشتر جدی اند و از ما خواسته اند که قطعنامه شورای امنیت [سازمان ملل] را بپذیریم. گفته اند در حل مشکل افغانستان کمکشان کنیم. به نظر می‌رسد می‌خواهند از ظاهر دوستی ما در رابطه با غرب بهره برداری کنند؛ همانگونه که ما هم چنین برنامه‌ای داریم.

آقای [کمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] آمد. در برنامه سیاست تبلیغاتی، هنگام حضور [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیر کل سازمان ملل در ایران مشاوره شد.

شب سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. امام هم شرکت کردند. با حضور و تأئید امام، قرار شد به دبیرکل سازمان ملل بگوئیم که اگر شورای امنیت، عراق را به عنوان آغازگر جنگ معرفی کند، تا زمان تشکیل دادگاه، حاضریم آتش‌بس برقرار شود. در مورد بسیج عمومی و مسائل دیگر هم بحث شد. رئیس جمهور گله داشت که دولت به وعده ایشان - که مورد تایید سران قوا قرار گرفته بود - در خصوص فروختن یک کشتی نفت به موزامبیک بدون تضمین بانک ثالث، عمل نکرده است؛ قرار شد عمل کنند. دیر وقت به خانه رفتم.

پنجشنبه ۱۹ شهریور | ۱۶ محرم ۱۴۰۸ ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۷

صبح زود به دفترم آمدم. کارهای مانده از دیروز را انجام دادم. به جلسه علنی نرفتم. در گزارش ها مطلب مهمی نداشتیم. به کار جنگ پرداختم. ظهر آقای فخرالدین حجازی آمد.

بیستون، کارخانه سیمان و پادگان حاجی آباد هدف هواپیماهای دشمن قرار گرفتند و خسارت هایی به آنها وارد شد. در بمباران کارخانه قند بیستون، چهار تن شهید و ۱۷ تن زخمی شدند و بر اثر برخورد راکت به نزدیکی پمپ بنزین بیستون، ده دستگاه تراکتور منهدم و به ساختمان بانک ملی - که روبه روی پمپ بنزین قراردارد - و انبار جهاد سازندگی خسارت های سنگینی وارد شد.

گله دارد که می‌خواهند اتاقی را که در مجلس در اختیار دارد، از او بگیرند.

نیروی دریایی اطلاع داد یک کشتی در خلیج‌فارس مورد هدف واقع شده است.[1] آقای [حسین] علائی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] اطلاع داد در ساعت چهار، موشکی به طرف کویت پرتاب شده، ولی در خور عبدالله سقوط کرده است.

برای انجام کارهای جنگ به جلسه علنی مجلس نرفتم. آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد. راجع به بودجه و مسائل دیگر مطالبی داشت. عصر اعضای انجمن‌های اسلامی آمدند. برای آنها درباره اصلاحات در ادارات صحبت کردم[2].

در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. بحث در مورد فراخوان عمومی برای جنگ بود. سپاه درباره امکان آموزش و تدارک و به کارگیری یکهزار و پانصد گردان در مدت ۱۵ ماه گزارش داد؛ پذیرفته شد. ولی بحث بر سر این پیش آمد که با حکم امام، بسیج آغاز شود یا با تبلیغات و اظهارات مسؤولان؟ نظر من بر اول است و آیت‌الله خامنه ای تردید دارند، در مصلحت بودن صدور حکم امام که آخرین ضربه است. قرار شد از خود امام استفسار شود. برای مقدمه تبلیغات در زمان حضور دبیرکل سازمان ملل در ایران، مصاحبه‌ای با صدا و سیما انجام دادم[3]. شب به خانه رفتم.

---

۱ - پس از چند روز توقف حمله به کشتی ها در خلیج فارس و با آغاز حملات هواپیماهای عراقی به منابع نفتی و مجتمع های صنعتی و مسکونی، اوایل بامداد امروز یک فروند نفتکش ۲۳۰ هزار تنی به نام "هیون" هدف حمله قایق های تندرو قرار گرفت. این نفتکش که با پرچم قبرس حرکت می کرد، در نزدیکی جزیره ابوسفیر در غرب دوبی، هدف واقع شد. ناخدای کشتی در گفت و گو با رادیو بی بی سی چگونگی حمله قایق های تندرو را چنین تشریح کرد: « نفتکش حدود صد کیلومتری غرب دوبی در حرکت بود که از جانب ایران به مدت بیست دقیقه بدون وقفه، هدف حملات موشکی و رگبار مسلسل قرار گرفت. در نتیجه این حمله، بر بدنه کشتی صدمه وارد آمد و حفره های عمیقی در آن ایجاد شد؛ بر روی هواکش نفتکش نیز آثار گلوله بر جای مانده است، اما تلفات جانی به بار نیامده و صدمه وارده بر نفتکش نیز بر خلاف ظاهر آن چندان جدی نیست.»

۲ - آقای هاشمی در جمع شرکت کنندگان در اولین کنگره سراسری انجمن های اسلامی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی لزوم انجام اصلاحات اداری به منظور تسهیل کارهای مردم را مورد تأکید قرار داد و دست و پاگیر بودن امور اداری، عدم رسیدگی به درخواست های مردم در برخی ادارات و عدم پیروی کامل دستگاه اداری از روند انقلاب را مورد انتقاد قرار داد و گفت:« این قابل قبول نیست، مردمی که برای انجام کارشان به ادارات مراجعه کرده اند، ساعت ها در صف بایستند و وقتی نوبت آنها رسید، آن پشت میز نشسته ای که حقوق از همین مردم می گیرد، بگوید ما خسته شده ایم ، بروید فردا بیایید.» ایشان نقش انجمن های اسلامی را در بهسازی روند امور اداری در جهت ارائه خدمات بیشتر و بهتر به مردم مورد تأکید قرار داد و با اشاره به پیشرفت هایی که در سال های پس از انقلاب در مورد رسیدگی به امور مردم در دستگاه دولت به وجود آمده است، لزوم ادامه این راه و حرکت در این جهت را یادآور شد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۳ - آقای هاشمی در پایان نشست شورای عالی پشتیبانی جنگ و در آستانه سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران، مواضع جمهوری اسلامی ایران را در مورد قطعنامه ۵۹۸ و اعزام کشتی های مین روب از هلند و ایتالیا به خلیج فارس تشریح کرد. ایشان با اشاره به جهت

شنبه ۲۰ شهریور | ۱۷ محرم ۱۴۰۸ — ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت را به مطالعه گذراندم. آقای [محمد جواد] لاریجانی، تلفنی درباره وقت ملاقات با دبیر کل سازمان ملل - که امشب وارد ایران می شود - صحبت کرد. پیش از ظهر بستگان از رفسنجان برای کارهای شخصی آمدند.

عصر آقای صفریان سفیر ایران در گابن به منزل آمد. اوضاع آنجا را تعریف کرد. حادثه مهمی در جبهه‌ها نداشتیم. در آستانه ورود دبیر کل سازمان ملل، آرام گرفته است. به پاسدارها گفتم تلفنی با جبهه تماس بگیرند که احوال یاسر را بپرسم. از روزی که به جبهه رفته، خبری از او نداریم.

یکشنبه ۲۱ شهریور | ۱۸ محرم ۱۴۰۸ — ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. اول وقت رادیو آمریکا اعلان کرد، یکی از مین روب‌های آمریکایی که عازم خلیج فارس بوده، با یک کشتی دیگر برخورد کرده و آسیب دیده است؛ از الطاف الهی است. با آقایان خامنه‌ای و موسوی و احمدآقا درباره پذیرش درخواست [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل سازمان ملل در خصوص حضور او در جلسه مشترک ما تلفنی صحبت کردم و قرار شد اگر اصرار کنند، در جلسه شب دوشنبه بپذیریم.

↲گیری‌های نا عادلانه شورای امنیت در برابر جنگ تحصیلی، در مورد قطعنامه ۵۹۸ گفت: «جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را به طور کلی رد نکرده است. در این قطعنامه نکات مثبتی دیدیم و حاضر شدیم پیرامون آن مذاکره کنیم. برای نخستین بار، در این قطعنامه صحبت از شناسایی متجاوز و محکوم دانستن حملات شیمیایی، حمله به نقاط مسکونی، حمله به کشتی ها و دیگر موارد به میان آمده است. اما نکته منفی این قطعنامه آن است که می گوید به محض شروع مذاکره و پیش از شناسایی متجاوز و محاکمه آن، آتش بس اعلام شود، و ما این بند را قبول نداریم.» ایشان در مورد اعزام کشتی های مین روب از هلند و ایتالیا به خلیج فارس، گفت:« حضور مین روب‌های هلند و ایتالیا در خلیج فارس به خودی خود مسئله ای ایجاد نمی کند، چون قصد اعلام شده آن، جنگ نیست اما از آنجا که این تعداد مین روب در خلیج فارس لزومی ندارد، این اقدامات بیشتر صورت نمایشی به خود می گیرد. اگر بیش از این تعداد هم این کشورها مین روب به خلیج فارس اعزام کنند، تا ما نخواهیم، کار مین روبی موفق نخواهد بود زیرا مین را پس از عبور هر کشتی می توان دوباره در آب شناور ساخت و بعضی از انواع مین ها را اصولا نمی توان پیدا کرد.» ایشان افزود: «این کشورها ابتدا از آمریکا انتقاد می کردند اما اکنون تحت فشار، پذیرفته اند که در این کار شرکت کنند.» آقای هاشمی با اشاره به اعلام آمادگی ژاپن برای اعطای کمک های مالی به عملیات ناوگان آمریکا در خلیج فارس، آن را ناشی از فشارهای آمریکا دانست و گفت:« این دولت ها، ملت‌های خود را فریب می دهند و از نظر ما حضور آنان در خلیج فارس تأثیر زیادی ندارد، اما از نظر مواضع جهانی، این اقدامات از دیدگاه ما بی تأثیر نیست.»



ملاقات با دبیر کل سازمان ملل متحد

امروز و دیروز جبهه‌ها آرام بود. عصر آقایان [محمد حسن] اختری و [احمد] دستمالچیان، سفیرانمان در سوریه و لبنان آمدند. گزارش وضع آنجا را دادند. از کم شدن فشار سوریه پس از آزادی [چارلز] گلاس [خبرنگار آمریکایی] گفتند. گلاس خودش فرار کرده، ولی بیشتر ناظران نظر دادند که به توصیه ما آزاد شده است. برای حل مشکل اقتصادی لبنان استمداد کردند و پیشنهاد داشتند میوه‌های آنها را بخریم و نفت لبنان را تأمین کنیم. مسیحی‌ها که اقتصاد لبنان را در دست دارند، اخلال می کنند.

از نیروی دریایی سپاه آمدند و گزارش نیازها و امکانات خرید را دادند. گفتند که ارز داده نمی‌شود. گفتم ارز نداریم، ولی قول کمک دادم. بچه‌ها برای دیدن نمایشگاه بین‌المللی رفتند. این نمایشگاه امروز افتتاح می‌شود.

شب آقای [محسن] کنگرلو آمد و گزارش مذاکره با فرانسویان را داد. به توافق هایی رسیده‌اند، ولی هنوز تصمیم نهائی اتخاذ نشده است. به نظر می‌رسد فرانسوی ها برای گرفتن امتیازات، پرچانگی می کنند. شب از نخست وزیر مطالب مذاکره با دبیر کل [سازمان ملل متحد] را پرسیدم؛ مطلب مهمی نداشت. او خواستار آتش‌بس است و ما خواستار معرفی متجاوز.

دوشنبه ۲۲ شهریور | ۱۹ محرم ۱۴۰۸ | ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها سفر آقای خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل در راس اخبار است. تا ساعت ده و نیم. در جلسه علنی ماندم. مراجعات نمایندگان زیاد بود. گردان مالک اشتر از رزمندگان خوزستان آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

آقای [حاجی ذبیح الله] بخشی، حزب اللهی معروف آمد. اجازه خواست که جمعی حزب اللهی را برای اعلان آمادگی تداوم جنگ، در مقابل دبیر کل [سازمان ملل]بیاورد. گفتم لازم نیست.

رئیس دانشگاه اهواز آمد. برای کمک به حل مشکلات جنگ در دانشگاه، کمک خواست. ظهر آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد، گزارش سفر به چین را داد و پیام نخست وزیر آن کشور را آورد که دبیر کل [سازمان ملل] را با دست خالی برنگردانیم و از فشارها در صورت مایوس شدن شورای امنیت اظهار نگرانی کرد.

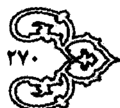
آقای [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمد. مذاکرات انجام شده با دبیر کل [سازمان ملل] تاکنون را توضیح داد. مطالبی برای مذاکرات من با او و برنامه جلسه خصوصی من با دبیر کل با پیشنهاد خود او پیشنهاد کرد؛ پذیرفتم. عصر دکتر ولایتی آمد و مذاکرات با دبیر کل [سازمان ملل] تا آن ساعت را گفت.

سپس با [آقای دکوئیار] دبیر کل [سازمان ملل] ملاقات مفصلی داشتیم[2]. آنها

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸

۲ - دبیر کل سازمان ملل متحد در دیدار آقای هاشمی که با حضور تنی چند از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی انجام شد، بر لزوم تعیین متجاوز تأکید کرد و در مورد تفاوت قطعنامه ۵۹۸ با قطعنامه های قبلی توضیحاتی داد. سپس آقای هاشمی رفسنجانی با بیان این مطلب که مردم ایران به دبیر کل اعتماد دارند، به مواضع قبلی وی در مورد لزوم تعیین متجاوز و آغازگر جنگ اشاره کرد و گفت: «ما کلید حل این مشکل را از اظهارات جنابعالی گرفته ایم و انتظار داریم که شما روی آن موضعی که قبلا اعلام کرده اید، پافشاری کنید و از آن دفاع نمایید. اگر واقعاً خواستار ختم جنگ، تأمین عدالت، صلح پایدار و کیفر جنایتکار هستند، این امکان پذیر و قابل دسترس است. راه حل مشکل کاملا روشن و عملی است و آن هم این است که متجاوز و آغازگر جنگ معرفی شود و ما در این چارچوب آماده همکاری هستیم.» دبیر کل سازمان ملل متحد پس از این مذاکرات، امروز ساعت ۱۸ تهران را به سوی بغداد ترک کرد. وی پیش از ترک تهران در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: «نظرات ارزنده مسئولین ایران، مرا در مأموریتم که یافتن راه حلی عادلانه برای مسئله جنگ است، کمک می کند. من در سفر به تهران که مأموریتی از سوی شورای امنیت بود، موفق شدم از نقطه نظرات رئیس جمهوری، رئیس مجلس، نخست وزیر و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آگاه شوم.» خبرگزاری رویتر به نقل از برخی مقام های سازمان ملل در نیویورک، مذاکرات را مبسوط و صمیمانه خواند، سپس به نقل از همان منابع افزود که ملاقات‌های جداگانه دبیر کل سازمان‌ملل ←



می خواهند ابتدا آتش بس پذیرفته شود، سپس کارهای دیگر و ما می خواهیم اول متجاوز معرفی شود و سپس امور دیگر. آخر کار، جلسه را خصوصی کردیم؛ من و دبیرکل و آقای [سیروس] ناصری به عنوان مترجم. قرار بود دکتر ولایتی هم باشد. معاون دبیر کل گفت اگر ولایتی باشد، او هم باشد و لذا ولایتی هم نماند. مذاکرات صریح تر انجام شد. او تهدید کرد که شورا این را نمی‌پذیرد و من تهدید کردم، بسیج عمومی می‌دهیم و جنگ را جدی تر می گیریم. سرانجام بنا شد بگوید احساس من این است که اگر کمیته شناسائی متجاوز تشکیل شود، ایران تحرکی در جبهه ها نخواهد داشت، تا نتیجه کار کمیته اعلان شود و سپس آتش بس خواهد بود.

فرزندان شهدا، اسرا، مفقودان و معلولان خراسان آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. آقای محمودی سفیرمان در سیرالئون آمد. گزارش وضع آنجا را داد و تأکید داشت نفت به آنها بفروشیم. یکی از افراد عملیات ویژه سپاه آمد. او از عدم هماهنگی در بین سپاه و وزارت اطلاعات گله داشت.

شب جلسه سران در دفتر آیت الله خامنه‌ای بود. آقای [سید ضیاء] میرعمادی [دادستان عمومی تهران] آمد. از ملوک الطوائفی در فرودگاه [مهرآباد] تهران شاکی بود. قرار شد امور متمرکز شود. آقای [مجید] انصاری مسئول [سازمان] زندانها [و اقدامات تأمینی و تربیتی] آمد و از برنامه وزارت اطلاعات در خصوص در دست داشتن زندان برای بازداشتی ها انتقاد داشت. قرار شد آئین‌نامه جامعی برای هماهنگی امور زندان و اطلاعات تنظیم شود. اطلاع داد که عده زندانیان امنیتی در خیلی موارد، کمتر از تعداد مورد تبلیغ دشمنان است؛ قرار شد به گونه‌ای اعلان شود.

دکتر ولایتی جمع بندی مذاکرات با دبیرکل سازمان ملل را ارائه داد[2]. خلاصه این شد

با مقام های بلند پایه ایرانی تسهیل کننده مأموریت وی نبوده است، زیرا نتوانسته موضع واحدی از مقامات ایرانی در مورد قطعنامه شورای امنیت به دست آورد.

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - "خاویر پرز دکوئیار" دبیرکل سازمان ملل متحد پس از دو روز دیدار و گفت و گو با مقام های عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران، امروز در بغداد با صدام حسین رئیس جمهور عراق ـ که به موضوع تعیین و تنبیه آغاز گر جنگ حساسیت شدیدی دارد ـ دیدار کرد. خبرگزاری عراق در این باره گزارش داد:« پرزیدنت صدام حسین سفر دبیرکل سازمان ملل متحد را خوش آمد گفت و این مأموریت را برای نشان دادن موضع واقعی رژیم ایران نسبت به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ضروری دانست، تا شورای امنیت بتواند به یک نتیجه گیری درستی دست یابد.» به دلیل همسویی و همخوانی اهداف کوتاه مدت قطعنامه ۵۹۸ با منافع عراق در مقایسه با اهداف بعدی آن، به ویژه بند شش که نیاز به زمان و آرامش بیشتری دارد، این کشور با هرگونه دگرگونی در اولویت بندی های مواد قطعنامه مخالفت می کند. صدام

که دبیر کل با این احساس از ایران رفته که اگر کمیته بررسی متجاوز و مسئول جنگ، آماده شروع به کار شود، ما در جبهه تحرکی نشان نمی‌دهیم تا معلوم شدن نتیجه که در طول سه هفته خواهد بود؛ به شرط عدم شرارت عراق. در مورد فرانسه قرار شد در جزئیات سخت گیری نکنیم و دست کنگرلو باز باشد. در مورد خطر درگیری با آمریکا در خلیج فارس، بحث شد و احتمال آن ضعیف نیست، ولی اکثریت جلسه [سران قوا] با حکم امام برای بسیج [عمومی برای اعزام اجباری به جبهه ها] موافق نیستند.

سه‌شنبه ۲۳ شهریور | ۲۰ محرم ۱۴۰۸ — ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۷

در خانه ماندم. پیش از ظهر کارها را که از مجلس به منزل برده بودم، انجام دادم. آقای اقبالی مسئول تیم محافظینم و معاونش آقای ورزدار آمدند. از اینکه به پاسداران نخست وزیر و رئیس جمهوری، هزارتومان اضافه داده می‌شود و به محافظان دیگر داده نمی‌شود، گله داشتند. قرار شد برای رفع تبعیض اقدام کنم. مطالب دیگری هم در خصوص کمبود عدد و ماشین تیم گفتند که نپذیرفتم و توصیه‌هائی در مورد محافظت مهدی داشتند؛ او به تازگی مسلح شده است.

اخوی محمد آمد. از سیاست تبلیغاتی [سازمان صدا و سیما] در ارتباط با سفر دبیر کل سازمان ملل سئوال کرد. توضیح دادم.

عصر همراه آیت الله خامنه‌ای برای مذاکره درباره بسیج عمومی و حکم امام خدمت امام رفتیم. بعد از توضیح، امام با مطرح شدن بسیج عمومی موافقت نکردند، ولی کاری را که همان نتیجه را داشته باشد، قبول دارند.

ایشان بسیج عمومی را تیر آخر می‌دانند که فعلاً نباید شلیک شود. با این مساله که خودشان حکم کنند، موافق نیستند. پیشنهاد ما این بود که امام حکم کنند همه افراد از سن ۱۷ تا ۴۰ سالگی در سال، سه ماه وقتشان را در اختیار جنگ قرار دهند و آنها که نمی توانند بروند و تمکن مالی دارند، خرج یک رزمنده را بدهند. آقای خامنه‌ای با این پیشنهاد موافق

در دیدار با دبیر کل سازمان ملل در این باره گفت: «هرگونه تلاش برای مانور دادن درباره اصل قطعنامه و روال منطقی آن، به معنای نابودی این قطعنامه و طولانی کردن جنگ و ادامه سیاست تجاوز علیه عراق و کشورهای منطقه است.» خبرگزاری عراق به نقل از صدام به جامعه جهانی و شورای امنیت هشدار داد که ایران در خلال جنگ و به ویژه در پی صدور قطعنامه ۵۹۸ در صدد گریز از پذیرش آن و دوری جستن از اقداماتی است که شورای امنیت باید به حق علیه طرف مخالف اجرای قطعنامه ، اعمال کند.»

نبود و نظر داشت که با تبلیغات، نیرو بسیج کنیم و از امام خرج نکنیم و بالاخره نظر ایشان پذیرفته شد. اگر نیروی تضمین شده داشته باشیم، می توانیم جنگ را به جای خوبی برسانیم.

شب آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر، اطلاع داد که برای بهره‌برداری از معادن طلائی که - اخیراً مورد توجه قرار گرفته - اقدامات ویژه‌ای انجام داده و امید دارند که از این معادن - که آمار خوبی دارند - طلای زیادی به دست آوریم.

آقای محسن رضایی اطلاع داد که موشک با برد حدود هشتاد کیلومتر ساخت سپاه آزمایش شده است. محسن که از سفر برگشته، اطلاع داد که برای [دوره] دکترا[ی مهندسی مکانیک] ثبت نام کرده و پذیرفته‌اند که غیر حضوری باشد. گزارش‌ها را از مجلس آوردند. دنیا منتظر نتایج سفر دبیر کل سازمان ملل است[1].

چهارشنبه ۲۴ شهریور | ۲۱ محرم ۱۴۰۸ — ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس بودم*. فرماندهان سپاه آمدند. طرح حج را توضیح دادند؛ جالب است. ناهار را با من خوردند و

---

۱ - خبرگزاری فرانسه به نقل از یک عضو هیأت همراه دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش داد:« خاویر پرز دکوئیار در بغداد و تهران پاسخ تمامی سئوال هایی را که مطرح نموده، دریافت کرد. گفت گوهای دکوئیار طولانی بود و برخی از دیدارهایش به طور خصوصی انجام شد، از جمله دیدار ۴۵ دقیقه ای با آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران بود که روز یکشنبه پس از یک گفت گوی یک ساعته با حضور دو هیأت از ایران و سازمان ملل صورت گرفت. دکوئیار همچنین یک دیدار خصوصی یک ساعت و نیم با صدام حسین رئیس جمهوری عراق انجام داد.» خبرگزاری فرانسه افزود:« گفت و گوهای دکوئیار در جوی بسیار دوستانه صورت گرفته است و چند تن از مخاطبان او از جمله آقای خامنه ای رئیس جمهور ایران و آقای رفسنجانی اعتماد خود را به دکوئیار ابراز داشته اند. به گفته اعضای هیأت دیپلماتیک سازمان ملل متحد، از زمان سفر قبلی دکوئیار به تهران و بغداد که در ماه آوریل ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) صورت گرفت، برخورد آنها خیلی تفاوت کرده است و واژه ها و عبارت هایی که قبلا به کار گرفته نمی شد، این بار مورد استفاده قرار گرفت.... گفت گوها در تهران این بار آسان تر بود و مخاطبین مختلف دبیرکل سازمان ملل در پایتخت ایران، موضع مشابهی را اعلام کردند.» دکوئیار امروز پس از گفت وگو با صدام و طارق عزیز، بغداد را به سوی اروپا ترک کرد. دبیرکل سازمان ملل متحد در سفر سه روزه خود با مقام‌های دو کشور در مورد امکان اجرای قطعنامه ۵۹۸ گفت و گو و رئوس اجرای طرح را به دو طرف اعلام کرد.

* - در این روز لایحه تحویل یک میلیون تن(حدود پنج میلیون بشکه) نفت رایگان به دولت سوریه، با اکثریت آرا به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. بر اساس این ماده واحده، به وزارت نفت اجازه داده می شود تا در سال جاری یک میلیون تن نفت خام سنگین در چهار نوبت و هر نوبت ۲۵۰ هزار تن به صورت مجانی در اختیار دولت سوریه قرار دهد.

رفتند.

عصر در جلسه [فراکسیون] حزب‌الله [مجلس] صحبت کردم. درباره جنگ خلیج فارس، بسیج نیرو، مذاکره با دبیر کل سازمان ملل، نظم در جلسات مجلس، مراعات اخلاق و سیاست در برخوردها و جواب به سئوالات؛ فکر می‌کنم مفید افتاد. تا ساعت هشت در دفترم کارها را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. جبهه‌ها آرام است و دنیا منتظر نتایج سفر دبیر کل سازمان ملل است.

در جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی و [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] شرکت نکردم. به خانه رفتم. آقای ریاضی، ظهر آمد و گزارش خرید اسلحه‌ها را داد و راجع به سفر به شوروی - که اخیراً به طور خصوصی برای مذاکره درباره آینده عراق دعوت شده - مشورت کرد.

پنجشنبه ۲۵ شهریور | ۲۲ محرم ۱۴۰۸ ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل بودم. به مجلس آمدم. با وزیر خارجه الجزایر ملاقات داشتم[1]. کلیاتی در خصوص حل مشکل همکاری در جهان اسلام مطرح شد. دکتر ولایتی بعداً آمد و گفت [وزیر خارجه الجزایر] مایل است، بین ما و فرانسه در حل مشکلات، میانجی باشند؛ لذا به آقای یعقوبی اجازه دادیم که تا حدودی مذاکره و اقدام کند.

آقای مصطفوی - که جدیداً سفیر ایران در آلمان [غربی] شده - برای خداحافظی آمد. پیامی برای آقای [هانس دیتریش] گنشر [وزیر امور خارجه آلمان غربی] دادم. این پیام در جواب نامه او بود که از ما به خاطر آزاد شدن یک گروگان در لبنان تشکر کرده و مواضع

---

۱ - وزیر خارجه الجزایر در دیدار با آقای هاشمی وضعیت جهان اسلام را دردناک خواند و با تأکید بر پشتیبانی الجزایر از انقلاب اسلامی گفت: «هر زمان که مصالح و منافع امت اسلامی مطرح باشد، ما را در کنار خود خواهید دید، هر چند که این پیشگام شدن منجر به از دست دادن منافع ملی الجزایر شود.» آن گاه آقای هاشمی با اشاره به مشکلات جهان اسلام در مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گفت:« فکر نمی کنم در کشورهای عربی کشوری باشد که نداند عراق تجاوزگر است و کشوری نیست که نداند انقلاب اسلامی پس از اینکه ایران را از دست رژیم پهلوی نجات داد، بنا داشت و بنا دارد با کشورهای عربی ـ اسلامی برای حل مشکلات و از جمله مسئله فلسطین همکاری نماید، ولی متأسفانه کشورهای عرب در شرایطی که به کمک ایران نیاز دارند، سعی می کنند این نیروی مهم را از خودشان دور بکنند.»

خوبی اعلان نموده است.

مصاحبه‌ای با تلویزیون [آی. تی. ان] انگلستان داشتم[1]. در این مصاحبه درباره مسائل مهم جنگ و شورای امنیت، گروگان ها و عربستان صحبت کردم. ظهر آقای حسینی شاهرودی نماینده شاهرود آمد و گزارشی از حوادث مکه داد. تا حدودی تقصیرها را به گردن خودمانی‌ها می‌اندازد و تردید دارد که عربستان، از پیش برنامه‌ای برای چنین فاجعه‌ای داشته است. گزارش سفر به ترکیه را داد. تأکید داشت روابط با ترکیه فعال تر بشود.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. درباره سفر آیت الله خامنه‌ای به سازمان ملل و نطق ایشان، پیشنهادهای اصلاحی دادم. درباره طرح خلیج فارس بحث شد. در رابطه با فرانسه، قرار شد از کانال الجزایر هم استفاده شود. موافقت شد که شیلات را از وزارت کشاورزی بگیریم و به وزارت جهاد سازندگی بدهیم.

به نخست وزیر گفتم به افراد گروه مؤتلفه [اسلامی] که خواستار ملاقاتند، ملاقات بدهد و به آنها محبت کند؛ با هم اختلاف دارند. عراق امروز شرارت را در دریا و خشکی شروع کرده، ولی کاری از پیش نبرده است[2].

---

۱ - در این مصاحبه ۲۵ سوال پیرامون شرایط ایران برای تنبیه متجاوز، اوضاع خلیج فارس، وساطت ایران برای آزادی گروگان های غربی در لبنان و درخواست رئیس جمهور آمریکا برای ملاقات با رهبران جمهوری اسلامی از طرف خبرنگار تلویزیون ITN مطرح شد و آقای هاشمی به سوالات پاسخ داد. برای مطالعه متن کامل مصاحبه رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - حملات هوایی عراق که به دلیل سفر دبیرکل سازمان ملل به منطقه، پنج روز متوقف شده بود، امروز با حمله به جزیره خارک، تأسیسات نفتی "کرنج" و "باغ ملک" آغاز شد. در ساعت ۱۴:۳۰ دو فروند هواپیمای دشمن در ارتفاع بسیار پایین به جزیره خارک حمله کردند. در این حمله که از سمت "اسکله تی" انجام گرفت، سه فروند موشک به سوی جزیره شلیک شد ولی هیچ کدام به هدف برخورد نکرد. یکی از موشک ها در شرق و دیگری در شمال اسکله در آب فرو افتاد و موشک سوم به دره های نزدیک به ساحل در محوطه شمال شرقی شرکت نفت فلات قاره بر خورد کرد. این حمله هیچ خسارتی در پی نداشت. در ساعت ۱۴:۱۵ تأسیسات بهره برداری کرنج در خوزستان هدف حمله هوایی دشمن قرار گرفت که خسارات جزئی به آن وارد شد. پس از بیست دقیقه نیز یک فروند هواپیمای عراقی برای بمباران تلمبه خانه شماره ۳ مارون به حریم هوایی این تأسیسات تجاوز کرد که با آتش پدافند مستقر در منطقه روبه رو شد و ناگزیر گریخت. این هواپیما به هنگام گریز، یک بمب پرتاب کرد که در فاصله دور از تلمبه خانه فرود آمد و ضایعاتی پدید نیاورد. رادیو صوت الجماهیر عراق، حملات هوایی امروز این کشور را دقیق، شدید و با کیفیت عالی توصیف کرد و مدعی شد که هواپیماهای عراقی حمله دقیق و مؤثری علیه یک هدف بزرگ دریایی در نزدیکی سواحل ایران انجام داده اند. خبرگزاری رویتر این هدف را یک فروند کشتی اعلام کرد.

جمعه ۲٦ شهریور | ۲۳ محرم ۱٤۰۸ — ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح درجلسه علنی بودم. قبل از دستور چند جمله درباره شهید سرلشکر [عباس] بابائی گفتم[1]. پیش از ظهر دکتر روحانی آمد و درباره امور جنگ مذاکره شد.

آقای [صادق] محصولی فرمانده لشکر ویژه پاسداران آمد و از ضعف مدیریت قرارگاه رمضان گفت و یکی از طرح های عملیاتی درون عراق را توضیح داد. قرار شد تعقیب کنیم؛ اگر حرف هایش درست باشد، ضعف‌ها زیاد است.

عصر یکی از ماموران وزارت ارشاد اسلامی در هندوستان آمد. از تبلیغات ضد ایرانی هندی‌ها شاکی بود. آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه] آمد. درباره تولیدات نظامی و نیازها مذاکره شد. آقای [محسن] کنگرلو آمد و برنامه پیشنهادی فرانسوی‌ها را برای عادی کردن روابط و دادن پول و .. آورد. فرمانده نزاجا [نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد دیشب که در ارتفاعات کهنه زینگ، به منظور پس گرفتن ارتفاعاتی که چند روز پیش از دست داده‌اند؛ عملیات انجام داده و بخشی را گرفته‌اند و عصر اطلاع داد که عقب‌نشینی کرده‌اند.

عراق به چند نقطه حمله هوایی کرده که دستور مقابله به مثل داده شد. یاسر از خانه تلفن کرد که از جبهه به سلامت برگشته است. شب در منزل با محسن درباره طرح تولید موشک سجّیل مذاکره کردیم.

شنبه ۲۷ شهریور | ۲٤ محرم ۱٤۰۸ — ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. اول وقت آقای [محمد حسن] زورق برای گرفتن حواشی گزارش کمیسیون تاور آمد. آنها را برای اصلاح به من داده بود. به آقای رضایی درباره تعدیل طرح ایجاد –

---

۱ – در این نطق آمده است:« امروز چهلم شهادت سرلشکر بابایی است که ایشان برای انقلاب، ارتش و جنگ، سرباز فداکار و با ارزشی بود. اف ـ ۱۴ های ما که تأثیر شایانی در دفاع از کشور دارد، فعالیتش را تا حدود زیادی مرهون نظرات و پشتکار ایشان بود که ایشان خلبان اف ـ ۱۴ بود. در میان خلبان ها یکی از امتیازات با ارزش ایشان این بود که فوق العاده حزب اللهی و پرشور و وفادار بود. در عملیات آن چنان تهاجم هوایی را ترتیب می داد که با کمترین تلفات و بهترین آثار، ما در جبهه موفق بودیم. از خداوند متعال برای روح شریف ایشان و برای تمام شهدای جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی رحمت خاص تقاضا داریم و برای خانواده ایشان و همکاران ایشان در ارتش جمهوری اسلامی از خداوند تقاضای صبر و اجر می کنیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



بازدید از نمایشگاه بین المللی تهران

خط تولید موشک دوربرد تلفنی تذکر دادم. ایشان اطلاعاتی درباره عملیات درون عراق داد.

در گزارش‌های خبری، قطعنامه شورای امنیت مهمترین است. موضع ایران تعدیل شده تلقی گردیده است. دبیرکل سازمان ملل در گزارش محرمانه [به شورای امنیت] گفته که احساس او این است که ایران در صورت شروع کار کمیته شناسائی آغازگر جنگ، عملاً جنگ را متوقف می‌کند[1]. گر چه در اینجا این مطلب در جلسات خصوصی آمد، ولی قرار شد اعلان نشود و گفته شد اگر اعلان شود، ما تکذیب می‌کنیم و به همین دلیل با آقای رئیس جمهور تلفنی مذاکره کردم و قرار شد وزارت خارجه تکذیب کند.

عفت به برنامه تیراندازی خواهران در پادگان سعدآباد رفت. ناهار دیر تهیه شد. من و یاسر هم کمک کردیم. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. گزارش کار بنیاد تاریخ و سفر اروپایی اش را داد و از ضعف کار انجمن های اسلامی ما در اروپا گفت. آقای روحانی اجازه گرفت که مقابله به مثل را متوقف کنیم، چون عراقی ها کار مهمی

۱ - متن کامل گزارش دبیر کل سازمان ملل از نتایج دیدار از تهران و بغداد در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

نکرده‌اند؛ گر چه شرارت هایی داشته‌اند.

یکشنبه ۲۸ شهریور | ۲۵ محرم ۱٤۰۸ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۷

ساعت شش صبح برای بازدید از نمایشگاه بین‌المللی رفتم. تا ساعت نه صبح از غرفه‌های صنایع سنگین بازدید کردم؛ متنوع و دیدنی است. بالاخره ناتمام ماند. قرار بود به غرفه‌های سپاه، بنیاد شهید و آلمان هم بروم که نرسیدم. کمبود ارز خیلی از کارها را کند یا کم کرده و در مواردی هم باعث حرکت در جهت خودکفائی است. اگر مدتی بتوانیم کمبودها را تحمل کنیم، ممکن است به جای خوبی برسیم. مصاحبه کوتاهی انجام دادم[1].
از آنجا به جماران برگشتم و برای پاسدارن بیت امام صحبت کردم.

به مجلس آمدم. در گزارش‌ها سفر آقای دکوئیار دبیر کل سازمان ملل و قطعنامه شورای امنیت مهمترین مسأله روز است. پیشنهاد مشخص ما در خصوص اعلان متجاوز به عنوان اولین گام در راه ختم جنگ، حامیان عراق را دچار مشکل نموده و گویا در شورای امنیت هم تفرقه ایجاد کرده است.

آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری از وزارت امور خارجه آمدند. درباره همین مسأله و سیاست تبلیغاتی جدید مذاکره شد. تکذیب دیروز وزارت خارجه، ممکن است این روند خوب را متوقف کند. قرار شد از مواضع دبیرکل [سازمان ملل] حمایت کنیم. آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی اطلاع دادند که آقای [دانیل] اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه، ایشان را دعوت کرده که در سفر به سازمان ملل، به نیکاراگوئه هم بروند و در این باره مشورت کردند. نتوانستم جواب صریحی بدهم. قرار شد مشورت بیشتری شود.

آقای [علیرضا] معیری معاون [سیاسی] نخست وزیر آمد. نظر داد که مصلحت نیست

---

۱ - آقای هاشمی از غرفه های شرکت ماشین سازی تبریز، واگن سازی پارس، ماشین سازی اراک (ساپا) و صنایع دفاعی، حمل و نقل و صادراتی در نمایشگاه بین المللی تهران بازدید کرد و از پیشرفت های صنایع سنگین کشور آگاهی یافت. ایشان، در جریان این بازدید، در گفتگو با خبرنگاران، پیشرفت های صنعت کشور را امیدوار کننده توصیف کرد و گفت: «علیرغم مشکلات ارزی، پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه صنعت، برای نیل به خودکفایی روند مثبتی داشته و تاکنون گام‌های مثبتی در این زمینه برداشته شده است. ابتکارات جالبی که در برخی قسمت‌های صنعت سنگین صورت گرفته، امید به استقلال و خودکفایی صنعتی و رفع نیازهای جنگی را علیرغم کمبود ارز قوت بخشیده است. اگر در بخش های دیگر هم، مثل صنایع سنگین روند رشد به این گونه باشد، آینده امیدوار کننده است و باید گفت، فشارهای ناشی از جنگ و انقلاب، کشور را در این زمینه تکان داده است. انتظار اینکه ایران، کشوری نسبتاً خودکفا شود، بیهوده نیست و همت لازم دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳٦٦»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

مصاحبه چند روز پیش که با آقای [سید محمود] دعائی [مدیر مسئول روزنامه اطلاعات] انجام دادم - در مورد مک فارلین و خرید اسلحه از آمریکا - منتشر شود. قرار شد آن را برای کتاب اصلی که بناست منتشر کنیم، بگذاریم. قرار بود در مقدمه ترجمه جزوه تاور انتشار یابد.

عصر آقای [سید حسین] موسویان [مدیر کل امور اداری مجلس] آمد؛ برای امور مجلس و مشورت درباره سفر به آمریکا همراه آقای خامنه‌ای. گفت درخواست مصاحبه با [رونالد] ریگان [رئیس جمهور آمریکا] کرده است. سئوالاتی تنظیم کرده و چند سئوال اضافه نمودم.

در شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردیم. قرار شد طرحی برای اعزام نیروی زیاد مردمی در جبهه، از طریق وضع مقررات و یا اهرم قدرت های اجرائی امکان پذیر دولت، برای جذب نیروی انسانی و مالی مردم، تهیه شود و تصویب کردیم که رزمندگان عراقی که در ایران هستند، در اختیار سپاه باشند و مقررات پناهندگی - که دست و پاگیر است - درباره آنها اجرا نشود.

دوشنبه ۲۹ شهریور | ٢٦ محرم ١٤٠٨ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت یازده در مجلس بودم. چون دستور کار تمام شد، ساعت یازده جلسه را ختم کردم. حدود بیست نفر از خانم های ترکیه که به دعوت وزارت ارشاد به ایران آمده اند، به مجلس آمده بودند. برای آنها صحبت کوتاهی کردم[۱].

از قم آقایان کوثری، اشعری و آشیخ قوام آمده بودند. برای راه و آب [روستای] وشنوه قم استمداد کردند.

آقای رفیق دوست آمد. یک ونیم میلیارد تومان از اعتبار فرماندهی جنگ برای سپاه درخواست کرد. ظهر خبرنگاران آمدند و پیام ضبط کردند تا برای رزمندگان از طریق رادیو جبهه پخش شود.

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عصر [پرسنل] نیروی هوایی سپاه آمدند. برای آنها صحبت کردم[1] و اطمینان دادم که این نیرو تقویت خواهد شد. شورای [مرکزی] وزارت جهاد سازندگی آمدند. از اینکه آقای [بیژن نامدار] زنگنه بعد از قهر کردن، به توصیه من به کار برگشته، ناراضی اند و توصیه می کردند ایشان کنار برود، چون با [آقای عبدالله نوری] نماینده امام در جهاد ناسازگارند.

آقای دکتر [حسن] حبیبی وزیر دادگستری آمد. درباره جنگ توضیح خواست و گزارشی از برنامه ما در یونسکو [سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد] داد. ایشان نامزد نمایندگی ما در یونسکو است و گفت «مختار امبو» دبیرکل یونسکو از ایشان خواسته که برای آزادی یکی از گروگان های فرانسوی کمک کنیم. گفتم به ایشان اطلاع بدهد که جواب مثبت است.

ابوشهاب جانشین سابق فرمانده لشکر [۱۴] امام حسین(ع) آمد. از سپاه به خاطر بی توجهی به ایشان، پس از شهادت حسین خرازی فرمانده لشکر و نصب آقای [علی] زاهدی به عنوان فرمانده، بدون توجه به نظر ایشان گله مند است؛ در آن زمان ایشان مجروح جنگی بوده است.

شب جلسه سران در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. آقای خامنه‌ای به خاطر آماده شدن برای سفر، شرکت نداشتند. احمدآقا گزارش سفر به قم و دیدار با آقای منتظری و رضایت ایشان از آزاد شدن آسید هادی [هاشمی] را داد. درباره نرخ گذاری[2] و جنگ هم بحث شد.

---

۱ - آقای هاشمی در این دیدار با تشریح جایگاه و نقش مهم سپاه در جنگ و رویارویی با قدرت های بزرگ در خلیج فارس، وحشت آمریکا و انگلیس را به دلیل توان ناشناخته سپاه دانست و گفت: «ما هیچ شکی نداریم آن چیزی که اینها در حال حاضر از آن می ترسند و با وحشت در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان حرکت می کنند، نیروی ناشناخته سپاه است که ضرب شست آن را در زمین دیده اند و در دریا هم مشاهده نموده اند.» رئیس مجلس با اشاره به قدرت موشکی سپاه افزود: «زمانی که اولین موشک ضد هوایی نیروی هوایی سپاه "میگ ۲۵" عراق را در آسمان اصفهان شکار کرد، دنیا با قدرت جدید و عنصر تازه ای در جنگ روبه رو شد و روزی که موشک های سپاه مورد استفاده قرار گیرد، صحنه های جدیدی در جنگ به وجود خواهد آورد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آقای مجید قاسمی رئیس کل بانک مرکزی، در مصاحبه ای اعلام کرد: «با اجرای طرح مبارزه با گران فروشی ، قیمت ۹۷ درصد از کالاهای مشمول این طرح از ۲ تا ۶۱ درصد کاهش یافت.» وی در مورد ذخایر ارزی کشور گفت:« ذخایر ارزی کشور هم اکنون روبه افزایش است و در سال جاری وضعیت فروش نفت نیز نسبت به سال قبل، از یک بهبودی نسبی برخوردار بوده است و ذخایر ارزی کشور امیدوار کننده می باشد و جمهوری اسلامی ایران به کلیه تعهدات بانکی خود به نحو احسن عمل کرده است.»

آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر اطلاع داد که دستور داده چند مغازه‌ای که در میدان تجریش از ارتش وجود داشته، در اختیار کسانی که محل کسب شان در جریان سیل از دست رفته، بگذارند. ارتش مخالفت کرده و [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع، به همین جهت در جلسات دولت شرکت نمی کند و سرهنگ رحیمی که با سرباز برای جلوگیری به محل رفته بوده، چند ساعتی توسط کمیته بازداشت شده است.

سه‌شنبه ۳۰ شهریور | ۲۷ محرم ۱۴۰۸ ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. آقای [محمد باقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان و آقای [صادق] محصولی فرمانده لشکر [ویژه] پاسداران تحت امر او آمدند. وضع عملیات داخل عراق را بررسی کردیم. آقای محصولی مدعی است واحدها از مدیریت قرارگاه ناراضی اند. آقای ذوالقدر از ضعف تدارکات و مشکل اعزام افراد و امکانات به داخل و غیر قابل اعتماد بودن گروه‌های معارض عراقی در داخل عراق برای همکاری در برنامه‌ها و طرح ها گفت. بالاخره قرار شد تا هفته آینده برنامه منسجمی بیاورند.

نتیجه کنکور دانشگاه‌ها را داده‌اند. مهدی نفر اول [رشته مهندسی برق -] مخابرات دانشگاه تهران شده است؛ راضی نیست. مایل بوده که در رشته برق - الکترونیک پذیرفته شود. گرچه رشته مخابرات هم مهم است. چون نفر ۲۹ کنکور بوده، توقع بیشتری داشته و معتقد است به خاطر سهمیه بندی‌ها، موقعیت از دستش رفته است. توضیح دادم که سهمیه باعث عدالت است که به سایر شهرها و نهادها و به خصوص به رزمندگان که امکانات تحصیل مثل مرفهان تهران را ندارند، فرصت داده شده است.

آقای دکتر روحانی اطلاع داد که عراق در ازنا و باختران، دو واحد را زده و به یک کشتی در اسکله خارک حمله کرده است[1]. قرار شد انتقام را به فردا بیندازیم؛ به خاطر

---

۱ - امروز در صحنه سیاسی نظامی خلیج فارس چهار حادثه مهم به طور همزمان و متأثر از هم اتفاق افتاد: حمله هلی کوپترهای آمریکایی به کشتی تدارکاتی "ایران اجر"؛ سخنرانی ریگان در سازمان ملل و ادعای آمریکا مبنی بر مین ریزی کشتی ایران اجر؛ ورود چهار کشتی مین جمع کن انگلیسی به دریای عمان؛ حمله قایق های تندرو به نفتکش انگلیسی "جنتل بریز".
آمریکا در واکنش به تلاش های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی و به منظور تحت تأثیر قراردادن سخنرانی آیت الله خامنه‌ای ریاست جمهوری در مجمع عمومی سازمان ملل که قرار است فردا انجام شود، در یک اقدام تبلیغاتی کشتی ایران اجر را مورد

حفظ آرامش برای فردا که رژه داریم.

عصر آقای [فریدون] مهدی‌نژاد آمد. گزارش سفر به ژاپن و مذاکره با آلبرت حکیم را داد. این یهودی ایرانی آمریکایی شده که مأمور سیا است، درباره تعمیر موشک‌های فونیکس که می‌خواهد انجام دهد، مدعی است مخفی از آمریکایی‌ها و با کمک متخصصان اروپائی و با استفاده قطعات تهیه شده از منابع متفرقه، می‌تواند تعمیر کند. تعمیر موشک‌ها برای ما مهم است. [هواپیماهای] اف چهارده ها بدون این موشک‌ها، کم اثرند و تعدادی موشک معیوب داریم. آقای مهدی نژاد همچنین گزارش مفصلی از نظرات آمریکا در منطقه و خلیج‌فارس داد. شب آقای محمد نجفی [فرزند آقای شیخ مهدی نجفی] آمد و راجع به تحصیل در دانشگاه تهران یا دانشگاه امام صادق(ع) مشورت کرد.

چهارشنبه ۳۱ شهریور | ۲۸ محرم ۱۴۰۸ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷

سحرگاه، [دریادار ملک زادگان] فرمانده نیروی دریایی ارتش، با تلفن خبر داد که آمریکا به یک کشتی باری ما حمله کرده است. قبل از دستور درباره حمله آمریکا به کشتی باری ما در شمال بحرین صحبت کردم[1].

↩حمله قرار داد. این حمله که با سخنرانی ریگان همزمان بود، بحران خلیج فارس را که با حملات عراق آغاز شده و با حمله قایق های تندرو به نفتکش انگلیسی جنتل بریز ادامه یافته است، تشدید کرد. در ساعت ۴۰ : ۲۲ دو فروند هلی کوپتر آمریکایی که از عرشه کشتی "فریگت چارت" پرواز کرده بودند، کشتی هشتصد تنی ایران اجر را در فاصله یک صد کیلومتری شمال شرقی بحرین، با مسلسل و راکت هدف گرفتند که بر اثر آن، عقبه کشتی دچار آتش سوزی شد. در این حمله غافلگیرانه که مدت آن بسیار کوتاه بود، از مجموع ۳۱ تن سرنشین ایران اجر، سه تن شهید، دو تن مفقود شدند و ۲۶ تن دیگر ـ که تعدادی از آنها زخمی بودند ـ به اسارت نیروهای آمریکایی در آمدند.

۱ - در پی حمله دو هلی کوپتر آمریکایی به "کشتی ایران اجر"، آقای هاشمی طی سخنانی در مجلس، ضمن رد این ادعای آمریکا که کشتی ایران اجر مین گذاری می کرده است، گفت:« هلی کوپترهای آمریکایی به طرف یک کشتی معمولی ایرانی تیراندازی کردند و مدعی شدند که این کشتی مشغول مین گذاری بود. صرف نظر از اینکه این ادعا کذب است و بهانه ای برای آغاز شرارت، اگر فرض کنیم این ادعا درست است و این کشتی مشغول مین گذاری بوده، آیا وظیفه آمریکایی ها این بود که تیراندازی کنند یا اینکه مین ها را جمع کنند. با اینکه اصل مسأله دروغ است و این ادعای کذب هم دلیل شروع شرارت در منطقه نیست، ما شکی نداریم که این گونه حرکات به جای اینکه صدای ما را بین امواج تبلیغاتی گم کند، آن را رساتر خواهد کرد و حرف مظلوم بالاخره جای خود را در دنیا باز خواهد کرد. ما از اول آمریکایی ها را مسئول این جنگ می دانستیم و هنوز هم معتقدیم که اینها مسئول شروع جنگ و توسعه آن و تشنج در خلیج فارس هستند و دیشب ثابت کردند که اینها مسئول مرحله جدید شرارت هم خواهند بود.... دنیا و ملت ما مطمئن باشند که↩

به میدان آزادی رفتم و در مراسم رژه نیروهای مسلح شرکت کردم و صحبت کوتاهی نمودم. رژه تا ظهر طول کشید.

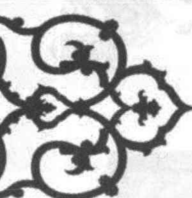
ظهر جزئیات اخبار مربوط به حمله آمریکا را گرفتم. در کشتی باری ما چند مین دریایی بوده و ظاهراً به طرف بوشهر می‌رفته. دو هلی کوپتر آمریکا به آن حمله کرده‌اند و کشتی را از کار انداخته‌اند. در این حمله سه نفر شهید و دو نفر مفقودند و جمعی را گرفته‌اند و سر نوشت بعضی‌ها نامعلوم است. آنها از نزدیک شدن نیروهای ما به کشتی ممانعت به عمل می‌آورند.

آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر اطلاع داد که یدک کش شرکت نفت به کشتی ایران اجر نزدیک شده، ولی آمریکایی ها اخطار کرده اند که برگردد. نیروهای نیروی دریایی [ارتش] که قرار بود صبح زود بروند، با تاخیر وارد منطقه شده اند. سرانجام معلوم شد که ۲۶ نفر زنده‌اند و اسیر و سه نفر شهید و دو نفر مفقود.

ظهر آقایان [حسن] روحانی و [محمد علی] هادی و [سیروس] ناصری آمدند، درباره خط تبلیغ که قرار شد مین گذاری را قبول نکنیم و راجع به حامل مین بودن برای بوشهر هم چیزی نگوئیم.

عصر چند ملاقات داشتم؛ وزیر دفاع و... شب گروهی از مسؤولان فنی موشکی سپاه، برای مشورت در مورد ایجاد خط تولید موشک سجیّل - که اخیراً سپاه آزمایش کرده و حدود یک صد کیلو متر برد دارد - همراه محسن آمدند؛ قول حمایت مالی و اداری دادم.

رزمندگان ما جواب مناسب را به شرورهای آمریکایی خواهند داد و آمریکایی ها را از این جنایتی که شروع کرده اند، پشیمان خواهند کرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



مهر ۱۳۶۶

چهارشنبه ۱ مهر | ۲۹ محرم ۱۴۰۸ — ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت و نیم صبح در دفترم کارها را انجام دادم و به وضع کشتی "ایران اجر" و افرادش که دست آمریکایی ها هستند، رسیدگی کردم؛ تغییری در وضع پیش نیامده است. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در [مجمع عمومی] سازمان ملل[1] و حادثه حمله آمریکا به کشتی ما، مهمترین مسأله دنیا است.

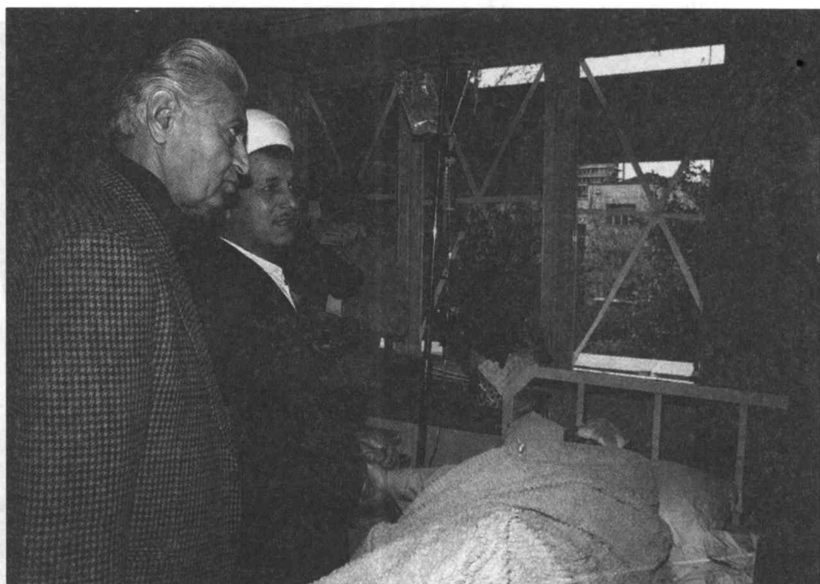
ساعت هشت و نیم به آسایشگاه شهدا در یافت‌آباد رفتم. در آنجا حدود هشتاد نفر جانباز قطع نخاعی نگهداری می‌شوند که متأسفانه وضع رقت باری دارند. با همه آنها مذاکره کردم و به مشکلاتشان گوش دادم و مبلغی به آنها کمک کردم. در آخر هم برای کارکنان و مجروحان صحبت کردم و مصاحبه‌ای انجام دادم[2].

به مجلس آمدم. عفت و مهدی هم آمدند. عصر بنا بود برای دیدن مانور عملیات -

---

۱ - آیت الله خامنه ای رئیس جمهوری در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به عنوان دومین سخنران جلسه، در جمع نمایندگان ۱۵۰ کشور جهان گفتند: «ما مهمترین هدف خود را تنبیه متجاوز می دانیم و امروز با نگاه به سرمایه عظیم و غیر قابل جبرانی که جنگ تحمیلی از ما گرفته است، بیش از همیشه به این هدف اهمیت می دهیم. ما با طرح مسئله تنبیه متجاوز نه فقط تکیه گاه مطمئنی برای امنیت خود جستجو می کنیم، بلکه این برای تمام منطقه، متضمن امنیت و ثبات است.» برای مطالعه متن کامل سخنرانی رجوع کنید ← روزنامه کیهان شماره ۱۳۱۳۵، چهارشنبه اول مهر ۱۳۶۶ ، صفحه ۱۸.

۲ - آقای هاشمی در سخنان کوتاهی گفت: « اگر جنگ به صورت پیروزمندانه تمام نشود، باز هم در آینده چنین جنگ‌هایی خواهیم داشت و منطقه از امنیت برخوردار نخواهد بود. آمریکا سرمایه‌گذاری زیادی برای حفظ صدام انجام داد و گستاخی اخیر آمریکا، مبنی بر حمله به یک کشتی ایرانی در خلیج فارس در همین راستا بود.» ایشان ضمن عیادت، به گفت و گو با تک تک مجروحین و جانبازان پرداخت و از نزدیک با مسایل و خواسته های آنها آشنا شد و به مسئولین بیمارستان توصیه کرد، حداکثر تسهیلات ممکن را در زمینه های مختلف برای مجروحین فراهم کنند. آقای هاشمی همچنین از روحیه تلاش و استقامت دست اندرکاران بیمارستان که صبورانه از مجروحین مراقبت می کنند، قدردانی کرد و زحمات آنان را جهاد در راه خدا خواند.



عیادت از مجروحان جنگ

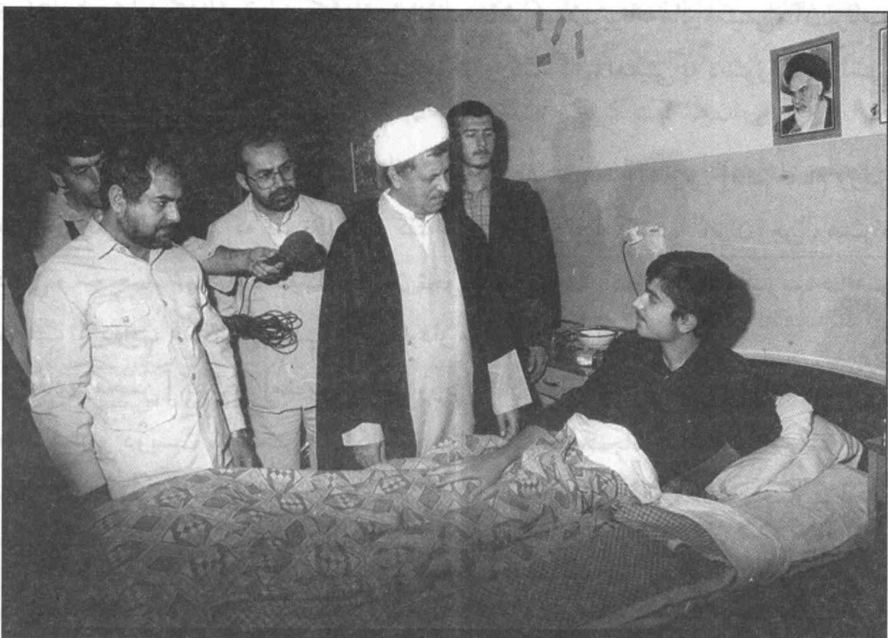
کربلای پنج به پارک ارم برویم که پاسدارانم به خاطر ضعف برنامه‌های امنیتی، آن برنامه را لغو کردند. من هم پذیرفتم. مدعی هستند برگزار کنندگان، اهمیتی به دستورات حراستی نمی‌دهند.

تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] اطلاع داد که آمریکایی‌ها گفته‌اند ۲۶ نفر از افراد کشتی "ایران اجر"، همراه کشتی و سه جسد شهدا را به دولت عمان تحویل می‌دهند که از آنها بگیریم، ما هم موافقت کرده‌ایم. عمان این مطلب را به کاردار ما اطلاع داده است.

آقای [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] اطلاع داد که فرانسوی‌ها حاضر شده‌اند تعداد هزار و دویست موشک مالیوتکا[1] در برنامه مبادله بگنجانند. اجازه دادم که وارد مبادله شوند؛ ولی گزارشی که درباره هماهنگی آمریکا و انگلیس در فرانسه و فشار به ایران

۱ - موشک مالیوتکا (بچه کوچک) شبیه تاو، یک موشک ضد تانک هدایت شونده با سیم است و از سامانه هدایت دستی براساس خط دید استفاده می کند. مالیوتکا مشهورترین موشک هدایت شونده ی ضد تانک در شوروی سابق است. مالیوتکا در حالت حمل تک نفره از روی جعبه‌ای چمدان مانند پرتاب می‌شود. در این جعبه، یونیت کنترل موشک جا داده شده است. آماده سازی موشک برای پرتاب پنج دقیقه زمان می‌برد.





عیادت از مجروحان جنگ تحمیلی

داریم، با این مسأله نمی‌سازد؛ احتمالاً مانور است.

جلسه سران قوا در دفتر من بود. پیشنهاد اعلان استقبال مردمی از رئیس جمهور در مراجعت از سفر نیویورک مطرح گردید. درباره مقابله به مثل با شرارت آمریکا هم تصمیم‌گیری شد.

پنجشنبه ۲ مهر | ۳۰ محرم ۱۴۰۸ — ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. مطابق معمول گزارش‌ها را خواندم. خلیج فارس و سفر رئیس جمهور به نیویورک و حمله آمریکا به کشتی "ایران اجر" در صدر اخبار است. قبل از دستور درباره اهمیت سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل صحبت کردم[1]. تا ساعت ده در جلسه ماندم.

پیش از ظهر آقای ریاضی آمد. گزارش سفر خصوصی و محرمانه اش به روسیه و مذاکره با ولادیمروف را داد. درباره راه های اصلاح روابط مذاکره شده است. او را دعوت کرده بودند که درباره آینده عراق بعد از صدام حرف بزنند، ولی در این خصوص حرفی نزده‌اند؛ احتمالاً به خاطر حضور یک نفر دیگر با ایشان بوده است.

تیمسار حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد و گزارش داد. آقای [موسوی] اردبیلی آمدند. راجع به جنگ روانی در جبهه‌ها پیشنهادهایی داشتند. ظهر آقای [سیدرضا] زواره‌ای [نماینده تهران] آمد و از بسته شدن چاه عمیقی در ورامین از طرف وزارت نیرو با فشار دادستان شهر گله داشت. این چاه جواز نداشته است. عصر تعداد زیادی از بسیجی‌های مهاجران جنگ آمدند. برای آنها صحبت کردم[2].

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: «ما متشکریم از ریاست جمهورمان که با حضور در سازمان ملل و ایراد سخنرانی متین و قوی باعث برملاشدن بسیاری از شرارت های دشمنان اسلام و زبان گویای مظلومیت انقلاب اسلامی و مظلومان تاریخ معاصر شدند. مبانی انقلاب اسلامی به روشنی و مستدل بیان شد. مبانی غلط حرکت استکبار جهانی و مخصوصاً امپریالیسم غرب برملا شد. حرکت ضعیف مراکز جهانی، سازمان ملل و شورای امنیت مشخص گردید. آنها عصبانی هستند از اینکه می‌بینند یک روحانی ارجمند در لانه خود آنها، این گونه آنها را افشاء می کند و تا امروز چنین صریح و محکم در مقابل حرف حق قرار نگرفته بودند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « این اجتماع پرشور و پرابهت را که انسان می بینند، اگر مطلع از روحیات مسلمانان غیور و جوانان سرشار از ایمان نباشد، برایش مشکل است که باور کند، این اجتماع مربوط به خانواده های مهاجر و کسانی است که هفت سال ☜

برای استقبال آیت‌الله خامنه‌ای که از نیویورک برگشته‌اند، به فرودگاه رفتم. این اولین بار است که به استقبال رسمی ایشان می‌روم. نزدیک مغرب، رزمندگان مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق آمدند. برای آنها صحبت کردم[۱]. گزارش آنها را شنیدم و تشویق به جنگیدن در داخل خاک عراق کردم. امروز آمریکایی‌ها، بار دیگر متعرض یک کشتی تجارتی ما در دریای عمان شده‌اند. شب به خانه آمدم.

جمعه ۳ مهر | ۱ صفر ۱۴۰۸ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. نماز جمعه را بنا بوده من اقامه کنم، ولی دیروز قرار گذاشتیم آقای رئیس جمهور بخوانند که گزارش سفر [نیویورک را] بدهند. پیش از ظهر فرماندهان سپاه آمدند.

ﷺاست درمشکلات مهاجرت از زادگاه خود به سر می برند. شاید در همه جنگ های دنیا، یکی از مشکلات غیر قابل تحمل در اطراف جنگ، مسئله مهاجرین جنگ باشد. جنگ‌هایی که با عنصر ایمان و اتکا به خدا همراه نیست، طبیعی است که نتوانند در درازمدت مشکلات خانواده‌های مهاجر را تحمل کنند، ولی بی‌شک آنچه در حال حاضر در ایران می گذرد و شور و هیجان فرزندان مهاجرین را به نمایش می‌گذارد، برای مردم عادی دنیا قابل باور نیست و شما که پشت سر خودتان هفت سال هجرت از خانه و زندگی دارید و شاهد مشکلات مهاجرت در میان خانواده و بستگان خود هستید. شما که در پشت سرتان شهرها و روستاهای ویران و منازل با خاک یکسان شده را گذاشته اید و در اردوگاه‌ها و مراکز مهاجر نشین زندگی می کنید، برای خود بنده که مأنوس با افکار شما بودم، جالب توجه است و این، متکی به ایمان و اعتقاد است که دشمنان ما نه در وجودشان است و نه از آن خبر دارند و نه می توانند این معنی را لمس کنند. دشمنان ما در تحلیل هایشان در اوائل جنگ ، اظهار می داشتند که ایران با داشتن بار سنگین مهاجرت جنگ، به زانو در خواهد آمد، مدعیان این طرز تفکر، الان کجا هستند که ببینند کسانی را که آنها فکر می کردند بار مشکلات بر دوش جامعه می گذارند، امروز حلال مشکلات و خط شکن جبهه ها و پیشتازانند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:« این که یک قدرتی مثل ایران پشت سر نیروهای مجاهد در داخل یک کشور باشد، کم اتفاق می افتد. شما بقیه نهضت های اسلامی را ببینید، چنین موقعیتی برای آنها نبوده است. خود ما در چه شرایطی با رژیم گذشته می جنگیدیم؟ هیچ کس در این دنیا نبود که صدای ما را بلند کند و حرف ما را بنویسد. شما امروز از بلند گوها و امکانات ایران می توانید استفاده کنید. ما با شما هستیم، بچه های ایرانی در جلو و پیشاپیش شما حاضرند بیایند و با اهداف مشترکی که دارید همگام با هم بجنگید. خیلی موقعیت خوبی است، اگر از این موقعیت خوب استفاده نشود، بعداً باید به خداوند جواب داد. فرصت هایی که از دست انسان می رود، تأثر دارد. سیاست جنگی کنونی ما این است که هر کس بخواهد در داخل عراق بجنگد و آماده باشد که در آنجا با نظام صدام درگیر باشد، او را مسلح کنیم. طبعا شما ها اولویت دارید. بنابراین پیشنهاد می کنیم که خیلی جدی رزمنده هایتان در داخل عراق و در کنار رزمندگان ما در مرزها و جبهه باشند، ولی اولویت را به درون عراق بدهید. شما باید در منطقه، نقطه آزاد شده داشته باشید. باید پایگاه داشته باشید. باید از آنجا بتوانید با مردم تماس بگیرید و بین مردم رفت و آمد بکنید. ان شاء الله مجلس اعلا بتواند محور خوبی برای وحدت و حرکت ملت عراق باشد و بعد ما و شما با هم بتوانیم محور خوبی برای نجات بقیه مسلمان ها باشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.





بازگشت آیت الله خامنه‌ای از سفر نیویورک

مشکلات مالی را مطرح کردند. آنها مدعی هستند مبلغ ۱۲ میلیارد تومان برای امسال کم دارند. قرار شد فکری بکنیم. برنامه عملیات خلیج فارس هم بررسی شد.

آقای خامنه‌ای و احمدآقا، بعد از زیارت امام آمدند و اطلاع دادند که امام دستور داده‌اند در نماز جمعه بگویند سازشی در پیش نداریم، جز با تنبیه متجاوز. آقای [بیژن نامدار] زنگنه وزیر جهاد [سازندگی] تلفنی اطلاع داد که موشک هفتاد کیلومتری را تست استاتیک کرده‌اند. عصر بیشتر وقت به مطالعه گذشت. در گزارش‌ها مهمترین مسأله روز، مسایل منطقه خلیج‌فارس و درگیری احتمالی ما و آمریکا و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است.

آمریکا در شورای امنیت در خصوص تحمیل قطعنامه تحریم جهانی اسلحه بر ایران شکست خورده و اعلان تأخیر کرده است[1]. آقای روحانی اطلاع داد که عراق دو حمله داشته ولی بی اثر بوده است. قرار شد این بار اقدام نکنیم که شاید دست از شرارت بردارد. نیروی دریایی اطلاع داد که آمریکایی ها، دارند کشتی را تحت الحفظ به آب های بین‌المللی می‌آورند.

شنبه ٤ مهر | ۲ صفر ۱٤۰۸ ۲٦ سپتامبر ۱۹۸۷

رادیو آمریکا خبر داد که دیشب به دستور [گاسپار] واینبرگر وزیر دفاع آمریکا، کشتی "ایران اجر" ما را به عنوان هشدار به ایران، منفجر و غرق کرده‌اند. این تحریک و قدرت نمائی است و شاید به خاطر شکستی است که در شورای امنیت خوردند و نتوانستند قطعنامه تحریم تسلیحاتی علیه ایران را تصویب کنند؛ گویا شوروی، چین و فرانسه با آن مخالفند.

به آیت الله خامنه‌ای گفتم که به دادگاه لاهه و شورای امنیت شکایت کنیم. به آقای

---

۱ - جرج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا، در ملاقات با وزرای خارجه چهار کشور عضو دائم شورای امنیت در نیویورک، موفق نشد حمایت آنان را برای اعمال تحریم تسلیحاتی بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران جلب کند. او در ملاقات با ادوارد شوارد نادزه وزیر امور خارجه اتحادجماهیرشوروی، تلاش کرد توافق مسکو را برای اعمال این تحریم جلب کند. مسکو علیرغم توافق با آمریکا بر سر ضرورت پایان دادن به جنگ عراق با ایران، معتقد بود اعمال تحریم ثمری نخواهد داشت. جرج شولتز درباره قطعنامه ۵۹۸ نیز گفت: «احتمال پذیرش آتش بس از سوی ایران، یک در میلیون است.»

[سید کمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] گفتم که اعلان کنند آمریکا برای از بین بردن آثار جرم - کشتی باری و غیر نظامی - این اقدام را کرده و این کار تحریک کننده است و تلافی خواهد شد. به آقای محسن رضایی درباره تکمیل عملیات «خلیج فارس» پیشنهادی دادم. به آقای عبدالله نوری گفتم که رسیدگی به نیازهای سپاه را انجام دهند.

عصر آقای [محمد] عبائی [مسئول دفتر تبلیغات اسلامی قم] همراه با چند نفر از طلاب قم که روی پروژه «کلید قرآن» کار می کنند، برای مشورت در ادامه کار آمدند. آنها پیشنهادهای جدیدی آوردند و تعدادی از کلاسورهای آماده شده را بردند. ضمناً از ضعف عقیدتی سیاسی ارتش هم گفتند.

امروز عراق به شرارت حملات هوایی و کشتی زنی ادامه داده است که دستور مقابله به مثل داده شد. عصر دو نفر از محافظانم که عازم جبهه بودند، آمدند و خداحافظی کردند. عفت گریه کرد و من هم متأثر شدم. آنها زن و بچه دارند.

گزارش ها را آوردند، خواندم. آمریکا که در عمل تحریم علیه ایران ناکام شده است، از دبیر کل سازمان ملل خواسته تا تلاش برای تحریم [تسلیحاتی ایران] را ادامه دهد*.

یکشنبه ۵ مهر | ۳ صفر ۱۴۰۸ — ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۷

دیشب ۲۶ نفر از پرسنل کشتی "ایران اجر" که آمریکا بعد از اسارت، آنها را به عمان تحویل داده بودند، به ایران برگشتند. برای رسیدن به امور جنگ، به جلسه علنی مجلس نرفتم. از فرمانده سپاه خواستم که مسؤولان عملیات آینده خاکی و آبی را بفرستد که توضیح بدهند. فرماندهان نیروهای دریایی و زمینی سپاه آمدند. آنها دو عملیات را توضیح دادند و تصمیم گیری شد.

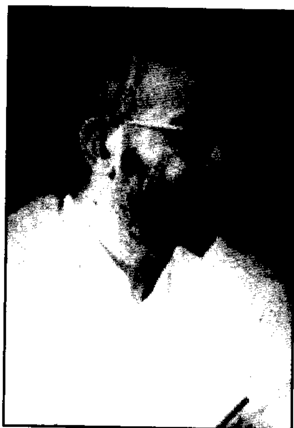
پیش از ظهر آقای [سید علی‌اصغر] حجازی آمد و در مورد مسائل مربوط به فرانسه مشورت کرد. ظهر اعضای شورای پشتیبانی جنگ وزارت جهاد سازندگی آمدند. نیازها و

---

* - در این روز، سمینار جنگ و جهاد به مناسبت هفته دفاع مقدس، با پیام آقای هاشمی در اهواز آغاز به کار کرد. در این پیام آمده است:« ما به مداخله گران خارجی در خلیج فارس توصیه می کنیم که بیرون رفتن با سرشکستگی را به فرو رفتن در گرداب‌های هولناک خلیج فارس ترجیح داده و خود را در میدان جنگی که محدوده آن را ایران اسلامی با قدرت و قاطعیت تعیین خواهد کرد، درگیر نسازند». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه ها به انضمام پیام‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

کمبودها را گفتند. آنها هم پول می‌خواهند، هم ماشین آلات و هم تبلیغات برای تشویق افرادشان.

عصر خانواده‌های شهدای ساوجبلاغ و مسؤولان آن منطقه آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. چون باران می‌بارید، در زیر زمین مجلس آنها را پذیرفتم.



سید مهدی هاشمی قهدریجانی

در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. درباره طرح ها و راه‌های بسیج نیرو و امکانات برای جنگ مذاکره شد. چون روی طرح ها کار کارشناسی نشده بود، ادامه بحث به جلسه بعد موکول شد. آیت‌الله خامنه‌ای هم که دچار کسالت شده بودند، غیبت داشتند.

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر خود و آقای خامنه‌ای به سازمان ملل را داد و گفت این سفر در تلطیف جو مؤثر بوده، ولی در عمل می‌بینیم به جای اینکه آنها در مقابل منطق ما قانع و نرم تر شده باشند، خشمگین و خشن‌تر شده‌اند.

درباره نحوه انجام و اسم و آثار عملیات آینده مذاکره و تصمیم گیری شد. احمدآقا برای ساختمان بیمارستان کوچک جماران - که پانزده میلیون تومان خرج آن شده است - از دولت کمک خواست؛ قرار شد پرداخت شود. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ٦ مهر | ٤ صفر ١٤٠٨ — ٢٨ سپتامبر ١٩٨٧

در منزل بودم. اول وقت اطلاع دادند، چون آقای خامنه‌ای مریض هستند، دو برنامه را که در دانشگاه و قم داشته اند، من انجام دهم؛ برنامه قم را پذیرفتم که برای ائمه جمعه سراسر کشور صحبت کنم. نزدیک ظهر، احمدآقا اطلاع داد که سید مهدی هاشمی را اعدام

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

کرده‌اند[۱] و آقای منتظری در جلسه ائمه جمعه که نخست وزیر صحبت می کرده، حاضر نشده‌اند. مشورت کردیم، نظر این شد که به قم نروم، زیرا باز هم آقای منتظری، ممکن است در جلسه شرکت نکنند. لذا سفر قم لغو شد.

عصر آقایان [محمدعلی] هادی و [محمدجواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری آمدند. قرار شد شکایتی از آمریکا به شورای امنیت، در خصوص حمله به کشتی "ایران اجر" بشود. درباره پیگیری مسأله متجاوز شناخته شدن عراق هم تصمیماتی اتخاذ شد. شب آقای مهدی نژاد آمد و نسخه‌ای از اعلامیه «عملیات مرگ بر ریگان» از سوی جهاد اسلامی حزب‌الله جزیره العرب را آورد که در اعتراض به شرارت های جدید آمریکا در آب‌های منطقه، منتشر شده است.

محسن آمد و برای تسریع در ساختن خط تولید موشک سجیل[۲] استمداد کرد و همچنین برای حفر چاه جدید در زمین‌های البرز قم پول خواست. قبل از پیروزی انقلاب، حدود ده هکتار زمین در منطقه البرز قم برای کشاورزی خریده بودیم که دچار کمبود آب است. کارها را از مجلس آوردند. در گزارش ها تشدید شرارت عراق در خلیج‌فارس، دنیا را منتظر عکس‌العمل ما کرده است.

سه‌شنبه ۷ مهر | ۵ صفر ۱٤۰۸ — ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی مجلس بودم. ظهر اعضای کمیسیون‌های دفاع و برنامه و بودجه آمدند. راجع به مخارج نظامی، نیروهای مسلح، جنگ، خریدهای نظامی و کنترل آنها مطالبی گفتند و برای اعمال حق نظارت استمداد کردند. عصر رزمندگان راه‌پیما از جبهه تا جماران - که ۱۹ روز تا تهران پیاده آمده اند - به مجلس آمدند. برای آنها

---

۱ - سید مهدی هاشمی قهدریجانی - برادر داماد آیت الله منتظری - به حکم دادگاه ویژه روحانیت به عنوان محارب و مفسد به اعدام محکوم شد و حکم صادره صبح روز دوشنبه ۶ مهر به اجرا در آمد.

۲ - موشک سجّیل در رده نسل جدید موشک‌های زمین به زمین است. این موشک با بدنه کمپوزیتی در تحقیقات اولیه و ساخت نمونه و تست استاتیک، موفقیت‌هایی کسب کرده بود و با برد بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر به منظور هدف‌گیری شهر بغداد، توسط گروهی از مهندسان و مبتکران جهاد خودکفایی سپاه پاسداران ساخته می‌شد. سوخت این موشک جامد مرکب بود.

سخنرانی کردم[۱].

آقای [محی الدین] فاضل هرندی [نماینده قائم مقام رهبری در انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور] آمد و گزارش سفر به کشورهای اروپائی برای سرکشی به دانشجویان را داد. از اینکه آیت‌الله منتظری در جلسه‌ای گفته‌اند که [ایشان] نماینده من نیست، گله داشتند.[۲] دریادار ملک زادگان [فرمانده نیروی دریایی ارتش] آمد. از اینکه نیروی دریایی سپاه، آنها را در عملیات خیلی به حساب نمی آورند، گله داشت. بر محافظت از کشتی ها و ناوها تاکید کردم.

آقایان محسن رضایی و حسن روحانی آمدند. درباره عملیات آینده مذاکره شد. درباره زدن موشک به بغداد، در مقابل حمله امروز عراق به پارچین در حومه تهران - که خسارت کمی داشته - و حمله هوایی به نیروگاه نکا که آسیبی وارد کرده است، مشورت کردند. احمدآقا تلفنی موافقت کرد، ولی نخست وزیر موافق نیست و نگران است. زدن موشک به بغداد، منجر به جنگ نفتکش‌ها شود.

آقای [محمدعلی] هادی برای تعقیب پیشنهاد تشکیل کمیته سطح بالا برای جمع‌آوری اسناد متجاوز بودن عراق آمد. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. شب به خانه آمدم. تا ساعت ده و نیم برنامه تلویزیون را دیدم که گزارشی از شهر بافق بود.

چهارشنبه ۸ مهر | ٦ صفر ۱٤۰۸   ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت، در منزل اخبار را از رادیوهای بیگانه گرفتم. آمریکایی‌ها

---

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی، گسترش عزیمت رزمندگان اسلام به جبهه ها و برگزاری باشکوه مراسم هفته دفاع مقدس و استقبال گرم مردم را پاسخ دندان شکن به دشمن و اهداف آن، که ایجاد جنگ روانی است، خواند و گفت موضع‌گیری مسئولین جمهوری اسلامی ایران و مذاکراتشان، با دبیرکل سازمان ملل و سخنرانی ریاست جمهوری کشورمان در مجمع عمومی این سازمان که دنیا را برای پذیرفتن موضع به حق جمهوری اسلامی، یعنی تعیین و معرفی متجاوز قبل از اعلام آتش بس آماده می کند، خوشایند استکبار جهانی نیست و به همین دلیل تلاش‌های سیاسی گسترده ای توسط استکبار علیه جمهوری اسلامی ایران پیرامون قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل صورت می گیرد. امروز در روند تلاش های گسترده آمریکا و حامیانش برای نجات صدام و حزب بعث، ملت ما با شرارت‌های استکبار در آب‌های خلیج‌فارس و احتمال رویارویی مستقیم با آنان در این منطقه مواجه است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در آن سال ها آیت الله منتظری، قائم مقام رهبری، در هر دانشگاه نماینده ای داشتند. این نمایندگی ها بعد از سال ۱۳۶۸ و برکناری ایشان، به عنوان "نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها" به کار خود ادامه دادند.

جو ضد انقلاب اسلامی را تشدید می‌کنند و مصوبه‌ای در مجلس سنا به اتفاق آراء گذرانده‌اند که ورود کلیه اجناس ایران به آمریکا ممنوع شود.

به مجلس آمدم. آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس مجلس] آمد و راجع به تاسیس شعبه بنیاد شهید برای شهدای عراقی و معارضان عراقی داخل عراق و نیز افغانی‌های مجاهد - همچنان که نسبت به لبنان در جریان است - مشورت کرد و کمک خواست. راجع به حج سال آینده و کیفیت رفتار با عربستان بحث شد و قرار شد ارزیابی شود. از حضور آقای [مهدی] طیب در کمیسیون بند «ز» که بر سپاه فشار می‌آورد، ناراضی است.

فرماندهان کمیته انقلاب اسلامی آمدند و برنامه مبارزه با مواد مخدر را - که قرار است درجلسه سه قوه مطرح شود - توضیح دادند و کمک خواستند. [آقای کیشو] سفیر رومانی در تهران آمد. در مورد توسعه روابط حرف زد و دعوت رئیس مجلس رومانی را آورد. پذیرفتم که در زمان مناسب بروم و قبل از آن، هیأت‌های پارلمانی دو کشور رفت و آمد داشته باشند. او گفت [نیکلای] چائوشسکو [رئیس جمهور رومانی]، دخالت آمریکا در خلیج‌فارس را محکوم کرده است.

سفیر آلمان [غربی] آمد و برای نجات یک گروگان دیگر آلمانی [در لبنان] استمداد نمود. از طرف دولت آلمان، از آزادی فرد دیگری تشکر کرد. درباره قطعنامه [۵۹۸] شورای امنیت هم صحبت شد و من از موضع آلمان که عراق را آغازگر جنگ معرفی کرده است، تشکر کردم[1].

آقای رجائی خراسانی [نماینده دائم ایران در سازمان ملل] آمد. عازم سازمان ملل است. اجازه خواست درباره ترمیم روابط با عربستان سعودی وارد مذاکره شود. مشروط به عذرخواهی عربستان و جبران کارهای گذشته اش، پذیرفتم و گفتم اگر درگیر نشویم، به نفع دو طرف است.

آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد. درباره کسری

---

۱ - در این ملاقات آقای هاشمی گفت:« ما از سیاست آلمان غربی راضی هستیم و فکر می کنیم این کشور عاقلانه حرکت می کند. ما فکر می‌کنیم راه را برای کسانی که با حسن نیت بخواهند قضیه جنگ ایران و عراق را حل کنند، باز کرده ایم. الان اعضای شورای امنیت سازمان ملل در آزمایش قرار دارند. اگر حسن نیت داشته باشند، عراق را به عنوان آغازگر جنگ معرفی می کنند، این کار سختی نیست. همین کاری که کشور شما کرد. آقای گنشر [وزیر خارجه آلمان] چند سال پیش عراق را به عنوان متجاوز معرفی کرد و امسال هم با صداقت بر همان موضع تأکید کرد. شورای امنیت و ریگان نمی خواهند به حق نزدیک شوند و این موضع آنهاست که باعث شده است ما به اروپا سوء ظن پیدا کنیم.»

اعتبارات جنگ مذاکره کردیم. از عکس‌العمل‌های احتمالی بیت آقای منتظری در رابطه با اعدام سیدمهدی هاشمی، اظهار نگرانی شد که مبادا به اعتبار ایشان صدمه وارد کند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب جلسه سران قوا در دفتر رئیس جمهور بود. تصمیم گرفتیم در صورت ادامه شرارت عراق، به بغداد موشک بزنیم و خود را برای جنگ شهرها آماده کنیم. همچنین قرار شد کمیسیونی برای جمع آوری اسناد تجاوزگری عراق، زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل شود. در مورد راکد کردن دادگاه لاهه به دلیل دخالت آمریکا در امور داخلی هم بحث کردیم و قرار شد موضوع بررسی شود.[1]

پنجشنبه ۹ مهر | ۷ صفر ۱٤۰۸ — ۱ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده صبح در جلسه علنی مجلس بودم. ظهر فرمانده توپخانه سپاه آمد و گزارش وضع توپخانه را داد. عصر آقای [موسی] خیّر آمد. مدعی است، زیر دریایی کوچکی برای خرید در کشوری دیگر در اختیار دارد.

امروز تجاوز عراق به دو مرکز فرستنده در غرب کشور داشته‌ایم. در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. بحث بر سر تسریع یا تاخیر پرونده F.M.S در دادگاه لاهه بود.[2]

بعد از نماز مغرب به دکتر [گودرز] افتخار جهرمی [قاضی ایرانی دادگاه لاهه] گفتم که موضوع راکد کردن دادگاه لاهه، به بهانه دخالت آمریکا در امور داخلی ایران را بررسی کنند. دکتر ولایتی درباره تحرک بیشتر در نزدیکی با بلوک شرق برای ترساندن

---

۱ - یکی از توافقات ایران و آمریکا در الجزایر – در دوره دولت موقت مهندس بازرگان – آن بود که ایران خسارات وارده به اتباع آمریکایی در جریان انقلاب اسلامی را به شرط حکم دادگاه لاهه پرداخت کند. دادگاه لاهه که بر مبنای توافق‌نامه الجزایر تشکیل شده بود، به ادعاهای اتباع آمریکایی رسیدگی می‌کرد. حال آنکه عده‌ای از سرمایه‌داران و عناصر طاغوتی فراری که در آمریکا سکونت داشتند، تابعیت مضاعف آمریکایی می‌گرفتند و به عنوان تبعه ایالات متحده در دادگاه لاهه دعوی حقوقی می‌کردند. دادگاه لاهه نیز به استناد توافق‌نامه الجزایر به نفع آنان رأی می‌داد.

۲ - FMS مخفف Foreign Military Sale مربوط به برنامه فروش سلاح به کشور خارجی توسط وزارت دفاع آمریکا می باشد. در زمان رژیم پهلوی، خرید تسلیحات نظامی برای ارتش با استفاده از این برنامه انجام می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت آمریکا از تعهدات مربوط به تحویل تسلیحات خریداری شده که پول آن نیز پرداخت شده بود، سر باز می‌زد و یکی از موضوعات مطرح در دادگاه ویژه بررسی دعاوی ایران و آمریکا در لاهه، همین مسأله بود. در سال ۱۳۶۵ این دادگاه به نفع ایران رأی داد و آمریکا ملزم شد حدود ۵۰۰ میلیون دلار از حساب پول‌های بلوکه شده ایران را مسترد دارد.

غربی‌ها مشورت کرد. موافقت کردم و قرار شد در نماز جمعه فردا، من هم چیزی در همین رابطه بگویم. با [کمال] خرازی درباره تبلیغات عملیات خلیج‌فارس مذاکره کردیم. به خانه رفتم.

جمعه ۱۰ مهر | ۸ صفر ۱۴۰۸ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل مطالعه می‌کردم. محسن آمد و گزارش سفر به قم و پیشرفت ایجاد خط تولید موشک را داد. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. محسن هم با من آمد. به آمریکا، به سختی حمله کردم و به مردم، بیدار باش امکان درگیری با آمریکا دادم[1].

عصر وقتم بیشتر به تماشای تلویزیون گذشت. فیلم کم محتوائی داشت. عصر آقای دکتر روحانی اطلاع داد که عراق، امروز حمله ناموفقی به یکی از مراکز نفتی داشته و دو موشک به بندر امام برخورد کرده که معلوم نیست از کجا آمده است. با آیت‌الله خامنه‌ای درباره زدن موشک به بغداد مشورت شد. نظر دادند که لازم است بزنیم.

شب گزارش‌ها را خواندم. منطقه خلیج‌فارس، دلهره آور و پر حادثه است. امروز هم به چند کشتی از دو طرف حمله شده است. آخر شب دکتر ولایتی، تلفنی اطلاع داد که در سوریه، عبدالحلیم خدام به کاردار ما گفته که عربستان می گوید ایران می خواهد به کویت و عربستان حمله کند و گفته پاسخ می‌دهم. خدام هم گفته که انجام این کار در آستانه

---

۱ - در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی، موضوع استضعاف و استکبار، با تشریح ویژگی های مسرفین و مترفین، محور مباحثات حضرت موسی(ع) و فرعون و معیار حاکمیت در اسلام دنبال شد. در خطبه دوم درباره دیپلماسی جمهوری اسلامی در ارتباط با شورای امنیت و نقش آمریکا در ایجاد بی ثباتی در خاورمیانه، تحلیل جامعی به نمازگزاران ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «بوی حرکت اول جنگ، از آمریکا یی ها، کاملاً دارد در خلیج فارس به مشام می رسد و من به ملت مان عرض می کنم، ما به احتمال قوی خودمان را باید آماده بکنیم، در جبهه دیگری در جنوب در آینده نه خیلی دور، درگیر خواهیم شد و بنابراین برای جنگیدن در دو جبهه، نیروهایی که امروز و به طور معمول ما به جبهه ها می فرستادیم، کافی نیست. ما همیشه برای جبهه غرب عمدتاً با عراق نیرو می فرستادیم. از این به بعد یک بخشی از نیروهایمان را به احتمال بسیار قوی در خلیج فارس و در سواحل خلیج فارس به کار بگیریم و لذا تکلیف همه جوان‌های دوره دیده و تکلیف کسانی که تا به حال به جبهه نرفته اند و قدرت اسلحه برداشتن را دارند، این است که یک تکان جدید بخورند، بیش از آنچه که در گذشته بوده است. در آینده ای نزدیک برنامه هایمان را اعلام خواهیم کرد و باید آمادگی داشته باشیم که اگر کاری شروع شد و بخواهیم بعداً نیرو به جبهه ها بفرستیم، ممکن است میدان عقب بیفتد. لذا باید آمادگی خود را کاملاً حفظ بکنیم و آماده باشیم، برای اینکه ان‌شاء الله جواب مناسبی به آمریکایی ها در این منطقه بدهیم» (تکبیر نمازگزاران). رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جلسه سران عرب، صلاح نیست. گفتم دو روزی جواب را به تأخیر بیاندازید.

شنبه ۱۱ مهر | ۹ صفر ۱۴۰۸   ۳ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت نه و نیم صبح در منزل بودم. برای بازدید از کتابخانه مجلس، به محل مجلس بهارستان رفتم. این بازدید تا ساعت یک بعد از ظهر طول کشید. ظهر مجلس بودم. قرار بود شورای پشتیبانی جنگ، امروز عصر جلسه داشته باشد که به خاطر غیبت آقای محسن رضایی به تاخیر افتاد. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و گزارش سفر به چین و وضع انرژی اتمی را داد.

روی تلکس‌ها * مطالبی آمده که نشان می‌دهد، دشمنان از برنامه حمله ما به نحوی مطلع‌اند. در این خصوص با آقای رضایی مذاکره کردم. گفت نیروهای ما برای عملیات به سوی ایستگاه مورد نظر حرکت کرده‌اند. شب اطلاع دادند که ناوهای آمریکایی و عربستان در مسیر نیروها صف آرائی کرده‌اند. بخش قابل توجهی از قایق‌هایمان، موتورهایشان در مسیر از کار افتاده و جمعی از نیروها، دریا زده شده‌اند و تعدادی هم راه را گم کرده‌اند. دستور دادم که به طرف مبدأ حرکت، برگردند.

شب مهمان آقای [محمد] اصغری نماینده تهران بودیم. آقایان موسوی اردبیلی و موسوی خوئینی‌ها و تعدادی دیگر بودند. ولیمه سفر مکه را داد.

---

* - گزارش رسانه های غربی حاکی است از دیدگاه ناظران خلیج فارس، ادامه حملات ایران و عراق علیه کشتی‌ها و سخنرانی شدیداللحن آقای هاشمی بی تردید نشان دهنده این است که تهران سیاست محتاطانه ای را که به مدت کوتاهی پس از غرق کشتی مین گذار "ایران اجر" توسط آمریکایی ها اتخاذ کرده بود، کنار گذاشته و به جای آن به روشنی تصمیم گرفته است که میزان حملات به کشتی ها را افزایش دهد و یا حداقل ثابت نگاه دارد. این مطلب در مقاله صفحه اول شماره امروز شنبه روزنامه گاردین آمده است. سخنان آقای هاشمی در نماز جمعه دیروز تهران، در اکثر مطبوعات انگلیس انعکاس وسیعی داشته به طوری که روزنامه تایمز مالی نیز گزارش نخست صفحه اول خود را به این موضوع اختصاص داد. سردبیر بخش خاورمیانه ای تایمز مالی می نویسد: «ایران روز جمعه پیش بینی کرد به زودی با آمریکا در خلیج فارس وارد جنگ خواهد شد و آمریکا را به شلیک اولین گلوله این درگیری متهم ساخت.» این روزنامه افزود: «سخنرانی آقای رفسنجانی جنگ جویانه ترین بیانیه ایران، علیه حضور وسیع نظامی آمریکا در خلیج فارس و آب های مجاور می باشد و در حالی صادر شده است که حملات ایران و عراق علیه کشتی ها شدت یافته و ترس از کشیده شدن ناوهای جنگی آمریکایی و کشورهای غربی دیگر در جنگ روز به روز افزایش پیدا می کند.»

یکشنبه ۱۲ مهر | ۱۰ صفر ۱۴۰۸ | ۴ ۱اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. از جزیره خارك خبر گرفتم. معلوم شد قسمت اعظم نیروها برگشته‌اند و چند قایق هم هنوز ناپیدا هستند که برای پیدا کردن آنها مشغول تجسس اند.

تا ساعت نه و نیم در جلسه علنی مجلس بودم. به دفترم آمدم. فرماندهان نیروی رزمی سپاه از شمال غرب آمدند. برای زیست زمستان در شمال غرب، امکانات می خواهند که به وزارت سپاه و قرارگاه مهندسی تاکید کردم.

ظهر آقای توسلی زاده نماینده خواف آمد و از مزاحمت افغان های مهاجر در آنجا و روحانیون اهل سنت گله داشت و مسائل زیادی مطرح کرد. آقای رحیمی نماینده پاوه آمد. او از استاندار و فرماندار پاوه گله داشت. و از وضع روحانیون مهاجر کرد عراقی می گفت.

عصر جمعی از خانم های دانشکده تغذیه آمدند. از رئیس دانشگاه الزهراء گله داشتند که می‌خواهند آنها را بیرون کنند؛ چون به [دانشکده های علوم پزشکی] وزارت بهداشت و درمان مربوط شده‌اند. اعضای شورای مرکزی "انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها" آمدند. توضیح کار را دادند و مشورت کردند. این تشکل در مقابل "جامعه اسلامی دانشگاهیان" تشکیل شده است.

دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش کار دانشگاه آزاد اسلامی را داد و استمداد کرد. آقای [حسین] کمالی و آقای رحمتی از کمیسیون کار آمدند و از حذف ماده ۲۷ پیشنهادی کمیسیون در مجلس در غیاب من ناراحت بودند.

شب آقای حسنی سعدی آمد و برای آوردن ماشین های سنگین برای جبهه از بندر که مورد مخالفت وزارت راه قرار گرفته، استمداد کرد. به [آقای سعیدی کیا] وزیر راه گفتم سخت گیری نکنند. شب از آقای محسن رضایی خبر گرفتم. گفت تقریباً همه نیروها برگشته‌اند. آنها مشغول جمع‌بندی عملیات ناموفق و ناکام هستند. باید تلاش کنیم تا بفهمیم از کجا لو رفتند. مقرر شده نیروهای هوایی سپاه، به تلافی زدن مناطق غیر نظامی دو موشك به بغداد بزنند و مراکز نظامی و اقتصادی را هدف بگیرند. امروز عراق تحرکی نداشته است.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. بررسی نحوه اطلاع دشمن از عملیات، بیشتر وقت جلسه را گرفت و درباره علاج این وضع و برنامه‌های آینده مذاکره کردیم.

تصمیم بر آن شد که به بغداد موشک بزنیم. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر تردید داشت و آقای رئیس جمهور و دیگران قاطع بودند. بحث دیگری مطرح شد که آیا باید اصالت را به حفظ ایران به عنوان پایگاه اسلام انقلابی بدهیم و بر این اساس، توجه به مسائل خارج از ایران و از جمله نهضت‌های آزادیبخش، تحت الشعاع آن قرار گیرد و با دولت ها در پرتو این اصل برخورد کنیم، یا اینکه وضع موجود را ادامه دهیم؛ به‌جایی نرسیدیم. بحث دیگری مطرح شد که مذاکره را به جز با اسرائیل ممنوع نکنیم و آماده مذاکره، حتی با آمریکا باشیم. قرار شد این بحث را با امام مطرح کنیم.

دوشنبه ۱۳ مهر | ۱۱ صفر ۱۴۰۸ — ۵ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که دیشب موشک‌ها به بغداد شلیک نشده است. دکتر روحانی گفت که چون دیروز عراق شرارت نکرده و احتمالاً تحت تاثیر اولتیماتوم ما بود، بهتر است صبر کنیم تا شرارت جدیدی انجام دهد؛ پذیرفتم ولی ظهر خبر رسید که عراق به تاسیسات نفتی در خلیج‌فارس حمله کرده است. قرار شد موشک ما شلیک شود. ساعت ده شب آقای محسن رضایی اطلاع داد که دو موشک به بغداد شلیک شده است[1].

عصر آقای رضایی آمد و گزارش عملیات انجام نشده را داد. بیشتر درباره علت لو رفتن عملیات و راه چاره‌ای برای آینده بحث شد. سپاه به نقاط ضعف نیروی دریایی خود پی برده است؛ سوخت موتورهای بنزینی، باید تبدیل به گازوئیل شود و پایگاه‌هایی در عمق آب لازم است تا فاصله‌ها را کوتاه کنیم و برنامه‌هایی برای زدن نیروهای دشمن حاضر در خلیج‌فارس داشته باشیم.

کارها را از مجلس آوردند، خواندم و انجام دادم. امروز اخبار حمله نیروهای تابع مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به شهر کفری عراق، با آب و تاب تبلیغ شد.

---

۱ - ایران با پایان اولتیماتوم ۷۲ ساعته به عراق، از روز یکشنبه ۱۲ مهر، مراکز اقتصادی ـ نظامی بغداد و سایر شهرهای عراق را با شدت درهم کوبید. همچنین یک موشک زمین به زمین در شب دوشنبه و موشک دیگر سحرگاه روز سه شنبه، توسط یگان موشکی سپاه به سوی بغداد پرتاب شد. به گزارش رسانه‌های داخلی، این موشک ها در مرکز آموزش دوره عالی نیروهای گارد ویژه ریاست جمهوری عراق منفجر گردید.

سه‌شنبه ۱٤ مهر | ۱۲ صفر ۱٤۰۸ ٦ اکتبر ۱۹۸۷

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. اخبار اصابت دو موشک به بغداد با وسعت منتشر شده است، ولی نقطه اصابت موشک ها معلوم نیست. قبل از شروع جلسه توضیحاتی در امر جنگ به نمایندگان دادم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس بودم.

قبل از ظهر، آقای تابش استاندار کردستان آمد. وضع آنجا را گفت و درباره تأمین عقبه‌هایی برای پاسداران که مامور آن جبهه شده‌اند، مذاکره شد و درباره کیفیت برخورد با ضدانقلاب و هماهنگی نیروها و مسؤولانی که مطلوب نیستند، مشورت کرد.

ظهر نماینده ملایر برای مشورت جهت انتخاب مجدد آمد. به دکتر روحانی گفتم که جلسه‌ای را برای تشخیص نقطه اصابت موشک به بغداد برای تصحیح تیر ترتیب بدهد. عصر به دندان پزشکی مجلس، برای اصلاح یک دندان کرم خورده رفتم. آن را خالی کرد و قرار شد فردا پر کنیم.

در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. آیین نامه جذب نخبگان و اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی مطرح بود. بعضی از جذب اساتید و نیروهای دستگاه های دولتی به این دانشگاه نگران بودند. قرار شد با گنجاندن ماده‌ای، جلوی آن را بگیریم.

شب به خانه رفتم. فیلمی از سنت‌ها و مراسم ترکمن‌ها دیدم. محسن آمد و گزارش کارش را در تشکیلات موشکی سپاه داد. عراق امروز شرارتی نکرده است؛ یا از موشک ترسیده و یا دارد برای شرارت وسیع تر آماده می‌شود.

چهارشنبه ۱۵ مهر | ۱۳ صفر ۱٤۰۸ ۱۷اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل بودم. در بین راه برای پر کردن دندان به دندان پزشکی مجلس رفتم. ساعت نه صبح سفیر بلژیک آمد. حرف های خوبی زد و من از بلوک غرب به خاطر شیطنت‌های جدیدشان در خلیج‌فارس انتقاد کردم[1]. [آقای دونالد اسمال] سفیر

---

۱ - در این ملاقات ابتدا سفیر بلژیک در سخنانی، عراق را آغازگر جنگ معرفی کرد و ارسال مین روب از سوی بلژیک به خلیج فارس را کار ضعیفی توصیف نمود و از ایران خواست این کار را یک اقدام تهاجمی محسوب نکند. ایشان گفت: «دولت من از وضع موجود در

برزیل آمد. خواستار توسعه روابط بود و مقداری وضع برزیل، از جمله بیش از یکصد میلیارد دلار قرض خارجی را توضیح داد.
سرهنگ [مصطفی] ترابی [رئیس حفاظت اطلاعات ارتش] آمد و از اشکالات ارتش گفت. بر تعویض رئیس ستاد و فرمانده هوانیروز تأکید داشت و برای اداره تحت امر خودش کمک خواست.
آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد. گزارش وضع ارز را داد و برای کنترل فشار نیروهای نظامی در مصرف ارز کمک خواست. ظهر آقای آشتیانی مسئول عقیدتی سیاسی ژاندارمری آمد. برای کمبودهای ژاندارمری استمداد کرد و گزارش کار اداره خودش را داد.
شب جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. آقای [گودرز] افتخار جهرمی آمد. درباره راکد کردن دادگاه لاهه و شکایت به شورای امنیت به خاطر ماجراجوئی های آمریکا در خلیج فارس مذاکره شد. درباره مسأله خلیج فارس و عملیات نیروهای دریایی سپاه و ارتش بحث شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۱۶ مهر | ۱۴ صفر ۱۴۰۸ ۸ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت نه صبح در جلسه علنی بودم. برای شرکت در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ به دفتر آقای خامنه ای رفتیم. چند مصوبه درباره بسیج نیروها به جبهه داشتیم. قرار شد که ۲۵ ماه صفر همایشی تشکیل شود.
عصر آقای [محمد حسین] عادلی سفیرمان در ژاپن آمد. وضع روابط را گفت و

↩خلیج فارس نگران است. موضع بلژیک در جنگ را همه می دانند. ما در این جنگ بی طرف هستیم. ما بدون قید و شرط، نقض قوانین بین‌المللی و کنوانسیون ها مانند بمباران شیمیایی، حمله به مناطق مسکونی، حمله به هواپیماهای غیر نظامی و کشتیرانی بین المللی را محکوم می کنیم. در این چارچوب، بلژیک خواهان صلح عادلانه است.» آقای هاشمی نیز در پاسخ به اظهارات سفیر بلژیک گفت:« عملی که از کشورهای بلوک غرب و کشور شما در این یک ماه اخیر در خلیج فارس می بینم، با نیات شما ناسازگار است. علیرغم شعار های بلوک غرب برای عدالت و حقوق بشر، این روزها موضع ضدحق و عدالت غرب علنی شده است و برای حمایت از یک متجاوز و جنگ افروز که مستحق کیفر است، تا جایی پیش رفته اند که شاید دنیا را در انتظار یک فاجعه قرار داده باشند. اگر بردباری ما نبود، این فاجعه شاید تاکنون اتفاق افتاده بود، شاید هم در آینده اتفاق بیفتد. متأسفانه همه دنیا فهمیده‌اند، اروپا در مقابل آمریکا، از خودش شخصیت مستقل ندارد و برای یک موضع غلط هیأت حاکمه آمریکا، کشورهای اروپایی به همان موضع غلط آلوده شده اند.»

پیشنهادهایی داشت. آقای صیاد شیرازی آمد. طبق معمول پیشنهادها و انتقاداتی داشت. اعضای ستاد پشتیبانی جنگ وزارت جهاد سازندگی آمدند و گزارش کارهای خود را دادند و برای ابزار و امکانات، بودجه بیشتر خواستند.

شب فرماندهان قرارگاه رمضان آمدند. آنها ظهر هم آمده بودند و برایشان صحبت کرده بودم. هر یک از واحدهایی که در داخل عراق حضور دارند، توضیحاتی دادند. فرماندهان واحدها با قرارگاه اختلاف نظر دارند و در نتیجه، کارها خوب پیش نمی رود. امکان کار در داخل عراق زیاد است، ولی از فرصت خوب استفاده نمی شود. شب تا ساعت یازده با فرماندهان قرارگاه رمضان، درباره عملیات داخل عراق صحبت کردیم.

جمعه ۱۷ مهر | ۱۵ صفر ۱٤۰۸   ۹اکتبر ۱۹۸۷

امروز در منزل بودم. اول وقت آقای [سیدکمال] خرازی [رئیس سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی] اطلاع داد که دیشب بین قایق‌های سپاه و هلی‌کوپترهای آمریکایی در جنوب جزیره فارسی درگیری پیش آمده است و آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند که سه قایق ما را غرق نموده و شش نفر را اسیر کرده‌اند. بعداً اعلام شد که دو نفر از آنها در راه شهید شده‌اند. در اخبار و گزارش های امروز، دلهره شدیدی در دنیا به خاطر درگیری میان ایران و آمریکا دیده می‌شود[1].

---

۱ - رادیو آمریکا در این باره اعلام کرد: قایق های ایرانی به وسیله راکت و موشک مورد حمله قرار گرفتند. سخنگوی پنتاگون همچنین گفت که هلی کوپترهای آمریکایی پس از روبروشدن با آنچه وی آن را یک اقدام خصمانه اشکار ایران نامید، به منظور دفاع از خود به تیراندازی پرداختند. حادثه تازه موجب شده است که سنای آمریکا بار دیگر احیای قانون اختیارات جنگی را خواستار شود. این قانون توانایی رئیس جهوری را در استقرار نیروهای آمریکایی بدون تصمیم کنگره محدود می‌سازد. رادیو آمریکا همچنین در بخش گزارش‌های ویژه صبح امروز خود گفت: سخنگوی وزارت دفاع آمریکا پنجشنبه طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد نیروهای جمهوری اسلامی ایران به روشنی به حمله ای خصمانه در آب های بین المللی دست زدند و نیروهای آمریکایی ناچار شدند با اقدامی دفاعی به آن واکنش نشان دهند. از سوی دیگر سخنگوی کاخ سفید واشنگتن طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام داشت: آمریکا به طور منظم در جریان رویدادهای خلیج فارس قراردارد. چنین به نظر می‌رسد که، حمله ایران رویدادی انفرادی و تکرار نشدنی است. اما ساعاتی پس از مصاحبه سخنگوی کاخ سفید، در گزارشی که از سوی وزارت دفاع آمریکا انتشار یافت، گفته شد در پی حادثه نخست یک هلی کوپتر دیگر آمریکایی با بی سیم پیامی مخابره کرد و اطلاع داد از یک سکوی نفتی ایران در آب های جنوبی خلیج فارس به سویش شلیک شده است. در این حادثه به هلی‌کوپتر آسیبی وارد نیامد و هنوز مشخص نیست که آیا هلی کوپتر آمریکایی، واقعاً هدف تیراندازی‌ها بوده است یا خیر. گزارش می رسد این هلی کوپتر بدون دست زدن به هیچ اقدام دفاعی، منطقه را ترک کرد.

آقای [محسن] رضایی، صبح زود به بوشهر رفت. از آنجا اطلاع داد که گزارش ها درست است و سه قایق که برای انجام مقابله به مثل رفته بودند، برنگشته اند و صحنه زد و خورد از جزیره فارسی مشهود بوده که به صورت تبادل آتش، بین قایق ها و هلی کوپترها دیده می‌شد.

برای بررسی کیفیت عکس العمل، سران قوا شب به منزل ما آمدند. امام هم توسط احمدآقا پیغام داده بودند که احتیاط را مراعات کنیم و کار خامی انجام نشود. پیشنهاد زدن موشک به ناوها یا پایگاه آمریکا در بحرین رد شد و قرار شد، فعلاً کشتی‌های تحت اسکورت آمریکا در نظر باشد و کارهایی دیگری در همین سطح و در مجموع کاری نکنیم که آمریکا را به شرارت بیشتر تحریک کند.

شنبه ۱۸ مهر | ۱٦ صفر ۱۴۰۸ — ۱۰ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. دنیا دچار دلهره و نگران عواقب درگیری هلی‌کوپترهای آمریکایی با قایق‌های ما در خلیج‌فارس است. عصر فرماندهان سپاه آمدند. درباره نیازهای جبهه، بحث و اتخاذ تصمیم شد. دستور زدن یک موشک دیگر به بغداد و گلوله باران بصره به تلافی شرارت‌های امروز عراق داده شد.

دیشب انفجار مهیبی بغداد را لرزانده که خیال شده موشک ما است، ولی عراق اعلام کرده که انبار مهمات و مواد منفجره منفجر شده است.

سفیرمان از الجزایر اطلاع داد که فرانسوی ها تا اینجا آمده‌اند که اول وضع دو سفارتخانه را با بازجوئی قضات در داخل دو سفارت از [ژان پل] توری [دبیر اول سفارت فرانسه در تهران] و [وحید] گرجی [مترجم سفارت ایران در پاریس]، رو به عادی شدن ببریم. سپس ۳۵۰ میلیون دلار از بدهی خودشان را به حسابی در الجزایر بریزند. سپس، بعد از آزاد شدن دو گروگان فرانسوی در لبنان، ما پول را بگیریم. سپس آنها ضدانقلاب را از فرانسه اخراج کنند. بعد از آن مذاکرات برای عادی شدن روابط شروع شود و آنها در جهت تضعیف ارتباطشان با عراق اقدام کنند. پس از مشورت با [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، احمدآقا و آیت‌الله خامنه‌ای، این پیشنهاد را پذیرفتیم.

یکشنبه ۱۹ مهر | ۱۷ صفر ۱۴۰۸ | ۱۱ اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس رفتم. آقای سنجقی اطلاع داد که نیمه شب یک موشک به بغداد پرتاب شده است. تا ساعت هفت و نیم صبح، گزارش‌ها را در دفترم خواندم. درگیری احتمالی بیشتر ایران و آمریکا و دست یافتن ایران به موشک استینگر، مهمترین مسأله روز است. تا ساعت ده در جلسه علنی بودم*.

آقای [گودرز] افتخار جهرمی آمد. از آقای حمید بهرامی [قاضی ایرانی دادگاه لاهه] انتقاد داشت. در کار لاهه با هم اختلاف دارند. درباره تجدید مذاکرات جنبی با آمریکا درباره پرونده‌های مربوط به تابعیت مضاعف و پرونده‌های کوچک و ادعاهای دو دولت - که قبلاً به درخواست آمریکا وجود داشت و اخیراً قطع شده بود و آمریکایی‌ها خواستار تجدید آن شده‌اند - مشورت کرد. این موضوع، شب در جلسه سران قوا بحث و رد شد.

عصر آقای صفاتی دزفولی و بازرسان دیوان [محاسبات] آمدند. گزارش‌هائی در مورد تخلفات قانونی در بانک ملی و بانک مرکزی دادند که سوء نیت و فسادی در آن به چشم نمی‌خورد. آقای [مجید] قاسمی از این بازرسی نگران است.

پیش از ظهر دکتر روحانی آمد. پیرامون جنگ و پدافند مذاکره کردیم. آقای احمد جلالی آمد. اوضاع انگلیس و انعکاس اوضاع انقلاب ایران در آنجا را گفت. مجموعاً از حرکت سیاسی ایران راضی است و از اینکه روحانیت توانسته است، علی‌رغم تهاجم همه جانبه دشمنان، انقلاب را پیش ببرند و بینش‌های جالبی مطرح کنند، قدردانی داشت و خواهان همکاری در این زمینه بود و بر تدوین اصول نظام برای جویندگان فراوان آن در جهان تاکید داشت. آقای مختار [کلانتری] معاون کمیته آمد. او اجازه خواست که کمیته در کردستان فعال‌تر شود.

آقای محسن رضایی آمد و گزارش سفر جنوب و برنامه‌های آینده در خلیج‌فارس را

---

* - در این روز، روزنامه ایندیپندنت چاپ لندن نوشت: «انهدام قایق های تندرو ایرانی توسط نیروهای آمریکایی برای رهبران مذهبی تهران، عمیقاً مایه شرمساری بوده است. این روزنامه در گزارشی به نقل از یک منبع آگاه در ایران، ادعا می‌کند این حمله ایرانی‌ها را آن چنان غافلگیر کرد که حتی دوازده ساعت بعد، در مورد عکس‌العمل خود، به تصمیم نهایی نرسیده بودند. غیبت رئیس جمهور، رئیس مجلس و نخست وزیر در نماز جمعه، به خاطر شرکت آنها در جلسه مورد درخواست آیت‌الله خمینی بود. در این جلسه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب و ارتش نیز حضور داشتند. فرمانده سپاه مایل است به آمریکایی ها درسی "فوری و خونین" داده شود، اما آقای خامنه‌ای و آقای رفسنجانی، احتیاط بیشتر را توصیه کرده و معتقدند آمریکا برای حمله به تأسیسات نظامی و نفتی ایران، دنبال بهانه می گردد.»

داد. شب جلسه سران در منزل احمدآقا بود. سپاه و وزارت اطلاعات در مورد همکاری در اطلاعات کردستان و اختلاف نظرها، مطالبی را گفتند. سپاه از ضررهای فراوان در آن منطقه به خاطر جدائی اطلاعات ناراحت است. پیشنهاد داد نیروهای اطلاعات سپاه که به وزارت اطلاعات منتقل شده اند، تحت امر سپاه قرار گیرند. قرار شد آقایان رضایی و ری شهری مذاکره کنند، اگر توافق نشد به ما رجوع کنند. در حضور امام، درباره شکایت از آمریکا به شورای امنیت بحث شد. امام موافق هستند. من موافقم و اکثر حضار مخالف بودند. قرار شد بررسی بیشتری شود. دیر وقت به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۰ مهر | ۱۸ صفر ۱۴۰۸ — ۱۲ اکتبر ۱۹۸۷

صبح ساعت هشت و ربع، به پادگان آموزشی ژاندارمری در ونک رفتم. مراسم فارغ‌التحصیلی افسران بود و تا ساعت ده طول کشید. برای آنها صحبت کردم[۱] و رژه و اسب سواری و [حرکات نمایشی] جودو و جنگ سرنیزه و راپل را تماشا کردم.

در تهران وضعیت قرمز اعلان شد و بعضی از توپ های ضدهوایی شلیک کردند. بعداً معلوم شد حمله‌ای نبوده و بی جهت این کارها شده است. آقای روحانی و آقای [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] اطلاع دادند که عراق به پالایشگاه اصفهان و تنگه فنی و سایت نخجیر و اطراف کوهدشت حمله کرده است. گفتم موشک به بغداد بزنند و توپخانه‌ها هم تلافی کنند.

ظهر آقای ریاضی آمد. گزارشی از خریدهای تسلیحاتی داد و خبر داد که ماموران شوروی برای ادامه مذاکره درباره وضع عراق بعد از صدام، می خواهند محرمانه به ایران بیایند؛ گر چه در ملاقات قبلی ایشان در شوروی وضع درستی حاکم نبوده، موافقت کردم.

عصر آقای [اکبر] ترکان [رئیس سازمان صنایع دفاع] آمد. گزارش صنایع نظامی را داد و از کمبود ارز شکایت داشت.

---

۱ - در این مراسم که سرتیپ محمد سهرابی فرمانده ژاندارمری، دریا دار ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی، آقای سید سراج الدین موسوی فرمانده کمیته انقلاب اسلامی و جمعی از وابستگان نظامی کشورهای دیگر حضور داشتند، آقای هاشمی در سخنانی نیروهای مسلح را نوک پیکان انقلاب دانست و گفت:« در این میان ژاندارمری می‌تواند منشاء آثار مهم در حرکت جامعه باشد، خوشبختانه ژاندارمری امروز رسالت واقعی خویش را پیدا کرده و در مسیر واقعی قرار دارد.»



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بسمه تعالی

سری

شماره ۱۰/۲۲/۳۱م/ر دم
تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۰
پیوست ....

جناب دکتر روحانی

قرارگاه رمضان برای زدن چند مرکز نظامی
در منطقه شهرزور و حلبچه و اطراف سلیمانیه که در برد
توپخانه‌های ارتش و سپاه است تقاضای آتش دارد
به ارتش و سپاه دستور داده شود که در صورت
تقاضای قرارگاه رمضان در هر مورد و با کمک دیدبان‌ها
اقدام کنند و از زدن شهرهای منطقه کردستان توسط توپخانه‌ها
بدون دستور مستقیم خودداری شود. اکبر

دستور فرمانده جنگ درباره گلوله باران پایگاه‌های نظامی شهرهای کردستان عراق

شب شورای‌عالی پشتیبانی جنگ، در دفتر آیت الله خامنه‌ای جلسه داشت. طرحی در دستور بود که مخارج بسیج و توسعه جنگ را از مردم بگیریم که در این میان، قشرهای پردرآمد مثل بازرگانان صادرات و واردات و .... اجباراً و دیگران داوطلبانه بپردازند. قرار شد این طرح را قبلاً کارشناسان بررسی کنند و پیشنهاد را پخته کنند.

سه‌شنبه ۲۱ مهر | ۱۹ صفر ۱۴۰۸ | ۱۳ اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس رفتم. هنوز در گزارش‌ها، مسأله خلیج‌فارس در صدر است. تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی بودم. بعد از تنفس به دفترم برگشتم. گزارش‌ها حاکی است، موشکی که امروز به بغداد پرتاب کرده‌ایم، نزدیک مدرسه‌ای فرود آمده و تلفات زیادی داشته است. عراق گفته ۳۲ نفر کشته و ۲۲۶ نفر زخمی شده اند و ۱۶ خانه و یک خانه جوانان تخریب شده است ولی اگر صحت داشته باشد، تلفات بیش از اینها است. هدف ما وزارت جنگ عراق اعلام شده است.

آقای [صادق] خلخالی آمد و از درگیری با آمریکا اظهار نگرانی کرد. آقای جاسبی آمد و درباره اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی تذکراتی داد. عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. اساسنامه‌های دانشگاه آزاد اسلامی و جذب نخبگان علمی تصویب شد. اول شب به خانه رفتم.

چهارشنبه ۲۲ مهر | ۲۰ صفر ۱۴۰۸ | ۱۴ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. مراجعات برای کارهای شخصی از بستگان بود. محسن آمد و گزارش کار ایجاد خط تولید موشک را داد. بیشتر وقت به مطالعه گذشت.

عراق دو روز است که تحت تاثیر اصابت موشک به بغداد، دست از شرارت به مراکز غیر نظامی برداشته است، ولی تبلیغات زیادی راه‌انداخته که احتمالاً برای آماده کردن افکار عمومی عراقیان برای جنگ شهرها است. آنها از موشک خوردن یک مدرسه سوء

استفاده می کنند. من هم متأثرم. اصولاً هدف حملات، مراکز نظامی و اقتصادی است.

نخست وزیر تلفنی اطلاع داد که بنا شده یکشنبه آینده به سوریه برود؛ سوری ها عجله دارند. گویا بناست آقای اسد به روسیه برود و می‌خواهد قبل از سفر، با ما مذاکره کرده باشد. عصر آقای عروج آمد. گزارش وضع داخل عراق را داد او چند ماه در کردستان عراق بود.

پنجشنبه ۲۳ مهر | ۲۰ صفر ۱۴۰۸ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت برای دیدار از کاخ گلستان رفتم. تاکنون نرفته بودم. دو ساعت طول کشید. تالارها و تزئینات و اشیاء و فرش های موجود و هدایای سلاطین قدیم به سلاطین قاجار جالب است. کتابخانه کتاب های خطی که در حدود سه هزار جلد است و مخزن آلبوم عکس ها که حدود هشت هزار عکس از زمان قاجار دارد و موزه چوب و چیزهای دیگر که نسبتاً خوب هم نگهداری شده است. از مهندس [مهدی] حجت [رئیس سازمان میراث فرهنگی] خواستم که موزه را برای بازدید عمومی دایر کند.

از آنجا به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ رفتم. چند مصوبه داشتیم و سمینار را یک هفته به تاخیر انداختیم. ظهر به دفترم آمدم. در گزارش‌ها آمده بود که امروز صبح موشک به یک کشتی نفتی آمریکایی که در لیبریا ثبت شده، در بندر نفتی الاحمدی کویت خورده است. خبر خوبی است و انتقام مناسبی از آمریکا و کویت است. باید منتظر عواقب آن بود[1].

آقای سنجقی آمد و پیشنهاد آورد که در ۲۵ مهر که روز سرشماری عمومی عراق است و اعلام کرده‌اند مردم از خانه ها بیرون نروند، با تهدید موشکی، در برنامه آنها اخلال کنیم. عصر ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشت. وضع خلیج فارس بررسی شد. آقای صیاد شیرازی گزارش وضع دفاعی جزایر خلیج فارس را در مقابل حمله احتمالی آمریکا داد. نقاط ضعفی دارد که باید اصلاح شود. دستور جنگ روانی علیه عراق، برای اختلال در سرشماری ۲۵ مهر آنها دادیم.

---

۱ - بر اساس گزارش بیمه لویدز لندن، ساعت ۵۵ دقیقه بامداد روز چهارشنبه ۲۳ مهر یک نفتکش به نام "آتلانتیک پیس" با پرچم لیبریا در جنوب خلیج فارس توسط چند کشتی که هویت آنها شناخته نشد، مورد حمله قرار گرفته است.

جمعه ۲۴ مهر | ۲۲ صفر ۱۴۰۸ ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت آقای [محمد] فروزنده اطلاع داد که در ساعت شش و ده دقیقه امروز، یک کشتی کویتی تحت پرچم آمریکا، مورد اصابت موشک کرم ابریشم قرار گرفته است که به گفته شنود، تعداد ۱۵ نفر مجروح داشته است[1].

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. نزدیک ظهر خبر موشک خوردن کشتی آمریکایی منتشر شد. این خبر دلهره زیادی در دنیا ایجاد کرده است.

فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. از کمبود پول و اعتبار شاکی اند. عراق امروز شرارت عمده‌ای نداشت. از لحن صحبت‌های آمریکایی‌ها چنین بر می‌آید که نمی‌خواهند در مورد موشک خوردن کشتی‌هایشان بی احتیاطی کنند و مسأله را متوجه کویت کرده‌اند. می گویند آمریکا فقط در مورد کشتی‌هائی که در آب های بین‌المللی تحت پرچم و تحت حفاظت نیروی دریایی آنها باشند، مسئول هستند و این کشتی در آب‌های کویت بوده و بار دیگر آمریکا تحقیر شده است.

از کمیته آمدند و راجع به پرونده اشخاصی که از معامله با شرکت تعاونی پسته رفسنجان سوء استفاده کرده و بازداشت شده‌اند، توضیح دادند. شخصی به نام کدخدائی و دیگری به نام منوچهرخان است.

نخست وزیر اطلاع داد از لندن خبر رسیده که آمریکا ساعت شش بعد از ظهر، اهدافی را در ایران بمباران می کند ؛ سپس معلوم شد که تحلیل بوده است نه خبر. به پدافند گفتم آماده باش بدهند.

احمدآقا آمد. دربارهٔ عکس‌العمل احتمالی آمریکا در مقابل ضربه‌ای که در کویت خورده بحث شد. به یک هلی کوپتر آمریکا هم از طرف ناو ایرانی، تیراندازی اخطاری شده است.

---

۱ - نفتکش کویتی "سی ایل سیتی" که با پرچم آمریکا در جنوب شعیبه لنگر انداخته بود، هدف حمله موشکی قرار گرفت. این نفتکش کویتی از چندی پیش به همراه ۱۰ فروند نفتکش دیگر این کشور، پرچم آمریکا را حمل می کرد تا از حملات احتمالی در خلیج فارس مصون بماند، سحرگاه روز جمعه ۲۴ مهر هدف یک موشک ساحل به دریا که احتمال می دهند موشک ایرانی کرم ابریشم باشد، قرار گرفت. پنتاگون شمار مجروحان را ۱۸ نفر اعلام کرد و گفت اتباع آمریکایی و ناخدای نفتکش جزو مجروحان هستند.

شنبه ۲۵ مهر | ۲۳ صفر ۱۴۰۸ ۱۷ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. دیشب آقایان [میرحسین موسوی و بیژن نامدار زنگنه] نخست وزیر و وزیر جهاد [سازندگی] اطلاع دادند که آزمایش دو موشک ۶۲ کیلومتری اختراعی جهاد در میدان تیر سمنان با موفقیت انجام شده است؛ مایه خوشحالی است. آقای زنگنه مدعی است تا آذر ماه موشک ۱۳۰ کیلومتری هم آزمایش می‌شود.

اخبار رادیو آمریکا را گرفتم. پیداست که بنا ندارند در برخورد با موشک خوردن کشتی‌هایشان بی‌احتیاطی کنند. در داخل آمریکا مسأله ایجاد شده و احتمال استعفای [گاسپار] واینبرگر [وزیر دفاع] مطرح شده و [جیمی] کارتر [رئیس جمهور سابق آمریکا] از سیاست [رونالد] ریگان به تلخی انتقاد کرده است.

اول وقت آقای صیاد شیرازی آمد. درباره وضع خلیج فارس پیشنهادهایی داشت. معتقد است که نیروی دریایی ارتش باید تصفیه شود و دفتری از طرف قرارگاه در منطقه، ناظر بر پیشرفت امور باشد. ظهر همسر مرحوم [حسن] لاهوتی، منزل ما بود. معمولاً از منزل بیرون نمی‌رود و این اولین بار است که به منزل ما آمده. چند سال است که قوم و خویش شده‌ایم.

عصر آقای [محمد علی] رحمانی مسئول بسیج آمد. پس از معالجه در خارج برگشته و از معالجه دکترهای داخلی ناراضی است؛ خدا به داد مریض‌های معمولی برسد. پایش در تصادف شکسته است.

شب یک مجروح جنگی از نوق آمد که از معالجه‌اش ناراضی است. او محیط بیمارستان اختر را ضدانقلابی می‌داند. شب او را نگه داشتم که فردا برای بررسی مسأله‌اش به مجلس بیاید. همشیره فاطمه آمد. از نوق برگشته است. شب آقای [ابوالفضل] توکلی بینا آمد. درباره استفاده از زمین های البرز قم مذاکره کردیم.

امروز عراق جز یک مورد شرارتی نداشته است. گفتم فعلاً جوابی داده نشود. اخبار مربوط به موشک خوردن کشتی کویتی تحت پرچم آمریکا، مهمترین موضوع گزارش و تحلیل رسانه‌های خبری جهان است. آنها خیلی نگران‌اند که درگیری بین ایران و آمریکا اوج گیرد. نفت هم کمی گران شده است. آمریکایی‌ها مبهم حرف می‌زنند. به نیروهای دریایی سپاه و ارتش گفتم که فعلاً به آمریکایی ها تعرض نکنند که تحریک نشوند. کویت حرکات سیاسی و تبلیغی را تشدید کرده است.

امروز آمریکا چهار سپاهی اسیر شده و دو جنازه شهدا را توسط عمان تحویل داد. تحویل جنازه‌های شهدا هم دلیل این است که آمریکایی‌ها نمی‌خواهند وضع را بحرانی کنند ؛ یا اینکه می‌خواهند ما را غافگیر کنند. امروز ۵۹ جنازه باقی مانده در عربستان [از حادثه حج خونین] هم به ایران تحویل شد. این کار مدتی طول کشید. عربستان بی‌جهت سرسختی می کرد.

یکشنبه ۲٦ مهر | ۲٤ صفر ۱٤۰۸ — ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. یک مجروح جنگی به نام آقای نوروزی را که شب در منزل ما مانده بود، آوردم که به کارش برسند. در گزارش‌ها، سردرگمی در سیاست آمریکا در مواجهه با ضربه خوردن از دست ایران در آب های کویت به چشم می‌خورد. قدرت نظامی و حسن انتخاب محل و هدف جمهوری اسلامی، مورد تحسین ناظران است.

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی مجلس ماندم. نمایندگان به شدت از مقابله به مثل ما علیه آمریکا راضی اند و از مردم هم نقل می‌کنند که خوشحال هستند.

پیش از ظهر آقای عبدالله نوری آمد. راجع به مسائل مالی جنگ مذاکره شد. آقای جعفری اصفهانی آمد و از روزنامه رسالت که به ایشان اهانت کرده، شاکی است. گفتم [مطلب درج شده در روزنامه]، جواب اهانت ایشان به بنیاد رسالت در جلسه قبل است و کاری نمی‌شود کرد.

آقای [محمد] فروزنده فرمانده قرارگاه مهندسی رزمی آمد. برنامه‌های مهندسی جنگ در جنوب و غرب را توضیح داد و درخواست های فوق‌العاده سپاه و ابتکارات تحکیم خطوط پدافند و تامین نیازهای دانشگاه اهواز را مطرح کرد.

آقای مرتضائی معاون آقای فروزنده آمد. درباره طرح های دفاعی نظامی فوق سری گزارش داد. معتقد است پیشرفت خوبی داشته است. عصر آقای [عادل] اسدی‌نیا [نماینده اهواز] آمد. از سوریه برگشته و مدعی است احساس کرده از محیط انقلاب دور است و قانع به کار آنجا نشده و آمده که در غم و شادی مردم شریک باشد. او می گوید عظمت انقلاب را در بیرون می‌شود دید. او در آنجا جراید عربی را برای سفارت ترجمه می کرد.

[آقای محمد جواد ایروانی] وزیر دارائی و آقای [عطاالله] مهاجرانی [معاون حقوقی

نخست وزیر] آمدند. نگران بودند شورای نگهبان با ضامن اجرائی قانون مالیات جدید - که به زودی در مجلس مطرح می‌شود - مخالفت کند. راه چاره‌ای پیش بینی شد. آقای [اصغر] ابراهیمی مدیر عامل شرکت متروی تهران آمد. گزارش پیشرفت‌ها را داد و از عدم تشکیل مجمع عمومی آن شرکت گله داشت.

شب سران قوا در دفتر من جلسه داشتند. نخست وزیر در سفر است. همگی از حسن اجرای مقابله به مثل علیه آمریکا راضی بودیم و به اتفاق، موفقیت آن را مرهون امداد غیبی و تجسم مضمون آیه شریفهٔ (وَ ما رَمَیتَ إذ رمَیتَ وَ لکنَّ الله رَمیَ) می دانیم.

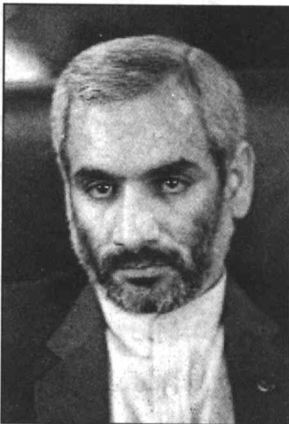
پیشنهاد جدید [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل سازمان ملل مطرح شد. قرار شد بر موضع گذشته بمانیم. معرفی متجاوز، آتش بس، محاکمه.... و یا تشکیل کار گروه معرفی متجاوز به طور غیر رسمی، آتش بس. آقای خامنه ای گفتند فرستاده قذافی پیشنهاد آورده که دست از جنگ عراق برداریم و با عربستان وارد جنگ شویم. در این صورت لیبی هم شریک می‌شود. قبول نکردیم. به سرهنگ [مصطفی] ترابی [رئیس سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش] در مورد یک کیس جاسوسی دستوراتی دادیم.

دوشنبه ۲۷ مهر | ۲۵ صفر ۱٤۰۸ — ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷

اول وقت محسن آمد و حواله ماشین و ریال و ارز برای طرح شهید همت - تولید موشک دوربرد سوخت مایع، شبیه به اسکاد B روسی - گرفت. در اخبار صبح، زمزمه تصمیم آمریکا به تلافی موشک خوردن دو کشتی‌شان بلند شده است.

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم و تا ده و نیم گزارش‌ها را خواندم. رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده که تصمیم خود را در مورد تلافی حمله ما به کشتی های آمریکا گرفته و سران کنگره را به مشورت فرا خوانده است. به نیروها دستور دادم آماده دفاع باشند و طرح خود را برای حمله مقابله به مثل آماده کنند.

اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] آمد. سیاست تبلیغاتی را خواست و از تحویل اختیارات ستاد پشتیبانی جنگ به گروه سه نفره شاکی بود. در مورد تبلیغات گفتم آمریکا را تحریک نکنند، ولی روحیه مردم را شاداب نگه دارند.


غلامرضا آقازاده وزیر نفت

رئیس تعاونی مسکن کارکنان مجلس آمد و برای تملک اراضی مورد نظرشان استمداد کرد. خانم موسوی مترجم مجلس آمد. گزارش کار داد و برای مشکل مسکن استمداد کرد.

آقای آقامحمدی آمد. گزارش سفر به آلمان برای بررسی تولید کاغذ اسکناس و سفر به روسیه همراه وزیر نفت را داد. روس ها سرد برخورد کرده‌اند و توافق مهمی انجام نشده است؛ آنها فقط روی احداث راه آهن سرخس - بندرعباس اصرار داشته‌اند.

تیمسار [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] آمد. گزارش وضع نیروی هوایی و برنامه عملیات آینده را داد. گفتم طرح هایی برای جواب دادن به شرارت آمریکایی ها آماده کنند و آماده دفاع باشند. آقای خرازی اجازه صدور اعلامیه ستاد تبلیغات جنگ در مقابل تهدید آمریکایی‌ها را گرفت.

ساعت دو و نیم ، [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت تلفنی بیدارم کرد و اطلاع داد که ناوهای آمریکایی، دو سکوی نفتی "رشادت" و "رسالت" را محاصره کرده و به کارکنان نفت اخطار کرده‌اند که می‌خواهند سکو را گلوله باران کنند و خواسته‌اند که آن را تخلیه کنند و بالاخره آنجا را آتش زده‌اند.

فرمانده نیروی دریایی ارتش هم همین خبر را داد و گفت افراد آنها هم تخلیه شده‌اند. به نیروی هوایی گفتم اگر بتواند ضربه‌ای به ناوها بزند و به نیروی دریایی گفتم موشک‌انداز را به منطقه بیاورند. سپاه هم قرار است که منطقه نفتی صابری کویت را گلوله باران کنند. اخوی محمد اطلاع داد که تلویزیون آمریکا، رسماً حمله را به عنوان تلافی تیراندازی به سوی هلی کوپتر کویت اعلان کرده است[۱].

در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. قرار شد وزیر بهداشت مسئول

---

۱ - ریگان رئیس جمهور آمریکا، دو ساعت و نیم پس از حمله نیروی دریایی این کشور به دو سکوی نفتی ایران در آب های خلیج فارس، با انتشار بیانیه ای گفت که شخصاً دستور حمله را صادر کرده است. در این بیانیه آمده است:« در اجرای دستورات من، کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا ساعت هفت صبح ـ به وقت واشنگتن ـ به سکوی ایران در آب‌های بین المللی در مرکز خلیج فارس حمله کردند. این حمله با هماهنگی کنگره ، دولت‌های دوست و رئیس شورای امنیت سازمان ملل بوده است.

درمان مجروحان جنگ باشد. اول شب با آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و محسن رضایی درباره جنگ و تجاوز آمریکا به سکوی نفتی جلسه ای داشتیم. امام پیغام داده بودند محکم برخورد کنیم. پیشنهاد زدن موشک به ناو آمریکا یا پایگاه بحرین در این مرحله رد شد و قرار شد به بندر کویت که هنوز کشتی‌های با پرچم آمریکا آنجا هستند، موشک بزنیم.

شب در دفترم در مجلس ماندم. با مراکز نظامی و نفتی ارتباط داشتم. معلوم شد نیروهای آمریکایی از منطقه رفته‌اند و یک سکو منهدم شده و یک سکو آسیب دیده است. رادیو آمریکا را گرفتیم. بیشتر قدرت های غربی، اقدام آمریکا را تائید کرده‌اند و بعضی از شرقی‌ها آن را محکوم نموده و سران جناح های سیاسی در داخل آمریکا هم عمدتاً این حمله را تایید کرده‌اند[۱].

سه‌شنبه ۲۸ مهر | ۲٦ صفر ۱٤۰۸ | ۲۰ اکتبر ۱۹۸۷

بعد از نماز و ورزش، گزارش‌ها را خواندم و به رادیو فارسی آمریکا و انگلیس گوش دادم. تاثیر بحران خلیج فارس بر مسائل اقتصادی دنیا و ایجاد بحران در بازار و بورس های سهام در آمریکا و اروپا و آسیا و سقوط قیمت سهام به اندازه ۲۲ درصد و بالا رفتن قیمت نفت از اخبار جنگ درشت شده و دنیا را نگران کرده و در رأس اخبار است. منطقه تجاوز آمریکا در سکوها آرام است و هنوز یکی از سکوها می‌سوزد.

پس از شروع جلسه، اخبار درگیری را برای نمایندگان گفتم. قبل از دستور درباره تجاوز آمریکا صحبت کردم[۲]. تا ساعت ده و ربع در جلسه علنی بودم. به دفترم آمدم.

---

۱ - شوروی حمله نظامی آمریکا به سکوهای نفتی ایران را یک عمل تجاوزکارانه مسلحانه و یک ماجراجویی جدید توصیف کرد و آن را محکوم نمود. نخست وزیر ایتالیا از حمله آمریکا ابراز نگرانی کرد. وزیر خارجه بلژیک این حمله را دامن زدن به خشونت قلمداد کرد و نسبت به آن اظهار تأسف نمود. شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل ضمن قدردانی از حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران، اعلام کرد این اقدام می تواند آزادی کشتیرانی در خلیج فارس را تضمین نماید. جفری هاو وزیر خارجه انگلیس نیز اقدام آمریکا را دفاع از خود دانست و از آن حمایت کرد.

۲ - در این نطق آمده است: «جنایت جدید آمریکا در خلیج فارس، حادثه ای که دیروز به وجود آوردند، پیش بینی هایی را که مسئولان جمهوری اسلامی در ماه ها قبل کرده بودند، اثبات کرد. از همان روزهایی که آمریکایی ها تهدید و ارعابشان را شروع کردند، مسئولان کشور ما اعلان کردند که این سیاست آمریکا، سیاست ماجراجویانه، دخالت گرانه و بهانه جویی است، برای نجات حزب بعث عراق و...

فرمانده نداجا [= نیروی دریایی ارتش] از منطقه گزارش داد که دارند آتش را خاموش می کنند. آقای [آقازاده] وزیر نفت برای شکایت به محاکم بین‌المللی مشورت کرد ؛ موافقت کردم.

عصر برای رسیدن به امور جنگ، به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز نرفتم و در دفترم ماندم. آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند و درباره جواب به دبیر کل سازمان ملل مشورت کردند. قرار شد به گونه ای جواب بدهند که اصول حفظ شود و مذاکرات قطع نشود و کشدار باشد. درباره شکایت به شورای امنیت هم، در خصوص تجاوز اخیر آمریکا، قرار شد پیگیری کنند.

اول شب فرماندهان نیروی دریایی سپاه آمدند. نیازهایشان را گفتند و درباره طرح های آنها برای مقابله به مثل در خلیج فارس بحث شد. هیاهویی که از قدرت قایق‌های تندرو سپاه راه انداخته بودند، شکست خورده است؛ دریا احتیاج به وسایل مهم و سنگین و پیچیده دارد.

برای استقبال از آقای بالراهام چاگر رئیس مجلس هندوستان که به دعوت من به ایران آمده است، ساعت نه و نیم شب به فرودگاه مهرآباد رفتم. باران سبکی می‌بارید. آنها سر موقع با پرواز ایران ایر، فرود آمدند. مراسم استقبال انجام شد و مصاحبه کوتاهی با او شد. شش نفر از نمایندگان مجلس هند از جمله یک زن همراه او هستند. با اتومبیل من به اقامتگاه آنها در پاسداران رفتیم.

←سرکوب انقلاب اسلامی ایران و هر روز که می گذرد و هر حادثه ای که اتفاق می افتد، یک سند در تاریخ ثبت می‌شود، به نفع این اظهار نظر. دوستان کاخ سفید هم تا به حال نتوانسته‌اند، این سیاست بی معنا را که با ادعاهایشان ناسازگار است، توجیه بکنند و خود آنها تعبیرشان سیاست سردرگم است. سیاست سردرگم به این دلیل که ادعاها با عمل، اصلاً تطبیق نمی کند. هدف همان هایی بود که من عرض کردم اما ادعاها این است که ما آمده ایم برای حفظ صلح و آرامش و تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و ما می بینیم که اینها هر روز دارند یک ضربه به امنیت و صلح می زنند و حتی جریان دارد از منطقه عبور می کند و از دیروز و امروز به خصوص در مراکز اقتصادی دنیا بدترین بحران را به وجود آورده که به تعبیر خودشان از سال ۱۹۲۹ تا امروز بی سابقه بوده و حتی سقوط بورس ها از سال ۲۹ هم شدت بیشتری پیدا کرده است، سردرگم به این دلیل که دو روز پیش آمریکا رسماً اعلام کرد، تیر غیبی که به کشتی‌ها در منطقه کویت خورده ربطی به آمریکا ندارد ولی باگذشت ۴۸ ساعت، اینها آن اعلان‌های رسمی شان را فراموش کردند و به عنوان تلافی تیرهای غیب - که همیشه در این منطقه حضور خواهد داشت - به یک منطقه نفتی جمهوری اسلامی ایران گستاخانه حمله کردند. تعبیر رئیس جمهور سابق آمریکا از سیاست آقای ریگان، در نظر بسیاری از ناظران بی طرف دنیا یک حقیقت است: یک سیاست ابلهانه و واقعاً بی معنا.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

دیر وقت به خانه رسیدم. آقای [محمد] فروزنده، از اینکه شرکت مخابرات، تلفن های سپاه را در اهواز قطع کرده است، شاکی بود.

چهارشنبه ۲۹ مهر | ۲۷ صفر ۱۴۰۸ | ۲۱ اکتبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها آشفتگی اوضاع بورس ها و سقوط ارزش سهام در بورس های مهم جهانی در صدر اخبار است و نگرانی از تلافی ایران در مقابل تجاوز آمریکا، هنوز حاکم است. خوردن چند گلوله توپ به میدان نفتی ام‌الفشین (صابری) کویت نگرانی جدیدی ایجاد کرده است، اما سعی می کنند آن را کوچک جلوه دهند.

تا ساعت ده صبح در دفترم کار کردم. به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ رفتم. طرح‌هایی برای تامین مخارج اضافی جنگ مطرح بود: ۱- گرفتن مالیات از سرمایه های زیاد و کلان. ۲- گرفتن بخشی از درآمد تجار صادراتی. ۳- فروش مبلغی ارز به قیمت آزاد؛ سومی به طور مبهم تصویب شد و در دو مورد دیگر، تصمیم گیری به بررسی بیشتر موکول شد.

ظهر به دفترم برگشتم. عصر ملاقاتی با هیأت پارلمانی هند در مجلس داشتم که یک ساعت طول کشید. بیشتر حرف ها کلی و دوستانه بود و حرف مشخص جدی نداشتیم.

موقع رفتن در پله های مجلس، رئیس مجلس هند زمین خورد و پایش درد گرفت. هم من و هم او شرمنده شدیم. آقای [حسین] نقره کار [شیرازی] سفیر جدیدمان در اتریش، برای خداحافظی و مشورت آمد. تا ساعت شش و نیم در دفترم کار کردم.

برای شرکت در ضیافت شامی که به افتخار مهمانان هندی داده‌ایم، به محل اقامت مهمانان رفتم. مذاکراتی غیر رسمی درباره وضع تامیل ها و سریلانکا و دخالت هند به عنوان پاسدار صلح در آنجا و وضع رهبری راجیو گاندی [نخست وزیر هند] بعد از مادرش - خانم [ایندیرا] گاندی - که نتوانسته خلاء را پر کند و وضع اقتصادی و فنی هند صحبت شد.

سر میز شام هم درباره توسعه روابط بازرگانی و خرید نفت بیشتر هند از ایران و حل مشکلات ایرانیان و هندیان مقیم در دو کشور مذاکره شد. رئیس مجلس و خانم نماینده

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره [illegible]
تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۹
پیوست

تعقیب فرمایند

بسمه تعالی

جناب دکتر روحانی

معلوم می‌رسد بعضی از فرماندهان خطوط مقدم در رابطه [illegible]
[illegible] به پاسگاه‌ها و پایگاه‌ها [illegible]
[illegible] نگرانی شده.
تحقیق [illegible] که اگر این‌ها [illegible] فرماندهان
مسئول در برابر [illegible] خواهند شد و به دادگاه
زمان جنگ [illegible] خواهند شد.

[illegible] ۶۶/۷/۲۹

نامه فرمانده جنگ به رئیس کمیسیون دفاع مجلس دفاعی

که همراه ایشان بود، گوشت نمی‌خوردند و غذای مخصوص بدون گوشت برایشان درست کرده بودند. از پسته و خرمای بم ایران، خیلی خوششان آمده بود. گفتم مقداری به آنها هدیه کنند.

پنجشنبه ۳۰ مهر | ۲۸ صفر ۱۴۰۸ | ۲۲ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. پیش از ظهر [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر بعد از زیارت امام آمد و گفت امام نظرشان این است که در جاهایی خارج از ایران، جواب به آمریکا داده شود. مقداری در این باره بحث کردیم. قرار شد در جلسه سران قوا بحث شود. گزارش سفر به سوریه را داد؛ راضی است. سوری ها در حمایت از ادامه جنگ تا سقوط صدام جدی هستند. مطالب جالبی در این خصوص داشت. از مقاومت ایران در مقابل آمریکا اعجاب دارند و برای نزدیک کردن ایران به بلوک شرق تلاش می کنند و اجازه گرفته‌اند که بین ما و عربستان میانجی گری کنند و آقای [محسن] رفیق دوست، خواسته هایش را تامین کرده است. پیام آمریکا به سوریه را برای رساندن به ما توضیح داد که هم تهدید دارد و نرمش.

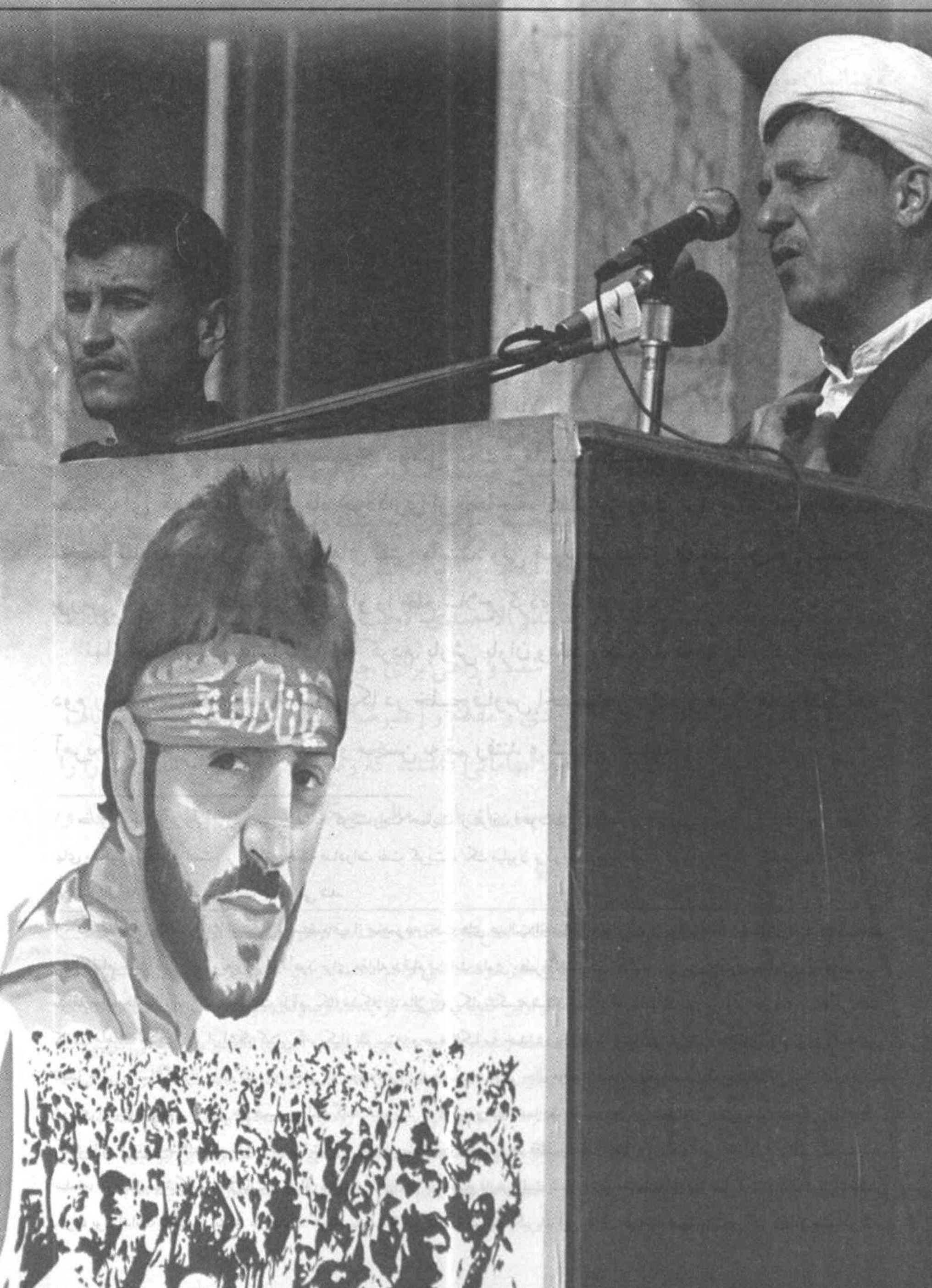
ظهر آقای محسن رضایی اطلاع داد که ساعت یازده، موشکی به پایانه نفتی الاحمدی کویت خورده شده و خبرگزاری ها از اصابت آن به پایانه و ایجاد خسارات فراوان اطلاع داده‌اند[1]. تا شب این موضوع را تعقیب کردم.

حمله موشکی، وحشت زیادی در مراکز اقتصادی و سیاسی غرب ایجاد کرده است. خیلی به جا خورده و این خواست خداست. از این بهتر نمی‌شود. هم جواب آمریکا در تجاوز به سکوهای نفتی ماست و هم جواب کویت - دعوت کننده آمریکا - که برای استفاده از این پایانه آمریکا آمده است و ضربه دیگری به بازار بورس ها و سهام غرب که آشفته بودند، وارد کرده است. شب محسن آمد و گزارشی از کارش در بخش موشکی داد؛ تحرکی می‌بینند.

---

۱ - در این حمله موشکی، ترمینال برون ساحلی "سی ـ ایلند" در مجموعه تأسیسات بندری الاحمدی کویت آتش گرفت و صدور نفت از آن متوقف شد. این ترمینال زیربنای اصلی صادرات نفت کویت محسوب می شد و سوپر نفتکش ها فقط می توانستند از این ترمینال بارگیری کنند.

آبان ۱۳۶۶



جمعه ۱ آبان | ۲۹ صفر ۱۴۰۸ | ۲۳ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل گزارش‌ها را خواندم و اخبار رادیوهای خارجی را گرفتم. ضربه به ترمینال الاحمدی کویت، هم حیثیت ما را بالا برده و هم آمریکا را تحقیر کرده است[1]. ریگان در مصاحبه دیشب خود، مثل یک فرمانده شکست خورده حرف می‌زد. مصاحبه‌ای که بعد از هفت ماه خودداری از مصاحبه، انتظار می‌رفت تند و حماسی باشد؛ مخصوصاً که بعد از زدن سکوهای نفتی ماست. ولی ضربه به بندر الاحمدی و آشفتگی بورس ها و وضع اقتصادی غرب او را خلع سلاح کرده است.

نماز جمعه را در دانشگاه اقامه کردم. بارش باران وسط خطبه‌ها، محدودم کرد. خطبه دوم را به جمع بندی مداخله آمریکا در خلیج‌فارس اختصاص دادم و ضررهای هنگفت آمریکا را تشریح کردم[2]. عفت و محسن به قم رفتند و شب برگشتند.

---

۱ - مفسر شبکه تلویزیونی بی بی سی گفت: «کویت بابت حمایت از عراق، دعوت از آمریکا و پرچم زنی بر روی نفتکش های خود، بهای سنگینی پرداخته است. بر اثر این حمله صادرات نفت کویت ، یک میلیون و دویست هزار شبکه در روز کاهش یافته است . تنها از این ترمینال ۸۰ درصد نفت کویت صادر می شد.

۲ - در خطبه اول ادامه بحث استکبار و استضعاف از مجموعه بحث های عدالت اجتماعی دنبال شد و موضوعات امامت از دیدگاه قرآن، مبارزه امام حسن (ع) با معاویه و طرح مأمون برای مقابله با قیام سادات علوی مطرح شد. در خطبه دوم نیز درباره مسایل روز، وضعیت منطقه خلیج فارس و درگیری مستقیم با آمریکا، مشکلات مالی آمریکا، شکسته شدن ابهت آمریکا، ظهور تناقض در سیاست آمریکا، کشف ماهیت جنگ پس از لشکرکشی آمریکا، تقویت روحیه اتکا به خدا در دل ملت ایران و سیاست منطقی جمهوری اسلامی تحلیل‌هایی به نمازگزاران ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «به هر حال ما سیاستمان منطقی است، حرفمان قابل قبول است، به شورای امنیت گفتیم و از اول هم همین مطلب گفته شده بود که اولین وظیفه شما در جنگ، معرفی متجاوز است، شما متجاوز را اعلام بکنید، اگر دیدید جنگ تمام نشد، خوب اینها زیر بار این منطق حق نمی روند. فقط و فقط آنها این راه را می خواهند و می گویند ما اسلحه، هواپیما، موشک و اطلاعات به عراق بدهیم، عراق هم در خلیج فارس نفت شما را بزند، شما مقابله به مثل نکنید. نفت شما قطع بشود، پول نداشته باشید تا اینکه در جنگ کوتاه بیایید، تا حق تان را نتوانید بگیرید، این حرف عوامانه اینها است و اگر انسان بخواهد

عصر آقای صیاد شیرازی آمد و پیشنهاد کرد که برای خلیج‌فارس، قرارگاه مخصوص بزنیم و خود او را فرمانده آن کنیم. احمدآقا آمد. راجع به سیاست مقابله به مثل مذاکره کردیم. فرماندهان لشکر علی بن ابیطالب(ع) آمدند. از نابسامانی و تبعیض ها و کمبودها و بی حسابی در سپاه شاکی بودند. شب برای ما پلو و خورشت نذری آوردند. بستگان هم مهمانمان بودند.

شنبه ۲ آبان | ۳۰ صفر ۱۴۰۸ | ۲۴ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت یازده در منزل بودم و مطالعه می کردم. آقای احمد کاشانی [نماینده نطنز] که به عنوان مرخصی از زندان به منزل آمده، تلفن کرد و ادعای مظلومیت نمود؛ جرمش ایجاد تفرقه بین سپاه و ارتش، در [کشور] حال جنگ و همچنین اهانت به امام است.

آیت‌الله خامنه‌ای تلفن کردند و از عدم اجرای مصوبات شورای‌عالی پشتیبانی جنگ توسط نخست وزیر گله داشتند و به همین علت جلسه امروز عصر را لغو کردیم که قبلاً با مذاکره در جلسه سران قوا، [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر توجیه شود.

به مجلس آمدم وگزارش ها را خواندم. جراید انگلیس، پیروزی سیاسی و نظامی ایران بر آمریکا در جریان موشک زدن به بندر الاحمدی کویت را درشت کرده‌اند و معتقدند آمریکا [در این حمله موشکی] تحقیر شده و راهی برای جبران ندارد.

عصر آقایان [سیدحسن] فیروز آبادی و مقدم و [علیرضا] افشار آمدند. درباره مصوبات شورای‌عالی پشتیبانی جنگ و برنامه‌ها ابهاماتی داشتند که رفع شد. آنها طرح های شورا را آماده می کنند.آقای [محسن] رفیق‌دوست برای امور مالی جنگ آمد. سرهنگ ترابی آمد و

بدون تعارف حرف بزنند، حرف اینها همین است. آمریکا به خلیج فارس آمده و به شدت گرفتار شده است. الان آمریکا در اثر سیاست ابلهانه‌اش، آن چنان گرفتار شده و به بن بست رسیده که به تعبیر خودشان قابل ترحم است. ما از اول گفتیم اگر پرچم روی کشتی زدید، دیگر برداشتنش آسان نیست. پرچم ها را زدید، گفتیم اگر اولین گلوله را شلیک کردید، دیگر متوقف کردنش آسان نیست. تا حالا به اینجا رسیده، یعنی به انفجار بزرگترین بندر صدور نفت منطقه رسیده، باز هم حالا می گوییم، به آمریکا، انگلیس و فرانسه می گوییم و به خود این شیوخ مهماندار می گوییم، باز هم راه برگشت وجود دارد. خیلی خوب! حالا که تا اینجا رسیده، از حالا دست از شرارت و توطئه بکشید. یکی از همان طرق قبلی را انتخاب بکنید، یا عراق نزنند. یا اینها بی طرف باشند، یا زودتر بیایید متجاوز را اعلان کنید که به ختم جنگ برسیم. اگر این سه راه را انتخاب نمی کنید، راه دیگر همین است. جمهوری اسلامی متکی به خدا است و از این تیر غیب ها خیلی فراوان دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



بدرقه رئیس مجلس هند در فرودگاه مهرآباد

برای استفاده از یک کیس جاسوسی راهنمائی خواست. تا ساعت هفت در دفترم کار کردم.

برای شرکت در ضیافت رئیس مجلس هند به رزیدانس سفارت هند در فرمانیه رفتیم. جمعی از اعضای هیأت رئیسه مجلس هم آمدند. مذاکرات خصوصی خوبی درباره توسعه روابط و رفع مشکلات جزئی موجود از قبیل خرید نفت و مشکلات ایرانیان و هندیان مقیم دو کشور داشتیم. آنها از سفر به شیراز و مهمان نوازی ما راضی‌اند و طرفدار توسعه روابط بین دو کشور و حل مشکلات جزئی موانع همکاری هستند. ساعت ده شب به منزل رسیدم. اخبار ساعت ده و نیم شب شبکه دوم تلویزیون را گرفتم وخوابیدم. باران شدیدی می‌بارید. چند روز است که در تهران مدام باران می‌آید.

یکشنبه ۳ آبان | ۱ ربیع الاول ۱۴۰۸ ۲۵ اکتبر ۱۹۸۷

قبل از رفتن به جلسه علنی مجلس، در دفترم گزارش‌ها را خواندم و به اخبار صبح گوش دادم. کمی احساس آرامش در خلیج‌فارس به چشم می‌خورد. قبل از جلسه به نمایندگان -





ملاقات با رئیس مجلس هند

توصیه کردم که هنگام حضور هیأت پارلمانی هند در جلسه، نظم را مراعات کنند. ساعت نه صبح رئیس مجلس هند و همراهان به جلسه آمدند. آنها در محل تماشاچی‌ها نشستند و من خیرمقدم کوتاهی گفتم. ساعت نه و نیم دور دوم مذاکرات را انجام دادیم[1]. حرف تازه‌ای نداشتیم و جلسه به تعارفات و کلیات گذشته با الفاظ دیگر تکرار شد. من به دفترم آمدم و هیأت هند، با هیأت رئیسه مجلس ملاقات داشت.

دکتر روحانی برای امور دفاع در خلیج فارس آمد و گفت سپاه و ارتش تهدید اشغال جزایر ما از طرف آمریکا را جدی نمی گیرند و بهای لازم را به آن نمی‌دهند. درباره پدافند و تشکیل قرارگاهی به فرماندهی صیاد شیرازی برای خلیج‌فارس هم مذاکره کردیم.

خبرنگار هندی همراه هیأت آمد و مصاحبه کوتاهی با من انجام داد. ظهر رؤسای عقیدتی سیاسی ارتش و شهربانی و ژاندارمری آمدند. آنها بودجه ندارند. قرار شد از جائی پرداخت شود. عصر چند ملاقات درباره امور جنگ داشتم.

شب برای بدرقه رئیس مجلس هند به فرودگاه رفتم. در آنجا مصاحبه‌های کوتاهی

---

۱ - رادیو بی بی سی در تفسیری گفت: «رئیس پارلمان هندوستان که به دعوت رئیس مجلس ایران به تهران رفته است، در دیدار پنج روزه خود با مقامات جمهوری اسلامی از جمله با رئیس جمهوری و نخست وزیر ایران گفتگوهای مهمی انجام داد. گفتگوی او با هاشمی رفسنجانی در دو نوبت، بیش از یک ساعت به طول انجامید. در آخرین گفتگویشان که روز گذشته انجام گرفت، گروهی از نمایندگان مجلس ایران و سفیران دو کشور در تهران و دهلی حضور داشتند. او در هنگام بازگشت از ایران گفت که در نتیجه حضور نیروی خارجی، صلح در سراسر منطقه، چه در خلیج فارس و چه در دریای عمان و در اقیانوس هند، به خطر افتاده است و هر چه بر وسعت حضور نیروهای خارجی در این منطقه افزوده شود، صلح بیشتر به خطر خواهد افتاد. هاشمی رفسنجانی گفت که گفتگوهایش با رئیس پارلمان هند، بسیار ثمر بخش بوده است و تأکید کرد که هر دو طرف، حضور نیروهای خارجی در آب های منطقه را محکوم کردند. هفته گذشته وزیر خارجه ایران توانست نظر فیدل کاسترو را در محکوم کردن حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس جلب کند. فیدل کاسترو گفته بود که آمریکا برای تجاوزات خود در خلیج فارس، بهای گزافی خواهد پرداخت. چنان که از تلاش های اخیر ایران بر می آید، این کشور امیدوار است که بتواند جرگه کشور های غیر متعهد را در مخالفت با حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بسیج کند. هاشمی رفسنجانی در ملاقاتش با رئیس پارلمان هندوستان از عدم کارآیی جرگه کشورهای غیر متعهد شکوه کرد و گفت که اگر ما به عنوان کشورهای غیر متعهد به اندازه کافی فعال بودیم، دار و دسته ناتو جرات نمی کردند که این همه نیرو به منطقه بیاورند. بدیهی است که بسیاری از کشورهای غیر متعهد از این اقدام ناتو نگرانند، چون بیم آن دارند که خودشان روزی مورد تجاوز قرار گیرند. از قول فیدل کاسترو نقل شده که او در بسیج کردن جرگه غیر متعهد ها علیه آمریکا، با ایران موافق است و گفته است که کشورهای غیر متعهد، باید بسیج شوند تا واکنش مناسب در مقابل مداخله آمریکا نشان بدهند. ایران می کوشد که جرگه کشورهای غیر متعهد را وادارد تا در یک اجلاس فوق‌العاده، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را محکوم کنند. در این باره با کشورهای دوست ایران از جمله چند کشور عربی گفتگوهایی شده است و همچنین برای جلب توافق شوروی که در میان کشورهای غیر متعهد طرفدارانی دارد، تلاش هایی انجام گرفته است، اما باتوجه به اینکه کشورهای عربی هم در جرگه غیر متعهد ها شرکت دارند، دستیابی به توافقی در این زمینه کار آسانی نیست. تلاش های قبلی ایران برای واداشتن جرگه غیر متعهدها به محکوم کردن عراق، به خاطر تجاوزش به ایران بی اثر بود، هر چند که بسیاری از اعضای این جرگه به طور خصوصی در خارج از جرگه با ایران موافق بوده اند.

توسط من و آقای بالرام جاکار رئیس مجلس هند انجام شد[۱]. باران می‌بارید، لذا مراسم و تشریفات سطح بالا انجام نشد.

از آنجا برای شرکت در جلسه سران قوا به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. در این جلسه درباره مذاکرات جاری با فرانسه بحث شد. این مذاکرات پیشرفتی نکرده است. قرار شد برخورد ما از روی بی نیازی باشد. درباره جواب به نامه دبیرکل سازمان ملل هم بحث و تصمیم گیری شد. از آقای نخست وزیر به خاطر عدم انجام کامل تصمیمات شورای عالی جنگ انتقاد شد و ایشان پذیرفت که بپذیرد و توصیه شد در مورد کارهای ایذائی علیه آمریکا افراط نشود، ولی در مقابله به مثل قاطع باشیم[۲]. نخست وزیر گزارش نتایج سفر به سوریه را داد. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ٤ آبان | ۲ ربیع الاول ۱٤۰۸ | ۲٦ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت نه صبح در منزل بودم و گزارش‌های خارجی را گوش دادم. سقوط ارزش بازار بورس ها، نگرانی شدید غربی ها را به دنبال آورده و همچنان مسأله مهم دنیا است[۳]. ساعت نه و نیم به مجلس رسیدم. دو نفر برای شکایت از محدودیت در راه ارسال صنایع ظریفه به خارج آمدند. دولت ارسال با پست را ممنوع کرده و کالای همراه مسافر را هم به سه هزار

---

۱ - در این مصاحبه آقای هاشمی گفت:« سفر رئیس مجلس نمایندگان هند در روزهایی که آبراه‌های منطقه و از جمله اقیانوس هند، محل حضور ظالمانه لشکریان پیمان ناتو شده، از آن رو که هند همواره مخالف این نوع تحرکات در منطقه بوده، به نظر ما که در این دعوا طرف هستیم، سفری به موقع بوده است. در مذاکرات هر دو طرف با حضور نیروهای خارجی در آب های منطقه مخالفت کرده و حضور آنان را محکوم نموده اند.»

۲ - رادیو صدای آمریکا در این خصوص گفت، پرزیدنت ریگان تصمیم گرفته است واردات آمریکا از ایران را ممنوع سازد. به دستور رئیس جمهور آمریکا، همچنین بعضی صادرات این کشور به ایران نیز ممنوع خواهد شد. همچنین دولت آمریکا به صورت غیر رسمی از دولت ژاپن خواست تا در محاصره اقتصادی ایران شرکت کند.

۳ - با سقوط سریع ، همه جانبه و ویران کننده ارزش سهام در بازارهای جهانی بورس، بحران بر اقتصاد جهان سایه افکنده بود. بازارهای بورس جهان از آمریکا گرفته تا هنگ کنگ و از انگلیس تا استرالیا در بحران شدید به سر می بردند. سقوط بازار سهام وال استریت آمریکا به قدری سریع اتفاق افتاد که درک هرگونه مفهومی از آن، حداقل چند روز به طول انجامید. در ژاپن، بازار سهام ترکیو که بزرگترین بازار سهام جهان بود، پنج درصد میانگین ارزش سهام خود را از دست داد و این امر باعث سقوط عظیم بورس در بازار هنگ کنگ شد. بازار بورس آمریکا که در پنج سال گذشته، بسیار قوی و قیمت ها در آن به طور مداوم رو به افزایش بوده، به یک باره با بحران جدی مواجه شد. ارزش دلار نیز به تبع سقوط سهام در بازارها به شدت کاهش یافت.

تومان محدود نموده است.

مسؤولان تبلیغات کشور آمدند. درباره برنامه تبلیغات بسیج عمومی که قرار است انجام شود، انتقاد داشتند. قرار شد طرح خودشان را بدهند. دو نفر از مسؤولان شنود سپاه در جبهه‌ها آمدند. از ابتکارات مهم خود گفتند و برای خرید وسائل مدرن کمک خواستند.

عصر به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ رفتم. در این جلسه چند مصوبه داشتیم. مغرب به دفترم برگشتم. هوا سرد بود. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم. هنوز سیستم گرمایشی مجلس روشن نشده و دفترم سرد بود. به منزل آمدم. بچه‌ها مهمان محسن بودند. غذا برای من هم آوردند.

سه‌شنبه ۵ آبان | ۳ ربیع الاول ۱٤۰۸ | ۲۷ اکتبر ۱۹۸۷

دیشب باران زیادی باریده و خیابان‌های تهران را آب گرفته و در کرج برف سنگین به زمین نشسته است. سرمای زودرس مشکلاتی به بار خواهد آورد. نمایندگان هم با تاخیر به مجلس رسیدند. نگرانی غرب از سقوط ارزش سهام عمیق است. آنها نقش مسائل خلیج‌فارس را در این بحران کم نمی‌دانند. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس بودم. بعد از تنفس در دفترم به کارها رسیدم.

ظهر جمعی از نمایندگان آمدند و از من خواستند تا از طرح کشت نوعی هالوفیت (سالیکورنیا) در سواحل خلیج‌فارس که با آب شور بار می‌آید، حمایت کنم. قرار شد خودشان پیگیری کنند و اگر واقعیت داشته باشد، حمایت کنیم.

عصر فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان آمد. گزارش وضع لشکر و جبهه را داد. او خوشبین و راضی است. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. مسأله دادن امتیاز بیشتر به رزمندگان برای ورود به دانشگاه‌ها مطرح بود.

شب با [اعضای] جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. در مورد وضع روحانیت در جامعه، وضع حوزه‌های علوم دینی و وضع خود جامعه مدرسین صحبت بود. در مورد لزوم نظم در حوزه بحث شد و ناتمام ماند. در پایان وضع جنگ را برای آنها تشریح کردم و درباره رفتن روحانیون به جبهه‌ها مذاکره شد.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره [illegible]
تاریخ [illegible]
پیوست

بسمه تعالی

پروفسور [illegible]

حضرت ریاست محترم مجلس سنای ملی رومانی

از دعوت محبت‌آمیز جنابعالی برای دیدار از کشورتان متشکرم،

متأسفانه اینجانب [illegible] مقدور [illegible] که فعلاً به
سفر به کشورتان [illegible] ولی امیدوارم که با این سفر روابط دو کشور
رو به گسترش [illegible] و همکاری‌ها بهتر و عمیق‌تر خواهد
شد و مخصوصاً در این شرایط [illegible]
[illegible]
بیشتر با کشورها و ملت‌ها [illegible] مناسب‌تر می‌بینم.

[illegible]
[illegible]

[illegible]

نامه به رئیس مجلس ملی رومانی

چهارشنبه ۶ آبان | ٤ ربیع الاول ۱٤۰۸ | ۲۸ اکتبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در خانه بودم. به مجلس آمدم. مسأله مهم دنیا در اخبار، سقوط ارزش سهام در بورس ها است. آقای [واعظ] طبسی آمد. گزارشی از سفر چین داد. به نظر می رسد چون سفر رسمی نبوده، مسؤولان چینی توجهی در حد شخصیت ایشان نکرده اند. از انتصابات استاندار جدید خراسان ناراضی است و نیز از مدیر کل بازرگانی استان گله دارد.

آقای [سید محمد باقر] حکیم و برادرش آمدند. ضمن تشکر از امکانات جدید که به رزمندگان عراقی داده‌ایم، درخواست امکانات بیشتر از جمله آزاد کردن اسرای بیشتر برای تشکیل یک لشکر زرهی و دادن اسلحه و امکانات و حقوق بیشتر به آنها و دادن مسکن و تامین راه‌های بیشتر برای ورود به داخل عراق داشتند. چند نفر از وزارت ارشاد برای گزارش و مشورت درباره کنفرانس مکه و مدینه که برای تبلیغات برگزار می شود، آمدند. قول دادم که شرکت کنم و به سئوالات پاسخ دهم.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت و اول شب آقای [علیرضا] افشار قائم مقام آقای محسن رضایی آمد. از آقای رضایی به خاطر عدم توجه به قانون سپاه و تغییرات دائم غیر لازم در سپاه گله دارد و استمداد کرد. خیلی ها این اشکال را دارند. آقای مهدی نژاد آمد، گزارش داد و برای امور جدید مشورت کرد.

عراق امروز به پالایشگاه پتروشیمی شیراز حمله کرده است. دستور مقابله به مثل دادیم. شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. از وزارت اطلاعات آمدند و راجع به پرونده دکتر [مظفر] بقائی [رهبر حزب زحمتکشان] و حرکات او گزارش دادند و گفتند مریض خطرناک است. نظر دادیم که آزادش کنند و تحت نظر بمانند. وضع ارتش سری ارامنه [داشناک] را گفتند و مشورت کردند[1].

آقای [علیرضا] معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] گزارش سفر به ترکیه و توصیه‌های نخست وزیر ترکیه در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را داد، با توجه به اینکه آمریکایی‌ها[2]

---

۱ - برای آگاهی بیشتر از نحوه تشکیل و فعالیت ارتش سری ارامنه(داشناک) رجوع کنید ← کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ خاطرات ارتشبد حسین فردوست، انتشارات پژوهش های اطلاعات.

۲ - رادیو بی بی سی گفت:« پرزیدنت ریگان دستور تحریم کامل واردات از ایران را صادر کرده است و گفته است که صادرات آمریکا به ایران، باید حداقل و تنها در حد احتیاجات مردمی باشد. آمریکا تابستان گذشته بزرگترین خریدار نفت ایران بود و روزانه ۶۰۰ هزار

جدی هستند و با شوروی در خصوص عدم پیروزی ایران توافق کرده‌اند. کنگرلو هم گزارشی از پیشنهاد فرانسه، برای حل مشکل روابط داد.

پنجشنبه ۷ آبان | ۵ ربیع الاول ۱٤۰۸ — ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش های صبح باز هم مسأله مهم بحران بورس ها و سقوط ارزش دلار دیده می شود. قبل از شروع جلسه از نمایندگان درباره تغییر ساعت کار مجلس نظر خواهی کردم. نظر این شد که به همین وضع بماند. تا ساعت ده و نیم در جلسه ماندم. بعد از تنفس در دفترم کارها را انجام دادم. ظهر آقای [محمد] فروزنده آمد. درباره امور جنگ و مهندسی و درباره پادگان شیرینو که قرار است ارتش و سپاه با هم استفاده کنند، مذاکره شد؛ نهاجا اصرار دارد که سپاه آنجا را تخلیه کند.

عصر در جلسه شورای عالی دفاع و شورای پشتیبانی جنگ شرکت کردم. در مورد تبلیغات جنگ و بسیج عمومی و معنای خط حساس و عادی پدافند مصوباتی داشتیم. از آنجا به خانه رفتم. بچه‌ها به منزل بستگانشان رفتند و من در منزل تنها ماندم.

جمعه ۸ آبان | ٦ ربیع الاول ۱٤۰۸ — ۳۰ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. ظهر بستگان مهمان ما بودند. دیشب موشکی به بغداد زده ایم[1]. تا نزدیک ظهر خبرگزاری ها درباره آن خبری ندادند، تا اینکه خود عراقی ها اعلان کردند به منطقه مسکونی خورده است. معلوم نیست خبر درست باشد.

پالایشگاه نفت از ایران خریداری می کرد، از طرفی صادرات آمریکا به ایران از قبیل مولدهای کوچک قابل حمل، تجهیزات مربوط به ارتباطات، تراکتور، قایق موتورهای بزرگ دیزلی و برخی از لوازم یدکی هواپیما بود که برخی از آنها می توانست به صورت بالقوه در جنگ به کار گرفته شود. اکنون این اقدام نشانه آن است که آمریکا دیگر نمی تواند در برابر ایران صبر کند.»

۱ - حمله موشکی ایران به بغداد در پاسخ به حملات دو روزه هواپیماهای عراقی به مناطق غیر نظامی استان های خوزستان و فارس، به قصد انهدام ساختمان نیروی هوایی در بغداد انجام شد. این حمله در ساعت ۱:۰۷ دقیقه بامداد روز جمعه ۸ آبان انجام شد. یک سخنگوی نظامی عراق اعلام کرد این موشک به یکی از محله های مسکونی شهر اصابت کرده و در نتیجه آن چندین نفر کشته و مجروح شده اند.

کنترل سختی بر رسانه‌ها در عراق وجود دارد و خبرگزاری‌ها هم تحت کنترل کامل هستند. باران خفیفی می‌بارید. عصر گزارش‌ها را آوردند، خواندم. مسأله مهمی نداشت.

شنبه ۹ آبان | ۷ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۳۱ اکتبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. ساعت سه بامداد بیدار شدم و دعای سفر به گوش عفت و فاطی و سعید و سارا خواندم. تا صبح خواب نرفتم. به خاطر کم خوابی کسل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت.

آقای [حسین] مهدیان برای اموال خیریه ابوالفضل تولیت و کارهای شخصی آمد. شب کارها را از مجلس آوردند انجام دادم. در گزارش ها مطلب مهمی نداشتیم. عراقی ها بعد از خوردن موشک پریشب به بغداد، از شرارت دست برداشته اند؛ یا موشک تأثیر زیادی دارد و یا برای شرارت جدید آماده می‌شوند.

یکشنبه ۱۰ آبان | ۸ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۱ نوامبر ۱۹۸۷

ساعت پنج صبح با دل درد شدیدی بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. درد خیلی طول نکشید و ساعت شش و نیم به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. تا ساعت ده و ربع در جلسه علنی بودم.

در تنفس آقای محلوجی آمد. راجع به نیازهای ارزی مهمات سازی در کارخانه های غیر نظامی گفت. اخوی محمود آمد. راجع به شیوه کار کمک های اقتصادی در لبنان گفت و از من خواست که در جلسه عقد ازدواج دخترش شرکت کنم. با او در مورد کف شکنی چاه تلمبه نوق صحبت کردم.

جمعی از فارغ التحصیلان دوره کوتاه آموزش دانشگاه امام حسین(ع) آمدند. برای آنها صحبت کردم. یکی ازکارکنان کتابخانه مجلس آمد که برای ادامه تحصیل مرخصی هشت ساعت در هفته می خواست. نماینده اهواز آمد و خواست که از انتقال دانشکده نفت به

اصفهان جلوگیری کنم. آقای زواره‌ای برای امور اداری و دولتی مجلس آمد.

عصر دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به زیمبابوه، عدن و عمان را داد. امید دارد دفتر غیر متعهدها در سازمان ملل، وارد جریان مخالفت با حضور آمریکا در خلیج‌فارس بشود. عمانی‌ها گفته‌اند شورای همکاری خلیج‌فارس بنا دارد، دسته جمعی با ایران برای تامین امنیت منطقه وارد مذاکره شود، برای جواب دبیر کل سازمان ملل مشورت کرد.

گروه صنایع پدافند شیمیائی میکروبی سپاه آمدند. گزارش کاملی از پیشرفت کار دادند و اجازه تولید گرفتند. آقایان حکیم، سالک و رحمانی آمدند و برای مبارزان داخل عراق، پول، اسلحه و راه تردد خواستند.

جلسه سران قوا در دفتر آقای اردبیلی بود. دکتر ولایتی گزارش سفر داد و قرار شد که با آقای راشد عبدالله نماینده شورای همکاری خلیج‌فارس مذاکره کنیم و دفتر غیر متعهدها برای اخراج آمریکایی‌ها از خلیج فارس فعال شود. درباره مسائل مهم دیگر هم تصمیم‌گیری شد. درباره استفاده از کشتی‌های نفتی شوروی برای حمل نفت بحث شد. به نتیجه نرسیدیم. قرار شد از امام بپرسیم؛ بعد احمدآقا جواب داد که امام موافق نیستند. دیر وقت به منزل رسیدم.

دوشنبه ۱۱ آبان | ۹ ربیع الاول ۱٤۰۸ ۲ نوامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. پیش از ظهر اعضای شورای سرپرستی صداو سیما آمدند. آنها درباره سیاست جنگی و مواجهه با آمریکا سئوالاتی داشتند. آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد. از وجود مراکز اطلاعاتی در سپاه، وزارت کشور، ارتش و کمیته گله داشت که مانع تمرکز اطلاعات است و نیز از مسائل داخلی سپاه گفت و پیشنهاد داشت وزارت اطلاعات به صورت سازمان در آید و زیر نظر رئیس دیوان عالی کشور [قوه قضائیه] باشد.

عصر آقای [ناصر جیرانی] نوبری سفیرمان در شوروی آمد. او تحلیلی از وضع روابط ما با شوروی ارائه داد که اگر حرکت ها تاکتیکی باشد و نه استراتژیکی - که نیست - خیلی نباید به پیشرفت و توسعه روابط چشم بدوزیم. چون هر دو طرف برنامه‌های موقت، محدود و سطحی دارند. قبول کردم که همین طور است، ولی گفتم در کارهای سیاسی و اقتصادی

و فنی بیشتر می‌توانیم همکاری کنیم[۱]. به خصوص که درمورد سلطه غرب در منطقه نقطه نظر مشترک داریم. در مورد سفر من به روسیه، گفتم مشروط به این است که مراسم در حد مناسب باشد و دعوت از طرف گرومیکو هم بشود و بتوانیم در مسائل مهم فیمابین به نتیجه برسیم، در این صورت سفر می‌کنم. در مورد جایگزینی نیروی بین‌المللی به جای آمریکا در خلیج‌فارس، به طور اصولی موافقیم، ولی ترجیح می‌دهیم از نیروهای منطقه باشد.

گزارش‌ها را آوردند خواندم، آمریکایی‌ها ادعا کرده‌اند که یک قایق احتمالاً ایرانی، به صورت خصمانه به کشتی های آنها نزدیک می‌شده که به طرف آن تیراندازی کرده‌اند، ولی ما چنین گزارشی نداشته‌ایم. آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] و اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] و اقبالی پور [مسئول تیم حفاظت] درباره مقصد راهپیمائی ۱۳ آبان مشورت کردند و بالاخره قرار شد به طرف میدان آزادی باشد، مگر اینکه باران ببارد که در این صورت به جای دیگری می‌روند.

سه‌شنبه ۱۲ آبان | ۱۰ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۳ نوامبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. قبل از دستور درباره ۱۳ آبان و راهپیمائی[۲] صحبت کوتاهی

---

۱ - خبرگزاری فرانسه گزارش داد: دیپلماتها در پی دیدار اخیر فرستاده شوروی به منطقه اظهار عقیده کردند، مسکو به نظر می‌رسد در صدد است تا در دراز مدت برای ایفای نقش یک میانجی گر در جنگ عراق و ایران، وقت گذرانی کند. منابع مزبور اظهار داشتند که شوروی می‌خواهد با ایران و عراق به گفت و شنود ادامه دهد و حاضر نیست برای اعمال مجازات های پیش بینی شده در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از نزدیکی اخیر خود به تهران صرف نظر کند. یک دیپلمات مستقر در خلیج[فارس] اظهار عقیده کرد: «گمان می‌کنم شوروی به منظور آنکه صلح به جای سازمان ملل تحت نظارت مسکو به امضاء رسد، در صدد است تا سرانجام یک روز میان عراق و ایران میانجیگری کند.» یولی ورنتسف معاون اول وزیر امور خارجه شوروی، در پی دیدار از کویت و بغداد که در این دو کشور، سیاست مسکو در خلیج [فارس] مورد انتقاد قرار گرفته بود، تهران را ترک کرد. به گفته یک سخنگوی شوروی مأموریت ورنتسف، بررسی تمامی امکانات اجرای قطعنامه ۵۹۸ بوده است. براساس اطلاعیه شوروی که توسط خبرگزاری تاس انتشار یافت، ورنتسف و مخاطبین ایرانی وی، تمامی جنبه های مربوط به اجرای این قطعنامه را مورد بررسی قرار داده اند. اما آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران روز گذشته - یکشنبه - شدیداً از سازمان ملل به خاطر طرح آتش بس نا به هنگام خود انتقاد به عمل آورد. در اطلاعیه خبرگزاری تاس گفته شده که ورنتسف و رهبران ایران برمفهوم پراهمیت تماس های سیاسی دو کشور که از این پس وارد مرحله عملی گردیده و نیز علاقه طرفین مبنی بر گسترش همکاری‌های‌خود تأکید ورزیدند. این سومین سفر ورنتسف به تهران از ماه ژوئن گذشته به شمار می رفت و دیپلمات‌ها بر مهارت مسکو جهت نزدیکی به همسایه ایرانی خود، ضمن باقی ماندن هم پیمان و عمده‌ترین فروشنده سلاح به عراق، تأکید ورزیدند.

۲ - خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: «رهبران ایران روز سه شنبه با اعلام تعطیل ملی ۴ نوامبر به مناسبت یورش سال ۱۹۷۹ به سفارت آمریکا در تهران، شور ضد آمریکایی را فزونی بخشیدند و از مردم خود خواستند تا به خیابان ها بیایند و آمریکا را از ترس بلرزانند. رادیو تهران که در نیکوزیا شنیده می شد، چهارشنبه را "روز مرگ بر آمریکا" لقب داد. آیت الله حسینعلی منتظری جانشین آیت الله خمینی

داشتم[۱]. تا ده و نیم در جلسه ماندم. در تنفس برای فرماندهان نواحی سپاه سخنرانی کردم[۲]. آقای افشار و آقای سنجقی برای کارهای جنگ مراجعه کردند و آقای نوری و آقای جهانگیری برای سفر به لبنان، کمک مالی برای لبنانی‌ها خواستند.

آقای خرازی اطلاع داد قایقی که آمریکایی‌ها دیروز به طرف آن تیراندازی کرده‌اند، یک لنج شارجه بوده که یک نفر هم کشته داده است. قرار شد سروصدا راه بیندازیم.

عصر در شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بعد از نماز مغرب، شورای عالی

اعلام کرد که حمله به سفارت، اسطوره قدرت آمریکا را شکست . در میان رویا رویی جوشان آمریکا و ایران در خلیج فارس این رادیو گفت: میلیون ها ایرانی در راهپیمایی های تهران و سایر شهرها شرکت خواهند کرد تا عزم راسخ خود برای تبدیل خلیج فارس به گورستانی برای متجاوزان آمریکایی نشان دهند. خبرگزاری رسمی ایران نیز که در نیکوزیا دریافت می شد از هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس نقل کرد که گفته است: «شوربی سابقه برای راهپیمایی های چهارشنبه نشان خواهد داد که چگونه سیاست احمقانه واشنگتن در دخالت در خلیج فارس عواقبی شوم به بار خواهد آورد.» رفسنجانی که قدرتمندترین چهره ایران پس از امام خمینی محسوب می شود گفت: «این راهپیمایی های سراسری بر خشم و انزجار ایران از آمریکا تأکید خواهد کرد.»

۱ - در این نطق آمده است: «نمایندگان محترم در جریان استقبال کم نظیر مردم و نهادها از پیشنهاد راهپیمایی علیه سیاست آمریکا برای فردا هستند. به نظر می رسد که سیاست ابلهانه ای که کارگردانان سیاست خارجی آمریکا پیش گرفته اند، دارد نتایج شوم خودش را برای باند ناتو نشان می دهد. روز سیزده آبان را ملت ما بنا دارند که به عنوان یک روز تاریخی و الهام بخش در تاریخ خودشان حفظ بکنند که منبع اصلی این الهام در تبعید ظالمانه رهبر انقلاب حضرت امام امت نهفته است که برای اولین بار، جرقه شدید مبارزه با آمریکا را در ایران با پیام تاریخی آن سالشان ایجاد کردند و به دنبال آن، روز دانش آموز که هویت اسلامی و فطرت پاک انسانی دانش آموز مسلمان را و ماهیت کثیف رژیم عامل آمریکا در ایران را که دانش آموزان را به خاک و خون کشید، بر دنیا، و مخصوصاً بر ملت ما فاش کرد و به تبع آن حماسه جاویدان و صلابت دشمن شکن دانشجویان مسلمان و انقلابی را که در تسخیر لانه جاسوسی و به هم زدن بساط توطئه آمریکا را در ایران به دنبال خودش داشت. فردا مردم ما آن طوری که آثارش تا حال ظاهر شده، خشم انقلابی ملت را و انزجار مسلمانان از روش‌های مستبدانه و زورگویان و سلطه طلب آمریکایی ها به نمایش می گذارند که این تحقیقاً می تواند درسی برای زورگویان کاخ سفید باشد و هم مایه امیدی برای ملت هایی که آثار پیروزی ها را در استقامت و پایداری ملت ما دارند می بینند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - این دیدار ابتدا آقای علیرضا افشار رئیس ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارشی را ارائه کرد. آنگاه آقای هاشمی گفت: «شما برادران، حافظ و نگهبان انقلاب و پشتیبان فعال جنگ و دفاع هستید. امسال پس از ضربه کاری که رزمندگان ما در کربلای ۵ و کربلای ۱۰ به متجاوزان عراقی وارد کردند، وضع جدیدی در دنیا و منطقه پیش آمد. امسال معلوم شد که استکبار جهانی به طور جدی از این می ترسد که شاهد پیروزی چشمگیری برای جبهه ایمان و اسلام باشند و تحت تأثیر این وحشت، تن به خیلی کارها می دهند که در شرایط عادی چنین ریسک هایی را نمی کنند. در دنیا و در تاریخ معاصر این چنین سابقه ندارد که استکبار سردرگم و با هیاهوی بسیار و با گستاخی در مقابل یک انقلاب لشکر کشی کند و موضع ناحقی بگیرد و روی موضع خود نیز پافشاری کند. اینکه آمریکا و به دنبال آن کشورهای باند "ناتو" و در کنار آنها ارتجاع عرب بدینگونه دست به دست هم بدهند و در خلیج فارس به این شکل حضور پیدا کنند و خط زنجیره ای از ناوها در این منطقه حساس تشکیل بدهند، مایه تحقیر دنیاست. با مقاومت و برنامه ریزی صحیحی که جمهوری اسلامی و این انقلاب کرد، نشان داد که بنیه اینها چه مقدار ضعیف است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

پشتیبانی جنگ جلسه داشت. در خصوص تبلیغات و سمینار تصمیم‌گیری شد. سپس در شورای مرکزی روحانیت مبارز شرکت کردم. در این جلسه، آقای مهدوی کنی که امروز با امام ملاقات داشته، از امام درباره شرکت روحانیت مبارز در انتخابات آینده پرسیده است و امام گفته‌اند مانعی ندارد، ولی نباید از شهری در شهر دیگر دخالت کنند. درباره وضع جنگ و خلیج فارس هم توضیحاتی داده شد.

ساعت نه و نیم به دفترم در مجلس آمدم. از ظهر تاکنون تب دارم. ظهر با جمعی حدود ۷۰ نفر از نمایندگان، درباره جنگ مذاکره داشتیم که خیلی خسته شدم. بعد از آن هم آقایان رفیق‌دوست و فروزنده آمدند، نتوانستم استراحت کنم. خستگی شدید است.

چهارشنبه ۱۳ آبان | ۱۱ ربیع الاول ۱٤۰۸ ٤ نوامبر ۱۹۸۷

دیشب تب داشتم و راحت نخوابیدم. صبحانه شیر و حلیم خوردم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. آمریکاییان به خاطر اشتباه زشت زدن قایق ماهیگیری شارجه و کشتن یک هندی سرافکنده‌اند و می‌خواهند توجیه کنند. وزیر دفاعشان بناست استعفاء دهد و این دلیل شکست سیاست لشکر کشی به خلیج‌فارس است.

تا نزدیک ظهر در دفترم استراحت کردم و به رادیو که مراسم راهپیمائی[1] مردم را پخش می‌کرد، گوش دادم. با این کسالت بناست در میدان آزادی برای راهپیمایان سخنرانی کنم، که کار مشکلی است.

آقا محمدی تلفنی درباره اعلان دستگیر شدن چند چینی در اربیل عراق بدست نیروهای معارض سئوال کرد. گفتم روی تلکس آمده و سئوال دیگر جایی ندارد.

با هلی‌کوپتر ساعت یازده از دانشکده افسری به سوی میدان آزادی پرواز کردم. از فضا، وضع خیابان‌های مرکز و پیاده روی مردم را دیدم. به نظرم خیلی شلوغ نیامد، ولی آقای جنتی و سایر دوستان، نظرشان این است که انبوه جمعیت کم سابقه است[2]. حدود نیم

---

۱ - هیأت دولت به منظور گرامیداشت سالروز تاریخی ۱۳ آبان و شرکت همه جانبه مردم در راهپیمایی ، این روز را تعطیل عمومی اعلام کرده و از مردم برای "حضور در صحنه تعیین سرنوشت "دعوت به عمل آورده بود.

۲ - رادیو صدای آمریکا گفت:« گزارش‌های رسیده از تهران حاکی از آن است که امروز میلیون‌ها ایرانی در تظاهرات گسترده ضد آمریکایی در سرتاسر ایران شرکت کردند. داگلاس رابرت خبرنگار صدای آمریکا از دوبی گزارش‌می‌دهد که تظاهرات به‌منظور جلب

ساعت درباره استیصال و سردرگمی سیاست کاخ سفید آمریکا و ضعف‌های ریگان صحبت کردم[۱]. از آنجا با هلی کوپتر به مصلای تهران رفتم و از آنجا با ماشین به منزل رفتم. خسته و تب دار، ناهار نخورده خوابیدم. شب به خاطر تب در جلسه سران قوا که در منزل آقای ولایتی بود، شرکت نکردم.

پنجشنبه ۱۴ آبان | ۱۲ ربیع الاول ۱۴۰۸ ۵ نوامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم و تب داشتم. بیشتر وقت به استراحت گذشت. از طریق تلفن در جریان اخبار جنگ قرار گرفتم. گزارش‌های خبری را از مجلس آوردند، خواندم.

شب یکی از محافظانم آمد. عقد ازدواج او را بستم و نیم سکه آزادی هدیه دادم. تلفنی از حال عفت پرسیدم. در بیمارستان بستری است و عمل کرده است.

حمایت مردم و ابراز مخالفت دولت تهران با افزایش قدرت نظامی آمریکا در خلیج فارس برگزار شد. امروز دولت‌های عرب منطقه خلیج‌فارس، به آرامی تولد حضرت محمد(ص) را جشن گرفتند ولی ایرانی ها سالگردهای دیگری را نیز مدنظر داشتند. میرحسین موسوی نخست وزیر ایران امروز را به مناسبت سالگرد تصرف سفارت آمریکا در تهران، سالگرد قیام دانشجویی علیه حکومت شاه و سالگرد تبعید آیت‌الله خمینی، تعطیل رسمی اعلام کرد. در شهرهای ایران تظاهرات عظیمی برپاشد و صدها هزار پاسدار انقلاب و سرباز و ارتش در تظاهرات شرکت کردند. تظاهر کنندگان علیه آمریکا شعار می دادند. در تظاهرات تهران، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به منظور آنچه که بسیج برای مقابله با تجاوز کاری آمریکا در خلیج فارس خواند، یک هفته بسیج ملی اعلام کرد. وی گفت: «سیاست آمریکا در خلیج‌فارس قابل توجیه نیست و ایران تهدیدات آمریکا را تحمل نخواهد کرد.» امروز هنگامی که از فرمانده نیروهای آمریکا در خلیج‌فارس پرسیده شد باتوجه به تظاهرات و شعارهای ضد آمریکایی، آیا پیامی برای ایرانیان دارید یا نه، گفت: «نه پیامی برای ایرانیان ندارد. ما آمریکائیان به این لفاظی ها عادت کرده‌ایم و لزومی به پاسخگویی به این شعارها نیست.» هنگامی که از وی پرسیده شد آیا پس از حمله آمریکا به سکوی نفتی ایران، ایران تغییر رویه داده است یا نه، گفت که وی تغییری در رویه ایران مشاهده نکرده است.»

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « آقای ریگان از روزی که وارد کاخ سفید شده، آن روز تا حالا موفق نشده یک سیاست خارجی قابل قبولی در رابطه با دنیای اسلام، انقلاب اسلامی ایران و منطقه حساس خاورمیانه داشته باشد و دائماً با زیگزاگ و چپ و راست حرکت کردن، سیاست خود را نشان داده است. صاحب نظران معتقدند که آقای ریگان از خودشان نظر مشخصی ندارد. ایشان قبل از آن که سیاستمدار باشد، یک عنصر سینمایی است و هنرپیشه‌ای است که در کار خودش در میدان فیلم موفق بوده و جزو چهره های نسبتاً مقبول صحنه سینمای آمریکا است، اما در عالم سیاست مشکل دارد. گروهی با آقای ریگان همکاری می کنند که به تناسب پیروزی هر جناحی از آنها، سیاست آمریکا عوض می‌شود. به نظر ناظران آگاه امروز دیگر کاخ سفید قدرت اداره جهان را آن گونه که مدعی است، ندارد و طرفدارانش در سردرگمی به سر می برند و از سیاست نان به نرخ روز خوردن آمریکا، حسابی کلافه اند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جمعه ۱۵ آبان | ۱۳ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۶ نوامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. بچه ها هم بودند. آقا جلال گوسفندی برای سلامتی عفت ذبح کرد و ظهر برای من کباب درست کرد. ظهر بچه ها به منزل اخوی محمود، برای شرکت در مراسم ازدواج مرجان، دختر اخوی با نوه آیت الله خوانساری رفتند. قسمتی از کارهای عقب مانده را انجام دادم. حالم نسبتاً خوب است.

نداجا [نیروی دریایی ارتش] خبر داد که به یک کشتی آمریکایی با پرچم پاناما حمله شده است. سپس مراکز خبری جهانی تایید کرده‌اند. این تحقیر جدیدی برای آمریکا است. آنها اعلان کرده‌اند که تلافی نمی کنند.

شنبه ۱۶ آبان | ۱۴ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۷ نوامبر ۱۹۸۷

تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر در منزل بودم. کارهای عقب مانده از روزهای کسالت را انجام دادم. حالم خوب است. عصر در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. مصوباتی داشتیم. اول شب برای ملاقات با آقای [محمد کاظم اسدی] خوانساری سفیرمان در لیبی به مجلس آمدم. درخواست داشت که جمله ای در قدردانی از مواضع جدید و خوب قذافی در مورد اجتماع سران عرب و ضربه خوردن به بندر احمدی کویت بگویم که گفتم[1]. به آقای رفیق دوست گفتم کار تحویل نیازهای پدافند شیمیایی را به لیبی تکمیل کنند.

شب به خانه رفتم. در گزارش ها استیصال آمریکا در ارتباط با ایران و مشکلات اقتصادی و داخلی محسوس است. پیش بینی می شود که اجتماع سران عرب که از فردا شروع می‌شود، کاری از پیش نخواهد برد.

---

۱ - ایشان در این ملاقات با قدردانی از موضع گیری های شجاعانه اخیر رهبر لیبی در زمینه تحریم اجلاس فوق العاده سران عرب گفت: «چنانچه اکثریت سران عرب، مواضعی انقلابی همچون سرهنگ قذافی رهبر لیبی اتخاذ می نمودند، اسرائیل تا کنون نابود شده بود و نفوذ آمریکا در منطقه، تا این حد گسترش نمی یافت.»

یکشنبه ۱۷ آبان | ۱۵ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۸ نوامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ده گزارش‌ها را خواندم. هیأت پارلمانی مجارستان به ملاقات آمدند. گفت گوها درباره توسعه همکاری بود. از رئیس مجلس مجارستان دعوت نامه آوردند؛ پذیرفتم[1]. ترجمه قرآن به زبان مجاری به آنها هدیه دادند.

آقای [غلامرضا] شافعی وزیر صنایع و آقای ماهرو رئیس سازمان صنایع آمدند. گزارش وضع کارخانه‌های تحت تصرف در آمده را گفتند و از فشار بنیادها برای گرفتن کارخانه‌ها - بر اساس نظر امام که گفته‌اند اموال مصادره‌ای از فقرا است - اظهار نگرانی کردند.

ظهر آقای [محمد نبی] حبیبی شهردار معزول تهران آمد. از اقدام و اظهارات وزیر کشور در مورد عزل ایشان گله مند است[2].

عصر در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. در مورد گرفتن بخشی از مخارج اضافی جنگ از ثروتمندان تصمیم‌گیری شد. جلسه سران قوا در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای بود. در مورد گروگان‌های فرانسوی و تعیین نماینده‌ای برای مذاکره با دبیر کل سازمان ملل در مورد قطعنامه ۵۹۸ بر اساس خواست ایشان تصمیم گیری شد. از وضع آیت‌الله منتظری و لزوم تلاش برای عادی کردن آن صحبت شد. از احتمالات وضع کشور بعد از امام امت اظهار نگرانی کردیم. امروز عصر دو موشک به بغداد پرتاب کرده‌ایم[3].

برای خواب به مجلس آمدم و این صفحه را نوشتم که به ساعت یازده شب رسید.

دوشنبه ۱۸ آبان | ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۹ نوامبر ۱۹۸۷

ساعت هفت و نیم صبح آقایان رؤسای دیگر قوا به دفتر آمدند، برای آماده شدن جهت

---

۱ - در این دیدار، آقای "میهالی کروم" رئیس شورای کمیته قانون اساسی مجلس ملی مجارستان به همراه هیأت پارلمانی این کشور، دعوت کتبی رئیس مجلس ملی مجارستان را تقدیم کردند. آقای هاشمی گفت: «ادله همکاری بین دو کشور زیاد است و هیچ مانعی برای همکاری و دوستی وجود ندارد. ما نقطه بسیار مهم و مشترکی که با شما داریم، مبارزه با امپریالیسم است که الان در این راه سرمایه گذاری کنند، طبعاً باید بین خودشان همکار و صمیمی باشند و امکاناتشان را برای تقویت یکدیگر مصرف کنند.»

۲ - آقای علی اکبر محتشمی پور وزیر کشور، در حکمی آقای سید مرتضی طباطبایی را به عنوان شهردار تهران منصوب کرده بود. در آن سال ها به دلیل نبود شورای اسلامی شهر، وزیر کشور وظایف شورای مذکور را عهده دار بود.

۳ - ساختمان های مرکزی مخابرات و رادیو تلویزیون بغداد، هدف دو فروند موشک زمین به زمین ایران قرار گرفت. تأسیسات اقتصادی شمال شرقی کرکوک نیز در حمله سنگین هوایی ایران بمباران شد. بخش وسیعی از اهداف نظامی ـ اقتصادی در خاک عراق از جمله در مناطق بصره، ام‌القصر، الزید و القرنه نیز همچنان زیر آتش مداوم توپخانه ایران قرار داشت.

شرکت در سمینار. ساعت هشت و ربع به تالار پارلمان رفتیم و سمینار لبیک با امام شروع بکار کرد. تالار پر بود. هیأت دولت، شورای قضائی و شورای نگهبان، فرماندهان نظامی و ائمه جمعه و نمایندگان مجلس خبرگان حضور داشتند. آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کوتاهی داشتند و سپس من یک سخنرانی مفصل درباره جنگ و برنامه و اهداف سمینار ایراد کردم[1]. سپس آقای افشار مصوبات شورای عالی پشتیبانی جنگ را توضیح داد و تنفس اعلان شد. در تنفس مراجعات زیادی داشتم. تا ساعت سه بعد از ظهر در دفتر کارم بودم و استراحت کردم.

ساعت سه آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی برای تهیه و اداره جلسه آمدند. سه و نیم به جلسه رفتیم. جلسه به ریاست آقای خامنه‌ای رسمی شد و آقای محسن رضایی توضیحاتی داد. سپس من جواب سئوالات را تا هنگام نماز و مقداری هم بعد از نماز دادم. سپس آقایان موسوی اردبیلی و نخست وزیر، جواب سئوالات مربوط به خودشان را دادند. آقای خامنه‌ای جمع بندی کردند. قبلاً آقایان طاهری اصفهانی و حائری شیرازی هم حرف زده بودند[2].

ساعت هشت شب به دفترم آمدم. کارها را انجام دادم و اخبار را گوش دادم. اعضای سمینار ناهار و شام مهمان مجلس‌اند. به خانه رفتم. فائزه گفت مادرش مخاط را عمل کرده است.

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - رادیو بی بی سی در گزارشی چنین گفت: «مقامات ایران اعلام بسیج عمومی و آمادگی برای هجوم تازه ای علیه عراق کرده اند و فضای حاکم بر تهران، دوباره فضایی جنگ جویانه شده است. بسیج نیروهای مردمی به منظور انجام یک رشته حملات گسترده و پیگیر در جبهه های جنگ با عراق روز به روز شدت بیشتری می یابد. صفحات روزنامه های تهران پوشیده از اعلامیه‌های مختلف در حمایت از بسیج این نیروهاست. بسیاری از سازمان های گوناگون داوطلب شده اند، هر یک مخارج تعدادی از رزمندگان جبهه ها را برعهده بگیرند و همزمان با آن اعلام کرده اند که کارمندان آنها، آماده اند به رزمندگان خطوط جبهه بپیوندند. به گفته رئیس جمهور ایران مخارج هر رزمنده در عرض سه ماه برابر دویست هزار ریال خواهد بود و از مردانی که به دلایل موجه، قادر به رفتن به جبهه ها نیستند، خواسته شده است که معادل این رقم را به دفتر پشتیبانی جنگ بپردازند. اگر چه یک هفته از اعلام آغاز بسیج نیروها گذشته، هنوز به درستی روشن نیست که آیا گردآوری نفرات به منظور انجام یک حمله کامل و واقعی است، یا هدف از آن تحت تأثیر قرار دادن کوشش های میانجی گرانه به منظور پایان دادن جنگ است. همچنین کاملاً آشکار نیست که اگر سخنان آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران، مبنی بر آنکه هدف از فرا خواندن نیروها، نه بسیج عمومی است و نه دعوت به جهاد درست باشد، چرا کسب اجازه آیت الله خمینی برای بسیج نیروهای مردمی لازم بود؟».

سه‌شنبه ۱۹ آبان | ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۱۰ نوامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح برای زیارت امام، همراه با شرکت کنندگان در سمینار به حسینیه جماران رفتم. امام صحبت کردند، ولی درباره جنگ و بسیج چیزی نگفتند، با اینکه به اعضای سمینار که درحسینیه بودند، گفته شده بود که امام در این خصوص صحبت می‌کنند.

قبلاً بنا بود پیامی به سمینار بدهند، ندادند. انتظار صحبت می رفت. گویا نظرشان این است که بیش از اندازه دارد برای اعزام نیرو به جبهه تبلیغ می‌شود. با آقایان خامنه‌ای و احمدآقا صحبت کردیم. قرار شد در جلسه فردا با امام، در این باره صحبت شود. گویا باعث تردید دردل اعضای سمینار شده است.

پیش از ظهر آقای شیخ محمد هاشمیان آمد و درباره مسائل استان کرمان در انتخابات آینده و توقیف اموال شیخیه که گویا از طرف بعضی‌ها برای آزاد کردن آن تلاش می‌شود، صحبت کرد. آقایان شیخ حسین [هاشمیان] و اکرمی و جمعی از بستگان آمدند. درباره مسائل عمومی حرف زدند.

آقای ترابی اطلاع داد، بر اساس دریافت‌های شنود، دو سه روز است از بغداد مقاومت هایی در مقابل پلیس بغداد رخ می دهد و درگیری ها و آشوب هایی وجود دارد، ولی این اخبار از جای دیگر تایید نشده است.

عصر آقای معادیخواه برای امور بنیاد تدوین تاریخ آمد و آقای ایازی برای گرفتن جزوه های مربوط به کلید قرآن و مشورت در کار آن آمد. شب جمعی از بستگان عفت آمدند.

گزارش ها را آوردند، خواندم. بعضی از منابع مدعی‌هستند که اختلافات عراق و سوریه در کنفرانس اعراب در اردن بر طرف شده و صدام و حافظ اسد آشتی کرده‌اند، ولی عمق آن مشخص نیست[1].

---

۱ - فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه، درباره ملاقات صدام حسین با حافظ اسد در حاشیه اجلاس امان گفت: «این ملاقات دوبار صورت گرفت و با حضور چندتن از سران عرب به ویژه شاه حسین همراه بود و نمی توان برای این ملاقات، حجمی بزرگتر از حجم طبیعی آن قائل شد.» در شماره امروز روزنامه گاردین مقاله ای از دیوید هرتس به چاپ رسیده حاکی از آنکه به نظر می رسد دولت سوریه با شرکت در صدور قطعنامه کنفرانس اخیر سران عرب که ایران را سخت به یاد انتقاد گرفته، موضع خود را در قبال این کشور تغییر داده است. اما به گفته هرتس زمان نشان خواهد داد که این تغییر موضع تا چه حد واقعیت دارد. آنچه در حال حاضر به عنوان سیاست جدید سوریه تلقی ☜

چهارشنبه ۲۰ آبان | ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۱۱ نوامبر ۱۹۸۷

جلسه مجلس با کمی تاخیر شروع شد. تا ساعت ده و نیم درجلسه ماندم. پیش از ظهر در دفترم با آقای [علاءالدین] بروجردی سفیر مان در چین صحبت کردم. گفت تحت فشار آمریکا، حمل تسلیحات از راه دریا را متوقف کرده‌اند. این گونه برخورد از عمق روابط می‌کاهد و از اینکه از موشک های کرم ابریشم از نوع هوا به زمین و هوا به دریای آن به عراق داده‌اند، گله کردم. عراقی ها اخیراً از این نوع موشک استفاده کرده‌اند که گفته می‌شود از چین گرفته‌اند؛ شاید از جای دیگری گرفته باشند.

آقای آقامحمدی آمد. گزارش وضع اردوگاه های اکراد عراقی در کردستان و باختران را داد و خواستار تاکید در تسریع در توسعه و تعمیر آنها بود که به آقای فروزنده منتقل کردم.

آقایان [حسین] کمالی و [محمد] سلامتی آمدند و برای اصلاح ماده ۲۷ استمداد کردند. این ماده در مجلس به مشکل برخورده است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. مغرب جمعی از مسؤولان بسیج به مناسبت هفته بسیج آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

شب جلسه سران در منزل احمدآقا بود. امام در جلسه شرکت کردند. درباره اثر تضعیف کننده سکوت ایشان در سخنرانی دیروز درباره جنگ صحبت شد. قرار شد به نحوی جبران شود. نظرشان این است که این سروصداها تاثیر زیادی بر اعزام نیرو ندارد و دشمنان هم متوجه خواهند شد و علاوه بر این به خاطر اختلاف سران ارتش و سپاه در

← می شود، می تواند در واقع شیوه ای زیرکانه برای محدود کردن لطمات احتمالی به سوریه باشد که هدف آن حفظ این دولت در مقابل دولت های عرب است. دولت‌هایی که عموماً نسبت به ایران موضع خصمانه دارند.

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «بسیج مستضعفان، نقش مهمی در تحکیم موقعیت انقلاب و پیروزی های اسلام در جنگ علیه کفر ایفا کرد و انصافاً، از نهادهای کم خرج و پرنفع همین بسیج است که متکی به ایثار و ایمان و از خود گذشتگی جوان های کشور است. ما در حال حاضر به خاطر حضور پایگاه های مقاومت در سراسر کشور، یک نوع بیمه شبه مجانی برای انقلاب و حرکتمان داریم. این آموزشی که شما به جوان های کشور دادید، امروز میلیون ها نفر انسان آموزش دیده و دوره دیده در جنگ و در بطن مردم، هم در خانم ها و هم در آقایان حضور دارند. در هر محله، کوچه و مسجدی که این پایگاه های مقاومت حضور دارند، مردم احساس امنیت و اعتماد می کنند. در جنگ ، وقتی که بسیجی ها در حمله یا دفاع و یا در خطی حضور دارند، هم دشمن می ترسد و هم ما قلبمان مطمئن است. این گونه نیروی سرباز برای ارتش اسلام و برای نیروهای مجاهد اسلام کم سابقه است. همه جا، در دنیا، ارتش و نیروی مسلح وجود دارد، اما این شبیه صدر اسلام است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جنگ هم پیشرفت زیادی نمی شود. ما هم مشکل سپاه و ارتش را گفتیم و از ایشان خواستیم برای حل آن کمک کنند. قرار شد نظرات خودمان را به ایشان بدهیم. از ادغام دو وزارت دفاع و سپاه پرسیدیم. در حال حاضر موافق نبودند و گفتند در عمل اگر وزیر را غیر ارتشی و غیر سپاهی بگذاریم، هر دو ناراضی خواهند بود، ولی قول دادند که در زمان مناسبی باید انجام شود.

پنجشنبه ۲۱ آبان | ۱۹ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۱۲ نوامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هفت و نیم در دفترم گزارش‌ها را خواندم. کنفرانس سران عرب در عمان در مورد ادامه جنگ و اشغال اراضی عراق و زدن موشک به کویت و مسائل حج، ایران را محکوم کرده و به دولت های عربی اجازه داده است به صورت انفرادی با مصر رابطه برقرار کنند و لیبی قطعنامه را آمریکایی خوانده و محکوم کرده است.

نمایندگان مجلس از سوریه عصبانی‌اند که بیانیه را امضاء کرده است[۱]. تا ساعت ده و نیم در جلسه بودم.

بررسی قانون کار در شور دوم تمام شد، ولی گمان می رود شورای نگهبان ایرادات زیادی بگیرد. در تنفس برای جمعی از دختران دانش آموز خراسان که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم[۲].

به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ رفتم. درمورد نامه‌ای به امام جهت تجهیز امکانات

---

۱ - به دنبال تلاش های محافل مطبوعاتی و سیاسی منطقه برای زیر سوال بردن موضع سوریه در قبال ایران، دولت سوریه در یک بیانیه رسمی اعلام کرد، تمامی تلاش هایی که به منظور مخدوش کردن موضع سوریه در قبال جمهوری اسلامی ایران انجام می گیرد، محکوم به شکست است. حقیقت آن است که سوریه در مناسبت های مختلف، روی روابط مستحکم خود و جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده و با هر واژه و عبارتی که در برگیرنده موضع توهین و یا تحریک آمیز علیه ایران باشد، مخالف است.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «در زمان گذشته بسیار مشکل بود که ما صحبت از اسلحه گرفتن خانم ها و آموزش نظامی خانم‌ها کنیم. امیدواریم که روزی پیش نیاید که ما نیاز پیدا کنیم که از قدرت رزمی زنان استفاده کنیم و برادران شما، این مسئولیت را به حد کافی انجام می‌دهند و این واجب کفایی، نوبت شما نرسد، ولی شما باید خواهران را آماده کنید که اگر خدای ناکرد. شرایطی پیش آمد؛ که در روزهای اخیر ما در شرایطی هستیم که خبر پیروزی ما به گوش کفر می رسد، کفر با همه وجودش می آید و جلوی ما می ایستد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

برای جنگ به منظور کسب امضای ایشان و جبران سکوت پرپروزشان توافق شد[1].

ظهر آقای [سید حسین] موسویان برای کسب نظرم در مورد امور اداری و عمرانی مجلس آمد. آقای [محمد علی] انصاری اطلاع داد که امام با مضمون نامه که توسط رئیس جمهور داده شده بود، موافقت کرده‌اند و من و آقای خامنه‌ای، بر عبارات نامه، تلفنی توافق کرده بودیم.

عصر آقایان سنجقی و کنگرلو برای امور جنگ و روابط با فرانسه آمدند. وزیر جهاد سازندگی برای امور ساخت موشک و شیلات و نیازهای جهاد آمد. از مجله امید انقلاب است برای مصاحبه آمدند[2].

با بیت امام درباره جواب امام به نامه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ و با آقای خامنه‌ای درباره بیانیه شورا بعد از جواب امام، مذاکره و مشاوره کردم. ساعت هشت و نیم به خانه رسیدم.

---

۱ - متن نامه شورای عالی پشتیبانی جنگ و پاسخ حضرت امام(ره) چنین است: [بسم الله الرحمن الرحیم. رهبر معظم انقلاب و فرمانده کل قوا، حضرت امام خمینی ـ مدظله العالی، تحرکات سیاسی ـ نظامی استکبار و مهره های ارتجاع در دفاع از رژیم بعثی عراق و تلاش وسیع برای نجات آن، عقیده آسیب پذیری و ضعف مفرط دشمن را بیش از پیش تقویت می کند، و لزوم وارد آوردن ضربات مؤثر و متوالی را حتمی می سازد. از طرفی، بی توفیقی تلاش های چند ماه اخیر برخی مجامع بین المللی که تاکنون، علی رغم اتلاف وقت که ممکن است موجب سوء استفاده دشمن شود، نتوانسته قضایای جاری را به سمت حل عادلانه سوق دهد، خوشبینی به این تلاش ها را کاملاً ضعیف ساخته است. شورای‌عالی پشتیبانی با غور و بررسی کامل طی جلسات متعدد، پس از تشکیل سمیناری مرکب از جمع کثیری از علمای اعلام و ائمه محترم جمعه و مسئولین دولتی و نهادهای انقلابی، و باتوجه به آمادگی مشتاقانه مردم برای شرکت در دفاع مقدس به این نتیجه رسیده است که برای تهیه عده و عُده های لازم جهت یک سلسله عملیات متوالی و مؤثر در سراسر خطوط تماس و تدارک تجهیزات ضروری برای این مقطع حساس، لازم است از امکانات کشور بیش از گذشته استفاده شود. مستدعی است اوامر و ارشادات عالی را ابلاغ فرمایید. شورای عالی پشتیبانی جنگ ـ ۱۹ ربیع الاول یک هزار و چهار صد و هشت ـ ۶۶/۸/۲۱.]

پاسخ امام خمینی: بسمه تعالی - شورای عالی پشتیبانی جنگ ـ اعز هم الله تعالی، واضح است و کراراً گفته شده است که این جنگ تحمیلی در رأس امور واقع است؛ و لازم است به همت همه اقشار کشور هر چه سریع تر با عنایات حق تعالی پیروزی به دست آید. بنابراین، آنچه که شورای عالی پشتیبانی جنگ و متخصصان امور جنگی ضرورت تشخیص داده اند، باید عمل شود و کوتاهی نگردد. در این فرصت از تمام اقشار ملت، خصوصاً علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعات و خطبای محترم لازم است تشکر کنم، که با صرف جان و عزیزان و مال خود در راه مقاصد اسلام به طور شایسته عمل به وظیفه الهی نمودند؛ و از ملت عظیم که با راهپیمایی های اخیر پشت جنایتکاران پلید خصوصاً آمریکا را لرزاند، با تمام وجود قدردانی نمایم. از خداوند تعالی قدرت هر چه بیشتر رزمندگان و پیروزی آنان، و رحمت و سعادت شهدا و جانبازان، و آزادی اسرا و صبر داغدیدگان، و سلامت و پشتکار دست اندر کاران، را طلب می کنم [روح الله الموسوی الخمینی] رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۱۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جمعه ۲۲ آبان | ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۸ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. در خطبه دوم مردم را به جهاد جانی و مالی دعوت کردم و شرایط تازه و برنامه جدید برای جنگ را توضیح دادم[1]. عصر اخوی احمد با خانواده‌اش و دو سه نفر از نوق آمدند و از درگیری‌هایی که اخیراً بین گروه قاسم صفریان و گروه مقابل پیش آمده و رنگ سیاسی گرفته است، گفتند و برای حل آن کمک خواستند. اخوی احمد هم همین را توصیه کرد.

شب آقای ایازی برای کارهای کلید قرآن آمد. حوادث مهمی غیر از درگیری‌های پراکنده با عراق نداشتیم. احمدآقا آمد و از ملاقات با آیت‌الله منتظری گفت؛ ایشان از وزارت اطلاعات ناراحت است و از تنهائی و نداشتن کمک در اداره دفتر و بیت و از اینکه هنوز امنیت به آقای سیدهادی نداده اند و ممکن است پرونده به جریان بیافتد، نگران است. قرار شد این موضوع را در جلسه سران قوا مطرح کنیم که به وزارت اطلاعات گفته شود اعلان کنند که او را نمی گیرند. به آقای رضایی تأکید کردم که نیروها در جبهه هوشیار باشند.

شنبه ۲۳ آبان | ۲۱ ربیع الاول ۱۴۰۸ ۱۴ نوامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. در گزارش های جهانی، بسیج وسیع نیروها در ایران مورد توجه قرار گرفته و

---

۱ - در خطبه اول در ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام، با موضوع روابط حاکم بر جوامع بشری از لحاظ استکبار و استضعاف، مواردی درباره مبنای اطاعت در اسلام، ویژگی های ولی فقیه در قانون اساسی، تبلور حاکمیت پول در سیاست های آمریکا و ارتجاع عرب و شیوه های جمهوری اسلامی در برخورد با سلطه مستکبرین مطرح شد. در خطبه دوم نیز درباره مسایل روز و شرایط جدید منطقه، اقدامات کفر جهانی برای نابودی اسلام، ماهیت کنفرانس سران عرب، ابعاد جهانی جنگ عراق و ایران، حضور بی سابقه مردم در راهپیمایی ۱۳ آبان، شکست تز نظامی آمریکا در خلیج فارس، شروع مرحله جدید در جنگ ، لزوم حمایت گسترده مالی مردم از جنگ و برنامه های مرحله جدید مبارزه استکبار تحلیل هایی به نماز گزاران ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «برنامه جدیدی که به نظر ما می رسد و ما باید وارد آن بشویم، این است که یک گام بلند در جهت جدی تر گرفتن جنگ در مرزهایمان با عراق و جدی تر گرفتن احتمال برخورد با آمریکا در خلیج فارس برداریم. و این گام را با مصوبات و بیانیه هایی که تهیه شده و بعضی هایش منتشر گردید، با اجازه رهبری شروع کردیم. این بسیج عمومی هنوز نیست، ما هنوز به مرحله ای نرسیدیم که نیاز به بسیج عمومی داشته باشیم و بالاتر از این، هنوز آن وقتی نیست که رهبری انقلاب بخواهد حکم جهاد عمومی به کل نیروها بدهد، که به صورت تکلیف عینی برای همه بتواند متبلور بشود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

در صدر اخبار است[1]. آقای معیری معاون نخست وزیر آمد و گزارش سفر به پاکستان را داد. ضیاءالحق [رئیس جمهور پاکستان] خیلی گرم گرفته و گفته دولت پاکستان تصمیم دارد به ناوهای غربی موجود در خلیج فارس اجازه پهلو گرفتن در بنادر پاکستان را ندهد و از ما خواسته آمریکایی‌ها را تحریک نکنیم و گفته آنها هم نمی‌خواهند با ما درگیر شوند و مایلند به گونه ای مسالمت آمیز مسائل حل شود و خواسته است به منافع آمریکا در خاک پاکستان ضربه نزنند و قول داده در چند روز آینده، ماموران ما را که به اتهام حمله به مراکز منافقین در پاکستان زندانی هستند، پس از محاکمه آزاد کنند. به ایشان تأکید کردم که مسأله عادی سازی روابط با فرانسه را جدی بگیرند که رخنه‌ای در باند آمریکا بیندازیم.

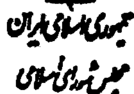
عصر سرهنگ ترابی آمد. گزارش اطلاعات راجع به ارتش و عراق را داد و برای توسعه شنود، بودجه اضافی خواست و پیشنهاد تعویض رئیس ستاد ارتش را برای حل مشکل ارتش داشت.

شب سرتیپ حسنی سعدی و سرهنگ جمالی آمدند. برنامه عملیات را دادند و از اختلافاتی که اخیراً با سپاه بر سر امکانات ارتش داشته‌اند، از جمله در مرکز صفر یک و مراغه ابراز نگرانی کردند.

احمدآقا مرعشی آمد. از اینکه تحت بررسی معافیت فرزندش اکبر قرار گرفته، نگران است؛ متهم است با اعمال نفوذ، معافی پزشکی گرفته است. می گوید طبیعی و قانونی بوده است.

---

۱ - رادیو بی بی سی در این باره گفت:« چنین به نظر می رسد که ایران خود را برای دست زدن به حملات زمینی تازه ای به عراق آماده می سازد. دولت از همه افراد خواسته است که به جبهه‌های جنگ بروند و رئیس مجلس اکبر هاشمی رفسنجانی گفت که مقدمات درگیری مسلحانه شدیدی بین به قول او اسلام و استکبار فراهم شده است. تقاضا از افراد قابل برای رفتن به جبهه ها از طرف شورای عالی پشتیبانی از جنگ صادر شده است. خبرنگاران می گویند که از اعلامیه شورای مذکور چنین بر می آید که آیت الله خمینی سکوت اخیر خود درباره آینده جنگ را شکست و دوباره علناً خواستار ادامه جنگ شد. شورای پشتیبانی از جنگ گفت که این بسیج توسط سپاه پاسداران انقلاب هماهنگ خواهد شد که مراکزی در سراسر کشور برپا خواهند داشت تا مردم بتوانند در آنها ثبت نام کنند. از کسانی که نمی توانند شخصاً به جبهه ها بروند، خواسته شد که از راه های دیگر از جنگ پشتیبانی کنند. به فرماندهان نظامی گفته شد که در همه جبهه ها عملیات تازه تدارک ببینند. شورای پشتیبانی از جنگ گفت که تنها راه شکست عراق، دست زدن به چنین عملیاتی است . اعلامیه شورا مهمترین موضع خطبه نماز جمعه امروز در تهران بود. رئیس مجلس گفت که گام بلندی باید به طرف جدی تر گشتن جنگ با عراق و جدی تر گرفتن احتمال درگیری با آمریکا در خلیج فارس برداشته شود.»



دفتر رئیس

شماره ۳۱۹۴۲/۷۰۰ ه.ر.د
تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲۴
پیوست

ریاست محترم مجلس ملی مجارستان
ایشتوان شارلوش

جناب...

از نامه جنابعالی و مسئولیت محترم پارلمان مجارستان به ایران و دعوت محبت آمیز از اینجانب برای مسافرت به کشور مجارستان متشکرم. با خوشحالی دعوت جنابعالی را میپذیرم و ان شاء الله در زمان مناسب این مسافرت انجام خواهد شد.

سلام و تحیات اینجانب را به نمایندگان دوره فعلی پارلمان مجارستان ابلاغ فرمایید. خواهان سعادت مردم کشورتان و توسعه روابط دوستانه دو کشور

پاسخ به نامه رئیس مجلس ملی مجارستان

یکشنبه ۲۴ آبان | ۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۸ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. معلوم شد جلسه مشترک هیأت دولت و شورای عالی دفاع و شورای عالی پشتیبانی جنگ داریم. به جلسه مجلس نرفتم و به مرکز ریاست جمهوری برای شرکت درجلسه مشترک رفتم که تا ظهر طول کشید. اعضای دولت سئوالاتی درباره جنگ و بسیج عمومی مطرح کردند که پاسخ داده شد و من هم پاسخ مفصل دادم.

ظهر به مجلس برگشتم. معلوم شد درجلسه علنی بر سر انتخاب نماینده مجلس در شورای سرپرستی صدا و سیما، درگیری به وجود آمده و آقای [محمد] یزدی و آقای هادی غفاری درگیر شده‌اند و به هم اهانت کرده‌اند. آقای محسن رضایی موقع ناهار آمد. با هم ناهار خوردیم و درباره جنگ و صنایع نظامی صحبت کردیم.

اعضای هیأت رئیسه مجلس آمدند و گفتند که بر سر صحت یا بطلان رأی گیری امروز در مجلس اختلاف نظر بروز کرده است. پس از بررسی، نظر من هم این شد که انتخابات محکوم به صحت است. در نتیجه آقایان فردوسی پور و فدائی به عنوان اصلی و علی البدل انتخاب شده‌اند و آقایان [اسداله] بیات و عزیزی شکست خورده‌اند. این نتیجه تا حدودی غیر منتظره است.

عصر جمعی از کارکنان وزارت اطلاعات آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. سپس

---

۱ - در این ملاقات که آقای علی فلاحیان قائم مقام وزارت اطلاعات، به اتفاق معاونت اطلاعات مردمی و جمعی از مدیران کل و پرسنل این معاونت حضور داشتند، پس از ارائه گزارشی در مورد آمار فعالیت های معاونت مذکور، آقای هاشمی در سخنانی اهمیت کار اطلاعاتی را برشمرد و لزوم بوجود آوردن الگوی مناسب نظام جمهوری اسلامی را که عمیقاً در خدمت مردم و اسلام و انقلاب باشد، مورد تأکید قرار داد. ایشان گفت: «توقع ما از وزارت اطلاعات این است که برداشت جامعه در دراز مدت از اعمال شما این باشد که شما چشم های اسلام در میان مردم بوده و مواظب هستید که مبادا قدرتمندان و مسئولان دولتی به مردم ستم بکنند و یک حالت ناروائی در جامعه به وجود بیاید. باید عناصر صداقت و دقت در آموزش افراد وزارت اطلاعات مورد تأکید قرار گیرد. مشکلاتی که معمولاً در نظامها بوجود می آید، این است که افرادی در میان مردم مبغوض می شوند، اصرار دارند بر سر کار بمانند و برای این کار مجبورند با دیکتاتوری و ارعاب به کار خود ادامه دهند و این چیزی است که در اسلام نیست و لذا باید واقعیت ها منعکس شود و اگر مردم از یک وزارتخانه ای ناراضی هستند، باید این نارضایتی به مسئولان بالا گزارش شود و بهترین راه برای از بین بردن ضد انقلاب همین است.» آقای هاشمی در ادامه سخنانش، لزوم یافتن انحراف هایی را که در جریان عمل در جامعه وجود دارد، متذکر شد و با اشاره به اینکه منافقین و دشمنان، از طریق شعارهایی که با ادعا های خود آنان سازگار نیست، سعی در رخنه در درون جامعه دارند، گفت: «اینها موقعی موفق می شوند که نظام ها صادق نباشد و برای جلو گیری از این امر، باید کار عمده وزارت اطلاعات، یافتن انحراف های عملی در جامعه و منعکس کردن آن به مسئولین باشد. عمده کار ما این است که زمینه جامعه را سالم تر کنیم. وقتی که ما خودمان را اصلاح بکنیم و خود صالح باشیم و

جمعی از فرماندهان لشکر ۱۰ سید الشهداء آمدند برای آنها هم صحبت کردم[1].

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. وزارت اطلاعات خبر داد که با دوما وزیر خارجه سابق فرانسه در آلمان درباره گروگان‌های فرانسوی در لبنان و عادی سازی روابط مذاکرات سری داشته است. که دوما سعی داشته این کارها را ما با گروه شیراک انجام ندهیم و با سوسیالیست ها انجام دهیم. قرار شد مذاکراتشان ادامه یابد و پیشنهاد شده که با دموکرات های آمریکا هم برای اهداف خاص، چنین مذاکره‌ای از طریق فرد غیر مسئولی پذیرفته شود.

جلسه به آقای ری شهری دستور داد که به اطلاعات قم اعلام کنند که آقای سید هادی هاشمی را بازداشت نکنند و خبری که در بولتن اطلاعات مبنی بر سخنرانی همسر سیدهادی [دختر آیت الله منتظری] در جلسه عزای سیدمهدی هاشمی آمده، از طرف بیت آیت‌الله منتظری تکذیب شود. امروز حملات هوایی از طرف عراق بوده که در این حملات دو هواپیمایش ساقط شده است.

دوشنبه ۲۵ آبان | ۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۸ ١٦ نوامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و ربع در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ در مقر آیت‌الله خامنه‌ای شرکت کردم. قرار شد حساب بانکی برای جهاد مالی با شماره ۵۵ به نام شورای‌عالی افتتاح شود و

نخواهیم که بر مردم تحمیل شویم و با تقلب بر مردم حکومت کنیم، این جامعه راه خودش را می رود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - در این ملاقات که جمعی از مسئولان لشکر سید الشهدا(ع) به همراه مسئولان ستاد پشتیبانی جنگ شهرستان کرج، پایگاه های شهریار، ساوجبلاغ، رباط کریم، طالقان و پایگاه شمیرانات حضور داشتند، ابتدا فرمانده لشکر ۱۰ سیدا لشهدا ضمن ارائه گزارشی از عملکرد این واحد ، آمادگی لشکر مزبور را در جهت تحقق فرامین امام خمینی (ره) اعلام کرد. آنگاه آقای هاشمی با قدردانی از خدمات لشکر ۱۰ سید الشهدا در جبهه های نبرد، گفت: « جایی که شما حضور دارید، خیال مسئولان جنگ آسوده است. البته سایر برادران در لشکرها هستند، ولی مجموعه شما مجموعه با ارزشی است. ما تصمیم گرفتیم نبرد ها و امکانات کشور را به گونه ای در خدمت جنگ در آوریم که بتوانیم برای مدت معینی تداوم عملیات داشته باشیم. ما امکانات کشور را بررسی کردیم، در حدی که چرخ های اقتصادی نخوابد، کار خانه ها و کارهای عمرانی، تولیدی و خدمات در پشت جبهه جنگ را تغذیه کند و مخارجی که برای یک حرکت به این صورت لازم است، محاسبه شده است. ما این را بسیج عمومی نمی نامیم. بسیج عمومی مرحله بعدی است. این یک تحول در جنگ است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.





جلسه مشترک دولت و مجلس شورای اسلامی

کمک ها خرج بسیج جدید شود و تصویب شد، ضریبی به نمرات رزمندگان برای شرکت در کنکور بدهند که عقب افتادگی به خاطر رفتن به جبهه جبران شود. به دفترم آمدم.

فردی از دوبی پیشنهاد داده که ده هزار تن شکر بدون درخواست ارز وارد ایران کنند و درآمد آن را به جبهه بدهد.

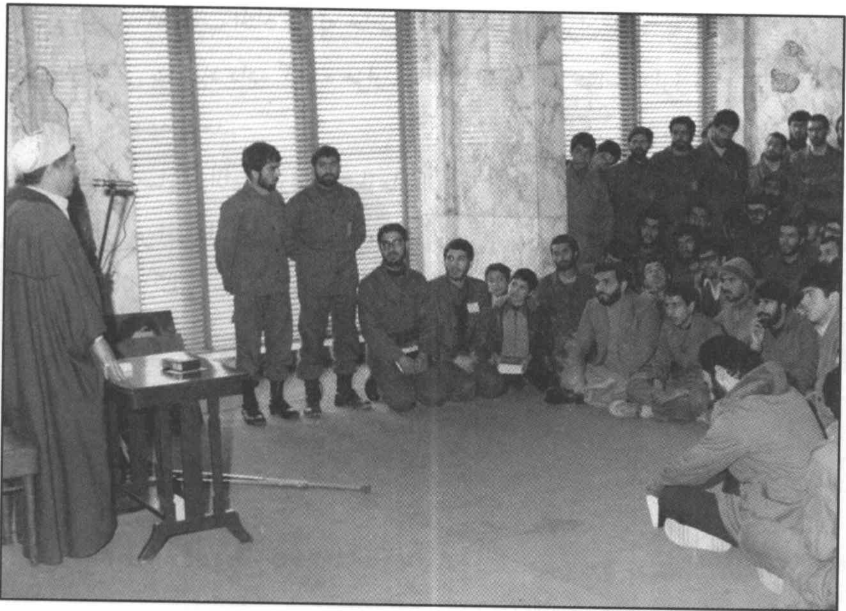
عصر آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد اطلاع داد که پیشرفت‌های قابل توجهی در امر اتم داشته‌ایم. آقای [علی] رازینی آمد و در مورد امور کیفر متخلفان در امر جنگ و مسائل کلی جنگ مطالبی داشت. سرهنگ ترابی آمد و برای استفاده از جاسوس دو جانبه مشورت کرد. بعد از نماز مغرب، آقای مهدی نژاد آمد و درباره مسایل خارج از کشور مشورت کرد. شب در مجلس ماندم.

سه‌شنبه ۲۶ آبان | ۲٤ ربیع الاول ١٤٠٨ | ۱۷ نوامبر ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم مطالعه کردم. آقایان اقبالی و ورزدار آمدند. انتقاداتی به دفتر و وضع تیم حفاظت داشتند. تا ساعت ده در جلسه بودم. در تنفس برای خانواده‌های شهدای دزفولی و چند نفر از روحانیون سنی بجنورد صحبت کردم[1]. آقای صفری آمد و برای بازسازی اسلام‌آباد استمداد کرد. آقای علوی تبار آمد و برای امور خوزستان استمداد کرد. آقای [محمد] اصغری آمد و برای گرفتن طلبش از روزنامه جمهوری اسلامی استمداد

---

۱ - در این دیدار ابتدا نماینده دزفول در مجلس شورای اسلامی، ضمن معرفی حاضرین، نمونه‌هایی از ایثار این عزیزان را بازگو کرد. آنگاه پدر سه شهید به نمایندگی از سوی حاضرین، آمادگی خانواده های شهدا را برای تحقق فرامین امام امت و دستورات شورای عالی پشتیبانی جنگ، به اطلاع ایشان رساند. سپس آقای هاشمی ضمن خوش آمد گویی به حاضرین اظهار داشت: «دزفول امروز در دنیا به عنوان شهر مقاومت و شهر استقامت شناخته شده است. برای مردم ایران از روزی های اول جنگ تا امروز مقاومت مردم دزفول به عنوان یک الگو و یک حرکت الهام بخش مطرح بوده است. وقتی که اولین حمله به دزفول انجام شد، من خود از اولین کسانی بودم که به یکی از اجتماعات شما در مسجد جامع آمدم و آن حالتی را که اصلاً برای من قابل تصور نبود، در دزفول دیدم. وقتی خدمت امام رسیدم، حالتی را که دیده بودم برایم غیر قابل توصیف بود و بعد هم هر چه جنگ پیش رفت، مردم دزفول ایستادگی بیشتری از خود نشان دادند. از شهرهایی که مقاومت آن، رژیم عراق را به خشم آورد، دزفول بود. عراق خیلی تلاش کرد که مردم دزفول را متفرق کند و همین حماسه شما باعث شد که برای ما و مردم و دنیای اسلام و کلیه جوامع، شهر دزفول به عنون شهر قهرمان شناخته شده است. در مجموع شهر دزفول به اسلام اعتبار داد. خشمی که دزفول در دل دشمنان ما پدید آورد. جزء افتخارات تاریخ است که باید ثبت شود. البته مردم آبادان و خرمشهر، ایلام، اسلام آباد و باختران هم حماسه دارند، ولی تداوم مقاومت مردم دزفول و تداوم حماسه آن درخشش خاصی داشت. این افتخار را شما ثبت کردید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



سخنرانی برای خانواده شهدا

کرد. ظهر مدیران مدارس شاهد آمدند و گزارش کار دادند. برای آنها صحبت کردم[1].

عصر فرماندهان سپاه آمدند. با آنها برای تغییری در مدیران سپاه مشورت شد. به جای خوبی رسیدیم. قرار شد با آیت‌الله خامنه‌ای هم مشورت کنند. تا ساعت هشت شب در

---

۱ – در بخشی از این سخنرانی آمده است: «شما در حال حاضر، مسئولیت مهمی را به عهده گرفته‌اید. شما وظیفه دارید که اسکلت اصلی نظام را بسازید و آنها دوره دیده و مناسب و وفادار به اسلام و نظام و صاحب حق اند و نسبت به دیگران حق تقدم دارند. این یک فکر الهی بوده است که به ذهن امام خطور کرد که از درون این بچه های شهداء، برای آینده این انقلاب و اسلام و پاسدارای از خون شهدایی که بدون چشمداشت این راه را رفته اند، جریانی که نگهبان انقلاب باشد، به وجود بیاوریم. البته ، در این راه کسان دیگر هم هستند که به مقام شهادت نرسیدند، ولی ارزش شهداء را دارند. به عنون مثال: کسانی که معلول و جانباز هستند و در حال حاضر رنج معلولیت را هم می کشند، طبعا فرزندان اینها هم باید همین حالت را داشته باشند. بنابراین اگر شما اولویت را به معلولین و افراد رزمنده بدهید، دیگران خواهند دانست که یکی از حقوقی که میدان جنگ رفته ها دارند، این است که فرزندانشان همراه فرزندان شهداء تحت تربیت خاص قرار می گیرند و انشاء الله سال آینده اینها در دانشگاه ها موفق خواهند شد. ما باید حتما در آینده امتیازات آموزشی و خاص انسان سازی را ضمن اینکه به دیگران ستم نکنیم، برای کسانی که فداکاری می کنند و از جانشان برای اسلام و انقلاب مایه می گذارند، در نظر گیریم. خداوند. سایه امام را بر سر ما مستدام بدارد و از برکات افکار بلند و عمیق و الهی ایشان، این ملت همیشه برخوردار باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

دفترم کار کردم. امروز عراق دوباره به بندر بوشهر حمله کرده و به رادار و انرژی اتمی صدماتی وارد ساخته است. بچه‌ها برای شام به رستوران رفته بودند و برای ما هم غذا آوردند.

چهارشنبه ۲۷ آبان | ۲۵ ربیع الاول ۱۴۰۸ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت و نیم صبح در منزل بودم. اول وقت آقای آقامحمدی اطلاع داد دیروز عملیات ظفر سه در منطقه دربندیخان داخل خاک عراق انجام شده و موفق بوده است. آقای سنجقی اطلاع داد که عملیات موعود و منتظر انجام نشده است. ساعت نه و ربع به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. با خبرنگار روزنامه آساهی ژاپن، مصاحبه مفصلی داشتم. او در این مصاحبه تقریباً از همه مسائل مهم سئوال کرد[1].

آقای [محمد حسن] اختری سفیرمان در سوریه آمد. اظهارات [آقای فاروق الشرع] وزیر خارجه سوریه بعد از کنفرانس عمان اعراب را برای راضی کردن ما آورد. به نظرم رسید که سوری ها مسائلشان با اعراب حل نشده و نمی خواهند ما را هم از دست بدهند. ما هم باید روابط را حفظ کنیم و اعتماد کامل نداشته باشیم. گزارش کاملی از وضع لبنان و کمک های ایران به مردم و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آینده را داد. ماهانه حدود پانصد هزار دلار خرج کمک به مردم لبنان است، علاوه بر مخارج کارهای اقتصادی در برنامه آینده.

آقای [غلامحسین] جمی [امام جمعه آبادان] آمد و برای حفظ نخل های منطقه آبادان و حضور مسؤولان دولتی در آبادان کمک خواست. ظهر آقایان جنتی، محمدی، محفوظی و عبدخدائی - شورای انتخابی آقای منتظری برای اداره نمایندگان ایشان در دانشگاه ها - آمدند. در مورد آینده نمایندگان آقای منتظری در دانشگاه‌ها و مشکلاتی که با جهاد دانشگاهی و مدیریت و مسایل دیگر دارند، مذاکره و قرار شد در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مطرح شود.

---

۱ - در این مصاحبه درباره قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، روابط ایران و آمریکا، بحران منطقه ای، کنفرانس سران عرب، روابط ایران و ژاپن، و تأمین سلاح جنگ سئولاتی مطرح شد. برای مطالعه متن کامل رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

سرتیپ حسنی سعدی فرمانده نزاجا اطلاع داد که یکی از عملیات آنها، قبل از شروع کشف و خنثی شده است. فکر می کند جاسوسان لو داده‌اند. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سر شب شخصی بنام ساینده آمد و از دخالت بی اصول بنیاد شهید در مورد زندگی کسانی که با همسران شهدا ازدواج کرده‌اند، گله داشت.

جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. [آقای آقازاده] وزیر نفت آمد و گزارشی از وضع فروش نفت و فشار غربی ها بر بازار فروش ما داد و اجازه گرفت که با تخفیف بازار را نگه دارد. وضع لوله کشی‌های جدید را هم گفت. شب برای خواب به مجلس آمدم.

پنجشنبه ۲۸ آبان | ۲۶ ربیع الاول ۱۴۰۸   ۱۹ نوامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. اول وقت آقای [علیرضا] افشار برای امور جنگ و بسیج و تبلیغات آمد. تا ده و نیم در جلسه علنی بودم. در تنفس برای انجمن های اسلامی سازمان های دولتی که مقابل مجلس اجتماع کرده بودند، سخنرانی کردم[1].

پیش از ظهر آقایان [محمد] رشیدیان [نماینده آبادان] و [اکبر] ترکان [رئیس سازمان صنایع دفاع] برای امور جنگ و صنایع نظامی آمدند و آقایان مهدوی وخلیلی برای امور سفر به مازندران آمدند. جمع زیادی از طلاب عضو تیپ امام صادق (ع) نیروهای رزمی تبلیغی آمدند. گزارش کارشان را دادند و من برای آنها صحبت کردم[2].

عصر آقای عموئی یکی از صنعتگران صنایع نفت آمد و اظهار داشت که می تواند

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در این دیدار، ابتدا فرمانده تیپ امام جعفر صادق(ع) گزارشی از عملکرد این واحد را به اطلاع نماینده امام در شورای عالی دفاع رساند. سپس آقای هاشمی، ضمن خیر مقدم خطاب به حاضرین اظهار داشت: شما سربازان عزیز امام زمان(عج) هستید و یکی از ادله مقاومت و استقامت مردم کشور ما، حضور افرادی امثال شماها در میان توده رزمنده بسیجی داوطلب می باشد و شاید مهمترین عامل همین مسئله باشد. آن روزی که روحانیت برای خودش یک حساب جداگانه ای از مردم باز نکند و خودش را از مردم جدا ندانسته و در شرایط عمومی مردم بداند، می تواند برای اسلام خدمت کرده و مبلّغ واقعی اسلام باشد، موفقیت و تداوم انقلاب اسلامی و پیروزی های بدست آمده را در سایه آمیختگی روحانیون با مردم بوده و در این بین، قشر طلبه های جوان، بیشترین سهم را داشته اند. البته این اساتید و علما هستند که طلبه های جوان را تربیت و هدایت می کند، اما در میدان عمل و ارتباطات روحانیت با مردم، حضور طلبه های جوان در صحنه، بیشتر مؤثر است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به اینکه این انقلاب با رهبری روحانیت پیروز شد، این توهم در اذهان تحلیل گران اجتماعی وجود داشت که روحانیت به دلیل اینکه هدایت‌گر و سردمدار مبارزه بوده است، بعد از پیروزی رفته رفته یک حاکمیت به خود می‌گیرد و از مردم فاصله خواهد گرفت و در نتیجه آن، نفوذ عمیق و تنگاتنگ با مردم را از دست خواهد داد، اما در این جنگ و در شرایطی که بر ما گذشته، خلاف این مطلب ثابت شد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

وسائل حفاری در دریای خزر را بدون اتکا به خارج بسازد و خواست که حمایت کنیم. فائزه برایش وقت گرفته بود.

آقای [کمال] خرازی آمد و برای هماهنگی در تبلیغات [جنگ] استمداد کرد. آقای قاسمی [رئیس بانک مرکزی] آمد و درباره مسائل ارزی و پولی مطالبی داشت. او خواست که عضویت در هیأت موسس دانشگاهی را که بانک‌ها می‌خواهند تاسیس کنند، بپذیرم. آقای امراللهی اطلاع داد که امروز هم به نیروگاه بوشهر حمله شده است[1]. شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۹ آبان | ۲۷ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۲۰ نوامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. وقت به مطالعه و استراحت گذشت. چون بنای سفر داشتم، کارهای نیمه تمام را تمام کردم. خبر دادند که دیشب عملیات نصر ۸ در منطقه ماؤوت با موفقیت انجام شده و ادامه دارد و ارتفاعات گرده رش را گرفته‌ایم. قرار شد برای عدم تحریک دشمن اعلان آن را به فردا بیندازیم[2]. با عفت تلفنی صحبت کردم. حالش بهتر است. بناست روز

---

۱ - در ساعت ۱۰:۳۰ نیروگاه اتمی بوشهر به وسیله هواپیماهای عراقی بمباران شد و خسارات بسیاری به آن وارد گردید. از ساعت ۱۳ روز گذشته تا زمان این حمله، هواپیماهای عراقی بیش از ۵ بار در آسمان بوشهر و نیروگاه ظاهر شده بودند. در این حمله ـ برخلاف حمله پیشین ـ به منظور اجرای عملیات توأم با غافل گیری و دقت در بمباران هدف های مورد نظر، مسیر جدید جاده برازجان به سمت سواحل خلیج فارس انتخاب شده بود. عراق در روزهای ۱۳۶۶/۸/۲۶ و ۱۳۶۶/۸/۲۸ نیز به این نیروگاه حمله کرده بودند. در پی حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر، ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی شکایت کرد. مهندس رضا امراللهی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در مورد تلفات حملات عراق به این نیروگاه گفت:«۱۱ نفر ایرانی شامل یک مهندس و تعدادی تکنیسین و کارگر شهید شده و تعدادی مجروح شدند. همچنین یک مهندس آلمانی از شرکت "تی . یو.بی،" در این حملات کشته شده است.» وی نامه ای نیز به دبیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی نوشته که در آن از عدم اقدام این آژانس در بازداشتن عراق از حمله به نیروگاه اتمی بوشهر، انتقاد کرده است.

۲ - عملیات "نصر۸" در اولین ساعت امروز روی ارتفاع "گرده رش" واقع در منطقه عمومی ماؤوت عراق آغاز شد. ساعت ۱:۰۶ بامداد یعنی ۱۰ دقیقه قبل از اعلام رمز عملیات از قرارگاه نجف، گردان های لشکر۵۷ ابوالفضل(ع) با توجه به حضور زودتر از موعد، به دلیل حساسیت مأموریت خویش، در نقطه رهایی با دشمن درگیر شده و به موفقیت هایی دست یافتند. یک ساعت پس از شروع نبرد، یگان های عمل کننده همه هدف ها را به جز سمت راست گرده رش، تصرف کردند. ساعت ۲ بامداد از پست شنود به فرماندهی خبر داده شد که فرمانده دشمن در منطقه به نیروهای در خط خود گفته است:« یک گردان به منظور کمک به شما در راه است.» تفسیر جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه(سیدرحیم صفوی) از این خبر آن بود که دشمن نیروی احتیاط در خط ندارد. از این رو تمام تأکید وی بر این بود که لشکر ۵۷، باید فشار خود را بر محور سمت راست ارتفاع گرده رش وارد آورد. دشمن که غافلگیر شده بود، تصور دیگری از این حمله داشت.

۲۶ /۸/ ۱۳۶۶

باسمه

این قهرمانان، تاریخ اسلام و انقلاب و ایران را
با خون زینت دادند و خود بر قله عظمت و افتخار
و اوج مقام والای انسانیت جای گرفته‌اند.

چهره‌هایشان کاروان بشریت را روشن و نورباران می‌کنند.
عالیترین هدیه‌ای است که دلاوران جبهه در شهادت به تاریخ
و انسان تقدیم داشته و رستگاران سراسر تاریخ تا قیامت
سعادت خود را مرهون شهامت این بندگان صالح و ایثارگر
خدایند. رحمت خاص خدا گوارا و ارزانیشان باد.

۲۹ /۸/ ۶۶
اکبر

دستخط پیام به رزمندگان دلاور جبهه‌های جنگ

دوشنبه مرخص شود.

عصر دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر هند را داد و درباره برنامه های آینده مشورت کرد. آقای معیری گفت که فرانسوی ها سند پرداخت سیصد میلیون دلار را به امضای وزیر خارجه خودشان رسانده‌اند، ولی تحویل ما نمی دهند و می‌گویند بعد از آزادی گروگان‌ها می‌پردازیم.

شب بستگان آمدند. از بیرون غذا خبر کردیم. آخر شب وضع جبهه را از آقای محسن رضایی پرسیدم؛ خوب است. پاتک ها را دفع کرده‌اند.

شنبه ۳۰ آبان | ۲۸ ربیع الاول ۱۴۰۸ | ۲۱ نوامبر ۱۹۸۷

بعد از نماز به فرودگاه مهرآباد رفتیم. نمایندگان استان مازندران هم آمده بودند. همگی با یک هواپیمای سی – ۱۳۰ نظامی به سوی ساری حرکت کردیم، چون فرودگاه ساری مجهز نیست، هواپیمای شاهین نمی‌توانست بنشیند.

به استانداری رفتیم و پس از صرف چای به مرکز سپاه رفتیم. ائمه جمعه و جماعات استان مازندران جمع شده بودند. در مسجد مرکز سپاه پذیرائی به عمل آمد. آقای [نورالله] طبرسی رئیس ستاد پشتیبانی جنگ استان [مازندران] خیر مقدم گفت و من برای حضار مفصل سخنرانی کردم و اوضاع روز و برنامه‌های جنگ را توضیح دادم[۱].

ساعت یازده صبح با ماشین به سوی گرگان حرکت کردیم در سر راه از شهرهای نکا، بهشهر، گلوگاه و کردکوی گذشتیم. جا به جا مردم در مسیر اجتماع داشتند و ابراز

---

۱ - آقای هاشمی در جمع اعضای ستاد پشتیبانی جنگ، مسئولین نظامی و انتظامی، مدیران کل، فرمانداران، ائمه جمعه، مسئولین جهاد و مسئولین اجرایی استان شرکت کرد. در این جلسه ابتدا آقای مرتضی حاجی استاندار مازندران، طی یک گزارش آماری به نقش استان مازندارن در یاری رسانی به جبهه ها اشاره کرد. سپس آقای هاشمی ضمن تحلیلی از اوضاع کنونی جبهه های جنگ تحمیلی گفت: «اکنون فرصت دادن زیاد به دشمن به صلاح نیست و ما هرگاه این فرصت را با مجال ندادن به تجهیز دشمن از رژیم عراق بگیریم، به نفع ما است و تجربه یک سال گذشته، این امر را به ما دیکته می کند. در گذشته پشتیبانان رژیم عراق، مسئله را جدی احساس نمی کردند و حوادث جاری عراق را به حال خود می گذاشتند و فکر می کردند که امپریالیسم می تواند از ادامه جنگ سود ببرد، اما از سال گذشته با شدت گرفتن عملیات رزمندگان در جبهه ها، اوضاع عراق دچار بحران شده است و رزمندگان ما با ضربات کاری خود، به ویژه در شلمچه و عبور از اروندرود نشان دادند که می توانند به عراق ضربات مهلکی وارد آورند و ناظران سیاسی به این نتیجه رسیده‌اند که امکان شکست عراق و خطر برای این رژیم وجود دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

احساسات می کردند. همه مسیر سر سبز و آباد است. از میان مزارع و باغات مرکبات می‌گذشتیم. ساعت دوازده و نیم وارد گرگان شدیم. با اتومبیل از میان صفوف استقبال کنندگان گذشتیم. به مدرسه امام - که اخیراً آقای [محمد کاظم] نورمفیدی نماینده امام در گرگان ساخته است - رفتیم. طلبه‌ها استقبال با شکوهی کردند. در ایوان مدرسه که مفروش و مرتب بود، نشستیم. علما و طلاب و شخصیت ها جمع بودند. نماز ظهر و عصر به امامت من خوانده شد. ناهار صرف شد. در مدرس مدرسه استراحت کوتاهی کردم. اخبار را گوش دادم و تلفنی با آقای محسن رضایی تماس گرفتم و اوضاع عملیات نصر ۸ را پرسیدم. راضی است و گفت ضدحمله دشمن را به خوبی دفع کرده‌اند[1].

ساعت سه با هلی کوپتر به گنبد رفتیم. بیست دقیقه پرواز داشتیم. جمعی از همراهان هم با ماشین رفتند. در استادیوم شهر تعداد سی لشکر بسیجی از گرگان و گنبد و علی آباد مانور داشت. احساسات پرشوری ابراز نمودند. امام جمعه اهل سنت آقای طلائی و امام جمعه شیعه گنبد آقای عمادی خیر مقدم گفتند و مراسم تشریفاتی را اجرا کردند و من برای مردم صحبت کردم[2].

---

۱ - امروز در منطقه عملیاتی نصر۸، عراق سه بار به مواضع رزمندگان اسلام پاتک کرد، اما موفقیتی به دست نیاورد. در اولین ساعات بامداد، سنگین ترین پاتک عراق در سه روز گذشته به ارتفاع گرده رش، انجام شد. ساعت ۲ بامداد شلیک آتش شدید دشمن روی این ارتفاع آغاز شد، در پی آن، به نیروهای خودی آماده باش داده شد و توپخانه و ادوات نیز به اجرای آتش روی دشمن پرداختند. نقطه تمرکز آتش خودی، زیر یال گرده رش در محور خط لشکر ۵۲ قدس بود. این اقدام و نیز مقاومت رزمندگان در خط، در ساعت ۳ بامداد به شکست حمله نیروهای عراق و اسارت چندتن از آنها انجامید. در ساعت ۴:۳۰ نیروهای عراقی حمله دیگری را آغاز کردند و توانستند بین خط لشکر۷ ولی عصر و لشکر ۵۷ ابوالفضل روی قله ۲ و همچنین درون مواضع لشکر ۷ ولی عصر نفوذ کنند، اما با مقاومت رزمندگان خودی، این حمله نیز دفع شد و تعدادی از نیروهای دشمن کشته یا اسیر شدند. ده ها تن از کشته های دشمن بر اثر درگیری های تن به تن بود. ارتش عراق با توانی که به منطقه نبرد اضافه کرد، اصرار داشت که هر طور شده مواضع از دست رفته اش را باز ستاند، از این رو در ساعات ۱۶ و ۱۹ نیز حملات دیگری روی قله ۲ در محور یال بساوه انجام داد که این دو حمله نیز مؤثر واقع نشد. در پاتک های صبح، گردان هایی از تیپ‌های ۳۹، ۸۳ و ۷۷ و در پاتک بعد از ظهر، واحدهایی از تیپ ۷۴ و لشکر ۴۴ ارتش عراق عمل کردند.

۲ - مانور بزرگ ۳۰۰ هزار نفری سپاهیان حضرت محمد (ص) استان مازندران، با حضور آقای هاشمی، فرمانده جنگ در محل استادیوم شهید متقی ساری برگزار شد. نیروهای شرکت کننده در این مانور، به همراه افشار مختلف مردم مازندران، ضمن عبور از خیابان های ساری با شعارهای کوبنده "مرگ بر آمریکا" و "خلیج فارس ایران محل دفن ریگان" جهت اجرای پیام مهم شورای عالی پشتیبانی جنگ اعلام آمادگی کردند. آقای هاشمی در این اجتماع پرشکوه طی سخنانی اظهار داشت: «شما رزمندگان و مردم سلحشور استان مازندران با این شور و هیجان و اجتماع بی نظیر خود، نه تنها ثابت کردید که تهدید های ناوگان های آمریکا و انگلستان در روحیه شما تأثیر ندارد، بلکه شما را مصمم تر و استوارتر و با استقامت تر در میدان نگاه می دارد، زیرا شما با تمام وجود درک کردید و این صحنه نشان دهنده ادراکات شماست. کاش نیروهای مغرور استکبار جهانی، با چشمان خود این صحنه را می دیدند که چگونه ملت غیور، شجاع و حماسه ساز ما و سربازان امام زمان(عج) چه ادراکی از شرایط کنونی دارند و چگونه جواب تهدیدات و ارعاب را می دهند. اکنون مردم، مسئولین و



آقای هاشمی در کنار پاسداران

غروب با هلی کوپتر به گرگان برگشتیم. در مسیر رفت و برگشت، زیر پا اراضی آباد و زراعی مشهود بود. نماز مغرب و عشاء را در مدرسه امام خواندیم و جمعی از طلاب مونث آمدند. برای آنها درباره فضیلت طلبه مونث صحبت کردم[۱]. به محل مصلا رفتیم. اجتماع با شکوهی از مردم گرگان بودند. شام را در مدرسه امام صرف کردیم. قرار بود برای خواب به ساری برویم که نرفتیم و شب در مدرسه خوابیدم[۲].

روحانیون با هماهنگی یکدیگر اولویت اول را به جنگ داده اند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - روزنامه آساهی شیمبون ـ که مصاحبه روز چهارشنبه (۱۳۶۶/۸/۲۷) خود در تهران را امروز در ژاپن چاپ کرده است ـ گزارش داد: «آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که ایران در حال مذاکره با شوروی برای رسیدن به یک توافق دفاعی است که جانشین قرار داد ۱۹۲۱ میلادی خواهد شد.» آقای هاشمی رفسنجانی گفته این مذاکرات پیشرفتی نداشته است. رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده که برای یک دیدار رسمی، به شوروی دعوت شده است. آساهی شیمبون می نویسد که تحلیل گران معتقدند این سفر ممکن است در ارتباط با توافق دفاعی بوده و تأثیر قابل ملاحظه ای برای موقعیت خاورمیانه داشته باشد. قرارداد ۱۹۲۱ به شوروی اجازه می داد که در صورت حمله یک نیروی خارجی به ایران، شوروی نیروهایی را وارد ایران کند. ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی، به طور یک جانبه این قرارداد را لغو کرد.

آذر ۱۳۶۶





یکشنبه ۱ آذر | ۲۹ ربیع الاول ۱٤۰۸ | ۲۲ نوامبر ۱۹۸۷

قرار بود اول وقت با هلی کوپتر به ساری برویم، ولی چون هلی کوپترها سوخت نگرفته بودند، تا ساعت هشت و ربع معطل شدیم، تا سوخت زدند و در این فاصله، مصاحبه‌ای تلویزیونی برای برون مرزی انجام دادم. چند دقیقه پس از پرواز، هلی‌کوپترها به خاطر بارانی بودن هوا و نداشتن دید کافی برگشتند و اجباراً با ماشین حرکت کردیم. حدود ساعت ده صبح به ساری رسیدیم.

جلسه مشترک شورای پشتیبانی جنگ لغو شد و یکسره به باشگاه ورزشی رفتیم. جمعیت زیادی از مردم و نیروهای بسیجی آمده بودند و احساسات فوق‌العاده‌ای ابراز کردند. گریه کردم. عده ای غش کردند. ازدحام مانع سخنرانی منظم بود. سخنان کوتاهی ایراد کردم[1] و با هلی کوپتر به محل هتل چوکا برای استراحت رفتیم. بعد از نماز و ناهار استراحت کردم.

دو نفر از دوستان قدیم - به نام آقایان طبری و عمرانی - را که [در دوران مبارزه پیش از پیروزی انقلاب] در موقع توقفم در شاهی [= قائم شهر] برای منبر رفتن، در منزل آنها مهمان بودم، خواستم. آمدند و احوالپرسی کردم.

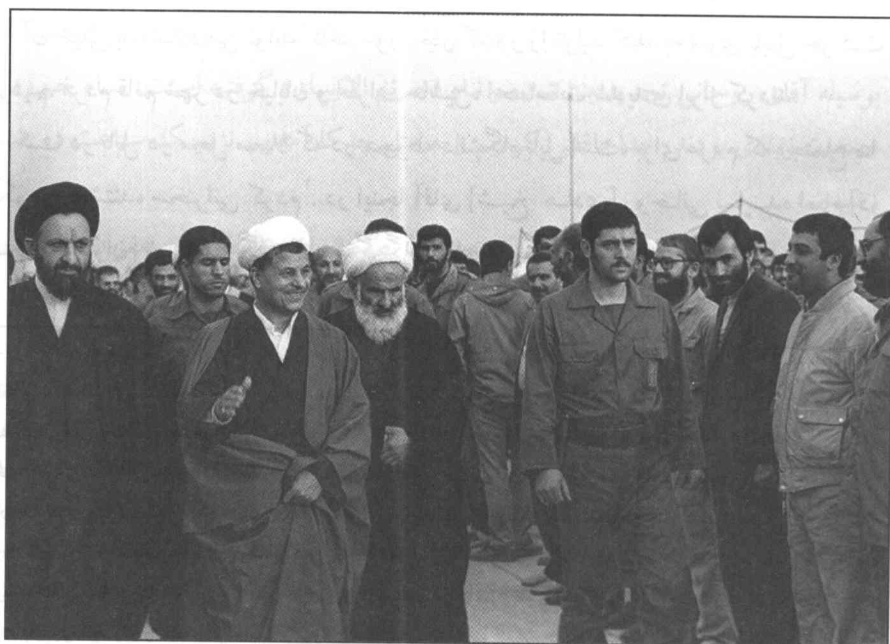
جلسه مشترک ستادهای پشتیبانی جنگ تشکیل شد. استاندار گزارش داد و من برای آنها صحبت کردم. سیاست جنگ و پشتیبانی را تشریح کردم. مسؤولان پدافند و رادار منطقه و نیروگاه نکا آمدند. وضع پدافند را توضیح دادند. اشکالات زیادی به نظر رسید.

با اتومبیل از کارخانه نیمه کاره چوکا بازدید کردم. طرح عظیمی است و معطل ماندن

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.





سخنرانی در جمع مردم مازندران



آقای مرتضوی در حال شعار دادن

آن خیلی بد است. می تواند کاغذ مورد نیاز کشور را تولید کند. به سوی بابـل حرکـت کردیم. مردم قائم شهر در خیابان و اطراف ماشین، احساسات شدیدی ابراز کردند.

شب در بابل در محل مصلا که در محوطه دانشگاه بابل است، برای مردم که اجتماع بـا شکوهی داشتند، سخنرانی کردم[1]. در اینجا آقای [شیخ هـادی] روحـانی نماینـده امـام [در استان مازندران] خیرمقدم گفت و در گرگان آقای نورمفیدی نماینده دیگر امام. در همه

---

۱ - در این اجتماع باشکوه، ابتدا آیت الله هادی روحانی نماینده حضرت امام(ره) در استان مازندران و امام جمعه بابل گفت: «مردم ایـن منطقه هر لحظه که لازم باشد برای حضور در جبهه های جنگ و انجام عملیات پی درپی آماده اند.» آن گاه آقـای هاشـمی در میـان ابـراز احساسات پرشور مردم، طی سخنانی ضمن تجلیل از استقبال گسترده اقشار مردم شهر برای حضور در جبهه‌ها اظهار داشت: «ما برای اسلام، حاضریم نیروی خود را از برادر تا پدر و حتی خود را فدا کنیم، تا زیر نفوذ فرهنگ غرب قرار نگیریم. دنیا در روی زمین نمی توانـد ملتـی چون ملت ایران پیدا کند. ملتی که به تنهایی پنجه در پنجه قدرت های بزرگ گذاشته و با تمام توطئه ها و تحریـک هـا مبـارزه مـی کنـد. قدرت های بزرگ با محاصره اقتصادی و لشکرکشی نظامی، قصد به زانو در آوردن این ملت را داشتند، ولی امروز چه دشمن بخواهد چه نخواهد، انقلاب اسلامی در دل مردم دنیا جای خود را باز کرده است.این موضوع دنیای استکبار را به وحشت انداخته و برای جلـوگیری از آن تمام نیروی خود را وارد منطقه کرده است و نیروهای استکباری باید بدانند که این ملت محکم و پا برجا در مقابل آنها خواهد ایستاد و دشمنان اسلام، نمی توانند این ملت را از پای در آورند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتـر نـشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



ورود به شهر مقدس مشهد

جلسات، آقای [محمود] مرتضائی فر، مراسم شعار داشت. در مدرسه «صدر اعظم» که بوسیله آقای روحانی تجدید بنا شده و نام «خاتم الانبیاء» گرفته است، شام خوردیم. جمعیت زیادی بودند. خداحافظی کردیم و به هتل چوکا آمدیم. نزدیک ساعت ده شب رسیدیم.

سرتیپ حسنی سعدی اطلاع داد که عملیات نصر ۹ را در منطقه حاج عمران با موفقیت انجام داده‌اند[1]. تلفنی از منزل احوالپرسی کردم و با یاسر حرف زدم.

---

۱ - همزمان با حمله عراق به گرده رش، عملیات نصر۹ در منطقه حاج عمران به وسیله لشکر ۶۴ ارومیه از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام شد. بر اساس اطلاعیه قرارگاه خاتم الانبیا، رزمندگان ارتش موفق شدند با تصرف ارتفاعات ۲۰۸ و ۲۰۶۰ و ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ حدود ۱۲ کیلومتر مربع را از نیروهای دشمن پاک سازی کنند. مطابق این خبر، ۹۹ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت در آمده اند. همچنین پس از شروع عملیات نصر ۹ به وسیله یگان های لشکر ۶۴ در منطقه عمومی حاج عمران، میلیشیای سازمان منافقین ـ که لباس نظامی پوشیده بودند و پرچم "لااله الاالله" با خود داشتند ـ در یکی از محورها پس از گذشتن از ارتفاع "گردمن" و سرازیر شدن در دره "هارانا" به نیروهای لشکر ۶۴ نزدیک شدند و به نبرد تن به تن با آنان پرداختند که بر اثر آتش شدید توپخانه خودی، منافقین عقب نشینی کردند و تعدادی از آنها نیز به هلاکت رسیدند. رادیو عراق به طور جانبدارانه ای در این باره گزارش داد:« ارتش آزاد یبخش ملی ایران به تیپ دوم لشکر ۶۴ در منطقه مرزی عراق ـ ایران در نزدیکی حاج عمران یورش بردند. سازمان مجاهدین خلق در این عملیات ۲۵۰ سرباز

دوشنبه ۲ آذر | ۱ ربیع الثانی ۱۴۰۸ | ۲۳ نوامبر ۱۹۸۷

اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. حمامی گرفتم. صبحانه‌ای صرف شد و به سوی فرودگاه حرکت کردیم. مصاحبه ای در فرودگاه انجام شد و همراه نمایندگان خراسان با هواپیمای سی - ۱۳۰ به مشهد پرواز کردیم. حدود ساعت نه صبح به مشهد رسیدیم. پس از مراسم استقبال، به آستان قدس رفتیم و به زیارت حرم مشرف شدم. سخنرانی کوتاهی کردم[1].

اختلاف نظر بر سر محل اجتماع مردم بود. نظری این بود که صحن امام باشد و دیگران بیرون صحن را می گفتند؛ بررسی کردیم، نظر آنها بهتر بود و در عمل هم معلوم شد که صحن، ظرفیت همه جمعیت را نداشت. اجتماع با شکوهی بود. سخنرانی طولانی کردم[2].

مردم خیلی زیاد بودند. می گفتند ششصد هزار نفر حضور دارند. آخر جمعیت پیدا نبود؛ از مقابل صحن امام در امتداد خیابان تهران.

نماز ظهر و عصر را به جماعت و امامت من خواندیم. ناهار صرف شد. جمعیت زیادی بودند. استراحتی کردیم و با فرماندهان نظامی تماس گرفتیم. پیشرفت هایی داشته‌ایم.

عصر طلاب مشهد آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[3]. شب علما و ائمه جمعه جماعات

﴾و افسر ایرانی از این تیپ را به اسارت درآورده و بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای همین تیپ را به هلاکت رساند. ارتش آزادی بخش ملی ایران در این عملیات، توانست تمام اسرا را سالم به پشت جبهه انتقال دهد، اما نیروهای عراقی در این نبرد هیچگونه دستی نداشتند!»

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آقای هاشمی در اجتماع بزرگ نیروهای بسیجی مشهد و مردم این شهر گفت: «امروز ایران در یک دست پیشنهاد طرح عادلانه پایان جنگ و در دست دیگر مانور مردم را دارد.» ایشان با طرح این موضع که تنها کشوری که حاضر است پنجه در پنجه دیو استکبار غرب بیندازد و برای حفاظت از اسلام تا آخرین قطره خون خود را به زمین بریزد، ملت انقلابی ایران است، گفت: « اگر آمریکا، انگلیس، هلند، بلژیک ، شوروی و ارتجاع عرب این توطئه ها را [حضور نظامی در خلیج فارس] برای خاموش کردن صدای ما انجام نداده بودند، ایران نیازی به حرکت جدید نمی دید و نیازی برای جهاد مالی وجود نداشت و امکانات وسیعی برای به خطر انداختن امکانات آمریکا و استکبار تدارک نمی دید. امروز یک تز روشن و مشخص برای جنگ تعیین شده است که اگر متجاوز را می شناسید و قبول دارید، دادگاه محاکمه آن را تشکیل دهید. پس اگر امروز ما در سطح وسیع نیرو جمع می کنیم و طبل جنگ می زنیم، افراد مغرض نمی توانند ادعا کنند که ایران جنگ طلب است، چرا که پیشنهاد درست را عرضه کرده و در دنیا هر فکر منطقی می پذیرد که ایران راه درستی را می رود و آمریکا که برای فکر تحمیلی شورای امنیت، به خلیج فارس لشکر می کشد، به عنوان یک دخالتگر شناخته شده است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۳ - در این روز سخنان آقای هاشمی درباره مذاکرات ایران و شوروی به منظور انعقاد یک پیمان جدید دفاع متقابل بین دو کشور، بازتاب‌هایی در رسانه های همگانی داشته است. "لوماتن دوپاری" روزنامه نزدیک به حزب سوسیالیست فرانسه، سخنان آقای هاشمی در مورد پیمان جدید دفاع متقابل بین ایران و شوروی را شگفت انگیز و فوق العاده توصیف کرد و افزود:« تهران با پیشنهاد "طمع برانگیز"﴿

خراسان آمدند. شام را با آنها خوردیم و برای آنها صحبت کردم.

جلسه شورای اداری را برای فردا در استانداری گذاشته بودند. آقای طبسی ناراضی بودند و آن را بی احترامی می دانست، لذا گفتم جلسه در همین محل اقامت من باشد. استاندار ناراضی شد؛ آمد و گله کرد. بعضی نمایندگان آمدند که جلسه در استانداری باشد و بعضی به مقتضای خط خودشان برعکس آن را می گفتند. با اعضای شورای جهاد [سازندگی استان خراسان] هم صحبت کردم. دیشب زودتر از معمول استراحت نمودم.

سه‌شنبه ۳ آذر | ۲ ربیع الثانی ۱۴۰۸ — ۲۴ نوامبر ۱۹۸۷

با صدای اذان بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. بعد از نماز به زیارت حرم شریف [امام رضا(ع)] رفتم. تلفنی با عفت صحبت کردم. ساعت هشت صبح به پادگان جواد الائمه (ع) رفتیم و در مراسم صبحگاهی مشترک نیروهای مسلح شرکت کردم. سپس به آستانه برگشتیم[1].

مسئولان ادارات دولتی استان خراسان آمدند و گزارش دادند. من هم مفصلاً صحبت

انعقاد یک قرارداد جدید دفاعی، در واقع دورنمای سحرآمیز تحقق رؤیای دیرینه روسیه برای دسترسی به آب های گرم را در ذهن رهبران کرملین مجسم می سازد.» مطبوعات ایتالیا نیز به طور وسیعی به اظهار نظر در این باره پرداختند. روزنامه دست راستی "یل جورناله" این سخنان را یک "بمب" توصیف کرد و افزود:« چنین پیمانی چه راست و چه دروغ، در آستانه ملاقات "ریگان و گورباچف" زنگ خطر را در مراکز دیپلماتیک بین المللی به صدا در آورده است.» روزنامه "استامپا" نیز در این مورد تأکید کرد که چنین اظهاراتی به وضوح یک پیغام برای واشنگتن است. مطبوعات کویت در واکنش به این خبر، نگرانی شدیدی از خود بروز دادند. روزنامه "الرأی العام" در سرمقاله امروز خود با انتقاد شدید از مواضع شوروی در قبال مسائل جهان عرب، نوشت:« بالاخره دیدارهای کش دار، پیگیر و متقابل مسئولین ایران و شوروی به یک معاهده نامه دفاع مشترک میان دو کشور انجامید.»

۱ - آقای هاشمی در صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی خراسان گفت: «ما هرگز طالب جنگ، نزاع و کینه نبودیم، ولی استکبار جهانی به خاطر سرکوبی پیام حق که همانا پیام قرآن و اسلام است، جنگ را بر ما تحمیل کرد. استکبار جهانی امروز در خلیج فارس گرفتار خودبینی شده و چاره ای جز جنگیدن با سپاه اسلام ندارد. ما به خاطر اهداف و آرمان های مقدس مان انقلاب کردیم و در ابتدای انقلاب که ارتش می رفت به یک ارتش اسلامی مبدل شود، در این جنگ گرفتار شد. ما در ابتدای جنگ که شهرهای جنوب کشورمان اشغال نظامی شده بود، آمادگی دفاع نداشتیم. اما به یاری حق تعالی، سپاهیان اسلام با دشمنان اسلام جنگیدند و توان رزمی را از دشمن گرفتند و او را در خاک کشورش گرفتار ساختند. موضع و موقعیت ما در این جنگ، گونه ای است که دشمن ناتوان شده و دست التماس به سوی استکبار جهانی و سران مرتجع عرب دراز کرده و از صلح طلبی دم می‌زند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

کردم[1]. قرار بود این جلسه در استانداری باشد. چون آقای طبسی راضی نبود و آن را باعث تضیعف خود می‌دانست، گفتم اینجا برگزار شود. در سخنرانی ام سیاست جنگی کشور را گفتم و همه را به اتحاد دعوت کردم.

سپس اعضای کمیسیون سیاسی استان آمدند. گزارش اوضاع سیاسی، امنیتی و مرزی را دادند. قرارگاه‌های انصار و ثامن الائمه (ع)، هم وضع مرزها و طرح های دفاعی شرق و شمال را گزارش دادند. بعد از ناهار، جامعه روحانیت مبارز خراسان آمدند. آنها به شدت از عزل و نصب های استاندار جدید و کنار گذاشته شدن مسئوولان همفکر خود انتقاد داشتند.

عصر فرزندان شهدا آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. آقای حسینی برای توسعه مدارس شاهد استمداد کرد. مسئول بنیاد شهید خراسان گزارشی داد؛ من هم برای آنها صبحت کردم.

بعد از نماز مغرب، همراه آقای واعظ طبسی و نمایندگان به منزل آقای شیرازی رفتیم. در سفر قبلی هم آقای شیرازی [امام جمعه مشهد] خواسته بود که به منزل ایشان بروم. فرصت نشد، این بار با هم رفتیم.

از آنجا به فرودگاه مشهد رفتیم و با نمایندگان خراسان و محافظان، با هواپیمای نیروی هوایی به تهران برگشتم. نزدیک ساعت هشت شب به فرودگاه مهرآباد رسیدیم. در راه -

---

۱ - آقای هاشمی در جلسه شورای اداری استان خراسان تأکید کرد: «باید در انتخابات، اصول اسلامی کاملاً رعایت شود و افراد مورد قبول و معتبر از نظر مردم، به مجلس راه یابند.» در این جلسه که مدیران کل و مسئولین نهادها فرمانداران و نمایندگان مردم خراسان در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند، همچنین با اشاره به نقش مردم و دولت در جنگ از مسئولین خواست تا با کنار گذاشتن برخی اختلاف نظرها در جهت پشتیبانی جبهه با مردم هم سو شوند. ایشان گفت: «مجلس از جدی ترین نهادهای کشور است و افراد نباید در جو جهادی کشور، باعث تفرقه و دلسردی مردم شوند.» ایشان ضمن عظیم خواندن عملیات اخیر رزمندگان اسلام گفت: ما افق آینده جنگ را بسیار خوب و خوشایند می بینیم و دو عملیات اخیر سپاهیان اسلام که مشکلات زیادی را برای بعثیون ایجاد کرد، نشانگر این حقیقت است که ما در جنگ موفق بوده و هستیم. امروز ملت ما با اراده و خروش خود توانسته قدرت های پوشالی دنیای استکباری را تحقیر کند، لذا ما باید با اتکا به خداوند، راه خودمان را ادامه دهیم و همان طور که در این چند سال، خداوند ما را تنها نگذاشته، تنها نخواهیم بود و امدادهای غیبی همیشه وجود دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «شما فرزندان شهدا آینده ساز این کشور اسلامی هستید و باید شما عالی ترین درجات تحصیلی را بگذرانید تا ان شاء الله به مسئولیت های مهم کشور ارتقاء پیدا کنید. شهدا همیشه در پیشگاه پروردگار زنده اند و روز به روز بر درجات آنان افزوده می شود. شهید خون تاریخ و عامل حرکت تاریخ است و نام و آثار و یادش برای مردم الهام بخش و برای اسلام تداوم بخش است. پدران شما با ایثار خونشان درخت اسلام و انقلاب اسلامی را بارور کردند و امروز وظیفه ماست که از اسلام و انقلاب اسلامی که ثمره خون شهدا است، پاسداری کنیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



خانه، مسئول محافظانم گزارش کار محافظت در این سفر و مشکلات کار را گفت*.

چهارشنبه ٤ آذر ۱۳٦٦ | ۳ ربیع الثانی ۱٤۰۸ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۷

برای استراحت و مطالعه گزارش‌های چند روز گذشته در منزل بودم و به مجلس نرفتم[۱]. تلفنی با آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی و نخست وزیر و [علی] شمخانی و [حسن] روحانی درباره مسائل کشور و جنگ مذاکره کردم[۲]. جلسه سران قوا که قرار بود در دفتر آقای موسوی اردبیلی باشد، لغو شد. آقای روحانی گفت ارتشی‌ها از ارتفاعات متصرفی خود در حاج عمران عقب‌نشینی کرده‌اند؛ ناراحت شدم.

احمدآقا آمد و به نامه‌ای که سپاه به امام نوشته و درخواست کرده که تغییرات عمده

---

* - در این روز اجلاس وزیران دفاع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، در پایان نشست خود بیانیه ای صادر کرد. رادیو ابوظبی در این باره گفت: «اعضای شورا در بیانیه ای تأکید نمودند که امنیت کشورهای عضو، یک کل غیر قابل تجزیه است و هرگونه تهدیدی علیه یکی از این کشورها، به منزله تهدید علیه تمامی آنان است.» این اجلاس، پیش نویس مربوط به هماهنگی نظامی میان کشورهای شورای همکاری را تهیه می کند که در ۲۶ دسامبر تسلیم اجلاس سران شش کشور عضو این شورا در ریاض نماید. سرهنگ قذافی رهبر لیبی، در سخنانی ضمن تأکید بر لزوم متوقف شدن جنگ عراق و ایران، ادامه آن را توطئه علیه اسلام، عربیت و فلسطین خواند و افزود: «باید فشارها علیه ایران ادامه یابد تا جنگ را متوقف کند و لیبی برای این منظور، تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت.»

۱- سفر یک هیئت بازرگانی از سوریه به بغداد، بازتاب نسبتاً گسترده ای در گزارش های خبر گزاری ها و اظهارات برخی سران کشورهای عربی داشته است. دیدار اعضای اتاق های بازرگانی کشورهای عربی از یک دیگر، امری است مرسوم و دور از احتیاط است که حضور هیئت بازرگانی سوری در بغداد را بیش از حد پراهمیت تلقی کنیم. این روابط بین دمشق و بغداد از پنج سال پیش قطع شده است.





کنگره جهانی بررسی قداست و امنیت حرم



سخنرانی در کنگره جهانی قداست و امنیت حرم

سپاه با تصویب امام یا فرد منصوب ایشان باشد، اشکالاتی داشت و از اعطای درجه به فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی با درخواست وزیر کشور گله داشت[1].

شب آقای [علیرضا] معیری اطلاع داد که قرار شده دو گروگان فرانسه در لبنان آزاد شود و مسأله فعلاً این است که نقش سوریه چه باشد.

تلفن های زیادی برای تغییر وقت سخنرانی من در کنفرانس «قداست و امنیت کعبه» انجام شد و بالاخره به فردا صبح افتاد. قرار بود فردا عصر باشد*. عصر عفت مهمان داشت.

---

۱ - آقای محتشمی پور وزیر کشور در نامه ای به حضرت امام(ره) با ذکر این دلیل که درجه فرمانده ژاندارمری و ریاست شهربانی در گذشته و همواره با درجه فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش یکسان بوده و آنها به درجه امیری مفتخر شده اند، از ایشان خواست، موافقت نمایند تا سرهنگ محمد سهرابی فرمانده ژاندارمری و سرهنگ سید رضا نیک نژاد رئیس شهربانی به درجه سرتیپی مفتخر شوند. امام خمینی نیز با این درخواست موافقت کردند. برای مطالعه متن کامل نامه وزیر کشور و پاسخ حضرت امام رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۱۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

* - در این روز، گروه نهضت آزادی با انتشار جزوه ای به نام "توسعه بحران در خلیج فارس" تصمیم گیرندگان کشور را در زمینه مسائل جنگ، متهم به بی کفایتی و عدم درک سیاسی کرده و چنین نتیجه گیری شده است: «متأسفانه بیانات و اعمال نسنجیده مسئولین جمهوری اسلامی سبب گردیده است که به تدریج سایر کشورهای عربی منطقه، نه به خاطر علاقه خاص به حفظ رژیم بعث عراق، بلکه به عنوان

پنجشنبه ۵ آذر | ٤ ربیع الثانی ۱٤۰۸ — ۲۶ نوامبر ۱۹۸۷

اول وقت به محل کنفرانس "بررسی قداست و امنیت حرم" در خصوص لزوم اینکه مکه باید مرکز بین المللی اسلامی باشد، سخنرانی کردم[1]. بعد از سخنرانی به سوی کرج حرکت کردم. قرار بود مهمانان هم بیایند. چون خبر رسید در کرج برف می‌بارد، مصلحت ندیدیم که آنها را ببریم.

برای اولین بار درتاریخ مجلس به خاطر عدم حضور رئیس و نواب رئیس، مجلس با یک ساعت تاخیر شروع شد. آقای [محمد] یزدی به مرخصی رفته است. آقای [مهدی] کروبی هم درکنفرانس بود، بنا نبود من صبح بیایم، برنامه عوض شده بود.

در کرج، مردم اجتماع عظیمی زیر بارش برف داشتند. برای آنها صحبت کوتاهی کردم[2] و مراسم را ختم نمودیم. ظهر به مجلس رسیدم. بعد از ناهار آقامحمدی آمد. راجع

←واکنش در برابر ایران، به سود عراق موضع گیری نمایند. رژیم عراق از سوء سیاست دولتمردان ایران در منطقه بهره برداری کرده و توانسته است که سایر کشورهای عرب منطقه را به نفع خود و علیه ایران وادار به جبهه گیری نماید.»

۱ - کنگره جهانی "بررسی قداست و امنیت حرم" که از چند روز پیش و با حضور بیش از ۲۰۰ تن از متفکران و علمای اسلامی در تهران برگزار شده بود، امروز به پایان رسید. در جلسه اختتامیه این کنگره آقای هاشمی گفت: « ما برای اینکه کعبه را به یک مرکز تصمیم گیری برای امور مسلمین تبدیل کنیم، از علمای اسلام می خواهیم که آماده باشند تا روی این امر و آزادی کعبه همکاری داشته باشند. هدف ما این است که اسلام تحقق پیدا کند و اگر می بینید در مقابل عراق با تمام قدرت پایداری می کنیم، به خاطر همین امر است. ما خیال می‌کنیم باید روی مکه به این عنوان کار کنیم که در این کنفرانس، یک ماده بگنجانید که مقدمه تشکیل یک سازمان بین المللی اسلامی باشد. مکه به احتمال قوی در تقویم اسلامی برای منظور فوق است، حال اگر بنا باشد چنین کاری انجام شود، چه وسایلی لازم دارد؟ آیا حکام آل سعود می توانند این کار را انجام دهند؟ آیا مکه باید یک شهر بین المللی شود؟ آیا مصلحت خود عربستان هست که متولی این کار باشد؟ این به دو صورت امکان دارد: اول آنکه یک دولت مستقل و مسلمان باشد و بخواهد احکام اسلام اجرا شود و از لحاظ مذهبی اگر تعصبی نسبت به خودش دارد، در اداره کعبه سعه صدر داشته باشد، آل‌سعود باید توجه کند یوغ آمریکا را از گردن خودش بردارد و استقلال واقعی داشته باشد. راه دوم این است که کعبه یک شهر آزاد و بین المللی باشد و راه های ورود به آن طبق مقررات آزاد باشد و پارلمان کوچکی از نمایندگان جهان اسلام داشته باشد و یک شهر آزاد، آباد، تمیز و فرهنگی کامل را به وجود آوریم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - جنب و جوش گروه‌های مختلف مردم و واکنش مثبت آنها به حضور در جبهه و حمایت از جنگ، امروز نیز در اقصی نقاط کشور به چشم می خورد. مانور نیروهای بسیجی شامل قشرهای مختلف مردم شهرستان کرج در میان بارش برف سنگین با حضور آقای هاشمی رفسنجانی، آقای شمخانی، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران ، نماینده وزیر کشور، استاندار تهران و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان کرج برگزار شد. ایشان گفت: « شرایط کنونی که دشمنان ما دنبالش هستند، ایجاب می کند که ما نیروی بیشتری از لحاظ مالی و انسانی به کار ببریم، زیرا قدرتمندان دنیا با آوردن ناوهای جنگی در جوار کشور ما به ما چنگ و دندان نشان می دهند و می‌بینیم که کنفرانس سران مرتجع عرب در "امان" مواجهه با ایران را در اولویت قرار داد و حتی خطر اسرائیل را به فراموشی سپرد.»

به قرارگاه رمضان و مسائل بانک ها مطالبی داشت. معتقد است آقای [ایرج] صفاتی دزفولی [رئیس دیوان محاسبات] در مورد بانک‌ها با سخت گیری برخورد می کند. برای اصلاح دندانم به دندان پزشکی مجلس رفتم.

عصر آقای صیاد برای امور جبهه و جنگ آمد. تا ساعت هشت شب در دفترم کارهای عقب مانده روزهای سفر را انجام دادم*. آقای [شیخ عباس] پورمحمدی آمد. از مخالفانش در رفسنجان گله داشت و از دادن ساختمان حزب به دانشگاه آزاد اسلامی ناراضی است و می گوید به منظور تضعیف او مطرح شده است. ساعت هشت و نیم به منزل آمدم. آقای مهدی نژاد، تلفنی تأکید کرد در خصوص کمک به آزادی گروگان‌های فرانسوی که بناست آزاد شوند، به نحوی با سوریه هماهنگی شود.

جمعه ٦ آذر | ٥ ربیع الثانی ١٤٠٨ | ٢٧ نوامبر ١٩٨٧

تا ساعت ده و نیم صبح، در منزل برای خطبه‌ها مطالعه نمودم. سپس برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم و خطبه ها را خواندم. گروهی کفن پوش از کن[1] آمده بودند و برای جنگ کمک آوردند. روحانی محبوبشان، حاج شیخ اکبر آقا تهرانی تحویل داد.

آقای [حسین] مهدیان آمد. اعتراف هیأت مدیره اموال مرحوم [ابوالفضل] تولیت، مبنی بر خیریه بودن تمام ماترک او را آورد که من هم تایید کنم؛ تایید کردم. بعد از مرگ

ما باید با تسلسل عملیات و پی گیری تهاجم در میدان های نبرد و پشتیبانی مداوم رزمندگان مان، فرصت را به آنها تنگ کنیم که آنها زمان لازم برای توطئه جدید و تراکم نیروی جدید را پیدا نکنند.»

* - بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ ، پایان دادن به جنگ عراق و ایران، مهمترین مسئله در سطح منطقه و یکی از برجسته ترین موضوعات در سطح بین المللی به شمار می‌رود؛ آمریکا می کوشد که به بهانه مقابله با شروط جمهوری اسلامی ایران در مورد بندهای قطعنامه ۵۹۸، قطعنامه دیگری مبنی بر تحریم تسلیحاتی ایران به تصویب شورای امنیت برساند. جورج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا، در ژنو اعلام داشت زمان آن فرا رسیده که شورای امنیت سازمان ملل متحد، توجه خود را به تصویب قطعنامه دیگری که خواهان برقراری تحریم‌های اجباری علیه ایران خواهد بود، معطوف دارد. همچنین "جوج شولتز" گفته است که به نظر نمی رسد اتحاد شوروی آماده باشد برای تصویب قطعنامه تحریم اجباری اسلحه علیه ایران، به ایالات متحده بپیوندد. شولتز افزوده است: « با همه اینها ایالات متحده برای تصویب چنین قطعنامه ای در هر حال پافشاری خواهد کرد.» سفیر مسکو در امارات متحده عربی گفت:« شوروی علائم مثبتی از عراق و ایران درباره اجرای قطعنامه آتش بس شورای امنیت دریافت کرده است، اما افشای جزئیات آن در حال حاضر امکان پذیر نیست.»

۱ - کن، روستایی است در شمال غربی تهران که اکنون جزئی از منطقه ۵ شهر تهران شده است. اهالی کن حضور چشمگیری در دفاع مقدس داشتند. این روستا مدفن چند امامزاده نیز می‌باشد.


مرحوم ابوالفضل تولیت

مرحوم تولیت، این اموال تحت نفوذ نهضت آزادی مصرف می‌شود و موسی خان امیر حسینی به عنوان وارث رده سوم شکایت کرده و چون سند معتبری برای خیریه بودن در دست ندارند، در دادگاه به مشکل برخورده‌اند و بانک‌های انگلیس هم به همین دلیل از دادن چند میلیون لیره که مرحوم تولیت آنجا داشته است، خودداری می کنند.

آقای معیری اطلاع داد که دو گروگان فرانسوی در لبنان آزاد شده‌اند و آقای نواب برای اجرای مسائل بعدی به ژنو می‌رود.

شب رادیو بی بی سی انگلیس هم خبر آزاد شدن دو فرانسوی گروگان را پخش کرد[1]. به خاطر میانجیگری مؤثر ما، احتمالاً پس از این، وضع سفارتخانه ما در فرانسه عادی می‌شود و آنها بخشی از طلب ما را می‌پردازند[2].

---

۱ - دو گروگان فرانسوی ژان لویی، نورپرداز تلویزیون شبکه ۲ فرانسه و روژه اوک خبرنگار رادیو و تلویزیون لوگزامبورگ در لبنان آزاد شدند. رادیو "فرانس انتر" درباره عامل مؤثر بر آزادی گروگان ها گفته است:« اکثر ناظرین معتقدند که سازمان عدالت انقلابی و جهاد اسلامی از دو "مادر" هستند که مرکزشان در تهران است. سوریه می تواند نقش مهمی را در آزادی گروگان ها بازی کند ولی باید توجه داشت که چراغ سبز فقط در تهران داده شده است.» رادیو مونت کارلو نیز در گزارشی درباره استقبال شیراک از گروگان های فرانسوی، گفته است: « ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه گفت امیدوار است سایر گروگان ها که هنوز بازداشت هستند، آزاد شوند. این امر شاید برقراری روابط عادی میان پاریس و تهران را اجازه دهد.»

۲ - آزادسازی گروگان های فرانسوی در لبنان بازتاب گسترده ای در رسانه های همگانی و مطبوعات پاریس داشته است. روزنامه "لوماتن دوپاری" ـ که به حزب سوسیالیست نزدیک است ـ در تفسیری نوشته است:« منابع آگاه معتقدند آزاد سازی دو گروگان فرانسوی نمودار گرایش تازه‌ای از رهبران تهران است، زیرا جمهوری اسلامی که در کنفرانس سران عرب در امان به شدت و منجمله از سوی متحد اصلی خود دمشق محکوم گردید و سخت در انزوا قرار گرفت، از این به بعد سعی دارد به کشورهای غربی روی آورد.» به نوشته این روزنامه، ایران در حال حاضر می کوشد خود را از گرفتاری مسائل فرعی و حاشیه ای مانند گروگان ها، یا جنگ سفارت خانه برهاند و همه نیروهای خود را روی جبهه جنگ با عراق متمرکز سازد. روزنامه فرانسوی دست چپی "لیبراسیون" نیز در تفسیری آورده است:« رهایی دو گروگان فرانسوی حاصل مذاکره ای اسرار آمیز، پیچیده و دشوار است که از چند هفته پیش آغاز شده بود.» این روزنامه سپس با طرح این پرسش که "آزادی دو گرگان به چه قیمتی انجام یافته است؟" افزوده: «مذاکرات معامله گونه فرانسه و ایران به منظور حل وضعیت ناشی از جنگ سفارت خانه ها با وعده فروش اسلحه به ایران و معاملات اسرار آمیزتری در مورد عوامل دیگر مناقشات خاورمیانه ای، فرضیاتی هستند که هیچ کدام از آنها را نمی توان از نظر دور داشت و به این زودی ها پرده از روی این اسرار برداشته نخواهد شد.» روزنامه لوفیگارو ـ که به حزب حاکم نزدیک است ـ با تأکید بر اینکه به گروگان دیگر فرانسوی در اختیار جهاد اسلامی ـ یعنی سختگیرترین گروه طرفدار



موشک نازعات، طول: ٦ متر، برد: ۸۷/۵ کیلومتر، سوخت جامد تاریخ آزمایش: ۵ آذر ۱۳٦٦

شب محسن آمد. گزارش داد که موشک نازعات ساصد [= سازمان صنایع دفاع] آزمایش شده و ۸۷ کیلومتر برد داشته است. اکنون سپاه و جهاد و ساصد، سه موشک را با تحقیق جداگانه شبیه به هم آزمایش کرده‌اند.

شنبه ۷ آذر | ٦ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۲۸ نوامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. برف می بارید. چند نفر از علمای لبنان آمدند. آقایان سیدفضل الله و شیخ سعید شعبان و سید عباس موسوی از لبنان، همراه دکتر [محمد علی] هادی و [احمد] دستمالچیان [سفیر ایران در لبنان] آمدند. مشکلات مؤمنین سوریه، کمبود سلاح، مشکل اقتصادی و مشکل عدم هماهنگی نیروهای اسلامی را مطرح کردند و نظر خواهی و

ایران ـ قرار دارند، خاطر نشان می سازد: این مطلب برای تهران که رهبران آن هنوز از فرانسه ـ دومین صادر کننده سلاح به عراق ـ انتظارات فراوانی دارند، برگ برنده مهمی است.

استمداد نمودند که درباره همه اینها مذاکره شد.

ظهر همشیره فاطمه و صدیقه اینجا بودند. عصر استاندار کرمان همراه با آقایان [مجید] انصاری و [اسحاق] جهانگیری آمدند و اصرار کردند که برای مراسم مانور به کرمان بروم؛ پذیرفتم.

آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. گزارش سفر به ژاپن را داد و برای سفر به سازمان ملل و مذاکره با دبیر کل آن سازمان مشورت کرد. گفت آقای دکتر ولایتی از اینکه در این جو جنگی، وزارت خارجه به مذاکرات صلح مشغول باشد، نگران است. از امام پرسیده‌ایم، گفته اند بروید؛ کار سیاسی هماهنگ با کار نظامی باشد[۱].

یکشنبه ۸ آذر | ۷ ربیع الثانی ۱۴۰۸ — ۲۹ نوامبر ۱۹۸۷

صبح زود به مجلس رفتم. تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی بودم. در تنفس برای خانواده های شهدای قوچان صحبت کردم[۲]. ظهر آقای [سید علی‌اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. او بیشتر درباره مشکلاتشان با سپاه گفت. از مسائل جاری که سپاه محور آن است، نگرانند.

عصر اعضای دفتر تبلیغات اسلامی قم آمدند. آنها برای اعزام طلاب به جبهه کمک

---

۱ - نحوه برخورد ایران برای مذاکره درباره قطعنامه ۵۹۸ با واکنش نسبتاً تند و منفی مقام های سازمان ملل و رسانه های مواجه شده است. روزنامه نیویورک تایمز از قول دبیرکل سازمان ملل نوشته است:« در صورت عدم حضور یک نماینده دولت ایران در نیویورک تا هفته آینده برای مذاکره پیرامون برقراری آتش بس میان ایران و عراق در جنگ خلیج فارس، خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل اقدامات خود در این مسیر را کاملاً متوقف خواهد کرد.» به گزارش "ایرنا" این روزنامه به نقل از مقام ها و دیپلمات های سازمان ملل افزوده است. « دکتر سعید رجایی خراسانی نماینده ایران در این سازمان، سه شنبه به دبیرکل قول داد که معاون وزیر خارجه، محمد جواد لاریجانی قطعاً تا اوایل هفته آتی برای مذاکرات جدید، پیرامون طرح صلح شورای امنیت وارد نیویورک خواهد شد.» براساس این گزارش، سه عضو دائم شورای امنیت، آمریکا، انگلیس و فرانسه، همواره طی دو ماه اخیر به دبیرکل اعلام کرده اند که آنها متقاعد گشته اند ایران تمایلی به ختم جنگ هشت ساله خود با عراق نداشته و صرفاً وقت گذرانی می کند. "نیویورک تایمز" سپس افزوده است: « سه کشور مذکور تأکید دارند که شورای امنیت باید طبق فصل هفت منشور سازمان ملل، قدرت خود جهت تحمیل یک تحریم تسلیحاتی اجباری علیه ایران را بلافاصله به کار گیرد و بدین وسیله از اعتبار خود دفاع کرده و در عین حال دست دبیرکل در معامله با مقامات تهران را تحکیم و تقویت نماید.» این روزنامه خاطر نشان کرده است که چین و شوروی، دو عضو دائم دیگر در شورای امنیت نیز همواره مخالف چنین تحریمی علیه ایران بوده اند و بحث می کنند که باید به سران ایران فرصت بیشتری داد.»

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

مالی می‌خواستند و از اینکه آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] محور اعزام روحانیون شده‌اند گله داشتند. آقای ری‌شهری آمد و درباره مسأله دکتر [محمدعلی] هادی مطالبی گفت.

بعد از نماز مغرب، دکتر روحانی آمد و درباره سفر به جنوب و خرید ضدهوایی و اقدام برای جلوگیری از حرکات ایذائی منافقین در جبهه‌ها علیه ارتش مذاکره کردیم. آقای محسن رضایی آمد و برنامه‌های عملیاتی را گفت. قرار شد فردا صبح آن را تکمیل کنند.

سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی جلسه داشت. آقای خامنه‌ای به مسافرت رفته‌اند. دکتر ولایتی گزارش سفر به ژاپن و امارات متحده عربی را داد و درباره مذاکرات آقای [محمد جواد] لاریجانی با دبیر کل سازمان ملل مشورت کرد. مواضع ما مشخص شد و احمدآقا گفت امام فرموده اند کار سیاسی در سازمان ملل را ادامه دهیم و کار نظامی هم قوی باشد.

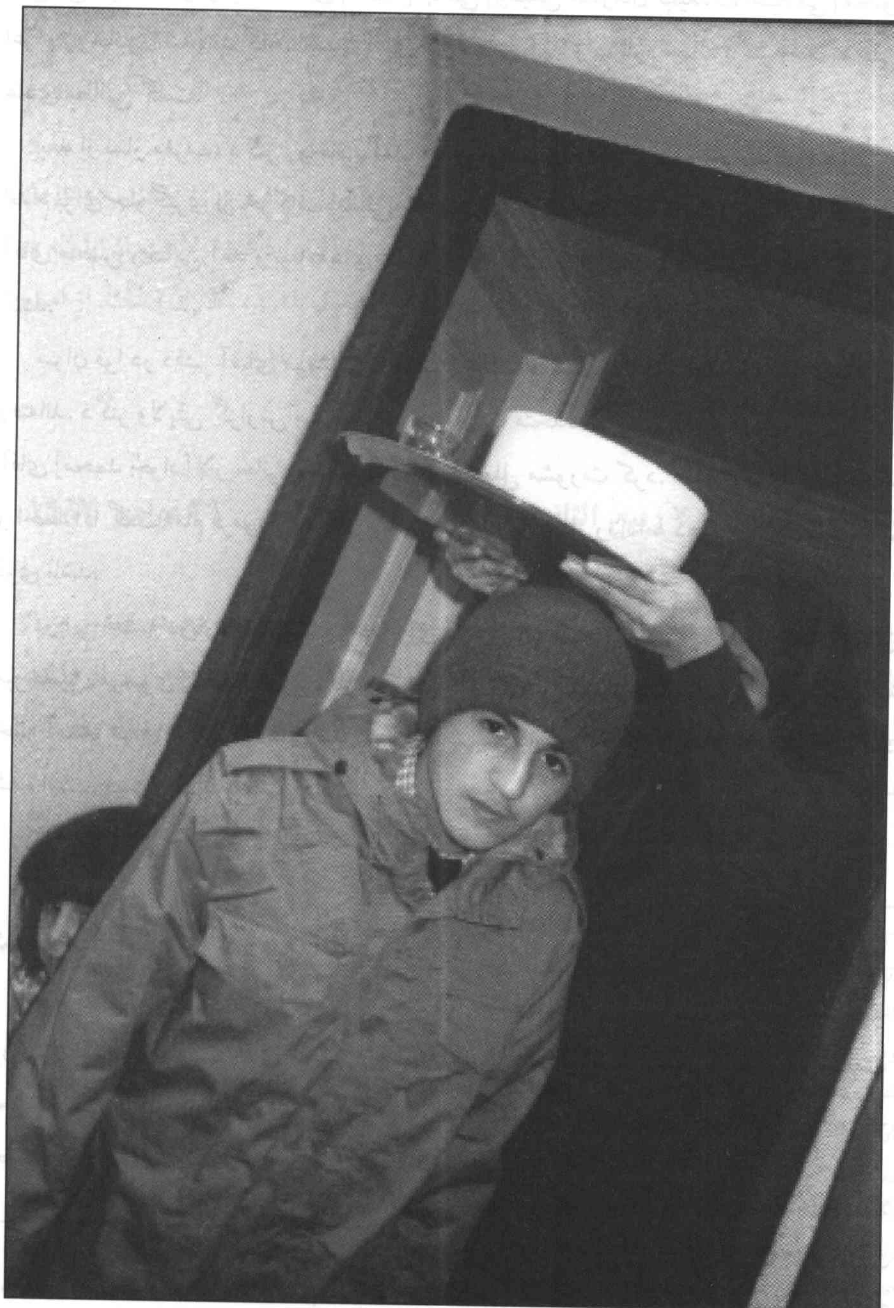
در این جلسه درباره مدیریت و احد برای کردستان صحبت کردیم. قرار شد [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، طرحی بیاورد و خودش مسئولیت بپذیرد. دیر وقت به خانه آمدم. عراق به نیروگاه‌های سد دز و سد شهید عباسپور حمله کرده و خاموشی‌ها زیاد شده است. دستور مقابله به مثل دادیم[1].

دوشنبه ۹ آذر | ۸ ربیع الثانی ۱٤۰۸   ۳۰ نوامبر ۱۹۸۷

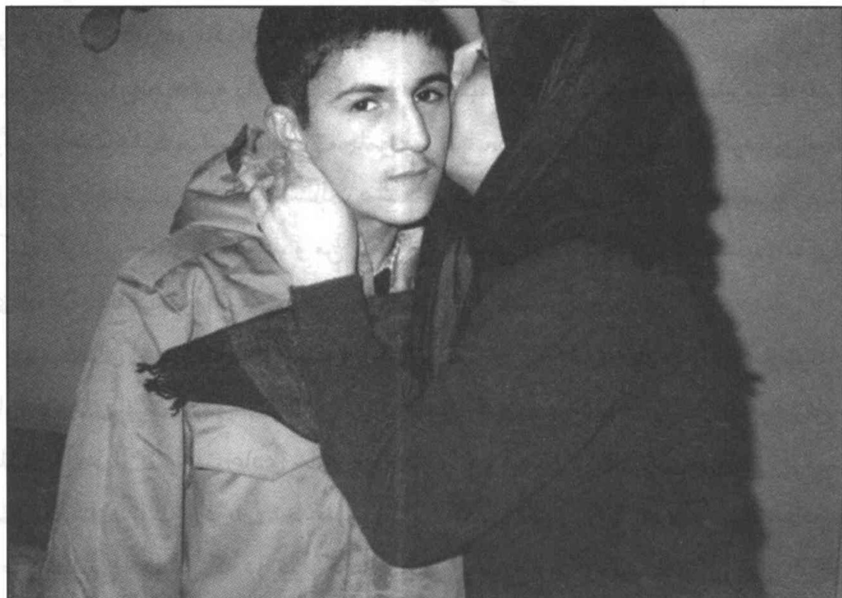
در منزل بودم. اول وقت آقای محسن رضایی آمد. برنامه عملیات آینده را گفت؛ رضایت بخش نیست. انتظار از آنها بیش از اینهاست. البته آنها هم محدودیت دارند، ولی شرایط جدید که در مورد کشور به وجود آمده، تحرک بیشتری را می‌طلبد.

---

۱ - امروز هواپیماهای عراقی در آسمان شهرهای کشور مانور دادند و دو مرکز صنعتی و تولید انرژی را بمباران کردند. در تهران وضعیت قرمز اعلام شد. همچنین ، هواپیماهای دشمن حریم هوایی شهرهای زنجان، خرم آباد، سنندج و قزوین را مورد تجاوز قرار دادند . حریم هوایی استان اصفهان نیز شاهد شکستن دیوار صوتی بر فراز آسمان منطقه خوانسار و فریدن بود. هواپیماهای عراقی، آسمان برخی از شهرهای استان گیلان را مورد تجاوز هوایی قرار دادند و دیوار صوتی را شکستند. مراکز اقتصادی نیز از تعرض هواپیماهای عراقی مصون نماندند. بر اثر حمله صبح امروز به پست انتقال برق ۳۰ کیلو ولتی آران ـ نهاوند ، ۴ تن از کارکنان آن شهید و ۴ تن دیگر مجروح شدند.



یاسر هاشمی، رزمنده ۱۶ ساله عازم به جبهه‌های نبرد



بدرقه یاسر هاشمی برای اعزام به جبهه

یاسر برای رفتن به مراکز آموزش نظامی، برای رفتن به جبهه دارد آماده می‌شود. مادرش و من مانع او نشدیم. به نظر می‌رسد قوت قلب مادرش خوب است و آمادگی تحمل را دارد.

تا شب بیشتر به مطالعه و انجام کارهای مجلس و قرائت گزارش ها گذشت. برای سخنرانی فردا در مراسم سمینار شهید مدرس هم مطالعه کردم.

اخبار و تفسیرهای زیادی درباره روابط ایران و فرانسه، به مناسبت تبادل [وحید] گرجی [مترجم سفارت ایران در پاریس] و [ژان پل] توری [دبیر اول سفارت فرانسه در تهران] و آزادی گروگان‌ها در جریان است[1]. آقای [علیرضا] معیری اطلاع داد که اسناد پرداخت سیصدمیلیون دلار از طرف فرانسه با ما مبادله شده و آنها این مبلغ را فردا می‌پردازند.

سه‌شنبه ۱۰ آذر | ۹ ربیع الثانی ۱۴۰۸ — ۱ دسامبر ۱۹۸۷

یاسر عازم پادگان آموزشی برای رفتن به جبهه بود. دعای سفر برایش خواندم. عفت آئینه

---

۱ - شرح کامل موضوع تنش در روابط ایران و فرانسه در بخش ضمایم همین کتاب با عنوان "جنگ سفارتخانه ها" درج شده است.

قرآن و صدقه درست کرده بود و او را خیلی خوب بدرقه کرد. خوشم آمد. واقعاً که تحول ورای انتظار در مادران به وجود آمده است.

به مجلس آمدم. جلسه را شروع کردم و صحبت کوتاهی درباره شهید مدرس و مانورها نمودم. ساعت هشت و نیم به محل مجلس بهارستان رفتم. قبل از شروع کنگره بین‌المللی مدرس – به مناسبت پنجاهمین سالگرد شهادت ایشان - نمایشگاه را دیدیم. در جلسه شرکت کردیم. جلسه افتتاح شد و من سخنرانی مفصلی ایراد کردم[1]. ساعت یازده و نیم برای اصلاح دندان به بهداری مجلس رفتم.

ظهر آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد و هدایای سفارتخانه‌های ایران برای جنگ را آورد. ظهر آقای [مهدی] آخوند زاده سفیرمان در انگلستان آمد. از تأثیرات عادی سازی روابط ایران و فرانسه بر شرکای اروپائی فرانسه و خشم انگلستان گفت و درباره تجدید روابط با انگلیس مشورت کرد. نظر مثبت دادم، به شرط پیشقدمی انگلیس که در تیره کردن روابط پیشقدم بود. او کمک های مالی ایرانیان مقیم انگلیس به مبلغ ۲۶ هزار دلار را برای مصرف در جنگ آورد.

عصر اعضای شورای سپاه لبنان آمدند و گزارش کار و نیازها و مشکلات را آوردند. آنها از عدم همکاری مسؤولان غیر نظامی ما در لبنان شاکی بودند.

در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. تصمیمی برای حل مشکل دانشجویان مشروط گرفتیم و درباره تعلیقی ها هم بحث و قرار شد مشکلشان رفته رفته حل شود. شب به خانه رفتم. یاسر تلفن کرد که اردوگاه آموزشی، او را به خاطر سن و قدش نپذیرفته و به پادگان برگردانده است. التماس کرد که بگویم او را بپذیرند.

---

۱ - کنگره جهانی بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهاد آیت الله سید حسن مدرس با حضور جمعی از شخصیت های بلند پایه داخلی و خارجی و در ساختمان شماره ۲ مجلس به ریاست آیت‌الله موسوی اردبیلی تشکیل شد. در مراسم گشایش این کنگره، آقای هاشمی در سخنانی با تشریح اوضاع حکومت پهلوی، به سوابق مبارزاتی و زندگانی آیت الله مدرس اشاره کرد و فرازهایی از تحولات فعالیت های سیاسی ایشان را تحلیل کرد. در بخشی از سخنرانی آمده است:« مسائلی که در زمان مدرس بود، تقریباً همان مسائلی است که ما الان با آنها مواجهیم . یک مساله‌ای که در ذهن مردم آن زمان جای گرفته بود، این بود که انگلیس ها سیاستمدار هستند و نمی شود با آنها مبارزه کرد. هر اتفاقی که می افتاد، می گفتند این سیاست انگلیسی هاست و این طور ذهن مردم را پرکرده بودند. [سیدحسن] تقی زاده وقتی از فرنگ برگشته بود، دید که مدرس پنجه در پنجه انگلیس انداخته است. او به مدرس گفت انگلیسی ها هم باهوشند و هم امکانات دارند، شما نمی‌توانید با آنها مبارزه کنید. اما می بینیم که تعبیر مدرس این است که تو اشتباه می‌کنی ، آنها نه باهوشند و نه هیچ چیز دیگر. فقط شماها ضعیف هستید و انقلاب ما به خوبی این مساله را نشان داد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

چهارشنبه ۱۱ آذر | ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۲ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم به مجلس رسیدم. گزارش‌ها را خواندم. شروع عادی سازی روابط ایران و فرانسه، همه اخبار را تحت الشعاع قرار داده است. اعضای شورای جهاد سازندگی آمدند. آنها خواستار برکناری [آقای زنگنه] وزیر جهاد به خاطر اختلاف او با [آقای عبداله نوری] نماینده امام شدند.

آقای عارف حسین، روحانی متنفذ پاکستان به همراه جمعی از علمای آنجا آمدند. مشکلات شیعیان پاکستان را گزارش دادند و درباره شرکت در انتخابات یا تحریم آن مشورت کردند؛ نظر دادم بهتر است شرکت کنند و در سیاست دخالت نمایند. بعضی‌ها عقیده دارند به صورت انقلابی در قهر با حکومت بمانند. در مورد مخالفت یا موافقت با حکومت اسلامی در پاکستان پرسیدند که احتمالاً فقه اهل سنت، رسمی خواهد بود. نظر دادم که موافقت کنند.

مسئوولان تبلیغات کشور آمدند. برای مشخص شدن مسئولیت تبلیغات جنگ، با آنها مذاکره کردم. قرار شد شورایی برای این منظور در ستاد تبلیغات جنگ باشد و با من مشورت کنند.

ظهر آقای رحیم صفوی آمد و گزارش عملیات نصر ۸ و برنامه های آینده را گفت. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سرهنگ ترابی آمد و برای هدایت جاسوس دو جانبه سئوالاتی داشت.

شب آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی در دفتر من بودند. موضوعات مهمی در دستور جلسه نداشتیم. جلسه با مذاکرات متفرقه گذشت. [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی اطلاع داد که هنوز پول فرانسه به ما نرسیده و نگران بود که فرانسوی‌ها از قرار تخلف کنند؛ آقای معیری مطمئن است که تخلف نمی کنند. قرار شد به خاطر دادن پایگاه دریایی در آب های کویت به آمریکا، به آنها اخطار بدهیم.

یاسر که او را به خاطر کوتاهی قد و چهره طفل گونه‌اش، در پادگان آموزش نظامی نپذیرفته بودند و دوباره شخصاً به آنجا رفته بود و من و مادرش نمی‌دانستیم کجا رفته، باعث تشویش خاطر مادرش شده بود، بالاخره ظهر به خانه برگشت. سخت متأثر است و گریه و التماس دارد که بگویم او را بپذیرند. جوان ها روحیه عجیبی پیدا کرده‌اند. آخر

شب به خانه رفتم. یاسر بیدار مانده بود که از من برای پذیرفته شدن برای جبهه کمک بگیرد؛ قول کمک دادم و خوابیدم.

پنجشنبه ۱۲ آذر | ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۰۸ — ۳ دسامبر ۱۹۸۷

اول وقت همراه با یاسر به مجلس رفتیم. به آقای اقبالی گفتم یاسر را با فرزند آقای موسوی خوئینی ها به اردوگاه ببرد و بگوید که او را بپذیرند. در جلسه علنی تا ساعت نه ونیم ماندم. سپس به فرودگاه رفتیم. جمعی از نمایندگان استان کرمان هم آمدند. با آنها به سوی کرمان پرواز کردیم. نزدیک ظهر در فرودگاه کرمان، مورد استقبال شایان علما، مسئوولان و مردم قرار گرفتیم. ناهار در مهمانسرای استانداری صرف شد. عصر به محل اجتماع مردم در خیابان فرودگاه رفتیم. اجتماع عظیمی بود. برای مردم صحبت کردم[1] و به مهمانسرا برگشتم.

جمعی از علما به دیدار آمدند. برای ملاقات با روحانیون و مسئولین به محل استانداری رفتیم و خیر مقدم توسط آقای [سید یحیی] جعفری امام جمعه گفته شد. من سخنرانی طولانی کردم[2]. شام را همان جا صرف کردیم و برای خواب به مهمانسرا آمدیم. رؤسای دانشگاه های کرمان، گزارش وضعشان را دادند و استمداد کردند. از وضع تحصیل راضی نیستند. درباره اوضاع اقتصادی اجتماعی استان مذاکره کردیم.

با آقای قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ثارالله درباره عملیات آینده مذاکره کردم. تلفنی با

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «کویت اعلام کرده که پایگاه نظامی شناور در اختیار آمریکا قرار خواهد داد. ما اعلام می کنیم اگر کویت، سکوی شناور نظامی در اختیار آمریکا بگذارد، باید به ما هم بدهد و اگر روزی در اینجا درگیری بشود و ما آن سکوی شناور را از آمریکا بگیریم، کویت دیگر هیچ حقی نسبت به آن پایگاه ندارد. آن روزی که "فاو" را گرفتیم، کویت تصمیم گرفت جزیره بوبیان را در اختیار عراق بگذارد تا عراق از طریق این جزیره، فاو را پس بگیرد. ما همان روز به کویت اعلام کردیم اگر جزیره بوبیان را گرفتیم، شما دیگر هیچ گونه ادعایی نخواهید داشت. و دیدیم که کویت از اجرای این تصمیم منصرف شد. ما هرگز اجازه نخواهیم داد آمریکا به آب های ساحلی ما نزدیک شود و همچنین در نزدیک منطقه و میدان‌های حساس و استراتژیک جنگ پایگاه داشته باشد. ملت ما این گستاخی را تحمل نخواهد کرد و اعلام می کنیم این مسئله برای کویت نیز امنیت نمی آورد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عفت صحبت کردم. اخبار را گرفتیم، خبر مهمی نبود[1].

جمعه ۱۳ آذر | ۱۲ ربیع الثانی ۱٤۰۸ ٤ دسامبر ۱۹۸۷

اول وقت به فرودگاه کرمان رفتیم و با مراسم رسمی بدرقه شدیم. سپس با هواپیمای اختصاصی نیروی هوایی به سوی چابهار پرواز کردیم. درجه حرات در چابهار ۸ درجه بالای صفر بود. معمولاً در این فصل ۱۶ درجه بوده. از پایگاه با هلی کوپتر به اسکله سپاه در خلیج چابهار رفتیم. این اسکله را با کمک یوگسلاوی ساخته‌اند؛ بد نیست. آنها چند قایق کوچک و یک گروهان نیرو دارند.

از آنجا با هلی کوپتر به پسابندر در آخرین منطقه جنوب شرق کشور رفتیم. با ماموران سپاه و ژاندارمری و مردم روستا مذاکره کردیم. روستا برق و آب درستی ندارد و مردم با ماهیگیری امرارمعاش می کنند و همگی سنی‌اند. گفتند که مدرسه دینی آنها یکصد طلبه و مدرسه دولتی فقط هشت دانش آموز دارد.

از آنجا به بندر متروک گواتر رفتیم که فقط یک پایگاه ژاندارمری و یک ساختمان شیلات در آنجا است. در مقابل بندر مهم گواتر پاکستان جای حساسی است که باید احیاء شود. به پایگاه هوایی چابهار برگشتیم. چهار هلی کوپتر داشتیم که بهترین آنها از وزارت نفت است و دو موتور و ابزار نشستن روی آب دارد.

---

۱ - امروز سکوی نفتی "الاحمدی" کویت هدف دو فروند موشک قرار گرفت. به نظر می رسد واگذاری پایگاه شناور از دولت کویت به آمریکا، فعالیت نیروی هوایی عراق در منطقه خلیج فارس و زدن تعدادی نفتکش متعلق و مربوط به جمهوری اسلامی و همچنین نزدیک بودن اجلاس سران کشورهای آمریکا و شوروی، به عنوان علل و عوامل در این اقدام تأثیر داشته است. وزیر نفت کویت درباره واگذاری پایگاه شناور به نیروهای آمریکایی، گفت:« این "دوبه" در آب های بین المللی قرار دارد و از آن برای نظارت در عملیات مین گذاری ایران استفاده خواهد شد. به علاوه، در نشست و برخاست هلی کوپترها و نیز تقویت حفاظت از نفتکش های کویتی که زیر پرچم آمریکا و تحت حمایت نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس در حرکت اند نیز می توان از آن استفاده کرد.» کویت همچنین مدعی است که جهت مقابله با حملات موشکی ایران نیز در اندیشه تدبیر دیگری می باشد. شیخ "صباح الاحمد" وزیر خارجه کویت نیز گفته است که کویت ظرف دو سه هفته آینده تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ خاک خود در مقابل حملات موشکی ایران، به خرید برخی تجهیزات مبادرت ورزید. وی افزوده است که تهیه کشتی های مین یاب نیز برای ارتش کویت ارجحیت دارد. شیخ سالم هم اعلام کرده است:« کویت پیشنهاد های آمریکا، شوروی، بریتانیا و فرانسه درباره فروش موشک هایی که بتواند موشک های در حال پرواز دیگر را هدف بگیرد، مورد مطالعه قرار داده است، اما بنابه اظهار وزیر دفاع فرانسه، هیچ گونه دفاع تضمین شده ای در مورد موشک های موجود بازار وجود ندارد.»

بعد از ناهار و استراحت، از عملیات اسکرامبل و پرواز یک هواپیمای اف – ۴ بازدید کردیم. ۱۲ دقیقه وقت برد. سپس از راداری که اخیراً به دست متخصصان خودی عملیاتی شده، بازدید کردیم و بعد از آن برای دیدن پایگاه نیمه تمام نیروی دریایی رفتیم؛ خیلی وسیع است. پیمانکار آمریکایی، پس از پیروزی انقلاب فرار کرده است و علیه ما ادعا دارد و ما علیه او که در دادگاه لاهه مطرح است. از رادار و ستاد پایگاه دیدن به عمل آمد.

در مهمانسرا نماز مغرب را خواندیم و سپس با حضور فرماندهان دریایی و هوایی ارتش و فرمانده دریایی سپاه و صیاد و روحانی، درباره احتمالات تهدید آمریکا نسبت به این منطقه و نحوه دفاع و مقابله با آن مذاکره شد. نتایج خوبی گرفتیم.

با هواپیما به بندرعباس آمدیم. ساعت هشت و ربع شب رسیدیم و در مهمانسرای پایگاه هوایی مستقر شدیم. اخبار ایران و صدای آمریکا را گرفتیم[۱] و خاطرات امروز را نوشتم. لباس بسیجی ام را همراه نیاورده ام. به ناچار لباس سپاه پوشیده‌ام و این باعث ناراحتی ارتشی ها است که مرتباً پیشنهاد می شود لباس بسیجی بپوشم، ولی لباس مناسب با اندازه درست، همراهمان نیست.

شنبه ١٤ آذر | ١٣ ربیع الثانی ١٤٠٨ — ٥ دسامبر ١٩٨٧

هنگام اذان بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. دیشب بخاری برقی را اشتباهاً هنگام خواب به جای تلفن از برق کشیده بودم و کمی سردم شده بود.

آقای [جمال] ساداتیان [مسئول دفترم] از آقای معیری مسائل مربوط به فرانسه را پرسید. گفتند فرانسه قسط مقرر را – سیصد میلیون دلار – پرداخته است و رسیده، ولی از ما خواسته قبل از خود آنها اعلان نکنیم، چون ژاک شیراک [نخست وزیر فرانسه] تحت فشار است و معلوم شد از مجلس فرانسه در این خصوص رأی اعتماد گرفته که هم نشان اهمیت

---

۱ – در این روز هواپیماهای عراقی، یک جزیره متعلق به عربستان را بمباران کردند. بعد از حمله جنگنده های عراق به ناو آمریکایی استارک، این دومین حمله مشکوک نیروی هوایی عراق به هم پیمانان خود می باشد. بر اثر بمباران جزیره "عربی" ـ که حدوداً ۲۵ مایلی جنوب جزیره "فارسی" متعلق به ایران در آب های خلیج فارس واقع است ـ جمعی از نیروهای ارتش عربستان سعودی کشته شدند. جزیره عربی یک پایگاه نظامی در یک صد مایلی ساحل عربستان در شمال خلیج فارس است. "عبدالجابر محسن" سخنگوی نظامی عراق، به خبرگزاری رویتر گفت فرمانده نیروی هوایی عراق قرار است در رابطه با حمله به جزیره عربی، یک بیانیه عذرخواهی صادر کند.



اقامه نماز جماعت در عرشه ناو در خلیج فارس



پایگاه هوایی بندرعباس



بازدید از جزیره سیری

موضوع و هم نشان فشار مخالفان است.

ساعت هفت صبح با همراهان با هواپیمای فرندشیپ عازم جزیره سیری شدیم. ساعت هشت به مقر فرماندهی رسیدیم. نیروی دریایی ارتش اطلاعات لازم را دادند و سپس از مواضع پدافندی خاکریزها، سنگرها، ضدهوایی‌ها، رادار و تانک ها بازدید کردیم و سپس از اسکله صدور نفت دیدار به عمل آمد.

سال گذشته عراقی ها به اسکله موشک زده‌اند ولی راه‌اندازی شده است. گفتند روزانه سی و هفت هزار بشکه نفت از چاه‌های دریا به جزیره می‌آید و چند روز طول می کشد که به اندازه یک کشتی بزرگ جمع شود، سپس بارگیری می‌شود. کشتی‌های تا ظرفیت سیصد هزار تن می‌توانند در آنجا بارگیری کنند. ابتکار خوبی به خرج دادند که لوله‌های خرطومی به جای بازوهای بارگیری نصب کرده‌اند که موشک خورده بوده و به این ترتیب آسیب پذیری را کم کرده‌اند.

از سرد خانه شیلات، باغ احداثی، چاه آب و سواحل جزیره بازدید کردیم. سطح جزیره قابل کشاورزی است و چندین چاه سطحی لب شور دارد، ولی چون مردم مهاجرت کرده‌اند کسی کشاورزی نمی کند. جزیره بزرگی در حدود ۳۳ کیلو متر مربع می باشد. باند فرودگاه خوبی دارد. خطر اشغال جزیره از طرف آمریکا، به خاطر همین امکانات وجود دارد. برای دفاع قوی تر توصیه‌هایی کردیم. مسئولیت جزیره سیری به عهده نیروی دریایی است و نیروهائی از سپاه و نیروی زمینی ارتش هم حضور دارند. تیراندازی یک تانک چومائو را تماشا کردیم؛ بد نبود.

ظهر به جزیره ابوموسی پرواز کردیم. در محل مهمانسرای فرمانداری جزیره، نماز و ناهار و استراحت انجام شد. به مقر گردان نیروی دریایی رفتم با کشتی، تاسیسات و پدافند و امکانات جزیره را نشان دادند و سپس از اسکله و بندر جزیره بازدید کردیم.

سپاه، اسکله مخصوص برای عملیات و کنترل آنجا دارد و پناهگاه‌های خوبی دارد. عرب‌های شارجه‌ای را کنترل می کنند. از پاسگاه ژاندارمری مرزی و رادار سپاه و محله جادها که به بسیج واگذار شده، و جاده کمربندی و سواحل و مواضع دفاعی نیروی دریایی و یک تفنگ ۱۰۶ بازدید کردیم. وضعیت دفاع جزیره خوب است و جهاد برای سنگرسازی و کارهای مهندسی رزمی فعال است. از استانداری گله دارند و فرماندار هم از نظامی‌ها و ارگان های دیگر گله مند است. تقریباً جزیره نظامی شده است.





بازدید از امکانات نیروی دریایی سپاه

از محله عرب های شارجه دیدار کردیم. حدود ششصدنفر از اهالی شارجه در اینجا زندگی می کنند. گویا دولت [شارجه] حقوق به آنها می دهد که بدون هیچ کاری در اینجا باشند، فقط برای حضور، چون ادعای مالکیت بر جزیره دارند. آنها پول زیادی می گیرند و وضع بدی هم ندارند. با چند نفر از آنها صحبت کردیم. به فرودگاه آمدیم. فرماندار اوضاع را گفت.

غروب به سوی بندرعباس پرواز کردیم. شب را در مهمانسرای نیروی دریایی بودیم. شام را با فرماندهان و خلبانان خوردیم. استحمامی و استراحتی و استماع اخبار خارجی و داخلی و نوشتن خاطرات.

با دکتر روحانی درباره عملیات آینده صحبت کردیم. عملیات مورد نظر سپاه را برای وضع جنگی موجود کافی ندانستیم. قرار است هفته آینده به جبهه برویم. اطلاع رسید که یک هواپیمای اف - ۴ ما، امروز ساقط شده است.

یکشنبه ۱۵ آذر | ١٤ ربیع الثانی ١٤٠٨ ٦ دسامبر ١٩٨٧

اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. با منزل تماس گرفتم. صبح با چند هلی کوپتر به جزیره قشم رفتیم. اسکله جدید اداره بندر را که یک شرکت ترکیه‌ای ساخته است، دیدیم. مشکلاتی دارد. از آنجا به محل جمع آوری گازهای شیرین جزیره رفتیم. گفتند از پنج چاه، گاز می گیرند و به نیروگاه بندر عباس می‌فرستند.

به محلی رفتیم که دو ساحل بندر عباس و قشم به هم نزدیکند. کمتر از دو کیلومتر فاصله دارند. پیشنهاد شده که با پلی، جزیره قشم را به ساحل شمال متصل کنیم که وضع جزیره خوب شود. به خاطر شرایط جاری می گویند از جنگ خرج شود؛ بنا شد بررسی کنیم.

از آنجا به جزیره های تنب رفتیم. تنب کوچک را از داخل هلی کوپتر دیدیم. در آنجا نیرو نداریم و نیازی هم نیست. با توپخانه از تنب بزرگ، می شود از آن دفاع کرد. در تنب بزرگ پیاده شدیم. در مقر نیروی دریایی از طریق ماکت جزیره، با وضع جزیره و امکانات دفاعی آن آشنا شدیم. جزیره جالبی است. می تواند سر سبز باشد. آب شیرین هم دارد.

ارتفاعات خوبی در آنجا بود. مدتی در جزیره گشتیم و همه جا را دیدیم. یک کشتی موشک خورده -ایران جواد - که از حیّز انتقاع افتاده و کنار جزیره روی گل نشسته، دیدیم. پیشنهاد شده برای موضع پدافند به خارک ببرند.

هاور کرافت رسید. به تماشا رفتیم. خلبان آن توضیحاتی داد. سوار شدیم و دور جزیره چرخی زدیم. وسیله خوبی است. یک متر بالاتر از سطح آب یا زمین حرکت می کند و حدود یک صد کیلو متر سرعت می گیرد.

به بندر عباس برگشتیم. در محل مرکز نیروی دریایی سپاه درکنار بندر شهید باهنر نماز و ناهار و استراحت انجام شد. سپس به جزیره هنگام رفتیم. سپاه مسئول دفاع از جزیره است. اوضاع آنها را هم بررسی کردیم. نیازمندی‌های زیادی دارند. یک کشتی حامل نفت با پرچم سنگاپور را در جنوب جزیره، نزدیک سواحل عمان زده بودند. آتش آن از دور پیدا بود. توضیح دادند.

از آنجا به جزیره لارک پریدیم. نزدیک غروب بود. از چند موضع دفاعی سپاه بازدید کردیم. مسئولیت دفاع از جزیره با سپاه است. آنها در ساختمان های نیروی دریایی که نیمه تمام است و قبل از انقلاب بنا شده، ساکن هستند.

اول شب از توپ ۱۳۰ میلی متری دو گلوله منّور بر روی همان منطقه کشتی آتش گرفته پرتاب کردیم. به مقر جهاد سازندگی رفتیم. نماز مغرب را خواندیم و با آنها مذاکره کردیم. برای کارهای مهندس رزمی آمده‌اند.

شب با هلی کوپتر به مقر نیروی دریایی بندرعباس آمدیم و ساعت هشت شب رسیدیم. اخبار را گرفتیم. پس از صرف شام، فیلمی از منظره زدن کشتی سنگاپوری که امروز سپاه برداشته بود، دیدیم.

دوشنبه ۱۶ آذر | ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۰۸ | ۷ دسامبر ۱۹۸۷

بعد از صبحانه با هلی کوپتر به سوی بندر جاسک پرواز کردیم. در مسیر، در جزیره هرمز پیاده شدیم. مردم اجتماع کرده بودند. در میان جزایر آن منطقه، هرمز ساکنانش شیعه و حزب‌اللهی هستند. به گلزار شهدا رفتیم. حدود سی شهید دارند. مردم احساسات گرمی

ارائه دادند. برای آنها صحبت کردم[1]. لباس نظامی پوشیده بودم. معمولا با این لباس در جمع مردم نمی‌روم. آنجا غافلگیر شدم.

از آنجا به منطقه سیریک رفتیم. پایگاه موشکی سیلک ورم [کرم ابریشم] سپاه را دیدیم. سپس به جاسک رفتیم. در باند فرودگاه نیروی هوایی نشستیم. سپس به محل اسکله‌ای که سپاه احداث می کند، رفتیم. آن را یوگسلاوی‌ها اجرا می کنند. توضیحات مسئول آنجا را شنیدیم. به محل بندر و اسکله جدید الاحداث اداره بنادر رفتیم که ترکیه اجرا کرده است. خیلی خلوت بود؛ استفاده کمی می‌شود.

برای نماز و ناهار به مهمانخانه نیروی هوایی رفتیم. هنگام ناهار امام جمعه جاسک و بخشدار آمدند. اوضاع شهر و منطقه را گفتند. شهر فقیری است. مردم بیشتر از راه صیادی امرار معاش می کند. در آمد صیادها خوب است. کشاورزی ندارند و صنعتی در کار نیست. آب شیرین از راه دور می آورند. منطقه مهمی است. باید به آنجا بیشتر رسید. از آنجا می شود مدخل تنگه هرمز و دریای عمان را کنترل کرد. پس از استراحت از سایت رادار بازدید کردیم.

با هواپیما به بندر عباس رفتیم و غروب رسیدیم. بعد از نماز با حضور فرماندهان ارتش و سپاه و استاندار و مسئول جهاد، مذاکراتی درباره نتایج بازدید از جزایر و نیازهای دفاعی و پشتیبانی نیروها انجام شد. قرار شد دفتری به ریاست آقای صیاد برای پیگیری خواست ها و تصمیمات تشکیل شود.

در مورد وصل بندر عباس و جزیره قشم، قرار شد از بودجه جنگ، برای ساخت پل کمک کنیم. به فرودگاه رفتیم و با لباس رسمی خودم، مصاحبه ای با صدا و سیمای بندر عباس انجام دادم. ساعت ده شب به تهران رسیدیم. شام را در هواپیما خوردیم. امروز موشکی به طرف کویت پرتاب شده و درست معلوم نیست به کجا خورده است. کمی کسالت داشتم. عفت هم سرماخوردگی و تب داشت.

سه‌شنبه ۱۷ آذر | ١٦ ربيع الثانی ١٤٠٨   ۸ دسامبر ۱۹۸۷

بعد از نماز به مجلس آمدم. تا ساعت ده و ربع در جلسه علنی بودم و پیش از ظهر در دفترم

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

با آقای [حسین] محلوجی که از طرف من نظارت بر تولید مهمات در کارخانه‌ها را دارد، صحبت کردم. از پیشرفت کار راضی است. خانم رجایی آمد و هدایایی برای جنگ آورد. تا شب در دفترم کارهای عقب مانده را که در چهار روز سفرم مانده انجام دادم[۱].

شب آقای محسن رضایی آمد. برنامه عملیات آینده را توضیح داد. در گزارش‌ها و اخبار خارجی، اخراج عده‌ای از منافقین از پاریس است که هم دولت های غربی و هم دشمنان دیگر ما، سروصدای زیادی درباره آن به راه انداخته‌اند.

احمدآقا تلفنی اطلاع داد. که امام خواسته اند صبح روز پنجشنبه همراه جمعی از مسؤولان سطح بالا و علمای مشهور خدمتشان برویم؛ لابد تذکر مهمی دارند.

چهارشنبه ۱۸ آذر | ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۹ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها موافقت آمریکا و شوروی برای حذف موشک های اتمی میان برد در صدر است و مهم[۲]. آقای [محمد جواد] لاریجانی

---

۱ - در این روز اعلام شد آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده جنگ و رئیس مجلس شورای اسلامی، یک بازدید چهار روزه از امکانات دفاعی جزایر ایران در خلیج فارس و بندرهای جنوب را به پایان رسانده است. در این بازدید، چگونگی دفاع از مناطق استراتژیک خلیج فارس ، دریای عمان و تنگه هرمز در برابر تهدیدهای احتمالی آمریکا و ناتو، به اتفاق فرماندهان عالی رتبه نظامی، مورد بررسی قرار گرفت. آقای هاشمی درباره این بازدید به خبرنگاران گفت:« در شرایطی که آمریکایی ها و ناتو در خلیج فارس چنگ و دندان نشان می دهند، برای ما لازم بود که از امکانات دفاعی و نظامی خودمان مطلع شویم. از بندر گواتر، بندر چابهار، جزایر سیری، ابوموسی، تنب کوچک، تنب بزرگ، هنگام، لارک، قشم، هرمز، و بندر جاسک و مواضع ساحلی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان بازدید کردیم و از امکانات نظامی و دفاعی در منطقه مطلع شدیم و من با اطمینان اعلام می کنم که آمریکایی ها در اینجا جرأت نخواهند داشت شرارت عمده ای بکنند و اگر کاری انجام دهند، پشیمان خواهند شد. وضع جزایر و سواحل و امکانات جمهوری اسلامی در خلیج فارس و دریای عمان را دیدیم و مطمئن شدیم که هرکس بخواهد با جمهوری اسلامی ایران در اینجا درگیر شود، دیوانگی است، چه قدرت های بیگانه ای که از راه دور آمده اند و چه کسانی که در منطقه هستند. به حمدالله نیروهای ما با قدرت کامل و با امکانات خود آماده دفاع هستند، البته ما به هیچ وجه علاقه ای به درگیری نداریم و خودمان را برای دفاع آماده کرده ایم.»

۲ - دیدار سران آمریکا و شوروی در واشنگتن، صدر خبرها را به خود اختصاص داده است. در این دیدار، جنگ ایران و عراق یکی از محورهای مذاکرات است. گفت وگوهای انجام شده از چندی پیش برای رسیدن به توافق درباره تحریم تسلیحاتی ایران، ممکن است در این جلسه به نتیجه برسد. رادیو بی بی سی از قول یک دیپلمات غربی در این باره گفت:« اعضای شورای امنیت، چشم به مذاکرات آمریکا و شوروی در واشنگتن دارند و منتظر نشانه ای از موضع مشترک دو ابرقدرت در مورد آتش بس (در جنگ عراق و ایران) هستند.» "مارلین فیتز واتر" سخنگوی کاخ سفید در این باره گفت:« پرزیدنت ریگان و گورباچف رهبر شوروی، در نشست امروز خود مسئله

آمد. گزارش مذاکره با دبیر کل سازمان ملل در مورد قطعنامه ۵۹۸ را داد. راضی است. معتقد است می توانیم مذاکرات را تا مدتی ادامه دهیم[۱].

اخوان حائری شیرازی آمدند. بیشتر به تعارف گذشت و امام جمعه شیراز در مورد انتخابات و سوء استفاده از امکانات دولتی تذکری داد. معلوم شد اطلاعات را کمیسیون اصل ۹۰ در اختیارش گذاشته است.

فرماندهان مراکز آموزشی بسیج آمدند. آقای [محمدعلی] رحمانی [فرمانده بسیج] گزارش کار داد و من برای آنها صحبت کردم[۲]. نماینده اسفراین آمد. طرحی برای مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر و استفاده از گیاه داروئی بنام کاسنی (باریجه) داد که اهمیت زیادی برای آن گفت.

ظهر آقای [ابراهیم] سنجقی برای امور جنگ آمد. او کتابی از یک جامعه شناس آمریکایی آورده بود که پیش بینی کرده در سال ۱۹۹۰ بحرانی شدید آمریکا را فراخواهد گرفت. این جامعه شناس ادعا کرده که در دهه ۱۹۷۰ سقوط شاه، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنگ هشت ساله ایران و عراق و ... را پیش بینی کرده بوده. عصر دکتر ولایتی آمد و برای سفر به پاکستان مشورت کرد. هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب سران قوا در مجلس مهمان من بودند. احمدآقا گفت احضار امام برای تعویض

جنگ عراق و ایران را مورد بحث قرار دادند.» وی خاطر نشان کرد که کشورش سعی در خاتمه بخشیدن به این جنگ داشته و امیدوار است دو کشور متخاصم در مورد پایان جنگ به توافق برسند

۱ - همچنین نمایندگان کنگره آمریکا در قطعنامه ای از شوروی خواسته اند با تحریم تسلیحاتی ایران موافقت کند. در این قطعنامه که نوعی فشار حین مذاکره محسوب می شود، از شوروی قویاً خواسته شده که با دومین قطعنامه شورای امنیت، مبنی بر اعمال تحریم تسلیحاتی علیه ایران به دلیل امتناع از فراخوانی بین المللی برای آتش بس در جنگ با عراق، موافقت کند. "مروین دای مالی" نماینده سیاه پوست و دمکرات ایالت کالیفرنیا در کنگره که بانی اصلی این قطعنامه است، گفت: « از آنجا که عراق با شرایط نخستین قطعنامه موافقت کرد ولی ایران پیوسته از پذیرفتن آن امتناع ورزیده است، روشن است که در جنگ ایران و عراق، ایران طرف خاطی است و باید تحریم علیه آن اعمال شود.» با این حال، برخی مقام های آمریکایی در مورد نتیجه بخش بودن گفت و گوی سران دو ابر قدرت بر سر مسئله جنگ ایران و عراق، چندان خوشبین نیستند. در این باره یک دیپلمات آمریکایی گفت:« انتظار هیچ موفقیت چشمگیری در مورد اختلافات آمریکا و شوروی برسر این گونه مسائل منطقه ای ندارم. علی رغم خوشبینی محدودی که به تأثیر گذاری دیدار سران دو کشور بر پایان جنگ از طریق ابزار شورای امنیت وجود داشته است، خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد:« "میخائیل گورباچف" رهبر شوروی، اعلام کرد "ریگان" رئیس جمهور آمریکا، نتوانسته است در طول اجلاس سران، وی را به لزوم اقدامات شدیدتر از سوی سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ عراق علیه ایران متقاعد کند.»

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

وصیت نامه است. در مورد فرانسه از پیشرفت کار راضی هستیم[۱]. شیراک با منافقین درگیر شده و ناچار است در تبلیغات علیه آنها به خاطر تبلیغات رقیبهای داخلی‌اش و سایرین وارد شود. قرائن نشان می‌دهد که جدی‌اند. تصمیم گرفته شد که آقای رجائی خراسانی به خاطر نیاز به تجربه و آشنائیش به امور و با افراد فعلاً در آمریکا بماند. دیر وقت به خانه رسیدیم[۲].

پنجشنبه ۱۹ آذر | ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۰۸ — ۱۰ دسامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل کار کردم. به خدمت امام رفتیم. آقایان منتظری، مشکینی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، موسوی خوئینی ها، مهدوی کنی، [میرحسین موسوی] نخست وزیر، کروبی، امام جمارانی، احمدآقا، [حسن] صانعی و بعضی از افراد دفتر امام بودند. امام وصیت نامه جدیدشان را تحویل جمع دادند و خواستند که در مجلس خبرگان و آستان قدس رضوی نگهداری شود و وصیت نامه قدیم را که پنج سال پیش نوشته بودند، استرداد فرمودند و توضیحی در علت تعویض ندادند. صبحت های کوتاهی در توصیه به وحدت و پرهیز از اختلاف فرمودند. چون نکات غیر قابل اعلانی داشت، قرار شد همه آن منتشر نشود[۳].

---

۱ - در پی تصمیم دولت فرانسه برای اخراج تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق [منافقین] - معارض با جمهوری اسلامی ایران - از این کشور، سخنگوی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل طی یادداشتی از وزارت خارجه فرانسه خواهان اطلاعاتی درباره اخراج مخالفان ایرانی شده است. این کمیساریا اظهار امیدواری کرده است که دلایل این تدبیر دولت فرانسه، نام اشخاص اخراجی و در صورتی که در میان آنها پناهندگان قانونی باشند، روند پیش بینی شده برای اخراج آنها و همچنین تضمین هایی که به آنها داده شده معلوم شود. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در یادداشت خود به وزارت خارجه فرانسه، مواد مربوط به پیمان بین المللی پناهندگان در ارتباط با بازنگرداندن آنان به کشور اصلی و روند اخراجشان را یادآور شده است.

۲ - امروز ساعت ۱۲:۳۰ تعداد ده فروند هواپیمای جنگنده عراقی با تجاوز به حریم هوایی پیرانشهر، کارخانه قند و روستاهای اطراف را بمباران کردند. سه بمب در حیاط کارخانه و شش بمب دیگر در زمین های کشاورزی نزدیک به کارخانه منفجر گردید. علاوه بر این، حدود ۱۰ راکت در مزارع اطراف فرو ریخت که تنها ۴ قبضه آن منفجر شد. در بخش دیگر کارخانه نیز بمب خوشه ای ریخته شد، اما در مجموع کارخانه خسارت چندانی ندید. در این حادثه یک تن از هموطنان کرد کشاورز شهید و هفت تن دیگر مجروح شدند.

۳ - این تصمیم امام، بازتاب گسترده ای داشت و رادیوها، خبرگزاری ها و روزنامه های کشورها ی مختلف به ویژه رسانه های غربی درباره آن اظهار نظر کردند. خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «این وصیت نامه می تواند شامل اشارات ضمنی ضعیفی بر آنچه که بعد از درگذشت [امام] خمینی ۸۷ ساله در ایران اتفاق خواهد افتاد، باشد. برطبق گزارش‌های تایید نشده، [امام] خمینی از دو سال قبل از یک ←

از آنجا به مجلس آمدیم. آقای منتظری نیامدند و به قم برگشتند. در حضور جمع، مراسم پلمپ و تحویل و تحول در دفتر من انجام شد و آقای مشکینی صحبت کوتاهی کردند.

ظهر جمعی از حزب‌اللهی های مازندران آمدند و مبلغی کمک برای جبهه آوردند. آقای [محمد] اصغری سردبیر روزنامه کیهان آمد. مصاحبه می خواست و کمک برای خرید کاغذ.

عصر شورای عالی دفاع جلسه داشت. در مورد اضافه شدن چهار ماه خدمت سربازان و تخلیه بعضی ازروستاهای مرزی کردستان تصمیم‌گیری شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

یاسر از پادگان برای مرخصی آمده بود. گفت آموزش را فشرده کرده اند، برای تسریع در اعزام به جبهه و لباس‌های بسیجی‌اش را آورده بود، برای کوتاه کردن که مناسب خودش بشود.

جمعه ۲۰ آذر | ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۰۸ | ۱۱ دسامبر ۱۹۸۷

در منزل بودم. همشیره فاطمه آمد. آب مروارید چشمش را عمل کرده است. نامه‌ای از دکتر لاجوردی آورد که وسیله جراحی می‌خواست. همشیره زاده رضا از وضع ساختمان های اکباتان گفت و از مدیریت کار ناراضی است. آقای میرزا احمد، همسر همشیره فاطمه، با سن زیاد، مایل است به جبهه برود. موافقت کردم.

عصر احمدآقا آمد. گفت آیت‌الله منتظری در دیدار خصوصی با امام، مثل گذشته اظهار نارضایتی کرد. در خصوص زندانیان و احزاب سیاسی و امور دیگر مطالبی اظهار کرد و گفت که اجازه بدهید من دخالت در امور نکنم که امام اجازه ندادند و نیز از ادامه تعقیب همکاران سیدمهدی هاشمی اظهار ناراحتی کردند و در ملاقات با احمدآقا هم همین حرف ها را تکرار کردند، علاوه بر اعتراض به پدافند و فرماندهان جنگ. به دکترروحانی گفتم باید با ایشان بیشتر رابطه داشته باشیم و ایشان را در جریان امور بگذاریم.

شب آقای [محمد حسن] زورق آمد. درباره ترجمه گزارش تاور مشورت کرد و

حمله قلبی رنج می برد و از سوی پزشکان به وی توصیه شده که فعالیت‌های خود را کم کند.» خبرگزاری فرانسه نیز نوشت:« مرتباً شایعاتی درمورد حال وسلامت آیت‌الله خمینی جریان دارد ولی به نظر می‌رسد که ایشان سطح عادی فعالیت‌های خود را حفظ کرده است.»

جزوه‌ای را برای دیدن من آورد. کنگرلو آمد و گزارش مذاکره با فرانسوی‌ها و برنامه های آینده را آورد. از پیشرفت کار راضی است. یاسر خداحافظی کرد و به پادگان رفت. او مردانه به استقبال جهاد و شهادت می‌رود.

شنبه ۲۱ آذر | ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۷

تا ساعت نه صبح در منزل کارکردم و به اخبار گوش دادم. به مجلس آمدم. گزارش‌ها را دیدم. تفسیرهای مغرضانه ای پیرامون تغییر وصیت نامه امام شروع شده و بیشتر بر محور تضعیف آیت‌الله منتظری و القاء اختلاف است[1].

تا عصر در دفترم کار کردم. آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد و از همکاری سپاه با بارزانی‌ها و پیشرفت کار اظهار رضایت کرد و گفت کردها با انقلابند.

پیام تلویزیونی برای [نشست] انجمن های اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا پر کردم. آنها خواسته بودند که پیام با تصویر و صدای خودم باشد. در گذشته معمولاً پیام کتبی می‌دادم[2]. جمعی از مسؤولان قرارگاه قدس که به امر اعزام نیرو می‌پردازند، آمدند. گزارش پیشرفت کار و نتایج اقدامات جدید و برنامه به سوی کربلای دو را دادند و نیازها را گفتند. نسبتاً خوب است، ولی ثبت نام و نوبت بندی برای اعزام، در حد مطلوب نیست.

جلسه سران قوا در دفتر آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر بود. وقت جلسه را از روز یکشنبه و چهارشنبه به روز شنبه و دوشنبه تغییر داده‌ایم. آقای [حمید] انصاری [رئیس کمیسیون مرکزی مبارزه با افزایش قیمت‌ها و کنترل تورم] همراه با گروه کنترل قیمت ها و

---

۱ - وصیت نامه جدید حضرت امام موجب رواج شایعه بیماری ایشان در رسانه های گروهی کشورهای غربی شده است؛ از جمله، روزنامه‌ها و محافل خبری آلمان غربی با اشاره به اینکه امام اخیراً وصیت نامه جدیدی را تهیه کرده اند، مدعی شدند:« این تغییر وصیت نامه خود به عنوان دلیلی بر بی اساس نبودن خبر بیماری وی تعبیر می شود.» رسانه های آلمان همچنین ادعا کردند:« براساس گزارش روزنامه تایمز، آیت الله خمینی حتی به بیمارستان هم انتقال داده شده است.» علاوه بر این، رادیوهای بیگانه از جمله اسرائیل، بی بی سی، هلند و آمریکا در بخش های مختلف خود این شایعه را منعکس ساختند. رادیو اسرائیل در بخش فارسی ساعت ۱۹ گفت: « علیرغم آن که وزارت خارجه تهران و مقامات حکومت اسلامی ایران در دو روز گذشته خبر بیماری آیت الله خمینی را تکذیب کرده اند، اما روزنامه های بریتانیا در شماره های امروز خود مجدداً گزارش‌هایی را دایر بر اینکه رهبر اسلامی سخت بیمار است و در بستر احتضار به سر می برد، به چاپ رساندند.»

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه ها به انضمام پیام های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

اجرای تعزیرات حکومتی آمدند. گزارش پیشرفت کار را دادند. آنها راضی‌اند و می گویند تورم را مهار کرده اند و برای [کنترل قیمت] چند قلم دیگر [کالا] استجازه نمودند. آقایان کنگرلو و معیری گزارش کار با فرانسه را دادند و برنامه‌های آینده تعیین شد؛ کار مجموعاً پیشرفت خوبی دارد و دو طرف می‌خواهند روابط را عادی کنند. شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۲ آذر | ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. ده دقیقه صبحانه صرف شد و به اخبار رادیو فارسی آمریکا گوش دادم. [خبر] مهمی نداشت. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. با تنفس به دفترم آمدم.

نمایندگان شرکت تعاونی مرغداری اسلام آباد غرب آمدند و پانصد هزار تومان [کمک مالی] برای جنگ آوردند. از وضع کار خود راضی‌اند. آقایان [محمد] سلامتی و [حسین] کمالی آمدند. از اشکالات فراوان شورای نگهبان به قانون کار شکایت کردند. آقای ریاضی آمد و درباره خرید تسلیحات مشورت کرد. سلمانی آمد، اصلاح کرد.

ظهر آقای [علی اکبر] محتشمی [وزیر کشور] آمد و گزارش وضع کار را داد و خواستار امکانات بیشتر برای نیروهای انتظامی شد. درباره لبنان پیشنهاد داشت که باید رئیس جمهور مسلمان باشد.

آقای بهرامی ساوجی آمد و گفت صادق امیر حسینی - از فراریان ایرانی در لندن - از او خواسته است که به ملاقات او برود که پیغامی مهم برای من دارد. گفتم پیغام را به کاردار ما در لندن بدهد. اخوی محمود گفت یکی از شاهزادهای سعودی برای مسائلی در جهت مسائل ایران و سعودی ملاقات می خواهد، گفتم به ایران بیاید که اگر آمد، می توانند با او ملاقات کنند.

عصر آقای [محمد سعیدی کیا] وزیر راه آمد. گزارشی از وضع حمل و نقل و پیشرفت ساخت راه آهن‌ها داد. تذکراتی درباره کار ایشان و اسکله‌های ساخت ترکیه در قشم و جاسک دادم. [دکتر محمد فرهادی] وزیر فرهنگ و آموزش عالی آمد. درباره سهمیه رزمندگان درکنکور آینده که به تصویب شورای عالی پشتیبانی جنگ رسیده است،

ایراداتی داشت. قرار شد پیشنهاد مشخص بدهد. درباره اعزام شش ماهه دانشجویان پیشنهاد داشتند که قبلاً محل خدمت آنها مشخص شود و خواستار احاله پروژه‌های صنایع نظامی به دانشگاه‌ها بودند که به علیزاده معاون وزیر سپاه، گفتم عمل کنند. خواستار استفاده از فضاهای آموزشی خودشان، برای آموزش نظامی دانشجویان بود که موافقت کردم.

بعد از نماز مغرب، اعضای برگزار کننده کنفرانس معارضان عراق برای بررسی برگزاری کنگره دوم آمدند که قرار شد برای رسیدن به شرایط مناسب‌تر در جبهه‌ها، چند ماهی به تاخیر اندازند. شب تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. کارهای زیادی را تلفنی انجام دادم.

دوشنبه ۲۳ آذر | ۲۲ ربیع الثانی ۱٤۰۸ ۱٤ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به دفتر آیت الله خامنه‌ای رسیدم. تا ظهر شورای‌عالی پشتیبانی جنگ جلسه داشت. مصوبه‌های متعددی داشتیم. ظهر آقای عبدالله نوری به دفترم آمد. گزارش سفر به لبنان را داد و برای حل مشکلات فراوان مالی شیعیان، پیشنهاد تشکیل کمیسیون برنامه ریزی داشت.

عصر مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان داشتم[1]. آقای [غلامرضا] آقازاده وزیر نفت آمد. درباره اوپک و رأی به اینکه قیمت نفت ۱۸ دلار و سهمیه‌ها مثل گذشته باشد و عراق خارج از سهمیه‌ها باشد، مشورت کرد. چون چاره‌ای جز این نیست، موافقت شد. ایشان هم برای اینکه چند ساعتی دیگران را معطل نگهدارد، رأی را موکول به سفر به تهران و کسب اجازه کرده که قرار شد، تلفنی موافقت را اعلان کند.

دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به پاکستان را داد. راضی است. در همکاری پیشرفت بدست آمده. پاکستانی‌ها از حرکات تند نگرانند. گزارش نماینده‌مان در سازمان ملل از مذاکرات دبیر کل با شورای امنیت و مذاکرات با نماینده شوروی را آورد. به نظر می‌رسد هنوز به تصمیمی نرسیده‌اند و اگر مطمئن شوند با اعلان متجاوز بودن عراق، ما به عهد

---

۱ - در این مصاحبه که در روزنامه کیهان مورخ ۱۳۶۶/۹/۲۶ به چاپ رسیده درباره آینده جنگ سیاست خارجی جمهوری اسلامی، انتخابات و فتاوای جدید امام خمینی (ره) مطالبی بیان شد. برای مطالعه متن کامل مصاحبه رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

خود وفا می‌کنیم، ممکن است بپذیرند. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم.

سه‌شنبه ۲۴ آذر | ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۸   ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷

صبح چمدان را بستیم و به مجلس رفتیم. تا ده و ربع در جلسه علنی بودم. مراجعه نمایندگان زیاد بود. پیش از دستور درباره مسائل جاری داخل اسرائیل صحبت کردم[1]. آقای [محمد] یزدی [نایب رئیس مجلس]، قبل از دستور اظهاراتی کرد که طیف مخالف عصبانی شدند. از درگیری جلوگیری کردم[2].

در دفترم با آقایان [اسداله] بیات، [حسین] هاشمیان، [عبدالله] نوری و هادی خامنه‌ای ملاقات داشتم. آنها درباره انتخابات صحبت کردند و نگران حمایت من در چارچوب جامعه روحانیت مبارز از جریان مقابل بودند که اطمینان داده شد، به خاطر جایگاه ریاست

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: «درست در شرایطی که آمریکا خودش را برای امضای قرارداد ده ساله شومی با اسرائیل آماده می کرد، اینها هم در اوپک نشسته بودند و توطئه تسلیم در مقابل آمریکا را در شرایطی که می بینید دلار روز به روز دارد توی سرش می خورد و پائین می‌آید، قیمت نفت مرتبط با قیمت دلار است و روشن است که ما در ظرف این چند ماه چند دلار از قیمت نفت مان افتاده، این سردمداران خود فروخته در همین شرایط، پا فشاری کردند که قیمت نفت را نگذارند بالا برود. و فشار روی ایران و کشورهای مترقی دیگر گذاشتند که نتوانند احقاق حق بکنند. این هماهنگی قرار داد آمریکا با اسرائیل با این مسأله، در جایی که اگر اینها ذره‌ای عرق عروبت یا اسلام داشتند جایش این بود که همین حالا به عنوان یک اعتراض در اوپک که دست آنها بود که عکس العملی نشان بدهند. ما از این مجموعه درس می گیریم که ملت ها راهشان از این دولت ها جدا شده و حوادث فلسطین، دارد نشان می دهد که این همه توطئه علیه ملت ها، نمی تواند کارساز باشد. وقتی در آن جهنمی که اسرائیل خلق کرد، برای مردم فلسطین امکان این حرکات وجود داشته باشد، در کشورهای دیگر به طریق اولی وجود دارد و راه ملت ها را انقلاب اسلامی ایران و این رزمندگان و این حرکت های بی سابقه ملت ما برای رسیدن به استقلال و آزادی باز کرده که البته این راه از خون و از مشکلات می گذرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آیت الله یزدی در نطق پیش از دستور خود، ابتدا درباره سوابق آقای اعتمادیان معاون آیت الله واعظ طبسی صحبت کرد. سپس درباره نحوه پخش خبر تحویل وصیت نامه حضرت (ره) در صداوسیما تذکر داد. ایشان درباره رهنمودهای امام در خصوص چگونگی دخالت روحانیت در امر انتخابات گفت: «آیت الله مهدی کنی در این جلسه در ارتباط با مسائل انتخابات از حضرت امام سوال کردند که "نسبت به روحانیت کشور که حضرتعالی فرموده اید، باید پدری بکنند و در حقیقت در مسایل دخالت نکنند، در جریان انتخابات وظیفه ای دارد یا نه؟" امام فرمودند "اولاً روحانیونی که سمت نمایندگی دارند و یا امام جمعه هستند، نباید در انتخابات دخالتی بکنند. همچنین روحانیت یک شهر نباید در شهر دیگر دخالت نماید. اما روحانیون کشور در محیط های خودشان، طبیعی است که نباید از وظایف شرعی خود کنار باشند و مساله انتخابات یکی از مسایل مهم کشور است". آنگاه مجدداً سوال می شود که انجام این وظیفه به شکل شخصی می توانند باشد یا به صورت عنوانی، مثلاً عنوان [جامعه] روحانیت مبارز تهران یا روحانیت مبارز فلان شهر؟ امام فرمودند که شخص به جای خود و عنوان هم به جای خود. عناوین هم می توانند وظیفه شان را انجام دهند.»

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۱/۴۱/۲۲۷۶۰
تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۴
پیوست ——

بسمه تعالی

جناب آقای یاسوهیرو ناکازونه

از نامه محبت آمیز جنابعالی که در پایان دوره خدمت خودتان در سمت نخست وزیری کشور دوست ژاپن نوشته شده متشکرم.

اقدامات شایسته جنابعالی در دوران مسئولیتتان در تحکیم و توسعه روابط ایران و ژاپن و همچنین دیدگاههای شخصی که نسبت به انقلاب در سفر به ژاپن و فرصتهای دیگر ابراز داشته‌اید صمیمانه متشکرم.

امیدوارم در آینده فرصت ملاقات و همکاری بیشتر دست دهد.

پاسخ به نامه نخست وزیر ژاپن

مجلس و فرماندهی جنگ، در انتخابات بی طرف خواهم ماند.

رئیس و مخبر کمیسیون کار آمدند و در خصوص نظرات شورای نگهبان درباره قانون کار چاره جوئی کردند. قرار شد به امام نامه بنویسند. از آیت‌الله خامنه‌ای خواستم که برای تجمع دانشگاه آزاد اسلامی در مقابل مجلس در روز پنجشنبه سخنرانی کنند؛ قبول فرمودند.

ظهر آقای کنگرلو آمد. اخبار فشار فراوان غربی ها و صهیونیست ها و ارتجاع عرب بر فرانسه را آورد که [ژاک] شیراک از ما استمداد کرده بود. یکی از مسلمانان ترکیه که به جنگ و انقلاب کمک می کند، آمد. از او تشکر کردم.

ساعت چهار بعد از ظهر به قصد سفر به خوزستان، به سوی قم حرکت کردیم. بعد از مغرب به منزل آیت‌الله منتظری رسیدیم. خودشان و پاسدارهایشان، ظاهراً خوشحال شدند و بحث کردند. گفتم آقای سیدهادی و دامادشان هم آمدند. بیشتر صحبت ها درباره مسائل جنگ و مسائل گروه سید مهدی بود. ایشان از فشاری که بر افراد پائین گروه وارد می شود، ناراضی است و بیشتر از وزارت اطلاعات و سرسختی امام در این خصوص و از گرفتن مدارسشان و کتابخانه سیاسی هم ناراضی است و خواستار اعاده آنها است.

ساعت هفت و نیم به ایستگاه قطار رفتیم و سوار قطار شدیم. دکتر روحانی و آقای افشار – مدیر عامل شرکت راه آهن – هم منتظر بودند. آنها یک واگن مخصوص به قطار بسته بودند. شام خوردیم و تا ساعت ده شب حرف زدیم و سپس خوابیدیم در اثر تکان ها و بوق‌های قطار، خوب نخوابیدم و مکرراً بیدار شدم.

چهارشنبه ۲۵ آذر | ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۰۸ | ۱۶ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت پنج صبح در اندیمشک بیدارم کردند. در هفت تپه نماز صبح را خواندیم و پیاده شدیم و با ماشین به اهواز آمدیم. مه غلیظی همه جا را فرا گرفته بود. ساعت هشت صبح به محل گلف وارد شدیم.

بعد از صبحانه، با حضور فرماندهان قرارگاه کربلا و آقای رحیم صفوی، عملیات آینده

را بررسی کردیم که تا ظهر طول کشید[1]. ظهر آقای محسن رضایی آمد. او با جلال طالبانی

---

۱ - امروز در جلسه ای با حضور آقای هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا، فرمانده سپاه و فرماندهان نیروی زمینی ، نیروی دریایی و برخی مسئولان ستاد کل سپاه پاسداران، عملیات اسکله‌های العمیه و البکر بررسی شد. هدف از این جلسه توجیه جزء به جزء آقای هاشمی در خصوص این عملیات بود. در این جلسه، فرماندهان نیروی دریایی سپاه، مأموریت قرار گاه نوح، موقعیت اسکله ها به لحاظ نظامی، آرایش دشمن و چگونگی انجام دادن حمله را مشروحاً بیان کردند. ابتدا آقای حسینی تاش جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه، در مورد یگان های عمل کننده و مأموریت آنها گفت: «مأموریت واگذار شده به نیرو، تصرف و تأمین اسکله های البکر و العمیه است. متناسب با این مأموریت، توپخانه و پدافند هوایی به ما واگذار شده است.» ایشان سازمان عمل کننده را متشکل از لشکر ۳۳ المهدی و لشکر ۱۹ فجر، ناو تیپ امیرالمؤمنین و ناوتیپ کوثر برشمرد. حسینی تاش افزود: « با توجه به مأموریت و توان، ۶ محور برای تصرف هدف تعیین شده و برای آنها ۶ فرماندهی انتخاب گردیده است که وظایف آنها عبارتند از : تصرف اسکله العمیه و البکر؛ بستن خور عبدالله؛ تأمین حد جنوبی اسکله ها که از طرف جزیره فیلکه تهدید می شود؛ پشتیبانی و تجسس و نجات.» سپس آقای عالیشوندی مسئول اطلاعات نیروی دریایی، کلیاتی از وضعیت منطقه عملیاتی و دشمن را بیان کرد و افزود که حساسیت دشمن پس از عملیات کربلای ۳ بسیار افزایش یافته و هرگاه شناوری از ما به دریا رفته، با انواع سلاح به طرف آن اجرای آتش کرده است. در اطراف این اسکله ها به طور دائم یک تا سه فروند ناوچه "اوزا" آماده مأموریت است. آقای حسینی تاش، درباره محدودیت های دشمن، خطاب به آقای هاشمی گفت:« مهمترین ضعف دشمن، عدم تحرک بر روی سکو است که امکان جابه جایی سلاح را از او سلب کرده است. از این رو آنها فقط از دو محور قادر به اجرای آتش هستند. ما نیز دچار محدودیت هایی هستیم. در رأس این محدودیت ها، نا آرام بودن دریا و عدم برتری هوایی است. به علاوه، جزر و مد شدید آب موجب مشکلات جدی در رسیدن غواصان به اسکله ها است.» ایشان همچنین طرح مانور حمله به اسکله‌ها را به تفصیل توضیح داد.

بعد از این گزارش و سخنان فرمانده سپاه و برخی از فرماندهان درباره لزوم عملیات توأم با غافلگیری، آقای هاشمی درک همراه با ابهام خود را از عملیات، با این جمله که "این عملیات، فاو را لو می دهد" بیان کرد. ایشان گفت: « اینکه شما انبوه نیرو، قایق و امکانات را جلو ببرید و دشمن نفهمد، خوش بینی مفرط است. این اقدام به عملیات اساسی [ما در فاو] لطمه می زند.» از نظر فرمانده قرارگاه نوح، در این عملیات، غواص ها باید ۴۰ کیلومتر راه را در آب طی کنند تا بتوانند به اسکله البکر حمله کند و این روش، در آب متلاطم دریا مشکل و با ریسک بسیار بالا همراه است. سپس آقای هاشمی گفت: «چنانچه دو شناور شما بر اثر آتش دشمن غرق شود، تعادل کل نیرو به هم می خورد.» ایشان تأکید داشت که بالا رفتن از اسکله ها در حالی که دشمن هوشیار باشد، میسر نیست.

از نظر فرمانده سپاه، نظر آقای هاشمی، اجرای عملیات را زیر سؤال برد و نیز در فرماندهان عملیاتی حاضر در جلسه این فکر را به دنبال داشت که عملیات منتفی خواهد شد. از این رو، و به منظور تعدیل اثر این سخنان بر روحیه و ذهن فرماندهان، فرمانده کل سپاه با بیان نتایج مثبت عملیات و پیامدهای آن گفت:« اکنون حضور عراق در شمال خلیج فارس برای ما خوشایند نیست و حضور ما در فاو را خدشه دار ساخته است، علاوه بر این، جبهه ما در این قسمت از طرف اسکله ها و جزیره بوبیان(کویت) تهدید می شود. مزید براین، فائق آمدن به حضور دشمن در اسکله ها، موجب آزادی خورموسی شده و نیز با توجه به حضور آمریکا در خلیج فارس، به لحاظ سیاسی، بازتاب بسیار مثبتی برای ما و به ضرر آمریکا دارد. از سوی دیگر، با توجه به اقدامات اخیر کویت در دعوت آمریکایی ها به خلیج فارس، این اقدام موجب می شود که ما حدود ۴۰ کیلومتر به کویت نزدیک شده و چنانچه در یک زمان اراده کردیم، امکان حمله به اسکله الاحمدی بیشتر وجود خواهد داشت.» به رغم این اظهارات، آقای هاشمی گفت:« ما نگران تلفات زیاد بچه ها در دریا هستیم. فرستادن ۲۰۰ قایق در مقابل اسلحه دشمن، ممکن است به تلفات زیاد ما منجر شود. من تصور می کردم شما با حدود ۴۰ قایق حمله می کنید، تصور به کارگیری این همه شناور را نداشتم. اگر می توانید با توپخانه و ادوات و از دور بدون آنکه تلفات بدهیم، دشمن را خسته کنید که اسکله ها را خالی کند، سپس ما با تلفات کم آنها را تصرف کنیم، انجام عملیات مانعی ندارد، اگر به این روش ممکن نیست، نه. ما مایل بودیم که این عملیات ←

مذاکره کرده بود[1]. عصر [فرماندهان] قرارگاه رمضان آمدند. مذاکرات با طالبانی ها را برای شرایط همکاری در جنگ گفتند. آنها نگرانند که در صورت ختم جنگ از طریق سیاسی، در مقابل صدام تنها بمانند و یا در حکومت آینده عراق وضع درستی نداشته باشند. می‌خواهند ضمن پیمانی، آینده خودشان را تضمین کنند و نیز درباره تشکیل دولت در تبعید عراق و ارتش اسلامی عراق هم طرح هائی ارائه کردند که قرار شد با رؤسای قوا مذاکره و جواب هرسه موضوع داده شود.

شب [فرماندهان] قرارگاه [دریایی] نوح آمدند و برنامه عملیات خودشان را گفتند؛ خیلی نپسندیدم، ولی به کلی نفی نشد. قرار شد تعدیل‌هایی در آن شود. گزارش‌ها را خواندم. کشتی زدن‌ها در خلیج فارس شدت یافته است[2].

⇦هماهنگ با فاو باشد، الان این عملیات را مزاحم عملیات فاو تشخیص می دهیم. بدین ترتیب از منظر آقای هاشمی اجرای عملیات منتفی گردید.

۱ - آقای محسن رضایی در گزارش خود با اشاره به اینکه طالبانی ها گفته اند که شوروی ها پیش از این نظرشان همکاری طالبانی با صدام بوده ولی امسال چنین اعتقادی را ندارند، گفت:« جلال درباره حمایت فرانسه از عراق گفت اینها نگران ۴۰ میلیارد فرانک طلب خودشان از عراق هستند.» درباره عملیات آتی ایران در کرکوک، اطلاعات رسیده حاکی از آن است که ارتش عراق در مورد این عملیات به اطلاعات جسته و گریخته ای دست یافته است. بر اساس اخبار اعلام شده از مخابرات قرارگاه نجف، دشمن به نیروهای خود آماده باش داده و اعلام کرده که ایرانی‌ها همراه با مبارزان کرد قصد حمله و کمین در جاده های اربیل و حومه را دارند. همچنین دشمن در پیام دیگری به نیروهای خود، با تأکید بر حفظ آماده باش، به آنها هشدار داده است که نیروهای ایرانی قصد دارند به شهر کرکوک و تأسیسات نفتی آن حمله کنند و برای این منظور از هم اکنون با تجهیزات سبک و سنگین در روستاها مستقر شده اند.

در حالی که طرح ریزی برای اقدامات بزرگ در جبهه شمال غرب ادامه دارد، قرارگاه رمضان به حملات چریکی خود در این منطقه مشغول است. در جبهه شمال غرب، قرارگاه رمضان و اتحادیه میهنی کردستان عراق ظرف سه روز گذشته در یک عملیات تهاجمی در بخش "صلاح الدین" از توابع شهر اربیل ، چند پایگاه و محل استقرار افسران عراقی را منهدم کرده اند. در این عملیات، ۲۳ تن از نیروهای عراقی اسیر شده اند. همچنین پیشمرگان مبارز عراق با کمین در نزدیکی "سنجیق"، به یک ستون ارتش عراق حمله کرده اند.

۲ - در این روز یک نفتکش ایرانی و یک کشتی قبرسی در خلیج فارس، هدف حمله هواپیماهای دشمن قرار گرفتند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، نفتکش تفتان که به منظور بارگیری، از بندر عباس عازم خارک بود، امروز هدف قرار گرفت و کشتی باری "می می" با پرچم قبرس نیز که محموله آهن آلات داشت دو بار هدف قرار گرفت. این کشتی در اجاره شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران می باشد. خبرگزاری فرانسه محل حمله به کشتی "می می" را جنوب ترمینال جزیره خارک(شمال شرقی خلیج فارس) اعلام کرد. به گفته منابع دریایی، نفتکش تفتان که ۲۸۹۷۷۸ تن نفت خام ظرفیت دارد، در حالی که با شن و ماسه به سوی ترمینال خارک حرکت می کرد، هدف حمله قرار گرفت و دچار آتش سوزی شد که با مهار سریع آتش، خسارات اندکی به کشتی وارد شده و خدمه آن نیز سالم هستند. نفتکش "تفتان" که جزو نفتکش های ایران برای انتقال نفت از خارک به تنگه هرمز است، یک بار دیگر در (چهارم نوامبر) ۱۳ آبان ۱۳۶۶ مورد حمله نیروی هوایی عراق قرار گرفته بود. شرکت بیمه "لویدز" لندن اعلام کرد یک نفتکش یونانی موسوم به "ورلد پرودیوس" در ساعت ۷ صبح در آب های بندر "رأس الخیمه" در جنوب خلیج فارس هدف حمله یک قایق تندرو ایرانی قرار گرفت. به گفته لویدز، این کشتی اکنون در حال سوختن است.

پنجشنبه ۲۶ آذر | ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۸ | ۱۷ دسامبر ۱۹۸۷

اذان صبح بیدار شدم. اخبار را گرفتم و گزارش‌ها را خواندم. در جلسه فرماندهان لشکرها و قرارگاه شرکت کردم. آنها توضیحات مانور واحدهای خود را در عملیات آینده دادند و موارد بررسی شد. جلسه تا ظهر طول کشید[1]. ساعت سه مجدداً فرماندهان لشکرها آمدند و

---

۱ - امکان انجام دادن عملیات در منطقه فاو، با حضور فرماندهان سپاه و آقای هاشمی بررسی شد. فرماندهان تیپ ها و لشکرهای قرارگاه کربلا در جلسه با آقای هاشمی رفسنجانی، در یک گزارش مبسوط درباره شناسایی از خط دشمن، توانایی و استعداد آن، مانور عملیات، تعداد گردان های موجود خودی و وضعیت اعزام نیرو، ایشان را در جریان عملیات فاو قرار دادند. علاوه بر این، کمبود کادر اداره کننده یگان و کادر بخش های مختلف جنگ، رابطه این عملیات با عملیات اسکله ها، ضرورت استفاده از زرمی و مقایسه زمین فاو با مناطق دیگر در جنوب، در این جلسه مطرح شد. درباره تعداد گردان های موجود، گزارش فرماندهان نشان از محدودیت توان آنها داشت. آقای قاسم سلیمانی، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، استعداد لشکرش را ۱۱ گردان و آقای علی زاهدی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) نیز گردان های لشکرش را همین تعداد ذکر کرد. این فرمانده در پاسخ به سؤال آقای هاشمی درباره دلیل کم بودن تعداد گردان های لشکر، گفت:« به خاطر تلفات کادر، بعضی گردان ها در یکدیگر ادغام شده اند. به جای امکانات منهدم شده هم امکاناتی جایگزین نشده است. چون این یگان را از نظر تأمین نیرو، استان اصفهان پشتیبانی می‌کند.» فرمانده سپاه این استان آقای رضا سیف اللهی در مورد وضعیت نیرو به آقای هاشمی گفت:« در جریان اعزام سپاهیان حضرت محمد(ص)، ۷ هزار نفر از استان اصفهان اعزام داشتیم که از میان آنها ۱۴۰۰ نفر(۴۰۰ نفر پشتیبان و ۱۰۰۰ نفر رزمی) به لشکر امام حسین(ع) داده شد.»
همچنین توان انسانی لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب(ع) برای عملیات را آقای غلامرضا جعفری ۶ گردان اعلام کرد. ایشان افزود: « از این تعداد، ۲ گردان دارای نیروی کامل نیست. همچنین ۴ گردان از آنها در خط های پدافندی مستقر هستند.» مسئله دیگری که فرماندهان بر آن تأکید کردند، ضرورت مجهز شدن سپاه به تانک و نفربر بود. از نظر فرماندهان سپاه، سخت شدن اوضاع جنگ و افزایش مواضع توأم با موانع و انواع آتش دشمن، موجب شده که ادامه جنگ به روش گذشته، تلفات سنگینی به نیروهای رزمنده و کادر عملیاتی وارد آورد، لذا برای بهره برداری از فرصت های به دست آمده که بعد از پشت سرگذاشتن خط های پدافندی متعدد دشمن حاصل می‌شود، همچنین حمله به دشمن و جابه جایی نیرو در حین عملیات، به تانک و نفربر نیاز مبرم احساس می شود.
فرمانده لشکر ۸ نجف آقای احمد کاظمی در این باره خطاب به آقای هاشمی فرمانده جنگ گفت: «ما در عملیات کربلای ۵ اگر پنج گردان تانک در اختیار داشتیم، تا کانال زوجی [پیشروی] می کردیم.» ایشان همچنین بی حفاظ بودن نیروها هنگام جابه جایی از عقبه به خط و تلفات فراوان آنها را مطرح کرد. آقای کاظمی سپس افزود:« یک دسته ۲۲ نفره پیاده وقتی فرمانده اش شهید می‌شود، رها می شوند. اما اگر تانک و نفربر باشد، آتش خمپاره ۶۰ و ۸۱ بر روی آن مؤثر نیست، ولی بچه های بسجی را [از بین می برد.]... ما باید ۲، ۳ لشکر رزمی داشته باشیم.» ایشان همچنین خطاب به آقای هاشمی گفت: « حاج آقا، الان من مشکل نیرو ندارم، من این گردان که الان دارم، معاون ندارد.... مشکل کادر ما چه شکلی باید حل شود. اگر بخواهید پیاده بجنگید، فرمانده گردان‌هایمان را از دست می دهیم.»
درباره کمبود کادر عملیات در یگان ها، آقای حسین اردستانی راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در قرارگاه خاتم مطلبی را با عنوان "خستگی فرماندهان! کمبود شدید کادر"، در دفترچه خود چنین نوشته است:« همه شهید شدند؛ از یاران سال اول جنگ بیش از چند سردار باقی نمانده، مابقی نسل دوم و سوم فرماندهان جنگ هستند. آقای مرتضی قربانی، فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که زبانزد شجاعان و از پیشگامان خیزهای بلند در عملیات ها است، امروز در گوشه ای از سنگر به برادر محسن رضایی می گفت: «آقا محسن، نمی شود یک مدت لشکر کربلا [استراحت و بازسازی کند] یکی دیگر بیاید؟ خدا می داند خسته شدیم. یک مقدار پیش آقای غلامپور(قرارگاه کربلا) و ... باشیم. حاج بصیر که شهید شد، "نوبخت" و "طوسی" هم مفقود شده اند، "نوریان" هم ستاد مشترک فشار آوردند، بروند ناحیه

نیازهای خودشان را گفتند. آنها مدعی اند امکانات کشور آن طور که باید و شاید صرف جنگ نمی‌شود. پس از بحث به نتایجی رسیدیم.

بعد از نماز مغرب آقای علی هاشمی فرمانده قرارگاه نصرت - منطقه هور و جزایر مجنون - آمد و توضیحی درباره کارهای مهندسی و دفاعی جزیره داد. آنها قسمت مهمی از هور را خشک کرده‌اند و این کار باز هم ادامه دارد. کمبودهای کمپرسی و آتش پدافند و سهمیه مهمات را گفت.

آخر شب با آقایان محسن رضایی، رحیم صفوی و روحانی درباره تداوم عملیات در شمال و محورهای قابل پیشرفت مذاکره کردیم و به نتایج خوبی رسیدیم[1]. آخر شب -

---

خراسان، ناحیه هم با ما هماهنگ نیست. این حالت در غالب فرماندهان مشاهده می شود، به همین دلیل فرماندهی به طور جدی در صدد است که یک رده کادرهای اصلی را بالا بکشد. جعفری اسدی، مرتضی قربانی، احمد کاظمی، باقر قالیباف، عبدالمحمد رئوفی، عزیز جعفری و امین شریعتی، از جمله افرادی هستند که فرماندهی در نظر دارد آنها را از رده لشکر بالا آورده و مسئولیت های فعلی آنها را به افراد دیگری بدهد. نیروی کادر نیز از مشکلات اصلی یگان ها است. در این مقطع لشکر ۸ نجف دارای ۳ گردان است گر چه "قزوین و زنجان" که پشتیبان آن بود، برداشته شده و عقبه لشکر در انحصار زنجان گذاشته شده و طبعاً کمبود نیروی لشکر تشدید می گردد، ولی برادر احمد کاظمی، فرمانده لشکر نجف می گوید: « "نیرو هم بیاید، کادر ندارم". همچنین لشکر ۱۴ امام حسین(ع) ، ۶ گردان کادر در دست دارد، یگان های دیگر نیز به همین صورت هستند و از توان لازم برخوردار نیستند. به همین دلیل به طور جدی مسئله کادر سازی و برنامه ریزی پشتیبانی در این خصوص و اصرار بر بکارگیری کادرهای موجود داخل مملکت در مدیریت واحدهای پشتیبانی یگان ها، مطرح گردیده است. آمدن کادرهای مدیریتی استان ها نیز برای عقبه سازی لشکرها و فارغ نمودن فرماندهان یگان ها از این مسائل برای پرداختن جدی تر به طرح و عملیات جنگ، مورد نظر قرار گرفته است.»

۱ - یکی از جلسات مهم جنگ، امروز با حضور آقای هاشمی در قرارگاه مرکزی سپاه تشکیل شد. در این جلسه که ابتدا به نظر می رسید اجرای عملیات در منطقه فاو مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت، مطالب مهمی عنوان شد که بیان کننده پاره ای از گره های اساسی جنگ است. در این جلسه، زمین فاو که برای عملیات سال ۱۳۶۶ انتخاب شده است، با مناطق دیگر در جنوب مقایسه شد. این مقایسه به درخواست آقای هاشمی انجام شد. ایشان از فرماندهان پرسید:« با توجه به اینکه شما هدف و استراتژی جنگ را می دانید، در شرایط کنونی، در منطقه جنوب، زمینی ارزشمندتر و بهتر از فاو سراغ دارید؟ ما می خواهیم بدانیم آیا چیز دیگری در ذهن شما هست؟» فرماندهان به خصوص فرماندهان لشکرهای ۸ نجف (آقای احمد کاظمی) و ۴۱ ثارالله (آقای قاسم سلیمانی) از بیان نظرات خود که پیش از این با فرماندهی سپاه طرح کرده بودند، امتناع کردند، زیرا برخی فرماندهان به خصوص این دو فرمانده، در مورد انجام دادن عملیات در فاو، به طور جدی ابهام داشتند و آن را بی تأثیر می دانستند و به عنوان هدف ارزشمند رد می کردند. عامل مؤثر دیگر در این باره آن است که اجرای عملیات در مناطق شلمچه، هور و زید نیز به دلیل حساسیت و هوشیاری بسیار زیاد ارتش عراق و عدم تناسب توان موجود سپاه با مقتضیات حمله در آن مناطق، امکان پذیر نیست. در پاسخ به سؤال آقای هاشمی، فرمانده کل سپاه پاسداران توضیح داد که متناسب با توان سپاه این زمین انتخاب شده است. به علاوه ، ابتدا فاو مد نظر نبود، اما پس از آنکه در شلمچه و زید غافل گیری دشمن برای عملیات فراهم نبود، به فاو توجه شده است. با این حال، در این منطقه نیز چنانچه غافلگیری میسر نباشد، انجام عملیات ناممکن خواهد بود.

علاوه بر بحث های عملیاتی، فرماندهان سپاه کوشیدند در فرصت به دست آمده، آقای هاشمی را دقیق تر و عمیق تر متوجه مشکلات یگان‌ها و جنگ کنند. از این رو با بیان مجدد مسئله زرهی به وسیله یکی دو تن از فرماندهان، زمینه طرح مسائل گشوده شد. آقای هاشمی در این مورد گفت:« تأمین قطعه تانک ها ممکن است، اما تانک به ما نمی دهند.» یکی از فرماندهان با اشاره به اینکه با زحمت و از منابع

مختلف یک سری قطعه موتور تانک و خشایار خریداری کرده اند، گفت: « ۴ گروهان تانک آماده کرده ایم، به استعداد ۴۰ دستگاه تانک و ۲ گروهان نفربر پی. ام.پی و خشایار، اما با توجه به مستهلک بودن آنها، از نصف آنها می شود در میدان عمل استفاده کرد.» آقای رضایی نیز درباره ضرورت تجهیز سپاه به زرهی، گفت: «ما تلفات بسیار عظیمی داریم می‌دهیم و نیروهای خیلی خوب اکثراً به خاطر یک ترکش از دست می روند. باید همت شود که تانک و نفربر فراهم کنیم.»

موضوع مهم دیگری که از نظر فرماندهان واجد اهمیت بود و بارها در صحبت با یک دیگر مطرح می کردند، مسئله اصلی نبودن جنگ در کشور و به کنار بودن قسمت اعظم توان مملکت از صحنه نبرد می باشد. از این رو از آقای هاشمی خواستند که مدیران کشور باید در اداره امور جبهه، فرماندهان را یاری دهند و از آنجا که جنگ، موجودیت نظام سیاسی را با خطر مواجه ساخته، همه باید در اداره آن سهیم باشند و از واگذاری مسئولیت فقط به سپاه، پرهیز شود. آقای رحیم صفوی در این باره گفت: «شما انتظار دارید فقط کادرهای سپاه ایفای نقش کنند که اکثر آنها نیز تاکنون شهید شده اند. خود من از کردستان که به جنوب آمده، ۳۰۰ نفر بودیم، به جز ۵ نفر، همه شهید شده اند. اگر برنامه این است که تا آخر بجنگید، باید برای این مسئله فکر اساسی بشود.» ایشان با لحن انتقادی افزود: « طبقه بندی موجود کشور، تقسیم بندی شده است به اینکه یک عده بجنگند و عده ای دیگر زندگی کنند.»

فرمانده لشکر۲۵ کربلا، آقای مرتضی قربانی نیز به تشریح دیدگاه های خود در این زمینه پرداخت. ایشان با اشاره به لزوم بسیج توان کشور برای اداره جنگ و آوردن نیرو و وسایل مورد نیاز جبهه از استان ها و شهرها و مانند آن، گفت:«تمام توان سپاه جمع شده برای این عملیات، من می گویم استاندار، ائمه جمعه، این ادارات که توی شهرها هستند با این سپاه هایی (نواحی کشوری) که تشکیل شده، بیایند و این مسئله حفاظت را در جنگ برطرف کنیم، این عملیات با این وضع که می بینید لو رفته است.» در توضیح منظور آقای قربانی، فرمانده سپاه ادامه داد:« ایشان [فرماندهان] می گویند امکانات سپاه نمی رسد که هم در مقابل منافقین و عراقی ها پدافند خوبی داشته باشیم و هم زمین هایی را برای عملیات آینده آماده بکنیم. استاندارها و ائمه جمعه هر کس امکاناتی دارد، بیاید توی همان سپاه ناحیه خودش و آنها را فعال کنند.»

صحبت های آقای قربانی درباره حضور استاندارها و ائمه جماعات و جذب امکانات شهرها به جنگ، واکنش منفی و توأم با عصبانیت آقای هاشمی را برانگیخت: « ما جلسه ای در مازندران با استاندار داشتیم، او گزارش داد که از دو سال پیش تاکنون ۱۵۰۰ دستگاه ماشین از امکانات استان به لشکر۲۵ کربلا داده شده است و این لشکر آن قدر وضعش خوب است که فقط ۱۰ میلیون تومان بابت خرید پسته پرداخته است. به رفسنجان هم که رفتم، لیستی که در مورد کمک به لشکر ۴۱ ثارالله دادند، چیز عظیمی بود.» آقای قربانی در تکذیب خبرهای داده شده به آقای هاشمی، گفت: « پسته کجا؟! ما برنج برای تغذیه نیروهای بسیجی نداریم!» آقای هاشمی با ناراحتی بیشتر گفت: «برعکس، من نگران هستم، این سؤالاتی که درباره کادر، تعداد گردان و ... از شما کردم برای همین بود. ببینید ما الان کشور را به حالت تهییج در آوردیم که می خواهیم بجنگیم.... پولی که اصلاً نیست در خزانه؛ واقعاً شما نمی دانید؟! ما الان در شهر شاهد صف مردم در مقابل بانک‌ها هستیم که می خواهند از بانک پول دریافت کنند، اما پول نیست. در چنین شرایطی پنج میلیارد تومان بدون حساب و کتاب از خزانه دادیم به سپاه که مشکلات یگان ها را حل کند، اما اکنون می‌بینیم شما می گویید وضع کادرمان مناسب نیست. خوب بعد از عملیات فاو، توان شما نصف این مقدار می شود و برای مرحله بعدی که باید از بسیج مردم ثمره بگیریم، لشکرهایتان استعداد جنگیدن ندارد.» مسئولان لشکرهای سپاه به نداشتن مسئولیت از طرف استان ها در جنگ، اشاره کردند و افزودند که استان ها باید برای بسیج امکانات مهندسی و ایجاد فضا و دادن امکانات آموزشی مسئولیت بپذیرند. علاوه براین، از نظر آنها مشکل جنگ فقط پول نیست، بلکه در سطح ملی باید در ابعاد مختلف به مسئله جنگ اهتمام شود. اما آقای هاشمی تأکید کرد: «در حال حاضر بیش از امکانات فعلی که به جبهه داده می شود، امکان پذیر نیست و هرچه جلوتر برویم، این آهنگ کندتر خواهد شد.»

مباحث این جلسه موجب تشکیل جلسه دیگری ـ که عده معدودی از فرماندهان در آن شرکت داشتند ـ گردید. در این جلسه هشت تن از فرماندهان عملیاتی و سه تن از فرماندهان پشتیبانی، مشکلات جنگ را با حضور آقای هاشمی بررسی کردند. برخلاف جلسه صبح، این گفتگو در جو آرام تر و با خوش و بش توأم بود. یادداشت های آقای غلامعلی رشید درباره این جلسه، مؤید این است که به طور کلی

گزارش‌ها را خواندم و دیر وقت خوابیدم.

جمعه ۲۷ آذر | ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۷

اذان صبح بیدار شدم. برای اولین بار، تلفنی با منزل صحبت کردم. یاسر به مرخصی آمده بود. ساعت هشت صبح به سوی بندر امام حرکت کردیم.

ساعت ده به محوطه پتروشیمی ایران و ژاپن رسیدیم. مدیران مربوطه در یک ساختمان بزرگی که گفتند مجموعه آن را به صورت پیش ساخته از ژاپن آورده‌اند و ظرف دو ماه نصب کرده‌اند، در جلسه‌ای جمع شدند. آقای طاهری مدیر پتروشیمی از آقای [محمد] فروزنده مسئول قرارگاه مهندسی خاتم به خاطر بردن بخشی از امکانات پتروشیمی برای جنگ انتقاد کرد. گفتم باید به اولویت دفاع مقدس توجه داشته باشند.

وقتی به انبارها رفتم که عقبه کار را ببینم، از نگهداری آن همه اجناس گرانقیمت در انبار که در معرض بمباران عراق است، بیشتر ناراحت شدم و به آنها انتقاد و اعتراض کردم. توضیحاتی نامقبولی ارائه دادند. دو ساعت از جاهای مختلف آنجا و شیمیائی رازی بازدید کردم؛ خیلی عظیم است. متاسفانه به خاطر جنگ تعطیل مانده و بارها بمباران شده است. گفتند ۱۶ بار بمباران شده. آنها برای بردن نمک و گوگرد تولیدی هم مشکل حمل و نقل دارند.

ناهار و نماز را در همانجا خوردیم و خواندیم و سپس از دریاچه های تولید نمک از آب دریا بازدید کردیم؛ جالب است. گفتند دو و نیم میلیون تن نمک موجود دارند که برداشت نمی‌شود. این نمک برای مصرف در کارخانه‌هایی بوده که هنوز راه نیفتاده است. به اهواز برگشتیم. ساعت چهار بعد از ظهر رسیدیم. کمی استراحت کردم.

آقای شمخانی از شمال غرب آمده بود. توضیحاتی درباره عملیات آینده داد که امیدوار کننده است. بعد از نماز مغرب به زرگان آمدیم و شب را مهمان نیروی زمینی ارتش بودیم. فرماندهان نیرو جمع بودند. در جمع آنها صحبت کردم و آنها خواسته‌های خود را مطرح کردند و من برای آنها توضیحاتی دادم؛ جلسه خوبی بود. شام را خوردیم و

❊دو مسئله به آقای هاشمی انتقال یافت: آموزش (با کمک گرفتن از مملکت)، عضوگیری از کادرهای قوی از بیرون سپاه (از سطح کشور) برای تقویت یگان ها.



از راست: محمد علی جعفری فرمانده قرارگاه قدس، احمد غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا، غلامعلی رشید معاون عملیات ستاد کل سپاه، علی هاشمی فرمانده قرارگاه نصرت، حسین علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه

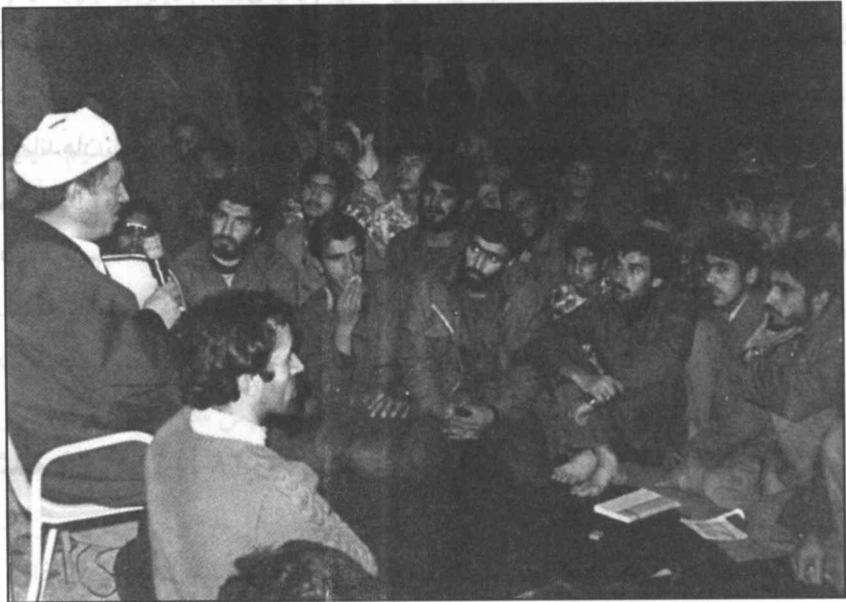
برای استراحت به گلف آمدیم و این خاطرات را نوشتم[۱]، استحمامی و خواب.

شنبه ۲۸ آذر | ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۷

قبل از اذان صبح بیدار شدم. رادیو را تا اخبار ساعت هفت روشن کردم. صبحانه را با -

---

۱ - خبرگزاری فرانسه در مقاله ای با عنوان "دیپلماسی ایران در سال ۱۹۸۷" نوشته است:« دیپلماسی ایران در سال ۱۹۸۷، سال بی نهایت دشواری را پشت سرگذارده است. ایران در برابر قطع روابط با لندن و پاریس، بسیج جامعه بین المللی در سازمان ملل جهت صلح ایران با عراق و واکنش های شدید جهان عرب پس از وقایع مکه، همواره در موضعی تدافعی قرار داشته است. رسوایی ماجرای "ایران گیت"، تحریم اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در کویت و بالاخره افزایش حملات علیه کشتی ها در خلیج [فارس] به ضرر موفقیت های پیشین ایران تمام شده و باعث گردیده که تهران بار دیگر همانند زمان بحران گروگان آمریکایی در سفارت آمریکا در تهران، از سوی کشورهای دیگر طرد شود. تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، نقطه عطفی در جنگ به شمار می رود و مبارزه ای علیه دیپلماسی ایران محسوب می شود. این محاصره دیپلماتیک ایران، کمی پیش از ورود ناوهای جنگی آمریکا به خلیج [فارس] صورت گرفت. در آن زمان تهران تصمیم گرفت تا حداکثر ممکن از مقابله اجتناب ورزد و با فراخواندن طرف های [دوستان] سنتی خود و با ایجاد پیوندهای جدیدی - از جمله با اتحاد شوروی - به دیپلمات های خود مأموریت داد تا این انزوا را درهم شکنند.»



سخنرانی برای رزمندگان اسلام

حضور آقایان روحانی، سعدی، جمالی و انصاری فرمانده هوانیروز صرف کردیم و سر سفره، درباره جنگ و نیروی زمینی صحبت شد. به آنها که امکانات بیشتر می خواستند، گفتم با انجام حملات جدی و کسب موفقیت، زمینه کمک بیشتر را فراهم کنند. آقای انصاری نیازهای هوانیروز و مشکلاتش را با سپاه گفت.

با اتومبیل از طریق بهبهان، گناوه و به سوی بندر بوشهر حرکت کردیم ولی پس از بهبهان، از راه اشتباهی رفتیم و در جاده‌های خاکی و فرعی افتادیم و سر از جلگه‌ای بنام زیدون درآوردیم. در کنار روستای اسلام آباد که به جای چند روستای مخروبه از سیل ساخته شده در صحرا و کنار رودی توقف کردیم و پس از نماز و ناهار برگشتیم و بعد از مدتی سرگردانی در جاده های خاکی به جاده آسفالته دوگنبدان رسیدیم و در راه گناوه افتادیم.

نزدیک غروب به گوره محل تلمبه خانه عظیم ارسال نفت به خارک رسیدیم. از تلمبه خانه‌ها و محل‌های اصابت موشک و بمب‌های عراقی بازدید کردیم. نیروی زیادی صرف پدافند غیر عامل شده است. چند تلمبه سالم است و با دقت دفاع می‌شود. از آنجا به گناوه

رفتیم و غروب رسیدیم. بنزین زدیم و به طرف بوشهر راه افتادیم. در بین راه ماشین حامل ما خاموش شد و نتوانستیم روشن کنیم. با ماشین دیگری به حرکت ادامه دادیم. ساعت هفت و نیم به بوشهر رسیدیم و در مهمانسرای پایگاه نیروی هوایی اقامت کردیم.

فرماندهان نیروهای دریایی و هوایی هم آمده بودند و پس از استراحت و نماز، شام را با حضور آنها و مسؤولان عقیدتی و سیاسی دو پایگاه هوایی و دریایی و فرماندهان دو پایگاه صرف کردیم. معمولاً در سفرهای محرمانه هم فرماندهان عقیدتی سیاسی را خبر می کنند، مثل اینکه چشم می زنند! در اخبار، تظاهرات فلسطینی ها علیه اسرائیل در اراضی اشغالی، شدت گرفتن جنگ و کشتی زدن‌ها در خلیج‌فارس در اوج است.

یکشنبه ۲۹ آذر | ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۷

قبل از اذان صبح بیدار شدم و به رادیو که قرآن تلاوت می کرد، گوش دادم. بعد از نماز صبح و شنیدن اخبار رادیو آمریکا و صرف صبحانه به محل راداری که چند روز پیش موشک خورده و تعمیر شده و از دیروز به کار افتاده است، رفتیم.

از آنجا به [نیروگاه] انرژی اتمی رفتیم و از آثار تخریب حملات هوایی عراق بازدید کردیم. حدود سی بمب و موشک طی سه حمله به سوی تاسیسات انرژی اتمی اصابت کرده که ده عدد آنها موثر بوده و به بخشی از ساختمان ها و تاسیسات آسیب وارد کرده، ولی قابل جبران است. پدافند ضعیف عمل کرده است.

سپس از اسکله‌ای بازدید کردیم که از سازمان انرژی اتمی است و بین دو نیروی دریایی ارتش و سپاه، برای استفاده از آن اختلاف است. توصیه کردم که همراهی داشته باشند. ارتش چهار دستگاه مین روب قدیمی دارد که خیلی هم موثر نیستند و سپاه چندین قایق دارد.

از آنجا با هلی کوپتر به سوی کنگان حرکت کردیم. در مسیر، سواحل خلیج‌فارس را از بوشهر تا آنجا بازدید کردم. از منطقه خورموج و بردخون گذشتیم؛ دیدنی است. جاده خاکی ساحلی دارد که روستاها را به هم وصل می کند. مردم نوعاً ماهیگیرند و تعدادی نخل دارند. قسمت‌های شمالی تر بهترند. بندرهای دیر و کنگان را از آسمان دیدیم.

در محل طرح گاز کنگان فرود آمدیم. مهندسین آمدند و توضیح دادند. جالب است.

می گویند حدود سیصد میلیارد متر مکعب گاز دارد و بناست بعد از تکمیل دو فاز، روزانه هشتاد میلیون متر گاز از آن استحصال شود. از یک چاه در حال تکمیل و از یک مرکز تفکیک گاز و تاسیسات آبی بازدید کردیم و توضیحات دادند. سپس به محل پالایشگاه رفتیم. نماز خواندیم و ناهار خوردیم.

مهندس حیدری، توضیحات پالایشگاه را داد و خود تاسیسات را هم دیدیم. مهندس کوپائی و مهندس طاهری شیرازی و مهندس عظیمیان و مهندس توکلی هم توضیحات دادند.

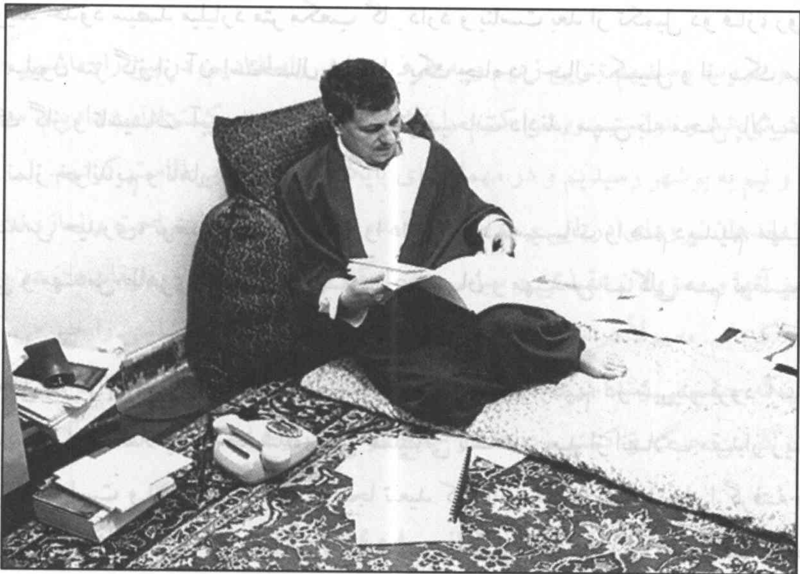
با هلی کوپتر به سوی بندر طاهری و سپس سایت شیرینو رفتیم. در شیرینو فرود آمدیم. این سایت قبل از انقلاب ساخته شده، ولی عملیاتی نشده و بعد از انقلاب مقدار زیادی تخریب شده است و اخیراً معتادها را به آنجا تبعید کرده‌اند. سپس سپاه آنجا را گرفته و دو سه روز است که نیروی هوایی به آنجا وارد شده و بناست در چند روز آینده رادار آنجا را فعال کنند که برای دفاع در مقابل نفوذ هواپیماهای عراق به جنوب خلیج فارس موثر باشد. حضور سپاه جدی نیست. گویا فقط قصد تصرف آنجا را داشته‌اند.

از آنجا بر فراز عسلویه و نای بند و گاوبندی پرواز کردیم و سپس به جزیره لاوان رفتیم. حدود یکساعت از تأسیسات نفتی بازدید کردیم: اسکله ها، انبارهای نفت، کمپ ها، سایت و پالایشگاه و... و توضیحاتی درباره منابع و مراکز نفتی‌مان در خلیج فارس شنیدیم. اطلاعات مفید و جالبی بدست آمد.

شب از فرودگاه، با هواپیمای فالکون پرواز کردیم. از فانوس ها برای پرواز شب روی باند استفاده کردند. به خاطر اینکه چراغ ندارد، اجازه دادیم که خاموشی را دیگر مراعات نکنند و جزیره را روشن کردیم.

چندین حمله هوایی عراق به جزیره و سکوهای نفتی و حمله اخیر آمریکا به سکوی نفتی باعث شده که تولید نفت در این منطقه به کلی تعطیل شود. ساعت نه شب به تهران رسیدیم.

هواپیمای محافظانم در شیراز فرود آمده است. هوا خوب نبود. با لباس نظامی به خانه آمدم. بچه‌ها مهمان محسن بودند. محسن شام من را آورد؛ جای یاسر خالی است. با خبر شدیم که عملیات دیشب نیروی زمینی ارتش در زبیدات موفق نبوده است. می گویند علت آن بارش باران بود.



دوشنبه ۳۰ آذر | ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۸ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۷

امروز برای استراحت و هم برای انجام کارهای عقب افتاده زمان سفر، در منزل ماندم. آقای شیخ محمد هاشمیان آمد. اوضاع نوق و درگیری هائی به وجود آمده را توضیح داد. طبق معمول آن را توطئه‌ای عمیق علیه خودش می‌داند.

عصر قاسم صفریان و دادستان رفسنجان برای همین مطالب آمدند. گفتم تحقیق کنند تا به حقیقت مطلب برسند. با آقای خامنه ای و احمدآقا تلفنی صحبت کردم و به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ نرفتم.

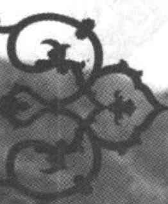
جواب امام به استفتای صداوسیما، مشکلی را که در اثر تردید بعضی ها در مشروعیت فیلم‌های صداوسیما و آهنگ‌های موسیقی پیش آمده بود، برطرف کرد[1].

با سرهنگ ترابی و سرتیپ حسنی سعدی و سرهنگ جمالی، درباره عملیات پریشب و دیشب ارتش صحبت کردم. پریشب موفق به الحاق نشده‌اند، با اینکه در بعضی محورها، اهداف خود را گرفته‌اند و علت عدم توفیق را باران شدید معرفی می کنند. ولی دیشب عملیات محدودشان موفق بوده و خواستند که به نام نصر ۱۰ نامیده شود و برنامه رادیو فوق‌العاده شود؛ قبول کردم.

---

۱ - متن کامل استفتای صداوسیما و پاسخ حضرت امام (ره) در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

مناطق عملیاتی در جبهه شمال - کردستان عراق



دی ۱۳۶۶

سه‌شنبه ۱ دی | ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۰۸ | ۲۲ دسامبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس رفتم. در گزارش‌ها مسأله مهمی نبود. در جلسه علنی قبل از دستور از آقای منتظری به خاطر اعلان راهپیمائی برای حمایت از مردم فلسطین و از نیروی زمینی به خاطر عملیات جدید تشکر کردم.

تا ده و نیم در جلسه بودم. به خاطر یک هفته مسافرت، مراجعه نمایندگان زیاد بود. بعد از تنفس تا شب، برای انجام کارهای عقب افتاده در دفترم کار کردم.

[آقای رفیق دوست] وزیر سپاه آمد و برای خرید ۴۶ میلیون دلار برای امور جنگ امضاء گرفت. جلسه سران قوا در منزل احمدآقا بود. گزارش سفر و برنامه های جنگ را دادم. امام در جلسه شرکت کردند. از فتوای جدیدشان در مورد فیلم های خارجی و داخلی و آهنگ‌ها که جواب اعتراضات خشک مقدس‌ها را دادند، تشکر کردیم. ایشان هم تاکید بیشتری بر حلیّت آنها نمودند[1].

---

۱ - آقای محمد هاشمی، رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی، در نامه ای به محضر حضرت امام (ره) در خصوص پوشش اسلامی زنان در برنامه های تلویزیونی، پخش برنامه های ورزشی مانند کشتی و فوتبال که در آن قسمتی از بدن ورزشکار پوشیده نیست و حکم شرعی نگاه کردن به چنین برنامه هایی، استفتاء کرده بود. همچنین آقای اسماعیل فردوسی پور، عضو شورای سرپرستی سازمان صداوسیما، در نامه دیگری، به شکایات امت شهید پرور از پخش برخی فیلم های خارجی یا تولید داخلی و سریال هایی مانند "پاییز صحرا"، "آینه" و "نفوذ" و پخش آهنگ های موسیقی اشاره کرده و از ایشان کسب تکلیف نموده بود. امام خمینی (ره) در پاسخ به این دو نامه، چنین مرقوم کردند: «بسمه تعالی ـ نظر نمودن به این قبیل فیلم ها و نمایشنامه ها، هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد. و همین طور فیلم های ورزشی و آهنگ ها اکثراً بی اشکال است. گاهی خلاف به طور نادر دیده می شود، که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود: اول آنکه کسانی که گریم می کنند، باید محرم باشند و اجنبی حرام است، چنین کاری را انجام دهد. دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند. روح الله الموسوی الخمینی - ۳۰ آذر ۱۳۶۶.» متن نامه

آیت الله خامنه‌ای گزارش مذاکره با [آقای فاروق الشرع] وزیر خارجه سوریه را که امروز به ایران آمده است، دادند. او گفته پیشنهاد کنار آمدن با عربستان را دارد. سوری ها با بی زبانی می‌خواهند بگویند که نمی‌توانند تا این حد با ما همراهی کنند؛ خیلی تحت فشار عرب‌ها هستند[1].

احمدآقا اطلاع داد که آقای [لطف الله] صافی، دبیر شورای نگهبان، نامه‌ای به امام نوشته و بر فتوای اخیر امام در خصوص حق دولت در تحمیل شرایط بر بخش خصوصی که از امکانات دولت استفاده می کنند، اعتراض کرده و امام جواب داده‌اند[2] و اضافه کرده‌اند دولت حق تصمیم درباره انفال را هم دارد و نظرش این بود که به نمایندگان اطلاع بدهیم. دیر وقت به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲ دی | ۱ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۲۳ دسامبر ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل بودم. اخبار را خواندم. به مجلس رفتم و تا شب برای جبران چند روز مسافرت در دفترم کار کردم. ظهر آقای [سید حسین] موسویان آمد و درباره -

---

☜کامل نامه رئیس سازمان صدا و سیما و عضو شورای سرپرستی و پاسخ امام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۴۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ - منابع خبری، سوریه را داوطلب میانجی گری میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس معرفی می کنند. روزنامه "تایمز" در این باره نوشت:« رفت و آمد وزیر خارجه سوریه بین ریاض و تهران و همچنین اقدامات دمشق و بغداد در بهبود روابط دو جانبه، این نظریه را که سوریه نقش میانجی را به عهده گرفته تقویت کرده است.» رادیو بی بی سی درباره دیدار وزیر خارجه سوریه از ایران گفت : « آقای فاروق الشرع در تهران با رئیس جمهور [آیت الله] خامنه ای ملاقات کرده است. در یک هفته گذشته این دومین دیدار آقای الشرع از تهران است و در بین این دو سفر آقای الشرع، سه روز پیش در ریاض با رهبران سعودی مذاکراتی انجام داده است.

۲ - در پی استفتای آقای ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر کار و امور اجتماعی که پرسیده بود آیا دولت می تواند برای واحدهایی که از امکانات و خدمات عمومی دولت استفاده می کنند، شروطی الزامی مقرر کند، حضرت امام(ره) فتوا داده بودند که دولت می تواند شروط الزامی مقرر نماید. در پی آن آیت الله صافی گلپایگانی دبیر شورای نگهبان، در نامه ای این فتوا را موجب نگرانی اقشار، اصناف و اشخاص عنوان کرده بود که نظامات اسلام از مزارعه، اجاره، تجارت عائله و سایر روابط به تدریج عملاً منع و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد. امام خمینی (ره) در پاسخ به این نامه، بر فتوای خود تأکید کرده و فرمودند که این مساله اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است، ندارد، بلکه در "انفال" که در زمان حکومت اسلامی امرش با حکومت است، می تواند بدون شرط یا با شرط الزامی این امر را اجرا کند. متن کامل نامه وزیر کار و دبیر شورای نگهبان و فتوای حضرت امام(ره) در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید. رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۳۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۹۹۰۹

[illegible]

نامه آیت الله صافی گلپایگانی دبیر شورای نگهبان و پاسخ حضرت امام خمینی(ره)

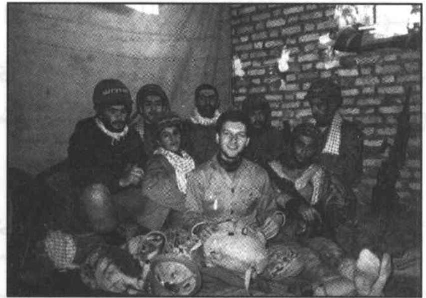
امور اداری مجلس مطالبی داشت. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.
شب آقای کروبی گفت یکی از دکترهای ایرانی مقیم آلمان برای شفاعت جهت آزادی گروگان آلمانی در لبنان آمده است. آقای محسن رضایی تلفنی به تماس ماموران اطلاعات با مبارزان کرد عراقی اعتراض داشت، که به آقای ری‌شهری گفتم هماهنگ با سپاه باشند.
دکتر روحانی تلفنی از پخش وضع هوا در اخبار، به خاطر مسایل جنگ، شکایت کرد. شب تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. بچه‌ها مهمان فاطی بودند. آش رشته در یخچال بود. گرم کردم، خوردم و خوابیدم.

پنجشنبه ۳ دی | ۲ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۲۴ دسامبر ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس رفتم. دیشب عراق به ترمینال لارک در تنگه هرمز حمله کرده و چند کشتی نفتی آسیب دیده اند[۱]. باران می‌بارید. جلسه علنی با تاخیر شروع شد. چون هر دو نایب رئیس در سفر بودند، تا ظهر در جلسه ماندم. در تنفس آقای سعیدیان آمد و برای اصلاح ترکیب شورای سرپرستی نمایندگان آقای منتظری در دانشگاه‌ها مشورت کرد؛ آنها همگی منتسب به یک خط هستند.
ظهر آقای سنجقی، برای امور جنگ آمد. آقای خاکپور، معاون فرمانده زرهی سپاه آمد. او از تفرق تانک‌ها و نفربرها در واحدها شاکی بود و معتقد است باید در تشکیلات منسجمی متمرکز شوند.
آقازاده وزیر نفت آمد. درباره پتروشیمی و گاز کنگان نظراتی دادم. او خواستار -

---

۱ - حمله شب گذشته عراق به چند سوپر تانکر در ترمینال "لارک" واقع در تنگه هرمز، انعکاس قابل توجهی در رسانه های انگلیس داشته است. براساس این گزارش ها، هواپیماهای عراقی توانسته اند در حمله به ترمینال گلارک - که در ۱۲۰۰ کیلومتری خاک عراق و در نزدیکی "تنگه هرمز" قرار دارد - به بزرگترین نفتکش جهان و دو سوپر تانکر دیگر در ترمینال "لارک" آسیب برسانند و آنها را به آتش بکشند. انگلیس رسماً به حمله دیشب عراق به دو نفت کش متعلق به شرکت های انگلیسی اعتراض کرد. "محمد المشاط" سفیر عراق در لندن، امروز به وزارت خارجه انگلیس احضار شد و اعتراضی در خصوص حمله به سوپر تانکر "برمه اینترپرایز" و سوپر تانکر "ورلد پتروبراس" - که هر دو در اجاره ایران بودند - به وی تسلیم شد. وزارت خارجه انگلیس همچنین به نماینده حکومت بغداد گفت که انگلیس حق مطالبه خسارات را برای خود محفوظ می‌داند. یک سخنگوی وزارت خارجه در لندن به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت که عراق با این تهاجم، قطعنامه لازم الاجرای ۵۹۸ سازمان ملل متحد را آشکارا نقض کرده است.















صحنه‌هایی از حضور رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ

معافیت امکانات نفت از حکم ۲۰ درصد برای جبهه شد. بعد از خواب [نیمروزی]، از ساعت سه تا هشت شب در دفترم کار کردم. از آقایان شمخانی و رضایی درباره عملیات خبر گرفتم[1]. آنها منتظر کار مهندسی هستند. به آقای [محمد] فروزنده و [غلامرضا] فروزش تاکید کردم که در کارشان تسریع شود.

به خانه آمدم. یاسر از پادگان آموزشی آمده است؛ خوشحال شدم. مهدی هم طرحی ارائه می‌دهد که با جمعی از دوستانش که از فرزندان مسؤولان هستند، رابط بین من و فرماندهان گردان‌ها در خط عملیات باشند.

جمعه ٤ دی | ۳ جمادی الاول ۱٤۰۸ ۲۵ دسامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده ونیم در منزل برای خطبه‌های جمعه کار کردم. خطبه اول را درباره نظرات و فتواها و احکام مهم امام در سال اخیر صحبت کردم که عمدتاً این نظرات و فتواها در جهت خلاف نظرات شورای نگهبان است و در خطبه دوم از نهضت اخیر فلسطینی ها در خاک فلسطین، جنگ و شورای امنیت صحبت کردم[2]. ظهر بستگان مهمانمان بودند.

---

۱ - رادیو اسرائیل در مورد حمله آینده ایران گفت: «انتظار می رود حکومت اسلامی بار دیگر با استفاده از امواج انسانی، در جبهه بصره به یک حمله جدید علیه عراق دست بزند.» روزنامه واشنگتن پست نیز در این باره به نقل از تحلیل گران خود پیش بینی کرد که ایران، فعالیت جنگی‌اش را با یک سلسله حملات فریبنده جهت غافلگیر کردن عراقی ها و منحرف ساختن نیروهای مدافع بصره به دیگر نقاط جبهه های نبرد، آغاز خواهد کرد. اما سرلشکر محمد فوزی وزیر دفاع سابق مصر گفته است:« رهبران ایران باید نفوذ در جبهه زمینی عراق را از محاسبه خود خارج کنند، زیرا جبهه زمینی عراق بسیار مستحکم گردیده و ایران نمی تواند از آن عبور کند.» وی سپس تأکید کرده است: « نتیجه حمله ای که ایران خود را برای انجام آن بر ضد عراق آماده می کند، شکست خواهد بود.» صدام حسین نیز در اظهاراتی که خطاب به دانش آموزان در دبیرستان "الکندی" بغداد ایراد کرد، طبق معمول شکست ایران در عملیات آینده را مفروض قلمداد کرد. وی گفت: « وضع ما از نظر مهمات و اسلحه، چه از لحاظ کیفیت و چه از لحاظ کمیت، در حال حاضر بیشتر و بهتر است. تعداد افراد ارتش ما از تاریخ نبرد عظیم (اشاره به کربلای ۵) در سال گذشته و تا به حال افزایش یافته است؛ گارد ریاست جمهوری و ارتش توسعه یافتند. همچنین سطح آموزشی این دو از سطح نبردهای حصادالاکبر(دروی بزرگ) بهتر شده است، ولی دشمن در تمامی این زمینه ها به عقب برمی‌گردد. ما بایستی عزم مردان مان را جزم نماییم و به حد اعلای خود برسانیم، زیرا نبرد آینده به یاری خداوند، چیدن نتایجی خواهد بود که به خاطر آنها در طول هشت سال، مبارزه و جهاد نمودیم.»

۲ - آقای هاشمی در خطبه دوم، بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد را تهدید کننده و در عین حال دو پهلو و با وعده و وعید توصیف کرد. ایشان روش شورای امنیت را غلط خواند و افزود: « اینکه در لفافه تهدید می کنید که اگر تلاش های چند هفته آینده دبیر کل نتیجه نداد، متوسل به قطعنامه دوم جهت تحریم می شویم، حرف تازه ای نیست. بیشتر از آن را قبلاً زده اید و بالاترش را عمل کردید.» آقای هاشمی با اشاره به ثبت نام نیروهای مردمی برای حضور در جبهه ها، گفت: « در صورت تحریم تسلیحاتی ایران، ما نیز صبر را کنار

عصر محسن درباره پیشرفت و نواقص مرکز موشکی صحبت کرد. فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] و جانشین او آمدند. برای عملیات آینده کمک خواستند و از دستور امام در خصوص واگذاری ۱۰درصد هلی‌کوپترهای هوانیروز به سپاه اظهار نگرانی کردند.

همشیره فاطمه و بستگان آمدند. چند نامه برای حل مشکل مردم داشتند؛ این گونه مراجعات زیاد است و به خاطر رفع گرفتاری‌های مردم، نمی‌توانم جواب رد بدهم.

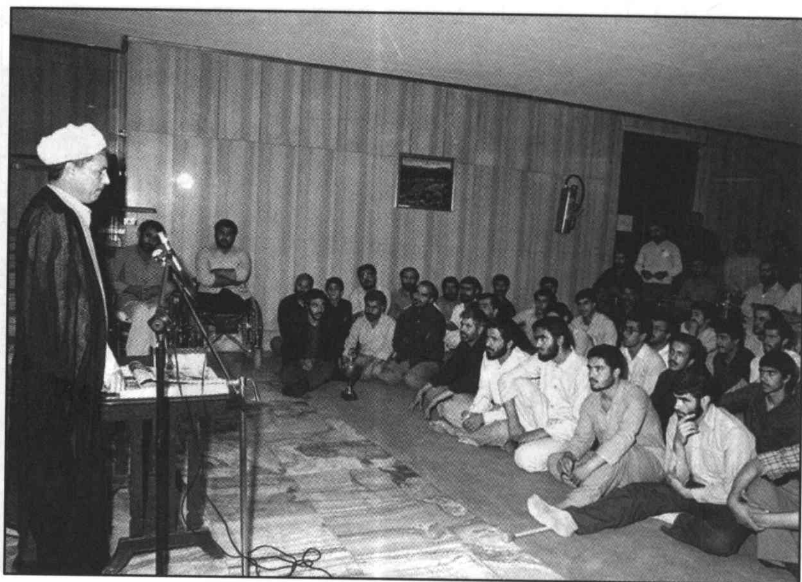
شنبه ۵ دی | ٤ جمادی الاول ۱٤۰۸ | ۲۶ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رفتم و تا عصر به انجام کارها پرداختم و چند ملاقات کوتاه داشتم. عصر به دانشگاه تهران رفتم و برای جمعی از دانشجویان داوطلب که عازم جبهه بودند، صحبت کردم[1].

گذارده و اقدام به حمله های وسیع خواهیم کرد. ما راه را برای شما باز کردیم، گفتیم بیایید متجاوز را اعلام بکنید، مسئول جنگ و خرابی‌های ناشی از جنگ را مشخص کنید و برنامه تشکیل دادگاه صالحی را برای محاکمه متجاوز تنظیم و فراهم کنید و مشخص شود که تا چه زمانی حقوق جمهوری اسلامی داده می شود و متجاوز کیفر خواهد دید ؛ دیگر احتیاجی به شورای امنیت و حضور کشتی ها در خلیج‌فارس و تهدیدات و این ارعاب ها ندارید. و اگر غیر از این باشد، باید شما بیایید از روی نعش همه ما عبور بکنید.»

خبرگزاری فرانسه سخنان آقای هاشمی را این چنین گزارش کرد: « آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران، روز جمعه خاطر نشان کرد که تحریم اسلحه علیه ایران، به معنی تحریم علیه خلیج [فارس] خواهد بود. آقای رفسنجانی در واکنش به شورای امنیت که روز پنجشنبه بر ضرورت اعمال مجازات علیه ایران در صورت عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تأکید کرده بود، گفت:« اگر شما به خلیج [فارس]، دریای "عمان" و نفت نیاز ندارید، می توانید به تحریم اسلحه علیه ایران فکر کنید، زیرا در صورت تحریم علیه ایران، تمامی بنادر خلیج [فارس] از کار افتاده و ویران خواهند شد. آقای رفسنجانی سپس شرایط ایران را برای دستیابی به آتش بس مبنی بر معرفی متجاوز و مجازات آن توسط یک دادگاه صالح، تکرار کرد و افزود که در غیر این صورت، شما باید از روی اجساد مردم ایران عبور کنید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - اولین مرحله از طرح اعزام شش ماهه دانشجویان مشمول به جبهه ها، با حضور فرمانده جنگ، از محل دانشگاه تهران انجام شد. در نخستین مرحله از این طرح، گردان های دانشجویی از دانشگاه های سراسر کشور تحت عنوان سپاهیان حضرت امیر(ع) آماده پیوستن به صفوف رزمندگان اسلام شدند. این گروه از دانشجویان قبل از عزیمت به مراکز آموزشی، در مراسم باشکوهی در دانشگاه تهران شرکت کردند. با انجام این مراسم دانشجویان با بدرقه آقای هاشمی نماینده امام در شورای عالی دفاع و با سردادن شعار کوبنده "جنگ، جنگ، تا پیروزی"، عازم مراکز آموزشی شدند. آقای هاشمی در این مراسم سخنان کوتاهی پیرامون موفقیت نبرد در جبهه‌های جنگ تحمیلی، انگیزه های قدرت های بزرگ برای صف آرائی در مقابل انقلاب اسلامی و نیز هدف از اجرای طرح اعزام شش ماهه دانشجویان به جبهه‌های جنگ ایراد کرد. نماینده امام در شورای عالی دفاع طی سخنان خود موقعیت کنونی جنگ تحمیلی را لحظاتی حساس و سرنوشت‌ساز توصیف کرد و خطاب به دانشجویان گفت: «شما عزیزان در شرایطی عازم جبهه ها هستید که حساسیت اوضاع در

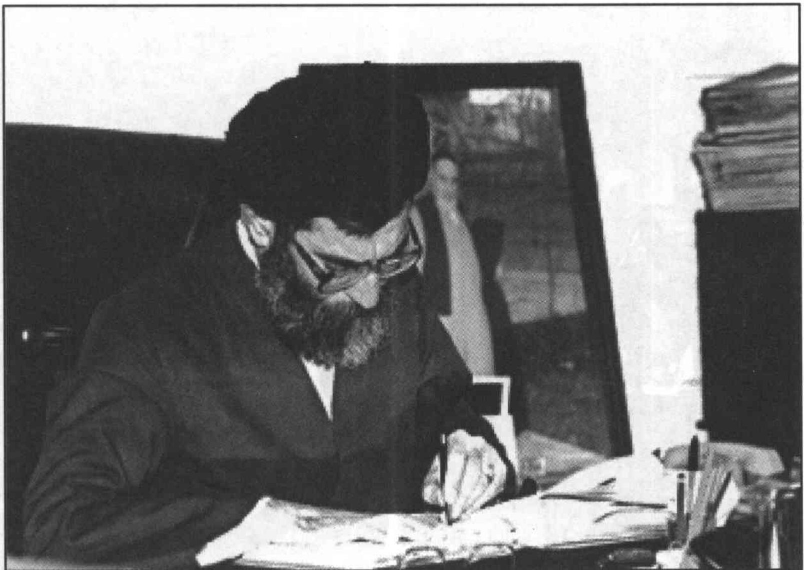


شب سران قوا، مهمان من در مجلس بودند. [آقای محتشمی پور] وزیر کشور آمد و راجع به اجرای لایحه احزاب مشورت کرد. قرار شد آیین نامه ها تهیه شود. درباره اجرای انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور، قرار شد از امام کسب اجازه بشود. در مورد نهضت آزادی و جریان های دیگر که تحت عنوان حزب فعالیت دارند، قرار شد در جلسه دیگری صحبت شود.

اعضای کمیسیون برنامه و بودجه آمدند. از تصویب بودجه برای جنگ در شورای عالی پشتیبانی جنگ انتقاد داشتند و مدعی بودند این کار، برنامه و بودجه را به هم می‌زند. گفتم اولاً نیازهای جنگ در اولویت است و ثانیاً آن تصویب، متکی بر منابع غیر دولتی است. درباره جنگ برای سران قوا توضیحاتی دادم.

آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواهند به جبهه بروند. قرار شد بعد از مراجعت من بروند. آقای خامنه‌ای، سئوالی از امام کرده بودند درباره جواز آوردن مناظری در تلویزیون که ممکن

جبهه‌ها در طول تاریخ جنگ بی نظیر است و جنگ تحمیلی به لحظات سرنوشت سازی رسیده است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



است ناظرین را تحریک کند که امام جواب سیاسی داده بودند؛ در حد همان جواب قبلی[۱].
دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۶ دی | ۵ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۲۷ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. کمی باران می‌بارید. تا ساعت ده و نیم در جلسه بودم. [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر آمد و لایحه بودجه سال ۶۷ را آورد. صحبت کردم و تشکر نمودم[۲]. بعد از تنفس، از کلاس سوادآموزی بی سوادهای مجلس بازدید

---

۱ - آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور، در نامه ای به محضر حضرت امام(ره)، به فتوای ایشان در پاسخ به آقای محمد هاشمی رئیس سازمان صدا وسیما اشاره کرده و در خصوص موقوف شدن تماشای فیلم ها به عدم شهوت انگیز بودن، پرسیده بودند، آیا مسئولان صداوسیما وظیفه دارند که آنچه برای بسیاری از مردم شهوت انگیزاست، پخش نکنند، امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: "بسمه تعالی ـ هر کس با تماشای این فیلم ها دچار شهوت شود، باید اجتناب کند و هر کس با شهوت به این فیلم ها نگاه کند، مرتکب گناه شده است. روح الله الموسوی الخمینی ۱۳۶۶/۱۰/۳۰ » متن کامل نامه آیت الله خامنه ای در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۴۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - در مراسم ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۶۷ به مجلس، آقای موسوی نخست وزیر، درباره جنگ، حضور آمریکا در خلیج فارس و تلاش این قدرت جهانی به تحمیل صلح خود خواسته به ایران و برنامه های دولت در این اوضاع بحرانی و اضطراری، مطالبی بیان کرد. ایشان

کردم و نیم سکه [بهار آزادی] به معلم دادم. از مرکز تلفن پانصد شماره‌ای، موتور خانه و تهویه هم بازدید کردم. ظهر هیأت پارلمانی مان که به بلغارستان رفته بود، آمد و گزارش سفر داد.

آقای سعیدی مسئول حفاظت سپاه آمد. گزارش هائی از تخلفات در سپاه داد و برای حل مشکل خود با فرماندهان سپاه استمداد کرد. شب تا ساعت هشت در مجلس کار کردم و سپس به خانه آمدم. گزارش‌ها را خواندم. قرار سفر به جبهه را با پاسدارانم گذاشتم.

دوشنبه ۷ دی | ٦ جمادی الاول ١٤٠٨ | ۲۸ دسامبر ۱۹۸۷

ساعت هشت ونیم صبح به دفتر رئیس جمهور رفتم. شورای‌عالی پشتیبانی جنگ تا ظهر جلسه داشت. برای جهاد مالی و مسائل دیگر تصمیم گیری شد. قرار شد دویست میلیون دلار ارز دولتی را در راه جذب ریال برای جنگ مصرف کنیم.

ظهر آقای [محی الدین] فاضل هرندی آمد. از طرف من برای رسیدگی به مسائل سپاه زرهی شهر اصفهان رفته بود که به خاطر ادعای نفوذ عوامل سید مهدی‌هاشمی، مورد

حضور آمریکا در خلیج فارس را ناشی از تحقیر این کشور در ماجرای مک فارلین و نیز واکنشی در برابر پیروزی ایران در عملیات "کربلای ۵" دانست. او گفت هدف آمریکا از این حضور، تحمیل صلح به ایران است و نیز ناتوانی عراق در قطع صادرات نفت ایران را انگیزه دیگری برای حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس برشمرد و تأکید کرد که ایران سیاست مقابله به مثل خود را حتی با حضور ناوگان‌های قدرت های بزرگ، ادامه خواهد داد. مهندس موسوی افزود که دولت برای مقابله با تهدیدات احتمالی آمریکا، هفت کمیسیون تشکیل داده و طرح هایی را آماده کرده که ایشان از آن به عنوان "اسناد ذی قیمت" نام برد.

نخست وزیر همچنین گفت:« خط کلی حاکم بر این برنامه ها، همان خطی است که رهبر بزرگ انقلاب ترسیم کرده اند: خط مقاومت تا آخرین خانه، آخرین نفر و آخرین قطره خون.» آقای موسوی در تشریح صنایع دفاعی کشور گفت: « مهمات خمپاره اندازهای مختلف و انواع نارنجک جنگی و مشقی که در کشور ساخته می شود، تولیدات آن در حدی است که نیاز به خرید مهمات مذکور از خارج را تقریباً از بین برده است. در زمینه صنایع موشکی، علاوه بر ساخت کامل انواع موشک های مختلف مینی کاتیوشا، ضدتانک ـ از جمله تاو ـ زمین به زمین، زمین به هوا، هوا به زمین و زمین به دریا، اکنون قطعات مختلف موشک های خارجی و نیز ابزار و وسایل موشک اندازها در حجم قابل توجهی در کشور تولید می شود. ساخت انواع تریلرهای دریایی، اسکله های مختلف، پل های شناور، انواع یدک کش و شناور و لندیکرافت و لنج در ظرفیت های بین ۱۰۰ تا ۷۵۰ تن با بدنه های چوبی و فولادی و نیز موتور "واتر جت" به تعداد قابل توجه، قسمتی از فعالیت هاست که در زمینه صنایع دریایی انجام می گیرد، در صنایع هوایی، سپاه توانسته است بخش قابل توجهی از نیازهای رزمندگان اسلام را با هواپیماهای کوچک بدون سرنشین، سیستم‌های رادیویی، کنترل را داری و کنترل زمینی برآورده سازد. ساخت بدنه انواع هواپیماهای کوچک، هواپیماهای قابل برنامه ریزی و لانچرهای پرواز نیز در این گروه انجام می شود.»

تصفیه قرار گرفته است. نظرش این بود که سخت گیری‌ها بی مورد است.

آقای روحانی آمد. راجع به سفر به جبهه مذاکره کردیم. عصر با تلویزیون [ان. بی. سی] آمریکا مصاحبه داشتم[1]. [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد و از قلت بودجه امسالش گفت. آقای سنجقی آمد. قرار شد سفر به جبهه را یک روز به تاخیر بیندازیم و راهمان هم عوض شد[2].

ساعت هفت صبح به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. درباره سپاه و ارتش مذاکره کردیم. ایشان از من می‌خواهد که مسئولیت تمشیت امور سپاه و ارتش را با هم به عهده بگیرم و من هم همین را از ایشان می‌خواهم. چون روابط ایشان با سپاه به خوبی ارتش نیست و خوف این است که در جنگ تاثیر منفی بگذارد. اگر این اشکال نبود، مناسب بود که مسئولیت جنگ هم به عهده ایشان باشد. درباره آینده ارتش و سپاه هم مذاکره را برای اولین بار شروع کردیم و قرار شد این مذاکره ادامه پیدا کند تا به نتیجه برسیم. به خانه آمدم. سریال آینه را تماشا کردیم.

سه‌شنبه ۸ دی | ۷ جمادی الاول ۱۴۰۸ — ۲۹ دسامبر ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی بودم. به خاطر روند مخالفت با تسهیلات جهاد سازندگی، ناچار شدم به تندی حرف بزنم و روال اصلاح شد. در تنفس [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد و آقای [عبدالله] نوری آمدند که ادامه جلسه را هم در مجلس باشم که

---

۱ - در این مصاحبه که با آقای "هنری چمپ" خبرنگار ارشد شبکه تلویزیونی ان بی سی آمریکا انجام شد، سوالاتی درباره شرایط ایران برای پایان جنگ، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، قطعنامه آتی سازمان ملل در ارتباط با تحریم تسلیحاتی طرفین جنگ و برخی مسایل دیگر مطرح و به آن پاسخ داده شد. آقای هاشمی درباره راه حلی برای پایان جنگ گفت:« ما راه حل مشخصی پیشنهاد کردیم : آنها متجاوز را اعلام بکنند و برنامه داوری برای متجاوز مشخص بشود، آن وقت جنگ تمام می شود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - اوضاع آشفته جوی در جبهه شمال غرب، ابهامات متعددی درباره عملیات، به وجود آورده است. در چنین اوضاعی، تصمیم گیری برای تعیین زمان عملیات، ناممکن به نظر می رسد، از این رو فرمانده نیروی زمینی سپاه از فرمانده کل سپاه درخواست کرد که زودتر از موعد مقرر به منطقه بیاید و با مشاهده اوضاع و شنیدن نظر فرماندهان قرارگاه ها و یگان ها، درباره زمان عملیات و راه حل برخی از جنبه‌های مانور، تصمیم گیری کند. همچنین، امروز آقای هاشمی قصد داشت به بانه بیاید تا از جزئیات امور آگاه شود، اما به پیشنهاد آقای رضایی فرمانده سپاه، ایشان پذیرفت که به باختران [= کرمانشاه] برود و فرمانده سپاه پس از پایان جلسه با یگان ها و قرارگاه ها و نیروی زمینی سپاه، با حضور در باختران، فرمانده جنگ را از روند آمادگی یگان ها و تصمیمات اتخاذ شده، آگاه سازد.

ممکن نشد.

نمایندگان شیراز آمدند. از تبلیغات جناح مقابل و مخصوصاً امام جمعه شیراز شکایت کردند و مدعی اند که شایعات دروغ از جمله شایعه بازداشت آنها و شرکت در یک سوء استفاده از وزارت نفت را پخش کرده‌اند.. آقای جعفری اصفهانی هم آمد و همین گونه شکایت از رقبای خود داشت. در خط مقابل هم متأسفانه این شکایات زیاد است. مراجعات زیادی در همین رابطه از طرف مقابل دارند. در آستانه انتخابات مجلس این امور خلاف انتظار است.

ظهر آقای دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر لیبی را داد. آقای [معمر] قذافی [رهبر جماهیری لیبی] تغییر موضع داده و معتقد شده که جنگ را نباید پایان دهیم و خواستار همکاری علیه دولت‌های مرتجع عرب شده و کمیته سه جانبه ایران، لیبی و سوریه را قرار شده فعال کنند. گفت وزیرخارجه سوریه امروز آمده و گفته که عربستان مایل است مذاکرات برای حصول تفاهم ادامه یابد و خواستار توقف مجدد زدن کشتی هایی شده تا مذاکراتش در جو عادی باشد[۱]. نظر موافق دادم. قرار شد، شب در جلسه سران مشورت شود.

عصر جمعی از مردم بوکان آمدند. آنها اظهار وفاداری کردند و خواستار فرمانداری

---

۱ - نتایج اجلاس چهار روزه شورای همکاری خلیج فارس، امروز منتشر شد. گزارش خبرگزاری یونایتدپرس از ریاض حاکی است که رهبران شش کشور نفت خیز خلیج فارس، با حمایت از تحریم فروش اسلحه به ایران، از شورای امنیت سازمان ملل خواستند برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ ـ که خواستار آتش بس در جنگ ایران و عراق است ـ اقدامات لازم را به عمل آورد. شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی خود اعلام کرد که از مسامحه ایران در اجرای قطعنامه شورای امنیت که در ماه ژوئیه(تیرماه) به تصویب رسید، متأسف هستند. این بیانیه همچنین حملات ایران را به هدف‌های متعلق به "کویت" و منافع عربستان سعودی، نقض حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل بر شمرده و محکوم کرده است.

این کنفرانس قرارداد امنیتی جدیدی را بین شش کشور شورای همکاری خلیج فارس تصویب نموده است که هدف از آن جلوگیری از گسترش بیشتر دامنه جنگ است. "سعود الفیصل" وزیر خارجه سعودی و سخنگوی رسمی هشتمین کنفرانس سران شورای همکاری خلیج فارس در پایان اجلاس گفت که کشورهای شورای همکاری، امنیت خویش را کوچک نمی شمارند و تجاوز را نمی پذیرند. وی تأکید کرد: «اگر این تحرکات و تجاوزات ادامه یابد، کشورهای شورا قادرند از منافع و حقوق خویش حفاظت کنند.» وی همچنین گفت: «گفت وگو با ایران از بدو تأسیس شورا و به رغم تجاوزات مکرر این کشور علیه کویت و حوادث مکه مکرمه و تعرض به کشتی‌های در حال تردد به بنادر کشورهای شورا، قطع نشده است و باب گفت و گوها لااقل از سوی این کشورها بسته نشده و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.» وی افزود:« کسی در امت عرب و امت اسلامی وجود ندارد که از برخورد با ایران خوشحال شود و جنگ میان عراق و ایران نیز یک جنگ بین دو همسایه مسلمان است که از توانایی ما می کاهد و زمینه را برای دخالت بیگانه باز می نماید. علاوه بر اینکه هیچ کس علاقه مند نیست که کشورهای دیگری وارد این کشمکش شوند.»

شدن بوکان هستند. [آقای طهماسب مظاهری] مسئول بنیاد مستضعفان، همراه دکتر خدادوست متخصص چشم - که در آلمان است - برای گرفتن قول حمایت، جهت ایجاد مرکز چشم پزشکی مدرن به خرج بنیاد آمدند؛ تأیید کردم.

آقای محمد هاشمی از رفسنجان آمد و در مورد توقیف اموال بعضی از مشایخ کرمان شفاعت کرد. اخیراً دادستان کرمان اموال چند ثروتمند از شیخیه کرمان را توقیف کرده است. آقای سنجقی آمد. برنامه سفرمان تغییر پیدا کرده است. برنامه جدید را آورد.

سر شب احمدآقا آمد. چون دفترم در طبقه سوم است و ایشان مبتلا به درد پا (آرتروز) است، در قرارگاه مذاکره کردیم. شرح ملاقات و مذاکره رئیس جمهور با امام را داد. از وزارت بازرگانی و مدیریت دولت ناراضی است و اصرار بر تعویض وزیر بازرگانی دارد.

شب جلسه سران قوا در نخست وزیری بود. دکتر ولایتی آمد. در مورد عربستان قرار شد مهلت دو هفته ای بدهیم و شرایط بهبود روابط، عذرخواهی عربستان، پرداخت دیه و عادی شدن وضع حج مثل گذشته باشد[1]. دکتر روحانی آمد و نیازهای پدافند را گفت. قرار شد کمک ارزی بشود.

چهارشنبه ۹ دی | ۸ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۷

تا ساعت دو و نیم بعد از ظهر در منزل بودم. کارها را از مجلس آورده بودم. وقت حرکت مشخص نبود. به [فرودگاه] مهرآباد آمدیم. با هواپیمای شاهین به سوی همدان حرکت کردیم. ارتفاعات در مسیر پوشیده از برف بود. پس از نیم ساعت پرواز، در پایگاه هوایی همدان فرود آمدیم. فقط سرهنگ پردیس فرمانده پایگاه و جانشین او مطلع بودند. معلوم شد ماشین‌هایمان نرسیده‌اند. آنها را به تبریز فرستاده بودیم. برنامه عوض شد. گفتم بیایند

---

۱ - گزارش رادیو بی بی سی حاکی است که لحن بیانیه شورای همکاری در خصوص ایران آنقدر که عربستان سعودی و کویت مایل بودند، شدید نیست و این شاید نتیجه تسلیم شدن به خواست اعضای کوچک تر شورای همکاری خلیج فارس از قبیل عمان و امارات متحده عربی باشد که روابط بازرگانی نزدیکی با ایران دارند و مایلند راه های ارتباطی باز نگاه داشته شود. این رادیو در گزارش دیگری افزود: «برای عراق، نتیجه کار کنفرانس احتمالاً دلسردکننده است. عربستان سعودی و کویت مسلماً خواهان محکوم کردن ایران با لحنی شدیدتر و حتی شاید خواهان قطع رابطه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] با ایران بودند. دولت عراق نیز مسلماً می خواست که موضع تحریم فروش اسلحه به ایران، با صراحت از شورای امنیت خواسته شود. در حالی که در قطعنامه کنفرانس موضوع تحریم فروش اسلحه تلویحاً و ضمن درخواست اقدام در عملی کردن قطعنامه ۵۹۸ آمده است. در واقع قطعنامه کنفرانس، سازش بین عربستان سعودی و کویت از یک طرف و امارات متحده عربی و عمان از طرف دیگر است که خواهان ادامه سازش با ایران هستند.

همدان که در گردنه آوج به خاطر برف گیر کرده بودند. از طریق دفتر تهران مطلع شدیم.

با اتومبیل های پایگاه، به سوی باختران حرکت کردیم. در گردنه اسدآباد، جاده ها برف داشت و یخ زده بود؛ با احتیاط رفتیم و ساعت هفت بعد از ظهر به باختران [= کرمانشاه] رسیدیم.

در قرارگاه سپاه مستقر شدیم. آقای رضایی و فرماندهان دیگر منتظرمان بودند. علت تاخیر عملیات را گفتند[1]: بارش برف، بسته شدن جاده و خراب شدن پل ها. تلفنی با منزل صحبت کردم و خبر سلامتی دادم. خسته بودم؛ دیر وقت خوابیدیم.

پنجشنبه ۱۰ دی | ۹ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷

پیش از اذان صبح بیدار شدم. هوا کمی سرد بود. بعد از نماز صبح و استماع اخبار، آقای

---

۱ - امروز آقای هاشمی فرمانده جنگ، وارد باختران شد. هدف ایشان از این سفر، آگاهی از اوضاع جبهه های غرب و شمال و نیز بررسی طرح های عملیاتی سپاه برای جبهه شمال، است. آقای رضایی فرمانده سپاه، پس از جلسه با فرماندهان نیروی زمینی و قرارگاه های نجف و قدس، به منظور مطلع کردن آقای هاشمی از اوضاع و تصمیمات اتخاذ شده، از بانه به باختران آمد. جلسه در قرارگاه رمضان با حضور افراد دیگری از جمله آقایان غلامعلی رشید، ابراهیم حاج محمد زاده، احمد وحیدی ، مصطفی ایزدی و حجج اسلام حسن روحانی و برهانی تشکیل شد. آقای محسن رضایی دلایل تعویق زمان عملیات را به تفصیل بازگو کرد. ایشان در این باره به آقای هاشمی گفت که براثر بارش باران و افزایش آب رودخانه، پل و بخش هایی از جاده تخریب شده است. همچنین به یخ بندان جاده ها و تأثیر منفی آن بر ارتباط عقبه با خط مقدم اشاره کرد و افزود به دلیل اوضاع نامناسب و غافلگیری در برابر آن، زمان عملیات به ۱۳۶۶/۱۰/۲۰ تغییر یافت. به گفته آقای محسن رضایی، باز شدن جاده ماؤوت، احداث جاده ژاژیله و نصب پل در میان تنگه نیز برای شروع عملیات لازم ا ست. در این میان، باز شدن جاده ماؤوت شرط شروع عملیات اعلام شد.

آقای رضایی این عملیات را تجربه جدید جنگ نامید و افزود:« ما یک سری مشکلات داریم که چه اکنون آفند کنیم، چه در آینده، برای غلبه بر جو، به توان مهندسی نیازمندیم.» ایشان همچنین گفت که نباید عملیات را با تعجیل آغاز کرد. آقای هاشمی نیز تعویق زمان عملیات را عاقلانه دانست و گفت: « اگر عملیات انجام می شد، بچه ها می رفتند داخل و تدارکات به آنها نمی رسید.» ایشان همچنین تأکید کرد که عملیات شمال، قبل از عملیات فاو در جنوب انجام شود. نگرانی این است که اگر عملیات جنوب اول انجام شود، در فاو فشار زیادی به نیروها وارد شود و هم اینکه برای انجام عملیات در شمال، دشمن می فهمد که کار ما در جنوب انجام شده و توان شما را می‌فهمد و نیروهای خود را می آورد اینجا، ولی اگر اول عملیات شمال انجام شود، دشمن نسبت به جنوب تردید خواهد داشت و خرده خرده نیرویش را می آورد[به شمال] و ضربه می‌بیند.» آقای هاشمی و آقای رضایی درباره لزوم فاصله زمانی میان عملیات شمال و جنوب به مدت چهار و پنج روز و تقدم عملیات جبهه شمال، اشتراک نظر داشتند. آقای هاشمی تصمیم دارد برای آگاهی بیشتر از جبهه های شمال، فردا به بانه برود. دلیل این تصمیم آن است که آمد و رفت فرماندهان برای تشکیل جلسه با ایشان، حدود دو روز وقت آنها را می گیرد و بدین ترتیب روند پیشرفت کارها مختل خواهد شد. در عین حل ، نگرانی از امنیت آقای هاشمی نیز مطرح است، به خصوص آنکه آقای رضایی فاش شدن حضور آقای هاشمی فرمانده جنگ در آن منطقه را خیلی خطرناک می‌داند. مأخذ: روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجاه و دوم، حسین اردستانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.

[محمد باقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان آمد. طرح عملیاتی آینده داخل عراق را گفت. اجازه دادم که قرارداد مبنی بر قید امنیت آنها در صورت توافق با دولت آینده عراق و شرایطی که او باید بپذیرد، با طالبانی‌ها امضا کند.

ساعت ده صبح به سوی کردستان حرکت کردیم. ماشین هایمان نرسیده بودند. آنها از طریق قروه به سنندج رفته بودند. جاده‌ها قسمتی برفی و یخ زده بود. پس از عبور از سنندج به ماشین های خودمان رسیدیم. نماز ظهر را در کنار جاده ورودی خواندیم. ناهار را در اتومبیل‌ها، ساندویچ خوردیم.

نزدیک غروب به بانه رسیدیم. بیرون شهر در یکی از قرارگاه‌ها مستقر شدیم. مقداری در ارتفاعات پوشیده از برف قدم زدیم و منظره شهر را از دور دیدیم. شهر زیبایی است. دره‌ها پوشیده از برف و جنگلی است. بعد از نماز مغرب، مذاکره با فرماندهان قرارگاه‌ها و لشکرها شروع شد و تا ساعت یازده و نیم شب طول کشید. آنها طرح های عملیاتی و وضع دشمن و نیروهای خودی را توضیح دادند[1]. امید زیادی به پیروزی می‌رود. اخبار ساعت

---

۱ - در اسناد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران درباره این جلسه آمده است: «به درخواست آقای هاشمی، فرماندهان قرارگاه‌های قدس و نجف به محل استقرار ایشان آمدند و درباره وضعیت یگان ها، پیشرفت کار، اوضاع جوی، وضعیت دشمن و مسایل دیگر جبهه شمالی گزارش هایی دادند. وضعیت دشمن را آقای محمد باقری (افشردی) بیان کرد. به گفته ایشان، مسئولیت دفاع از منطقه به عهده لشکر ۴۴ پیاده عراق است که ۹ گردان دارد. یک گردان جاش و جمعاً ۷ گردان توپخانه نیز در منطقه مستقر است. ارتش عراق لشکر ۱۱ را از این منطقه به جنوب برده و از العماره به پایین مستقر کرده است. آقای باقری درباره حساسیت های دشمن در سایر جبهه ها نیز گفت: « ارتش عراق در اولویت اول به شلمچه و در اولویت بعد روی فاو حساس است. علاوه بر این، تصور دشمن این است که تحرکات ما در شمال به منظور تجزیه قوای او، در حال انجام است.» تحلیل آقای باقری از توجه دشمن به شمال این است که ارتش عراق توجه چندانی به این منطقه ندارد و با شروع عملیات و حتی با گذشت چند روز از آن نیز نیروی چندانی از جنوب نخواهد آورد و حداکثر یک یا دو تیپ به توان خود در این منطقه خواهد افزود. موضوع بعدی وضعیت مهندسی بود. برادران مبلغ و کاشانی دو تن از مسئولان و کارشناسان این امر، به سؤالات آقای هاشمی پاسخ دادند. آقای مبلغ با اشاره به آماده نبودن عقبه های منطقه ـ که ناشی از فعال نبودن این جبهه است ـ گفت: « در غرب امکانات تولیدی زیادی نداشتیم و به تازگی در باختران و تبریز تولید رینگ های بتونی را آغاز کرده ایم که از آنجا به این منطقه منتقل کنیم.» درباره اوضاع جاده ها نیز توضیحات برادر مبلغ نشان دهنده کندی پیشرفت کار به سبب وضع نا مساعد جوی بود. فرماندهان به نقل از مردم بومی گفتند که امسال سردتر از سال گذشته است؛ هم اکنون دمای هوا به ۲۰ درجه زیر صفر هم رسیده است و احتمال داده می شود تا ۳۰ درجه زیر صفر نیز برسد. آقای شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: « عملیات در این منطقه، در واقع جنگ با طبیعت است. تنها ۳۰ درصد توان ما صرف جنگ با دشمن می شود.» ایشان دلایل تعویق عملیات را چنین برشمرد: «دگرگونی اوضاع جوی و عریض شدن رودخانه براثر افزایش و شدت آب؛ لزوم تغییر مانور از تک جبهه ای؛ ضعف عقبه؛ ضریب پایین احتمال موفقیت؛ مسدود شدن جاده ها.»

در ادامه جلسه از فرماندهان یگان ها خواسته شد تا با حضور در سنگر فرماندهی، از یگان خود گزارش کوتاهی بدهند. گزارش فرماندهان عمدتاً درباره سازمان، استعداد نیرو و وضعیت استقرار آنها بود. آقایان امین شریعتی (لشکر ۳۱ عاشورا)، اکبر آقابابایی(تیپ ۱۸ الغدیر)، صادق محصولی(لشکر ۶ پاسداران)، فرهاد یعقوبی(جانشین لشکر ۵ نصر)، شادمانی (لشکر ۳۲ انصارالحسین)، محمد کوثری(لشکر ۲۷

دوازده شب را گرفتیم و خوابیدیم.

جمعه ۱۱ دی | ۱۰ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۱ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت سه و نیم صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. حدود ساعت شش صبح طلوع فجر است. برف می‌بارید و تا عصر ادامه داشت. خاطرات دو روز را بعد از نماز نوشتم. اخبار رادیو بی بی سی را گرفتم. مطلب مهمی نداشت، جز رفع خطر شهر خوست افغانستان.

عراق در حمله هوایی به ترمینال خارک تلفاتی وارد کرده است[1]. امروز [اول ژانویه] روز اول سال میلادی است.

پیش از ظهر فرماندهان لشکرهای عمل کننده آمدند و نیازها و کمبودها را مطرح کردند: ضعف مهندسی، کم شدن حمایت شورای پشتیبانی جنگ استان‌ها برای لشکرهای خودشان بعد از جهاد مالی، کمبود پادگان و عقبه مخصوصاً در منطقه شمال غرب کشور، تاخیر حقوق سربازها و... ادامه عملیات را با فرماندهان قرارگاه‌ها بررسی کردیم[2].

حضرت رسول(ص) و عبدالرسول استوار (تیپ ۳۵ امام حسن(ع) فرماندهانی بودند که درباره وضعیت یگان های خود صحبت کردند. پس از گزارش فرماندهان، آقای هاشمی رفسنجانی گفت:« امیدواریم مشکل جدیدی پیش نیاید. الان عراق جنوب را جدی می داند و بچه‌های جنوب مصمم هستند که بزنند؛ طبعاً عراق فرصت انتقال نیرو به این جبهه را نخواهد داشت. اگر بتوانید[باید] نیروهایی را که دارید به گونه‌ای وارد عمل کنید که اینجا [در جبهه شمال] عملیات از دور نیفتد و قدم به قدم برود جلو. آقایان، بنا این نباشد که توقف کنند تا عراق بیاید یک خطی تشکیل بدهد. بچه ها باید ادامه بدهند. عملیات جنوب را می خواهیم بعد از اینجا انجام دهیم و انتظار داریم پس از عملیات جنوب،[باز] هم اینجا عملیات داشته باشیم.» ایشان افزود: « در شرایطی که عملیات روی "دور" باشد، ما پول را می رسانیم و مشکلات را حل می کنیم. می شود از امکانات ادارات هم استفاده کرد. اگر حرکت شما اینجا مؤثر باشد، ما هم در خدمت هستیم؛ اگر لازم باشد، می آییم می مانیم.» رجوع کنید ← سند شماره ۱۵۷۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه راوی قرارگاه نیروی زمینی (مجید مختاری) صفحه ۷۲ تا ۷۴، مجموعه روز شمار جنگ ایران و عراق ـ کتاب پنجاه و دوم ، حسین اردستانی، ۱۳۸۲ .

۱ - ارتش عراق در اطلاعیه نظامی شماره ۱۲۹۷۱ اعلام کرد: « در ساعت ۲۲ امشب، هواپیماهایش به یک هدف بسیار بزرگ دریایی در نزدیکی سواحل ایران حمله کرده و ضربه دقیق و مؤثری به آن وارد ساختند.» گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکی است که در ساعات ۲۲:۴۰ و ۲۲:۴۳ دو فروند کشتی پدافندی مستقر در اطراف خارک مورد اصابت موشک های هواپیماهای عراق قرار گرفته و خساراتی به آنها وارد شده است. در این حملات ۳ تن شهید و ۹ تن مجروح شده اند و یک تن نیز مفقود شده است. با این حال، نظر منابع خبری آن است که در شش روز گذشته، وضعیت خلیج فارس با آرامش نسبی توأم بوده است. به گزارش خبرگزاری رویتر، این آرامش ممکن است به سبب ورود و خروج دو کاروان از نفتکش های کویتی تحت اسکورت ناوهای آمریکا بوده باشد.

۲ - در این جلسه فرماندهان سپاه قصد داشتند مسائل و مشکلات موجود را به طور کامل مطرح کنند، زیرا به نظر آنها آقای هاشمی به عملیات شمال، سخت امیدوار است، در حالی که واقعیت غیر از این است. علاوه بر این، آقای هاشمی نیز مایل بود که همه مشکلات را بشنود. با این ذهنیت، فرماندهان یگان ها به بیان گزارش پرداختند. آقای صادق محصولی فرمانده لشکر ۶ پاسداران، درباره مشکلات



یگان خود گفت:« ما در زمینه چادر استقرار دسته جمعی، دچار کمبود هستیم و نیرو را نیز به تناسب تعداد چادرهای موجود جذب می کنیم. به لحاظ وسایل مهندسی نیز دچار کاستی هستیم و در زمینه استحکامات مثل گونی، پلیت و ... در مضیقه به سر می بریم.» آقای محصولی کمبود ملزومات انفرادی همچون پوتین را از دیگر مشکلات یگان خود برشمرد: « الان برای پنج گردان که باید عملیات کند، ۷۰۰ جفت پوتین به ما داده اند، در حالی که نیاز ما ۱۵۰۰ جفت بوده است. لباس فرم هم کم داریم، تا جایی که بعضاً نیروها تا یک ماه با لباس شخصی در داخل پادگان به سر می برند.» ایشان مشکل بعدی را نداشتن جیره غذایی کافی ذکر کرد و افزود:« برای نیروهای در خط درخواست ۲۵ هزار عدد کنسرو کرده ایم که ۷ هزار عدد داده اند.» محصولی سپس درباره رواناداز نیروها گفت:« کمبود پتو هم مشکل ما است، به گونه ای که بچه ها از سرمای شدید رنج می برند.» آقای محصولی مشکلات دیگر یگان خود را خودرو، آمبولانس، بنز ۹۱۱ و پول اعلام کرد و درباره مشکل آخری گفت:« پول بسیار کم داریم، مخصوصاً برای پرداخت کرایه وسایل نقلیه ، جرثقیل، کارهای ساختمانی و تعمیرات دچار ضیق مالی هستیم.» مشکل دیگر لشکر ۶ کمبود سلاح سنگین عنوان شد.

فرمانده بعدی، آقای استوار بود که به طرح مشکلات تیپ ۳۵ امام حسن(ع) پرداخت. ایشان در بیان مسائل یگان خود ابتدا مشکل مالی و کمبود خودرو را مطرح کرد و افزود:« ما برای حل این دو معضل باید برویم با مردم آن را حل کنیم.» استوار مشکل تغذیه و امکانات غذایی را نیز جزو کاستی های تیپ ۳۵ برشمرد. در این هنگام آقای هاشمی گفت: «مسائل را به گونه ای بگویید که بتوان برای حل آنها اقدامی انجام داد؛ مثلاً سپاه می آید یگان درست می کند که به مدت یک روز در یک جا باشد [و آن وقت برای آن امکانات می خواهد]. یک چنین قدرتی را هیچ کشوری ندارد که این گونه یگان را تأمین کند، آمریکا هم نمی تواند یک چنین ارتشی را درست کند. الان یک میلیون سرباز داریم که باید تدارک شوند.» ایشان درباره جبهه شمال گفت: « شما هفت سال در این جبهه، جنگ نداشتید و برای اولین بار می خواهید در زمستان اینجا بجنگید [طبیعی است که بعضی کاستی ها را داشته باشید]. در مجموع، اوضاع کشور و وضع سپاه را در نظر بگیرید، بعد مسائل را بیان کنید.» در پی صحبت های آقای هاشمی، آقای محمد علی (عزیز) جعفری، فرمانده قرارگاه قدس، گفت:« مشکلاتی که بچه ها دارند، یک واقعیتی است که به غیر از نیروهای مردمی، هیچ کس تاب تحمل آن را ندارد. با توجه به این شرایط، شما روی ۳۰ درصد توان باید حساب کنید؛ ۷۰ درصد توان ما در شمال صرف مشکلات و جو می شود.» این اظهارات موجب نگرانی آقای هاشمی شد. ایشان در پاسخ آقای جعفری، گفت: « نه، این طور نگویید؛ اینجا حدود ۲۰۰ گردان باید بجنگد. شاید امکانات در جنوب بیشتر باشد، اما من امیدم اینجاست و آثار عملیات اینجا بیشتر است. کار در جنوب بیشتر به خاطر آن است که دشمن به شمال نیاید.» سپس آقای آقابابایی فرمانده تیپ ۱۸ الغدیر مشکلات یگان خود را مطرح کرد. ایشان نیز به کمبود چادر اشاره کرد و اینکه بسیجی ها روز و شب را باید در آن بگذرانند و افزود: « سرما بچه‌ها را خیلی اذیت می کند و بسیاری از آنها هم مریض شده اند.» آقای حیدر پور فرمانده تیپ ۴۸ فتح نیز به مشکلات و مسائل قضایی که برخی نیروهای یگانش با آن مواجه شده بودند اشاره کرد. آقای پروین رئیس ستاد لشکر ۱۰ سید الشهدا، کمبود جا، کمبود قطعات یدکی وسایل نقلیه، کمبود آمبولانس و تویوتا و دوربین دید در شب و پوشاک را مهمترین مشکلات و نیازهای یگان خود اعلام کرد. ایشان نیز رفتار نامناسب با پدر شهید جنگروی از فرماندهان قبلی لشکر را یادآور شد. آقای محمد کوثری فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص)، با صحه گذاشتن به گفته‌های فرماندهان، بیش از هر چیز به سرمای منطقه و کمبودها جهت مقابله با آن، پرداخت: «نیروهای ما می گویند، حاضریم ده برابر آتش شلمچه را تحمل کنیم ولی اینجا نمانیم! خود ما و نیروها به خاطر سرما حاضریم هر چه سریع تر عملیات انجام شود. اینجا ۷۰ درصد جنگ با طبیعت است و هر چه زمان عملیات عقب بیفتد، برای ما سخت تر است.» ایشان مشکل دیگر یگان را نیاز مالی ذکر کرد و افزود:« آقای رفیق دوست وزیر سپاه، می گویند اعتباری ندارد.» آقای هاشمی در پاسخ به این بخش از سخنان آقای کوثری، گفت که ایشان پریروز اعتبار ارزی گرفته است. آقای هاشمی پس از شنیدن مشکلات، خطاب به آقای شمخانی فرمانده نیروی زمینی و قائم مقام سپاه، گفت: « واحد تشکیل ندهید و اگر تشکیل دادید، باید امکانات بدهید.» در مجموع در این جلسه علاوه بر این مسائل، درخواست های سپاه از ارتش، موضوع مهندسی و جهاد سازندگی و هماهنگی و تقدم عملیات جنوب بر عملیات شمال، بررسی شد.

آقای هاشمی با اجرای عملیات در جنوب قبل از انجام عملیات در شمال مخالف بود چون معتقد بود که شروع عملیات در جنوب قبل از عملیات شمال، موجب می شود که دشمن عملیات جنوب را اصلی و عملیات شمال را فرعی بپندارد. پس از جلسه، هدف های عمده

عصر تا نزدیک مرز - رود چومان در شمال ماؤوت - رفتیم. جاده کوهستانی و آسفالت است که آسیب زیادی دیده و برف آن را پوشانده بود.

تا غروب رفتیم و سپس برگشتیم. در بین راه، روستاهای اطراف جاده در دره که قبلاً مرکز تغذیه ضدانقلاب بوده و اکنون امن است مشاهده می‌شد. ولی پایگاه‌های سپاه و ژاندارمری در نقاط حساس مستقر هستند و در شب با برق، این پایگاه‌ها روشن بودند. گشتی در شهر بانه زدیم و به مقرمان برگشتیم. فرماندهان توپخانه و لجستک سپاه، گزارش وضع را دادند و نیازها را گفتند[1].

شنبه ۱۲ دی | ۱۱ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۲ ژانویه ۱۹۸۸

اذان صبح بیدار شدم. اخبار را گرفتیم. فرماندهان جهادهای منطقه آمدند. گزارش وضع

سپاه در عملیات شمال ـ که اطلاع از آن برای آقای هاشمی اهمیت داشت ـ مطرح گردید. آقای هاشمی از آقای شمخانی پرسید:« راهکارهای شما در جبهه شمال چیست؟» فرمانده نیروی زمینی سپاه در پاسخ، سد دوکان، ارتفاعات ازمر و تسلط بر شهر سلیمانیه و ادامه عملیات به طرف کرکوک را سه هدف کلان سپاه در شمال، برشمرد.

۱ - موضوع اصلی از نظر فرماندهان، تعویق زمان عملیات و مؤثر نبودن آن بود، اما آنها به مشکلات کلی تری اشاره کردند که موجب چنین وضعی شده است. آقای احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف، درباره این نظر که ظرف چند روز با عقب و جلو بردن نیروها، نمی توان ارتش عراق را غافلگیر کرد، براین اعتقاد بود:« ما باید اندیشه ای کنیم که سیستم ارتش عراق را به هم بزنیم. دشمن همه چیز ما را فهمیده و اینکه یک هفته منطقه را خلوت کنیم، مطلب تازه ای نیست و ثمر بخش هم نمی باشد.» ایشان تأکید داشت که باید روش ها را تغییر داد. آقای فتوحی از لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب(ع) نیز ضمن بی تأثیر دانستن اقدام فریب در هور، گفت: « چون عملیات ما منحصر شده به چهار ماه آخر سال، دشمن کاملاً از برنامه ها مطلع است.» آقای زاهدی نیز براین باور بود که باید تدابیری اندیشید که فرماندهی دشمن غافلگیر شود. فرمانده "لشکر ۴۱ ثارالله" آقای قاسم سلیمانی، کمی تندتر به موضوع پرداخت: « ما برای جنگ فاقد برنامه هستیم. بعد از "کربلای ۵" من واقعاً نمی دانستم هدف چیست و در آینده می خواهیم چه کار کنیم. ما یک برنامه مشخص برای شش ماهه آینده نداریم؛ مثل آدم های سرگردان هر روز یک جا هستیم. ایشان با رد نظر آقای رضایی مبنی بر تعویق زمان عملیات، معتقد بود که باید هر چه زودتر عملیات انجام شود. درباره این مطالب، بحث های مفصلی شد و در خصوص وضعیت دشمن نیز مطالبی گفته شد. در این باره دو سه نکته جلب توجه می کرد؛ از جمله اینکه از قول یک پناهنده عراقی گفته شد که یگان های در خط، عوض شده اند و دستور مراقبت شدید داده شده است.

آقای علی زاهدی فرمانده لشکر۱۴ امام حسین(ع) نیز تایید کرد که پریشب حدود ۴۰ ایفا پر از نیرو از جاده البحار به طرف نخلستان ها، نیروها را پیاده کرده اند. در پایان این جلسه، آقای رحیم صفوی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت که تدابیر فرماندهی کل درباره جا به جایی و دیگر مسائل طی ده روز آینده ، به طور کتبی ابلاغ خواهد شد. ایشان سپس خطاب به فرماندهان تأکید کرد: « روی اصل عملیات، خدای ناکرده شیطان در شما نفوذ نکند! غیر از اینجا (فاو) جای دیگری که بشود عملیات انجام داد، وجود ندارد. بدانید همین قدر که شما شل بشوید، در دیگران (سایر مدیران و سایر فرماندهان یگان) تأثیر دارد.» امروز در قرارگاه کربلا، آقای غلامپور درباره فعالیت‌های قرارگاه نصرت در هور نیز با آقای علی هاشمی گفت وگو کرد.

کار دادند و نیازها را گفتند[۱]. عموماً از کمبود بولدوزر شاکی‌اند و همین تعداد موجودشان هم کارائی زیاد در برف ندارد. سپاه هم از ضعف عملکرد جهاد ناراضی بود؛ لابد به خاطر همین کمبودها است.

ساعت نه و نیم صبح از مقرمان به سوی تبریز حرکت کردیم. در بین راه از شهرهای سقز، بوکان، میاندوآب، ملکان، بناب، آذرشهر و عجب شیر گذشتیم. جاده‌ها خوب است و زمین همه جا پوشیده از برف، به طوری که جای خشکی برای نماز و ناهار پیدا نکردیم.

ساعت دو بعد از ظهر به پایگاه هوایی تبریز رسیدیم. همان لحظه هواپیمای ۷۰۷ بوئینگ سوخت رسان هم برای بردن به زمین نشست. ناهار را مهمان پایگاه بودیم. هنگام صرف ناهار، خلبان سرهنگ نادری که با شهید [عباس] بابائی هنگام شهادت در یک هواپیما بوده‌اند، ماجرای اصابت گلوله و شهادت شهید بابائی را تعریف کرد.

نزدیک ساعت چهار بعد از ظهر به سوی تهران پرواز کردیم. مغرب به منزل رسیدم. شب را برای استراحت در خانه ماندم. استاندار کرمان آمد. راجع به انتخابات کرمان و جهاد مالی صحبت کرد. او پیشنهاد گرفتن پول کافی از ثروتمندان کرمان را داد*.

یکشنبه ۱۳ دی | ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۳ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم به مجلس رسیدم. گزارش‌ها را خواندم. تا ده و نیم در جلسه علنی بودم.

---

۱ - در ادامه حضور آقای هاشمی در جبهه شمال غرب، امروز مسئولان جهاد سازندگی استان‌هایی که در این منطقه مشغول کار هستند، در جلسه ای با ایشان ضمن گزارش اقداماتی که انجام داده‌اند، مشکلات خود را نیز برشمردند. مهمترین مشکلات عبارت بود از : فرسودگی دستگاه های مهندسی و نداشتن جایگزین برای آنها، کمبود لودر، بولدوزر و سایر وسایل مهندسی. مسئولان جهاد در شرح موضوع اشاره کردند به اینکه براثر استفاده بسیار و پیوسته، دستگاه ها از کار می‌افتد. از نظر این برادران، از کار افتادگی مکرر دستگاه ها، موجب کندی و مانع تسریع در اجرای مأموریت شده است.

* - در این روز صدام حسین رئیس جمهور عراق و فرمانده کل نیروهای مسلح این کشور، در مراسم اعطای لقب قهرمان "قادسیه" و نشان درجه ۳ "الرافدین" از نوع نظامی و نشان های شجاعت به تعدادی از نظامیان، در سخنانی گفت: «اکنون ما در شرایط جمع آوری محصول هستیم و فصل درو کردن فرارسیده است... من و کسانی که خارج از عراق به سر می برند، معنی شکیبایی رزمنده ای که هشت سال جنگیده و تعویض نشده را درک می کنیم. آنها در برابر شما یک، دو، سه، چهار و پنج بار به خاطر حجم جمعیت تعویض شده اند ولی شما تعویض نشدید و هیچ کس جای شما را نگرفت؛ مردان همان مردان هستند و از ماه نهم سال ۱۹۸۰ تا به امروز با خمینیست ها می جنگند و مقاوم تر می شوند.» او در مورد حمله آتی ایران گفت: «آنها از دیر زمان آنچه که در توان داشتند نیرو جمع کردند و ما به طور دقیق و بدون شک می دانیم آنچه که آنها اکنون جمع آوری کرده اند، کمتر از تعدادی است که در نبرد سال گذشته جمع آوری نمودند و همچنین آمادگی نظامی آنها از سال قبل کمتر است و شما اکنون بیشتر از آنها هستید. اگر آنها از یک طرف وارد عمل شوند و به یک سپاه یا دو سپاه و یا سه سپاه و همه جبهه حمله کنند، شما از آنها بیشتر هستید.»

امروز مراجعات زیادی از طرف نمایندگان داشتم. از تنفس تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم. گزارش‌های چند روز گذشته را خواندم.

ظهر آقایان [غلامحسین] نادی، [محمد مهدی] پورگل، [سیدجواد]انگجی و [غلامعباس] زائری آمدند. آنها برای دیدن مزارع دانه روغنی - هالوفیت - به دوبی و شارجه رفته بودند که اخیرا توسط دانشگاه آریزونای آمریکا کشف شده است. مدعی‌اند این دانه‌های روغنی با آب شور دریا و در اراضی شور کنار دریا قابل زراعت است. یک مزرعه و انبار محصولات آن را دیده‌اند و با شرکت انگلیسی مسئول آن مذاکره کرده‌اند. این شرکت، امتیاز آن را با مبلغی واگذار می کند و حاضر است به ایران بیاید. اگر ادعاها درست باشد و چنین شود، به خاطر اراضی ساحلی فراوان و نیاز زیاد به دانه‌های روغنی و علوفه آن برای ایران، خیلی مهم است. نمونه آن را آورده بودند. آقای زائری می گفت بوته آن به طور بومی و دیمی در سواحل بندر عباس هست، ولی این نوع اصلاح شده است. آنها را تشویق کردم که به کار خود ادامه دهند.

تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم. شب به خانه آمدم. محسن از بندر عباس آمده بود. گزارش سمینار خودکفایی سپاه را داد. عفت مایل است در سازمان انصارالمجاهدین، برای خانواده رزمندگان خدمت کند. من هم راضی ام.

دوشنبه ١٤ دی | ١٣ جمادی الاول ١٤٠٨ | ٤ ژانویه ١٩٨٨

ساعت هشت و نیم صبح برای شرکت در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ، به مقر ریاست جمهوری رفتم. تا نزدیک ظهر در جلسه بودم. سپس از طرح مصلای بزرگ تهران بازدید کردم. با آقای [علی] رازینی درباره قاضی کردستان که با سپاه اختلاف پیدا کرده است، صحبت کردم. همچنین به آقای [کمال] خرازی درباره تبلیغات جنگ مطالبی گفتم.

آقای خوشدل آمد. او برای تبلیغات به سوئد رفته است. کمک‌های مسلمانان سوئد را برای جنگ آورد. قبلاً در کویت بوده و اخراج شده است. آقای سعیدالذاکرین آمد. درخواست اجازه انتقال [از روابط عمومی مجلس] به وزارت ارشاد را داشت. از کارپرداز و [آقای موسویان] سرپرست کل [امورادارای] مجلس به خاطر اختلافات خطی ناراضی

است. عصر آقای رمضانی آمد. برای استعفاء از قضاوت و کاندیدا شدن برای نمایندگی مجلس مشورت کرد. او از شورای‌عالی قضائی ناراضی است.

آقای دکتر جزایری [معاون وزیر بهداشت] آمد و از کمبود بودجه وزارت بهداشت و درمان گفت. آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد. گزارش وضع پولی، ارزی و اقتصادی کشور را داد و از مضیقه‌های ارزی گفت و خواستار کم کردن فشار نیروهای مسلح برای خرید بود.

شب تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. فهیمه خانم، صبیه حضرت امام آمد. دعوت کرد که در سمینار بین‌المللی زن که از سوی جمعیت آنها [= جمعیت زنان جمهوری اسلامی] تشکیل می‌شود، سخنرانی کنم؛ به طور مشروط پذیرفتم.

سه‌شنبه ۱۵ دی | ۱۴ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۵ ژانویه ۱۹۸۸

در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس ماندم. در تنفس به کمیسیون برنامه و بودجه رفتم و نیازهای جنگ را توضیح دادم[1]. بودجه پیشنهادی دولت برای جنگ را ناکافی خواندم و قرار شد ترمیم شود. در راه برگشت به دفتر، دیدم نصاب

---

۱ - در این روز خبرگزاری آسوشیتدپرس، گزارش داد که طبق برآوردهای غرب، در جنگ ایران و عراق بیش از یک میلیون تن کشته و ۱/۷ میلیون تن نیز مجروح شده اند. در این گزارش درباره حمله آینده ایران آمده است:« قریب ۲۵۰ الی ۳۰۰ هزار نفر را برای انجام یک حمله جدید، به بخش جنوبی جبهه اعزام کرده است. عراقی ها به منظور دفع هر حمله نفوذی جدید از سوی ایران، سپاه های ۳ و ۷ خود را که در جنوب مستقر هستند، با ۵۰ الی ۱۰۰ هزار نیروی اضافی تقویت کرده اند. صدام حسین اخیراً برای تقویت روحیه و بازرسی خطوط محکم دفاعی در حومه شرقی بصره، به این شهر عزیمت کرد. او همچنین در پی آخرین تهاجم عظیم ایران در ماه های ژانویه و فوریه سال گذشته(عملیات کربلای ۵)، فرماندهی عالی خود را تصفیه کرد. در این حمله، پاسداران انقلابی از سه خط دفاعی عراق گذشتند و تا مدتی به نظر می رسید ممکن است بصره را تصرف کنند. نیروهای ایرانی تا ۱۰ کیلومتری بصره پیش رفتند تا آن که قوای عراق آنها را با وارد کردن تلفات سنگین، متوقف ساختند. ناتوانی ارتش عراق -حتی پس از تقویت شدن توسط تیپ‌هایی از نیروی نخبه گارد ریاست جمهوری - برای بیرون راندن ایرانیان از سرپل هایی که ایجاد کرده بودند، روحیه عراقی ها را به شدت تضعیف کرد. دیپلمات های غربی در بغداد گزارش می دهند که پس از آن تاریخ، صدام چند تن از فرماندهان خود را تعویض کرده است. عراقی ها که با جت های شکاری و تانک های جدیدی از شوروی و فرانسه (بزرگ ترین عرضه کنندگان اسلحه به بغداد) تقویت شده‌اند، نیروهای واکنش سریعی ایجاد کرده اند که می توانند هر بخشی را که مورد تهدید قرار گیرد، بدون خالی کردن دیگر مناطق به سرعت تقویت کنند.» این گزارش به تاکتیک نظامی ایران نیز اشاره کرده و گفته است: «روش فشار آوردن به یک قسمت و حمله به بخشی که از نظر نیرو تضعیف شده است، روش ایران در گذشته بوده است.»

حضور نمایندگان کافی نیست. در جلسه ماندم، در حالی که آقای [محمد] یزدی [نایب رئیس] مجلس را اداره می‌کرد. پس از آمدن نمایندگان به دفترم رفتم.

ظهر نمایندگان میاندوآب آمدند. از مدیریت سپاه در شهرشان گله داشتند و نمونه‌هائی را گفتند. عصر به جلسه شورای انقلاب فرهنگی نرفتم. کارها را انجام دادم. آقای [محسن] رفیق‌دوست، برای گرفتن اجازه اعتبارات جنگ آمد[1].

جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی بود. آیت‌الله خامنه‌ای به خاطر جلسه جامعه روحانیت مبارز شرکت نداشتند. آقای دولت آبادی از حقوقدانان آمد و گزارشی از یک پرونده شکایت خانواده لبنانی - کتانی - علیه ایران و احتمال محکوم شدن ایران در اتاق تجارت پاریس داد. قرار شد برای جلسه آینده، گزارش کامل پرونده را بیاورد. درباره ضعف مدیریت وزیر بازرگانی بحث شد، ولی آقای موسوی حاضر به تعویض او نیست.

نخست وزیر اطلاع داد که دو معدن طلا در زنجان و تخت سلیمان در شمال را به زودی به استخراج می‌رسانیم و طلای زیادی خواهد داشت. این معادن عیار بالائی دارند. از جنگ و انتخابات و امور دیگر هم بحث شد. دیر وقت به خانه رسیدم. یاسر هم آمده بود. دوره آموزش نظامی را تمام کرده و آماده حرکت به جبهه است.

چهارشنبه ۱۶ دی | ۱۵ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۶ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس رفتم. یاسر هم آمد. آماده رفتن به جبهه شده است. حال خوبی دارد. آقای رحمانی می‌خواهد با هم بروند. خودش هم قبول دارد.

آقای ربانی روحانی - که در آرژانتین برای تبلیغ اقامت کرده است. - آمد. گزارش

---

۱ - روزنامه دی ولت چاپ آلمان، در گزارشی درباره منابع تسلیحاتی ایران، مدعی شده است که در سال ۱۹۸۷ کشورهای کمونیستی یک میلیارد دلار تجهیزات نظامی گوناگون برای ایران فرستاده اند. در این گزارش آمده است: «کشورهای بلوک شرق اروپا که عضو پیمان ورشو هستند، در سال ۱۹۸۷ میلادی بخش اعظمی از تسلیحات مورد نیاز ایران را به تهران فرستاده اند که به ۳۸۰ میلیون دلار بالغ می‌شود.» به گزارش دی ولت، چین نیز یکی از کشورهای عمده تأمین کننده اسلحه ایران در سال گذشته بوده است: «علیرغم ادعاهای مکرر دولت پکن در مورد عدم فروش جنگ افزار به ایران ، چین ۳۵۰ میلیون دلار، تجهیزات نظامی مختلف به ایران فروخته است.» دی‌ولت افزوده است: «کره شمالی نیز در سال ۱۹۸۷ حدود ۳۱۵ میلیون دلار از سلاح های ساخت خود را به ایران فرستاده است. تجهیزات فروخته شده کشورهای کمونیستی به حکومت اسلامی شامل وسایل نقلیه زرهی، توپخانه، هواپیماهای جنگی، مین های شناور و قطعات یدکی گوناگون بوده است.»

وضع شیعه و مسلمین آنجا را گفت و نشریاتش را آورد. دکتر کارآموز رفسنجانی آمد. می خواهد از آمریکا به ایران بیاید و نمی‌خواهد به عنوان طرح [خدمت خارج از مرکز] از تهران بیرون برود. گفتم به دبیرخانه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی برود.

سرهنگ ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. کشف یک گروه سلطنت طلب را اطلاع داد که افراد زیادی از آنها را شناسائی کرده‌اند و ابزار مخابراتی فراوانی از آنها گرفته‌اند. جمعی از مسؤولان جهاد آمدند. آنها برای مهندسی، بولدوزر بیشتری می‌خواهند.

آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند. پیشنهادهایی برای جلوگیری از تحریم تسلیحاتی مان در شورای امنیت داشتند. یکی از پیشنهادها را پذیرفتم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب آقای دکتر [حسن] فیروز آبادی آمد. درباره ستاد امداد و درمان مجروحان جنگ صحبت شد.

آقای [علیرضا] افشار آمد. از بی نظمی و بی قانونی در سپاه و بی اعتنائی به قانون گفت و برای تنظیم امور سپاه کمک خواست. وعده دادم کمک کنم. شب به خانه آمدم. محسن و بچه‌هایش هم بودند.

پنجشنبه ۱۷ دی | ۱۶ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۷ ژانویه ۱۹۸۸

در بین راه مجلس، در اخبار رادیو، خبر جواب امام به نامه آقای خامنه ای را شنیدم[۱]. این نامه در مورد تفسیر ایشان در نماز جمعه از نوشته های امام در جواب شورای نگهبان و وزیر کار است و در آن بر اختیارات وسیع حکومت اسلامی در ارتباط با تعطیل احکام فرعیه اسلامی برای حفظ مصالح اسلام تاکید کرده‌اند.

در مجلس بحث بین نمایندگان محافظه کار و گروه مقابل را دیدم و قبل از دستور، پیرامون آن صحبت کردم[۲]. نمایندگان، نامه‌ای در تشکر از امام تهیه و امضاء کردند.

در تنفس فرماندهان تیپ العادیات - پدافند ش. م. ر - آمدند. و از نیازها، کمبودها و ضعف آموزش ش. م. ر [= پدافند شیمیایی، میکروبی، رادیو اکتیو] گفتند. ظهر آقای قادری و همسرش آمدند. آنها در آمریکا زندگی می کنند. خانم قادری فعالیت‌های دینی در آنجا دارد. او نرس بوده و بازنشسته شده است. برای ایجاد مسجد و اعزام روحانی

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

کمک خواست.

عصر به جلسه شورای‌عالی دفاع رفتم. با دکتر روحانی درباره توپخانه ارتش و سپاه مذاکره کردیم. به مجلس برگشتم. تا ساعت هشت و نیم کارها را انجام دادم. به خانه آمدم. بچه‌ها، مهمان فائزه بودند. به تنهائی غذا خوردم و خوابیدم.

جمعه ۱۸ دی | ۱۷ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۸ ژانویه ۱۹۸۸

در منزل بودم. آقای محسن رضایی آمد. درباره برنامه عملیات آینده مذاکره کردیم[1]. او اصرار دارد که مسئولیت تمشیت امور سپاه را بپذیرم. درباره مسئول حفاظت اطلاعات سپاه هم بحث شد. خواستار اعتبار جهت خرید هواپیما برای سپاه شد.

آقای [محسن] کنگرلو آمد و برنامه کار عادی سازی روابط با فرانسه را آورد. از سوی قربانی فر پیغامی در خصوص تخاصم دو حزب بزرگ آمریکا و نگرانی آنها از امکان دستیابی رقیب به اسنادی از طرف دیگر، در جریان تصرف لانه جاسوسی در ایران آورد.

عصر آقایان [عطاالله] مهاجرانی و خزاعی آمدند. درباره کمبودها و مشکلات کشور و مشکلات ناشی از قانون اساسی در اداره کشور حرف زدند. آقای دکتر [سیف‌الله] وحید [دستجردی] آمد. نیازهای هلال احمر و مسایل بیت آیت‌الله منتظری را مطرح کرد. آقای [ابوالفضل] توکلی بینا آمد و درباره ساختمان‌های مسکونی سپاه در لویزان [= شهرک شهید محلاتی] و کارهای شخصی خودم در قم صحبت کرد.

---

۱ - رادیو آمریکا در پیش بینی منطقه عملیاتی آتی ایران در جنوب، برای اولین بار از شبه جزیره فاو نام برد: «ایران آماده می شود تا چند هفته دیگر حمله بزرگ خود را آغاز کند. این حمله متوجه بندر بصره در جنوب خاوری عراق و یا شبه جزیره فاو خواهد بود. تحلیلگران به دقت مراقب تحولات ایران هستند تا نشانه هایی از رسیدن تدارکات ایران به مراحل نهایی بیابند.» برخی منابع خارجی اعلام کرده اند که زمان حمله بزرگ ایران به تأخیر افتاده است و علت آن را فشارهای سیاسی بر ایران دانسته اند. روزنامه "وال استریت ژورنال" امروز در خلاصه اخبار جهانی خود، ادعا کرد که ایران تحت فشار شوروی و سوریه حملات زمینی خود علیه عراق را به تعویق انداخته است. در حالی که روزنامه "کریستین ساینس مانیتور" به قلم "کلودون انگلند" ـ که تخصصش در تهیه گزارش از تحولات ایران می باشد ـ نوشته است:« یک مقام ایرانی نزدیک به نخست وزیر میرحسین موسوی، تأخیر وقت برنامه تهاجمات جدید علیه عراق توسط ایران را تکذیب کرد و با دقت گفت ما هر وقت که فکر کنیم لازم باشد، هر وقت که نیروهایمان آمادگی داشته باشند، حمله خواهیم کرد.»

شنبه ۱۹ دی | ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۹ ژانویه ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. یاسر هم برای تنظیم برنامه اعزام به جبهه آمد. او مایل است زودتر برود. با اینکه تا یک هفته دیگر، دو محافظ خودم به جبهه می‌روند، ولی آقای رحمانی محافظ دیگرمان زودتر می‌رود. آنها می‌خواهند با هم بروند، تا به عملیات برسند.

تا ساعت نه گزارش ها را خواندم. آقای ابوطالبی سفیر جدیدمان در ایتالیا برای خداحافظی و مشورت آمد. گفتم سعی کند روابط را بهتر نماید با ایتالیا کارهای زیادی داریم.

[دکتر المهدی امبیرش] دبیر دفتر مردمی جماهیری لیبی، - سفیر جدیدشان - آمد. درباره توسعه روابط بحث شد[1]. گویا از مامور قبلی شان مثبت تر است. [آقای ولکن اورال] سفیر ترکیه آمد. از توسعه روابط و مسایل جنگ و ارتباط ما با همسایگان دیگر حرف زد و جواب شنید[2]. روابط ما با ترکیه خوب است. به آقای [تورگوت] اوزال [نخست وزیر ترکیه] پیغام دادم که پاسداران بازداشتی را زودتر آزاد کنند. آنها در مسیر خود به خاک عراق، هنگام عبور از خاک ترکیه بازداشت شده‌اند و حدود صد نفر هستند.

[آقای تنویر احمدخان] سفیر پاکستان آمد. تاکید زیادی برحسن روابط داشت[3]. از

---

۱ - دکتر المهدی امبیرش، دبیر دفتر مردمی جماهیری لیبی در تهران، در این دیدار با ابلاغ سلام سرهنگ قذافی و سرگرد جلود به آقای هاشمی اظهار داشت: «رهبری جماهیری لیبی، سعی در توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران دارد. ما معتقدیم باید با تشکیل کمیسیون‌های مختلف روابط دو کشور را در کلیه زمینه ها گسترش دهیم و روابط دو کشور را به صورت الگویی از روابط انقلابی به جهانیان نشان دهیم.» او ضمن اظهار خرسندی از مأموریت جدید خود در جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: « من در آغاز مأموریت خود در تهران، دستورات خاصی را از رهبری لیبی در زمینه توسعه روابط دریافت کرده ام و امیدوارم بتوانم در زمینه پیاده کردن این نظرات موفق باشم.» سپس آقای هاشمی ضمن تشکر از مواضع آقای قذافی و دولت جماهیری لیبی اظهار داشت: « ما هر وقت با مقامات کشور شما ملاقات می کنیم، علاقه به توسعه روابط دو کشور را در آنان می بینیم. ما اعتقاد داریم که دو کشور باید برای تحقق این نیات تلاش کنند. مطمئن باشید که جمهوری اسلامی ایران دوستی صمیمی برای جماهیری لیبی است.»

۲ - آقای هاشمی در دیدار با سفیر ترکیه در تهران گفت: « گمان می کنیم شرایط جمهوری اسلامی ایران عادلانه است. کسانی که می‌خواهند برای ختم جنگ اقدام کنند، نباید از دایره عدالت پای بیرون گذارند. جنایات بزرگی توسط عراق علیه مردم کشور ما اتفاق افتاده و جنگ بزرگی به ما تحمیل شده و جنگ تحمیلی خسارت زیادی را به بار آورده است که نمی توان از آن گذشت. اگر این مسائل حل نشود، چون آتش زیر خاکستر خواهد ماند. ما بدون تحقق عدالت، صلح پایدار را عملی نمی دانیم. تا حالا کسانی که برای پایان دادن به جنگ فعالیت کرده‌اند، مسئله عدالت را چندان جدی نگرفته اند. اگر مطابق با واقعیت برخورد کنند و عادلانه طرح را بیاورند، از سوی ما رد نخواهد شد.»

۳ - در این ملاقات ابتدا سفیر پاکستان گزارشی از آخرین تحولات کشور افغانستان و روابط پاکستان با همسایگان خود به اطلاع آقای هاشمی رساند و اظهار داشت: «از نظر تاریخی، پاکستان و ایران با یکدیگر پیوند های محکمی دارند و پاکستان معتقد است که وجود

مقاصد تجاوزطلبانه هند ابراز نگرانی کرد. در مورد تامین امنیت منطقه بلوچستان با مساعی مشترک ایران و پاکستان تاکید کردم و از علت عدم جواب مناسب از طرف پاکستان به تجاوزهای متعدد و مکرر افغانستان به پاکستان پرسیدم که جواب درستی نداشت. از هدایای ضیاء الحق که انبه و برنج فرستاده است، تشکر کردم و گفتم یک کارتن پسته رفسنجان برایش بفرستند.

عصر آقای [دکتر عباسعلی] زالی، وزیر کشاورزی آمد. از طرح های توسعه کشاورزی و زمینه های تحرک بخش خصوصی گفت و از کمی اعتبارات و امکانات نالید. [دکتر علیرضا مرندی] وزیر بهداشت و درمان و معاونان آمدند. از مخارج زیاد وزارت و کمی اعتبار و ارز و نیازهای مالی برای مسئولیت جدید امداد و درمان مجروحان جنگ گفت و از اعتبار جنگ کمک خواست.

شب جلسه سران قوا در مجلس بود. آیت‌الله خامنه‌ای شرکت نداشتند. درباره پاسخ امام بحث شد. نظر این بود که خوب است امام جبران کنند. احمدآقا اطلاع داد که قرار است فردا آقای خامنه ای به زیارت امام برود. درباره جنگ و مسائل دیگر هم مذاکره شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲۰ دی | ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۸   ۱۰ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم به مجلس رسیدم. گزارش‌ها را خواندم. تا ده و نیم در جلسه علنی بودم. در تنفس به دندان پزشکی رفتم. برای روکش یک دندان قالب گیری شد. ظهر آقای [حسین] مهدیان آمد. اساسنامه بنیاد خیریه طاهر را برای اموال خیریه تولیت آورد. آقایان سنجقی و رفیق‌دوست برای امور جنگ آمدند. تلفنی با رئیس جمهور صحبت کردم. با امام

یک ایران قوی و نیرومند به نفع صلح و ثبات در منطقه است. دولت پاکستان از ابتدا مخالف حضور ابرقدرت ها در خلیج فارس بود و اعتقاد داشت که نیروهای بیگانه باید از این منطقه خارج شوند.» آقای هاشمی نیز با اشاره به اهمیت روابط ایران و پاکستان و اثرات آن بر امنیت منطقه، اظهار داشت: «ما هیچ مانع و محدودیتی برای گسترش روابط خود با پاکستان نمی بینیم. در زمینه مسائل خلیج فارس ما خواستار بیطرفی کشور های حوزه خلیج فارس در جنگ هستیم. اعلام رژیم عراق به عنوان رژیم متجاوز، تنها نقطه روشن برای خاتمه جنگ می تواند باشد. در خصوص افغانستان، این حرف قابل طرح است که بیگانگان در آینده افغانستان دخالت نکنند. این امر ممکن است، اما در مورد حکومت آینده، بایستی ملت آن کشور تصمیم بگیرند و نباید کسی بیاید قیم آنان باشد. شرایط فعلی به گونه ای است که نیرو های خارجی نمی توانند مدت زیادی به حضور خود در افغانستان ادامه دهند.»

ملاقات کرده‌اند. قرار شده نامه‌ای به امام بنویسند.

عصر آقای محمد رضا بهشتی آمد. گزارش پیشرفت کار بنیاد تاریخ سیاسی معاصر را داد و استمداد کرد. عفت و یاسر و امیر مهدی - فرزند آقای موسوی خوئینی ها - آمدند. با امیر عازم جبهه بودند. مادرانشان آنها را تا ایستگاه راه آهن مشایعت کردند. دعای سفر در گوشش خواندم. از آرامش یاسر و عفت لذت بردم. روحیه خوبی دارند.

مسؤولان ضدجاسوسی وزارت اطلاعات آمدند. گزارش تحرکات جاسوسی عراق و نمونه های مبارزه با آنها را دادند. راجع به مسئولیت داخل عراق مذاکره شد. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم.

شام مهمان آقای [سید محمد] خاتمی وزیر ارشاد بودم. آقایان موسوی اردبیلی، [مهدی] کروبی، [سید محمود] دعائی، [اسداله] بیات و [حسین] هاشمیان هم بودند. درباره انتخابات و شورای نگهبان و نظرات اخیر امام مذاکره شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۱ دی | ۲۰ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. عصر آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد و راجع به نماینده مسجدسلیمان مشورت کرد. گزارش اطلاعات را داد. گفت که امام جمعه شیراز بی طرفی را در انتخابات نقص کرده است.

شب احمدآقا آمد و اطلاع داد که آقای خامنه‌ای نامه را عوض کرده و امام آماده دادن جواب هستند. ساعت ده و نیم کانال دوم تلویزیون، نامه امام را خواند که تا حدودی جبران شد.[1]

محسن آمد و از عدم پیشرفت کار ساخت مرکز موشک سازی گله داشت. یاسر از مهاباد تلفن کرد و سلامتی خودش را اطلاع داد. آقای قادری عملیات کردهای بارزانی را

---

۱ - آیت الله خامنه ای در این نامه ضمن تشکر از ارشادات امام خمینی (ره) اعلام کردند که مقصود از حدود شرعیه در خطبه های نماز جمعه، چیزی است که در صورت لزوم مشروحاً بیان خواهد شد. حضرت امام نیز در پاسخ به تایید ایشان پرداختند. در بخشی از این نامه آمده است: «جنابعالی را یکی از بازوان توانای جمهوری اسلامی می دانم و شما را چون برادری که آشنا به مسایل فقهی و متعهد به آن هستند و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانبداری می‌کنید، می دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی، از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می دهید.»



تلفنی از منطقه خبر داد.

سه‌شنبه ۲۲ دی | ۲۱ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۱۲ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. قبل از دستور درباره جواب دوم امام به آقای خامنه ای که از ایشان تمجید شده بود و نیز درباره انصارالمجاهدین صحبت کردم[1]. جواب [آقای آقازاده] وزیر نفت به کمیسیون اصل ۹۰ را در دستور داشتیم که باعث خشم جناح راست شد. در تنفس به کارهای دفترم رسیدم.

ظهر خانم میرزایی آمد و برای عفو شوهرش که به ده سال زندان محکوم شده است، استمداد کرد. آقای [محمد جعفر] محلاتی که از سازمان ملل آمده بود، برای گزارش آخرین وضع شورای امنیت و مشورت درباره برنامه های خودشان برای جلوگیری از صدور قطعنامه تحریم ایران آمد.

عصر به جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی رفتم. برنامه درس های معارف اسلامی و دخالت نمایندگان آقای منتظری در امور دانشگاه ها مورد انتقاد بود. قرار شد فکری بشود. همچین موضوع دانشکده‌های پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و نظر وزارت بهداشت و درمان در جلسه مطرح شد.

بعد از نماز مغرب به دفتر آقای رئیس جمهور رفتم. سرماخوردگی دارند. دکتر ولایتی هم بود. درباره سفر به پاکستان و مذاکره با ضیاء الحق برای هماهنگی در تحکیم روابط با

---

۱ - در این نطق آمده است:« الحمدلله با نامه جدید ریاست جمهوری و پاسخ صریح و روشن حضرت امام به دنبال پاسخ و نامه قبلی، مسائلی روشن شد و راهی مشخص شد. اینکه بعضی ها در صدد بودند از این راهی که امام مشخص فرمودند سوء استفاده بکنند و مایه تفرقه قرار بدهند و مخصوصاً متعرض مقام شخص بزرگوار، جناب آقای رئیس جمهور بشوند، خوب این هدف شیطانی، دیگر مایه ای در جامعه ما ندارد و امام همان گونه که رویه شان است، اجازه نمی دهند که از سرمایه های انقلاب به این آسانی بشود سوء استفاده کرد و ما خوشحالیم که در پرتو این دو نامه و دو جواب، امروز یک بحث اساسی و لازم در جامعه ما مطرح شده و این را شخص امام شروع فرمودند. بالاخره یک روزی لازم بود که این بحث مورد دقت قرار بگیرد و افکار عمومی با این بحث آشنا بشود. بحثی نیست که بشود در اتاق های در بسته حل کرد و مردم مطلع نشوند. آنچه که باز از نامه جدید امام ما فهمیدیم، این است که امام علاقمندند این مسأله به گونه صحیحی در جامعه روشن باشد. خواهشی که از رسانه های جمعی، نمایندگان محترم، گویندگان، همه داریم این است که دور از وابستگی های باندی و گروهی این مسأله را مورد توجه قرار بدهند و زوایایی که برای مردم روشن نیست روشن بکنند و به گونه ای بحث بکنند که مایه خوشحالی دشمنان ما نباشد که سوء استفاده بکنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

چین و ایجاد راهی به سوی چین، برای شرایط محاصره دریایی صحبت کردیم. هم پاکستان و هم چین از ما این را خواسته اند و قرار شد ایجاد خط لوله گاز از ایران به سوی شرق - هند و چین - از طریق پاکستان هم مطرح شود و نیز وقت تشکیل جلسه معاونان وزرای خارجه ایران و شورای هماهنگی خلیج‌فارس و سپس جلسه وزرای خارجه برای تحسین روابط را تعیین کنند.

چون آقایان خامنه ای و نخست وزیر هردو مریض بودند، جلسه سران قوا نداشتیم. شب به خانه آمدم. عفت به منزل محسن رفته بود. خانه خلوت است. یاسر در جبهه است و مهدی به کرج رفته. تنها شام خوردم.

به اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] تلفنی تذکر دادم که برنامه سیمای اقتصادی را که در تلویزیون همه هفته پخش می شود، زیر نظر بگیرد. احتمال سوء نیت در آن هست. زیاد از کمبودها می گوید. تذکر دادم که در اخبار مربوط به علما، این همه کلمات حجت‌الاسلام والمسلمین و امثال اینها تکرار نشود. تلفنی با آقای رضایی صحبت کردم[1]. با نخست وزیر تلفنی احوالپرسی کردم.

چهارشنبه ۲۳ دی | ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸

دیشب برف خوبی آمده است. عفت برای یاسر آش پشت پا پخته بود که من و پاسدارها

---

۱ - در جبهه جنوب، ابهام اکثر فرماندهان در خصوص هدف عملیات فاو همچنان مطرح است و وقت عمده ای از فرماندهی صرف پاسخگویی در این باره شده است. امروز در جلسه قرارگاه نیروی زمینی سپاه با قرارگاه کربلا و فرماندهان یگان های سازمانی این قرارگاه، آقای رحیم صفوی در توجیه عملیات فاو گفت: «ممکن است پیش خود سؤال کنید چرا می خواهیم این قدم‌های کوتاه را برداریم [اشاره به دامنه محدود زمین در عملیات فاو] ، من تا آن جایی که مصالح جنگ ایجاب می کند، برخی مسائل را به شما برادران و سربازان امام زمان(عج) بیان می کنم.... شرایط جنگ با سال گذشته فرق کرده است و برای غلبه به این وضعیت، تدابیر جدید اتخاذ کرده ایم که تماماً به تصویب آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده منصوب از طرف امام، رسیده است.» ایشان به توضیحات خود افزود:« شما بدانید که با حساب و کتاب و سیاست جنگی جدید دارید می جنگید.» آقای صفوی همچنین درباره اهمیت عملیات در فاو، گفت: «منطقه فاو به مثابه یک خنجر است در دل صدام؛ هر گامی که شما پیش می روید، این خنجر بیشتر در قلب صدام فرو می رود. حتماً یادتان هست وقتی فاو در "والفجر ۸" فتح شد، امام فرمودند: دفاع از فاو، دفاع از اسلام است. لذا این منطقه به لحاظ نظامی و سیاسی بسیار دارای اهمیت است.» آقای صفوی سپس خاطر نشان کرد که فرمانده جنگ و فرمانده سپاه تصویب کرده اند که در این منطقه عملیات انجام شود و این تصمیم بر اساس اصول و پایه و طرح های مشخص است و شما باید خودتان را برای سخت ترین شرایط آماده کنید.»

خوردیم. ساعت نه به مجلس رسیدم. نه ونیم [آقای ابوالقاسم سرحدی زاده] وزیر کار و معاونش آقای [محمد] سلامتی آمدند و درباره انتخابات صحبت کردند. [مسئولین] انجمن اسلامی معلمان آمدند و خواستند که محل انجمن که ملک مجلس است، در اختیارشان بماند.

وزیر کار، مجدداً همراه مسئول بنیاد مهاجران جنگ و آقای [محمد] رشیدیان نماینده آبادان آمدند. گزارش اقدامات در جهت اشتغال و اسکان [مهاجران] و مسایل فرهنگی آنها را گفتند و برای نیازها استمداد کردند.

آقای [مرتضی] اشراقی دادستان انقلاب تهران آمد. وضع دادسرا های انقلاب در سه بعد اقتصادی، گروهکی و مواد مخدر را گفت و درخواست حمایت داشت. ظهر آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و از موفقیت‌هایش در راه پیدا کردن امکانات غنی کردن اورانیوم گفت. اگر درست باشد تحول مهمی است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

سرشب آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد و گزارش سفر به سودان را داد. آنها از ما خواسته اند که علیه شورشیان جنوب کمک شان کنیم و به افرادشان آموزش بدهیم. درباره سفر لیبی و کارهای لبنان مشورت کرد. شب به خانه آمدم.

پنجشنبه ٢٤ دی | ٢٣ جمادی الاول ١٤٠٨ ١٤ ژانویه ١٩٨٨

پیش از طلوع فجر، خواب وحشتناکی دیدم. در خواب ناله می کردم. عفت بیدارم کرد. یادم آمد که خواب می‌دیدم در روستای بهرمان، به تنهائی از کوچه کنار باغ مسجد، جایی که در بچگی به ما می گفتند جن دارد، عبور می کردم. قیافه مهیبی از دور پیدا شد که در عالم خواب تصور داشتم جن است. از کنارم عبور کرد و مقداری دورتر، به سوی من برگشت و من ترسیدم. دیگر خواب نرفتم.

بعد از نماز صبح به مجلس رفتم. در جلسه علنی خیلی نماندم. [دکتر محمد فرهادی] وزیر فرهنگ و آموزش عالی می خواست به جای آقای رئیس جمهور برای دادن جوائز مبتکران، به دانشگاه بروم؛ به علل خاصی نرفتم. تا شب در دفترم ماندم. هیأتی که برای نظر

دادن درباره واگذاری امکانات اضافی ارتش به سپاه برای جنگ تعیین کرده ایم، آمدند. آنها گزارش سفر به استان های کردستان و آذربایجان شرقی را دادند. تصمیم گرفته‌اند چند نقطه از پادگان ها را برای مدت شش ماه به سپاه واگذار کنند.

آقای [علیرضا] سالاری سفیرمان در بلژیک آمد. درباره امکانات معامله با کشورهای عضو بازار مشترک [اروپا] و مشکل ایرانی هایی که از بلژیک هم تابعیت گرفته اند، گفت. ظهر آقای [سعید] رجائی خراسانی [نماینده دایم ایران در سازمان ملل] آمد. درباره نامزدی برای نمایندگی صحبت کرد و نمونه‌ای از مذاکره‌اش با آمریکایی‌ها را داد و اجازه خواست که ادامه دهد.

عصر [آقای محمد سعیدی کیا] وزیر و مدیران دیگر وزارت راه و ترابری آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. از مجله زن روز آمدند و مصاحبه‌ای انجام دادند[2]. اول شب آقای قادری [نماینده پیرانشهر] برای گزارش عملیات ظفر ۵ و نیازهای بارزانی‌ها آمد[3]. آقای -

---

۱ - در این دیدار که وزیر، معاونین، مدیران کل ادارات راه استان ها و مسئولین سازمان های تابعه وزارت راه و ترابری، به همراه مسئولین جنگ این وزارتخانه حضور داشتند، ابتدا آقای محمد سعیدی کیا گزارشی از عملکرد این وزارتخانه در ارتباط با خدمات جاده ای و جنگ را ارائه کرد. سپس آقای هاشمی ضمن قدردانی از فعالیت دست اندرکاران وزارت راه و ترابری گفت: « نمایندگان مجلس از این وزارتخانه راضی هستند، زیرا وظایف محوله را در محدوده امکاناتی که دارد، به خوبی انجام می دهد. من از طرف مسؤلان جنگ از شما برادران واقعاً تشکر می کنم. کارهایی که شما در جبهه انجام داده اید و راه هایی که برای رزمندگان اسلام ساخته اید، مایه خوشحالی و پشتگرمی مسئولان جنگ است.»

۲ - در این مصاحبه که در مجله زن روز مورخ ۲ بهمن ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است، در زمینه ضرورت حضور زنان در مجلس، عملکرد نمایندگان زن در دوره دوم مجلس، تعداد آنها و نقش مجلس در رفع تنگناهای موجود برای فعالیت زنان در جامعه مطالبی مطرح شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: « اینکه خانم ها در مجلس حضور داشته باشند را من یک ضرورت می بینم و نباید به این تعداد نماینده زن که در مجلس حضور دارند، اکتفا شود. این صحبتی هم که گفته می شود مجموعه مجلس، اگر روی عدد حساب کنیم، در مقایسه با یک نماینده دیگر، اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. متأسفانه تعداد اینها کم است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۳ - اجرای عملیات ظفر در شمال غرب کشور، در شبکه های خبری بازتاب یافت. نزدیکی زمان عملیات سالانه ایران در جبهه ها، موجب حساسیت بیشتر منابع خبری به تحرکات نظامی ایران شده است. رادیو بی بی سی درباره عملیات اخیر گفت: « ایران عملیات نظامی خود را با کمک کردهای عراق طرفدار ایران در شمال عراق تشدید کرده است. بنا به اظهارات ایران، حملات یاد شده در نزدیکی مرز ترکیه و شهر نفت خیز کرکوک صورت گرفته است، اما مقامات عراقی گزارش حملات را تکذیب کرده اند.» گزارش یکی از مفسران این رادیو در این باره چنین است: « اکنون حدود دوماه است که عراق در انتظار حمله ایران است، زیرا ایرانی ها معمولاً در دو ماه اول سال مسیحی - که شرایط جوی به نفع آنها است - مبادرت به حمله می کنند. ولی عملیات کنونی که عملیات "ظفر" نام دارد، در شمال شرقی و نه در مناطق فوق العاده حساس جنوب، در جریان است.» این رادیو افزود است:« اگر چه ممکن است این حملات محدود باشند، ولی به هر حال برای عراق از نقطه نظر اوضاع داخلی آن کشور، هشدار دهنده است. عملیات ظفر نشان دهنده این است که نیروهای ایران این توانایی را دارند که به آزار و ایذای عراقی ها حتی در قلب خاک آن کشور بپردازند.»





در جمع صمیمی رزمندگان دلاور اسلام

محسن رضایی اطلاع داد که امشب عملیات در جبهه بالا انجام می‌شود.

جمعه ۲۵ دی | ۲۴ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۸

اول وقت اطلاع دادند که عملیات دیشب در منطقه ماؤوت با موفقیت انجام شد[1] و اکثر اهداف مرحله اول را گرفته‌اند. این عملیات دنباله دارد. برای جلوگیری از تحریک عراق، یکی دو روز اعلام و تبلیغات به تاخیر افتاد. در نمازجمعه تهران، یک خطبه را درباره کلمات و نظرات اخیر امام در خصوص قدرت حکومت اسلامی و خطبه دیگر را راجع به مسائل روز ایراد کردم[2].

---

۱ - با تصرف ارتفاع گرده رش و عبور از رودخانه عریض قلعه چولان در عملیات نصر ۸، امکان گسترش وضعیت خودی در منطقه غرب این رودخانه و برداشتن گام های اساسی به طرف سلیمانیه فراهم شد. به همین منظور می بایست ارتفاعات قمیش، دلبشک و الاغلو تصرف می‌شد. با فرارسیدن فصل زمستان ارتفاعات منطقه را برف می پوشاند و اجرای هر عملیاتی دشوار به نظر می رسید، در حالی که وضعیت موجود جنگ، اقتضاء می کرد، عملیات مورد نظر هر چه سریع‌تر آغاز شود، زیرا نیرهای معارض عراقی که متحد ایران بودند، در معرض خط هجوم ارتش عراق قرار داشتند و و چنانچه مناطق وسیع تحت نفوذ آنان به اشغال دشمن در می آمد، بسیاری از راهکار های خودی بسته می شد. با توجه به این ضرورت، سپاه عملیات بیت المقدس ۲ را طراحی و اجرا کرد. در این عملیات، نیروهای خودی با وجود سرمای شدید و دشواری مسیرهای طولانی تعیین شده، موفق شدند حدود ۷۰ درصد از اهداف ارضی منطقه، همچون ارتفاعات ویولان، قامیش و گلاله را به تصرف خود در آورند.

۲ - در خطبه اول، تحلیل جامعی درباره فتاوای جدید امام خمینی (ره) و هدف امام از بیان این فتواها ارائه شد. ایشان در ادامه به تبلیغات رسانه های خارجی در خصوص جنگ قدرت در جمهوری اسلامی، به طور تفصیلی پاسخ داد. در خطبه دوم نماز درباره انتقاضه مردم فلسطین و ابعاد آن اشاره شد و موضوعات انتخابات مجلس شورای اسلامی، اهمیت کار گروههای انصار المجاهدین، نقش مشمولان وظیفه در جنگ، آمادگی نیروهای رزمنده برای انجام عملیات و حضور آمریکا در خلیج فارس، مطالبی برای نماز گزاران ارائه گردید. در بخشی از خطبه اول در خصوص نامه امام خمینی(ره) به آیت الله خامنه ای آمده است: « سن حضرت امام با جناب آقای خامنه‌ای فاصله زیادی دارد که تعبیر به "برادر" کردن، این لطافت بلندی دارد. امام خطاب به ایشان فرموند که شما بازوی توانای این انقلاب هستید. در این تعبیر اغراق نیست و گفتند از سالها پیش تا امروز نظر من نسبت به شما تغییر نکرده و امام اهل اغراق نیستند. جناب آقای خامنه ای ریاست جمهوری، جزو پیشتازترین روحانیونی هستند که همان ساعات اولیه جرقه انقلاب در حدود سال ۴۰ در خدمت انقلاب بودند که الان ۲۵ سال از آن تاریخ می گذرد و تا امروز یک لحظه و یک قدم در جهاد و مبارزه به عقب برنداشته و هر روز قوی تر و نیرومندتر و آماده تر در میدان خدمت به انقلاب بوده است. (تکبیر نماز گزاران). حقی که ایشان نسبت به انقلاب دارد، جزو حقوق درجه اول است. بنده از کسانی هستم که برای این مسئله شهادت می دهم، برای اینکه من از همان سال اول با ایشان بودم و هنوز هم و ان شاء الله تا ابد هم همراه خواهیم بود و شهادت می دهم که بعد از امام و حضرت آیت الله منتظری، در حال حاضر نیرومندترین عنصر از شخصیت‌های جمهوری اسلامی است، با سوابق و محتویات فکری و اخلاقی که ایشان دارد و ما آن روزهایی که در مبارزه بودیم و آن موقعی که نفسها در

عصر احمدآقا آمد و درباره نظر امام مبنی بر تعیین جمعی یا مرجعی برای تشخیص موارد احکام حکومتی اسلام مذاکره کردیم. دو فرض در نظر است: یا اختیار به مجلس داده شود، یا به جمع محدودی مثل سران قوا و دوسه نفر دیگر، اختیار واگذار شود. قرار شد با امام صحبت شود.

آقای درویش آمد. راجع به کیفیت استفاده از سهم پاساژ گرگان مذاکره کردیم. قرار شد به نام ایشان شود و سپس بفروشد. فعلاً به نام ورثه مرحوم اخوان فرشچی است و اجاره آن خوب وصول نمی‌شود.

با آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی صحبت و احوالپرسی کردم. حالشان بهتر است. چند بار از طریق رمز با جبهه تماس گرفتم. تا شب وضع خوب و رو به بهتر شدن است. به خاطر کسالت و خستگی، زود خوابیدم.

شنبه ۲۶ دی | ۲۵ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۱۶ ژانویه ۱۹۸۸

به مجلس آمدم. [آقای مهدی خندق آبادی] سفیر ایران در استرالیا آمد. گزارشی داد و مشورت کرد. او خواستار باز کردن کنسولگری بود. سفیر سودان در ایران آمد. ملاقات به تعارف گذشت و انتظاراتشان از ایران را گفت. سفیر نیکاراگوئه در ایران آمد. برای نفت استمداد کرد و بیانیه دولتش را در خصوص حمایت از نهضت مردم فلسطین خواند.

[آقای حسین علایی] فرمانده نیروی دریایی سپاه آمد. گزارش داد و برای خرید امکانات استمداد نمود. سفیرمان در پرتقال آمد. مدعی است پرتقالی ها آمادگی دارند که تولیدات نظامی خودشان را به ما بفروشند و واسطه خرید اقلام دیگران هم باشند.

عصر جمعی از دانشگاهیان آمدند. آنها از وزیر بهداشت و درمان انتقاد داشتند. جمعی از مدیران آموزش و پرورش تهران آمدند و از انتقادی که در نماز جمعه از آنها در خصوص مخالفتشان با مدارس غیر انتفاعی کرده بودم، گلایه داشتند. گفتم به خاطر حفظ حرمت دستورات امام بود و نصیحتشان کردم که حرمت فرامین امام را حفظ کنند.

← سینه‌هاگیر کرده بود، واقعاً پشت مان به وجود ایشان گرم بود و امروز هم پشتمان به حضور ایشان در صحنه ها گرم است.» رجوع کنید
← کتاب هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸

امروز به خاطر کسالت آقای خامنه‌ای، جلسه سران قوا نداشتیم. شب را برای انجام کارهای عقب مانده وآماده شدن برای سفر به جبهه در مجلس ماندم.

یکشنبه ۲۷ دی | جمادی الاول ۱٤۰۸ ۱۷ ژانویه ۱۹۸۸

بعد از نماز گزارش‌ها را خواندم. قبل از شروع جلسه، خبر شروع عملیات بیت‌المقدس دو را به نمایندگان دادم. جلسه را افتتاح کردم، به منظور اعلان حضور در تهران و سپس ادامه جلسه را به آقای [محمد] یزدی سپردم و همراه دکتر روحانی با اتومبیل به سوی اهواز حرکت کردیم. در جاده قم ماشین و لباس را عوض کردم. ناهار را در کافه ای بین راه اراک و خرم آباد صرف کردیم. با اینکه لباس نظامی به تن داشتم، کافه چی مرا شناخت. یکسره تا اهواز راندیم و ساعت هشت شب رسیدیم.

آقایان شمخانی و رحیم صفوی در گلف منتظرمان بودند. فرماندهان دیگر هم آمدند. بعد از نماز و شام، درباره جنگ مذاکره کردیم. از عملیات بیت المقدس ۲ هم اطلاع گرفتیم. امروز جبهه های شمال آرام بود و دفع پاتک داشته‌ایم. به منزل اطلاع دادیم که رسیده‌ایم.

دوشنبه ۲۸ دی | ۲۷ جمادی الاول ۱٤۰۸ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۸

اول وقت فرماندهان قرارگاه کربلا و لشکرها آمدند. برنامه عملیات لغو شده را گفتند و از لغو عملیات اظهار نارضایتی کردند. بعضی ها هم راضی بودند و درباره عملیات آینده به مشورت پرداختیم. جلسه تا ظهر طول کشید.

عصر همراه با جمعی از فرماندهان سپاه از جمله [محمد] فروزنده و رحیم صفوی و [حسن] دانائی و دکتر روحانی و محافظان به سوی فاو حرکت کردیم. در راه آقای فروزنده درباره وضع خوزستان و اراضی آنها و تاسیسات در راه و مخصوصاً نخلستان های اطراف بهمن شیر، اطلاعات مفیدی داد.

کنار بهمن شیر پیاده شدیم و سدی که روی آن، برای عبور به طرف فاو زده‌اند، تماشا-



بیمارستان صحرایی در فاو



سایت ضد هوایی در منطقه جنوب

کردیم. نخلستان ها نسبتاً سالم مانده، ولی صاحبان آنها مهاجرت کرده‌اند و فقط برای هرس و چیدن خرما می آیند. به پل بسیار مهم روی اروند رسیدیم. پیاده شدیم. کار بسیار عظیمی است. با لوله های بزرگ، تمام اروند را در جائی که حدود هفتصد متر عرض دارد، پر کرده که آب را عبور می‌دهد و روی آن را آسفالت ضخیمی کرده‌اند.

دیدن وضع اروند از نزدیک، عظمت عملیات والفجر ۸ و عبور از اروند را نمایش می دهد؛ خیلی مهم است. دو سه ساعت در منطقه فاو با اتومبیل گردش کردیم. شهر مخروبه فاو، تانک فارم ها، تلمبه خانه های مخروبه، اسکله فاو، نخلستان های مخروبه و جاده های روستاهای مخروبه را دیدیم. از اسکله در دست ایجاد در ساحل خور عبدالله توسط سپاه و محل سایت موشک سیلک ورم - کرم ابریشم - عراق که تصرف کرده‌ایم، بازدید کردیم. از بیمارستان صحرائی احداثی در فاو بازدید کردیم؛ مجهز است. هشت اتاق عمل دارد. برای عملیات لغو شده آماده شده اند و نمی دانستند. از محل معالجه و شستشوی مجروحان شیمیائی بازدید کردیم؛ جالب است و کامل.

در راه بازگشت، از سایت موشکی ضدهوایی سپاه بازدید کردیم. خوب است. قرار بود شام را درمحل بیمارستان صحرائی علی بن ابی طالب(ع) صرف کنیم که به خاطر خستگی لغو کردیم. حدود ساعت ده شب به اهواز رسیدیم؛ شام و نماز و خواب، البته بعد از مذاکره کوتاهی با مسئولان تعاون سپاه که از عملکرد بنیاد شهید گله داشتند.

سه‌شنبه ۲۹ دی | ۲۸ جمادی الاول ۱۴۰۸ | ۱۹ ژانویه ۱۹۸۸

اول وقت فرماندهان قرارگاه‌ها از لشکرها، تیپ‌ها، گردان‌ها و دسته‌های واحدهای عمل کننده آمدند. در اجتماع آنها سخنرانی مبسوطی درباره استراتژی و برنامه های جنگ ایراد کردم[1]. گفته بودند که نیروها از تغییر زمان عملیات ناراضی اند. آنها را توجیه و تشویق کردم.

ساعت نه ونیم با اتومبیل به سوی شمال غرب حرکت کردیم. بین راه نزدیک دزفول -

---

۱ - نوار این سخنرانی، پس از جستجوی فراوان یافت نشده است. از کسانی که احیاناً به نوار این سخنرانی دسترسی دارند، تقاضا می شود، برای تکمیل آرشیو دفتر نشر معارف انقلاب، نسخه ای از آن را به این دفتر تحویل دهند.



اسیران دشمن در پشت خاکریز - عملیات بیت‌المقدس ۲

کاهو مصرف کردیم. ظهر برای نماز و ناهار در پایگاه هوایی دزفول ماندیم، سپس حرکت کردیم. یکسره تا شهر باختران [= کرمانشاه] راندیم. از شهرهای پلدختر و اسلام آباد گذشتیم. جاده ها خوب است. اول شب به باختران رسیدیم. در محل قرارگاه رمضان منزل کردیم. خلوت بود. برای رفع خستگی زود خوابیدم.

چهارشنبه ۳۰ دی | ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۸ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۸

بعد از نماز، اخبار رادیوهای آمریکا و انگلیس را گرفتم؛ خیلی از جنگ و عملیات بیت‌المقدس می گویند. آقای مسجدی، جانشین فرمانده قرارگاه رمضان و آقای برهان، مامور نماینده امام در قرارگاه سپاه آمدند. از کمبودها و ضعف های قرارگاه رمضان گفتند.

ساعت نه به سوی منطقه عملیات بیت‌المقدس حرکت کردیم. جاده‌ها خوب بود، ولی برف همه زمین های اطراف را پوشانده بود. از کامیاران، سنندج، دیواندره، سقز و بانه

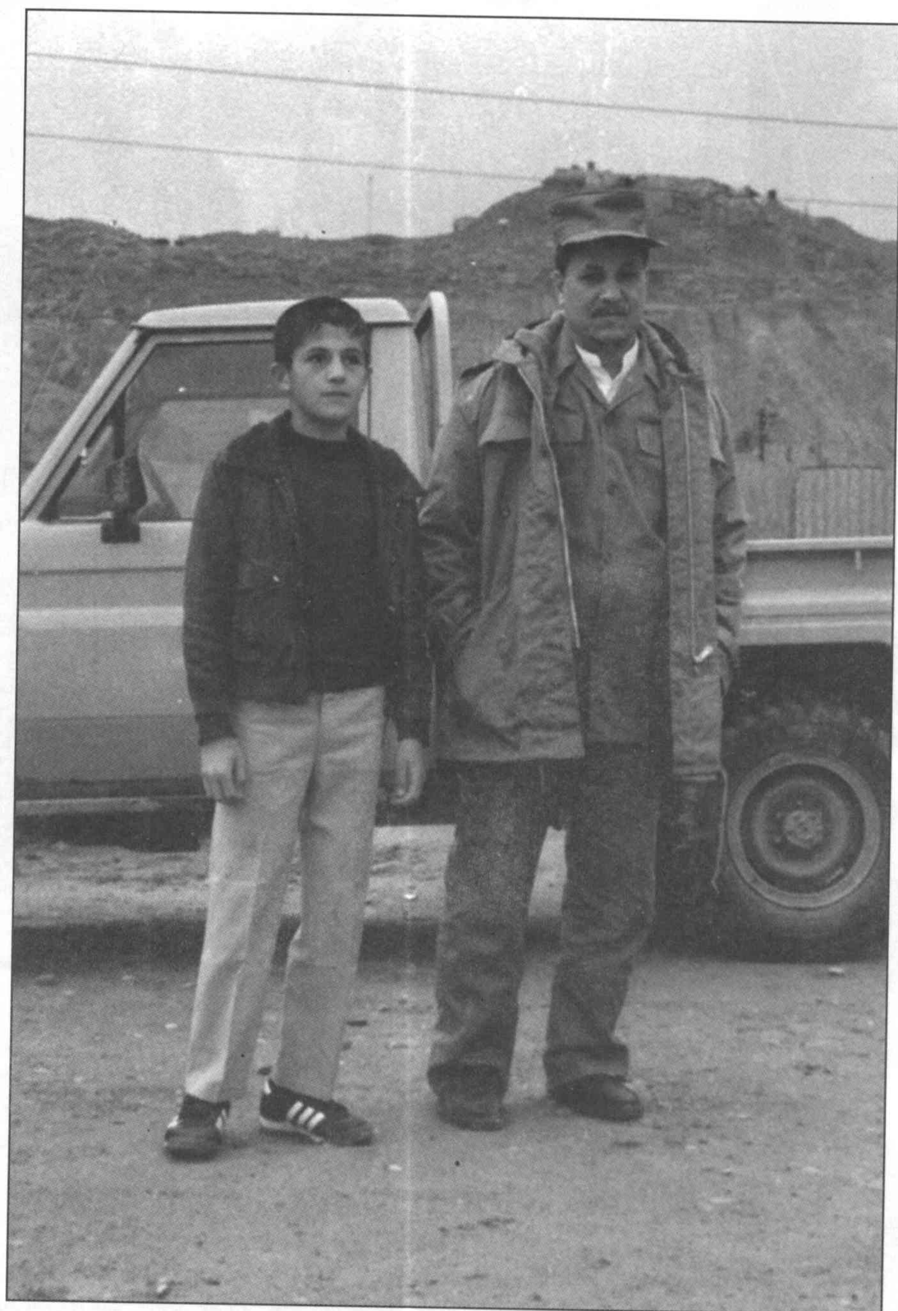
گذشتیم. ناهار را در اتومبیل ساندویچ خوردیم. نماز ظهر و عصر را در مسجد جامع دیواندره خواندیم. مسجد خیلی بی حال و خلوت بود.

نزدیک غروب به قرارگاه شهید بروجردی - که در ده کیلومتری مرز عراق واقع است رسیدیم. آقای صیاد شیرازی هم آنجا آمده بود. تلفنی با آقای محسن رضایی که به قرارگاه جلوتر رفته بود، مذاکره کردیم. معلوم شد امشب مرحله دوم عملیات بیت المقدس ۲ را دارند و قرار شد پیش ما بیاید.

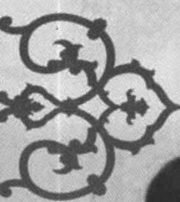
بعد از نماز مغرب، اطلاعات لازم را از فرماندهان سپاه گرفتیم. آقای رضایی نزدیک ساعت ده شب آمد و برنامه عملیات را توضیح داد و خیلی امیدوار است و برای کنترل و اداره عملیات زود برگشت. عملیات نیمه شب شروع شد[1].

---

۱ - در این عملیات ضمن تصرف ارتفاعات آمدین، ویولان، گوجار، قمیش، تپه سوزنی و گرده شیلان، امکان تردد نیروهای قرارگاه رمضان به مناطق آزاد شده در داخل خاک عراق فراهم شد. در این میان، مجموعاً بیش از ۷۰ درصد از اهداف ارضی عملیات تأمین شد. در عملیات بیت المقدس ۲ بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی و بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد یگانهای درگیر آن در منطقه منهدم شدند. غنائم به دست آمده در این عملیات نیز قابل توجه بود.



آقای هاشمی در کنار فرزندش یاسر



بهمن ۱۳۶۶

پنجشنبه ۱ بهمن | ۱ جمادی الثانی ۱٤۰۸ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۸

بعد از نماز و گوش دادن به اخبار، از عملیات دیشب اطلاع گرفتم؛ از پیشرفت راضی بودند. برای قدم زدن در برف ها به اطراف قرارگاه رفتیم. تا ظهر قدم زدیم و آقای امیدخدا - از پاسداران همراه - فیلمبرداری کرد. به مرکز شنود مذاکرات بی سیمی عراق رفتیم؛ توضیحاتی دادند. از پناهندگان عراقی هم کمک می گیرند. ظهر خبر رسید که عملیات ناموفق است و نیروها برگشته‌اند.

به محل استقرار یک توپ ضدهوایی ۵۷ غنیمتی رفتیم و با خدمه آن صحبت کردیم. اکثراً سرباز و بسیجی بودند. به یکی از بسیجی ها که اهل بیجار است و مدتی در زندان ضدانقلاب در دولتو بوده و زجر زیاد دیده و عیالوار است، یک سکه بهار آزادی دادم.

بعد از نماز تا ساعت چهار بعد از ظهر، با فرماندهان نظامی درباره علت عدم موفقیت عملیات دیشب که به قله های الاغلو و دولبشک حمله کرده بودیم، صحبت کردیم. عصر به قرارگاه شهید داورآبادی در داخل خاک عراق رفتیم که از رودخانه چومان مصطفی که نقطه مرزی است، حدود ۱۵ کیلو متر جلو تر بود. نماز مغرب را آنجا خواندیم و با فرماندهان سپاه درباره عملیات مذاکره کردیم. قرار بود با محسن رضایی مذاکره کنیم، ولی ایشان به خاطر مشکلات جنگ به قرارگاه مقدم در ارتفاع گردرش رفته بود که تلفنی قرار گذاشتیم، فردا مذاکره کنیم.

به قرارگاه خودمان برگشتیم. برف می بارید. ساعت ده شب رسیدیم. یاسر و امیر مهدی خوئینی‌ها، همراه رحمانی آمده بودند. بچه‌ها خواب بودند. گفتم بیدارشان کردند و آمدند. حالشان خوب است. در خط مقدم شرکت کرده و شش اسیر عراقی را با یک تفنگ خراب به عقب آورده بودند. با عفت تلفنی صحبت کردیم. یاسر هم صحبت کرد. دیر وقت خوابیدیم.

جمعه ۲ بهمن | ۲ جمادی الثانی ١٤٠٨   ۲۲ ژانویه ۱۹۸۸

سحر بیدار شدم. تا ساعت نه صبح در قرارگاه مذاکره داشتیم و اوضاع جنگ را بررسی کردیم[1]. مقداری در اطراف قرارگاه در برف ها پیاده روی کردیم. برف می‌بارید.

نزدیک ظهر فرماندهان قرارگاه نجف و قرارگاه قدس آمدند. گزارش کامل عملیات را دادند و فرماندهان لشکرهای ۱۰ سید الشهدا(ع) و ۲۷ حضرت رسول(ص)، عاشورا، قدس گیلان، ۵۷ فتح و انصار گزارش عملیات خود را دادند و وضع فعلی امکانات و نیروهای خود و نظریه را دادند. این جلسه از ساعت یازده و نیم تا هفت شب طول کشید.

فرمانده هوانیروز ارتش و مسئول جهاد و مهندسی رزمی و توپخانه‌ها هم گزارش کار دادند. فیلمی از عملیات لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) دیدیم که خیلی جالب است. شب هم فیلمی از سفر دو سه نفر از فرماندهان سپاه به داخل خاک عراق، برای بررسی وضع جغرافیائی نظامی و پیدا کردن راه کار عملیات را دیدیم که دو ساعت طول کشید و آقای

---

۱ - عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد. بدین ترتیب که در مرحله اول ارتفاعات ویولان، دشت هرمدان، یال های ابتدای ارتفاع گوجار و یالهای مقابل این ارتفاع که بر ارتفاع الاغلو و تنگه الاغلو تسلط داشت و نیز ارتفاعات الاغلو، قمیش و دولبشک به همراه تنگه دولبشک ـ الاغلو، تصرف شود و در مرحله دوم پس از تأمین اهداف مرحله اول، با تصرف ارتفاعات موکبه و قیوان پیشروی به سمت عمق منطقه، انجام گیرد. تداوم عملیات در عمق منطقه پس از مرحله اول ، از جمله تدابیری بود که تحقق آن، علاوه بر کسب موفقیت در مرحله اول، به عوامل دیگری همچون توان نیروهای خودی و وضعیت دشمن در منطقه بستگی داشت.

موقعیت زمین منطقه و تقسیم آن به دو قسمت شرقی و غربی، به جهت تأثیر رودخانه قلعه چولان، سبب گردید تا اجرای عملیات با دو قرارگاه نجف و قدس پیش بینی شود. بدین ترتیب که قرارگاه نجف در محور قمیش(دشت هرمدان) با ۴ لشکر و ۴ تیپ شال لشکرهای ۵ نصر، ۶ پاسداران ، ۲۱ امام رضا(ع)، ۱۵۵ شهداء و تیپ های ۳۵ امام حسن(ع) ، ۱۸ الغدیر، ۱۲ قائم و ۴۸ فتح، مجموعاً با ۵۷ گردان و قرارگاه قدس با ۶ لشکر و یک تیپ شامل لشکرهای ۱۰ سید الشهداء(ع)، ۳۱ عاشورا، ۳۲ انصارالحسین(ع)، ۲۷ حضرت رسول(ص)، ۵۲ قدس و ۳۷ حضرت ابوالفضل(ع) و تیپ زرهی ۲۰ رمضان، مجموعاً با ۴۷ گردان، مأموریت اجرای عملیات را برعهده گرفتند

باقری توضیح می‌داد. از یاسر و مهدی خوئینی‌ها، اوضاع خط و نیروها و عملیات را پرسیدم. اطلاعات خوبی داشتند.

شنبه ۳ بهمن | ۳ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۲۳ ژانویه ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح، فرماندهان سپاه از قرارگاه شهید بروجردی آمدند. آخرین وضعیت های میدان نبرد بررسی و برای برنامه آینده تصمیم گیری شد[۱]. ساعت هشت و نیم با اتومبیل به سوی تهران حرکت کردیم. یاسر هم خداحافظی کرد و همراه امیر مهدی و رحمانی به سوی ماؤوت رفتند.

تا تهران، زمین همه جا پوشیده از برف بود. از شهرهای بانه، سقز، دیواندره، بیجار، زنجان، خرمدره، تاکستان، قزوین و کرج گذشتیم. ظهر نماز را در مسجد بیجار خواندیم. چون بعضی از مردم در مسجد مرا که با لباس نظامی بودم، شناختند، برای پرهیز از اجتماع مردم، نماز عصر را نخواندم. ناهار را در ماشین خوردیم. از دیواندره نان و کباب تهیه شده بود.

ساعت هشت شب به منزل رسیدم. فیلمی از عملیات بیت المقدس ۲ را دیدم. چند روز اخیر که تلویزیون نداشتم، فیلم ها را ندیده بودم. عفت نبود و مهدی تنها بود. محسن و بستگان آمدند.

---

۱ - تحرک نیروهای خودی در منطقه فاو و اجرای عملیات بزرگ سالانه در منطقه جنوب، سبب گردید تا دشمن توجه ذهنی و تمرکز نیروهای خود را به منطقه جنوب معطوف نماید. وضعیت فصلی در منطقه شمال غرب نیز به گونه ای بود که دشمن باتوجه به سوابق عملیات های پیشین رزمندگان اسلام در این منطقه، امکان عملیات جدی و گسترده را پیش بینی نمی کرد. در مجموع این عوامل منجر به غافلگیری دشمن شد. حتی پس از اجرای مرحله اول عملیات، دشمن همچنان از انتقال نیروی متناسب با این عملیات به منطقه امتناع کرد. تنها پس از آغاز مرحله دوم عملیات و با پیشروی به سمت ارتفاعات مهم و استراتژیک الاغلو و دولبشک، عراق با درکی که نسبت به سمت اصلی تلاش های ایران در این منطقه پیدا کرد، تدریجاً به انتقال یگان های جدید و یگان‌های احتیاط سپاه یکم و سپاه دوم و همچنین دو تیپ ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص از لشکر گارد، اقدام کرد. نیروهای دشمن که از ابتدا تا انتهای عملیات به منطقه وارد شدند، مجموعاً ۸ تیپ و ۴ گردان بودند



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بسمه تعالی

تلگراف

شماره
تاریخ
پیوست

نجف - حجة الاسلام و المسلمین سید محمد باقر حکیم

جنایت [illegible] برادر [illegible] عظیم [illegible] به دست [illegible]
برادر ارجمند شهیدتان [illegible] مصداق بارز نبرد و ستم دولتی [illegible]
[illegible] که صدامیان و صهیونیست‌ها و ارتجاع و مستکبرین
در دنیا [illegible] . و [illegible] افتخار [illegible]
مجاهدین مسلمان عراق و مخصوصاً آل بزرگوار حکیم است که برای نجات
ملت مظلوم عراق بهترین قربانی تقدیم می‌دارند و سیعلم الذین ظلموا ای
منقلب ینقلبون.



تلگراف تسلیت به مناسبت شهادت حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی حکیم

یکشنبه ٤ بهمن | ٤ جمادی الثانی ١٤٠٨ | ٢٤ ژانویه ١٩٨٨

اول وقت به مجلس آمدم. قبل از شروع جلسه، مختصراً وضع جنگ را گفتم. تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی ماندم. پیش از ظهر در دفترم با نماینده‌های برخوار، همدان و لنجان ملاقات داشتم.

آقای آقامحمدی درباره برنامه تبلیغاتی در سودان به دنبال شهادت سید مهدی حکیم[1] و کارهای قرارگاه رمضان صحبت کرد و آقای پناهنده دو نفر را آورده بود که یک میلیون تومان کمک مالی برای جنگ آوردند. حواله کردم که به لشکر امام حسین(ع) بدهند.

آقای [حسین] کمالی آمد. از شورای نگهبان گله داشت که در اصلاح قانون کار همکاری نمی‌کنند. تا عصر کارهای عقب مانده را انجام دادم. [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی آمد و از کمبود ارز گفت. در مورد دادن ارزهای ضروری تأکید کردم. آنها رفتند و من تا ساعت هشت و نیم کار کردم و به خانه آمدم.

یاسر تلفن کرد و برای ملاقات افراد لشکر ۱۰ سید الشهدا(ع) با امام وقت می‌خواست. از ماؤوت برگشته‌اند. مهدی از خانه محسن شام آورد، با هم خوردیم. او هم برای رفتن به جبهه آماده می‌شود. گفتم صبر کند تا یاسر برگردد، ولی عجله دارد.

دوشنبه ٥ بهمن | ٥ جمادی الثانی ١٤٠٨ | ٢٥ ژانویه ١٩٨٨

ساعت پنج و نیم صبح بیدار شدم. ساعت هشت و نیم برای شرکت در شورای‌عالی پشتیبانی جنگ به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. تا ظهر آنجا بودم. چند مصوبه داشتیم. تا ساعت چهار به استراحت و خواندن گزارش‌ها گذشت.

آقای [غلامعباس] زائری آمد. از تغییر رئیس بنیاد شهید هرمزگان ناراضی بود. مدعی است اقدام خطی بوده و خانواده‌های شهدا مخالفند و در مقابل مسئول جدید که تحت فشار

---

۱ - حجت الاسلام سید مهدی حکیم از روحانیون مخالف رژیم بعث عراق که برای شرکت در یک کنفرانس اسلامی به خارطوم پایتخت سودان سفر کرده بود، هنگام مراجعت از ملاقات دکتر حسن ترابی مسئول جبهه ملی اسلامی سودان، در ورودی هتل هیلتون ترور شد و براثر اصابت گلوله به ناحیه کمر و گردن، به شهادت رسید. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، مأمورین رژیم صدام را عامل ترور شهید سید مهدی حکیم معرفی کرد.

امام جمعه آمده مقاومت می‌کنند.

عصر [حسن عابدی جعفری] وزیر بازرگانی آمد. گزارشی از وضع کار داد و برای تسهیل امور و مسائلی که با کمیسیون اصل ۹۰ دارند، مشورت و استمداد کرد. تصمیم گرفته است با اصناف بیشتر کار کند. در گذشته آنها را نمی‌پذیرفت.

آقای فتح الله صوفی آمد و سهام کارخانه نساجی‌اش را برای کمک به جنگ آورد. گفتم بفروشد و به حساب ۵۵ بریزد. پیشنهادی در خصوص ایجاد راه‌های آبی در کشور داشت. چند نفر از کارکنان روابط عمومی مجلس آمدند. از کارپردازی و سرپرست ادارات کل گله داشتند و مدعی بودند که آنها خطی عمل می‌کنند.

سه‌شنبه ٦ بهمن | ٦ جمادی الثانی ١٤٠٨ ٢٦ ژانویه ١٩٨٨

دیرتر از معمول به مجلس رسیدم. یکسره به جلسه رسمی رفتم. تا ساعت ده و نیم در جلسه بودم. مراجعات نمایندگان زیاد بود. چند ملاقات انجام دادم. عصر برای انجام کارهای عقب افتاده روزهای سفر، به جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نرفتم.

خروج بخشی از نیروهای غربی از خلیج‌فارس، مسأله مهم رسانه‌ها است[1]. اول شب آقای روحانی آمد. درباره ساختن کارخانه توپ سازی مشاوره شد. قرار شد پیشرفت کار سپاه و ساصد [= سازمان صنایع دفاع] مقایسه شود.

شب جلسه سران قوا در مجلس بود. دیر وقت به خانه رسیدم. شب آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی مهمان من در مجلس بودند. احمدآقا و نخست وزیر نبودند. گزارش عملیات بیت المقدس[2] و برنامه آینده را دادم. درباره روابط با پاکستان، چین، فرانسه و شورای همکاری خلیج‌فارس مذاکره شد.

---

۱ - پنتاگون اعلام کرد که به زودی تعدادی از کشتی های جنگی و رزمناوهای آمریکا در خلیج فارس، این منطقه را ترک خواهند کرد. آمریکا علت کاهش رزمناوهای موجود در خلیج فارس را عدم نیاز به این نوع کشتی ها عنوان نمود.

۲ - منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ در شمال استان سلیمانیه عراق از شمال به ارتفاعات گرده رش و ویولان، از جنوب به ارتفاعات الاغلو، دولبشک و یاش قلعه و از شرق به ارتفاعات آمدین و گلان و از غرب به ارتفاع گوجار منتهی می شود. رودخانه قلعه چولان زمین منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است و از شمال تا جنوب منطقه عملیاتی امتداد دارد. عقبه نزدیک منطقه، شهر بانه می باشد که منطقه عملیاتی را با جاده کاگر ـ بانه به شهر بانه متصل می کند.

چهارشنبه ۷ بهمن | ۷ جمادی الثانی ۱۴۰۸   ۲۷ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. گروهی از مدیران کارخانجات که در ساخت مهمات همکاری دارند، آمدند. گزارش پیشرفت کار دادند و گفتند روزانه ۱۲ هزار قبضه خمپاره ۶۰ و ۶ هزار خمپاره ۸۱ و ۲۵۰۰ قبضه خمپاره ۱۲۰ و مقداری گلوله توپ ۱۲۲ و موشک مینی کاتیوشا تولید می کند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. قرآن و سکه ای به هر یک از آنها هدیه شد.

دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش پیشرفت کار دانشگاه آزاد اسلامی و کار شکنی وزرای آموزش عالی و بهداشت و درمان را گفت. بیش از صد هزار دانشجوی دوره ای و بیش از پنجاه هزار دانشجوی تکدرس داریم. آقای علیزاده آمد و گزارش صنایع نظامی سپاه را داد. جمعی از کارکنان مجلس آمدند و از حرکات سیاسی کارکنان روابط عمومی گله مند بودند. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب در شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز شرکت کردم. صحبت های اخیر امام، تاثیر زیادی در اصلاح مواضع جناح راست داشت. درباره انتخابات و نامزدهای روحانیت مذاکره شد. کلیات و معیارها مورد مذاکره قرار گرفت. قرار شد لیست تهیه کنند. دیر وقت

---

۱ - در این دیدار که مهندس محلوجی رئیس کمیسیون صنایع مجلس، به اتفاق قائم مقام امور دفاعی وزارت صنایع سنگین، جمعی از مدیران کارخانه های تحت پوشش و معاون صنایع خودکفایی وزارت سپاه پاسداران حضور داشتند، ابتدا آقای محلوجی از نحوه تولید مهمات و به کارگیری امکانات جهت خودکفایی نظامی گزارشی ارائه کرد، سپس آقای هاشمی گفت:« ما اگر از آغاز جنگ به فکر افتاده بودیم تا از امکانات فنی و صنعتی کشور برای تدارک نیازهای جنگ استفاده کنیم، شاید امروز به کلی همه نیازهای خود را در داخل کشور تأمین می کردیم و در آن صورت دیگر مساله ای به نام تحریم تسلیحاتی برای ما بی معنا بود. داشتن صنعت نظامی قابل توجه برای آینده کشور اسلامی ما یک ضرورت غیر قابل انکار است. ما حاضر نیستیم از فکر حاکمیت اسلام و صدور انقلاب به دنیا دست برداریم. این وظیفه دینی ما است و باید تلاش کنیم هرجا می‌توانیم مسلمانان را از زیر یوغ کفر بیرون آوریم. قطعاً این طرز تفکر با مقاومت روبرو می شود، برای اینکه آنان که نمی خواهند جای خود را به حاکمیت اسلام بدهند، به آسانی دست بردار نیستند. آنان روی نقطه اصلی حرکت فشار می آورند. مثلا در فلسطین ، به امثال مبارک میدان می‌دهند، برای اینکه چیز دیگری را جایگزین حرکت اسلامی مردم فلسطین کنند. اما امروز به تدریج مجبور شده اند اعتراف کنند، که مایه اصلی حرکت مردم در اراضی اشغالی فلسطین فکر بنیادگرایی اسلامی است که ریشه از تهران دارد. این اعتراف برای آنان بسیار تلخ است و طرح این سخن، بزرگترین تبلیغ برای ما به شمار می آید. فلسطینی‌ها که نزدیک ۵۰ سال گرفتار بوده و همیشه با شعار محدود قومیت و نژاد عرب و ناسیونالیستی می خواستند با صهیونیسم مبارزه کنند، اکنون در بدترین شرایطی که دنیای عرب دارد، توانسته اند از درون خود حرکتی را در خط اسلام به وجود بیاورند و دو ماه است که نیروهای خشن و بی رحم اسرائیلی را در تنگنا و فشار قرار داده‌اند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

به خانه رفتم. بچه‌ها مهمانی رفته بودند و دیر وقت آمدند. اخبار ساعت ده و نیم شب کانال دو [تلویزیون] را گوش دادم و خوابیدم.

پنجشنبه ۸ بهمن | ۸ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها خبر مهمی ندیدم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. ظهر سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد. گزارش پیشرفت کار و تعقیب یک گروه سلطنت طلب را داد که عمدتاً در ارتش وجود دارند و با رضا پهلوی و [منوچهر] گنجی[1] مرتبطند.

رئیس زاده معاون روابط عمومی [مجلس] آمد و از پرونده سازی‌ها اظهار نگرانی کرد. آقای عظیمی از منطقه [عملیاتی] گزارش داد که کار جهاد [سازندگی]، در خصوص زدن جاده و پل در ژاژیله پیشرفت ندارد. به وزیر جهاد اعتراض کردم. جواب دادند که گزارش درست نیست و کار به موقع تمام می‌شود.

با دفتر امام درباره ملاقات افراد لشکرهای تهران با امام مذاکره کردیم. برای انجام کارهای عقب مانده، تا ساعت هشت شب در دفترم کارها را به روز رساندم. آقایان [محمد علی] نظران و فاضل آمدند. درباره تحویل بخشی از پادگان قوشچی ارتش به سپاه گزارش دادند. مهندس ترکان آمد و برای تولید موشک زمین به زمین ارز خواست. وعده دادم.

مهدی و یاسر بر سر جبهه رفتن مباحثه داشتند و بالاخره هیچ یک قانع نشدند که جبهه را به تاخیر بیندازند. قبول کردم که هر دو نفر بروند.

جمعه ۹ بهمن | ۹ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۲۹ ژانویه ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم در منزل برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. برای اقامه جمعه به دانشگاه

---

۱ - رضا پهلوی فرزند شاه مخلوع ایران و منوچهر گنجی دبیر کل سازمان حقوق بشر و آزادی‌های اساسی! برای ایران، سردمدار گروه‌های سلطنت طلب مخالف نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور بودند.

تهران رفتم. خطبه‌ای در ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع ویژگی های اشراف و خطبه‌ای درباره آثار انقلاب و عملیات بیت‌المقدس ایراد کردم[1]. بچه‌ها مهمان همشیره بودند و من و سعید [لاهوتی]، ناهار را در منزل خوردیم. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. گزارش کار بنیاد تاریخ انقلاب را داد و بودجه بیشتر و تسهیلات خواست.

فرماندهان لشکر سیدالشهدا(ع) برای ترتیب ملاقات با امام آمدند. سه هزار نفر آمده‌اند و لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) هم هست. قرار شد دو روز متوالی و چند نوبت ملاقات کنند. یاسر پیگیر این ملاقات بوده و موفق شده است.

اول شب احمدآقا آمد. درباره تعیین مرجع تشخیص مصالح برای احکام حکومتی از طرف امام مذاکره شد. امام فرموده جلسه سران قوا پیشنهادی بدهد. قرار شد در جلسه فردا شب، این پیشنهاد تهیه شود. محسن آمد و گزارش پیشرفت کار ساخت مرکز موشکی و حساب مخارج ساخت منزل بچه‌ها را داد. عفت با فائزه و حمید و بچه‌هایش، مهمان بودند. شام خوردیم.

شنبه ۱۰ بهمن | ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۰۸ | ۳۰ ژانویه ۱۹۸۸

اخبار رادیوهای بیگانه را گرفتم. مسأله مهم، گزارش وزارت خارجه انگلیس به پارلمان این

---

۱ - در خطبه اول، ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع استکبار و استضعاف دنبال شد و درباره ویژگی های این دو طبقه، مواردی با استفاده از آیات الهی و روایت معصومین علیهم السلام به نمازگزاران ارائه گردید. در خطبه دوم درباره مساله جنگ و شرایط جاری آن و دلایل گسترش جنگ شهرها، نقشه آمریکا برای حضور در خلیج فارس و مقاومت مردم ایران در جنگ شهرها مطالبی مطرح شد . در بخشی از خطبه دوم آمده است: « آمریکا پس از شکست خفت بار خود در خلیج فارس برنامه دیگری را تنظیم کرد. اینها مدت‌ها بود که ما را تهدید می کردند به موشک های دور بردی که ممکن است به عراق بدهند. البته تضادی وجود دارد که این تضاد مانع اینهاست که دستشان برای اقداماتشان باز باشد. ترس آنها این است موشکی که امروز به عراق داده می شود، ممکن است فردا به دست ملت عراق، علیه جاهایی مثل اسرائیل و کشورهای عربی شبیه اسرائیل به کار گرفته شود و تجربه ایران، این خطر را جدی کرده است. آن روزی که این امکانات را به رژیم سابق ایران می دادند، آنها ایران را جزیره امنی می دانستند و فکر نمی کردند یک روزی این امکانات به دست نیروهای حزب اللهی می افتد و اینها این گونه در مقابل خودشان به کار می گیرند. اگر آمریکا فکر می کرد سلاح هایی که به ایران داده است روزی در خلیج فارس مقابل هواپیماهای خودش قرار می گیرد، غیر ممکن بود که اینها را به دست رژیم شاه بدهد و این تجربه شده است. اینها نگران هستند از اینکه چیزهایی به عراق بدهند تا فردا کنترل از دستشان بیرون برود، ولی حالا چه می شود که با این نگرانی که دارند، باز هم می دهند، جواب آن این است که اینها پیش خودشان قدری مسأله را حل کردند ولی خطر اسلامی آن قدر بالا می باشد که آنها آن خطر کوچکتر احتمالی را می پذیرند. » رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.



کشور است که صریحاً عراق را آغازگر جنگ و شروع کننده حمله به کشتی ها و به کارگیری اسلحه شیمیائی و زدن شهرها و عنصر شرور جنگ معرفی کرده است.

سفیر یونان آمد. ملاقات بیشتر برای معارفه و توسعه روابط بود. او با سیاست آمریکا در خلیج‌فارس مخالفت نمود. [آقای ولادیمیر گودوف] سفیر شوروی آمد. درباره جنگ و افغانستان مذاکره شد. بر لزوم خروج شوروی از افغانستان تکیه کردم و گفتم برای جلوگیری از نفوذ آمریکا در آینده افغانستان، حاضریم همکاری کنیم و در مورد جنگ، معرفی متجاوز را شرط موفقیت اقدامات سیاسی گفتم. [آقای کازمر] سفیر مجارستان آمد. ملاقات تشریفاتی و معارفه بود.

آقای [محمد جواد] عاصمی پور [معاون وزیر نفت] آمد. کمک خواست که نیروهای مسلح منطقه ای در موسیان را - که چاه نفت ما توسط عراقی ها یا منافقین آتش گرفته و می سوزد - عملیاتی کنند تا قادر به خاموش کردن چاه شویم. دو حلقه چاه هم هنوز در اشغال عراقی‌هاست. به دکتر روحانی گفتم پیگیری کنند.

عصر سفیر هلند آمد. از همراهی این کشور با آمریکا در خلیج‌فارس، انتقاد لطیفی کردم و برای همکاری در مدیریت آب و کشاورزی اظهار تمایل شد. او چند سئوال درباره انتخابات و اظهارات اخیر امام داشت.

سفیر اسپانیا آمد و درباره راه ختم جنگ استفسار کرد که موضع معلوممان را تکرار کردیم و از موضع آنها در مخالفت با قساوت اسرائیل در اراضی اشغالی و حضور آمریکا در خلیج‌فارس تشکر کردم[1].

---

۱ - در این دیدار ابتدا سفیر اسپانیا گفت: «حضور اسلام در اسپانیا و وابستگی های فرهنگی و تاریخی، زمینه های فعالیت و گسترش روابط دو جانبه را فراهم کرده است. اسپانیا در جنگ ایران و عراق، بی طرف است و کشورش خواهان کمک به پایان جنگ به صورت منصفانه می باشد و با اینکه اسپانیا در رده کشورهای غربی است، مخالف خود را با حضور آمریکا و ناتو در خلیج فارس و سیاست سرکوب‌گرانه اسرائیل در مورد مردم فلسطین اعلام کرده است.» سپس آقای هاشمی از موضع دولت اسپانیا در قبال لشکر کشی آمریکا به خلیج فارس و حمله به مردم مظلوم فلسطین اشغالی و توسعه اسرائیل تشکر کرد و افزود: «مقاومت اسپانیا در مقابل فشارهای آمریکا قابل قدردانی است. آنهایی که به دنبال آمریکا وارد خلیج فارس شده اند، اکنون باید با سرافکندگی خارج شوند وهیچ جوابی نیز برای ملت‌شان نخواهند داشت.» نماینده امام در شورای عالی دفاع، در مورد درخواست سفیر اسپانیا مبنی بر کمک به پایان جنگ اعلام داشت: «اگر کشورهای متنفذ سازمان ملل این حقیقت را اعلام کنند که عراق آغازگر جنگ است، مقدمات پایان جنگ فراهم شده است. این روزها پارلمان و وزارت خارجه انگلیس، متجاوز بودن رژیم عراق را اعلام کرده اند. اگر همین حقیقت را شورای امنیت نیز اعلام کند، ما مساله‌ای نخواهیم داشت و شما به عنوان یکی از اعضای کشورهای بازار مشترک اروپا، از اعضای دیگر این جامعه می توانید بخواهید که این حقیقت را اعلام کنند.»

در اکثر ملاقات های امروز، اظهار نظر جدید وزارت خارجه و پارلمان انگلیس در خصوص متجاوز بودن عراق را مطرح کردم و مطالبه اقدام عملی برای اجرای عدالت و کیفر متجاوز نمودم.

آقای ظریف منش آمد. برنامه تربیت فرمانده برای نیروهای سپاه و برنامه جداسازی عنوان بسیجی‌های رزمی و خدماتی و امتیازات به مشمولان را مطرح کرد.

شب جلسه سران قوا در نخست وزیری بود و تا ساعت یازده و نیم طول کشید. به خانه نیامدم.

یکشنبه ۱۱ بهمن | ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۸

اول وقت تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. تا ده و نیم در جلسه علنی ماندم. در تنفس به دندانپزشکی رفتم و روکش دندانم را نصب کردند. بخشی از دندان عقب فک شکسته است. ظهر چند ملاقات داشتم. نامه‌ای برای امام، در خصوص تعیین مرجع تشخیص مصالح حکومتی تهیه کردم[۱]. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون [ان.اچ.کی] ژاپن انجام دادم[۲].

کمیسیون برنامه و بودجه با حضور نخست وزیر و [آقای مسعود روغنی زنجانی] وزیر برنامه و بودجه در دفترم جلسه داشت. درباره بودجه ریالی و ارزی دفاع، مذاکره شد و به

---

۱ - در این نامه که به امضای آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله خامنه ای، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ، مهندس میر حسین موسوی و آیت الله هاشمی رفسنجانی رسید، از امام خمینی (ره) خواسته شده است که در تعیین مرجع حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تسریع شود. متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ - در این مصاحبه به سوالاتی درباره مواضع جمهوری اسلامی در قبال قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ، پیشنهاد کشورهای همکاری خلیج فارس برای پایان جنگ و روابط ایران و شوروی پاسخ داده شد. آقای هاشمی همچنین در این مصاحبه در خصوص نامه امام خمینی(ره) به رئیس جمهور، قیام ملت فلسطین و نقش ژاپن در برقراری صلح در منطقه خاورمیانه مطالبی بیان کرد. در این مصاحبه درباره نامه امام خمینی گفته شد: «من در نماز جمعه هم گفتم ناظرین خارجی نمی فهمند که اینجا چه می گذرد. مسئله این بود که چون نظام ما اسلامی است و در چار چوب احکام اسلام باید قوانینمان باشد، گاهی مصالح روز ایجاب می کند که یک حکمی از احکام اسلام را موقتاً تعطیل بکنیم. بحث برسر این بود که حکومت اسلامی چنین حقی را دارد یا نه؟ امام فرمودند دارد و حاکم می تواند به خاطر مصالح جامعه، بعضی از احکام فرعی را تغییر بدهد. و این چیزی است که در گذشته هم اتفاق افتاده، این به معنی آن نیست که اختیارات کامل به دولت و یا جای دیگری داده بشود مثلا مالکیت خصوصی که در اسلام پذیرفته شده است. فرض کنید معدنی در ملک شخصی واقع شده و حکومت می خواهد برای استفاده از معدن بر خلاف رضایت صاحب ملک از آن ملک استفاده کند، این با یکی از احکام اسلامی در تعارض است که حق مالکیت این فرد را نقض می کند. امام فرمودند حکومت حق دارد، اینجا اگر صاحب ملک هم راضی نباشد، آن معدن را استخراج کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

تصمیماتی رسیدیم. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کارها را انجام دادم. به خانه رفتم. بچه ها مهمانی بودند. مهدی شام تهیه کرد. یاسر و مهدی، خودشان را برای رفتن به جبهه و شرکت در عملیات آماده می کنند.

دوشنبه ۱۲ بهمن | ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۰۸ | ۱ فوریه ۱۹۸۸

زود به مجلس آمدم. قبل از دستور درباره روز رحمت صحبت کردم[۱]. ساعت ده و ربع جلسه را ختم کردم و به شورای عالی پشتیبانی جنگ رفتم. چند مصوبه داشتیم و اجازه دادیم ۱۶۰ میلیارد ریال، برای تأمین مخارج طرح به سوی کربلای ۲ اسکناس چاپ شود. بعد از جلسه با آقای خامنه ای درباره نامه به امام برای تعیین مرجع تشخیص مصالح حکومتی مذاکره کردیم. تا ساعت دو در دفترم کارها را انجام دادم.

عصر آقای [علی] رازینی [حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت] آمد و از لزوم اصلاحات در فرماندهان ارتش گفت. آقای [علی] یونسی آمد. ایشان هم درباره ضرورت اصلاح در فرماندهان ارتش و آوردن جوانان حزب‌اللهی بر سر کار تاکید داشت.

آقای [سید منصور] رضوی، رئیس سازمان امور اداری و استخدامی آمد. درباره

---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به اهمیت روز ۱۲ بهمن گفت: «انسان اگر با فاصله ای که از تاریخ پیروزی انقلاب گرفته است، به حادثه ای که در روزی مثل امروز، یعنی ۱۲ بهمن ۹ سال پیش اتفاق افتاده، نگاه بکند، متوجه می شود که این مسئله، حادثه بسیار عجیبی در تاریخ است. من نمی‌دانم که آیا آقایان، نظیر این حادثه را اصلا در جای دیگری سراغ دارند. رهبری که سخت مورد بغض نظام حاکم باشد و کشوری که همه چیز آن دست دشمن خونین، جراحت دیده، عصبانی و روانی باشد، آن وقت این رهبر با چه شهامت، شجاعت و ایمانی از کشور دیگری بلند می شود و با پای خودش در هواپیمایی که از خودش نیست، از فضاهایی که در اختیار خودش نیست و در فرودگاهی که باز در تصرف خودمان نیست و به میان کشوری که حداقل به صورت ظاهر، پست‌ها و امکانات امنیتی آن دست خودش نیست، وارد می‌شود. این عمل با توجه به اینکه همه چیز انقلاب به این شخصیت و رهبری وابسته بود، به یک ایمان ، اعتقاد، صلابت و شجاعتی به اندازه اقیانوس های جهان نیاز داشت. اگر انسان یک ذره در حقانیت خودش و ایمان ملت خودش تردید داشته باشد، چنین اقدامی را انجام نمی‌دهد و از این مسیر طولانی که تمام کشورهای در مسیر، با انقلاب موافق نبودند و با رژیم حاکم دوست بودند، نمی گذرد. در آن روز ممکن بود هر حادثه ای در فرودگاه ، میدان آزادی و یا خیابان ها و بهشت زهرا اتفاق بیفتد، رژیم که با آن همه علائق دنیوی می دیدید، همه چیز دارد از دستش می رود، با گرگ صفتی، هر کاری را ممکن بود انجام دهد و ما قبلاً نمونه هایش را در میدان شهداء و جاهای دیگر دیده بودیم و این ملت در آن شرایط چقدر شجاع و آماده برای فداکاری بود. در حقیقت رژیم در روزی مثل این روز یعنی ۱۲ بهمن شکست خورد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

مخالفت‌های وزارت علوم با آموزش‌های اداره‌اش گله داشت و پیشنهاد تقویت نیروی انسانی دفترم را داشت. آقای درویش و برادرش آمدند و طرحی از الگوی آلمانی‌ها برای ساختن مرکز نگهداری معلولان جنگ را ارائه کردند. شب تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد؛ از عدم تخصیص ارز برای صنایع سپاه شاکی است.

سه‌شنبه ۱۳ بهمن | ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۰۸ | ۲ فوریه ۱۹۸۸

خیلی زود به مجلس رسیدم. چون هر دو نایب رئیس غایب بودند، تا ظهر در جلسه علنی ماندم. ظهر یکی از کارمندان مجلس برای امور اداری آمد. عصر آقای [غلامعباس] زائری [نماینده بندرعباس و عضو هیأت رئیسه مجلس] آمد. مبلغی دلار خیریه را داده بودم که تبدیل به ریال کند. هر دلار ۱۰۶۲ ریال به نرخ آزاد آورد.

آقای سنجقی آمد و برنامه عملیات آینده را توضیح داد. تازه از منطقه آمده است. دکتر روحانی نتیجه مذاکرات و طرح خاموش کردن چاه نفت مشتعل دهلران را گفت و درباره بودجه ریالی و ارزی دفاعی برای تصمیم گیری در کمیسیون دفاع مشورت کرد. شب آقای علیزاده [مسئول صنایع سپاه] آمد و برای صنایع سپاه، بودجه‌ارزی بیشتر خواست.

شب در جلسه سران قوا، بیشتر بحث‌ها در اطراف مرجع تشخیص مصالح حکومتی بود. قبلا پیشنهادی به امام داده‌ایم که امام آن را قبول ندارند و بنا به اظهار احمدآقا، نظر امام این است که این گروه بدون ارتباط با نظرات مجلس و شورای نگهبان، بتوانند مستقلاً قانون وضع کنند. به پیشنهاد جدیدی رسیدیم، براساس ترکیبی از این گروه و فقهای شورای نگهبان که قرار شد احمدآقا با امام مطرح نماید[1]. شب به خانه نرفتم.

---

۱ - امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه مسئولان نظام در خصوص تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام چنین مرقوم فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم، گرچه به نظر اینجانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان، که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام: خامنه ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی ها، و جناب آقای میرحسین موسوی، و وزیر مربوط، برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد؛ و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد. احمد در این مجمع شرکت می نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سریع تر برسد. حضرت آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمی است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات ☜

چهارشنبه ۱۴ بهمن | ۱٤ جمادی الثانی ۱٤۰۸ | ۳ فوریه ۱۹۸۸

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم کار کردم. تا ده و نیم جلسه علنی مجلس داشتیم و سپس به دفترم آمدم. آقای [غلامعلی] شهرکی [نماینده زاهدان] آمد. درباره کاندیدا شدن مشورت کرد. آقای قرچه داغی برای امور اداری مجلس آمد. آقای [سیدرضا] زواره‌ای آمد. گله داشت که بعضی تصمیمات کارپردازی را وتو می‌کنم. توضیح دادم، قانع شد.

مهدی آمد. کارت جواز تردد در منطقه عملیاتی می‌خواست. یاسر آمد. دوربین فیلمبرداری برای جبهه می‌خواست؛ هر دو عازم جبهه‌اند. از صدا و سیما برای تنظیم تلویزیون و گرفتن برنامه‌هایی که از ماهواره پخش می‌شود، آمدند اما درست نشد. تا ساعت هفت در دفترم کارکردم. به محل برگزاری کنگره اندیشمندان برای سخنرانی رفتم و درباره مشکل اجرای مقررات حقوق بشر به خاطر قدرت کشورهای استکباری صحبت کردم[1].

شب به خانه آمدم. کارگرمان و فرزندش از نوق آمده بودند. چهل قصب درخت پسته مجانی تقاضا کرد؛ به خاطر حضور فرزندش در جبهه موافقت کردم.

پنجشنبه ۱۵ بهمن | ۱۵ جمادی الثانی ۱٤۰۸ | ٤ فوریه ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم به مجلس رسیدم، در گزارش‌ها مسأله مهمی نبود، جز بزرگ شدن

خویش می داند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمی است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سئوال برد، و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خدای متعال می خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرمایند. به تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۶ - روح الله الموسوی الخمینی.» رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۶۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی با اشاره به اعلامیه جهانی حقوق بشر گفت: «آنهایی که این اعلامیه را تهیه و تدوین کردند، کار بزرگی انجام دادند و مجموعه ای ارائه دادند که از نظر محصول فکر انسانی متعالی است و ما تأثیر نسبی آن را انکار نمی کنیم. شاید آنان در این کار حسن نیت داشتند، ولی دولت هایی که آنها را اعلام کرده بودند، حسن نیت نداشتند و الان هم ندارند. مضامین حقوق بشر نظیر صلح، عدم توسل به زور، آزادی انسان، دموکراسی و نظایر آن چیزهای بسیار خوبی است، اما باید دید کسانی که عهده دار اجرای چنین مضامینی هستند، تا چه اندازه به این افکار و نیازهای انسانی وفادارند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

بودجه درخواستی رئیس جمهور آمریکا برای شورشیان نیکاراگوئه، در مجلس نمایندگان آمریکا. تا ساعت ده و نیم جلسه علنی را ادامه دادیم و سپس ختم کردم و به دفترم آمدم.

آقای [محمد حسن] اختری سفیرمان در سوریه آمد. درباره مسائل لبنان و سوریه گزارش هایی داد و مشورت کرد. آقای امینیان نماینده آقای منتظری در دانشگاه گیلان آمد. از مخالفت های آقای [صادق] احسانبخش [امام جمعه رشت] با مدیران دانشگاه گله داشت. مهدی و یاسر برای تهیه امور رفتن به جبهه و کمک به رزمندگان آمدند.

عصر آقای سنجقی برای امور جنگ و درخواست همکاری بیشتر هوانیروز آمد. [آقای مرتضی اشراقی] دادستان تهران در مورد مسائل نهاوند آمد. در جواب آقای زمانیان که از شکنجه نسبت به زندانیان قاچاقچی شاکی است، توضیحاتی داد و ادعای او را رد کرد و گزارش عملکرد دادستانی را داد. آقای شیخ قدرت علیخانی آمد. در مورد بازداشت نماینده‌ای به احتمال اعمال غرض مطالبی داشت. آقای [سیدمحمد] کیاوش آمد و درباره مسائل آبادان و خوزستان مطالبی مطرح کرد.

جمعه ۱۶ بهمن | ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۰۸ | ۵ فوریه ۱۹۸۸

در منزل بودم. کار زیادی نبود، استراحت داشتم. دیشب و امروز بارش برف داشته و داریم. عصر آقای [محمد حسن] زورق آمد و بخش اول، گزارش تاور را با مقدمه آورد و توضیحاتی داد. گفتم روی اعترافات اخیر انگلیس در مورد آغازگر بودن عراق در جنگ کار کنند. او در خصوص اهداف انگلیس از این اعتراف، سوء ظن دارد.

آقای رازینی تلفنی گفت که آقای طاهری اصفهانی تحت تاثیر ناراحتی هایی، بنا دارد امروز در نماز جمعه اصفهان، استعفای اعتراضیه‌ای را مطرح کند و به فرماندهان سپاه تاخته است. از دفتر امام خواستم که جلوگیری کنند. شب محسن و بستگان مهمانمان بودند. عصر فیلمی از تلویزیون به نام «شیلات» تماشا کردم؛ جالب است.

شنبه ۱۷ بهمن | ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۰۸ | ۶ فوریه ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. در شمیران برف می‌بارید و در شهر آفتاب است. آقای

[محمد جواد] لاریجانی [معاون وزیر امور خارجه] آمد. گزارش وضع در شورای امنیت در رابطه با قطعنامه ۵۹۸ را گفت. مدعی است فقط آمریکا و فرانسه روی تحریم ایران کار می کنند. روس و چین موافق نیستند و انگلیس اصراری ندارد. مجموعاً وضع ما را در آنجا، بهتر از گذشته می داند و درباره قبول پیشنهاد شوروی در خصوص دخالت ایران برای حل مشکل افغانستان پرسید. گفتم موافقم و بهتر است کار از جلسه سه جانبه پیشنهادی لیبی شروع شود.

آقای [میرغفار] سجادی نژاد، از کمیسیون اصل ۹۰ آمد. راجع به ضعف های قوه قضائیه گفت و مواردی ارائه داد. آقای [محمد] خزاعی منشی هیأت رئیسه آمد. از حرکات کارکنان روابط عمومی در مقابل آقای [سیدحسین] موسویان گله داشت. در کارکنان جدید معارضه خطی وجود دارد.

آقای [ارسلان] صفائی نماینده باختران آمد. از حاکمیت اصفهانی ها در باختران گله داشت و برای برگرداندن اسم سابق – کرمانشاه – امضاء جمع کرده است و همین مسأله باعث اختلاف در منطقه شده است.

آقای مدنی از حقوقدانان شورای نگهبان آمد. پیشنهاد داشت، من با فقهای شورای نگهبان، جلسات خصوصی و دوستانه داشته باشم، برای آشنا شدن بیشتر آنها با مشکلات کشور که در نتیجه در آرای آنها تعدیلی به وجود آید.

با احمدآقا درباره متن جواب امام به نامه سران سه قوه در مورد مرجع تشخیص احکام ولایتی مذاکره کردم.

یکشنبه ۱۸ بهمن | ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۷ فوریه ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس آمدم. ساعت نه و نیم آقای رئیس زاده معاون روابط عمومی مجلس آمد و تحلیل هائی ارائه داد. نظرش این است که من در رأس امور اجرائی کشور قرار گیرم. مشکل بزرگ را نقص مدیریت کلی کشور می داند. گفتم نمایندگان مجلس رضایت نمی‌دهند و خودم هم مایل نیستم و جنگ در رأس امور است.

آقای سراج [موسوی] فرمانده کمیته آمد. درباره تمرکز نیروهای انتظامی و اهتمام به بخش مبارزه با منکرات و مواد مخدر و اعزام نیرو به کردستان استفسار کرد و نقل نمود که

من دستور دادم یکی از فرماندهان کمیته را که در جریان درگیری با ارتش در پادگان متهم است، بازداشت کنند که تکذیب کردم.

آقای نیلی از مدیران ساصد [= سازمان صنایع دفاع] آمد. از وضع صنایع نظامی مخصوصاً در بخش الکترونیکی گزارش داد. راضی است و برای ارز و مصرف مهمات شان استمداد کرد. معمولاً گران‌تر از مشابه خارجی می‌دهند و نیروها تمایلی به خرید از آنها ندارند.

ظهر فرماندهان لشکر ۲۷ رسول الله(ص) آمدند. برای امور مالی و تدارکاتی استمداد کردند. بیست و پنج میلیون ریال به آنها دادم و برای مسکن و... قول حمایت دادم.

عفت، فاطی و سارا به مجلس آمدند. برای بدرقه مهدی و یاسر که عازم جبهه بودند. دعای سفر در گوش آنها خواندم و وداع کردند. عفت آرامش خوبی دارد؛ جالب است که مادری دو فرزندش به جبهه بروند و این گونه آرام باشد. در شرایط معمولی، غیبت‌های کوتاه آنها را تحمل نمی‌کند. آهسته سرود "ای کاروان آهسته ران، کارام جانم می‌رود" را زمزمه می‌کرد. حال فاطی عادی بود.

عصر آقای حسینی، قاضی سازمان قضائی نیروهای مسلح کردستان برای توجیه برخورد تند با فرماندهان سپاه در جریان اشغال اردوگاه تربیتی آمد که توصیه کردم دیگر از این برخوردها نداشته باشد. گفته بودم که آنجا نماند، ولی اثبات کرد که قانوناً حق با اوست؛ درست می‌گوید.

آقای سید محمد باقر حکیم و برادرش آمدند. برای افشاگری مسأله برادرش سید مهدی که اخیراً توسط عمال عراق در سودان شهید شده و پیگیری طرح‌های در دست او مشورت کردند. قرار شد با احتیاط عمل شود. برای تقویت ارتش آزادیبخش عراق استمداد کرد.

شب همراه عفت و فاطی و سارا به دفتر آقای خامنه‌ای رفتیم و فیلم «کانی مانگا» را تماشا کردیم. جالب است. دیر وقت به خانه رفتیم. جای مهدی و یاسر خالی است. شام از منزل فائزه آورده‌اند.

دوشنبه ۱۹ بهمن | ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۰۸ — ۸ فوریه ۱۹۸۸

به مجلس آمدم. گفتند جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ، منتظر است. رفتم ولی تشکیل

نشد، به مجلس برگشتم. آقای رفیق‌دوست آمد. درباره سلاح‌های مهم استراتژیک صحبت کردم. آقای [سیدکمال] خرازی آمد و گزارش سفر به لبنان را داد. از کمبود تلاش های فرهنگی در آنجا و نیاز به یک مدیر قوی، ترجیحاً نماینده امام، برای تمرکز فعالیت جریان‌های مختلف گفت.

ظهر آقای [غلامحسین] جمی [امام جمعه آبادان] آمد و از لزوم اقدام برای نجات نخل‌های آبادان و شیرین کردن آب بهمنشیر گفت. عصر دو سه نفر از علمای پاکستان که در کنفرانس اندیشه اسلامی شرکت کرده‌اند، آمدند. چند سؤال داشتند: چرا با سوریه دوستیم، بر عکس عراق ؟ چرا با شوروی مثل آمریکا مخالفت نمی کنیم؟ و نظر ما را در مورد موضع گیری شیعه در پاکستان، در مقابل جناح های سیاسی خواستند و این سوال که چرا بعضی از علما در ایران مبغوض و تحت نظرند؟

هیأت چینی مهمان کنفرانس [اندیشه اسلامی] هم آمدند. مقداری از اوضاع مسلمین آنجا را گفتند. سفیر چین هم همراهشان بود.

آقای صیاد شیرازی آمد. از عدم پیشرفت کار کمیته نظارت بر اجرای تصمیمات در جزایر خلیج‌فارس گله مند بود. شب آقای سرهنگ ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] آمد و درباره سئوالات برای جاسوس دو جانبه مشورت کرد. آقایان حسنی سعدی و جمالی آمدند. طرح های عملیات آینده را توضیح دادند و استمداد کردند.

سه‌شنبه ۲۰ بهمن | ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۹ فوریه ۱۹۸۸

دیشب و امروز برف سنگینی بارید که باعث تعطیلی مدارس شد. برای شرکت در مراسم روز نیروی هوایی ارتش و اجتماع خانواده‌های شهدای آنها، به محل ستاد نیروی هوایی رفتم و برای آنها صحبت کردم[1]. به مجلس آمدم.

---

۱ - به منظور گرامیداشت سالگرد بیعت تاریخی پرسنل نیروی هوایی با امام خمینی(ره)، مراسم ویژه ای با حضور خانواده شهدای نیروی هوایی و پرسنل این نیرو، در تهران برگزار شد. در این مراسم که آقای هاشمی نیز حضور داشت، ابتدا سرتیپ ستاری فرمانده نیروی هوایی از خانواده شهدا نیروی هوایی تجلیل کرد. سپس آقای هاشمی در سخنانی با تشریح نقش نیروی هوایی در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی اظهار داشت: «روز بیعت پرسنل نیروی هوایی با حضرت امام، یکی از نقاط مثبت تاریخ انقلاب اسلامی است. در زمانی که تکیه‌گاه طراحان حفاظت از خاندان پهلوی – حافظ منافع استکبار در منطقه – نیروی هوایی محسوب می شد، استکبار درست از نقطه‌ای که انتظار نداشت، ضربه خورد. ارزش حرکت پرسنل نیروی هوایی در آن برهه از زمان، به حدی بود که مشاهده کردیم در حوادث بعدی، ←

جمعی از اعضای جهاد دانشگاهی اصفهان آمدند و طرح هایی را که برای جنگ داشتند، توضیح دادند: بالن، رمز کننده، نفربر ضد زره کوچک و نظایر آن، کمک خواستند. ظهر آقای عبدی کارمند مستعفی برای خداحافظی آمد.

عصر برای کنگره اندیشه اسلامی خانم ها به هتل لاله رفتم؛ صحبت کردم[1] و جواب سئوالات را دادم. سپس هنگام خروج از هتل، با برنامه تماس با مردم صدای جمهوری اسلامی مصاحبه کردم[2]. به مجلس آمدم. نماز خواندم و مقداری از کارها را انجام دادم.

ساعت هفت ونیم به جلسه سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی رفتم. آقای اردبیلی پیشنهاد داشت که برای صیانت مجلس از سلیقه های خطی، نظارت بر انتخابات هم به مجمع تشخیص مصالح حکومتی واگذار شود که پذیرفته نشد. درباره جنگ و مسائل دیگر هم بحث شد. به خانه رفتم. برف می‌بارید.

چهارشنبه ۲۱ بهمن | ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱۰ فوریه ۱۹۸۸

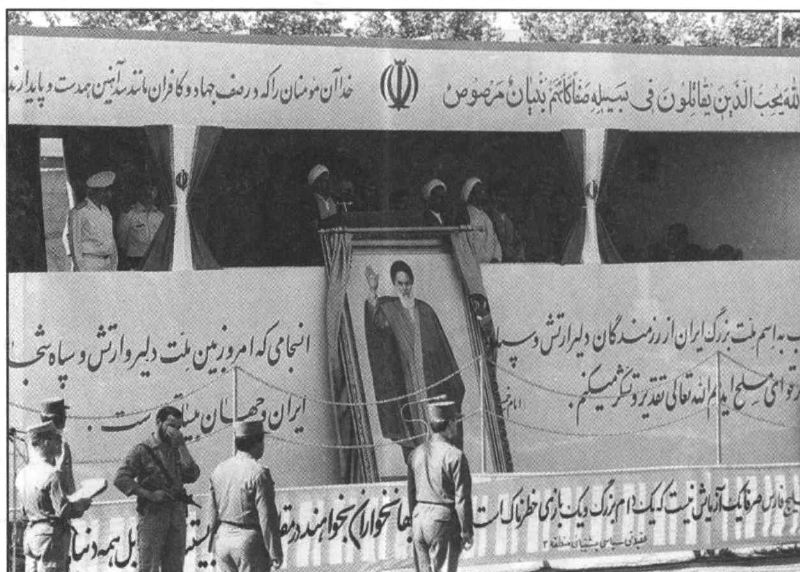
اول وقت برای زیارت امام به حسینیه جماران رفتم. امام صحبت کوتاهی فرمودند[3]، ولی

﴿وقتی رژیم برای سرکوب شدید انقلاب حرکت خود را آغاز کرد، ابتدا علیه نیروی هوایی وارد جنگ شد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ - همزمان با سالروز میلاد حضرت زهرا (س)، کنگره بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام با حضور همسر امام خمینی(ره) برگزار شد. خانم رهنورد عضو شورای مرکزی جمعیت زنان جمهوری اسلامی و خانم کرمانی استاد دانشگاه در این کنگره سخنرانی کردند. سپس آقای هاشمی طی سخنانی اظهار داشت: « در اسلام هیچگونه ممنوعیت، محدودیت و مانعی برای زنان در راه کسب علوم، فراگیری تخصص ها، پرداختن به مشاغل و شرکت در فعالیت های سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. حقوق زنان از دیدگاه اسلام، زمینه های رشد و شکوفایی آنان را فراهم می‌کند و جوهره تمامی حقوقی که اسلام برای زنان تعیین کرده است، بر این اصل استوار است. اسلام تنها با آلوده کردن صحنه های حضور زنان به گونه ای که فرهنگ های غربی و شرقی تحت لوای شعار آزادی برای زنان، تبلیغ می کنند، مخالف است، چرا که این امر مانع رشد انسانی و یافتن جایگاه شایسته و درخور مقام و منزلت زنان می باشد و این نکته تفاوت اساسی حقوق زن در اسلام، با دیگر جوامع است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - آقای هاشمی در این پیام رادیویی خطاب به کلیه اقشار کشور، از آنان خواست تا به منظور گرامیداشت نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، هر چه گسترده تر در راهپیمایی سراسری بیست و دوم بهمن شرکت کنند. ایشان در این پیام همچنین ضمن تقدیر از ملت مقاوم و ایثارگر ایران، برای حضور وسیع و گسترده در جبهه های نبرد و پشت جبهه ها گفت: «همه ما در زیر سایه حضرت امام به راه خود ادامه خواهیم داد و ان شاءالله روزی برسد که جنگ را با پیروزی کامل تمام بکنیم و بتوانیم به ساخت و بازسازی جامعه خود بپردازیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه ها و به انضمام پیامهای سال ۱۳۶۶» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۳ - در این سخنرانی، امام خمینی ضمن تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان و مظلومان درباره توجه دنیا به ایران به دلیل قدرتمندی آن، عنایات پروردگار در پیروزی انقلاب اسلامی و همدستی دشمنان برای شکست ملت فلسطین مطالبی بیان فرمودند. برای مطالعه متن سخنرانی رجوع کنید ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۴۷۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).



سخنرانی در مراسم نیروی هوایی ارتش

حال و صدایشان خوب بود. به مجلس آمدم تا ساعت یازده گزارش‌ها را خواندم. [آقای موید] سفیر جدیدمان در هلند برای مشورت و خداحافظی آمد. معتقد است که هلندی ها مایل به توسعه روابط هستند. آقای سنجقی آمد. از تاخیر عملیات خبر داد و برای امکانات ساخت اسلحه‌های استراتژیک استمداد کرد.

ظهر عفت و رؤیا به مجلس آمدند. امروز برای سرکشی به خانه‌های رزمندگان از طرف مسؤولان انصار المجاهدین رفته‌اند. چهل و پنج منزل رزمنده به عفت و دوستانش واگذار شده است. به هر خانواده‌ای مقداری حواله اجناس و کوپن نفت و پول داده است. تحت تاثیر فقر و نیازهای آنها قرار گرفته بود. به سختی می‌تواند وضع رقت بار فقر را که می‌بیند، تحمل کند. آقای موسوی از کارکنان دفترم آمد. او مسئول تشریفات شده و روابط عمومی مخالف است.

عصر [آقای حسین نیلی] وزیر معادن و فلزات آمد. خواست که در سمینار زمین‌شناسی شرکت کنم و گزارشی از وضع معادن داد. آقای موحدی قمی آمد. می‌خواهد از اسلام‌آباد غرب نامزد شود.



شیخ محمد خالد رهبر حزب‌الله کرد عراق آمد و خواستار حمایت بیشتر در مقابل گروه‌های غیر اسلامی بود. ضمن ابراز وفاداری به اسلام، از مزاحمت گروهک‌های دیگر گله داشت. می‌گویند علاقه‌مند به اسلام است. گفتم ما مسلمانان را حمایت می‌کنیم. مهدی از منطقه [عملیاتی] تلفن کرد و خبر سلامتی خود و یاسر را داد.

پنجشنبه ۲۲ بهمن | ۲۲ جمادی الثانی ۱۱ فوریه ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقت به مطالعه گذشت. کارها را از مجلس آورده بودم. محسن آمد. مقداری درباره ضرورت سرعت در ساخت موشک و سایر مسائل کاری‌اش صحبت کردیم. عصر اطلاع دادند که عراق به یک کارخانه ساصد [= سازمان صنایع دفاع] در شیراز حمله کرده است. دستور مقابله به مثل دادیم. راهپیمائی امروز خوب و پرجمعیت انجام شد.

دریادار ملک‌زادگان [فرمانده نیروی دریایی] اطلاع داد که دیشب یک کشتی نفتی را به عنوان تلافی زده‌اند. بچه‌ها شب مهمان بودند و من تنهائی بیشتر با تلویزیون مشغول بودم.
آخر شب محسن آمد و اطلاع داد که فرد مشکوکی را در پشت بام مجاور خانه‌اش دیده که فرار کرده است. با پاسدارها رد پای او را تعقیب کردند. اما به جایی نرسیدند. احتمال قصد سرقت و یا موارد دیگر می‌رود. با بچه‌ها آمدند و در منزل ما خوابیدند.

جمعه ۲۳ بهمن | ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱۲ فوریه ۱۹۸۸

در منزل ماندم. بیشتر وقت به مطالعه و استراحت گذشت. آقای رضایی مسئول روز حفاظت بیت را خواستم و درباره حادثه دیشب منزل محسن توضیح خواستم و تاکید بر پیگیری نمودم. عفت برای بررسی موضوع به منزل محسن رفت.
آقای [حسین] مهدیان آمد. اطلاع داد که آیت الله منتظری دستور داده از اموال خیریه تولیت، خمس برداشته شود و سپس به دانشگاه امام صادق(ع) واگذار گردد. عصر یک فیلم بنام «هیولای درون» از تلویزیون دیدم. نامه‌ای مفصل در هشت صفحه به یاسر که در جبهه است، نوشتم[1]. با آقای خامنه ای درباره اولین جلسه مجمع تشخیص مصالح برای احکام حکومتی، تلفنی مذاکره کردیم.

شنبه ۲۴ بهمن | ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱۳ فوریه ۱۹۸۸

ساعت هشت ونیم به مجلس آمدم. برای ملاقات‌ها، مدیر بخش بازرگانی سازمان گسترش و نوسازی صنایع آمد. گزارش داد که حدود دو میلیون دلار صادرات و بیش از هفتصد میلیون دلار خرید خارجی داشته‌اند و از بوروکراسی مانع صادرات گله داشتند.
آقای [محمود] محمدی عراقی، جانشین نماینده امام در سپاه آمد. برای استعفا به خاطر بی توجهی فرماندهان سپاه به حقوق ایشان مشورت کرد. موافقت نکردم و گفتم آنها تحت

---

۱ - متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

عنوان ضرورت های جنگ، اختیارات اضافی می گیرند و اینها بعد از جنگ درست می‌شود[1].

آقای اسفندیاری از اعضای حزب جمهوری اسلامی در اصفهان آمد. درباره صنایع نظامی و مسائل سیاسی اصفهان صحبت کرد و از آقای طاهری در اصفهان گله داشت.

دکتر جزایری آمد. نیازهای وزارت بهداشت را گفت و از برخورد آقای [فخرالدین] حجازی نماینده تهران گله داشت. ظهر عفت و خانم مطهری آمدند. برای سرکشی به خانواده‌های رزمندگان رفته بودند.

عصر مدیران بانک ملی آمدند. گزارش برنامه های جدید را دادند و من برای آنها در خصوص سوق دادن امکانات بانک به سمت خدمت به مناطق محروم و توصیه به طرح‌های مهم کشور صحبت کردم[2]. فرماندهان تیپ امام محمد باقر(ع) آمدند. گزارشی از وضع تیپ دادند. سه گردان نیروی روحانی دارد که معمولاً به هر گردان عملیاتی سپاه بین یک تا سه نفر روحانی به عنوان نیروی رزمی تبلیغی می‌دهند. درباره سیاست و برنامه آینده تیپ مشورت کردند و کمک خواستند.

شب اولین جلسه مجمع تشخیص مصالح برای احکام حکومتی، در دفتر آقای خامنه ای

---

۱ - حجت الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی، بعد از شهادت حجت الاسلام والمسلمین شیخ فضل الله محلاتی نماینده امام (ره) در سپاه پاسداران در اسفند ۱۳۵۶ به عنوان جانشین نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران فعالیت می کرد. آقای محمدی عراقی در تاریخ ۱۹ بهمن سال ۶۶ در نامه ای به محضر امام خمینی، در خصوص فعالیت سیاسی نیروهای سپاه و بسیج و تأکید امام بر عدم ورود نیروهای مسلح در مناقشات سیاسی و مسئولیت رسیدگی به این موضوع از ایشان کسب تکلیف کرده بود. امام خمینی (ره) در پاسخ به این بخش از نامه که « آیا اینجانب در مورد رسیدگی به تخلفات در امر انتخابات که مصداق روشن عدم ورود در مناقشات سیاسی است، مسئولیتی دارم یا خیر؟ » فرمودند: «جنابعالی مسئول می باشید.» متن کامل نامه آقای محمدی عراقی و پاسخ حضرت امام (ره) در ضمیمه همین کتاب درج شده است.

۲ - در این دیدار ابتدا آقای نجفی علمی مدیرعامل بانک ملی، گزارشی از عملکرد و همچنین برنامه‌های آتی و میزان سپرده های این بانک ارائه کرد. سپس آقای هاشمی گفت : « ما شک نداریم که قدرت عظیم بانکی کشورمان می تواند در خدمت اکثریت مردم قرار گیرد. امکانات بانک‌ها باید در اختیار قشر زحمتکش که می تواند بنیه تولیدی جامعه را بالا ببرد، قرار گیرد تا استعدادهایی که هیچگاه فرصت نیافته اند، خود را نشان دهند و رشد یابند. اگر ما بتوانیم در زمینه سیستم بانکی حرکت هایمان را وسیع تر کنیم، می توانیم به صورت مرکزی برای جمع آوری و نگهداری پول های سایر مسلمین که مایل نیستند با بانک هایی که با ربا، اداره می شوند کار کنند و دوست دارند با یک بانک اسلامی در رابطه باشند، درآئیم. سیستم بانکی کشور برای اجرای طرح‌های خود نیاز به حمایت قانونی دارد. اگر شما در مسیر حل نمودن گره های بزرگ کشور گام بردارید مسئولان کشور نیز از شما حمایت خواهند کرد. اگر این سیاست انتخاب شده که بانک ها به جای آنکه اهرمی در اختیار پولدارها باشند، به عنوان اهرمی در خدمت مستضعفان و محرومان واقعی قرار گیرند.، تعقیب شود.، بشارتی در تاریخ بانک ها و تحولی در نظام بانکی خواهد بود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

تشکیل شد[1]. شش فقیه شورای نگهبان و آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، [میرحسین موسوی] نخست وزیر، موسوی خوئینی‌ها [دادستان کل کشور]، توسلی [رئیس دفتر امام]، من و احمدآقا بودیم. بیشتر درباره آئین نامه کار صحبت کردیم و تقریباً درباره تمام موارد لازم تصمیم گیری شد. آیت الله خامنه‌ای رئیس و من نایب رئیس انتخاب شدیم. پیشرفت خوبی داشتیم و بحث‌ها با تفاهم و دوستانه پیش رفت[2]. قرار شد هفته‌ای یک جلسه باشد. شام را در همان جا خوردیم و دیر وقت به منزل رسیدم.

یکشنبه ۲۵ بهمن | ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱۴ فوریه ۱۹۸۸

بعد از یک هفته تعطیلی، امروز مجلس جلسه داشت. اول وقت به مجلس رفتم. قبل از شروع به نمایندگان اطلاع دادم که کمیسیون ها هر چه طرح و لایحه برگشته از شورای نگهبان دارند، آخرین تلاش را برای توافق انجام دهند که قرار شده اگر توافق نشد، به مجمع تشخیص مصالح حکومتی برود. تا ساعت ده ونیم در جلسه ماندم. مراجعات نمایندگان زیاد بود.

آقای [علی اکبر] ناطق [نوری] آمد. درباره نامزدهای انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز مشورت کرد. گفتم باید تعادلی بین دو جریان باشد و روحانیت مبارز حامی یک گروه نشود. لیست پیشنهادی، یک طرفه به نفع یک جریان بود. آقای سعید الذاکرین آمد. درباره مسائل اداری و خطی حرف داشت.

---

۱ - خبرگزاری فرانسه درباره تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «آیت الله روح الله خمینی یک مرجع ویژه را با شرکت عمده‌ترین مسئولان قوه مجریه، مقننه و قضایی مأمور کرد تا اختلاف های احتمالی میان مجلس اسلامی و شورای نگهبان را حل و فصل نماید و «رهبر» انقلاب اسلامی در پیام کتبی که متن آن از رادیو پخش شد، مرجع مزبور را «احتیاطاً» مأمور حل و فصل اختلاف هایی نمود که می تواند از نقطه نظر فقهی یا قانونی میان مجلس اسلامی و شورای نگهبان بروز کند. نامه آیت الله خمینی در پاسخ به درخواست نخست وزیر و رؤسای مجلس و دیوان عالی کشور مبنی بر مداخله وی در صورت بروز بن بست در کار قوه مقننه مطرح شده است. چندین لایحه قانونی از جمله آئین نامه کار، اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی هم اکنون به خاطر رد آن توسط شورای نگهبان مسدود مانده است. این انسداد ماه گذشته به یک بحران سیاسی انجامید و یک بار دیگر مداخله مستقیم امام را پیش کشاند که وی نیز مقرر کرد دولت حق دارد برخی از احکام مذهبی را در صورتی که این احکام مخالف منافع اسلام و کشور باشد، لغو نماید.»

۲ - برای آگاهی بیشتر از تاریخچه و فعالیت مجمع تشخیص مصلحت نظام رجوع کنید ← کتاب «پیشینه و کارنامه مجمع تشخیص محصلت نظام،» عباس بشیری، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۱.

ظهر آقای عبادی آمد. ذوق اختراع نظامی دارد. روی هدایت لیزری موشک ها کار می کند. حمایت بیشتر می‌خواهد. قول حمایت دادم.

عصر مسؤولان دانشگاه آزاد اسلامی یزد آمدند. از عدم همکاری وزرای مربوط گله داشتند. آقای معزی داماد شهید صدوقی، موقوفه ای در اختیار داشته و در اختیار دانشگاه [آزاد اسلامی] قرار داده است. خانواده شهید بشارت آمدند و برای حل مشکلاتشان استمداد کردند. [سرتیپ محمد سهرابی] فرمانده ژاندارمری آمد. از کمبود اعتبارات و نیازهای مالی گفت. آنها پرداخت فوق‌العاده‌ها را عقب انداخته‌اند. این مشکل را ارتش هم دارد. شب در دفترم تا ساعت هشت شب کار کردم.

دوشنبه ۲٦ بهمن | ۲٦ جمادی الثانی ۱٤۰۸ | ۱۵ فوریه ۱۹۸۸

به مجلس آمدم. تا ده و نیم در جلسه علنی ماندم. تا ظهر کارهای دفترم را انجام دادم. ظهر آقای [محمد] یزدی آمد. گزارش سفر به چین را داد؛ راضی است ولی زائو زیانگ ملاقات به ایشان نداده و پیام من را به فرستاده مخصوص او داده است.

عصر استاندار کردستان و معاونانش آمدند. توصیه هائی برای پیشگیری از ایذاء احتمالی ضدانقلاب بعد از زمستان داشتند و بیشتر روی ضربه زدن به آنها در خاک عراق و یا فشار روی آنها توسط کردهای عراقی تأکید می کردند.

آقای دانش، معاون امور جنگ وزیر علوم آمد. گزارشی از وضع اعزام دانشجویان به جبهه داد. گفت هر شش ماه حدود ۱۴ هزار نفر دانشجو به جبهه اعزام می‌شوند و مسأله مهم، کیفیت به کارگیری آنهاست که تقاضا داشت سپاه اجازه بدهد، وزارت علوم نظارت کند.

شورای فرماندهی منطقه یک سپاه آمدند. وضع سپاه منطقه تهران و استان مرکزی را گفتند و برای نیازها استمداد کردند. گله دارند که کمک های مردمی در سایر استان ها به لشکرهای همان استان داده می‌شود، اما در تهران چنین نیست.

درباره جنگ و بودجه دفاعی با دکتر روحانی مذاکره کردم. با جبهه تماس داشتم. گفتند برف سنگین می‌بارد و این مسأله انجام کارهای مهندسی را کند کرده است. آقای

موسوی اردبیلی هم که در منطقه ماؤوت بوده، در برگشت به بانه، مدت شش ساعت در برف گیر کرده بود. [سرتیپ محمد حسین جلالی] وزیر دفاع آمد. برای ارز و ریال کمک خواست تا نیروی زمینی ارتش، بتواند بهتر بجنگد. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. به خانه رفتم.

سه‌شنبه ۲۷ بهمن | ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱٦ فوریه ۱۹۸۸

صبح زود به مجلس رسیدم. برف می‌بارید. گزارش‌ها را دیدم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماندم. خبر رسید که بمبی در خیابان باهنر (نیاوران) منفجر شده است. در راه آمدن به دفتر، با گروهی از مردم تنکابن گفتگو کردم.

در تنفس آقای [اسداله] بادامچیان آمد. گفت اتحادیه دانشجویان مسلمان ما در اروپا، خطی عمل می کنند و با خط جامعه مدرسین [حوره علمیه قم]، مبارزه دارد. پیشنهاد اعزام نماینده‌ای جدید از طرف آقای منتظری برای رفع این مسأله داشت.

جمعی از مردم گتوند خوزستان آمدند. پول برای جبهه آوردند؛ به لشکر خوزستان برگرداندم. از جبهه تلفن کردند و گفتند آقای موسوی اردبیلی که قرار بوده در قرارگاه شهید بروجردی با فرماندهان ملاقات کند، آنجا نمانده و برنامه را به هم زده و به بانه برگشته است. آقای [علی اکبر] ناطق [نوری] برای مشورت در امر انتخابات مجلس به دفترم آمد.

ظهر علامه فضل‌الله [از علمای لبنان] آمد. وضع سیاست ما را در رابطه با سوریه، کشورهای خلیج فارس آمریکا و انگلیس و ... پرسید و درباره لبنان تذکراتی داد و تاکید بر ادامه کمک‌های اقتصادی داشت و بر بکار گرفتن نیروهای لبنانی در کارهای خودشان تاکید کرد.

عصر با دکتر روحانی راجع به بودجه ارزی و ریالی جنگ مشاوره شد، گفت که ساعت دوازده دیشب، آقای فروزنده اطلاع داد که هلی کوپترهای آمریکایی به جزیره فارسی تجاوز کرده‌اند. امروز هم آقای [محمد جواد] عاصمی پور از وزارت نفت، تلفنگرام کرده بود که هشت قایق و تعدادی هلی کوپتر ناشناس دیشب به جزیره فارسی حمله کرده‌اند که دفع شده است. ولی از فرمانده نیروی دریایی ارتش که پرسیدم، پس از



تحقیق گفت، دیشب هیچ اتفاقی در جزیره فارسی نیفتاده است.

مهدی از جبهه تلفن کرد. خبر داد که جاده در دست جهاد، هنوز ده روز دیگر کار دارد و آقای سنجقی هم تلفنی همین را گفت و مدعی است به خاطر همین مسأله، عملیات مشکل پیدا کرده است.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. آقای موسوی اردبیلی در جبهه است و احمدآقا نیامده بود. از وزارت اطلاعات آمدند و درباره نهضت اخیر فلسطنیان گزارش دادند. مدعی اند که سر نخ در دست مسلمانان دوست ایران است؛ اجازه کمک دادیم. درباره سفر آقای ری‌شهری به پاکستان هم مشورت کردند که به جایی نرسید.

آیت‌الله خامنه‌ای خبر دادند که [میخائیل] گورباچف رهبر شوروی به ایشان پیام داده و خواسته که برای تسهیل در خروج شوروی از افغانستان، به آنها کمک کنیم. قرار شد بپرسیم که چه توقعی دارد و نوع کمک را مشخص کنند. شب در مجلس ماندم.

چهارشنبه ۲۸ بهمن | ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱۷ فوریه ۱۹۸۸

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم کارها را انجام دادم. تا ساعت یک ربع به یازده در جلسه علنی مجلس بودم. بعد از جلسه برای خانواده‌های شهدای سرخس، فریمان و احمدآباد صحبت کردم[1].

یکی از مسلمانان اخراجی از کویت آمد و پول برای جبهه آورد. برای مشکلات شخصی استمداد کرد. ظهر آقای [سیدحسین] موسویان آمد. مشکلاتش را با گروه روابط عمومی گفت. به خاطر اختلافات خطی است. عفت، خانم مطهری و خانم شهید عراقی ناهار به مجلس آمدند. آنها از سرکشی به خانواده های رزمندگان برمی‌گشتند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. در جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز شرکت کردم. بحث درباره نامزدهای انتخاباتی تهران بود. بالاخره پذیرفته شد که تعادلی در تعداد نامزدهای دو خط داشته باشیم. این پیشنهاد من بود. تا بیست نفر از خط راست تعیین شدند که چند نفرشان به خط دیگر هم می‌خوردند و قرار است ده نفر از آن خط باشد.

آقای سنجقی از جبهه شمال غرب، تلفنی اطلاع داد برف سنگینی در آنجا می‌بارد و از وزارت راه کمک خواستند. در گزارش‌های امروز، اعلان خروج بخشی دیگر از نیروهای آمریکا از خلیج‌فارس، مهم است.

پنجشنبه ۲۹ بهمن | ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ۱۸ فوریه ۱۹۸۸

اول طلوع فجر، به دنبال رؤیای هول انگیزی بیدار شدم. در رؤیا دیدم که بخشی در بدنم از

---

۱ - در این دیدار که امام جمعه فریمان و جمعی از مسئولان و آقای قاضی زاده هاشمی نماینده این شهرها در مجلس نیز حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: «اعتباری که خون مقدس شهدا دارد و پاداش رنجی را که اسرا و معلولین جنگ در راه خدا تحمل کرده اند و طبعاً این رنج منتقل به خانواده های آنان می شود، خداوند می دهد. براثر این روحیه مبارزه است که ملت ما این جنگ را به این خوبی اداره کرده و دشمنان ما را در تنگنا قرار داده و قدرت هایی مثل آمریکا و انگلیس و دیگران را در منطقه مستأصل کرده است، زیرا روحیه فداکاری هر مشکلی را حل می کند و روحیه های خودخواهی همیشه مزاحم ترقی و تکامل مردم است. هر کاری، جهاد مناسب خود را می‌طلبد و خداوند هم اجرا جهاد را به هیچ وجه ضایع نخواهد کرد. ان شاءالله این جنگ با اقدامات مؤثر رزمندگان به پیروزی نهایی منجر شود و روزی شما ثمره خون شهداء و رنج عزیزان خود را در پیروزی اسلام ببینید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

من جدا است و با کاردی با دست راستم، دست چپم را از نقطه مچ بریدم و جدا کردم و درهمان حال توجه داشتم چون روح ندارد، درد هم ندارد؛ گویا آن را برای استفاده تغذیه، تعبیرهایی به ذهنم می‌رسید. دعا کردم که خداوند به خیر بگرداند.

به مجلس آمدم. در گزارش ها مطلب مهمی نبود. صبحانه خوردم. قبل از دستور به [۲۹ بهمن] سالگرد قیام مردم تبریز [در سال ۱۳۵۶] و فاجعه سقوط هواپیمای حامل نمایندگان مجلس با موشک صدامیان پرداختم[۱]. تا ساعت ده و نیم در مجلس بودم. در تنفس برای اعضای سمینار تغییر نظام آموزشی، بعد از شنیدن گزارش آنها صحبت کردم[۲].

آقای [غلامعباس] زائری برای امور مجلس آمد. [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر دارائی و [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی، برای گزارش وضع ارزی و توجیه تاخیر در پرداخت ارز دفاعی آمدند. عصر آقای ضیغمی از جزیره خارک آمد. پیشنهادی برای بهتر کردن دفاع آن جزیره داشت. در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. مسأله مهمی نداشت.

اول شب فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] برای استمداد و نیازها و گزارش برنامه

---

۱ - در این نطق آمده است: « سالگرد قیام شکوهمند مردم آذربایجان را ما گرامی می داریم و تأثیر این حرکت مردم غیور و مسلمان تبریز در تاریخ اسلامی، در این دوران اخیر همیشه مورد توجه بوده است و در آستانه فاجعه تلخ سقوط هواپیمایی حامل جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شخصیت های قضایی و مدیران کشور با شرارت صدام عفلقی، یاد این عزیزان را گرامی می داریم. در شرایطی که نماینده حضرت امام شهید محلاتی و سایر شخصیت های عزیز ما عازم جبهه بودند، این جنایت هولناک رخ داد. به خانواده های عزیزشان تبریک عرض می کنیم. برای آنها صبر و اجر از خداوند تقاضا داریم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - در این ملاقات که اعضای شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش و جمعی از کارشناسان آموزش و پرورش سراسر کشور و همچنین مدیران مجتمع های آموزشی رزمندگان مستقر در جبهه‌ها حضور داشتند، ابتدا آقای علاقمندان گزارشی از عملکرد و گردهمایی سراسری این شورا ارائه نمود، سپس آقای دکتر احمدی گزیده ای از ویژگی های طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را بیان کرد. سپس آقای هاشمی در سخنانی عمده ترین تفاوت انقلاب اسلامی با انقلاب‌های جاری جهان را قوت بعد فرهنگی آن دانست. ایشان ضمن یادآوری انحراف فرهنگی در رژیم گذشته، اثرات سوء این انحرافات را مخرب تر از مشکلات مادی و اقتصادی و اداری توصیف و تأکید کرد که از دیدگاه اسلام جوهر اصلی انسان در یک نظام فرهنگی صحیح متجلی می شود و هدف انقلاب اسلامی هم متجلی کردن جوهره اصلی انسان است. آقای هاشمی با اشاره به نظام های آموزشی موجود در دنیا، اهمیت میراث فرهنگی بشریت، در مورد استفاده درست و مفید از این میراث گفت: «باید انسان آزاد بیندیشد و فکر نکند که این محصول فکر محققان دنیاست و نمی شود به آن دست زد. از طرف دیگر هم نباید عینک بدبینی به چشم زد و باید محققانه و منصفانه با میراثی که از نظام های موجود گرفته ایم، برخورد بکنیم، راهمان برای کارهای اساسی باز است.» ایشان در این دیدار خواستار بیرون آوردن کنکور از حالت کنونی آن و نیز ایجاد تحول متناسب با ویژگی ها و نیازمندی های کشور، استفاده از امکانات مردمی در خدمت علم با احتراز از معایب آن شد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

عملیات آمد. اخوی محمود و [حسین] شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزارت امور خارجه] آمدند؛ درباره گروگان آلمانی در لبنان صحبت شد. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم. محسن آمد و برای کارهایش در امور صنعت موشک مشورت کرد.

جمعه ۳۰ بهمن | ۱ رجب ۱۴۰۸ ۱۹ فوریه ۱۹۸۸

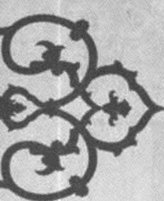
در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. نامه یاسر را تکمیل کردم. مهدی و یاسر از جبهه تلفن کردند. از منطقه ماؤوت به میاندوآب آمده‌اند و در پادگان هستند. یاسر از اول تاکنون تلفن نکرده بود. عفت ناراحت بود، داشت دعای مرأه المعین را می‌خواند. خیلی خوشحال شد.

عصر محسن به همراه گروه موشکی ساصد [= سازمان صنایع دفاع] و دست‌اندکاران موشک «نازعات» آمدند. گزارش کار دادند و فیلم‌هایی از صحنه های آزمایش و شلیک در جبهه را نمایش دادند؛ جالب است. درخواست ملاقات با امام را دارند. کار مهمی است. ۸۷ کیلومتر برد دارد و می‌توانند برد را بیشتر کنند.

محمد فرزند شهید مطهری آمد. از طریق یک مدعی غیبگوئی از اطراف مشهد و خواب، به این نتیجه رسیده است که وصیت نامه‌ای از پدرش مانده و عمویش محمد تقی آن را در اختیار دارد. برای پیدا کردن وصیت نامه استمداد کرد.

شب، عفت به مراسم سالگرد شهید محلاتی رفت . من و محسن در منزل شام خوردیم: آش رشته مانده از ظهر که صاحبخانه محسن فرستاده بود.

آقای [محسن] کنگرلو آمد. گزارش آخرین مذاکره با فرانسویان را داد؛ پیشرفتی ندارد. آنها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به تعهدات خود عمل کنند.



اسفند ۱۳۶۶

شنبه ۱ اسفند | ۲ رجب ۱۴۰۸ | ۲۰ فوریه ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. آقای شیخ [محمد مهدی] شمس‌الدین [از علمای لبنان] آمدند. درباره آینده این کشور از نظر نوع حکومت بحث شد و درباره تشکیل کنگره ای برای فلسطین در ایام هفته آخر ماه مبارک رمضان در لبنان مشورت کرد و نسبت به سیاست جمهوری اسلامی اظهار وفاداری کرد و درخواست حمایت بیشتر از ایران نمود.

در مقابل مجلس، مراسم اعزام ششصد روحانی رزمی و تبلیغی به جبهه داشتیم. برای آنها صحبت کردم[1] و حلقه گل به گردن جانبازان روحانی انداختم.

ظهر [اعضای] کمیسیون امور اداری و استخدامی برای مشورت در خصوص سفر به استرالیا برای مطالعه وضع اداری آنها آمدند[2]. نماینده لامرد برای جلوگیری از تعویض -

۱ - نیروهای رزمی تبلیغی روحانیون تیپ ۸۳ امام جعفر صادق(ع) همزمان با روز «روحانیت و جنگ تحمیلی» با استماع سخنان فرمانده جنگ با به نمایش گذاشتن توان رزمی خود عازم میادین نبرد شدند. آقای هاشمی در این مراسم گفت: «آنچه در این چند ماه گذشته در خلیج فارس اتفاق افتاد از مقاطع مهم تاریخ بشریت است که ادبا و هنرمندان باید برای نشان دادن اهمیت قضیه تلاش کنند. بیش از صد ناو جنگی برای پشتیبانی از رژیم جنگ افروز عراق و پشتیبانی از قارون های منطقه به خلیج فارس آمدند تا با هو و جنجال، این ملت را بترسانند. اکنون گردو غبارها فرو نشسته است و آنان با سرشکستگی در حال جبران گذشته خود هستند و مثل یک دزد در حال فرارند. استکبار می گوید سیاست ما عوض نشده است، آنان حتی فکر نمی کنند که جواب مردم و تاریخ را چگونه می خواهند بدهند. اگر سیاست شما تغییری نکرده است، چرا ناوهای خود را از منطقه خارج می کنید؟ آیا امنیت برقرار کرده اید و پاهای لرزان شیوخ منطقه را محکم تر کرده اید.؟ اینک دشمن نادان با منطق ضعیف خود، می خواهد اشتباهش را جبران نماید و برخلاف دلایلی که در روزهای اول ارائه می داده اند، اکنون اوضاع بدتر شده و شیوخ منطقه نیز لرزان تر شده اند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

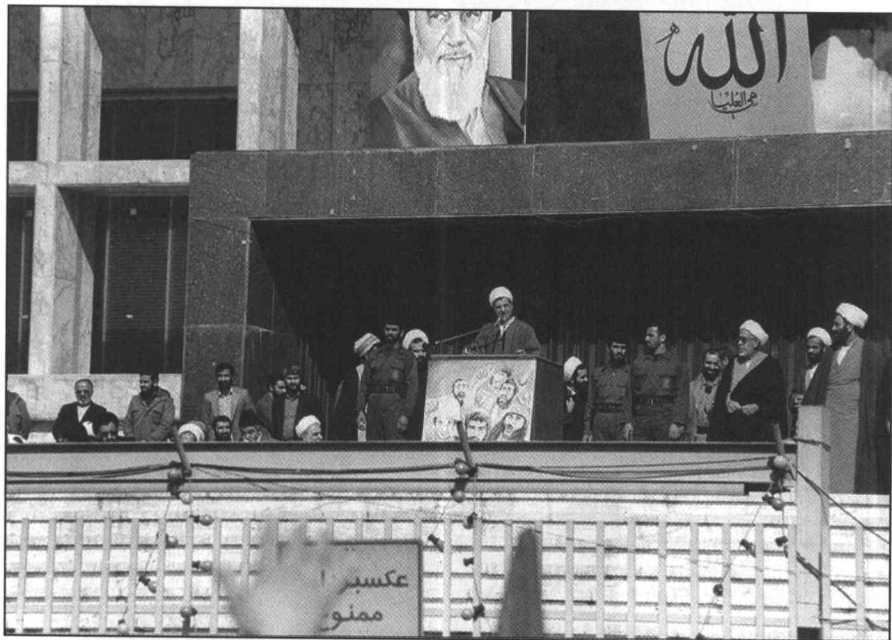
۲ - اعضای کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس عبارت بودند از : آقایان مصطفی ناصری، محمد باقر بهرامی، سید علی عوض زاده، سید حسین قاضی زاده هاشمی، یار محمد عرب عامری، علی اکبر روحانی فرد، اسماعیل سهمی حصاری و محمد ایوبی.







انتفاضه قیام سنگ برضد اشغالگران صهیونیست





سخنرانی در جمع رزمندگان عازم به جبهه‌های نبرد

احتمالی بخشدار لامرد آمد.

آقای سنجقی آمد و وضع جبهه‌ها و برنامه‌ها و نیازهای جنگ را گفت. عصر آقای [احمد] سالک مسئول دفتر عراق آمد. از توسعه امور دفتر و مجلس اعلای عراق گفت و درباره تشکیل ارتش عراق مشورت کرد و استمداد نمود. اخوی محمود آمد. اوضاع لبنان را شرح داد و از عدم هماهنگی نیروهای ما در آنجا و تاسیس چاپخانه و مسائل دیگر گفت. آقای بهرام پور آمد و برای انتخابات در زنجان مشورت کرد و برای پخش آثارش از سیمای جمهوری اسلامی استمداد کرد.

سرشب دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] آمد. آقای [محمد حسن] اختری، سفیرمان در سوریه، گزارشی از وضع نهضت [انتفاضه] جدید فلسطین داد. رقابتی بین سپاه، اطلاعات و وزارت خارجه در این خصوص وجود دارد. تاکنون کاملترین گزارش‌ها را وزارت اطلاعات داده است.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. در این جلسه شرکت کردم. [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. مشکلات صدور نفت و تاثیر تحریم غرب را گفت و از امکان تحصیل ارز مورد نظر اظهار نگرانی کرد که بر معاملات BTC تهاتری [= پایاپای] برای خنثی کردن تحریم تاکید کردم.

یکشنبه ۲ اسفند | ۳ رجب ۱٤۰۸   ۲۱ فوریه ۱۹۸۸

اول وقت به مجلس رسیدم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. در تنفس و پیش از ظهر، چند ملاقات داشتم. آقای آقامحمدی آمد. از منطقه آزاد شده طالبانی‌ها در داخل عراق برگشته است. اوضاع آنجا را خوب و باب طبع دیده بود و تاکید داشت که هلی کوپترها امکانات را زودتر برسانند. گفت چهار چینی گروگان را بناست به ایران بیاورند. او نمی‌خواهد نامزد شود. گفتم از همدان نامزد انتخابات بشود.

دکتر روحانی آمد. درباره آقای [محمد جواد] لاریجانی و قطعنامه شورای امنیت و نامزدی دکتر هادی و جنگ مذاکره کرد. آقای سنجقی آمد و برای اعزام هلی کوپتر اصرار داشت.

ظهر مسئول آموزش و پرورش منطقه ۱۴ آمد. ابتکارات آن منطقه را در تهیه وسائل آزمایشگاه آورده بود؛ جالب است. کمک منطقه ۱۴ آموزش و پرورش را برای جنگ آورد.

عصر آقای [احمد] وحیدی و عمار آمدند. برنامه های عملیات ویژه را توضیح دادند و مشورت کردند. دکتر [هادی] منافی مسئول سازمان نظام پزشکی و [سازمان حفاظت از] محیط زیست آمد. مدعی است در سازمان نظام پزشکی جا افتاده است و پزشکان تسلیم شده اند. برای تقویت محیط زیست استمداد کرد. برای [وزارت] بهداری، ارز بیشتر درخواست کرد و از مدیریت بیمارستان مصطفی خمینی انتقاد داشت.

دکتر [سیف الرضا] شهابی که در زمان طاغوت با من در زندان اوین زندانی بود، آمد. در جویبار داروخانه دارد. از کمبود دارو و مسائل منطقه گفت. آقای [کمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] و اعضای کمیته جنگ روانی آمدند. برنامه‌های تبلیغاتی خود را توضیح دادند و مشورت کردند. تا ساعت هشت شب در دفترم مشغول کار بودم. شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، برای انتخابات تهران جلسه داشت. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۳ اسفند | ٤ رجب ١٤٠٨ ۲۲ فوریه ۱۹۸۸

صبح زود به مجلس آمدم. کمی در جلسه علنی ماندم و به جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ رفتم. مشکل ارزی نیروهای مسلح و نیازهای بهداشت و درمان و کمیته امداد امام و مشکل شهربانی برای انگشت نگاری را رفع کردیم. ظهر به مجلس آمدم.

آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد و برای سفر به الجزایر، برزیل، آرژانتین و مسائل شورای امنیت مشورت کرد. عفت، خانم مطهری و خانم عراقی به مجلس آمدند. آنها از سرکشی خانواده‌های رزمندگان برمی‌گشتند. گزارش کاملی از وضع خانواده‌ها و مشکلاتشان دادند. کارشان را تمام کرده‌اند؛ حدود پنجاه خانه را سرکشی کرده‌اند. در انصارالمجاهدین به طور ناشناس عمل می کنند.

عصر جمعی از اساتید معارف انقلاب اسلامی دانشگاه تهران آمدند. گزارش دادند.

توضیحاتی از آنها خواستم و برای آنها صحبت کردم[1]. مسؤولان آموزش عالی از کارشان راضی نیستند، ولی امروز به نظرم رسید، بخشی از حرف‌های آنها صحت کامل ندارد و باید بررسی شود.

آقای [سید کاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] آمد. برای کمک به اصلاح لایحه مدارس غیر انتفاعی از جهت وابستگی بیشتر آنها به دولت استمداد کرد. آقایان [مجید] قاسمی و [محمد جواد] ایروانی آمدند. از ورود کمیسیون برنامه و بودجه در جزئیات مصرف ارز گله داشتند. آنها می‌خواهند دست دولت در مصرف بازتر باشد.

سرشب سران حزب الله لبنان آمدند. از بی انضباطی گروگان گیری در لبنان و مشکلاتی گفتند که جریان‌های مسلح مستقل به نام حزب‌الله به وجود می‌آورند. مایلند نوعی کنترل داشته باشند. گفتم ایران در این خصوص دخالتی ندارد و منافع لبنان را می خواهد. گفتم بررسی کنند و پیشنهاد مشخص بدهند. از کمک های اقتصادی اخیر ایران به لبنان راضی بودند و می گفتند اقتصاد لبنان را تقویت کرده و لیره لبنان، ارزش دو برابر به دست آورده است. ساعت نه شب به خانه رسیدم.

سه‌شنبه ٤ اسفند | ٥ رجب ١٤٠٨ — ٢٣ فوریه ١٩٨٨

اول وقت به مجلس رفتم. تا ساعت نه صبح درجلسه ماندم و بعد به دفترم آمدم. نطق‌های

---

١ - در این دیدار ابتدا تنی چند از حاضرین، گزارش مبسوطی از نحوه تدریس معارف و علوم اسلامی در دانشگاه ارائه نمودند. سپس آقای هاشمی با اشاره به اهمیت تدریس معارف اسلامی در دانشگاه ها گفت: « در گذشته دانشجو و جوان می دانست که روحانیت در حاشیه کار بوده و مسئولیتی نسبت به مسائل جامعه ندارد، لذا دانشجویان جواب خیلی از سئوالاتشان را با مراجعه به ذهن خود و یا نسبت دادن آن به آثار طاغوت می گرفتند، اما اکنون آنها می خواهند بسیاری از سئوالاتی که در شرایط فعلی در ذهن آنها وجود دارد، براساس یک جامعه اسلامی حل بشود. در گذشته اگر یک نظریه اسلامی مطرح می شد، سئوال بعدی که چرا این نظریه اجرا نمی شود و یا اینکه چرا به این اهداف نرسیده ایم، مطرح نبود، اما در حال حاضر اگر ایده ای از اسلام برای دانشجو گفته شود، سئوال بعدی او بلافاصله این است که این چه مقدار تحقق پیدا کرده؟ یا چرا اجرا نشده است؟ برای جوان‌ها، سئوال های مشابهی همیشه در دوران تحصیل دانشگاهی مطرح می‌باشد. توقع اضافی که از حکومت اسلامی وجود دارد، این است که با توجه به حاکمیت اسلام به عنوان یک مکتب کامل، ما باید جوابگوی همه مسائل باشیم. در گذشته می شد جواب ها را ایده الیستی داد، ولی امروز وقتی که شما می خواهید جوابی را بدهید و موضوعی را از دیدگاه اسلام با توجه به ابعاد اجرایی و عملی بودن قضیه و تطبیق داشتن آن با زمان روشن بکنید، تحقیقاً انتظار دانشجو که فرزند این ملت و انقلاب می باشد، این است که آن طوری که موضوع تبیین می شود، در جامعه نیز قابل اجرا باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ١٣٦٦،» دفتر نشر معارف انقلاب، ١٣٨٨.

پیش از دستور نمایندگان در رابطه با انتخابات و اختلافات خطی تند شده است. آقایان [محمد علی] هادی و [حسین] محلوجی برای توصیه در خصوص ادامه ماموریت آقای [محمدجواد] لاریجانی در شورای امنیت آمدند. آقای [اسماعیل] سهمی [حصاری] نماینده تربت حیدریه، برای شکایت از تعویض فرماندار این شهر آمد. انتقادات زیادی دارد و می‌خواهد به عنوان اعتراض استعفا بدهد. نصیحت کردم که استعفا ندهد. توقع دارد، من برای برگشتن فرماندار فشار بیاورم.

آقای [مرتضی] فهیم کرمانی آمد. گزارش بازداشت و محاکمه اش را در دادگاه ویژه روحانیت داد. از شیوه عمل ناراضی است. خودش توسط آقای [علی اکبر] ناطق [نوری] از آنها خواسته که برای ختم مسأله اتهامات اقدام کنند. توقع بازداشت نداشته و می‌خواهد از ریاست کمیسیون اصل ۹۰ استعفاء بدهد.

ظهر خانم [مریم] بهروزی [نماینده تهران] آمد و برای مطالبی که می‌خواهد در کنگره جهانی آینده [بین المجالس] صحبت کند، مشورت نمود. کارهای دفترم را انجام دادم.

عصر آقای سنجقی آمد و وقت عملیات آینده را گفت و زمان سفر را تعیین کرد. آقای [سید منصور] رضوی [رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور] آمد. خواست که در سمینار امور اداری و استخدامی شرکت کنم.

ساعت هفت شب برای جلسه مجمع تشخیص مصالح حکومتی، به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. در این جلسه آیین‌نامه مجمع را تکمیل کردیم که برای امضای امام بفرستیم. شورای نگهبان از محدود شدن قدرت تصمیم گیری ناراحت است. گفتم این وضع در اثر افراط در رد کردن مصوبات مجلس به گونه‌ای که بن بست می‌آفرید، پیش آمده است. دیر وقت به منزل رسیدم. باران می‌بارید.

چهارشنبه ۵ اسفند | ۶ رجب ۱۴۰۸ — ۲۴ فوریه ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس آمدم. کار زیادی نداشتم. آقای [محمد] فروزنده، برای پیگیری تامین ارز مهندسی در بانک مرکزی و مذاکره درباره حفظ نخل های اطراف بهمن‌شیر آمد. توافق شد که با آوردن تعدادی از صاحبان نخل‌ها و شیرین‌تر کردن آب

اقدام کنند. اطلاع داد که با متروی تهران درباره ساخت راهرو زیر رودخانه کارون بین اهواز و خرمشهر به توافق رسیده‌اند.

آقای [رسول] منتجب نیا آمد و درباره نامزدهای جامعه روحانیت مبارز تهران مطالبی گفت. آقای سنجقی برای گزارش وضع عملیات آمد. مهدی و یاسر و رحمانی از جبهه تلفن کردند و گفتند عازم رفتن به منطقه عملیاتی اند. مشکلات وسایل نقلیه نیروها را گفتند و مخصوصاً کمبود صفحه کلاچ که برای تامین آن تاکید کردم.

شب، شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. لیست نامزدهای انتخابات تهران را تکمیل کردیم. نسبت به دو خط فکری متعادل است. شام در دفتر آقای خامنه ای صرف شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ٦ اسفند | ۷ رجب ۱٤۰۸ ۲۵ فوریه ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌های رسانه ای، گزارش کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا مهم است که نسبت به شکست عراق و تهدید منافع غرب اعلام خطر کرده است. چون نواب رئیس نبودند، تا آخر در جلسه ماندم.

بعد از جلسه برای جمعی از تماشاچیان که سپاهی و بسیجی و فرهنگی بودند، صحبت کردم[1]. از منطقه شش آموزش و پرورش، کمک شایانی برای جنگ آورده بودند.

آقای سنجقی آمد و اطلاع داد که عملیات به تاخیر افتاده است. آقای [احمد] زمانیان نماینده نهاوند آمد. برای رفع خطر از خود به خاطر اعلام جرم مقامات قضائی علیه او به اتهام نشر اکاذیب در قضیه زندانیان در نهاوند استمداد کرد.

عصر آقای [سید هادی] خسروشاهی آمد. گزارش دو کنگره از لندن و پاکستان را داد که به نفع ایران بوده و از گسترش نشریات طرفدار اسلام و انقلاب ما در ترکیه گفت و برای رفع آثار سوء نوشته‌های آقای زیارتی [= سید حمید روحانی] علیه خودش استمداد کرد.

شورای مرکزی نظارت بر انتخابات آمدند و گزارش کار دادند و راهنمائی خواستند.

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

توصیه کردم که برای سلامت انتخابات، جدی باشند. سرهنگ ترابی [رئیس سازمان حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. گزارش آورد و از نفوذ عناصر نالایق انتقاد داشت. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. به منزل رفتم. بستگان از خانواده عموی مرحوم، آقا میرزا عباس، همراه محسن در منزل بودند. درباره صادرات پسته و مس سرچشمه رفسنجان مذاکره شد. شام از بیرون آوردیم.

جمعه ۷ اسفند | ۸ رجب ۱۴۰۸ ۲۶ فوریه ۱۹۸۸

در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. با عفت و محسن صبحانه خوردیم. ظهر همسر دوم مرحوم [حسن] لاهوتی مهمانمان بود و شب بستگان خودم آمدند. هوای خوبی است. مقداری در حیاط منزل قدم زدم. گزارش های ساحفاجا [= سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش] را خواندم. موارد زیادی از کشف عناصر ضدانقلابی در ارتش دارد. برای دفتر امام فرستادم. از جبهه خبر رسید که باز هم تاخیر دارند. گزارش‌ها را آوردند، خواندم.

شنبه ۸ اسفند | ۹ رجب ۱۴۰۸ ۲۷ فوریه ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقتم با استراحت و مطالعه و پیاده روی در حیاط منزل گذشت. ظهر آقای خامنه‌ای اطلاع داد که عراق به پالایشگاه تهران حمله کرده و خساراتی وارد کرده است. دستور مقابله به مثل، با زدن بغداد و بصره داده شد. گفتم برای خروج مردم از شهرهای بصره و بغداد، امروز اعلام شود؛ احتمالاً حملات به شهرها و مراکز اقتصادی وسعت گیرد.

تا ظهر برای رفتن به جبهه تردید داشتیم، ولی ظهر تصمیم به رفتن گرفتیم. محسن عصر آمد و خداحافظی کرد و رفت که با قطار حرکت کنند و من از ایستگاه‌های وسط راه به آنها ملحق شوم.

سرتیپ جلالی [وزیر دفاع]، تلفنی اطلاع داد که واسطه پاکستانی اعلان آمادگی کرده که تعداد قابل توجهی موشک های استینگر و تاو و لامپ هاگ و... به تهران بیاورد.



آقای هاشمی در کنار مادر و همسر

قیمت‌ها هم بد نیست. می‌خواهد کمک کنیم که یک گروگان فرانسوی آزاد شود. آیت‌الله خامنه‌ای موافق‌اند. باید از دیگران هم بپرسیم.

به دفترم گفتم برای عفت و همراهانش بلیت خراسان تهیه کنند و به آقای طبسی تلفنی گفتم که محلی برای اقامت آنها در نظر بگیرد. چون من و مهدی و یاسر و محسن در جبهه خواهیم بود، او نمی‌تواند تنها در خانه بماند، به مسافرت می‌رود.

ساعت هشت شب به اتفاق دکتر روحانی و پاسداران با لباس بسیجی از منزل حرکت کردیم - تا اینجا را در منزل بیش از حرکت نوشته بودم؛ بقیه را در قرارگاه مطهری کنار دریاچه [زریوار در] مریوان، نزدیک مرز عراق می‌نویسم. -

به محل ایستگاه کردان بین کرج و قزوین رفتیم. قطار هم فوراً رسید و حدود ساعت ده شب سوار قطار [تهران - تبریز] شدیم. یک واگن برای من و همراهان پشت لوکوموتیو بسته بودند. من و دکتر روحانی در یک کوپه و گروه موشکی سپاه و محسن در کوپه دیگر و پاسدارها هم در سایر کوپه‌ها بودند. شام پلو مرغ آوردند.

نزدیکی های قزوین خوابیدیم. هوای قطار خیلی گرم بود. با اینکه تقریباً همه اطراف

مسیر را برف پوشانده بود. گفتیم درجه حرارت را کم کردند و پنجره را باز گذاشتیم. باز هم به خاطر گرما و صدای قطار - مخصوصاً موقع عبور از تونل‌ها که خیلی زیاد در مسیر وجود دارند - مرتباً بیدار می‌شدم. بخش اعظم مسیر کوهستانی است.

یکشنبه ۹ اسفند | ۱۰ رجب ۱۴۰۸ ۲۸ فوریه ۱۹۸۸

نزدیکی‌های مراغه، نماز صبح را در قطار خواندم. همراهان پائین رفتند و در ایستگاه نماز خواندند. صبحانه خوردیم. سپس محسن و دوستانش درگروه موشکی به کوپه آمدند و توضیحات درباره برنامه و گزارش پیشرفت ها را دادند. از سفر به کره شمالی و بازدید از مرکز ساخت موشک آنها ؛ خیلی راضی‌اند. اطلاعات زیادی به دست آورده‌اند. تحت تاثیر پشتکار هیتلر در راه انداختن مرکز موشکی آلمان در جنگ جهانی دوم هستند و توضیح دادند که جمهوری اسلامی هم به خاطر جنگ، باید اولویت بالائی به این کار بدهد و حق هم دارند.

در ایستگاه قبل از مراغه پیاده شدیم. ماشین ها جلوتر رفته و آماده بودند. سوار شدیم و به سوی منطقه جنگی حرکت کردیم. ماشین گروه موشکی در مراغه بود. به آنجا رفتند و سپس به ما ملحق شدند. در قسمت اراضی آذربایجان شرقی، برف ها در دشت ها آب شده ولی در ارتفاعات برف باقی است. از شهرهای مراغه، ملکان، میاندوآب، بناب، بوکان و سقز گذشتیم. در کردستان زمین و ارتفاعات، هنوز کاملا از برف پوشیده است و دارد آب می‌شود. رودها خروشان است و خروشان تر می‌شود. ظهر به شهر بانه رسیدیم.

آقای نصراللهی فرمانده سپاه، در محل سپاه بانه منتظرمان بود. نماز و ناهار و استراحتی کوتاه انجام شد. آقای عسکری فرمانده سپاه کردستان آمد. برای لشکرهای جدیدی که اخیراً از جنوب به شمال آمده اند، تقاضای محل توقف و عقبه عملیات شد. انتظار دارند ارتش، محل‌های بیشتری به آنها واگذار کند.

ساعت چهار بعد از ظهر به سوی قرارگاه داودآبادی در منطقه ماووت عراق حرکت کردیم. هوا ابری بود. نگرانی از حمله هوایی دشمن نداشتم. جاده بسیار خراب است و برای پیمودن ۶۸ کیلومتر، سه ساعت و نیم وقت صرف شد. حدود ساعت هفت و نیم به



قرارگاه رسیدیم.

باران شروع به باریدن کرده بود. بخشی از مسیر در تیررس نیروهای عراقی است که در ارتفاعات بلند منطقه «گامو» مستقرند و متاسفانه می توانند رفت و آمد نیروهای ما را کنترل کنند و اگر بخواهند آتش هم در جاده بریزند، ولی معمولاً آتش روانه نمی‌کنند؛ معلوم نیست چرا؟

فرماندهان قرارگاه و واحدهای عمل کننده درباره عملیات آینده و علت تاخیر توضیحات دادند. خرابی جاده ها، بارندگی زیاد، تاخیر در ایجاد جاده و پل ژاژیله و وجود نور مهتاب از عوامل تاخیر است. قرار بود این عملیات در تاریخ ۲۰ بهمن انجام شود و سپس ۲۵ بهمن و سپس به ۵ اسفند و سپس به ۸ اسفند موکول شد و بالاخره همه شرایط و مقدمات آماده نشد و من برای بررسی علل تاخیر به اینجا آمدم. نیروهایی که به منطقه طالبانی ها برای حمله به دشمن از پشت سر در هنگام عملیات آینده فرستاده‌ایم، به خاطر فشار عراق روی طالبانی ها و استفاده از اسلحه شیمیائی و توپخانه در منطقه طالبانی ها، دچار مشکل شده‌اند و ۱۳ نفر آنها در اثر بمب شیمیائی شهید و یکصد نفر مصدوم شده‌اند. مایل بودند آنها را به منطقه خودمان پس بخوانیم که پذیرفته شد و تاکید کردیم که آنجا بمانند و طالبانی‌ها را برای مقاومت حمایت کنند.

آقای [علی] فضلی فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهداء(ع)، همراه فرزندم مهدی برای بررسی منطقه رفته اند و در نتیجه نتوانستیم مهدی را ببینیم. یاسر هم در میاندوآب است و او را هم ندیدیم.

بالاخره بر همان زمانی که برای انجام عملیات از طرف قرارگاه معین شده بود، تاکید کردیم. به خاطر تراکم نیروهایمان در منطقه و شدت آتش توپخانه، روزانه تلفاتی هم داریم که تحمل آن برای نیروها دشوار است. گفتم حتی الامکان پراکنده باشند. جلسه تا ساعت دو و نیم بعد از نیمه شب طول کشید. باران شدیدی می‌بارید. فقط دو سه ساعتی خوابیدیم. دیشب هم در قطار بودیم و کم خوابی داشتیم.

دوشنبه ۱۰ اسفند | ۱۱ رجب ۱٤۰۸ ۲۹ فوریه ۱۹۸۸

اول صبح بیدار شدم. باران به شدت می‌بارید و از سقف قرارگاه آب زیادی وارد می‌شد.

ظروفی گذاشته بودند که آب به زیر پتوها و افراد نرود. دوسه ساعت بیشتر نخوابیده بودم.

بعد از نماز و صبحانه، با فرماندهان قرارگاه برای نتیجه گیری از مذاکرات دیشب به شور نشستیم. به این نتیجه رسیدیم که باید طالبانی ها و نیروهای ما که به منطقه آنها رفته‌اند، مقاومت کنند و مانع اشغال مواضع طالبانی‌ها توسط ارتش عراق شوند، تا عملیات ما انجام شود و از طریق جاده‌های ماشین رو، به منطقه وصل شویم.

جلسه تا ساعت یازده طول کشید و قرار شد قبل از حمله اصلی، عملیات محدودی انجام شود. از منطقه طالبانی‌ها خبر رسید که می‌خواهند زن ها و بچه‌ها را به ایران بفرستند، تا از بمباران شیمیائی و آتش توپخانه عراق مصون باشند. موافقت کردم و گفتم آنها را تشویق به آمدن نکنند و مانع آمدن آنها هم نشوند.

ساعت یازده به سوی بانه حرکت کردیم. باران می بارید و برف ها هم آب می شد. همه جا رودهای فرعی به سوی رود اصلی «چومان» جاری بود. رود چومان هم طغیان کرده بود. بعضی پل ها در خطر خراب شدن بودند. در جاده چومان به بانه، خطر ریزش کوه و بهمن هم زیاد است و ترابری و تدارکات جبهه با اشکال مواجه است ولی ابری بودن هوا، پوشش مناسبی در مقابل حملات هوایی دشمن به نیروها می‌دهد که در سراسر منطقه پراکنده‌اند.

ساعت دو بعد از ظهر به بانه رسیدیم. ناهار و استراحتی و خبرگیری از تهران و جاهای دیگر، وقت عصرمان را گرفت. اول شب خبر دادند که در چهار نقطه تهران بمباران شده ولی مسؤولان پدافند می گویند هواپیمائی ندیده‌اند و رادار هم چیزی ثبت نکرده است. یک ساعت دیگر خبر دادند که مجدداً در سه نقطه تهران بمباران شده. معمولاً بعثی ها هر وقت در جبهه تحت فشار قرار می گیرند، اقدام به این گونه شرارت‌ها می‌نمایند. نظر خیلی‌ها این است که موشک از راه دور است.

فرمانده سپاه بانه اطلاع داد که دراویش قادریه بانه در مسجدی مطابق معمول هفتگی، برنامه نمایش های خارق‌العاده دارند. گفتم جمعی از آنها را بیاورند که نمایش آنها را ببینیم. چون قبلاً اطلاع پیدا کرده بودیم، امشب را به خاطر دیدن کارهای آنها در بانه مانده ایم و سالن قرائت خانه ساختمان سپاه را برای محل نمایش انتخاب کردیم و با همراهان در مراسم شرکت کردیم. به نظرم جالب و دیدنی و خارق‌العاده آمد و فیلم هم گرفتیم.

حدود پانزده نفر از دراویش قادریه، مرکب از پیران و جوانان و بعضی با موهای بلند و بعضی با موهای کوتاه جمع شدند. ابتدا تعدادی ذکر دعا با دایره و حرکت سرها و بدن ها

و خواندند. کم کم به حرکات تند ایستاده و شبیه به رقص رسید و سپس کارهای عجیب انجام شد.

مثلاً چند نفرشان شیشه و تیغ خودتراش می جویدند و گلوله های کلاش را می بلعیند و مدعی بودند جذب بدنشان می شود و دفع نمی شود. نوک تیز دو خنجر را در سر یک نفر با چکش فرو کردند. من خواستم با دست خودم بیرون بکشم، نشد. یکی از آنها زبانش را می کشید به بخاری داغ که صدای جوشیدن آب دهان به گوش می‌رسید. درفش در پهلوی یکی وارد می کردند و از طرف دیگر در می آمد. درفش از داخل دهان یکی وارد کردند و از زیر گلویش سر درآورد. با شمشیر تیز، روی گردن یکی از عقب و جلو فشار می دادند و کارهائی از این قبیل انجام دادند.

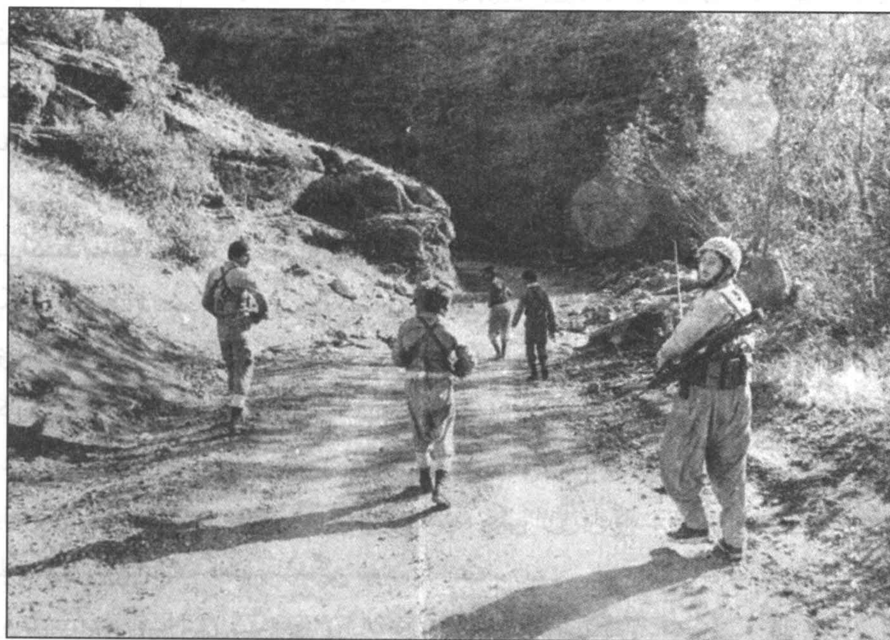
بالاخره من را شناختند و با چند نفر از آنها صحبت کردم. مدعی اند تمام وظایف دینی را با استغفار و ذکر و ارشاد مرشد عمل می کنند. یکی از آنها گفت معلم بوده و متأسفانه پاکسازی شده است. گفتم رسیدگی شود.

سه‌شنبه ۱۱ اسفند | ۱۲ رجب ۱۴۰۸ — ۳۰ فوریه ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح بیدار شدیم. اطلاع دادند دیشب تا امروز صبح، چند موشک دیگر عراق به تهران اصابت کرده است. تلفنی با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. گفتند مجموعاً ۱۲ موشک فرود آمده و حدود سی وشش نفر شهید و حدود هفتاد نفر مجروح شده اند. قدرت انفجاری موشک کم است و تعدادی از آنها عمل نکرده که سپاه و ارتش در حال بررسی نوع، منشاء و مشخصات موشک هستند. به خاطر اختلاف ارتش و سپاه، تحقیق تاخیر داشته است.

آقای روحانی و محسن و گروه موشکی را برای پدافند و تحقیق درباره موشک ها به تهران فرستادم. ما هم همراه با آقای شمخانی که از منطقه ماؤوت آمده بود، با اتومبیل به سوی مریوان حرکت کردیم. جاده خاکی و کوهستانی و پر از دست‌انداز بود.

آب های حاصل از ذوب برف ها در همه جا جاری بود و رودهای مسیر همه طغیان داشت. ژاندارمری در مسیر تامین برقرار کرده بود. تقریباً همه جا از تپه‌های جنگلی عبور -





عملیات بیت المقدس ۲

رزمندگان غیور اسلام در پشت خاکریز

کردیم. در راه از دشت شیلر در خاک عراق که در عملیات والفجر ۴ به تصرف ما درآمده بود، عبور کردیم. دو رودخانه از آن دشت عبور می کند: رود شیلر و رود قزلجه. از کنار روستاهای مسکونی بارزانی ها عبور کردیم و آقای شمخانی، در راه اطلاعات مفیدی از وضع منطقه ارائه می‌داد.

بعد از گذشتن از دره شیلر در داخل ایران، از چند روستای مرزی هم عبور کردیم. در روستای «ساوچی» توقف نمودیم و با روستائی‌ها صحبت کردیم. معلوم شد اوایل جنگ مهاجرت کرده بودند و بعد از عملیات والفجر ۴ برگشته‌اند. آنها از طریق کشاورزی زندگی می کنند.

حدود ساعت یازده کنار دریاچه [زریوار] مریوان به قرارگاه شهید مطهری رسیدیم. آقای رضایی و جمعی از فرماندهان سپاه برای هدایت کارهای مقدماتی عملیات اینجا هستند. عصر با فرماندهان سپاه، بحث درباره عملیات آینده را شروع کردیم و تا ساعت دوازده شب ادامه دادیم. فرماندهان نسبت به طرح خوشبین‌اند[1].

احمدآقا از تهران تلفن کرد و گفت به خاطر ضعیف بودن قدرت انفجاری موشک های عراق و عمل نکردن چند تای آنها، نتوانسته اند روحیه مردم را تضعیف کنند و مردم منتظر مقابله به مثل قوی ما هستند. گفتم دستور داده ایم چند موشک به بغداد بزنند. تا اطلاع بعدی روزانه سه موشک با فاصله زمانی مناسب می زنند. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتیم و خوابیدم.

---

۱ - در عملیات بیت المقدس ۲ به ویژه در مرحله اول عملیات، دشمن نیروهای قابل توجهی را به منطقه منتقل نکرد و همین مسئله منجر به پیدایش این باور و درک شد که توجه دشمن معطوف و متمرکز به منطقه جنوب شده و عملاً نیز غافلگیر شده است. مجدداً به هنگام بحث و بررسی توقف عملیات بیت المقدس ۲ و تعیین زمان برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳، بر پایه درکی که نسبت به رفتار و عملکرد دشمن در عملیات بیت المقدس ۲ وجود داشت، چنین پیش بینی می شد که دشمن نیروی قابل توجهی را به منطقه اعزام نخواهد کرد. شکل گیری این ذهنیت در مورد دشمن و پیش بینی رفتار و عملکرد احتمالی آن، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی عملیات بیت‌المقدس ۳ و تعیین اهداف این عملیات داشت. در عین حال، چندی بعد دشمن سلسله تحرکات مهمی را در منطقه شمال غرب انجام داد. دشمن با جابه جایی و انتقال نیرو، مواضع خالی بر روی ارتفاعات موکه، قیوان، یال های گوجار و نیزمحور حساس آسوس را پر کرد. همچنین دشمن با حمله گسترده و وسیع به اکراد معارض، با استفاده از سلاح شیمیایی، مناطقی را که معارضین کرد عراقی آزاد کرده بودند، تصرف کرد و همین موجب تخلیه این مناطق از ساکنان آن شد. پیدایش وضعیت جدید سبب گردید تا نیروهای کرد معارض برای رهایی از فشارهای دشمن، برای اجرای عملیات تلاش کنند. لیکن به علت مشکلاتی که برای اجرای عملیات وجود داشت، هرگونه تعجیل به منزله ناکامی دردستیابی به اهداف عملیات تلقی می شد.

چهارشنبه ۱۲ اسفند | ۱۳ رجب ۱۴۰۸ | ۱ مارس ۱۹۸۸

اول طلوع فجر بیدار شدم. اخبار و اطلاعات را گرفتم. دیشب هم به تهران موشک زده اند و عجیب این است که بیشتر موشک‌ها در هوا و فضای تهران منفجر می‌شود و بعضی‌ها هم عمل نمی‌کند، ولی رادیوهای بیگانه سروصدای زیادی به راه انداخته‌اند[1].

تا ساعت ده و نیم با فرماندهان سپاه برای عملیات آینده مذاکره کردیم. سپس به قرارگاه لشکر ۲۸ سنندج ارتش رفتیم و با حضور سرهنگ جمالی، سرهنگ ظهوری و سرهنگ ترکان، طرح عملیات آینده را بررسی کردیم.

آنها مشکل مهندسی و راه داشتند که با احضار مسئول جهاد زمان بندی شد و برای هماهنگی با سپاه مذاکره نمودیم. ناهار و استراحت همان جا انجام شد و ساعت سه و نیم بعد از ظهر به قرارگاه سپاه برگشتیم.

استاندار کردستان و فرمانده ژاندامری ناحیه کردستان آمدند و درباره امور منطقه و مسائل پناهندگان عراقی و تقاضای شرکت بیشتر ژاندامری در جنگ مطالبی گفتند. عصر با فرماندهان سپاه، برای تعیین وقت عملیات و تغییر در برنامه‌های واحدها مذاکره کردیم و تا ساعت ۱۰ شب این مذاکره ادامه یافت و به توافق کامل رسیدیم. امروز هم مبادله موشک بین ایران و عراق ادامه داشت.

با دکتر روحانی تلفنی صحبت کردم. گفت نظر متخصصان این است که موشک‌های

---

۱ - رادیوهای بیگانه که حملات موشکی ایران و عراق را دنبال می کنند، در برنامه های بامدادی امروز خود، به زبان های مختلف، گزارش‌ها و اخباری را در این زمینه منتشر ساختند. بخش فارسی و انگلیسی بی بی سی گزارشی به این شرح پخش کرد: « ایران و عراق، حملات موشکی به پایتخت های یکدیگر که یک هفته پیش بعد از آرامشی چند ماه از سر گرفته، شدت داده اند. مقامات انتظامی عراق می گویند که ۶ موشک به تهران شلیک کرده و نیز اظهار می دارند که یک موشک از ایران در جوار شهر بغداد فرود آمده که موجب کشته و زخمی شدن چند غیرنظامی شده است. از روز دوشنبه عراق بیش از ۳۰ موشک را به سوی تهران و قم شلیک کرده و در حالی که ایران نیز به سهم خود حداقل ۱۵ موشک به سوی بغداد شلیک کرده است. به علاوه در سازمان ملل متحد نشانه های بیشتری از امکان تغییر در نظر ایران برای خاتمه به جنگ خلیج فارس بروز کرده است. سفیر ایران تکرار کرد که تهران برای همکاری در جهت به مورد اجرا گذاشتن قطعنامه آتش بس سازمان ملل آماده است. ظاهراً ایران مایل است که پیرامون متوقف ساختن مخاصمات مذاکره نماید و این مطلب را در نامه ای که وزیر خارجه ایران علی اکبر ولایتی به آقای پرزدکوئیار در چند روز پیش ارسال کرد، آورده شده است. به نظر می‌رسد که ایران با عبارت دقیق از آمادگی آن کشور برای همکاری در مورد اجرا گذاردن قطعنامه آتش بس سازمان ملل سخن گفته است. همچنین در این نامه از دبیرکل سازمان ملل متحد برای دیدار از تهران به منظور کمک به عملی ساختن آتش بس دعوت به عمل آمده است. اگر چه این پیشنهاد با عبارت دقیقی بیان گردیده در به مورد اجرا گذاشتن قطعنامه تصریح دارد، ولی نسبت به ارزش حقیقی و اهمیت قائل شدن ایران به قبول آتش بس ابراز تردید شده است. »



اقامه نماز جماعت در مسیر جبهه



پرتاب شده عراقی همان اسکاد - بی است که به سوخت آن اضافه شده و از سرجنگی آن کاسته شده و در نتیجه قدرت انفجاری آن کم و برد آن اضافه شده است و به خاطر نواقصی که پیدا کرده، در هوا منفجر می شود. با منزل صحبت کردم. آنها به خاطر موشک‌باران تهران، موقتاً از سفر به مشهد منصرف شده‌اند.

پنجشنبه ۱۳ اسفند | ۱۴ رجب ۱۴۰۸ | ۲ مارس ۱۹۸۸

بعد از نماز و صبحانه به سوی تهران حرکت کردیم. برف و باران می‌بارید. از کنار دریاچه مریوان گذشتیم. در شهر مریوان گشتی زدیم. شهر با صفایی است اما آثار خرابی بمباران خیلی زیاد دیده می شد. نزدیک مرز عراق است. مردم با اطلاع از عملیات آینده، شهر را خلوت کرده اند. ساعت یازده به سنندج رسیدیم. جاده کوهستانی و خوش منظره ولی خراب و پر پیچ و خم است.

بیرون سنندج، اتومبیل تویوتا را با بنز سواری عوض کردیم. آقامحمدی همراهمان بود و در راه همدان، توضیحات کافی داد و ساعت یک بعد از ظهر به همدان رسیدیم. ناهار و نماز در مهمانسرای استانداری بودیم. سپس همراه استاندار، شهردار، مدیر کل ارشاد و آقامحمدی به سوی غار علی صدر رفتیم. زیر زمین، غار وسیعی با کانال های متعدد و آب تمیز و آهکی است. توریست زیادی به آنجا می آید و قابل توسعه است. ساعتی با قایق روی آب گشت زدیم. خیلی جاذبه دارد.

برف شدیدی می بارید. به سوی تهران حرکت کردیم. شب نزدیک بود در گردنه آوج در برف و سرما بمانیم، ولی به خیر گذشت. ساعت یک بامداد به منزل رسیدم. بچه ها از ترس موشک های عراق، در طبقه پائین خوابیده بودند. من هم پائین خوابیدم. امروز عراق شرارت نداشته است. ما هم دستور توقف شهر زنی دادیم.

جمعه ۱۴ اسفند | ۱۵ رجب ۱۴۰۸ | ۳ مارس ۱۹۸۸

در منزل بودم. باران می بارید. کارهای عقب افتاده ایام مسافرت را از مجلس آوردند، انجام

دادم. پیش از ظهر دکتر روحانی آمد. گزارش وضع موشک‌های شلیک شده عراقی‌ها را داد و درباره جنگ و ساخت موشک صحبت کردیم.

عصر گروه موشکی سپاه آمدند. گزارش پیشرفت کار ساخت کپی موشک اسکاد - بی را دادند؛ جالب است. درباره موشک های عراقی نظر دادند که همان اسکاد - بی روسی است که با افزایش سوخت و کاهش سرجنگی، برد آن زیاد و قدرت انفجاری آن کم شده است و عملاً کارآیی ندارد. یک پنجم قدرت اسکاد - بی را دارد و دارای نواقصی است که بیشتر آنها در هوا منفجر می‌شود و یا در زمین عمل نمی کنند.

شب تا دیر وقت به کارهای عقب مانده روزهای سفر را انجام دادم. عراق امروز سه موشک به تهران پرتاب کرده که یکی از آنها موثر بوده است. ما هم دو موشک به بغداد زده‌ایم.

شنبه ۱۵ اسفند | ۱٦ رجب ۱٤۰۸   ٤ مارس ۱۹۸۸

اول به مجلس رفتم. پیش از جلسه، اخبار جنگ و مسائل موشکی را به نمایندگان گفتم[۱]. پیش از ظهر و عصر در جلسه علنی ماندم. به خاطر احساس خطر، پیشرفت کار خوب است. تعداد هفت موشک عراقی به تهران رسید که سه قبضه آن در فضا منفجر شد و چهار قبضه آن به زمین خورد و خساراتی وارد کرد. دستور مقابله به مثل شدید موشکی، هوایی و توپخانه دادم.

شب جلسه سران قوا در زیر زمین ساختمان ریاست جمهوری تشکیل شد. وضع جنگ را توضیح دادم. از سیاست ضد روسی که ترویج می شود، انتقاد کردم؛ زیرا روشن شده که موشک های عراق چیز جدیدی نیست که روس‌ها داده باشند. همان اسکاد - بی‌های سابق است و بی جهت با تبلیغات منفی، دشمنی روس‌ها را تحریک می کنیم.

---

۱ - آقای هاشمی در این نطق، اعلام کرد که در آینده، رزمندگان اسلام در جبهه ها، انتقام مناسب را از جنایتکاران عفلقی و حامیان آنها خواهند گرفت. ایشان در این سخنان، ابتدا سالگرد وفات حضرت زینب (س) را به امام امت و مردم شهید پرور ایران تسلیت گفت و سپس در مورد حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی عراق به مناطق مسکونی اظهار داشت: " به خانواده عزیز شهدای موشک باران ناجوانمردانه بعث عفلقی تبریک و تسلیت عرض نموده و به آنها بشارت خواهم داد که در آینده، رزمندگان آنها در جبهه ها، انتقام مناسب را از جنایتکاران عفلقی و حامیان آنها خواهند گرفت.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۶، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

قرار شد به دانشجویانی که فردا تظاهرات ضدروسی دارند، گفته شود که به طرف سفارت روس نروند.

جلسه قبول کرد که درباره ضعف عملکرد موشک های عراقی توضیحاتی بدهیم و آنها را هو کنیم. بعضی‌ها معتقدند که اگر چنین شود، نقص را برطرف می‌کنند و بهتر است چیزی نگوییم، اما نظر جلسه این بود که به زودی از راه‌های دیگری نقاط ضعف را می‌فهمند، چرا که بیش از نصف موشک‌ها در فضا منفجر شده است. درباره مسأله جدید و مسأله [آقای مرتضی] فهیم کرمانی مذاکره کردیم. قرار شد من مصاحبه‌ای انجام بدهم. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۱٦ اسفند | ۱۷ رجب ۱٤۰۸ — ۵ مارس ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح با صدای انفجار موشک عراقی بیدار شدم. بعداً معلوم شد موشک به کوه‌های شمال شمیران خورده و آسیبی نداشته است. به مجلس آمدم. تا نزدیک ظهر در جلسه علنی بودم. نمایندگان توصیه کردند که کمتر در جلسه بمانم. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم.

آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. گزارش سفر به الجزایر، آرژانتین و برزیل را داد و راضی است. قول داده اند در شورای امنیت، علیه ما اقدام نکنند. هر سه کشور خواستار توسعه روابط اقتصادی بودند. آقای محمودی سفیرمان در سیرالئون آمد و گفت رئیس مجلس سیرالئون، از لغو سفرش به تهران توسط ایران ناراضی شده است. آقای سنجقی برای مسائل امور جنگ و جبهه آمد.

عصر سه موشک عراقی به تهران رسید، ولی همه در فضا منفجر شدند. امروز تعداد زیادی از شهرهای غرب و جنوب توسط عراقی‌ها بمباران شده و تلفاتی داشته و یک هواپیمای عراقی سرنگون و خلبان آن اسیر شده است.

دانشجویان در اصفهان و تهران، علیه روسیه تظاهرات کرده‌اند و علی‌رغم اینکه قرار بود به طرف سفارت شوروی نروند، رفته اند و با پرتاب کوکتل مولوتف آتش سوزی هم ایجاد کرده‌اند.

شب جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. آقای مهدوی کنی به عنوان اعتراض به [معرفی] بعضی از نامزدها قهر کرده که در غیاب ایشان بخشی از نظرات ایشان تامین شد. آقای روحانی اطلاع داد که سایت [موشک] هاگ در تهران، یک موشک عراقی را در ارتفاع ۲۱ هزار متری زده است. دیر وقت به خانه رسیدم*.

دوشنبه ۱۷ اسفند | ۱۸ رجب ۱۴۰۸ ۶ مارس ۱۹۸۸

اول وقت به مجلس آمدم. قبل از شروع جلسه به نمایندگان توصیه کردم که در بحث‌ها صرفه جوئی کنند که لایحه بودجه زودتر تمام شود تا مجبور نباشیم در شرایط وجود خطر، جلسه زیاد داشته باشیم. پیشرفت خوبی در کار داشتیم. تا ظهر در جلسه ماندم.

ظهر آقای کنگرلو آمد و گفت فرانسوی‌ها آماده‌اند که برای شفاعت در آزادی سه گروگان، فوراً چند لامپ موشک هاگ رایگان تحویل دهند.

آقای سنجقی اطلاع داد که باز هم در جبهه تاخیر دارند[1]. ناراحت شدم و پیغام تندی دادم. او از ضعف حرکت هوانیروز گفت. آقای خرازی آمد و برای ستاد تبلیغات جنگ، کمک مالی خواست.

عصر آقای [سید علی‌اصغر] حجازی آمد. گزارش های اطلاعاتی داد و کمک مالی از منابع جنگی برای وزارت [اطلاعات] خواست؛ خیلی ها نیازهای خود را از محل جنگ

---

* - روزنامه آبزرور چاپ لندن نوشت: «ایران مخفیانه کوشش کرده است که یک کارخانه غنی سازی پلوتونیوم را که در آخرین روزهای حکومت شاه ساخته شده، مجدداً مونتاژ نماید. این روزنامه نوشته است ایرانی ها کوشش می نمودند نقش کارخانه را که توسط گروهی از مهندسان اتمی و شیمی در آخرین سال حکومت شاه ساخته شده، بدست آورند.»

۱ - پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، شرط ادامه عملیات، علاوه بر ایجاد عقبه مناسب با احداث جاده از پاسگاه پلیس و از طریق ارتفاع ژاژیله و نصب پل روی رودخانه تا دشت هرمدان، فعال کردن قرارگاه رمضان از داخل مناطق آزاد شده بود. این امیدواری وجود داشت که با احداث جاده، موقعیت مناسب برای نقل و انتقال و پشتیبانی عملیات فراهم آید. همچنین اجرای مانور از داخل منطقه آزاد شده نیز با حمله به عقبه های دشمن، امکان دستیابی به اهداف عملیات را تسهیل کند.

بر این مبنا، تلاش های فشرده ای جهت فراهم سازی دو شرط اساسی و لازم برای اجرای عملیات آغاز شد. با گذشت زمان و به رغم تلاش هایی که انجام می گرفت، مشکلات ناشی از اوضاع جوی و وضعیت زمین برای احداث جاده روز به روز افزایش می یافت و به رغم اینکه هشت یگان مهندسی از جهاد و یگان های مهندسی سپاه برای احداث جاده تلاش می کردند، لیکن چشم انداز روشنی برای آماده شدن جاده مطابق زمان از پیش تعیین شده مشاهده نمی شد. انتقال امکانات به داخل خاک عراق نیز به همین میزان با دشواری روبرو بود.

می‌خواهند تأمین کنند. عصر با سیمای جمهوری اسلامی مصاحبه‌ای انجام دادم[1]. مهدی از جبهه تلفن کرد و گفت برای انجام کاری به تهران می‌آید. یاسر نمی‌آید.

امروز هم عراق سه موشک به تهران پرتاب کرده که دوتای آن عمل کرده و ما هم سه موشک به بغداد و موصل زده‌ایم. چند شهر هم بمباران شده است. تا ساعت هشت شب در دفترم به کارها رسیدگی کردم. به منزل نرفتم. تهران نسبتاً خلوت شده است.

سه‌شنبه ۱۸ اسفند | ۱۹ رجب ۱٤۰۸ ۷ مارس ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا یک ربع به هشت گزارش ها را خواندم. تا نه و نیم در جلسه علنی ماندم. سپس برای امور جاری و مسائل جنگ به دفترم آمدم. تا عصر ملاقات‌های متعدد و کوتاهی داشتم.

دکتر ولایتی آمد و برای موضع گیری راجع به پیشنهاد ختم جنگ شهرها از طرف شوروی مشورت کرد. شوروی از شورای امنیت خواسته است جلسه فوری اضطراری تشکیل شود. قرار شد موافقت کنیم.

---

۱ - در این مصاحبه که با شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی انجام شد، آمده است: «این حملات ویژگی ای دارد که حملات گذشته عراق نداشته و آن استفاده از موشکی است که تا تهران می رسد. در گذشته عراق، هم موشک به کار می گرفت و هم هواپیما، ولی موشکی که به تهران برسد، نداشتند. این بار ما فکر می کنیم صحنه جدیدی است که دارند نمایش می دهند و این تنها عراق نیست. یک برنامه ای است که از مدت ها پیش تدارک دیده شده است. بیش از یکسال است که زمزمه به دست آوردن موشکی که بتواند تهران را بزند و می تواند تأثیر زیادی در جنگ داشته باشد، مطرح است که در مقاطع مختلف روی این موضوع تبلیغ می کردند، برای اینکه هراس در دل ما ایجاد کنند.

در گذشته شوروی ها گاهی به ما منت می گذاشتند که ما موشک دوربرد را به عراق نداده ایم و یا نمی دهیم. غربی ها هم از این حرف ها می زدند، خود عراقی ها هم این را به عنوان یک حربه همیشه مطرح می کردند. امیدشان این بود که نقش زیادی در جنگ ایفا کنند، ولی حالا که به کار گرفتند خیلی چیزها کشف شد، اول روشن شد که موشک جدیدی نیست، همان «اسکاد - بی» است که عراقی ها قبلاً در دزفول و بسیاری از شهرهای ما زده بودند. منتهی با قدرت تخریبی زیادی که این موشک در شرایط طبیعی خودش دارد و همان است که ما هم به کار می بریم. عراقی ها این موشک را تحقیقاً با کمک قدرت های بزرگ مثل آمریکایی ها یا فرانسوی ها، ناشیانه دستکاری کرده اند و ناچاراً سوخت را زیاد و قدرت انفجاری را کم کردند. وزن مواد انفجاری این موشک را که به طور طبیعی ۸۰۰ کیلوگرم است، به ۱۶۰ کیلوگرم - یعنی یک پنجم - تقلیل دادند. این موضوع را موشک هایی که سالم بدست ما افتاده روشن کرده است. در عمل اگر این موشک به جایی بخورد و منفجر هم بشود، مثل یک بمب کوچکی عمل می کنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

من از برخورد عجولانه وزارت خارجه نسبت به شوروی در رابطه با موشک های اخیر عراق انتقاد کردم و گفتم ممکن بود روابط را با روس ها کاملاً تیره کنند[1]. ایشان مصاحبه اخیر من را که با صراحت گفتم شوروی موشک جدیدی به عراق نداده، مفید خواند و گفت روس ها هم راضی شده اند. گفت سفیر شوروی هم تشکر کرده است. آقای سنجقی برای امور جنگ آمد.

کنگرلو آمد و گفت فرانسوی ها حاضر شده اند چند لامپ هاگ فوری تحویل دهند و تعهد اجرای سایر موارد را بنمایند که برای آزادی گروگان های فرانسوی شفاعت کنیم. آقای [حسین] کمالی برای لیست نامزدهای انتخاباتی خانه کارگر آمد که گفتم چند نفر از لیست جامعه روحانیت مبارز را بگذارد، حتی اگر جریان های دیگر موافقت نکنند.

بالاخره امروز عصر، آقای [محمد] یزدی بحث لایحه بودجه کل کشور را با حذف پیشنهادهای نمایندگان تمام کرد و به خاطر ناامنی موجود، اکثریت قوی نمایندگان به ختم بحث رأی دادند.

شب در مجمع تشخیص مصالح حکومتی شرکت کردم. استفساریه مربوط به ماده ۹ قانون اراضی شهری مطرح بود. تمام وقت جلسه را گرفت و ناتمام ماند. دیر وقت به خانه رسیدم. موشک عراقی نیمه شب به منطقه سیروس [در جنوب] تهران خورده و تلفات زیادی داشته است.

مهدی فرزندم از جبهه آمد. چند روز همراه آقای [علی] فضلی فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) در داخل خاک عراق، در منطقه طالبانی ها بود. مدعی است اگر زود اقدام نکنیم، ارتش عراق منطقه را از طالبانی‌ها می گیرد.

آقای [محمد باقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان هم تلفنی همین مطلب را گفت. تاخیر عملیات در آن منطقه، نیروهای داخل را تحت فشار قرار داده است. امروز هم موشک پرانی به تهران، بغداد، اصفهان و موصل ادامه داشت. جنگ شهرها وسعت گرفته

---

۱ - رادیو بی بی سی در بخش انگلیسی بامداد امروز گفت: به نظر می رسد مقامات ایران در محکوم کردن شوروی به عنوان تأمین کننده موشک های دوربرد برای عراق انعطاف بیشتری از خود نشان می دهند. هفته گذشته ایران، سفیر شوروی در تهران را احضار کرد و از اینکه شوروی موشک به عراق داده است شکایت کرد. آقای رفسنجانی رئیس مجلس ایران در یک مصاحبه گفت با آنکه موشک ها در اصل در شوروی ساخته شده اند، امکان دارد عراق آنها را از منبع دیگری به دست آورده باشد. آقای رفسنجانی گفت موشک ها از نوع اسکاد - بی هستند که برای زیاد کردن برد آنها، از میزان مواد منفجره آنان کاسته شده است.





بازدید از مناطق بمباران شده تهران

است[۱].

چهارشنبه ۱۹ اسفند | ۲۰ رجب ۱۴۰۸ — ۸ مارس ۱۹۸۸

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. فیلمنامه‌ای را که برای اظهار نظر فرستاده بودند، خواندم. درباره نقش باندهای صهیونیستی و بهایی در حکومت طاغوت بود.

مهدی از روی نقشه، وضع منطقه طالبانی‌ها و نقاط حساسی را که عراق تلاش می‌کند تصرف نماید، توضیح داد و اصرار بر تسریع در اقدام نمود. از هوانیروز گله داشت. پنج روز همراه فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) آنجا بود.

مصاحبه مفصلی با مجله پاسدار اسلام پیرامون وضع جاری جنگ و منطقه داشتم[۲].

عراق امروز هم چند موشک به تهران شلیک کرد که همه آنها در فضا منفجر شدند، ولی موشکی که دیشب به منطقه سیروس زده، به خاطر قدیمی و فرسوده بودن منازل، تلفات زیادی داشته است: حدود شصت شهید و همین حدود مجروح که بخشی از آنها افغانی و عرب بوده‌اند. حمله هوایی به شهرها هم زیاد بوده و مقابله به مثل نیز انجام گرفت.

---

۱ - رادیو لندن در این باره گفت: «ایران و عراق در ادامه جنگ شهرها، حملات هوایی و موشکی بیشتری را به شهرها و پایتخت های یکدیگر گزارش کردند، نیمه شب دیشب از ایران یک موشک به طرف بغداد و عراق یک موشک به طرف تهران شلیک کرد عراق می‌گوید این سی و هفتمین موشکی است که این کشور در تازه ترین دور جنگ شهر ها به طرف تهران شلیک کرده، ایران فرود این موشک را در یک نقطه مسکونی در تهران تأیید کرده است. ایران همچنین دیروز غروب گزارش کرد که تاسیسات مهم در شهرهای بصره، علی شرقی، علی غربی، خانقین، بانمیل ملوان، نفتخانه، چیاسو، دوشیخ، میدان، مندلی و سلیمانیه هدف حملات موشکی و توپخانه ایران قرار گرفتند. در تازه ترین دور جنگ شهرها به نظر می رسد که مانند دوره های قبلی این عراق است که ابتکار عمل را به دست دارد و به نظر می رسد که مصمم است تا قبول صلح از طرف ایران به حملات خود ادامه دهد. تعداد موشک‌هایی که عراق علیه ایران به کار برده تقریباً دو برابر موشک‌هایی است که ایران به سوی عراق پرتاب کرده و مقامات تهران می گویند که حالا در نظر دارند در شهر پناهگاه بسازند و برای کسانی که شهر را برای در امان ماندن از حملات موشکی عراق ترک می کنند، جا و تسهیلات دیگر تهیه کنند.»

۲ - در این مصاحبه که در ماهنامه پاسدار اسلام ارگان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره فروردین ماه ۱۳۶۷ چاپ شده است، درباره دلایل مخالفت استکبار جهانی با پدیده انقلاب اسلامی، انتخابات مجلس شورای اسلامی، موشک های دوربرد عراق، سیاست جنگی ایران، دیپلماسی بین المللی جمهوری اسلامی، آشفتگی اوضاع داخلی عراق، دلایل تأخیر در عملیات، روابط ایران با عربستان سعودی و انتفاضه فلسطین مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

پنجشنبه ۲۰ اسفند | ۲۱ رجب ۱۴۰۸ ۹ مارس ۱۹۸۸

پیش از آفتاب، موشک عراقی ها به تهران رسید و در فضا منفجر شد. در اخبار زمزمه حفاظت آمریکا از سایر کشتی ها در خلیج فارس که پرچم آمریکا را ندارند، بلند شده که تحول خطرناکی خواهد بود. ساعت هشت و ربع به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود.

آقای مصطفی هاشمی[طبا] آمد و گزارش پیشرفت طرح های مهم انقلاب را آورد. درباره فولاد مبارکه صحبت کردیم. آقازاده وزیر نفت آمد. از مشکلات حمل نفت و کار پالایشگاه‌ها در اثر حملات عراق گفت و خواست که آقای روحانی به آنها بیشتر توجه داشته باشد. آقای وحید گرجی [مترجم سفارت ایران در پاریس] که اخیراً در فرانسه آن ماجراها را داشت، آمد و گزارشی داد و از ضعف تحرک وزارت اطلاعات گله داشت.

دکتر ولایتی و [ناصر] نوبری سفیرمان در روسیه آمدند. درباره متن جواب آقای ولایتی به وزیر خارجه شوروی مشورت کردند، تذکراتی دادم. دکتر روحانی آمد. درباره جنگ صحبت شد و از جلسه دیشب جامعه روحانیت مبارز گزارش داد که به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. آقای خامنه‌ای تلفنی خواستند که شب در دفتر ایشان، با آقایان مهدوی کنی و موسوی اردبیلی درباره انتخابات مذاکره کنیم.

نخست وزیر تلفنی خواست که به [آقای موسوی خوئینی ها] دادستان کل کشور بگویم که مانع گرفتن اسکناس از ذخایر نشوند. آقای آقامحمدی آمد و درباره سیاست مقابله به مثل زدن شهرها پیشنهادهایی داشت که پذیرفتم.

عصر آقای [مرتضی] فهیم کرمانی [رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس] آمد. خیلی نگران و مضطرب بود. دادگاه ویژه [روحانیت] ایشان را احضار کرده، ترسیده و مخفی شده است؛ استمداد کرد. آقایان [علیرضا] محجوب و [حسین] کمالی از خانه کارگر برای مشورت درباره لیست نامزدهای انتخابات آمدند. آقای [حسین] نقره کار [شیرازی] سفیرمان در اتریش آمد. از وجود روح احترام نسبت به ایران در مراکز جهانی و میان دیپلمات‌ها و سقوط و ضعف ضدانقلاب در اتریش و گرویدن به نظام گفت.

آقای [مصطفی] فومنی [حائری] سفیرمان در امارات آمد. از گسترش تجارت با خلیج فارس و نیاز به نظم بیشتر و از مسائل گوناگون ایرانیان مقیم آنجا گفت. آقای [علی]

فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] و دو نفر از مدیران وزارت اطلاعات آمدند. از وضع حزب دموکرات کردستان و کومله و احتمال انشعاب و درخواست بعضی از سران کردستان عراق، مبنی بر پناه آوردن به ایران گفتند.

جمعه ۲۱ اسفند | ۲۲ رجب ۱۴۰۸ ۱۰ مارس ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم[1]. اواخر خطبه دوم موشک عراقی به تهران رسید و در فضا منفجر شد. مردم احساسات پرشوری ارائه دادند. به خاطر نماز جمعه در مدت یک ساعت، سه موشک عراقی به تهران و یکی به قم رسید و خوشبختانه هیچ یک موثر نبود؛ امداد غیبی و الهی است.

آخرین موشک‌های عراقی، درست در لحظات آخر وقت مهلت ساعت چهار و نیم بعد از ظهر به تهران رسید. گفتیم تلافی نشود که جنگ شهرها ختم گردد. شب احمدآقا آمد. درباره مسائل جنگ و انتخابات صحبت کردیم. گفت امام از تاخیر عملیات ناراضی‌اند. گفتم جزئیات مشکلات را لابد نمی‌دانند. آقای سنجقی اطلاع داد که فردا به جبهه می‌رویم. امروز شهرهای زیادی توسط عراقی‌ها بمباران شده و تلفات زیادی داشته‌ایم.

---

۱ - در خطبه اول، ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع استکبار و استضعاف و ویژگی های این دو طبقه دنبال شد. در خطبه دوم تحلیل جامعی در خصوص موقعیت جمهوری اسلامی در جهان و رفتار استکبار جهانی در ارتباط با انقلاب اسلامی ارائه گردید و سپس درباره جنگ شهرها و موشک باران تهران و بغداد، مطالبی به نمازگزاران عرضه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «اینها فکر می کردند، تهران جایی است که مردم آن رفاه طلب هستند و دور از جنگ می باشند و خیال می کنند اگر اینها را تحت فشار جنگ قرار دهند، پشتوانه جنگ ضعیف می شود. اشتباه بزرگی که دنیا روی تهران می کند، خیال می کنند تهرانی ها، با اینهایی که آنها در خارج می‌بینند، فراریانی که از ایران رفته اند، یکی هستند. نمی دانند، شاید هم می دانند ولی باز حماقت می کنند. این تهران همان تهرانی است که رژیم پوسیده طاغوت گذشته را با تظاهرات چند میلیونی از پا درآوردند. تهرانی ها همان هایی هستند که زیر رگبار مسلسل ها و غرش تانک ها، در خیابان ها رژه می رفتند و مجسمه های شاه را از بالای استوانه ها پائین می کشیدند و عکس امام را بربالای مرتفع ترین ساختمان‌ها نصب می‌کردند. آنها در مقابل دیدن اجساد خون آلود شهدا و مجروحینی که در جلویشان بود، خم به ابرو نمی آوردند. تهرانی ها همین هایی هستند که بچه‌هایشان در جبهه ها و لشگرهایشان در جنگ، جزو مقتدرترین و صف شکن ترین لشکرهای ما هستند. تهران یک قهرمان است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۶، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شنبه ۲۲ اسفند | ۲۳ رجب ۱۴۰۸ — ۱۱ مارس ۱۹۸۸


ثبت نام در انتخابات مجلس

آقای فروزنده اطلاع داد عملیات که قرار بود دیشب انجام شود، نشده و به امشب موکول شده است. با اینکه قرار بود بعد از شروع عملیات به منطقه برویم، به خاطر احتمال وجود موانع در راه، تصمیم گرفتیم امروز برویم.

فرم شرکت در انتخابات [مجلس شورای اسلامی از حوزه ا نتخابیه] تهران را پر کردم و با شناسنامه به دفترم فرستادم. دیشب تا به حال جنگ شهرها متوقف است. تلفنی احوال آقای [مهدی] کروبی را پرسیدم؛ بهتر است. دیسک کمر گرفته است.

آقای [محمد] یزدی به مشهد رفته است. قرار شد برای اداره جلسه، فردا به تهران برگردد.

لباس بسیجی پوشیدم و خداحافظی کردم. عفت در بدرقه گریه کرد و گفت قلبش درد گرفته؛ مهدی و یاسر در جبهه‌اند. حق دارد ناراحت باشد. صبرش در این موقعیت خوب است. به سوی جبهه با ماشین حرکت کردیم. بعد از قزوین، کنار مزرعه ای برای ناهار و نماز توقف کردیم. غذا از قزوین گرفته بودند. از همدان و قروه گذشتیم. نزدیک غروب به سنندج رسیدیم.

ساعت نه شب به قرارگاه شهید مطهری در شمال دریاچه مریوان رسیدیم. فرماندهان سپاه برای انجام عملیات قرارگاه مقدم رفته بودند. اطلاع دادند که نیروها به سوی خط دشمن حرکت کرده‌اند[1]. تا ساعت یازده شب که بیدار بودم، درگیری آغاز نشده بود. شام

---

۱ - پس از بحث ها و بررسی هایی که صورت گرفت، ساعت ۲ بامداد ۶۶/۱۲/۲۳ برای آغاز عملیات تعیین شد، اما به علت اینکه در برخی از محورها نیروها باید فاصله زیادی را تا رسیدن به هدف طی می کردند، در نتیجه عملیات در حدفاصل ساعت ۲ تا ۴ بامداد با رمز مبارک " یا رسول الله (ص)" و با درگیری در محورهای مختلف آغاز شد. سرعت عمل نیروها و دستیابی به بیش از ۹۰ درصد از اهداف تعیین شده، مسئله شگفتی بود که اعجاب همگان را برانگیخت. به غیر از عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران، تحرک ←

خوردیم و خوابیدم. خسته بودم.

یکشنبه ۲۳ اسفند | ۲۴ رجب ۱۴۰۸ ۱۲ مارس ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح با صدای بلندگوی قرارگاه بیدار شدم. بعد از نماز صبح آقای سنجقی اطلاع داد که حدود دو بامداد درگیری آغاز شده و اکثریت اهداف مرحله اول تامین شده است. با آقای محسن رضایی تلفنی صحبت کردم؛ راضی است و می گوید ۹۰ درصد اهداف این مرحله به دست آمده است. قرار شد با پیک، ریز اخبار را بفرستند.

بعد از صبحانه برای کوه نوردی به ارتفاعات رفتیم. آقای امیدخدا فیلمبرداری می کرد. صدای غرش توپ ها از جبهه به گوش می رسید. در منطقه هوا ابری و مانع مزاحمت هواپیماهای دشمن بود. هنوز هاگ ما فعال نشده است. مهندسی سایت سازی عقب است. مهدی و من در اثر لیز خوردن به زمین خوردیم. هم خسته شدیم و هم تشنه؛ برای رفع تشنگی از برف و یخ استفاده کردم. ماشین‌ها آمدند و ما را به قرارگاه برگرداندند.

پیک از قرارگاه خط مقدم آمد و جزئیات را آورد. دشمن غافلگیر شده و عجیب است با این همه نیرو و امکانات که به منطقه آورده‌ایم، با آلودگی محیط کردستان، نفهمیده‌اند. شاید دشمن نقطه حمله احتمالی ارتش را مهمتر می‌داند و احتمال فریب می‌دهد[1].

قرار شد بخشی از این مرحله را به نام ظفر ۷ معرفی کنیم که دشمن کمتر حساس شود. برای ایجاد جاده برای رساندن نیرو و امکانات برای ادامه حمله فرصتی لازم داریم. شکرخدا ، هوا از ظهر ابری شد.

نگران حملات هوایی بودیم. چون سایت هاگ هنوز فعال نشده است. سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. برنامه کار ارتش را گفت. مبهوت موفقیت‌های

←دیگری از نیروهای عراقی انجام نگرفت. در محور چناره به علت یخبندان با ۴ ساعت تأخیر، اهداف مورد نظر تأمین شد و تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در خواب به سر می بردند، کشته و اسیر شدند.

۱ - موقعیت زمین منطقه، نقش اصلی و تعیین کننده ای در نحوه طراحی مانور عملیات داشت. به علت وجود ارتفاعات سرکوب سورن در شرق منطقه عملیاتی و دریاچه دربندیخان در غرب آن، در حد فاصل انتهای شمال شرقی دریاچه تا ارتفاعات سورن محدوده ای به عرض ۱۰ کیلومتر به وجود آمده است که از نظر نظامی به آن تنگه گفته می شود. در مباحث طرح مانور، تضمین موفقیت عملیات را در گرو انسداد تنگه با الحاق از دو محور می دانستند، بدین ترتیب که در محور شمال از مله خور به طرف خرمال و از محور جنوبی از غرب بالامبو در امتداد تمورژنان با تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه و سرانجام الحاق دو بازو در تنگه و محاصره دشمن.

سپاه است. مهندسی عقب است.

فرماندهان لشکر سیدالشهداء(ع) آمدند و توضیحاتی دادند. عصر رفتیم و بخشی از اطراف دریاچه مریوان - از جمله پلاژهای سابق را که اکنون در اختیار لشکر ۲۶ سنندج است - و روستای «نی» در ساحل دریاچه دیدیم.

مسئول اطلاعات سپاه آمد. از تداخل وظایف با وزارت اطلاعات گفت. مسئول تیپ امام صادق(ع) آمد. برای نظم بیشتر حضور روحانیت در جبهه استمداد کرد. خبر رسید که عراق دوباره با زدن موشک به تهران، جنگ شهرها را آغاز کرده است. انتظار هم داشتیم که با شروع عملیات چنین شود. دستور مقابله به مثل داده شد و آتش بس جنگ شهرها شکسته شد.

دوشنبه ۲٤ اسفند | ۲۵ رجب ۱٤۰۸ | ۱۳ مارس ۱۹۸۸

پیش از اذان بیدار شدم. بخاری نفتی خاموش شده بود. آقای امیر آبادی - مستخدم مجلس که همراهمان است - آمد و درست کرد. خبر دادند که دیشب عراق چهار موشک به تهران پرتاب کرده که یکی موثر بود. معلوم شد عملیات بیت‌المقدس ۳ به منظور گرفتن ارتفاعات گوجار دیشب آغاز شده و ۷۰ درصد اهداف را تأمین کرده است[1].

آقای دانشیار مسئول قرارگاه توضیحاتی درباره خطوط پدافندی سپاه در کردستان و مشکلات و نیازها داد و آقای شمسی مسئول سپاه مریوان، اوضاع کلی ضدانقلاب و مردم

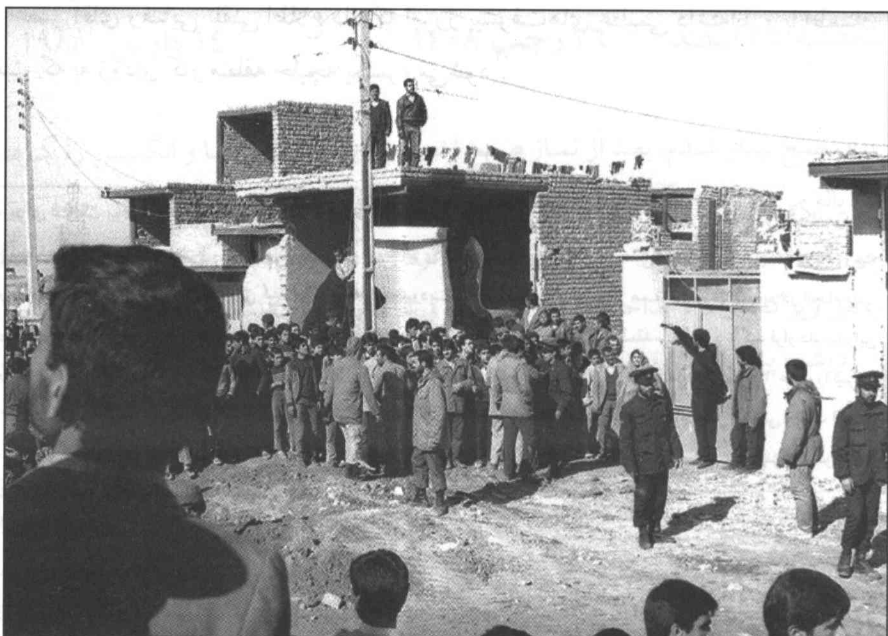
---

۱ - زمان آغاز عملیات ساعت ۱ بامداد ۶۶/۱۲/۲۳ تعیین شده بود. نیروها از حوالی غروب تدریجاً از مقر خود در دشت هرمدان، به سوی نقاط رهایی حرکت کردند. در این حالت وضعیت جوی نیز رو به تغییر نهاد و تدریجاً بارش برف آغاز شد. مه غلیظ منطقه را پوشانده و موجب محدودیت دید رزمندگان شده بود که همراه با سرمای شدید و وجود برف روی قله گوجار، سختی شدیدی را به آنها تحمیل می‌کرد، طوری که نیروهای تیپ ۱۲ قائم (عج) مسیر را گم کردند. سرانجام به رغم دشواری های موجود، نیروها در کلیه محورها آمادگی خود را برای اجرای عملیات اعلام کردند و در ساعت ۱ بامداد عملیات آغاز شد. نخست نیروهای تیپ ۱۲ و سپس نیروهای لشکر ۳۱ با دشمن درگیر شدند. نیروهای لشکر ۵ و تیپ ۳۵ همچنان دچار مشکل بوده و به رغم گذشت نیم ساعت از آغاز عملیات، هنوز با دشمن درگیر نشده بودند. در ساعت ۳:۱۰ بامداد نیروهای لشکر ۳۱ اعلام کردند که مأموریت خود را به طور کامل انجام داده اند. در نزدیکی صبح، لشکر ۵ پس ازدرگیری با دشمن اعلام کرد که هدف خود را با تصرف هلکان تأمین کرده است و درگیری روی صخره ای ادامه دارد.



بازدید از مناطق عملیاتی شمال غرب





تخریب منازل مسکونی در اثر اصابت موشک

کردستان را تشریح کرد[1]. معتقد است مردم کردستان و به خصوص منطقه مریوان، وفادار به انقلابند و ضدانقلاب نفوذی در مردم ندارد. او همراه ما آمد.

سواحل جنوبی دریاچه مریوان را که تعدادی روستای پرجمعیت هم در آنجا است، دیدیم. عقبه لشکر ۲۸ سنندج هم بین آنها است. از یک بیمارستان مهم و مفصل صحرائی که شرق مریوان در حال ساختمان است، بازدید کردیم. آن را با قطعات پیش ساخته می‌سازند که هم برای جبهه باشد و هم بعداً مردم استفاده کنند؛ ضد بمب و مقاوم است.

شهر مریوان نیمه خالی است و فقط محدودی مغازه ها و مراکز خدمات عمومی باز است. مردم از ترس بمباران و گلوله باران هنگام عملیات، بیرون رفته اند. گلوله توپ های عراق به مریوان می رسد. رادیو وضع فوق‌العاده گرفت و عملیات بیت‌المقدس ۳ را اعلام کرد. عملیات جاری را بعداً به نام دیگری اعلام خواهیم کرد.

آقای محسن رضایی اطلاع داد که صدام شخصاً به منطقه آمده و در اربت مستقر شده و نیروهایشان را از جنوب احضار کرده‌اند و گفت جاده سازی خوب پیش می‌رود. به زودی مرحله اصلی عملیات آغاز می‌شود. بولدوزر بیشتری خواست. به آقای روحانی گفتم به جهاد و وزارت راه بگوید کمک کنند.

عصر آقای رضایی تلفنی اطلاع داد که امروز پیشرفت‌های عظیمی داشته‌اند و با اطمینان گفت که به زودی کار منطقه حلبچه یکسره می‌شود[2].

---

۱ - اجرای عملیات روی ارتفاع گوجار بستگی تام به تصرف الاغلو داشت و تصرف الاغلو نیز وابسته به تأمین ارتفاع دولبشک بود. به دلیل محدود شدن عملیات به تصرف گوجار، مشکلاتی در طرح ریزی عملیات بروز کرد. به همین دلیل بحث و بررسی مجدد در این زمینه منجر به ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای متفاوتی شد، اما با توجه به محدودیت نیرو و امکانات و مهمتر از همه ضرورت تسریع در انجام دادن عملیات، فرمانده کل سپاه مجدداً تصرف گوجار را به عنوان هدف قرارگاه نجف در عملیات بیت المقدس ۳ مورد تأکید قرار داد. بنابراین تدبیر، لشکر ۵ نصر مأموریت داشت تا یال ۱ گوجار را از گرده هلکان تا پایین صخره ای تصرف و تأمین نماید. لشکر ۳۱ عاشورا نیز در زیر صخره ای با لشکر ۵ نصر الحاق کند و سپس روی تنگه آمده و خاکریز احداث نماید. همین تیپ ۳۵ امام حسن (ع) می بایست قبل از بریدگی یال گوجار روی یال اصلی و یال ۲ راتا حداقل ۳ کیلومتر جلوتر تصرف و تأمین کند و تیپ ۱۲ قائم (عج) نیز قله گوجار و قسمتی از یال اصلی را تصرف و تأمین نمایند.

۲ - منطقه عمومی حلبچه به جز در غرب و شمال که دریاچه سدّ دربندیخان در آن واقع شده است، در محاصره ارتفاعات صعب العبور و مرتفعی قرار گرفته و هرکدام دارای نقشی حساس می‌باشد از جمله: بالامبو و شاخ بالامبو که بر دریاچه دربندیخان و بر دشت و ارتفاعات تمورژنان مسلط است و شاخ تمورژنان که بر شاخ شمیران، سد دربندیخان، تونل جاده سلیمانیه – بغداد تسلط و دید و تیر دارد. علاوه بر اینها، ارتفاعات پروینه، توانیر، پنج قله، شیندروی، تپه چناره، سه تپه، خورنوازان، تپه هانی قول، تپه سزام و شاخ دار زین قسمت دیگری از ناهمواری‌های منطقه می‌باشند. همچنین شیارهایی در منطقه وجود دارد که هر کدام نقش مؤثری در اختفاء نیروهای خودی داشته و ...

عصر با همراهان به سوی قرارگاه مقدم رفتیم. مهدی هم با ما آمد. دره‌ها، رودخانه‌ها و دشت‌های جالب و سرسبزی در جنوب مریوان است. از دره شیطان و دزلی گذشتیم. عقبه بسیاری از نیروها و اردوگاه های آوارگان کرد عراقی را دیدیم. مغرب به اوج قله سوان رسیدیم. قرارگاه آقای رضایی آنجا است. از بالای کوه، منظره دشت زور را دیدیم.

در قرارگاه شرح عملیات را دادند[1]. همگی از پیروزی‌های به دست آمده و رو به توسعه خوشحال بودند و لحظه به لحظه خبر پیشرفت جدید می‌رسید. تا ساعت ده شب آنجا ماندیم. توپخانه‌های نزدیک ما غرش می‌کردند، ولی صداها دلنواز و گوشنواز بود. نیروها دارند به پیش می‌روند. عراقی‌ها مقاومتی ندارند و باعث تعجب فرماندهان است. می‌ترسند مکری در کار باشد. شام خوردیم و به قرارگاه برگشتیم.

مهدی اجازه گرفت همان جا بماند. بدنش به خون مجروحی رنگین شده بود که او را از منطقه خرمال به عقب آورده بود. تصمیم گرفتیم نام عملیات را والفجر ۱۰ بگذاریم و برای کسب اطمینان بیشتر و عدم تحریک دشمن، فردا هم اعلان نکنیم.

سه‌شنبه ۲۵ اسفند | ۲۶ رجب ۱۴۰۸ — ۱۴ مارس ۱۹۸۸

اذان صبح بیدار شدم. بعد از نماز صبح اخبار رادیوهای آمریکا و انگلیس را گرفتم. موذیانه می‌خواهند ابتکار عمل را به دست عراق معرفی کنند و از پیروزی های جبهه چیزی نمی‌گویند. با اهرم جنگ شهرها می‌خواهند عراق را صاحب ابتکار عمل نشان دهند. جنگ روانی زیرکانه‌ای راه انداخته‌اند، ولی پشیمان و شرمنده خواهند شد.

دیشب پس از مشورت با فرماندهان سپاه تصمیم گرفتیم نام عملیات را والفجر ۱۰

بعضا به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار گرفته اند. از جمله این شیارها می‌توان از، دره گلان، شیارزلم، شیار سورمر، شیارسازان، دره خورانوازان، شیار بالای روستای خوی و شیار وشکنام، نام برد.

۱ - معضلات و نارسایی های موجود برای تداوم عملیات بیت المقدس ۲ به ویژه هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک (ماروت – سلیمانیه) تخریب جاده و پل گرده رش بر اثر طغیان رودخانه و مسدودشدن عقبه عملیات، بارش برف سنگین و مداوم و همچنین تلاش گسترده دشمن در مناطق آزاد شده با حمله به مواضع کردهای معارض عراقی، تدریجاً نظرها را به منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان معطوف کرد.

بگذاریم و فردا اعلام کنیم[1]. امروز را صبر کنیم که خوب مطمئن شویم. بالای ارتفاعات رفتیم. صدای توپ ها زیاد است. از قرارگاه جلو آمدند و آخرین پیشرفت ها را دادند. عراقی‌ها تعادلشان به هم خورده و متلاشی شده‌اند. غافلگیری یا عدم امکان جلوگیری از حمله در صورت عدم غافلگیری دشمن قابل توجه است.

تلفات ما در این عملیات کم است. تاکنون کمتر از صد نفر شهید داده‌ایم. نکته جالب در این عملیات، این است با اینکه بیش از یک ماه است با وسعت در جاده های کردستان، ترابری سنگین نیروهای نظامی به سوی منطقه محسوس است، عراق نتوانسته واقعیت را درک کند و اگر فرض بر این باشد که درک کرده و نتوانسته کاری بکند، جالب‌تر است[2].

در یادداشت‌های خاطرات تاکنون برای مراعات حفاظت اطلاعات به صورت اشاره از این عملیات نام برده‌ام. حدود دو ماه است که آن را تصویب کرده‌ام و تهیه مقدمات و

---

۱ - اهداف عملیات والفجر ده علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی بود : ۱ - آزاد سازی شهرهای حلبچه، خرمال، دوجیله، بیاره و طویله. ۲ - فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان ۳ - مسدود کردن عقبه اصلی استان سلیمانیه.

۲ - واکنش ضعیف نیروهای عراقی در برابر تحرکات نیروهای خودی، فرض های متفاوتی را در خصوص غافلگیری و یا هوشیاری دشمن و میزان آن به ذهن متبادر می کند. مجموعاً می توان چنین نتیجه گرفت که دشمن به رغم مشکلاتی که داشت، در عملیات بیت المقدس ۲ توان زیادی برای متوقف کردن عملیات و در صورت امکان بازپس گیری مناطق تصرف شده، صرف کرد. از میزان بالای سرمایه گذاری ارتش عراق چنین استنباط می شد که دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی و تبعات گسترده آن - در صورت اتصال خاک ایران به منطقه آزاد شده نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق - واقف بوده و تلاش می کرد از هرگونه تصرف و تثبیت زمین در فصل زمستان و توسعه آن در فصل بهار جلوگیری به عمل آورد.

در حدفاصل بیت المقدس ۲ و والفجر ۱۰ تحرکات نیروهای خودی در منطقه بیت المقدس ۲ مجدداً بر حساسیت دشمن افزود. لذا از تاریخ ۴ و ۵ اسفند ۶۶ به بعد اقدام به دو تلاش اساسی نمود: ۱ - تهاجم سنگین به منطقه آزاد شده از سوی اتحادیه میهنی کردستان و اقدام به بازپس‌گیری آن. ۲ - تلاش مهندسی - نظامی روی ارتفاعات آسوس و تهدید جناح شمالی منطقه عملیات بیت المقدس ۲ در منطقه عمومی دشت زور (منطقه عملیاتی حلبچه) به غیر از انتقال ۴ الی ۵ تیپ و در برخی از مناطق تعویض نیروهای جاش با نیروهای نظامی، تلاش دیگری از دشمن گزارش نشد. نظر به اینکه ستون پنجم افزایش تردد نیروهای خودی را مشاهده می کرد و نیروها با اتوبوس به دزلی منتقل می شدند و نیز با وجود اینکه دشمن در برخی از محورها از احداث جاده با خبر بود و روی عقبه دید داشت، اما واکنش جدی انجام نمی داد. لذا عدم تحرک دشمن مشکوک به نظر می رسید. به هنگام آغاز عملیات، اولین عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران بود. اسراء دشمن اظهار می داشتند که ما از ۱۰ روز قبل در انتظار بودیم. حرکت بعدی دشمن بعد از آغاز عملیات، وارد کردن ۴ تا ۵ تیپ بود که عمدتاً متوجه شینروی و بالامبو بودند و حساسیت زیادی نسبت به ارتفاعات سورن نداشتند. به دنبال انسداد تنگه در مرحله سوم عملیات، نیروهای دشمن نخست سعی کردند از محاصره خارج شوند ولی موفق نشدند. پس از آنکه دشمن درک صحیح نسبت به عملیات پیدا کرد، از آنجایی که از نظر زمان عقب بود و یک جبهه را به طور کامل با توپخانه، فرماندهی و ... از دست داده بود، نتوانست اقدام جدی برای بازپس گیری انجام دهد. لذا مبادرت به جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت سید صادق نمود.

بعدها وقتی که فرمانده لشکر ۴۳ ارتش عراق به اسارت درآمد، در اظهاراتش ضمن تمجید و ابراز شگفتی از سرعت عمل رزمندگان، غافلگیری کامل عراق را تأیید کرد.

انتقال نیرو با سرعت انجام شده است.

عقب ترین بخش، مهندسی بود که به خاطر کوهستانی بودن و برف و باران، کند پیش رفته، هنوز هم عقب است و دیشب عمده‌ترین مسأله، بردن امکانات خاکریز زدن جلوی نیروها بود[1].

عصر آماده حرکت به سوی تهران شدیم. مهدی رسید. همراه انصاری فرمانده هوانیروز به منطقه ماؤوت رفته بود. گزارش مختصری داد و با آقای رحمانی به سوی خط مقدم رفتند. گفت یاسر هم همراه لشکر است. گفتم تأکید کنید با مادرش تلفنی تماس بگیرد که مدتی است از او بی خبر است.

سر راه برای تقدیر از زحمات هوانیروز، سری به پدافند هلی‌کوپترها زدیم. نزدیک غروب به سنندج رسیدیم. نظر آقای سنجقی این بود، به خاطر احتیاط امنیتی، شب بمانم و به سفر ادامه ندهیم؛ نپذیرفتم. ساعت نه شب به سقز رسیدیم. در مهمانسرای فرمانداری وارد شدیم. فرماندار نگران جنگ شهرها است. به سقز دوبار حمله شده است. مردم روزها خیلی در شهر نمی‌مانند.

عراق امروز شرارت زیادی کرده و تعدادی موشک به تهران زده و چند شهر را بمباران کرده است. فرمانده سپاه سقز و معاون قرارگاه حمزه آمدند. خسته بودم. مذاکرات مختصری داشتیم. دستور تبلیغات فردا را تلفنی به ستاد تبلیغات دادیم. خوابیدم.

چهارشنبه ۲٦ اسفند | ۲۷ رجب ۱٤۰۸ ۱۵ مارس ۱۹۸۸

اول وقت با جبهه تماس گرفتیم. آقای رضایی از پیشرفت کار راضی است. به حلبچه و

---

۱ - عقبه سازی و احداث جاده مناسب روی بلندی‌های صعب العبور و اتصال آن به منطقه عملیاتی از اهم مسائل عملیات بود که به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. زیرا در صورت آماده نشدن جاده، مجدداً زمان عملیات به تعویق می افتاد. جاده های مورد نظر در منطقه که عمدتاً به دو عقبه اصلی مریوان - سنندج و باختران وصل می شد عبارت بودند از: ۱ - احداث جاده مله خور برای اتصال دره دزلی به دشت خرمال. ۲ - احداث جاده گوزیل و نصب پل روی رودخانه آب سیروان برای اتصال عقبه به دشت حلبچه یا عقبه پاوه. ۳ - احداث جاده از غرب بالامبو به غرب حلبچه.

در این خصوص، مسئوولیت و بار اصلی احداث جاده ها بر عهده جهاد سازندگی و مهندسی سپاه بود. با وجود سرما و صعب العبور بودن ارتفاعات، جهاد گران تلاش جدی و قابل توجهی به عمل آوردند. در برخی مواضع طوری بود که به علت بارانی بودن هوا هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بولدوزر می بایستی لباسهای خود را تعویض کند. در این منطقه توپخانه سپاه تدریجاً پای کار آمد و قرار بود برخی از نیازمندی‌های توپخانه را نیروی زمینی ارتش تأمین کند که این امر به دور از مشکلات و اتلاف وقت نبود.

دوجیله رسیده‌اند[۱]. مردم شهرها از نیروهای ما استقبال کرده‌اند ولی از عکس‌العمل عراق نگرانند و خیلی ها مایلند به ایران بیایند. حلقه محاصره علیه تجمعات نظامیان عراقی تنگ تر شده و مقاومت ها ضعیف است. به سوی سید صادق پیش می‌رویم. به منظور تصرف پل دوم در راه، اول قرار بود پل اول را منفجر کنند و همان جا خط تشکیل دهند، ولی سهولت پیشرفت وضع را عوض کرده و مشکل مهندسی به خاطر کمبود وسائل مهندسی باقی است.

در منطقه گوجار، دشمن سلاح شیمیائی زیادی به کار برده و الحاق را مشکل کرده است. حدود ششصد نفر از ضدانقلاب کرد در شهر نوسود تسلیم شده‌اند و شهر را تصرف کرده‌ایم. از اول جنگ، این شهر از تصرف ما بیرون بود. فرماندهان قرارگاه حمزه و سپاه سقز برای توضیح مشکلات و نیازها آمدند.

ساعت هفت و نیم صبح به سوی تهران حرکت کردیم. از بوکان گذشتیم و به مهاباد رفتیم. از سد مهاباد بازدید کردیم. برای دیدن آذربایجان غربی راه را دور کردیم. به سوی ارومیه راندیم. جاده بد نیست. منطقهٔ آباد، دیدنی و زیبایی است. قسمت هائی از راه در ساحل دریاچه ارومیه است. اطراف ارومیه تا فاصله زیادی اشجار میوه است و در باغ‌ها ساختمان هم ساخته شده که مردم می توانند در شرایط مختلف به آنجا بروند. این باغ شهرها در جنگ برای زندگی مردم آرامش بخش است.

همان لحظه ای که به ارومیه رسیدیم، وضعیت قرمز شد و پشت سر ما بمباران شد. ستون دود به آسمان بلند بود. هواپیماهای دشمن را ندیدیم. بعداً آقای سنجقی گفت قرارگاه حمزه سید الشهدا(ع) را زده‌اند. شهید نداشته، خود آقای سنجقی هم همان لحظه آنجا بود. با فرماندهان قرارگاهی که همراه ما بودند، سری به آنجا زده بودند. به قوشچی هم که رسیدیم، وضعیت قرمز بود. اکثر مردم بیرون شهر هستند. هم به خاطر تعطیلی و هم برای نجات از خطر.

---

۱ - شهر حلبچه با جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر در استان سلیمانیه و در جنوب شرقی دریاچه دربندیخان قرار دارد. شهر از شمال به ارتفاعات سورن، از جنوب به ارتفاعات بالامبو، از شرق به ارتفاعات شیندروی، پروینه، توانیر، پنج قله و از غرب به ارتفاع تمورژنان و دریاچه دربندیخان محدود می شود. شهر خرمال در شمال شرقی حلبچه قرار دارد و به دو قسمت جدید و قدیم تقسیم شده است. به دنبال قیام مردم خرمال، رژیم عراق قسمت قدیمی شهر را ویران کرد. در قسمت جدید ۱۵ هزار نفر سکونت داشتند. این شهر از نظر آب و هوا و اوضاع جوی از جمله بهترین مناطق عراق می باشد. شهر دوجیله نیز در فاصله پنج کیلومتری شمال غربی شهر حلبچه قرار دارد. در غرب این شهر دریاچه دربندیخان واقع است. منطقه دوجیله بیش از آنکه مسکونی باشد، نظامی بوده و قسمت عمده ای از قرارگاه های عراق در این منطقه و حوالی آن قرار داشت.

به سوی سلماس رفتیم. قبل از رسیدن ما به سلماس، شهر بمباران شده بود و مشغول نجات مصدومان بودند و ضدهوایی‌ها شلیک می کردند و برق شهر خاموش بود. شهر خلوت و تعطیل بود. دکتر روحانی رئیس پدافند که در ماشین من بود، شرمنده است. تقصیری ندارد، امکانات کم است.

ناهار را بیرون شهر شبستر در کنار چاه آبی در مزرعه‌ای خوردیم. از رادیوی ماشین به تبلیغات عملیات والفجر ۱۰ گوش می دادیم؛ غرور انگیز است[1]. از شهرهای تسوج، شبستر، خامنه، صوفیان و تبریز عبور کردیم. مناظر اطراف جاده جالب است. جاده ها هم خوب است. نزدیک زنجان در قهوه خانه‌ای نماز مغرب را خواندیم و شام را در ماشین نان و کباب خوردیم. در زنجان و قزوین، وضعیت قرمز و پدافند فعال بود.

امروز شرارت عراق زیاد بوده و انتظار هم می‌رفت در مقابل اعلان عملیات والفجر ۱۰ تنها عکس‌العمل ممکن او همین باشد. از زنجان با جبهه تماس گرفتم. وضع خوب است[2]. ساعت یازده و نیم به منزل رسیدیم.

عفت هنوز بیدار بود و دیگران خواب بودند. بعد از احوالپرسی آمدیم، پایین خوابیدیم. به خاطر احتیاط از اصابت موشک، بالا نخوابیدیم. منطقه جماران و بیت امام و منزل من،

---

۱ - پس از ۴۸ ساعت توقف، مرحله دوم عملیات شب ۶۶/۱۲/۲۵ آغاز شد. قرارگاه قدس با تصرف پل زلم، تنگه خورمال را مسدود کرد. در پی آن به قرارگاه فتح ابلاغ شد که به پیشروی خود ادامه دهد تا با قرارگاه قدس الحاق کند. قرارگاه ثامن الائمه (ع) نیز از روی ارتفاعات شیندروی به سمت دشت سرازیر شد. در مرحله دوم نیز سرعت عمل نیروها قابل توجه بود. به صورتی که قرارگاه فتح تا صبح روز ۶۶/۱۲/۲۵ موفق شد ارتفاعات دارزین و سرپل مورد نظر را تصرف کند و به طرف جاده آسفالته حلبچه به دریاچه دربندیخان پیشروی نماید. قرارگاه ثامن الائمه در پیشروی به سمت محور جاده و ارتفاعات پنج قله، به دلیل عدم حضور نیروهای دشمن در منطقه، مشکلی نداشت. بدین ترتیب در صبح روز سوم عملیات با تصرف پل زلم و بسته شدن تنگه، کلیه نیروهای دشمن در محاصره رزمندگان اسلام قرار گرفتند که در صدد عقب نشینی برآمدند، اما به دلیل بسته بودن عقبه شان، ستون‌های متعدد دشمن همچنان سرگردان و هر از گاهی به یک سمت فرار می کردند و پس از مواجه شدن با نیروهای خودی مجدداً به سمت دیگری می گریختند. قرارگاه فتح با مشاهده وضعیت دشمن، مرحله سوم عملیات خود را به رغم روشن بودن هوا در همان سومین روز آغاز کرد و یگان‌های تابعه قرارگاه در یک خیز پادگان زمقی را تصرف کردند و در حوالی ظهر به دروازه‌های شهر دوجیله رسیدند.

۲ - مرحله سوم عملیات از آغاز تاریکی روز ۶۶/۱۲/۲۶ به منظور پیشروی در شمال رودخانه زلم و نیز الحاق قرارگاه قدس با قرارگاه فتح در دوجیله آغاز شد و با پیشروی هایی که در شمال رودخانه زلم صورت گرفت، نیروهای خودی در موقعیتی جدید که شامل سه تپان، جاده ارتباطی و تپه‌های کوچک مشرف بر پل ملاویسی می شد، با احداث خاکریز استقرار یافتند. در محور جنوب پل زلم، به رغم تجمع انبوه دشمن، پیشروی نیروهای خودی همراه با جنگ شدید ادامه یافت و سرانجام ساعت ۵ صبح به دروازه شهر دوجیله رسیدند و الحاق دو قرارگاه قدس و فتح صورت گرفت. با بسته شدن تنگه، به رغم اینکه قسمتی از نیروهای دشمن موفق به فرار از طرف سد دربندیخان شدند، لیکن مابقی نیروهای موجود در منطقه کشته یا به اسارت درآمدند. در وضعیت جدید، تثبیت خط پدافندی مناسب در تنگه و نیز تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران که در طی عملیات به دلیل هوشیاری دشمن ناموفق مانده بود، در دستور کار قرار گرفت.

می‌تواند هدف مهم دشمن باشد.

پنجشنبه ۲۷ اسفند | ۲۸ رجب ۱۴۰۸ ۱۶ مارس ۱۹۸۸

اول وقت آقای محسن رضایی وضع جبهه را تلفنی گزارش داد؛ رضایتبخش است. فرمانده لشکر ۴۳ [عراق] را اسیر کرده‌اند و تعداد اسرا رو به تزاید است. مواضع را محکم کرده‌اند.

صبحانه خوردم و سپس شروع به انجام کارهای عقب مانده روزهای سفر و مطالعه گزارش ها نمودم. امپریالیسم خبری، مغرضانه اخبار پیروزی های ما را مسکوت گذارده است[1]. با نخست وزیر و رئیس جمهور، درباره مسائل جنگ تلفنی صحبت کردم. خیلی خوشحالند.

بمباران شدید شهر حلبچه توسط عراقی‌ها و استفاده وسیع از سلاح شیمیائی، باعث شده مردم منطقه به ایران مهاجرت کنند و مشکلی ایجاد شود. آقای [محمد جواد] لاریجانی [معاون وزیر امور خارجه] برای مشورت در کیفیت برخورد با شورای امنیت آمد. این شورا درباره جنگ شهرها بیانیه داده و به آتش بس دعوت نموده، ولی با مخلوط کردن مسأله اصل جنگ، بیانیه را ضعیف کرده است. قرار شد محکم برخورد کنیم. گفت وزیر کشور و نخست وزیر درباره مذاکرات جاری، موضع سخت‌تری گرفته‌اند. گفتم به همان روال سابق عمل کنند و تحت تاثیر پیروزی های جدید، شرایط را عوض نکنند. قبلا اعلام کرده‌ایم که با معرفی عراق به عنوان متجاوز، آتش بس را می‌پذیریم. گزارش سفر ترکیه و حرف‌های [تورگوت] اوزال [نخست وزیر ترکیه] را داد. اوزال گفته است اگر عملیات جاری وسیع باشد، صدام را ممکن است ساقط کند.

---

۱ - تا قبل از بمباران شیمیایی شهر حلبچه، عملیات والفجر ۱۰ در رسانه های خارجی بازتاب قابل توجهی نداشت. دلیل عمده این مسأله، همانطور که گفته شد، احتمالاً متأثر از این بود که مناطق شمال عراق در مقایسه با مناطق جنوبی از ارزش و اهمیت کمتری برخوردار بود و به همین میزان کوشش می شد این اقدام نظامی ایران، در روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ کم تأثیر تلقی شود. رادیو لندن گفت: «تحلیل گران نظامی، پیشروی های اخیر ایران را در این منطقه برای عراق، حداقل فعلاً شکست مهمی تلقی نمی کنند.» در عین حال روزنامه فاینشال تایمز چاپ انگلیس بر این باور بود که وجود تأسیسات نفتی کرکوک و خطوط لوله نفتی عراق به ترکیه و احتمالاً گسترش اغتشاشات و نا آرامی در این منطقه، مثل خنجر زدن به شاهرگ دفاعی عراق است. توجه به شهر حلبچه و وسعت آن نیز در برخی از گزارش های خبری مورد توجه قرار گرفت. هژیر تیموریان در گزارش خود، شهر حلبچه را بزرگترین شهری دانست که تاکنون از آغاز جنگ به تصرف درآمده است. وی جمعیت این شهر را ۷۰ هزار نفر ذکر کرد. گزارشگر اضافه نمود که تصرف شهر به ایرانی‌ها امید بیشتری می‌دهد تا به جنگ ادامه دهند.

به کدامین گناه کشته شدند؟



بمباران وحشیانه شیمیایی صدام در حلبچه

یاسر از مریوان تلفن کرد و خبر سلامتی اش را داد. مدتی است که از او بی خبر بودیم. عفت خوشحال شد. به نخست وزیر توصیه کردم که به جبهه سر بزند و ایشان گفت آقای رحمانی، استاندار سابق را مسئول گروه سرپرستی مهاجران عراقی اهل منطقه حلبچه کرده است. آقای [حسن] فیروز آبادی [مشاور نخست وزیر] از اعتبار فرماندهی جنگ کمک خواست. بیست میلیون تومان به طور علی‌الحساب حواله کردم.

امروز هم جنگ شهرها ادامه یافت. به ستاد تبلیغات جنگ و وزارت خارجه گفتم درباره حمله شیمیائی عراق به مردم حلبچه سر و صدا راه بیندازند[1]. با صداوسیما و ستاد تبلیغات جنگ، درباره سیاست تبلیغاتی حرف زدم. پیامی برای رزمندگان مبنی بر تشویق و تداوم عملیات و رفتار خوب با غیر نظامیان عراقی تهیه کردم و دادم بخوانند[2].

جمعه ۲۸ اسفند | ۲۹ رجب ۱۴۰۸ — ۱۷ مارس ۱۹۸۸

در منزل بودم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. به آیت الله خامنه‌ای مطالبی از عملیات والفجر ۱۰ برای [استفاده در] خطبه‌های نماز جمعه دادم.

---

۱ - قتل عام ۵ هزار نفر از مردم کرد حلبچه، توسط رژیم عراق با استفاده از گاز سیانور، پدیده جدید و مهمی بود که ابتدا در رسانه های خارجی بازتابی نداشت. چنانکه در رسانه های ارتباطی یوگسلاوی، از آن تنها چند جمله خبری کوتاه منتشر شد. با پیدایش وضعیت جدید، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله برای مداوای قربانیان حملات شیمیایی، خواستار یک کمک بین المللی شد. پخش تصاویر جنایات هولناک در حلبچه، تدریجاً واکنش هایی را برانگیخت و حامیان جهانی عراق به ویژه شوروی و آمریکا نتوانستند بر آن سرپوش گذارند. سخنگوی کاخ سفید به ناچار اعلام کرد که از طریق دیپلماتهای آمریکایی در بغداد، نظریات امریکا در این زمینه به اطلاع دولت عراق رسانده شده است. دیوید هرست خبرنگار روزنامه گاردین از لندن گزارشی از این جنایات را همراه با عکس در صفحه اول این روزنامه به چاپ رساند. در گزارش فرستاده روزنامه گاردین آمده است: «هیچ جراحتی، خونی و اثری از انفجار روی اجساد دیده نمی‌شود. اجساد ده‌ها مرد و زن، کودک، دام و حیوانات دست آموز منازل و خیابان های خاکی این بخش دور افتاده و مورد بی مهری قرار گرفته در کردستان عراق تحت اشغال ایران را پوشانده اند. پوست این اجساد به طرز عجیبی تغییر رنگ داده چشم هایشان باز و خیره، چرک خاکستری رنگی از دهان‌هایشان بیرون زده و انگشتانشان هنوز به طرز عجیبی کج و کوله است... این طرف، مادری بچه اش را برای آخرین بار در آغوش فشرده و آن طرف پیرمردی خود را سپر نوزادی از آنچه نمی‌دانستند چیست، کرده است.» همچنین روزنامه نیویورک تایمز چاپ آمریکا طی گزارشی نوشت: «وسیله مرگ همه آنها تنها با یک هواپیمای جنگی که با اطمینان می توان گفت عراقی بوده است، به این شهر کردنشین عراق رسید. هواپیمایی که بمب های آن ابری به رنگ زرد روشن در سراسر حلبچه ایجاد کرد، این عمل از هر حیث و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است.»

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه ها، به انضمام پیام های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

آقای محسن رضایی خبر داد که دو مجموعه از نظامیان عراقی و ضدانقلاب کومله در منطقه کشف و قلع و قمع شده اند. مصدومان و شهدای بمباران شیمیائی حلبچه توسط عراقی‌ها زیاد است و مردم از ترس، شهر را ترک کرده و به ایران آمده‌اند.

نخست وزیر گفت کمیسیونی برای اداره مهاجران جدید عراقی از منطقه حلبچه درست کرده و خواست که من پول آن را بدهم. بیست میلیون تومان حواله کردم و قرار شد فکری برای حفظ اموال و اثاث شود.

آقای آقامحمدی تلفنی گزارش وضع را داد و اجازه خواست که بخشی از مردم حلبچه را به اردوگاه‌های کرمان و خراسان ببریم. آقای امیر عراقی برای مشورت در چاپ آثار پدرش و استمداد برای بنیاد خیریه آمد.

آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد و خواستار بالا رفتن قیمت طلای پشتوانه اسکناس شد. امام تصمیم راجع به این موضوع را به سران قوا محول کرده اند، چون مصلحت نیست در تریبون مجلس مطرح شود که مورد سوء استفاده تبلیغاتی دشمنان قرار گیرد. مورد دوم خواست ایشان مبنی بر پائین آوردن پشتوانه ارزی و طلای اسکناس از ۲۵ درصد به ۱۷ درصد است که قرار شد در جلسه سران قوا مطرح شود.

آقای ناطق نوری برای تکمیل لیست انتخابات آمد. با آقای خرازی درباره محور تبلیغاتی شهر آزاد شده نوسود و ضدانقلاب های اسیر شده تذکراتی دادم. شب بیشتر به تماشای تلویزیون نشستم. فیلم خوبی از حلبچه آزاد شده داشت.

رسانه‌های خبری غرب، اعتراف به پیروزی ما را شروع کرده‌اند. امروز همزمان با ختم نماز جمعه، عراق شش یا چهار موشک به تهران زد که فقط یکی از آنها موثر بود. ما هم قصاص کردیم.

شنبه ۲۹ اسفند | ۳۰ رجب ۱۴۰۸   ۱۸ مارس ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح از منزل بیرون آمدم. به خیابان شوش رفتم و از محل موشک عراقی که دیروز خورده بود، بازدید کردم.

در این حمله یک حمام عمومی و پنج منزل قدیمی ساز خراب شده که هشت نفر شهید

و تعدادی مجروح شده اند. روحیه مردم خوب بود. گله داشتند که ماموران نمی گذارند، خودشان برای پیدا کردن اقدام کنند. آنها هم می گفتند کنترل باید دست ماموران باشد. مصاحبه کوتاهی انجام دادم و به مجلس آمدم.

تا شب کارهای عقب مانده را انجام دادم. گزارش ها را خواندم. امپریالیسم خبری در صدد است مانع نشر وسیع شکست نظامی عراق شود.

آقای سنجقی برای امور جنگ آمد. از جهاد سازندگی درباره آزمایش موشک ۱۵۰ کیلومتری پرسیدم. گفتند یکی پس از پرواز منحرف شده و دیگری روی لانچر منفجر شده، ولی اشکال را فهمیده‌اند و رفع خواهند کرد. از ساصد [=سازمان صنایع دفاع] پرسیدم، گفتند ۱۲ فروردین آزمایش برد ۱۵۰ کیلومتری انجام خواهد شد.

به وزیر راه گفتم برای آسفالت راه‌های منطقه عملیاتی تعجیل کنند و برای رساندن راه‌آهن به کردستان فکری بکنند و وعده دادم از جنگ کمک می کنیم. خبر دادند عراق فشار زیادی روی خارک داشته، دو کشتی مان آسیب دیده و یک هواپیمای عراقی ساقط شده است.

کارهای باقیمانده را انجام دادم. عیدی به محافظان و دفترمان دادم. هر یکی هزار تومان. مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره جنگ و پیروزی اخیر داشتم[1].

شب سران قوا مهمان من بودند. در مجلس از پیروزی ها خیلی خوشحال اند. توضیحات بیشتری دادم و برنامه آینده را گفتم. دو موشک عراقی به تهران رسید که یکی در فضا منفجر شد و دیگری در زمین باز افتاد و تلفاتی نداشت.

یکشنبه ۳۰ اسفند | ۱ شعبان ۱۴۰۸ | ۱۹ مارس ۱۹۸۸

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. آقای صیاد شیرازی آمد. گزارش وضع جبهه را داد. نقش نیروی هوایی و پدافند و هوانیروز را در عملیات مهم خواند و پیشنهاد کرد تبلیغات زیاد یک طرفه به نفع سپاه نباشد، برای اینکه ارتش سرخورده می‌شود.

آقای ناطق نوری از مشهد درباره لیست نامزدهای انتخابات تهران مشورت کرد. خانم ها

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

[مرضیه] دباغ و [گوهرالشریعه] دستغیب و آقای [مرتضی] کتیرائی به خاطر وجود بعضی افراد در لیست جامعه روحانیت مبارز خواسته‌اند که نام آنها از لیست حذف شود. افرادی را به جای آنها پیشنهاد کرد که مخالفت نکردم. از آقای رئیس جمهور درخواست کردم که در شرایط جنگ شهرها، اگر به مشهد نروند بهتر است.

اخبار درباره تعداد کشته های حلبچه در بمباران شیمیائی عراق مختلف است. بعضی ها حدود یک هزار نفر وبعضی حدود چهار هزار نفر گفته اند. به آقای سنجقی گفتم تحقیق کنند[۱].

هنگام تحویل سال، با عفت و فاطی و سعید و سارا سر سفره بودم. به پیام امام و آیت الله خامنه‌ای گوش دادیم. به بچه ها عیدی دادم. به بزرگ ها نیم سکه و به بچه ها ربع سکه. جای مهدی و یاسر خالی است. آنها در جبهه هستند. محسن هم به رفسنجان رفته است. فائزه هم منزل خودش رفته بود.

مهدی از باختران تلفن کرد و گفت عازم خط مقدم است و یاسر هم در حلبچه است. تاکید داشت هیأتی را برای رسیدگی به وضع آوارگان حلبچه و حفظ اموال مردم بفرستم.

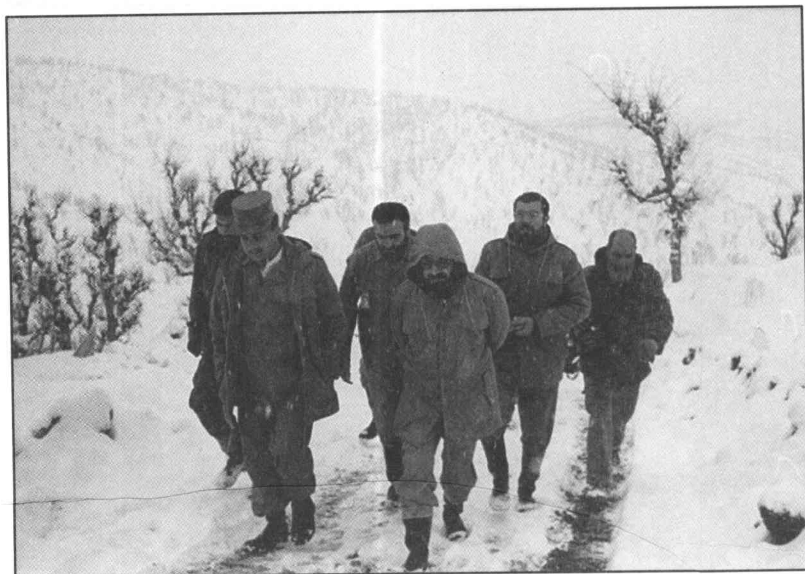
ساعت یازده شب خوابیدم. یازده و نیم با صدای انفجار موشک عراقی از خواب پریدم. معلوم شد به منطقه فرمانیه، نزدیک ما اصابت کرده است. امشب دستور دادم بیست و چهار ساعت، زدن شهرهای عراق را یک طرفه متوقف کنند؛ چون احمدآقا و آقای موسوی اردبیلی احتمال می‌دهند، عراق ممکن است مایل به ختم جنگ شهرها باشد. خوب است ما راه را برای آنها باز کنیم[۲].

---

۱ - گزارش کامل عملیات پیروزمندانه والفجر ۱۰ در ضمایم همین کتاب درج گردیده است.

۲ - وضعیت حاکم بر جنگ در سال ۶۶ به رغم تمهیدات آمریکا و سازمان ملل برای پایان بخشیدن به آن، ناظر بر این معنا بود که نظام بین‌الملل نه تنها در جستجوی راه حل عادلانه جنگ نیست، بلکه از ابزار لازم برای «تحمیل اراده سیاسی» خود نیز برخوردار نمی باشد. به عبارت دیگر، وضعیت سیاسی – نظامی جنگ و موقعیت برتر ایران ایجاب می کرد که نظام بین المللی خواسته‌های ایران را تأمین نماید، اما ابرقدرت ها نتایج حاصل از به رسمیت شناختن حقوق ایران را به زیان منافع قدرت های حاکم بر سازمان ملل ارزیابی می کردند. از سوی دیگر، ابرقدرت ها به تنهایی فاقد توانایی لازم برای تحمیل خواسته های خود به ایران بودند. زیرا توانایی نظامی ایران در برابر رژیم عراق، این کشور را از موقعیت مناسبی برای پیگیری اهداف و خواسته هایش برخوردار کرده بود.

جمهوری اسلامی در موقعیت جدید در برابر وضعیت دوگانه و دشواری قرار داشت، از یک سو به دلیل برخورداری از موقعیت برتر نظامی و دیدگاه های اعتقادی و اسلامی، مایل به عقب نشینی از مواضع اصولی و برحق خود نبود و از سوی دیگر برای پیگیری خواسته هایش اوضاع بسیار دشوار بین المللی و فشارهای سیاسی – اقتصادی رو به افزایش را فرا روی خود داشت که فائق آمدن بر آنها یک « پیروزی نظامی تعیین کننده» را می طلبید که تحقق آن به سهولت امکان پذیر نبود و لزوماً می بایست زیر ساخت ها و مقدمات آن از سال ها قبل ←



بازدید از مناطق عملیاتی کردستان عراق

↩فراهم می شد. پیدایش این وضعیت دشوار و پیچیده، موقعیت ایران را کاملاً آسیب پذیر کرده بود. به همین دلیل، هرگونه غفلت و تسامح می‌توانست موقعیت برتر ایران را که حاصل پنج سال تهاجم مستمر همراه با کسب پیروزی نظامی بود، دچار تغییر و تحول کند.
بنابراین گرچه جنگ در سال ۶۶ به رغم تمامی تحولات سیاسی – نظامی مانند تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت، اسکورت نفتکش‌های کویت از سوی آمریکا، درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس، سلسله اقدامات نظامی ایران در منطقه غرب کشور، افزایش فوق العاده توان نظامی عراق، برخورداری روس ها از موقعیت سیاسی قابل توجه در منطقه و بسیاری از مسائل دیگر به سرانجام مشخصی منتهی نشد، لیکن نطفه تحولات سیاسی – نظامی سال ۶۷ و خاتمه یافتن جنگ منعقد گردید.



ضمایم

موشک ایرانی

در سال‌های دفاع مقدس، با توجه به نیاز جنگ، فعالیت‌های تحقیقاتی گسترده‌ای در سازمان صنایع سپاه و همچنین سازمان صنایع دفاع برای تحقیق و ساخت انواع موشک آغاز شده بود. این فعالیت‌های علمی در سال ۶۶ به تدریج به نتیجه‌ای قابل طرح و تقدیر رسید و لازم بود فعالیت‌های تولید انبوه آنها نیز آغاز شود.

استفاده عراق ازتجهیزات پیشرفته‌ای که توسط ابر قدرت‌ها از جمله فرانسه و شوروی در اختیار گذاشته شده بود، نیاز به موشک‌های ضد تانک، کوتاه برد بدون هدایت و دوربرد هدایت شونده را دو چندان می‌کرد. قیمت این گونه موشک‌ها در بازار جهانی نیز بسیار بالا بود. با توجه به شرایط سیاسی و بین‌المللی ایران، از فروش این گونه تجهیزات به ایران خودداری می‌شد. خوشبختانه کارشناسان و مهندسین کشور توانایی ساخت چنین تجهیزاتی را بدست آورده بودند و پایه‌های نوآوری‌های مطرح شده در دولت نهم نیز همین فعالیت‌های گذشته بود.

سازمان صنایع سپاه، دارای بخش تحقیقاتی و تولیدی موشک‌های مختلف بوده که از جمله می‌توان از طرح "یا مهدی" (موشک ضد تانک شبیه تاو آمریکایی)، شهید شاه‌آبادی (موشک ضد تانک شبیه به مالیوتکای روسی)، مجتمع صنعتی شهید باقری (موشک‌های کوتاه برد بدون هدایت مانند مینی کاتیوشا و فراگ)، مجتمع صنعتی شهید

همت (موشک‌های دوربرد سوخت مایع و سوخت جامد شهاب ۱ و شهاب ۲، شبیه اسکاد - بی و تولید انبوه نمونه‌های تحقیقاتی نازعات، سجیل، مجتمع*).

در سازمان صنایع دفاع، موشک کاتیوشا و موشک سوخت جامد دوربرد به نام نازعات ساخته می‌شد. در معاونت مهندسی جنگ نیروی زمینی، طرح تحقیقاتی سجیل، موشک سوخت جامد با بدنه فایبرگلاس یا کمپوزیتی دنبال می‌شد. در مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی نیز موشک دوربرد سوخت جامد با بدنه تولید شده با روش کشش سرد مورد تحقیق قرار می گرفت.

همه موارد مطرح شده، در سال ۶۶ تقریباً به تست‌های موفق‌آمیز خود رسیده بودند و کم کم وارد مرحله تولید انبوه می‌شدند.

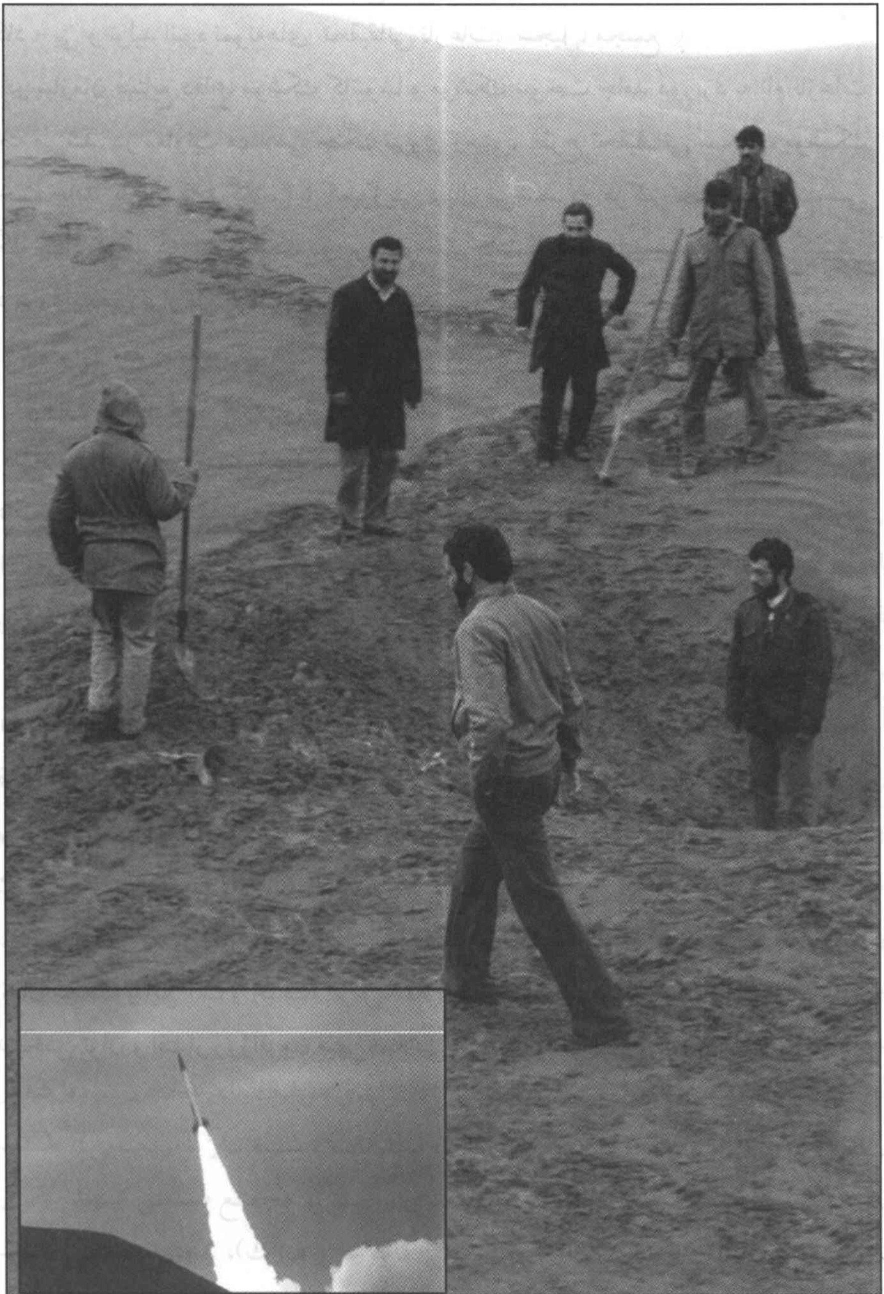
طرح شهاب ۲ در مجتمع شهید همت، مسئولیت تولید موشک‌های نمونه سازی شده نازعات، سجیل و مجتمع را به عهده داشت . این موشک‌ها به راکت ۱۳۰ کیلومتری بغداد معروف شده بودند. ساخت کارخانه تولید سوخت و موشک مربوطه نیز به نتیجه رسید و اینک از امکانات مناسبی برخوردار است.

پروژه های ساخت موشک در دوران دفاع مقدس بر عهده کارشناسان دلسوزی چون جناب آقایان منوچهر منطقی (یا مهدی) ، علی قیامتیون و فریدون قاسم زاده (شهید همت)، جعفری (نازعات و شهید باکری) و اصغر اسلامی، بهادرانی و رضوی (سجّیل) ، عسکری (شهید باقری) شریفیان (جهاد سازندگی) و اخلاقی (مرکز تحقیقات ساصد) و .... بوده است.

اینک نهالی که در روزهای سخت دفاع مقدس، با تلاش و کوشش شبانه روزی فرزندان سلحشور این آب و خاک، غرس شده بود، به ثمر نشسته و میوه‌های شیرین آن نوید بخش توان و اقتدار روزافزون میهن اسلامی گردیده است.

---

* - مجتمع : مخفف « موشک جواب تجاوزات موشکی عراق».



آزمایش موشک نازعات



تعدادی از مسئولان صنایع موشکی سپاه : علی قیامتیون، فریدون قاسم زاده، محسن هاشمی





محسن هاشمی در کنار رزمندگان سلحشور اسلام در جبهه های نبرد

نامه‌ای به فرزند رزمنده

فرزند بسیار عزیزم یاسر

از خداوند می‌خواهم که تو و سایر همرزمان و همفکرانت را محفوظ و موفق و پیروز بدارد. نمی دانم اکنون کجا هستی. این بار ما را بی خبر گذاشتی. گر چه مهدی از مراغه تلفن کرد و خبر سلامتی تو را هم داد، ولی بهتر است خودت هم هر جا به تلفن دست یافتی زنگی به خانه بزنی و با مادرت صحبت کنی. اگر از قلب و دل مادر خبر داشتی، مسلماً تا به حال زنگی زده بودی.

حدس می زنم ملاحظه حال بقیه رزمندگان را می‌کنی که می‌دانی خیلی از آنها نمی‌توانند مثل تو تماس تلفنی داشته باشند. اگر این باشد ملاحظه خوبی است و از جوانان مسلمان مجاهدمان همین انتظار را داریم و اگر چنین نبودید، سنگرهای جهاد، ارتفاعات پوشیده از برف کردستان را بر محیط راحت منزل و مدرسه ترجیح نمی‌دادید.

ولی تحقیقاً رزمندگان ما آن قدر منطقی هستند که تماس تلفنی هر رزمنده‌ای که دسترسی به تلفن پیدا کند با مادرش را خلاف صفا و اخلاق جهادگران ندانند. آن هم از افرادی که نظام پذیرفته و لازم دانسته که تحت حفاظت باشند. میدانی که مادر از جهات دیگر هم نگران است و دفعه قبل زودتر تلفن کردی.

بحمدالله خداوند آرامش و سکینه را بر قلب پر مهر و حساس مادرت، همانند صدها هزار مادر رزمندگان دیگر نازل کرده و او که یک ساعت تأخیر شماها را نمی‌توانست تحمل کنند، هفته‌ها جدایی دو فرزندش را آن هم در سفر جنگ و جهاد به آسانی تحمل می کند، شاید دلیلش این است که می‌دانسته هر لحظه از این جدایی‌هاو خطر پذیریی‌ها در



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

مجلس شورای اسلامی

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

فرزند نجیب و عزیزم یاسر

از خداوند میخواهم که تو و سایر همرزمان و همسنگرانت را محفوظ و موفق و پیروز بدارد.

نمیدانم الان کجا هستی. این بار مادر را بیشتر نگران گذاشتی. گرچه بعد از وداع تلفن کرد و خبر سلامتی تو را هم داد. ولی بهتر است خودت هم هرجا به تلفن دست یافتی زنگی بزنی و با بزرگترها یا مادرت صحبت کنی. اگر از قلب و دل مادر خبر داشتی حتماً [illegible] زنگ زده بودی.

حدس میزنم ملاحظه حال بقیه رزمندگان را میکنی که میدانی خیلی از آنها نمیتوانند مثل تو تلفنی تماس داشته باشند. اگر این باشد ملاحظه خوبی است و از جوانان مسلمان مجاهدمان بیش از این انتظار را داریم و اگر چنین نبود سنگرهای جهاد [illegible] پوشیده از برف کوهستانها را بر محیط راحت منزل و مدرسه ترجیح نمیدادند.

ولی تحقیقاً رزمندگان ما آنقدر منطقی هستند که تماس تلفنی پسر رزمنده‌ای که پدرش رئیس مجلس است [illegible] ما با داشتن [illegible] حقوق و حقوق جهادگران [illegible] و [illegible] افراد [illegible] [illegible] باشند. [illegible] که ما از جهات [illegible] [illegible] دفعه قبل زود تر تلفن کردی.

بحمدالله خداوند آرامش و سکینه را بر قلب پر مهر و حساس مادرت مانند صدها هزار مادر دیگر نازل کرده و او که [illegible] را [illegible] است [illegible] جدائی دو فرزند

دستخط نامه به فرزند رزمنده

دستگاه الهی جای مناسب خودش را می گیرد و در نامه عمل فرزند و مادر و دیگران که به نحوی در آن شریکند ثبت می‌شود و نه تنها چیزی از دست نمی‌دهند، بلکه عالی‌ترین و ارجمندترین موهبت‌ها و توفیقات الهی به حساب می آید.

اگر این برداشت‌ها و عقیده‌ها نبود، چگونه می‌توانستیم هفت سال و پنج ماه جنگ و ده‌سال انقلاب را این گونه پرشکوه پشت سر داشته باشیم و چگونه ممکن بود حضور بهت‌انگیز ملت را در جبهه‌ها و پشت جبهه با این سطح و این کیفیت بدون پشتوانه ایمان و عرفان داشته باشیم؟

برای من خاطرات همین چند هفته که تو در جریان مقدمات و آموزش و سفر به جبهه بودی به اندازه عمری سازنده و شیرین است و می‌دانم که این روحیه در بخش عظیمی از جوانان و خانواده‌های این ملت حاکم است. انتظاری که برای رسیدن به سن مجاز رفتن به جبهه کشیدی.

حرکات ظریفی که روزهای قبل از سفر برای جلب رضایت والدین و اطرافیان داشتی، رنجی که به خاطر رد شدن از اعزام به خاطر چند ماه کمی سن و کوچک بودن جثه بردی و دست به دامن من و عفت شدی که برای پذیرفته شدنت شفاعت کنیم و عجب‌تر اینکه مادرت هم من را برای شفاعت نزد مسئولان پذیرش تحت فشار گذاشت!! گرچه من واقعاً به عنوان مسئول جنگ موافقم نیستم که جوانان کمتر از هفده (۱۷) سال به جبهه بروند و تاکنون یک مورد دیگر هم پیش نیامده که با اعزام کمتر از این سن موافقت کنم ولی این استثناء را در مورد تو پذیرفتم، یک دلیلش این بود که دوست و همراه و همکلاس و هم عهدت مهدی خوئینی‌ها که با هم رفته بودید، پذیرفته شده بودند.

آن روز که خودم به جبهه آمده بودم و می‌دانستم که همراه جمعی دیگر از رزمندگان لشکر ۱۰ سیدالشهدا در ارتفاعات قامیش در خط هستی. به آقای عظیمی کارمند دفترم که ایشان هم در جبهه است و در بخش مهندسی رزمی خدمت می کند، گفتم اگر می‌تواند شما را به فرودگاه بیاورد که ببینمت.

آخر شب که از فرودگاه شهید داودآبادی در خاک عراق در منطقه ماؤوت به فرودگاه شهید بروجردی آمدم، خبر دادند که تو و مهدی و رحمانی آمده‌اید و تو خوابیده‌ای؛ گفتند خسته هستی، ولی گفتم بیدارت کنند بیشتر به خاطر اینکه تلفنی با مادرت، صحبت کنی.

خدا می‌داند چقدر لذت می‌بردم وقتی که قضایا و حوادث میدان نبرد را تعریف می کردی و مخصوصاً از داستان جالب انتقال شش اسیر عراقی و یک مجروح خودی از خط مقدم به عقب توسط شما دو نفر جوان نورس، یاسر و مهدی و از اینکه احساس کردم، قلب رئوفت از رنج اسرا آزرده شده، بیشتر تحت تأثیر قرار گرفتم و توجه به نقاط ضعف کار که از بی انضباطی در حفظ اسلحه‌ها و مهمات و وسایل انفرادی رزمندگان که آنها را در کناره کوره راه‌ها و در دامنه قامیش پراکنده دیده‌ای، برایم جالب بود، گرچه ممکن است طبیعت میدان جنگ همین باشد.

گفتی که در غارکن کنار رودخانه قراچولان که به عنوان پناهگاه و محل تجمع مج روحان و اجساد مطهر شهدا و استراحتگاه رزمندگان مورد استفاده قرار می‌گرفته، نظم درستی حاکم نبوده و توقع داشتی که فرماندهان آنجا را مرتب‌تر و منظم‌تر نگاهداری کنند. شاید حق با تو باشد و شاید هم در آن شرایط بهتر از آن نمی‌شده.

آقای رحمانی از تأثیر حضور شماها در میدان جنگ، در روحیه و ایمان دیگران موردی را گفت که باعث رضایت بیشترم برای حضور در جهادت شد. گفت در موردی که خط جنوبی قامیش در مقابل پاتک‌های دشمن از ارتفاع دوبشک نیاز به نیروی بیشتر داشت و افراد به خطار چند روز نبرد در سرما و برق و پیاده‌روی‌های زیاد خسته و کوفته بودند و کمتر داوطلب پیدا می‌شد. فرمانده به آنها اطلاع دادکه فرزند نوجوان فرمانده جنگ و فرزند دادستان کل کشور جلو افتاده‌اند ، ناگهان داوطلبان زیادی بپا خواستند. حق هم همین است وقتی که بسیجیان گمنام ببینند فرزندان مسئولان سطح بالای کشور در کنارشان و پیشاپیششان می‌جنگند در راه خود استوارتر می‌شوند و یکی از رموز پیروزی‌ها همین است.

از مدت دو شب و یک روز که با من در فرودگاه بودی، با اینکه من به کارهای دیگر مشغول بودم و اوقات کمی توانستم با تو حرف بزنم، مطالب زیادی به خاطرم مانده که در تاریخ ثبت خواهم کرد.

صبح روز بهمن ماه ۶۶ که عازم مراجعت به تهران بودیم، معلوم شد که لشکر شما هم بنا است خط را تحویل لشکر ۲۷ رسول الله بدهد و نیروهایش که بیش از دیگران جنگیده بودند به مرخصی بفرستند، مایل بودم همراه من به تهران بیایید که سوغات خوبی برای عفت داشته باشم ولی تو و امیر مهدی و رحمانی ترجیح دادید که به منطقه عملیات

برگردید و همراه سایر رزمندگان با وسایل ترابری همان‌ها برگردید و نخواستی که با انتخاب وسایل راحت‌تر، صفای هماهنگی با همسنگرانت را از دست بدهی. گرچه با این صراحت حرف نمی‌زدی و به گونه دیگری عدم همراهی با پدرت را توجیه می‌کردی، ولی من همه چیز را می‌فهمیدم و از صمیم دل تحسینت می‌کردم. خداحافظی کردیم شماها رفتید و ما آمدیم به این طرف و از خداوند خواستم این روحیات ارزنده را تا آخر عمر برایتان نگه دارد.

از نقطه‌های جالب خاطراتم حال عادی و طبیعی شماها بود هنگامی از صحنه‌های هیجان‌انگیز حرف می‌زدند مثلاً منظره شهادت دوستانتان را مجسم می‌کردید، کانّه از کلاس درس یا مسابقه اسب سواری تعریف می‌کنید. بر قدرت سازندگی انقلاب آفرین می‌گفتم و اعجاز انقلاب در پرورش نسلش را تحسین می‌نمودم؛ این معجزه اسلام است.

انتظار جامعه شناسان این است که نسل وارث انقلاب مخمور پیروزی‌ها و بی خبر از مشکلات و مشقات نیروهای انقلابگر، راه و رسم اقشار مرفّه و خوشگذران پیش گیرد و مخصوصاً فرزندان رؤسا و مسئولان

اما انقلاب اسلامی بر این محاسبات ما دی گرایانه قلم بطلان کشید و دریچه‌ای جدیدی در مقابلشان گشود و نشان داد که برخلاف تحلیل‌های آنها مذهب را نمی‌شود در این حصارها گرفتار کرد. جوانان امروز ایران که کودکان زمان پیروزی انقلابند، ایمان و ایثار و جهادشان قله بلندتری از قله‌های فتح شده نسل انقلاب را فتح کرده و روند تکاملی انقلاب را سرعت بخشیده.

اگر این ویژگی منحصر به دو سه نفر شماها بود، این طور محکم نمی‌نوشتم. این وضع عمومیت پیدا کرده و حکایت از سنت و قانونمندی و پشتوانه علمی دارد. همین لحظه که دارم می‌نویسم می‌دانم که فرزندان بسیاری از سران کشور در جبهه‌اند. نوه حضرت امام فرزند رئیس جمهور، فرزند رئیس شورای‌عالی قضایی، فرزند دادستان کل کشور. تو و برادرت مهدی و تعداد زیادی از فرزندان وزرا و وکلا و رؤسا و شخصیت‌های سیاسی و روحانی و ... و همه گمنام و بی سر و صدا می‌روند و می‌آیند و کسی جز بستگان آنها نمی‌فهمد.

در جوامع دیگر اگر چنین مواردی پیدا شود. بوق‌های تبلیغاتی آن را بزرگ کرده و به خورد همه می‌دهند و جالب‌تر اینکه در همین روزها رادیوهای بیگانه و ضدانقلاب دائماً از

جبهه نرفتن فرزندان رؤسای ایران می گویند و انقلاب ضرورتی نمی‌بیند که با ذکر نمونه‌ها به آنها جواب بدهد. زیرا صمیمیت و همرنگی واقعی که بین مردم و مسئولان است نیازی به تبلیغ پیش نمی‌آورد. راه‌پیمایی دیروز (۲۲ بهمن) این واقعیت را برای نهمین بار در برگزاری مراسم سالگرد انقلاب آفتابی کرد.

از خاطرات بسیار شیرین و الهام بخشم، مشاجره تو و برادر بزرگت مهدی است که بر سر رفتن به جبهه داشتید. عصر را می گویم. مهدی می گفت یاسر به جبهه رفته و در عملیات شرکت کرده، چرا می‌خواهد باز هم برود. علاوه بر این استدلال می کرد که او امتحان ترم اول دانشگاهش را داده و فرصت محدودی دارد که به جبهه برود و برای ترم بعدی خودش را برساند و تو می گفتی مهدی سال گذشته دوره سه ماهه‌اش را در جبهه کامل کرده و تو هنوز تمام نکرده‌ای و ... و بالاخره هیچ کدام نتوانستید دیگری را قانع کنید. من گفتم قرار است خود من هم به منطقه بروم، محسن هم می‌خواهد با من بیاید، مادرتان در منزل تنها می‌ماند. این هم شما را قانع نکرد و تنها راه این شد که هر دو بروید و جالب این است که مادرتان هم همین را پذیرفت و همراه چند قطره اشک اعلان قبول کرد. هر دو عازم شدید.

در دفتر من هنگام وداع با مادرتان منظره جالبی بود. دور قرآن گشتید و من دعای سفر خواندم، بوسه‌های گرم و طولانی مادر. تبسم‌های فاطی و اشک‌های مادر و قیافه‌های مصمم و مردانه و بی‌تفاوت شما دو نفر از منظره‌های ماندنی خاطرات من است. اسلام و جهاد و انقلاب قدرت سازندگی فوق‌العاده‌ای دارد. جنگ تحمیلی در مقابل خسارت‌های فراوانش آثار قابل توجهی در ساخت جامعه و حفظ و تکامل روحیه ایثار و استقامت مردم و مخصوصاً نسل جوان بر جای گذاشته و از این جهت از نعمت‌های بزرگ الهی به حساب می‌آید. "عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم". و تحقیقاً یکی از علل تشریح جهاد در ادیان آسمانی همین است.

پدرت - اکبر هاشمی رفسنجانی

عملیات والفجر ۱۰، آزاد سازی حلبچه [1]

معضلات و نارسایی های موجود برای تداوم عملیات بیت المقدس ۲ به ویژه هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک (ماؤوت - سلیمانیه)، تخریب جاده و پل گرده‌رش بر اثر طغیان رودخانه و مسدود شدن عقبه عملیات، بارش برف سنگین و مداوم و همچنین تلاش گسترده دشمن در مناطق آزاد شده با حمله به مواضع کردهای معارض عراقی، تدریجاً نظرها را به منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان معطوف کرد.

پس از بحث ها و بررسی‌های فراوانی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که تا زمانی که بررسی‌ها و فعالیت‌های شناسایی در منطقه جنوب به نتیجه نرسیده است[2] در اولویت اول، عملیات روی ارتفاعات الاغلو و دولبشک ادامه یابد. در اولویت دوم،

۱ - خلاصه گزارش عملیات والفجر ۱۰ اولین بار در بولتن "بررسی" معاونت سیاسی سپاه پاسداران، شماره ۲، فروردین ۱۳۶۷ به قلم محمد درودیان درج شد که با اصلاحات مختصری در اینجا می آید.

۲ - اولویت اصلی نبرد در منطقه جنوب بود. منتها به دلیل قفل شدن راه کارهای عملیات در جنوب، همانند سال های قبل برای کسب فرصت و زمان برای تک در منطقه جنوب، جنگ در منطقه شمال ادامه می یافت. همزمان با اجرای سلسله عملیات های بیت المقدس و نصر، تیمی به فرماندهی برادر شمخانی و متشکل از برادران غلامپور، قاسم سلیمانی و ... در جنوب برای یافتن راه کار مناسب جهت اجرای عملیات تلاش می کردند که قبل از تصمیم گیری برای انجام عملیات والفجر ۱۰، این تیم اعلان کردند که هیچ راهی برای ادامه جنگ در جنوب نیافتند، ولی در عین حال آخرین گزارش ها در منطقه جنوب به طور پیوسته بررسی می شد تا در صورت احتمال موفقیت، اجرای عملیات در جنوب در اولویت نخست قرار گیرد. (سند شماره ۳۱۳۳۶۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، یادداشت سردار سرلشکر محسن رضایی، فروردین سال ۷۶)

عملیات در منطقه جنوب پیگیری و در اولویت سوم، عملیات در منطقه حلبچه طرح ریزی شود. در نظر گرفتن سه منطقه برای ضد عملیات و اولویت بندی آن، چنان که پیش از این اشاره شد، عمدتاً نتیجه حاصل از تجارب نبرد در سال های قبل بود. بدین معنا که در صورتی که عملیات در یک منطقه با مشکلات اساسی یا بن بست مواجه می شد، تداوم تهاجم به دشمن با تعویض منطقه عملیاتی و جا به جایی یگان ها ادامه می یافت.

بدین ترتیب با محدود شدن عملیات بیت المقدس ۲ و معضلاتی که برای اجرای عملیات در جنوب (فاو) وجود داشت، منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان به عنوان منطقه اصلی انتخاب شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی حلبچه به جز در غرب و شمال که دریاچه دربندیخان در آن واقع شده است، در محاصره ارتفاعات صعب العبور و مرتفعی قرار گرفته و هر کدام دارای نقشی حساس می باشد از جمله: بالامبو و شاخ بالامبو که بر دریاچه دربندیخان و بر دشت و ارتفاعات تمور ژنان مسلط است و شاخ تمور ژنان که بر شاخ شمیران، سد دربندیخان، تونل جاده سلیمانیه – بغداد تسلط و دید و تیر دارد. علاوه بر اینها، ارتفاعات پروینه، توانیر، پنج قله، شیندروی؛ تپه چناره، سه تپه، خورنوازان، تپه های قول، تپه سزام و شاخ دارزین قسمت دیگری از ناهمواری‌های منطقه می باشند.

همچنین شیارهایی در منطقه وجود دارد که هر کدام نقش مؤثری در اختفاء نیروهای خودی داشته و بعضاً به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از جمله این شیارها می توان از، دره گلان، شیارزلم، شیار سورمر، شیار سازان، دره خورنوازان، شیار بالای روستای خوی و شیار و شکنام، نام برد.

تأسیسات نظامی، اقتصادی و شهرها

از عمده ترین تأسیسات اقتصادی منطقه، سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تأمین برق قسمت وسیعی از عراق نقش مهمی دارد. تأسیسات نظامی دشمن در این منطقه عبارتند از: پادگان حلبچه که دارای پد آسفالته هلی کوپتر است.

پادگان لشکر ۲۷ ارتش عراق در کانی مانگا، مقر فرماندهی دفاع الوطنی سپاه یکم واقع در منطقه رود اژه و پایگاه های موشکی سام ۲ و سام ۷.

راه های ارتباطی دشمن به منطقه عبارتند از:

جاده سید صادق – خرمال – حلبچه

جاده حلبچه – طویله – نوسود

جاده اریت – دربندیخان – خرمال

پل ها نیز به تناسب رودخانه های موجود در منطقه عبارتند از: پل زلم، پل ملاویسی، پل سرآورا، پل اما جنامن، پل حاجی ورفه و پل خاکی خون.

عمده ترین شهرهای عراق در منطقه به ترتیب وسعت و اهمیت عبارتند از: حلبچه، خرمال، دوجیله

○ شهر حلبچه با جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر در استان سلیمانیه و در جنوب شرقی دریاچه دربندیخان قرار دارد. شهر از شمال به ارتفاعات سورن، از جنوب به ارتفاعات بالامبو، از شرق به ارتفاعات شیندروی، پروینه، توانیر، پنج قله و از غرب به ارتفاع تمور ژنان و دریاچه دربندیخان محدود می شود.

شهر خرمال در شمال شرقی حلبچه قرار دارد و به دو قسمت جدید و قدیم تقسیم شده است. به دنبال قیام مردم خرمال، رژیم عراق قسمت قدیمی شهر را ویران کرد. در قسمت جدید ۱۵ هزار نفر سکونت داشتند. این شهر از نظر آب و هوا و اوضاع جوی از جمله بهترین مناطق عراق می باشد.

○ شهر دوجیله در فاصله پنج کیلومتری شمال غربی شهر حلبچه قرار دارد. در غرب این شهر، دریاچه دربندیخان واقع است. منطقه دوجیله بیش از آنکه مسکونی باشد نظامی بوده و قسمت عمده ای از قرارگاه های دشمن در این منطقه و حوالی آن قرار دارد.

روستاهای این منطقه، به دنبال سیاست رژیم بعثی در مناطق آزاد شده، برای محدود کردن مبارزه اکراد ویران شده است و تنها تعداد اندکی از آنها سالم هستند از جمله: پیاره، هاوارلی، یاموک، انب، ابابیده و جلیله.

سابقه عملیاتی منطقه

منطقه مزبور، بارها مورد توجه طراحان نظامی سپاه قرار گرفته بود، لیکن مسائل عدیده‌ای مانع از انجام دادن تلاش جدی در این منطقه بود.

پس از عملیات والفجر ۴ کار احداث تونل روی ارتفاعات سورن آغاز شد و بدین ترتیب جاده اصلی تا روی سورن و در محور دیگر از دزلی روی مله خور احداث گردید. اطلاع دشمن نسبت به احداث تونل و نیز صعب العبور بودن ارتفاعات مانع از سرعت عمل در احداث جاده و دیگر اقدامات مهندسی بود. در نتیجه، به رغم تأکید فرماندهی سپاه و بررسی مکرر جوانب طراحی و انجام عملیات در این منطقه، عملاً مقدمات و شرایط لازم برای تحقق عملیات فراهم نشد.

عوامل بسیاری در عدم تحرک جدی در این منطقه مؤثر بوده اند، که مهمترین آنها وضعیت و ویژگی های زمین آن است که از ترکیب ارتفاعات سرکوب در شرق، شمال شرقی و جنوب آن و نیز دریاچه دربندیخان در غرب و شمال غربی آن، به وجود آمده است.

عملیات در منطقه مزبور، به لحاظ ویژگی های یاد شده، اساساً مانور گسترده‌ای را اقتضا می کرد و این مهم به جهت اینکه تا سال ۶۶ امکان انجام عملیات گسترده در جنوب فراهم بود، مورد توجه قرار نمی گرفت. در وضعیت جاری، بر اساس تدبیر جدید و نیز به لحاظ مشکلات موجود در جنوب، منطقه عمومی حلبچه برای عملیات گسترده مورد نظر قرار گرفت. ضمن اینکه ضرورت انجام دادن عملیاتی پیروز، قبل از پایان سال ۶۶، که از ابعاد سیاسی تبلیغاتی مناسبی برخوردار باشد در انتخاب فوق بی تأثیر نبوده است.

همزمان با عملیات بیت المقدس ۲ در منطقه حلبچه نیز تک محدودی طراحی شد که بنا به دلایلی صورت نگرفت. لیکن با توجه به سرانجام عملیات بیت المقدس ۲، منطقه عمومی حلبچه مجدداً مورد توجه فرماندهی سپاه واقع شد.

پیش فرض های موجود در مورد کسب موفقیت در منطقه حلبچه، به لحاظ موقعیت زمین و نیز عدم حضور دشمن در این محور و فقدان مشکلات اساسی، موجب گردید تا این منطقه در مقایسه با منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ انتخاب شود.

آماده سازی منطقه

عقبه سازی و احداث جاده مناسب روی بلندی های صعب العبور و اتصال آن به منطقه عملیاتی از اهم مسائل عملیات بود که به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. زیرا در صورت آماده نشدن جاده، مجدداً زمان عملیات به تعویق می افتاد. جاده های مورد نظر در

منطقه که عمدتاً به دو عقبه اصلی مریوان – سنندج و باختران وصل می شد عبارت بودند از:

۱ – احداث جاده مله خور برای اتصال دره دزلی به دشت خرمال.

۲ – احداث جاده گوزیل و نصب پل روی رودخانه آب سیروان برای اتصال عقبه به دشت حلبچه یا عقبه پاوه.

۳ – احداث جاده از غرب بالامبو به غرب حلبچه.

در این خصوص، مسئولیت و بار اصلی احداث جاده ها برعهده جهاد سازندگی و مهندسی سپاه بود.[1] با وجود سرما و صعب العبور بودن ارتفاعات، جهادگران تلاش جدی و قابل توجهی به عمل آوردند. در برخی مواضع طوری بود که به علت بارانی بودن هوا هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بلدوزر می بایستی لباس‌های خود را تعویض کند. در این منطقه توپخانه سپاه تدریجاً از پای درآمد و قرار بود برخی از نیازمندی های توپخانه را نیروی زمینی ارتش تأمین کند که این امر به دور از مشکلات و اتلاف وقت نبوده. گروه هوانیروز ارتش که عهده‌دار بخشی از پشتیبانی عملیات بود، شش روز قبل از عملیات توجیه شد. این نیرو توانست در روز اول عملیات تعدادی شهید و مجروح تخلیه کند که این امر حاکی از آمادگی قابل توجه هوانیروز در این عملیات بود.

اقدامات لازم برای آماده سازی اجرای عملیات در عرض ۲ ماه صورت گرفت و این در مقایسه با مدتی که در سال های گذشته برای انجام یک عملیات گسترده صرف می شد، زمان بسیار مطلوبی بود. در این میان، بدون تردید نقش و حضور برادر رضایی فرمانده کل سپاه، که بدون وقفه تلاش می کرد و با تردد مکرر در منطقه، فعالیت های آماده سازی را هدایت، کنترل و سامان می بخشید، تعیین کننده و مؤثر بود.

اهداف عملیات

علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی مورد نظر بود:

۱ – آزاد سازی شهرهای حلبچه، خرمال، دوجیله، بیاره و طویله.

۲ – فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان.

---

۱ – جهاد با استعداد ۴ گردان مهندسی در محور سورن و ۵ گردان در محور جنوبی منطقه عملیات و سپاه با یک لشکر مهندسی در محور جنوبی و یک تیپ مهندسی در محور شمالی منطقه عملیاتی فعالیت داشتند.

۳ – مسدود کردن عقبه اصلی استان سلیمانیه.

سازمان رزم

عملیات با سه قرارگاه سازماندهی شد و مجموعاً ۱۰ لشکر و ۱۳ تیپ با استعداد ۵۰٪ در قالب ۷۰ گردان به کار گرفته شدند که عبارت بودند از: قرارگاه قدس شامل: لشکر ۷ ولیعصر (عج) با ۶ گردان، لشکر ۳۳ المهدی (عج) با ۶ گردان، لشکر ۲۵ کربلا با ۱۰ گردان، لشکر ۱۹ فجر با ۶ گردان، لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابیطالب (ع) با ۶ گردان، لشکر ۴۱ ثارالله با ۷ گردان و تیپ ۳۵ با ۴ گردان.

قرارگاه فتح شامل: لشکر ۸ نجف اشرف با ۵ گردان، لشکر ۱۴ امام حسین(ع) با ۵ گردان، تیپ ۸۲ صاحب الامر (عج) با ۳ گردان، تیپ ۹۱ بقیهٔ الله با ۳ گردان، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) با ۳ گردان، تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) با ۴ گردان و تیپ انصارالرسول با ۳ گردان.

قرارگاه کاظمین (ثامن الائمه) شامل: لشکر ۹ بدر با ۸ گردان، تیپ ۲۶ انصارالمهدی با ۴ گردان، تیپ ۷۵ ظفر با ۲ گردان، تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) با ۶ گردان، تیپ ویژه شهداء با ۶ گردان، سپاه چهارم با ۶ گردان.

طرح مانور

موقعیت زمین منطقه نقش اصلی و تعیین کننده ای در نحوه طراحی مانور عملیات داشت. به علت وجود ارتفاعات سرکوب سورن در شرق منطقه عملیاتی و دریاچه دربندیخان در غرب آن، در حدفاصل انتهای شمال شرقی دریاچه تا ارتفاعات سورن محدوده ای به عرض ۱۰ کیلومتر به وجود آمده است که از نظر نظامی به آن تنگه گفته می شود. در مباحث طرح مانور، تضمین موفقیت عملیات را در گرو انسداد تنگه با الحاق از دو محور می دانستند، بدین ترتیب که: در محور شمال از مله خور به طرف خرمال و از محور جنوبی از غرب بالامبو در امتداد ثمورژنان با تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه و سرانجام الحاق دو بازو درتنگه و محاصره دشمن.

به منظور تحقیق طرح مانور یاد شده سه قرارگاه برای عملیات در سه محور در نظر گرفته شد. قرارگاه قدس در محور شمالی که مأموریت بستن تنگه و تصرف پل گردکو

(عقبه اصلی دشمن به کل منطقه) را به عهده داشت. در محور جنوبی قرارگاه فتح در نظر گرفته شد تا ضمن تصرف بالامبو و تمورژنان با تأمین سرپل در کمر دریاچه، برای مقابله با حرکت احتمالی دشمن، با احداث پل، از آمادگی لازمه برخوردار باشد. در محور میانی قرارگاه ثامن الائمه (ع) مأمور شد تا در محور گوزیل – دشت سازان به طرف حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده بیاره – طویله – نوسود را تصرف و آزاد نماید.

قرارگاه رمضان علاوه بر مأموریت شناسایی، قرار شد تحرکاتی را در عمق و عقبه دشمن انجام دهد. همچنین تصرف شهر و انهدام توپخانه دشمن قسمت دیگری از مأموریت نیروهای نامنظم بود که می بایست با مشارکت تیپ ۷۵ ظفر و اکراد معارض انجام شود.

مرحله بندی عملیات یکی از مسائل عمده ای بود که قسمتی از مباحث طرح مانور را به خود اختصاص داده بود. در پیش فرض های موجود بعضاً بین ۱ تا ۳ مرحله مطرح می شد. وجه مطلوب عملیات برای ممانعت از هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک، اجرای عملیات در یک مرحله بود، لیکن مشکلات موجود برای اتصال جاده از مله خور و شیار زلم به خرمال مانع از تحقق این امر بود. لذا پس از آنکه قرار شد عملیات در دو مرحله انجام گیرد، کاهش فاصله زمانی بین دو مرحله اول و دوم به عنوان راه حل معضل فوق مورد نظر قرار گرفت.

شرح عملیات

پس از بحث ها و بررسی هایی که صورت گرفت، ساعت ۲ بامداد ۶۶/۱۲/۲۳ برای آغاز عملیات تعیین شد، لیکن به علت اینکه در برخی از محورها نیروها می‌بایستی فاصله زیادی را تا رسیدن به هدف طی می کردند، در نتیجه عملیات در حد فاصل ساعت ۲ تا ۴ بامداد با رمز " یا رسول الله (ص)" و با درگیری در محورهای مختلف آغاز شد.

سرعت عمل نیروها و دست یابی به بیش از ۹۰٪ از اهداف تعیین شده، مسئله شگفتی بود که اعجاب همگان را برانگیخت. به غیر از عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی انجام نگرفت. در محور چناره به علت یخ بندان با ۴ ساعت تأخیر، اهداف مورد نظر تأمین شد و تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در خواب به سر می بردند کشته و اسیر شدند. در محور قرارگاه قدس پس از تصرف مله خور

و ارتفاعات چناره، خرنوازان، هانی قول و تپه حمید به علت عدم اتصال جاده، عملیات متوقف شد. در محور قرارگاه فتح به رغم اینکه رزمندگان بالامبو و تنگه را تصرف کردند، لیکن به لحاظ توقف قرارگاه قدس و نیز عکس العمل دشمن در جناح چپ عملیات، روی شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند. در محور میانی، قرارگاه ثامن الائمه (ع)، ارتفاعات مگرو و نیمی از شیندروی را تصرف کردند و به رغم روشنایی هوا، برای الحاق روی یال ارتباطی، شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندروی، پیشروی را ادامه دادند.

با توجه به موفقیت های کسب شده، نیروها از روحیه خوبی برخوردار بودند. ضمن اینکه تلفات خودی نیز بسیار اندک بود. علاوه بر این، به لحاظ از هم گسیختگی قوای دشمن و عدم حضور جدی آنها در منطقه، بر سرعت بخشیدن در آغاز مرحله دوم عملیات تأکید می شد. مشکل اساسی در سر راه شروع مرحله دوم، عدم اتصال جاده هانی قول بود تا اینکه در ساعت ۱۴ روز ۶۶/۱۲/۲۴ خبر اتصال جاده به قرارگاه رسید و در پی آن با تصمیم قرارگاه مرکزی، اجرای مرحله دوم عملیات در شب سوم، حتمی شد.

در این میان، طی وقفه ۴۸ ساعته بین دو مرحله عملیات، تحرکاتی از نیروهای عراقی مشاهده شد که دال بر غفلت کامل دشمن نسبت به اهداف مورد نظر و سمت اصلی تک بود. در این فاصله، تمرکز فعالیت ها و تحرکات دشمن در درجه اول روی شاخ سورمر و شاخ شمیران و در درجه دوم در برابر ملاویسی می شد، با احداث خاکریز استقرار یافتند. در محور جنوب پل زلم، به رغم تجمع انبوه دشمن، پیشروی نیروهای خودی همراه با جنگ شدید ادامه یافت و سرانجام ساعت ۵ صبح به دروازه شهر دوجیله رسیدند و الحاق دو قرارگاه قدس و فتح صورت گرفت. با بسته شدن تنگه، به رغم اینکه قسمتی از نیروهای دشمن موفق به فرار از طرف سد دربندیخان شدند، لیکن مابقی نیروهای موجود در منطقه کشته یا به اسارت درآمدند.

در وضعیت جدید، تثبیت خط پدافندی مناسب در تنگه و نیز تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران که در طی عملیات به دلیل هوشیاری دشمن ناموفق مانده بود، در دستور کار قرار گرفت.

مرحله چهارم و پنجم عملیات

برای تحکیم خط پدافندی در تنگه، مرحله چهارم عملیات در هفتمین شب از آغاز عملیات به اجرا در آمد. بدین ترتیب که نیروهای خودی یال و تپه ریشن را تصرف کردند و در محور جاده سه تپان نیز مختصری پیشروی داشتند.

مرحله پنجم عملیات هم با تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران انجام گرفت که با موفقیت همراه بود. طی مرحله پنجم که بعدها به نام عملیات بیت المقدس ۴ موسوم گردید، منطقه وسیعی از خاک دشمن آزاد شد که شامل دو ارتفاع مذکور و تعداد زیادی روستا بود.

نحوه تبلیغات و اعلام عملیات

پس از شکل گیری عملیات مشترک سپاه و ارتش از نیمه سال ۶۰ تا عملیات بدر در سال ۶۳ که به دنبال هر عملیات اطلاعیه مشترک صادر می شد، پس از سال ۶۳، با اینکه نیروی زمینی سپاه مستقلاً عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)، سلسله عملیات گسترده و نیمه گسترده کربلای ۱و ۳و ۴و ۵و ۸ و ۱۰ و ... را انجام داد، ولی باز هم اطلاعیه ها مشترک صادر می شد تا آنکه در عملیات والفجر ۱۰ با پیشنهاد سپاه به آقای هاشمی فرماندهی عالی جنگ، تبلیغات عملیات عملاً با نام سپاه و از سوی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام گرفت.

اقدامات و واکنش دشمن

واکنش ضعیف نیروهای عراقی در برابر تحرکات نیروهای خودی، فرض های متفاوتی را در خصوص غافلگیری و یا هوشیاری دشمن و میزان آن به ذهن متبادر می کند. مجموعاً می توان چنین نتیجه گرفت که دشمن به رغم مشکلاتی که داشت، در عملیات بیت المقدس ۲ توان زیادی برای متوقف کردن عملیات و در صورت امکان بازپس گیری مناطق تصرف شده، صرف کرد. از میزان بالای سرمایه گذاری ارتش عراق چنین استنباط می شد که دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خود ی و تبعات گسترده آن — در صورت اتصال خاک ایران به منطقه آزاد شده نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق — واقف بوده

و تلاش می کرد از هرگونه تصرف و تثبیت زمین در فصل زمستان و توسعه آن در فصل بهار جلوگیری به عمل آورد.

در حدفاصل بیت المقدس ۲ و والفجر ۱۰ تحرکات نیروهای خودی در منطقه بیت‌المقدس ۲ مجدداً بر حساسیت دشمن افزود. لذا از تاریخ ۴ و ۵ اسفند ۶۶ به بعد اقدام به دو تلاش اساسی نمود:

۱ – تهاجم سنگین به منطقه آزاد شده از سوی اتحادیه میهنی کردستان و اقدام به بازپس گیری آن.

۲ – تلاش مهندسی – نظامی روی ارتفاعات آسوس و تهدید جناح شمالی منطقه عملیات بیت المقدس ۲.

در منطقه عمومی دشت زور[۱] (منطقه عملیاتی حلبچه) به غیر از انتقال ۴ الی ۵ تیپ و در برخی از مناطق تعویض نیروهای جاش با نیروهای نظامی، تلاش دیگری از دشمن گزارش نشد. نظر به اینکه ستون پنجم افزایش تردد نیروهای خودی را مشاهده می کرد و نیروها با اتوبوس به دزلی منتقل می شدند و نیز با وجود اینکه دشمن در برخی از محورها از احداث جاده با خبر بود و روی عقبه دید داشت، اما واکنش جدی انجام نمی داد، لذا عدم تحرک دشمن مشکوک به نظر می رسید.

به هنگام آغاز عملیات، اولین عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران بود. اسراء دشمن اظهار می داشتند که ما از ۱۰ روز قبل در انتظار بودیم. حرکت بعدی دشمن بعد از آغاز عملیات، وارد کردن ۴ تا ۵ تیپ بود که عمدتاً متوجه شیندروی و بالامبو بودند و حساسیت زیادی نسبت به ارتفاعات سورن نداشتند. به دنبال انسداد تنگه در مرحله سوم عملیات، نیروهای دشمن نخست سعی کردند از محاصره خارج شوند ولی موفق نشدند. پس از آنکه دشمن درک صحیح نسبت به عملیات پیدا کرد، از آن جایی که از نظر زمان عقب بود و یک جبهه را به طور کامل با توپخانه، فرماندهی و ... از دست داده بود، نتوانست اقدام جدی برای بازپس گیری انجام دهد. لذا مبادرت به جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت سید صادق نمود.

بعدها وقتی که فرمانده لشکر ۴۳ ارتش عراق به اسارت درآمد، در اظهاراتش ضمن تمجید و ابراز شگفتی از سرعت عمل رزمندگان، غافلگیری کامل عراق را تأیید کرد. وی

---

۱ – نام اصلی منطقه "دشت زهور" به معنای دشت گل هاست که برای این منطقه سرسبز و پر گل، اسم با مسمایی است.

همچنین گفت که ما از یک ماه پیش به منطقه حساس شده و جاده را می دیدیم ولی جدی نمی گرفتیم، تا آنکه من روز دوم عملیات با فرمانده سپاه (یکم عراق) تماس گرفتم و گفتم این عملیات اصلی ایران است، او ابتدا نپذیرفت ولی روز سوم بر این نظر صحه گذاشت. پس، عملیات والفجر ۱۰ با توجه به اظهارات اسرای عراقی و نیز مجموع اقدامات و عکس‌العمل های دشمن در حین و بعد از عملیات، تماماً حاکی از غافلگیر شدن دشمن در برابر ابعاد گسترده عملیات بود.

دشمن در برابر اقدامات جمهوری اسلامی از منطقه فاو تا پاوه به دلیل عدم درک صحیح از تدابیر جدید ایران، نتوانست به جمع بندی صحیح برسد. لذا چنین پیش بینی می کرد که عملیات گسترده ما در جنوب انجام خواهد گرفت و جنوب در اولویت اول قرار دارد در غرب هم منطقه اصلی عملیات را منطقه بیت المقدس ۲ پیش بینی می کرد و محور حلبچه را به عنوان فریب آن منطقه محسوب می کرد. پیش فرض فوق عنصر اصلی در عقب ماندگی دشمن و عدم درک صحیح آن نسبت به ابعاد و گستردگی عملیات و نیز سمت اصلی تک بود که در نهایت منجر به از دست دادن منطقه وسیعی از دشت زور شد.

تلفات دشمن و غنایم

علاوه بر اسارت بیش ا ز شش هزار نفر از نیروهای دشمن، بیش از ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر و همچنین چند قبضه توپ و کاتیوشا و تعدادی خودروهای مختلف از دشمن منهدم شد. با توجه به غافلگیری دشمن، غنائم به دست آمده در مقایسه با آنچه که از دشمن منهدم شد از شمار بیشتری برخوردار بود. چنانکه ۳۰ الی ۴۰ دستگاه تانک، ۳ دستگاه نفربر ام ۱۱۳، ۵۰ الی ۶۰ دستگاه انواع مختلف توپ، ۲ خودرو مخابرات، ۳ دستگاه مرکز تلفن ۱۰ شماره ای، ۲ دستگاه کمپرسی و اقلام دیگری به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

بازتاب عملیات والفجر ۱۰

واکنش رسانه های خبری و کارشناسان و تحلیل گران محافل سیاسی – نظامی نسبت به عملیات والفجر ۱۰ در فضای ناشی از حملات موشکی عراق به تهران انجام گرفت. ابعاد و تبعات موشک باران تهران که برای نخستین بار انجام می گرفت، بیش از عملیات والفجر

۱۰ در کانون توجهات قرار داشت. در ثانی، عملیات والفجر ۱۰ که در غرب کشور انجام شده بود، بدان جهت که فاصله منطقه عملیات والفجر ۱۰ تا کرکوک نسبتاً زیاد بود، در مقایسه با منطقه جنوب از اهمیت کمتری برخوردار بود، لذا انعکاس و تأثیر آن در روند تحولات سیاسی – نظامی جنگ کم رنگ تر از انعکاس دیگر عملیات های بزرگ بود. ثالثاً بمباران شیمیایی حلبچه و ابعاد آن به عنوان یک فاجعه هولناک انسانی، کلیه رخدادهای جنگ و عملیات والفجر ۱۰ را برای مدت کوتاهی تحت تأثیر قرار داد.

عملیات بیت المقدس ۲

تصرف ارتفاع گرده رش در عملیات نصر ۸ امکان عبور از رودخانه قلعه چولان و ورود به غرب آن و گسترش به سمت شمال غربی و جنوب منطقه را فراهم کرد. ضمن اینکه با عملیات نصر ۴ و تصرف شهر ماؤوت نیز امکان اجرای عملیات در جناح چپ منطقه، شامل شرق رودخانه قلعه چولان فراهم شد. نتایج مجموعه موفقیت های حاصله در سلسله عملیات پیشین در منطقه شمال غرب سبب گردید تا شرایط لازم برای اجرای عملیاتی بزرگ در شمال سلیمانیه فراهم شود.

ضرورت تداوم عملیات در محور ماؤوت، سبب گردید عملیات بیت المقدس ۲ در ۶۶/۱۰/۲۵ در سخت ترین وضعیت جوی و در میان برف و سرما، با هدف «تصرف جاپا برای نزدیکی به شهر سلیمانیه و سد دوکان و قلعه دیزه عراق» طرح‌ریزی و اجرا شود.

در چنین موقعیتی، یگان ها علاوه بر مشکلاتی که برای استقرار داشتند، به هنگام پیشروی و رسیدن به مواضع دشمن نیز با دشواری های بسیار مواجه بودند. چنانکه نیروها بعضاً مسیرهای طولانی را در میان برف و در کوهستان به مدت ۶ تا ۸ ساعت طی می کردند. تراکم برف در برخی محورها سبب گردیده بود که نیروها تا زانو در برف فرو روند و همین امر منجر به کاهش توان آنها می‌شد.

بخشی از مشکلات ناشی از اوضاع جوی و زمین موجب تأخیر در جا به جایی سریع نیروها می شد. طوری که پس از گذشت ۴۸ ساعت نیروها می بایست به دلیل خستگی، خیسی و گل آلود بودن لباس ها و بیماری تعویض می شدند. فرمانده یکی از یگان های سپاه در این باره گفت: « در خط سنگر نداریم، زمین خیلی گل و شل است، امکان کار نمی دهد. پر کردن گونی هم به خاطر وضع زمین ممکن نیست، نیروها در اینجا دیگر توانی ندارند.»

فرمانده یکی دیگر از یگان های سپاه نیز در مورد یک گردان از نیروهایی که پای کار آمدند اظهار داشت: « چادر نمی شد زد، چون نزدیک خط بود. (نیروها) پتو روی خود کشیدند. حدود ۳۰-۲۰ سانتی متر برف روی آنها نشسته بود. ۳ نفر حالشان بسیار بد شد و بیهوش شدند. یک نفر هم بر اثر سرمای شدید شهید شد.»

اجرای عملیات در چنین وضعیت سخت و دشواری، علاوه بر ملاحظات مختلفی که وجود داشت، اساساً به این امید و انتظار انجام می گرفت که مقدمات غافلگیری دشمن را فراهم سازد.

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ در شمال استان سلیمانیه عراق واقع شده است. این منطقه عملیاتی از شمال به ارتفاعات گرده رش و ویولان، از جنوب به ارتفاعات الاغلو، دولبشک و یاش قلعه و از شرق به ارتفاعات آمدین و گلان و از غرب به ارتفاع گوجار منتهی می‌شود. رودخانه قلعه چولان زمین منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است و از شمال تا جنوب منطقه عملیاتی امتداد دارد. عقبه نزدیک منطقه، شهر بانه می باشد که منطقه عملیاتی را با جاده کاگر – بانه به شهر بانه متصل می کند.

طرح مانور

عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد. بدین ترتیب که در مرحله اول ارتفاعات ویولان، دشت هرمدان، یالهای ابتدای ارتفاع گوجار و یال های مقابل این ارتفاع که بر ارتفاع الاغلو و تنگه الاغلو تسلط داشت و نیز ارتفاعات الاغلو، قمیش و دولبشک به همراه تنگه

دولبشک – الاغلو، تصرف شود و در مرحله دوم پس از تأمین اهداف مرحله اول، با تصرف ارتفاعات موکبه و قیوان پیشروی به سمت عمق منطقه، انجام گیرد.

تداوم عملیات درعمق منطقه پس از مرحله اول، از جمله تدابیری بود که تحقق آن، علاوه برکسب موفقیت در مرحله اول، به عوامل دیگری همچون توان نیروهای خودی و وضعیت دشمن در منطقه بستگی داشت.

موقعیت زمین منطقه و تقسیم آن به دو قسمت شرقی و غربی، به جهت تأثیر رودخانه قلعه چولان، سبب گردید تا اجرای عملیات با دو قرارگاه نجف و قدس پیش بینی شود. بدین ترتیب که قرارگاه نجف در محور قمیش (دشت هرمدان) با ۴ لشکر و ۴ تیپ شامل لشکرهای ۵ نصر، ۶ پاسداران، ۲۱ امام رضا (ع)، ۱۵۵ شهداء و تیپ های ۳۵ امام حسن(ع)، ۱۸ الغدیر، ۱۲ قائم و ۴۸ فتح، مجموعاً با ۵۷ گردان و قرارگاه قدس با ۶ لشکر و یک تیپ شامل لشکرهای ۱۰ سیدالشهداء(ع)، ۳۱ عاشورا، ۳۲ انصارالحسین (ع)، ۲۷ حضرت رسول(ص)، ۵۲ قدس و ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ زرهی ۲۰ رمضان، مجموعاً با ۴۷ گردان، مأموریت اجرای عملیات را برعهده گرفتند.

وضعیت دشمن

تحرک نیروهای خودی در منطقه فاو و اجرای عملیات بزرگ سالانه در منطقه جنوب، سبب گردید تا دشمن توجه ذهنی و تمرکز نیروهای خود را به منطقه جنوب معطوف نماید. وضعیت فصلی در منطقه شمال غرب نیز به گونه ای بود که دشمن با توجه به سوابق عملیات های پیشین رزمندگان اسلام در این منطقه، امکان عملیات جدی و گسترده را پیش‌بینی نمی کرد. در مجموع این عوامل منجر به غافلگیری دشمن شد. حتی پس از اجرای مرحله اول عملیات، دشمن همچنان از انتقال نیروی متناسب با این عملیات به منطقه امتناع کرد. تنها پس از آغاز مرحله دوم عملیات و با پیشروی به سمت ارتفاعات مهم و استراتژیک الاغلو و دولبشک، عراق با درکی که نسبت به سمت اصلی تلاش های ایران در این منطقه پیدا کرد، تدریجاً به انتقال یگان های جدید و یگان های احتیاط سپاه یکم و سپاه دوم و همچنین دوتیپ ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص از لشکر گارد، اقدام کرد. نیروهای دشمن که از ابتدا تا انتهای عملیات به منطقه وارد شدند مجموعاً ۸ تیپ و ۴ گردان بودند.

اجرای عملیات

به رغم مشکلات بسیاری که برای اجرای عملیات در فصل سرما و یخبندان و در میان ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تلاش های وسیعی به منظور فراهم‌سازی مقدمات عملیات انجام گرفت. همچنین علاوه بر اقدامات شناسایی و طرح‌ریزی عملیات، فعالیت‌های گسترده‌ای برای باز نگاه داشتن جاده ها در مقابل ریزش برف انجام گرفت. علاوه بر این برای تردد نیروهای لشکرهای ۱۰ و ۳۱ در محور قمیش، روی رودخانه قلعه چولان پلی نصب شد.

سرانجام پس از جابجایی نیروها، عملیات بیت المقدس ۲ در ساعت 1:15 بامداد روز جمعه ۶۶/۱۰/۲۵ با رمز مبارک " یا زهرا سلام الله علیها " آغاز شد. ابتدا یگان های قرارگاه نجف و سپس نیروهای قرارگاه قدس در سه محور ویولان، دشت عمومی هرمدان و ارتفاع قمیش وارد عمل شدند. نتایج عملیات در شب اول به شرح زیر بود:

- لشکر ۳۲ انصار در محور ماؤوت تحت امر قرارگاه قدس برای تصرف یال‌های انتهایی قشن وارد عمل شد. اهمیت تصرف و پاکسازی و تأمین این منطقه به دلیل فراهم سازی امکان عبور یگانهای بعدی به سمت ارتفاع آمدین بود. پیچیدگی و استحکامات موجود در منطقه سبب گردید تا ادامه عملیات در این محور به شب بعد موکول شود.
- لشکر ۳۱ عاشورا روی ارتفاع قمیش وارد عمل شد و با استفاده از راه کار لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) پیشروی کرد طوری که قبل از روشن شدن هوا، مواضع دشمن دراین محور سقوط کرد.
- لشکر ۶ پاسداران نیمی از ارتفاع ویولان را تصرف کرد. علت اصلی عدم تصرف کامل این ارتفاع، وجود برف زیاد و مشکل تردد نیروها بود.
- لشکر ۵ نصر، تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ ۱۸ الغدیر دشت عمومی هرمدان را تا ساعت ۹ صبح پاکسازی کردند.
- ارتفاع قمیش در محور لشکر ۱۰ به طور کامل تصرف شد و در سمت لشکر ۳۱ قله اصلی آن تصرف نشد و الحاق کامل ایجاد نگردید. مجموعاً در شب اول به رغم مشکلاتی که در تردد نیروها در میان برف و کوهستان و در مسیرهای طولانی وجود داشت، بخش عمده اهداف مورد نظر تأمین شد.

با روشن شدن هوا عملیات همچنان ادامه یافت. نیروهای دشمن که در محاصره قرار گرفته بودند بعضاً برای فرار به میان برفها می رفتند که جز مرگ یا اسارت سرانجام دیگری نداشتند. در مجموع، عکس العمل جدی و قابل توجهی از دشمن مشاهده نشد و همین امر نشانه غافلگیری دشمن نیز بود.

متقابلاً برابر تدبیر فرماندهی قرارگاه نجف برای ورود به تنگه قمیش و پشت سرگذاشتن مواضع دشمن، نیروهای تحت امر این قرارگاه با یک خیز نسبتاً بلند وارد تنگه شدند و بدین ترتیب مواضع دشمن در پشت ارتفاع قمیش از سمت دهکده، متزلزل شد. ضمن اینکه نیروهای لشکر عاشورا نیز قبل از ورود نیروهای قرارگاه نجف به داخل تنگه، قله اصلی ارتفاع قمیش را تصرف کردند و در نتیجه نیروهای خودی به طور کامل بر این منطقه مسلط شدند.

موقعیت جد ید نیروهای خودی در این منطقه (تنگه قمیش) و تأثیرات ناشی از این وضعیت، منجر به افزایش حساسیت دشمن و در نتیجه افزایش فشار قوای عراقی برای بازپس گیری منطقه گردید.

پس از این مرحله موفقیت آمیز، لازمه تداوم عملیات تصرف ارتفاعات دولبشک و الاغلو بود تا بدین وسیله امکان پیشروی به سمت ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم شود. با گذشت زمان و تداوم عملیات نیروهای خودی در شب‌ها و روزهای بعد، در اوضاع جوی بسیار نامساعد و افزایش تدریجی حضور نیروهای دشمن و فشار آنها، ادامه عملیات ضرورتاً نیاز به توان بیشتری داشت و این امر تنها با کسب زمان برای بازسازی یگان‌ها امکان پذیر بود. بنابراین، نیروها در محورهای مختلف به تثبیت منطقه تصرف شده اقدام کردند.

در این عملیات ضمن تصرف ارتفاعات آمدین، ویولان، گوجار، قمیش، تپه سوزنی و گرده شیلان، امکان تردد نیروهای قرارگاه رمضان به مناطق آزاد شده در داخل خاک عراق فراهم شد. در این میان، مجموعاً بیش از ۷۰٪ از اهداف ارضی عملیات تأمین شد.

در این عملیات بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی و بین ۵۰ تا ۱۰۰٪ یگان‌های درگیر آن در منطقه منهدم شدند. غنائم به دست آمده در این عملیات نیز قابل توجه بود.

عملیات بیت المقدس ۳

تجارب حاصله از سلسله عملیات های پیشین در منطقه شمال غرب به ویژه عملیات بیت‌المقدس ۲، مبین وجود نوعی تناقض بود. بدین معنا که از یک سو به دلیل وجود دورنمای روشن نسبت به آینده، در صورت پیشروی در عمق خاک عراق و غافلگیر شدن دشمن نسبت به نیات و اهداف اساسی ایران در این منطقه، هرگونه " سرعت عمل" در شناسایی، طرح ریزی و اجرای عملیات می توانست مقدمات کسب پیروزی را با به دست آوردن موقعیت های مناسب فراهم سازد.[1] از سوی دیگر، مشکلات اجرای عملیات با توجه به فصل سرما و وضعیت جوی و زمین و معضلات اساسی در احداث جاده و تأمین عقبه‌های مناسب و دشواری‌های موجود برای جا به جایی سریع نیروها و همچنین باسازی یگان‌های عمل کننده، هرگونه کسب پیروزی نیاز به زمان و اقدامات مهندسی مناسب داشت.

بنابراین، تعجیل در اجرای عملیات عملاً سبب می شد که ضمن تحلیل رفتن توان نیروهای خودی، دشمن نیز تدریجاً با توجیه نسبت به سمت اصلی تهاجم رزمندگان اسلام و اهدافی که مورد نظر بود با جا به جایی نیرو و تجهیز زمین، پیشروی نیروهای خودی را با مشکلات و موانع اساسی مواجه سازد. وضعیت ناشی از این تناقض و در عین حال دشواری‌ها و موانع موجود، منجر به توقف عملیات بیت‌المقدس ۲ شد و در پی آن بحث و بررسی اساسی برای ادامه عملیات در این منطقه صورت گرفت که منتهی به تصمیم‌گیری برای اجرای عملیات بیت‌المقدس ۳ شد.

در بحث‌هایی که در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ (که پس از توقف عملیات بیت‌المقدس ۲) صورت گرفت، فرماندهان سپاه در این مورد اتفاق نظر داشتند که شرط اساسی اجرای عملیات و کسب پیروزی، امکانات و توان مهندسی مناسب می باشد[2]. برهمین اساس، پیش بینی لازم صورت گرفت و زمان اجرای عملیات ۶۶/۱۱/۲۰ تعیین شد.

---

۱ - تصرف ارتفاعات الاغلو و دولبشک می توانست امکان حضور نیروهای خودی را روی ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم نمایند. در این صورت موقعیت دشمن در این منطقه متزلزل می شد و یا اتصال منطقه آزاد شده تحت کنترل معارضین عراقی به داخل ایران، بخشی از مناطق مهم دشمن از کنترلش خارج می‌شد.

۲ - استقرار نیروهای سپاه در منطقه جنوب واقع در فاو به منظور طرح‌ریزی عملیات سبب شده بود تا بخشی از توان سپاه تجزیه شده و در منطقه شمال غرب عملاً قابل بهره‌برداری نباشد.

تلاش‌ها و اقدامات دشمن

در عملیات بیت المقدس ۲ بویژه درمرحله اول عملیات، دشمن نیروهای قابل توجهی را به منطقه منتقل نکرد و همین مسئله منجر به پیدایش این باور و درک شد که توجه دشمن معطوف و متمرکز به منطقه جنوب شده و عملاً نیز غافلگیر شده است. مجدداً به هنگام بحث و بررسی توقف عملیات بیت المقدس ۲ و تعیین زمان برای اجرای عملیات بیت‌المقدس ۳، برپایه درکی که نسبت به رفتار و عملکرد دشمن در عملیات بیت المقدس ۲ وجود داشت، چنین پیش بینی می‌شد که دشمن نیروی قابل توجهی را به منطقه اعزام نخواهد کرد.

شکل گیری این ذهنیت در مورد دشمن و پیش بینی رفتار و عملکرد احتمالی آن، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ و تعیین اهداف این عملیات داشت.

در عین حال، چندی بعد دشمن سلسله تحرکات مهمی را در منطقه شمال غرب انجام داد. دشمن با جا به جایی و انتقال نیرو، مواضع خالی بر روی ارتفاعات موکبه، قیوان، یال‌های گوجار و نیز محور حساس آسوس را پر کرد. این اقدام دشمن با توجه به امیدواری نیروهای خودی به تصرف این ارتفاعات پس از اجرای عملیات روی دولبشک و الاغلو در عملیات بیت المقدس ۲، نشانه دشواری‌های تداوم نبرد در این محور برای تحقق استراتژی عملیات در حد فاصل سد دوکان تا کاریزه بود که در سال ۶۶ مورد نظر قرار گرفت. همچنین دشمن با حمله گسترده و وسیع به اکراد معارض، با استفاده از سلاح شیمیایی، مناطقی را که معارضین کرد عراقی آزاد کرده بودند، تصرف کرد و همین موجب تخلیه این مناطق از ساکنان آن شد.

پیدایش وضعیت جدید سبب گردید تا نیروهای کرد معارض برای رهایی از فشارهای دشمن، برای اجرای عملیات تلاش کنند. لیکن به علت مشکلاتی که برای اجرای عملیات وجود داشت، هرگونه تعجیل به منزله ناکامی در دستیابی به اهداف عملیات تلقی می شد.

تلاش برای اجرای عملیات

پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، شرط ادامه عملیات، علاوه بر ایجاد عقبه مناسب با احداث جاده از پاسگاه پلیس و از طریق ارتفاع ژاژیله و نصب پل روی رودخانه تا دشت هرمدان، فعال کردن قرارگاه رمضان از داخل مناطق آزاد شده بود. این امیدواری وجود

داشت که با احداث جاده، موقعیت مناسب برای نقل و انتقال و پشتیبانی عملیات فراهم آید. همچنین اجرای مانور از داخل منطقه آزاد شده نیز با حمله به عقبه های دشمن، امکان دستیابی به اهداف عملیات را تسهیل کند.

بر این مبنا، تلاش های فشرده ای جهت فراهم سازی دو شرط اساسی و لازم برای اجرای عملیات آغاز شد. با گذشت زمان و به رغم تلاش‌هایی که انجام می‌گرفت، مشکلات ناشی از اوضاع جوی و وضعیت زمین برای احداث جاده روز به روز افزایش می‌یافت و به رغم اینکه ۸ یگان مهندسی از جهاد و یگان‌های مهندسی سپاه برای احداث جاده تلاش می کردند، لیکن چشم انداز روشنی برای آماده شدن جاده مطابق زمان از پیش تعیین شده مشاهده نمی شد. انتقال امکانات به داخل خاک عراق نیز به همین میزان با دشواری رو به رو بود.

به موازات مشکلات احداث جاده و انتقال امکانات به مناطق آزاد شده، از میزان آمادگی برای عملیات کاسته می شد و در نتیجه، امکان اجرای عملیات طبق زمان تعیین شده از میان می رفت. در چنین موقعیتی تأخیر در اجرای عملیات نیز مشکلات زیادی را به دنبال داشت. بدین معنا که در صورت استقرار نیرو در نزدیکی خط، امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت و تخلیه آنها از منطقه نیز منجر به تضعیف روحی نیروها که با انگیزه عملیات به منطقه آمده بودند، می شد. در عین حال، امکان هوشیاری دشمن نیز وجود داشت. چنان که تحرکات گسترده دشمن نیز در همین موقعیت انجام گرفت.

فرماندهی عملیات، برادر شمخانی، برای حل مشکلات عقبه، نیرو و استفاده از شبهای مهتابی، در وضعیت کاملاً نامساعدی قرار گرفته بود که تصمیم‌گیری برای اجرای عملیات را با دشواری رو به رو می ساخت.

تغییر در طرح مانور عملیات

فرماندهی عملیات براساس بررسی و تحلیل حرکت دشمن – که در نظر داشت راه‌کارهای عملیات را مسدود نماید – طرح مانور را تغییر داد. به این صورت که چون به علت تحرکات دشمن اجرای عملیات در محورهای کاریز و حرکت از پشت روی گوجار والاغلو دچار مشکل یا غیرممکن شده بود و همچنین به خاطر مشکلاتی که قرارگاه نجف برای تسریع در انجام دادن عملیات در سر راه خود داشت، در مجموع سبب گردید پیشنهاد

اجرای عملیات به صورت مرحله‌ای عنوان شود، به رغم اختلاف نظری که در این زمینه وجود داشت، نهایتاً با تأکید فرماندهی کل سپاه، محدود شدن طرح مانور عملیات مورد تأیید قرار گرفت.

در تدبیر جدید، گرچه محدودیت طرح مانور با استراتژی تعیین شده در سال ۶۶ برای منطقه غرب کشور مغایرت داشت، ولی از یک سو ضرورت اصل آفند و از سوی دیگر ضرورت آماده کردن زمینه عملیات در حلبچه، سبب گردید به منظور فریب دشمن، بر اجرای عملیات در این منطقه تأکید شود.[1]

به این ترتیب عملیات بیت المقدس ۳ در محور ماؤوت به تصرف ارتفاع گوجار محدود شد و تلاش اصلی به منطقه حلبچه معطوف گردید و بخشی از نیروها به این منطقه منتقل شدند. اصولاً، عملیات روی گوجار علاوه بر فریب دشمن، منجر به تکمیل خط پدافندی نیروهای خودی در محور ماؤوت می شد. مسئوولیت عملیات نیز به قرارگاه نجف واگذار شد.

طرح مانور عملیات

اجرای عملیات روی ارتفاع گوجار بستگی تام به تصرف الاغلو داشت و تصرف الاغلو نیز وابسته به تأمین ارتفاع دولبشک بود. به دلیل محدود شدن عملیات به تصرف گوجار، مشکلاتی در طرح‌ریزی عملیات بروز کرد. به همین دلیل بحث و بررسی مجدد در این زمینه منجر به ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای متفاوتی شد، لیکن با توجه به محدودیت نیرو و امکانات و مهمتر از همه ضرورت تسریع در انجام دادن عملیات، فرمانده کل سپاه مجدداً تصرف گوجار را به عنوان هدف قرارگاه نجف در عملیات بیت المقدس ۳ مورد تأکید قرار داد.

بنابراین تدبیر، لشکر ۵ نصر مأموریت داشت تا یال ۱ گوجار را از گرده هلکان تا پایین صخره‌ای تصرف و تأمین نماید. لشکر ۳۱ عاشورا نیز در زیر صخره‌ای با لشکر ۵ نصر الحاق کند و سپس روی تنگه آمده و خاکریز احداث نماید. همچنین تیپ ۳۵ امام

---

۱ - در واقع پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، عملیات در این محور به دلیل مشکلات تا اندازه ای فرعی شد و اجرای عملیات در منطقه حلبچه به عنوان تلاش اصلی دنبال می شد. در چنین وضعیتی ادامه تلاش در محور ماؤوت می‌توانست منجر به غافلگیری دشمن در منطقه حلبچه شود.

حسن(ع) می بایست قبل از بریدگی یال گوجار روی یال اصلی و یال ۲ را تا حداقل ۳ کیلومتر جلوتر (محل جدا شدن یال گاراده) تصرف و تأمین کند و تیپ ۱۲ قائم (عج) نیز قله گوجار و قسمتی از یال اصلی را تصرف و تأمین نمایند.

برای پشتیبانی هلی کوپتری منطقه، طرح خاصی پیش بینی نشده بود و پشتیبانی هوانیروز تنها به گروه هوانیروز کرمان که به مدت ۵ ماه در منطقه فعالیت کرده و فشار زیادی را متحمل شده بود، محدود می گردید. استعداد این گروه هوانیروز در منطقه شامل یک هلی کوپتر ۲۰۶، چهار هلی کوپتر ۲۱۴، یک هلی‌کوپتر کبری و همچنین یک هلی کوپتر ۲۰۶ از سپاه بود.

اجرای عملیات

زمان آغاز عملیات ساعت ۱ بامداد ۶۶/۱۲/۲۳ تعیین شده بود. نیروها از حوالی غروب تدریجاً از مقر خود در دشت هرمدان به سوی نقاط رهایی حرکت کردند. در این حال وضعیت جوی نیز رو به تغییر نهاد و تدریجاً بارش برف آغاز شد. مه غلیظ منطقه را پوشانده و موجب محدودیت دید رزمندگان شده بود که همراه با سرمای شدید و وجود برف روی قله گوجار سختی شدیدی را به آنها تحمیل می‌کرد، طوری که نیروهای تیپ ۱۲ قائم (عج) مسیر را گم کردند.

سرانجام به رغم دشواری های موجود، نیروها در کلیه محورها آمادگی خود را برای اجرای عملیات اعلام کردند و در ساعت ۱ بامداد عملیات با رمز مبارک " یا موسی بن جعفر (ع)" آغاز شد. نخست نیروهای تیپ ۱۲ و سپس نیروهای لشکر ۳۱ با دشمن درگیر شدند. نیروهای لشکر ۵ و تیپ ۳۵ همچنان دچار مشکل بوده و به رغم گذشت نیم ساعت از آغاز عملیات، هنوز با دشمن درگیر نشده بودند.

در ساعت ۳:۱۰ بامداد نیروهای لشکر ۳۱ اعلام کردند که مأموریت خود را به طور کامل انجام داده اند. در نزدیکی صبح، لشکر ۵ پس از درگیری با دشمن اعلام کرد که هدف خود را با تصرف هلکان تأمین کرده است و درگیری روی صخره‌ای ادامه دارد.

تیپ ۱۲ قائم که مسیر خود را گم کرده بود، پس از روشن شدن هوا قله گوجار را تصرف و تأمین کرد. نیروهای دشمن در سنگرهای روی گوجار همگی یخ زده بودند و لذا تصرف و پاکسازی آن سنگرها به سهولت انجام گرفت. نظر به اینکه تصرف گرده هلکان

دچار مشکل شده بود، از نیروهای ۱۲ قائم (عج) برای کمک به لشکر ۵ نصر استفاده شد. در زمانی که اهداف هنوز به طور کامل تصرف و تأمین نشده بود، اخبار واصله از شنود دشمن به قرارگاه نجف حاکی از انتقال نیروهای کماندویی سپاه پنجم به منطقه و آمادگی آنها برای پاتک بود.

با روشن شدن هوا یگان‌های مستقر روی گوجار (تیپ ۳۵ و تیپ ۱۲) درخواست هلی کوپتر کردند تا مجروحین تخلیه شوند و تدارکات و مهمات برای آنها ارسال شود. ولی محدودیت در تعداد هلی‌کوپتر و فقدان تور برای اسلینک مهمات و تدارکات مانع از تأمین درخواست یگان‌های مذکور شد.

با گذشت زمان همچنان تلاش برای تصرف مجدد گرده هلکان و صخره‌ای متوقف شده و دشمن نیز با توجه به خلاء موجود بین تیپ ۳۵ و لشکر ۳۱ فشار خود را در این محور متمرکز کرده بود. در چنین موقعیتی، تیپ ۱۲ از یال ۱ گوجار به سمت یال ۲ پیشروی کرد.

مجموعاً در شب و روز اول عملیات، اهداف عملیات به غیر از اهداف لشکر ۵ و بخشی از جناح راست آن، تأمین شد و تلاش دشمن نیز برای باز پس‌گیری مناطق بسیار ضعیف بود. تخلیه مجروحین و اسلینک مهمات و تدارکات با استفاده از هلی کوپتر مهمترین مشکل یگانها در روز اول بود که کماکان لاینحل باقی ماند.

در شب دوم عملیات، قرار شد نیروهای تیپ ۳۵ با سرازیر شدن به طرف چپ تا نزدیک گرده هلکان را تصرف و پاکسازی نمایند. لشکر ۵ نیز با استفاده از موقعیت تیپ ۳۵، عملیات خود را از آخرین حد تصرف شده به سمت چپ ادامه دهد و با گذشتن از گرده هلکان به سمت صخره ای، در پایین صخره ای با لشکر ۳۱ الحاق نماید.

ساعت ۲۱ شب ۶۶/۱۲/۲۳ عملیات شب دوم آغاز شد، ولی موفقیتی به دست نیامد و تنها لشکر ۵ نصر یکی از تپه های کوهان شتری نرسیده به گرده هلکان را به تصرف خود درآورد. همزمان با آغاز عملیات در شب دوم، دشمن به گلوله باران شیمیایی در شیارهای دشت هرمدان که عقبه یگان‌ها بود، اقدام کرد. این مسئله بر تعداد مجروحین ومشکلات انتقال آنها افزود.

در شب سوم با کسب اطلاعات جدید از موقعیت دشمن در گرده هلکان و صخره‌ای، مجدداً طرح ریزی و اجرای مانور به منظور تأمین دو منطقه یاد شده آغاز شد. همچنین

قرارگاه رمضان برای اجرای عملیات از سمت غرب روی یال گاراده (یال شماره ۳) اعلام آمادگی کرد.

عملیات شب سوم در ساعت یک بامداد ۱۲/۲۵ آغاز شد. لشکر ۳۱ عاشورا اهداف خود در صخره‌ای را تصرف کرد. لشکر ۵ نصر گرده هلکان را تصرف و تأمین کرد و تنها راه‌کار زیر گرده هلکان همچنان مسئله داشت و با الحاق نیروها در این منطقه در حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد، معضل موجود برطرف شد.

بدین ترتیب، اهداف مورد نظر پس از اجرای عملیات در سه شب متوالی، به رغم مشکلات ناشی از اوضاع جوّی، وضعیت زمین و فقدان پشتیبانی هلی‌کوپتری و سایر معضلات موجود، تصرف و تأمین گردید.

عملیات کربلای ۱۰

مناطق آزاد شده در کردستان عراق و حضور نسبتاً گسترده اکراد معارض عراقی در این مناطق، سبب گردید تا در مرحله اول گشایش جبهه جدید در غرب کشور عمدتاً معطوف به "اتصال عقبه مناطق آزاد شده به ایران و باز شدن عقبه نیروهای معارض" شود.

آنچه که همزمانی دو عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ را از سمت داخل خاک ایران، توسط سپاه پاسداران و در داخل خاک عراق، توسط اکراد معارض، توجیه می کند همین هدف (اتصال مناطق آزاد شده به ایران) می باشد. طبعاً تحقق این اهداف برای هر یک از طرفین که به اجرای عملیات مبادرت کردند، منافعی را در پی داشت. با این اقدام، اکراد معارض از پشتیبانی ایران برخوردار می شدند و متقابلاً، ایران با اهرم اکراد معارض، پیشروی در شمال عراق را تسریع و تسهیل می کرد. بدین ترتیب که اکراد معارض با اتکاء به توانمندی نظامی ایران و باز شدن عقبه این نیروها به سمت ایران، برای رهایی از فشارهای عراق موقعیت جدیدی را فراروی خود مشاهده می کردند و ایران نیز متقابلاً از قدرت مانور سیاسی – نظامی مناسبی برای فشار به عراق برخوردار می شد و مجموع این عوامل،

امکان تحقق اهداف ایران را تسهیل و فراهم می کرد. بر همین پایه، تصرف ارتفاعات گلان، گلو،اسپیدار، سرگلو، بالوکاوه، برده هوش، ژاژیله، قشن و تأمین سرزمین‌های شمال شرقی استان سلیمانیه عراق در دستور کار قرار گرفت.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات کربلای ۱۰ در محور بانه – سردشت، از شمال به رودخانه مرزی گلاس، از جنوب به رودخانه آوسیویل، از شرق به سورکوه و از غرب به ارتفاعات گرده رش و سپس ارتفاعات عمومی آسوس منتهی می شد.

منطقه عملیاتی دارای عوارض حساس و ارتفاعات نسبتاً بلند و صعب‌العبور بود که به خاطر فقدان جاده، تردد در این مناطق بسیاردشوار به نظر می رسید. بلندترین کوه منطقه " گارو" نام دارد که به کلیه عارضه ها و مناطق اطراف دید و اشراف دارد. همچنین، علاوه بر روستاها و شهرک‌های متعددی که در سطح منطقه وجود دارد، رودخانه های چومان، گلاس، زاب صغیر، قلعه چولان و آوسیویل در منطقه جریان دارند. به دلیل وجود درختان مرتفع در پایین ارتفاعات، وضعیت برای اختفاء نیروهای پیاده و حتی تحرک و جابجایی آنها در روز کاملاً مناسب بود.

استعداد و آرایش دشمن

استعداد و گسترش دشمن در این منطقه تا قبل از عملیات والفجر ۹ که در بهمن سال ۶۴ توسط نیروی زمینی سپاه صورت گرفت، قابل توجه نبود. لیکن پس از آن، به ویژه بعد از دو عملیات فتح ۱ و ۲ (حمله به تأسیسات کرکوک) که قرارگاه رمضان با سازماندهی کردهای معارض عراقی انجام داد، دشمن مجدداً حساس شد و تلاش‌های نسبتاً وسیعی را به منظور تصرف مناطق تحت تسلط کردها و مسدود کردن معابر وصولی به عمق خاک عراق انجام داد. چنان که تیپ‌های کماندویی سپاه هفتم و سپاه سوم ارتش عراق و دو تیپ کماندویی از سپاه یکم و دو تیپ گارد و چند گردان مستقل کماندویی با نظارت شخص صدام طی ۱۰۰ روز بسیاری از ارتفاعات را به تصرف خود درآوردند. در واقع، دشمن به جز تصرف منطقه " یاغمسر"، محل استقرار نیروهای اتحادیه میهنی کردستان به رهبری

جلال طالبانی، کلیه اهداف خود را تأمین کرد[۱]. تحرکات دشمن پس از عملیات فتح ۱ بر پایه این تحلیل انجام می گرفت که در صورت عدم مقابله جدی، قوای نظامی ایران با تقویت نیرو به سمت "ازمر" و سپس "سلیمانیه" پیشروی خواهند کرد. به همین دلیل، دشمن در ادامه تلاش‌های خود اقدام به تشکیل لشکر ۳۹ کرد و تیپ ۱۰۵ پیاده از لشکر ۳۴ را تحت امر آن قرار داد تا با همکاری جاش‌های مستقر در منطقه و یک گردان کماندویی، حدفاصل منطقه بین لشکر ۳۴ و لشکر ۲۷ را که باز بود، پوشش داده و تأمین نمایند. پیدایش این وضعیت، به ویژه تصرف " گرده رش" موجب محدود شدن ارتباط نیروهای کرد معارض در مناطق آزاد شده با قرارگاه رمضان شد.

گسترش دشمن در این منطقه بدین شکل بود که سپاه یکم با یگان‌های زیر در منطقه عمومی عملیات پدافند کرده بود:

لشکر ۲۴ پیاده: از شاخ مندا تا ده هرزینه.

لشکر ۳۹ پیاده: از ده هرزینه تا انتهای گرده رش و تنگه آوسیویل.

لشکر ۳۴ پیاده: ازتنگه آوسیویل تا بارانه.

لشکر ۲۷ پیاده: از یارانه تا هانی قول.

لشکر ۳۶ پیاده: از تمورژنان تا سترمک.

نیروهای دشمن که در برابر نیروهای خودی آرایش گرفته بودند مجموعاً شامل لشکرهای ۳۴ پیاده و ۳۹ پیاده بودند.

طرح مانور عملیات

ابهامات موجود، فرا رسیدن زمان ترخیص نیروها، تعجیل قرارگاه رمضان در اجرای عملیات، ناهماهنگی موجود در قرارگاه، احتمال لو رفتن عملیات و هوشیاری دشمن و

---

۱ - گرچه اجرای عملیات در غرب کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر بود و به همین دلیل مورد توجه قرار گرفت، لیکن در عین حال به سه مسئله اساسی توجهی نشد و بسیاری از مشکلات نیز متأثر از همین مسئله بود:

الف) برپایه اطلاعات و تحلیل موجود عکس العمل دشمن به این گستردگی و سرعت پیش بینی نمی شد.

ب) اکراد معارض در برابر فشارهای ارتش عراق بیش از اندازه ناتوان بودند، حال آنکه چنین تصوری وجود نداشت.

ج) مشکلات در جنگ در غرب کشور، به ویژه در فصل سرما، برای یک عملیات گسترده بیش از اندازه زیاد بود و لذا پیش بینی لازم انجام نشده بود.

برخی از نارسایی ها و مشکلات دیگر، سبب شده بود تصمیم گیری در اجرای عملیات و برخورداری از سرعت عمل لازم برای تعیین طرح مانور عملیات و محورهای اصلی حمله، با موانع متعددی مواجه شود. در عین حال در مباحث اولیه، با تأکید بر ضرورت حضور یگان های قوی سپاه در جنوب برای انجام دادن عملیات کربلای ۸ چنین پیشنهاد می شد که در مرحله اول، مأموریت یگان‌های مستقر در منطقه به منظور تصرف ارتفاعات خالی از دشمن به شکل زیر انجام شود:

۱ - **محور شمالی:** قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۱ با تیپ ۱۱۰ خاتم‌الانبیاء(ص) و تیپ امام حسن (ع) و گردانهای جندالله.

۲ - **محور میانی:** قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۲ با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع) و تیپ ۹ بدر.

۳ - **محور جنوبی:** سپاه کردستان با لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا و گردان‌های جندالله.

در این مقطع، هدف عملیات از محور سردشت روی ارتفاعات ژاژیله، گرده‌رش، گلان و ماؤوت در نظر گرفته شده بود تا با محور جنوبی که روی ارتفاعات رت ۱ و ۲ عمل می کردند، الحاق انجام شود.

همچنین مقرر گردید قرارگاه رمضان با مأموریت انهدام عقبه دو قرارگاه دشمن در محورعمومی ماؤوت و چوارتا روی ارتفاعات سورقلات، شاخ کانل، کاریزه، الاغلو، قمیش، کلاله و شاخ گوجار نیز عمل نماید. استعداد قرارگاه رمضان عبارت بود از: تیپ ۶۶ هوابرد، تیپ ۵۵ ویژه پاسداران، تیپ ۷۵ ظفر، گردان شهادت و نیروهای اتحادیه میهنی کردستان.

حضور فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، در منطقه - تنها یک هفته قبل از عملیات - و تلاش برای اجرای عملیات، همزمان با عملیات کربلای ۸ در جنوب، موجب شد اقدامات مقدماتی با شتاب قابل توجهی انجام شود و در طرح مانور تغییراتی ایجاد گردد.

چنان که تلاش برای همزمانی عملیات کربلای ۱۰ با عملیات کربلای ۸ سبب گردید که عملیات به دو مرحله تقسیم شود. بدین شکل که اگر عملیات غرب و جنوب هر دو موفق بود، در هر دو منطقه، تا تثبیت منطقه عملیات ادامه یابد و در صورتی که جنوب موفق

نشد، بلافاصله یگان‌های جنوب به غرب منتقل شوند و مرحله دوم عملیات صورت گیرد. براین اساس، طرح عملیات مشخص شد.

- طرح مانور مرحله اول عملیات

قرارگاه نجف با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، تیپ قائم کردستان و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) به ترتیب زیر عمل نماید:

لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) درارتفاعات گلان و اسپیدره و پاسگاه پلیس، تیپ قائم کردستان در ارتفاعات شاشو و گامو.

تیپ ۳۵ امام حسن (ع) احتیاط لشکر ۵۷ در مرحله اول و سپس با استفاده از موقعیت برای تصرف قشن، پیشروی نماید.

قرارگاه حمزه با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) در ارتفاعات کانی بدار، چنگاوی و تپه منافقین در جناح راست منطقه عمل نماید.

قرارگاه بدر کردستان، با تیپ بیت المقدس، لشکر بدر و لشکر شهدا در جناح چپ منطقه عملیات به ترتیب زیر عمل نماید:

تیپ بیت المقدس روی ارتفاع سمت راست یال ارتباطی.

لشکر بدر روی ارتفاع کوخ نم نم .

لشکر شهداء روی ارتفاع کله گاوی.

- طرح مانور مرحله دوم عملیات

تیپ ۴۸ فتح روی ارتفاع قمیش عمل نماید.

لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع شاخ آمدین عمل نماید.

لشکر ۵ نصر برای تکمیل عملیات، روی ارتفاعات قمیش و الاغلو عمل کند.

لشکر ۲۵ کربلا روی ارتفاع وراز وارد عمل شود.

- طرح مانور مرحله سوم عملیات

چنین پیش بینی می شد که قرارگاه‌های نجف و رمضان پس از اجرای عملیات، در مرحله دوم الحاق کنند. در عین حال، نظر به اینکه اجرای مراحل دوم و سوم مشروط به وضعیت عملیات درمنطقه جنوب بود و یگان‌های اجرا کننده عملیات نیز می بایست پس از نقل و انتقال از جنوب به غرب وارد عملیات شوند، لذا تصمیم نهایی، پس از مشخص شدن

نتیجه مرحله اول عملیات در منطقه غرب و همچنین نتیجه عملیات در منطقه جنوب اتخاذ می شد.

در آستانه عملیات

اقدامات مهندسی و آماده سازی عقبه ها، گرچه به دلیل ابهام نسبت به عملیات و نگرانی از هوشیاری دشمن و افشا شدن عملیات با تأخیر آغاز شد، لیکن پس از حضور فرماندهی کل سپاه در منطقه، روند آماده سازی عملیات شتاب گرفت. در عین حال برخی کاستی ها همچنان به چشم می خورد. چنان که تنها ۲۴ ساعت قبل از آغاز عملیات پل زلی آماده بهره برداری شد و سه دستگاه لودر به شرق رودخانه چومان منتقل گردید و با وجود صعب العبور بودن ساحل، اقدامات مهندسی به رغم تمامی مشکلات انجام گرفت.

میزان هوشیاری دشمن از جمله مسائلی بود که از ابتدا مورد توجه قرار داشت. در آغاز تصور می شد که به دلیل درگیر بودن دشمن در منطقه جنوب و حضور یگان‌های سبک سپاه در منطقه و عدم پیش بینی دشمن مبنی بر عبور نیروهای خودی از رودخانه گلاس، دشمن غافلگیر شده است. اما با تشدید اقدامات مهندسی به ویژه تلاش برای احداث جاده از گلان به کنار زلی و نیز نصب لوله‌های پل، دشمن اقداماتی انجام داد که نشانه هوشیاری‌اش بود از جمله:

۱ – پرتاب گلوله های منور.

۲ – تقویت منطقه توسط یک الی دو گردان.

۳ – انتقال چند قبضه توپ به منطقه.

۴ – انتقال تانک روی ارتفاع گرده رش و تقویت این منطقه.

۵ – همچنین اجرای آتش روی پل زلی و اطراف روستای زلی به منظور مسدود کردن جاده از جمله مسائلی بود که نشان می داد دشمن نسبت به جهت اصلی عملیات و برخی از محورها هوشیار شده است.

اجرای عملیات

سرانجام در تاریخ ۶۶/۱/۲۳ لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) تحت فرماندهی قرارگاه نجف نیروهای خود را وارد منطقه کرد و پس از یک شب استقراردر جنوب رودخانه

چومان در عصر روز ۶۶/۱/۲۴ به سمت اهداف خود حرکت کرد. به رغم آنکه زمان آغاز عملیات ساعت ۲ بامداد تعیین شده بود، لیکن از ساعت ۱:۴۵ بامداد ۶۶/۱/۲۵ اولین خبر از درگیری ها به قرارگاه رسید. موفقیت اولیه نیروهای لشکر ۵۷ و تیپ قائم (عج) موجب امیدواری شد، به ویژه اینکه نیروهای دشمن از محور پاسگاه پلیس عقب نشینی کردند و قوای زرهی دشمن نیز تحرکی از خود نشان ندادند. اما تلاش برای آغاز مرحله دوم عملیات در محور ماؤوت که با وارد عمل کردن تیپ ۳۵ آغاز شد به نتیجه نرسید.

در محور قرارگاه کردستان نیز به دلیل عدم استقرار قوای دشمن روی ارتفاعات، نیروها به سهولت اهداف خود را تأمین کردند و تلاش‌های مهندسی برای ایجاد عقبه و احداث جاده آغاز شد.

در ساعت ۵:۳۰ صبح روز اول، پاتک دشمن در محور ماؤوت آغاز شد و سرانجام پس از چند بار دست به دست شدن گلان ۲، دشمن در غروب روز اول آن را مجدداً تصرف کرد.

در شب دوم نیروهای تیپ ۳۵ برای بازپس گیری ارتفاع گلان ۲ آماده نشدند و عملیات به شب سوم موکول گردید. همچنین در محور قرارگاه کردستان به دلیل عدم آمادگی نیروها، ادامه عملیات به شب بعد موکول شد.

قرارگاه حمزه در محور گناو، عملیات خود را با تیپ ۱۱۰ خاتم بر روی تپه منافقین، پاسگاه گناو و ارتفاع کانی بدار در ساعت ۱ بامداد آغاز کرد و تا ساعت ۵:۳۰ بامداد کلیه ا هداف خود را تصرف و تأمین کرد.

همچنین دشمن در شب دوم با ترکیبی از نیروهای جاش و نظامی، مجدداً به ارتفاعات اسپی دره و گلان ۱ حمله کرد و نهایتاً به رغم مقاومت‌هایی که انجام گرفت، این ارتفاعات به دست دشمن افتاد.

در روز دوم با افزایش فشار دشمن در محور ماؤوت و گناو و سقوط ارتفاع گلان ۱ کار عقبه سازی و احداث جاده متوقف شد. در چنین وضعیتی، پشتیبانی از عملیات و تخلیه شهدا و مجروحین بسیار ضروری و حیاتی بود؛ لیکن به دلیل موقعیت منطقه و فشارهای دشمن و مشکلات و کاستی های موجود، عملاً اقدام مناسبی انجام نمی گرفت. این ضعف در استفاده از هلی کوپتر نسبتاً آشکارتر بود. در عین حال نیروهای خودی در محور گناو شدیداً مقاومت کردند.

در شب سوم، تیپ ۳۵ برای عملیات روی ژاژیله آماده شد و پیش‌بینی می‌شد که با تصرف ژاژیله و ادامه عملیات از پائین روی گلان ۲ اوضاع تا اندازه ای بهبود یابد. همچنین تیپ قائم کردستان نیز مأموریت داشت ارتفاع گامو را مجدداً تصرف نماید.

عملیات در ساعت ۱:۳۰ بامداد آغاز شد. تیپ ۳۵ ارتفاع ژاژیله را تصرف کرد و غنائم قابل توجهی از جمله تعدادی تانک به دست آورد، ولی تیپ قائم پس از ۵ ساعت درگیری با دشمن به مواضع خود عقب نشینی کرد.

در محور بستن قرارگاه کردستان، لشکر ویژه شهداء از سه محور با دشمن درگیر شد که دو محور آن در کله گاوی و یک محور دریال بسن بود. همچنین تیپ بیت‌المقدس به طرف یال ارتباطی پیشروی کرد. اما به رغم موفقیت‌های اولیه، به دلیل عدم انتقال نیروی احتیاط و مشکلاتی که در پشتیبانی عملیات وجود داشت و همچنین افزایش فشار دشمن، سرانجام در پایان روز سوم تنها یال ارتباطی به عنوان نتیجه عملیات در شب سوم، در اختیار نیروهای خودی باقی ماند. همچنین در روز سوم براثر فشار دشمن در محور گناو تنها ارتفاع کانی بدار و تپه منافقین[1] در اختیار نیروهای خودی قرار داشت و تپه‌های چنگاوی و پاسگاه گناو مجدداً در اختیار دشمن قرار گرفت. در محور ماؤوت نیز تیپ ۳۵ به دلیل بروز مشکلاتی در امر پشتیبانی، نهایتاً از ارتفاع ژاژیله عقب نشینی کرد.

بنابراین، پس از سه شبانه روز جنگ و درگیری، گرچه در کلیه محورهای مورد نظر مرحله اول عملیات انجام شد، لیکن مشکلات و کاستی های موجود و ناتوانی برخی از یگان‌ها، همراه با فشارهای دشمن از اهداف عملیات به ویژه باز شدن عقبه قرارگاه رمضان سبب شده بود تا فشار خاصی را متوجه این منطقه سازد.

در شب چهارم، سرانجام نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که از جنوب به غرب منتقل شده بودند، برای تصرف دو ارتفاع گلان ۱ و ۲ آماده شدند. تیپ ۴۸ فتح نیز مأموریت داشت ارتفاع ژاژیله را تصرف نماید. نیروهای لشکر ۱۴ که در ساعت ۳:۳۰ بامداد با نیروهای دشمن درگیر شدند، تا روشن شدن هوا به جز ارتفاع گلان ۲، بقیه اهداف خود را تصرف کردند.

---

[1] - این تپه در محدوده بین جنوب دوپازا و شمال گناو و در غرب دانی گوز و کوه لک لک قرار دارد که به دلیل حضور منافقین در این منطقه به تپه منافقین مشهور شد

در محور گناو نیز نیروهای تیپ ۱۱۰ مجدداً پاسگاه گناو را تصرف کردند. در روز چهارم تنها پل لوله ای روی رودخانه چومان فرو ریخت و این امر به مشکلات پشتیبانی افزود. از این پس تلاش برای احداث پل بیلی افزایش یافت.

متعاقب موفقیت لشکر ۱۴ در اغلب محورها (به جز گلان ۲) و عدم دستیابی تیپ ۴۸ فتح به ارتفاع ژاژیله، چنین پیش بینی می شد که ادامه عملیات متوقف شود تا با تأمین عقبه‌ها و بازسازی یگان‌ها، مجدداً عملیات با آمادگی بیشتری آغاز شود. اما پس از بحث‌هایی که صورت گرفت، نهایتاً مقرر گردید که عملیات ادامه یابد.

در شب پنجم مجدداً لشکر ۱۴ و تیپ ۴۸ برای تکمیل مأموریت خود وارد عمل شدند، لیکن موفقیتی به دست نیاوردند. همچنین در محور گناو، پاتک دشمن روی ارتفاع کانی بدار سبب گردید نیروهای تیپ ۱۱۰ اقدام به عقب نشینی نمایند. طی همین شب، تا ساعت ۶:۳۰ بامداد دشمن سه راهی ژاژیله را تصرف کرد و در پی آن آتش خود را روی ارتفاعات افزایش داد. همین امر موجب شد که نیروهای تیپ ۴۸ به طور کامل از این محور عقب نشینی کنند.

با پیدایش وضعیت جدید، بحث و بررسی در مورد نحوه ادامه عملیات شروع شد. فشار قرارگاه رمضان بر عملیات روی گرده رش و قمیش به منظور تدارک و تغذیه نیروهای خودی که داخل خاک عراق بودند، سبب گردید اجرای عملیات در محور قشن و یال سیراوه تا قله وراز مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۵ نصر نیز از جبهه جنوب به جبهه غرب منتقل شدند و سایر یگان‌ها نیز برای رسیدن به منطقه عملیات در راه بودند.

بر اساس طرح مانور عملیات در این مرحله، لشکرهای ۲۵ کربلا و ۵ نصر در شب هفتم وارد عمل شدند. لشکر ۵ مأموریت داشت که ارتفاعات گلان ۱ و ۲ را تصرف نماید. لشکر ۲۵ نیز مأموریت داشت علاوه بر تأمین محور قشن روی گلان ۲ با لشکر ۵ الحاق کند.

عملیات تا صبح ادامه یافت و به جز مقر فرماندهی دشمن در گلان ۲ مابقی اهداف تأمین شد و الحاق لشکر ۵ و لشکر ۲۵ روی گلان ۲ نیز انجام نگرفت. با روشن شدن هوا پاتک دشمن آغاز شد، لیکن بر اثر مقاومت نیروهای خودی و آتش پشتیبانی که پس از

چند روز تقویت شده بود، سرانجام در ساعت ۱۱:۳۰ الحاق تکمیل گردید. موفقیت حاصله در این مرحله موجب امیدواری برای ادامه عملیات شد.

طرح ریزی و اجرای عملیات در مرحله جدید

طی بحث ها و بررسی هایی ، در تاریخ ۶۶/۲/۱ ادامه عملیات کربلای ۱۰ به نحو زیر طرح ریزی گردید:

- **در محور قرارگاه کردستان:** لشکر ۱۵۵ شهدا در کله گاوی، تیپ نبی‌اکرم(ص) در یال بسن و تیپ بیت المقدس در ادامه یال ارتباطی به اجرای عملیات اقدام نمایند.

- **در محور قرارگاه نجف:** لشکر ۲۵ کربلا برای تکمیل یال قشن و لشکر ۵ نصر روی یال گلان به سمت ژاژیله و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع ژاژیله عملیات نمایند. همچنین لشکر ۵ نصر در مرحله دوم روی همین محور عملیات را ادامه دهد. در همین محور، مقرر شد لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) روی خط مقابل ارتفاع هزارکانیان و تیپ ۴۸ فتح از یال میراوه به طرف ارتفاع آمدین عمل کنند و لشکر ۲۵ کربلا مأموریت داشت روی ارتفاع آمدین عمل نماید. همچنین لشکرهای ۳۳ المهدی (عج) و ۴۱ ثارالله مأموریت داشتند تنگه وراز را مسدود نمایند.

- **در محور قرارگاه رمضان** نیز قرار شد ارتفاعات ویسی، قمیش و دولبشک تصرف شود و سپس لشکرهای ۳۳ و ۴۱ در دولبشک و لشکرهای ۱۴ و ۵ در ارتفاعات قمیش مستقر شوند. همچنین قرار شد جهاد سازندگی برای احداث جاده روی قشن، یال میراوه، بالوکاوه، از سرگلو به گامو و همچنین از سرگلو به شاشو، اقدام نماید.

طی تلاش‌هایی که انجام شد، تیپ ۴۸، در شب دهم نیروهایش را در یال میرآوه مستقر کرد، ولی با افزایش فشار دشمن عقب نشینی کرد و در یال شاشو مستقر شد. لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) در شب نهم در زیرگامو تا شاشو مستقر شد. این امر سبب گردید ضعف در جبهه گامو تا اندازه ای مرتفع شود. در شب هشتم لشکر نصر از گلان ۲ به پایین عمل کرد، ولی تنها تلفاتی بر دشمن وارد ساخت. از شب نهم، لشکر ۲۵ طی عملیات متوالی، تنها یک پایگاه از سه پایگاه دشمن روی قشن را تصرف کرد. در شب دهم دشمن از گلان ۱ و ۲ موفق به نفوذ شد و ارتفاع گلان را تصرف کرد. لشکرهای ۳۳ و ۴۱ برای تکمیل

اهداف عملیات و بازپس گیری گلان وارد عمل شدند و سرانجام با تصرف و پاکسازی منطقه از نیروهای دشمن، به تشکیل خط پدافندی مبادرت کردند.

به این ترتیب، بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک، سرعت و شتاب اولیه و عدم آمادگی لازم، گستردگی طرح و عدم تناسب آن با توان و برخی عوامل دیگر، عملیات متوقف شد. همچنین عدم هماهنگی بین عملیات منظم و عملیات نامنظم نیز در این میان بی تأثیر نبود.

تجزیه و تحلیل عملیات کربلای ۸

در تجزیه و تحلیل نهایی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هدف از اجرای عملیات کربلای ۸ و دلایل شکست آن چنین اعلام شده است: « هدف از تداوم عملیات در شرق بصره پیشروی تدریجی به سوی کانال زوجی توأم با انهدام قوای دشمن بود، لیکن دلایل مختلفی مانع از رسیدن به نتیجه مطلوب شد، از جمله:

۱ - **هوشیاری و تمرکز دشمن**: تجارب گذشته جنگ حاکی از آن است که در صورت هوشیاری دشمن و افزایش استحکامات و برخورد تمرکزی، پیشروی مشکل و احتمالاً در صورتی که انجام پذیرد، بدون ضایعات چشمگیری نخواهد بود، به عبارت دیگر، موفقیت های به دست آمده، عمدتاً برخاسته از اصل غافلگیری بوده است و حتی در چنین مواقعی پس از آن که دشمن هوشیار شده و اقدام به تمرکز قوا کرده است، امکان پیشروی از نیروی خودی سلب شده است چنان که عملیات های والفجر ۲ و ۳ و ۴ ، خیبر، والفجر۸ و نیز کربلای ۵ به چنین سرانجامی دچار شد.

۲ ـ **کمبود نیرو و کاهش کیفیت آنها:** کمبود نیرو موجب شد عملیات کربلای ۸ با نیرویی در حد ۳۱ گردان منها [یعنی نیروهای هر گردان کمتر از آنچه بایست باشد، بوده است] انجام بگیرد. این امر با توجه به پیچیدگی زمین و ضرورت رسیدن به خط مطمئن و مقابله با فشارهای دشمن برای تثبیت، نیروی در خور توجهی نبود. علاوه بر این، تلفات وارده بر کادر یگان ها و ضرورت سرعت عمل مانع از افزایش کیفیت نیروها از طریق

«آموزش» و « سازماندهی » بوده است. این امور تأثیرات نامطلوب خود را در عمل نمایان کرد.

۳ ـ قوت دشمن در پاتک

٤ ـ عدم توان لازم و نتیجتاً عدم امکان طراحی مانور به تناسب پیچیدگی های زمین و آرایش دشمن: وضعیت یاد شده موجب شد در مانور عملیات تنها قسمت محدودی از زمین انتخاب شود و این خالی از عوارض نامطلوب در نگهداری منطقه و مقابله با پاتک‌های دشمن نبود.

۵ ـ شکل خاص مواضع متصرفی: مواضع و خاکریزهای دشمن به نحوی بود که برای استفاده از آن می بایست در آنها کار مهندسی انجام می‌شد، در حالی که اکثر اوقات دشمن این امکان را نمی‌داد، در نتیجه نگهداری مواضع به هنگام پاتک ، بسیار مشکل بود.

٦ ـ تردید و ابهام در خصوص کسب موفقیت : کمبود توان، پیچیدگی زمین، هوشیاری دشمن و حضور گسترده آنها در منطقه و سایر عوامل مانع از خوش بینی در مورد موفقیت عملیات بود.

۷ ـ عدم وجود تحلیل صحیح درباره اقدامات احتمالی دشمن: هرچند سماجت دشمن در عملیات کربلای ۸ برای بازپس گیری یک کیلومتر مربع، کم نظیر و غیر قابل انتظار بود، لیکن این را نباید نادیده گرفت که مقتضای تداوم عملیات در شرق بصره ایجاب می نماید که نیروها از هوشیاری لازم در مقابل پاتک‌های دشمن برخوردار باشند. عدم پیش بینی پاتک دشمن و تحلیل غلط از عدم موفقیت نیروهای عراق در روز قبل (۱۳۶۶/۱/۲۱)، موجب شد در مقابل تک پشتیبانی دشمن، هرچند که در نیمه شب صورت گرفت، پیش بینی لازم برای اجرای آتش تهیه متمرکز صورت نگیرد. از سوی دیگر، عدم اطلاع کافی از خط و فقدان نیروی احتیاط در منطقه، موجب شد دشمن سریع‌تر به اهداف خود دست یابد.

۸ ـ از دست دادن زمان و تعویق نسبتاً طولانی عملیات کربلای ۸ (نزدیک به یک ماه) منجر به توقف روند عملیات شد و این فرصت مناسبی برای دشمن جهت بازسازی نیرو، کار مهندسی، ایجاد آمادگی مقابله و ...، در منطقه فراهم آورد.

جنگ کشتی ها در خلیج فارس

برای ارزیابی میزان سازگاری اقدامات آمریکا در جنگ ایران و عراق با قواعد بی‌طرفی، تصویری کلی از وقایع خلیج‌فارس ارائه می‌شود، آنگاه به اجمال اقدامات برجسته آمریکا مورد توجه قرار خواهد گرفت. با شروع حمله عراق به ایران، آمریکا در ظاهر موضع بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما در عمل رابطه خود را با عراق که از سال ۱۹۶۷ میلادی به خاطر جنگ با اسرائیل قطع شده بود، برقرار و گسترش داد. در مارس ۱۹۸۲ (اسفند ۱۳۶۰)، دولت ریگان نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد. تلاش‌های کاخ سفید به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق متحدان خود در خاورمیانه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با کمک به عراق برای از بین بردن دستاوردها و برتری‌های نظامی ایران ادامه یافت.

آمریکا در سال ۱۹۸۴ اعلام کرد؛ «پیروزی‌های ایران با منافع ایالات متحده مغایر است.» و در دسامبر ۱۹۸۴ (دی ماه ۱۳۶۲) «جفری کمپ»، مسوول شرق نزدیک در شورای امنیت ملی آمریکا با تهیه گزارشی برای «رابرت مک فارلین»، مدعی شد؛ «آیت‌الله خمینی تهدیدی برای منافع غرب به شمار می‌رود» و به وی توصیه کرد عملیات مخفی را که حتی ممکن است به سقوط دولت ایران منتهی شود، مدنظر قرار دهد.

در همین دوران بنا به گزارش تهیه شده توسط تاور، مک‌فارلین و دیگر اعضای شورای امنیت ملی آمریکا از دورنمای سقوط ایران به دامان شوروی سابق به هراس افتاده بودند. این در حالی بود که «برژینسکی»، مشاور پیشین امنیت ملی کاخ سفید در ۲۸ فروردین ۱۳۶۲ گفته بود: «موقعیت استراتژیک ایران آن چنان برای غرب اهمیت دارد که آمریکا بایستی به هر ترتیب شده، حتی با اقدام نظامی، مانع از دست دادن ایران شود.» در ژانویه ۱۹۸۵ (۳۰ دی‌ماه ۱۳۶۲) جورج شولتز، وزیرخارجه وقت آمریکا، اعلام کرد؛ «ایران حامی تروریسم بین‌المللی است. لهذا از این پس دولت آمریکا به هم‌پیمانان خود فشار خواهد آورد که ارسال اسلحه به ایران را متوقف کنند» در فوریه ۱۹۸۵ (بهمن ۱۳۶۳) کارخانه هلی‌کوپترسازی بل با فروش ۴۵ فروند هلی کوپتر بزرگ به عراق موافقت کرد. وزارت دفاع عراق در مذاکرات مربوط به آن نیز حضور داشت.

در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ «گراهام فولر»، مامور امنیت ملی آمریکا در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا و «هوارد تیچر» طی تحلیلی با عنوان «به سوی سیاستی در مورد ایران» که تسلیم «ویلیام کیسی»، رئیس وقت سیا شد، ضمن تشریح موقعیت بد آمریکا در قبال حوادث ایران، پیشنهاد تدوین برنامه‌ای را برای برخورد با ایران و مسائل مرتبط با آن کرده بودند. در این تحلیل تحت فشار قرار دادن ایران و متحدان آن، و کمک به عراق از یک سو و تشویق کشورهای هم‌پیمان آمریکا در خصوص کمک به ایران، خارج کردن ناوگان آمریکا از خلیج فارس و صدور بیانیه‌هایی در مورد اعلام حسن‌نیت آمریکا در قبال ایران، از سوی دیگر ارائه شده بود.

در جریان همکاری جمهوری اسلامی ایران برای رهایی مسافران یک فروند هواپیمای مسافربری که در تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۳۶۴ ربوده شده و به بیروت برده شده بود و کمک به آزادی چند گروگان آمریکایی در لبنان، ایران موفق شد، برخی از اقلام نظامی مورد نیاز خویش از جمله موشک‌های «تاو»، «هاوک» و قطعات حساس رادارها و .... را از ایالات متحده تحویل بگیرد.

در دهم شهریورماه ۱۳۶۴ «بنیاد تحقیقاتی هریتیج» طی گزارشی در مورد ایران، خواستار حمله نظامی و عملیات انتقامی علیه ایران شد. در حالی که «جیمی کارتر»، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در اول مردادماه همان سال ضمن دیدار از آنکارا و در جریان مذاکرات خود با مقامات عالیرتبه ترکیه، خواستار میانجیگری آنکارا میان تهران و واشنگتن شده بود.

مداخله و مشارکت آمریکا در تخاصم، با دعوت کویت از قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا برای محافظت از نفتکش‌ها، شکل علنی‌تری به خود گرفت و ابعاد گسترده‌تری یافت. آمریکا به بهانه حفظ جریان آزاد نفت و تامین نیازهای رشد صنعتی غرب که در معرض خطر قرار گرفته، بزرگترین ناوگان جنگی خود را وارد خلیج فارس کرد، ولی عملکرد آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق، روحیه مبارزه‌طلبی و تجاوز مکرر به آب‌های سرزمینی و حریم هوایی ایران و رفتار دوستانه با عراق، در مقایسه با منطق و عملکرد ایران و عراق در حمله به خطوط کشتیرانی بی‌طرف در خلیج فارس و تنگه هرمز، هدف آمریکا را در بازدارندگی و حمایت از جریان نفت زیر سوال برد و آمار و ارقام نشان

می‌دهند که با ورود ناوگان دریایی آمریکا، تعداد حملات به کشتی‌ها در خلیج فارس به‌شدت افزایش یافت، و تشنج بیشتر شد.

پس از تغییر پرچم نفتکش‌های کویتی و آغاز عملیات اسکورت آنها در ۳۰ تیر ۱۳۶۶، ایالات متحده ناوگان دریایی خود را به ظرفیت ۳۵ کشتی جنگی و بیش از ۱۲ کشتی کمکی با مجموع ۲۰ هزار نیروی نظامی در منطقه گرد آورد که بعداً به بزرگترین ناوگان دریایی این کشور پس از جنگ جهانی دوم تبدیل شد. در نهایت نیز به حدود ۵۰ فروند کشتی جنگی رسید. کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، انگلستان، هلند، بلژیک و ایتالیا با تشویق ایالات متحده، ناوگان‌های جنگی و تجهیزات مین روب خود را به خلیج فارس اعزام کردند.

آمریکا در طول جنگ تحمیلی و پس از ورود ناوگان نظامی این کشور به خلیج فارس، با انجام عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در جنگ به نفع عراق وظایف دول بی‌طرف را نادیده گرفت و تعهدات آن را نقض کرد. اهم این اقدامات به شرح زیر است:

در ۲۷ مهرماه ۱۳۶۶ چهار ناو آمریکایی مجهز به موشک‌های هدایت شونده، سکوهای نفتی «رسالت» و «رشادت» را واقع در ۱۵۰ کیلومتری شمال شرقی قطر گلوله باران کردند. در جریان این گلوله باران، تاسیسات سکوها منهدم و تولید نفت از مناطق دریایی مزبور به‌طور کامل متوقف شد. ایالات متحده این اقدام خود را دفاع مشروع و پاسخی به انهدام یک کشتی کویتی با پرچم آمریکا عنوان کرد.

کشتی ایران - اجر نیز در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ هدف حمله دو فروند هلی کوپتر آمریکایی قرار گرفت و منهدم شد. در جریان این حمله که در ساعت ۲۲/۳۰ دقیقه انجام گرفت، سه نفر از خدمه کشتی مذکور شهید و دو نفر مفقود شدند. بقیه سرنشینان نیز که ۲۶ نفر بودند، در حالی که چهار نفرشان شدیداً زخمی بودند، به اسارت گرفته شدند. پس از هفده روز مجدداً دو فروند هلی‌کوپتر آمریکایی در فاصله ۲۵ کیلومتری جزیره فارسی به سوی سه قایق تندرو ایرانی آتش گشوده و آنها را غرق کردند. قایق‌های گشت آمریکا در این حمله، شش ملوان ایرانی را از آب گرفتند که دو نفر از آنها بر اثر جراحات وارده طی درگیری جان خود را از دست داده بودند. آمریکا ادعا کرد که نیروهای ایرانی ابتدا به سوی هلی‌کوپترهای آنها آتش گشوده بودند.

هواپیماهای آمریکا پس از حضور ناوگان این کشور در خلیج فارس، مکرراً به حریم هوایی ایران تجاوز کرده و اقدام به شناسایی و عکسبرداری از مراکز و تاسیسات مختلف ایران کردند. در ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه روز ۱۴ مهرماه ۱۳۶۶، پنج فروند هواپیمای اف - ۱۶ آمریکا حریم هوایی ایران را نقض کرده و بر فراز شهرستان چابهار، مبادرت به یک مانور هوایی در ارتفاع پایین کردند. دو فروند از هواپیماهای متجاوز در ارتفاع بسیار پایین و سه فروند دیگر در ارتفاع بالاتر بر فراز بندر شهید بهشتی و چابهار به پرواز درآمدند. حدود ۲۰ روز قبل نیز دو فروند فانتوم آمریکایی در دو روز متوالی بر فراز بندر شهید بهشتی و چابهار به پرواز درآمده و دیوار صوتی را شکستند، ولی هیچ‌گونه اقدامی از سوی واحدهای نظامی مستقر در منطقه صورت نگرفت.

در پی این اقدامات، جمهوری اسلامی با ارسال نامه‌های متعدد به سازمان ملل نسبت به نقض حاکمیت ملی و قواعد بین‌المللی از سوی دولت آمریکا اعتراض کرد. نیروهای ایالات متحده علاوه بر تجاوز به حریم هوایی جمهوری اسلامی، با رهگیری و دادن اخطارهای مکرر به هواپیماهای مسافربری و تعقیب کشتی‌ها و قایق‌های ایرانی، محدودیت‌های زیادی را به ایران تحمیل کرد؛ و با ایجاد یک منطقه پنج مایلی متحرک در اطراف کشتی‌ها و هواپیماهای خود، حتی از پرواز هواپیماهای ایرانی در فضای آب‌های ساحلی ایران به خاطر فاصله کمتر از پنج مایل جلوگیری می‌کردند. ایران اقدامات ناوگان آمریکا را غیرقانونی دانسته و مصرانه می‌خواست که این اقدامات مغایر با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، فوراً متوقف شود. برای نمونه در دوم مهرماه ۱۳۶۶ کشتی ایران - تختی که در حال حمل کالای تجاری از یکی از بنادر ژاپن به چابهار بود، توسط یک فروند کشتی جنگی آمریکا تحت تعقیب و مراقبت قرار گرفته و هلی کوپترها و هواپیماهای جنگی آمریکا بر فراز آن به پرواز درآمده و از آن فیلمبرداری کردند.

جنگ شهرها در سال ۱۳۶۶

آغاز جنگ شهرها به عنوان یک استراتژی نظامی - سیاسی و با هدف اعمال فشارهای شدید روانی در جهت وادار کردن ایران به تسلیم برای نشستن به پای میز مذاکره و پذیرش

صلح و پایان دادن به جنگ ایران و عراق، از سال ۱۳۶۳ آغاز شد. جنگ شهرها به همین شکل و با افت و خیزهای تقریبی تا پایان جنگ ایران و عراق و برقراری آتش بس ادامه یافت. جنگ شهرها در این مقطع، مراحلی چند را با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و برخوردهای طرفین جنگ – به ویژه عراق – پشت سر گذاشت. این مراحل عبارت است از:

مرحله اول ٤-١٣٦٣: این مرحله از سوم اسفند ۱۳۶۳ آغاز شد و تا هفده فروردین ۱۳۶۴ یعنی به مدت یک ماه و نیم ادامه یافت. در این مدت ۲۹ شهر و چندین روستای ایران ۱۱۸ بار مورد اصابت بمب ها و موشک‌های عراقی قرار گرفت و حاصل آن ۱/۲۲۷ نفر شهید و ۴/۶۸۲ نفر مجروح و خسارات فراوان بود.

مرحله دوم ١٣٦٤: این مرحله از ۵ خرداد تا ۲۴ خرداد ۱۳۶۴ ادامه یافت و طی آن ۲۷ شهر و چندین روستا، ۱۰۵ بار مورد اصابت قرار گرفت، که تلفات آن شامل ۵۷۰ نفر شهید و ۱/۳۳۲ نفر مجروح و خسارات فراوان مالی بود.

مرحله سوم ١٣٦٥: این مرحله مقارن عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ یعنی به طور تقریبی از ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ آغاز شد و تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه سی ام بهمن ۱۳۶۵ به مدت ۴۲ روز ادامه یافت. در این مرحله ۶۶ شهر، بخش و تعدادی روستا مورد حمله موشکی و هوایی قرار گرفت. تعداد بمباران‌ها ۲۳۶ بار و تعداد موشک های شلیک شده عراقی ۲۸ فروند بود. آمار شهدا ۳۰۵۰ نفر و آمار مجروحین ۱۱/۱۶۳ نفر در این دوره می‌باشد.

در این مدت ۸ موشک نیز از سوی ایران به شهر بغداد شلیک شد. به علاوه در این مرحله به مدت ۲ روز یعنی روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۶۵ جنگ شهرها متوقف گردید. بعد از این مرحله، قطع دو هفته ای جنگ شهرها از سوی صدام حسین اعلام شد. در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۰، بیانیه دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد توقف جنگ شهرها صادر گردید.

البته علیرغم درخواست‌های مکرر جمهوری اسلامی ایران و برخی از مجامع و دولت‌ها در سراسر جهان و نیز بیانیه دبیر کل سازمان ملل متحد، جنگ شهرها بعد از این مرحله از بهار ۱۳۶۶ مجدداً به صورت منقطع آغاز گردید.

مرحله چهارم (بهار و تابستان ١٣٦٦): این مرحله در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۱۸ و همزمان با عملیات کربلای ۸ شروع شد و به ویژه در طول عملیات های کربلای ۹، ۱۰ و فتح ۵ الی ۷ و نصر ۱ تا ۴ ادامه یافت. در این مرحله جنگ شهرها به داخل خاک کردستان عراق نیز

کشیده شد و نظامیان عراق، مردم در حال قیام شهرهای موصل، سید صادق و ... را با حملات هوایی به خاک و خون کشیدند.

همچنین در این مرحله جنگ نفتکش‌ها و جنگ شیمیایی به اوج خود رسید. این مرحله از جنگ شهرها به صورت مقطعی و غیر یکنواخت تا اوائل شهریور ۱۳۶۶ ادامه یافت.

مرحله پنجم (پائیز ۱۳٦٦): این مرحله از جنگ شهرها در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۸ و در آستانه سفر دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران - و در واقع برای وادار کردن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل - شروع شد و با شدت و حدّت بیشتری نسبت به مراحل سابق ادامه یافت. شاید بتوان پایان این مرحله از جنگ شهرها را حملات هواپیماهای عراقی به نیروگاه بوشهر در تاریخ ۱۳۶۶/۸/۲۷ دانست. از این زمان تا اوائل اسفند ماه ۱۳۶۶، جنگ شهرها از شدت چندانی برخوردار نبود.

مرحله ششم (اسفند ۱۳٦٦): مرحله ششم جنگ شهرها در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۸ و با بمباران شدید شهر تهران و حومه آن شروع شد. در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۱۰ ایران با پرتاب موشک به بغداد به بمباران‌های شدید عراق پاسخ داد و یک روز بعد از آن، یعنی روز ۱۳۶۶/۱۲/۱۱ عراق نیز حملات موشکی خود را به تهران شروع کرد. در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ شدت جنگ شهرها در این مرحله به حدی بود که اتحاد جماهیر شوروی از شورای امنیت درخواست کرد که برای جلوگیری از جنگ اقدام کند. این مرحله از جنگ شهرها در روز ۱۳۶۶/۱۲/۲۲ متوقف شد.

مرحله هفتم (اواخر اسفند ٦٦ و اوایل فرودین ۱۳٦۷): مرحله هفتم جنگ شهرها با شدت بیشتری در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ آغاز شد و تا یازدهم فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت.

در ۲ فروردین ۱۳۶۷ عراق اعلام کرد که ۱۰۶ موشک علیه شهرهای ایران شلیک کرده است. در هفتم فرودین ۱۳۶۷ نیز ایران مطرح ساخت که عراق از موشک‌های جدیدی استفاده کرده است و این امر موجب تقویت این خبر شد که عراق از موشک‌های «ای اس ۱۲» استفاده می کند. در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱۵ نیز دبیر کل سازمان ملل متحد از ایران و عراق خواست که از ادامه جنگ شهرها خودداری کنند. قطع جنگ شهرها در این مرحله از سوی عراق و به خاطر دیدار نخست وزیر ترکیه از آن کشور صورت گرفت.

مرحله پایانی جنگ شهرها: آخرین مرحله از جنگ شهرها در تاریخ بیست و یکم فرودین ماه ۱۳۶۷ از سوی عراق شروع شد و تا تاریخ ۱۳۶۷/۱/۳۱ ادامه یافت. عراق در اول اردیبهشت ۱۳۶۷ آتش بس یک جانبه ای را ظاهراً به اصرار مجاهدین خلق [منافقین] اعلام کرد و بدینسان جنگ شهرها به مفهوم خاص آن، پایان یافت. تا این زمان، عراق بین ۱۹۰ تا ۲۰۰ فروند موشک به سوی شهرهای ایران و ایران نیز نزدیک به ۵۰ فروند موشک به سوی شهرهای عراق شلیک کردند و در این میان نزدیک به ۱۰۰ موشک عراقی در شهر تهران فرود آمد.

آخرین حمله عراق مقارن ساعت ۱۱:۲۰ روز ۱۳۶۷/۲/۱۴ به حریم هوایی شیراز، پالایشگاه و پتروشیمی این شهر صورت گرفت ولی با توجه به اعلام قطعی پایان جنگ شهرها در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱، این مورد مرحله‌ای جدید در جنگ شهرها محسوب نشد.

جنگ سفارتخانه ها

ایجاد تنش در روابط ایران و فرانسه از تیر ماه ۱۳۶۵ آغاز شد و منابع خبری آن را "جنگ سفارتخانه ها" نامیدند. وقایع مهم این درگیری آن گونه که خبرگزاری فرانسه مدون کرده، بدین شرح است:

جنگ سفارت خانه ها از ماه ژوئن (۹ تیر ۱۳۶۵) شروع شد. در این روز پلیس فرانسه در جستجوی "وحید گرجی" دیپلمات ایرانی، اطراف سفارت ایران را شدیداً تحت کنترل درآورد و تهران نیز به تلافی، سفارت فرانسه را محاصره کرد.

۱۱ تیر) وحید گرجی در مصاحبه مطبوعاتی "غلامرضا حدادی" کاردار ایران در فرانسه، به عنوان مترجم در انظار ظاهر شد. ۱۴ تیر "ژان برنارد ریمون" وزیر امور خارجه فرانسه، مذاکرات عادی سازی پاریس و تهران را به حالت تعلیق درآورد.

۲۰ تیر) ایران، فرانسه را به خاطر خشونت علیه امین زاده از دیپلمات‌های سفارت ایران در پاریس طی یک درگیری با مأموران گمرک فرانسه در فرودگاه ژنو، سرزنش کرد.

۲۱ تیر) کشتی کانتینربر فرانسوی "ویل دانو" توسط دو قایق سریع در خلیج‌فارس مورد حمله قرار گرفت و خسارات زیادی به آن وارد شد.

۲۳ تیر) "فرانسو میتران" رئیس جمهور فرانسه طی یک برنامه تلویزیونی گفت:« فرانسه دشمن ایران نیست، ولی تسلیم هوچی گری نمی شود.»

در تهران "ژان پل توری" دبیر اول سفارت فرانسه، متهم به جاسوسی شد و دادستان انقلاب اسلامی، وی را احضار کرد. این اتهام را وزارت امور خارجه فرانسه قاطعانه تکذیب کرد.

ایران تهدید کرد، اگر تدابیر پلیس اطراف سفارت ایران برداشته نشود، روابط دیپلماتیک خود را با فرانسه قطع خواهد کرد. ۲۶ تیرماه پاریس رسماً قطع روابط دیپلماتیک خود را با ایران اعلام کرد.

۲۸ تیرماه) "ژان برنارد ریمون" گفت که مسئله حضور گرجی در مقابل بازپرس، قابل مذاکره نیست.

۷ مرداد) فرانسه و ایران توافق کردند که حفاظت از منافع خود را به ایتالیا و پاکستان واگذار کنند.

٦ و ۷ و ۲۳ مرداد) وزارت امور خارجه فرانسه وضعیت گرجی را تشریح کرد.

۱٦ شهریور) تغییرات تدابیر پلیس اطراف سفارت ایران در پاریس و استقرار موانع بلند ۲/۵ متری انجام شد و کنترل رفت و آمد کارمندان ایرانی ادامه یافت.

۲۰ مهر) وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد که گرجی در میان ایرانیانی که احتمالاً به ایران باز می گردند، نخواهد بود.

۲۸ آبان) وزیر خارجه فرانسه گفت سیاست عادی سازی روابط فرانسه و ایران به نقطه مرگ رسیده است.

۸ آذر) وحید گرجی، سفارت ایران را برای حضور در دادگستری فرانسه ترک کرد و سرانجام با آزادی گروگان‌های فرانسوی، وی آزاد شد و جنگ سفارتخانه‌ها پایان یافت.

جنگ در سال ١٣٦٦

از نگاه دیگران

□ **عبدالحلیم ابوغزاله**
وزیر دفاع مصر در دوران جنگ تحمیلی

ادامه جنگ فرسایشی و دخالت غرب در جنگ
(فروردین ١٣٦٦ ـ دی ١٣٦٦)

به همان میزان که نبرد در اطراف بصره از نظر تغییر شکل آینده جنگ زمینی، اهمیت داشت، تحولات در خلیج فارس نیز به ظهور مرحله جدیدی در این جنگ انجامید. حملات ایران و عراق به کشتی ها در ماه ژانویه از هر ماه دیگر فزونی گرفت. عراق همچنین اسکله‌ها و تأسیسات نفتی ایران در جزیره سیری و سایر اماکن را مورد هدف قرار داد، گرچه این حملات تأثیر چندانی در کاهش صادرات نفتی ایران نداشت، ولی ایران را ناچار ساخت تا هیأت‌هایی را برای خرید نفتکش‌های جدید(۱۵ نفتکش) روانه خارج کند. عراق به ضربات خود بر نفتکش‌ها و چاه‌های نفتی ایران ادامه داد، اما صدور نفت ایران همچنان با حجم نسبتاً بالا ادامه یافت.

ایران کوشش جدیدی را برای مهار جنگ نفتکش‌ها آغاز کرد و این بار در جنگ نفتکش‌ها تغییراتی داد که از حد "اخلال" در کشتیرانی به مقصد بندرهای عربستان سعودی و کویت فراتر بود.

ایران در اجرای این حملات با مشکل مهمی روبه رو شد[۱]، چرا که قادر به استفاده از باقی مانده معدود هواپیماهای خود نبود. ایران بین ۶۳ تا ۹۰ فروند جنگنده عملیاتی در اختیار داشت: ۲۰ تا ۳۵ فروند اف ـ ۴ ، ۳۰ تا ۴۵ فروند اف ـ ۵ و ۷ تا ۱۲ فروند اف ـ ۱۴ .

بیشتر این هواپیماها جز به اجرای حملات محدود نمی پرداختند و اکثر آنها وسایل الکترونیکی مفید و سالم نداشتند. البته هواپیماهای اف ـ ۴ سطح آمادگی عملیاتی بالاتر را به سبب دریافت قطعات و لوازم یدکی از منابع ناشناخته، به دست آورده بودند، ولی هواپیماهای اف ـ ۱۴ به دلایل متعدد هیچ کدام قادر به شلیک موشک‌های "فونیکس" نبودند. همچنین گزارش هایی رسیده بود که ایران تعداد میگ ـ ۱۹ و میگ ـ ۲۱ از چین و کره شمالی تحویل گرفته است، با این حال، تا این زمان نشانه هایی مبنی بر به کارگیری آنها در عملیات مشاهده نشده است.

ایران مشکلات متعددی در زمینه نیروی دریایی در پیش رو داشت: بسیاری از افراد خبره و با مهارت در نیروی دریایی، پس از پیروزی انقلاب از کار برکنار شدند؛ دو ناوشکن ایرانی، دو فریگیت و یک زیردریایی خسارت‌های هنگفتی دیدند؛ دو قایق مین روب نیز نابود شدند و چیزی جز دو لنج نقل و انتقال برای نیروی دریایی باقی نمانده بود.

ایران نه تنها نتوانست کشتی‌های جنگی جدیدی بخرد تا خسارات خود را جبران کند، بلکه حتی از تعمیر و نگهداری آن چه در اختیار داشت نیز عاجز بود. موشک‌های ضد کشتی و ضدهوایی در اختیار نداشت و اکثر دستگاه‌های راداری آن خراب بودند، عمر مفید بیشتر موشک‌ها سپری شده بود. این موشک‌ها در زمان شاه وارد کشور شده بود و به دلایل فنی بسیار، ایران قادر به عملیاتی نگه داشتن آن نبود. با این همه، ایران همچنان می توانست از کشتی‌های هجومی انگلیسی "کلاس سارام" استفاده کند، (ضمن آنکه تعدادی هلی کوپتر" AB-۲K "مجهز به موشک های "سی کیلو۲" و "Asj۱۲ " در اختیار

---

۱ ـ ایران در طول جنگ همیشه مخالفت خود را با آغاز جنگ نفتکش‌ها اعلام می کرد و هیچ گاه علناً مسئولیت حمله به نفتکش‌ها را برعهده نگرفت، در حالی که عراق مسئولیت حملاتی را علیه نفتکش‌ها برعهده می گرفت. با این حال برخی کشورها حملات عراق به نفتکش‌ها را نادیده می گرفتند و به سبب سایر حملات که به دلیل نپذیرفتن مسئولیت آن از سوی دو کشور، به" تیرغیب" مشهور شده بود، ایران را نکوهش می کردند.

نیروی دریایی بود، به اضافه دو هواپیمای اوریون "PF-۳" که رادارهای مناسب نداشتند. این وضع، بدون تشریح مفصل آن، موضع نیروی دریایی ایران را به نهایت سخت کرده بود.

با همه این تفاصیل، ایران هرچه واحد دریایی در اختیار داشت، برای حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های باربری در خلیج فارس به کار گرفت و اغلب این حملات شبانه صورت می گرفت. در بیشتر اوقات، نیروی دریایی از موشک‌های ایتالیایی "سی کیلر" استفاده می‌کرد.

این موشک‌ها برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ وارد خدمت گردید، هر چند که از زمان شاه در نیروی دریایی موجود بود. این موشک نسبتاً سبک است، ۳۰۰ کیلوگرم وزن دارد، سرجنگی آن به ۷۰ کیلوگرم می‌رسد و قدرت محدودی در شکافتن زره دارد. بیشترین برد آن، ۲۵ کیلومتر و نزدیک‌ترین برد آن ۶ کیلومتر است. این موشک در ارتفاع ۳ ـ ۴ متری به پرواز در می آید (و به همین دلیل به نام یک حشره دریایی نام‌گذاری شده است)، به وسیله رادار نوع Beam – Rider به سمت هدف حرکت می کند و امکان هدایت بی سیمی آن [از مبداء شلیک] در صورت عدم بازگشت پیام راداری [از مقصد شلیک]، وجود دارد.

در جریان حملات ایران و عراق به کشتی‌های عبور کننده در خلیج فارس، تعداد معدودی از این کشتی‌ها غرق شد و به برخی آسیب‌های جدی رسید.

اما از اول ژانویه تا اوایل فوریه تعداد کشتی هایی که مورد اصابت قرار گرفتند به طور ناگهانی بالا رفت، به همین دلیل ناوگان‌های غربی و شوروی دست به برخی اقدامات متقابل زدند. در نیمه ژانویه اتحاد شوروی ناوچه موشک اندازی را همراه کشتی های خود فرستاد که عازم کویت بودند و برای عراق اسلحه حمل می‌کردند. این دومین کشتی جنگی شوروی بود که از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) تا آن زمان وارد خلیج‌فارس می شد.

این اقدام، پیام واضحی به هر دو کشور ایران و عراق داد که حاکی از حمایت شوروی از کشتی‌های خود بود. ایالات متحده آمریکا نیز نیروهای خود را در اقیانوس اطلس افزایش داد و یک مجموعه کامل دریایی شامل ناو هواپیما بر کیتی هولد (۸۵/۰۰۰ تنی) و یازده شناور همراه و محافظ آن، تشکیل داد. انگلیس و فرانسه نیز به تعداد کشتی های عملیاتی خود در منطقه افزودند. این اقدامات، واکنشی نبود که در برابر موشک‌های سی

کیلر ایران صورت گیرد، بلکه آنان اقدام ایران را در جهت نصب موشک های بسیار پرقدرت کرم ابریشم (ساخت چین) در تنگه هرمز کشف کرده بودند.

این موشک‌ها در تابستان سال ۱۹۸۶ به دست ایران رسید. موشک‌های کرم ابریشم را می‌توان روی سکوهای ثابت یا متحرک نصب و شلیک کرد، این امر سبب آن شده بود تا امکان حمله به این سکوها که بین ۲ تا ۴ عدد بودند، به شدت کاهش یابد. وزن این موشک ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوگرم و سرجنگی آن بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلوگرم می باشد. بالاترین برد آن ۹۵ کیلومتر است، همراه با سیستم هدف یابی IY-۲ و رادار جست وجو و با سیستم HY-۲A که از اشعه Infrared برای غلبه بر اقدامات ضد الکترونیک بهره می‌گیرد، و سیستم HY-۲G که هدف یاب حرارتی است. این موشک در فاصله ۴۰ کیلومتری به بالاترین حد قابلیت می رسد، لیکن برد مؤثر آن نسبت به حجم کشتی هدف، بین ۷۰ تا ۸۰ کیلومتر می باشد، همچنین رادار تشخیص اهداف نیز دارد و چین تعدادی از این رادارها را به ایران فروخت تا بر کشتی ها و هواپیماهای خود نصب کند. موشک در عرض حدود شش دقیقه به هدف اصابت می کند. پیش از اصابت، تا ارتفاع ۱۴۵ متری اوج می گیرد. بدون نیاز به ذکر توضیحات بیشتر باید گفت که این موشک به مثابه یک تهدید جدی علیه کشتیرانی در خلیج فارس بود.

این تهدید مشکلات جدیدتری برای غرب ایجاد کرد؛ مشکلاتی اضافه بر تهدیداتی که قبلاً ایران با حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های دیگر در آب های ایران آفریده بود، یا حمله به کشتی‌های سایر دولت ها در آب های بین‌المللی که به سوی بندرهای نزدیک به منطقه جنگ حرکت می کردند.

مشکل آمریکایی‌ها به افزایش دامنه جنگ نفتکش‌ها خلاصه نمی شد، خطر مهمتر، تأثیر این جنگ بر جریان صدور نفت از این منطقه به سایر مناطق جهان بود، چرا که ۶۳درصد ذخایر نفتی غرب در این منطقه هست و۲۵درصد از کل صادرات نفتی جهان، ۳۰درصد از واردات نفتی اروپای غربی و ۶۰درصد از واردات نفتی ژاپن از این منطقه تأمین می شود. حتی در صورت گسترش خطر لوله نفتی عربستان ـ ترکیه باز هم ۱۷درصد کل واردات نفتی اروپا از تنگه هرمز خواهد گذشت. تهدید نفت کویت به راستی تهدید برای غرب بود. ذخایر نفتی اثبات شده کویت به تنهایی برابر با مجموع ذخایر نفتی موجود ایران و عراق می‌باشد.

کویت همچنین یکصد میلیارد بشکه ذخیره نفتی معادل ۱۳درصد کل ذخایر جهان داشت، در حالی که ذخایر نفتی ایالات متحده آمریکا تنها به ۳/۹درصد بالغ می‌شد. کویت، یکصد میلیارد دلار سپرده نزد دولت های غربی داشت.

بنابراین در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷ (۲۳ دی ۱۳۶۵) کویت رسماً از ایالات متحده آمریکا تقاضا کرد تا با اهتزاز پرچم آمریکا بر فراز کشتی‌های کویتی به حمایت از نفتکش‌های تابع این کشور بپردازد. کویت همین تقاضا را نیز عیناً از اتحاد شوروی کرد. روزانه حداقل یک فروند کشتی کویتی از تنگه هرمز می گذشت و این میزان در هر ماه مجموعاً به حدود ۷۰ تا ۸۰ فروند کشتی می‌رسید.

تعداد ۲۸۹ حمله تا اوایل سال ۱۹۸۷(زمستان ۱۳۶۵) به کشتی ها صورت گرفت و در این میان ۷ فروند کشتی کویتی آسیب دید، این در حالی بود که از ابتدای سال ۱۹۸۵ تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶ (۲۶ شهریور ۱۳۶۵) ایران ۳۴ کشتی را هدف قرار داده بود که هیچ یک از آنها کویتی نبوده است.

کویت تحت فشار شدید سیاسی ایرانیان قرار داشت، چرا که این کشور به عراق اجازه داده بود تا از بندر "الشعیبیه" برای تخلیه اسلحه و تجهیزات و مهمات وارداتی خود استفاده کند. کویت همچنین به هواپیماهای عراقی اجازه داده بود تا با عبور از فضای این کشور، خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتی‌های ایرانی را هدف قرار دهند که هیچ گونه اعلام خطر قبلی در بر نداشت. این امر خطر حمله دریایی ایران علیه کویت را افزایش می داد. کویت به نیروی دریایی عراق اجازه داده بود تا ناوچه ها و کشتی‌های کوچک خود را از آبراه بین کویت و بوبیان عبور دهد و هلی کوپترهای خود را با استفاده از فضای کویت وارد عملیات کند.[1]

چهار عامل یا دلیل موجب شد تا حکومت آمریکا با درخواست کویت در مورد برافراشتن پرچم آمریکا بر کشتی های کویتی، موافقت کند:

اول: اتحاد شوروی با درخواست کویت مبنی بر برافراشتن پرچم بر کشتی‌های آن کشور موافقت کرد. کویت پیشنهاد داشت تا شوروی و آمریکا در این امر شریک گردند. در نتیجه آمریکا پرچم خود را بر شش نفتکش و شوروی بر روی نفتکش برافراشتند.

---

۱ ـ اگر این اقدامات به معنای ورودبه جنگ نیست، پس نشانه چیست؟ به اعتراف نویسنده، ایران تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶ در مورد کویت خویشتن داری کرده بود.

دوم: پس از سقوط شاه، آمریکا نیاز داشت تا برای بازگشت خود به منطقه، اقدام محکمی انجام دهد و برافراشتن پرچم سبب تأکید بر حضور دوباره آمریکا در منطقه و ادامه کمک تسلیحاتی به دوستان آمریکا در منطقه و از بین بردن آثار رسوایی "ایران گیت" می شد.

سوم: ایران موشک‌های کرم ابریشم را در منطقه خلیج‌فارس مستقر ساخته بود و شاخه جدیدی از سپاه پاسداران را برای اجرای عملیات در دریا، تشکیل داده بود.[1]

چهارم: در طول جنگ، سابقه ای از حمله ایران به کشتی های متعلق به کشورهای بزرگ و ابر قدرت ها مشاهده نشده بود و چنین مفروض بود که این سیاست در آینده نیز ادامه خواهد یافت، چرا که ایران قادر به رودررویی با نیروی دریایی آمریکا نبود.

در چنین وضعیتی که در خصوص عواقب برافراشته شدن پرچم آمریکا بر نفتکش‌های کویتی ترس و بیم هایی وجود داشت، پنتاگون طرحی اضطراری برای حمله به پایگاه‌های موشک‌های کرم ابریشم ایران تهیه کرد. اما برنامه‌ای برای گسترش و آرایش نیروها ریخته نشد تا با هرگونه تهدید احتمالی در صورت شروع عملیات حمایت از کشتی‌ها، مقابله لازم صورت گیرد.

در هفتم مارس(۱۶ اسفند ۱۳۶۵)، آمریکا آمادگی خود را برای حمایت از یازده نفتکش کویتی اعلام کرد و کویت این پیشنهاد را در دهم مارس(۱۹ اسفند) پذیرفت. قرارداد این توافق در ۲ آوریل ۱۹۸۷ (۱۳ فروردین ۱۳۶۶) بین این دو کشور منعقد گردید. کویت اصرار داشت تا هیچ قرار داد دیگری با آمریکا در زمینه سایر موضوعات و تبلیغات آن منعقد نکند، شایعه ای را نیز گسترش داد که کویت نفتکش‌هایی را از شوروی اجاره کرده است. به این ترتیب به جهانیان چنین القاء می‌شد که این اقدام یک اقدام بین‌المللی است، بدین وسیله کویت با مشکلاتی که در منطقه به واسطه قبول پیشنهاد آمریکا به وجود می آمد، روبه رو می‌شد. کویت نیز مانند آمریکا از خطرهای احتمالی موضوع نگران بود، قطعاً این کشور احساس می کرد که ایران در برابر تضمین‌های آمریکا و شوروی به کویت، هرگز دست به اقدام خطرناک نخواهد زد.

---

[1] ـ منظور نویسنده، تشکیل و تجهیز نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که وی آن را جزء دلایل اصلی احساس خطر آمریکا از روند جنگ بر می شمارد.

اما کویت خطرهای مربوط به تلاش های ایران برای برقراری ارتباط نزدیک با شوروی را درک نکرده بود و همچنین نمی دانست که ایران ممکن است با روشی مشابه با بحران گروگان گیری[1] یا دخالت در لبنان، به مقابله با آمریکا بپردازد.

ایران در طول روزهای باقی مانده از ماه فوریه و بیشتر روزهای ماه مارس، (بهمن - اسفند)، گلوله باران بصره را ادامه داد. همچنین رهبران ایرانی از انجام دادن حمله نهایی سخن می گفتند، اما نیروهای ایرانی جز حملات محدود در شمال و ادامه جنگ فرسایشی در جنوب، کار دیگری انجام ندادند. در برابر، عراق نبرد پدافندی ثابت را در زمین ادامه داد و فعالیت نیروی هوایی خود را در دو محور متمرکز ساخت: حمله به نیروی زمینی ایران و زدن اهداف نفتی و شهرهای ایران. در طول ماه فوریه(بهمن) عراق سیزده شهر اصلی ایران را در سمت غرب کشور مورد تهاجم مستمر قرارداد. هواپیماهای عراقی زدن تهران را نیز ادامه دادند و این امر از ابتدای آغاز جنگ شهرها در سال ۱۹۸۵ بی سابقه بود.

مقابله نیروی هوایی ایران چندان مؤثر نبود، تا جایی که برخی منابع ابراز داشتند که تنها یک سوم هواپیماهای اف ـ ۴ ایران قادر به پرواز می باشند و کمتر از یک سوم از هزار هلی کوپتر جنگی ایران قابل استفاده است. ایران فقط می‌توانست به پرتاب موشک های اسکاد به بغداد بپردازد، هر چند این ضربات مؤثر نبود. همچنین وسایل پدافند هوایی ایران محدود شده بود، اما وصول موشک‌های "هاگ" که آمریکا به ایران رساند، تا حدی از حملات هوایی عراق،به اسکله ها، جزیره سیری، اراک و برخی اهداف حیاتی دیگر کاست.

با این حال، می توان گفت که جنگ شهرها از حدود ۱۸ فوریه ۱۹۸۷(۲۹ بهمن ۱۳۶۵) تا آوریل متوقف شده بود. علت این امر دقیقاً روشن نیست، با اینکه عراق مدعی شد که این توقف به درخواست "رجوی" صورت پذیرفته است.[2] او به صدام حسین گفته

---

۱ ـ منظور نویسنده ماجرای تصرف لانه جاسوسی آمریکا در تهران است.

۲ ـ "مسعود رجوی" رهبر گروه مخالفی است که به دلیل انتخاب مشی مسلحانه علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی مجبور شد تا به همرا عمده قوای طرف‌دار خود، در سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی خاک ایران را ترک و در کشوری که در حال جنگ و تجاوز به کشور او بود، پناه گیرد. گروه او در بین مردم ایران با واژه پرمعنای "منافقین" (که معنایی شبیه به ستون پنجم دارد) شناخته می شود. این گروه، عمده فعالیت های مسلحانه خود را در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ با ترورهای کور مردم و بعضاً مسئولان کشور و برخی ائمه جمعه آغاز کرد. بمب‌گذاری در میدان ها و مناطق شلوغ شهری مانند راه آهن ، توپخانه و سایر نقاط شهری موجی از نفرت و انزجار عمومی علیه این گروه را به همراه آورد. بسیاری از مردم بی گناه در جریان این بمب گذاری های کور، شهید و زخمی شدند. در موج ترور نیز بیش از ۹۰٪ شهدا و مجروحان، افراد عادی، کسبه، رهگذران و مردمی بودند که ظاهری مذهبی داشتند و به طور حدسی به

بود که این حملات، رهبران ایران را تحت فشار قرار می دهد بلکه مردم مخالف حکومت، از این جنگ متضرر می شوند. اما علت حقیقی ظاهراً آن است که [امام] خمینی موافقت کرده بود تا در طول توقف جنگ شهرها، از زدن بصره خودداری کند.[1]

بعد از ۱۸ فوریه(۲۹ بهمن) نه تنها عراق از حمله به شهرها دست برداشت، بلکه از تعداد حملات هوایی او به نیروی زمینی ایران نیز کاسته شد.[2] عراق اعتراف کرد که ۵درصد نیروی هوایی را از دست داده است. این خسارات منجر به کاهش تعداد خلبانان با کفایت عراقی شد. با آنکه شوروی اعلام آمادگی کرد تا خسارت‌های وارده را به سرعت جبران کند، اما مشکل کمبود خلبان با کفایت در نیروی هوایی عراق تبدیل به مشکل بارزی شده بود، تا جایی که ایران اعلام کرد میزان خسارات عراق بسیار بیشتر است و به ۱۵درصد می رسد. البته ایران نیز فقط به اندازه ۱۵ تا ۲۵درصد از تعداد هواپیماهایی که در اختیار داشت، دارای خلبان با کفایت بود. ظاهراً عراق دریافته بود که نمی تواند فقدان یک هواپیمای گران قیمت را که بین ۱۵ تا ۲۵ میلیون دلار ارزش داشت به همراه خسارت از دست دادن خلبانان مخصوص "پشتیبانی نزدیک از عملیات زمینی" را تحمل کند. ارزش اقتصادی اهدافی که مورد اصابت قرار می گرفت به مراتب کمتر از ارزش هواپیما و خلبان آن بود، تأثیر تاکتیکی و استراتژیکی اهداف تخریب شده نیز محدود بود، معنای این ارزیابی آن است که عراق می بایست از این به بعد حملات هوایی خود را منحصراً به اهدافی انجام می داد که خطر سقوط هواپیما در آن کمتر باشد یا حداقل ارزش استراتژیک و سیاسی مهمی داشته باشد.

ایران راه‌های جدیدی برای ایراد ضربه به عراق یافته بود: فشار خود را بر کویت افزایش داد تا او را مجبور به کاهش میزان حمایت خود از عراق کند. فشار بر عراق نیز برای کاهش حملات به تأسیسات نفتی فزونی گرفته بود.شیعیان طرفدار ایران در کویت

←وسیله تیم های ترور، به عنوان قربانی انتخاب می‌شدند. ادعای عراق، در مورد درخواست "رجوی" به منظور سرپوش گذاشتن بر شکست این کشور در جنگ شهرها و بی نتیجه بودن این اقدامات بوده است، زیرا ژست مردم دوستی "رجوی" برای مردم ایران به یک طنز شباهت داشت تا یک ادعای جدی. نویسنده بدون اشاره به ماهیت پلید، سفاک و خائنانه رجوی و نفرت عمومی مردم ایران ـ اعم از موافقان و مخالفان ـ از وی و گروه بد نام او، صرفاً به بیان یک بهانه تبلیغاتی برای ارتش بعث که در جریان شکست عراق را در برابر استراتژی "مقابله به مثل" ایران در جنگ شهرها، علت توقف این حملات می داند.

۱ ـ ایران همیشه زدن شهرهای عراق را اقدامی به عنوان مقابله به مثل می‌دانست و روشن است که بدون هرگونه اعلام موافقتی، در صورت قطع حملات عراق به شهرها ـ به هر دلیل ـ ایران نیز از زدن شهرهای عراق خودداری می‌ورزید.

۲ ـ این امر نشان دهنده وجود نوعی فشار به نیروی هوایی عراق با تأثیرات اقدامات مقابله به مثل ایران است.

دست به اعتراضات و اعتصاباتی در ماه آوریل زدند. کویت با خطر خرابکاری واضحی روبه رو شده بود. در روز ۲۲ ماه مه(اول خرداد ۱۳۶۶) گروهی تلاش کردند تا یک تلمبه خانه نفتی کویت را به آتش بکشند. در صورت موفقیت، ۴۵/۰۰۰ بشکه "پروپان" و انبارهای "بوتان" و کل پالایشگاه نابود می‌شد.

مهمتر از اینها، احداث چهار سکوی پرتاب موشک کرم ابریشم به وسیله ایران در نزدیکی مرز بود. در نیمه آوریل ۱۹۸۷ (اواخر فروردین ۱۳۶۶) ایران دارای ۱۲ سکوی پرتاب موشک کرم ابریشم بود به اضافه ۲۰ فروند موشک آماده و ۲۸ فروند موشک در انبار . تنها مشکل در عدم به کارگیری این موشک‌ها، نقص یکی از اجرای مهم آن بود. اولین موضع این موشک‌ها در جزیره قشم در دهانه تنگه کشف گردید. موضع دوم در کویستاک[1] شرقی بود، در حالی که این موشک‌ها به سختی تا برد ۶۴ کیلومتر از عرض تنگه را با میزان دقت قابل قبول و با وزن عادی(سرجنگی ۱۰۰۰ کیلوگرمی) می توانست بپیماید،یا حداکثر می توانست تا ۷۵ کیلومتر را با میزان دقت کمتر و سرجنگی سبک‌تر (۵۰۰ کیلوگرمی) هدف بگیرد. با این حال، ایران به ساخت پایگاه جدیدی در دماغه جنوبی شبه جزیره فاو پرداخت. به این ترتیب ایران امکان آن را یافت تا موشک‌های کرم ابریشم را روانه شهر کویت و بندر آن کند، در نتیجه کویت و نفتکش‌های آن را در فشار بگذارد.

با وجود شکست سلسله عملیات‌های کربلا، ایران حمله دیگری را در جبهه شمالی در نیمه ماه آوریل انجام داد که نام آن را کربلای ۱۰ گذاشت، کمی پیش از این عملیات، ایران از چند حمله کردهای طرفدار خود در عراق پشتیبانی کرده بود. در ۱۸ آوریل(۲۹ فروردین) ایران اعلام کرد که به همراه کردهای عراقی، ۱۵۰۰ سرباز عراقی را کشته و بر ۲۰ روستای این منطقه تسلط یافته است و ۱۰ بخشداری در استان سلیمانیه را نیز به تصرف درآورده است.

عملیات کربلای ۱۰ با اجرای سه حمله در مناطق کوهستانی جنوب شرق بانه و شمال شرق سلیمانیه به پایان رسید و هدف آن، تسلط بر راه ها و ارتفاعات بین ماؤوت و چوارتا بود. بر خلاف ماؤوت که قریه کوچکی در یکی از نقاط پدافندی اصلی عراق در نزدیکی مرز بود و اطراف آن را سنگرها و میدان‌های مین محاصره کرده بود، شهر چوارتا، مرکز

---

[1] ـ در متن اصلی به همین شکل آمده است.

قابل سکونتی در جاده سلیمانیه بود. حمله در پنج شنبه ۲۳ آوریل ۱۹۸۷ (۳ اردیبهشت ۱۳۶۶) در ساعتی از شب که عراقی‌ها کمترین میزان هشیاری و آمادگی را داشته اند، انجام گرفت.

در پایان ماه آوریل(۱۰ اردیبهشت) ایران اعلام کرد که ۱۱ روستا و ۳۱۰ کیلومتر مربع را به تصرف خود در آورده، ۴/۰۰۰ سرباز عراقی را کشته و ۳۵۰ تن از جمله یک سرتیپ را اسیر کرده است. عراق هم در برابر، مدعی شد که موفق به سد حمله نیروهای مکانیزه ایران شده و ۱۵۰۰ سرباز ایرانی را کشته و ۶۶ خودرو را منهدم ساخته است.

در آخر ماه مه (۱۰ خرداد) روشن شد که ایران نه ماؤوت و نه چوارتا و نه هیچ موضع استراتژیک دیگر را به تصرف در نیاورده است، هر چند که ارتفاعات مشرف بر کوه سلیمانیه را به اشغال خود درآورده بودند و این به معنای حضور نیروهای ایران در فاصله ۴۸ کیلومتری سلیمانیه و حدود یکصد کیلومتری کرکوک بود.

ایران به منطقه ای حمله کرده بود که هیچ گونه اهمیت استراتژی نداشت،[1] در واقع زمین تا حدی لخت[و بی ارزش] بود که مردم می گفتند نیروهای ایران صرفاً برای انجام دادن یک حمله موفق، دست به عملیات در این منطقه زده‌اند. [آقای] رفسنجانی در جریان درگیری خود با آقای منتظری، از این فرصت بهره‌برداری می‌کرد.[2] از مهمترین تحولات در اواخر بهار ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) آن بود که ایران کوشید تا در جنگ نفتکش‌ها نسبت به عراق تفوقی حاصل کند. بر افراشته شدن پرچم آمریکا بر کشتی های کویتی، جنگ دریایی در خلیج فارس را بین‌المللی کرد. این امر در ابتدا به یک رویارویی بین ایران و شوروی انجامید و لیکن به سرعت به رودررویی با آمریکا تبدیل گردید.در آوریل ۱۹۸۷(فروردین ۱۳۶۶) ایران در برابر موافقت شوروی با حمایت از سه نفتکش این کشور که در اجاره کویت بود، واکنش نشان داد و تهدید کرد که این اقدام منجر به ایجاد وضع خطرناکی

---

۱ ـ از واکنش‌های ارتش عراق پیداست که این منطقه اهمیت استراتژیک نداشته است! پیشروی و تسلط بر این منطقه، خطرهای فراوانی برای حکومت عراق به دنبال داشت. از جمله این خطرها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تسلط و خودمختاری کردها در منطقه و اعمال فشار بر حکومت عراق؛ تهدید بغداد از سمت شمال این شهر و تزلزل مرکز حکومت؛ در خطر قرار گرفتن مراکز اقتصادی و خدماتی عراق؛ از جمله تأسیسات نفتی و منابع آبی موجود در منطقه و خطوط لوله نفتی عراق به ترکیه؛ ایجاد رخنه عمیق در خطوط پدافندی ارتش عراق و در خطر سقوط قرار گرفتن شمال این کشور.

۲ ـ ربط دادن این عملیات به درگیری بین آقای هاشمی و آقای منتظری، محصول تخیلات نویسنده است و معلوم نیست آقای هاشمی چگونه می‌توانسته است از عملیات در منطقه‌ای بی ارزش (به تعبیر نویسنده) علیه آقای منتظری بهره‌برداری کند؟!

خواهد شد و خلیج فارس ممکن است تبدیل به یک افغانستان دیگر شود.[آقای] رفسنجانی خطاب به آمریکا نیز تهدید مشابهی را اعلام کرد.

ظاهراً این تهدیدات از آنجا ناشی می شد که ایران کوشید تا در جریان جنگ نفتکش‌ها به رقابت با عراق بپردازد، لیکن در عمل، حمله به کشتی‌های متعلق به کشورهای جهان سوم را پیشه کرد و هیچ کشتی عراقی را هدف قرار نداد، چرا که اصلاً هیچ کشتی عراقی در خلیج فارس نبود، بنابراین طبیعی بود که در چنین اوضاعی دولت های حاشیه جنوبی خلیج فارس و ناوگان های غربی، واکنش مخالف نشان دهند.

با آنکه ایران تعدادی از ناوهای جنگی اصلی خود را از دست داده بود، لیکن همچنان قادر به هماوردی با نیروی دریایی کشورهای جنوب خلیج فارس بود. ناوشکن انگلیسی "آرتیمایز" (پدافند هوایی) و ناوشکن‌های آمریکایی که مجهز به وسایل پدافند هوایی جدید بودند، در خلیج فارس حضور داشتند. ایران دارای چهار فر گیت انلگیسی مجهز به موشک‌های سطح به سطح سی کیلر و هشت لنج نقل و انتقال مجهز به توپ های ۷۶ میلی متری و ۴۰ میلی متری و موشک‌های هارپون بود

که البته تعداد موشک های هارپون بسیار معدود بود. ایران تعداد بیشتری کشتی‌های کوچک از انواع مختلف در اختیار داشت: یک مین روب ۳۲۰ تنی در دریاچه خزر؛ چهار کشتی مخصوص پیاده کردن تانک که هر کدام حامل یک هلی کوپتر اگوستا مجهز به موشک های AS-۱۲ بود، یک کشتی کوچک مخصوص پیاده کردن نفرات و تجهیزات مخصوص مین پاشی؛ به تازگی سه کشتی برای پیاده کردن نفرات و چهار کشتی هلندی نیز به ناوگان نیروی دریایی ایران پیوسته بود؛ ایران دو کشتی "بندر عباس" و "بوشهر" را نیز بهینه سازی کرده بود که این کشتی‌های ۵۰۰ تنی با توپ های ۴۰ میلی متری مجارستانی، برای حمل هلی کوپتر مجهز شده بود؛ تعدادی هاورگرافت (حدود شش دستگاه) همچنان آماده به خدمت دارد؛ حدود ۱۵ ناو ترابری دارد که البته در جریان جنگ تعدادی از آنها را از دست داده است. با همه این احوال، این نیروی دریایی قادر به انجام دادن عملیات گسترده نبود و تأثیری در خارج از حدود ساحلی نداشت و نیز قادر به مقابله با ناوگان‌های موجود در جنوب خلیج فارس نبود.

در این وضعیت اگر ایران می خواست همچنان مایل به ایفای نقش در جنگ نفتکش‌ها باشد، باید راهکارهای دیگری برای استفاده از نیروی دریایی خود می‌جست. اولین راهکار

از نظر ایران، پخش مین در دریا بود. این کار روشی برای جنگ غیر مستقیم دریایی است. ایران ذخایری از مین های دریایی مختلف داشته که از کشورهای شرقی وارد کرده است. ایران همچنین ساخت مین‌های غیر مغناطیسی و شناور کنترل از راه دور را آغاز کرده است و از آنجا که یک کشتی مین روب در دریای خزر داشت، برای پخش مین از کشتی‌های کوچک حمل و نقل و قایق‌های بادبانی استفاده می کرد.

راهکار دوم ایجاد شاخه جدیدی از سپاه پاسداران بود که در دریا فعالیت کنند. این راهکار عملاً از دو سال قبل آغاز شده است. در اواخر سال ۱۹۸۶ (پاییز ۱۳۶۵) این یگان جدید ۲۰/۰۰۰ تن نیرو داشت که بیشتر از افراد نیروی دریایی ارتش ایران بوده است. عناصر این نیرو مجهز به تعداد فراوانی کشتی کوچک بودند، از جمله کشتی تهاجمی ساخت سوئد و شمار بسیاری قایق‌های فایبرگلاس زودیا. طبیعی بود که کشف این قایق‌ها و کشتی‌های کوچک به وسیله رادار مشکل بود. این قایق‌ها، مجهز به موشک، تیربار سلاح‌های سبک و توپ‌های ۱۰۷ میلی متری بدون عقب نشینی[1] بوده اند. کشتی تهاجمی سوئدی، ۴۲ فوت طول داشت و قادر به حمل شش سرنشین و حدود ۱۰۰ رطل سلاح[2] و مهمات و حرکت تا فاصله ۵۰۰ مایل دریایی بوده است. سرعت آن ۴۶ گره دریایی بود و تا ۶۹ گره دریایی می توانست سرعت بگیرد. نیروی دریایی سپاه به کشتی‌های بادبانی مجهز به "اوناش" نیز تجهیز شد. این کشتی ها قادر به حمل ۳۵۰ تن مین بودند. نیروی دریایی سپاه همچنین به تعداد "لندی کرافت" و زیر دریایی کوچک کره‌ای (۶ تا۹ متری) مجهز بود. عناصر این نیرو در تعدادی از جزایر و سکوهای نفتی در خلیج فارس مستقر شده بودند و بیشترین حجم تمرکز آنان در جزایر فارسی، سیری، هالی، ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک و لارک بود.

نیروهای سپاه جهت به کارگیری قایق های منفجر شونده که به سمت کشتی‌ها هدف‌گیری می شد، آموزش لازم را دیده بودند. گفته شد که آنان کشتی‌های سریعی حامل سیمان در اختیار دارند که برای غرق کردن در بندرعباس آموزش می دهد. نیروی دریایی سپاه حدود ۳۵ تا ۴۶ هواپیمای "بیلاتوس پی. سی ـ ۷" تهیه کرد. این هواپیمای آموزشی که برای حملات نزدیک نیز به کار می رود، از سوئیس خریده شد و آموزش

۱ـ منظور، مینی کاتیوشا است.

۲ ـ رطل واحد اندازه گیری وزن در مصر است، که معادل ۲۵۶۴ گرم است.

پرواز آن را تعدادی از کارشناسان کره شمالی به عهده گرفتند. همچنین گفته شد که آنان جنگنده‌های چینی "اف ـ ۶" و "اف ـ ۷" به دست آورده اند و می کوشند تا جنگنده‌های برتر و پیشرفته‌تری از بلوک شرق تهیه کنند. برخی خلبانان آنها برای اجرای عملیات انتحاری با هواپیماهای سبک آموزش دیده اند و سرانجام اینکه نیروی دریایی سپاه به موشک های کرم ابریشم مجهز شده است.

از زمانی که آمریکا حمایت از کشتی های کویتی را اعلام کرد، نیروهای سپاه شروع به ساخت هشت سکوی موشک کرم ابریشم کردند. همچنین یک دژ بتونی و پناهگاه مجهز به رادارهای هدف یابی در جزیره قشم و سایر اراضی ایران احداث کردند. و به تقویت نیروهای موجود در جزیره فارسی و ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک پرداختند و تعداد نیروهای حاضر در جزایر به یک هزار تن می رسید که در مواضعی مستحکم قرار داشتند و هلی کوپتر نیز در اختیارشان بود.

این امر موجب افزایش قدرت نیروهای ایرانی در ایراد ضربات حمله و گریز و استفاده از مین و به کارگیری قایق‌های تندرو و موشک‌های کرم ابریشم و قایق‌های منفجر شونده گردید. به این ترتیب با وجود خساراتی که متوجه ایران شد، باز هم این کشور بزرگترین قدرت نظامی در خلیج فارس بود، ولی دریافته بود که هرگز قادر به ورود در یک درگیری و جنگ با ناوگان آمریکا یا شوروی نمی‌باشد.[۱]

واضح بود که تمام توانایی ایران در انجام دادن حملات چریکی دریایی خلاصه می‌شد تا از هر فرصتی و هر نقطه ضعف سیاسی قدرت‌های بزرگ برای ایراد خسارت به آنها بهره گیرد. ایران امکانات گسترده ای برای بخش مین های دریایی و اقدامات خرابکارانه[۲] در دریا داشت.

کاملاً روشن بود که حکومت ایران قصد انجام دادن چه عملی را دارد. در ماه آوریل (فروردین ۱۳۶۶) ایران اعلام کرد که حاکمیت کامل شمال خلیج فارس و کنترل براین

---

۱ ـ اگر چه ایران هیچ گاه در شروع درگیری و جنگ پیشقدم نمی شد، اما این بدان معنی نیست که قادر به وارد آوردن خسارت به آمریکا یا شوروی نبود. نقاط ضعف قدرت های بزرگ در منطقه ای مانند خلیج‌فارس به خوبی مشخص بود و به هنگام درگیری با آنها به خوبی می شد از این نقاط ضعف استفاده کرد. اصابت برخی نفتکش های مورد حمایت آمریکا و سالم ماندن قایق های حمله کننده به آنها، نشان از برتری تاکتیکی بر این نیروها داشته است.

۲ ـ در اوج حضور یگان های رزمی آمریکا، شوروی و متحدان آنها در منطقه خلیج فارس و حملات آنها به ناوگان‌های ایران و پشتیبانی آنها از تهاجمات هوایی عراق به نفتکش های ایران ...، چگونه است که عملیات تدافعی ایران نام "اقدامات خرابکارانه" به خود می گیرد!

منطقه از آن اوست و منطقه ای را به نام منطقه دریایی سپاه پاسداران نام گذاشت که شامل جزیره خارک و بخش عمده ای از آب‌های شمالی خلیج فارس می شد. ایران اعلام کرد که آب‌های اقلیمی این کشور تا ۱۲ مایل دریایی امتداد دارد و در منطقه ای بین ساحل شمالی تا عمق ۴۰ مایل گسترش دارد. پهنای این منطقه موجب تنگ شدن محل عبور کشتی ها به سمت کویت می‌شد. در ماه مه (اردیبهشت) ایران بر فعالیت های دریایی خود افزود، تا آنکه در این ماه متعرض ۱۴ نفتکش شد و نیروهای خود را برای انجام دادن عملیات بازرسی وارد برخی از کشتی‌ها کرد. سپاه به یک نفتکش هندی حمله کرد و کشتی پتروبالک ریجنت در چهارم ماه مه(۱۴ اردیبهشت) و یک کشتی ژاپنی در پنجم این ماه(۱۵ اردیبهشت) در فاصله ۴۵ کیلومتری سواحل عربستان مورد حمله یگان‌های دریایی سپاه قرار گرفتند. بیشتر حملات سپاه از نزدیکترین پایگاه به بحرین و عربستان به نام جزیره فارسی صورت می گرفت. این جزیره در فاصله میانی سواحل ایران و عربستان قرار دارد. همچنین نیروهای سپاه از سکوی نفتی نزدیک جزیره هالول و از جزیره سیری و ابوموسی استفاده می کردند. معمولاً این حملات در تاریکی شب صورت می‌گرفت و از کشتی‌ها خواسته می‌شد تا هویت و مقصد خود را اعلان کنند. این حملات با تیربار و گاهی با موشک و راکت به مخازن سوخت انجام می‌شد.

آمریکا در برابر این وضع دو راهکار داشت: یکی آنکه به سازمان ملل رجوع کند که آتش بس کامل را در جنگ اعمال نماید، تا شاید از این راه صلحی برقرار شود که متضمن قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و بازگشت به مرزهای دو کشور در قبل از جنگ، باشد. راه دیگر اینکه برای فرونشاندن جنگ در خلیج فارس و کاهش حضور و نفوذ شوروی و اجبار ایران برای قبول آتش بس، دست به اقدام نظامی بزنند.

واکنش آمریکا و اجاره کردن کشتی‌های روسی به وسیله کویت، منجر به اعمال فشارهای سیاسی ایران بر کویت شد. نخست وزیر ایران در ۶ مه، کویت را از پناه آوردن به ابرقدرت ها منع کرد. در ۸ مه ۱۹۸۷(۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶) یک قایق کوچک ایرانی بدون هیچ گونه پرچم و علامتی با تیربار و راکت‌های موشک‌انداز به یک کشتی باربری شوروی حمله کرد. این کشتی در حال عبور از نزدیکی (۳۰ مایلی) یک سکوی نفتی ایران بود.

روشن بود که این حمله عامدانه و به قصد بالا بردن سطح بحران و ترساندن کویت صورت گرفته است. در خلال ماه بعد روشن شد که نیروی دریایی سپاه پاسداران ایران صرفاً براساس اوامر و سیاست‌های حکومت مرکزی عمل می‌کند. نیروی دریایی ارتش ایران با استفاده از هلی کوپتر و قایق‌های کوچک و کشتی‌های ترابری، بر تردد کشتی‌ها در خلیج فارس نظارت می‌کرد و به این صورت با نیروی دریایی سپاه پاسداران همکاری داشت و روشن شد که پایگاه موجود در جزیره فارسی و ابوموسی تماماً در اختیار حکومت مرکزی ایران است و به دستور های صریح حکومت عمل می‌کند.

عراق به عنوان واکنش، حملات خود به کشتی‌های ایرانی را افزایش داد. در ۲۳ ماه (۱۳ اردیبهشت) یک حمله متمرکز به پالایشگاه های نفتی ایران در اصفهان و تبریز انجام داد و اقدام به اجاره هواپیماهای ترابری آمریکا به انگلیس کرد تا قایق های کوچک و موتورهای دریایی خریداری شده را به بغداد وارد کند و از آن در رودها و کانال ها و خلیج فارس استفاده کند. در حالی که روند جنگ زمینی نسبتاً آرام بود، عراق کوشید تا شورش کردها را سرکوب کند، لذا حملاتی را به سمت شهرها و اردوگاه های آنها سازمان داد. ظاهراً از گازهای سمی نیز در حمله به شهرها و اردوگاه های نزدیک به مرز کردها بهره گرفته است.

ایران هم در مقابل به افزایش میزان فشار پرداخت. گام بعدی ایران مین گذاری در مسیر یکی از سه کشتی شوروی بود که به اجاره کویت در آمده بود. نفتکش "مارشال چوخوف" در حین حضور در آب های خلیج فارس مورد اصابت مین قرار گرفت. با اینکه حادثه غیر عمدی بود و اصابت با مین های آزاد و شناور صورت گرفت، اما زمان بندی وقوع آن به گونه ای بود که تأثیر بسیاری در موضع ایران داشت. ایران به سرعت اعلام کرد که قادر است، این گونه اقدامات را با دقت فراوان انجام دهد. درهمین روز، رادیو بغداد از قول یکی از مسئولان اعلام کرد که اگر ایران در زدن کشتی‌های کویتی تردید داشته باشد، در زدن کشتی‌های بیگانه تردید ندارد.

این ماجرا، ایران و شوروی را رودرروی یکدیگر قرار داد. در غروب روز ۱۷ ماه مه(۲۷ اردیبهشت) میراژ اف ـ ۱ عراقی، ناو فری گیت آمریکایی (استارک) را در فاصله ۸۵ مایلی شمال شرق بحرین و ۶۰ مایلی منطقه خطر ایران، هدف دو موشک اگزوسه قرارداد که خسارات فراوان بر جای گذاشت و تعدادی از ناوی‌های آن کشته شدند. عراق

اعلام کرد که حادثه غیر عمدی بوده و کاملاً تصادفی رخ داده است. این واقعه منجر به بروز مباحثات تندی درباره نقش آمریکا در خلیج‌فارس و نیروی پدافندی آمریکا و رابطه این کشور با عربستان گردید.

ماجرای ناو استارک سبب شد تا پای آمریکا در قضیه بحران خلیج فارس فرو رود و حضور سیاسی ـ نظامی آرام او تبدیل به یک بحران اصلی سیاسی گردد، سپس تحقیقات کنگره آمریکا درباره مشروعیت حضور آمریکا در خلیج فارس و ارزیابی فواید حضور یا عدم حضور او در این منطقه، آغاز شد.

حمله به ناو آمریکایی استارک، علامتی بود برای دولت های حاشیه جنوبی خلیج فارس که نشان می داد آمریکا دوباره درگیر ماجرایی مانند لبنان شده و به زودی همه نیروهای خود را از خلیج فارس خارج خواهد ساخت. این حادثه ایران را نیز شجاعت بیشتر بخشید تا مواضع شدیدتری اتخاذ کند و منجر به تبلیغ این نکته شد که هر کشوری که از آمریکا کمک دریافت کند، هدف اقدامات ستیزه جویانه ایران قرار خواهد گرفت.

با این همه نمی شد پیش بینی کرد که آیا ایران دست به یک عملیات نظامی برای آزمایش واکنش آمریکا، خواهد زد یا خیر، همه کارشناسان معتقد بودند که اگر ایران تصور کند که حمله مستقیم نظامی به کشتی های آمریکا منجر به افزایش فشارهای کنگره و افکار عمومی آمریکا برای لغو قرارداد حمایت از کشتی‌های کویتی با خروج از خلیج فارس خواهد شد، دچار اشتباه بزرگی شده است.

به طور کلی تلاش های ایران متوجه ایجاد یک دگرگونی تدریجی در اوضاع بود که با استفاده از هرگونه تنش در روابط آمریکا و عراق، و کوشش در تحقیر طرح آمریکا و ادامه جنگ اعصاب آرام، صورت می گرفت. هدف این دگرگونی تدریجی، و راه انداختن جنگ اعصاب در کنگره آمریکا بود تا بدین وسیله طرح‌های آمریکا برای حمایت از نفتکش های کویتی لغو گردد و یا آن که حتی منجر به عقب نشینی نیروی دریایی آمریکا از خلیج فارس شود.

ایران این برنامه را به آرامی آغاز کرد، قایق‌های ایرانی سپاه پاسداران یک نفتکش نروژی را هدف آتش خود قرار دادند و آتش مخازن اصلی نفتکش را فرا گرفت. سپس نیروهای سپاه پاسداران به تلاشی جهت تسلط بر اسکله ای نزدیک فاو دست زدند. در این

عملیات، چهل قایق سبک مسلح به توپ‌های ۱۰۶ میلی متری ـ بدون عقب نشینی [۱] ـ و تیربار و موشک انداز بودند.

کشتی باربری "برایمروز" مورد اصابت مین‌های دریایی قرار گرفت، درست در همان منطقه‌ای که کشتی "مارشال چوخوف" شوروی به مین برخورد کرده بود. قایق تندرویی، کشتی "نیهامر" را در مسیر خود به سمت رأس تنوره بدون هیچ گونه اخطاری هدف دو موشک قرار داد که به کشتی اصابت نکرد و قایق گریخت.

در ماه مه و اوایل ژوئن(اردیبهشت و نیمه خرداد) ایران به اقدماتی پرداخت که تأثیر بسیاری بر منافع آمریکا داشت. ایران کشتی تجارتی "پاتریوت" متعلق به آمریکا را که در مسیر خود به سمت بحرین می رفت، متوقف کرد و از آن خواست تا هویت خود را اعلام کند. ناوشکن ایرانی با مشاهده ناوشکن آمریکایی کوینگهام که به کمک کشتی آمریکا شناخته بود، از محل دور شد و اوضاع تا روز ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد) آرام گرفت. در این روز هواپیمای ناشناسی یک کشتی نفتکش یونانی را در نزدیکی کویت هدف گرفت.

در ۱۹ و ۲۰ ژوئن (۲۹ و ۳۰ خردا) عراق اولین حمله هوایی مهم خود را (در جنگ نفتکش ها) پس از ماجرای ناو "استارک" انجام داد که یک نفتکش ایرانی مورد اصابت موشک اگزوست قرار گرفت. عراق همچنین به دیواره غربی جزیره خارک حمله کرد. این حملات که به اهداف متعددی در خلیج فارس انجام می‌شد، یک ماه ادامه داشت. ظاهراً عراق ضمن آنکه نگران بود مبادا حمایت غرب را در جریان آتش بس از دست بدهد،مجبور به واکنش هم بود، چرا که ایران ۲ تا ۳ میلیون بشکه در روز نفت صادر می کرد و قیمت بیمه نفتکش ها در خلیج فارس نیز کاهش یافته بود.

هنوز معلوم و مشخص نبود که واکنش ایران در برابر این حملات عراق چه خواهد بود که ناگهان تعدادی مین شناور در اطراف "بندر الاحمدی" کویت مشاهده شد و آمریکا اعلام کرد که عربستان با عملیات مین روبی در بندرهای کویت به وسیله ۴ فروند کشتی مین روب، موافقت کرده است. همچنین آمریکا اعلام کرد که عربستان به زودی به نیروی هوایی آمریکا اجازه پرواز هواپیماهای آواکس را می دهد تا دامنه عملیات شناسایی و اعلام خطر هوایی به بالای خلیج‌فارس گسترش یابد.

---

[۱] ـ منظور مینی کاتیوشا ۱۰۷میلی متری است.

در ۲۵ ژوئن(۴ تیر ۱۳۶۶) عراق یک نفتکش ترکیه را در نزدیک جزیره خارک هدف موشک قرار داد و در ۲۷ ژوئن(۶ تیر) ایران به دو نفتکش در حوالی ۱۲۰ مایلی جنوب بند الاحمدی کویت و ۶۰ مایلی شرق عربستان حمله کرد و در ۳۰ ژوئن (۹ تیر ۱۳۶۶) نیز یک کشتی ایران، نفتکش کویتی را هدف توپ قرار داد.

ایران پیشنهادی مبنی بر آتش بس جزئی در جنگ داد. این آتش بس شامل جنگ زمینی نمی شد، بلکه شامل خودداری از حمله به نفتکش ها و جلوگیری از تردد کشتی‌های عراقی در خلیج فارس می شد. آمریکا در پایان ماه ژوئن پیشنهاد ایران را رد کرد و حتی فشار خود را برای پذیرش قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت سازمان ملل ـ که در سال ۱۹۸۶ صادر شده بود و در آن اجرای آتش بس از دو طرف خواسته شده بود ـ افزایش داد. ایران در پاسخ به این اقدامات آمریکا، دست به مانورهای دریایی زد و اخطاری برای این کشور (آمریکا) فرستاد که در صورت رودررویی با ایران در خلیج‌فارس، درسی تلخ و فراموش ناشدنی خواهد گرفت.

به این ترتیب روشن شد که ایران در برابر تلاش های آمریکا (حمایت از نفتکش‌ها) هرگز عقب نشینی نخواهد کرد و همچنین آمریکا با خطرهای مهمی از جمله مین‌های دریایی، اعمال تروریستی، حملات انتحاری و حمله قایق‌های سبک و تندرو مواجه است.

در طول پاییز ۱۹۸۷(۱۳۶۶) ایران که جنگ روانی را انجام می داد، حملات زمینی را نیز قطع نکرد. در ۱۴ ماه مه آتش سنگینی به وسیله توپخانه روی بصره اجرا شد و برخی عملیات نظامی کوچک در طول مرز ادامه یافت و انقلابیون کرد شمال عراق نیز پشتیبانی و تقویت می شدند. درست در همین زمان عراق به تقویت نیروی زمینی و مواضع پدافندی و گسترش عمق این مواضع خصوصاً در جبهه جنوبی پرداخت.

پس از مدتی که بسیاری از مناطق پدافندی عراق تنها یک خط دفاعی داشت، در این مناطق خطوط متوالی و رده های دفاعی پشت سرهم ایجاد گردید. ایران کوشش خود را برای خشک کردن دریاچه ماهی و سایر موانع آبی موجود در برابر بصره، آغاز کرد، همچنین یک خاکریز در شرق دریاچه احداث کرد. ظاهراً این اقدامات برای آمادگی حمله دیگری به بصره بود. ایران دو حمله کوچک دیگر در ۱۷ و ۱۸ ژوئن ۱۹۸۷ (۲۷ و ۲۸ خرداد ۱۳۶۶) انجام داد. حمله اول با کمک کردهای شمال در نزدیک اربیل صورت

گرفت که از یک درگیری محلی ساده بیشتر نبود. در جنوب هم در جبهه میان[1] حمله ای شد که به شکست انجامید و نتیجه ای نداشت. در ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) ایران حمله دیگری در اطراف ماؤوت در عمق ۸ کیلومتری مرز انجام داد که در آن، ۲۴ مایل مربع از سرزمین خود و ۵ روستا را در اختیار گرفت. اما عراق در ۲۷ ژوئن (۶ تیر ۱۳۶۶) مدعی شد که حمله را دفع کرده و تمام زمین های متصرفه را باز پس گرفته است.

تأثیر تلاش های هیأت اعزامی از سازمان ملل برای تحقق صلح

در ۲۰ ژولای ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶)، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد و در آن، نگرانی کشورهای جهان را از هزینه و خسارات و خطرهای جنگ ایران و عراق اعلام و حمله به شهروندان غیرنظامی و استفاده از سلاح شیمیایی را محکوم کرد.

از هر دو کشور ایران و عراق خواست تا آتش بس فوری برقرار و هرگونه عملیات نظامی را در زمین و دریا و هوا متوقف سازند و بی درنگ نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب نشانند.

از دبیرکل سازمان ملل متحد خواست تا گروهی را برای نظارت بر اجرای آتش بس اعزام کند. پس از توقف عملیات نظامی، بدون درنگ اسیران دو کشور مبادله شوند و از سایر کشورها خواست تا از گسترش دامنه درگیری خودداری کنند.

از دبیرکل سازمان ملل متحد خواست تا مذاکراتی با ایران و عراق انجام دهد و کمیته‌ای را برای تحقیق و شناسایی آغازگر جنگ و ارائه گزارش به دبیرکل در اسرع وقت ممکن تعیین کند.

دبیرکل با کمک طرف های ذی نفع به بررسی راه حل هایی بپردازد که می‌توانند به تسریع روند برقراری ثبات و امنیت در منطقه بینجامد.

راه ها و اقدامات لازم و ضروری برای به اجرا درآمدن قطعنامه بار دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

در قطعنامه ۵۹۸ به صراحت از عقب نشینی فوری نیروهای ایران از اراضی عراقی و تبادل اسیران یاد شد. این قطعنامه از ایران می خواست تا در بسیاری از مواضع خود نرمش نشان دهد، اما از عراق نرمش کمتری را می‌طلبید، و از این کشور می‌خواست تا به مرزهای

---

۱ - جبهه میان، نام عربی آن منطقه عملیاتی است، نام فارسی آن "غرب فکه" می باشد.

شناخته شده بین المللی اعتراف مطابقت داده شود کند و این به معنای اعتراف به حقوق ایران در شط العرب (اروند رود) بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود.

باید گفت که عجیب نیست اگر بگوییم این قطعنامه جدید هم هیچ تغییری در مواضع ایران ایجاد نکرد و او را به پذیرش هیچ چیزی وادار نساخت، بلکه ایران قطعنامه را متهم به حمایت از عراق کرد. ایران خواستار آن شد تا قبل از اجرای آتش‌بس، مسئول آغاز جنگ معرفی شود.[1]

ایران طرح آتش بس جزئی] در برخی صحنه های جنگ] را دوباره مطرح کرد و حملات [سیاسی] خود را به ایالات متحده امریکا افزود. همچنین روابط خود را با شوروی بهبود بخشید و آن را مستحکم ساخت تا جایی که شوروی ضمانت کرد هیچ گونه قطعنامه‌ای در شورای امنیت به منظور تحریم تسلیحاتی ایران تصویب نشود. ایران فوراً گفت و گوهایی با چین به منظور تضمین استمرار واردات اسلحه و مهمات و مخالفت با قطعنامه تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت، آغاز کرد.

در ۲۱ ژولای ۱۹۸۷ [۳۰ تیر ۱۳۶۶] پرچم امریکا بر فراز نفتکش‌های کویتی به اهتزاز درآمد و نیروی دریایی امریکا حراست از کاروان های نفتی را در خلیج‌فارس آغاز کرد. نام رمز این عملیات " عملیات ارنست ویل" بود. آمریکا، مدت چهار ماه در حال آماده‌سازی زمینه اجرای این عملیات به سر می برد، با این حال این مأموریت دارای نقاط ضعف و قوت بود. مهمترین نقطه قوت آمریکا این بود که همراه اولین کاروان نفتکش ها که فقط دو نفتکش بود، حجم عظیمی از واحدهای دریایی را روانه کرد[2] که شامل ۴ فری گیت، ۳ ناو و یک ناوشکن در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز می شد.

این نیرو قبل از انجام دادن عملیات اصلی خود، به اجرای سه مانور آزمایشی پرداخت، آمریکا همچنین یک ناو هواپیمابر و مجموعه همراه آن را در اقیانوس هند داشت. ناو میسوری و ناو هلی کوپتربر نیز در راه پیوستن به بقیه نیروهای دریایی امریکایی در منطقه خلیج فارس بود.

---

۱ - ایران هرگز قطعنامه ۵۹۸ را رد نکرد و این به خلاف سایر قطعنامه هایی بود که به صراحت در حمایت از عراق متجاوز صادر می شد. تلاش های سیاسی ایران در برابر صدور قطعنامه ۵۹۸ در دو محورعمده خلاصه می شد: الف) تغییر برخی بندها و اولویت بخشیدن به بندی که به تعیین متجاوز پرداخته بود. ب) اخذ تضمین های لازم برای اجرای این قطعنامه به نحوی که به سرنوشت قطعنامه‌های اعراب و اسرائیل دچار نگردد.

۲ - *مشخص نیست این ضعف چشم گیر، چرا به عنوان بزرگ ترین نقطه قوت معرفی شده است؟*

در طرح عملیاتی پیش بینی شده بود که ۳ تا ۴ واحد دریایی به همراه کاروان نفتکش‌ها حرکت کنند. (هر کاروان شامل ۲ نفتکش می شد) ؛ هواپیماهای ۱-۶ و اف – ۱۸ و جنگنده های اف – ۱۴ پشتیبانی هوایی نیروی همراه کاروان را تأمین کنند؛ هواپیماهای آواکس نیز نقش اعلام خطر و هدایت را به عهده بگیرند.

برنامه آمریکا این بود که در هر دو هفته یک بار در ماه های جولای و اگوست به برآورد و برنامه ریزی مراقبت از کاروان ها بپردازد. دلیل انتخاب این فاصله زمانی نیز برای آزمایش نتیجه عمل و شناسایی واکنش های ایران بود. آمریکا نگرانی‌هایی در خصوص فشارهای ناشی از تداوم حالت آماده باش دائم در برابر حملات انتحاری یا استفاده از وسایل غیرکلاسیک دیگر در جنگ داشت، به همین جهت ناوشکن "فوکس" و " ناو کید" انتخاب شدند، چرا که توپ های ۷۶ میلیمتری آن ها قدرت آتش مؤثری در برابر شبیخون های ناگهانی ایرانیان فراهم می ساخت و همچنین اهداف روی خشکی را می‌توانست هدف قرار دهد. همه واحدهای دریایی امریکا مجهز به رادارهای دوربرد و شبکه‌های اطلاعاتی و توپ‌های ضد موشک "فالانکس" بودند. با این حال نقاط ضعفی در این نیرو دیده می شد که مهمترین آن نداشتن هرگونه پایگاه دریایی یا هوایی محلی قابل بهره‌برداری بود، همچنین امکان تأمین دفاع متقاطع از کشتی هایی که خارج از کاروان حرکت می کردند برای کاهش امکان موفقیت یک حمله فشرده و سنگین، فراهم نبود.

نقص دیگر این نیرو، کمبود وسایل پدافندی ضد جنگ مین بود که ایران به سرعت از آن بهره برداری اساسی می کرد.

نداشتن پدافند ضد جنگ مین یکی از نقاط ضعف طرح عملیاتی آمریکا بود. در این طرح هیچ گونه اقداماتی برای حفاظت در برابر این وسایل پیش‌بینی نشده بود. با آنکه اطلاعات نیروی دریایی امریکا قبلاً این خطر را گوشزد کرده بود، با این حال نیروی دریایی این کشور برای قبول مسئولیت مقاومت در جنگ مین، مجهز نبود و در این زمینه به نیروهای هم پیمان اروپایی خود امید داشت. در نیروی دریایی آمریکا بیش از ۲۱ مین روب قدیمی که از عمر آن ها ۳۰ سال می‌گذشت، وجود نداشت و همه این مین روب ها غیر از ۳ فروند، در احتیاط نیروی دریایی بود، این ۳ مین روب عملیاتی نیز عهده دار مأموریت کشف و جستجو شدند و آماده اجرای مأموریت جنگ مین (خنثی سازی و انهدام) نبودند.

آمریکا که با دامنه گسترده ای از تهدیدات رو به رو بود، فقط با بخش اندکی از نیروی خود، آماده مقابله با آن بود. ایران دارای امکانات گسترده ای در پشتیبانی عملیات مین گذاری بود. مین های سطحی، مین های شناور (غوطه ور)، مین‌های زمانی و انواع دیگر مین‌ها (مغناطیسی، صوتی، فشاری، حرارتی، کنترل از راه دور و غیره) و مین های مکانیکی بزرگ که امکان کشف آن به وسیله عملیات سونار (صوتی) وجود داشت و مین‌های کوچک که کشف آن مشکل بود و مین‌های مغناطیسی.

مشکل دیگر، مسافتی بود که کاروان از ابتدای ورود به تنگه تا رسیدن به بندر کویت باید می پیمود و در طول این مسافت در معرض خطر قرار داشت. کاروان می بایست مسیری را می پیمود که شامل یک سفر ۱۰۰ مایلی از د نیا (احتمالاً دیگو گارسیا) تا تنگه هرمز می شد. با احتساب سرعت ۱۶ گره دریایی در ساعت کاروان، این مسافت ۸ ساعت به طول می انجامید. در ۵۰ مایل باقی مانده، کاروان باید از تنگه هرمز در فاصله ۲۰ مایلی منطقه ممنوعه ایران می گذشت، در این منطقه موشک های کرم ابریشم وجود داشت. پس از آن باید ۹۰ مایل به سوی نقطه‌ای در نزدیکی "ابو نویر" به سمت سواحل دوبی حرکت کند و این به معنای گذشتن از کنار ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بود. سپس ۶۰ مایل به سمت امارات (الزقوم) می پیمود و ۶۰ مایل دیگر تا جزیره "هالول" قطر، راه در پیش داشت. پس از آن، ۹۰ مایل تا "شاه الوم" راه بود که با آب های ایرانی یک مایل فاصله داشت. از این نقطه تا جایی در نزدیکی " راس تنوره" ۲۸۵ مایل باقی می‌ماند. در تمام این مسیر، ایران می توانست بهترین نقطه مناسب برای حمله را برگزینند. از طرفی فرماندهی امریکا به دلیل دخالت رسانه های جمعی نتوانست برنامه حرکت کاروان (زمان بندی ها – مسیر و ...) را محرمانه نگه دارد.

اولین کاروان مطابق برنامه تنظیمی، در روز ۲۲ ژولای ۱۹۸۷ (۳۱ تیر ۱۳۶۶) به همراه ۴ واحد نظامی امریکا که در بین آن ها یک ناو مسلح به موشک‌های هدایت شونده بود، حرکت خود را آغاز کرد. این کاروان شامل نفتکش غول پیکر "بریجتون" و نفت کش " جاس برسن" بود. از بدشانسی، امریکا بیشترین موشک‌های خود را بر ضد تهدید احتمالی در تنگه هرمز متمرکز کرده بود و موشک‌های کمتری را به سایر نقاط خطرناک احتمالی اختصاص داده بود. این خطا به وضوح در ساعت ۶:۳۰ صبح روز ۲۴ ژولای (۲۱ مرداد ۱۳۶۶) روشن شد.

در این ساعت نفتکش غول پیکر بریجتون در عرض جغرافیایی ۲۵۵۸ شمالی و نصف النهار ۴۹۵۰ شرقی با یک مین دریایی اصابت کرد؛ انفجار مین شکاف بزرگی در بدنه نفتکش ایجاد کرد و در ۴ مخزن از ۳۱ مخزن آن آب وارد شد. کاروان مجبور شد که از سرعت خود بکاهد (از ۱۶ گره به ۵ گره) و واحدهای نظامی دریایی به ناچار در عقب کاروان به حرکت ادامه دادند. کاروان چاره ای جز استفاده از دستگاه های سونار (رادارهای صوتی) نداشت و مردان مسلح بر سطح آب پراکنده شدند تا در صورت رؤیت مین های شناور در سطح آب، آنها را هدف گلوله قرار دهند.

پس ایران موفق شد تا از تنها نقطه ضعف موجود در کاروان آمریکا استفاده کند، بدون آنکه رد پایی مشخص و اثبات کننده بر جا گذارد که نشان دهنده ارتباط مین‌ها با ایران باشد. با آنکه پس از آن ثابت شد که ایران سه میدان مین مختلف (حاوی حداقل ۶۰مین) ایجاد کرده است، لیکن امکان اثبات رابطه بین این عمل و ایران وجود نداشت.

تأثیر اقدام ایران از آن جهت بیش از حد معمول بود که درست پس از اظهارات یکی از فرماندهان آمریکایی در خصوص عملیات اسکورت، صورت گرفت. وی گفته بود: « همه چیز بر طبق برنامه و بدون دخالت ایران پیش رفته است. جنگ درازمدت، ایران را ضعیف کرده و نیروی هوایی آن ناتوان و نیروی دریایی آن ضعیف است و به صلاح ایران نیست که وارد یک رویارویی مستقیم با آمریکا بشود!»

حادثه بریجتون منجر به آن شد که ایران را به استفاده های تبلیغاتی از آن بپردازد تا جایی که نخست وزیر این کشور ابراز داشت که این واقعه ضربه‌ای برضد سیاست آمریکا و موقعیت نظامی او وارد ساخته که آثار آن از بین رفتنی نیست. او هنگام بیان این نکته، بسیار تأکید داشت که دست های پنهان (تیر غیب) در این ماجرا نقش داشته اند.

سپس [آقای هاشمی] رفسنجانی بار دیگر تهدیدات خود را علیه کویت آغاز کرد و گفت: « اگر تأسیسات نفتی و مراکز ما هدف حمله قرار بگیرد، ما نیز تأسیسات نفتی و مراکز دوستان عراق را هدف قرار خواهیم داد.»

[امام] خمینی هم اعلام کرد که ایران سیاست جدیدی برای مقابله اتخاذ کرده است و کویت تنها دولتی است که در منطقه به طور علنی از عراق در این جنگ حمایت می کند و کویت را تهدید کرد که موشک های زمین به زمین ایران می‌تواند به هر یک از اهداف موجود در کویت برسد. در پی آن ایران مین های بیشتری در جنوب منطقه اصابت

بریجتون پراکنده ساخت. در روز ۲۷ ژولای (۵ مرداد ۱۳۶۶) هفت مین دریایی ساخت کره شمالی کشف شد. نظر تحلیلگران این بود که آمریکا طرح پیشرفته و آماده ای برای مواجهه با چنین وضعیتی ندارد. در ۲۸ ژولای (۶ مرداد ۱۳۶۶) [امام] خمینی اعلام کرد تا زمانی که صدام بر سر قدرت است، جنگ ادامه خواهد یافت.

آمریکا برای یافتن راه حل و خروج از این معضل، به زمان نیاز داشت. انتقال مین روب‌های آمریکایی به منطقه حداقل ۱۰ تا ۱۵ روز به طول می انجامید؛ بکارگیری هلی کوپتر هم بدون وجود شناورهای پشتیبانی مناسب امکان نداشت، در نتیجه آمریکا فقط قادر به اعزام هوایی هشت فروند هلی کوپتر و آماده کردن ۴ شناور آزاد دریایی برای عملیات در خلیج فارس بود.

آمریکا در بکارگیری هلی کوپتر و ایجاد تسهیلات لازم برای آن و اعزام نیروی مخصوص و استفاده از هر توانی در خلیج فارس، با مشکلات مهمی روبرو شد. با آنکه کویت میزبانی یک واحد کوچک دریایی را برای مین روبی پذیرفت و به هواپیماهای نظامی آمریکا اجازه انجام دادن ۱۷ عملیات از خاک کویت را داد، ولی به دلایل سیاسی در اعطای یک پایگاه رسمی به واحدهای نظامی آمریکایی، تردید نشان می داد.

بحرین و عربستان آماده تقدیم هرگونه حمایت و کمک ممکن به آمریکا بودند ولی این دو نیز با واگذاری رسمی پایگاه به آمریکا موافقت نکردند. این دو کشور مایل به حفظ یک موضع آرام نظامی بودند. فشارهایی در داخل آمریکا نیز وجود داشت که از مسئولان این کشور می خواست تا همه چیز علنی و غیرسری صورت گیرد.

در نهایت، کویت با را ه حل میانه ای موافقت کرد و آن پشتیبانی از دو شناور بزرگ بود که درآب های بین المللی خلیج فارس لنگر می ا نداختند. بحرین و عربستان نیز تهیه ملزومات این دو شناور را به عهده گرفتند. مسئله پایگاه نظامی به این صورت حل شده و انتخاب محلی برای کنترل هرگونه عملیات تهاجمی یا شناسایی یا قراردادن ابزار جنگ الکترونیک و اعزام تکاوران و کمین ها و ... نیز به پایان رسید. پدافند از این دو شناور را با موشک های "استینگر" و سیستم "فالانکس" (ضدموشک) و با چیدن کیسه شن برای کاهش تأثیر حملات موشکی هوایی یا فردی، تأمین کردند.

آمریکا یکی از این دو شناور را به همراه یک سکوی نفتی که برای این گونه اقدامات مجهز شده بود، در فاصله ۲۰ مایلی جزیره "فارسی" ایران مستقر کرد و نام رمز "هرکل"

(هراکلیوس) به آن داد. اینجا نقطه مناسبی برای زیر نظر قراردادن مستمر فعالیت های ایران در جزیره فارسی بود. این اقدام موفقیت آمیز بود و فرماندهی نیروهای آمریکایی را قادر ساخت تا برای استقرار وسیله‌ای دیگر در نزدیکی پایگاه قایق های تندرو ایران در جزیره ابوموسی، طرحی دیگر آماده کند.

عربستان با افزایش دامنه فعالیت چهار کشتی مین روب خود موافقت کرد و کوشش‌هایی در یافتن چند مین به خرج داد، اما این کشور نیروی دریایی کوچک خود را در عملیات حمایت از کشتیرانی کویت وارد نکرد، چرا که در این صورت در معرض تهدیدات ایران قرار می گرفت. با این حال، عربستان با پشتیبانی دریایی از امریکا در زمینه ارسال سوخت و اجازه لنگر انداختن اضطراری موافقت کرد. بحرین نیز با اجاره دادن برخی اسکله های خود موافقت کرد و اجازه داد تا از سکوهای نفتی خود نیز به عنوان پایگاه های کوچک استفاده شود.[1] مقابله و واکنش ایران، در هنگام حج صورت گرفت. ایران تظاهراتی را با شرکت ۷۰ هزار حاجی ایرانی در مکه مکرمه سازمان داد، اما حکومت سعودی موفق به مقابله و خنثی سازی آن شد.

ماه جولای با افزایش رودررویی ایران و همسایگان خلیج فارس و فرانسه و بریتانیا و آمریکا به پایان رسید. با وجود مبارزه طلبی های ایران در مقابل آمریکا، این کشور هیچ گونه عقب نشینی از مواضع خود بروز نداد و ایران همچنان در معرض واکنش های تند باقی ماند. گرچه ایران در انجام دادن جنگ با شدت کم، دارای آزادی عمل بود، لیکن این کشور در معرض خطر حملات امریکا یا محاصره دریایی یا قطع مؤثر نفت قرار داشت. ظاهراً امریکا مایل به استفاده از فرصت و نقاط ضعف ایران نبود، شاید به این دلیل که مسئولان آمریکا از عدم موافقت احتمالی کنگره با هرگونه اقدام نظامی شدید نیروهای نظامی آمریکا، بیم داشتند.

شوروی از این وضع بهره فراوان می برد. در ژوئن و جولای حمایت خود را از مواضع اعراب و عراق اعلام کرد. حتی علنی به عراق اسلحه می فرستاد و موضع‌گیری ایران را در ادامه دادن به جنگ محکوم کرد. در همین زمان، آمریکا را نیز محکوم و متهم ساخت که

---

۱ - ظاهراً کشور دیگری باقی نمانده بود که به صف دشمنان جمهوری اسلامی ایران بپیوندد. اگر چنین بسیجی علیه هر کشوری از جمله اسرائیل صورت می‌گرفت، ظرف ۲۴ ساعت سقوط می کرد. می بایست اعراب از توانایی‌های خود علیه دشمن دیرینه شان (اسرائیل) سود می جستند.

سبب افزایش تشنج و درگیری در خلیج فارس شده است و اعلام کرد که هرگز به حمایت از نفتکش ها نخواهد پرداخت و با طرح های امریکا مخالفت ورزید و اعلام کرد که آماده است در صورت تبعیت امریکا، نیروهای خود را از خلیج فارس خارج کند.

در آگوست ۱۹۸۷ (مرداد – شهریور ۱۳۶۶) جنگ ادامه یافت و شدت درگیری بین ایران و غرب بالا گرفت. هیچ هفته ای نمی گذشت مگر آنکه ایران به طریق غیرمستقیم اقداماتی را در ایراد ضربه به نیروی دریایی آمریکا انجام می‌داد و هیچ فرصتی را برای ادامه حمله به نفتکش‌ها با تمام وسایل ممکن و اخراج آمریکا از خلیج فارس و یا مجبور ساختن او به عقب نشینی نیروهایش، از دست نمی داد. ایران در این زمان به افزایش فشار سیاسی و نظامی بر کویت و عربستان پرداخت. در برابر این اقدامات، امریکا امکانات نظامی خود را در منطقه تقویت کرد، این امر نشان می داد که امریکا قصد مقابله و رو دررویی با ایران را دارد.

اولین گام در شدت گرفتن اوضاع، در روز ۴ آگوست (۱۳ مرداد) ظاهر شد. ایران در اولین روز اعلام کرد که قصد اجرای یک مانور دریایی را در خلیج فارس دارد. زمان بندی این مانور به نحوی تنظیم شده بود که با عملیات اسکورت یکی از کاروان ها تعارض داشت.

در ۸ آگوست (۱۷ مرداد) یک هواپیمای اف – ۱۴ که از ناو هواپیمابر برخاسته بود، با یک فانتوم ایرانی رو برو شد و هواپیمای فانتوم بدون توجه به اخطار، پرواز خود را به سمت یک هواپیمای نیروی دریایی آمریکا از نوع p-۳c که مشغول گشت شناسایی بود، ادامه داد. هنگامی که هواپیمای ایرانی به نزدیکی p-۳c رسید، یکی از جنگنده های اف – ۱۴ آمریکا یک موشک به سمت او شلیک کرد، لیکن هواپیمای ایرانی به سرعت موفق به فرار شد و هواپیماهای آمریکایی آن را تعقیب نکرد.

شناور آمریکایی گوادل کانال به نیروی دریایی این کشور در خلیج فارس پیوست تا توان جنگ مین را افزایش دهد. هلی کوپتر های هجومی مسلح به موشک تاو ۳ و موشک استینگر نیز آمدند تا به وسایل پدافند هوایی و وسایل هجومی نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس افزوده شوند. ناو میسوری هم به همراه یک ناو و ۴ ناو ترابری و تیم نیروی مخصوص دریایی و واحدهای مهم دیگر، در حال حرکت به سمت منطقه بودند. عراق بار دیگر حمله هوایی و بمباران تأسیسات نفتی ایران را از سر گرفت. یک نفتکش پانامایی نیز

در جنوب تنگه هرمز به مین اصابت کرد که این حادثه، ششمین حادثه اصابت به مین در سه ماه بود، لیکن اولین حادثه در خارج از خلیج فارس، به شمار می رفت.

در روز بعد، پنج مین جدید درنزدیکی فجیره کشف شد که همگی ساخت شوروی بودند و این دلیل بر آن بود که ایران تصمیم به گسترش مناطق آلوده به مین گرفته است و حتی قبل از ورود به خلیج فارس که نفتکش‌ها در آنجا منتظر می مانند تا از تنگه بگذرند نیز آلوده شده است. [آقای] رفسنجانی کوشید تا افکار عمومی جهان را به این سمت هدایت کند که آمریکا و هم پیمانانش این مین‌ها را پخش کرده اند. او همین اتهام را به عراق نیز وارد ساخت و افزود که به نیروی دریایی ایران دستور داده تا منطقه را از این مین‌ها پاک کنند.

ایران در مورد انجام دادن جنگ مین هر محاسبه ای که کرده بود، واکنش آتی دولت‌های اروپایی را درک نکرد یا نفهمید. انگلیس اعلام کرد که یک دستگاه مین جمع کن به خلیج فارس اعزام می کند تا به ناوشکن انگلیسی در این نقطه بپیوندد. فرانسه هم سه مین روب به همین منظور اعزام کرد تا به ناو هواپیمابر "کلیمانسو" و دو ناوشکن فرانسوی در خلیج فارس بپیوندد. معنی این امر آن بود که بسیاری از وسایل مین پاک کن در حال تجمع در منطقه بودند تا با جنگ مین ایران مقابله کنند.

آمریکا در برابر تعهدی با سختی های روزافزون قرار داشت. او وارد درگیری با ایران شده بود و این امر اساساً بر پایه این فرضیه بود که ایران از توانایی‌های نظامی آمریکا در ایراد خسارات فراوان بر توان نظامی اش در صورت بروز یک جنگ واقعی، می هراسد.

با این حال براساس طرح و برنامه و نقشه تنظیمی، ایران همچنان قادر به ادامه استراتژی خود و زدن نفتکش های مربوط به سایر کشورها بود و به همین دلیل، امریکا و کشورهای اروپای غربی(فرانسه و انگلیس) نیز به حمایت از نفتکش هایی که پرچم آنها را زده بودند، بسنده می کردند.

اما هر یک از طرف های درگیر در این ماجرا ممکن بود، وارد محدوده اختیارات دیگری شوند، چنان که شوروی قطعاً قصد استفاده از فرصت به وجود آمده از این تشنج را به هر شکل و صورتی داشت.

گام بعدی در اوج گیری دامنه جنگ نفتکش ها در خلیج عمان بود. هنگامی که نیروی دریایی ایران در حال انجام دادن مأموریت پاکسازی و جمع آوری مین‌ها در نزدیکی

فجیره (با شش شناور و شش هلی کوپتر) بود، دو ناو ترابری ایران به یک شناور لیبریایی حامل مواد شیمیایی در خارج از تنگه حمله کردند. این اولین بار بود که شناورهای سپاه پاسداران در خارج از خلیج فارس حمله مستقیم می کردند. این اوج گیری در زمانی روی داد که شورای امنیت خواستار اعمال فشار بر ایران به منظور پذیرش قطعنامه آتش بس شده بود و دبیرکل سازمان ملل دیدارهایی را از دو کشور ایران و عراق ترتیب می داد. روشن است که این حمله، صدام حسین را در مورد بی حاصلی و عدم موفقیت هرگونه تلاش برای عقد پیمان آتش بس متقاعد ساخت، لذا بار دیگر حملات خود را بر ضد شهرهای ایران در ۱۰ آگوست (۱۹ مرداد ۱۳۶۶) از سر گرفت و تبریز و گچساران را بمباران کرد، همچنین هواپیماهای عراقی به سایر اهداف از جمله چاه های نفت، کارخانجات پتروشیمی، سیمان، قند، نیروگاه ها و کارخانه آلومینیوم حمله کردند.

عراق تهدید کرد که ضربات هوایی خود را از اهداف زمینی متوجه اهداف دریایی خواهد کرد و به وضوح اعلام کرد که استراتژی او بر پایه دوعامل استوار شده است: اول آنکه اقدامات هیئت اعزامی از سازمان ملل و هرگونه تلاش دیگر کشورهای خارجی را برای دست یابی به قرارداد همه جانبه آتش بس، غنیمت می‌شمرد. دوم آنکه از بازار نفت و ایراد ضربه به اهداف نفتی ایران برای تحمیل صلح استفاده خواهد کرد. پس از آنکه این تهدیدهای لفظی کارگر نیفتاد، عراق در ۳۰ اگوست (۸ شهریور ۱۳۶۶) به اجرای این تهدیدات پرداخت و پس از یک توقف ۴۵ روزه، درست در همان روزی که چهارمین کاروان آمریکایی به سمت کویت از تنگه می گذشت، جزیره خارک و مجتمع نفتی ایران در سیری و لاوان را بمباران کرد.

در این زمان ایران به صورت نظری، شدیداً در معرض حملات هوایی به نیروگاه‌ها، پالایشگاه ها و تمام تأسیسات مهم نفتی قرار داشت. در نیمه سال ۱۹۸۷ (تابستان ۱۳۶۶) صادرات نفت، ۳۰ درصد درآمد ارزی ایران را تشکل می داد. ۸۰ درصد نفت ایران از جزیره خارک صادر می شد. روی کاغذ، ضربات وارده به جزیره خارک بسیار ویرانگر بود. اما در عمل جزیره خارک باز هم به صدور نفت ادامه داد. این جزیره برای صدور ۶ میلیون بشکه در روز طراحی شده بود. ایران همچنین توان صدور حدود ۲۵۰ هزار بشکه نفت در روز از جزیره لاوان و سیری در جنوب خلیج فارس را داشت. از زمانی که سهمیه اوپک ۲۴ میلیون بشکه در روز و سهم ایران ۳ میلیون بشکه در روز تعیین گردید، ایران

توانست صادرات خود را از جزیره خارک انجام دهد و ۱/۸ میلیون بشکه در روز را به وسیله نفتکش‌ها صادر کند.

بسیاری از تأسیسات خارک مستحکم بودند؛ ابزار کنترل آنها نیز در سازه های مستحکم قرار داشتند. اسکله های آن در شرق و در غرب، از تأسیسات بتونی بسیار مستحکم، درست شده و به سهولت ترمیم می شد. این بدان معنا بود که عراق برای ایراد خسارات مؤثر و تخریب جدی در این تأسیسات بتونی مستحکم، می‌بایست تعداد بسیاری هواپیما را به طور مستمر برای بمباران آن به کار گیرد. گرچه پدافند هوایی موشکی قوی در خارک نبود، اما توان پدافند هوایی که در این جزیره مستقر بود این کفایت را داشت تا خسارات مؤثری به نیروی هوایی عراق وارد آورد، خصوصاً اگر حملات هوایی عراق به این جزیره ادامه دار باشد.

در نیمه سال ۱۹۸۷ (تابستان ۱۳۶۶) ایران در برابر خسارات موقتی که به جزیره خارک وارد می شد، در امنیت نسبی به سر می برد. توان صدور نفت و حتی تولید پالایشگاه ها و فعالیت تلمبه خانه ها نیز در امان بودند! ایران فقط ۲۵۰/۰۰۰ بشکه در روز مصرف داخلی داشت و ناوگان نفتکشی آن در لارک، مقدار بسیار فراوانی نفت ذخیره کرده بود (۶ نفتکش غول پیکر حدود ۱۹ میلیون بشکه نفت خام و ۱۱ نفتکش که ذخایر سوخت را به همراه داشت). این میزان سوخت ذخیره برای ۷ روز ایران کافی بود تا در صورت بروز حالت اضطراری یا خسارات موقت در خارک، مصرف کند.

عراق همچنان به کارگیری موشک های اگزوست را ادامه داد، اما هواپیماهای این کشور پیش از آنکه به حوزه دید عملیاتی موشک برسند، آن را شلیک می کردند. قدرت این موشک ها نیز به حدی نبود که بتوانند نفتکش را نابود کنند. اکثر نفتکش‌های فعال در خلیج فارس حدود ۱۰۰۰ فوت یا بیشتر طول داشتند و به همین دلیل کمتر از ناوهای جنگی در معرض خطر غرق شدن بودند. بدنه آنها از زره های خشک به ضخامت ۲۲- ۲۶ میلی متر درست شده بود که قادر به تحمل شکاف بسیاری از گلوله های سنگین یا موشک ها و راکت ها باشد. این موشک ها گرچه می توانستند زره را سوراخ کنند، اما انفجار سرجنگی اکثر آنها (مثل ماوریک، اگزوست، هارپون و سی کیلر) معمولاً با نفت خام خاموش می‌شد. به ندرت نفت در نتیجه این انفجار مشتعل می شد. نفتکش های خالی نیز مخزن‌های خود را با گاز حاصل از موتورها پاک می کنند و اکسیژن و بخار نفت باقی مانده در مخزن

را بیرون می فرستند، این یک عملیات عادی همیشگی است. ضمناً یک نفتکش ۱۷ مخزن جداگانه دارد و در صورت شکاف برداشتن بدنه آن، فقط یک مخزن را آب پر می کند.

نفتکش‌های حامل گاز مایع دارای بدنه دو جداره اند که جداره های آن، دو فوت با یکدیگر فاصله دارند، این فاصله از شدت تأثیر موشک های کوچک می کاهد. موتور بسیاری از نفتکش ها به راحتی قابل اصابت نیست. می توان گفت که نفتکش های حامل بنزین تنها نفتکش هایی هستند که بیش تر در معرض خطر قرار دارند و این گونه کشتی ها نیز در خلیج فارس کم بودند.

با توجه به این مسائل، عراق موفق به انهدام هیچ نفتکش ایرانی یا حتی ایراد خسارات مهم یا از کار انداختن آن برای مدت طولانی نشد. در حالی که ایران فقط به ۱۰ نفتکش برای تأمین ذخیره مطلوب خود احتیاج داشت، اما دارای ۱۷ نفتکش بود که ۶ نفتکش غول پیکر در میان آنها قرار داشت و لذا از لحاظ تأمین نیازمندی های سوختی در امنیت کامل به سر می برد.

ضربات عراق در صورتی می توانست تأثیر بیشتری داشته باشد که این کشور مخلوطی از انواع بمب های معمولی، بمب ناپالم، خوشه ای و مین های زره شکاف و بمب های لیزری را استفاده می کرد، یا آنکه از بمب های حاوی مواد ضد زره و آتش زا بهره می گرفت. بمب های سنگین نیز خدمه نفتکش‌های خارجی را می کشت و در نتیجه شرکت‌های خارجی از اعزام نفتکش به خلیج‌فارس خودداری می کردند.

بنابراین، عراق تجربه و فهم کافی برای درک عوامل مؤثر در هجوم را نداشت. یا اینکه قادر به دستیابی به این وسایل و ابزار مناسب نبود. شاید به همین دلیل بود که هرگاه می‌خواست به ایران فشار وارد کند، تلاش خود را روی زدن پالایشگاه ها و نیروگاه ها متمرکز می کرد. زدن این اهداف، در غرب و کشورهای شورای همکاری (خلیج فارس) چندان تحریک آمیز نبود، حمله به آنها نیز آسان بود. هر حمله ای به این تأسیسات در آن واحد سه هدف را دنبال می کرد: تأثیر بر توان صادرات نفت ایران، تأثیر بر اقتصاد ایران و تأثیر بر مردمی که در سرمای زمستان دچار کمبود سوخت می شدند. با این حال برای کسب موفقیت و نتیجه لازم، عراق می بایست حملات خود را به طور مستمر و با دقت بسیار، ادامه می‌داد. این همان چیزی بود که هواپیماهای ساخت شوروی عراق فاقد آن بودند. قطعاً یک نیروی هوایی پیشرفته تر و مجرب تر می توانست تأثیر مطلوبی روی

اهداف مورد نظر بگذارد، بدون آنکه محتاج به ایراد خسارات متعدد باشد، اما نیروی هوایی عراق فاقد خلبانان باکفایت به تعداد مورد نیاز بود. پایین بودن سطح پشتیبانی فنی و همچنین کمبود وسایل شناسایی خوب برای کشف اهداف و هدف‌گیری دقیق نیز از نواقص دیگر عراق بود.

جنگ نفتکش ها در پایان اگوست و اوایل سپتامبر (شهریور) به بالاترین حد خطر رسید و عراق تعداد حملات خود بر ضد اهداف دریایی را افزایش داد، و این اضافه بر حملاتی بود که از ۱۰ آگوست بر ضد اهداف اقتصادی و مناطق مسکونی انجام می داد. ایران کاملاً مراقب بود تا کشتی هایی که مورد حمله قرار می دهد، دارای پرچم آمریکا نباشند. ایران و عراق زنجیره ای از تهدیدهای لفظی را با یکدیگر مبادله می کردند. ایران اعلام کرد که از این پس هر ضربه ای را با ضربه دیگری پاسخ می دهد و عراق را به حمله به غیر نظامیان متهم کرد.

ایران سپس دو نفتکش را هدف گرفت که در حال حمل نفت کشورهای عربی بودند. این اقدامات کلاً به افزایش تعداد حملات علیه کشتی ها انجامید، چنان که تنها در یک روز هفت کشتی مورد حمله قرار گرفت و عراق اعلام کرد که در پنج روز، ۱۱ کشتی، دو نیروگاه و مرکز مخابراتی را هدف حمله قرار داده است.

این وضع تا پایان سال ۱۹۸۷ (پاییز ۱۳۶۶) ادامه یافت و در اوایل سال ۱۹۸۸ (زمستان ۱۳۶۶) نیز اوضاع به همین منوال گذشت. عراق هرگاه احساس می‌کرد که احتمال آتش بس کاهش یافته، یا هرگاه تحت فشار نظامی قرار می‌گرفت، یا آن گاه که افزایش تشنج را موجب افزایش فشار غرب بر ایران می‌دید، دست به افزایش دامنه تشنج می زد اما ایران مطابق تشخیص منافع خود، سطح درگیری را بالا می برد.

کم کم نقش اروپا در خلیج فارس رو به افزایش گذاشت. به دنبال تصمیم انگلیس و فرانسه برای اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس در ۱۱ آگوست ۱۹۸۷ (۲۰ مرداد ۱۳۶۶)، انگلستان فشار سیاسی دیگری را به کشورهای بلژیک، ایتالیا و هلند وارد ساخت تا نقش بیشتری در این ماجرا به عهده گیرند. در نتیجه، این فشارها موجب تشکیل جلسه مشترکی بین دولت های اروپای غربی شد. اما این اجتماع بدون هیچ گونه نتیجه مثبتی پایان یافت و صرفاً به صدور یک بیانیه در مورد آزادی کشتیرانی اکتفا شد.

آلمان با هر گونه اقدام عملی مخالفت ورزید؛ ایتالیا اصرار داشت که اقدامات باید از طریق سازمان ملل صورت گیرد؛ اما انگلیس و فرانسه وارد اقدامات عملی شدند. هلند در متحد ساختن نظر دولت های اروپای غربی کوشید، ولی هنگامی که این اجتماع با شکست روبرو شد، تنها مانده و به انگلستان پیوست تا از پشتیبانی هوایی و لجستیکی این کشور برای یک دستگاه مین روبی که به خلیج فارس اعزام می کند، بهره مند شود؛ انگلستان هم با این امر موافقت کرد. در ۷ سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۶ شهریور ۱۳۶۶) هلند اعلام کرد که دو مین روب به خلیج‌فارس اعزام می کند. بلژیک نیز تصمیم به اعزام دو مین روب گرفت. کشتی‌های هلندی و بلژیکی در اواخر ماه سپتامبر (اوایل مهر) رسیدند و پس از حمله ایران به یک نفت کش ایتالیایی، ایتالیا اعلام کرد که ۸ شناور نظامی شامل ۳ مین روب، یک فری گیت از کلاس لویو و دو فری گیت از کلاس میسترال به خلیج‌فارس اعزام می کند. این کشتی ها در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۴ شهریور ۱۳۶۶) وارد خلیج فارس شدند.

در طول ماه سپتامبر، عراق به زدن اهداف پراکنده در خلیج فارس ادامه داد ولی ایران مسابقه ای را آغاز کرد، در ۲۰ سپتامبر یک قایق تندرو ایرانی به یک کشتی نفتکش سعودی حمله ور شد. در ۲۱ سپتامبر، ایران نفتکش انگلیسی را هدف قرار داد که منجر به آتش سوزی و کشته شدن خدمه آن شد. این اقدام، واکنش انگلستان را برانگیخت؛ انگلیس همه افراد عضو دفتر خرید ایران در لندن را اخراج کرد. این دفتر وظیفه خرید سلاح و مهمات را به عهده داشت.

پس از حادثه نفتکش بریجتون، آمریکا چندین بار به ایران هشدار داد که اقداماتش ممکن است منجر به آن شود که آمریکا هر شناور ایرانی را که در حال مین‌گذاری یا کوشش برای مین گذاری در آب های بین المللی ببیند، بدون هیچ گونه اخطار هدف قرار دهد. امریکا یک واحد از نیروهای مخصوص خود را در ماه سپتامبر به خلیج فارس فرستاد و طرحی را برای تعقیب و شناسایی هر کشتی ایرانی که قصد مین ریزی داشته باشد، تهیه کرد و در این امر از ماهواره ها، هواپیماهای شناسایی و همچنین همه وسایل اطلاعاتی به ویژه هلی کوپتر های مجهز به دستگاه های مخصوص، استفاده کرد تا فعالیت های دریایی ایران را در مین گذاری از لحظه بارگیری تا اقدام عملی به پخش آن، تحت نظر بگیرد. آمریکا در عمل جلو فعالیت یکی از شناورهای ایرانی (به نام ایران اجر) را گرفت. این شناور از لحظه ترک بندر تا نقطه ای در حوالی ۵۰ مایلی شمال بحرین و قطر – که در آن

نقطه ۶ عدد مین رها کرد – ظاهراً کاملاً احساس امنیت می کرد، چرا که عملیات خود را در تاریکی شب انجام می داد. دو فروند هلی کوپتر تا ۵۰۰ متری این شناور نزدیک شدند که آن را در حال عملیات مین گذاری مشاهده کردند و اجازه حمله به آن را درخواست کردند و پس از اخذ اجازه، اقدام به حمله کردند که با اجرای آتش روی شناور، مهمات آن منفجر شد و پنج تن از سرنشینان آن کشته شدند[1]. سپس گروه مخصوصی از نیروهای دریایی وارد شناور شدند و ۲۶ تن از سرنشینان را دستگیر کردند.

پس از آن، عملیات انهدام کشتی و غرق کردن آن صورت گرفت. به این صورت اقدامات ایران برای جهانیان افشا شد[2] این حمله در زمان حضور رئیس جمهور ایران در سازمان ملل صورت پذیرفت.

نیروهای آمریکایی در این کشتی ۸ عدد مین ساخت شوروی با نقشه‌ای که محل پخش آن را نشان می داد، یافتند و فیلمی از سرنشینان و مین ها تهیه کردند که در آن، خدمه کشتی از مأموریت پخش مین به تفصیل سخن می گفتند. این اقدام آمریکا با پشتیبانی وسیع بین المللی مواجه شد و این امر سبب شد مسئولان امریکایی بتوانند حضور نظامی خود را در خلیج فارس ادامه دهند. ایران در این ماجرا از حمایت کامل شوروی برخوردار نشد. سخنگوی رسمی اتحاد شوروی هنگامی که از حق ایران در مین گذاری در خلیج فارس سخن می گفت، کاملاً با احتیاط صحبت می کرد، چون شوروی به هیچ وجه قصد خشمگین سازی غرب را نداشت.

در همین زمان، جنبش های استقلال طلبانه کردها مشکلات فراوانی را برای عراق و ترکیه ایجاد کرده بودند، در عوض هرگاه ایران عملیات نظامی خود را در جنوب متوقف می کرد، پشتیبانی و کمک به کردهای مخالف عراق را شدت می‌بخشید. واکنش عراق در برابر هر حمله جدید کردها، شدیدتر می شد. عراق سکنه بیش از ۲۰۰ روستای کردنشین را در اواخر سال ۱۹۸۷ (پاییز ۱۳۶۶) اخراج کرد و آنان را در مناطق دیگر اسکان داد. حکومت عراق فشار بر بقیه کردها را نیز شدت بخشید.

---

۱ - به صرف ادعای یک طرف درگیر در جنگ علیه طرف مقابل، چیزی اثبات یا افشا نمی شود. حمله به یک ناو ترابری فضاحتی بود که اعتراف به آن برای آمریکا شرم آور بود، به همین جهت به ناچار مدعی شد که این ناو ترابری مشغول مین‌ریزی بوده است.!

۲ - همه کشورهای غربی به سرکردگی امریکا وارد جنگ با ایران شدند و در زمانی که عراق حملات خود را به اهداف دریایی وسعت می بخشید. در تلاش برای کنترل و محدودیت ساختن ایران بودند. در چنین اوضاعی کوچکترین اقدام تدافعی ایران نام "جنگ" به خود می گرفت و حمایت های نظامی آمریکا و متحدانش از اقدامات تجاوزکارانه عراق" صلح نامیده می شد!

حکومت ایران خود با مشکلات داخلی خاصی مواجه بود. جنبش مجاهدین [= منافقین] به رهبری مسعود رجوی نگرانی هایی برای حکومت [امام] خمینی به وجود آورده بود. این جنبش به وسیله منابع خارجی حمایت مالی می شد و موفق شده بود که میلیشیای مخصوص به خود را در ایران ایجاد کند و نام آن را ارتش آزادی بخش خلق بگذارد. نیروهای این ارتش اقدام به برخی حملات کوچک و انفجار چند بمب کردند. این امر سبب شد تا سپاه پاسداران واحد خاصی را در غرب ایران برای مقابله با این جنبش ایجاد کند. به طور کلی این جنبش خطر عمده ای برای امنیت داخلی ایران – حتی در مناطقی که تمرکز قوا داشت – به وجود نیاورد.

در اوایل اکتبر ۱۹۸۷ (مهر ۱۳۶۶) جنگ مشخصات و خصوصیات ویژه ای به خود گرفته بود که به سه جهت گیری موازی تقسیم می شد:

۱) افزایش رو در رویی بین ایران و امریکا و اروپای غربی.

۲) ادامه جنگ سیاسی در سازمان ملل برای قبول صلح و ازدیاد فشار آمریکا برای تحمیل بندهای آن (قطعنامه) و تلاش شوروی برای استحکام بخشیدن و تقویت روابط خود با اعراب.

۳) ادامه درگیری های محدود مرزی بین ایران و عراق.

در خلال دو ماه اگوست و اکتبر (شهریور و مهر)، ایران چندین حمله دریایی به وسیله شناورهای توپ دار خود بر ضد چند نفتکش انجام داد و عراق نیز به همین شکل مقابله کرد. با این حال این اقدامات اثر قابل ذکری در حجم تولیدات نفتی هیچ یک از دو طرف نگذاشت.

در ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) ایران بعد جدیدی به ابعاد جنگ خلیج فارس افزود و با شلیک موشک کرم ابریشم از شبه جزیره فاو به کویت، یک نفتکش لیبریایی را در حالی که لنگر انداخته بود، هدف قرار داد. اصابت این موشک به نفتکش خسارات بسیار فراوانی به آن وارد ساخت. امریکا و کویت هیچ گونه واکنشی در برابر این حمله انجام ندادند. در ۱۶ اکتبر دومین موشک کرم ابریشم به یک کشتی کویتی برخورد کرد که در فاصله ۷ مایلی شرق بندر "الاحمدی" قرار داشت و با پرچم آمریکا حرکت می کرد. آمریکا اعلام کرد که چون این کشتی دارای پرچم آمریکا بوده است، این اقدام را تلافی خواهد کرد. به تلافی این عمل، ناوهای آمریکا یک چاه نفت ایران را در جنوب خلیج فارس گلوله باران

کردند و آن را به آتش کشیدند. نیروی مخصوص نیروی دریایی امریکا نیز یک چاه نفت دیگر را منهدم ساخت. این عملیات به منظور بازدارندگی ایران از تکرار این گونه اعمال صورت گرفت.[1]

دولت های غربی از اقدام امریکا حمایت کردند، اما اتحاد شوروی باز هم از مواضع سیاسی امریکا فاصله گرفت. شوروی حضور نظامی خود را (در خلیج فارس) به یک فری گیت، ۶ مین روب و یک شناور کمکی کاهش داد و درخواست کرد که ایران و عراق جنگ نفت کش ها را متوقف کنند؛ ناوگان های بیگانه از منطقه، بیرون روند و راه حل‌های سیاسی اتخاذ شود. در همین زمان اتحاد شوروی روابط خود را با ایران افزایش داد و صادرات سلاح به هر دو کشور ایران و عراق را ادامه داد.

اولین واکنشی که در برابر عملیات امریکا صورت گرفت، پخش برخی تهدیدها علیه این کشور و گلوله باران شمال کویت بود. هنگامی که دوازدهمین کاروان بدون هیچ حادثه ای خلیج فارس را ترک می گفت، ایران، امریکا را متهم ساخت که موجب ایراد ۵۰۰ میلیون دلار خسارت و کاهش تولید نفت به مقدار ۲۵۰۰۰ بشکه در روز گردیده است. ایران مشورت هایی را با شوروی آغاز کرد. شوروی اقدام امریکا را محکوم کرد و آن را یک اقدام تروریستی نامید. با همه این اوصاف، ایران عملیات نظامی خود را ادامه داد.

در ۲۲ اکتبر موشک کرم ابریشم دیگری به کویت شلیک شد که به یک سکوی نفتی در مقابل بندر الاحمدی اصابت کرد. آمریکا واکنشی در برابر این حمله نشان نداد و اعلام کرد که از "کویت دفاع نمی کند". ولی کویت را در گسترش نیرو و تأمین جزیره بوبیان و ممانعت از هرگونه هجوم آب خاکی سریع ایران بر این هدف استراتژیک مهم، یاری بخشید. آمریکا و کویت شناور بزرگی را در مقابل اراضی کویت در آب انداختند تا به عنوان پایگاه اعزام و نقطه رهایی نیروهای نظامی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد. این عمل برای گریز از مشکلاتی بود که احتمال می‌رفت در صورت استفاده از پایگاه ها یا تسهیلات زمینی کویت به وجود آید.

---

۱ - تهاجم مستقیم آمریکا به تأسیسات نفتی ایران نشان آغاز اوضاع جدیدی در جنگ بود و در حالی صورت می گرفت که کمترین اقدام تدافعی ایران در مقابل این گونه حملات، نام گسترش جنگ به خود می گرفت.

ایران پس از این کاملاً مراقب بود تا دست آویزی به امریکا ندهد. کاروان سیزدهم نیز بدون هیچ حادثه ای گذشت. ظاهراً ایران اکثر فعالیت های دریایی خود را در خلیج فارس متوقف ساخت تا ببیند امریکا در برابر آرامش ایران چه خواهد کرد.

عراق جنگ نفتکش ها و جنگ نفت را ادامه داد [1] و با استفاده از نیروی هوایی، مخالفت خود را با هر شکل آتش بس جزئی و محدود اعلام کرد همچنین در همین زمان استراتژی قبلی خود را که در اواخر اگوست (مرداد) آغاز کرده بود، تغییر داد و توان خود را صرف حمله به سیستم های تلمبه خانه و نیروگاه‌های ایران کرد تا مشکلاتی را در تأمین سوخت کافی در زمستان ایجاد کند. ویژگی این استراتژی آن بود که ضربات اقتصادی مؤثرتر و سریع تری از قطع صادرات نفت به ایران وارد می ساخت، همچنین سبب می شد تا عراق از تعداد حملات خود در خلیج فارس بکاهد و از فشارهای وارده در زمینه توقف جنگ نفتکش‌ها رهایی یابد.

ایران، عراق را متهم ساخت که اهداف شهری و غیرنظامی را هدف قرار داده است و رادیو ایران حکام بغداد را از انتقام نیروهای ایرانی برحذر داشت و از شهروندان عراقی ساکن در نزدیکی اهداف اقتصادی و نظامی خواست تا منازل خود را ترک کنند و به شهرهای مقدس کربلا و نجف پناه بیاورند. ایران با این هشدار قصد داشت تا در بین مردم عراق از موشک های اسکاد ایرانی ترس بیندازد؛ موشک هایی که از تاریخ ۴ تا ۲۰ اکتبر (۱۲ تا ۲۸ مهر) چهار فروند از آنها در بغداد فرود آمد.

عراق عملیات پدافندی موفقی را در نزدیکی بصره علیه اکثر حملات ایران که نام کربلا بر آن نهاده بود، اجرا کرد، لیکن ایران از آرزوی خود برای انجام دادن حمله نهایی و پیروزی آفرین دست برنداشت و همچنان در حال جذب نیروی داوطلب برای چنین حمله ای بود. در نبردهای سال ۱۹۸۷ (۶۶-۱۳۶۵) ابتکار عمل در دست ایران باقی مانده و عراق جز اجرای برخی پاتک‌ها، اقدامی صورت نداد. با این وجود اوضاع، ظاهری فریب انگیز داشت چرا که مسیر جنگ در حال تغییر ریشه ای بود. سه عامل در پیدایش مرحله جدید از جنگ، دخالت داشت:

---

۱ - سکوت آمریکا در برابر اقدامات عراق، ثابت می کند که حضور آمریکا در خلیج‌فارس به منظور تأمین امنیت کشتی رانی نبوده، بلکه عملاً وارد حمایت نظامی از عراق گردیده است، زیرا در غیر این صورت آمریکا می بایست در مقابل حملات عراق به نفتکش ها نیز واکنش نشان می داد.

۱ – مجموعه ای از تغییرات در نیروهای مسلح عراق و روش های نبرد.

۲ – تغییر سیاسی در ایران به دنبال استمرار جنگ به سبب خسارات اقتصادی و نظامی و نامناسب بودن روش های نبرد.[۱]

۳- حضور غرب در خلیج فارس و افزایش انزوای سیاسی ایران.

نیروهای عراقی تحولات مثبتی را در زمینه " توان" و " تجربه" به نمایش گذاشتند: بر خطاها و کوتاهی هایی که در هفت سال طولانی جنگ از آنان سر می‌زد، غلبه کردند؛ تاکتیک های هوایی و دریایی جدید بهتری را به کار گرفتند و از توصیه ها و راهنمایی هایی که از منابع خارجی دریافت می کردند، به خوبی بهره گرفتند. همچنین آنها از منابع متعدد به اسلحه و تکنولوژی جدید دست یافتند و دخالت غرب در خلیج فارس نیز به آنها بسیار کمک کرد، خصوصاً آنکه در کنار فشارهای فزاینده بلوک غرب بر ایران، اقدامات ایران هم تقریباً موجب انزوای جهانی این کشور (ایران) شده بود.

خطاهای سیاسی و استراتژیک ایران

در خلال سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) ایران خسارات بسیاری متحمل شد و حملات مکرری انجام داد که موجب کاهش نیروی انسانی و از دست رفتن حمایت مردمی از جنگ شد و نتوانست اسلحه مدرن و موقعیت نظامی مناسب را جایگزین شور انقلابی و عقیدتی کند. همچنین ایران در همه نبردهای خود اصرار بر ادامه روشی شکست خورده – یعنی اعتماد بر امواج انسانی در حملات – داشت. فرماندهی ایران در نتیجه خسارات بشری سنگین و به جهت وعده های فراوان پیروزی که تحقق نیافته بود، حمایت مردمی و نفوذ خود را از دست داد که این خطای سیاسی سنگینی بود.[۲]

---

۱ - مروری بر تحولات ایران نشان می دهد که هیچ گونه تغییر سیاسی خاصی در ایران رخ نداده بود؛ چه در میان مسئولان، چه در میان مردم؛ شاید انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به سمت فرماندهی جنگ که از سال های قبل (۱۳۶۲) عملاً وجود داشت و در این سال به صورت علنی مطرح گشت، مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. این انتصاب تغییر خاصی در هیچ یک از شرایط پیش نیاورد.

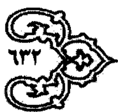
۲ - چون نویسنده از اوضاع داخلی جمهوری اسلامی ایران بسیار کم اطلاع بوده است، نتوانسته به درستی عوامل موفقیت جمهوری اسلامی را شناسایی کند و در بسیاری از موارد، نقاط قوت رزمندگان اسلام را نقطه ضعف تلقی کرده است. در مورد اخیر (تب انقلابی و عقیدتی) هیچ گاه مسئولان سیاسی و نظامی مدعی نبودند که این ویژگی جای سلاح و موقعیت نظامی را پر می کند، بلکه شور عقیدتی و انقلابی که از آن به عنوان "روحیه" یاد می شد، نقش محوری در پیروزی‌های ایران داشته و این عامل، تأثیر شناخته شده‌ای در کلیه موفقیت‌های رزمی داشت؛ شاهد این ادعا، پیروزی رزمندگان اسلام با اتکاء به این اصل و سایر اصول بود که نه تنها در ابتدای جنگ بلکه در اواخر آن نیز بارها مشاهده شد. پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸ در زمستان سال ۱۳۶۴ که منجر به تصرف مناطق شلمچه و

ایران همچنین اشتباهات استراتژیکی فراوانی مرتکب شد، مانند ادامه رویارویی دریای نظامی و مستمر با امریکا و سایر دولت های غربی [۱] و ادامه رد آتش بس کامل و اصرار بر آتش بس جزئی در دریا که تحقق آن محال بود. [۲] این رد آتش بس (کامل) موجب افزایش انزوای سیاسی و استراتژیک ایران گردید. این امر در توان ادامه جنگ ایران اثر منفی گذاشت. ایران نکته مهمی را که دائماً به اثبات رسیده، فراموش کرد و آن اینکه گاهی برخی از جنگ ها حتی با انهدام توان نظامی (دشمن) به پایان نمی رسند، در مقابل، مجموعه ای از عوامل سیاسی و نظامی می توانند توان ادامه جنگ را از دشمن بگیرند. ایران در به کارگیری امکانات و توان های خود نیز به خوبی عمل نکرد و نکوشید تا مطابق روند جنگ، به دگرگونی و تحول و پیشرفت این امکانات بپردازد.

حلبچه گردید، علاوه بر بهره گیری از دانش ها و فنون نظامی و تا کتیک‌های پیچیده در طرح ریزی، غافلگیری، انتخاب هدف، و ابتکار عمل و ... با استفاده از پشتوانه اعتقادی و اعتماد به کارایی رزمندگان آموزش دیده و کارآمد حاصل شد.

۱ - جنگ در دریا با حملات عراق به کشتی ها و نفتکش ها آغاز شد. در آن زمان هیچ یک از دولت های غربی تمایلی به حفظ امنیت کشتیرانی از خود نشان ندادند. با حمله به چند نفتکش حامل نفت عراق، آمریکا و متحدانش سراسیمه نیروی دریایی خود را به بهانه حفظ امنیت امنیت کشتیرانی وارد خلیج فارس کردند. در واقع، این ایران نبود که مایل به درگیری با امریکا و متحدانش بود، بلکه آنچه در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ موجب بروز درگیری شد، خواست و تمایل این قدرت ها برای رویارویی مستقیم با ایران بود و این نبردها همچون جنگ تحمیلی بر ایران تحمیل می شد. در حقیقت قدرت های بزرگ با علم به اینکه ارتش عراق در انجام دادن مأموریت های خود – حداقل سرکوب و مهار انقلاب اسلامی در مرزهای خود، موفق نشده است، خود وارد عرصه شدند و برای تحمیل یک صلح ناعادلانه از ابزارهای نظامی استفاده کردند. جمهوری اسلامی به ناچار مجبور به دادن پاسخ های نظامی حداقل به این تهاجمات بود، چگونه می توان هم زمانی تهاجم امریکا و عراق در ۱۳۶۷/۱/۲۸ (عراق در فاو و امریکا در خلیج فارس) را تصادفی قلمداد کرد؟ با حمله امریکا به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس را یک اشتباه دانست؟ و شلیک دو موشک به هواپیمای مسافربری ایران را نادیده گرفت؟ از این گذشته حضور نظامی امریکا و متحدانش در خلیج فارس فرصت مناسبی را در اختیار عراق قرار داد تا بدون هیچ محدودیتی حملات خود را در این آبراه گسترش دهد و حتی به ناو امریکایی نیز حمله کند و امریکا نیز از آن چشم بپوشد. اما همین حضور به منظور ایجاد محدودیت های فزاینده برای ایران بود. آیا مقابله با این محدودیت ها اشتباه استراتژیک است؟ یا تسلیم در برابر آنها؟!

۲ - نویسنده به جنگ ایران – عراق به عنوان یک پدیده انتزاعی می نگرد. چگونه ممکن است از کشوری که دشمن، بخش عمده ای از خاک آن را به اشغال درآورده است. انتظار قبول آتش بس داشته باشیم؟! نگاهی به قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت سازمان ملل قبل از قطعنامه ۵۹۸، نشان می دهد که چگونه این شورا با در نظر گرفتن خواسته ها و تمایلات عراق و بی اعتنایی به حداقل خواسته‌های به حق ایران، زمینه های برتری عراق را در جنگ فراهم می آورد. اصرار ایران بر حداقل شرایط خود در کلیه زمینه ها تا قبل از قطعنامه ۵۹۸، بی توجهی نظام بین الملل را به دنبال داشت، اما به محض آنکه دنیا متوجه برتری نظامی ایران در جنگ به ویژه در عملیات تصرف فاو و شلمچه (عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵) شد، به این خواسته ها توجه کرد و بندهایی نظیر "شناسایی متجاوز" و "پرداخت غرامت" را در قطعنامه ۵۹۸ گنجانید. اما این نیز نمی‌توانست حداقل پاداش ایران در سرکوب تجاوزات عراق باشد. با این همه، مسئولان جمهوری اسلامی ایران این قطعنامه را رد نکردند و تنها خواستار جا به جایی در برخی بندها و مواد آن شدند.



فرماندهی نظامی ایران به تئوری نبرد مشترک (بین نیرویی) اعتقاد و ایمان نداشت و باور نمی کرد که "آموزش کافی و خوب" می تواند جای خون مصرف شود، به همین دلیل جوانان خود را پس از دیدن آموزش های دو هفته ای، روانه نبرد می کرد، بدین گمان که شور انقلابی می تواند جای تجربه نظامی را بگیرد.

سیر جنگ در سال ۱۹۸۸

در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۸ (۲۵ دی ۱۳۶۶) ایران حمله دیگری را آغاز کرد که نام بیت‌المقدس ۲ بر آن گذاشت. این عملیات در منطقه مرزی ماؤوت در جبهه شمالی سلیمانیه صورت گرفت؛ منطقه ای که ایران از بهار ۱۹۸۷ در آن حضور عملیاتی داشت.

ایران در پی این نبرد اعلام کرد که ۴۲ کیلومتر مربع شامل ۱۱ تپه و ۲۹ قله کوهستانی را به تصرف درآورده است؛ ۳۵۰۰ تن از عراقی ها کشته یا زخمی و ۷۵۰ تن نیز اسیر شده اند، اما عراق ادعاهای ایران را تکذیب کرد. این منطقه برای ایران اهمیت استراتژیک داشت و به او کمک می کرد تا برای عملیات آینده خود در جبهه شمالی اوضاع بهتری داشته باشد و همچنین توان کمک رسانی ایران به انقلابیون کرد را نیز افزایش می داد.

در جنگ هوایی، عراق حمله به کشتی ها و سایر اهداف مثل سدها، پل ها، پالایشگاه‌ها را در طول ماه های دسامبر، ژانویه و مارس (بهمن و اسفند) ادامه داد. ایران جز حمله به برخی کشتی ها در ماه ژانویه با استفاده از هواپیماهای اف – ۴ و موشک اقدام دیگری انجام نداد. به نظر می رسید که فرماندهی ایران پس از اصابت نکردن موشک ها به اهداف، به این نتیجه رسیده بود که این موشک ها قدیمی شده اند و عمر عملیاتی آنها به پایان رسیده است و لازم است تا قبل از به کارگیری مجدد، اصلاحاتی روی آنها انجام شود.

در ۷ فوریه ۱۹۸۸ (۱۸ بهمن ۱۳۶۶) عراق به جزیره خارک حمله کرد و پیوسته هواپیماهای خود را به پرواز درمی آورد تا پدافند هوایی ایران را شناسایی کند و آن را بیازماید. این امر موجب شد تا در ماه فوریه (بهمن) ایران از هواپیماهای اف – ۱۴ خود برای کمین های هوایی در مسیر پرواز هواپیماهای عراقی، بهره گیرد. هواپیماهای اف – ۱۴ مسلح به موشک های هوا به هوای AIM-۹ بودند و موفق شدند یک فروند میراژ اف – ۱ عراق را سرنگون کنند. با اینکه ایران اکثر توان هوایی خود را از دست داده بود اما با این حال هنوز ۲۰ فروند اف – ۴، ۲۰ فروند اف – ۵ و ۷ تا ۹ فروند اف – ۱۴ در اختیار داشت.

تغییر مهمی که در جنگ به وجود آمد، از فوریه ۱۹۸۸ (بهمن ۱۳۶۶) شروع شد؛ عراق به تلمبه خانه نفت در تهران حمله کرد (روز ۲۷ فوریه)، این حمله خسارات فراوانی وارد ساخت و ایران مجبور به جیره بندی سوخت شد. ایران نیز جنگ شهرها را مجدداً آغاز کرد و تعدادی موشک " اسکاد – بی " روانه بغداد ساخت. این بزرگترین حمله موشکی ایران از آغاز جنگ تا آن زمان بود. ایران بیش از ۲۱ موشک بر بغداد فرود آورد. اما تأثیر نظامی این حمله موشکی بسیار کم و ضعیف بود.

عراق در پاسخ به این حمله، در ۲۹ فوریه (دهم اسفند) پنج موشک دوربرد "الحسین" را به سمت برخی شهرها در عمق خاک ایران شلیک کرد و این ضربه را چند بار تکرار کرد. این موشک های دوربرد، هم برای ایران و هم برای دستگاه‌های اطلاعاتی غرب غافلگیر کننده بود. در حقیقت این موشک ها با کاهش وزن سرجنگی موشک های "اسکاد-بی" و افزایش برد آنها ساخته شده بود. به گونه ای که تهران و برخی از شهرهای در عمق ایران در تیررسی این موشک های جدید قرار گرفت. به نظر می‌رسید که عراق می خواست تا اهمیت و خطرهای (ادامه) جنگ را به مردم ایران نشان دهد و سازمان ملل را برای برقراری روابط ایران و شوروی را نیز داشت و تا حدی نیز موفق شد، چرا که ایران اعلام کرد اجزای به دست آمده از موشک ها نشان می دهد که ساخت شوروی هستند.

تأثیر حملات موشکی جدید عراق به مراتب بیش از تأثیر حملات سابقش بود و نگرانی های فرماندهی و مردم ایران را به ویژه بر اثر احتمال به کارگیری سرجنگی های شیمیایی، افزایش داد چندان که برخی گزارش ها حکایت از خروج ۱ میلیون تن از تهران در نیمه مارس ۱۹۸۸ و ۳ میلیون تن در آوریل، می کرد.[1]

---

۱ – واقعیت این است که رهبری نظامی جمهوری اسلامی ایران همواره در مورد جان و مال مردم حساس بود و تحمل وارد آمدن خسارات به آنان را نداشت. این حساسیت شامل مردم عراق نیز می شد. جمهوری اسلامی در برابر حملات بی رحمانه صدام به مردم بی گناه، می بایست مقابله به مثل می کرد اما در این حرکت نیز همواره تأکید بر این بود که حتی الامکان به مردم بی گناه و بی دفاع عراق صدمه ای وارد نشود. نقطه مقابل این حساسیت رفتار بی رحمانه رهبران عراق بود که حتی به مردم خود نیز رحم نکرد و آنها را هدف حملات شیمیایی قرار داد (بمباران شیمیایی مردم حلبچه به دستور حکومت عراق). البته ضمن قبول تأثیر حملات موشکی عراق بر کاهش جمعیت تهران، باید این نکته را نیز یادآور شد که نیمه مارس و آوریل مصادف با تعطیلات نوروزی است که همه ساله جمعیت تهران در این تعطیلات بسیار کاهش می‌یابد و در آن زمان شاید بر اثر موشک باران عراق، میزان مسافرت ها افزایش یافته بود.

نبردهای زمینی جدید در مارس

بار دیگر ایران نیروهای جدید خود را در شمال گسترش داده و برخی عملیات هجومی را در نزدیک منطقه مرزی و اطراف شهرهای حلبچه، خورمال، خرمار، دوجیله و دربندی خان عراق واقع در غرب نوسود (۲۵۰ کیلومتری شمال بغداد) انجام داد و این شهرها را با توپخانه گلوله باران کرده شش روستای مرزی و ۲۵ کیلومتر مربع از استان سلیمانیه را نیز به تصرف خود درآورد.

عراق اعلام کرد که حمله ایران را – که با دو لشکر صورت گرفته بود – متوقف ساخته و یک هزار سرباز ایرانی را کشته است. در همین زمان عراق ۷ موشک زمین به زمین روانه تهران ساخت و ۶ شهر ایران را بمباران هوایی کرد. هدف ایران دستیابی و تسلط بر بیشترین مساحت ممکن در شمال عراق بود تا بتواند پیشروی به سمت سلیمانیه و تسلط بر دریاچه سد دربندی خان را ممکن سازد، این دریاچه واقع در پشت سد مخزنی دربندی خان، بزرگترین دریاچه عراق به شمار می آید و شمال عراق و بغداد از برق تولیدی آن بهره می گیرند.

ایران در منطقه ای کوهستانی با استفاده از تعداد اندکی جاده ارتباطی دست به حمله می زد، اما این حمله راه ایران را به داخل عراق باز می‌کرد و می‌توانست وارد منطقه‌ای شود که با استفاده از طبیعت زمین و حضور کردها، بر قدرت آتش عراق فائق آید. نیروهای ایران در این حملات موفق به غافل گیری‌های تاکتیکی شدند، به همین جهت این حملات با موفقیت های اولیه رو به رو شد. اما عراق بهترین نیروهای خود را در جنوب نگه داشت تا آماده اجرای حمله متقابل علیه ایران شود و البته از حمله جدید ایران در آن مناطق (جنوبی) نیز بیم داشت. عراق در مناطق جلو فقط ۲ لشکر داشت که نبرد کوهستانی برای آنها دشوار بود.

یکی از اشتباهات تاکتیکی عراق دراین مقطع، عقب نشینی از بسیاری ارتفاعات مسلط بر منطقه به منظور پدافند از شهرهای مرزی، بود. پس از این عقب نشینی، ایران توانست اقدام به دور زدن نیروهای عراق و اجرای عملیات احاطه ای علیه آن ها کند، امری که منجر به سقوط تعدادی از شهرهای عراق و در نتیجه تسلط ایران بر ارتفاعات مشرف بر آنها شد. این امر همچنین موجب پراکندگی نیروهای عراق در پدافند از شهرها و مرز گردید و به همین سبب نتوانستند تمرکز قوای لازم را برای سازماندهی یک پدافند قوی به

وجود آورند. از سوی دیگر، وجود کردهای معارض و نفوذ آنها در داخل خاک عراق و قطع راه‌های مواصلاتی عراق، بر مشکل می افزود. نتیجه نهایی آن بود که دو لشکر عراقی حدود ۲ تا ۳ هزار نیروی خود را از دست دادند و تعداد بسیاری تانک و زره پوش و واحدهای توپخانه و مهمات نیز از دست رفت. با این وجود، ایرانی ها نتوانستند به آن میزان وارد عمل شوند که پشتیبانی عراق از نیروهای در خط را قطع کنند و از این اقدام خود به برتری تاکتیکی یا استراتژیکی دست یابند. بحرین و عربستان آماده تقدیم هرگونه حمایت و کمک ممکن به آمریکا بودند ولی این دو نیز با واگذاری رسمی پایگاه به آمریکا موافقت نکردند. این دو کشور مایل به حفظ یک موضع آرام نظامی بودند. فشارهایی در داخل آمریکا نیز وجود داشت که از مسئولان این کشور می خواست تا همه چیز علنی و غیرسری صورت گیرد.

در نهایت، کویت با را ه حل میانه ای موافقت کرد و آن پشتیبانی از دو شناور بزرگ larg parge بود که درآب های بین المللی خلیج فارس لنگر می ا نداختند. بحرین و عربستان نیز تهیه ملزومات این دو شناور را به عهده گرفتند. مسئله پایگاه نظامی به این صورت حل شده و انتخاب محلی برای کنترل هرگونه عملیات تهاجمی یا شناسایی یا قراردادن ابزار جنگ الکترونیک و اعزام تکاوران و کمین ها و ... نیز به پایان رسید. پدافند از این دو شناور را با موشک‌های "استینگر" و سیستم "فالانکس" (ضدموشک) و با چیدن کیسه شن برای کاهش تأثیر حملات موشکی هوایی یا فردی، تأمین کردند.[1]

آمریکا یکی از این دو شناور را به همراه یک سکوی نفتی که برای این گونه اقدامات مجهز شده بود، در فاصله ۲۰ مایلی جزیره "فارسی" ایران مستقر کرد و نام رمز "هرقل" (هراکلیوس) به آن داد. این جا نقطه مناسبی برای زیر نظر قراردادن مستمر فعالیت های ایران در جزیره فارسی بود. این اقدام موفقیت آمیز بود و فرماندهی نیروهای آمریکایی را قادر ساخت تا برای استقرار وسیله ای دیگر در نزدیکی پایگاه قایق‌های تندرو ایران در جزیره ابوموسی، طرحی دیگر آماده کند.

عربستان با افزایش دامنه فعالیت چهار کشتی مین روب خود موافقت کرد و کوشش‌هایی در یافتن چند مین به خرج داد. اما این کشور نیروی دریایی کوچک خود را

---

۱ با توجه به عبور مکرر قایق های ایرانی از حلقه های حفاظتی رادارهای امریکا، نیروی دریایی این کشور به منظور رویارویی مستقیم و نزدیک با قایق های ایرانی مجبور به چیدن کیسه شن روی ناوهای پیشرفته مستقر در خلیج فارس شد!!

در عملیات حمایت از کشتی رانی کویت وارد نکرد، چرا که در این صورت در معرض تهدیدات ایران قرار می گرفت. با این حال، عربستان با پشتیبانی دریایی از آمریکا در زمینه ارسال سوخت و اجازه لنگر انداختن اضطراری موافقت کرد. بحرین نیز با اجاره دادن برخی اسکله های خود موافقت کرد و اجازه داد تا از سکوهای نفتی خود نیز به عنوان پایگاه های کوچک استفاده شود.[1] مقابله و واکنش ایران، در هنگام حج صورت گرفت. ایران تظاهراتی را با شرکت ۷۰ هزار حاجی ایرانی در مکه مکرمه سازمان داد، اما حکومت سعودی موفق به مقابله و خنثی سازی آن شد.[2]

ماه ژولای با افزایش رودررویی ایران و همسایگان خلیجی و فرانسه و بریتانیا و آمریکا به پایان رسید. با وجود مبارزه طلبی های ایران در مقابل آمریکا، این کشور هیچ گونه عقب نشینی از مواضع خود بروز نداد و ایران همچنان در معرض واکنش‌های تند باقی ماند. گرچه ایران در انجام دادن جنگ با شدت کم، دارای آزادی عمل بود، لیکن این کشور در معرض خطر حملات امریکا یا محاصره دریایی یا قطع مؤثر نفت قرار داشت. ظاهراً امریکا مایل به استفاده از فرصت و نقاط ضعف ایران نبود، شاید به این دلیل که مسئولان آمریکا از عدم موافقت احتمالی کنگره با هرگونه اقدام نظامی شدید نیروهای نظامی امریکا، بیم داشتند.

شوروی از این وضع بهره فراوان می برد. در ژوئن و ژولای حمایت خود را از مواضع اعراب و عراق اعلام کرد. حتی علنی به عراق اسلحه می فرستاد و موضع گیری ایران را در ادامه دادن به جنگ محکوم کرد. در همین زمان، آمریکا را نیز محکوم و متهم ساخت که سبب افزایش تشنج و درگیری در خلیج فارس شده است و اعلام کرد که هرگز به

---

۱ - ظاهراً کشور دیگری باقی نمانده بود که به صف دشمنان جمهوری اسلامی ایران بپیوندد. اگر چنین بسیجی علیه هر کشوری از جمله اسرائیل صورت می‌گرفت، ظرف ۲۴ ساعت سقوط می کرد می بایست اعراب از توانایی‌های خود علیه دشمن دیرینه شان (اسرائیل) سود می جستند و با یاری ایران این غده چرکین را از بلاد اسلامی بیرون می انداختند و سرزمین های اسلامی را پاک می کردند.

۲ - الف) اگر عربستان تظاهرات برائت در مکه را واکنش ایران در جنگ می‌دانسته، خطای بزرگی مرتکب شده است. این تظاهرات فریاد عزت خواهی همه مسلمانان در مقابل امریکا و اسرائیل بود، نه واکنش یک کشور در برابر کشوری دیگر. ب) چگونه وزیر دفاع مصر به خود اجازه داده تا قتل عام در حرم امن الهی را موفقیت بنامد؟! قتل عام حجاج بی گناهی که بدون سلاح، فریاد الله اکبر، لااله الاالله، و مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر داده بودند، چه افتخاری دارد؟! آیا مقابله جنون آمیز و وحشیانه با یک تظاهرات آرام و کشتار زنان و جانبازان (معلول جنگ) و پیرمردان را در حرم امن الهی می توان موفقیت نامید؟! امری که شاید مرتکبین آن، امروز به دنبال راهی برای ابراز پشیمانی خود باشند.

حمایت از نفتکش ها نخواهد پرداخت و با طرح‌های آمریکا مخالفت ورزید و اعلام کرد که آماده است در صورت تبعیت آمریکا، نیروهای خود را از خلیج فارس خارج کند.

در آگوست ۱۹۸۷ (مرداد – شهریور ۱۳۶۶) جنگ ادامه یافت و شدت درگیری بین ایران و غرب بالا گرفت. هیچ هفته ای نمی گذشت مگر آن که ایران به طریق غیرمستقیم اقداماتی را در ایراد ضربه به نیروی دریایی امریکا انجام می‌داد و هیچ فرصتی را برای ادامه حمله به نفتکش ها با تمام وسایل ممکن و اخراج آمریکا از خلیج فارس و یا مجبور ساختن او به عقب نشینی نیروهایش، از دست نمی داد. ایران در این زمان به افزایش فشار سیاسی و نظامی بر کویت و عربستان پرداخت. در برابر این اقدامات، امریکا امکانات نظامی خود را در منطقه تقویت کرد، این امر نشان می داد که امریکا قصد مقابله و رو دررویی با ایران را دارد.

اولین گام در شدت گرفتن اوضاع، در روز ۴ آگوست (۱۳ مرداد) ظاهر شد. ایران در اولین روز اعلام کرد که قصد اجرای یک مانور دریایی را در خلیج فارس دارد. زمان بندی این مانور به نحوی تنظیم شده بود که با عملیات اسکورت یکی از کاروان‌ها تعارض داشت. در ۸ آگوست (۱۷ مرداد) یک هواپیمای اف – ۱۴ که از ناو هواپیمابر "کونستاللیشن" برخاسته بود، با یک فانتوم ایرانی رو برو شد و هواپیمای فانتوم بدون توجه به اخطار، پرواز خود را به سمت یک هواپیمای نیروی دریایی آمریکا از نوع p-۳c [1] که مشغول گشت شناسایی بود، ادامه داد. هنگامی که هواپیمای ایرانی به نزدیکی p-۳c رسید، یکی از جنگنده های اف – ۱۴ آمریکا یک موشک AIM-۷F [2] به سمت او شلیک کرد، لیکن هواپیمای ایرانی به سرعت موفق به فرار شد و هواپیماهای آمریکایی آن را تعقیب نکرد.

---

۱ - هواپیمای p-۳c (اوریون) ساخت کارخانه لاکهید و شبیه c-۱۳۰ است. می تواند عملیات جنگ ضدسطحی روی آب انجام دهد. نوع ایرانی آن p-۳f نام دارد.

۲ - همان موشک اسپارو - F می باشد.

۳ – این تجهیزات به هلی کوپتر اضافه شده بود.

۴ – این بسیج نظامی نشان می داد که آمریکا در حال ورود رسمی به جنگ ایران و عراق بود، آن چنان که بعدها فاش شد که چگونه کمک های اطلاعاتی امریکا در اختیار عراق قرار می گرفت و امریکا در حمله ارتش عراق به خطوط پدافندی ایران در فاو، در منطقه خلیج فارس وارد عمل شد و چندماه بعد به هواپیمای مسافربری ایران حمله کرد و آن را همراه با ۲۷۰ مسافر بی گناه متلاشی ساخت.

شناور آمریکایی گوادل کانال به نیروی دریایی این کشور در خلیج فارس پیوست تا توان جنگ مین را افزایش دهد. هلی کوپتر های هجومی مسلح به موشک تاو ۳ و موشک استینگر نیز آمدند تا به وسایل پدافند هوایی و وسایل هجومی نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس افزوده شوند. ناو میسوری هم به همراه یک ناو و ۴ ناو ترابری و تیم نیروی مخصوص دریایی (SEAL) و واحدهای مهم دیگر، در حال حرکت به سمت منطقه بودند. ۴

عراق بار دیگر در اگوست حمله هوایی و بمباران تأسیسات نفتی ایران را از سر گرفت. یک نفتکش پانامایی نیز در جنوب تنگه هرمز به مین اصابت کرد که این حادثه، ششمین حادثه اصابت به مین در سه ماه بود، لیکن اولین حادثه در خارج از خلیج فارس، به شمار می رفت.

در روز بعد، پنج مین جدید درنزدیکی فجیره کشف شد که همگی ساخت شوروی بودند و این دلیل بر آن بود که ایران تصمیم به گسترش مناطق آلوده به مین گرفته است و حتی قبل از ورود به خلیج فارس که نفتکش ها در آنجا منتظر می مانند تا از تنگه بگذرند نیز آلوده شده است. رفسنجانی کوشید تا افکار عمومی جهان را به این سمت هدایت کند که امریکا و هم پیمانانش این مین ها را پخش کرده اند. او همین تهمت را به عراق نیز وارد ساخت و افزود که به نیروی دریایی ایران دستور داده تا منطقه را از این مین ها پاک کنند.

ایران در مورد انجام دادن جنگ مین هر محاسبه ای که کرده بود واکنش آتی دولت‌های اروپایی را درک نکرد یا نفهمید. انگلیس اعلام کرد که یک دستگاه مین جمع کن به خلیج فارس اعزام می کند تا به ناوشکن انگلیسی در این نقطه بپیوندد. فرانسه هم سه مین روب به همین منظور اعزام کرد تا به ناو هواپیمابر "کلیمانسو" و دو ناوشکن فرانسوی در خلیج فارس بپیوندد. معنی این امر آن بود که بسیاری از وسایل مین پاک کن در حال تجمع در منطقه بودند تا با جنگ مین ایران مقابله کنند.

امریکا در برابر تعهدی با سختی های روزافزون قرار داشت. او وارد درگیری با ایران شده بود و این امر اساساً بر پایه این (فرضیه) بود که ایران از توانایی های نظامی امریکا در ایراد خسارات فراوان بر توان نظامی اش در صورت بروز یک جنگ واقعی، می هراسد.

با این حال براساس طرح و برنامه و نقشه تنظیمی، ایران همچنان قادر به ادامه استراتژی خود و زدن نفتکش های مربوط به سایر کشورها بود و به همین دلیل، امریکا و کشورهای

اروپای غربی(فرانسه و انگلیس) نیز به حمایت از نفتکش هایی که پرچم آن ها را زده بودند، بسنده می کردند.

اما هر یک از طرف های درگیر در این ماجرا ممکن بود وارد محدوده اختیارات دیگری شوند، چنان که شوروی قطعاً قصد استفاده از فرصت به وجود آمده از این تشنج را به هر شکل و صورتی داشت.

گام بعدی در اوج گیری دامنه جنگ نفتکش ها در خلیج عمان بود. در هنگامی که نیروی دریایی ایران در حال انجام دادن مأموریت پاکسازی و جمع آوری مین ها در نزدیکی فجیره (با شش شناور و شش هلی کوپتر) بود، دو ناو ترابری ایران به یک شناور لیبریایی حامل مواد شیمیایی در خارج از تنگه حمله کردند. این اولین بار بود که شناورهای سپاه پاسداران در خارج از خلیج فارس حمله مستقیم می کردند. این اوج گیری در زمانی روی داد که شورای امنیت خواستار اعمال فشار بر ایران به منظور پذیرش قطعنامه آتش بس شده بود و دبیر کل سازمان ملل دیدارهایی را از دو کشور ایران و عراق ترتیب می داد. روشن است که این حمله، صدام حسین را در مورد بی حاصلی و عدم موفقیت هرگونه تلاش برای عقد پیمان آتش بس متقاعد ساخت، لذا بار دیگر حملات خود را بر ضد شهرهای ایران در ۱۰ آگوست (۱۹ مرداد ۱۳۶۶) از سر گرفت و تبریز و گچساران را بمباران کرد. همچنین هواپیماهای عراقی به سایر اهداف از جمله چاه های نفت، کارخانجات پتروشیمی، سیمان، قند، نیروگاه ها و کارخانه آلومینیوم حمله کردند.

عراق تهدید کرد که ضربات هوایی خود را از اهداف زمینی متوجه اهداف دریایی خواهد کرد و به وضوح اعلام کرد که استراتژی او بر پایه دوعامل استوار شده است: اول آن که اقدامات هیئت اعزامی از سازمان ملل و هرگونه تلاش دیگر کشورهای خارجی را برای دست یابی به قرارداد همه جانبه آتش بس، غنیمت می شمرد. دوم آن که از بازار نفت و ایراد ضربه به اهداف نفتی ایران برای تحمیل صلح استفاده خواهد کرد. پس از آن که این تهدیدهای لفظی کارگر نیفتاد، عراق در ۳۰ اگوست (۸ شهریور ۱۳۶۶) به اجرای این تهدیدات پرداخت و پس از یک توقف ۴۵ روزه، درست در همان روزی که چهارمین کاروان امریکایی به سمت کویت از تنگه می گذشت، جزیره خارک و مجتمع نفتی ایران در سیبری و لاوان را بمباران کرد.

در این زمان ایران به صورت نظری، شدیداً در معرض حملات هوایی به نیروگاه ها، پالایشگاه ها و تمام تأسیسات مهم نفتی قرار داشت. در نیمه سال ۱۹۸۷ (تابستان ۱۳۶۶) صادرات نفت، ۳۰٪ درآمد ارزی ایران را تشکیل می داد. ۸۰٪ نفت ایران از جزیره خارک استخراج می شد. ضربات وارده به جزیره خارک بسیار ویران گر بود. اما در عمل جزیره خارک باز هم به تولید و صدور نفت ادامه داد. این جزیره برای تولید ۶ میلیون بشکه در روز طراحی شده بود. ایران همچنین توان صدور حدود ۲۵۰ هزار بشکه نفت در روز از جزیره لاوان و سیری در جنوب خلیج فارس را داشت. از زمانی که سهمیه اوپک ۲۴ میلیون بشکه در روز و سهم ایران ۳ میلیون بشکه در روز تعیین گردید، ایران توانست صادرات خود را از جزیره خارک انجام دهد و ۱/۸ میلیون بشکه در روز را به وسیله نفتکش ها صادر کند.

بسیاری از تأسیسات خارک مستحکم بودند؛ ابزار کنترل آن ها نیز در سازه های مستحکم قرار داشتند. اسکله های آن در شرق و در غرب، از تأسیسات بتونی بسیار مستحکم، درست شده و به سهولت ترمیم می شد. این بدان معنا بود که عراق برای ایراد خسارات مؤثر و تخریب جدی در این تأسیسات بتونی مستحکم، می بایست تعداد بسیاری هواپیما را به طور مستمر برای بمباران آن به کار گیرد. گرچه پدافند هوایی موشکی قوی در خارک نبود، اما توان پدافند هوایی که در این جزیره مستقر بود این کفایت را داشت تا خسارات مؤثری به نیروی هوایی عراق وارد آورد، خصوصاً اگر حملات هوایی عراق به این جزیره ادامه دار باشد.

در نیمه سال ۱۹۸۷ (تابستان ۱۳۶۶) ایران در برابر خسارات موقتی که به جزیره خارک وارد می شد، در امنیت نسبی به سر می برد. توان صدور نفت و حتی تولید پالایشگاه ها و فعالیت تلمبه خانه ها نیز در امان بودند! ایران فقط ۲۵۰/۰۰۰ بشکه در روز مصرف داخلی داشت و ناوگان نفتکشی آن در لارک، مقدار بسیار فراوانی نفت ذخیره کرده بود (۶ نفتکش غول پیکر حدود ۱۹ میلیون بشکه نفت خام و ۱۱ نفتکش که ذخایر سوخت را به همراه داشت). این میزان سوخت ذخیره برای ۷ روز ایران کافی بود تا در صورت بروز حالت اضطراری یا خسارات موقت در خارک، مصرف کند.

عراق همچنان به کارگیری موشک های اگزوست را ادامه داد، اما هواپیماهای این کشور پیش از آنکه به حوزه دید عملیاتی موشک برسند، آن را شلیک می کردند. قدرت

این موشک ها نیز به حدی نبود که بتوانند نفتکش را نابود کنند. اکثر نفتکش های فعال در خلیج فارس حدود ۱۰۰۰ فوت یا بیشتر طول داشتند و به همین دلیل کم تر از ناوهای جنگی در معرض خطر غرق شدن بودند. بدنه آن ها از زره های خشک به ضخامت ۲۲-۲۶ میلی متر درست شده بود که قادر به تحمل شکاف بسیاری از گلوله های سنگین یا موشک ها و راکت ها باشد. این موشک ها گرچه می توانستند زره را سوراخ کنند، اما انفجار سرجنگی اکثر آن ها (مثل ماوریک، اگزوست، هارپون و سی کیلر) معمولاً با نفت خام خاموش می شد. به ندرت نفت در نتیجه این انفجار مشتعل می شود. نفتکش های خالی نیز مخزن های خود را با گاز حاصل از موتورها پاک می کنند و اکسیژن و بخار نفت باقی مانده در مخزن را بیرون می فرستند، این یک عملیات عادی همیشگی است. ضمناً یک نفتکش ۱۷ مخزن جداگانه دارد و در صورت شکاف برداشتن بدنه آن، فقط یک مخزن را آب پر می کند.

نفتکش های حامل گاز مایع دارای بدنه دو جداره اند که جداره های آن، دو فوت با یکدیگر فاصله دارند، این فاصله از شدت تأثیر موشک های کوچک می کاهد. موتور بسیاری از نفتکش ها به راحتی قابل اصابت نیست. می توان گفت که نفتکش های حامل بنزین تنها نفتکش هایی هستند که بیش تر در معرض خطر قرار دارند و این گونه کشتی ها نیز در خلیج فارس کم بودند.

با توجه به این مسائل، عراق موفق به انهدام هیچ نفتکش ایرانی یا حتی ایراد خسارات مهم یا از کار انداختن آن برای مدت طولانی نشد. در حالی که ایران فقط به ۱۰ نفتکش برای تأمین ذخیره مطلوب خود احتیاج داشت، اما دارای ۱۷ نفتکش بود که ۶ نفتکش غول پیکر در میان آن ها قرار داشت و لذا از لحاظ تأمین نیازمندی های سوختی در امنیت کامل به سر می برد.

ضربات عراق در صورتی می توانست تأثیر بیشتری داشته باشد که این کشور مخلوطی از انواع بمب های معمولی، بمب ناپالم، خوشه ای [۱] و مین های زره شکاف و بمب های لیزری را استفاده می کرد، یا آن که از بمب های حاوی مواد ضد زره و آتش زا ۲ بهره

---

۱ - بسیار جای تعجب است که موضع نویسنده محترم در انتخاب و توصیه سلاح های ممنوعه مثل ناپالم و خوشه ای با صدام تفاوتی ندارد!

Cluster Bombs - ۲

می گرفت. بمب های سنگین نیز خدمت نفتکش های خارجی را می کشت و در نتیجه شرکت‌های خارجی از اعزام نفتکش به خلیج فارس خودداری می کردند.

بنابراین، عراق تجربه و فهم کافی برای درک عوامل مؤثر در هجوم را نداشت. یا این که قادر به دست یابی به این وسایل و ابزار مناسب نبود.[۱] شاید به همین دلیل بود که هرگاه می خواست به ایران فشار وارد کند، تلاش خود را روی زدن پالایشگاه ها و نیروگاه ها متمرکز می کرد. زدن این اهداف، در غرب و کشورهای شورای همکاری (خلیج فارس) چندان تحریک آمیز نبود، حمله به آن ها نیز آسان بود. هر حمله ای به این تأسیسات در آن واحد سه هدف را دنبال می کرد: تأثیر بر توان صادرات نفت ایران، تأثیر بر اقتصاد ایران و تأثیر بر مردمی که در سرمای زمستان دچار کمبود سوخت می شدند. با این حال برای کسب موفقیت و نتیجه لازم، عراق می بایست حملات خود را به طور مستمر و با دقت بسیار، ادامه می داد. این همان چیزی بود که هواپیماهای ساخت شوروی عراق فاقد آن بودند.[۲] قطعاً یک نیروی هوایی پیشرفته تر و مجرب تر می توانست تأثیر مطلوبی روی اهداف مورد نظر بگذارد، بدون آن که محتاج به ایراد خسارات متعدد باشد، اما نیروی هوایی عراق فاقد خلبانان باکفایت به تعداد مورد نیاز بود. پایین بودن سطح پشتیبانی فنی و همچنین کم بود وسایل شناسایی خوب برای کشف اهداف و هدف گیری دقیق نیز از نواقص دیگر عراق بود.

جنگ نفتکش ها در پایان اگوست و اوایل سپتامبر (شهریور) به بالاترین حد خطر رسید و عراق تعداد حملات خود بر ضد اهداف دریایی را افزایش داد، و این اضافه بر حملاتی بود که از ۱۰ آگوست بر ضد اهداف اقتصادی و مناطق مسکونی انجام می داد. ایران کاملاً مراقب بود تا کشتی هایی که مورد حمله قرار می دهد، دارای پرچم آمریکا نباشند. ایران و عراق زنجیره ای از تهدیدهای لفظی را با یکدیگر مبادله می کردند. ایران

---

۱ - چه دلیلی وجود دارد که عراق را از دست یابی به هر ابزار و وسیله ای برای مقابله با ایران ناتوان بدانیم؟ در حالی که پول از جیب اعراب و تکنولوژی و دانش فروش ابزار و تسلیحات از دولت های متمدن (!!) غرب تأمین می شده است؟

۲ - بر طبق تحلیل های مادی گرایانه و ارزیابی های کمی، هیچ دلیلی برای ناتوانی عراق نمی توان یافت. ای کاش نویسنده شأن نظامی خود را با ارائه چنین تحلیل هایی، فدای توجیه شکست های عراق نمی کرد شاید چنان که در جای جای این کتاب، تبلیغ سلاح های غربی صورت گرفته است. در این جا نیز نویسنده فرصتی برای ابزار برتری سلاح ها و تجهیزات غربی یافته است. اما باید یادآور شد که عراق حتی با داشتن میراژ فرانسوی و سوپر اتانداردها و موشک های اگزوست و بهره مندی از ماهواره های جاسوسی امریکا نیز قادر به کسب موفقیت استراتژیک نبوده است!

اعلام کرد که از این پس هر ضربه ای را با ضربه دیگری پاسخ می دهد و عراق را به حمله به غیر نظامیان متهم کرد. ایران سپس دو نفتکش را هدف گرفت. که در حال حمل نفت کشورهای عربی بودند. این اقدامات کلاً به افزایش تعداد حملات علیه کشتی ها انجامید چندان که تنها در یک روز هفت کشتی مورد حمله قرار گرفت و عراق اعلام کرد که در ۵ روز، ۱۱ کشتی، ۲ نیروگاه و مرکز مخابراتی را هدف حمله قرار داده است.

این وضع تا پایان سال ۱۹۸۷ (پاییز ۱۳۶۶) ادامه یافت و در اوایل سال ۱۹۸۸ (زمستان ۱۳۶۶) نیز اوضاع به همین منوال گذشت. عراق هرگاه احساس می کرد که احتمال آتش بس کاهش یافته، یا هرگاه تحت فشار نظامی قرار می گرفت، یا آن گاه که افزایش تشنج را موجب افزایش فشار غرب بر ایران می دید، دست به افزایش دامنه تشنج می زد، اما ایران مطابق تشخیص منافع خود، سطح درگیری را بالا می برد.

کم کم نقش اروپا در خلیج فارس رو به افزایش گذاشت. به دنبال تصمیم انگلیس و فرانسه برای اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس در ۱۱ آگوست ۱۹۸۷ (۲۰ مرداد ۱۳۶۶)، انگلستان فشار سیاسی دیگری را به کشورهای بلژیک، ایتالیا و هلند وارد ساخت تا نقش بیشتری در این ماجرا به عهده گیرند. در نتیجه، این فشارها موجب تشکیل جلسه مشترکی بین دولت های اروپای غربی شد. اما این اجتماع بدون هیچ گونه نتیجه مثبتی پایان یافت و صرفاً به صدور یک بیانیه در مورد آزادی کشتیرانی اکتفا شد. آلمان با هرگونه اقدام عملی مخالفت ورزید؛ ایتالیا اصرار داشت که اقدامات باید از طریق سازمان ملل صورت گیرد؛ اما انگلیس و فرانسه وارد اقدامات عملی شدند. هلند در متحد ساختن نظر دولت های اروپای غربی کوشید، ولی هنگامی که این اجتماع با شکست روبرو شد، تنها مانده و به انگلستان پیوست تا از پشتیبانی هوایی و لجستیکی این کشور برای یک دستگاه مین روبی که به خلیج فارس اعزام می کند، بهره مند شود؛ انگلستان هم با این امر موافقت کرد. در ۷ سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۶ شهریور ۱۳۶۶) هلند اعلام کرد که دو مین روب به خلیج فارس اعزام می کند. بلژیک نیز تصمیم به اعزام دو مین روب گرفت. کشتی های هلندی و بلژیکی در اواخر ماه سپتامبر (اوایل مهر) رسیدند و پس از حمله ایران به یک نفتکش ایتالیایی، ایتالیا اعلام کرد که ۸ شناور نظامی شامل ۳ مین روب، یک فری گیت از کلاس لویو و دو فری گیت از کلاس میسترال به خلیج فارس اعزام می کند. این کشتی ها در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۴ شهریور ۱۳۶۶) وارد خلیج فارس شدند. جدول ذیل، آمار نیروهای

حاضر در خلیج فارس یا آماده ورود به منطقه را تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ (۲۹ شهریور ۱۳۶۶) نمایش می دهد.

این میزان نیرو، بخش بزرگی از توان دریایی کشورهای غربی بود که به آن ها توان دخالت مؤثر را در صورت احساس لزوم، می داد.

در طول ماه سپتامبر عراق به زدن اهداف پراکنده در خلیج فارس ادامه داد ولی ایران مسابقه ای را آغاز کرد، در ۲۰ سپتامبر یک قایق تندرو ا یرانی به یک کشتی نفتکش سعودی حمله ور شد. در ۲۱ سپتامبر ایران نفتکش انگلیسی را هدف قرار داد که منجر به آتش سوزی و کشته شدن خدمه آن شد. این اقدام، واکنش انگلستان را برانگیخت؛ انگلیس همه افراد عضو دفتر خرید ایران را در لندن اخراج کرد. این دفتر وظیفه خرید سلاح و مهمات را به عهده داشت.

حادثه هواپیمای ایرانی

پس از حادثه نفتکش بریجتون، آمریکا چندین بار به ایران هشدار داد که اقداماتش ممکن است منجر به آن شود که امریکا هر شناورایرانی را که در حال مین گذاری یا کوشش برای مین گذاری در آب های بین المللی ببیند، بدون هیچ گونه اخطار هدف قرار دهد. امریکا یک واحد از نیروهای مخصوص خود را در ماه سپتامبر به خلیج فارس فرستاد و طرحی را برای تعقیب و شناسایی هر کشتی ایرانی که قصد مین ریزی داشته باشد، تهیه کرد و در این امر از ماهواره ها، هواپیماهای شناسایی sR-۷۱ [1] و همچنین همه وسایل اطلاعاتی به ویژه هلی کوپتر های مجهز به دستگاه های مخصوص، استفاده کرد تا فعالیت‌های دریایی ایران را در مین گذاری از لحظه بارگیری تا اقدام عملی به پخش آن، تحت نظر بگیرد. امریکا در عمل جلو فعالیت یکی از شناورهای ایرانی (به نام ایران ایر) [2] را گرفت. این شناور از لحظه ترک بندر تا نقطه ای در حوالی ۵۰ مایلی شمال بحرین و قطر – که در آن نقطه ۶ عدد مین رها کرد – ظاهراً کاملاً احساس امنیت می کرد چرا که عملیات خود را در تاریکی شب انجام می داد. دو فروند هلی کوپتر تا ۵۰۰ متری این

---

۱ - هواپیمای Black Brid (پرنده سیاه) منحصر به آمریکا است که هواپیمای شناسایی در ارتفاع بسیار بالا و دارای سرعت بسیار است و پس از هواپیماهای u۲ ساخته شد.

۲ - در متن اصلی (سفینه .... ایران ایر) آمده است.

شناور نزدیک شدند که آن را در حال عملیات مین گذاری مشاهده کردند و اجازه حمله به آن را درخواست کردند و پس از اخذ اجازه، اقدام به حمله کردند که با اجرای آتش روی شناور، مهمات آن منفجر شد و پنج تن از سرنشینان آن کشته شدند.[۱] سپس گروه مخصوصی از نیروهای دریایی وارد شناور شدند و ۲۶ تن از سرنشینان را دستگیر کردند.

پس از آن، عملیات انهدام سفینه و غرق کردن آن صورت گرفت. به این صورت اقدامات ایران برای جهانیان افشا شد.[۲] این حمله در زمان حضور امام خمینی در سازمان ملل صورت پذیرفت.[۳] او فقط مدعی شد که این کشتی، تجاری بوده و پخش مین به وسیله آن، یک مشت دروغ است.

نیروهای امریکایی در این کشتی ۸ عدد مین ساخت شوروی با نقشه ای که محل پخش آن را نشان می داد، یافتند و فیلمی از سرنشینان و مین ها تهیه کردند که در آن، خدمه کشتی از مأموریت پخش مین به تفصیل سخن می گفتند. این اقدام آمریکا با پشتیبانی وسیع بین المللی مواجه شد و این امر سبب شد مسئولان امریکایی بتوانند حضور نظامی خود را در خلیج فارس ادامه دهند.[۴] ایران در این ماجرا از حمایت کامل شوروی برخوردار نشد. سخنگوی رسمی اتحاد شوروی هنگامی که از حق ایران در مین گذاری در خلیج فارس سخن می گفت، کاملاً با احتیاط صحبت می کرد، چون شوروی به هیچ وجه قصد خشمگین سازی غرب را نداشت.

در همین زمان، جنبش های استقلال طلبانه کردها مشکلات فراوانی را برای عراق و ترکیه ایجاد کرده بودند، در عوض هر گاه ایران عملیات نظامی خود را در جنوب متوقف

---

۱ - همه کشورهای غربی به سرکردگی امریکا وارد جنگ با ایران شدند و در زمانی که عراق حملات خود را به اهداف دریایی وسعت می بخشید، در تلاش برای کنترل و محدودیت ساختن ایران بودند. در چنین اوضاعی کوچکترین اقدام تدافعی ایران نام "جنگ" به خود می گرفت و حمایت های نظامی آمریکا و متحدانش از اقدامات تجاوزکارانه عراق" صلح نامیده می شد!

۲ - به صرف ادعای یک طرف درگیر در جنگ علیه طرف مقابل، چیزی اثبات یا افشا نمی شود. حمله به یک ناو ترابری فضاحتی بود که اعتراف به آن برای امریکا شرم آور بود، به همین جهت به ناچار مدعی شد که این ناو ترابری مشغول مین ریزی بوده است.!

۳ - حضرت امام خمینی (س) پس از ورود تاریخی خود به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، هیچ گاه کشور را ترک نکرد. نام شخصیت ایرانی حاضر در سازمان ملل آیت الله خامنه ای (رئیس جمهور وقت) می باشد.

۴ - جالب است که دلیل اصلی این بازی را خود نویسنده به صراحت بیان کرده است و آن، نیاز به کسب حمایت هایی برای ادامه حضور نظامی در خلیج فارس و توجیه افکار عمومی مردم امریکا و کنگره بود. این هدف آیا بدان حد ارزش مند نبود که برای وصول به آن، چنین نقشه ای به اجرا گذاشته و اسباب و لوازم تهمت نیز از قبل مهیا شود و اجرای عملیات نیز در شب انتخاب گردد تا مشکلی در تدوین فیلم تبلیغاتی به وجود نیاید؟

می‌کرد، پشتیبانی و کمک به کردهای مخالف عراق را شدت می بخشید. واکنش عراق در برابر هر حمله جدیدکردها، شدیدتر می شد. عراق سکنه بیش از ۲۰۰ روستای کردنشین را در اواخر سال ۱۹۸۷ (پاییز ۱۳۶۶) اخراج کرد و آنان را در مناطق دیگر اسکان داد. حکومت عراق فشار بر بقیه کردها را نیز شدت بخشید. [۱] حکومت ایران خود با مشکلات داخلی خاصی مواجه بود. جنبش مجاهدین به رهبری مسعود رجوی نگرانی هایی برای حکومت (امام) خمینی به وجود آورده بود. این جنبش به وسیله منابع خارجی حمایت مالی

---

۱ - در اوایل سال ۱۹۸۸ در ماه مارس (اواخر اسفند ۱۳۶۶) عراق به حمله شیمیایی گسترده‌ای در مناطق کردنشین شرق و شمال سلیمانیه پرداخت. این اقدام پس از یک محاصره چند ماهه اقتصادی صورت می گرفت که در آن مدت، نیازهای اولیه کردها از قبیل آرد، سوخت، دارو، قند، شکر و برخی اقلام خوراکی از طریق ایران – آن هم به مقداری که قطعاً کفاف نیاز آن ها را نمی داد – تأمین می‌شد. حمله شیمیایی عراق به چند روستای کردنشین موجی از وحشت و اضطراب در ساکنان سایر روستاهای محاصره شده ایجاد کرد. چندان که همگی به خاک ایران گریختند. سرمای نیمه مارس در کوهستان های پر از برف و یخ حتی برای بسیاری از سربازان مجهز به لباس های گرم نظامی و وسایل گرم کننده نیز تحمل ناپذیر بود، اما در این سرمای کشنده، ناگهان انبوه جمعیت و حشت زده، با پای پیاده راهی ایران شدند. به سختی می توان توصیف کرد که پس از سی و چند ساعت کوه پیمایی با کفش های پاره در میان برف و یخ و جنگ با گرسنگی و مرگ و دیدن مصیبت های بی شمار مرگ اطرافیان و تحمل خستگی بسیار شدید، چگونه پیرزنان و پیرمردان برای سوار شدن به عقب خودروهای نفربر نظامی (که حداقل ۱/۵ متر از سطح زمین بالاتر بود) بیهوده می کوشیدند و براثر هجوم افرادی که توان بیشتری داشتند، زیر دست و پا می افتادند. ستون بی انتهایی از زنان، پیرزنان، مردان، پیرمردان وکودکان به همراه گوسفندان و سگ ها و الاغ ها و قاطرها در میان برف های سپید قله بلند "شیخ محمد" و ارتفاعات بسیار بلند آن منطقه به راه افتاده بود و فرماندهی نیروهای ایران را در آن نقطه دچار شگفتی کرد، بلافاصله اقدامات انسان دوستانه جمهوری اسلامی برای حمایت از پناه جویان انجام شد. هلی کوپترها به سرعت از بانه، نان و سوخت به محل می آوردند و کلیه سنگرها، چادرها و اورژانس ها به دستور فرمانده قرارگاه عملیاتی نجف در خدمت پناه جویان قرار گرفت. در این اوضاع دشوار، بارش شدید و لاینقطع باران – که چندین روز ادامه یافت، بر مشکلات می افزود. سیل خشمگین نیز همه پل های ارتباطی منطقه را ویران کرد و چند جزیره جدا از هم به وجود آمد. غربت زنان پابرهنه، پیرمردان سرمازده، کودکانی که سرپرستان خود را گم کرده بودند و ... صحنه های دل خراشی را پدید آورده بود. در طول مسیر راه پیمایی این گروه عظیم، جنازه های بسیاری بر زمین افتاده بود که از شدت سرما یا گرسنگی جان باخته بودند. براساس گزارش های شفاهی، چندین زن باردار در این مسیر پس از وضع حمل یا قبل از آن جان باختند. بسیجیان ایرانی که سنگرها وچادرهای محل اقامت و حتی لباس های گرم خود را در اختیار این افراد گذاشته بودند، حداقل در چند عمل زایمان به زنان بی پناه کرد کمک کردند. شدت فاجعه به حدی بود که وصف آن امکان پذیر نیست. صحنه ای که یک پیرزن ۸۰ ساله ناتوان قصد عبور از یک پل چوبی اضطراری به طول یک صد متر را داشت و با هر قدم امکان سقوط او از این پل لرزنده می رفت، از ذهن هیچ بیننده ای محو نمی شود. لحظاتی که فرمانده قرارگاه نجف سپاه و همراهان او چکمه های خود را از پا درآوردند و به زنان پابرهنه پناه جو بخشیدند، اما زودتر از آن مردان چکمه ها را قاپیدند و پوشیدند، از خاطر نمی رود. آنجا فقط تجلی اوج قساوت و سنگ دلی و بی رحمی و وحشتی گری صدام از یک سو و اوج انسان دوستی، ایثار، از خود گذشتگی و فرشته خویی بسیجیان ایرانی از سوی دیگر بود. آن روز در همه انبارهای غذا و پوشاک و ذخایر به دستور فرمانده قرارگاه نجف گشوده شد و هر آنچه بود بی حساب به انسان های پناه جو داده شد. در آن روز وزیر دفاع مصر در آن سوی خط بود و ما در این سو بودیم. او امروز بدون آنکه چنین جنایات عظیم و وحشی گری های غیرانسانی را محکوم کند، صرفاً آن را ایراد فشار بر کردها می نامد تا وجدان های بیدار از حقیقت ماجرا بی خبر بمانند.



می شد و موفق شده بود که میلیشیای مخصوص به خود را در ایران ایجاد کند و نام آن را ارتش آزادی بخش خلق بگذارد.

نیروهای این ارتش اقدام به برخی حملات کوچک و انفجار چند بمب کردند.[۱] این امر سبب شد تا سپاه پاسداران واحد خاصی را در غرب ایران برای مقابله با این جنبش ایجاد کند.[۲] به طور کلی این جنبش خطر عمده ای برای امنیت داخلی ایران — حتی در مناطقی که تمرکز قوا داشت — به وجود نیاورد.

در اوایل اکتبر ۱۹۸۷ (مهر ۱۳۶۶) جنگ مشخصات و خصوصیات ویژه ای به خود گرفته بود که به سه جهت گیری موازی تقسیم می شد:

۱) افزایش رو در رویی بین ایران و امریکا و اروپای غربی.

۲) ادامه جنگ سیاسی در سازمان ملل برای قبول صلح و ازدیاد فشار امریکا برای تحمیل بندهای آن (قطع نامه) و تلاش شوروی برای استحکام بخشیدن و تقویت روابط خود با اعراب.

۳) ادامه درگیری های محدود مرزی بین ایران و عراق.

در خلال دو ماه اگوست و اکتبر (شهریور و مهر)، ایران چندین حمله دریایی به وسیله شناورهای توپ دار خود بر ضد چند نفتکش انجام داد و عراق نیز به همین شکل مقابله کرد.[۳]

با این حال این اقدامات اثر قابل ذکری در حجم تولیدات نفتی هیچ یک از دو طرف نگذاشت.

حمله موشکی ایران به کویت

در ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) ایران بعد جدیدی به ابعاد جنگ خلیج فارس افزود و با شلیک موشک کرم ابریشم از شبه جزیره فاو به کویت، یک نفتکش لیبریایی را در حالی که لنگر انداخته بود، هدف قرار داد. اصابت این موشک به نفتکش خسارات بسیار فراوانی به آن

---

۱ - انفجار بمب اگر به وسیله مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی صورت گیرد، " انفجار بمب " است، ولی اگر به وسیله کسانی که به دفاع مشروع از سرزمین شان مشغولند صورت گیرد. " ترور" و "ارعاب" نامیده می شود!

۲ - هیچ گاه واحد خاصی به این منظور تشکیل نگردید.

۳ - تا این جای بحث که نیاز به بیان دقیق وقایع بود، هیچ گاه ایران به عنوان آغازگر این گونه حملات معرفی نشد، اما در این جا یعنی در لحظه جمع بندی که نظر خواننده جهت می گیرد، بی دلیل عراق در مقام "مقابله کننده " معرفی می شود (امام)

وارد ساخت. امریکا و کویت هیچ گونه واکنشی در برابر این حمله انجام ندادند. در ۱۶ اکتبر دومین موشک کرم ابریشم به یک کشتی کویتی برخورد کرد که در فاصله ۷ مایلی شرق بندر "الاحمدی" قرار داشت و با پرچم امریکا حرکت می کرد. امریکا اعلام کرد که چون این کشتی دارای پرچم امریکا بوده است، این اقدام را تلافی خواهد کرد. به تلافی این عمل، ناوهای امریکا یک چاه نفت ایران را در جنوب خلیج فارس گلوله باران کردند و آن را به آتش کشیدند. نیروی مخصوص نیروی دریایی امریکا نیز یک چاه نفت دیگر را منهدم ساخت. این عملیات به منظور بازدارندگی ایران از تکرار این گونه اعمال صورت گرفت.[۱]

دولت های غربی از اقدام امریکا حمایت کردند، اما اتحاد شوروی باز هم از مواضع سیاسی امریکا فاصله گرفت. شوروی حضور نظامی خود را (در خلیج فارس) به یک فری گیت، ۶ مین روب و یک شناور کمکی کاهش داد و درخواست کرد که ایران و عراق جنگ نفتکش ها را متوقف کننده، ناوگان های بیگانه از منطقه، بیرون روند و راه حل های سیاسی اتخاذ شود. در همین زمان اتحاد شوروی روابط خود را با ایران افزایش داد و صادرات سلاح به هر دو کشور ایران و عراق را ادامه داد.

اولین واکنشی که در برابر عملیات امریکا صورت گرفت، پخش برخی تهدیدها علیه این کشور و گلوله باران شمال کویت بود. در هنگامی که دوازدهمین کاروان بدون هیچ حادثه ای خلیج فارس را ترک می گفت، ایران، امریکا را متهم ساخت که موجب ایراد ۵۰۰ میلیون دلار خسارت و کاهش تولید نفت به مقدار ۲۵۰۰۰ بشکه در روز گردیده است. ایران مشورت هایی را با شوروی آغاز کرد. شوروی اقدام امریکا را محکوم کرد و آن را یک اقدام تروریستی نامید. با همه این اوصاف، ایران عملیات نظامی خود را ادامه داد. در ۲۲ اکتبر موشک کرم ابریشم دیگری به کویت شلیک شد که به یک سکوی نفتی در مقابل بندر الاحمدی اصابت کرد. امریکا واکنشی در برابر این حمله نشان نداد و اعلام کرد که از "کویت دفاع نمی کند". ولی کویت را در گسترش نیرو و تأمین جزیره بوبیان و ممانعت از هرگونه هجوم آب خاکی سریع ایران بر این هدف استراتژیک مهم، یاری بخشید. امریکا و کویت شناور بزرگی را (سطحه بزرگ Large Barge) در مقابل

---

۱ - تهاجم مستقیم امریکا به تأسیسات نفتی ایران نشان آغاز اوضاع جدیدی در جنگ بود و در حالی صورت می گرفت که کم ترین اقدام تدافعی ایران در مقابل این گونه حملات، نام گسترش جنگ به خود می گرفت.

اراضی کویت در آب انداختند تا به عنوان پایگاه اعزام و نقطه رهایی نیروهای نظامی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد. این عمل برای گریز از مشکلاتی بود که احتمال می رفت در صورت استفاده از پایگاه ها یا تسهیلات زمینی کویت به وجود آید.

ایران پس از این کاملاً مراقب بود تا دست آویزی به امریکا ندهد. کاروان سیزدهم نیز بدون هیچ حادثه ای گذشت. ظاهراً ایران اکثر فعالیت های دریایی خود را در خلیج فارس متوقف ساخت تا ببیند امریکا در برابر آرامش ایران چه خواهد کرد.

عراق جنگ نفتکش ها و جنگ نفت را ادامه داد [1] و با استفاده از نیروی هوایی، مخالفت خود را با هر شکل آتش بس جزئی و محدود اعلام کرد. همچنین در همین زمان استراتژی قبلی خود را که در اواخر اگوست (مرداد) آغاز کرده بود، تغییر داد و توان خود را صرف حمله به سیستم های تلمبه خانه و نیروگاه های ایران کرد تا مشکلاتی را در تأمین سوخت کافی در زمستان ایجاد کند. ویژگی این استراتژی آن بود که ضربات اقتصادی مؤثرتر و سریع تری از قطع صادرات نفت به ایران وارد می ساخت، همچنین سبب می شد تا عراق از تعداد حملات خود در خلیج فارس بکاهد و از فشارهای وارده در زمینه توقف جنگ نفتکش ها رهایی یابد. ایران، عراق را متهم ساخت که اهداف شهری و غیرنظامی را هدف قرار داده است و رادیو ایران حکام بغداد را از انتقام نیروهای ایرانی برحذر داشت و از شهروندان عراقی ساکن در نزدیکی اهداف اقتصادی و نظامی خواست تا منازل خود را ترک کنند و به شهرهای مقدس کربلا و نجف پناه بیاورند. ایران با این هشدار قصد داشت تا در بین مردم عراق از موشک های اسکاد ایرانی ترس بیندازد؛ موشک هایی که از تاریخ ۴ تا ۲۰ اکتبر (۱۲ تا ۲۸ مهر) چهار فروند از آن ها در بغداد فرود آمد. جدولی (که در پی می آید) نشان دهنده وضع حملات ایران و عراق در جنگ نفتکش ها در بین سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ است.

هجوم عراق و دخالت غرب برای تحمیل آتش بس سپتامبر ۱۹۸۷ تا مارس ۱۹۸۹
(شهریور ۱۳۶۶ تا اسفند ۱۳۶۷)

---

۱ - سکوت امریکا در برابر اقدامات عراق، ثابت می کند که حضور امریکا در خلیج فارس به منظور تأمین امنیت کشتیرانی نبوده، بلکه عملاً وارد حمایت نظامی از عراق گردیده است، زیرا در غیر این صورت امریکا می بایست در مقابل حملات عراق به نفتکش ها نیز واکنش نشان می داد.

عراق عملیات پدافندی موفقی را در نزدیکی بصره علیه اکثر حملات ایران که نام کربلا بر آن نهاده بود، اجرا کرد، لیکن ایران از آرزوی خود برای انجام دادن حمله نهایی و پیروزی آفرین دست برنداشت و همچنان در حال جذب نیروی داوطلب برای چنین حمله ای بود. در نبردهای سال ۱۹۸۷ (۶۶-۱۳۶۵) ابتکار عمل در دست ایران باقی مانده و عراق جز اجرای برخی پاتک ها اقدامی صورت نداد. با این وجود اوضاع ظاهری فریب انگیز داشت چرا که مسیر جنگ در حال تغییر ریشه ای بود. در بهار سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) تعدادی از پیروزی های عراق منجر به اجبار ایران برای قبول برخی شروط آتش بس شد که در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد شده بود.[۱] سه عامل در پیدایش این مرحله جدید از جنگ، دخالت داشت:

۱ – مجموعه ای از تغییرات در نیروهای مسلح عراق و روش های نبرد.

۲ – تغییر سیاسی در ایران به دنبال استمرار جنگ به سبب خسارات اقتصادی و نظامی و نامناسب بودن روش های نبرد.[۲]

۳- حضور غرب در خلیج فارس و افزایش انزوای سیاسی ایران.

نیروهای عراقی تحولات مثبتی را در زمینه " توان" و " تجربه" به نمایش گذاشتند: بر خطاها و کوتاهی هایی که در هفت سال طولانی جنگ از آنان سر می زد، غلبه کردند؛ تاکتیک های هوایی و دریایی جدید بهتری را به کار گرفتند و از توصیه ها و راهنمایی‌هایی که از منابع خارجی دریافت می کردند، به خوبی بهره گرفتند. همچنین آنها از منابع متعدد به اسلحه و تکنولوژی جدید دست یافتند و دخالت غرب در خلیج فارس نیز به آن ها بسیار کمک کرد، خصوصاً آن که در کنار فشارهای فزاینده بلوک غرب بر ایران، اقدامات ایران هم تقریباً موجب انزوای جهانی این کشور (ایران) شده بود.

خطاهای سیاسی و استراتژیک ایران

در خلال سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) ایران خسارت بسیاری متحمل شد و حملات مکرری انجام داد که موجب کاهش نیروی انسانی و از دست رفتن حمایت مردمی از جنگ شد و

---

۱ - قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید و مفاد آن با شروط آتش بس پیشنهادی در سال ۱۹۸۲ تفاوت های بسیار داشت.

۲ - مروری بر تحولات ایران نشان می دهد که هیچ گونه تغییر سیاسی خاصی در ایران رخ نداده بود؛ چه در میان مسئولان و چه در میان مردم. شاید انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به سمت فرماندهی جنگ که از سال های قبل (۱۳۶۲) یا (۱۳۶۳) عملاً وجود داشت و در این سال به صورت علنی مطرح گشت، مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. این انتصاب تغییر خاصی در هیچ یک از شرایط پیش نیاورد.

نتوانست اسلحه مدرن و موقعیت نظامی مناسب را جایگزین شور انقلابی و عقیدتی کند. همچنین ایران در همه نبردهای خود اصرار بر ادامه روشی شکست خورده – یعنی اعتماد بر امواج انسانی در حملات – داشت. فرماندهی ایران در نتیجه خسارات بشری سنگین و به جهت وعده های فراوان پیروزی که تحقق نیافته بود، حمایت مردمی و نفوذ خود را از دست داد که این خطای سیاسی سنگینی بود.[۱]

ایران همچنین اشتباهات استراتژیکی فراوانی مرتکب شد، مانند ادامه رویارویی دریای نظامی و مستمر با امریکا و سایر دولت های غربی[۲] و ادامه رد آتش بس کامل و اصرار برآتش بس جزئی در دریا که تحقق آن محال بود.[۳] این رد آتش بس (کامل) موجب

---

۱ - چون نویسنده از اوضاع داخلی جمهوری اسلامی ایران بسیار کم اطلاع بوده است، نتوانسته به درستی عوامل موفقیت جمهوری اسلامی را شناسایی کند و در بسیاری از موارد، نقاط قوت رزمندگان اسلام را نقطه ضعف تلقی کرده است. در مورد اخیر (تب انقلابی و عقیدتی) هیچ گاه مسئولان سیاسی و نظامی مدعی نبودند که این ویژگی جای سلاح و موقعیت نظامی را پر می کند بلکه شور عقیدتی و انقلابی که از آن به عنوان "روحیه" یاد می شد، نقش محوری در پیروزی های ایران داشته و این عامل، تأثیر شناخته شده‌ای در کلیه موفقیت های رزمی داشت؛ شاهد این ادعا، پیروزی رزمندگان اسلام با اتکاء به این اصل و سایر اصول بود که نه تنها در ابتدای جنگ بلکه در اواخر آن نیز بارها مشاهده شد. پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸ در زمستان سال ۱۳۶۴ که منجر به تصرف مناطق شلمچه و حلبچه گردید، علاوه بر بهره گیری از دانش ها و فنون نظامی و تا کتیک های پیچیده در طرح ریزی، غافل گیری، انتخاب هدف، و ابتکار عمل و ... با استفاده از پشتوانه اعتقادی و اعتماد به کارایی رزمندگان آموزش دیده وکارآمد حال شد

۲ - جنگ در دریا با حملات عراق به کشتی ها و نفتکش ها آغاز شد. در آن زمان هیچ یک از دولت های غربی تمایلی به حفظ امنیت کشتیرانی از خود نشان ندادند. با حمله به چند نفتکش حامل نفت عراق، امریکا و متحدانش سراسیمه نیروی دریایی خود را به بهانه حفظ امنیت کشتیرانی وارد خلیج فارس کردند. در واقع، این ایران نبود که مایل به درگیری با امریکا و متحدانش بود، بلکه آنچه در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ موجب بروز درگیری شد، خواست و تمایل این قدرت ها برای رویارویی مستقیم با ایران بود و این نبردها همچون جنگ تحمیلی بر ایران تحمیل می شد. در حقیقت قدرت های بزرگ با علم به این که ارتش عراق در انجام دادن مأموریت های خود – حداقل سرکوب و مهار انقلاب اسلامی در مرزهای خود، موفق نشده است، خود وارد عرصه شدند و برای تحمیل یک صلح ناعادلانه از ابزارهای نظامی استفاده کردند. جمهوری اسلامی به ناچار مجبور به دادن پاسخ های نظامی حداقل به این تهاجمات بود، چگونه می توان هم زمانی تهاجم آمریکا و عراق در ۱۳۶۷/۱/۲۸ (عراق در فاو و آمریکا در خلیج فارس) را تصادفی قلمداد کرد؟ یا حمله امریکا به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس را یک اشتباه دانست؟ و شلیک دو موشک به هواپیمای مسافربری ایران را نادیده گرفت؟ از این گذشته حضور نظامی آمریکا و متحدانش در خلیج فارس فرصت مناسبی را در اختیار عراق قرار داد تا بدون هیچ محدودیتی حملات خود را در این آبراه گسترش دهد و حتی به ناو آمریکایی نیز حمله کند و آمریکا نیز از آن چشم بپوشد. اما همین حضور به منظور ایجاد محدودیت های فزاینده برای ایران بود. آیا مقابله با این محدودیت ها اشتباه استراتژیک است؟ یا تسلیم در برابر آنها؟!

۳ - نویسنده کتاب به جنگ ایران – عراق به عنوان یک پدیده انتزاعی می نگرد. چگونه ممکن است از کشوری که دشمن، بخش عمده‌ای از خاک آن را به اشغال درآورده است، انتظار قبول آتش بس داشته باشیم؟! نگاهی به قطعنامه مصوب شورای امنیت سازمان ملل قبل از قطعنامه ۵۹۸، نشان می دهد که چگونه این شورا با در نظر گرفتن خواسته ها و تمایلات عراق و بی اعتنایی به حداقل خواسته های به حق ایران، زمینه های برتری عراق را در جنگ فراهم می آورد. اصرار ایران بر حداقل شرایط خود در کلیه زمینه ها تا قبل از قطعنامه ۵۹۸، بی توجهی نظام بین الملل را به دنبال داشت، اما به محض آن که دنیا متوجه برتری نظامی ایران در جنگ به ویژه در عملیات تصرف فاو ↲

افزایش انزوای سیاسی و استراتژیک ایران گردید. این امر در توان ادامه جنگ ایران اثر منفی گذاشت. ایران نکته مهمی را که دائماً به اثبات رسیده، فراموش کرد و آن این که گاهی برخی از جنگ ها حتی با انهدام توان نظامی (دشمن) به پایان نمی رسند، در مقابل، مجموعه ای از عوامل سیاسی و نظامی می توانند توان ادامه جنگ را از دشمن بگیرند. ایران در به کارگیری امکانات و توان های خود نیز به خوبی عمل نکرد و نکوشید تا مطابق روند جنگ، به دگرگونی و تحول و پیشرفت این امکانات بپردازد. فرماندهی نظامی ایران به تئوری نبرد مشترک (بین نیرویی) اعتقاد و ایمان نداشت و باور نمی کرد که "آموزش کافی و خوب" می تواند جای خون مصرف شود، به همین دلیل جوانان خود را پس از دیدن آموزش های دو هفته ای، روانه نبرد می کرد، بدین گمان که شور انقلابی می تواند جای تجربه نظامی را بگیرد. [۱]

سیر جنگ در سال ۱۹۸۸

در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۸ (۲۵ دی ۱۳۶۶) ایران حمله دیگری را آغاز کرد که نام بیت‌المقدس ۲ بر آن گذاشت.

این عملیات در منطقه مرزی ماووت در جبهه شمالی سلیمانیه صورت گرفت؛ منطقه ای که ایران از بهار ۱۹۸۷ در آن حضور عملیاتی داشت. ایران در پی این نبرد اعلام کرد که ۴۲ کیلومتر مربع شامل ۱۱ تپه و ۲۹ قله کوهستانی را به تصرف درآورده است؛ ۳۵۰۰ تن از

و شلمچه (عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵) شد. به این خواسته ها توجه کرد و بندهایی نظیر "شناسایی متجاوز" و " پرداخت غرامت" را در قطعنامه ۵۹۸ گنجانید. اما این نیز نمی توانست حداقل پاداش ایران در سرکوب تجاوزات عراق باشد. با این همه، مسئولان جمهوری اسلامی ایران این قطعنامه را رد نکردند و تنها خواستار جا به جایی در برخی بندها و مواد آن شدند.

۱ - در ابتدای جنگ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی بسیج براساس ضرورت انقلابی وارد عرصه جنگ شدند، از همان زمان، آموزش یکی از شروط اصلی ورود نیروهای مردمی به جنگ محسوب می شد که به دلیل وخامت اوضاع، مدت این آموزش ها کوتاه بود. اما با گذشت زمان و کسب تجارب ارزشمند در مسائل نظامی، همه نیروهای شرکت کننده در جنگ می بایست دوره های آموزش های عمومی و تخصصی را در کلیه رسته های نظامی می گذراندند و از این طریق مجوز حضور در میدان نبرد را به دست می‌آوردند. مدت آموزش عمومی نیروهای مردمی برای ورود به جنگ حداقل یک ماه و مدت زمان آموزش های تخصصی حداقل سه ماه پیش بینی شده بود که به صورت یک ضابطه و قانون اعمال می شد. نیروهای مردمی پس از گذراندن آموزش های عمومی و تخصصی، در قالب یگان های عمل کننده حداقل سه مانور (رزمایش) عملیاتی را برگزار می کردند تا آماده شرکت در عملیات شوند. بنابراین، فرماندهان نیروهای نظامی هیچ گاه مایل به استفاده از خون به جای آموزش نبودند و این توهمی است که بسیاری از ناظران خارجی از جمله نویسنده این کتاب به صورت ناخودآگاه گرفتار آن شده اند و شاید تبلیغات سوء و منفی در این زمینه را بتوان عامل بروز چنین برداشت های غیرواقعی دانست.

عراقی ها کشته یا زخمی و ۷۵۰ تن نیز اسیر شده اند. اما عراق ادعاهای ایران را تکذیب کرد. این منطقه برای ایران اهمیت استراتژیک داشت و به او کمک می کرد تا برای عملیات آینده خود در جبهه شمالی اوضاع بهتری داشته باشد و همچنین توان کمک رسانی ایران به انقلابیون کرد را نیز افزایش می داد.

در جنگ هوایی، عراق حمله به کشتی ها و سایر اهداف مثل سدها، پل ها، پالایشگاه‌ها را در طول ماه های دسامبر، ژانویه و مارس (بهمن و اسفند) [1]

---

۱ - منبع: «جنگ عراق و ایران»، عبدالحلیم ابوغزاله، ترجمه نادر نوروزشاد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰.

متن کامل گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد

متن کامل گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد سفر خود به ایران و عراق که در ۲۵ مرداد ۱۳۶۶ برای مشورت در اختیار شورای امنیت قرار گرفت، به این شرح است:

۱ ـ در چهارم سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی [۱۳ شهریور ۱۳۶۶]، اعضای شورای امنیت موافقت نمودند که من دعوت جمهوری اسلامی ایران را جهت دیدار از این کشور پذیرفته و شرایط انجام این دیدار را مشخص کنم، اعضای شورا سپس در جریان قصد من به سفر به بغداد قرار گرفتند و به آن توجه نمودند.

۲ ـ در تاریخ ۱۲ و ۱۳ سپتامبر[۲۱ و ۲۲ شهریور] در تهران و در تاریخ ۱۴ و ۱۵ سپتامبر [۲۳ و ۲۴ شهریور] در بغداد، مذاکراتی انجام دادم. در تهران به ترتیب با آقای علی اکبر ولایتی وزیر خارجه و معاون ایشان آقای [محمدجواد] لاریجانی، با آقای میر حسین موسوی نخست وزیر، پرزیدنت [آیت الله] سید علی خامنه‌ای و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ملاقات صورت گرفت و در بغداد با آقای طارق عزیز وزیر خارجه و دیگر مشاوران بلند پایه و پرزیدنت صدام حسین، ملاقات هایی داشتم و از آنان خواستم جهت حصول توافق نسبت به اجرای هر یک از مواد قطعنامه، آن را به صورت همه جانبه مورد توجه قرار دهند.

۳ ـ رئوس طرح اجرایی شامل مواد زیر خواهد بود:

الف ـ از تاریخ مشخصی که در مورد آن توافق خواهد شد و در مذاکرات از آن به عنوان "روز مورد نظر" یاد خواهد شد، آتش بس اجرا خواهد شد.

ب ـ در تاریخ مشخص پس از "روز مورد نظر" ـ که بایستی در مورد آن توافق به عمل آید ـ عقب نشینی کلیه نیروها به مرزهای به رسمیت شناخته شده بین المللی آغاز می‌شود و در چارچوب مدت زمانی که در مورد آن توافق به عمل خواهد آمد، عقب نشینی تکمیل خواهد گردید.

ج ـ در "روز مورد نظر" هیأتی از صاحب نظران سازمان ملل جهت تایید و نظارت بر آتش بس و متعاقباً عقب نشینی کلیه نیروها، اعزام خواهند گردید.

د ـ در "روز مورد نظر" و یا پس از آن در تاریخی که در مورد آن توافق خواهد شد، کار آزاد نمودن اسرای جنگی آغاز خواهد شد و اسرا به موجب کنوانسیون سوم ژنو مصوب سال ۱۹۴۹ به کشور مقابل باز گردانده می شوند.

هـ ـ در "روز مورد نظر" مذاکرات من با ایران و عراق آغاز می شود تا بتوان در مورد کلیه مسائل عمده مورد قبول دو طرف، به یک راه حل شرافتمندانه، عادلانه و جامع دست یافت.

و ـ در "روز مورد نظر" و یا روز دیگری که مورد توافق قرار می گیرد، یک هیأت بی طرف تحقیقات خود را در رابطه با مسئولیت درگیری ها کار خود را آغاز خواهد کرد.

ز ـ در روز پس از "روز مورد نظر" که در مورد آن توافق خواهد شد، من [دبیر کل] هیأتی از کارشناسان را جهت بررسی و مطالعه موضوع بازسازی اعزام خواهم کرد.

ک ـ در "روز مورد نظر" و یا تاریخی که در مورد آن توافق به عمل خواهد آمد، جهت تأمین امنیت و ثبات منطقه و اتخاذ تدابیری در این رابطه، من مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورها را آغاز خواهم کرد.

۴ ـ من سپس به دو دولت ایران و عراق پیشنهاد کردم که پس از حصول توافق نسبت به رئوس طرح اجرای قطعنامه، ضروری است که در مورد تعیین "روز مورد نظر" توافق به عمل آید و لازم است که در پی آن، جهت تهیه مقدمات مربوط به اجرای هر یک از تدابیر مورد نظر، مذاکراتی انجام گیرد و ضروری است که این مذاکرات تا "روز مورد نظر" خاتمه یافته باشد.

من پیشنهاد کردم چنانچه در مورد برخی از مقدمه چینی های لازم، توافقی به عمل نیاید، طرفین تصمیمات دبیر کل را در آن چارچوب محترم بشمرند.

۵ ـ در آغاز مذاکرات در تهران، مقام های ایرانی تایید کردند نقطه آغاز مذاکرات به صورت یک اصل کلی که آتش بس را به عنوان گام نخست در بر می گیرد، در نیویورک مورد موافقت آنان قرار گرفته است. لازم به تذکر است که در جریان این مذاکرات، مقامات ایرانی هیچ گونه اشاره ای به رد هیچ یک از مواد قطعنامه نداشتند. این مذاکرات کلیه مسائل مربوط به اجرای قطعنامه در طرح پیشنهادی شماره یک را در بر می گرفت.

۶ ـ در طول مذاکرات، ایرانی هایی که طرف مذاکره با من بودند، بر این نکته پافشاری می کردند که هدف می بایست برقراری صلح بر اساس عدالت باشد تا تداوم آن را تضمین کند. آنان تأکید داشتند که جامعه بین المللی بایستی اذعان کند که تحقیق پیرامون مسئولیت درگیری ها، در هرگونه تلاش جهت دستیابی به راه حلی مسالمت آمیز باید از بالاترین اولویت برخوردار باشد. آنان تأکید داشتند که به این ترتیب کلید دستیابی به صلح، برقرار نمودن ارتباط بین مسئله آتش‌بس و تحقیقات بیطرفانه است. در مذاکرات با مقامات ایرانی، ساعاتی طولانی صرف این مسئله گردید.

۷ ـ درک من از موضع جمهوری اسلامی ایران پس از مذاکره با کلیه طرف‌های ایرانی در تهران را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف ـ ایران اجرای قطعنامه ۵۹۸ را بر اساس برخوردی کامل و همه جانبه که آتش بس را به عنوان اولین گام در برمی گیرد، قبول کرده است.

ب ـ با این حال، ایران تأکید دارد که بین مسئله آتش بس و مشخص نمودن مسئول آغاز درگیری ها، ارتباط برقرار گردد. فرآیند تعیین طرف مسئول آغاز درگیری ها، باید قبل از برقراری آتش بس رسمی انجام پذیرد.

ج ـ بنابراین، ایران حاضر به قبول یک طرح اجرایی است که بر اساس آن، اعلام طرف مسئول آغاز درگیری ها و شروع آتش بس رسمی هم زمان انجام پذیرد.

۸ ـ من ضمناً چنین استنباط کردم که اگر چنین برخوردی با قضیه از سوی هر دو طرف مورد قبول قرار گیرد، قطع اعلام نشده خصومت ها(آتش بس غیر رسمی) در جریان فرآیند تعیین مسئول آغاز درگیری ها، به مورد اجرا در خواهد آمد و حین تعیین مسئول آغاز درگیری ها، آتش بس رسمی جایگزین آتش بس غیر رسمی خواهد شد.

۹ ـ فکر می کنم که اضافه نمودن این نکته ضروری باشد که در جریان کلیه مذاکراتم در رابطه با مسئله تعیین مسئولیت آغاز درگیری ها، کلیه طرف های ایرانی مورد مذاکره ابراز اطمینان می کردند که فرآیند مذکور، ادعای آنان را در این زمینه به اثبات خواهد رسانید. طرف های ایرانی در مذاکرات خود، لزوم تعیین مسئولیت آغاز درگیری ها، داوری، مجازات و پرداخت خسارات را مورد تأکید قرار می دادند.

۱۰ ـ مقامات عراقی در بغداد با دریافت و بررسی رئوس طرح اجرای قطعنامه، این نظریه را یاد آور شدند که رئوس طرح پیشنهادی هماهنگ و مطابق با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت می باشد. مقامات عراقی تصریح کردند که این کشور آماده است قطعنامه ۵۹۸ را به صورت همه جانبه به اجرا درآورده و همچنین آماده است با من و با شورای امنیت در این راه همکاری نماید. مقامات عراقی در این رابطه به نامه مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۷ معاون نخست وزیر این کشور به عنوان من، که در آن به تشریح موضع عراق پرداخته بود، اشاره کردند.

۱۱ ـ مقامات عراقی کراراً تأکید کردند که این کشور معتقد است مفاد گوناگون این قطعنامه، بایستی با توجه به تسلسل این مفاد در قطعنامه به مورد اجرا گذارده شود. عراق بر این عقیده است که اگر موضع ایران مبتنی بر اجرای پاراگراف شش قطعنامه قبل از اعلام آتش بس باشد، به مثابه رد آشکار قطعنامه تلقی می گردد.

مقامات عراقی با جزئیات، دلایل این نظریه خود را برای من تشریح کردند. یک نکته مهم که عراق به ویژه بر آن تأکید می ورزد، این است که عراق بدون هیچ گونه شرطی یک صلح اعلام نشده را می پذیرد. آنها همچنین تأکید کردند که عقب نشینی کلیه نیروها بایستی بدون درنگ، پس از اعلام آتش بس انجام گیرد.

۱۲ ـ مقامات عراقی تأکید کردند، این کشور با تشکیل یک هیأت بی طرف جهت بررسی پیرامون تعیین مسئول آغاز جنگ مخالف نیست. آنها در همین رابطه یادآور شدند که عراق از سال ۱۹۸۱ تمایل خود را نسبت به انجام تحقیقات پیرامون تشخیص آغازگر جنگ نشان داده است که این تمایل نخستین بار طی موافقت با پیشنهاد ایران مبنی بر تشکیل یک کمیسیون تحقیق و انجام گفت وگو با عراق از طریق رئیس هیأت سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و سپس با ارائه و تصریح پیشنهادهای خود در مورد انجام چنین روشی، نشان داده شد.

۱۳ ـ در رابطه با اجرای پاراگراف شش قطعنامه ۵۹۸، مقامات عراقی چنین اظهار نظر می کردند که هیأت بی طرف، باید ماهیتاً قضایی باشد، تا بتواند جنبه‌های حقوقی و مشخصاً مسئولیت درگیری‌ها را تعیین کند. علاوه بر این، عراق معتقد است که تعیین مسئولیت از جنبه های قضایی، بهترین تضمین کننده حقوق و منافع طرفین متخاصم خواهد بود.

۱۴ ـ تلاش نموده ام که اعضای شورای امنیت را از واقعیت های مربوط به مواضع اعلام شده از سوی دو دولت ایران و عراق در چارچوب مأموریتی که توسط شورا قبل از عزیمت به عهده من واگذار گردیده بود، آگاه نمایم. احتیاجی به گفتن این نکته نیست که هرگاه در رابطه با تفسیر و تعبیر قطعنامه، مسئله‌ای بروز کرده است، من ترجیح داده ام که شورای امنیت در مورد مسئله مذکور تصمیم گیری کند.

۱۵ ـ در پایان تنها نکته ای که ضروری می دانم یادآوری کنم، این است که هر دو دولت از مأموریت اینجانب استقبال کردند و کلیه مذاکرات در محیطی دوستانه و جوی جدی صورت گرفت و هر دو دولت نسبت به تلاش‌های اینجانب ابراز اعتماد نمودند و هر دو دولت از جنبه دیدگاه های متفاوت خود، بر این اعتقاد بودند که بیشترین توانایی برای خاتمه بخشیدن به جنگ را سازمان ملل در اختیار دارد.

خاویر پرز دکوئیار
دبیر کل سازمان ملل متحد

متن کامل

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل

با تایید مجدد قطعنامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ خود؛

با ابراز نگرانی عمیق از اینکه علی‌رغم درخواست هایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق به شدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد.

با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیر نظامی، حملات به کشتیرانی بی طرف یا هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی بر خلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو؛

با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازغه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد.

معتقد گردید که باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید؛ با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه تعهد همه دول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد؛

با حکم به اینکه در منازعه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است؛

با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد،

۱ - خواستار آن است که به عنوان قدم اولیه جهت حل و فصل(مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده، به تمام عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲ - از دبیرکل درخواست می کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تایید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳ - مصرانه می خواهد اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴ - از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای قطعنامه و در تلاش های میانجی گرایانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵ - از تمام کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قعطنامه را تسهیل نمایند.

۶ - از دبیرکل درخواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق،مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده، در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

۷ - ایجاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش های بازسازی با کمک‌های مناسب بین ا لمللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می کند که یک هیأت کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت، تعیین نماید.

۸ - همچنین از دبیرکل درخواست می کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راه های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مداقه قرار دهد.

۹ - از دبیرکل درخواست می کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.

۱۰ - مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه، در صورت ضرورت جلسات دیگری مجدداً تشکیل دهد.



UNITED NATIONS
BACKGROUNDER

Security Council Resolution 598 (1987) of 20 July 1987

The Security Council ,
Reaffirming its resolution 582(1986),
Deeply concerned that,despite its calls for a cease-fire,the conflict between the Islamic Republic of Iran and Iraq continues unabated, with further heavy loss of human life and material destruction,
Deploring the initiaion and continuation of the conflict,
Deploring also the bombing of purely civilian population centres, attacks on neutral shipping or civilian aircraft, the violation of international humanitarian law and other laws of armed conflict, and, inparticular, the use of chemical weapons contrary to obligations under the 1925 Geneva Protocol,
Deeply concerned that further escalation and widening of the conflict may take place,
Determined to bring to an end all military actions between Iran and Iraq,
Convinced that a comprehensive, just, honourable settlement should be achieved between Iran and Iraq,
Recalling the provisions of the Charter of the United Nations and in particular the obligation of all Member States to settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security and justice are not endangered,
Determining that there exists a breach of the peace as regards the conflict between Iran and Iraq,
Acting under Articles 39 and 40 of the Charer,
1. Demands that , as a first step towards a negotiated settlement, the Islamic Republic of Iran and Iraq observe an immediate cease-fire, discontinue all military actions on land, at sea and in the air, and withdraw all forces to the internationally recognized Boundaries without delay ;
2. Requests the Secretary - General to dispatch a team of United Nations observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal and further requests the Secretary - General to make the necessary arrangements in consultation with the Parties and to submit a report thereon to the Security Council ;
3. Urges that prisoners-of-war be released and repatriated without delay after the cessation of active hostilities in accordance with the Third Geneva Convention of 12 August 1949 ;
4.Calls upon Iran and Iraq to co-operate with the Secretary - General in implementing this resolution and in mediation efforts to achieve a comprehensive, just and honourable settlement , acceptable to both sides , of all outstanding issues , in accordance with the principles contained in the CHarter of the United Nations ;
5. Calls upon all other States to exercise the atmost restraint and to refrain from any act which may lead to further escalation and widening of the conflict, and thus to facilitate the implementation of the present resolution ;
6. Requests the Secretary - General to explore , in consultation with Iran and Iraq , the question of entrusting an impartial body with inquiring into responsibility for the conflict and to report to the Council as soon as possible ;
7. Recognizes the magnitude of the damage inflicted during the conflict and the need for reconstruction efforts, with appropriate international assistance, once the conflict is ended and , in this regard, requests the Secretary - General to assign a team of experts to study the question of reconstruction and to report to the Council ;
8. Further requests the Secretary - General to examine , in consultation with Iran and Iraq and with other States of the region, measures to enhance the security and stability of the region ;
9. Requests the Secretary - General to keep the Council informed on the implementation of this resolution ;
10. Decides to meet again as necessary to consider further steps to Ensure compliance with this resolution.

United Nation Department of Public Information

تصویر قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد

رئوس مهم سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای

در مجمع عمومی سازمان ملل

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم

خداوندا بنام تو آغاز می کنم و از تو هدایت و کمک می‌طلبم. زندگی و مرگ و نیاز و نیایش من متعلق به توست؛ تو خود روشنی و گیرایی سخن حق را به گفته‌هایم ببخش، و آن را پیک حقیقت بسوی صدها میلیون گوش و دلی قرار ده که هم اکنون ملتهبانه آن را می‌طلبند، و بسوی صدها برابر که در آینده چنین خواهند بود.

بارالها! درودی سپاسگزارانه از سوی من و ملتم به روان پیامبران بزرگ به ویژه ابراهیم و موسی و عیسی و محمّد صلوات‌اللّه‌علیهم بفرست؛ که پیام رهایی و آگاهی انسان را به بهای جان و با همه‌ی توان در جهان پراکندند و ابدی ساختند. و سلامی تکریم‌آمیز به دلهای پاک و روشن که آن پیام را نیوشیدند، به ویژه آنان که بر سر آن جان باختند. آقای رئیس، آقای دبیر کل، حضار محترم، من رئیس جمهور کشوری هستم که در یکی از بلندترین و حساسترین دورانهای تاریخ مهد تمدن و کانون فرهنگ بشریت بوده است، و اکنون نیز قلمرو نظامی است که بر همان پیشینه‌ی استوار بنا شده، و به پشتوانه‌ی فرهنگی بی‌نظیر آن - که اکنون به برکت بیداری اسلامی غنای بیشتری یافته - تکیه کرده است.

من از ایران می‌آیم، که زادگاه پرآوازه‌ترین و درعین‌حال ناشناخته‌ترین انقلابهای دوران معاصر است. انقلابی بر پایه‌ی دین خدا و در امتداد راه پیامبران و مصلحان بزرگ الهی؛

راهی به درازای همه‌ی تاریخ بشر. ریشه‌ی استوار و اندیشه‌ی زیربنائی این انقلاب جهان‌بینی توحیدی اسلام است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه‌ی علائقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او - جهان، انسانها، اشیاء - مرتبط می‌کند، و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و خلاصه همه‌ی چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می‌سازد، و آن را بر اداره‌ی مطلوب خود قادر می‌کند، همه و همه از این جهان‌بینی الهی ریشه و مایه می‌گیرد و منشعب می‌شود. در اندیشه‌ی الهی اسلام همه‌ی هستی آفریده‌ی خداست و جلوه‌گاه علم و قدرت او و پوینده بسوی اوست، و انسان برترین آفریده و جانشین اوست.

... قدرت‌های بزرگ ریاکارانه این جنگ را - که بر ما تحمیل شده - بی‌معنا می‌نامند و این در حالی است که خود همواره از آغازگر متجاوز آن حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی کرده‌اند. شک نیست که به راه انداختن چنین جنگی همواره بی‌معناست، ولی آنان تا وقتی هنوز متجاوز از دست یافتن به هدف‌های شومش مأیوس نشده بود چنین تعبیری نمی‌کردند. اما امروز این جنگ برای ملت ما دارای معنایی بسیار مهم است. کوشش مجاهدت‌آمیز و فداکارانه برای سوزاندن ریشه‌ی تجاوز و اثبات این‌که یک ملت قادر است که علی‌رغم خواست قدرت‌های بزرگ از انقلاب و ثبات و شرف خود دفاع کند. ملت ما با فداکاری و ایثار خود در حال شکستن و ابطال معادله‌ای است که همیشه مشوق تجاوز و جنگ بوده است، و آن معادله این است که تکیه بر سلاح پیشرفته و تکیه بر حمایت قدرتها تضمین کننده موفقیت است. ملت ایران در مدت این هفت سال پاسخ به سؤال بزرگی را جستجو کرده است.

من مایلم از این تریبون آن سؤال را مطرح کنم. سؤال این است، که چرا دولت‌هایی که به روشنی و قاطعیت دانسته‌اند که رژیم عراق برافروزنده آتش جنگ و اقدام کننده به تجاوز است - و کم نیستند کسانی که این حقیقت را می‌دانند - چرا در مقابل این جرم بزرگ و گناه بین‌المللی سکوت کرده‌اند؟ و چرا رسانه‌های گروهی عالم مسؤولیت عظیم خود در برابر وجدان بشریت و استیضاح تاریخ را در این مورد به فراموشی سپرده‌اند؟ ممکن است آشنایی به وضع رابطه سیاسی در دنیای امروز و هندسه معیوبی که سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ در روابط جهانی به وجود آورده کلید حل این معما باشد، و این از نظر ملت ما پوشیده نیست.

اما سؤالی که هیچ پاسخ قانع کننده‌ای برای آن نمی‌توان یافت این است که چرا شورای امنیت سازمان ملل، ارگانی که اساساً برای مقابله با تجاوز و تأمین امنیت بین‌المللی به وجود آمده، در قبال این تجاوز به کلی وظیفه خود را از یاد برد و حتی ضد آن عمل کرد؟ خوب است همه بدانند که شورای امنیت در شروع حمله عراق - که در جبهه‌ای به عرض هزار کیلومتر واقع شد - هیچ عکس‌العملی نشان نداد. ارتش عراق ظرف یک هفته مرزهای بین‌المللی را درنوردید، و در برخی از نقاط تا عمق هفتاد،هشتاد و نود کیلومتر پیش رفت، و در آن مستقر شد، و چنانکه برخی از سران عراق گفتند، با این نیت که هرگز از آن خارج نخواهد شد. تنها پس از این بود که اولین قطعنامه شورای امنیت صادر شد. - ۲۸ سپتامبر، ۱۹۸۰ - این قطعنامه نه به تجاوز اشاره کرد، نه به اشغال و نه بازگشت به مرزهای بین‌المللی را لازم شمرد؛ بلکه به جای این همه با کمال تعجب طرفین را به عدم توسل بیشتر به زور دعوت کرد. این عبارت در حقیقت از آنچه تا آن روز توسط قوای قهریه عراق تصرف شده بود چشم‌پوشی می‌کرد، و فقط از او می‌خواست بیش از آن پیشروی نکنند، و از ایران نیز می‌خواست که از جنگ برای عقب راندن متجاوز خودداری کند.

این اولین اقدام شورای امنیت بود، که در آن وظایف اصلی شورا - یعنی نگاهبانی از صلح و امنیت بین‌المللی به شکل زشت و تأسف‌انگیزی - بوسیله خود آن شورا پایمال می‌شد. پس از آن شورای امنیت را سکوتی مرگبار فرا گرفت، و تا آزادی خرمشهر - عملیاتی که در آن ستون فقرات نیروهای اشغالگر شکست، و هزاران نفر از آنان به وضع ذلت‌باری اسیر شدند - جنگ خونین و مستمری را که خبرهای آن در صدر اخبار جهان بود فراموش کرد. در این مدت قهرمانی‌های ملت ما و شکل گیری نیروهای رزمنده ما، سر بر آوردن یک نیروهای جوان، انقلابی و تعیین کننده را در منطقه خبر می‌داد، و قدرت‌های جهانی را از دست یافتن به هدف‌های شومی که در حمله‌ی عراق به ایران جستجو می‌کردند به کلی مأیوس ساخت. این بود که بار دیگر شورای امنیت به یاد جنگ ایران و عراق افتاد. چند هفته پس از فتح خرمشهر دومین قطعنامه شورا صادر شد؛ ۱۲ ژوئیه، ۱۹۸۲. این قطعنامه بازگشت به مرزهای بین‌المللی را درخواست می‌کرد. یعنی چیزی که بخش اعظم آن با فداکاری ملت ما و با شجاعت بی‌نظیر رزمندگان ما خود حاصل شده بود. در این قطعنامه نیز نه سخنی از تجاوز، نه نامی از متجاوز، نه یادی از خسارت‌ها و چاره‌ای برای جبران آن و نه بالأخره تضمینی برای امنیت و ثبات حقیقی و تنبیهی برای عامل ناامنی وجود نداشت.

بار دیگر ما خود را در تلاش برای احقاق حق خود تنها یافتیم. تا امروز شورای امنیت همواره در مورد جنگی که بر ما تحمیل شده با همین روش موضع گرفته است.
ابتکارات مستقل دبیرکل می‌رفت تا راه‌گشا شود، و سازمان ملل را در وصول به هدف‌های خود کمک کند، ولی از این امکان بهره‌ای گرفته نشد. من در این‌جا لازم می‌دانم خوشنودی خودمان را از تلاش‌های ایشان ابراز دارم؛ و همچنین از نخست‌وزیر فقید سوئد آقای اولاف پالمه - که در سمت نمایندگی دبیرکل تلاش‌های دلسوزانه‌ای کرد - به نیکی یاد کنم. سفر دبیرکل به تهران و مذاکرات سودمندی که پیرامون قطعنامه‌ی ۵۹۸ انجام شد نیز گام دیگری در این راه بود. ما آن مذاکرات را چنانکه گویا گزارش دبیرکل به شورای امنیت نیز از آن حکایت می‌کند واقع‌بینانه و راه‌گشا ارزیابی می‌کنیم. با کمال تأسف احساس می‌شود که برخی از اعضای مؤثر شورای امنیت مایلند این حقیقت را مکتوم بدارند. آنها همان کسانی هستند که از آغاز تلاش خود برای تصویب این قطعنامه را به انگیزه‌ی فشار بر جمهوری اسلامی جهت دادند.
ما نقطه نظرهای صریح خود را در این باب به دبیرکل منتقل کرده‌ایم، و انتظار داریم شورای امنیت بنا به وظیفه‌ی خود از امکانی که به وی ارائه شده به درستی استفاده کند. آیا شورای امنیت برای تخلف از اولین وظیفه‌ی خود- یعنی مقابله با تجاوز که در ماده‌ی اول منشور از همه‌ی هدف‌های دیگر ارجح شمرده شده - استدلالی دارد؟ آیا برای مقابله با تهدید صلح و نقض صلح و توسل به زور مفاد مواد فصل هفتم چقدر عراق را تحت فشار گذارده است؟ بی‌طرفی کمترین چیزی است که جمهوری اسلامی - که خود قربانی تجاوزگری خونین و خسارت‌بار قرار گرفته - می‌تواند از شورای امنیت انتظار داشته باشد. زیرا وظیفه آن شورا مقابله با تجاوز و حمایت از قربانی تجاوز است، و نه بی‌طرفی میان این دو؛ اما آیا شورای امنیت می‌تواند ادعا کند که در این رابطه حتی بی‌طرف بوده است؟ احساس ما این است که شورای امنیت تحت تأثیر خواست و اراده برخی از قدرتهای بزرگ - مخصوصاً امریکا - در موضعی چنین ناشایسته و محکوم شونده قرار گرفته است. در این صورت باید گفت بنای امنیتی که به پشتیبانی چنین شورای امنیتی نهاده شده، کاخی پرزرق و برق از مقواست. ملت‌ها - مخصوصاً ملت‌های جهان سوم و به ویژه آنان که مایلند کاملاً مستقل از ابرقدرت‌ها زندگی کنند - هرگز نمی‌توانند تضمین امنیت خود را از این شورای امنیت بخواهند. خودداری از محکوم کردن عراق به عنوان متجاوز آتش جنگ



تحمیلی را مشتعل نگاه داشته و حتی گسترش داده است. اکنون خلیج‌فارس به خاطر حضور نظامی امریکا و دیگر کشورهایی که به دنبال شیطان بزرگ و بنا به اصرار و فشار او وارد منطقه شده‌اند تبدیل به انبار باروتی خطرناک شده است.

من لازم می‌دانم مجمع عمومی سازمان ملل و نیز افکار عمومی ملت امریکا را به خطر بسیار بزرگ و بسیار نزدیکی که اکنون رژیم امریکا با اقدام اخیر خود در خلیج‌فارس همه دنیا را - و نه فقط منطقه را - با آن تهدید می کند، معطوف سازم. دیروز ناوهای امریکائی یک کشتی تجاری ایرانی به نام ایران‌اجر را مورد حمله قرار داد. پنج نفر کشته، چهار مجروح به جای نهاد؛ کشتی را تصرف و تعدادی را دستگیر کرد و به گروگان گرفت. دیروز تلویزیون امریکا این را به عنوان زدن یک قایق در حال مین‌ریزی پخش کرد، و طبق معمول به افکار عمومی دنیا دروغ گفت. اما من اینک اعلام می کنم که این یک کشتی تجاری و موسوم به ایران‌اجر بوده است، و نه یک قایق تندرو جنگی. این آغازی است برای حوادثی که بی‌شک عواقب تلخ آن به خلیج‌فارس منحصر نخواهد ماند، و مسؤولیت همه پیشامدهای بعدی به عهده شروع کننده یعنی آمریکاست. آیا ادعاهای بی‌تابانه آمریکا برای صلح در خلیج‌فارس را باید باور کرد؟ یا این آتش‌افروزی عملی و آشکار را؟ من صریحاً اعلام می کنم که آمریکا پاسخ این اقدام زشت را دریافت خواهد کرد.

این تنها یکی از دنباله‌های شوم جنگ تحمیلی و نتیجه‌ی ناتوانی شورای امنیت در مقابله با تجاوز عراق است. اگر شورای امنیت عراق را به خاطر شروع جنگ تحمیلی و سپس شروع جنگ شهرها و آنگاه شروع جنگ کشتی‌ها محکوم می کرد، امروز امریکا نمی‌توانست علی‌رغم فشار افکار عمومی جهان و حتی داخل آمریکا دست به چنین تهدید آشکاری علیه صلح و امنیت جهانی بزنند؛ آن هم بلافاصله و علی‌رغم قطعنامه ۵۹۸ که خود عامل اصلی برای تهیه و صدور آن بود. آیا قطعنامه ۵۹۸ فقط برای فشار بر جمهوری اسلامی تهیه شده است؟ من باید به همه جهان و مخصوصاً به ملت بزرگ آمریکا اعلام کنم، که حضور نظامی تهدید کننده آمریکا در خلیج‌فارس تنها یکی از خصومت‌های آشکار رژیم ایالات متحده با ملت ماست.

گزارشی از ماجرای مک‌فارلین [1]

ماجرای مک‌فارلین تاکنون از ابعاد گوناگون بررسی و نقد شده است و جریان‌های مختلف سیاسی کوشیده‌اند از دید خود آن را تحلیل کنند. به طور کلی، بررسی‌ها و تحلیل های گوناگون درباره این ماجرا را به ویژه در ایران می توان به شرح ذیل، تقسیم کرد:

الف. برخی تحلیل گران هدف نهایی دولت آمریکا را از فروش سلاح و سفر مک‌فارلین به ایران، تضعیف وجهه ضدآمریکایی یا ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی در جهان می‌دانند و استدلال می کنند که آمریکا همواره کوشیده است با جاذبه ضدامپریالیستی جنبش ها و کشورهای مخالف ایالات متحده مبارزه کند و ضمن محدود کردن اولیه، آنها را از اهداف انقلابی‌شان به تدریج منحرف کند. این تحلیل گران به نمونه‌هایی از قبیل شروع رابطه با چین در زمان مائو با دیپلماسی پنهان یا برقراری رابطه با مصر در زمان ناصر استناد می کنند. این گروه اظهار می‌دارند شکی نیست که اگر دیپلماسی مخفی آمریکا در این ماجرا موفق می‌شد، این امر توفیقی برای دیپلماسی آمریکا به حساب می آمد. زیرا این گروه عملیات یادشده را فرایندی برای برقراری رابطه پنهان با یک نظام انقلابی جهت استحاله تدریجی آن می دانند. این دسته با اشاره به سیاست چماق و هویج، یادآور می شوند استراتژیست های آمریکایی با توجه به اینکه تهاجم سیاسی ـ نظامی آمریکا علیه انقلاب

۱ـ این مطلب، پیشگفتار کتاب" ماجرای مک‌فارلین، فروش سلاح ـ آزادی گروگان‌ها "نوشته محسن هاشمی و حبیب‌الله حمیدی می‌باشد که توسط دفترنشرمعارف‌انقلاب در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است .

اسلامی به اندازه کافی مردم و مسئولان را واقع بین کرده بود، به دیپلماسی پنهان روی آوردند. بنابراین نسبت به یک دیپلماسی مخفی که به برقراری پلی بین تهران و واشنگتن بیانجامد، خوشبین نبودند و افشای به موقع معامله اسلحه با ایران را به سود انقلاب اسلامی دانسته‌اند.

ب. گروه دوم، آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را هدف اصلی عملیات کاخ سفید دانسته و عنوان می دارند که آمریکایی ها از گروگان گرفته شدن دیپلمات‌ها و نیروهای برجسته اطلاعاتی خود در خاورمیانه به ویژه در بیروت، صدمه روحی و روانی سختی خورده بودند. همچنین آزادی گروگان‌ها برای تبلیغات انتخاباتی و حیثیت دستگاه های اطلاعاتی آمریکا اهمیت ویژه داشت. از این رو به انجام عملیات سری فروش سلاح در برابر آزادی گروگان‌ها حاضر شدند. این گروه از استدلال گران به دلیل نیاز ایران به سلاح های پیشرفته آمریکایی برای ایجاد تغییر موازنه نیروها در جنگ تحمیلی با عراق افشای این عملیات را در آن برهه از زمان به سود ایران نمی‌دانند.

ج. گروه سوم، این موضوع را چنین تحلیل می کنند که دلالان اسلحه و آمریکایی ها در آغاز با شیوه‌ای فریبکارانه با ارسال سلاح‌های کهنه و از رده خارج، کوشیدند آزادی گروگان ها را در برابر کالاهایی کم ارزش محقق سازند؛ اما با هوشیاری متخصصان نظامی و مسئولان ایران در فهم موضوع و با تعمیر و قابل استفاده کردن بخشی از سلاح‌ها و یا برگرداندن بخشی دیگر و دریافت سلاح نو، این بخش از عملیات نیز به نفع ایران تغییر مسیر یافت.

این گروه از تحلیل گران برای اثبات نظر خود چنین استدلال می کنند آمریکایی‌ها با کمک دلالان اسلحه، موشک‌های انباری در کشور ثالث را با قیمت‌های بالاتری به ایران فروخته و از درآمد آن برای هدف دیگری، که رساندن نقدینگی به مخالفان ساندنیست ها در نیکاراگوئه یعنی کنتراها بود، استفاده کردند و در معامله خود با ایران نیز صادق نبودند. هر چند که برای موفق نمودن پروژه خود مجبور به استفاده از الفاظ و ژست های غیر صادقانه نیز بودند.

ورای نظریه های فوق هر چند به طور قطعی هم نمی توان احتمال علاقه آمریکا را به تغییر سیاست خود در مقابله با ایران از زاویه منافع استعماری اش رد کرد، در نهایت آنچه رخ داد، شکست سیاست آمریکا و موفقیت ایران بود که با دریافت بخشی از نیازهای خیلی



ضروری دفاعی خود، به هدف انسانی‌اش در مورد آزادی تعدادی از گروگان‌ها نیز نائل آمد. زیرا با توجه به افشای ماجرا، امکان بهره گیری مناسب برای دولت آمریکا از این ماجرا مهیا نشد و نتیجه کاملاً به زیان برنامه‌ریزان آن شد، در ضمن سفر مک‌فارلین به ایران نه تنها به آزادی گروگان‌ها و برقراری رابطه با ایران نینجامید، بلکه افشای سفر وی به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا و عدم پذیرش او از سوی مسئولان رده بالای کشور، موجب رسوایی آمریکا و تقویت جاذبه ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی ایران شد.

آمریکا اگر چه سرانجام توانست با تحویل موشک های مورد نیاز به ایران، که واسطه های ایرانی نمی توانستند در هیچ جای دنیا و حتی در بازار قاچاق آنها را تهیه کنند، تعدادی از گروگان‌ها را آزاد کند، اما افشای سیاست فروش سلاح در مقابل تأثیر برآزادی گروگان ها از سوی ایران باعث سرشکستگی سیاستمداران ارشد آمریکایی نزد افکار عمومی کشورشان و هم پیمانانشان در جهان شد.

در نهایت این ایران بود که توانست در رسوایی کاخ سفید، آمریکا را هم در بعد نظامی و هم در بعد سیاسی شکست دهد. به همین دلیل گزارش ها و تحلیل‌هایی که در این زمینه توسط آمریکایی‌ها منتشر شده است، از جمله گزارش تاور، بیشتر برای کتمان این شکست است. متأسفانه در برخی تحلیل های داخلی نیز با هدف تخریب سیاسی، کوشش شده است واقعیت به گونه دیگری جلوه داده شود. لذا هم در خارج و هم در داخل، با استفاده از تبلیغات ژورنالیستی، سعی شده فضایی پرابهام پیرامون این ماجرا ایجاد شود؛ برای نمونه، با استفاده از نقل قول هایی با چندین واسطه بحث مبارزه با اسرائیل در کنار ارسال سلاح از اسرائیل به ایران[1] کنار هم قرار گرفته و از این طریق سعی گردیده بر خواننده تأثیری خاص گذاشته شود.

این مستند کاملاً روشن می‌سازد که قضیه برای آمریکا و به ویژه جمهوری خواهان بسیار دردسرساز بوده است. نخست، از جهت فروش پنهانی اسلحه به ایران، آن هم در زمانی که سیاست رسمی آمریکا مبتنی بر تضعیف و منزوی کردن ایران بود. دوم، به دلیل انتقال بخشی از منافع این معامله به شورشیان نیکاراگوئه (کنتراها) در هنگامی که کنگره هر گونه کمک مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا را به این گروه ممنوع کرده بود.

---

۱ - بعدها مشخص شد که برخی از سلاح‌های ارسالی از سوی آمریکایی‌ها به ایران، بدون اطلاع ایران، از اسرائیل بارگیری شده بود، که باهوشیاری مسئولان ایرانی این سلاح‌ها پذیرفته نشد و برگشت داده شد و به جای آن سلاح‌های مورد نظر دریافت گردید .

البته این رسوایی اگر چه به کناره گیری رئیس جمهور آمریکا، رونالد ریگان، نینجامید، اما ضربه سختی به وی زد؛ به گونه ای که او را یکسره ناتوان کرد. پس از افشای خبر نیز ریگان و اطرافیانش بارها کوشیدند ـ به اصطلاح خودشان ـ «این زخم را بسوزانند»، اما با سیاست‌های هوشمندانه ایران موفق نشدند.

سیاست‌های تبلیغاتی ایران در این مقطع به قدری برای آمریکا دردسرساز بود که بارها ریگان و تیم کاری‌اش را به استیضاح کشاند و مکرراً بحث سیاست های اشتباه رئیس جمهور ایالات متحده مطرح شد. ریگان و اطرافیانش گزارش های ضد و نقیضی ارائه دادند تا وانمود کنند در صدد آزادی گروگان‌ها در مقابل سلاح نبوده‌اند. اما گزارش‌ها آشکار می‌کرد که این عمل اتفاق افتاده است، زیرا که پس از ارسال چند محموله سلاح، یکی از گروگان‌ها آزاد می‌شد.

در آمریکا پس از این جریان ۵ کمیته از سوی دولت، کنگره، سنا و دادستانی برای بررسی موضوع تشکیل شد و هر یک از کمیته ها نیز با توجه به وظایف خود گزارش مشروح و مکتوبی از ماوقع تهیه کردند و دو مورد از این گزارش ها (گزارش تاور و گزارش والش) منتشر هم شد. اما در ایران گزارش مکتوبی از این جریان منتشر نشد.

و سرانجام اینکه نکته مهمی که عامل اساسی بهره گیری ایران و خسارت آمریکا از این جریان بود، این است که در ایران سران قوا و شخص امام راحل از ابتدا تا آخر در جریان امور بودند و هیچ اقدامی برخلاف مقررات کشور انجام ندادند؛ ضمن اینکه دو هدف اساسی تأمین نیازهای دفاعی و رفع گرفتاری انسان های ربوده شده را دنبال می کردند. اما آمریکا در این جریان علاوه بر اینکه از سیاست های رسمی خود تخلف کرد، با پنهان کاری و فریب کاری در معاملات نیز نقاط ضعف فاحشی در کارنامه خود ثبت کرد که در نهایت بخشی از این تخلفات با تلاش رقبای سیاسی دولت وقت آمریکا فاش گردید که منجر به بحرانی واقعی در این کشور شد.

تاریخچه مجمع تشخیص مصلحت نظام

تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که حضرت امام خمینی « رضوان الله تعالی علیه» آن را بزرگترین ثمره جمهوری اسلامی دانستند و به دنبال آن تشکیل مجلس قانونگذاری و شکل گیری شورای نگهبان ، راه های منطقی عینیت بخشیدن به آرزوهای دیرین پیشگامان نهضت اسلامی و مردم انقلابی ایران عزیز بود، پیش و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، یکی از مهمترین دغدغه های نیروهای انقلابی، اثبات حقانیت اسلام و قوانین آن در صحنه عمل بود، به نحوی که هیچ معضل و مشکلی بی پاسخ نمانده و حل آن از طریق احکام نورانی اسلام و توسط اندیشمندان مسلمان، جامه عمل بپوشد.

اما رویدادهای پر شتاب بعد از پیروزی انقلاب و تنوع و تکثر معضلات پیچیده اجتماعی و وجود نظرات تخصصی و کارشناسی گوناگون، پیرامون چگونگی شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام حکومتی، منجر به بروز اختلاف نظر فیمابین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در برخی از طرح ها و لوایح مصوب مجلس شد که در نتیجه آن موارد متعددی از مسائل مهم جامعه دچار بلاتکلیفی گردید.

در این ارتباط چند بار و در چند مورد با دخالت امام بن بست ها شکست و یک بار آن هم، دادن حق تصمیم گیری به اکثریت دوسوم نمایندگان مجلس با قید ضرورت و موقت بودن قوانین بود، که این موارد هم خود مشکلاتی آفرید و ضرورت ایجاد نهادی برای این گونه مشکلات، روشن تر شد.

ازآنجا که ادامه این امر، جامعه نوپای اسلامی را دچار بحران ها و معضلات دیگری می‌نمود، بنیانگذار دور اندیش انقلاب اسلامی، در صدد تعیین مرجعی برآمدند که در -

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ۱۴/۱۱/۶۶

شماره ....

پیوست ....

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مقدس رهبر عظیم الشأن حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دامت برکات وجوده الشریف

در پی اظهارات اخیر آن وجود مبارک از لحاظ نظری مشکلی که در راه
قانونگذاری و اداره جامعه اسلامی بچشم میخورد بکلی برطرف شده.
و همانگونه که انتظار میرفت این رهنمودها مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران
قرار گرفت.

مسئله‌ای که باقیمانده شیوه اجرای اعمال حق ولایت فقیه و حاکم اسلامی
و تعیین موارد و اعمال احکام حکومتی و مرجع تشخیص مصالح آنگونه موارد است که
طبعاً نیاز به کارشناسی و بررسی نظرات متخصصان در رشته‌های مربوطه دارد.

در حال حاضر لوایح قانونی ابتدا در وزارتخانه‌های مربوطه
و سپس در کمیسیون مربوطه در دولت و سپس در جلسه هیئت دولت
مورد مشورت قرار میگیرد و در مجلس معمولاً دو شور در کمیسیونهای تخصصی دارد
که با حضور کارشناسان دولت و بررسی نظرات متخصصین مربوط گاهی
پس از اعلان و انتشار لایحه بررسی انجام میشود و معمولاً یک لایحه در چند کمیسیون
به تناسب مطالب مورد بررسی قرار میگیرد

نامه سران قوا به محضر امام خمینی(ره) در خصوص تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی با تشخیص مصلحت نظام و جامعه، حکم حکومتی را بیان نماید، که نهایتاً بنا بر درخواست جمعی از مسئولین نظام، فرمان تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» در اواخر سال یکهزاروسیصدوشصت‌وشش، از سوی حضرت امام«ره» صادر گردید.

مجمع تا پیش از بازنگری در قانون اساسی، صرفاً بر مبنای اختیارات مقام ولایت مطلقه فقیه ایجاد شده بود، ولی با اصلاحیه قانون اساسی در سال یکهزاروسیصدوشصت وهشت و به استناد اصول یکصد و دهم و یکصد و دوازدهم این قانون، موظف به «تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند» و «مشاوره در اموری که رهبری به آن ارجاع می‌دهد» و نیز «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» و «حل معضلات نظام»، شده است، به طوری که با توجه به وظایف مقرر در قانون اساسی به عنوان «هیأت مستشار عالی رهبری» در نظام جمهوری اسلامی، انجام وظیفه می‌کند.

همچنین انتخاب یکی از فقهای شورای نگهبان در شورای موقت رهبری و تصویب اقدامات این شورا در خصوص وظایف بندهای یک، سه، پنج و ده و قسمت های (د)، (ه) و (و) بند شش از اصل یکصدو دهم قانون اساسی، با رأی سه چهارم اعضاء و نیز عضویت اعضای ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی، به استناد بند سه از اصل یکصدو هفتاد و هفت، از دیگر وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد.

مجمع از آغاز فعالیت عملی خود از اسفند ماه ۱۳۶۶ تاکنون در ارتباط با وظایف مذکور، خصوصاً حل معضلات نظام، رفع اختلاف فیمابین مجلس و شورای نگهبان و تعیین سیاست‌های کلی نظام، مصوبات بسیاری داشته است که این مصوبات با احتساب کلیه موارد مطروحه نظیر تصویب، تفسیر، اصلاح، الحاق و فسخ مصوبه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی داشته است. بخشی از این مصوبات مربوط به «معضل»، بخشی مربوط به «حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان»، بخش دیگر «تدوین آئین نامه داخلی مجمع» و مواردی مربوط به تفسیر مصوبات و همچنین «تدوین سیاست‌های کلی نظام» بوده است.

پاسخ امام به نامه نخست وزیر در خصوص قیمت گذاری کالاها

زمان: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۶ / ۲۲ رمضان ۱۴۰۷
مکان: تهران، جماران
موضوع: قیمت گذاری کالا توسط دولت
مخاطب : آقای میرحسین موسوی، نخست وزیر

[...

۱ – آیا دولت می تواند به منظور جلوگیری از گرانفروشی کالاها و خدمات ضروری عامه مردم، صورت کالاها و خدمات ضروری مذکور را تعیین و برای آنها قیمت گذاری نماید؟

۲ – آیا دولت می تواند جهت اجرای مقررات خود، در زمینه قیمت گذاری کنترل و نظارت لازم را به عمل آورد؟

میرحسین موسوی – نخست وزیر]

بسمه تعالی

جناب آقای نخست وزیر – ایّده الله تعالی

جنابعالی مجازید در هر دو مورد که مرقوم شده است عمل نمایید، و در مصادیق با نظر و مشورت اکثریت رؤسای قوای سه گانه لازم است عمل شود. انشاءالله موفق باشید.

۳۱ اردیبهشت ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ به نامه موسسین حزب جمهوری اسلامی در خصوص انحلال حزب

زمان: ۱۱ خرداد ۴/۱۳۶۶ شوال ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه انحلال حزب جمهوری اسلامی

مخاطب: آیت الله خامنه ای – آیت الله هاشمی رفسنجانی

[بسم الله ا لرحمن الرحیم. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی – مدظله العالی

همان طور که آن رهبر عزیز اطلاع دارند، تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» از طرف هیأت مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی های انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای اداره کشور و خنثی کردن توطئه گروهک ها و عوامل دشمن خارجی و ضدانقلاب داخلی بشدت احساس می شد. این حزب در طول سالهای گذشته در حد توان خود به منظور تثبیت نظام جمهوری اسلامی و انجام تکالیف بزرگی که بر دوش خود حس می کرد، از هیچ کوششی فروگذار نکرد؛ و در کوران توطئه های چپ و راست با فداکاری و تقدیم شهدایی که بعضی از آنان چهره‌های برجسته و فراموش نشدنی انقلابند، از جمله شهدای هفتم تیر، نقاب از روی نفاق برانداخت و مظلومیت و حقانیت خط امام را به نمایش گذارد.

در طول جنگ تحمیلی، حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور به وظیفه اسلامی خود برای بسیج مردم و شرکت فعال در جبهه های نور عمل کرد، و جمعی از کادرها و

اعضای آن در این جهاد مقدس به افتخار شهادت نایل آمدند. تعبد افراد این حزب به اسلام و اعتقاد راسخ آنان به ولایت فقیه، که خود عامل مهمی در کینه توزی ضدانقلاب بود، ایجاب می کرد که در مراحل و مقاطع مختلف انقلاب، با کسب رهنمودهایی از آن مقام معظم، حرکت حزب را تنظیم و سیاست های آن را پی ریزی نمایند.

اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت انقلاب را از جهات عدیده آسیب ناپذیر ساخته و روشن بینی و توکل و قوت اراده آن رهبر عالیقدر و فداکاری و آمادگی مردم حزب الله توطئه های ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی اثر و کم خطر نموده است. لذا احساس می شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و به عکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی بهانه ای برای ایجاد اختلاف و دو دستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد، و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی سازی یکدیگر کند. لذا، همان طور که قبلاً نیز کراراً عرض شد، شورای مرکزی پس از بحث و بررسی مبسوط و مستوفا با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که « حزب جمهوری اسلامی » تعطیل و فعالیت های آن به کلی متوقف گردد.

مراتب برای استحضار و کسب رهنمود عالی معروض می گردد. والامر الیکم، و ادام الله بقائکم الشریف. سید علی خامنه ای – اکبر هاشمی رفسنجانی]

بسمه تعالی

جنابان حجتی‌الاسلام آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی - دام توفیقهما

موافقت می شود. لازم است تذکر دهم که حضرت آقایان مؤسسین محترم حزب، مورد علاقه اینجانب می باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً تذکر می دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه برخلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است. و السلام علیکم و رحمةالله

۱۱ خرداد ۶۶ – روح الله الموسوی الخمینی

نامه‌ای به حاج سید احمد آقا خمینی

زمان: ۱۳ خرداد ۶/۱۳۶۶ شوال ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم پرهیز از تشریفات در حوزه های علمیه - تأیید امانت داری آقای سید احمد خمینی

مخاطب: حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

[بسم الله الرحمن الرحیم. پدر و مراد بزرگوار، پس از سلام، زمانی که شورای مدیریت حوزه علمیه قم خدمت حضرتعالی رسیده بودند تقاضای کمک برای پیشبرد امور مربوط به حوزه را کرده بودند، حضرتعالی فرموده بودید: مسئله را به احمد بگویید تا او دنبال کند. قرار بر این شد که شورا در نامه ای به حضرتعالی مقدار احتیاجشان پول از طرف شخص جنابعالی از بنیاد مستضعفان به آنها کمک گردد. نامه مذکور خدمت تان تقدیم شد. حضرتعالی فرمودید: « چنین کاری را انجام نمی دهید و از طرف شماها به بنیاد چیزی گفته نشود هر چه پول و ساختمان زیاد گردد، درس و معنویت کم می شود.» و چند بار دیگر هم تقاضای برادرانمان را عنوان نمودم باز فرمودید: « من خیال می کردم آقایان پنجاه هزار تومان احتیاج دارند». خدمت تان عرض کردم: اگر چنین بود خودشان می‌پرداختند... برای آقایان شورا مسئله حل نشده است و عقیده شان این است که: «تو(احمد) نخواسته ای نظر مبارک حضرت امام را که با این مسئله موافق بوده است به مسئولین حوزه ابلاغ کنی و یا شما یاد امام نیاورده ای که حضرت امام در این قضیه پول مورد احتیاج شورا را بپردازند...

به حضرت امام عرض کن که اگر مسئله ای را به شما محول می کند، بعد موافقت کنند که موجب اینگونه حرف‌ها نشود.»... ۶۶/۳/۱۲ – احمد خمینی]

بسمه تعالی

نظر من همان است که قبلاً کراراً گفته ام: من با این تشریفات مخالفم، و برای حوزه علمیه مضر می دانم. اساس اسلام و تحصیل است که با این نحو زیاده روی‌ها منافی است. و من از بعض آقایان تعجب می کنم که تو را زیر سئوال بردند. من باید عرض کنم به آقایان که تا این تاریخ هیچ موردی، حتی این مورد، نبوده است که احمد برخلاف گفته یا نوشته من، بدون اطلاع من تصرفی بکند. بلی، بعضی اوقات در سخنرانی‌های اینجانب احمد و دیگران، حتی اشخاصی از رادیو و تلویزیون، نظراتی می دهند که مورد قبول می شود. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواستارم.

و به احمد نصیحت می کنم که جدیت در جلب رضای خداوند حاضر ناظر نماید، و از طعن و لعن دیگران نهراسد.

۱۳ خرداد ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی

زمان: صبح ۱۳ خرداد ۶/۱۳۶۶ سوال ۱۴۰۷
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: تلاش برای حفظ مجلس و حل مشکلات
مناسبت: هفته مجلس شورای اسلامی
حضار: آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی – آقای مهدی کروبی – آقای حسن صانعی – آقای محمد علی نظام زاده، و اعضای ستاد چهارمین کنگره بزرگداشت ۱۵ خرداد.

بسم الله الرحمن الرحیم

من بنا ندارم که امروز صحبت کنم، لکن دعا منافات ندارد با بنا. من همیشه دعاگوی همه اقشار ملت بوده ام، خصوصاً آن جمعی که ارزشمندند برای نظام. من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به شما آقایانی که عمرتان را دارید صرف می کنید برای اسلام و پیشبرد اسلام، توفیق بیشتر عنایت کند و امیدوارم که در این مجلس و در مجلس های آتیه مسائل، مسائل اسلامی باشد و روش، روش اخلاقی و اسلامی.

البته من نباید نصیحت کنم شما را. شما بحمدالله خودتان همه چیز را می‌دانید، لکن در این زمان باید فکر کنید که مجلس ا گر یک خدشه پیدا کند چه خواهد شد. کوشش کنید خدشه ای پیدا نشود در مجلس. کوشش کنید که همان طوری که اسلام این مسائل را پیش آورده و ما در سایه اسلام توانستیم این مسائل را حل کنیم، این مسئله محفوظ بماند و همه چیز در سایه اسلام محفوظ بماند. البته من مشکلات مجلس را، مشکلات دولت را می دانم، از این جهت توقع ندارم که همه امور همین طوری حل بشود، لکن در عین حال چون اتکای شما آقایان به خدای تبارک و تعالی است، امیدوارم که خداوند هدایت کند شما را و راه حقیقی ای که اسلام می خواهد، شما در آن راه باشید و خواهید بود. و امیدوارم که همیشه کوشا باشید در اینکه این ملتی که زیر بار ظلم بوده است، از این به بعد این ملت سرفراز باشد و نمایندگان اینها که خلاصه ملت و عصاره ملت‌اند، سرفراز باشند و قویدل مشغول خدمت باشند.

این هیاهو که در عالم هست، اینها همیشه بوده است و همیشه هم خواهد بود، لکن آن که باقی است خداست و اعتماد به خدا، شما این اعتماد را حفظ کنید و مشکلات را با تدبیرهایی که دارید حل کنید. و امیدوارم که خداوند همه را تأیید کند، وقتی برای خدا باشد تأیید می کند. وقتی کار برای خدا باشد، ما چه پیروز بشویم چه نشویم، کارمان برای خداست، ما تکلیف ادا کردیم. ما می خواهیم تکلیفمان ادا بشود، دنبال این نیستیم که یک منصبی به دست بیاوریم، شماها نیستید.

و ما می دانیم که از عهده شکر خدا نمی توانیم به دربیاییم. من خودم را عرض می کنم؛ من شهادت می دهم که خودم تاکنون دو رکعت نماز برای خدا نخوانده‌ام، هر چه بوده برای نفس بوده. دلیلش هم این است که چنانچه جنت و ناری نباشد، آیا ما باز همان طور مشغول می شویم به دعا یا خیر؟ دعای ما آنی که هست برای این است که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کند و به ما روزی کند بهشت را و محترز کند از جهنم. آنی که غایت آمال ماست همین است والا برای خدا آن وقت معلوم می شود که اگر کلید بهشت و جهنم را به شما بدهند و بگویند که شما مختارید و هیچ کس از شما به جهنم نمی رود، هیچ کس از شما هم از بهشت محروم نیست، آن وقت آیا ما باز قیام می کردیم به دفع شهوات؟ قیام می کردیم به خواندن نماز؟ اینها پیش خود ماست.

من خودم می دانم که نیست این جور؛ نیستم این طور. امیدوارم که خداوند به شما توفیق بدهد. اتکال به خدایتان زیاد بشود و هرچی دارید از خداست و از خدا بخواهید و من دعاگوی شما هستم. در مواقعی که وقت دعاست، به شما دعا می‌کنم و امیدوارم خداوند مستجاب کند.

والسلام علیکم و رحمه الله

پاسخ امام در خصوص
دخالت ائمه جمعه در انتخابات

زمان: ۳۱ خرداد ۲۴/۱۳۶۶ شوال ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با مفاد اطلاعیه دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی و عدم دخالت ائمه جمعه

[بسم الله الرحمن الرحیم. از آنجا که نماز جمعه پایگاه بزرگ سعادت و سیاست اسلام و میعادگاه مردم حزب الله است، دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه سراسر کشور با کسب اجازه از محضر حضرت امام – مدظله – برادرانه به حضرت آیات و حجج اسلام ائمه محترم جمعه و ستادهای نماز جمعه سراسر کشور تذکرات ذیل را ارائه می نماید:

۱ – بر اساس تجربیات حاصله از انتخابات دور اول و دوم مجلس شورای اسلامی و بروز اختلافات در پاره ای شهرها بدین وسیله به آقایان محترم ابلاغ می شود از معرفی افراد به عنوان کاندیدا و موضع گیری له یا علیه اشخاص و استفاده انتخاباتی از تریبون نماز جمعه خودداری نمایند.

۲ – در صورتی که برخی از عزیزان ائمه محترم جمعه تصمیم دارند در انتخابات آینده خود را کاندیدا نمایند لازم است از تاریخ [1] (   ) از سمت امامت جمعه استعفا نمایند تا دبیرخانه جهت جایگزینی افراد واجد شرایط تصمیمات مقتضی اتخاذ و اقدامات لازم را معمول دارد.

۳ – ستادهای نماز جمعه در سراسر کشور از تاریخ (   ) حق ندارند از کسانی که می خواهند خود را کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی بنمایند به عنوان سخنران قبل از خطبه ها استفاده نمایند. بدیهی است ستادها از فردی که دعوت می نمایند باید سئوال کنند.

۴ – دبیرخانه دوستانه و خاضعانه از آن دست از ائمه جمعه ای که مایل به شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی می باشند می خواهد تا سنگر امامت جمعه را رها ننموده، در حوزه مسئولیت خود کمافی السابق به خدمات و تلاش‌های صادقانه خویش ادامه داده و بدانند که ثمرات وجودی آقایان در سنگر امامت جمعه از سنگر مجلس شورای اسلامی کمتر نبوده و موجبات خرسندی خداوند متعال و امت حزب الله را فراهم می سازد.

بدیهی است در صورت تخلف از موارد فوق، امام جمعه از امامت جمعه عزل و ستاد نماز جمعه نیز منحل خواهد شد.

به دستور حضرت امام – مدظله – تنها امام جمعه و ائمه جمعه موقت تهران از این حکم مستثنی می باشند.]

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات ارزنده دبیرخانه ائمه جمعه و ائمه جمعه محترم بلاد و درخواست از محضر مقدس خداوند متعال برای توفیق هرچه بیشتر به همه نهادها و ملت شریف، موافقت می شود.

۳۱ خرداد ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ – دستنویس اعلامیه دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، که جهت تأیید، خدمت امام خمینی ارسال گردیده است، برای انتشار در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی بوده و محل های خالی در قسمت مربوط به تاریخ، متعاقباً و پس از تعیین تاریخ دقیق از سوی شورای نگهبان و وزارت کشور، می‌بایست تکمیل می شد.

آزادی مردم در انتخابات

زمان: ۱۰ تیر ۱۳۶۶/۴ ذی القعده ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: آزادی مردم در انتخابات — مجاز نبودن استفاده از سهم امام (ع) در امر انتخابات

مخاطب: چهار تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، آقایان: مهدی کروبی، عبدالله نوری، حسین هاشمیان، محمد علی هادی

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی — دام ظله العالی علی رؤوس المسلمین

با سلام خدمت آن امام بزرگوار، در انتخابات دوره قبل حضرتعالی نسبت به معرفی کاندیدا برای حوزه های مختلف از سوی احزاب و جمعیت های سیاسی — مذهبی اعلام مخالفت فرمودید. با توجه به نزدیکی زمان انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی از مقام مقدس رهبر گرانقدرمان تقاضامندیم به سئوالات ذیل پاسخ فرموده و همگان را نسبت به وظایف شرعی آگاه فرمایید:

۱ — آیا در این دوره گروهک‌ها و جمعیت های مختلف سیاسی — مذهبی می‌توانند از تهران و یا قم برای شهرهای مختلف ایران و یا از هر نقطه برای مناطق دیگر کاندیدا معرفی نمایند.

۲ – آیا می توان در رابطه با تبلیغ از کاندیداها از وجوهات شرعیه و بیت‌المال و یا از اموال دولتی و عمومی که در اختیار نهادهای گوناگون است استفاده نمود.

مهدی کروبی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، عبدالله نوری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه، حسین هاشمیان رئیس کمیسیون نفت، محمد علی هادی عضو کمیسیون دفاع.

بسمه تعالی

با این که این گونه سئوال‌ها و جواب ها اکنون زود است، معذلک باید مردم را برای انتخابات آزاد بگذاریم، و نباید کاری بکنیم که فردی بر مردم تحمیل شود. بحمدالله مردم ما دارای رشد دینی و سیاسی مطلوب می باشند، و خود افراد متدین و درد مستضعفان چشیده و آگاه به مسائل دینی – سیاسی و همگام با محرومین را انتخاب خواهند کرد. و در چنین اوضاعی هیچ فرد و گروهی و هیچ نهاد و سازمان و حزب و دفتر و تجمعی نمی تواند در حوزه انتخابات دیگران دخالت نماید، و برای غیر حوزه خود فرد یا افرادی را کاندیدا نموده و از آنان تبلیغ نماید. در شرایط کنونی، اینجانب به هیچ وجه و به هیچ کس اجازه نمی‌دهم تا از سهم مبارک امام – علیه السلام – و یا از اموال دولت و اموال دفاتر و سازمان‌ها و مجامع و اموال عمومی خرج انتخابات کند. باید مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق کرد. ان شاءالله نظرم را دراین مورد بعداً اعلام خواهم کرد. روحانیون محترم حوزه های انتخاباتی سعی کنند در حوزه خود [با] افراد و گروه های مسلمان که در انتخابات کاندیدا شده و یا از کاندیداهای مورد علاقه خود طرفداری می کنند، چون پدری مهربان باشند و آنان را با دیده محبت بنگرند. از خداوند توفیق شما را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

رسیدگی سریع به پرونده‌های بلاتکلیف

زمان: ۱۰ تیر ۴/۱۳۶۶ ذی القعده ۱۴۰۷
مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی سریع به پرونده های بلاتکلیف، خارج از تشریفات قانونی
مخاطب: آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان‌عالی کشور

[محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی — اطال الله بقائه

بعد از عرض سلام، پرونده های زیادی در دادگاه ها و دادسراهای انقلاب از اول انقلاب تا به امروز به عنوان بلاتکلیف با توفیقی موجود است و نیز پرونده‌هایی هست که در سال‌های ۵۸ تا ۶۱ یا ۶۲ حکم داده شده است، ولی دقت کافی نشده و صاحبان اموال تقاضای تجدید نظر دارند.

و همچنین پرونده های پیچیده ای در محاکم و دادسراهای دادگستری مطرح است که از نظر رسیدگی به بن بست رسیده است، به جهت نبودن قاضی یا به علت دیگر. و همچنین اموال بلاتکلیف و توقیفی که در بعضی از ارگانها و نهادها هست و تاکنون تعیین تکلیف نشده است.

رسیدگی به همه آنها از طریق معمول با مراعات تشریفات قانونی شاید چندین ده سال طول می کشد و حقوق و اموال اشخاص یا بیت المال تضییع می شود.

مستدعی است اجازه بفرمایید طبق موازین شرع بدون رعایت تشریفات معمول قانون به سرعت این پرونده ها رسیدگی شود و برنامه ها مختومه گردد. اطال الله عمرکم الشریف.

۶۶/۴/۷

عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

برای حفظ بیت المال و حقوق و اموال مسلمانان و جلوگیری از تضییع و اتلاف به شما اجازه داده می شود موارد ذکر شده را با مباشرت خودتان یا با تعیین اشخاص قاطع و مورد اطمینان و اعتماد هر چه سریعتر با حفظ موازین شرعی و بدون تشریفات دست و پاگیر قانونی رسیدگی نمایید تا پرونده ها مختومه گردد، و دشواری‌های مردم ان شاءالله تعالی حل گردد.

از خداوند متعال توفیق شما را در حل مشکلات مردم خواستارم.

به تاریخ دهم تیرماه ۱۳۶۶

روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ امام (ره) به نامه وزارت اطلاعات

زمان: ۱۶ تیر ۱۳۶۶/۱۰ ذی القعده ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: عفو سید هادی هاشمی

مخاطب: محمدی ری شهری، محمد (وزیر اطلاعات)

[بسمه تعالی. رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی

سلام علیکم. در پاسخ به نظرخواهی حضرتعالی در ارتباط با آزادی آقای سید هادی هاشمی [۱] و بازگشت وی به قم به استحضار حضرتعالی می رساند که با عنایت به اتهامات عدیده ایشان، که به شرح نامه پیوست در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۵ به عرض رسید، و با در نظر گرفتن تمایل و درخواست آیت الله منتظری مبنی بر آزادی و بازگشت نامبرده به قم، وزارت اطلاعات با شرایط ذیل پیشنهاد عفو مشروط نامبرده را از مقام معظم رهبری دارد:

۱ – آقای هادی هاشمی کتباً از اشتباهات گذشته اظهار ندامت نماید.

۲ – نامبرده متعهد گردد که از این تاریخ به بعد با وابستگان به گروه منحرف مهدی هاشمی به کلی قطع رابطه نماید.

۳ – از دخالت در امور جاری و سیاسی دفتر آیت الله منتظری خودداری کند.

به نظر این وزارتخانه، بدون شرایط فوق بازگشت وی به قم به مصلحت جمهوری اسلامی نیست.

۱۳۶۶/۴/۱۴ – محمدی ری شهری]

---

۱ - برادر مهدی هاشمی معدوم و داماد آقای منتظری.

بسم الله الرحمن الرحیم

با تشکر از زحمات اعضای محترم وزارت اطلاعات، این سربازان گمنام امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - که در جنگ با ایادی استکبار در داخل کشور صدمات بسیار دیده‌اند و از طعن و لعن ضد انقلاب و اغفال شده ها نرنجیده و وظیفه اسلامی - میهنی خود را انجام می دهند، با شرایط وزیر محترم اطلاعات، آقای ری شهری، موافقت می‌نمایم. ان شاءالله خداوند به همه شما توفیق بیشتر عنایت فرماید.

۶۶/۴/۱۶

روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ امام(ره) به نامه یک اسیر

زمان: ۱۳۶۶ ه. ش / ۱۴۰۷ ه. ق

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه اسیر ایرانی در عراق

مخاطب: حمزه ای، محمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین. مادرم سلام. این نامه مخصوص پدر بزرگوارم هست. پدر عزیز و هادی ام و مایه دانایی ام و دارای روح خدایی ام، سلام علیکم. گرچه مشکل است معرفت قدر تو، اما این جملاتی است تقدیم به قلب تو. وصفت را از چند چیز پرسیدم. از کوه، گفت از من استوارتر. از دریا، گفت از من خروشان تر. از خورشید، گفت از من تابان تر. گاهی که سر انقیاد به حال تحقیر بر دامنت گذاشتیم، به ما فرزندانت فرمودی: اگر لایق باشم، دست و بازویتان را می بوسم. دانی چرا چنین شاعرانه می گویم. دیده ای پروانه را گرد شمع مجنون وار فقط سر سودای وصال نور دارد. من الان چنینم و یاد وصال در خاطرم هست که از او دورم، اما عیان می بینم که اگر مولایت بخواهد، بزودی شاید تو را ببینم، وگر نبینم وعده ما بر سر حوض با مادرت. انشاءالله. خدا حافظ — التماس دعا (پدر، ما را حلال کن) — ۶۶/۴/۲۲]

به نام خدا

فرزند عزیزم، نامه شما که از سلامت مزاجتان بحمدالله خبر داد، واصل شد و موجب خرسندی از این جهت، و افسردگی از جهات دیگر شد. عزیزم ما سلامت هستیم و به شما

و سایر دوستان دربند دعا می کنم. شما نگران نباش. این نحو گرفتاری‌ها برای دوستان خدا همیشه بوده و موجب بلندی مقام و رحمت خدا هست. امیدوارم به زودی همگی با سلامت به وطن خود باز گردید. به دوستانتان سلام مرا برسانید. خداوند به شماها صبر و اجر عنایت کند.

عبد....[1]

---

۱ - برای رعایت مسائل حفاظتی، امام خمینی به صورت مستعار امضا کرده اند، چرا که در صورت لو رفتن، مخاطب نامه در اسارتگاه زیر شکنجه های مأمورین صدام قرار می گر فت.

انتصاب نماینده در کمیته انقلاب اسلامی

زمان: ۲۲ مرداد ۱۷/۱۳۶۶ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نماینده در کمیته انقلاب اسلامی

مخاطب: فرماندهان و پرسنل کمیته انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزندان عزیزم، فرماندهان و مسئولین و اعضای دلاور کمیته های انقلاب اسلامی سراسر کشور - ایدهم الله تعالی

کمیته های انقلاب اسلامی، این نهاد انقلابی و برگزیده از متن مردم مسلمان، که در روزهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و بعد از پیروزی بلافاصله هسته های مقاومت را در سراسر کشور تشکیل داد و حافظ اسلام و انقلاب گردید، مسلمانان را شاد و دشمنان اسلام و کشور را ذلیل کرد. اینجانب از زحمات اعضای دلیر و رشید پاسداران کمیته ها تشکر می کنم.

از آنجا که خواسته اید نماینده ای در آن نهاد تعیین نمایم، جناب حجت الاسلام آقای سراج الدین موسوی - ایده الله تعالی - فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی، که از افراد با سابقه و سختی کشیده قبل و بعد از انقلاب می باشد، را به نمایندگی از جانب خود در آن نهاد منصوب می نمایم. توفیق ایشان و تمامی پاسداران شجاع کمیته های انقلاب اسلامی را از خداوند متعال خواستارم.

به تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۶۶

روح الله الموسوی الخمینی

جلسه تحویل وصیتنامه حضرت امام (ره)

زمان: ۱۹ آذر ۱۸/۱۳۶۶ ربیع الثانی ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: سپردن وصیتنامه سیاسی – الهی به آستان قدس رضوی و مجلس خبرگان
مناسبت: نگهداری وصیتنامه جدید حضرت امام در آستان قدس رضوی و مجلس خبرگان
حضار: اعضای هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری، حضرت آقایان: خامنه ای، منتظری، مشکینی، صافی گلپایگانی، هاشمی رفسنجانی، سید احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

اینکه من زحمت دادم که آقایان تشریف بیاورند، جهت مهمش این بود که این وصیتنامه سیاسی – الهی من، یکیش باید به مجلس برود و یکیش به خراسان به آستان. آقایان کسی را تعیین کنند، اشخاصی را که این را ببرند به مجلس و اشخاصی را که ببرند به مشهد، با یکی از این آقایان خودمان ببرند به مشهد. شما تعیین کنید دو سه نفر را که همراه این بروند، این وصیتنامه را بگذارند آنجا، و آن را که قبل دادیم بیاورند.

[آقای سید احمد خمینی: خود آقای هاشمی آن را که در صندوق مجلس است بگیرند و این وصیتنامه را ببرند؟

آقای هاشمی رفسنجانی: مجلس را بله، ولی خراسان را تعیین کنید.

آقای سید احمد خمینی: یعنی باید دو نفر تعیین شود. یکی هم از آقایان خودمان آقای صانعی [1] و آقای توسلی [2]]

[آقای هاشمی رفسنجانی: باید پلمپ کرد. پلمپ که نشده است.

آقای سید احمد خمینی: مهر و موم کرده ایم و در آن را بسته ایم.

آقای هاشمی رفسنجانی: پلمپی که آنجا شده است به گونه ای است که نمی شود باز کرد. یعنی ما دقت کردیم اگر کسی باز بکند و ببندد حتماً معلوم می شود.]

خوب همین کار را بکنید.

[آقای هاشمی رفسنجانی: باید این گونه پلمپ کنیم؛ یعنی از وزارتخانه آمدند پلمپ کردند در حضور جمع، الان در حضور جمع با همان تشریفات پلمپ شود یا اینکه خودمان پلمپ کنیم؟]

دو سه نفر از آقایان را تعیین می کنند، آقایان می روند پلمپ می کنند. مقصود من این است که از آقایان اشخاصی باشند. یکی از آقایان، اشخاصی باشند، یکی از این آقایان هم همراهشان باشند.

[آقای منتظری: آقای مشکینی، آقای هاشمی، آقای صافی.

آقای هاشمی رفسنجانی: اگر آقا موافقت بفرمایند و آقایان هم فرصتشان باشد این جمع متفرق نشویم، بعد هم برویم مجلس یا جای دیگری — هر جا آقایان صلاح می دانند — آنجا بگوییم پلمپچی بیاید آنجا، در حضور همین جمع پلمپ کند، بعد ببریم.]

بسیار خوب، این خیلی بهتر است البته.

[آقای منتظری: این جمع اگر نتواند بمانند؟]

خوب حال مثل شما که معلوم است. اگر نمی توانید خوب مانعی ندارد. ما عده‌ای ایشان که عذر دارند، دیگران می روند، در حضور آقای صافی و دیگران و آقای مشکینی و ... در حضور آن ها این کار درست می شود و بعد هم سپرده می‌شود. پلمپ به این یکی هم زده می شود که باید مشهد برود. دو سه نفر هم تعیین کنید که ما می فرستیمشان مشهد، به آستانه باید تحویل بدهید. آنکه آنجا هست باید بیاورند. این را بگذارند، آن را بیاورند.

---

١ - آقای حسن صانعی، از اعضای دفتر امام خمینی.

٣ - آقای محمد رضا توسلی، از اعضای دفتر امام خمینی.

[آقای صافی: خداوند سابقه مبارک را مستدام بدارد. وظیفه ما همه این است که به حضرتعالی دعا کنیم که با عنایت حضرت ولی عصر – عجل الله فرجه الشریف – پایدار باشید. البته همان طور که فرمودید با اعتماد به الطاف حضرت ولی عصر و با همین منویات حسنه حضرتعالی و مقاصدی که الحمدلله تعالی تحقق پیدا کرده و بیشتر از اینها هم در زیر سایه خود حضرتعالی ان شاءالله همه به احسن وجه محقق بود.]

انشاءالله.

[آقای منتظری: ان شاءالله این انقلاب به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر متصل بشود.]

ان شاءالله، امیدواریم.

[پس از این دیدار، حاضران جهت مهر و موم وصیتنامه امام به مجلس شورای اسلامی رفتند. آقای مشکینی در آنجا سخنانی بدین شرح ایراد نمود:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله والصلوة والسلام علی رسوله و آله واللعن علی اعدائهم اجمعین.

امروز سالگرد وصیتنامه سیاسی حضرت امام امت – دام ظله – است. ایشان به این تناسب عده ای را که الان در حضور شریفشان هستند دعوت فرمودند به بیت شریفشان، و تجدید نظری در وصیتنامه ای که قبل از پنج سال انجام داده بودند فرموده اند. و طبیعی است که وصیتنامه سیاسی پنج سال از عمرش بگذرد با اختلاف زمان، با تغییرات جو، با تغییرات سیاست زمان، یک چنین وصیتنامه ای در آن تجدید نظر طبیعی است که باید بشود و اینکه ایشان پس از پنج سال تجدید نظر می فرمایند، این علامت عظمت روح و بینش عظیم سیاسی ایشان است که بعد از پنج سال ایشان نیاز پیدا کرده اند یک تجدید نظری بکنند. حالا ما نمی دانیم که چه قدر تجدید نظر فرموده اند؛ ولی کسان دیگری باشند در هر هفته و ماه نیاز پیدا می کنند که وصیتنامه را تغییر بدهند. بهرحال ایشان وصیتنامه ای را که پنج سال پیش به دست مجلس خبرگان داده بودند به وسیله آقازاده محترم شان امروز آن وصیتنامه را مطالبه فرمودند، و بنا شد که وصیت نامه تقدیم ایشان بشود و وصیتنامه تجدیدی که روی آن نوشته است: «وصیتنامه سیاسی – الهی اینجانب » و امضا فرموده اند آن را دو نسخه قرار داده اند که یک نسخه باز به مجلس خبرگان برسد، در آنجا باقی بماند، و یک نسخه دیگر هم به مشهد مقدس اعزام شود و در آنجا باقی بماند.

آقایان محترم و شخصیت های عظیم کشوری که الان در حضورشان هستیم، البته با حضور جناب آیت الله منتظری که تشریف داشتند این مراسم انجام گرفت. و ایشان این وصیتنامه را دادند که در مجلس بماند ان شاءالله. و ما امیدواریم ان شاءالله چندین پنج سال دیگر نیز بیاید و ایشان باز تجدید نظرهایشان را در یک وصیتنامه های دیگری مرقوم بفرمایند، تا آن گاه که حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحناله الفداء – ظهور بفرمایند. پروردگارا به حق محمد و اهل بیتش وجود مقدس ایشان را، وجود پرفیض ایشان را، وجود پربرکت ایشان را، که از سخنانشان، از وجودشان، از افکارشان، از قیام و قعودشان، جهان اسلام و جهان مستضعفان دارند بهره می گیرند، پروردگارا بر همه ماها مستدام بدار. پرورگارا! به حق محمد و اهل بیتش آرمان های اصیل و عظیم و بزرگ اسلامی ایشان که فوق آن چیزی است که ما تصور می کنیم توفیق بده که در جهان اسلام پیاده بشود. رزمندگان مان را هم خدایا، پیروز بفرما. پروردگارا! مفقودین ما، اسرای ما سالم به وطنشان برگردان. خدایا! سران کشور و برادران و دوستان و بزرگان که الان در محضرشان هستند و سایر خدمتگزاران این کشور را، همه را در زیر سایه حضرت بقیةالله الاعظم و زیر نظر شریف امام، طول عمر و توفیق انجام وظیفه و توفیق تشخیص وظیفه عنایت فرما.

اللهم صل علی محمد و آله واجعله ممن اطلت عمره وحسنت عمله و اتممت علیه نعمتک و رضیت عنه و احییته حیاتاً طیبةً فی آدوم السر و اسبق الکرامةُ و اتم العیش انک تفعل ما تشاء ولایفعل ما یشاء غیرک [1] والسلام علیکم و رحمه‌الله.

آقای سید احمد خمینی: امیدوارم که هیچ وقت این وصیتنامه باز نشود. انشاءالله.

آقای مشکینی: جناب آقای مهدوی، شما لطفاً ان شاءالله مشرف بشوید به مشهد. این هم به همان طوری که میل امام امت است، آنجا تحویل داده بشود، به آستان قدس رضوی. اید کم الله انشاءالله.]

۱ - خداوندا درود فرست بر محمد و خاندان وی. و او (امام خمینی) را از کسانی قرار داده که عمرشان طولانی و عملشان نیک و نعمت بر او تمام گشته است و از او راضی هستی و او را به زندگی پاکیزه زنده گردانیده در با دوام ترین سر و پیشی گرفته ترین بزرگواری، و عیش را بر وی تمام نما، بدرستی که تو هر چه بخواهی می کنی و غیر تو آنچه را بخواهد انجام نمی دهد.

پاسخ به درخواست نخست وزیر

زمان: ۳۰ شهریور ۲۷/۱۳۶۶ محرم ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با پیشنهاد انتقال شرکت شیلات از وزارت کشاورزی به وزارت جهاد سازندگی

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مد ظله العالی

بعد از سلام و درود، خاطر عالی را مستحضر می دارد، وزیر و شورای مرکزی جهاد سازندگی طی نامه ای تقاضا کرده اند با عنایت به ضرورت بالا بردن صید ماهی و آبزیان، شرکت شیلات از وزارت کشاورزی منفک و به وزارت جهاد سازندگی [1] ملحق گردد. این درخواست در جلسه رؤسای سه قوه در روز چهارشنبه ۶۶/۶/۲۵ مطرح و به اتفاق با این امر نظر موافق داشته و آن را منوط به صلاح دید مقام معظم ولایت فقیه دانسته اند.

استدعا دارد چنانچه نظر مبارک بر این امر قرار دارد اعلام فرمایید تا اقدام لازم صورت گیرد. ۶۶/۶/۲۹ – میر حسین موسوی، نخست وزیر]

بسمه تعالی

در فرض مذکور موافقت می شود.

۶۶/۶/۳۰ – روح الله الموسوی الخمینی

---

[1] – وزارت جهاد سازندگی از جمله وزارتخانه هایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمد. سازمان جهاد سازندگی با پیام امام خمینی، برای رسیدگی به مناطق محروم و بازسازی کشور تأسیس شد.

استفتاء در خصوص اعدام شخص مفسد

زمان: ۹ مهر ۷/۱۳۶۶ صفر ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: حکم اعدام شخص مفسد
مخاطب: آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور

[بسمه تعالی. حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – دام عزه
اعدام شخص مفسد که در نظر مبارک مورد احتیاط است، به نظر آیت الله منتظری جایز است و این مسئله در محاکم قضایی مورد احتیاج است. اگر اجازه می‌فرمایید در مراجع قضایی طبق نظر ایشان عمل شود. ادام الله عمرکم الشریف.
۶۶/۷/۹ – عبدالکریم موسوی]

بسم الله الرحمن الرحیم
مجازید بر طبق نظر شریف ایشان عمل نمایید.[1]

۶۶/۷/۹ - روح الله الموسوی الخمینی

[1] - براساس نظر امام خمینی، از سوی رئیس دیوانعالی کشور، بخشنامه ای به شماره ۱۱/۶۴ ب – ش مورخ ۱۳۶۴/۸/۲۰ به دادگاه ها صادر گردید. و در تاریخ ۶۶/۷/۹ نیز ریاست دیوانعالی کشور در مورد مرتکبین جرایم مواد مخدر، موضوع را طی بخشنامه ای به دادگاه ها و دادسراهای انقلاب اسلامی سراسر کشور ابلاغ نمود.

اولویت توجه به دفاع مقدس

زمان: ۲۱ آبان ۱۳۶۶/۱۹ ربیع الاول ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر اولویت توجه به مسائل دفاع مقدس و تقدیر از رزمندگان، خانواده‌های شهدا و ملت ایران

مخاطب: شورای‌عالی پشتیبانی جنگ

[بسم الله الرحمن الرحیم. رهبر معظم انقلاب و فرمانده کل قوا، حضرت امام خمینی - مدظله العالی

تحرکات سیاسی- نظامی استکبار و مهره های ارتجاع در دفاع از رژیم بعثی عراق و تلاش وسیع برای نجات آن، عقیده آسیب پذیری و ضعف مفرط دشمن را بیش از پیش تقویت می کند، و لزوم وارد آوردن ضربات مؤثر و متوالی را حتمی می‌سازد. از طرفی، بی توفیقی تلاش‌های چند ماه اخیر برخی مجامع بین المللی که تاکنون، علی رغم اتلاف وقت که ممکن است موجب سوء استفاده دشمن شود، نتوانسته قضایای جاری را به سمت حل عادلانه سوق دهد و خوشبینی به این تلاش‌ها را کاملاً ضعیف ساخته است. شورای‌عالی پشتیبانی با غور و بررسی کامل طی جلسات متعدد، پس از تشکیل سمیناری مرکب از جمع کثیری از علمای اعلام و ائمه محترم جمعه و مسئولین دولتی و نهادهای انقلابی، و با توجه به آمادگی مشتاقانه مردم برای شرکت در دفاع مقدس، به این نتیجه رسیده است که برای تهیه عده و عده‌های لازم جهت یک سلسله عملیات متوالی و مؤثر در سراسر خطوط تماس

و تدارک تجهیزات ضروری برای این مقطع حساس، لازم است از امکانات کشور بیش از گذشته استفاده شود. مستدعی است اوامر و ارشادات عالی را ابلاغ فرمایید. شورای‌عالی پشتیبانی جنگ – ۱۹ ربیع الاول یک هزار و چهار صدو هشت – ۶۶/۸/۲۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای‌عالی پشتیبانی جنگ – اعزهم الله تعالی

واضح است و کراراً گفته شده است که این جنگ تحمیلی در رأس امور واقع است؛ و لازم است به همت همه اقشار کشور هر چه سریع تر با عنایات حق تعالی پیروزی به دست آید. بنابراین، آنچه که شورای‌عالی پشتیبانی جنگ و متخصصان امور جنگی ضرورت تشخیص داده اند، باید عمل شود و کوتاهی نگردد. در این فرصت از تمام اقشار ملت، خصوصاً علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعات و خطبای محترم، لازم است تشکر کنم، که با صرف جان و عزیزان و مال خود در راه مقاصد اسلام به طور شایسته عمل به وظیفه الهی نمودند؛ و از ملت عظیم که با راهپیمایی های اخیر پشت جنایتکاران پلید خصوصاً امریکا را لرزاند، با تمام وجود قدردانی نمایم.

از خداوند تعالی قدرت هر چه بیشتر رزمندگان و پیروزی آنان، و رحمت و سعادت شهدا و جانبازان، و آزادی اسرا و صبر داغدیدگان، و سلامت و پشتکار دست اندرکاران، را طلب می کنم.

[روح الله الموسوی الخمینی]

موافقت امام(ره) با ترفیع درجه

زمان: ۲۵ آبان ۲۳/۱۳۶۶ ربیع الاول ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با ترفیع درجه فرمانده ژاندارمری و شهربانی

مخاطب: محتشمی، سید علی اکبر (وزیر کشور)

[محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی و فرماندهی معظم کل قوا، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مد ظله العالی

با سلام و دعا، خاطر شریف را مستحضر می دارد، درجه فرمانده ژاندارمری و ریاست شهربانی در گذشته و همواره با درجه فرماندهان نیروهای سه گانه نظامی (زمینی – هوایی – دریایی) یکسان بوده است که اخیراً با موافقت حضرتعالی فرماندهان نیروهای نظامی به درجه امیری مفتخر گردیده اند. لذا نظر به رعایت ملاحظاتی که در کارآیی و تشویق نیروهای انتظامی دخیل بوده و نیز رضایتی که از عملکرد فرماندهان این نیروها حاصل است، تقاضا دارد موافقت فرمایند تا سرکار سرهنگ محمد سهرابی، فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی و سرکار سرهنگ سید رضا نیک نژاد، ریاست شهربانی جمهوری اسلامی نیز به اخذ درجه امیری (سرتیپی) مفتخر گردند. توضیح اینکه قبلاً در مشورت این امر با ریاست محترم جمهوری نظر موافق ایشان دریافت شده است. در خاتمه با اغتنام از فرصت از درگاه خداوند متعال طول عمر آن وجود شریف و پیروزی عاجل رزمندگان اسلام را مسئلت می دارد. سید علی اکبر محتشمی – وزیر کشور]

بسمه تعالی

موافقت می شود. [۱] ان شاءالله موفق به خدمت مردم باشند.

۶۶/۸/۲۵ – روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ – به استناد به وظایف و اختیارات رهبری، به عنوان فرمانده کل قوا، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

پاسخ استفتاء در مورد اختیارات دولت

زمان: ۱۶ آذر ۱۵/۱۳۶۶ ربیع الثانی ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: حق دولت در تعیین شروط الزامی برای واحدهای بهره مند از خدمات دولتی
سئوال کننده: آقای سرحدی زاده، وزیر کار و امور اجتماعی

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مد ظله العالی

با آرزوی سلامتی و طول عمر برای آن وجود شریف و امید پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان عزیز اسلام علیه کفر جهانی، استدعا دارد با توجه به کیفیت و نوع کار این وزارتخانه در ارتباط با واحدهای تولیدی و خدماتی بخش خصوصی در مورد سئوال زیر، این وزارت را راهنمایی و ارشاد فرمایید:

« آیا می توان برای واحدهایی که از امکانات و خدمات دولتی وعمومی مانند: آب، برق، تلفن، سوخت، ارز، مواد اولیه، بندر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره به نحوی از انحا استفاده می نمایند، اعم از اینکه این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد و یا به تازگی به عمل آید، در ازای این استفاده شروطی الزامی را مقرر نمود؟»
والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته. ملتمس دعا. ابوالقاسم سرحدی زاده – وزیر کار و امور اجتماعی] .

بسمه تعالی

در هر دو صورت چه گذشته و چه حال، دولت می تواند شروط الزامی را مقرر نماید.
روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ حضرت امام به نامه شورای نگهبان

زمان: ۲۶ آذر ۱۳۶۶/ ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: حدود اختیارات دولت در بخشهای اجتماعی، اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی
مخاطب: آیت الله صافی گلپایگانی، دبیر شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر شریف حضرت مستطاب رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی امام خمینی – دامت برکاته

با عرض سلام و تحیت و مسئلت طول عمر و سلامت وجود مبارک در ظل عنایات خاصه حضرت بقیه الله – ارواح العالمین له الفداء – تصدیع می دهد:

از فتوای صادره از ناحیه حضرتعالی که، دولت می تواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی مقرر نماید، به طور وسیع بعض اشخاص استظهار نموده‌اند که دولت می تواند هرگونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازرگانی، امور شهری، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلیه و مستقیم اسلام قرار دهد و خدمات و امکاناتی را که منحصر به او شده است و مردم در استفاده از آنها مضطر یا شبه مضطر می باشند وسیله اعمال سیاست های عام و کلی بنماید و افعال و تروک مباحه شرعیه را تحریم یا الزام نماید. بدیهی است در امکاناتی که در انحصار دولت

نیست و دولت مانند یک طرف عادی عمل می کند و یا مربوط به مقرر کردن نظام عام در مسائل عامه نیست و یا مربوط به نظام استفاده از خود آن خدمت است، جواز این شرط مشروع و غیر قابل تردید است، اما در امور عامه و خدماتی که به دولت منحصر شده است به عنوان شرط مقرر داشتن نظامات مختلف که قابل شمول نسبت به تمام موارد و اقشار و اصناف و اشخاص است، موجب این نگرانی شده است که نظامات اسلام از مزارعه — اجاره — تجارت عائله و سایر روابط به تدریج عملاً منع و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد و خلاصه استظهار این اشخاص که می‌خواهند در برقرار کردن هرگونه نظام اجتماعی و اقتصادی، این فتوا را مستمسک قرار دهند، به نظر آنها باب عرضه هر نظام را مفتوح نموده است. بدیهی است همان طور که در همه موارد نظر مبارک راهگشای عموم بوده در این مورد نیز رافع اشتباه خواهد شد.

دبیر شورای نگهبان — لطف الله صافی

بسمه تعالی

دولت می تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات وزارت دولتی می کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد. و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد، بلکه در انفال که در زمان حکومت اسلامی امرش با حکومت است، می تواند بدون شرط یا با شرط الزامی این امر را اجرا کند و حضرات آقایان محترم به شایعاتی که از طرف استفاده جویان بی بند و بار با مخالفان با نظام جمهوری اسلامی پخش می شود، اعتنایی نکنند که شایعات هر امری ممکن است.

پاسخ استفتاء

درباره برنامه‌های تلویزیونی

زمان: ۳۰ آذر ۲۹/۱۳۶۶ ربیع الثانی ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: برنامه های نمایشی و فیلم های تلویزیون

سئوال کننده: آقای هاشمی، رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی و آقای اسماعیل فردوسی‌پور، عضو شورای اعضای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی

[بسمه تعالی. همچنان که استحضار دارید در برخی از برنامه های نمایشی سیمای جمهوری اسلامی ایران نظیر فیلم های سینمایی یا سایر برنامه های نمایشی اعم از داخلی و خارجی، زنان نمایشگر حضور دارند که حسب موضوع بعضاً از ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر بر خوردار نیستند و همچنین در پاره ای از ورزش‌های مرسوم از قبیل «کشتی» و « فوتبال» قسمتی از بدن ورزشکاران مرد پوشیده نیست، استدعا دارد جهت روشن شدن موضوع نظر مبارک را در خصوص موارد زیر اعلام فرمایید:

۱ — پخش برنامه های تلویزیونی که در آنها برحسب موضوع زنانی ایفای نقش می‌نمایند که ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر را رعایت ننموده اند.

۲ – پخش برنامه های ورزشی نظیر کشتی و فوتبال که در آن قسمتی از بدن مردان ورزشکار پوشیده نیست.

۳ – نگاه کردن به برنامه های فوق الذکر که از تلویزیون پخش می شود.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته - محمد هاشمی

بسمه تعالی

محترماً معروض می دارد، در رابطه با پخش برخی فیلم های خارجی یا تولید داخلی و سریال هایی مانند «پاییز صحرا» و «آیینه»، «نفوذ» و غیره و همچنین پخش آهنگ‌های موسیقی از صدا و سیما، از سوی امت شهیدپرور شکایاتی به شورای سرپرستی می رسد مبنی بر اینکه پخش این فیلم ها و سریال‌ها و آهنگ‌ها خلاف شرع مقدس اسلام و مخالف اهداف عالی انقلاب است و با نظام جمهوری اسلامی تناسب ندارد و هزینه کردن بودجه برای ساختن آن اسراف محسوب می شود، گو اینکه احیاناً جنبه های آموزنده، تفریحی و سرگرم کننده نیز دارد.

در انطباق اینگونه موارد با فتاوای موجود در رساله های عملیه و تحریرالوسیله آن حضرت و احراز و تفکیک مجاز از غیرمجاز اختلاف نظر وجود دارد و نمی توان جواب صریح و صحیحی به مستشکلان ارائه نمود. اختلاف سلیقه نیز الی ما انشاءالله موجود است و انسان نمی داند چه باید بکند و در این شرایط حساس جنگی که از اهم امور است تکلیف چیست؟

نکته دیگر اینکه وقتی شکایات که معمولاً از امت مورد توجه امام بزرگوار می باشد به مدیران و مسئولان اجرایی ارجاع می شود می گویند، امام – مدظله العالی- تمام این برنامه‌ها را می بینند و آهنگ ها را گوش می کنند، اگر اشکالی داشته باشد تذکر می دهند. از آنجا که رسیدگی به شکایات و پاسخ به آنها و اقدام فوری برای رفع نواقص، یکی از وظایف قانونی شورای سرپرستی می باشد، مستدعی است، نظر مبارک را نسبت به موارد یاد شده مرقوم فرمایید تا بتوانیم از آغاز دوره جدید، وظیفه خطیر شرعی و قانوني خود را به خوبی انجام دهیم و در پیشگاه آن امام عظیم الشأن و امت الهی ایران مسئول نباشیم.

اسماعیل فردوسی پور]

بسمه تعالی

نظر نمودن به این قبیل فیلم ها و نمایشنامه ها هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد. و همین طور فیلم‌های ورزشی و آهنگ‌ها اکثراً بی اشکال است. گاهی خلاف به طور نادر دیده می شود، که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود: اول آنکه کسانی که گریم می کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد. دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند.

روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ استفتاء رئیس جمهور

زمان: ۳ دی ۲/۱۳۶۶ جمادی الاول ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: حکم تماشای فیلم های تلویزیونی شهوت انگیز

سئوال کننده: آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب حضرت ا مام خمینی - مدظله العالی

فتوای حضرت عالی در پاسخ به نظر خواهی مسئولان صدا و سیما در مورد فیلم ها و آهنگ ها پاسخ قاطعی به ابهام‌ها بود و خیال مردم و مسئولین را از جهت فتوای حضرتعالی آسوده کرد. باقی می ماند این نکته که حضرتعالی جواز تماشای فیلم‌ها را موقوف فرموده‌اید به اینکه شهوت انگیز نباشد. واقعیت این است که تماشای پیکر عریان ورزشکاران برای بسیاری از زنان و تماشای چهره و حرکات بسیاری از زنان در فیلم ها برای اغلب جوانان شهوت انگیز است. سئوال این است که آیا مسئولان صدا و سیما وظیفه دارند که آنچه که برای بسیاری از مردم شهوت انگیز است پخش نکنند؟ و آیا ما به عنوان مسئولین کشور وظیفه داریم آنها را از تهیه و تولید و پخش آن منع کنیم؟ یا اینکه چنین وظیفه ای بر عهده ما نیست و کافی است به مردم بگوییم هر که با تماشای این فیلم‌ها دچار شهوت می شود به تلویزیون ما نگاه نکند؟ مستدعی است حقیر را در این مورد راهنمایی فرمایند. ادام الله عزکم و ظلکم.

۶۶/۱۰/۲ - سید علی خامنه ای]

بسمه تعالی

هر کس با تماشای این فیلم‌ها دچار شهوت شود باید اجتناب کند و هر کس با شهوت به این فیلم ها نگاه کند، مرتکب گناه شده است.

۶۶/۱۰/۳ - روح الله ا لموسوی الخمینی

پاسخ به نامه وزیر اطلاعات

زمان: ۱۵ بهمن ۱۳۶۶/ ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: اجتناب وزارت اطلاعات از جستجو در برخی پرونده ها
مخاطب: آقای محمدی ری شهری، وزیر اطلاعات

[آقای ری شهری وزیر اطلاعات طی نامه ای به تاریخ ۶۶/۱۱/۱۳ به بیان آثار زیانبار در اختیار نهادن پرونده های در حال پیگیری آن وزارتخانه به نمایندگان مجلس، و اینکه از اطلاعات موجود در اینگونه پرونده ها - که از نظر سیر قضایی و شرعی هنوز به اثبات نرسیده اند - چه بسا بهره برداری سیاسی شود؛ خواستار کسب نظر امام خمینی شده است. امام در پاسخ چنین مرقوم فرموده اند:]

بسمه تعالی

فحص از پرونده متهمین با خصوصیات ذکر شده خلاف شرع و قانون اساسی است و وزارت اطلاعات مجاز به اجازه فحص از اینگونه پرونده ها نمی باشد.

۶۶/۱۱/۱۵

روح الله الموسوی الخمینی

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

زمان: ۱۷ بهمن ۱۷/۱۳۶۶ جمادی الثانی ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام
مخاطب: آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور، آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان‌عالی کشور، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، نماینده امام خمینی در جلسه هماهنگی سران سه قوه، آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر

[بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر عظیم الشأن، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – دامت برکات وجوده الشریف

در سایه اظهارات اخیر آن وجود مبارک، از لحاظ نظری مشکلاتی که در راه قانونگذاری و اداره جامعه اسلامی به چشم می خورد برطرف شده؛ و همان گونه که انتظار می رفت این راهنمایی ها مورد اتفاق نظر صاحبنظران قرار گرفت. مسئله‌ای که باقی مانده شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام حکومتی است. در حال حاضر لوایح قانونی ابتدا در وزارتخانه های مربوط، و سپس در کمیسیون مربوط در دولت، و سپس در جلسه هیأت دولت مورد شور قرار می گیرد. و پس از تصویب در مجلس، معمولاً

دو شور در کمیسیون‌های تخصصی دارد، که با حضور کارشناسان دولت و بررسی نظرات متخصصان، که معمولاً پس از اعلام و انتشار به کمیسیون‌ها می رسد، انجام می شود. و معمولاً یک لایحه در چند کمیسیون، به تناسب مطالب، مورد بررسی قرار می گیرد. و دو شور هم در جلسه علنی دارد، که همه نمایندگان و وزرا یا معاونان وزارتخانه های مربوط در آن شرکت می کنند، و به تناسب تخصص‌ها اظهار نظر می کنند و پیشنهاد اصلاحی می‌دهند. و اگر کار به صورت طرح شروع شود، گرچه ابتدا کارشناسی دولت را همراه ندارد، ولی در کمیسیون‌ها و جلسه عمومی، همانند لوایح، کارشناسان مربوط نظرات خود را مطرح می کنند. پس ازتصویب نهایی، شورای نگهبان هم نظرات خود را در قالب احکام شرعی یا قانون اساسی اعلام می دارد که در مواردی مجلس نظر آنها را تأمین می نماید. و در مواردی از نظر مجلس قابل تأمین نیست، که در این صورت مجلس و شورای نگهبان نمی توانند توافق کنند. و همین جاست که نیاز به دخالت ولایت فقیه و تشخیص موضوع حکم حکومتی پیش می آید. گرچه موارد فراوانی از این نمونه ها در حقیقت اختلاف ناشی از نظرات کارشناسان است که موضوع احکام اسلام یا کلیات قوانین اساسی را خلق می کند. اطلاع یافته ایم که جنابعالی در صدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان، از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی یا تشخیص مصلحت نظام و جامعه حکم حکومتی را بیان نماید. در صورتی که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید، با توجه به اینکه هم اکنون موارد متعددی از مسائل مهم جامعه بلاتکلیف مانده، سرعت عمل مطلوب است.

عبدالکریم موسوی – سید علی خامنه ای – احمد خمینی- میرحسین موسوی – اکبر هاشمی رفسنجانی]

بسم الله الرحمن الرحیم

گرچه به نظر اینجانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان، که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام: خامنه ای، هاشمی، اردبیلی،

توسلی، موسوی خوئینی ها، و جناب آقای میرحسین موسوی، و وزیر مربوط، برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد؛ و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد. احمد در این مجمع شرکت می نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سریع‌تر برسد.

حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمی است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد. امروز جهان اسلام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سئوال برد، و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خدای متعال می خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید.

به تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶
روح الله الموسوی الخمینی

نامه امام(ره) در خصوص شورای عالی پشتیبانی جنگ

زمان: ۱۹ بهمن ۱۹/۱۳۶۶ جمادی الثانی ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: مصوبات شورای‌عالی پشتیبانی جنگ
مخاطب: آیت الله خامنه ای رئیس جمهور

[بسمه تعالی، محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مدظله العالی

با اهدای سلام و تحیت و تقدیم احترام، همان گونه که خاطر عالی مستحضر است، شورای‌عالی پشتیبانی جنگ برای به کارگیری هر چه بهتر امکانات در خدمت جنگ و اقدامات مؤثر در بسیج نیروها و امکانات به جبهه تشکیل گردیده و حضرتعالی اجازه فرمودید که مصوباتی به نفع جنگ وضع کند حتی در مواردی که با قانون منطبق نباشد و این مصوبات تا پایان جنگ برای دستگاه های مختلف لازم الاجرا است.

گرچه در پاسخ مبارک آن حضرت به نامه شورای‌عالی اذن شفاهی قبلی مجدداً مورد تأیید قرار گرفت لکن به لحاظ حفظ مبنای قانونی مصوبات خواهشمند است در صورت مصلحت نظر مبارک را در این زمینه مرقوم فرمایید.

سید علی خامنه ای – رئیس شورای‌عالی پشتیبانی جنگ]

بسمه تعالی

مصوبات شورای‌عالی پشتیبانی جنگ تا پایان جنگ لازم الاجرا می باشد.

۶۶/۱۱/۱۹ - روح الله الموسوی الخمینی

اختیارات جانشین نماینده رهبری در سپاه

زمان: ۱۹ بهمن ۱۹/۱۳۶۶ جمادی الثانی ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: حدود اختیارات جانشین نماینده رهبری در سپاه پاسداران

مخاطب: حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی جانشین نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران

[محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا، حضرت امام خمینی - روحی فداه

با اهدای سلام و تحیات، دومین سالگرد شهادت نماینده حضرت مستطاب عالی در سپاه پاسداران حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ فضل الله محلاتی [۱] - رضوان الله علیه را تسلیت عرض می نمایم. با فرا رسیدن ایام انتخابات مجلس شورای اسلامی و امر مؤکد حضرتعالی در مورد عدم ورود نیروهای مسلح در مناقشات سیاسی استدعا دارم به دلیل ابهاماتی که برای بعضی برادران پیش آمده است، در صورت امکان پاسخ دو سئوال ذیل را مرقوم فرمایید: ۱ - مسئولیت رسیدگی به مسئله عدم ورود نیروهای سپاه و بسیج در مناقشات سیاسی بر اساس حکم حضرتعالی بر عهده نماینده حضرتعالی و شورای‌عالی سپاه بوده است. آیا اینجانب به عنوان جانشین نمایندگی حضرتعالی در مورد رسیدگی به

[۱] - نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران در جریان حمله رژیم بعث عراق به هواپیمای مسافربری در خوزستان به همراه عده ای از شخصیت های مذهبی، سیاسی و نظامی کشور به شهادت رسید.

تخلفات در امر انتخابات که مصداق روشن عدم ورود در مناقشات سیاسی است مسئولیتی دارد یا خیر.؟ ۲ – آیا این حکم، خاص سپاه کشوری (سپاه قدیم) است یا شامل نیروهای سه گانه سپاه که به امر حضرتعالی تشکیل شده است نیز می‌باشد؟ با دعای طول عمر حضرت امام و پیروزی کامل سپاه اسلام.

جانشین نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران – محمود محمدی]

بسمه تعالی

در مورد مسئله اول جنابعالی مسئول می باشید. و در مورد دوم، جکم شامل همه سپاه – سپاه قدیم و نیروهای سه گانه سپاه – می باشد.

۶۶/۱۱/۱۹

روح الله الموسوی الخمینی

تأمین هزینه‌های جنگ

زمان: ۹ اسفند ۱۳۶۶/ ۱۰ رجب ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین هزینه های جنگ

مخاطب: آیت الله خامنه‌ای، رئیس جمهور و ریاست شورای‌عالی پشتیبانی جنگ

[آیت الله خامنه ای، ریاست شورای‌عالی پشتیبانی جنگ، طی نامه ای به محضر امام خمینی درخواست نموده‌اند اجازه تأمین کسری اعتبار لازم برای هزینه های ضروری جبهه‌های جنگ از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تأمین و پرداخت گردد. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده اند:]

بسمه تعالی

در صورتی که شورای‌عالی پشتیبانی جنگ ضرورت را تصدیق کنند، مجازید. انشاءالله تعالی موفق باشید.

۶۶/۱۲/۹

روح الله الموسوی الخمینی

تقدیر از دلاوری‌های رزمندگان اسلام

زمان: ۲۷ اسفند ۲۸/۱۳۶۶ رجب ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر از دلاوری‌های رزمندگان اسلام

مخاطب: آقای محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای محسن رضایی، فرمانده محترم کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

از عنایات خداوند بزرگ و توجه رسول معظم او به این ملت مقاوم و ایثارگر و رزمندگان سلحشور اسلام در پیروزی بزرگ و برق آسای «والفجر ۱۰» سپاسگزارم. به یقین این هدیه الهی، از ختم این سال پرحادثه، تحقق وعده ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم [1] از ثمره مقاومت بی نظیر این ملت بزرگ در برابر حملات بزدلانه عفلقیان [2] در بمباران شهرهاست. اخبار پیروزی‌ها و حماسه‌های دلاوران اسلام نه تنها دل ملت ما، که قلب همه مستضعفان و محرومان را شادمان نمود؛ و صدام و عفلقیان و حامیان و اربابان او، خصوصاً آمریکا و اسرائیل را عزادار کرد.

---

۱ - بخشی از آیه ۷ سوره محمد (ص): «ای اهل ایمان، اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را (همه جا) یاری می کند و ثابت قدم می گرداند».

۲ - ارتش رژیم بعث عراق.

سلام خالصانه مرا به همه فرماندهان عزیز و شجاع و رزمندگان ظفرمند پیروز سپاه و بسیج و ارتش و هوانیروز و نیروی هوایی و جهادگران دلاور و گمنام و امدادگران و کلیه نیروهای مردمی و کرد ابلاغ کنید. و سلام و تشکر ملت ایران را به مردم شهرهای آزاد شده عراقی، که بدونِ اینکه حتی یک گلوله هم به طرف آنان و شهرهای آنان شلیک شود، با آغوش باز و فریاد «الله اکبر» از رزمندگان ما استقبال نمودند، برسانید؛ و به آنها بگویید که می بینید صدام چگونه دیوانه وار شما و شهرهایتان را بمباران خوشه‌ای و شیمیایی می کند. و خواهیم دید که جهانخواران چگونه در تبلیغات مسموم خود از کنار این پیروزی‌های بزرگ و جنایات صدامیان خواهند گذشت.

اینجانب با تشکر مجدد از ملت مقاوم ایران و رزمندگان عزیز، از جوانان غیرتمند کشور سرافراز اسلامی ایران می خواهم که به جبهه ها عزیمت کنند؛ و با تداوم عملیات خود، مجال تجدید سازمان و تنفس عفلقیان شکست خورده و مستأصل را بگیرند. دست قدرت و نصرت بی انتهای خداوند یار و ناصرتان باد.

به تاریخ ۶۶/۱۲/۲۷

روح الله الموسوی الخمینی

ترکیب هیأت نظارت بر انتخابات

زمان: ۲۹ اسفند ۱۳۶۶/۳۰ رجب ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: ترکیب هیأت نظارت تهران در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: آقای حاج سید احمد خمینی

[بسم الله الرحمن الرحیم

پدر بزرگوار، حضرت امام – مدظله العالی

پس از عرض سلام، در مورد معتمدین و هیأت اجرایی انتخابات تهران آنچه موجب دوگانگی برداشت و نظرات هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان در انتخابات و وزارت کشور شده بود بدین نتیجه رسید که از لیست مورد قبول هیأت نظارت تهران چهار نفر به انتخاب آن هیأت و از لیست مورد قبول وزارت کشور (فرمانداری تهران) چهار نفر به انتخاب فرماندار تهران، هیأت اجرایی تشکیل گردد و کارهایی که تاکنون انجام شده است و اعضای علی البدل به همان صورت قبل باشد. بدیهی است انتخاب اینگونه ای افراد تنها با دستور حضرتعالی بلامانع است و مشکل حل می گردد.

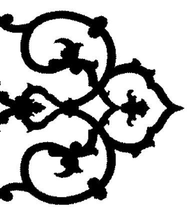
شنبه ۶۶/۱۲/۲۹ – ارادتمند، احمد خمینی]

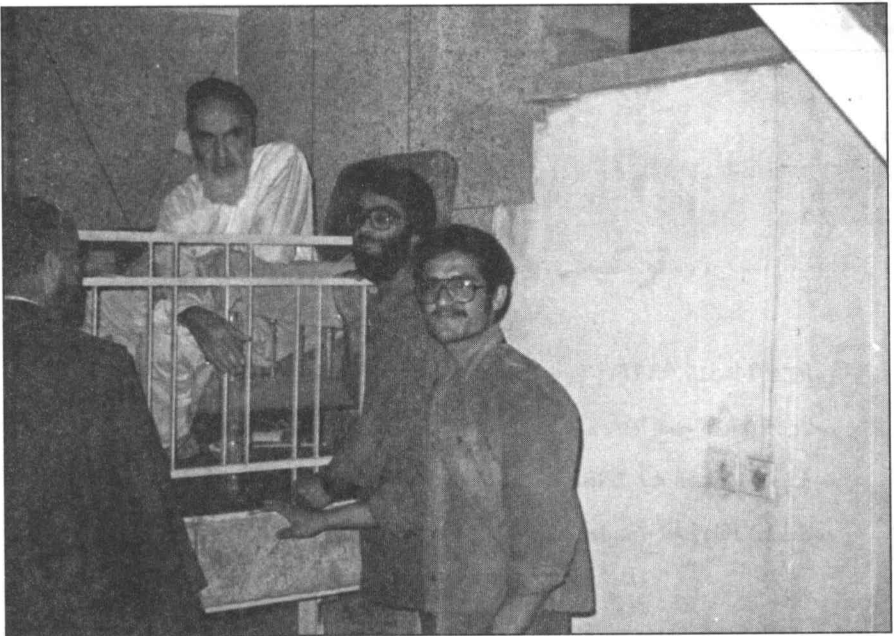
بسمه تعالی

به همین گونه که مرقوم شده است، انجام شود. انشاءالله تعالی موفق باشید.

۶۶/۱۲/۲۹ - روح الله الموسوی الخمینی

تصاویر

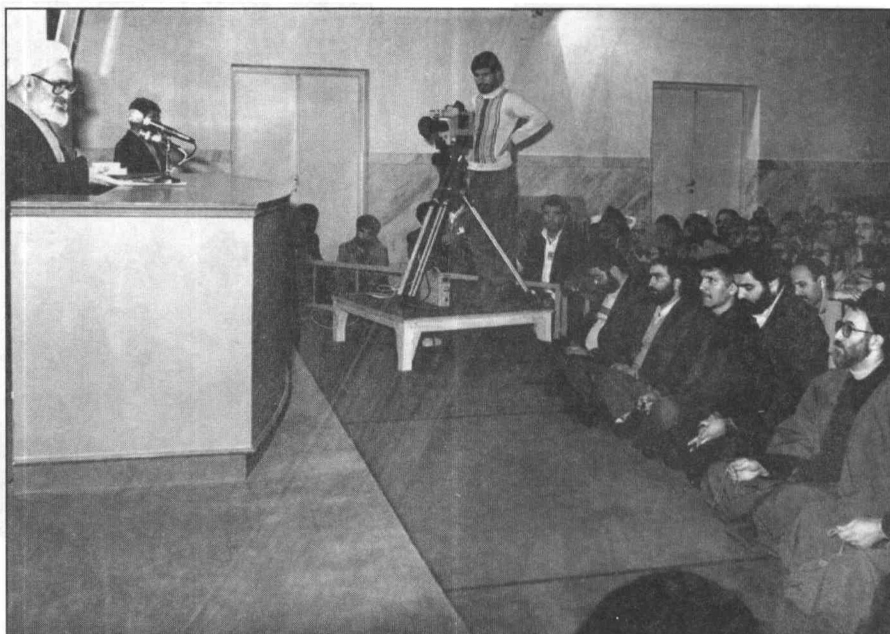


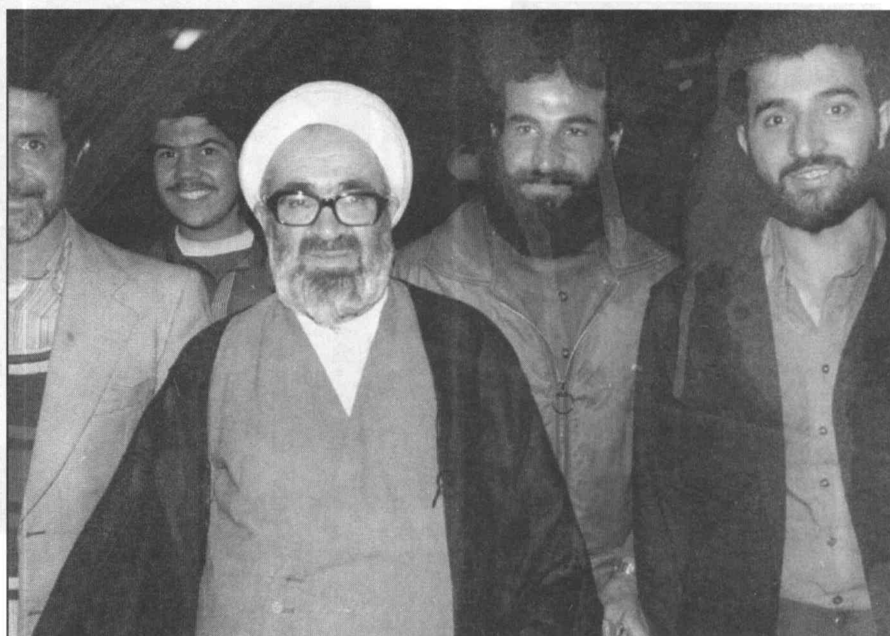


امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

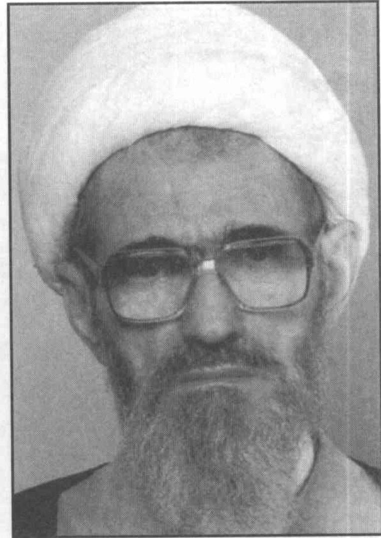


آیت الله خامنه‌ای ریاست جمهوری اسلامی

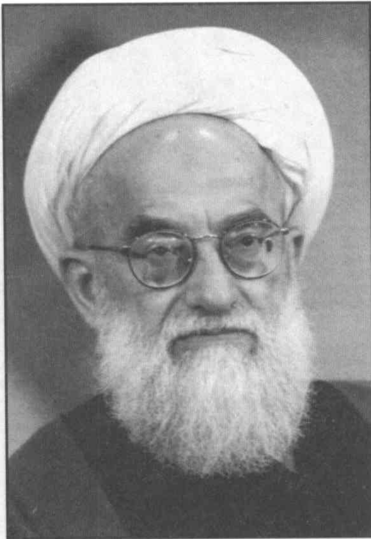




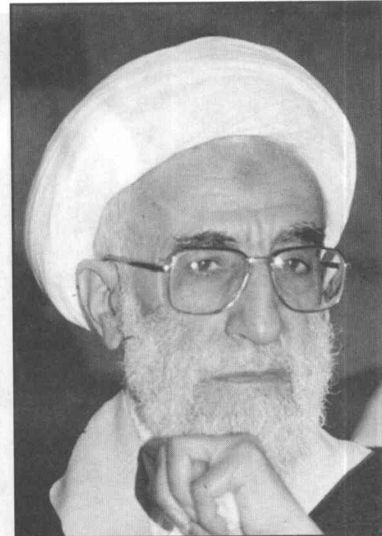
آیت الله حسینعلی منتظری قائم مقام رهبری



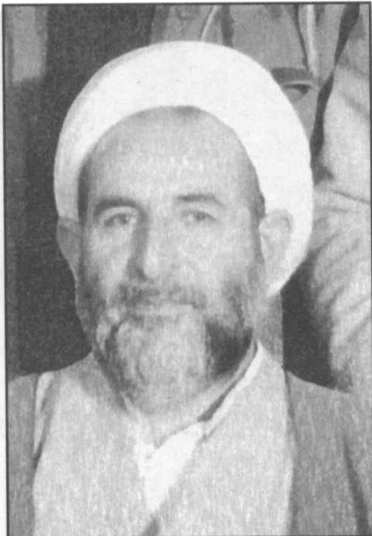
آیت الله علی مشکینی
رئیس مجلس خبرگان رهبری



آیت الله محمد امامی کاشانی
عضو شورای نگهبان



آیت الله احمد جنتی
عضو شورای نگهبان

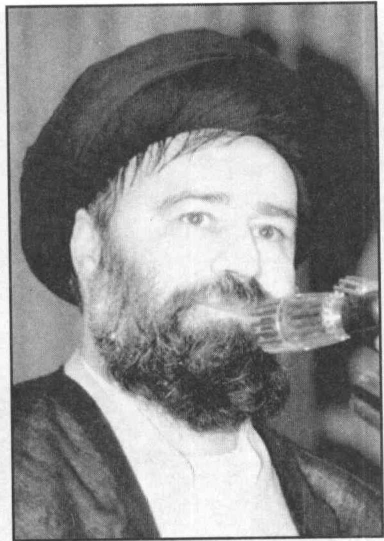


آیت الله محمد یزدی
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

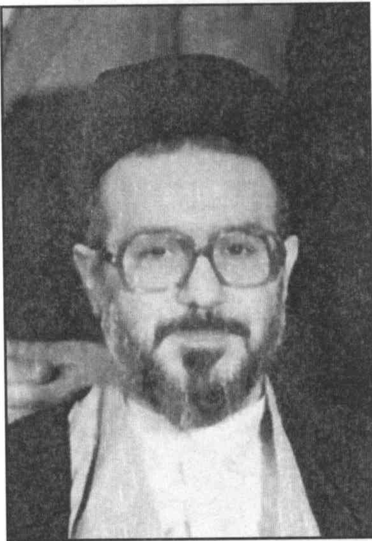




سخنرانی در کنفرانس اندیشه اسلامی



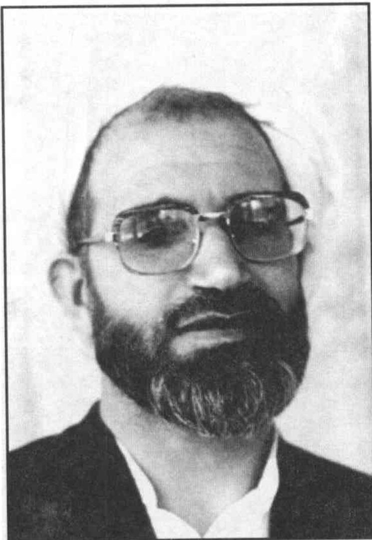
حجت الاسلام و المسلمین حاج سید
احمد خمینی



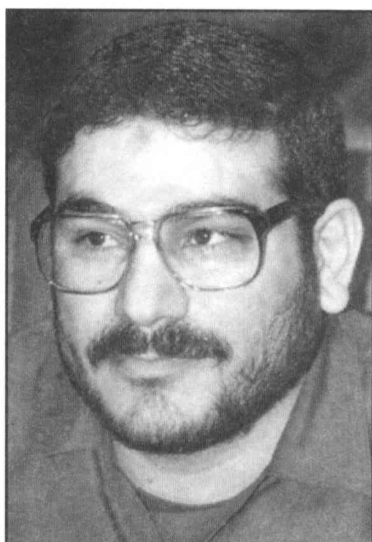
آیت الله سید محمد موسوی خوئینی‌ها
دادستان کل کشور



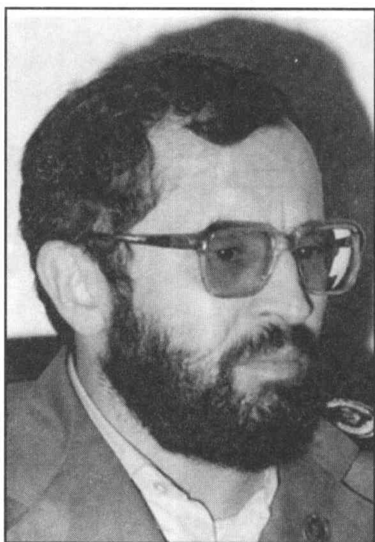
حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر محتشمی پور
وزیر کشور



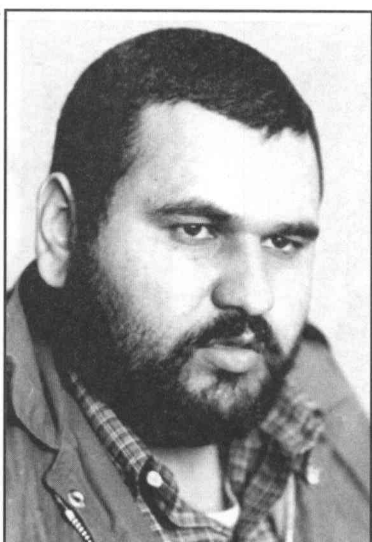
حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی



علی شمخانی جانشین فرمانده کل سپاه
و فرمانده نیروی زمینی



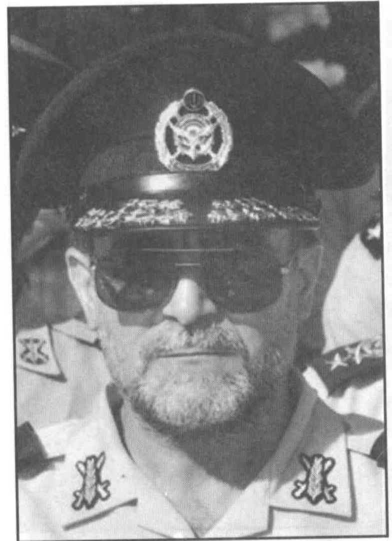
علیرضا افشار رئیس ستاد سپاه پاسداران



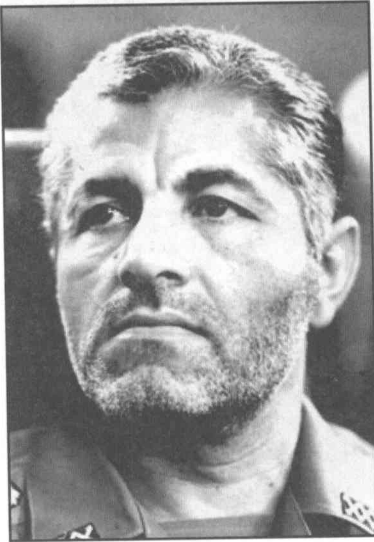
حسن فیروزآبادی مشاور نظامی
نخست وزیر



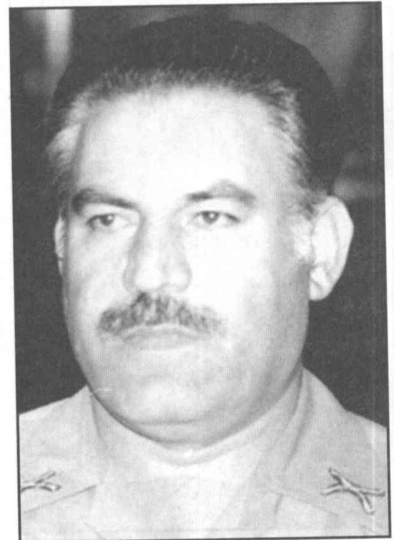
حسین علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه



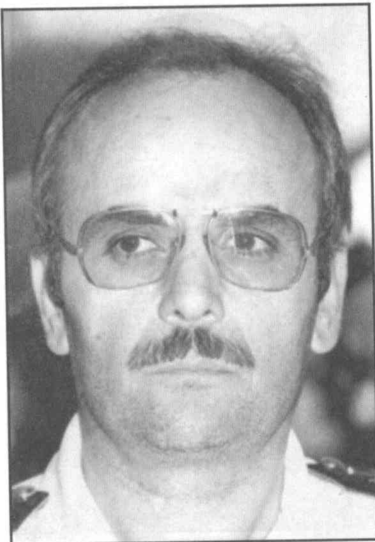
سرهنگ مصطفی ترابی پور فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش



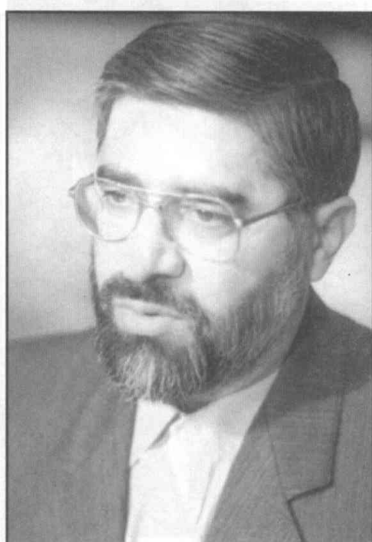
سرهنگ محمد حسین جلالی وزیر دفاع



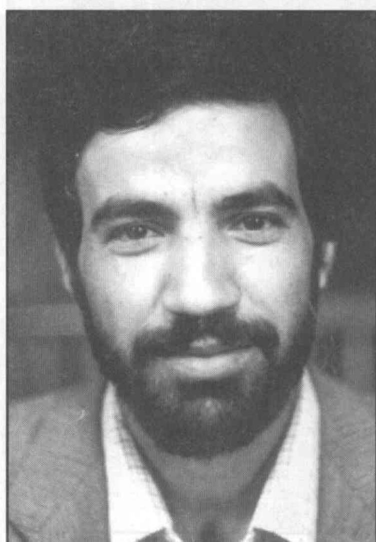
سرتیپ حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی ارتش



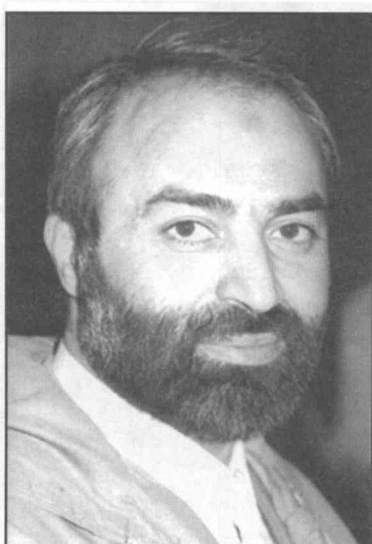
دریادار ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی ارتش



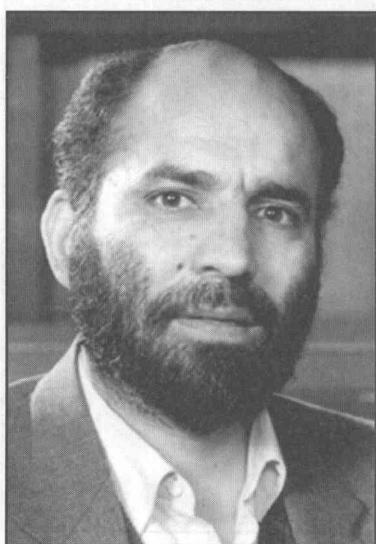
میرحسین موسوی نخست وزیر



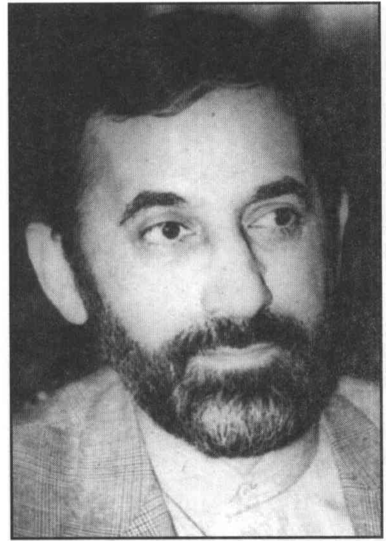
عطاءالله مهاجرانی معاون حقوقی و پارلمانی نخست وزیر



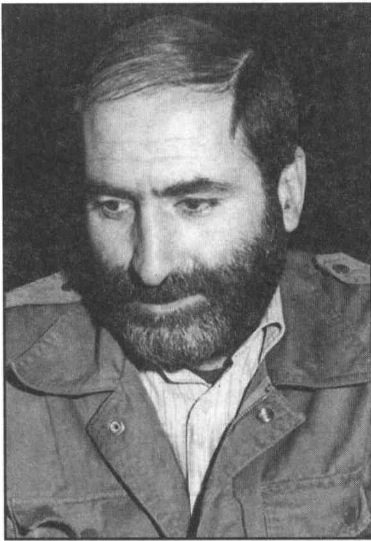
هادی منافی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست



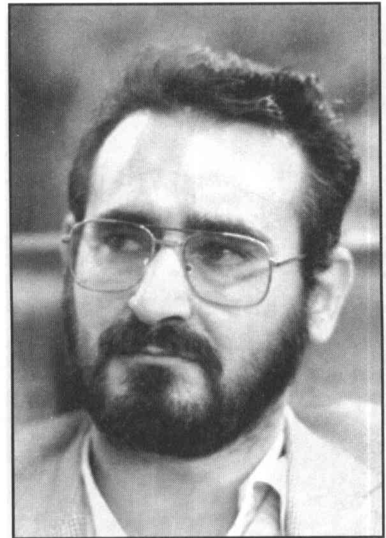
رضا امراللهی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی



علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه



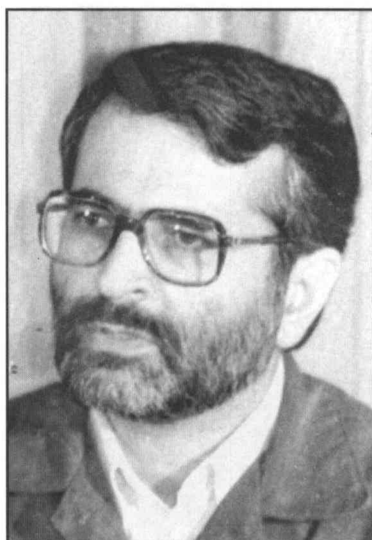
بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین



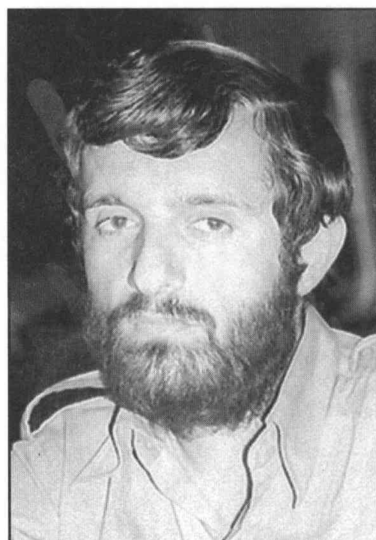
غلامرضا شافعی وزیر صنایع



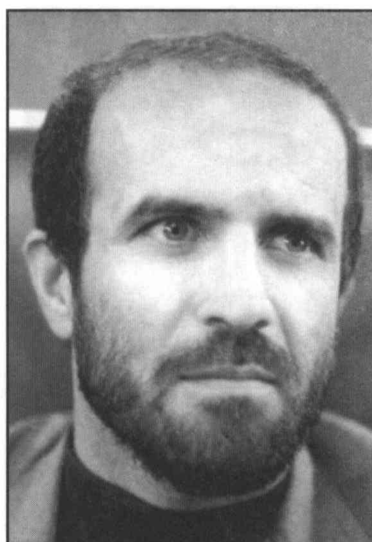
عباسعلی زالی وزیر کشاورزی



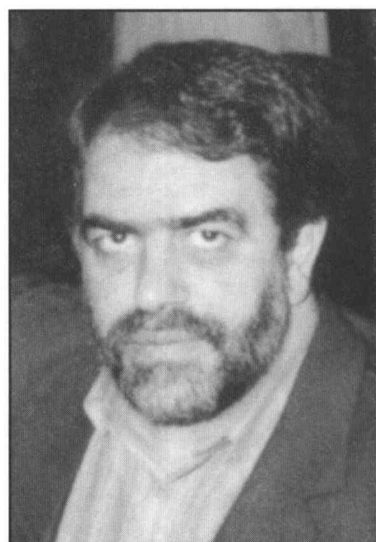
کمال خرازی رئیس ستاد تبلیغات جنگ



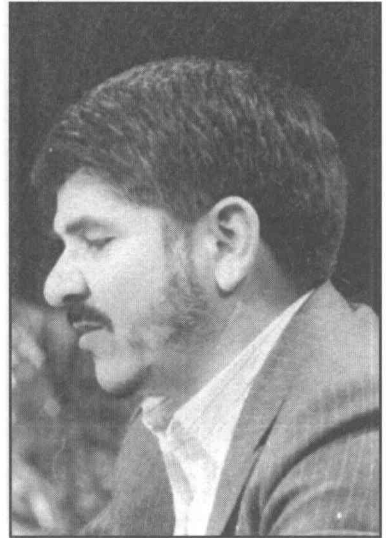
علی آقا محمدی از مسئولان قرارگاه رمضان



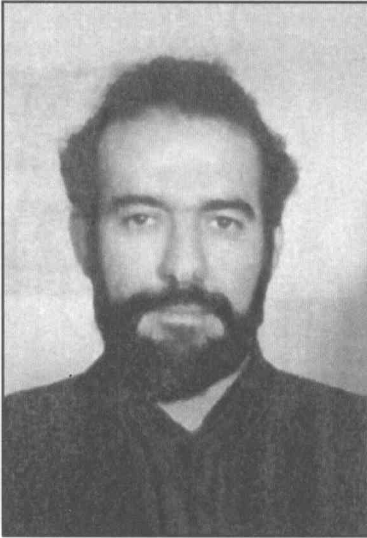
بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی



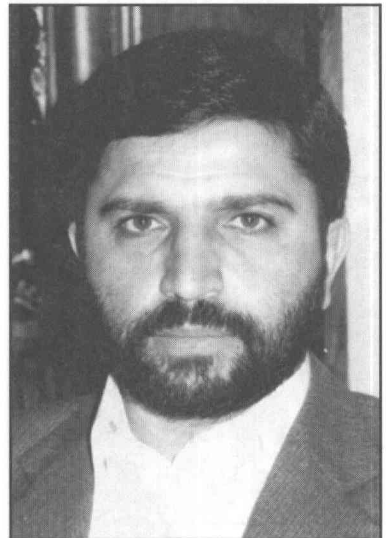
اکبر ترکان رئیس سازمان صنایع دفاع



محمد هاشمی
رئیس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی



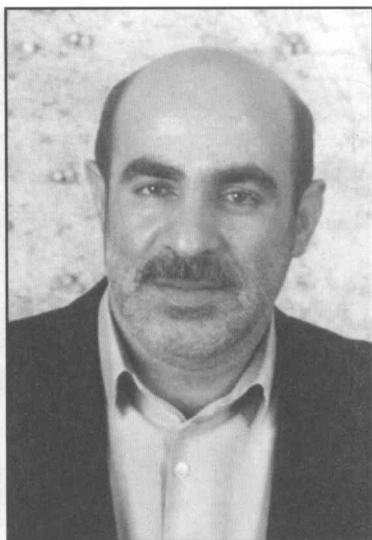
علی محمد بشارتی
قائم مقام وزیر امور خارجه



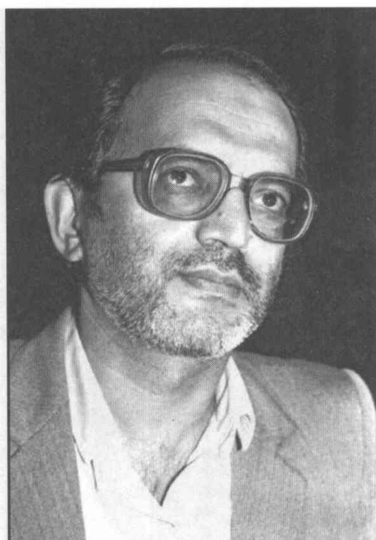
عبدالله جاسبی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی



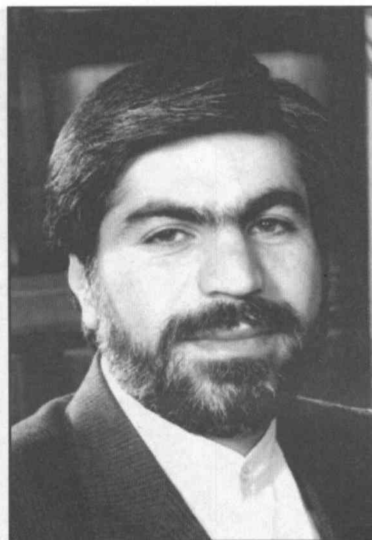
علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر



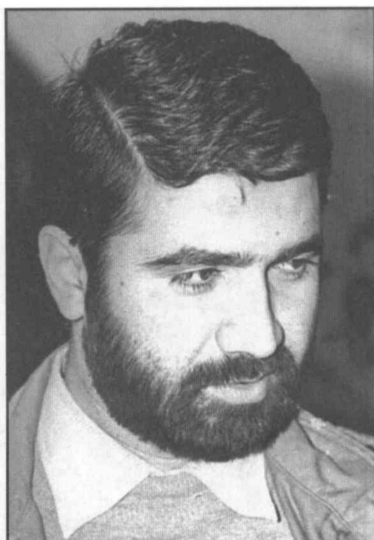
حسین کمالی



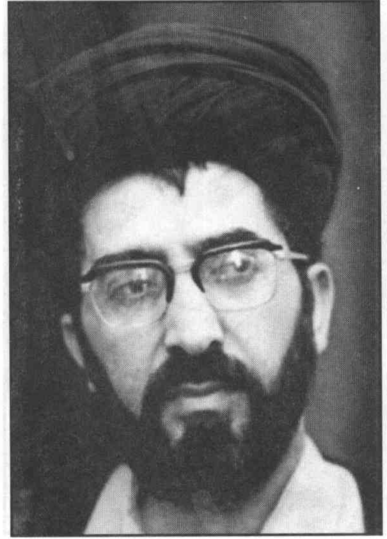
حسین محلوجی



محمد حسین عادلی



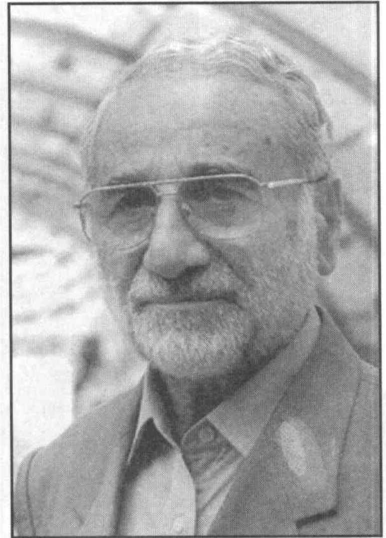
حسین کاظم پور اردبیلی



حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسرو شاهی



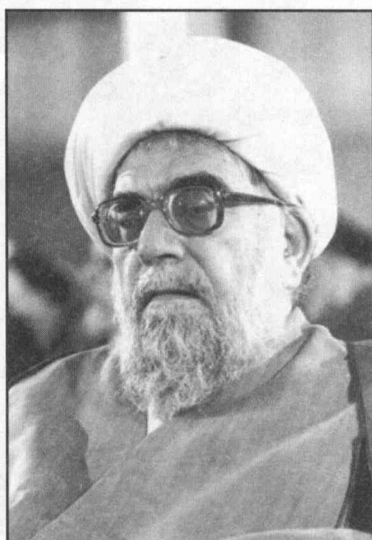
سید صادق طباطبایی



حسین مهدیان



سیف الرضا شهابی



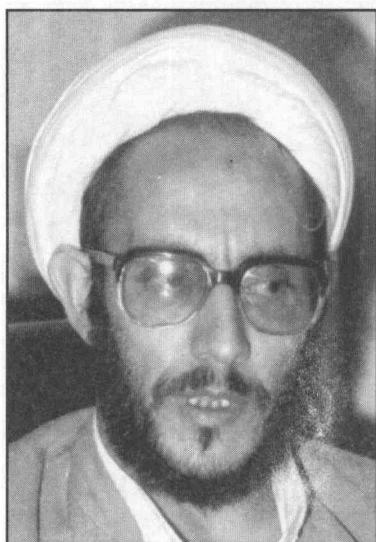
آیت الله شیخ محمد هاشمیان



آیت الله سید محمد باقر حکیم



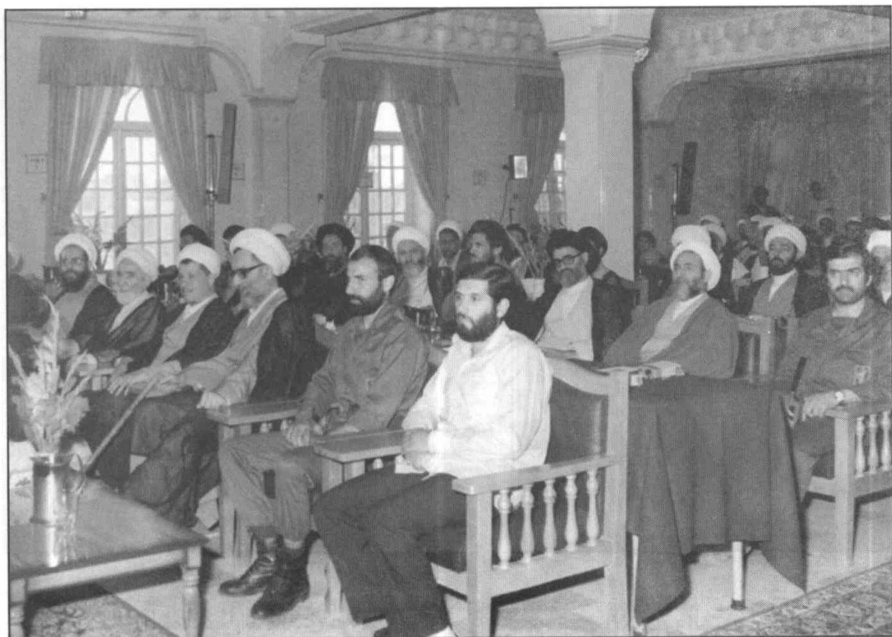
حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی

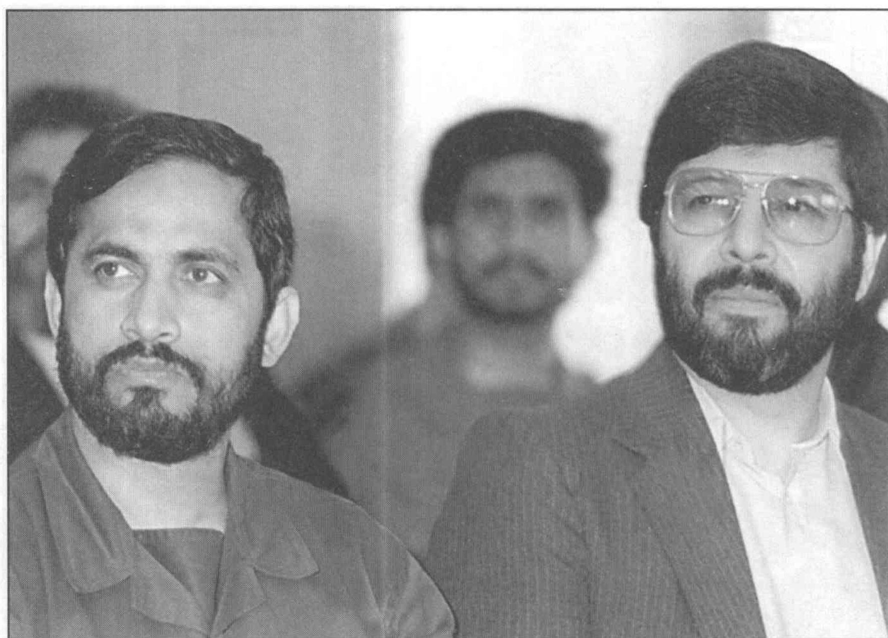


حجت الاسلام والمسلمین علی یونسی

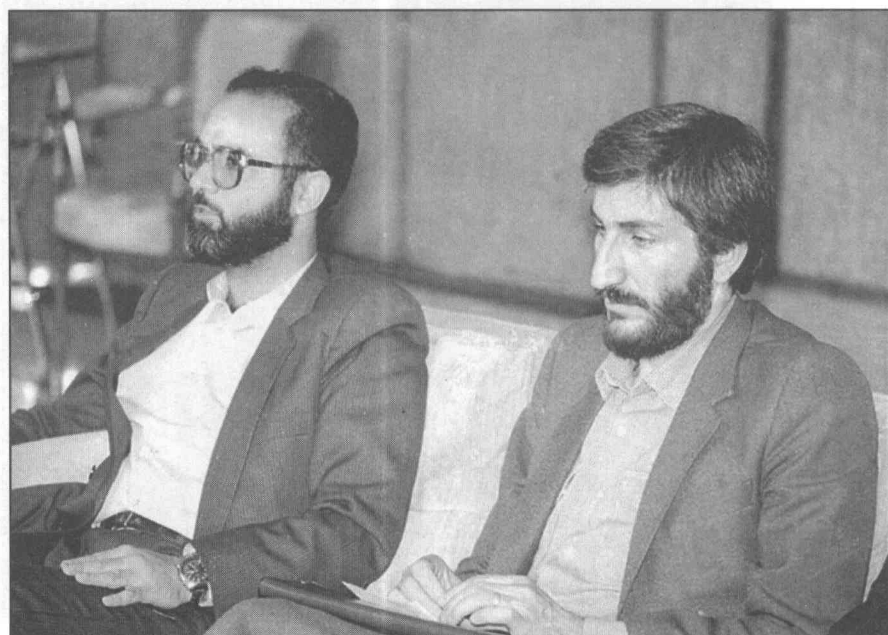


آیت الله واعظ طبسی نماینده ولی فقیه و تولیت آستان قدس رضوی





علیرضا مرندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسدارن



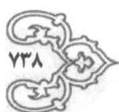
محمد سعیدی‌کیا، وزیر راه و ترابری، محمد جواد ایروانی،
وزیر امور اقتصادی و دارایی



ملاقات و مصاحبه با مسئولان روزنامه اطلاعات



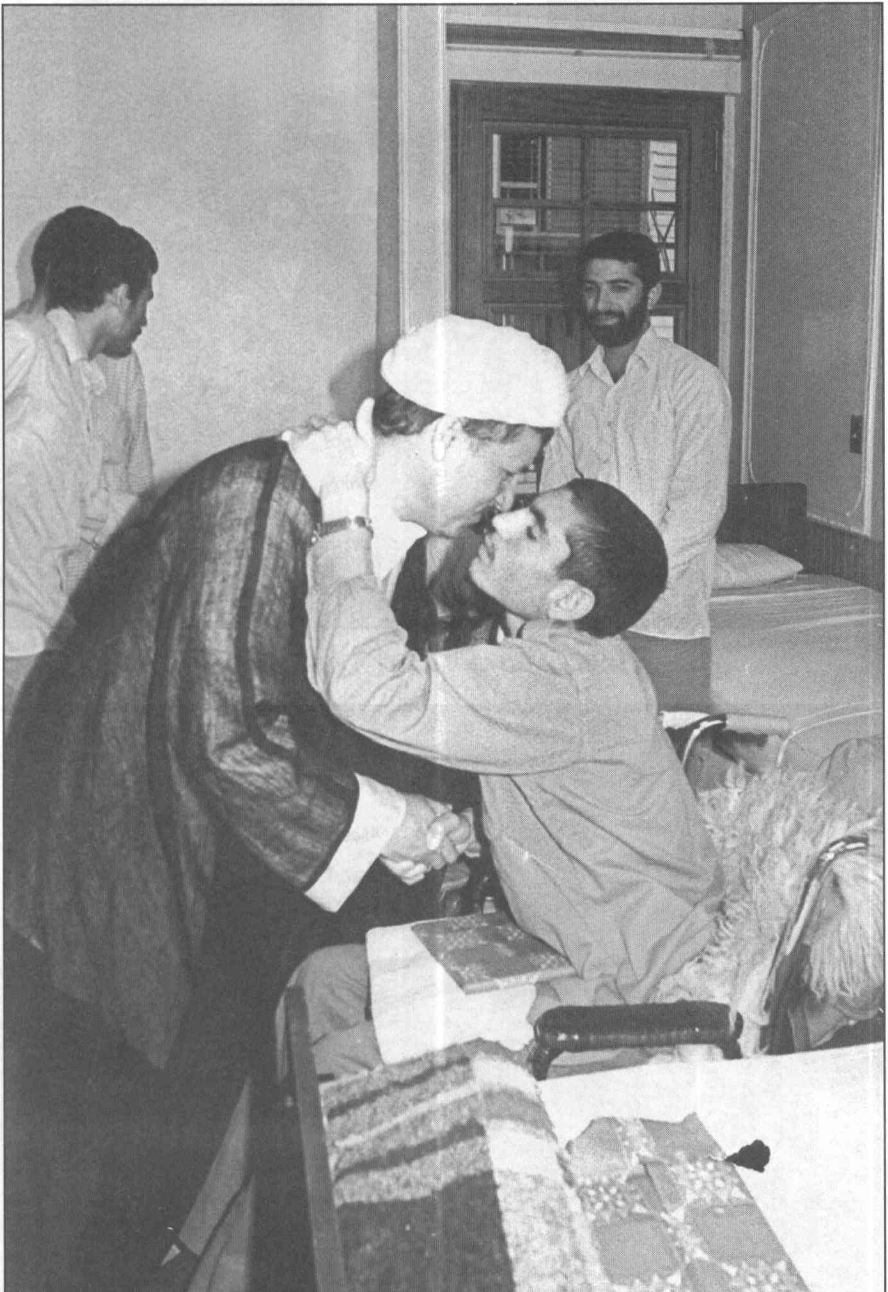
حجت الاسلام والمسلمین علی‌اکبر ناطق نوری







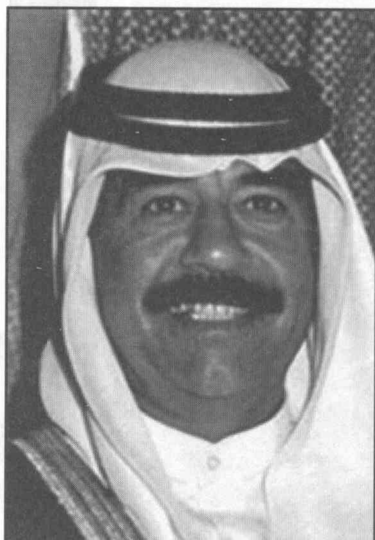
رئیس جمهور در کنار اعضای هیأت دولت



دیدار با مجروحان جنگ تحمیلی



ملک فهد پادشاه عربستان سعودی



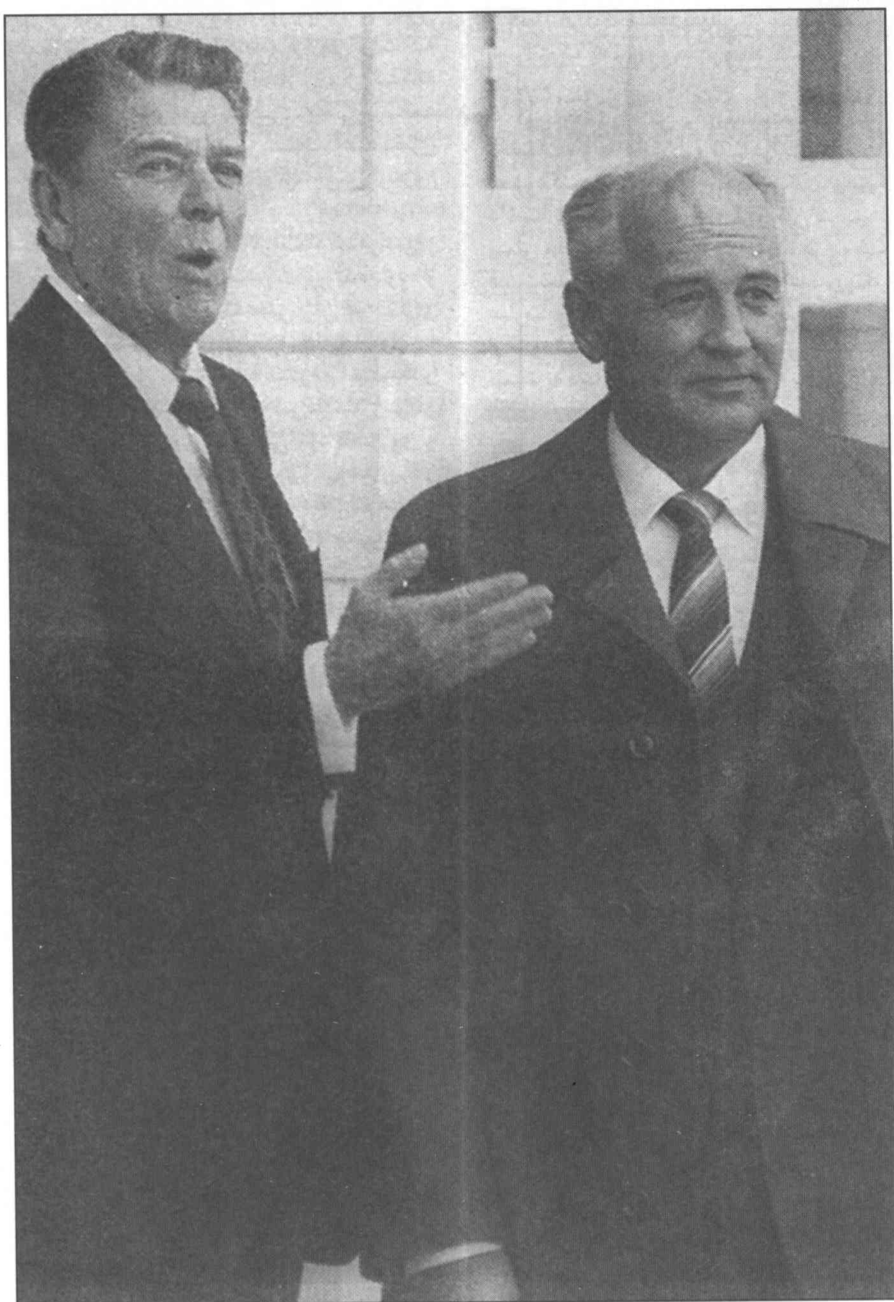
صدام حسین رئیس جمهور عراق



خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل



جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان



میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا





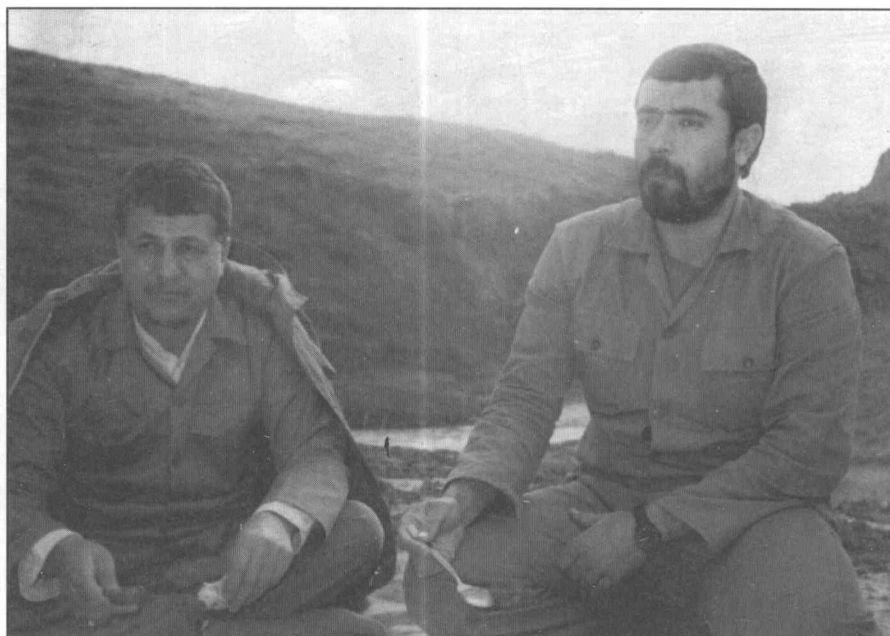


منطقه عملیاتی کردستان عراق



برف سنگین در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰





منطقه عملیاتی بیت المقدس۲

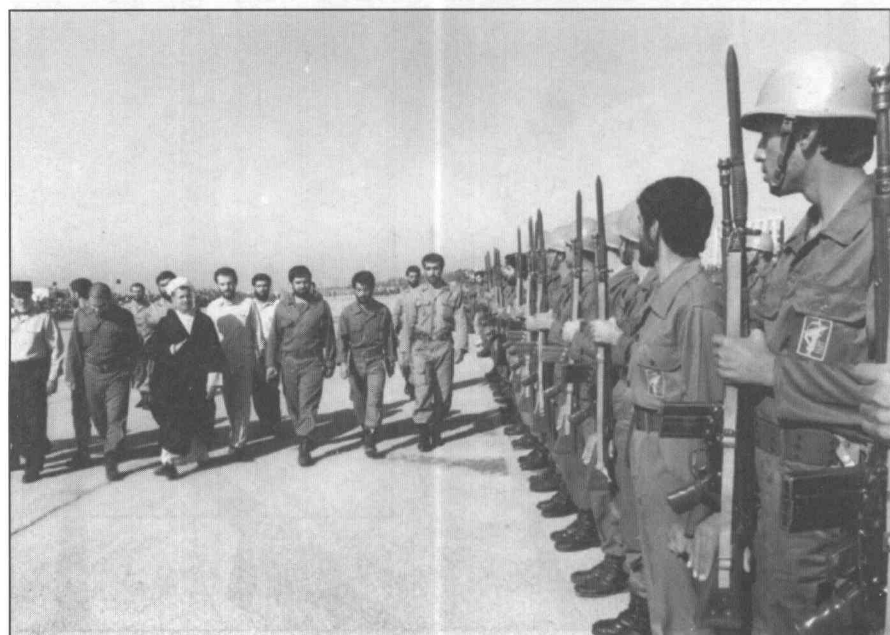




در کنار رزمندگان سلحشور جبهه حق علیه باطل










واعدوا لهم ما استطعتم من قوة



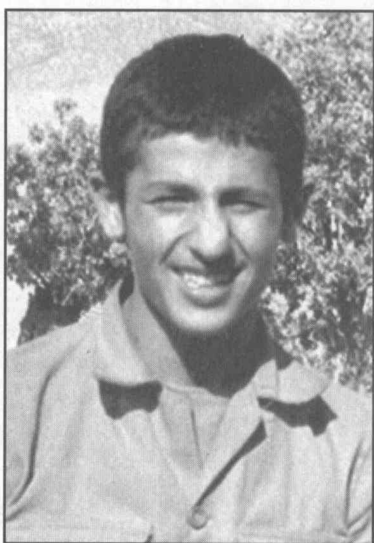
سیده عفت مرعشی



محسن هاشمی



یاسر هاشمی



مهدی هاشمی



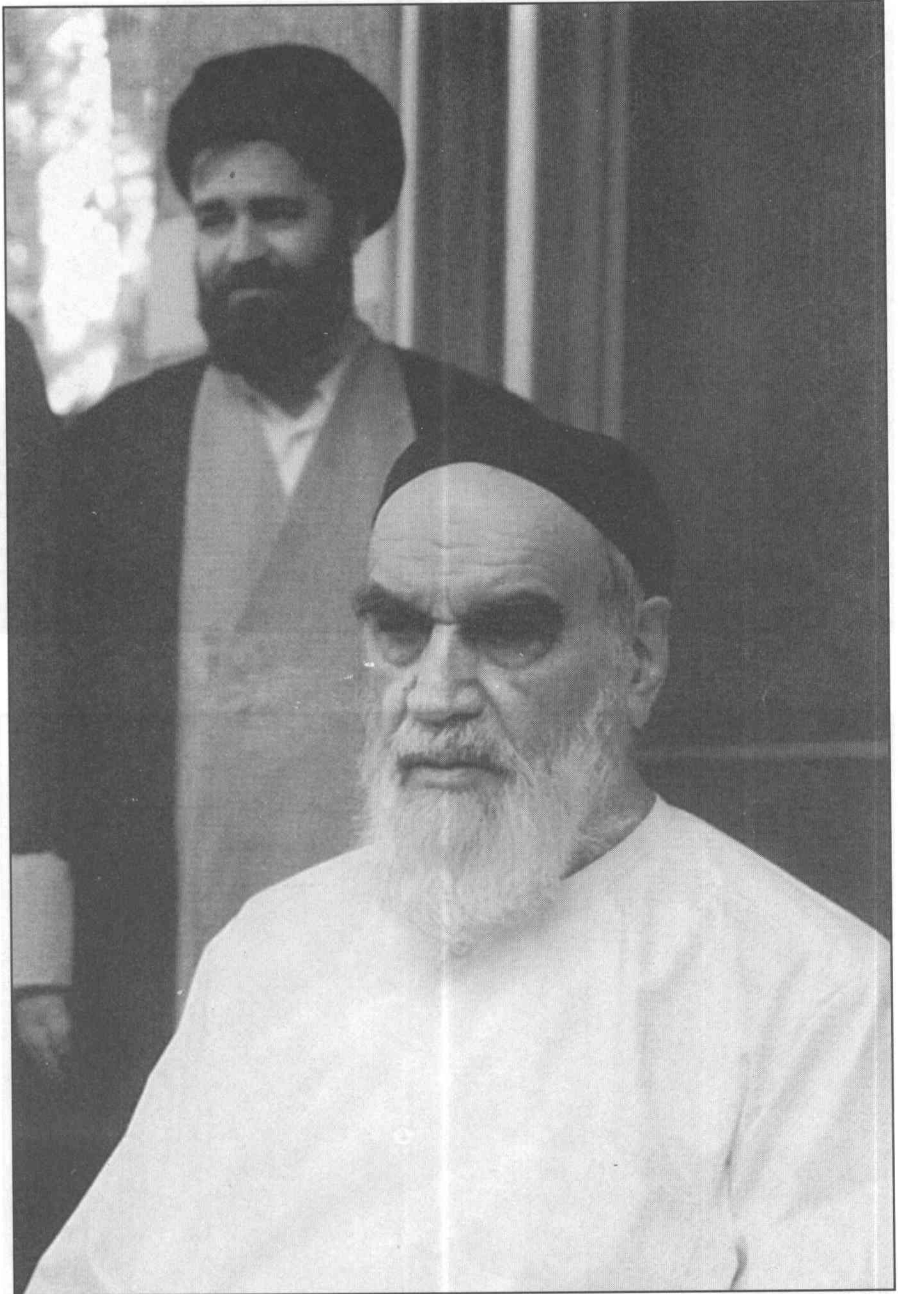
اقامه نماز جماعت با رزمندگان







اعضای شورای نگهبان

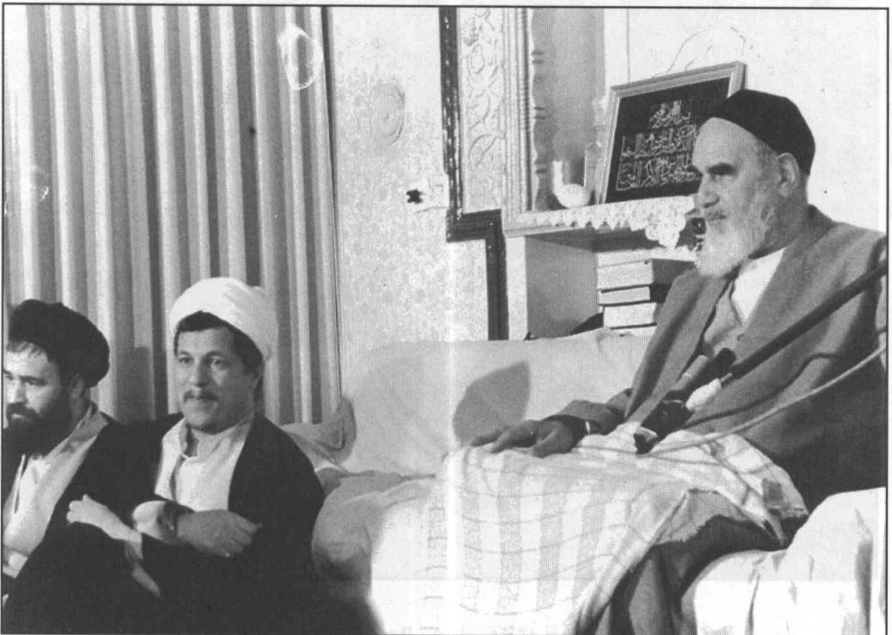


حضرت امام (ره) با فرزندش حاج سید احمد آقا

فرمانده جنگ در حال بررسی نقشه عملیات



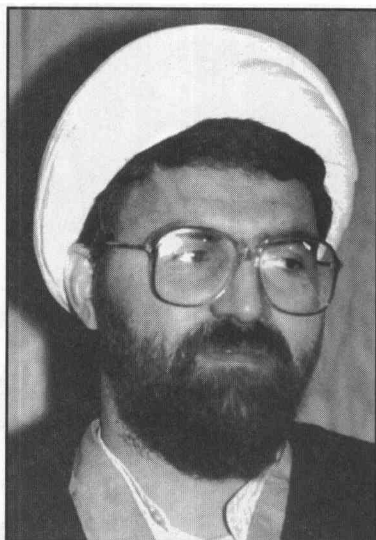
اتاق عملیات در جبهه‌های جنگ



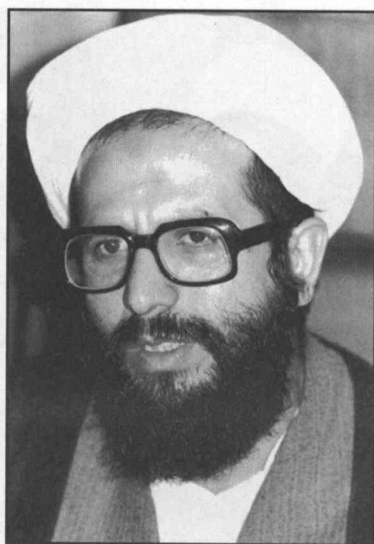
در محضر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی



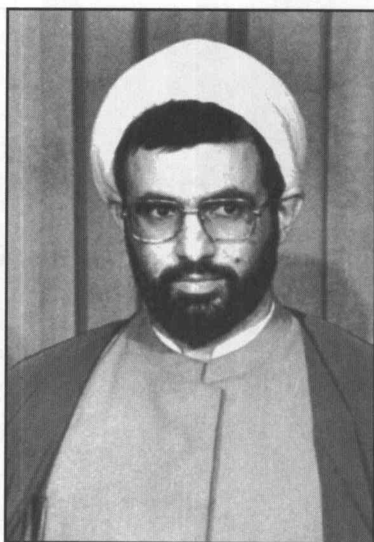
حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خامنه‌ای



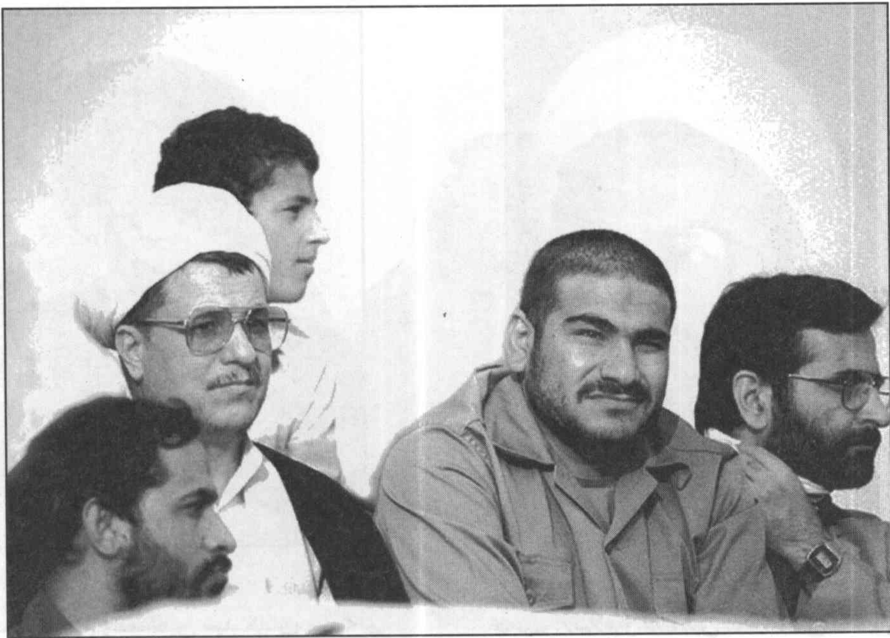
حجت الاسلام والمسلمین محمد علی رحمانی



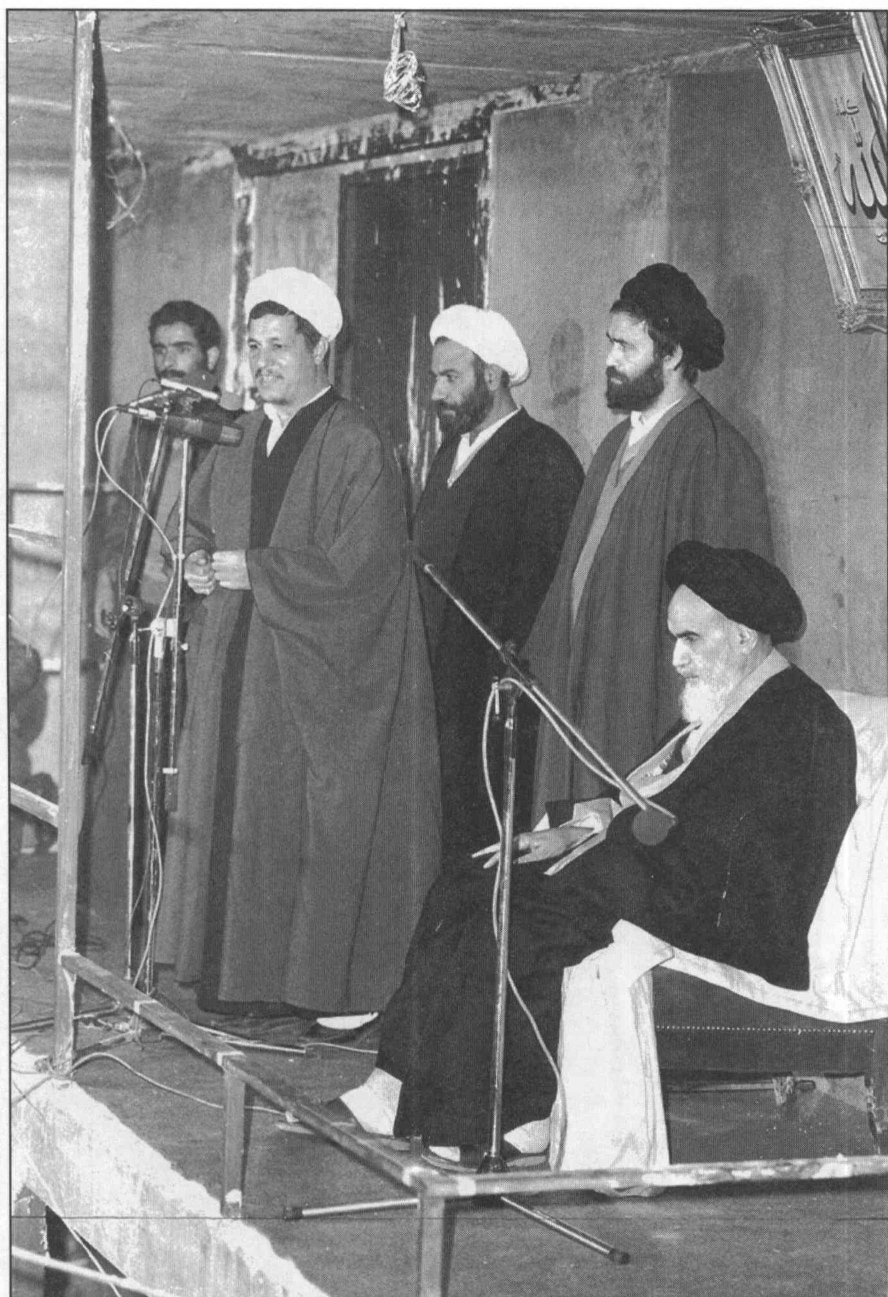
حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدی ری‌شهری

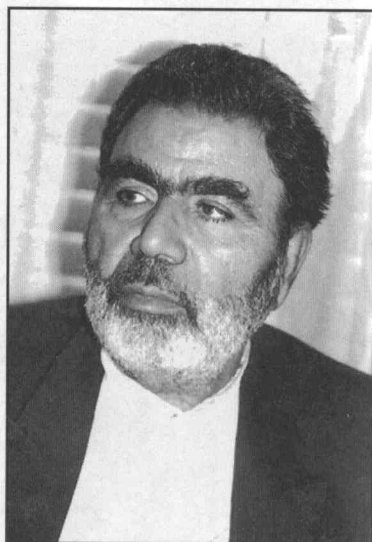


حجت الاسلام والمسلمین علی فلاحیان

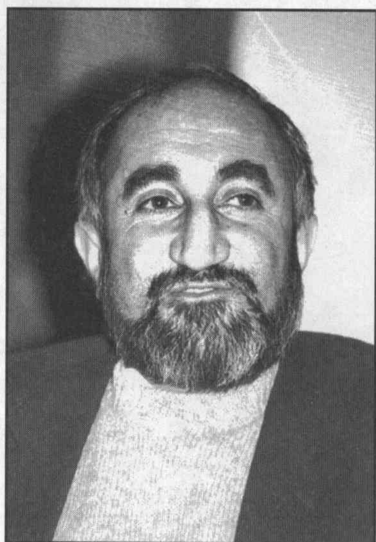

سید کمال خرازی، علی شمخانی، مهدی هاشمی و محسن رفیق‌دوست


رئیس جمهور و رئیس مجلس در کنار مقام عظمای ولایت

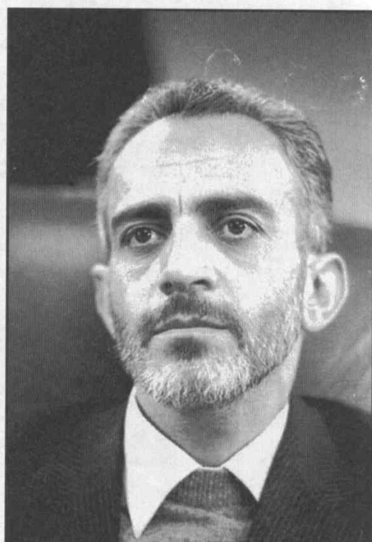




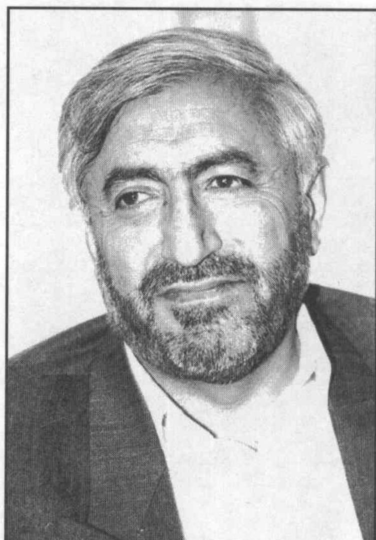
سیف الله وحید دستجردی



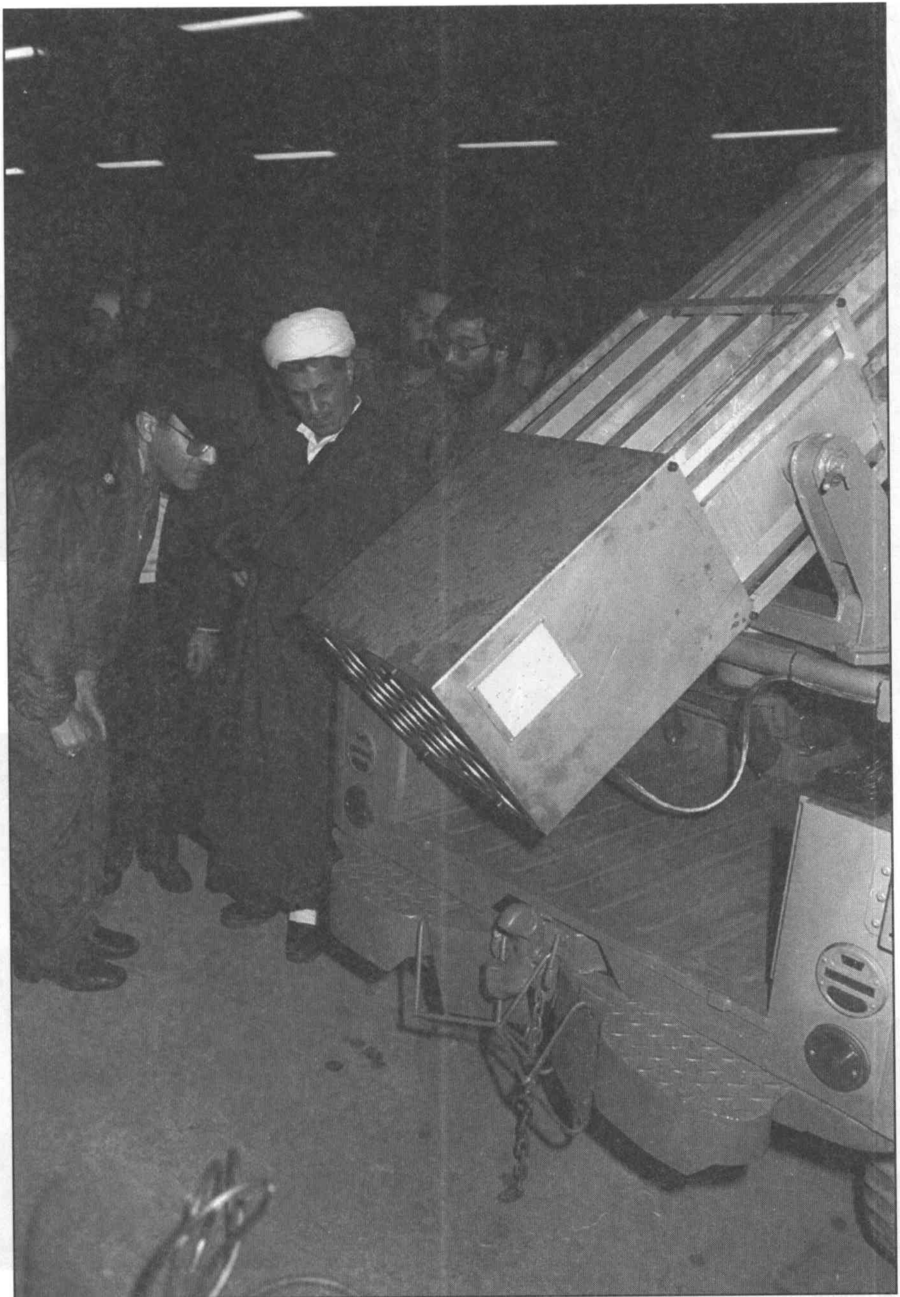
سعید رجائی خراسانی



سید کاظم اکرمی

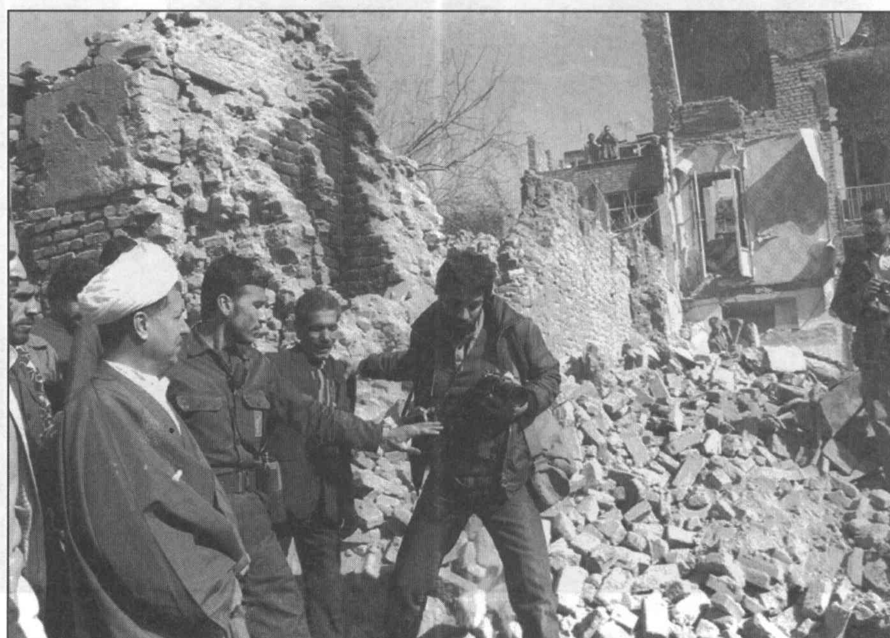


سید محمد غرضی

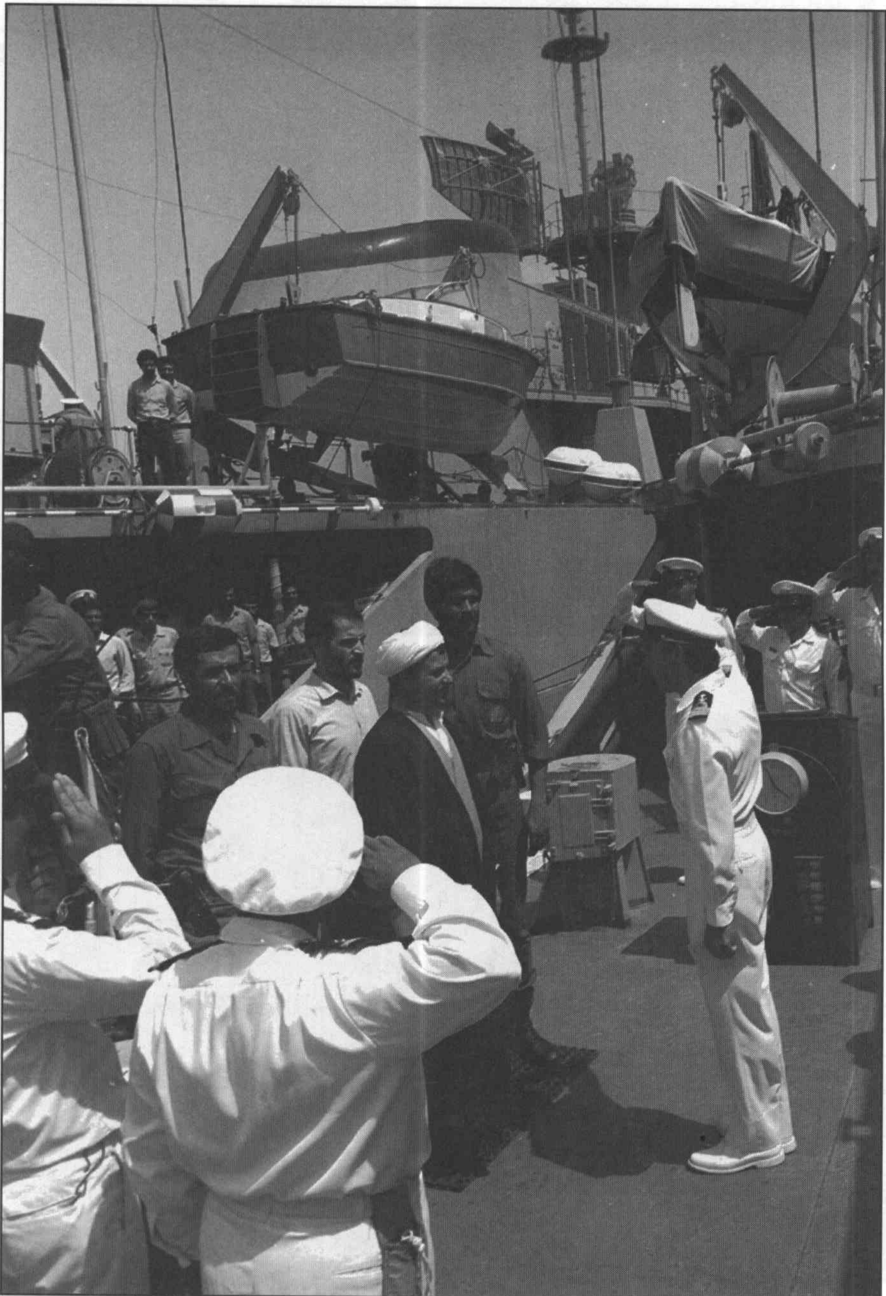


بازدید از پیشرفتهای صنایع دفاعی

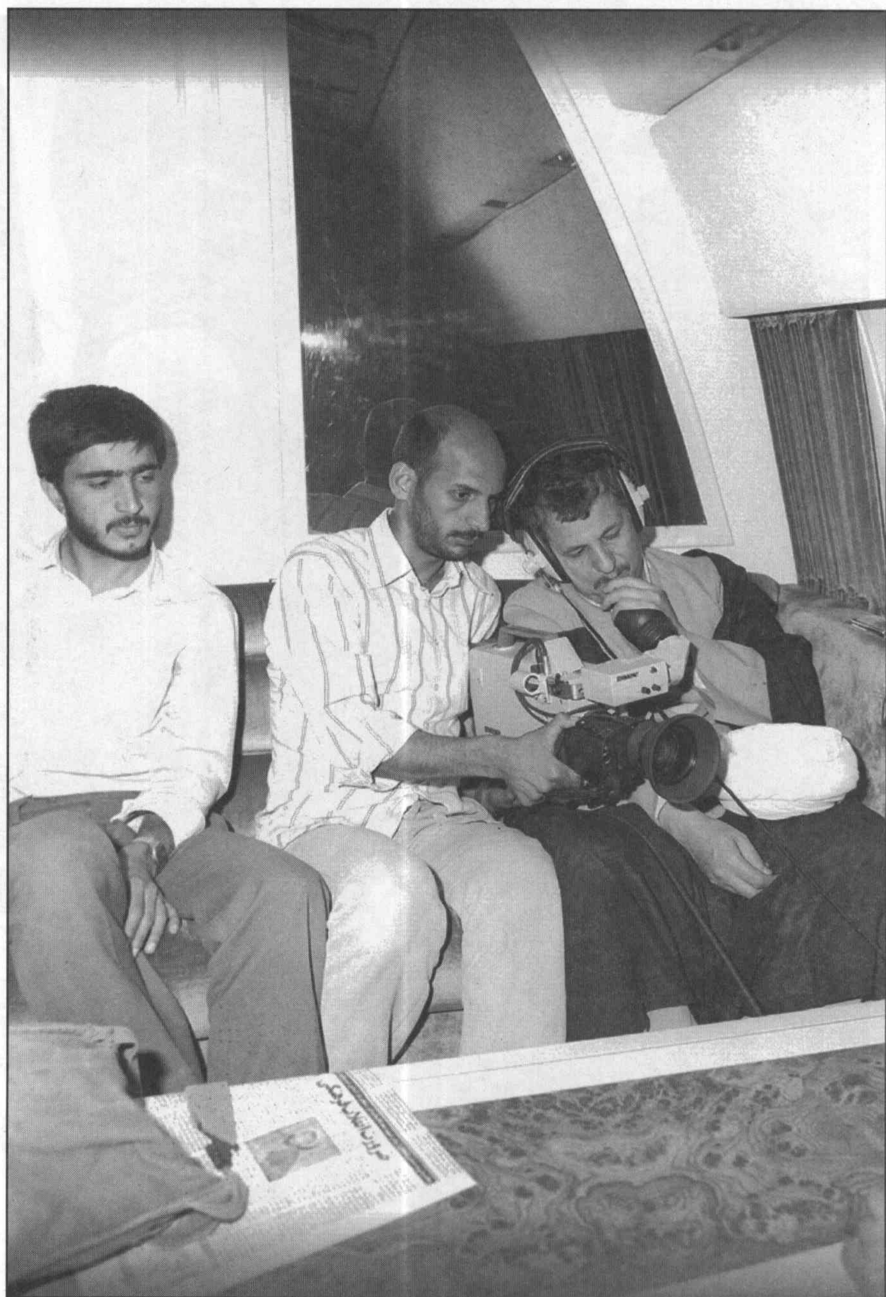




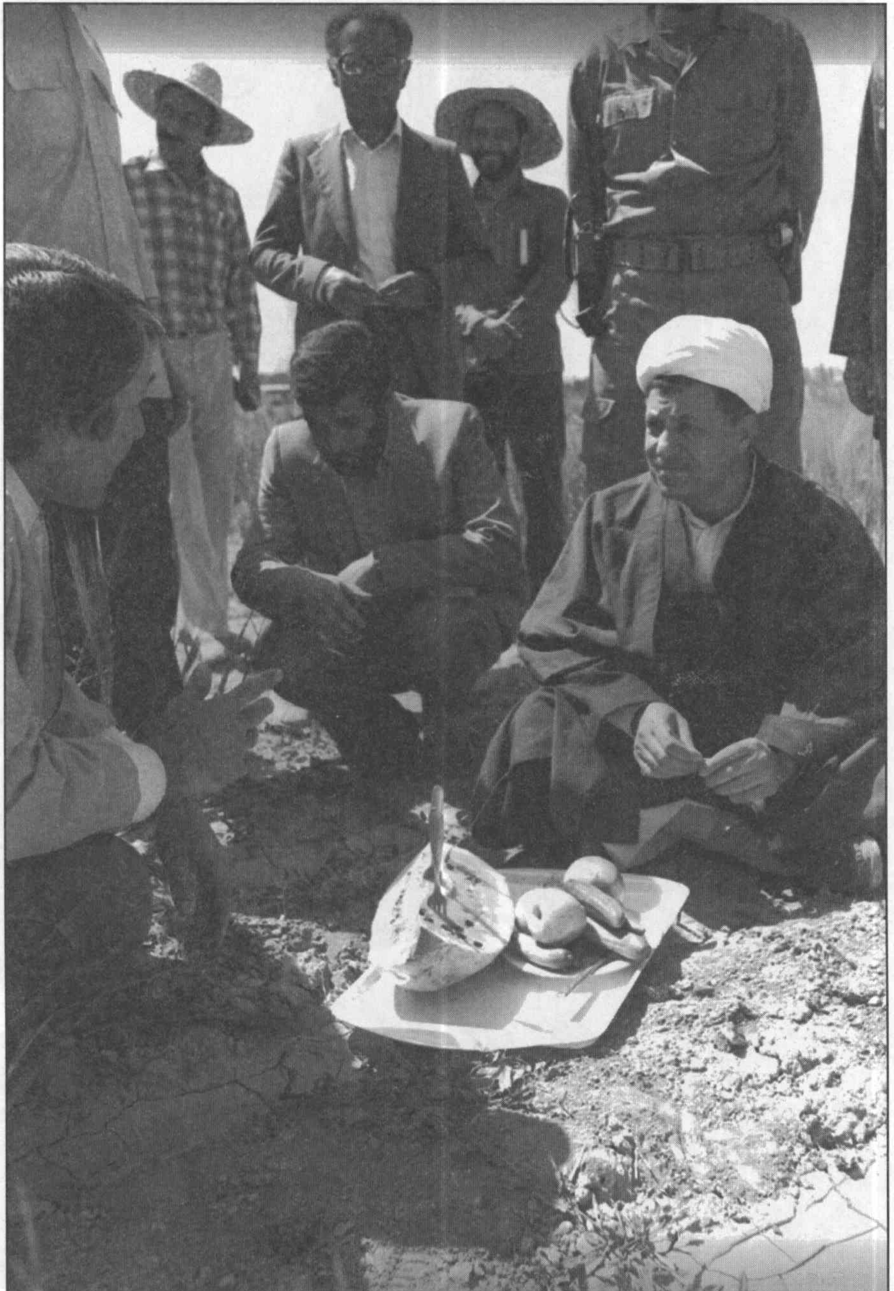
بازدید از مناطق موشک خورده تهران



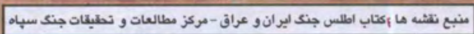
بازدید از ناو جنگی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی



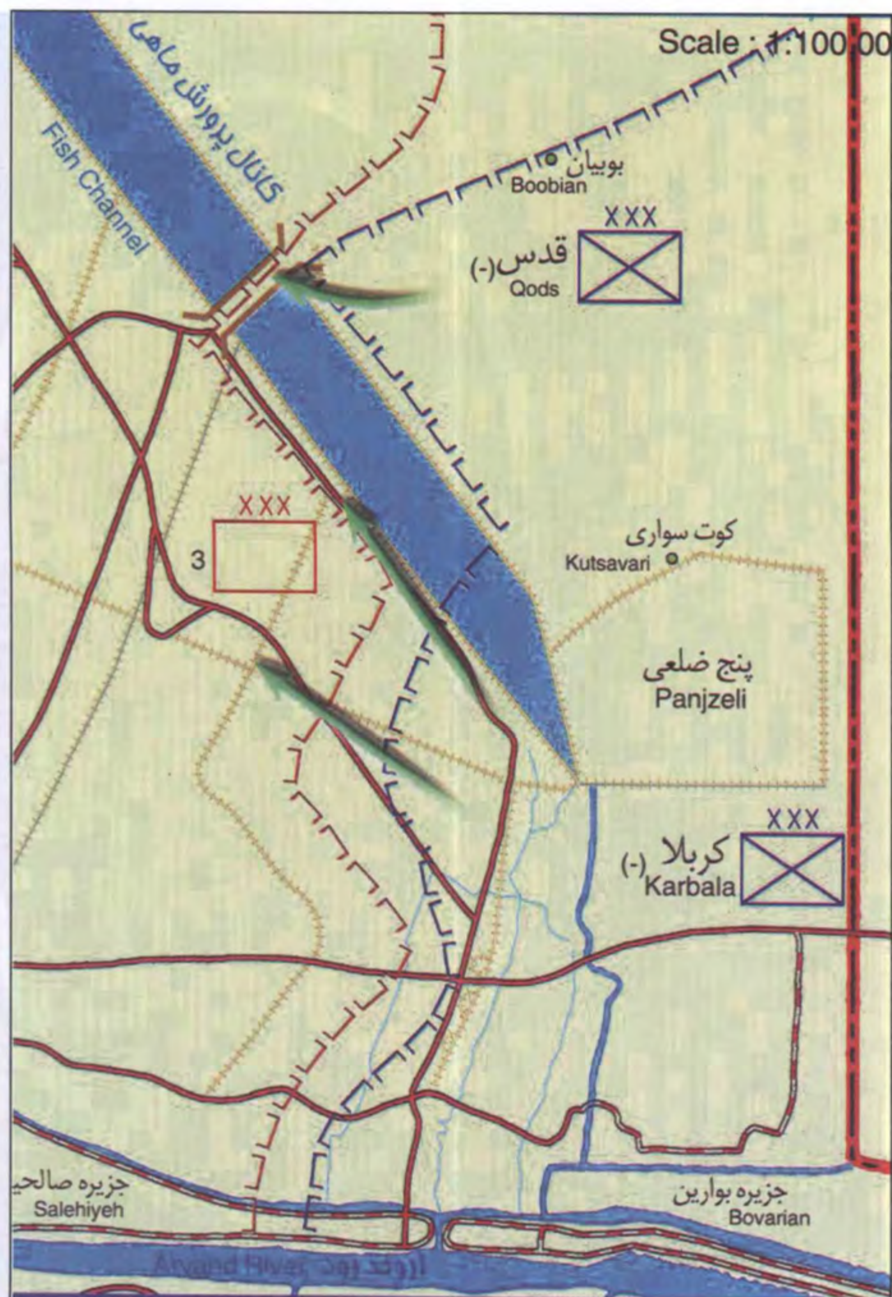
ضبط پیام رادیویی به رزمندگان اسلام در داخل هواپیما



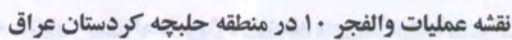
بازدید از مرکز تحقیقات کشاورزی کرج



نقشه عملیات کربلای ۱۰ در جبهه شمالی



نقشه عملیات کربلای ۸ در منطقه شلمچه - جبهه جنوبی



نقشه عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه کردستان عراق



نقشه عملیات بیت المقدس ۳ در منطقه ماووت کردستان عراق

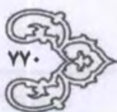
نقشه عملیات نصر ۸ در منطقه ماووت کردستان عراق



نقشه عملیات نصر ۴ در منطقه ماووت کردستان عراق



نقشه عملیات نصر ۷ در منطقه قلعه دیزه کردستان عراق

















مراحل تولید موشک مجتمع در صنایع دفاع جهاد سازندگی

نمایه 







